۶

علم مفاهیم شناسی در قرآن



نویسنده: رسول ملکیان اصفهانی

بسم الله الرحمن الرحیم

علم مفاهیم شناسی در قرآن

نویسنده:

رسول ملکیان اصفهانی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ---------- ۵

علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد ششم - حرف ج ---------- ۷

مشخصات کتاب ---------- ۷

مقدمه ---------- ۷

جادو از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۲۴

جاسوسی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۳۳۷

جالوت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۳۴۱

جامعه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۳۴۷

جان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۷۲۰

جانداران از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۷۳۰

جاودانگی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۷۳۶

جاه طلبان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۸۹۳

جاهل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۸۹۷

جایزه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۱۰۸۷

جبر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۱۰۸۹

جبرئیل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۱۱۲۶

جرایم از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۱۱۸۷

جزع از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۱۲۵۶

جزیره العرب از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۱۲۵۸

جزیه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۱۲۷۴

جعاله از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۱۲۸۰

جمادات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۱۲۸۸

جمعه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۱۲۹۲

جمعیت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۱۳۱۰

جن از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---- ۱۳۲۲
جنابت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---- ۱۶۰۳
جنایت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---- ۱۶۰۸
جنبندگان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---- ۱۶۱۰
جنسیت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---- ۱۶۲۷
جنگ از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---- ۱۶۳۴
جنگل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---- ۱۸۱۹
جنون از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---- ۱۸۲۲
جنین از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---- ۱۸۳۹
جو از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---- ۱۸۶۳
جوامع از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---- ۱۸۶۷
جوانان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---- ۱۸۹۶
جوانمردی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---- ۱۸۹۸
جوانی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---- ۱۹۰۴
جهاد از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---- ۱۹۱۷
جهان بینی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---- ۲۳۱۰
جهل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---- ۲۴۶۷
جهنم از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---- ۲۶۵۶
جهنمیان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---- ۳۳۶۷
درباره مرکز ---- ۳۵۹۳

علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد ششم – حرف ج

مشخصات کتاب

سرشناسه:رسول ملکیان اصفهانی،۱۳۴۴

عنوان و نام پدیدآور:علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد ششم – حرف ج/ رسول ملکیان اصفهانی

مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

تلفن همراه مولف : ۰۹۱۳۱۱۴۰۱۴۰

موضوع: علم – مفاهیم قرآنی

رده بندی کنگره : BP۶۵/۴آ/۵

رده بندی دیویی : ۳۷۲/۲۱ د۵۷۷آ ۱۳۹۰

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم

علم مفاهیم شناسی قرآن

۱–قرآن کتاب خداست که برای هدایت ناس وبشروانسان و مسلمان و مومنین و متقین نازل شده است ؛ و ازمعجزات جاویدان محسوب می شود ؛ چه انسانهای مومن و خدا جوئی که با معرفت و عمل به این کتاب آسمانی به سعادت رسیدند و چه دانشمندان بزرگی که درطول بیش از چهارده قرآن برای فهم و نشر معارف این کتاب کریم عمرخود را گذاشته اند. هرزمانی که ازاین کتاب می گذرد تازه هائی ازمعارف این کتاب الهی کشف می گردد و این جریان همچنان ادامه دارد. درپرتو این تلاشهای شایسته علومی زیادی ازمعارف و علوم قرآنی برای ما به یادگارباقی مانده است . که ازمهمترین آن می توان از تفسیرقرآن نام برد. این علم براساس مقدماتی ازعلوم است مثل مفردات قرآن.

شاید بتوان گفت علم مفاهیم شناسی قرآن حد واسط بین معنی کلمه (علم مفردات) و (علم تفسیر قرآن) است. علم مفاهیم شناسی قرآن یک علم جدیدی است که نه می توان علم مفردات قرآن آن را دانست زیرا فراترازآن است و نه می توان آن را علم تفسیرنامید زیرا اساسا با آن متفاوت است.

تفسیر به معنای «دانش تفسیر»، یعنی علمی که دارای ارکان مشهور علم (موضوع، مسائل، مبادی تصوری و تصدیقی) است و

تفسیر دارای موضوع، تعریف،هدف، فایده،

پیش انگاره ها (مبانی و مبادی) و ... است. ازاین رو، تفسیر از علوم مرتبط با قرآن به شمار می آید که بیش از هزار سال عمر دارد.

علم تفسیر به دانشی گفته می شود که انسان را با معانی و مقاصد آیات قرآن و منابع، مبانی، روش ها، معیارها و قواعد آن آشنا می سازد.

به عبارت دیگر، دانش تفسیر از چند بخش اساسی تشکیل می شود: ۱) مبانی تفسیر؛ ۲) قواعد تفسیر؛ ۳) منابع تفسیر؛ ۴) شرایط مفسر؛ ۵) سنجه های فهم تفسیر و معیارهای تفسیر معتبر؛ ۶) روش های تفسیری؛ ۷) گرایش ها (مکاتب) تفسیری.

موضوع علم تفسیر: آیات قرآن (سخنان الهی که در قالب وحی قرآنی بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است).

هدف دانش تفسیر: کسب توان استنباط صحیح از آیات قرآن.

فایده علم تفسیر: فهم مراد استعمالی (معانی آیات) و مراد جدّی خدا (مقاصد آیات).

۲–اگرمفاهیم قرآن خوب تبیین و توصیف شودمقدمه تفسیرخواهد شد و تفسیر قرآن از غنای بیشتری برخوردار خواهد شد. این دانش که مربوط به مجموعه دانشهای نوین زبانشناسی است می باشد . زبانشناسی بیشتر ناظر به کلام انسانی است که دردورهای مختلف شامل کلام های مقدس(کتابهای آسمانی) نیز شده است . زبان شناسی شامل: زبان شناسی نظری؛ آواشناسی ؛ واج شناسی ؛ واژه شناسی ؛ ساخت واژه ؛ نحو ؛ معناشناسی ؛ معناشناسی واژگانی ؛ معناشناسی آماری ؛ معناشناسی ساختاری ؛ سبک شناسی ؛ تجویز و توصیف ؛ کاربردشناسی ؛ زبانشناسی کاربردی ؛ اکتساب زبان ؛ زبان شناسی روان شناختی ؛ زبان شناسی جامعه شناختی ؛ زبان شناسی شناختی ؛ جامعه شناسی زبان ؛ زبان شناسی محاسباتی؛ زبان شناسی توصیفی ؛ زبان شناسی تاریخی ؛ زبان شناسی تطبیقی ؛ رده شناسی زبان ؛ دستور گشتاری ؛ریشه شناسی. و همچنین توجه به نظریات هرمنوتیک ومتودولوژی

می تواند تاثیرات خوبی درمباحث شناخت قرآن داشته باشد وفضاهای جدید تحقیقات قرآنی ایجاد نماید.

۳-اگر تفسیرما از پیشرفت مناسبی برخوردار نیست دلیل عمـده آن این است که روی مقدمات تفسیر کارهای اصلی صورت نگرفته است . این مسئله برای هرکس که باتفسیرقرآن آشنا باشد بدیهی است. برای روشن شدن زوایای پنهان و آشکارقرآن بیش از ده هزارکتاب نوشته شده است ولی می توان به جرات گفت مسلمانان و بشرهنوزبه صورت کامل ازاین ذخیره الهی بهره لازم را نبرده است و استخراجات لازم راازاین گنج الهی نکرده است.

۴-بعضی آیات قرآن قرنها از نظر تفسیری هیچ پیشرفتی نداشته است .و مثل آن است که تفاسیر از روی هم بازنویسی کرده اند و اگر حرف تازه ای هم زده شده است بیشتر جنبه فرقه ای و گرایشی داشته که اکثرا به تاویل آیات و یا بهتر بگوئیم تفسیر به رای شده است.چگونه می توان یک آیه و یا یک سوره را خوب تفسیرکرد در صورتی که زوایای آشکار و پنهان کلمات خوب کالبد شکافی نشده باشد. برای آشکارشدن این مدعی تفاسیرقرآن را براساس قرون طبقه بندی کرده و سیرپیشرفت معانی و مفاهیم و تفاسیرآیات را درآن براساس استاندارهای علمی و روش های نوین بررسی کنید.

۵-متاسفانه در زمان معاصر که به این مسئله مهم یعنی مفاهیم آیات کمی توجه شده است بعضی آن را با شرح لغت اشتباه گرفته اند وکتابهائی به همین نام تالیف شده است واسم کتاب خود را مفا هیم قرآن گذاشته اند و حال آنکه اصلا به مفاهیم نپرداخته اند و یک مقداربیشتر از حد معمول از ترجمه لغت فرارفته اند و دراین زمینه مراکز

قرآنی وعلمی را نیز به اشتباه انداخته اند.

۶-علم مفردات یا واژه شناسی در قرآن دانشی است که در باره تک واژ ه های قرآنی از نظر ریشه اشتقاق لغوی و دلالت آن بر معنای مطلوب مناسب و نوع کاربرد آن در قران بحث می کند بدین منظور که هرگاه شخصی معنای واژه های قرآنی را نمی داند با مراجعه به کتابهای لغوی مانند مفردات راغب می تواند معنا و ریشه موارد اشتقاقی و نوع کاربرد آن را بشناسد . و حال آنکه علم مفاهیم شناسی قرآن درباره یک واژه و معنای آن درتمام حالات علمی و ادبی درقرآن بحث می کند با این توضیح تفاوت عمده و عمیق علم مفردات با علم مفاهیم تا حدودی روشن شد.

علم مفردات شاخه های فراوانی دارد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

الف- دانش غریب القرآن

ب-معرب القرآن که در آن در مورد واژه هائی که از زبانهای دیگر به زبان قرآن وارد شده و به صورت عربی در آمده بحث می کند.

ج- اعراب القرآن در خصوص چگونکی اعراب الفاظ قرآن بحث می کند

د-مجازات قرآن انواع مجازهای به کار رفته در قرآن در این شاخه بحث می شود.

ه- وجوه و نظائر در قرآن

و بعضی دیگر از موضوعات علوم قرآن که بنوعی با مفردات قرآن سرو کار دارد.

دانشمندا ن بزرگی به تبیین واژه های قرآنی پرداخته اند و برخی از آنها کتابهائی را نیز تدوین نموده اند که تفصیل آنها در کتابهای رجال مانند : معجم الادباء ، تاریخ بغداد، فهرست ابن ندیم، اعلام زرکلی و .....آمده است.

برای آگاهی از این کتابها می توانید به مجله بینات

شماره هفت و نه مراجعه کنید که بیش از سیصد جلد کتاب معرفی شده است.

۷- مفاهیم قرآن به معنای تحقیق کامل و جامع در باره بنیان آشکارو نهان یک لغت است؛ وبررسی سابقه و شرح آن در کل مجموعه آیات قرآن است. و همچنین تمام کاربردهای علمی و ادبی آن را بررسی کردن است. واین تقریبا یک علم کاملا جدید درباره قرآن است. زیرا باید نقش یک مفهوم را در تمام قرآن درقالب یک کلمه و ارتباطات آن مشخص کرد.تحقیق درباره مفاهیم شناسی قرآن کارساده ای نیست وافراد باید صاحب تخصص های گوناگونی باشند. و بصورت گروهی کارکنند . مفهوم شناسی قرآن بعد ازآشنائی علوم ادبی و منطقی وفلسفی و عرفانی و تاریخی وفقهی و غیره برای محققین حاصل می شود. تازه این بررسی نقش یک کلمه و مفهوم درقرآن است ؛ حال آنکه اگرما خواستیم نقش مفهوم یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره را نسبت به یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه ویا یک سوره دیگربررسی کنیم ؛ ببینید چه نیروی انسانی دانشمند و چه سرمایه مالی هنگفت و چه تکنولوژی(ابررایانه) و امکانات نرم افزاری و علمی و سخت افزاری نیاز است. ولی به هرحال کاری است که باید درآینده نزدیک انشاء الله بشود.

۸-قران را می توان مثل قطعات متنوع هندسی (Magnets game) فرض کرد که به بی نهایت اشکال قابل تصوراست اگرشما به یک آجردریک ساختمان بسیاربزرگ و چند هکتاری توجه کنید و نقش این آجردرکل مجموعه را بررسی کنید یک تصورمفهومی بدست آورده اید که جایگاه ومعنای آن را درمنظومه

این ساختمان به شما نشان می دهد و تصور بود ونبود آن دراین منظومه به کل آن می تواند کمک کند و یا آسیب برساند. پس باید درنظرداشت هریک ازکلمات قرآن مفهومی دربردارد که باتمام کلمات و جملات قرآن ارتباط دارد ارتباطی که درطول تاریخ تفسیرقرآن کشف نشده است . و ازاین مبنا استنتاجات بسیاری می توان استخراج کرد که درلابلای بعضی از تفاسیر آمده است.

۹–البته شاید بتوان گفت مفاهیم قرآن یک رشته جدید در علوم و معارف قرآن است و مربوط به دوران معاصر است زیراکه بسیاری از علوم در حدود نیم قرن جدید تحولات جدی بخود گرفته اند. با استفاده ازابزارو امکانات جدید بویژه رایانه وبرنامه ریزی برای آن می توان به این علم دسترسی پیدا کرد. این علم بصورت رسمی هنوزوارد حوزه و دانشگاه نشده است و مطالب آن بصورت گسیخته درضمن مطالب دیگربیان می شود. هراستادی با توجه به شناخت نسبی خود از آن بحث می کند وبسیاری آن را بعنوان یک علم قرآنی نه می شناسند و نه قبول دارند. اینجانب بعد ازحدود سی سال آشنائی با علوم دینی و اسلامی وقرآنی و بعد تمرکزبرروی این موضوع (علم مفاهیم شناسی قرآن) وکشف آن در تفسیرشریف راهنما به این امرخطیرنائل شدم و خداوند رحیم افق نوردیدن آن را بمن نشان داد. و این چیزی بود که بصورت متفاوت در بعضی مکتوبات قرآنی با آن برخورد می کردم که خود داستانهای زیبا و دلنشینی دارد. خیلی دوست داشتم با قرآن مانوس باشم و روزانه چندین نوبت تلاوت داشته باشم ولی بعضی از مواقع یک کلمه و یا یک جمله قرآن و نقش آن

درکل قرآن فکرودل من را بخودش مشغول می کرد و ساعتها و روزها وقت مرا می گرفت و رهایم نمی کرد ؛ نمی توانستم از آن مفهوم کلمه و جمله و آیه دلم را جدا بکنم ؛ هرلحظه و زمانی که می گذشت رخ جدیدی از آن برایم کشف می شد ولی همیشه دوست داشتم یک راهی پیدا کنم که آن را به صورت علمی درمعرض دیگران قراردهم ؛ ولی عظمت کاروند‌اشتن ابزار و امکانات لازم من را از آن باز می داشت تا اینکه این توفیق نسبی برایم حاصل شد. و برای همین همیشه درحیرتم که قلب مقدس اشرف و اکرم واعظم انبیاء یعنی حضرت محمد مصطفی (ص) چگونه این حجم با عظمت معنوی را درسینه مبارکشان داشتند و آن را حمل می کردند. آری این کلمات و آیات الهی است که بی نهایت بارقابل استناد و استدلال و فیض جاری است و هنرنمائی می کند.کاری که ازعهده هیچ مجموعه و دستگاه علمی برنمی آید. کاریکه من انجام داده ام کاری است که اصل زحمت آن را دانشمندان اسلامی درتفسیرقیم راهنما انجام داد ه اند و من فقط آن را دیده و استخراج و تالیف کرد ه ام ؛ هرچند که قبل ازمن به این صورت کسی انجام نداده است.

۱۰–ازخوبیهای علم دردوران جدید این است که آنچه را درتصورذهن و یا کشف دل و یا توهم و یا خیال بود امروز می توان بصورت علم درآورد و به معرض نمایش و عموم گذاشت . شما نگاه کنید در زمان ما مسائلی حتی مثل طی الارض و روی آب راه رفتن ونامرئی شدن و صدها

نمونه از این دست به صورت علمی دسته بندی و طبقه بندی شده است. چه برسد به علومی که ازقواعد و ضوابط مثل تفسیرقرآن برخورداراست.

۱۱- بسیاری ازتفاسیر که دردوران قدیم نوشته شده است درمحدوده علم آموزی ودانش یک فرد و بسته به نوع کتابهای تفسیری و امکاناتی که دراختیارداشته و گرایش و هدفی که داشته است.درصورتیکه درزمان معاصرباید ازنوشتن تکراری و بیهوده این تفاسیرخودداری کرد و زیرنظرمجموعه ای ازاساتید ، تفسیرهمه جانبه نوشت.وحوزهای پژوهشی عظیمی به این امرمهم اختصاص یابد. امید است درآینده حوزه های علمی بزرگ و دانشگاههای بزرگ قرآنی درراستای آموزش و پژوهش های قرآنی بیش ازآن چیزی که امروزوجود دارد تاسیس شود.

۱۲- داشتن روش هدفمند و اصولی و رعایت آن درطول نگارش تفاسیرازنکات مهمی است که مفسرین باید رعایت کنند. زیرا مفسرین بزرگ قرآن بعضی ازموارد یک مفهوم را دریک جای قرآن به یک معنا گرفته اند و درجاهای دیگرقرآن از آن عدول کرده اند مثل آن است که یک جا در قرآن ما کلمه(صلوةَ) را به این شکل و درجاهای دیگرقرآن بصورت (صلاةَ) بنویسیم. اگرما توانستیم به معنای واقعی و مفهوم (روح) یا (امر) یا (امام) و ....درقرآن برسیم باید بااین ملاک واحد درکل قرآن به تحقیق بپردازیم.

۱۳-اگرخواستیم عظمت قرآن را درنظربگیریم باید اینطورتصورکرد که تمام عالم هستی دو بارتکرار شده است یکباربصورت عینی درعالم خارج و یکباربصورت مکتوب به صورت قرآن و اگرگفته عرفاء را به آن اضافه کنیم به این صورت استکه وجود انسان قرآنی (کامل) دو چهره دارد یکی به صورت عینی یعنی جهان خارج و دیگری بصورت مکتوب یعنی قرآن.

۱۴-قرآن کریم در آیه ی بیست و یکم

سوره ی حجر به سرچشمه و منبع موجودات و نزول معیّن آنها اشاره کرده، می فرماید:

(وَ إِن مِّن شَیْ ءٍ إِلَّا عِندَنَا خَزَآئِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ)

و هیچ چیزی نیست جز آن که منابعش نزد ماست؛ و [لی] جز به اندازه معیّن آن را فرو نمی فرستیم.

«خزائن» در اصل به معنای حفظ و نگه داری چیزی است و در اصطلاح به معنای محلی است که افراد، اموالشان را در آن گردآوری و حفظ می کنند.

این مفهوم در مورد انسان ها صادق است که قدرت محدود دارند و نمی توانند در هر عصری همه چیز را فراهم کنند، اما در مورد خدا تصور نمی شود.

پس خزاین الهی، یا به معنای «مقدورات الهی» است؛ یعنی همه چیز در منبع قدرت الهی جمع است و هر وقت بخواهد هر مقدار که لازم باشد ایجاد می کند و یا به معنای مجموعه ی اموری است که در عالم هستی و جهانِ ماده وجود دارند؛ مثل عناصر و اسباب، که در این مجموعه همه چیز فراوان است، اما هر موجود خاص آن به صورت محدود ایجاد می شود.

قرآن خداوند نیز ازهمین سنخ است که متصل به دریای بی کرانه وجود خداوند است و هروقت خداوند بخواهد مقداری از معنای آن را برای ما ایجاد می کند . و چهره کامل آن درزمان حکومت حضرت ولی عصر(عج) ظهور می کند. انشاء الله.

۱۵- قرآن کریم در آیه ی چهل و یکم سوره ی بقره با اشاره به رابطه ی قرآن با کتب آسمانی پیشین، چهار فرمان در مورد پاس داشت قرآن می دهد و می فرماید:

(وَآمِنُوْا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقاً لِمَا مَعَکُمْ وَلَا تَکُونُوا أَوَّلَ کَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآیَاتِی ثَمَناً قَلِیلًا وَإِیَّایَ فَاتَّقُونِ)

و به آنچه فرو

فرستادم (/ قرآن) ایمان آورید، در حالی که مؤید چیزی است که با شماست. و نخستین انکار کننده آن نباشید؛ و بهای اندک را با آیات من مبادله نکنید؛ و تنها (از عذاب) من (خودتان) را حفظ کنید.

خداونـد می فرمایـد قرآن را ارزان نفروشـید قـدروقیمت وعظمت آن را دریابیـد و برای رسـیدن به آن بهای لازم را بپردازیـد. هرآیه قرآن مثل عروسی بلند مرتبه ای است که تا بهای آن پرداخته نشود رخ نمی نماید بعضی ازموارد این بهاء به قیمت جان و حقیقت انسان است . کسانیکه خادم قرآن هستند باید همیشه این را مد نظرداشته باشند.

عروس حضرت قرآن نقاب آن گه براندازدکه دارالملک ایمان را مجرد یابد از غوغا

(سنائی)

–

۱۶– درایـن قسـمت برای اینکـه وظیفـه مـا نسـبت بـه قرآن مشـخص شـود سـخن رهـبرعظیم الشـان انقلاـب اسـلامی دردنیـای معاصرحضـرت امام خمینی(ره) را می آورم: (جلد بیسـتم صحیفه امام خمینی(ره)– صفحه ۹۱ تا ۹۳– پیـام به مردم زائران بیت الله الحرام به مناسبت ایام حج "مهجوریت حج ابراهیمی "):

(از انس با قرآن کریم ، این صـحیفه الهی و کتاب هدایت ، غفلت نورزند که مسـلمانان هر چه دارند و خواهند داشت در طول تاریـخ گذشـته و آینـده ازبرکات سـرشار این کتاب مقدس است . و از همین فرصت از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که تبیان کل شی ءاست و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تابیـده است ، غفلت نفرماینـد. این کتـاب آسـمانی – الهی که صورت عینی و کتبی جمیع اسـما و صـفات و آیات وبینات است

و از مقامات غیبی آن دست ما کوتاه است و جز وجود اقدس جامع من خوطب به از اسرار آن کسی آگاه نیست و به برکت آن ذات مقدس و به تعلیم او خلص اولیای عظام دریافت آن نموده اند و به برکت مجاهدات و ریاضتهای قلبیه ، خلص اهل معرفت به پرتوی از آن به قدر استعداد و مراتب سیر بهره مند شده اند و اکنون صورت کتبی آن ،که به لسان وحی بعد از نزول از مراحل و مراتب ، بی کم و کاست و بدون یک حرف کم وزیاد به دست ما افتاده است ، خدای نخواسته مباد که مهجور شود و گر چه ابعاد مختلفه آن و در هر بعد مراحل و مراتب آن از دسترس بشر عادی دور است لکن به اندازه علم ومعرفت و استعدادهای اهل معرفت و تحقیق در رشته های مختلف ، به بیانها و زبانهای متفاوت نزدیک به فهم از این خزینه لایتناهای عرفان الهی و بحر مواج کشف محمدی -صلی الله علیه و آله و سلم - بهره هایی بردارند و به دیگران بدهند و اهل فلسفه و برهان بابررسی رموزی که خاص این کتاب الهی است و با اشارات از آن مسائل عمیق گذشته ،براهین فلسفه الهی را کشف و حل کرده ، در دسترس اهلش قرار دهند. و وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی رشحه و جرعه ای از آنچه قلب عوالم از "ادبنی ربی " دریافت فرموده ، برای تشنگان این کوثر به هدیه آورند و آنان را مودب به آداب الله تا حد میسور نمایند. و متقیان تشنه هدایت بارقه

ای از آنچه به نور تقوا از این سرچشمه جوشان هدی للمتقین هدایت یافته اند، برای عاشقان سوخته هدایت الله به ارمغان آورند. و بالاخره هر طایفه ای از علمای اعلام و دانشمندان معظم به بعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن رابرآورند و در ابعاد سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی ، نظامی ، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند تا معلوم شود این کتاب سرچشمه همه چیز است ؛ از عرفان و فلسفه تاادب و سیاست ، تا بیخبران نگویند عرفان و فلسفه بافته ها و تخیلاتی بیش نیست وریاضت و سیر و سلوک کار درویشان قلندر است ، یا اسلام به سیاست و حکومت و اداره کشور چه کار دارد که این کار سلاطین و روسای جمهور و اهل دنیاست . یا اسلام دین صلح و سازش است و حتی از جنگ و جدال با ستمکاران بری است . و به سر قرآن آن آورند که کلیسای جاهل و سیاستمداران بازیگر به سر دین مسیح عظیم الشان آوردند.

هان ای حوزه های علمیه و دانشگاههای اهل تحقیق ! بپاخیزید و قرآن کریم را ازشرجاهلان متنسک و عالمان متهتک که از روی علم و عمد به قرآن و اسلام تاخته ومی تازند، نجات دهید. و اینجانب از روی جد، نه تعارف معمولی ، می گویم از عمر به بادرفته خود در راه اشتباه و جهالت تاسف دارم . و شما ای فرزندان برومند اسلام ! حوزه ها ودانشگاهها را از توجه به شئونات قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن

بیـدار کنیـد. تـدریس قرآن در هر رشـته ای از آن را محط نظر و مقصـد اعلای خود قرار دهید. مبادا خدای ناخواسـته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد از کرده ها پشیمان و تاسف برایام جوانی بخورید همچون نویسنده .

باید بدانیم حکمت آنکه این کتاب جاوید ابدی که برای راهنمایی بشر به هر رنگ و ملیت و در هر قطب و قطر، تا قیام ساعت نـازل گردیـده اسـت ، آن است که مسائـل مهم حیـاتی را چه در معنویـات و چه در نظـام ملکی زنـده نگه دارد و بفهمانـد که مسائل این کتاب برای یک عصر و یک ناحیه نیست .)

۱۷- منطق شیوه ی تفکر صحیح را می آموزد حال اگر کسی بخواهد اندیشه ها و تفکرات خود را به دیگری منتقل کند. یعنی بخواهد از آنچه در ذهن خودش می گذرد دیگری را آگاه سازد ناچار از سـخن اسـتفاده می کند، یعنی الفاظ را برای افاده ی مقصود خود به کار می برد.

مردم عادی چنین می پندارنـد که انسان نخست می اندیشـند سـپس اندیشه های خود را در قالب الفاظ بر زبان می آورد. اما با کمی دقت نظر معلوم می شود که اساساً تفکر بـدون اسـتعمال الفـاظ امکان پـذیر نیست. حتی وقتی که آدمی لب را از سـخن فروبسـته و به انـدیشه فرورفته باشـد، بـاز در واقع بـا یک سلسـله الفاظ مخیّل به تفکر می پردازد و به قول حکما، گویی با خود «حدیث نفس» یا نجوا می کند، به همین جهت است که تفکر و تعقل را نطق باطن می نامند (در مقابل نطق ظاهر

که با الفاظ مسموع انجام می یابد) پرورش ذهنی و فکری آدمی و از قوه به فعل درآوردن استعدادهای معرفتی او جز به کار بردن لفظ امکان پذیر نیست. پس زبان اولاً توأم و همراه با اندیشه های درونی آدمی است. ثانیاً موجب انتقال دانش و فرهنگ و تمدن به دیگران است و آموزش و پرورش بدون استعانت از آن امکانپذیر نیست. همین نیاز مبرم آدمی به زبان موجب شده است که به وضع الفاظ بپردازد و در برابر هر معنایی لفظی را که نمایانگر آن معنی باشد قرار دهد.

چنانکه معلوم است هر لفظ مسموع صوتی است که در هوا پخش می شود و به سرعت محو می گردد. یعنی علامتی است فرار و ناپایدار که عمرآن لحظه ای بیش نیست و فقط هنگام رویارویی با دیگران بکار می رود. اما آدمی مایل است افکار و اندیشه ها و خواسته های خود را به مکانهای دور دست و به آیندگان و کسانی که با او رویاروی نیستند نیز برساند. به همین جهت به وضع الفاظ بسنده نکرده و یک سلسله علایم دیگر نیز وضع کرده که همان خط یا علایم مکتوب یا الفباست. علایمی به مراتب پایدارتر و ثابت تر از الفاظ، این علائم مکتوب را نشان و دال بر الفاظ قرار داده است.

بنابراین علایم مکتوب یا خط یا وجود کتبی دلالت بر حفظ، یعنی اصوات معین ، دارد. به عبارت مختصرتر وجود کتبی دال بر وجود لفظی است ، همانطور که وجود لفظی دال بر معنای ذهنی است و معنای ذهنی دال بر شیء خارجی.

وجود کتبی (علایم کتبی یا خطی) — وجود لفظی

(علایم ملفوظ یعنی اصواتی که با اتکاء به مخارج حروف از دهان خارج می شود) – وجود ذهنی (معنی ذهنی یا صورت ذهنی) – وجود عینی (وجود خارجی یا شی خارجی)

به عبارت موجزتر شیء دارای چهار نحوه وجود است. وجود عینی و وجود ذهنی و وجود لفظی و وجود کتبی . از آنجا که نقش الفاظ در تفکرات آدمی تا این درجه است. منطق دانان در آغاز منطق مبحثی را نیز به الفاظ اختصاص می دهند و البته بحث آنها از الفاظ بحثی است بسیار کلی به نحوی که کم و بیش شامل همه زبانها می شود. بر خلاف بحث علمای دستورزبان که اختصاص بزبانی معین دارد.(علم منطق – رشته های نظری و علوم انسانی و معارف اسلامی)

براین اساس وجود لفظی و کتبی را اعتباری و وجود ذهنی و عینی را حقیقی می دانند.

اگربراین مبنا به قرآن رانگاه کنیم؛ فعالیتهای علمی و قرآنی ما ازچهارحالت خارج نیست:

الف–وجود لفظی قرآن که شامل روخوانی ؛ روان خوانی ؛ تندخوانی؛ صوت ولحن؛ علم تجوید ؛ انواع قرائات قرآنی؛ حفظ ظاهری قرآن؛و تمام فعالیتهائی که دراین حوزه لفظی قرآن می شود.

ب–وجود کتبی قرآن که شامل انواع رسم الخط ونوشتن قرآن ؛ چاپ قرآن؛ تمام کارهای هنری مربوط به قرآن.

ج–وجود ذهنی قرآن یعنی آنچه درذهن مردم مسلمان یا جامعه بشری یا مفسرومحقق قرآن وجود داردو بر روی آن تدبرو تفکرمی کند و آن را نشر وارائه می دهد.و شامل تمام تفاسیر و معارف و علوم قرآنی می شود.

د–وجود عینی قرآن که به دوصورت جلوه می کند یا بصورت فردی که دریک انسان قرآنی درخارج مصداق پیدا می کند و

حقیقی ترین آن امام معصوم است که واقعیت قرآن و مظهرعینی کامل قرآن درعالم خارج است و قرآن ناطق است و درزمان ما حضرت امام ولی عصر(عج) می باشد ویا بصورت جمعی تجلی و ظهورپیدا می کند که جامعه اسلامی و قرآنی و حکومت اسلامی مهدویت است که انشاء الله درآینده ما شاهد و عامل آن خواهیم بود.

به هرحال هرکس که عالم وخادم قرآن باشد بصورت حصرعقلی ازیکی ازاین چهارقسم خارج نیست ؛ و کسیکه درحوزه علم مفاهیم شناسی قرآن فعالیت و تحقیق و مطالعه می کند دربخش سوم (وجود ذهنی) جایگاه می یابد ووقتی درعرصه نشرمکتوب می پردازد درجایگاه دوم (وجود کتبی) فعال است.

اگربخواهیم توضیح مفصل دهیم که علم مفاهیم قرآن شناسی چیست ؟ باید کتابهای مستقلی تالیف گردد ؛ که امیدواریم این مهم درآینده نزدیک انجام گیرد.

۱۷-ما در اینجا براساس امکانات و ابزار و نرم افزارهای علمی بیش ازهزارتا از کلمات قرآن را مفهوم شناسی وبراساس حروف الفبا استخراج کرده ایم ؛ باشد که انشا ء الله در آینده این علم(مفهوم شناسی قرآنی) توسعه لازم را بنماید. از بین تفاسیرتفسیرراهنما را ملاک قرارداده ایم که نسبت به تمام تفسیرهای قرآن بعضی ازاستاندارهای لازم را دارد که می توانید ویژگیهای آن را درمقدمه آن تفسیرشایسته و مهم بخوانید. باید توجه داشت که بعضی ازکلمات مشترک لفظی و بعضی ازآنها مشترک معنوی می باشند ؛ وتعدادی ازکلمات نیز عربی وفارسی می باشد ؛ برای همین کسی که می خواهد مفهومی را بررسی کند لازم است یکدورفهرست کلمات را بررسی کند. . این مجموعه کتاب مفاهیم شناسی قرآن بیشتربرای محققین و پژوهشگران قرآنی و کسانیکه

می خواهند پایان نامه حوزوی و دانشگاهی تالیف کنند ویا علاقه به مباحث عمیق قرآنی هستند می باشد.

حوزه علمیه اصفهان

رسول ملکیان اصفهانی

جادو از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جادو

آثار استفاده از جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۲۰

۲۰ - به کارگیری سحر و سوء استفاده از آن آدمی را به ورطه کفر می کشاند .

إنما نحن فتنه فلاتکفر

آثار تعلم جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۴۱

۴۱ - یهود در عین آگاهی به اینکه فراگیری سحر موجب محروم شدن آنان از همه مواهب اخروی خواهد شد ، به آموزش آن پرداختند .

و لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الأخره من خلق

<خلاق> به معنای بهره وافر و نصیب نیکوست. نکره بودن کلمه <خلاق> به همراه <من> زایده، دلالت بر قلت دارد و ظاهر آن است که ضمیر در <علموا> به یهودیان بر می گردد.

آثار تعلم جادوی زیانبار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۴۳

۴۳ - یهودیان با آموزش سحر های زیان آور ، خویشتن را تباه و بهای بدی را کسب کردند .

ماله فی الأخره من خلق و لبئس ماشروا به أنفسهم

آثار جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۱ - ۱۱

۱۱ سحر ، عامل فساد است و ساحران اهل فسادند .

ما جئتم به السحر . .. إن اللّه لایصلح عمل المفسدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ -

۱۰ - سِحر ، حقیقت اشیا را تغییر نمی دهد .

یخیّل إلیه من سحرهم أنّها تسعی

آثار جادو با ترشحات دهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۴ - ۲

۲ - دمیدن در گره ها و رساندن ذرّات آب دهان به آن به شکلی خاص ، نوعی جادو و دارای آثاری نامطلوب بر انسان است .

و من شرّ النفّثت فی العقد

آثار جادو با گره زدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۴ - ۲

۲ - دمیدن در گره ها و رساندن ذرّات آب دهان به آن به شکلی خاص ، نوعی جادو و دارای آثاری نامطلوب بر انسان است .

و من شرّ النفّثت فی العقد

آثار روانی جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۸

۸ - سِحر ، دارای تأثیر و نفوذ بر قوای ادراکی و قوه مخیله

یخیّل إلیه من سحرهم

آثار سوء استفاده از جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۴۰

۴۰ - کسانی که علم سحر را برای سوء استفاده و ضرر رسانی فراگیرند ، از مواهب آخرت محروم خواهند شد .

و لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الأخره من خلق

ضمیر مفعولی در <اشتراه> به <ما یضرهم و لاینفعهم> - که مراد آن سحرهای زیان آور است - بر می گردد.

ابطال جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۴ - ۶

۶ - خداوند ، توانا بر ابطال

سحر و بی اثر کردن نَفَس جادوگران

و من شرّ النفّثت فی العقد

احکام جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۳۴،۳۶

۳۴ - رساندن زیان به مردم با اعمال سحر و نیز آموختن آن به انگیزه مفسده جویی ، حرام و گناهی در حد کفر است .

فلا تکفر فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجه . .. و یتعلمون مایضرهم و ل

۳۶ - جواز فراگیری و به کارگیری علم سحر در جهت منافع مردم

یتعلمون مایضرهم و لاینفعهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۹ - ۹

۹ - سِحر ، کاری نامشروع و پرهیز از آن ضروری است .

کید سحر و لایفلح الساحر حیث أتی

مکر بودن سحر و بسته بودن راه موفقیت بر ساحر که در این آیه بیان گردیده است بیانی کافی بر مشروعیت نداشتن و مجاز نبودن آن است.

اختلاف افکنی با جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۲۸

۲۸ - جدایی انداختن بین زن و شوهر به وسیله سحر ، گناهی در حد کفر است .

إنما نحن فتنه فلا تکفر فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجه

استغفار از جادو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۳ – ۸

۸ – سِحر و ساحری ، گناهی نیازمند توبه و مغفرت خداوند

لیغفر لنا . .. و ما أکرهتنا علیه من السحر

نیازمندی سحر و ساحری به غفران الهی، نشان از گناه بودن آن دارد، اشاره

ساحران به اکراهی بودن آن، نوعی اعتذار از صدور آن گناه، برای جلب مغفرت الهی است.

استفاده از جادو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۲ – ۳۶

۳۶ – جواز فراگیری و به کارگیری علم سحر در جهت منافع مردم

یتعلمون مایضرهم و لاینفعهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۵۸ – ۱

۱ – فرعون برای مقابله با موسی (ع) به وسیله سحر مصمم شد .

فلنأتینک بسحر مثله

<لنأتینّک> حاوی لام تأکید و نون تأکید ثقلیه است و بر اعلان تصمیم قطعی فرعون برای مقابله با موسی(ع) دلالت می کند.

استمداد فرعون از جادو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۷۹ – ۴

۴ فرعون ، برای مبارزه با موسی و هارون (ع) به سحر و جادو متوسل شد .

و قال فرعون ائتونی بکل سحر علیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۶۰ – ۳

۳ – تهیه و تدارک برای ارائه سِحری بزرگ در برابر موسی (ع) ، از حیله های فرعون

فلنأتینک بسحر .. فجمع کیده

اضرار با جادو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۲ – ۳۴،۴۰

۳۴ – رساندن زیان به مردم با اعمال سحر و نیز آموختن آن به انگیزه مفسده جویی ، حرام و گناهی در حد کفر است .

فلا تکفر فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجه . .. و یتعلمون مایضرهم و ل

۴۰

- کسانی که علم سحر را برای سوء استفاده و ضرر رسانی فراگیرند ، از مواهب آخرت محروم خواهند شد .

و لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الأخره من خلق

ضمیر مفعولی در <اشتراه> به <ما یضرهم و لاینفعهم> - که مراد آن سحرهای زیان آور است - بر می گردد.

افساد با جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۳۴

۳۴ - رساندن زیان به مردم با اعمال سحر و نیز آموختن آن به انگیزه مفسده جویی ، حرام و گناهی در حد کفر است .

فلا تکفر فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجه . .. و یتعلمون مایضرهم و ل

اقسام جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۳۳

۳۳ - برخی از سحر ها ضرر آفرین و بعضی سودمند است .

یتعلمون مایضرهم و لاینفعهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۴ - ۲

۲ - دمیدن در گره ها و رساندن ذرّات آب دهان به آن به شکلی خاص ، نوعی جادو و دارای آثاری نامطلوب بر انسان است .

و من شرّ النفّثت فی العقد

اهل بابل و جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۱۵،۲۴،۲۵،۳۲

۱۵ – هاروت و ماروت به مردمان بابل سحر می آموختند .

و ما أنزل علی الملکین . .. و ما یعلمان من أحد

۲۴ – مردم بابل از هاروت و ماروت سحری را آموختند که بتوانند با آن بین زن و شوهرش

جدایی افکنند .

فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجه

۲۵ – نقش مردم بابل در رواج علم سحر

فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجه

۳۲ – مردم بابل از هاروت و ماروت سحرهایی را فرا گرفتند که نتیجه ای جز ضرر برای آنان نداشت .

یتعلمون مایضرهم و لاینفعهم

اهمیت اجتناب جادو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۶۹ – ۹

۹ – سِحر ، کاری نامشروع و پرهیز از آن ضروری است .

کید سحر و لایفلح الساحر حیث أتی

مکر بودن سحر و بسته بودن راه موفقیت بر ساحر که در این آیه بیان گردیده است بیانی کافی بر مشروعیت نداشتن و مجاز نبودن آن است.

بطلان جادو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۷۶ – ۷

۷ سحر و جادوگری ، باطل و عاری از حقیقت است .

فلما جاءهم الحق من عندنا قالوا إن هذا لسحر مبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۷ – ۹

۹- سحر ، از مقوله باطل

قال الذين كفروا . .. هذا سحر

از تقابل كلمه <حقّ> در آيه با <سحر>، مطلب ياد شده استفاده مى شود.

بى ارزشى جادو

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۶۹ – ۱۰

۱۰ – سِحر ، عملى بى ارزش است و تغيير مكان دادن ساحر ، تأثيرى در ثمربخشى آن ندارد .

و لايفلح الساحر حيث أتى

پوچى جادو

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۳ – شعراء – ۲۶

۳ - ۴۵ -

۳ - معجزه ، امری واقعی ، و سحر عملی خیالی و فاقد حقیقت و واقعیت است .

فألقی موسی عصاه فإذا هی تلقف ما یأفکون

<إفک> در اصل به سخنی گفته می شود که اصل و ریشه نداشته و دروغ است. بنابراین سحر را بدان جهت <إفک> می نامند که فاقد حقیقت و واقعیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۶ - ۵

۵ - وجود نشانه هایی تردیدناپذیر در تفاوت معجزه موسی با هرگونه افسون ، در نظر سحرشناسان

فأُلقی السحره سجدین

برداشت یاد شده از سجده بی درنگ ساحران، در پی مشاهده معجزه موسی استفاده می شود.

پیدایش جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۵۱

۵۱ - از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود : < . . . فلما هلک سلیمان وضع ابلیس السحر و کتبه فی کتاب ثم طواه و کتب علی ظهره < هذا ما وضع آصف بن برخیا لملک سلیمان بن داود من ذخایر کنوز العلم من أراد کذا و کذا فلیفعل کذا و کذا > ثم دفنه تحت السریر ثم استثاره لهم فقرأه فقال الکافرون ما کان سلیمان (ع) یغلبنا إلا بهذا و قال المؤمنون بل هو عبداللّه و نبیّه فقال اللّه جلّ ذکره < واتبعوا ما تتلوا الشیاطین علی ملک سلیمان و ما کفر سلیمان و لکن الشیاطین کفروا یعلمون الناس السحر . . . ;

آن هنگام که سلیمان (ع) وفات یافت ابلیس سحر را پایه گذاری کرد و در کتابی نوشت; سپس آن

را پیچیده و بر روی آن چنین نوشت: این چیزی است که آصف بن برخیا ساخته است برای برپایی حکومت سلیمان بن داود(ع) که در آن ذخیره های علم انباشته شده است. هر کس چنین می خواهد چنان کند. سپس ابلیس آن را زیر تخت سلیمان(ع) پنهان نمود; سپس آن نامه را بیرون آورده برای آنان خواند. پس کافران در آن جلسه گفتند: سلیمان بر ما چیره نگشت و حکومت نیافت مگر از راه سحر و مؤمنانشان گفتند: هرگز این چنین نیست; بلکه او بنده و پیامبر خدا بود. خداوند می فرماید: واتبعوا ما تتلوا الشیاطین علی ملک سلیمان و ما کفر سلیمان و لکن الشیاطین کفروا یعلمون الناس السحر ...>.

تأثیر جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۲۹

۲۹ - تأثیر سحر بر روان و افکار انسان های سحر شده

یفرقون به بین المرء و زوجه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۶ - ۴

۴ جادوی ساحران فرعونی ، مایه هراس شدید مردم گشت .

فلما ألقوا سحروا أعین الناس و استرهبوهم

<استرهاب> به معنای ترسانیدن است. جمله <استرهبوهم> هم می تواند عطف بر جزای شرط، یعنی <سحروا ... > باشد و هم می تواند عطف بر <فلما ألقوا ... > باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است. یعنی: سحروا أعین الناس و استرهبوهم بسحرهم.

تأثیر جادو در انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۱۲

۱۲ - امکان تأثیر سِحر بر قوه خیال و وهم پیامبران الهی

یخیّل

إليه من سحرهم

ترسیم چیزی در دیدگان انسان، برخلاف شکل واقعی آن (مانند شکسته وانمود شدن چوبی که در آب موج دار قرار دارد) مانع شناخت حقیقت آن چیز نیست; تا نقصی برای درک و فهم انسان به شمار آید و با نبوت ناسازگار باشد.

تأثیر جادو در قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۸

۸ - سِحر ، دارای تأثیر و نفوذ بر قوای ادراکی و قوه مخیله

یخیّل إلیه من سحرهم

تأثیر جادو در موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۱۱

۱۱ - دیدگان و قوه خیال موسی (ع) نیز ، تحت تأثیر سِحر ساحران فرعون قرار گرفت .

یخیّل إلیه من سحرهم أنّها تسعی

تاریخ جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۱۵،۲۵،۵۲

۱۵ - هاروت و ماروت به مردمان بابل سحر می آموختند .

و ما أنزل علی الملکین . .. و ما یعلمان من أحد

۲۵ - نقش مردم بابل در رواج علم سحر

فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجه

۵۲ - از امام جعفر صادق (ع) درباره سخن خداوند که می فرماید : < . . . و ما أنزل علی الملکین ببابل هاروت و ماروت > روایت شده که فرمود : < و کان بعد نوح (ع) قد کثر السحره . . . ;

بعد از حضرت نوح(ع) ساحران نیرنگباز زیاد گشتند و خداوند دو فرشته رابه سوی پیامبر آن زمان فرستاد تا آنان به آن پیامبر،

شیوه های سـحر ساحران و کارهایی را که با آن، سحر باطل و مردود می شود بیاموزند. سپس آن پیامبر شیو ه های سحر را فرا گرفت و به فرمان خداوند آن را به بندگان خدا نیز آموخت و به آنان گفت: جلو سحر ساحران را بگیرید و آن را باطل نمایید و آنان را نهی کرد از اینکه مردم را سـحر کنند ... و (کلام خدا که فرمود:) <آن دو فرشته هیچ کس را تعلیم سحر نمی دادند مگر اینکه از قبل می گفتند ما وسـیله آزمایش هستیم>; یعنی، آن پیامبر به دو فرشته دستور داد که به صورت بشر ظاهر شوند و آنچه ازخـدا درباره سـحر و ابطال آن آموخته اند به مردم یاد بدهند ... پس خدای عز و جل به آنان فرمود: با سـحر و ضـربه زدن به دیگران و دعوت مردم به این که مـا بر قـدرت احیـا و امـاته داریم و کارهایی می کنیم که فقط خداونـد به آن قـدرت دارد، کـافر نشویـد و خداونـد فرموده: <و مـا هم بضارین به من أحـد إلا بإذن اللّه>; یعنی، آنان که سـحر را فرا گرفته بودند نمی توانستند بدون اجازه و علم خدا به کسی زیانی برسانند; زیرا اگر خدا می خواست، با زور جلوی آنها را می گرفت. و نیز فرموده: <آنان از علوم سـحر چیزهایی را یاد می گرفتند که در جهت زیان آنها بود نه نفعشان> (یعنی) آنان چیزهایی فرا می گرفتند که موجب ضـرر در دینشان بود و نفعی در آن نبود ... و (نیز خداوند) فرمود: <و لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الأخره من خلق>;

زیرا آنان معتقد بودند که آخرتی در کار نیست پس آنان معتقد بودند وقتی که آخرتی نباشد بهره و نصیبی هم بعد از دنیا نیست وبه فرض بعد از دنیا آخرتی باشد، آنان به سبب کفرشان از آن محروم خواهند بود ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۲ - ۲

۲ رواج سحر در سرزمین مصر به هنگام بعثت موسی (ع)

یأتوك بکل سحر علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۹ - ۳

۳ سحر و جادو در عصر فرعون ، دانشی رایج بود و ساحران چیره دست بسیاری در کشور مصر می زیستند .

قالوا إن هذا لسحر . .. و لا یفلح السحرون ... و قال فرعون ائتونی بکل سحر علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۸ - ۴

۴ - وجود سِحر و ساحر ، در مصر باستان

فلنأتینک بسحر مثله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۷

۷ - سِحر متداول در عصر فرعون ، محدود به نوعی خاص و در قالب نمایش سِحر بر اشیای افکنده شده بر زمین بود . *

إمّا أن تلقی و إمّا أن نکون أوّل من ألقی

تعبیری که ساحران در بیان خویش به کار گرفتند (یا می افکنی و یا نخست ما می افکنیم)، می تواند حاکی از آن باشد که کسی انتظار سحری از نوع دیگر را نداشت. فراهم آوردن ریسمان ها و عصاها که آیه بعد بر آن دلالت

دارد نیز گویای همین نکته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۳۷ – ۲

۲ – رواج سحر و ساحری در قلمرو حکومت فرعون

و ابعث فی المدائن حشرین . یأتوک بکلّ سحّار علیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۴۰ – ۴

۴ – فرعون و مردم عصر وی ، عقیده مند به افسون و جادو بوده و ساحران دارای جایگاه و منزلت ویژه در نزد آنان بودند .

لعلّنا نتّبع السحره إن کانوا هم الغلبین

دعوت همگانی از مردم برای شرکت در هماوردی فرعون با موسی(ع) و تصریح به پیروی همگی از ساحران، در صورت پیروزی آنها بر موسی(ع)، گویای برداشت یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۵۳ – ۷

۷ – اطلاع ثمودیان ، از مسأله افسون و سحرزدگی

قالوا إنّما أنت من المسحّرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۸۵ – ۷

۷ – اطلاع مردم < اَیکه > از مسأله جادو و سحرزدگی

قالوا إنّما أنت من المسحّرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۴۹ – ۳

۳ – آشنایی مردم عصر موسی (ع) ، با مقوله سحر و آثار شگفت آن

و قالوا یأیّه الساحر

متهم کردن موسی(ع)، به سحر پس از مشاهده آیات شگفت الهی، نشان می دهد که فرعونیان مشابه آن کارها را در توان ساحران می دیدند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ –

۱۰ - ۷

۱۰- وجود پدیده سحر و جادو ، در جامعه عصر بعثت

هذا سحر مبین

تعلم جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۳۶،۴۰

۳۶ - جواز فراگیری و به کارگیری علم سحر در جهت منافع مردم

یتعلمون مایضرهم و لاینفعهم

۴۰ - کسانی که علم سحر را برای سوء استفاده و ضرر رسانی فراگیرند ، از مواهب آخرت محروم خواهند شد .

و لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الأخره من خلق

ضمیر مفعولی در <اشتراه> به <ما یضرهم و لاینفعهم> - که مراد آن سحرهای زیان آور است - بر می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۹،۱۲

۹ - فراگرفتن سِحر از موسی (ع) و هم دستی با او در توطئه علیه فرعون ، از اتهامات فرعون به ساحران مؤمن بود .

إنّه لکبیرکم الذی علّمکم السحر

۱۲ - سِحر ، از علوم قابل تعلیم و یادگیری

علّمکم السحر

تعلیم جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۳،۹،۱۱،۱۵،۵۲

۳ – شیاطین علومی از سحر را بر مردم عصر سلیمان تلاوت کرده و به آنها جادوگری می آموختند .

ما تتلوا الشیطین علی ملك سلیمن . .. یعلمون الناس السحر

فعل <تتلوا> از مصدر تلاوت (خواندن و قرائت کردن) است. مراد از <ما>ی موصوله – به قرینه فرازهای بعد – سحر و مانند آن می باشد. متعلق <تتلوا> به دلیل <یعلمون الناس> <علی الناس> می باشد. یعنی، یهود دنباله رو سحری بودند که شیاطین آن را برای مردم می خواندند.

۹ – کفرورزی

شیاطین با تعلیم سحر به مردم

و لکن الشیطین کفروا یعلمون الناس السحر

۱۱ - گروهی از یهودیان به آموختن سحر های تعلیم داده شده از سوی شیاطین روی آورده و به جادوگری پرداختند .

واتبعوا ما تتلوا الشیطین

ضمیر در <اتبعوا> به <فریق من الذین أوتوا الکتاب> در آیه قبل بر می گردد.

۱۵ - هاروت و ماروت به مردمان بابل سحر می آموختند .

و ما أنزل علی الملکین . .. و ما یعلمان من أحد

۵۲ - از امام جعفر صادق (ع) درباره سخن خداوند که می فرماید : < . . . و ما أنزل علی الملکین ببابل هاروت و ماروت > روایت شده که فرمود : < و کان بعد نوح (ع) قد کثر السحره . . . ;

بعد از حضرت نوح(ع) ساحران نیرنگباز زیاد گشتند و خداوند دو فرشته رابه سوی پیامبر آن زمان فرستاد تا آنان به آن پیامبر، شیوه های سحر ساحران و کارهایی را که با آن، سحر باطل و مردود می شود بیاموزند. سپس آن پیامبر شیو ه های سحر را فرا گرفت و به فرمان خداوند آن را به بندگان خدا نیز آموخت و به آنان گفت: جلو سحر ساحران را بگیرید و آن را باطل نمایید و آنان را نهی کرد از اینکه مردم را سحر کنند ... و (کلام خدا که فرمود:) <آن دو فرشته هیچ کس را تعلیم سحر نمی دادند مگر اینکه از قبل می گفتند ما وسیله آزمایش هستیم>; یعنی، آن پیامبر به دو فرشته دستور داد که به صورت بشر ظاهر شوند و آنچه ازخدا درباره سحر و ابطال آن آموخته

انـد به مردم یاد بدهنـد ... پس خـدای عز و جل به آنان فرمود: با سـحر و ضـربه زدن به دیگران و دعوت مردم به این که ما بر قـدرت احیا و اماته داریم و کارهایی می کنیم که فقط خداونـد به آن قـدرت دارد، کافر نشویـد و خداونـد فرموده: <و ما هم بضـارین به من أحـد إلا بإذن اللّه>; یعنی، آنان که سـحر را فرا گرفته بودنـد نمی توانسـتند بـدون اجازه و علم خـدا به کسـی زیانی برساننـد; زیرا اگر خدا می خواست، با زور جلوی آنها را می گرفت. و نیز فرموده: <آنان از علوم سـحر چیزهایی را یاد می گرفتنـد که در جهت زیـان آنهـا بود نه نفعشـان> (یعنی) آنان چیزهایی فرا می گرفتنـد که موجب ضـرر در دینشان بود و نفعی در آن نبود ... و (نیز خداونـد) فرمود: <و لقـد علموا لمن اشتریه مـاله فی الأخره من خلق>; زیرا آنان معتقـد بودنـد که آخرتی در کار نیست پس آنان معتقـد بودنـد وقتی که آخرتی نباشـد بهره و نصـیبی هم بعد از دنیا نیست وبه فرض بعد از دنیا آخرتی باشد، آنان به سبب کفرشان از آن محروم خواهند بود ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۲

۱۲ - سِحر ، از علوم قابل تعلیم و یادگیری

علّمکم السحر

تعلیم جادو در بابل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۱۳

۱۳ - یهودیان برای مبارزه با پیامبر (ص) علاوه بر انکار بشارت های تورات ، از سحر و جادو مدد می

گرفتند .

نبذ فريق . .. كتب اللّه وراء ظهورهم ... واتبعوا ما تتلوا الشيطين

در آیه قبل گذشت که جمله <نبذ فریق> پس از <لما جاءهم> می رساند که: یهود به خاطر اینکه بتوانند رسالت پیامبر(ص) را انکار کنند بشارتهای تورات را درباره آن حضرت، نادیده گرفتند. عطف جمله <اتبعوا ...> بر <نبذ فریق> نیز اقتضا می کند که دنبال کردن سحر به همین منظور بوده است.

تفاوت معجزه با جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵ - ۸

۸- آگاهی مشرکان در عصر بعثت ، از ماهیت معجزه و فرق آن با سحر و خواب های پریشان و شعر

بل قالوا أضغث أحلم بل افتريه بل هو شاعر

مشرکان در مخالفت با پیامبر(ص) ابتدا سخن او را سحر، یا شعر و یا خواب های آشفته می دانستند. سپس برای اثبات رسالت پیامبر(ص) از ایشان خواستار معجزه شدند. این می رساند که آنان از معجزه و فرق آن با سحر و شعر و... آگاه بودند و به آن اعتراف داشتند.

تفاوت معجزه و جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۲ - ۷

۷- بصیرت بخشی و بینش دهی معجزه ، ملاک تمایز آن از سحر و جادوگری

إنی لأظنّك يموسى مسحورًا . قال لقد علمت ما أنزل هؤلاء إلاّ ... بصائر

تأکید موسی(ع) بر <بصائر> بودن معجزاتش در قبال اتهام سحر به معجزات او از سوی فرعون، می تواند خود ردّی باشد بر اتهام فرعون با ارائه ملاک; یعنی، سحر هرگز بصیرت آفرین نیست در حالی که معجزه، بصیرت آفرین است.

توبه از جادو

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۳ – ۸

۸ – سِحر و ساحری ، گناهی نیازمند توبه و مغفرت خداوند

لیغفر لنا . .. و ما أکرهتنا علیه من السحر

نیازمندی سحر و ساحری به غفران الهی، نشان از گناه بودن آن دارد، اشاره ساحران به اکراهی بودن آن، نوعی اعتذار از صدور آن گناه، برای جلب مغفرت الهی است.

تهمت جادو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۷ – ۱،۴

۱ در صورت نزول کتابی ملموس از سوی خداوند بر پیامبر(ص)، کفرورزان آن را سحر خواهند دانست.

و لو نزلنا علیک کتبا فی قرطاس فلمسوه بأیدیهم لقال الذین کفروا إن هذا إلا سحر مبی

۴ اتهام سحر، وسیله ای برای مبارزه کافران با رسالت پیامبر(ص) و آیات الهی

لقال الذین کفروا إن هذا إلا سحر مبین

تهمت جادو به انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۶۱ – ۳

۳ – سِحر خواندن معجزات پیامبران ، دروغ بستن به خداوند است .

لاتفتروا علی اللّه کذبًا

إفترا; یعنی، دروغ بافتن و به قرینه <علی اللّه>، مراد دروغی است که در باره خداوند ساخته و پرداخته شده باشد. اضافه کلمه <کذباً> برای تأکید است.

تهمت جادو به پیروان موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۲ - ۳

۳ فرعونیان ایمان به رسالت موسی را سحرزدگی می دانستند .

مهما تأتنا به من ءایه لتسحرنا بها فما نحن لک بمؤمنین

تهمت جادو به تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۱۱

۱۱ - قرآن و تورات ، دو جادوی پشتیبان یکدیگر ، در ادعای کافران صدراسلام

قالوا سحران تظهرا

تهمت جادو به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲ - ۱۶

۱۶ اتهام سحر و افسونگری ، از حربه های تبلیغاتی کفرپیشگان مکه علیه قرآن و پیامبر (ص)

قال الکفرون إن هذا لسحر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳ - ۱۲،۱۳،۱۵

۱۲- نسبت ناروای سحر به قرآن و جادوگری به پیامبر (ص) از سوی مشرکان ستم پیشه

أفتأتون السحر و أنتم تبصرون

۱۳- مشرکان ستم پیشه ، ضمن ایراد اتهام سحر به قرآن ، آن را هرگز شایسته پیروی نمی دانستند .

أفتأتون السحر و أنتم تبصرون

استفهام در جمله <أفتأتون السحر> انکاری است و جمله <و أنتم تبصرون> حال برای فاعل <تأتون> می باشد. بنابراین معنای آیه چنین می شود: آیا شما با چشم باز و آگاهی به دنبال قرآن که سحر است می روید؟ یعنی این که شایسته نبودن قرآن برای پیروی، امری است روشن و بدیهی.

۱۵- سحر بودن قرآن و ساحر بودن پیامبر (ص) ، دلیل واهی و بهانه دیگر مشرکان ستم پیشه برای ایمان نیاوردنشان

أفتأتون السحر و أنتم تبصرون

مشرکان برای ردّ ادعای نبوت پیامبر(ص)، دو دلیل واهی و بهانه جویانه می آوردند: ۱ بشر بودن آن حضرت (هل هذا إلّا بشر

مثلکم)، ۲ ساحر بودن ایشان (أفتأتون السحر).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸

۱۱ - قرآن و تورات ، دو جادوی پشتیبان یکدیگر ، در ادعای کافران صدراسلام

قالوا سحران تظهرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۱۵

۱۵ - اتهام بی پرده کافران ، مبنی بر جادوی آشکار بودن قرآن کریم

و قال الذین کفروا للحقّ لمّا جاءهم إن هذا إلّا سحر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵ - ۲،۴

۲ - قرآن ، سحری آشکار در دیدگاه مشرکان

و قالوا إن هذا إلّا سحر مبین

۴ - اصرار و پافشاری مشرکان بر متهم کردن قرآن و معجزه الهی به سحر و جادوگری

و قالوا إن هذا إلّا سحر مبین

برداشت فوق از به کار رفتن نفی و استثنا در آیه شریفه که دلالت بر حصر و قطعی بودن مفاد آن است، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۴ - ۱،۲،۳

۱ - اتهام سحر و جادوگری به قرآن ، از سوی ولیدبن مغیره

فقال إن هذا إلّا سحر

۲ - اتهام سحر و جادوگری به قرآن ، طرحی حساب شده از سوی ولیدبن مغیره

إنّه فکّر و قدّر . .. فقال إن هذا إلّا سحر

۳ - قرآن ، در دیدگاه غرض آلود ولیدبن مغیره ، سحری برگرفته شده از ساحران پیشین بود .

فقال إن هذا إلاّ سحر یؤثر

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <یؤثر> از ماده <أثر> (روایت و مطلب نقل شده از پیشینیان) باشد.

تهمت جادو به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ -

۱۶ اتهام سحر و افسونگری ، از حربه های تبلیغاتی کفرپیشگان مکه علیه قرآن و پیامبر (ص)

قال الکفرون إن هذا لسحر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳ - ۱۲

۱۲- نسبت ناروای سحر به قرآن و جادوگری به پیامبر (ص) از سوی مشرکان ستم پیشه

أفتأتون السحر و أنتم تبصرون

تهمت جادو به معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵ - ۱

۱ - مشرکان صدر اسلام ، معجزات الهی را سحری آشکار و بی تردید می دانستند .

و قالوا إن هذا إلّا سحر مبین

مشارالیهِ <هذا> هم می تواند معجزه باشد که در آیه قبل از آن به <آیه> یاد شده است و هم می تواند قرآن کریم باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

تهمت جادو به موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۲ - ۱

۱ فرعونیان با سحر خواندن تمامی معجزات موسی ، به وی گفتند که هرگز رسالتش را تصدیق نخواهند کرد .

مهما تأتنا به من ءایه لتسحرنا بها فما نحن لک بمؤمنین

<مهما> از أسماء شرط و به معنای <ای شیء> است. و <من> در <من آیه> بیان <مهما> است. بنابراین جمله <مهما تأتنا ... > یعنی <هر چیزی را که به عنوان معجزه بیاوری ... .>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۶ - ۵،۶

۵ فرعون و اطرافیانش ، علی رغم مشاهده معجزه بزرگ موسی

(ع) ، آن را سحری آشکار خوانده و حضرتش را متهم به جادوگری کردند .

فلما جاءهم الحق من عندنا قالوا إن هذا لسحر مبين

۶ تهمت سحر به معجزه بزرگ حضرت موسی (ع) از سوی فرعون و اطرافیانش ، برخاسته از روحیه سرکشی و تبه کاری آنان بود .

فاستکبروا و کانوا قوماً مجرمين. فلما جاءهم الحق من عندنا قالوا إن هذا لسحر مبين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۸۱ - ۲

۲ موسی (ع) ، پس از مشاهده عمل ساحران ، برای رفع اتهام ساحری از خود ، سحر بودن آن عمل را به آنان گوشزد نمود .

فلما ألقوا قال موسى ما جئتم به السحر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۱ - ۲

۲ - شرک و سِحر خواندن معجزات موسی و ادعای آوردن همانند برای آن و تکذیب رسالت الهی آن حضرت ، از جمله افترا های فرعونیان به خداوند بود .

لاتفتروا على اللّه كذبًا

با توجه به آیات پیشین که مشتمل بر بیان توحید از زبان موسی(ع) و نیز ارائه معجزات، و عکس العمل فرعون در سحر خواندن آنها بود، می توان به مواردی از افتراهای فرعونیان اشاره کرد.

تهمت جادو به وحی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۵ - ۳

۳ - اتهام سحر و ساحری به پیامبران و وحی ، زشت ترین موضع گیری تکذیب گران علیه آنان *

أفسحر هذه

اختصاص به ذکر یافتن موضوع <سحر>، بیانگر مطلب بالا است.

جادو با

ترشحات دهان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فلق – ۱۱۳ – ۴ – ۱

۱ – زنانی ، در عصر بعثت با گره زدن و افشاندن ترشحات دهان بر گره ها ، مردم را جادو می کردند .

النفّث فی العقد

فعل <نَفَثَ>، زمانی گفته می شود که شخص ترشحاتی از دهان بیرون افکند (مصباح) و <نَفْث> شبیه دمیدن و کمتر از آب دهان افکندن است (صحاح). حرف <ال> در <النفّاثات>، گرچه برای تعریف جنس است; ولی در مقایسه با <غاسق> و <حاسد> که نکره آورده شده است ممکن است به معروف بودن کسانی که <نفّاثه> (افسون گر) بودند، نظر داشته باشد.

جادو با گره زدن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فلق – ۱۱۳ – ۴ – ۱

۱ – زنانی ، در عصر بعثت با گره زدن و افشاندن ترشحات دهان بر گره ها ، مردم را جادو می کردند .

النفّث فی العقد

فعل <نَفَثَ>، زمانی گفته می شود که شخص ترشحاتی از دهان بیرون افکند (مصباح) و <نَفْث> شبیه دمیدن و کمتر از آب دهان افکندن است (صحاح). حرف <ال> در <النفّاثات>، گرچه برای تعریف جنس است; ولی در مقایسه با <غاسق> و <حاسد> که نکره آورده شده است ممکن است به معروف بودن کسانی که <نفّاثه> (افسون گر) بودند، نظر داشته باشد.

جادو پس از نوح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۲ – ۵۲

۵۲ – از امام جعفر صادق (ع) درباره سخن خداوند که می فرماید : < . . . و

ما أنزل علی الملکین ببابل هاروت و ماروت > روایت شده که فرمود : < و کان بعد نوح (ع) قد کثر السحره . . . ;

بعد از حضرت نوح(ع) ساحران نیرنگباز زیاد گشتند و خداوند دو فرشته رابه سوی پیامبر آن زمان فرستاد تا آنان به آن پیامبر، شیوه های سحر ساحران و کارهایی را که با آن، سحر باطل و مردود می شود بیاموزند. سپس آن پیامبر شیو ه های سحر را فرا گرفت و به فرمان خداوند آن را به بندگان خدا نیز آموخت و به آنان گفت: جلو سحر ساحران را بگیرید و آن را باطل نمایید و آنان را نهی کرد از اینکه مردم را سحر کنند ... و (کلام خدا که فرمود:) <آن دو فرشته هیچ کس را تعلیم سحر نمی دادند مگر اینکه از قبل می گفتند ما وسیله آزمایش هستیم>; یعنی، آن پیامبر به دو فرشته دستور داد که به صورت بشر ظاهر شوند و آنچه ازخدا درباره سحر و ابطال آن آموخته اند به مردم یاد بدهند ... پس خدای عز و جل به آنان فرمود: با سحر و ضربه زدن به دیگران و دعوت مردم به این که ما بر قدرت احیا و اماته داریم و کارهایی می کنیم که فقط خداوند به آن قدرت دارد، کافر نشوید و خداوند فرموده: <و ما هم بضارین به من أحد إلا بإذن اللّه>; یعنی، آنان که سحر را فرا گرفته بودند نمی توانستند بدون اجازه و علم خدا به کسی زیانی برسانند; زیرا اگر خدا می خواست، با زور جلوی آنها را می گرفت. و

نیز فرموده: <آنان از علوم سحر چیزهایی را یاد می گرفتند که در جهت زیان آنها بود نه نفعشان> (یعنی) آنان چیزهایی فرا می گرفتند که موجب ضرر در دینشان بود و نفعی در آن نبود ... و (نیز خداوند) فرمود: <و لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الأخره من خلق>; زیرا آنان معتقد بودند که آخرتی در کار نیست پس آنان معتقد بودند وقتی که آخرتی نباشد بهره و نصیبی هم بعد از دنیا نیست وبه فرض بعد از دنیا آخرتی باشد، آنان به سبب کفرشان از آن محروم خواهند بود ...>.

جادو در جدایی همسران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۲۴،۲۸

۲۴ - مردم بابل از هاروت و ماروت سحری را آموختند که بتوانند با آن بین زن و شوهرش جدایی افکنند .

فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجه

۲۸ - جدایی انداختن بین زن و شوهر به وسیله سحر ، گناهی در حد کفر است .

إنما نحن فتنه فلا تکفر فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجه

جادو در دوران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۹ - ۳

۳ - آشنایی مردم عصر موسی (ع) ، با مقوله سحر و آثار شگفت آن

و قالوا یأیّه الساحر

متهم کردن موسی(ع)، به سحر پس از مشاهده آیات شگفت الهی، نشان می دهد که فرعونیان مشابه آن کارها را در توان ساحران می دیدند.

جادو در دوران سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲

- ۱۰۲ - ۳،۱۰

۳ - شیاطین علومی از سحر را بر مردم عصر سلیمان تلاوت کرده و به آنها جادوگری می آموختند .

ما تتلوا الشیطین علی ملک سلیمن . .. یعلمون الناس السحر

فعل <تتلوا> از مصدر تلاوت (خواندن و قرائت کردن) است. مراد از <ما>ی موصوله - به قرینه فرازهای بعد - سحر و مانند آن می باشد. متعلق <تتلوا> به دلیل <یعلمون الناس> <علی الناس> می باشد. یعنی، یهود دنباله رو سحری بودند که شیاطین آن را برای مردم می خواندند.

۱۰ - رواج سحر در زمان حضرت سلیمان (ع)

ما تتلوا الشیطین علی ملک سلیمن . .. یعلمون الناس السحر

جادو در دوران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۷ - ۲

۲ - رواج سحر و ساحری در قلمرو حکومت فرعون

و ابعث فی المدائن حشرین . یأتوک بکلّ سحّار علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۰ - ۴

۴ - فرعون و مردم عصر وی ، عقیده مند به افسون و جادو بوده و ساحران دارای جایگاه و منزلت ویژه در نزد آنان بودند .

لعلّنا نتّبع السحره إن کانوا هم الغلبین

دعوت همگانی از مردم برای شرکت در هماوردی فرعون با موسی(ع) و تصریح به پیروی همگی از ساحران، در صورت پیروزی آنها بر موسی(ع)، گویای برداشت یاد شده است.

جادو در دوران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۱۰

۱۰- وجود پدیده سحر و جادو ، در جامعه عصر بعثت

هذا سحر مبین

جادو در دوران

موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۹ - ۳

۳ - آشنایی مردم عصر موسی (ع) ، با مقوله سحر و آثار شگفت آن

و قالوا یأیّه الساحر

متهم کردن موسی(ع)، به سحر پس از مشاهده آیات شگفت الهی، نشان می دهد که فرعونیان مشابه آن کارها را در توان ساحران می دیدند.

جادو در عصر فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۹ - ۳

۳ سحر و جادو در عصر فرعون ، دانشی رایج بود و ساحران چیره دست بسیاری در کشور مصر می زیستند .

قالوا إن هذا لسحر . .. و لا یفلح السحرون ... و قال فرعون ائتونی بکل سحر علیم

جادو در فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۴ - ۷

۷ - فرعونیان ، در سخنان و تبلیغات خویش ، سِحر برتر و بی رقیب را ، نشانگر حقانیت مرام ساحر و عقاید او قلمداد می کردند .

و قد أفلح الیوم من استعلی

بسیج ساحران برای ابطال ادعاهای موسی(ع)، حاکی از آن است که در نظر فرعونیان، قدرت ساحر میزان حق و باطل بود.

جادو در مصرباستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۵۸ – ۴

۴ – وجود سِحر و ساحر ، در مصر باستان

فلنأتینک بسحر مثله

جادو گری در دوران موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۱۲ – ۲

۲ رواج سحر در سرزمین مصر به هنگام بعثت

موسی (ع)

یأتوک بکل سحر علیم

جادو و کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۷،۲۸،۳۴

۷ - به کارگیری سحر گناهی بزرگ و به منزله کفر است .

و ما کفر سلیمن

چنانچه گذشت، مراد از جمله فوق نفی جادوگری از سلیمان است. ولی از آن جا که از جادوگری به کفرورزی، تعبیر شده، به دست می آید که: جادوگری خود نوعی کفر است و یا گناهی است به منزله کفر.

۲۸ - جدایی انداختن بین زن و شوهر به وسیله سحر ، گناهی در حد کفر است .

إنما نحن فتنه فلا تکفر فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجه

۳۴ - رساندن زیان به مردم با اعمال سحر و نیز آموختن آن به انگیزه مفسده جویی ، حرام و گناهی در حد کفر است .

فلا تکفر فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجه . .. و یتعلمون مایضرهم و ل

جادوگران فرعون و ترک جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۶ - ۲

۲ ساحران پس از رخصت دهی موسی (ع) آنچه را برای جادوگری تدارک دیده بودند ، در مقابل تماشاگران ر ها کردند و چشم های آنان را سحر کردند .

فلما ألقوا سحروا أعین الناس

جادوی چشم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۶ - ۲

۲ ساحران پس از رخصت دهی موسی (ع) آنچه را برای جادوگری تدارک دیده بودند ، در مقابل تماشاگران ر ها کردند و چشم

های آنان را سحر کردند .

فلما ألقوا سحروا أعین الناس

جادوی زیانبار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۳۲،۳۳

۳۲ - مردم بابل از هاروت و ماروت سحرهایی را فرا گرفتند که نتیجه ای جز ضرر برای آنان نداشت .

یتعلمون مایضرهم و لاینفعهم

۳۳ - برخی از سحر ها ضرر آفرین و بعضی سودمند است .

یتعلمون مایضرهم و لاینفعهم

جادوی سودمند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۳۳

۳۳ - برخی از سحر ها ضرر آفرین و بعضی سودمند است .

یتعلمون مایضرهم و لاینفعهم

جادوی مباح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۳۶

۳۶ - جواز فراگیری و به کارگیری علم سحر در جهت منافع مردم

یتعلمون مایضرهم و لاینفعهم

حرمت جادو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۶۹ – ۹

۹ – سِحر ، کاری نامشروع و پرهیز از آن ضروری است .

کید سحر و لایفلح الساحر حیث أتی

مکر بودن سحر و بسته بودن راه موفقیت بر ساحر که در این آیه بیان گردیده است بیانی کافی بر مشروعیت نداشتن و مجاز نبودن آن است.

حقیقت جادو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۱۷ – ۶

۶ سحر ، امری ناپایدار در برابر معجزه

فإذا هی تلقف ما یأفکون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۴۵ – ۳

۳ – معجزه ، امری واقعی ، و

سحر عملی خیالی و فاقد حقیقت و واقعیت است .

فألقی موسی عصاه فإذا هی تلقف ما یأفكون

<إفک> در اصل به سخنی گفته می شود که اصل و ریشه نداشته و دروغ است. بنابراین سحر را بدان جهت <إفک> می نامند که فاقد حقیقت و واقعیت است.

دانش جادو در اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۵ - ۷

۷ - اطلاع مردم < اَیکه > از مسأله جادو و سحرزدگی

قالوا إنّما أنت من المسحّرین

دانش جادو در قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۳ - ۷

۷ - اطلاع ثمودیان ، از مسأله افسون و سحرزدگی

قالوا إنّما أنت من المسحّرین

درخواست جادو از موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۴ - ۸

۸ - فرعونیان ، پذیرش دعوت های موسی (ع) را ، به توان مندی او در آوردن سِحری بی نظیر مشروط کرده بودند .

و قد أفلح الیوم من استعلی

دلایل بطلان جادو جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۹ - ۷

۷ - بلعیده شدن سِحر ساحران به وسیله عصای موسی ، نشانه بطلان سِحر و حقانیت معجزه موسی

و ألق ما فی یمینک تلقف ما صنعوا إنّما صنعوا کید سحر

جمله <إنّما صنعوا. ..> تعلیل برای <تلقف> است; یعنی، بدان جهت که سحر، کیدی بیش نیست، در برابر حقیقت اعجاز موسی نابود خواهد شد و به دین وسیله بطلان سحر ساحران و حقانیت معجزه اثبات خواهد گردید.

زمینه تأثیر جادو بر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۴ - ۴

۴ - پیامبر (ص) ، در معرض خطر از سوی جادوگران و کسانی که با دمیدن در گره هایی مخصوص ، درصدد آزار دادن آن حضرت بودند .

و من شرّ النفّثت فی العقد

زیان جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۲۶

۲۶ - تأثیر سحر و زیان رسانی آن ، به اذن خدا و خواست اوست .

و ما هم بضارین به من أحد إلا بإذن اللّه

سلیمان(ع) و جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۶

۶ - حضرت سلیمان (ع) منزه از جادوگری و گرایش پیدا کردن به کفر

و ما کفر سلیمن

سوء استفاده از جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۱۹،۲۰

۱۹ - هاروت و ماروت ، پیش از تعلیم سحر به مردم ، ایشان را از به کارگیری نا به جای آن و سوء استفاده از آن ، بر حذر می داشتند .

و ما یعلمان من أحد حتی یقولا إنما نحن فتنه فلاتکفر

۲۰ – به کارگیری سحر و سوء استفاده از آن آدمی را به ورطه کفر می کشاند .

إنما نحن فتنه فلاتکفر

شیاطین و جادو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۲ – ۵

۵ – شیاطین ، دستیابی سلیمان رابه سلطنت ، دستاورد سحر و جادو قلمداد می کردند

.

علی ملک سلیمن و ما کفر سلیمن

نفی جادوگری از سلیمان - پس از بیان اینکه شیاطین نوشته هایی از علم سحر را برای مردم، علیه سلطنت سلیمان می خواندند - رسای به این معناست که: شیاطین چنین وانمود می کردند که آنچه را تلاوت می کنند همان است که سلیمان را به سلطنت رساند و با این شیوه در صدد نفی پیامبری از او بودند.

ضعف جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۵ - ۶

۶ - ظهور ناتوانی سحر هر چند بزرگ ، در برابر معجزه

فإذا هی تلقف ما یأفکون

به کارگیری <ما> که واژه ابهام است نشانگر عظمت سحر ساحران می باشد.

عوامل شیوع جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۲۵

۲۵ - نقش مردم بابل در رواج علم سحر

فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجه

کیفر جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۵۳

۵۳ - عمرو بن عبید وارد بر امام صادق (ع) شد . . . و گفت : دوست دارم گناهان کبیره را از روی قرآن بشناسم ، امام فرمود : < . . . والسحر لان اللّه عز و جل یقول : و لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الأخره من خلق . . . ;

. .. از جمله گناهان کبیره <سحر> است چون خداونـد می فرمایـد: مسلّماً آنان (ساحران) می دانستند هر کس خریـدار این متاع (سحر) باشد در آخرت هیچ نصیبی برای وی نخواهد

بود ...>.

گناه تعلیم جادو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۲ – ۳۴

۳۴ – رساندن زیان به مردم با اعمال سحر و نیز آموختن آن به انگیزه مفسده جویی ، حرام و گناهی در حد کفر است .

فلا تکفر فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجه . .. و یتعلمون مایضرهم و ل

گناه جادو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۲ – ۷،۵۳

۷ – به کارگیری سحر گناهی بزرگ و به منزله کفر است .

و ما کفر سلیمن

چنانچه گذشت، مراد از جمله فوق نفی جادوگری از سلیمان است. ولی از آن جا که از جادوگری به کفرورزی، تعبیر شده، به دست می آید که: جادوگری خود نوعی کفر است و یا گناهی است به منزله کفر.

۵۳ – عمرو بن عبید وارد بر امام صادق (ع) شد . . . و گفت : دوست دارم گناهان کبیره را از روی قرآن بشناسم ، امام فرمود : < . . . والسحر لان اللّه عز و جل یقول : و لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الأخره من خلق . . . ;

. .. از جمله گناهان کبیره <سحر> است چون خداوند می فرماید: مسلّماً آنان (ساحران) می دانستند هر کس خریدار این متاع (سحر) باشد در آخرت هیچ نصیبی برای وی نخواهد بود ...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۳ – ۸

۸ – سِحر و ساحری ، گناهی نیازمند توبه و مغفرت خداوند

لیغفر لنا .

.. و ما أکرهتنا علیه من السحر

نیازمندی سحر و ساحری به غفران الهی، نشان از گناه بودن آن دارد، اشاره ساحران به اکراهی بودن آن، نوعی اعتذار از صدور آن گناه، برای جلب مغفرت الهی است.

ماروت و تعلیم جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۱۵،۱۸،۱۹،۲۴

۱۵ - هاروت و ماروت به مردمان بابل سحر می آموختند .

و ما أنزل علی الملکین . .. و ما یعلمان من أحد

۱۸ - هاروت و ماروت ، تعالیم خود (سحر) را آزمونی برای مردم دانسته و به آنان هشدار می دادند .

و ما یعلمان من أحد حتی یقولا إنما نحن فتنه

۱۹ - هاروت و ماروت ، پیش از تعلیم سحر به مردم ، ایشان را از به کارگیری نا به جای آن و سوء استفاده از آن ، بر حذر می داشتند .

و ما یعلمان من أحد حتی یقولا إنما نحن فتنه فلاتکفر

۲۴ - مردم بابل از هاروت و ماروت سحری را آموختند که بتوانند با آن بین زن و شوهرش جدایی افکنند .

فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجه

معجزه و جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۹ - ۲،۳

۲ اشراف و بزرگان دربار فرعون بر مبنای ساحر بودن موسی و سحر بودن معجزات وی ، جلسه مشورتی خویش را آغاز کردند .

قال الملأ من قوم فرعون إن هذا لسحر علیم

جمله <إن هذا . .. > می تواند از نتایج بحث و گفتگوی اشراف باشد. یعنی در ابتدا این مسأله مطرح شد که

امور خارق العاده موسی از چه سنخی است. همچنین می تواند بیانگر این باشد که آنان ساحر بودن موسی را مفروض گرفته بودند و درباره روش مبارزه با وی تبادل نظر می کردند. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

۳ اشراف و بزرگان قوم فرعون پس از تبادل نظر در جلسه مشورتی به این نتیجه رسیدند که موسی (ع) بدون هیچ تردید ساحری زبردست و معجزه وی سحر است .

قال الملأ من قوم فرعون إن هذا لسحر علیم

برداشت فوق بر اساس اولین احتمالی است که در توضیح فیش قبل درباره جمله <إن هذا . .. > بیان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۵ - ۲

۲ ساحران ، جادویی همانند معجزه موسی (ع) تدارک دیده بودند .

إما أن تلقی و إما أن نكون نحن الملقین

به كارگیری <تلقی> و <ملقین>، كه هر دو از مصدر <القاء> به معنای افكندن است، می رساند كه جادوی آنان مشابهت صوری با معجزه موسی داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۷ - ۶

۶ سحر ، امری ناپایدار در برابر معجزه

فإذا هی تلقف ما یأفكون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۸ - ۱

۱ عصای موسی (ع) با بلعیدن جادوی ساحران ، موجب به كرسی نشستن حق و پوچ گشتن دستاورد های ساحران شد .

فوقع الحق و بطل ما كانوا یعملون

دربرداشت فوق ضمیر <كانوا> و <یعملون> به ساحران برگردانده شده است. بر این مبنا

مراد از <ما> در <ما کانوا ... > همان ابزار و آلاتی است که با سحر خویش آنها را در چشم بینندگان به صورت جانورانی پر تحرک جلوه داده بودند.

منشأ تأثیر جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۲۶

۲۶ - تأثیر سحر و زیان رسانی آن ، به اذن خدا و خواست اوست .

و ما هم بضارین به من أحد إلا بإذن اللّه

منشأ تهمت جادو به تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۰ - ۳

۳ - اتهام بی دلیل سحر به قرآن و تورات از سوی کافران صدراسلام ، برخاسته از هواپرستی آنان بود .

قالوا سحران تظهرا . .. فاعلم أنّما یتّبعون أهواءهم

منشأ تهمت جادو به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۰ - ۳

۳ - اتهام بی دلیل سحر به قرآن و تورات از سوی کافران صدراسلام ، برخاسته از هواپرستی آنان بود .

قالوا سحران تظهرا . .. فاعلم أنّما یتّبعون أهواءهم

موانع پیروی از جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳ - ۱۶

۱۶- مشرکان صدراسلام ، پیروی از سحر را با عقل و خرد ناسازگار می دیدند .

أفتأتون السحر و أنتم تبصرون

ناپایداری جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۷ - ۶

۶ سحر ، امری ناپایدار در برابر معجزه

فإذا هی تلقف ما یأفکون

نقش جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۶۹ – ۵

۵ – سِحر ، مکر و حیله ساحر است و واقعیات را تغییر نمی دهد .

إنّما صنعوا کید سحر

نقش مکان در جادو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۶۹ – ۱۰

۱۰ – سِحر ، عملی بی ارزش است و تغییر مکان دادن ساحر ، تأثیری در ثمربخشی آن ندارد .

و لایفلح الساحر حیث أتی

ویژگیهای جادو در دوران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۶۵ – ۷

۷ – سِحر متداول در عصر فرعون ، محدود به نوعی خاص و در قالب نمایش سِحر بر اشیای افکنده شده بر زمین بود . *

إمّا أن تلقی و إمّا أن نکون أوّل من ألقی

تعبیری که ساحران در بیان خویش به کار گرفتند (یا می افکنی و یا نخست ما می افکنیم)، می تواند حاکی از آن باشد که کسی انتظار سحری از نوع دیگر را نداشت. فراهم آوردن ریسمان ها و عصاها که آیه بعد بر آن دلالت دارد نیز گویای همین نکته است.

یهود و تعلم جادو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۲ – ۴۱،۴۳

۴۱ – یهود در عین آگاهی به اینکه فراگیری سحر موجب محروم شدن آنان از همه مواهب اخروی خواهد شد ، به آموزش

آن پرداختند .

و لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الأخره من خلق

<خلاق> به معنای بهره وافر و نصیب نیکوست. نکره بودن کلمه <خلاق> به همراه <من> زایده، دلالت بر قلت دارد و ظاهر

آن است که ضمیر در <علموا> به یهودیان بر می گردد.

۴۳ - یهودیان با آموزش سحر های زیان آور ، خویشتن را تباه و بهای بدی را کسب کردند .

ماله فی الأخره من خلق و لبئس ماشروا به أنفسهم

جادوگران

آثار ایمان جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۲۱

۲۱ - پایه های حکومت فرعون پس از ماجرای ساحران و ایمان آنان به موسی (ع) ، بسیار متزلزل شد .

و لتعلمنّ أیّنا أشدّ عذابًا و أبقی

تفاوت برخوردهای اولیه فرعون با برخوردهای پس از ایمان ساحران، نشان از تزلزل حکومت فرعون و احساس خطر شدید او از ناحیه موسی(ع) و مؤمنان به او دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۱

۱ - خشم و برآشفتن فرعون از ایمان سریع ساحران به موسی (ع) ، بدون رخصت و اجازه وی

قال ءامنتم له قبل أن ءاذن لکم

آثار پیروزی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۴ - ۶

۶ - فرعونیان نجات و بقای خود را در گرو غلبه ساحران بر موسی (ع) در صحنه مقابله می دانستند .

و قد أفلح الیوم من استعلی

آثار ترس جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۳

۳ - هراس از جهنم و عذاب طاقت فرسای آن ، مایه تحکیم ایمان در قلب ساحران فرعون

إنّا ءامنّا بربّنا . .. إنّه من يأت ربّه مجرمًا فإنّ له

جهنّم

جمله <إنّه من يأت. ..> تعليل براى محتواى آيه قبل است.

آثار جادوى جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۱۱

۱۱ - ديدگان و قوه خيال موسى (ع) نيز ، تحت تأثير سِحر ساحران فرعون قرار گرفت .

يخيّل إليه من سحرهم أنّها تسعى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۷ - ۱

۱ - موسى (ع) ، پس از مشاهده سِحر ساحران فرعون ، در دل خويش از پى آمد هاى احتمالى آن احساس نگرانى كرد .

من سحرهم . .. فأوجس فى نفسه خيفه موسى

<أوجس> به معناى <أحسَّ> و نيز به معناى <أضمر(اخفاكرد)> آمده است (لسان العرب). در اين آيه، معناى <أحسَّ> به نظر مناسب تر مى رسد; چرا كه معناى <اخفا> در <فى نفسه> آمده است. بنابراين <أوجس فى نفسه...>; يعنى، موسى(ع) در دل خود نگرانى و ترسى را احساس كرد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۸ - ۱،۳

۱ - دل قوى داشتن و نگران نبودن از پى آمد هاى سِحر ساحران فرعون ، مفاد وحى خداوند به موسى (ع) در ميدان مقابله با ساحران

فأوجس . .. قلنا لاتخف

۳ - موسى (ع) از القاى شبهه و احتمال گمراهى مردم به واسطه سِحر ساحران نگران بود .

قلنا لاتخف إنّك أنت الاعلى

جمله <إنّك أنت الاعلی> تعلیل برای <لاتخف> است و دلالت می کند که موسی(ع) از این نگران بود که معجزه او با سحر ساحران مشتبه گردد و مردم به حقانیت

او پی نبرند. خداوند با بیان برتری قطعی او، زمینه هراسش را از بین برد.

آخرت طلبی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۱۴،۱۷

۱۴ - ساحران مؤمن با تحقیر قدرت فرعون ، به او اعلام کردند که بالاترین شکنجه های او ، تنها به زندگانی دنیایی آنان خاتمه می دهد و به آخرتشان آسیبی نخواهد رسانید .

فاقض ما أنت قاض إنّما تقضی هذه الحیوه الدنیا

چنانچه <هذه الحیاه> مفعولٌ به برای <تقضی> باشد، مراد از <قضا>، منقضی ساختن خواهد بود. اهل لغت می گویند: تمام معانی <قضا> به انقطاع یافتن و تمام شدن بازگشت دارد (لسان العرب). بنابراین مفاد آیه چنین می شود: ای فرعون! با حکم خود به هرچه می توانی فیصله بده و آن را تمام کن; زیرا تو فقط این زندگانی دنیا را خاتمه می دهی.

۱۷ - ساحران مؤمن به موسی (ع) ، دارای ایمان و اعتقاد محکم به آخرت بودند .

فاقض . .. إنّما تقضی هذه الحیوه الدنیا

آگاهی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۱ - ۴

۴ ساحران به رسالت ها و پیام های موسی (ع) قبل از اقدام به مبارزه با وی آگاه بودند .

قالوا ءامنا برب العلمین

تأکید ساحران به ربوبیت خداوند و پذیرش سریع آن پس از آگاهی به حقانیت موسی(ع)، بیانگر این است که آنان پیش از حضور در صحنه مبارزه به پیامهای وی، که بارزترین آن اعتقاد به ربوبیت مطلق خداوند است، آگاه شده بودند.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۲ - ۲

۲ ساحران مؤمن به موسی (ع) ، مردمی هوشیار و به ترفند ها و سیاست بازی های فرعون و اشرافیان دربار وی آگاه بودند .

رب موسی و هرون

به نظر می رسد از اهداف ساحران در تفسیر <رب العلمین> به <رب موسی و هرون> این باشد که مبادا فرعونیان پس از خاتمه ماجرا چنین وانمود کنند که ساحران به فرعون سجده کردند و او را <رب العلمین> خواندند. و این معنا حکایت از هوشیاری ساحران و آگاهی آنان به ترفندهای فرعون دارد.

آمادگی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۳ - ۷

۷ ساحران پس از اعلام آمادگی برای مبارزه با موسی (ع) از فرعون خواستند تا در صورت پیروزی از پاداشی گران برخوردار شوند .

قالوا إن لنا لأجراً إن كنا نحن الغلبين

جمله <إن لنا . .. > استفهامی است و حرف استفهام مقدر می باشد. یعنی: إن لنا ... . نکره آمدن کلمه <أجراً> دلالت بر بزرگی و گرانسنگی پاداش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۲

۲ - ساحران فرعون ، آمادگی خویش را برای پیش قدم شدن در ارائه سِحر خود ، اعلام کردند .

إمّا أن تلقی و إمّا أن نكون أوّل من ألقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۱۱

۱۱ – ساحران مؤمن ، آمادگی خود را برای تحمّل هرگونه شکنجه و کشتار در جهت حفظ

ایمان خویش اعلام کردند .

لن نؤثرک . .. فاقض ما أنت قاض

<قضا> به معنای حکم کردن و داوری است. جمله <فاقض...> از زبان ساحران مؤمن و خطاب به فرعون است; یعنی، هر حکمی را که می توانی و قضاوت آن از تو ساخته است، صادر کن. ما آماده پذیرش هر نوع شکنجه و عذاب در راه ایمان خود هستیم.

ابزار جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۶۶ – ۵،۹

۵ – ریسمان و عصا ، از وسایل کار ساحران فرعون

فإذا حبالهم و عصيّهم

حبل (مفرد <حبال>) به معنای ریسمان و <عصا> (مفرد <عصیّ>) به معنای چوب دستی است.

۹ – ساحران فرعون ، پیش از حضور در صحنه مقابله با موسی (ع) ، ریسمان ها وعصا های فراوانی را تدارک دیده بودند .

فإذا حبالهم و عصيّهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۴۴ – ۱

۱ – استفاده ساحران از ریسمان و چوب برای انجام سحر خود

فألقوا حبالهم و عصيّهم

<حبال> (جمع <حبل>) به معنای ریسمان ها و <عِصّی> (جمع <عصا>) به معنای چوبدستی ها است.

ابطال جادوی جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۶۹ – ۲،۷

۲ – بلعیده شدن سِحر ساحران فرعون و بطلان گردیدن ساخته های آنان با عصای موسی (ع) ، وعده خداوند به آن حضرت
.

و ألق ما فی یمینک تلقف ما صنعوا

فعل <تلقف> و نظایر آن (نزد برخی از اهل لغت) در موردی به کار می رود که چیزی گرفته شود و خورده

یا بلعیده گردد (لسان العرب).

۷ - بلعیده شدن سِحر ساحران به وسیله عصای موسی ، نشانه بطلان سِحر و حقانیت معجزه موسی

و ألق ما فی یمینک تلقف ما صنعوا إنّما صنعوا کید سحر

جمله <إنّما صنعوا. ..> تعلیل برای <تلقف> است; یعنی، بدان جهت که سحر، کیدی بیش نیست، در برابر حقیقت اعجاز موسی نابود خواهد شد و به دین وسیله بطلان سحر ساحران و حقانیت معجزه اثبات خواهد گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۱

۱ - عصای موسی با اعجاز او ، تمامی ابزار و آلات سِحر جادوی ساحران فرعون (بند ها و عصا ها) را بلعید .

تلقف ما صنعوا . .. فأُلقی السحره

<فاء> در <فألقی> فصیحه و حاکی از جملاتی محذوفی است. مفاد آیه با تقدیرات آن چنین می شود: موسی(ع) عصای خود را انداخت و عصا آلات سحر را بلعید، آن گاه ساحران به سجده افتادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۵ - ۲،۵

۲ - بلعیده شدن ابزار ساحران (ریسمان ها و عصا ها) به وسیله عصای موسی

فإذا هی تلقف ما یأفکون

۵ - عصای موسی با بلعیدن ابزار جادویی ساحران ، صحنه ای شگفت و به دور از انتظار همگان به وجود آورد .

فإذا هی تلقف ما یأفکون

برداشت یاد شده از آن جا است که <إذا> برای مفاجات است و نشانگر آن است که جمله پس از آن، در یک حالت غیر منتظره واقع شده است.

اتحاد جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

اعراف - ۷ - ۱۱۵ - ۳

۳ ساحران دربار فرعون ، یکدل و یکزبان و یار یکدیگر در مبارزه با موسی (ع)

قالوا یموسی إما أن تلقی و إما أن نکون نحن الملقین

بـدیهی ست سـاحران جمله هـای <إمـا أن تلقی> و <إما أن نکون نحن الملقین> را دسـته جمعی و یا یک به یک نگفتنـد. بنابراین استناد این جمله ها به آنان حکایت از همیاری و یکدلی آنان در مبارزه با موسی(ع) دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۹

۹ - ساحرانِ فرعون ، یک دل و یک زبان و یار یکدیگر ، در مبارزه با موسی (ع) بودند .

و إمّا أن نکون أوّل من ألقی

صدق <أوّل من ألقی> بر همه ساحران، گویای هدف مشترک و وحدت رویه آنان است.

احترام جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۹ - ۵

۵ - ساحران ، دارای موقعیت و احترام در میان جامعه فرعونی *

و قالوا یأیّه الساحر

برداشت یاد شده بدین احتمال است که خطاب <یأیّه الساحر>، اسـتهزایی نباشد; بلکه برای احترام ادا شده باشد. و مؤید آن، ذیل آیه شریفه است که فرعونیان از موسی(ع) تقاضای رفع عذاب کردند.

احضار جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۸ - ۲

۲ - گردآوری ساحران در سریع ترین وقت ، پس از پیشنهاد مشاوران فرعون

قالوا . .. و ابعث فی المدائن ... فجمع السحره

برداشت یاد شده با توجه به آمدن <فاء> که بیانگر نبودن فاصله

زمانی است استفاده می شود.

ادب جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۴

۴ - برخورد و گفت وگوی ساحران فرعون با موسی (ع) در میدان مبارزه ، همراه با نزاکت و اظهار ادب نسبت به آن حضرت بود .

یموسی إمّا أن تلقی و إمّا

احاله انتخاب آغازگر به موسی(ع) و پرهیز از تحکّم در این زمینه، خالی از ابراز ادب و نزاکت از سوی ساحران نیست.

اذیتهای جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۴ - ۳،۴

۳ - افسون گران ، انسان هایی شرور و آزاردهنده دیگران

و من شرّ النفّثت فی العقد

اضافه شرّ در آیه قبل و بعد، به نکره و در این آیه به معرفه، بیانگر تعمیم شر بودن به تمام کسانی است که <نفّاث> (افسون گر) بودند.

۴ - پیامبر (ص) ، در معرض خطر از سوی جادوگران و کسانی که با دمیدن در گره هایی مخصوص ، درصدد آزار دادن آن حضرت بودند .

و من شرّ النفّثت فی العقد

استعاذه از جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۴ - ۵

۵ – پناه بردن به خداوند از شرّ جادوگران ، توصیه ای الهی به پیامبر (ص)

قل أعوذ . .. و من شرّ النفّثت فی العقد

استغفار جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۳ – ۹

۹ – ساحران فرعون ، پس از ایمان به موسی (ع) از اقدام

به سِحر به نفع فرعون ، اظهار پشیمانی کرده و خواستار بخشش الهی شدند .

لیغفر لنا . .. ما أکرهتنا علیه من السحر

استقامت جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۵ - ۱

۱ اظهار پایـداری بر طریق ایمان و به هیچ انگاشـتن مجازات های فرعون ، عکس العمل ساحران مؤمن به موسـی (ع) در برابر فرعون

قالوا إنا إلی ربنا منقلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۸،۱۰

۸ ساحران مؤمن به موسی (ع) پس از اعلان پایداری بر طریق ایمان ، به دعا به درگاه خدا پرداختند .

ربنا أفرِغ علینا صبراً و توفنا مسلمین

۱۰ سـاحران مؤمن در عین اظهـار اسـتقامت در برابر فرعون ، خود را برای مقـاومت در برابر شـکنجه های فرعون و پایـداری بر طریق ایمان ، نیازمند امداد های الهی دانستند .

ربنا أفرغ علینا صبراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۲،۱۱

۲ - سـاحران مؤمن ، برتری دادن فرعون بر خداونـد و بهـادادن به تهدیـدات او و در برابر دلایـل روشن موسـی (ع) را ، به کلی منتقی دانسته و ثبات و استحکام ایمان خود را نشان دادند .

قالوا لن نؤثرک علی ما جاءنا من البیّنت والذی فطرنا

۱۱ - ساحران مؤمن ، آمادگی خود را برای تحمّل هرگونه شکنجه و کشتار در جهت حفظ ایمان خویش اعلام کردند .

لن نؤثرك . .. فاقض ما أنت قاض

<قضا> به معناى حكم كردن و داورى است. جمله <فاقض...>

از زبان ساحران مؤمن و خطاب به فرعون است; یعنی، هر حکمی را که می توانی و قضاوت آن از تو ساخته است، صادر کن. ما آماده پذیرش هر نوع شکنجه و عذاب در راه ایمان خود هستیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۱

۱ - ساحران مؤمن ، در برابر فرعون و تهدید های وی ، بر ایمان خود به پروردگارشان تأکید کردند .

لن نؤثرك . .. إنّا ءامنّا بربّنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۰ - ۱،۲

۱ - اعلام آمادگی ساحران مؤمن به موسی (ع) در برابر فرعون برای پذیرش هر شکنجه در راه ایمان خویش

لأُقطّعنّ أيديكم و أرجلكم من خلف . .. قالوا لاضير

۲ - خشم و تهدید شدید فرعون ، فاقد کمترین تأثیر در ساحران مؤمن به موسی (ع)

لأُقطّعنّ أيديكم و أرجلكم من خلف . .. قالوا لاضير

استمداد از جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۱ - ۴،۵

۴ خنثی سازی معجزه موسی (ع) با استمداد از ساحران زبردست ، از آرای تصویب شده از جلسه سران و بزرگان حکومت فرعونیان

و أرسل فى المدائن حشرين

۵ سران دربار فرعون از وی خواستند با تأخیر مجازات موسی و هارون موافقت کرده و ساحران زبردست و کاردان را از اطراف و اکناف احضار کند .

و أرسل فى المدائن حشرين

<حشرین> به معنای جمع کنندگان و کوچ دهندگان است و مفعول آن به قرینه آیه قبل و بعد <ساحرین>

می باشد و خود <حشرین> مفعول برای <أرسل> است. بنابراین جمله <أرسل ... > یعنی: نیروهایی را برای جمع آوری و گسیل ساحران بسیج کن.

اطمینان به پیروزی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۹ - ۲

۲ - اطمینان فرعون و درباریان او به غلبه ساحران کارآزموده بر موسی (ع)

و قیل للناس هل أنتم مجتمعون

دعوت از مردم، می تواند نشانگر اطمینان فرعونیان به پیروزی ساحران باشد. گفتنی است که تعابیری چون: <لعلّنا> و <إن کانوا> که بیانگر نوعی تردید بوده و در آیه بعدی آمده است شگردی تبلیغی برای تهییج ساحران بود تا آنان توان خویش را در این راه به کار گیرند.

اطمینان جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۵ - ۴

۴ ساحران دربار فرعون مطمئن به غلبه سحرشان بر معجزه موسی (ع)

إما أن تلقی و إما أن نکون نحن الملقین

از اینکه ساحران اختیار شروع کننده مبارزه را به موسی(ع) واگذاشتند و جمله مربوط به خویش را با تأکید بیان داشتند، معلوم می شود آنان به غلبه خویش اطمینان داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۳،۶

۳ - ساحران فرعون ، نسبت به غلبه و پیروزی خود بر موسی (ع) در میدان مبارزه ، اطمینان داشتند .

إمّا أن تلقی و إمّا أن نکون أوّل من ألقی

پیشنهاد به موسی(ع) برای تعیین آغازکننده، حکایت از اطمینان ساحران به کار خود و نتیجه آن و یا لااقل تظاهر

به آن از سوی آنان دارد.

۶ - ساحران فرعون ، شکست موسی (ع) را در صورت اقدام او به سِحر ، حتمی دیده و نیازی به وارد عمل شدن خود احساس نمی کردند . *

إمّا أن تلقی و إمّا أن نکون أوّل من ألقی

ساحران دو شق تخییر را، به گونه ای بیان کردند که گویا اگر موسی(ع) ابزار سحر خود را بیفکند، کار او تمام است و ناتوانی او بر همگان روشن خواهد شد و تنها در صورتی که آنها دست به کار شوند، نوبت <اول> و <دوم> معنا پیدا می کند از این رو وصف <أوّل من ألقی> را در باره موسی(ع) به کار نبردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۳

۳ - غرور و اطمینان سرشار ساحران به غلبه خویش بر موسی (ع)

و قالوا بعزّه فرعون إنّا لنحن الغلبون

افساد جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۱ - ۱۱

۱۱ سحر ، عامل فساد است و ساحران اهل فسادند .

ما جئتم به السحر . .. إن اللّه لایصلح عمل المفسدین

افساد جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۱ - ۶

۶ موسی (ع) ، با خطاب به ساحران ، آنان را گروهی مفسد و مقابله آنان با خود را عملی فسادانگیز خواند .

قال موسی ما جئتم به السحر . .. إن اللّه لایصلح عمل المفسدین

اقرار جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ -

اعراف - ۷ - ۱۲۲ - ۱

۱ ساحران دربار فرعون پس از مشاهده معجزه موسی (ع) ، به ربوبیت خدای موسی (ع) و هارون بر تمام هستی ایمان آورده و بدان اعتراف کردند .

ءامنا برب العلمين. رب موسى و هرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۲

۲ - ساحران مؤمن ، به گناه و خطای خویش معترف و به آمرزش خداوند امیدوار بودند .

إنّا ءامنّا بربّنا ليغفر لنا خطينا

<خطایا> (جمع <خطیئه>) به معنای گناهانی است که از روی عمد انجام شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۷ - ۱

۱ - اعتراف ساحران به پروردگار جهانیان و ایمان به توحید ربوبی ، پس از مشاهده معجزه موسی و بطلان سحر خویش

فألقى موسى عصاه . .. قالوا ءامنّا بربّ العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۸ - ۳

۳ - اعتراف و ایمان ساحران به رسالت موسی و هارون (ع)

قالوا ءامنّا بربّ العلمين

قید <ربّ موسی و هارون> اعتراف ضمنی بر ایمان آوردن ساحران به رسالت موسی و هارون(ع) است. آیه بعد (قال آمنتم له...) این مطلب را تأیید می کند.

اکراه جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۳ – ۵

۵ – ساحران مؤمن ، برخلاف میل باطنی و با اجبار حکومت فرعونی ، وادار به مقابله با موسی (ع) شده بودند .

و ما أکرهتنا علیه من السحر

<إکراه>; یعنی، وادار

کردن کسی به کاری که خود تمایل به آن نداشته باشد. گفتنی است که <أکرهتنا> سخن ساحران مؤمن، خطاب به فرعون است; یعنی، تو ما را به سحر و مبارزه علیه موسی(ع) وادار کردی. اقداماتی که ساحران در شیوه اجرای سحر انجام دادند، گرچه اختیاری بود; ولی احضار آنان در صحنه مبارزه با موسی(ع) اجباری بوده است.

امتیازخواهی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۱ - ۵

۵ - امتیاز خواهی ساحران از فرعون ، با قرار دادن پیروزی خود در هاله ای از ابهام

أئنّ لنا لأجرًا إن کنّا نحن الغلبین

تردید ساحران در پیروزی خود، فرعون را در وحشت از شکست فرو می برد و اشتیاق به پیروزی را به هر قیمت در وجود او مشتعل می ساخت. ساحران از این زمینه برای دست یافتن به امتیازات بیشتر سود جستند. گفتنی است که آیه ۴۴ همین سوره که در آن ساحران پس از مطمئن شدن به دریافت مزد از فرعون پیروزی خود را بر موسی(ع) قطعی اعلام کردند (قالوا بعزّه فرعون إنّا نحن الغالبون) مؤید همین برداشت است.

امیدواری به پیروزی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۰ - ۱

۱ - امیدواری فرعونیان به غلبه ساحران بر موسی (ع) و پیروی مردم از آنان

لعلّنا نتّبع السحره إن کانوا هم الغلبین

واژه <لعلّ> برای اظهار امید است.

امیدواری جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۲

۲ - ساحران مؤمن ، به گناه و

خطای خویش معترف و به آمرزش خداوند امیدوار بودند .

إنّا ءامنّا بربّنا لیغفر لنا خطینا

<خطایا> (جمع <خطیئه>) به معنای گناهانی است که از روی عمد انجام شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۱ - ۱

۱ - اظهار امیدواری ساحران مؤمن به موسی (ع) ، به برخورداری از غفران الهی

إنّا نطمع أن یغفر لنا ربّنا خطینا

انقیاد جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۹

۹ صبر در برابر تحمل شکنجه های فرعون و تسلیم خدا بودن تا آخرین لحظه حیات ، درخواست ساحران مؤمن در دعا به درگاه خداوند

ربنا أفرغ علینا صبراً و توفنا مسلمین

ایمان جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۱ - ۲،۳

۲ ساحران ، ایمانشان را به خداوند به همگان اعلام کردند .

قالوا ءامنا برب العلمین

کلمه <قالوا> بیانگر این است که ساحران ایمانشان را به خدا و ربوبیت مطلق او علنی ساختند و به همگان اعلام کردند.

۳ ساحران به هنگام سجده به درگاه خداوند ، ایمانشان را به ربوبیت وی اعلام داشتند .

و ألقی السحره سجدین. قالوا ءامنا برب العلمین

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <قالوا ءامنا . .. > حال برای <السحره> و یا بدل اشتمال برای <القی السحره ... > باشد. بر این دو مبنا آیه مورد بحث دلالت می کند که ساحران به هنگام سجده به درگاه خدا برای اینکه توهم نشود به فرعون سجده می کنند، ایمان خویش را به

خداوند اظهار کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۲ - ۱،۲،۴،۵

۱ ساحران دربار فرعون پس از مشاهده معجزه موسی (ع) ، به ربوبیت خدای موسی (ع) و هارون بر تمام هستی ایمان آورده و بدان اعتراف کردند .

ءامنا برب العلمین. رب موسی و هرون

۲ ساحران مؤمن به موسی (ع) ، مردمی هوشیار و به ترفند ها و سیاست بازی های فرعون و اشرافیان دربار وی آگاه بودند .

رب موسی و هرون

به نظر می رسد از اهداف ساحران در تفسیر <رب العلمین> به <رب موسی و هرون> این باشد که مبادا فرعونیان پس از خاتمه ماجرا چنین وانمود کنند که ساحران به فرعون سجده کردند و او را <رب العلمین> خواندند. و این معنا حکایت از هوشیاری ساحران و آگاهی آنان به ترفندهای فرعون دارد.

۴ ساحران دربار فرعون پس از مشاهده معجزه موسی (ع) به پیامبری وی و برادرش هارون ایمان آوردند .

ءامنا برب العلمین. رب موسی و هرون

می توان گفت از اهداف ساحران در نام بردن خصوص <موسی و هارون>، پذیرش ایشان به عنوان پیامبران الهی بوده است.

۵ ساحران ، ایمان خویش را به موسی (ع) و هارون به همگان اعلام کردند .

قالوا ءامنا برب العلمین. رب موسی و هرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۳ - ۱،۴،۶،۸

۱ فرعون در پی گرایش ساحران به رسالت موسی (ع) و ایمانشان به ربوبیت خداوند ، بشدت برآشفت و آنان را به سبب

ایمانشان توبیخ کرد .

قال فرعون ءامنتم به قبل أن ءاذن لکم

ضمیر در <به> هم می تواند به موسی(ع) برگردانده شود و هم می تواند به <رب> برگردانده شود. در هر صورت برداشت فوق از آیه استفاده می شود.

۴ فرعون ، شکست ساحران و پیروزی موسی را صحنه سازی و ایمان آنان را توطئه ای از پیش طراحی شده اعلام کرد .

إن هذا لمکر مکرتموه فی المدینه

کلمه <هذا> اشاره است به ماجرای شکست ساحران و پیروزی موسی و در آخر اظهار ایمان ساحران به ربوبیت خداوند و پیامبری موسی و هارون.

۶ فرعون ، ایمان ساحران را به موسی (ع) ، خطری برای موقعیت و حکومت خویش احساس کرد .

إن هذا لمکر مکرتموه فی المدینه لتخرجوا منها أهلها

۸ بیرون راندن و آواره ساختن مردم پایتخت مصر ، تحلیل فرعون از داستان مبارزه ساحران با موسی و ایمان آوردن آنان

إن هذا لمکر مکرتموه فی المدینه لتخرجوا منها أهلها

برداشت فوق بر این مبناست که مراد از <أهلها> همه مردم مصر (عوامل حکومت و توده مردم) باشد، نه خصوص عوامل حکومتی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۴ - ۱،۲،۳

۱ فرعون بر کیفر دادن تمامی ساحران مؤمن به موسی (ع) تصمیم قطعی گرفت و بر آن سوگند یاد کرد .

لأقطعن . .. ثم لأصلبنکم

حرف <لام> در <لاقطعن> در <لاصلبن> لام تأکید و حاکی از سوگند مقدر است.

۲ قطع یک دست و یک پا در جهت خلاف یکدیگر ، از کیفر های تعیین شده از سوی فرعون برای ساحران مؤمن به موسی (ع

)

لأقطعن أيديكم و أرجلكم من خلف

۳ فرعون ، ساحران مؤمن به موسی (ع) را تهدید کرد که پس از بریدن دست و پایشان تمامی آنان را به چوبه دار خواهد بست .

ثم لأصلبنكم أجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۵ - ۱،۲

۱ اظهار پایداری بر طریق ایمان و به هیچ انگاشتن مجازات های فرعون ، عکس العمل ساحران مؤمن به موسی (ع) در برابر فرعون

قالوا إنا إلی ربنا منقلبون

۲ ساحران در پاسخ فرعون و تهدید های وی اظهار کردند که با کشته شدن به سوی خدای خویش باز خواهند گشت .

قالوا إنا إلی ربنا منقلبون

<إلی ربنا> متعلق به <منقلبون> است و کلمه <انقلاب>، در صورتی که به <إلی> متعدی شود، به معنای بازگشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۸

۱ ساحران مؤمن با بیان انگیزه فرعون بر نابودی آنان ، اتهام های دروغین وی (توطئه گری و آواره سازی مردمان) را قاطعانه مردود دانستند .

و ما تنقم منا إلا أن ءامنا بايت ربنا

۲ ایمان ساحران به آیات الهی تنها انگیزه فرعون بر شکنجه و مجازات آنان

إن هذا لمكر مكرتموه فی المدينه لتخرجوا . .. و ما تنقم منا إلا أن ءامنا بايت ربنا

نقمت <مصدر تنقم> به معنای عقوبت کردن و کراهت داشتن است و <أن ءامنا> مفعولٌ له برای <تنقم> می باشد. تقدیر جمله چنین است: و ما تنقم منا لشیء إلا لایماننا. یعنی ای فرعون تنها چیزی که تو را بر عقوبت ما

واداشته ایمـان ماست، نه اینکه ما را توطئه گر و امثال آن بـدانی. به عبارت دیگر یعنی تو خود می دانی که اتهامهایت واقعیت ندارد.

۳ ساحران گرویده به موسی (ع) ، برخوردار از ایمانی راسخ به آیات خداوند

و ما تنقم منا إلا أن ءامنا بایت ربنا

۴ ساحران گرویده به موسی (ع) به مجرد آگاهی به آیات الهی ، آنها را باور کردند و بدآنهاایمان آوردند .

ءامنا بایت ربنا لما جاءتنا

برداشت فوق با توجه به کلمه <لما> استفاده شده است.

۵ ساحران گرویده به موسی (ع) مؤمنانی در کمال شجاعت و شهامت

قالوا إنا إلی ربنا منقلبون. و ما تنقم منا إلا أن ءامنا

۶ ساحران مؤمن به موسی (ع) ، در ایمان خویش متکی به آیات و براهینی متعدد بودند .

أن ءامنا بایت ربنا لما جاءتنا

۸ ساحران مؤمن به موسی (ع) پس از اعلان پایداری بر طریق ایمان ، به دعا به درگاه خدا پرداختند .

ربنا أفرغ علینا صبراً و توفنا مسلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۵،۶،۷

۵ - ساحران به جهت تخصص در سِحر ، حقانیت گفته های موسی (ع) و سِحر نبودن کار او را به روشنی درک کردند .

فأُلقی السحره سجّدًا قالوا ءامنّا

از ظاهر آیه برمی آیـد، که در میدان مبارزه، تنها ساحران بودند که ایمان خود را اعلام کردند و یا لااقل اولین افراد بودند. این سبقت در ایمان از سوی ساحران، به جهت شناخت آنان از کار خود و تفاوت آن با معجزه بود.

۶ -

ساحران با مشاهده بطلان سِحرشان ، ربوبیت خداوند بر همه موجودات را باور کرده و به آن ایمان آوردند .

قالوا ءامنّا بربّ هرون و موسى

۷ - ساحران فرعون ، با صراحت ، ایمان خویش به خداوند را اعلام کردند .

قالوا ءامنّا بربّ هرون و موسى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱،۲،۱۱

۱ - ساحران به خاطر ایمان به موسى (ع) ، مورد توبیخ و بازخواست فرعون قرار گرفتند .

قالوا ءامنّا . .. قال ءامنتم له قبل أن ءاذن لکم

<آمنتم> چه جمله خبرى باشد و چه استفهامى (به تقدیر همزه)، مراد از آن توبیخ است و ضمیر <له> به قرینه حرف لام که براى ربط <أمن> به غیر خداوند به کار مى رود و به تناسب ضمیر <إنّه> در <إنّه لکبیرکم> به موسى(ع) برمى گردد.

۲ - ساحران فرعون ، موسى و هارون (ع) را پیامبر خدا دانسته و به آنان ایمان آوردند .

ءامنتم له

تعبیر ساحران در آیه قبل، <آمنّا بربّ هارون و موسى> بود; ولى فرعون در توبیخ خود، آنان را مؤمن به موسى(ع) معرفى کرد. گفتنى است که این نکته گویاى تلازم ایمان به <ربّ موسى و هارون> با ایمان به رسالت آن دو در دعوت به ربوبیت خداوند است.

۱۱ - در دیدگاه فرعون ، ساحران پیش از حضور در میدان مبارزه ، به موسى (ع) ایمان داشتند و ایمان آنان در صحنه مبارزه ، ایمانى صورى و برنامه ریزى شده بود .

ءامنتم له قبل أن ءاذن لکم إنّه لکبیرکم الذى علّمکم السحر

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۲ – ۲،۳،۷،۱۱،۱۴،۱۷

۲ – ساحران مؤمن ، برتری دادن فرعون بر خداونـد و بهـادادن به تهدیـدات او در برابر دلایـل روشن موسـی (ع) را ، به کلی منتقی دانسته و ثبات و استحکام ایمان خود را نشان دادند .

قالوا لن نؤثرک علی ما جاءنا من البیّنت والذی فطرنا

۳ – ساحر مؤمن مصر ، تحت تأثیر آیات و بینات الهی ، قرار گرفتند و خدا را بر فرعون ترجیح دادند .

لن نؤثرک علی ما جاءنا من البیّنت والذی فطرنا

۷ – ساحران مؤمن ، معتقد به رسالت موسی (ع) از جانب خالق آنان

علی ما جاءنا من البیّنت والذی فطرنا

۱۱ – ساحران مؤمن ، آمادگی خود را برای تحمّل هرگونه شکنجه و کشتار در جهت حفظ ایمان خویش اعلام کردند .

لن نؤثرک . .. فاقض ما أنت قاض

<قضـا> به معنـای حکم کردن و داوری است. جمله <فـاقض...> از زبان ساحران مؤمن و خطاب به فرعون است; یعنی، هر حکمی را که می توانی و قضـاوت آن از تو سـاخته است، صـادر کن. ما آماده پـذیرش هر نوع شـکنجه و عـذاب در راه ایمان خود هستیم.

۱۴ – سـاحران مؤمن بـا تحقیر قـدرت فرعون ، به او اعلام کردنـد که بالاترین شـکنجه های او ، تنها به زنـدگانی دنیایی آنان خاتمه می دهد و به آخرتشان آسیبی نخواهد رسانید .

فاقض ما أنت قاض إنّما تقضی هذه الحیوه الدنیا

چنانچه <هـذه الحیاه> مفعولٌ به برای <تقضـی> باشـد، مراد از <قضا>، منقضـی ساختن خواهد بود. اهل لغت می گویند: تمام معانی <قضا> به انقطاع یافتن و تمام شدن بازگشت

دارد (لسان العرب). بنابراین مفاد آیه چنین می شود: ای فرعون! با حکم خود به هرچه می توانی فیصله بده و آن را تمام کن; زیرا تو فقط این زندگانی دنیا را خاتمه می دهی.

۱۷ - ساحران مؤمن به موسی (ع) ، دارای ایمان و اعتقاد محکم به آخرت بودند .

فاقض . .. إنّما تقضی هذه الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۱،۹

۱ - ساحران مؤمن ، در برابر فرعون و تهدید های وی ، بر ایمان خود به پروردگارشان تأکید کردند .

لن نؤثرک . .. إنّا ءامنّا بربّنا

۹ - ساحران فرعون ، پس از ایمان به موسی (ع) از اقدام به سِحر به نفع فرعون ، اظهار پشیمانی کرده و خواستار بخشش الهی شدند .

لیغفر لنا . .. ما أکرهتنا علیه من السحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۳

۳ - هراس از جهنم و عذاب طاقت فرسای آن ، مایه تحکیم ایمان در قلب ساحران فرعون

إنّا ءامنّا بربّنا . .. إنّه من یأت ربّه مجرمًا فإنّ له جهنّم

جمله <إنّه من یأت. ..> تعلیل برای محتوای آیه قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۸ - ۱،۲،۳

۱ - ساحران پس از مشاهده معجزه موسی ، بیزاری خود را از فرعون و ادعای ربوبیت او ، به صراحت و در حضور وی ، اعلام داشتند .

قالوا ءامنّا بربّ العلمین . ربّ موسی و هرون

جمله <ربّ موسی و هارون> که

عطف بیان برای <بربّ العالمین> می باشد تعریضی است به فرعون و نیز کنایه از این نکته است که دیگر ربّ بودن تو، پذیرفتنی نیست.

۲ - تأکید ساحران بر ایمان خویش به پروردگار یگانه هستی ، به گونه ای صریح و بی ابهام

قالوا ءامنّا بربّ العلمین . ربّ موسی و هرون

۳ - اعتراف و ایمان ساحران به رسالت موسی و هارون (ع)

قالوا ءامنّا بربّ العلمین

قید <ربّ موسی و هارون> اعتراف ضمنی بر ایمان آوردن ساحران به رسالت موسی و هارون(ع) است. آیه بعد (قال آمنتم له...) این مطلب را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۱۳

۱۳ - ایمان همه ساحران به موسی (ع) و تهدید فرعون به شکنجه و کشتن تمامی آنان

قال ءامنتم له . .. و لأُصلّبنّكم أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۰ - ۱،۲،۳

۱ - اعلام آمادگی ساحران مؤمن به موسی (ع) در برابر فرعون برای پذیرش هر شکنجه در راه ایمان خویش

لأُقطّعنّ أیدیکم و أرجلکم من خلف . .. قالوا لاضیر

۲ - خشم و تهدید شدید فرعون ، فاقد کمترین تأثیر در ساحران مؤمن به موسی (ع)

لأُقطّعنّ أیدیکم و أرجلکم من خلف . .. قالوا لاضیر

۳ - اعتقاد ساحران مؤمن به زیان نکردن انسان از تحمل دشواری ها در راه خدا

قالوا لاضیر إنّا إلی ربّنا منقلبون

جمله <إنّا إلی ربّنا. ..> تعلیل برای <لاضیر> و بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء

- ۲۶ - ۵۱ - ۶

۶ - ساحرانِ گرویده به موسی (ع) ، از نخستین مؤمنان به وی

إنّا نطمع أن یغفر . .. إن کنّا أوّل المؤمنین

بسیج جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۱ - ۵،۶

۵ سران دربار فرعون از وی خواستند با تأخیر مجازات موسی و هارون موافقت کرده و ساحران زبردست و کاردان را از اطراف و اکناف احضار کند .

و أرسل فی المدائن حشرین

<حشرین> به معنای جمع کنندگان و کوچ دهندگان است و مفعول آن به قرینه آیه قبل و بعد <ساحرین> می باشد و خود <حشرین> مفعول برای <أرسل> است. بنابراین جمله <أرسل ... > یعنی: نیروهایی را برای جمع آوری و گسیل ساحران بسیج کن.

۶ بسیج نیرو های حکومتی به تمامی شهر های تحت نفوذ فرعون ، طرح کارگزاران دربار برای گردآوری و احضار ساحران زبردست

و أرسل فی المدائن حشرین

<ال> در <المدائن> عهد ذهنی است و اشاره به شهرهای تحت نفوذ حکومت فرعون دارد. زیرا معهود بین فرعون و اشراف دربار همان شهرهای کشور خودشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۲ - ۳

۳ احضار همه ساحران زبردست برای مبارزه با موسی (ع) ، درخواست اشرافیان دربار فرعون از فرعون

یأتوک بکل سحر علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۳ - ۱

۱ ساحرانی زبردست و کارآمد پس از فراخوانی آنان برای مبارزه با موسی ، به درگاه فرعون حاضر شدند .

و جاء السحره فرعون

<ال>

در <السحره> عهد ذکری است و اشاره به <کل سحر علیم> دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۶ - ۵

۵ - تـدبیر مشـاوران فرعون ، مبنی بر اعزام اشخاصـی به تمـام شـهر هـا و گردآوری نیروی لازم جهت مبارزه با موسـی (ع) و برادرش

قالوا . .. و ابعث فی المدائن حشرین

<المدائن> جمع محلّی به <ال> و مفید عموم است; یعنی، همه شهرها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۷ - ۱

۱ - گردآوری تمامی ساحران کارآزموده و ماهر برای مقابله با معجزات موسی ، طرح مشاوران فرعون بود .

و ابعث فی المدائن حشرین . یأتوک بکلّ سحّار علیم

بشارت به جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۴ - ۲

۲ فرعون به ساحران بشارت داد که در صورت پیروزی علاوه بر دریافت پاداشی گران ، از مقرّبان درگاهش خواهند شد .

قال نعم و إنکم لمن المقربین

بطلان جادوی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۰ - ۱

۱ ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) و بطلان سحر خویش ، به خاک افتادند و به درگاه خداوند سجده کردند .

و ألقی السحره سجدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۱ - ۳

۳ موسی (ع) ، شکست ساحران و ابطال سحر آنان را ، قطعی و غیر قابل تردید اعلام کرد .

قال موسی ما جئتم

به السحر إن اللّه سيبطله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۶ - ۱

۱ - پی بردن ساحران به حقانيت رسالت موسی (ع) ، در پی مشاهده بطلان افسون خود در برابر معجزه موسی

فإذا هی تلقف ما يأفكون . فأُلقی السحره سجدين

برداشت ياد شده با توجه به تفريع <أُلقی> بر آيه پيش به دست می آيد.

بينش جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۶

۶ - ساحران فرعون ، شكست موسی (ع) را در صورت اقدام او به سِحر ، حتمی ديده و نيازی به وارد عمل شدن خود احساس نمی كردند . *

إمّا أن تلقی و إمّا أن نكون أوّل من ألقی

ساحران دو شق تخيير را، به گونه ای بيان كردند كه گويا اگر موسی(ع) ابزار سحر خود را بيفكند، كار او تمام است و ناتوانی او بر همگان روشن خواهد شد و تنها در صورتی كه آنها دست به كار شوند، نوبت <اول> و <دوم> معنا پيدا می كند از اين رو وصف <أوّل من ألقی> را در باره موسی(ع) به كار نبردند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۳

۳ - ساحران ، با مشاهده معجزه موسی ، آن را قدرتی الهی دانسته و در برابر عظمت خداوند اظهار فروتنی كردند .

فأُلقی السحره سجّدًا قالوا ءامنّا بربّ هرون و موسی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۱۲

۱۲ - تحقیر دنیا

و حاکمیت موقت فرعون در آن ، از سوی ساحران مؤمن

إنّما تقضی هذه الحیوه الدنیا

فعل <تقضی> خطاب به فرعون و <هذه الحیاه> مفعول فیه آن است; یعنی، <إنّما تقضی مده هذه الحیاه الدنیا> (دایره حکم رانی تو، همین زندگی دنیایی است و فراتر از آن در دسترس تو نیست).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۵

۵ - فرعون ، دارای عزت و جلال در چشم و دل ساحران عصر خود .

فلمّا جاء السحره . .. و قالوا بعزّه فرعون

پاداش به جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۴ - ۲

۲ فرعون به ساحران بشارت داد که در صورت پیروزی علاوه بر دریافت پاداشی گران ، از مقرّبان درگاهش خواهند شد .

قال نعم و إنکم لمن المقربین

پاداش جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۴ - ۱

۱ فرعون به خواسته ساحران (اعطای پاداش در صورت پیروزی) ، پاسخ مثبت داد .

ان لنا لأجراً . .. قال نعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۱ - ۱،۳

۱ – پرسش ساحران ، از فرعون نسبت به پاداش خود در صورت غلبه بر موسی (ع)

قالوا لفرعون أئنّ لنا لأجرًا إن كنّا نحن الغلبين

۳ – اهتمام ساحران به دریافت پاداش و نه پیروزی فکری و عقیدتی

أئنّ لنا لأجرًا إن كنّا نحن الغلبين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ –

۱،۳ - ۴۲

۱ - پاسخ مثبت فرعون ، به امتیازطلبی ساحران برای غلبه بر موسی (ع)

قالوا لفرعون أئنّ لنا لأجرًا . .. قال نعم

۳ - فرعون ، برای جلب حمایت ساحران ، بیش از انتظارشان به آنان وعده مزد و پاداش داد .

قالوا لفرعون أئنّ لنا لأجرًا . .. و إنّكم إذًا لمن المقرّبين

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که ساحران تنها درخواست مزد داشته اند؛ ولی فرعون علاوه بر پاسخ مثبت به آن، وعده تقرّب به درگاه خود را نیز به آنان داد.

پرسش جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۱ - ۱

۱ - پرسش ساحران ، از فرعون نسبت به پاداش خود در صورت غلبه بر موسی (ع)

قالوا لفرعون أئنّ لنا لأجرًا إن كنّا نحن الغلبين

پشیمانی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۹

۹ - ساحران فرعون ، پس از ایمان به موسی (ع) از اقدام به سِحر به نفع فرعون ، اظهار پشیمانی کرده و خواستار بخشش الهی شدند .

ليغفر لنا . .. ما أكرهتنا عليه من السحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۱ - ۲،۱۰

۲ - ندامت ساحران از گذشته شرك آلود و غفلت بار خود در پیشگاه خدا

إنّا نطمع أن يغفر لنا ربّنا خطينا

۱۰ – اظهار ندامت ساحران ، از قرار دادن دانش خويش در خدمت فرعون ، برای مبارزه با موسی (ع)

إنّا نطمع أن يغفر لنا ربّنا خطينا

كلمه

<خطایانا> می تواند اشاره به اقدامی باشد که ساحران در خدمت نظام فرعونی، برای مبارزه با حق انجام داده اند.

پوچی جادوی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۸ - ۱

۱ عصای موسی (ع) با بلعیدن جادوی ساحران ، موجب به کرسی نشستن حق و پوچ گشتن دستاورد های ساحران شد .

فوقع الحق و بطل ما کانوا یعملون

دربرداشت فوق ضمیر <کانوا> و <یعملون> به ساحران برگردانده شده است. بر این مبنا مراد از <ما> در <ما کانوا ... > همان ابزار و آلاتی است که با سحر خویش آنها را در چشم بینندگان به صورت جانورانی پر تحرک جلوه داده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۳ - ۲

۲ - اطمینان موسی به غلبه خویش و پوچی افسون ساحران

قال لهم موسی ألقوا ما أنتم ملقون

شتاب نداشتن موسی(ع) در ارائه معجزه خویش، حاکی از اطمینان او و تعبیر <ألقوا ما أنتم ملقون> نشانگر بی اعتنایی وی به همه دست مایه های ساحران است.

پیروزی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۱ - ۵

۵ - امتیاز خواهی ساحران از فرعون ، با قرار دادن پیروزی خود در هاله ای از ابهام

أئنّ لنا لأجرًا إن کنّا نحن الغلبین

تردید ساحران در پیروزی خود، فرعون را در وحشت از شکست فرو می برد و اشتیاق به پیروزی را به هر قیمت در وجود او مشتعل می ساخت. ساحران از این زمینه برای دست یافتن به امتیازات بیشتر سود

جستند. گفتنی است که آیه ۴۴ همین سوره که در آن ساحران پس از مطمئن شدن به دریافت مزد از فرعون پیروزی خود را بر موسی(ع) قطعی اعلام کردند (قالوا بعزّه فرعون إنّا نحن الغالبون) مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۳

۳ - غرور و اطمینان سرشار ساحران به غلبه خویش بر موسی (ع)

و قالوا بعزّه فرعون إنّا لنحن الغلبون

پیشنهاد جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۱

۱ - ساحران فرعون ، در میدان مبارزه و رویارویی با موسی (ع) ، تعیین آغازکننده را به آن حضرت محول کردند .

قالوا یموسی إمّا أن تلقی . .. ألقی

تبرّی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۸ - ۱

۱ - ساحران پس از مشاهده معجزه موسی ، بیزاری خود را از فرعون و ادعای ربوبیت او ، به صراحت و در حضور وی ، اعلام داشتند .

قالوا ءامنّا بربّ العلمین . ربّ موسی و هرون

جمله <ربّ موسی و هارون> که عطف بیان برای <بربّ العالمین> می باشد تعریضی است به فرعون و نیز کنایه از این نکته است که دیگر ربّ بودن تو، پذیرفتنی نیست.

تبلیغ جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۲ – ۱۶

۱۶ – ساحران مؤمن با وجود تهدیدات فرعون ، در صدد نصیحت و ارشاد و هدایت وی بودند .

ما

جاءنا من البيّنت و الذى فطرنا فاقض ما أنت قاض إنّما تقضى هذه الحيوه الدنيا

اشاره ساحران به بینات موسی(ع) و خالقیت خداوند و محدودیت قدرت فرعون، پس از موضع گیری خصمانه او، می تواند به منظور رام ساختن و پند و اندرز دادن به او باشد.

تجدیدنظر جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۰ - ۲

۲ ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) به عظمت خداوند پی بردند و او را شایسته و بایسته پرستش یافتند .

و ألقى السحره سجدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۱ - ۱،۲،۳

۱ ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) ربوبیت خداوند را بر تما هستی باور کردند و به آن ایمان آوردند .

قالوا ءامنا برب العلمين

۲ ساحران ، ایمانشان را به خداوند به همگان اعلام کردند .

قالوا ءامنا برب العلمين

کلمه <قالوا> بیانگر این است که ساحران ایمانشان را به خدا و ربوبیت مطلق او علنی ساختند و به همگان اعلام کردند.

۳ ساحران به هنگام سجده به درگاه خداوند ، ایمانشان را به ربوبیت وی اعلام داشتند .

و ألقى السحره سجدين. قالوا ءامنا برب العلمين

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <قالوا ءامنا . .. > حال برای <السحره> و یا بدل اشتمال برای <القی السحره ... > باشد. بر این دو مبنا آیه مورد بحث دلالت می کند که ساحران به هنگام سجده به درگاه خدا برای اینکه توهم نشود به فرعون سجده می کنند، ایمان خویش را به خداوند اظهار کردند.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۲ - ۱،۴

۱ ساحران دربار فرعون پس از مشاهده معجزه موسی (ع) ، به ربوبیت خدای موسی (ع) و هارون بر تمام هستی ایمان آورده و بدان اعتراف کردند .

ءامنا برب العلمین. رب موسی و هرون

۴ ساحران دربار فرعون پس از مشاهده معجزه موسی (ع) به پیامبری وی و برادرش هارون ایمان آوردند .

ءامنا برب العلمین. رب موسی و هرون

می توان گفت از اهداف ساحران در نام بردن خصوص <موسی و هارون>، پذیرش ایشان به عنوان پیامبران الهی بوده است.

تصلیب جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۳،۱۵

۱۳ - قطع یک دست و یک پا در جهت مخالف یکدیگر و دار زدن بر تنه درختان خرما ، از جمله مجازات های تعیین شده برای ساحران مؤمن از سوی فرعون بود .

فلأقطّعنّ أیدیکم و أرجلکم من خلف و لأصلّبنّکم

<جذع> (مفرد <جذوع>) به معنای ساق درخت است و حرف <فی> نشانه آن است که فرعون در تهدید خود، مکان همیشگی ساحران را پس از قطع دست و پایشان، چوبه های دار در نظر گرفته بود. این مطلب کنایه از آن دارد که بدن آنان هرگز از دار پایین آورده نخواهد شد.

۱۵ - تصمیم فرعون بر شکنجه و به صلیب کشیدن ساحران مؤمن و نظارت مستقیم خود بر اجرای آن ، تصمیمی قاطع و مستبدانه بود .

لأقطّعنّ . .. لأصلّبنّکم ... لتعلمنّ أیّنا أشدّ عذابًا و أبقی

فرعون در واکنش های قبلی خود در برابر موسی(ع)

با اطرافیان خویش به مشورت می نشست; ولی در مجازات ساحران، تصمیم مستبدانه و شخصی خود را با سوگند بر اجرای آن اعلام کرد و با لام قسم و نون تأکید ثقیله و فعل هایی از باب تفعیل، قاطعیت خود را در این تصمیم ابراز کرد. گفتنی که فعل های <لأقطّعنّ> و <لأصلبنّ> که از باب تفعیل اند، با ثلاثی مجرد در معنا یکسان بوده و تفاوتی جز تأکید افزون تر ندارند.

تکبر جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۳

۳ - غرور و اطمینان سرشار ساحران به غلبه خویش بر موسی (ع)

و قالوا بعزّه فرعون إنّا لنحن الغلبون

تلاش جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۳ - ۳

۳ - تلاش ساحران برای انجام کاری شبیه به معجزه موسی

ألقوا ما أنتم ملقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۷

۷ - سعی ساحران بر ارائه کاری قوی تر و چشمگیرتر از معجزه موسی و در عین حال هم سنخ با آن

فألقوا حبالهم و عصیّهم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ساحران از ریسمان ها و عصاهای متعدد برای مبارزه با معجزه (عصای اژدها شوند) موسی(ع) استفاده کردند.

تملق جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۴۴ – ۸

۸ – اقدام ساحران به ستایش فرعون در لحظه شروع عملیات خود ، با هدف جلب حمایت او و نزدیک ساختن خویش بهوی

فألقوا .

.. و قالوا بعزّه فرعون إنّا لنحن الغلبون

تنبه جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۶ - ۱

۱ - پى بردن ساحران به حقانيت رسالت موسى (ع) ، در پى مشاهده بطلان افسون خود در برابر معجزه موسى

فإذا هى تلقف ما يأفكون . فأُلقى السحره سجدين

برداشت ياد شده با توجه به تفريع <أُلقى> بر آيه پيش به دست مى آيد.

تواضع جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۳

۳ - ساحران ، با مشاهده معجزه موسى ، آن را قدرتى الهى دانسته و در برابر عظمت خداوند اظهار فروتنى كردند .

فأُلقى السحره سجّدًا قالوا ءامنّا بربّ هرون و موسى

توطئه جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۸ - ۲

۲ ساحران در مدتى طولانى و به طور مستمر در تدارك سحر خويش عليه موسى (ع) بودند .

و بطل ما كانوا يعملون

فعل مضارع <يعملون> پس از <كانوا> حكايت از مداومت ساحران به مهياسازى خويش براى جادوگرى دارد.

تهديد جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۳ - ۹

۹ فرعون بر پایه تحلیل دروغین خویش و توطئه گر خواندن ساحران ، آنان را به مجازاتی شدید تهدید کرد .

إن هذا لمکر . .. فسوف تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۴ - ۳

۳ فرعون ، ساحران مؤمن به موسی (ع)

را تهدید کرد که پس از بریدن دست و پایشان تمامی آنان را به چوبه دار خواهد بست .

ثم لأصلبنكم أجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۵ - ۲

۲ ساحران در پاسخ فرعون و تهدید های وی اظهار کردند که با کشته شدن به سوی خدای خویش باز خواهند گشت .

قالوا إنا إلى ربنا منقلبون

<إلى ربنا> متعلق به <منقلبون> است و كلمه <انقلاب>، در صورتی که به <إلی> متعدی شود، به معنای بازگشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۸،۹،۱۳

۸ - تهدید ساحران مؤمن از سوی فرعون به داشتن فرجامی تیره و وحشتناک

فلسوف تعلمون

۹ - ساحران مؤمن به موسی (ع) ، مورد تهدید فرعون به قطع دست و پا و کشیده شدن بر صلیب

لأُقطّعنّ أيديكم و أرجلكم من خلف و لأُصلّبنّكم أجمعين

۱۳ - ایمان همه ساحران به موسی (ع) و تهدید فرعون به شکنجه و کشتن تمامی آنان

قال ءامنتم له . .. و لأُصلّبنّكم أجمعين

تهمت به جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۳ - ۴،۷

۴ فرعون ، شکست ساحران و پیروزی موسی را صحنه سازی و ایمان آنان را توطئه ای از پیش طراحی شده اعلام کرد .

إن هذا لمکر مکرتموه فی المدینه

کلمه <هـذا> اشاره است به ماجرای شـکست ساحران و پیروزی موسـی و در آخر اظهار ایمان ساحران به ربوبیت خداونـد و پیامبری موسی و هارون.

۷ فرعون با توطئه گر خواندن موسی (ع) و

ساحران ، براندازی حکومت فرعونیان و بیرون راندن ایشان را ، از پایتخت مصر از اهداف توطئه آنان شمرد .

إن هذا لمکر . .. لتخرجوا منها أهلها

مراد از <أهلها> هم می توانـد فرعون، درباریان و وابسـتگان به او باشد و هم می تواند مراد از آن تمامی ساکنان مصـر باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۲۶ – ۱

۱ سـاحران مؤمن با بیان انگیزه فرعون بر نابودی آنان ، اتهام های دروغین وی (توطئه گری و آواره سازی مردمان) را قاطعانه مردود دانستند .

و ما تنقم منا إلا أن ءامنا بایت ربنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۱ – ۹

۹ – فراگرفتن سِحر از موسی (ع) و هم دستی با او در توطئه علیه فرعون ، از اتهامات فرعون به ساحران مؤمن بود .

إنّه لکبیرکم الذی علّمکم السحر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۴۹ – ۷

۷ – اتهام ساحران از سوی فرعون ، به شاگردی موسی (ع) و یادگرفتن سحر در مکتب او

إنّه لکبیرکم الذی علّمکم السحر

تهمت تبانی به جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۱ – ۱۰،۱۱

۱۰ – فرعون ، شـکست سـاحران از موسـی (ع) را ، امری تصـنّعی و براثر تبانی قبلی با موسـی (ع) دانست و آنان را به سـهل

انگاری عمدی متهم ساخت .

إنّه لكبيركم الذی

علّمكم السحر

۱۱ – در دیدگاه فرعون ، ساحران پیش از حضور در میدان مبارزه ، به موسی (ع) ایمان داشتند و ایمان آنان در صحنه مبارزه ، ایمانی صوری و برنامه ریزی شده بود .

ءامنتم له قبل أن ءاذن لکم إنّه لکبیرکم الذی علّمکم السحر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۴۹ – ۴

۴ – اتهام ساحران از سوی فرعون ، به هم دستی با موسی (ع) برای توطئه علیه وی

إنّه لکبیرکم الذی علّمکم السحر

جادوگران در دربار فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۱۳ – ۱،۳

۱ ساحرانی زبردست و کارآمد پس از فراخوانی آنان برای مبارزه با موسی ، به درگاه فرعون حاضر شدند .

و جاء السحره فرعون

<ال> در <السحره> عهد ذکری است و اشاره به <کل سحر علیم> دارد.

۳ ساحران بدون هیچ اجباری از سوی نیرو های فرعونی برای مبارزه با موسی (ع) به دربار فرعون حاضر شدند .

و جاء السحره فرعون

بیان حضور ساحران به دربار فرعون با جمله <و جاء السحره> (ساحران آمدند) و نه با جمله ای همانند <و اَتَوا بالسحره> (ساحران را آوردند)، حکایت از این دارد که ساحران به دلخواه خویش، و نه از روی اجبار و اکراه، به دربار حاضر شدند.

جادوگران در سرزمین مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۷۹ – ۳

۳ سحر و جادو در عصر فرعون ، دانشی رایج بود و ساحران چیره دست بسیاری در کشور مصر می زیستند

.

قالوا إن هذا لسحر . .. و لا يفلح السحرون ... و قال فرعون ائتونی بکل سحر عليم

جادوگران فرعون و ترک جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۶ - ۲

۲ ساحران پس از رخصت دهی موسی (ع) آنچه را برای جادوگری تدارک دیده بودند ، در مقابل تماشاگران ر ها کردند و چشم های آنان را سحر کردند .

فلما ألقوا سحروا أعين الناس

جادوگران فرعون و تعالیم موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۷ - ۲

۲ - آگاهی قبلی ساحران از پیام توحیدی موسی (ع) و تنها نیازمند مشاهده دلیلی روشن

قالوا ءامنّا بربّ العلمین

جادوگران فرعون و دعوت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۱۰

۱۰ - ساحران فرعون ، از دعوت موسی (ع) و هماهنگی هارون با او ، پیش از اقدام به مبارزه با آنان آگاه بودند .

ءامنّا بربّ هرون و موسی

جادوگران فرعون و دعوت هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۰ – ۱۰

۱۰ – ساحران فرعون ، از دعوت موسی (ع) و هماهنگی هارون با او ، پیش از اقدام به مبارزه با آنان آگاه بودند .

ءامنّا بربّ هرون و موسی

جادوگران فرعون و رب العالمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۲۲ – ۳

۳ پیشگیری از فریبکاری و خدعه گری فرعون ، از اهداف

ساحران در تفسير < رب العلمين > به < رب موسى و هرون >

رب موسى و هرون

جادوگران فرعون و فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۵ - ۱،۲

۱ اظهار پايدارى بر طريق ايمان و به هيچ انگاشتن مجازات هاى فرعون ، عكس العمل ساحران مؤمن به موسى (ع) در برابر فرعون

قالوا إنا إلى ربنا منقلبون

۲ ساحران در پاسخ فرعون و تهديد هاى وى اظهار كردند كه با كشته شدن به سوى خداى خويش باز خواهند گشت .

قالوا إنا إلى ربنا منقلبون

<إلى ربنا> متعلق به <منقلبون> است و كلمه <انقلاب>، در صورتى كه به <إلى> متعدى شود، به معناى بازگشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۱،۱۰

۱ ساحران مؤمن با بيان انگيزه فرعون بر نابودى آنان ، اتهام هاى دروغين وى (توطئه گرى و آواره سازى مردمان) را قاطعانه مردود دانستند .

و ما تنقم منا إلا أن ءامنا بايت ربنا

۱۰ ساحران مؤمن در عين اظهار استقامت در برابر فرعون ، خود را براى مقاومت در برابر شكنجه هاى فرعون و پايدارى بر طريق ايمان ، نيازمند امداد هاى الهى دانستند .

ربنا أفرغ علينا صبراً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۴۴ – ۵

۵ – فرعون ، دارای عزت و جلال در چشم و دل ساحران عصر خود .

فلمّا جاء السحره . .. و قالوا بعزّه فرعون

جادوگران فرعون و مردم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶

- اعراف - ۷ - ۱۱۶ - ۴،۵،۶

۴ جادوی ساحران فرعونی ، مایه هراس شدید مردم گشت .

فلما ألقوا سحروا أعین الناس و استرهبوهم

<استرهاب> به معنای ترسانیدن است. جمله <استرهبوهم> هم می تواند عطف بر جزای شرط، یعنی <سحروا ... > باشد و هم می تواند عطف بر <فلما ألقوا ... > باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است. یعنی: سحروا أعین الناس و استرهبوهم بسحرهم.

۵ ساحران فرعونی پس از چشمبندی مردم به ترسانیدن آنان پرداختند .

فلما ألقوا . .. و استرهبوهم

برداشت فوق بر این اساس است که <استرهبوا> عطف بر <فلما ألقوا . .. > باشد. بر این مبنا <استرهبوهم> دلالت می کند که ساحران پس از چشمبندی با حرکات و سکنات خویش سعی می کردند مردم را کاملا مرعوب سحر خویش سازند.

۶ ساحران فرعونی با افکندن ابزار سحر خویش و ایجاد هول و هراس در مردم ، سحری بس بزرگ و شگفت آور را به نمایش گذاشتند .

سحروا أعین الناس و استرهبوهم و جاءو بسحر عظیم

جادوگران فرعون و معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۵ - ۳

۳ ساحران مؤمن به موسی (ع) ، معتقد به معاد و بازگشت به خدا پس از سپری کردن حیات دنیا

إنا إلی ربنا منقلبون

جادوگران فرعون و معجزه موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۰ - ۱،۲

۱ ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) و بطلان سحر خویش ، به خاك افتادند و به درگاه خداوند سجده کردند .

و ألقی

السحره سجدين

۲ ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) به عظمت خداوند پی بردند و او را شایسته و بایسته پرستش یافتند .

و ألقی السحره سجدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۲۱ – ۱

۱ ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) ربوبیت خداوند را بر تما هستی باور کردند و به آن ایمان آوردند .

قالوا ءامنا برب العلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۲۲ – ۱

۱ ساحران دربار فرعون پس از مشاهده معجزه موسی (ع) ، به ربوبیت خدای موسی (ع) و هارون بر تمام هستی ایمان آورده و بدان اعتراف کردند .

ءامنا برب العلمین. رب موسی و هرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۰ – ۲،۳

۲ – ساحران با مشاهده معجزه موسی و بلعیده شدن سِحرشان با اعجاز او ، در برابر خداوند به سجده افتادند .

فأُلقی السحره سجّدًا

۳ – ساحران ، با مشاهده معجزه موسی ، آن را قدرتی الهی دانسته و در برابر عظمت خداوند اظهار فروتنی کردند .

فأُلقی السحره سجّدًا قالوا ءامنّا بربّ هرون و موسی

جادوگران فرعون و موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۵ - ۱،۲،۳

۱ ساحران پس از اجتماع در صحنه رویارویی با موسی (ع) ، شروع کننده مبارزه را به انتخاب وی وانهادند .

قالوا یموسی إما أن تلقی و إما أن نکون نحن الملقین

بدیهی است هر یک از طرفین

(موسی از یک سو و ساحران از سوی دیگر) برای عرضه کار خود در صحنه مبارزه حاضر شده بودند. بنابراین تخییرِ مستفاد از جمله <إما أن تلقی ... >، ناظر به شروع کننده کار است، نه به اصل انجام آن.

۲ ساحران ، جادویی همانند معجزه موسی (ع) تدارک دیده بودند .

إما أن تلقی و إما أن نکون نحن الملقین

به کارگیری <تلقی> و <ملقین>، که هر دو از مصدر <القاء> به معنای افکندن است، می رساند که جادوی آنان مشابهت صوری با معجزه موسی داشته است.

۳ ساحران دربار فرعون ، یکدل و یکزبان و یار یکدیگر در مبارزه با موسی (ع)

قالوا یموسی إما أن تلقی و إما أن نکون نحن الملقین

بدیهی ست ساحران جمله های <إما أن تلقی> و <إما أن نکون نحن الملقین> را دسته جمعی و یا یک به یک نگفتند. بنابراین استناد این جمله ها به آنان حکایت از همیاری و یکدلی آنان در مبارزه با موسی(ع) دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۸ - ۲

۲ ساحران در مدتی طولانی و به طور مستمر در تدارک سحر خویش علیه موسی (ع) بودند .

و بطل ما کانوا یعملون

فعل مضارع <یعملون> پس از <کانوا> حکایت از مداومت ساحران به مهیاسازی خویش برای جادوگری دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۳ - ۵

۵ برخورد و ملاقات ساحران با موسی (ع) در پایتخت مصر ، پیش از حضورشان در صحنه مبارزه

إن هذا لمکر مکرتموه فی المدینه

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۱،۳،۴،۵

۱ - ساحران فرعون ، در میدان مبارزه و رویارویی با موسی (ع) ، تعیین آغازکننده را به آن حضرت محول کردند .

قالوا یموسی إمّا أن تلقی . .. ألقی

۳ - ساحران فرعون ، نسبت به غلبه و پیروزی خود بر موسی (ع) در میدان مبارزه ، اطمینان داشتند .

إمّا أن تلقی و إمّا أن نکون أوّل من ألقی

پیشنهاد به موسی(ع) برای تعیین آغازکننده، حکایت از اطمینان ساحران به کار خود و نتیجه آن و یا لااقل تظاهر به آن از سوی آنان دارد.

۴ - برخورد و گفت وگوی ساحران فرعون با موسی (ع) در میدان مبارزه ، همراه با نزاکت و اظهار ادب نسبت به آن حضرت بود .

یموسی إمّا أن تلقی و إمّا

احاله انتخاب آغازگر به موسی(ع) و پرهیز از تحکّم در این زمینه، خالی از ابراز ادب و نزاکت از سوی ساحران نیست.

۵ - علاقه مندی ساحران فرعون ، به پیشدستی در ارائه سِحر خویش ، قبل از اقدام موسی (ع) به ارائه آیات *

إمّا أن تلقی و إمّا أن نکون أوّل من ألقی

تفاوت تعبیر در بخش دوم پیشنهاد، نشانگر این نکته است که ساحران برای شروع کردن، انگیزه بیشتری داشتند و بدین وسیله آن را ابراز می کردند; زیرا به جای <أن نکون . ..> می توانستند بگویند <أمّا أن نلقی>

جادوگران فرعون و نبوّت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۱ - ۴

۴ ساحران به رسالت ها

و پیام های موسی (ع) قبل از اقدام به مبارزه با وی آگاه بودند .

قالوا ءامنا برب العلمین

تأکید ساحران به ربوبیت خداوند و پذیرش سریع آن پس از آگاهی به حقانیت موسی(ع)، بیانگر این است که آنان پیش از حضور در صحنه مبارزه به پیامهای وی، که بارزترین آن اعتقاد به ربوبیت مطلق خداوند است، آگاه شده بودند.

جادوگران و حکومتهای باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۳ - ۶

۶ خدمت فن سحر و ساحران به حکومت های باطل

و جاء السحره فرعون

جادوی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۵ - ۲

۲ ساحران ، جادویی همانند معجزه موسی (ع) تدارک دیده بودند .

إما أن تلقی و إما أن نکون نحن الملقین

به کارگیری <تلقی> و <ملقین>، که هر دو از مصدر <القاء> به معنای افکندن است، می رساند که جادوی آنان مشابهت صوری با معجزه موسی داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۶ - ۳،۴،۶

۳ جادوی ساحران فرعونی از نوع چشمبندی و نشان دادن اشیا بر خلاف واقع آن بوده است .

فلما ألقوا سحروا أعین الناس

۴ جادوی ساحران فرعونی ، مایه هراس شدید مردم گشت .

فلما ألقوا سحروا أعين الناس و استرهبوهم

<استرهاب> به معنای ترسانیدن است. جمله <استرهبوهم> هم می تواند عطف بر جزای شرط، یعنی <سحروا ... > باشد و هم می تواند عطف بر <فلما ألقوا ... > باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است. یعنی:

سحروا أعين الناس و استرهبوهم بسحرهم.

۶ ساحران فرعونی با افکندن ابزار سحر خویش و ایجاد هول و هراس در مردم ، سحری بس بزرگ و شگفت آور را به نمایش گذاشتند .

سحروا أعين الناس و استرهبوهم و جاءو بسحر عظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۷ - ۱

۱ خداوند پس از جادوگری ساحران به موسی فرمان داد تا عصای خویش را در صحنه مبارزه ر ها سازد .

و أوحينا إلى موسى أن ألق عصاك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۱ - ۱

۱ پس از درخواست موسی (ع) ، ساحران با به میدان ریختن آنچه داشتند (چوب ها و طناب ها) به کار سحر پرداختند .

قال لهم موسى ألقوا . .. فلما ألقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۸

۸ - ساحران فرعون ، جادویی هم نوع با معجزه موسی (ع) تدارک دیده بودند .

أن تلقى . .. من ألقى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۴،۶

۴ - ساحران فرعون ، به مجرد اجازه موسی (ع) ، ابزار سِحر خود را به کار انداختند و سِحر خویش را آغاز کردند .

قال بل ألقوا فإذا

سرعت عمـل ساحران است. از این رو مفاد آیه چنین است: <موسـی گفت شـما سـحرتان را بیندازیـد و آنان سـحر خویش را ارائه کردند که ناگهان ریسمان ها و...>.

۶ - ساحران فرعون ، با

سِحر خود چنین وانمود کردند که ریسمان ها و عصا های آنان به هر طرف شتافته و حرکت می کند .

فإذا حبالهم و عصیّهم یخیّل إلیه من سحرهم أنّها تسعی

<أنّها تسعی> نائب فاعل <یخیّل> است و فعل <یخیّل إلیه> دلالت دارد که ریسمان ها و چوب دستی ها در واقع بی حرکت بودند; نه آن که با ماده ای آغشته شده باشند که براثر تابش آفتاب، واقعاً به حرکت درآمده باشند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۴۴ – ۱،۲،۷

۱ – استفاده ساحران از ریسمان و چوب برای انجام سحر خود

فألقوا حبالهم و عصیّهم

<حبال> (جمع <حبل>) به معنای ریسمان ها و <عِصّی> (جمع <عصا>) به معنای چوبدستی ها است.

۲ – اقدام ساحران ، پس از پیشنهاد موسی (ع) ، به افکندن ریسمان ها و عصا های خود برای نمایاندن سحر خویش

قال لهم موسی ألقوا . .. فألقوا حبالهم و عصیّهم

۷ – سعی ساحران بر ارائه کاری قوی تر و چشمگیرتر از معجزه موسی و در عین حال هم سنخ با آن

فألقوا حبالهم و عصیّهم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ساحران از ریسمان ها و عصاهای متعدد برای مبارزه با معجزه (عصای اژدها شوند) موسی(ع) استفاده کردند.

جذابیت جادوی جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۶۷ – ۳

۳ – سِحر ارائه شده از سوی ساحران فرعون ، سِحری چشمگیر و جذاب و اغواکننده بود .

فأوجس فی نفسه خیفه موسی

<خیفه> به معنای نوعی از خوف و نگرانی است. بروز این نگرانی برای موسی(ع)،

پس از سحر ساحران فرعون، از چشمگیر و هنرمندانه بودن کار آنان حکایت دارد، به گونه ای که موسی(ع) خطر فریب خوردن مردم را به وضوح می دید.

جلب رضایت جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۲ - ۵

۵ - اقدام فرعون به جلب رضایت و حمایت هر چه بیشتر ساحران

أئنّ لنا لأجرًا . .. قال نعم و إنّكم إذًا لمن المقرّبين

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که فرعون علاوه بر پاداش مورد نظر ساحران، به آنان وعده مقام های فزون تر را نیز داد.

جنگ روانی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۴

۴ - تبلیغات روانی ساحران به هنگام انجام عملیات خود

فألقوا . .. و قالوا بعزّه فرعون إنّا لنحن الغلبون

چوب جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۱

۱ - استفاده ساحران از ریسمان و چوب برای انجام سحر خود

فألقوا حبالهم و عصيّهم

<حبال> (جمع <حبل>) به معنای ریسمان ها و <عِصّی> (جمع <عصا>) به معنای چوبدستی ها است.

حق پذیری جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۶ - ۶

۶ - تأثیر عمیق آیات الهی در آگاهان و اهل شناخت

فأُلقی السحره سجدین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ساحران چون با افسون آشنا بودند و خیال را از واقعیت تشخیص می دادند، زودتر از دیگران به معجزه بودن کار موسی(ع) و حقانیت رسالت وی پی

بردند.

حمایت جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۲ - ۶

۶ - فرعون از پیروزی خود در برابر معجزه موسی (ع) مأیوس شده و تنها به حمایت ساحران چشم دوخته بود .

قال نعم و إنّکم إذًا لمن المقرّبین

تلاش فرعون برای جلب حمایت ساحران از خود، به هر قیمت ممکن و بیش از انتظار آنها، گویای برداشت یاد شده است.

خالق جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۷

۷ - ساحران مؤمن ، معتقد به رسالت موسی (ع) از جانب خالق آنان

علی ما جاءنا من البیّنت والذی فطرنا

خداشناسی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۱۲

۱۲ - ساحران در پاسخ فرعون ، خداوند را برتر از او و وصول به خدا را ، ارجمندتر از آسایش دنیوی و پاینده تر از زندگانی در دنیا معرفی کردند .

إنّما تقضی هذه الحیوه الدنیا . .. واللّه خیر و أبقی

خدمات جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۱۳ – ۶

۶ خدمت فن سحر و ساحران به حکومت های باطل

و جاء السحره فرعون

خطر جادوگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فلق – ۱۱۳ – ۴ – ۴

۴ – پیامبر (ص) ، در معرض خطر از سوی جادوگران و کسانی که با دمیدن در گره هایی مخصوص ، درصدد آزار دادن آن حضرت بودند .

و من شرّ

النفّث فی العقد

خواسته های جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۳ - ۷

۷ ساحران پس از اعلام آمادگی برای مبارزه با موسی (ع) از فرعون خواستند تا در صورت پیروزی از پاداشی گران برخوردار شوند .

قالوا إن لنا لأجراً إن كنا نحن الغلبين

جمله <إن لنا . .. > استفهامی است و حرف استفهام مقدر می باشد. یعنی: إن لنا ... . نکره آمدن کلمه <أجراً> دلالت بر بزرگی و گرانسنگی پاداش دارد.

خواسته های جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۴ - ۱

۱ فرعون به خواسته ساحران (اعطای پاداش در صورت پیروزی) ، پاسخ مثبت داد .

ان لنا لأجراً . .. قال نعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۹

۹ صبر در برابر تحمل شکنجه های فرعون و تسلیم خدا بودن تا آخرین لحظه حیات ، درخواست ساحران مؤمن در دعا به درگاه خداوند

ربنا أفرغ علینا صبراً و توفنا مسلمین

خیال انگیزی جادوی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۶۶ – ۷

۷ – سِحر ساحران فرعون ، دارای تأثیر بر قوای ادراکی مردم و ایجاد خیال و تصور در آنان

یخیّل إلیه من سحرهم أنّها تسعی

<یخیّل إلیه>; یعنی، به وهم و خیال موسی(ع) چنین وانمود شد که ریسمان ها و عصاها حرکت می کنند. ضمیر <إلیه> گرچه به موسی(ع) بازمی گردد; ولی روشن است که همه مردم حاضر در

آن صحنه نیز چنین احساسی داشتند.

دعای جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۸،۹

۸ ساحران مؤمن به موسی (ع) پس از اعلان پایداری بر طریق ایمان ، به دعا به درگاه خدا پرداختند .

ربنا أفرغ علینا صبراً و توفنا مسلمین

۹ صبر در برابر تحمل شکنجه های فرعون و تسلیم خدا بودن تا آخرین لحظه حیات ، درخواست ساحران مؤمن در دعا به درگاه خداوند

ربنا أفرغ علینا صبراً و توفنا مسلمین

دعوت از جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۶ - ۵

۵ - تدبیر مشاوران فرعون ، مبنی بر اعزام اشخاصی به تمام شهر ها و گردآوری نیروی لازم جهت مبارزه با موسی (ع) و برادرش

قالوا . .. و ابعث فی المدائن حشرین

<المدائن> جمع محلّی به <ال> و مفید عموم است; یعنی، همه شهرها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۸ - ۱

۱ - پیشنهاد مشاوران مبنی بر فراخوانی ساحران از همه شهر ها ، مورد پذیرش فرعون

قالوا . .. و ابعث فی المدائن ... فجمع السحره

دلایل بطلان جادو جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۹ - ۷

۷ - بلعيده شدن سِحر ساحران به وسيله عصاى موسى ، نشانه بطلان سِحر و حقانيت معجزه موسى

و ألق ما فى يمينك تلقف ما صنعوا إنّما صنعوا كيد سحر

جمله <إنّما صنعوا. ..> تعليل براى <تلقف> است; يعنى، بدان جهت كه سحر، كيدى

بیش نیست، در برابر حقیقت اعجاز موسی نابود خواهد شد و به دین وسیله بطلان سحر ساحران و حقانیت معجزه اثبات خواهد گردید.

دنیاطلبی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۱ - ۳،۴

۳ - اهتمام ساحران به دریافت پاداش و نه پیروزی فکری و عقیدتی

أئنّ لنا لأجرًا إن كنّا نحن الغلبين

۴ - ساحران عصر فرعون ، قشری سودجو و دنیاگرا

أئنّ لنا لأجرًا إن كنّا نحن الغلبين

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ساحران یا موسی(ع) را حق می دانستند و یا باطل; در هر دو صورت درخواست مزد و پاداش در برابر احیای حق و یا نابودی آن، بیانگر سودجویی و دنیامداری است.

ذلت جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۹ - ۲

۲ ساحران دربار فرعون پس از بطلان سحرشان شکست خوردند و در صحنه مبارزه به ذلت افتادند .

فغلبوا هنالك و انقلبوا صغرين

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از ضمیر <فغلبوا> و <انقلبوا> ساحران باشد.

روش برخورد جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۴

۴ - برخورد و گفت وگوی ساحران فرعون با موسی (ع) در میدان مبارزه ، همراه با نزاکت و اظهار ادب نسبت به آن

حضرت بود .

یموسی إمّا أن تلقی و إمّا

احاله انتخاب آغازگر به موسی(ع) و پرهیز از تحکّم در این زمینه، خالی از ابراز ادب و نزاکت از سوی ساحران نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۴۴ – ۴

۴ – تبلیغات روانی ساحران به هنگام انجام عملیات خود

فألقوا . .. و قالوا بعزّه فرعون إنّا لنحن الغلبون

ریسمان جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۶۶ – ۹،۶،۵

۵ – ریسمان و عصا ، از وسایل کار ساحران فرعون

فإذا حبالهم و عصیّهم

حبل (مفرد <حبال>) به معنای ریسمان و <عصا> (مفرد <عصیّ>) به معنای چوب دستی است.

۶ – ساحران فرعون ، با سِحر خود چنین وانمود کردند که ریسمان ها و عصا های آنان به هر طرف شتافته و حرکت می کند .

فإذا حبالهم و عصیّهم یخیّل إلیه من سحرهم أنّها تسعی

<أنّها تسعی> نائب فاعل <یخیّل> است و فعل <یخیّل إلیه> دلالت دارد که ریسمان ها و چوب دستی ها در واقع بی حرکت بودند; نه آن که با ماده ای آغشته شده باشند که براثر تابش آفتاب، واقعاً به حرکت درآمده باشند.

۹ – ساحران فرعون ، پیش از حضور در صحنه مقابله با موسی (ع) ، ریسمان ها وعصا های فراوانی را تدارک دیده بودند .

فإذا حبالهم و عصیّهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۴۴ – ۲،۱

۱ – استفاده ساحران از ریسمان و چوب برای انجام سحر خود

فألقوا حبالهم و عصیّهم

<حبال> (جمع <حبل>) به معنای ریسمان ها و <عِصّی> (جمع <عصا>) به معنای چوبدستی ها است.

۲ – اقدام ساحران ، پس از پیشنهاد موسی (ع) ، به افکندن ریسمان ها و عصا های خود برای نمایاندن سحر خویش

قال لهم موسی ألقوا . .. فألقوا

حبالهم و عصيّهم

زمینه ارتداد جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۱

۱ - بازگشت ساحران مؤمن به کفر (ارتداد) و پیروی از آیین فرعونیان ، از هدف های تهدید فرعون در مورد آنان

لأقطّعنّ . .. قالوا لن نؤثرک

پاسخ ساحران مؤمن به فرعون (لن نؤثرک)، حکایت از آن دارد که تهدیدات فرعون، برای بازگرداندن ساحران از راه ایمان بوده است.

زهد جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۱۲

۱۲ - ساحران در پاسخ فرعون ، خداوند را برتر از او و وصول به خدا را ، ارجمندتر از آسایش دنیوی و پاینده تر از زندگانی در دنیا معرفی کردند .

إنّما تقضی هذه الحیوه الدنیا . .. واللّه خیر و أبقی

زیرکی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۲ - ۲

۲ ساحران مؤمن به موسی (ع) ، مردمی هوشیار و به ترفند ها و سیاست بازی های فرعون و اشرافیان دربار وی آگاه بودند .

رب موسی و هرون

به نظر می رسد از اهداف ساحران در تفسیر <رب العلمین> به <رب موسی و هرون> این باشد که مبادا فرعونیان پس از خاتمه ماجرا چنین وانمود کنند که ساحران به فرعون سجده کردند و او را <رب العلمین> خواندند. و این معنا حکایت از

هوشیاری ساحران و آگاهی آنان به ترفندهای فرعون دارد.

سبقت جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۳

۱ - پیشنهاد موسی (ع) به ساحران ، برای پیشقدم شدن در نمایاندن سحر خویش

قال لهم موسی ألقوا ما أنتم ملقون

سجده جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۰ - ۱

۱ ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) و بطلان سحر خویش ، به خاك افتادند و به درگاه خداوند سجده کردند .

و ألقی السحره سجدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۱ - ۳

۳ ساحران به هنگام سجده به درگاه خداوند ، ایمانشان را به ربوبیت وی اعلام داشتند .

و ألقی السحره سجدین. قالوا ءامنا برب العلمین

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <قالوا ءامنا . .. > حال برای <السحره> و یا بدل اشتمال برای <القی السحره ... > باشد. بر این دو مبنا آیه مورد بحث دلالت می کند که ساحران به هنگام سجده به درگاه خدا برای اینکه توهم نشود به فرعون سجده می کنند، ایمان خویش را به خداوند اظهار کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۲

۲ - ساحران با مشاهده معجزه موسی و بلعیده شدن سِحرشان با اعجاز او ، در برابر خداوند به سجده افتادند .

فأُلقی السحره سجّدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۶ - ۲

۲ – به سجده در افتادن بی درنگ ساحران ، با مشاهده معجزه پیروز موسی

فأُلقی السحره سجدین

به کارگیری <فاء> تعقیب و فعل مجهول <أُلقی> بیانگر آن است که

ساحران با مشاهده آن منظره عجیب، اختیار از کف دادند و بلافاصله به سجده درافتادند.

سرزنش جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۳ - ۱

۱ فرعون در پی گرایش ساحران به رسالت موسی (ع) و ایمانشان به ربوبیت خداوند ، بشدت برآشفت و آنان را به سبب ایمانشان توبیخ کرد .

قال فرعون ءامنتم به قبل أن ءاذن لكم

ضمیر در <به> هم می تواند به موسی(ع) برگردانده شود و هم می تواند به <رب> برگردانده شود. در هر صورت برداشت فوق از آیه استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱

۱ - ساحران به خاطر ایمان به موسی (ع) ، مورد توبیخ و بازخواست فرعون قرار گرفتند .

قالوا ءامنّا . .. قال ءامنتم له قبل أن ءاذن لكم

<آمنتم> چه جمله خبری باشد و چه استفهامی (به تقدیر همزه)، مراد از آن توبیخ است و ضمیر <له> به قرینه حرف لام که برای ربط <أمن> به غیر خداوند به کار می رود و به تناسب ضمیر <إنّه> در <إنّه لكبيركم> به موسی(ع) برمی گردد.

سودجویی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۳ - ۸

۸ سودجویی ، از انگیزه های ساحران برای مبارزه با موسی (ع)

قالوا إن لنا لأجراً إن كنا نحن الغلبين

سوگند جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۶

۶ - سوگند ساحران

به عزت و قدرت فرعون

و قالوا بعزّه فرعون

سهولت ابطال جادوی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۹ - ۶

۶ - خداوند با بیان هم سنخ بودن سحرِ ارائه شده از سوی همه ساحران فرعون ، ابطال آن را برای موسی (ع) ، امری سهل و آسان جلوه داد .

کید سحر

<ساحر> نکره است و بر وحدت دلالت دارد; یعنی، یک ساحر. مراد از آن، واحد حقیقی نیست; بلکه مراد این است که کید همه ساحران به جهت تشابه و هم سنخی، به منزله مکر یک ساحر است و کثرت ساحران برپیچیده بودن آن نیافزوده است.

شجاعت جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۵

۵ ساحران گرویده به موسی (ع) مؤمنانی در کمال شجاعت و شهامت

قالوا إنا إلی ربنا منقلبون. و ما تنقم منا إلا أن ءامنا

شرارت جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۴ - ۳

۳ - افسون گران ، انسان هایی شرور و آزاردهنده دیگران

و من شرّ النفّثت فی العقد

اضافه شرّ در آیه قبل و بعد، به نکره و در این آیه به معرفه، بیانگر تعمیم شر بودن به تمام کسانی است که <نفّاث> (افسون گر) بودند.

شعبده جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۶ - ۳،۵

۳ جادوی ساحران فرعونی از نوع چشمبندی و نشان دادن اشیا بر خلاف واقع آن بوده است .

فلما ألقوا سحروا أعين الناس

۵

ساحران فرعونی پس از چشمبندی مردم به ترسانیدن آنان پرداختند .

فلما ألقوا . .. و استرهبوهم

برداشت فوق بر این اساس است که <استرهبوا> عطف بر <فلما ألقوا . .. > باشد. بر این مبنا <استرهبوهم> دلالت می کند که ساحران پس از چشمبندی با حرکات و سکنات خویش سعی می کردند مردم را کاملا مرعوب سحر خویش سازند.

شکست جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۹ - ۸

۸ - راه موفقیت و پیروزی بر ساحران بسته است .

و لایفلح الساحر حیث أتی

<ال> در <الساحر> برای جنس است و <حیث أتی>; یعنی، <حیث أقبل> (هرجا رو آورد).

شکست جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۷ - ۳،۴،۵

۳ عصای موسی (ع) پس از افکنده شدن ، تمام بافته های جادویی ساحران را بلعید و به کام خویش فروبرد .

فإذا هی تلقف ما یأفکون

<لَقْف> (مصدر تلقف) به معنای گرفتن چیزی با سرعت است و در آیه شریفه به مناسبت مورد به <بلعیدن> تفسیر شده است. جمله <فإذا هی ... > می تواند خبر از رخدادی باشد که در صحنه مبارزه اتفاق افتاده است. در این صورت تقدیر جمله چنین خواهد بود: أوحینا إلی موسی أن ألق عصاک فالقیها فإذا هی تلقف.

۴ خداوند به موسی (ع) بشارت داد که عصای وی پس از ر ها شدن ، تمام ساخته های دروغین ساحران را خواهد بلعید .

أن ألق عصاک فإذا هی تلقف ما یأفکون

در برداشت فوق جمله <فإذا هی . .. >، همانند <أن

ألق عصاك>، تفسير <أوحينا> گرفته شده است. بر این مبنا تقدیر جمله بدین صورت خواهد شد: ألق عصاک فإذا القیتها إذا هی تلقف ما یأفکون.

۵ عصای موسی (ع) با بلعیدن ابزار جادویی ساحران ، صحنه ای شگفت و به دور از انتظار همگان به وجود آورد .

فإذا هی تلقف ما یأفکون

<إذا> برای مفاجات است و دلالت می کند که جمله پس از آن در یک حالت غیر منتظره واقع شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۹ - ۱،۲

۱ فرعونیان با ناکامی ساحران خویش در حضور انبوه تماشاچیان مغلوب گشتند و با ذلت ، صحنه مبارزه را ترک کردند .

فغلبوا هنالک و انقلبوا صغرین

در برداشت فوق ضمیر در <فغلبوا> و <انقلبوا> به فرعونیان بازگردانده شده است.

۲ ساحران دربار فرعون پس از بطلان سحرشان شکست خوردند و در صحنه مبارزه به ذلت افتادند .

فغلبوا هنالک و انقلبوا صغرین

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از ضمیر <فغلبوا> و <انقلبوا> ساحران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۳ - ۴

۴ فرعون ، شکست ساحران و پیروزی موسی را صحنه سازی و ایمان آنان را توطئه ای از پیش طراحی شده اعلام کرد .

إن هذا لمکر مکرتموه فی المدینه

کلمه <هذا> اشاره است به ماجرای شکست ساحران و پیروزی موسی و در آخر اظهار ایمان ساحران به ربوبیت خداوند و پیامبری موسی و هارون.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۳ - ۲

۲ در پس

تحقق معجزه موسی (ع) و شکست ساحران ، تنها گروه اندکی از بنی اسرائیل به وی گرویده و ایمان آوردند .

فما ءامن لموسی إلا ذریه من قومه

برداشت فوق بر اساس ارجاع ضمیر <من قومه> به <موسی> است ; ضمناً تنکیر <ذریه> دلالت بر تقلیل می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۰

۱۰ - فرعون ، شکست ساحران از موسی (ع) را ، امری تصنّعی و براثر تبانی قبلی با موسی (ع) دانست و آنان را به سهل انگاری عمدی متهم ساخت .

إنّه لکبیرکم الذی علّمکم السحر

شکنجه جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۵،۱۸

۱۵ - تصمیم فرعون بر شکنجه و به صلیب کشیدن ساحران مؤمن و نظارت مستقیم خود بر اجرای آن ، تصمیمی قاطع و مستبدانه بود .

لأقطّعنّ . .. لأصلّبنّکم ... لتعلمنّ أیّنا أشدّ عذابًا و أبقی

فرعون در واکنش های قبلی خود در برابر موسی(ع) با اطرافیان خویش به مشورت می نشست; ولی در مجازات ساحران، تصمیم مستبدانه و شخصی خود را با سوگند بر اجرای آن اعلام کرد و با لام قسم و نون تأکید ثقیله و فعل هایی از باب تفعیل، قاطعیت خود را در این تصمیم ابراز کرد. گفتنی که فعل های <لأقطّعنّ> و <لأصلبنّ> که از باب تفعیل اند، با ثلاثی مجرد در معنا یکسان بوده و تفاوتی جز تأکید افزون تر ندارند.

۱۸ - فرعون ، دوران مجازات ساحران مؤمن (قطع دست و پا و بستن به چوبه دار

) را در مقایسه با مدت عذاب های موعود موسی (ع) ، طولانی تر و پایدارتر اعلام کرد .

و لتعلمنّ أيّنا أشدّ عذابًا و أبقی

<عذاباً> تمیز برای <أشدّ> و قرینه بر تمیز محذوف <أبقی> است; یعنی، <و أبقی عذاباً>.

عجز جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۷ - ۸

۸ جادوگران ، از رسیدن به پیروزی و دستیابی به آرزو های خود ناتوانند .

لا یفلح السحرون

عجز جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۴

۴ - جاذبه نیرومند معجزه موسی ، توان هرگونه درنگ و مقاومت را از ساحران فرعون سلب کرد .

فأُلقی السحره

فعل <أُلقی> مجهول است و دلالت دارد که ساحران وادار به سجده شدند، به گونه ای که گویا عاملی آنها را بر سجده مجبور ساخته است.

عصای جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۵،۶،۹

۵ - ریسمان و عصا ، از وسایل کار ساحران فرعون

فإذا حبالهم و عصیّهم

حبل (مفرد <حبال>) به معنای ریسمان و <عصا> (مفرد <عصیّ>) به معنای چوب دستی است.

۶ – ساحران فرعون ، با سِحر خود چنین وانمود کردند که ریسمان ها و عصا های آنان به هر طرف شتافته و حرکت می کند .

فإذا حبالهم و عصیّهم یخیّل إلیه من سحرهم أنّها تسعی

<أنّها تسعی> نائب فاعل <یخیِّل> است و فعل <یخیّل إلیه> دلالت دارد که ریسمان ها و چوب دستی ها در واقع بی حرکت بودند؛ نه آن که با ماده ای آغشته شده باشند

که براثر تابش آفتاب، واقعاً به حرکت درآمده باشند.

۹ - ساحران فرعون ، پیش از حضور در صحنه مقابله با موسی (ع) ، ریسمان ها وعصا های فراوانی را تدارک دیده بودند .

فإذا حبالهم و عصیّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۲

۲ - اقدام ساحران ، پس از پیشنهاد موسی (ع) ، به افکندن ریسمان ها و عصا های خود برای نمایاندن سحر خویش

قال لهم موسی ألقوا . .. فألقوا حبالهم و عصیّهم

عقیده جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۰ - ۲

۲ ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) به عظمت خداوند پی بردند و او را شایسته و بایسته پرستش یافتند .

و ألقی السحره سجدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۱ - ۱

۱ ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) ربوبیت خداوند را بر تما هستی باور کردند و به آن ایمان آوردند .

قالوا ءامنا برب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۵ - ۲،۳،۴

۲ ساحران در پاسخ فرعون و تهدید های وی اظهار کردند که با کشته شدن به سوی خدای خویش باز خواهند گشت .

قالوا إنا إلی ربنا منقلبون

<إلى ربنا> متعلق به <منقلبون> است و كلمه <انقلاب>، در صورتى كه به <إلى> متعدى شود، به معناى بازگشتن است.

۳ ساحران مؤمن به موسى (ع) ، معتقد به معاد و بازگشت به

خدا پس از سپری کردن حیات دنیا

إنا إلی ربنا منقلبون

۴ ساحران مؤمن به موسی ، معتقد به دستیابی کشته شدگان راه خدا به موهبتهایی برتر از نعمت ها و آسایش های دنیوی

إنا إلی ربنا منقلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۱۰

۱۰ ساحران مؤمن در عین اظهار استقامت در برابر فرعون ، خود را برای مقاومت در برابر شکنجه های فرعون و پایداری بر طریق ایمان ، نیازمند امداد های الهی دانستند .

ربنا أفرغ علینا صبراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۰ - ۳،۴

۳ - اعتقاد ساحران مؤمن به زیان نکردن انسان از تحمل دشواری ها در راه خدا

قالوا لاضیر إنّا إلی ربّنا منقلبون

جمله <إنّا إلی ربّنا. ..> تعلیل برای <لاضیر> و بیانگر مطلب یاد شده است.

۴ - توجه و اعتقاد ساحران گرویده به موسی (ع) ، نسبت به معاد هم پای عقیده به پروردگار یگانه هستی

قالوا ءامنّا بربّ العلمین . .. إنّا إلی ربّنا منقلبون

علایق جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۵

۵ - علاقه مندی ساحران فرعون ، به پیشدستی در ارائه سِحر خویش ، قبل از اقدام موسی (ع) به ارائه آیات *

إمّا أن تلقی و إمّا أن نكون أوّل من ألقی

تفاوت تعبیر در بخش دوم پیشـنهاد، نشانگر این نکته است که ساحران برای شـروع کردن، انگیزه بیشتری داشتند و بدین وسیله آن را ابراز می کردند; زیرا به جای <أن نكون . ..> می

توانستند بگویند <أمّا أن نلقی>

علم جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۷ - ۲

۲ - آگاهی قبلی ساحران از پیام توحیدی موسی (ع) و تنها نیازمند مشاهده دلیلی روشن

قالوا ءامنّا بربّ العلمین

عوامل استقامت جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۳

۳ - هراس از جهنم و عذاب طاقت فرسای آن ، مایه تحکیم ایمان در قلب ساحران فرعون

إنّا ءامنّا بربّنا . .. إنّه من یأت ربّه مجرمًا فإنّ له جهنّم

جمله <إنّه من یأت. ..> تعلیل برای محتوای آیه قبل است.

عوامل ایمان جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۷ - ۱

۱ - اعتراف ساحران به پروردگار جهانیان و ایمان به توحید ربوبی ، پس از مشاهده معجزه موسی و بطلان سحر خویش

فألقی موسی عصاه . .. قالوا ءامنّا بربّ العلمین

عوامل شجاعت جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۵ - ۶،۹

۶ باور به معاد و بازگشت به خدا پس از مرگ ، عامل نهراسیدن ساحران مؤمن از مجازات ها و شکنجه های فرعون

إنا إلی ربنا منقلبون

۹ نجات از شرک و پذیرش ربوبیت خداوند ، عامل بی پروایی ساحران مؤمن در برابر مجازات ها و شکنجه های فرعونی

إنا إلی ربنا منقلبون

در برداشت فوق جمله <إنا إلی ربنا منقلبون> توصیف تحولات عقیدتی ساحران و انقلاب درونی آنان گرفته شده است. در این صورت مراد از آن جمله، بازگشت به خدا

با رها شدن از باورهای باطل و پذیرش ربوبیت وی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۰ - ۶

۶ - عقیده به معاد و بازگشت انسان به سوی خدا پس از مرگ ، عامل نهراسیدن ساحران مؤمن از مجازات مرگ

قال . .. لأُقطّعنّ أيديكم و أرجلكم من خلف ... قالوا لاضير إنّا إلى ربّنا منقلبو

غضب بر جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۱

۱ - خشم و برآشفتن فرعون از ایمان سریع ساحران به موسی (ع) ، بدون رخصت و اجازه وی

قال ءامنتم له قبل أن ءاذن لكم

فرجام جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۸

۸ - تهدید ساحران مؤمن از سوی فرعون به داشتن فرجامی تیره و وحشتناک

فلسوف تعلمون

فرعون و بسیج جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۹ - ۱

۱ فرعون ، برای مبارزه با حضرت موسی (ع) و مقابله با معجزه بزرگ او ، دستور داد تا تمام جادوگران کاردان و ماهر را به پایتختش احضار کنند .

و قال فرعون ائتونی بکل سحر علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۰ - ۱

۱ مأموران حکومت ، پس از دستور فرعون ، تمام ساحران چیره دست و ماهر را از اطراف و اکناف کشور فراخوانده و در پایتخت گرد آوردند .

و قال فرعون ائتونی بکل سحر

علیم. فلما جاء السحره

فرعون و جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۴ - ۱،۲

۱ فرعون به خواسته ساحران (اعطای پاداش در صورت پیروزی) ، پاسخ مثبت داد .

ان لنا لأجراً . .. قال نعم

۲ فرعون به ساحران بشارت داد که در صورت پیروزی علاوه بر دریافت پاداشی گران ، از مقرّبان درگاهش خواهند شد .

قال نعم و إنکم لمن المقربین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۳ - ۷

۷ فرعون با توطئه گر خواندن موسی (ع) و ساحران ، براندازی حکومت فرعونیان و بیرون راندن ایشان را ، از پایتخت مصر از اهداف توطئه آنان شمرد .

إن هذا لمکر . .. لتخرجوا منها أهلها

مراد از <أهلها> هم می تواند فرعون، درباریان و وابستگان به او باشد و هم می تواند مراد از آن تمامی ساکنان مصر باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۱

۱ ساحران مؤمن با بیان انگیزه فرعون بر نابودی آنان ، اتهام های دروغین وی (توطئه گری و آواره سازی مردمان) را قاطعانه مردود دانستند .

و ما تنقم منا إلا أن ءامنا بایت ربنا

فرعونیان و احضار جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۲ - ۳

۳ احضار همه ساحران زبردست برای مبارزه با موسی (ع) ، درخواست اشرافیان دربار فرعون از فرعون

یأتوك بكل سحر علیم

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۳ - ۲،۳

۲ مأموران بسیج شده برای جلب ساحران با موفقیت کامل مأموریت خویش را به انجام رساندند .

یأتوک بکل سحر علیم. و جاء السحره فرعون

با توجه به اینکه ال در <السحره> عهد ذکری است و مراد از آن همان <کل سحر علیم> است که در فرمان فرعون آمده بود، معلوم می شود مأموران بدون هیچ کم و کاستی موفق به اجرای فرمان فرعون شدند.

۳ ساحران بدون هیچ اجباری از سوی نیرو های فرعونی برای مبارزه با موسی (ع) به دربار فرعون حاضر شدند .

و جاء السحره فرعون

بیان حضور ساحران به دربار فرعون با جمله <و جاء السحره> (ساحران آمدند) و نه با جمله ای همانند <و اَتَوا بالسحره> (ساحران را آوردند)، حکایت از این دارد که ساحران به دلخواه خویش، و نه از روی اجبار و اکراه، به دربار حاضر شدند.

فضایل جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۱ - ۶

۶ - ساحرانِ گرویده به موسی (ع) ، از نخستین مؤمنان به وی

إنّا نطمع أن یغفر . .. إن کنّا أوّل المؤمنین

فلسفه تهدید جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۱

۱ - بازگشت ساحران مؤمن به کفر (ارتداد) و پیروی از آیین فرعونیان ، از هدف های تهدید فرعون در مورد آنان

لأقطّعنّ . .. قالوا لن نؤثرک

پاسخ ساحران مؤمن به فرعون (لن نؤثرک)، حکایت از آن دارد که تهدیدات فرعون،

برای بازگرداندن ساحران از راه ایمان بوده است.

قبول خواسته های جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۲ - ۱

۱ - پاسخ مثبت فرعون ، به امتیازطلبی ساحران برای غلبه بر موسی (ع)

قالوا لفرعون أئنّ لنا لأجرًا . .. قال نعم

قتل جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۹ - ۱۱

۱۱ - < عن رسول اللّه (ص) قال : إذا أخذتم الساحر فاقتلوه ثمّ قرأ < و لايفلح الساحر حيث أتى > قال : لايأمن حيث وجد ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: هرگاه بر ساحری دست یافتید او را بکشید; سپس این آیه را قرائت فرمود: <و لایفلح الساحر حیث أتی> [آن گاه]فرمود: ساحر هرجا یافت شود در امان نیست>.

قطع پای جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ - قطع یک دست و یک پا در جهت مخالف یکدیگر و دار زدن بر تنه درختان خرما ، از جمله مجازات های تعیین شده برای ساحران مؤمن از سوی فرعون بود .

فلأقطّعنّ أيديكم و أرجلكم من خلف و لأصلّبنّكم

<جذع> (مفرد <جذوع>) به معنای ساق درخت است و حرف <فی> نشانه آن است که فرعون در تهدید خود، مکان همیشگی ساحران را پس از قطع دست و پایشان، چوبه های دار در نظر گرفته بود. این مطلب کنایه از آن دارد که بدن آنان هرگز از دار پایین آورده نخواهد شد.

قطع دست جادوگران فرعون

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ - قطع یک دست و یک پا در جهت مخالف یکدیگر و دار زدن بر تنه درختان خرما ، از جمله مجازات های تعیین شده برای ساحران مؤمن از سوی فرعون بود .

فلأقطّعنّ أیدیکم و أرجلکم من خلف و لأصلّبنّکم

<جذع> (مفرد <جذوع>) به معنای ساق درخت است و حرف <فی> نشانه آن است که فرعون در تهدید خود، مکان همیشگی ساحران را پس از قطع دست و پایشان، چوبه های دار در نظر گرفته بود. این مطلب کنایه از آن دارد که بدن آنان هرگز از دار پایین آورده نخواهد شد.

کیفر جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۴ - ۱،۲

۱ فرعون بر کیفر دادن تمامی ساحران مؤمن به موسی (ع) تصمیم قطعی گرفت و بر آن سوگند یاد کرد .

لأقطعن . .. ثم لأصلبنکم

حرف <لام> در <لاقطعن> در <لاصلبن> لام تأکید و حاکی از سوگند مقدر است.

۲ قطع یک دست و یک پا در جهت خلاف یکدیگر ، از کیفر های تعیین شده از سوی فرعون برای ساحران مؤمن به موسی (ع)

لأقطعن أیدیکم و أرجلکم من خلف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۲،۱۱

۲ ایمان ساحران به آیات الهی تنها انگیزه فرعون بر شکنجه و مجازات آنان

إن هذا لمکر مکرتموه فی المدینه لتخرجوا . .. و ما تنقم منا إلا أن ءامنا بایت ربنا

نقمت <مصدر تنقم> به معنای عقوبت کردن و کراهت داشتن است

و <أن ءامنا> مفعولٌ له برای <تنقم> می باشد. تقدیر جمله چنین است: و ما تنقم منا لشـیء إلا لایماننا. یعنی ای فرعون تنها چیزی که تو را بر عقوبت ما واداشـته ایمان ماست، نه اینکه ما را توطئه گر و امثال آن بدانی. به عبارت دیگر یعنی تو خود می دانی که اتهامهایت واقعیت ندارد.

۱۱ کیفر های تعیین شده از سوی فرعون برای ساحران مؤمن ، شکنجه هایی طاقتفرسا و تحمل آن نیازمند صبری وافر بود .

ربنا أفرغ علینا صبراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ - قطع یـک دست و یـک پا در جهت مخالف یکـدیگر و دار زدن بر تنه درختان خرما ، از جمله مجازات های تعیین شـده برای ساحران مؤمن از سوی فرعون بود .

فلأقطّعنّ أیدیکم و أرجلکم من خلف و لأصلّبنّکم

<جـذع> (مفرد <جـذوع>) به معنـای سـاق درخت است و حرف <فی> نشانه آن است که فرعون در تهدیـد خود، مکان همیشـگی سـاحران را پس از قطع دست و پایشان، چوبه های دار در نظر گرفته بود. این مطلب کنایه از آن دارد که بـدن آنان هرگز از دار پایین آورده نخواهد شد.

گناه جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۲

۲ - ساحران مؤمن ، به گناه و خطای خویش معترف و به آمرزش خداوند امیدوار بودند .

إنّا ءامنّا بربّنا لیغفر لنا خطینا

<خطایا> (جمع <خطیئه>) به معنای گناهانی است که از روی عمد انجام شود (لسان العرب).

مبارزه با جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۸ - ۳

۳ معجزه موسی (ع) در صحنه مبارزه با ساحران ، عامل تثبیت حقانیت وی و از میان رفتن تمام دستاورد های دیرینه فرعون و اشراف دربارش شد .

فوقع الحق و بطل ما کانوا یعملون

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از ضمیر <کانوا> و <یعملون> فرعون و فرعونیان باشد. بر این مبنا مقصود از <ما> در <ما کانوا> تلاشهای فرعونیان برای تثبیت ربوبیت فرعون و مانند آن خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۳ - ۴

۴ - هارون ، همگام موسی (ع) در مبارزه با فرعون و حاضر در صحنه مقابله موسی و ساحران

إن هذن لسحرن

مبارزه جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۱ - ۴

۴ ساحران به رسالت ها و پیام های موسی (ع) قبل از اقدام به مبارزه با وی آگاه بودند .

قالوا ءامنا برب العلمین

تأکید ساحران به ربوبیت خداوند و پذیرش سریع آن پس از آگاهی به حقانیت موسی(ع)، بیانگر این است که آنان پیش از حضور در صحنه مبارزه به پیامهای وی، که بارزترین آن اعتقاد به ربوبیت مطلق خداوند است، آگاه شده بودند.

محرومیت جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۷ - ۵

۵ ساحران ، محروم از رستگاری اند .

لا یفلح السحرون

مدحهای جادو گران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴

۸ - اقدام ساحران به ستایش فرعون در لحظه شروع عملیات خود ، با هدف جلب حمایت او و نزدیک ساختن خویش بهوی

فألقوا . .. و قالوا بعزّه فرعون إنّا لنحن الغلبون

مکر جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۹ - ۵

۵ - سِحر ، مکر و حیله ساحر است و واقعیات را تغییر نمی دهد .

إنّما صنعوا کید سحر

مناظره با جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۱ - ۴

۴ - ترساندن فرعونیان از عذاب به خاطر افترای بر خداوند سرلوحه سخنان موسی (ع) در صحنه مقابله با ساحران فرعون

قال لهم موسی ویلکم لاتفتروا علی اللّه کذبًا فیسحتکم بعذاب

<ویل>; یعنی، <انـدوه> و <هلاکت> و <هر سـختی که از ناحیه عـذاب پدیـد آیـد> (لسان العرب). <ویلکم> نفرین است; یعنی، عـذاب باد بر شـما. برخی آن را مفعول برای فعل محـذوف دانسـته اند; یعنی، ألزموا ویلکم (با هلاکت و عذابتان همدم باشید). جمله <فیسحتکم بعذاب> روشنگر مفاد <ویلکم> است.

منشأ امیدواری جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۱ - ۳

۳ قرار گرفتن در صف نخستین مؤمنان ، سرمایه امید ساحران به آمرزش الهی

إنّا نطمع أن یغفر . .. أن کنّا أوّل المؤمنین

عبارت <أن كنّا. ..> تعلیل برای امید داشتن به غفران الهی است; یعنی، چون ما در صف نخستین ایمان آوردگان به موسی قرار گرفتیم این ما را امیدوار به غفران می نماید.

منفعت طلبی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۱ - ۴

۴ - ساحران عصر فرعون ، قشری سودجو و دنیاگرا

أئنّ لنا لأجرًا إن كنّا نحن الغلبين

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ساحران یا موسی(ع) را حق می دانستند و یا باطل; در هر دو صورت درخواست مزد و پاداش در برابر احیای حق و یا نابودی آن، بیانگر سودجویی و دنیامداری است.

مواعظ جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۱۶

۱۶ - ساحران مؤمن با وجود تهدیدات فرعون ، در صدد نصیحت و ارشاد و هدایت وی بودند .

ما جاءنا من البيّنت و الذى فطرنا فاقض ما أنت قاض إنّما تقضى هذه الحيوه الدنيا

اشاره ساحران به بینات موسی(ع) و خالقیت خداوند و محدودیت قدرت فرعون، پس از موضع گیری خصمانه او، می تواند به منظور رام ساختن و پند و اندرز دادن به او باشد.

موسی(ع) و جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۶ - ۱،۲

۱ موسی (ع) با بی اعتنایی به جادوگری ساحران شروع مبارزه را به آنان واگذاشت .

قال ألقوا

۲ ساحران پس از رخصت دهی موسی (ع) آنچه را برای جادوگری تدارک دیده بودند ، در مقابل تماشاگران ر ها کردند و چشم های آنان را سحر کردند .

فلما ألقوا سحروا أعين الناس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۸۰ – ۲

۲ حضرت موسی (ع) ، پس از رویارویی

بـا انبوه ساحران ، از آنان خواست تا با به کار گرفتن تمام توان خود آنچه را که به قصـد میـدان انـداختن آورده انـد ، به زمین بیندازند .

فلما جاء السحره قال لهم موسی ألقوا ما أنتم ملقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۱ - ۱،۲،۶

۱ پس از درخواست موسی (ع) ، ساحران با به میدان ریختن آنچه داشتند (چوب ها و طناب ها) به کار سحر پرداختند .

قال لهم موسی ألقوا . .. فلما ألقوا

۲ موسی (ع) ، پس از مشاهده عمل ساحران ، برای رفع اتهام ساحری از خود ، سحر بودن آن عمل را به آنان گوشزد نمود .

فلما ألقوا قال موسی ما جئتم به السحر

۶ موسی (ع) ، با خطاب به ساحران ، آنان را گروهی مفسد و مقابله آنان با خود را عملی فسادانگیز خواند .

قال موسی ما جئتم به السحر . .. إن اللّه لایصلح عمل المفسدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۱

۱ - موسی (ع) ، شروع مبارزه را به ساحران فرعون واگذار نمود و بر آغاز کار از سوی آنان تأکید کرد .

إمّا أن تلقی . .. قال بل ألقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۳ - ۱

۱ - پیشنهاد موسی (ع) به ساحران ، برای پیشقدم شدن در نمایاندن سحر خویش

قال لهم موسی ألقوا ما أنتم ملقون

موسی(ع) و شکست جادوگران فرعون

جلد

– نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۸۱ – ۳،۴،۵

۳ موسی (ع) ، شکست ساحران و ابطال سحر آنان را ، قطعی و غیر قابل تردید اعلام کرد .

قال موسی ما جئتم به السحر إن اللّه سیبطله

۴ موسی (ع) ، شکست ساحران و ابطال سحر آنان را ، به خدا مرتبط نموده و خود را صرفاً واسطه فعل او اعلام کرد .

قال موسی ما جئتم به السحر إن اللّه سیبطله إن اللّه لایصلح عمل المفسدین. و یحق ال

۵ موسی (ع) ، از پیش بر پیروزی خود و شکست ساحران و ابطال سحرشان ، اطمینان داشت .

قال موسی ما جئتم به السحر إن اللّه سیبطله

موقعیت اجتماعی جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۴۹ – ۵

۵ – ساحران ، دارای موقعیت و احترام در میان جامعه فرعونی *

و قالوا یأیّه الساحر

برداشت یاد شده بدین احتمال است که خطاب <یأیّه الساحر>، استهزایی نباشد; بلکه برای احترام ادا شده باشد. و مؤید آن، ذیل آیه شریفه است که فرعونیان از موسی(ع) تقاضای رفع عذاب کردند.

ناامنی جادوگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۶۹ – ۱۱

۱۱ – < عن رسول اللّه (ص) قال : إذا أخذتم الساحر فاقتلوه ثمّ قرأ < و لایفلح الساحر حیث أتی > قال : لایأمن حیث وجد ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: هرگاه بر ساحری دست یافتید او را بکشید; سپس این آیه را قرائت

فرمود: <و لايفلح الساحر حيث أتى> [آن گاه]فرمود: ساحر هرجا يافت شود در امان نيست>.

نقش جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۰ - ۲

۲ - ناتوانى فرعونيان در مبارزه با موسى (ع) و منحصر شدن تمام قدرت و تدبير نظام فرعونى در وجود ساحران

لعلّنا نتّبع السحره إن كانوا هم الغلبين

با اين كه در نظام فرعونى تلاش بر حذف همه نيروها و منحصر دانستن فرعون در جايگاه رهبرى بوده است; اما ناتوانى او از مقابله با موسى(ع) و نياز وى به كارآيى ساحران، سبب گشت تا به جاى فرعون، ساحران پيشواى مردم قلمداد شوند.

وعده به جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۲ - ۲،۳

۲ - تأكيد فرعون بر قرار گرفتن ساحران در زمره مقربان وى ، با پيروزى بر موسى (ع)

و إنّكم إذًا لمن المقرّبين

۳ - فرعون ، براى جلب حمايت ساحران ، بيش از انتظارشان به آنان وعده مزد و پاداش داد .

قالوا لفرعون أئنّ لنا لأجرًا . .. و إنّكم إذًا لمن المقرّبين

برداشت ياد شده به خاطر اين نكته است كه ساحران تنها درخواست مزد داشته اند; ولى فرعون علاوه بر پاسخ مثبت به آن، وعده تقرّب به درگاه خود را نيز به آنان داد.

وقت مبارزه جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۸ - ۳،۴

۳ - گردآورى ساحران ، براى هماوردى با موسى (ع) در وقت و روزى معين (پيش از ظهر روز عيد

) بود .

فجمع السحره لمیقت یوم معلوم

<میقات> بـه زمـان معیـن گفته می شـود و مراد از آن در این جـا به قرینه آیه ۵۹ سوره طه پیش از ظهر (ضـحی) می باشـد. مقصود از <یوم معلوم> به دلیل آیه یاد شده روز جشن (یوم الزینه) است و روز جشن همان روز عید می باشد.

۴ - اهمیت زمان و روز خاص در بازتاب هماوردی موسی (ع) با ساحران در نگاه فرعونیان

فجمع السحره لمیقت یوم معلوم

تصریح به زمان معین، نشانگر اهمیت و نقش آن است .

ویژگیهای ایمان جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۸

۸ - ساحران ، ایمان خود به خداوند را به گونه ای اعلام کردند که فرعون نتواند آن را تحریف و از آن سوء استفاده کند .

قالوا ءامنّا بربّ هرون و موسی

از آن جایی که موسـی(ع) مدتی در خانه فرعون پرورش یافته بود، اگر ساحران <ربّ موسـی> می گفتند، این احتمال وجود داشت که فرعون سـجده آنان و گفته هایشان را به نفع خود توجیه کنـد و خود را <ربّ موسـی> بدانـد. آنان با آوردن اسـم هارون در کنار اسم موسی(ع) (ربّ هارون و موسی) راه سوء استفاده از کلام خود را به روی فرعون بستند.

هدایتگری جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۱۶

۱۶ - ساحران مؤمن با وجود تهدیدات فرعون ، در صدد نصیحت و ارشاد و هدایت وی بودند .

ما جاءنا من البیّنت و الذی فطرنا فاقض ما أنت قاض إنّما تقضی هذه

الحیوه الدنیا

اشاره ساحران به بینات موسی(ع) و خالقیت خداوند و محدودیت قدرت فرعون، پس از موضع گیری خصمانه او، می تواند به منظور رام ساختن و پند و اندرز دادن به او باشد.

جادوگران فرعون

{جادوگران فرعون}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۷

۷ - سِحر ساحران فرعون ، دارای تأثیر بر قوای ادراکی مردم و ایجاد خیال و تصور در آنان

یخیّل إلیه من سحرهم أنّها تسعی

<یخیّل إلیه>; یعنی، به وهم و خیال موسی(ع) چنین وانمود شد که ریسمان ها و عصاها حرکت می کنند. ضمیر <إلیه> گرچه به موسی(ع) بازمی گردد; ولی روشن است که همه مردم حاضر در آن صحنه نیز چنین احساسی داشتند.

آثار ایمان جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۲۱

۲۱ - پایه های حکومت فرعون پس از ماجرای ساحران و ایمان آنان به موسی (ع) ، بسیار متزلزل شد .

و لتعلمنّ أیّنا أشدّ عذابًا و أبقی

تفاوت برخوردهای اولیه فرعون با برخوردهای پس از ایمان ساحران، نشان از تزلزل حکومت فرعون و احساس خطر شدید او از ناحیه موسی(ع) و مؤمنان به او دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۱

۱ - خشم و برآشفتن فرعون از ایمان سریع ساحران به موسی (ع) ، بدون رخصت و اجازه وی

قال ءامنتم له قبل أن ءاذن لكم

آثار پیروزی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۴ -

۶ - فرعونیان نجات و بقای خود را در گرو غلبه ساحران بر موسی (ع) در صحنه مقابله می دانستند .

و قد أفلح الیوم من استعلی

آثار ترس جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۳

۳ - هراس از جهنم و عذاب طاقت فرسای آن ، مایه تحکیم ایمان در قلب ساحران فرعون

إنّا ءامنّا بربّنا . .. إنّه من یأت ربّه مجرمًا فإنّ له جهنّم

جمله <إنّه من یأت. ..> تعلیل برای محتوای آیه قبل است.

آثار جادوی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۱۱

۱۱ - دیدگان و قوه خیال موسی (ع) نیز ، تحت تأثیر سِحر ساحران فرعون قرار گرفت .

یخیّل إلیه من سحرهم أنّها تسعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۷ - ۱

۱ - موسی (ع) ، پس از مشاهده سِحر ساحران فرعون ، در دل خویش از پی آمد های احتمالی آن احساس نگرانی کرد .

من سحرهم . .. فأوجس فی نفسه خیفه موسی

<أوجس> به معنای <أحسَّ> و نیز به معنای <أضمر(اخفاکرد)> آمده است (لسان العرب). در این آیه، معنای <أحسَّ> به نظر مناسب تر می رسد; چرا که معنای <اخفا> در <فی نفسه> آمده است. بنابراین <أوجس فی نفسه...>; یعنی، موسی(ع) در دل خود نگرانی و ترسی را احساس کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۸ - ۱،۳

۱ - دل قوی داشتن و نگران نبودن

از پی آمد های سِحر ساحران فرعون ، مفاد وحی خداوند به موسی (ع) در میدان مقابله با ساحران

فأوجس . .. قلنا لاتخف

۳ - موسی (ع) از القای شبهه و احتمال گمراهی مردم به واسطه سِحر ساحران نگران بود .

قلنا لاتخف إنّک أنت الاعلی

جمله <إنّك أنت الاعلی> تعلیل برای <لاتخف> است و دلالت می کند که موسی(ع) از این نگران بود که معجزه او با سحر ساحران مشتبه گردد و مردم به حقانیت او پی نبرند. خداوند با بیان برتری قطعی او، زمینه هراسش را از بین برد.

آخرت طلبی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۱۴،۱۷

۱۴ - ساحران مؤمن با تحقیر قدرت فرعون ، به او اعلام کردند که بالاترین شکنجه های او ، تنها به زندگانی دنیایی آنان خاتمه می دهد و به آخرتشان آسیبی نخواهد رسانید .

فاقض ما أنت قاض إنّما تقضی هذه الحیوه الدنیا

چنانچه <هذه الحیاه> مفعولٌ به برای <تقضی> باشد، مراد از <قضا>، منقضی ساختن خواهد بود. اهل لغت می گویند: تمام معانی <قضا> به انقطاع یافتن و تمام شدن بازگشت دارد (لسان العرب). بنابراین مفاد آیه چنین می شود: ای فرعون! با حکم خود به هرچه می توانی فیصله بده و آن را تمام کن؛ زیرا تو فقط این زندگانی دنیا را خاتمه می دهی.

۱۷ - ساحران مؤمن به موسی (ع) ، دارای ایمان و اعتقاد محکم به آخرت بودند .

فاقض . .. إنّما تقضی هذه الحیوه الدنیا

آگاهی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ -

اعراف - ۷ - ۱۲۱ - ۴

۴ ساحران به رسالت ها و پیام های موسی (ع) قبل از اقدام به مبارزه با وی آگاه بودند .

قالوا ءامنا برب العلمین

تأکید ساحران به ربوبیت خداوند و پذیرش سریع آن پس از آگاهی به حقانیت موسی(ع)، بیانگر این است که آنان پیش از حضور در صحنه مبارزه به پیامهای وی، که بارزترین آن اعتقاد به ربوبیت مطلق خداوند است، آگاه شده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۲ - ۲

۲ ساحران مؤمن به موسی (ع) ، مردمی هوشیار و به ترفند ها و سیاست بازی های فرعون و اشرافیان دربار وی آگاه بودند .

رب موسی و هرون

به نظر می رسد از اهداف ساحران در تفسیر <رب العلمین> به <رب موسی و هرون> این باشد که مبادا فرعونیان پس از خاتمه ماجرا چنین وانمود کنند که ساحران به فرعون سجده کردند و او را <رب العلمین> خواندند. و این معنا حکایت از هوشیاری ساحران و آگاهی آنان به ترفندهای فرعون دارد.

آمادگی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۳ - ۷

۷ ساحران پس از اعلام آمادگی برای مبارزه با موسی (ع) از فرعون خواستند تا در صورت پیروزی از پاداشی گران برخوردار شوند .

قالوا إن لنا لأجراً إن كنا نحن الغلبين

جمله <إن لنا . .. > استفهامی است و حرف استفهام مقدر می باشد. یعنی: إن لنا ... . نکره آمدن کلمه <أجراً> دلالت بر بزرگی و گرانسنگی پاداش دارد.

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۶۵ – ۲

۲ – ساحران فرعون ، آمادگی خویش را برای پیش قدم شدن در ارائه سِحر خود ، اعلام کردند .

إمّا أن تلقی و إمّا أن نکون أوّل من ألقی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۲ – ۱۱

۱۱ – ساحران مؤمن ، آمادگی خود را برای تحمّل هرگونه شکنجه و کشتار در جهت حفظ ایمان خویش اعلام کردند .

لن نؤثرک . .. فاقض ما أنت قاض

<قضا> به معنای حکم کردن و داوری است. جمله <فاقض...> از زبان ساحران مؤمن و خطاب به فرعون است; یعنی، هر حکمی را که می توانی و قضاوت آن از تو ساخته است، صادر کن. ما آماده پذیرش هر نوع شکنجه و عذاب در راه ایمان خود هستیم.

ابزار جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۶۶ – ۵،۹

۵ – ریسمان و عصا ، از وسایل کار ساحران فرعون

فإذا حبالهم و عصیّهم

حبل (مفرد <حبال>) به معنای ریسمان و <عصا> (مفرد <عصیّ>) به معنای چوب دستی است.

۹ – ساحران فرعون ، پیش از حضور در صحنه مقابله با موسی (ع) ، ریسمان ها وعصا های فراوانی را تدارک دیده بودند .

فإذا حبالهم و عصیّهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۴۴ – ۱

۱ - استفاده ساحران از ریسمان و چوب برای انجام سحر خود

فألقوا حبالهم و عصيّهم

<حبال> (جمع <حبل>) به معنای ریسمان ها و <عِصّی> (جمع <عصا>) به معنای

چوبدستی ها است.

ابطال جادوی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۹ - ۲،۷

۲ - بلعیده شدن سِحر ساحران فرعون و بطلان گردیدن ساخته های آنان با عصای موسی (ع) ، وعده خداوند به آن حضرت .

و ألق ما فی یمینک تلقف ما صنعوا

فعل <تلقف> و نظایر آن (نزد برخی از اهل لغت) در موردی به کار می رود که چیزی گرفته شود و خورده یا بلعیده گردد (لسان العرب).

۷ - بلعیده شدن سِحر ساحران به وسیله عصای موسی ، نشانه بطلان سِحر و حقانیت معجزه موسی

و ألق ما فی یمینک تلقف ما صنعوا إنّما صنعوا کید سحر

جمله <إنّما صنعوا. ..> تعلیل برای <تلقف> است; یعنی، بدان جهت که سحر، کیدی بیش نیست، در برابر حقیقت اعجاز موسی نابود خواهد شد و به دین وسیله بطلان سحر ساحران و حقانیت معجزه اثبات خواهد گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۱

۱ - عصای موسی با اعجاز او ، تمامی ابزار و آلات سِحر جادوی ساحران فرعون (بند ها و عصا ها) را بلعید .

تلقف ما صنعوا . .. فأُلقی السحره

<فاء> در <فألقی> فصیحه و حاکی از جملاتی محذوفی است. مفاد آیه با تقدیرات آن چنین می شود: موسی(ع) عصای خود را انداخت و عصا آلات سحر را بلعید، آن گاه ساحران به سجده افتادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۵ - ۲،۵

۲ – بلعیده شدن ابزار ساحران (ریسمان ها و عصا

ها) به وسیله عصای موسی

فإذا هی تلقف ما یأفکون

۵ – عصای موسی با بلعیدن ابزار جادویی ساحران ، صحنه ای شگفت و به دور از انتظار همگان به وجود آورد .

فإذا هی تلقف ما یأفکون

برداشت یاد شده از آن جا است که <إذا> برای مفاجات است و نشانگر آن است که جمله پس از آن، در یک حالت غیر منتظره واقع شده است.

اتحاد جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۱۵ – ۳

۳ ساحران دربار فرعون ، یکدل و یکزبان و یار یکدیگر در مبارزه با موسی (ع)

قالوا یموسی إما أن تلقی و إما أن نکون نحن الملقین

بدیهی ست ساحران جمله های <إما أن تلقی> و <إما أن نکون نحن الملقین> را دسته جمعی و یا یک به یک نگفتند. بنابراین استناد این جمله ها به آنان حکایت از همیاری و یکدلی آنان در مبارزه با موسی(ع) دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۶۵ – ۹

۹ – ساحرانِ فرعون ، یک دل و یک زبان و یار یکدیگر ، در مبارزه با موسی (ع) بودند .

و إمّا أن نکون أوّل من ألقی

صدق <أوّل من ألقی> بر همه ساحران، گویای هدف مشترک و وحدت رویه آنان است.

احترام جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۴۹ – ۵

۵ - ساحران ، دارای موقعیت و احترام در میان جامعه فرعونی *

و قالوا يأيّه الساحر

برداشت یاد شده بدین احتمال است که خطاب <يأيّه الساحر>،

استهزایی نباشد; بلکه برای احترام ادا شده باشد. و مؤید آن، ذیل آیه شریفه است که فرعونیان از موسی(ع) تقاضای رفع عذاب کردند.

احضار جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۸ - ۲

۲ - گردآوری ساحران در سریع ترین وقت ، پس از پیشنهاد مشاوران فرعون

قالوا . .. و ابعث فی المدائن ... فجمع السحره

برداشت یاد شده با توجه به آمدن <فاء> که بیانگر نبودن فاصله زمانی است استفاده می شود.

ادب جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۴

۴ - برخورد و گفت وگوی ساحران فرعون با موسی (ع) در میدان مبارزه ، همراه با نزاکت و اظهار ادب نسبت به آن حضرت بود .

یموسی إمّا أن تلقی و إمّا

احاله انتخاب آغازگر به موسی(ع) و پرهیز از تحکّم در این زمینه، خالی از ابراز ادب و نزاکت از سوی ساحران نیست.

استغفار جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۹

۹ - ساحران فرعون ، پس از ایمان به موسی (ع) از اقدام به سِحر به نفع فرعون ، اظهار پشیمانی کرده و خواستار بخشش الهی شدند .

لیغفر لنا . .. ما أکرهتنا علیه من السحر

استقامت جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۵ - ۱

۱ اظهار پایداری بر طریق ایمان و به هیچ انگاشتن مجازات های فرعون ، عکس العمل ساحران مؤمن به موسی (

ع) در برابر فرعون

قالوا إنا إلی ربنا منقلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۸،۱۰

۸ ساحران مؤمن به موسی (ع) پس از اعلان پایداری بر طریق ایمان ، به دعا به درگاه خدا پرداختند .

ربنا أفرغ علینا صبراً و توفنا مسلمین

۱۰ ساحران مؤمن در عین اظهار استقامت در برابر فرعون ، خود را برای مقاومت در برابر شکنجه های فرعون و پایداری بر طریق ایمان ، نیازمند امداد های الهی دانستند .

ربنا أفرغ علینا صبراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۲،۱۱

۲ - ساحران مؤمن ، برتری دادن فرعون بر خداوند و بهادادن به تهدیدات او در برابر دلایل روشن موسی (ع) را ، به کلی منتقی دانسته و ثبات و استحکام ایمان خود را نشان دادند .

قالوا لن نؤثرک علی ما جاءنا من البیّنت والذی فطرنا

۱۱ - ساحران مؤمن ، آمادگی خود را برای تحمّل هرگونه شکنجه و کشتار در جهت حفظ ایمان خویش اعلام کردند .

لن نؤثرک . .. فاقض ما أنت قاض

<قضا> به معنای حکم کردن و داوری است. جمله <فاقض...> از زبان ساحران مؤمن و خطاب به فرعون است; یعنی، هر حکمی را که می توانی و قضاوت آن از تو ساخته است، صادر کن. ما آماده پذیرش هر نوع شکنجه و عذاب در راه ایمان خود هستیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۱

۱ - ساحران مؤمن ، در برابر فرعون و تهدید

های وی ، بر ایمان خود به پروردگارشان تأکید کردند .

لن نؤثرک . .. إنّا ءامنّا بربّنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۵۰ – ۱،۲

۱ – اعلام آمادگی ساحران مؤمن به موسی (ع) در برابر فرعون برای پذیرش هر شکنجه در راه ایمان خویش

لأُقطّعنّ أیدیکم و أرجلکم من خلف . .. قالوا لاضیر

۲ – خشم و تهدید شدید فرعون ، فاقد کمترین تأثیر در ساحران مؤمن به موسی (ع)

لأُقطّعنّ أیدیکم و أرجلکم من خلف . .. قالوا لاضیر

استمداد از جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۱۱ – ۴،۵

۴ خنثی سازی معجزه موسی (ع) با استمداد از ساحران زبردست ، از آرای تصویب شده از جلسه سران و بزرگان حکومت فرعونیان

و أرسل فی المدائن حشرین

۵ سران دربار فرعون از وی خواستند با تأخیر مجازات موسی و هارون موافقت کرده و ساحران زبردست و کاردان را از اطراف و اکناف احضار کند .

و أرسل فی المدائن حشرین

<حشرین> به معنای جمع کنندگان و کوچ دهندگان است و مفعول آن به قرینه آیه قبل و بعد <ساحرین> می باشد و خود <حشرین> مفعول برای <أرسل> است. بنابراین جمله <أرسل ... > یعنی: نیروهایی را برای جمع آوری و گسیل ساحران بسیج کن.

اطمینان به پیروزی جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۳۹ – ۲

۲ – اطمینان فرعون و درباریان او به غلبه ساحران کارآزموده بر موسی (ع)

و قیل للناس

هل أنتم مجتمعون

دعوت از مردم، می تواند نشانگر اطمینان فرعونیان به پیروزی ساحران باشد. گفتنی است که تعابیری چون: <لعلّنا> و <إن کانوا> که بیانگر نوعی تردید بوده و در آیه بعدی آمده است شگردی تبلیغی برای تهییج ساحران بود تا آنان توان خویش را در این راه به کار گیرند.

اطمینان جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۵ - ۴

۴ ساحران دربار فرعون مطمئن به غلبه سحرشان بر معجزه موسی (ع)

إما أن تلقی و إما أن نکون نحن الملقین

از اینکه ساحران اختیار شروع کننده مبارزه را به موسی(ع) واگذاشتند و جمله مربوط به خویش را با تأکید بیان داشتند، معلوم می شود آنان به غلبه خویش اطمینان داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۳،۶

۳ - ساحران فرعون ، نسبت به غلبه و پیروزی خود بر موسی (ع) در میدان مبارزه ، اطمینان داشتند .

إمّا أن تلقی و إمّا أن نکون أوّل من ألقی

پیشنهاد به موسی(ع) برای تعیین آغازکننده، حکایت از اطمینان ساحران به کار خود و نتیجه آن و یا لااقل تظاهر به آن از سوی آنان دارد.

۶ - ساحران فرعون ، شکست موسی (ع) را در صورت اقدام او به سِحر ، حتمی دیده و نیازی به وارد عمل شدن خود احساس نمی کردند . *

إمّا أن تلقی و إمّا أن نکون أوّل من ألقی

ساحران دو شق تخییر را، به گونه ای بیان کردند که گویا اگر موسی(ع) ابزار سحر خود را بیفکند،

کـار او تمـام است و نـاتوانی او بر همگان روشن خواهـد شـد و تنها در صورتی که آنها دست به کار شونـد، نوبت <اول> و <دوم> معنا پیدا می کند از این رو وصف <أوّل من ألقی> را در باره موسی(ع) به کار نبردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۳

۳ - غرور و اطمینان سرشار ساحران به غلبه خویش بر موسی (ع)

و قالوا بعزّه فرعون إنّا لنحن الغلبون

افساد جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۱ - ۶

۶ موسی (ع) ، با خطاب به ساحران ، آنان را گروهی مفسد و مقابله آنان با خود را عملی فسادانگیز خواند .

قال موسی ما جئتم به السحر . .. إن اللّه لایصلح عمل المفسدین

اقرار جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۲ - ۱

۱ سـاحران دربـار فرعون پس از مشاهـده معجزه موسـی (ع) ، به ربوبیت خـدای موسـی (ع) و هـارون بر تمـام هستی ایمـان آورده و بدان اعتراف کردند .

ءامنا برب العلمین. رب موسی و هرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۲

۲ - ساحران مؤمن ، به گناه و خطای خویش معترف و به آمرزش خداوند امیدوار بودند .

إنّا ءامنّا بربّنا لیغفر لنا خطینا

<خطایا> (جمع <خطیئه>) به معنای گناهانی است که از روی عمد انجام شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۴۷ – ۱

۱ – اعتراف ساحران به پروردگار جهانیان و ایمان به توحید ربوبی ، پس از مشاهده معجزه موسی و بطلان سحر خویش

فألقی موسی عصاه . .. قالوا ءامنّا بربّ العلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۴۸ – ۳

۳ – اعتراف و ایمان ساحران به رسالت موسی و هارون (ع)

قالوا ءامنّا بربّ العلمین

قید <ربّ موسی و هارون> اعتراف ضمنی بر ایمان آوردن ساحران به رسالت موسی و هارون(ع) است. آیه بعد (قال آمنتم له...) این مطلب را تأیید می کند.

اکراه جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۳ – ۵

۵ – ساحران مؤمن ، برخلاف میل باطنی و با اجبار حکومت فرعونی ، وادار به مقابله با موسی (ع) شده بودند .

و ما أکرهتنا علیه من السحر

<إکراه>; یعنی، وادار کردن کسی به کاری که خود تمایل به آن نداشته باشد. گفتنی است که <أکرهتنا> سخن ساحران مؤمن، خطاب به فرعون است; یعنی، تو ما را به سحر و مبارزه علیه موسی(ع) وادار کردی. اقداماتی که ساحران در شیوه اجرای سحر انجام دادند، گرچه اختیاری بود; ولی احضار آنان در صحنه مبارزه با موسی(ع) اجباری بوده است.

امتیازخواهی جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۴۱ – ۵

۵ – امتیاز خواهی ساحران از فرعون ، با قرار دادن پیروزی خود در هاله ای از ابهام

أئنّ لنا لأجرًا إن كنّا نحن الغلبين

تردید ساحران در پیروزی خود،

فرعون را در وحشت از شکست فرو می برد و اشتیاق به پیروزی را به هر قیمت در وجود او مشتعل می ساخت. ساحران از این زمینه برای دست یافتن به امتیازات بیشتر سود جستند. گفتنی است که آیه ۴۴ همین سوره که در آن ساحران پس از مطمئن شدن به دریافت مزد از فرعون پیروزی خود را بر موسی(ع) قطعی اعلام کردند (قالوا بعزّه فرعون إنّا نحن الغالبون) مؤید همین برداشت است.

امیدواری به پیروزی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۰ - ۱

۱ - امیدواری فرعونیان به غلبه ساحران بر موسی (ع) و پیروی مردم از آنان

لعلّنا نتّبع السحره إن کانوا هم الغلبین

واژه <لعلّ> برای اظهار امید است.

امیدواری جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۲

۲ - ساحران مؤمن ، به گناه و خطای خویش معترف و به آمرزش خداوند امیدوار بودند .

إنّا ءامنّا بربّنا لیغفر لنا خطینا

<خطایا> (جمع <خطیئه>) به معنای گناهانی است که از روی عمد انجام شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۱ - ۱

۱ - اظهار امیدواری ساحران مؤمن به موسی (ع) ، به برخورداری از غفران الهی

إنّا نطمع أن یغفر لنا ربّنا خطینا

انقیاد جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۹

۹ صبر در برابر تحمل شکنجه های فرعون و تسلیم خدا بودن تا آخرین لحظه حیات

، درخواست ساحران مؤمن در دعا به درگاه خداوند

ربنا أفرغ علينا صبراً و توفنا مسلمين

ايمان جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۱ - ۲،۳

۲ ساحران ، ايمانشان را به خداوند به همگان اعلام كردند .

قالوا ءامنا برب العلمين

كلمه <قالوا> بيانگر اين است كه ساحران ايمانشان را به خدا و ربوبيت مطلق او علنى ساختند و به همگان اعلام كردند.

۳ ساحران به هنگام سجده به درگاه خداوند ، ايمانشان را به ربوبيت وى اعلام داشتند .

و ألقى السحره سجدين. قالوا ءامنا برب العلمين

برداشت فوق بر اين اساس است كه جمله <قالوا ءامنا . .. > حال براى <السحره> و يا بدل اشتمال براى <القى السحره ... > باشد. بر اين دو مبنا آيه مورد بحث دلالت مى كند كه ساحران به هنگام سجده به درگاه خدا براى اينكه توهم نشود به فرعون سجده مى كنند، ايمان خويش را به خداوند اظهار كردند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۲ - ۱،۲،۴،۵

۱ ساحران دربار فرعون پس از مشاهده معجزه موسى (ع) ، به ربوبيت خداى موسى (ع) و هارون بر تمام هستى ايمان آورده و بدان اعتراف كردند .

ءامنا برب العلمين. رب موسى و هرون

۲ ساحران مؤمن به موسى (ع) ، مردمى هوشيار و به ترفند ها و سياست بازى هاى فرعون و اشرافيان دربار وى آگاه بودند .

رب موسى و هرون

به نظر مى رسد از اهداف ساحران در تفسير <رب العلمين> به <رب موسى و هرون> اين

باشد که مبادا فرعونیان پس از خاتمه ماجرا چنین وانمود کنند که ساحران به فرعون سجده کردند و او را <رب العلمین> خواندند. و این معنا حکایت از هوشیاری ساحران و آگاهی آنان به ترفندهای فرعون دارد.

۴ ساحران دربار فرعون پس از مشاهده معجزه موسی (ع) به پیامبری وی و برادرش هارون ایمان آوردند .

ءامنا برب العلمین. رب موسی و هرون

می توان گفت از اهداف ساحران در نام بردن خصوص <موسی و هارون>، پذیرش ایشان به عنوان پیامبران الهی بوده است.

۵ ساحران ، ایمان خویش را به موسی (ع) و هارون به همگان اعلام کردند .

قالوا ءامنا برب العلمین. رب موسی و هرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۳ - ۱،۴،۶،۸

۱ فرعون در پی گرایش ساحران به رسالت موسی (ع) و ایمانشان به ربوبیت خداوند ، بشدت برآشفت و آنان را به سبب ایمانشان توبیخ کرد .

قال فرعون ءامنتم به قبل أن ءاذن لکم

ضمیر در <به> هم می تواند به موسی(ع) برگردانده شود و هم می تواند به <رب> برگردانده شود. در هر صورت برداشت فوق از آیه استفاده می شود.

۴ فرعون ، شکست ساحران و پیروزی موسی را صحنه سازی و ایمان آنان را توطئه ای از پیش طراحی شده اعلام کرد .

إن هذا لمکر مکرتموه فی المدینه

کلمه <هذا> اشاره است به ماجرای شکست ساحران و پیروزی موسی و در آخر اظهار ایمان ساحران به ربوبیت خداوند و پیامبری موسی و هارون.

۶ فرعون ، ایمان ساحران را به موسی (ع) ، خطری

برای موقعیت و حکومت خویش احساس کرد .

إن هذا لمکر مکرتموه فی المدینه لتخرجوا منها أهلها

۸ بیرون راندن و آواره ساختن مردم پایتخت مصر ، تحلیل فرعون از داستان مبارزه ساحران با موسی و ایمان آوردن آنان

إن هذا لمکر مکرتموه فی المدینه لتخرجوا منها أهلها

برداشت فوق بر این مبناست که مراد از <أهلها> همه مردم مصر (عوامل حکومت و توده مردم) باشد، نه خصوص عوامل حکومتی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۴ - ۱،۲،۳

۱ فرعون بر کیفر دادن تمامی ساحران مؤمن به موسی (ع) تصمیم قطعی گرفت و بر آن سوگند یاد کرد .

لأقطعن . .. ثم لأصلبنکم

حرف <لام> در <لاقطعن> در <لاصلبن> لام تأکید و حاکی از سوگند مقدر است.

۲ قطع یک دست و یک پا در جهت خلاف یکدیگر ، از کیفر های تعیین شده از سوی فرعون برای ساحران مؤمن به موسی (ع)

لأقطعن أیدیکم و أرجلکم من خلف

۳ فرعون ، ساحران مؤمن به موسی (ع) را تهدید کرد که پس از بریدن دست و پایشان تمامی آنان را به چوبه دار خواهد بست .

ثم لأصلبنکم أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۵ - ۱،۲

۱ اظهار پایداری بر طریق ایمان و به هیچ انگاشتن مجازات های فرعون ، عکس العمل ساحران مؤمن به موسی (ع) در برابر فرعون

قالوا إنا إلى ربنا منقلبون

۲ ساحران در پاسخ فرعون و تهدید های وی اظهار کردند که با کشته شدن به سوی خدای خویش باز

خواهند گشت .

قالوا إنا إلی ربنا منقلبون

<إلی ربنا> متعلق به <منقلبون> است و کلمه <انقلاب>، در صورتی که به <إلی> متعدی شود، به معنای بازگشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۸

۱ ساحران مؤمن با بیان انگیزه فرعون بر نابودی آنان ، اتهام های دروغین وی (توطئه گری و آواره سازی مردمان) را قاطعانه مردود دانستند .

و ما تنقم منا إلا أن ءامنا بایت ربنا

۲ ایمان ساحران به آیات الهی تنها انگیزه فرعون بر شکنجه و مجازات آنان

إن هذا لمکر مکرتموه فی المدینه لتخرجوا . .. و ما تنقم منا إلا أن ءامنا بایت ربنا

نقمت <مصدر تنقم> به معنای عقوبت کردن و کراهت داشتن است و <أن ءامنا> مفعولٌ له برای <تنقم> می باشد. تقدیر جمله چنین است: و ما تنقم منا لشیء إلا لایماننا. یعنی ای فرعون تنها چیزی که تو را بر عقوبت ما واداشته ایمان ماست، نه اینکه ما را توطئه گر و امثال آن بدانی. به عبارت دیگر یعنی تو خود می دانی که اتهامهایت واقعیت ندارد.

۳ ساحران گرویده به موسی (ع) ، برخوردار از ایمانی راسخ به آیات خداوند

و ما تنقم منا إلا أن ءامنا بایت ربنا

۴ ساحران گرویده به موسی (ع) به مجرد آگاهی به آیات الهی ، آنها را باور کردند و بدآنهاایمان آوردند .

ءامنا بایت ربنا لما جاءتنا

برداشت فوق با توجه به کلمه <لما> استفاده شده است.

۵ ساحران گرویده به موسی (ع) مؤمنانی در کمال شجاعت و شهامت

قالوا إنا إلی ربنا منقلبون. و

ما تنقم منا إلا أن ءامنا

۶ ساحران مؤمن به موسی (ع) ، در ایمان خویش متکی به آیات و براهینی متعدد بودند .

أن ءامنا بایت ربنا لما جاءتنا

۸ ساحران مؤمن به موسی (ع) پس از اعلان پایداری بر طریق ایمان ، به دعا به درگاه خدا پرداختند .

ربنا أفرغ علینا صبراً و توفنا مسلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۵،۶،۷

۵ - ساحران به جهت تخصص در سِحر ، حقانیت گفته های موسی (ع) و سِحر نبودن کار او را به روشنی درک کردند .

فأُلقی السحره سجّدًا قالوا ءامنّا

از ظاهر آیه برمی آید، که در میدان مبارزه، تنها ساحران بودند که ایمان خود را اعلام کردند و یا لااقل اولین افراد بودند. این سبقت در ایمان از سوی ساحران، به جهت شناخت آنان از کار خود و تفاوت آن با معجزه بود.

۶ - ساحران با مشاهده بطلان سِحرشان ، ربوبیت خداوند بر همه موجودات را باور کرده و به آن ایمان آوردند .

قالوا ءامنّا بربّ هرون و موسی

۷ - ساحران فرعون ، با صراحت ، ایمان خویش به خداوند را اعلام کردند .

قالوا ءامنّا بربّ هرون و موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱،۲،۱۱

۱ - ساحران به خاطر ایمان به موسی (ع) ، مورد توبیخ و بازخواست فرعون قرار گرفتند .

قالوا ءامنّا . .. قال ءامنتم له قبل أن ءاذن لکم

<آمنتم> چه جمله خبری باشد و چه استفهامی (به تقدیر همزه)، مراد از آن

توبیخ است و ضـمیر <له> به قرینه حرف لام که برای ربط <أمن> به غیر خداوند به کار می رود و به تناسب ضمیر <إنّه> در <إنّه لکبیرکم> به موسی(ع) برمی گردد.

۲ - ساحران فرعون ، موسی و هارون (ع) را پیامبر خدا دانسته و به آنان ایمان آوردند .

ءامنتم له

تعبیر ساحران در آیه قبل، <آمنّا بربّ هارون و موسی> بود; ولی فرعون در توبیخ خود، آنان را مؤمن به موسی(ع) معرفی کرد. گفتنی است که این نکته گویای تلازم ایمان به <ربّ موسی و هارون> با ایمان به رسالت آن دو در دعوت به ربوبیت خداوند است.

۱۱ - در دیدگاه فرعون ، ساحران پیش از حضور در میدان مبارزه ، به موسی (ع) ایمان داشتند و ایمان آنان در صحنه مبارزه ، ایمانی صوری و برنامه ریزی شده بود .

ءامنتم له قبل أن ءاذن لکم إنّه لکبیرکم الذی علّمکم السحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۲،۳،۷،۱۱،۱۴،۱۷

۲ - ساحران مؤمن ، برتری دادن فرعون بر خداوند و بهادادن به تهدیدات او در برابر دلایل روشن موسی (ع) را ، به کلی منتفی دانسته و ثبات و استحکام ایمان خود را نشان دادند .

قالوا لن نؤثرک علی ما جاءنا من البیّنت والذی فطرنا

۳ - ساحر مؤمن مصر ، تحت تأثیر آیات و بینات الهی ، قرار گرفتند و خدا را بر فرعون ترجیح دادند .

لن نؤثرک علی ما جاءنا من البیّنت والذی فطرنا

۷ - ساحران مؤمن ، معتقد به رسالت موسی (ع) از جانب خالق

آنان

علی ما جاءنا من البیّنت والذی فطرنا

۱۱ – ساحران مؤمن ، آمادگی خود را برای تحمّل هرگونه شکنجه و کشتار در جهت حفظ ایمان خویش اعلام کردند .

لن نؤثرک . .. فاقض ما أنت قاض

<قضا> به معنای حکم کردن و داوری است. جمله <فاقض...> از زبان ساحران مؤمن و خطاب به فرعون است; یعنی، هر حکمی را که می توانی و قضاوت آن از تو ساخته است، صادر کن. ما آماده پذیرش هر نوع شکنجه و عذاب در راه ایمان خود هستیم.

۱۴ – ساحران مؤمن با تحقیر قدرت فرعون ، به او اعلام کردند که بالاترین شکنجه های او ، تنها به زندگانی دنیایی آنان خاتمه می دهد و به آخرتشان آسیبی نخواهد رسانید .

فاقض ما أنت قاض إنّما تقضی هذه الحیوه الدنیا

چنانچه <هذه الحیاه> مفعولٌ به برای <تقضی> باشد، مراد از <قضا>، منقضی ساختن خواهد بود. اهل لغت می گویند: تمام معانی <قضا> به انقطاع یافتن و تمام شدن بازگشت دارد (لسان العرب). بنابراین مفاد آیه چنین می شود: ای فرعون! با حکم خود به هرچه می توانی فیصله بده و آن را تمام کن; زیرا تو فقط این زندگانی دنیا را خاتمه می دهی.

۱۷ – ساحران مؤمن به موسی (ع) ، دارای ایمان و اعتقاد محکم به آخرت بودند .

فاقض . .. إنّما تقضی هذه الحیوه الدنیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۳ – ۱،۹

۱ – ساحران مؤمن ، در برابر فرعون و تهدید های وی ، بر ایمان خود به پروردگارشان تأکید کردند .

لن نؤثرک . .. إنّا ءامنّا بربّنا

۹ –

ساحران فرعون ، پس از ایمان به موسی (ع) از اقدام به سِحر به نفع فرعون ، اظهار پشیمانی کرده و خواستار بخشش الهی شدند .

لیغفر لنا . .. ما أکرهتنا علیه من السحر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۴ – ۳

۳ – هراس از جهنم و عذاب طاقت فرسای آن ، مایه تحکیم ایمان در قلب ساحران فرعون

إنّا ءامنّا بربّنا . .. إنّه من یأت ربّه مجرمًا فإنّ له جهنّم

جمله <إنّه من یأت. ..> تعلیل برای محتوای آیه قبل است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۴۸ – ۱،۲،۳

۱ – ساحران پس از مشاهده معجزه موسی ، بیزاری خود را از فرعون و ادعای ربوبیت او ، به صراحت و در حضور وی ، اعلام داشتند .

قالوا ءامنّا بربّ العلمین . ربّ موسی و هرون

جمله <ربّ موسی و هارون> که عطف بیان برای <بربّ العالمین> می باشد تعریضی است به فرعون و نیز کنایه از این نکته است که دیگر ربّ بودن تو، پذیرفتنی نیست.

۲ – تأکید ساحران بر ایمان خویش به پروردگار یگانه هستی ، به گونه ای صریح و بی ابهام

قالوا ءامنّا بربّ العلمین . ربّ موسی و هرون

۳ – اعتراف و ایمان ساحران به رسالت موسی و هارون (ع)

قالوا ءامنّا بربّ العلمین

قید <ربّ موسی و هارون> اعتراف ضمنی بر ایمان آوردن ساحران به رسالت موسی و هارون(ع) است. آیه بعد (قال آمنتم له...) این مطلب را تأیید می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳

– شعراء – ۲۶ – ۴۹ – ۱۳

۱۳ – ایمان همه ساحران به موسی (ع) و تهدید فرعون به شکنجه و کشتن تمامی آنان

قال ءامنتم له . .. و لأُصلّبنّکم أجمعین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۵۰ – ۱،۲،۳

۱ – اعلام آمادگی ساحران مؤمن به موسی (ع) در برابر فرعون برای پذیرش هر شکنجه در راه ایمان خویش

لأُقطّعنّ أیدیکم و أرجلکم من خلف . .. قالوا لاضیر

۲ – خشم و تهدید شدید فرعون ، فاقد کمترین تأثیر در ساحران مؤمن به موسی (ع)

لأُقطّعنّ أیدیکم و أرجلکم من خلف . .. قالوا لاضیر

۳ – اعتقاد ساحران مؤمن به زیان نکردن انسان از تحمل دشواری ها در راه خدا

قالوا لاضیر إنّا إلی ربّنا منقلبون

جمله <إنّا إلی ربّنا. ..> تعلیل برای <لاضیر> و بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۵۱ – ۶

۶ – ساحرانِ گرویده به موسی (ع) ، از نخستین مؤمنان به وی

إنّا نطمع أن یغفر . .. إن کنّا أوّل المؤمنین

بسیج جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۱۱ – ۵،۶

۵ سران دربار فرعون از وی خواستند با تأخیر مجازات موسی و هارون موافقت کرده و ساحران زبردست و کاردان را از

اطراف و اکناف احضار کند .

و أرسل فی المدائن حشرین

<حشرین> به معنای جمع کنندگان و کوچ دهندگان است و مفعول آن به قرینه آیه قبل و بعد <ساحرین> می باشد و خود <حشرین>

مفعول برای <أرسل> است. بنابراین جمله <أرسل ... > یعنی: نیروهایی را برای جمع آوری و گسیل ساحران بسیج کن.

۶ بسیج نیرو های حکومتی به تمامی شهر های تحت نفوذ فرعون ، طرح کارگزاران دربار برای گردآوری و احضار ساحران زبردست

و أرسل فی المدائن حشرین

<ال> در <المدائن> عهد ذهنی است و اشاره به شهرهای تحت نفوذ حکومت فرعون دارد. زیرا معهود بین فرعون و اشراف دربار همان شهرهای کشور خودشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۲ - ۳

۳ احضار همه ساحران زبردست برای مبارزه با موسی (ع) ، درخواست اشرافیان دربار فرعون از فرعون

یأتوك بكل سحر علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۳ - ۱

۱ ساحرانی زبردست و کارآمد پس از فراخوانی آنان برای مبارزه با موسی ، به درگاه فرعون حاضر شدند .

و جاء السحره فرعون

<ال> در <السحره> عهد ذکری است و اشاره به <کل سحر علیم> دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۶ - ۵

۵ - تدبیر مشاوران فرعون ، مبنی بر اعزام اشخاصی به تمام شهر ها و گردآوری نیروی لازم جهت مبارزه با موسی (ع) و برادرش

قالوا . .. و ابعث فی المدائن حشرین

<المدائن> جمع محلّی به <ال> و مفید عموم است; یعنی، همه شهرها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۷ - ۱

۱ - گردآوری تمامی ساحران کارآزموده و ماهر برای مقابله با معجزات موسی ، طرح

مشاوران فرعون بود .

و ابعث فی المدائن حشرین . یأتوک بکلّ سحّار علیم

بشارت به جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۴ - ۲

۲ فرعون به ساحران بشارت داد که در صورت پیروزی علاوه بر دریافت پاداشی گران ، از مقرّبان درگاهش خواهند شد .

قال نعم و إنکم لمن المقربین

بطلان جادوی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۰ - ۱

۱ ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) و بطلان سحر خویش ، به خاک افتادند و به درگاه خداوند سجده کردند .

و ألقی السحره سجدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۱ - ۳

۳ موسی (ع) ، شکست ساحران و ابطال سحر آنان را ، قطعی و غیر قابل تردید اعلام کرد .

قال موسی ما جئتم به السحر إن اللّه سیبطله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۶ - ۱

۱ - پی بردن ساحران به حقانیت رسالت موسی (ع) ، در پی مشاهده بطلان افسون خود در برابر معجزه موسی

فإذا هی تلقف ما یأفکون . فأُلقی السحره سجدین

برداشت یاد شده با توجه به تفریع <أَلقی> بر آیه پیش به دست می آید.

بینش جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۶

۶ - ساحران فرعون ، شکست موسی (ع) را در صورت اقدام او به سِحر ، حتمی

دیده و نیازی به وارد عمل شدن خود احساس نمی کردند . *

إمّا أن تلقی و إمّا أن نکون أوّل من ألقی

ساحران دو شق تخییر را، به گونه ای بیان کردند که گویا اگر موسی(ع) ابزار سحر خود را بیفکند، کار او تمام است و ناتوانی او بر همگان روشن خواهد شد و تنها در صورتی که آنها دست به کار شوند، نوبت <اول> و <دوم> معنا پیدا می کند از این رو وصف <أوّل من ألقی> را در باره موسی(ع) به کار نبردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۳

۳ - ساحران ، با مشاهده معجزه موسی ، آن را قدرتی الهی دانسته و در برابر عظمت خداوند اظهار فروتنی کردند .

فأُلقی السحره سجّدًا قالوا ءامنّا بربّ هرون و موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۱۲

۱۲ - تحقیر دنیا و حاکمیت موقت فرعون در آن ، از سوی ساحران مؤمن

إنّما تقضی هذه الحیوه الدنیا

فعل <تقضی> خطاب به فرعون و <هذه الحیاه> مفعول فیه آن است; یعنی، <إنّما تقضی مده هذه الحیاه الدنیا> (دایره حکم رانی تو، همین زندگی دنیایی است و فراتر از آن در دسترس تو نیست).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۵

۵ - فرعون ، دارای عزت و جلال در چشم و دل ساحران عصر خود .

فلمّا جاء السحره . .. و قالوا بعزّه فرعون

پاداش به جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف

- ۷ - ۱۱۴ - ۲

۲ فرعون به ساحران بشارت داد که در صورت پیروزی علاوه بر دریافت پاداشی گران ، از مقرّبان درگاهش خواهند شد .

قال نعم و إنکم لمن المقربین

پاداش جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۴ - ۱

۱ فرعون به خواسته ساحران (اعطای پاداش در صورت پیروزی) ، پاسخ مثبت داد .

ان لنا لأجراً . .. قال نعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۱ - ۱،۳

۱ - پرسش ساحران ، از فرعون نسبت به پاداش خود در صورت غلبه بر موسی (ع)

قالوا لفرعون أئنّ لنا لأجرًا إن کنّا نحن الغلبین

۳ - اهتمام ساحران به دریافت پاداش و نه پیروزی فکری و عقیدتی

أئنّ لنا لأجرًا إن کنّا نحن الغلبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۲ - ۱،۳

۱ - پاسخ مثبت فرعون ، به امتیازطلبی ساحران برای غلبه بر موسی (ع)

قالوا لفرعون أئنّ لنا لأجرًا . .. قال نعم

۳ - فرعون ، برای جلب حمایت ساحران ، بیش از انتظارشان به آنان وعده مزد و پاداش داد .

قالوا لفرعون أئنّ لنا لأجرًا . .. و إنّکم إذًا لمن المقرّبین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که ساحران تنها درخواست مزد داشته اند; ولی فرعون علاوه بر پاسخ مثبت به آن، وعده تقرّب به درگاه خود را نیز به آنان داد.

پرسش جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶

۱ - پرسش ساحران ، از فرعون نسبت به پاداش خود در صورت غلبه بر موسی (ع)

قالوا لفرعون أئنّ لنا لأجرًا إن كنّا نحن الغلبين

پشیمانی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۹

۹ - ساحران فرعون ، پس از ایمان به موسی (ع) از اقدام به سِحر به نفع فرعون ، اظهار پشیمانی کرده و خواستار بخشش الهی شدند .

لیغفر لنا . .. ما أکرهتنا علیه من السحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۱ - ۲،۱۰

۲ - ندامت ساحران از گذشته شرک آلود و غفلت بار خود در پیشگاه خدا

إنّا نطمع أن یغفر لنا ربّنا خطینا

۱۰ - اظهار ندامت ساحران ، از قرار دادن دانش خویش در خدمت فرعون ، برای مبارزه با موسی (ع)

إنّا نطمع أن یغفر لنا ربّنا خطینا

کلمه <خطایانا> می تواند اشاره به اقدامی باشد که ساحران در خدمت نظام فرعونی، برای مبارزه با حق انجام داده اند.

پوچی جادوی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۸ - ۱

۱ عصای موسی (ع) با بلعیدن جادوی ساحران ، موجب به کرسی نشستن حق و پوچ گشتن دستاورد های ساحران شد .

فوقع الحق و بطل ما کانوا یعملون

دربرداشت فوق ضمیر <کانوا> و <یعملون> به ساحران برگردانده شده است. بر این مبنا مراد از <ما> در <ما کانوا ... > همان ابزار و آلاتی است که با سحر خویش آنها را در

چشم بینندگان به صورت جانورانی پر تحرک جلوه داده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۳ - ۲

۲ - اطمینان موسی به غلبه خویش و پوچی افسون ساحران

قال لهم موسی ألقوا ما أنتم ملقون

شتاب نداشتن موسی(ع) در ارائه معجزه خویش، حاکی از اطمینان او و تعبیر <ألقوا ما أنتم ملقون> نشانگر بی اعتنایی وی به همه دست مایه های ساحران است.

پیروزی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۱ - ۵

۵ - امتیاز خواهی ساحران از فرعون ، با قرار دادن پیروزی خود در هاله ای از ابهام

أئنّ لنا لأجرًا إن كنّا نحن الغلبين

تردید ساحران در پیروزی خود، فرعون را در وحشت از شکست فرو می برد و اشتیاق به پیروزی را به هر قیمت در وجود او مشتعل می ساخت. ساحران از این زمینه برای دست یافتن به امتیازات بیشتر سود جستند. گفتنی است که آیه ۴۴ همین سوره که در آن ساحران پس از مطمئن شدن به دریافت مزد از فرعون پیروزی خود را بر موسی(ع) قطعی اعلام کردند (قالوا بعزّه فرعون إنّا نحن الغالبون) مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۳

۳ - غرور و اطمینان سرشار ساحران به غلبه خویش بر موسی (ع)

و قالوا بعزّه فرعون إنّا لنحن الغلبون

پیشنهاد جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۱

۱ - ساحران فرعون ، در میدان

مبارزه و رویارویی با موسی (ع) ، تعیین آغازکننده را به آن حضرت محول کردند .

قالوا یموسی إمّا أن تلقی . .. ألقی

تبرّی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۸ - ۱

۱ - ساحران پس از مشاهده معجزه موسی ، بیزاری خود را از فرعون و ادعای ربوبیت او ، به صراحت و در حضور وی ، اعلام داشتند .

قالوا ءامنّا بربّ العلمین . ربّ موسی و هرون

جمله <ربّ موسی و هارون> که عطف بیان برای <بربّ العالمین> می باشد تعریضی است به فرعون و نیز کنایه از این نکته است که دیگر ربّ بودن تو، پذیرفتنی نیست.

تبلیغ جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۱۶

۱۶ - ساحران مؤمن با وجود تهدیدات فرعون ، در صدد نصیحت و ارشاد و هدایت وی بودند .

ما جاءنا من البیّنت و الذی فطرنا فاقض ما أنت قاض إنّما تقضی هذه الحیوه الدنیا

اشاره ساحران به بینات موسی(ع) و خالقیت خداوند و محدودیت قدرت فرعون، پس از موضع گیری خصمانه او، می تواند به منظور رام ساختن و پند و اندرز دادن به او باشد.

تجدیدنظر جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۰ - ۲

۲ ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) به عظمت خداوند پی بردند و او را شایسته و بایسته پرستش یافتند .

و ألقی السحره سجدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف -

۷ - ۱۲۱ - ۱،۲،۳

۱ ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) ربوبیت خداوند را بر تما هستی باور کردند و به آن ایمان آوردند .

قالوا ءامنا برب العلمین

۲ ساحران ، ایمانشان را به خداوند به همگان اعلام کردند .

قالوا ءامنا برب العلمین

کلمه <قالوا> بیانگر این است که ساحران ایمانشان را به خدا و ربوبیت مطلق او علنی ساختند و به همگان اعلام کردند.

۳ ساحران به هنگام سجده به درگاه خداوند ، ایمانشان را به ربوبیت وی اعلام داشتند .

و ألقی السحره سجدین. قالوا ءامنا برب العلمین

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <قالوا ءامنا . .. > حال برای <السحره> و یا بدل اشتمال برای <القی السحره ... > باشد. بر این دو مبنا آیه مورد بحث دلالت می کند که ساحران به هنگام سجده به درگاه خدا برای اینکه توهم نشود به فرعون سجده می کنند، ایمان خویش را به خداوند اظهار کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۲ - ۱،۴

۱ ساحران دربار فرعون پس از مشاهده معجزه موسی (ع) ، به ربوبیت خدای موسی (ع) و هارون بر تمام هستی ایمان آورده و بدان اعتراف کردند .

ءامنا برب العلمین. رب موسی و هرون

۴ ساحران دربار فرعون پس از مشاهده معجزه موسی (ع) به پیامبری وی و برادرش هارون ایمان آوردند .

ءامنا برب العلمین. رب موسی و هرون

می توان گفت از اهداف ساحران در نام بردن خصوص <موسی و هارون>، پذیرش ایشان به عنوان پیامبران الهی بوده است.

تصلیب جادوگران فرعون

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۱ – ۱۳،۱۵

۱۳ – قطع یک دست و یک پا در جهت مخالف یکدیگر و دار زدن بر تنه درختان خرما ، از جمله مجازات های تعیین شده برای ساحران مؤمن از سوی فرعون بود .

فلأقطّعنّ أیدیکم و أرجلکم من خلف و لأصلّبنّکم

<جذع> (مفرد <جذوع>) به معنای ساق درخت است و حرف <فی> نشانه آن است که فرعون در تهدید خود، مکان همیشگی ساحران را پس از قطع دست و پایشان، چوبه های دار در نظر گرفته بود. این مطلب کنایه از آن دارد که بدن آنان هرگز از دار پایین آورده نخواهد شد.

۱۵ – تصمیم فرعون بر شکنجه و به صلیب کشیدن ساحران مؤمن و نظارت مستقیم خود بر اجرای آن ، تصمیمی قاطع و مستبدانه بود .

لأقطّعنّ . .. لأصلّبنّکم ... لتعلمنّ أیّنا أشدّ عذابًا و أبقی

فرعون در واکنش های قبلی خود در برابر موسی(ع) با اطرافیان خویش به مشورت می نشست; ولی در مجازات ساحران، تصمیم مستبدانه و شخصی خود را با سوگند بر اجرای آن اعلام کرد و با لام قسم و نون تأکید ثقیله و فعل هایی از باب تفعیل، قاطعیت خود را در این تصمیم ابراز کرد. گفتنی که فعل های <لأقطّعنّ> و <لأصلبنّ> که از باب تفعیل اند، با ثلاثی مجرد در معنا یکسان بوده و تفاوتی جز تأکید افزون تر ندارند.

تکبر جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۴۴ – ۳

۳ – غرور و اطمینان سرشار ساحران به غلبه خویش بر موسی (

ع)

و قالوا بعزّه فرعون إنّا لنحن الغلبون

تلاش جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۳ - ۳

۳ - تلاش ساحران برای انجام کاری شبیه به معجزه موسی

ألقوا ما أنتم ملقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۷

۷ - سعی ساحران بر ارائه کاری قوی تر و چشمگیرتر از معجزه موسی و در عین حال هم سنخ با آن

فألقوا حبالهم و عصیّهم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ساحران از ریسمان ها و عصاهای متعدد برای مبارزه با معجزه (عصای اژدها شوند) موسی(ع) استفاده کردند.

تملق جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۸

۸ - اقدام ساحران به ستایش فرعون در لحظه شروع عملیات خود ، با هدف جلب حمایت او و نزدیک ساختن خویش بهوی

فألقوا . .. و قالوا بعزّه فرعون إنّا لنحن الغلبون

تنبه جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۶ - ۱

۱ - پی بردن ساحران به حقانیت رسالت موسی (ع) ، در پی مشاهده بطلان افسون خود در برابر معجزه موسی

فإذا هی تلقف ما یأفکون . فأُلقی السحره سجدین

برداشت یاد شده با توجه به تفریع <أُلقی> بر آیه پیش به دست می آید.

تواضع جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۳

۳ - ساحران ، با مشاهده معجزه موسی ، آن را قدرتی الهی

دانسته و در برابر عظمت خداوند اظهار فروتنی کردند .

فأُلقی السحره سجّدًا قالوا ءامنّا بربّ هرون و موسی

توطئه جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۸ - ۲

۲ ساحران در مدتی طولانی و به طور مستمر در تدارک سحر خویش علیه موسی (ع) بودند .

و بطل ما کانوا یعملون

فعل مضارع <یعملون> پس از <کانوا> حکایت از مداومت ساحران به مهیاسازی خویش برای جادوگری دارد.

تهدید جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۳ - ۹

۹ فرعون بر پایه تحلیل دروغین خویش و توطئه گر خواندن ساحران ، آنان را به مجازاتی شدید تهدید کرد .

إن هذا لمکر . .. فسوف تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۴ - ۳

۳ فرعون ، ساحران مؤمن به موسی (ع) را تهدید کرد که پس از بریدن دست و پایشان تمامی آنان را به چوبه دار خواهد بست .

ثم لأصلبنکم أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۵ - ۲

۲ ساحران در پاسخ فرعون و تهدید های وی اظهار کردند که با کشته شدن به سوی خدای خویش باز خواهند گشت .

قالوا إنا إلی ربنا منقلبون

<إلی ربنا> متعلق به <منقلبون> است و کلمه <انقلاب>، در صورتی که به <إلی> متعدی شود، به معنای بازگشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۸،۹،۱۳

۸ - تهدید ساحران

مؤمن از سوی فرعون به داشتن فرجامی تیره و وحشتناک

فلسوف تعلمون

۹ - ساحران مؤمن به موسی (ع) ، مورد تهدید فرعون به قطع دست و پا و کشیده شدن بر صلیب

لأُقطّعنّ أیدیکم و أرجلکم من خلف و لأُصلّبنّکم أجمعین

۱۳ - ایمان همه ساحران به موسی (ع) و تهدید فرعون به شکنجه و کشتن تمامی آنان

قال ءامنتم له . .. و لأُصلّبنّکم أجمعین

تهمت به جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۳ - ۴،۷

۴ فرعون ، شکست ساحران و پیروزی موسی را صحنه سازی و ایمان آنان را توطئه ای از پیش طراحی شده اعلام کرد .

إن هذا لمکر مکرتموه فی المدینه

کلمه <هذا> اشاره است به ماجرای شکست ساحران و پیروزی موسی و در آخر اظهار ایمان ساحران به ربوبیت خداوند و پیامبری موسی و هارون.

۷ فرعون با توطئه گر خواندن موسی (ع) و ساحران ، براندازی حکومت فرعونیان و بیرون راندن ایشان را ، از پایتخت مصر از اهداف توطئه آنان شمرد .

إن هذا لمکر . .. لتخرجوا منها أهلها

مراد از <أهلها> هم می تواند فرعون، درباریان و وابستگان به او باشد و هم می تواند مراد از آن تمامی ساکنان مصر باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۱

۱ ساحران مؤمن با بیان انگیزه فرعون بر نابودی آنان ، اتهام های دروغین وی (توطئه گری و آواره سازی مردمان) را قاطعانه

مردود دانستند .

و ما تنقم

منا إلا أن ءامنا بايت ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۹

۹ - فراگرفتن سِحر از موسی (ع) و هم دستی با او در توطئه علیه فرعون ، از اتهامات فرعون به ساحران مؤمن بود .

إنّه لكبيركم الذى علّمكم السحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۷

۷ - اتهام ساحران از سوی فرعون ، به شاگردی موسی (ع) و یادگرفتن سحر در مکتب او

إنّه لكبيركم الذى علّمكم السحر

تهمت تبانی به جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۰،۱۱

۱۰ - فرعون ، شکست ساحران از موسی (ع) را ، امری تصنّعی و براثر تبانی قبلی با موسی (ع) دانست و آنان را به سهل انگاری عمدی متهم ساخت .

إنّه لكبيركم الذى علّمكم السحر

۱۱ - در دیدگاه فرعون ، ساحران پیش از حضور در میدان مبارزه ، به موسی (ع) ایمان داشتند و ایمان آنان در صحنه مبارزه ، ایمانی صوری و برنامه ریزی شده بود .

ءامنتم له قبل أن ءاذن لكم إنّه لكبيركم الذى علّمكم السحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۴

۴ - اتهام ساحران از سوی فرعون ، به هم دستی با موسی (ع) برای توطئه علیه وی

إنّه لكبيركم الذى علّمكم السحر

جادوگران فرعون و ترک جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف -

۲ - ۱۱۶ - ۷

۲ ساحران پس از رخصت دهی موسی (ع) آنچه را برای جادوگری تدارک دیده بودند ، در مقابل تماشاگران ر ها کردند و چشم های آنان را سحر کردند .

فلما ألقوا سحروا أعين الناس

جادوگران فرعون و تعالیم موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۷ - ۲

۲ - آگاهی قبلی ساحران از پیام توحیدی موسی (ع) و تنها نیازمند مشاهده دلیلی روشن

قالوا ءامنّا بربّ العلمین

جادوگران فرعون و دعوت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۱۰

۱۰ - ساحران فرعون ، از دعوت موسی (ع) و هماهنگی هارون با او ، پیش از اقدام به مبارزه با آنان آگاه بودند .

ءامنّا بربّ هرون و موسی

جادوگران فرعون و دعوت هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۱۰

۱۰ - ساحران فرعون ، از دعوت موسی (ع) و هماهنگی هارون با او ، پیش از اقدام به مبارزه با آنان آگاه بودند .

ءامنّا بربّ هرون و موسی

جادوگران فرعون و رب العالمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۲ - ۳

۳ پیشگیری از فریبکاری و خدعه گری فرعون ، از اهداف ساحران در تفسیر < رب العلمین > به < رب موسی و هرون >

رب موسی و هرون

جادوگران فرعون و فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ -

۱۲۵ - ۱،۲

۱ اظهار پایداری بر طریق ایمان و به هیچ انگاشتن مجازات های فرعون ، عکس العمل ساحران مؤمن به موسی (ع) در برابر فرعون

قالوا إنا إلی ربنا منقلبون

۲ ساحران در پاسخ فرعون و تهدید های وی اظهار کردند که با کشته شدن به سوی خدای خویش باز خواهند گشت .

قالوا إنا إلی ربنا منقلبون

<إلی ربنا> متعلق به <منقلبون> است و کلمه <انقلاب>، در صورتی که به <إلی> متعدی شود، به معنای بازگشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۱،۱۰

۱ ساحران مؤمن با بیان انگیزه فرعون بر نابودی آنان ، اتهام های دروغین وی (توطئه گری و آواره سازی مردمان) را قاطعانه مردود دانستند .

و ما تنقم منا إلا أن ءامنا بایت ربنا

۱۰ ساحران مؤمن در عین اظهار استقامت در برابر فرعون ، خود را برای مقاومت در برابر شکنجه های فرعون و پایداری بر طریق ایمان ، نیازمند امداد های الهی دانستند .

ربنا أفرغ علینا صبراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۵

۵ - فرعون ، دارای عزت و جلال در چشم و دل ساحران عصر خود .

فلمّا جاء السحره . .. و قالوا بعزّه فرعون

جادوگران فرعون و مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۶ - ۴،۵،۶

۴ جادوی ساحران فرعونی ، مایه هراس شدید مردم گشت .

فلما ألقوا سحروا أعین الناس و استرهبوهم

<استرهاب> به معنای ترسانیدن است. جمله <استرهبوهم> هم می تواند عطف

بر جزای شرط، یعنی <سحروا ... > باشد و هم می تواند عطف بر <فلما ألقوا ... > باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است. یعنی: سحروا أعین الناس و استرهبوهم بسحرهم.

۵ ساحران فرعونی پس از چشمبندی مردم به ترسانیدن آنان پرداختند .

فلما ألقوا . .. و استرهبوهم

برداشت فوق بر این اساس است که <استرهبوا> عطف بر <فلما ألقوا . .. > باشد. بر این مبنا <استرهبوهم> دلالت می کند که ساحران پس از چشمبندی با حرکات و سکنات خویش سعی می کردند مردم را کاملا مرعوب سحر خویش سازند.

۶ ساحران فرعونی با افکندن ابزار سحر خویش و ایجاد هول و هراس در مردم ، سحری بس بزرگ و شگفت آور را به نمایش گذاشتند .

سحروا أعین الناس و استرهبوهم و جاءو بسحر عظیم

جادوگران فرعون و معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۵ - ۳

۳ ساحران مؤمن به موسی (ع) ، معتقد به معاد و بازگشت به خدا پس از سپری کردن حیات دنیا

إنا إلی ربنا منقلبون

جادوگران فرعون و معجزه موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۰ - ۱،۲

۱ ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) و بطلان سحر خویش ، به خاک افتادند و به درگاه خداوند سجده کردند .

و ألقی السحره سجدین

۲ ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) به عظمت خداوند پی بردند و او را شایسته و بایسته پرستش یافتند .

و ألقی السحره سجدین

- فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۱ - ۱

۱ ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) ربوبیت خداوند را بر تما هستی باور کردند و به آن ایمان آوردند .

قالوا ءامنا برب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۲ - ۱

۱ ساحران دربار فرعون پس از مشاهده معجزه موسی (ع) ، به ربوبیت خدای موسی (ع) و هارون بر تمام هستی ایمان آورده و بدان اعتراف کردند .

ءامنا برب العلمین. رب موسی و هرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۲،۳

۲ - ساحران با مشاهده معجزه موسی و بلعیده شدن سِحرشان با اعجاز او ، در برابر خداوند به سجده افتادند .

فأُلقی السحره سجّدًا

۳ - ساحران ، با مشاهده معجزه موسی ، آن را قدرتی الهی دانسته و در برابر عظمت خداوند اظهار فروتنی کردند .

فأُلقی السحره سجّدًا قالوا ءامنّا بربّ هرون و موسی

جادوگران فرعون و موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۵ - ۱،۲،۳

۱ ساحران پس از اجتماع در صحنه رویارویی با موسی (ع) ، شروع کننده مبارزه را به انتخاب وی وانهادند .

قالوا یموسی إما أن تلقی و إما أن نکون نحن الملقین

بدیهی است هر یک از طرفین (موسی از یک سو و ساحران از سوی دیگر) برای عرضه کار خود در صحنه مبارزه حاضر شده بودند. بنابراین تخییرِ مستفاد از جمله <إما أن تلقی ... >، ناظر به شروع کننده کار است،

نه به اصل انجام آن.

۲ ساحران ، جادویی همانند معجزه موسی (ع) تدارک دیده بودند .

إما أن تلقی و إما أن نکون نحن الملقین

به کارگیری <تلقی> و <ملقین>، که هر دو از مصدر <القاء> به معنای افکندن است، می رساند که جادوی آنان مشابهت صوری با معجزه موسی داشته است.

۳ ساحران دربار فرعون ، یکدل و یکزبان و یار یکدیگر در مبارزه با موسی (ع)

قالوا یموسی إما أن تلقی و إما أن نکون نحن الملقین

بدیهی ست ساحران جمله های <إما أن تلقی> و <إما أن نکون نحن الملقین> را دسته جمعی و یا یک به یک نگفتند. بنابراین استناد این جمله ها به آنان حکایت از همیاری و یکدلی آنان در مبارزه با موسی(ع) دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۸ - ۲

۲ ساحران در مدتی طولانی و به طور مستمر در تدارک سحر خویش علیه موسی (ع) بودند .

و بطل ما کانوا یعملون

فعل مضارع <یعملون> پس از <کانوا> حکایت از مداومت ساحران به مهیاسازی خویش برای جادوگری دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۳ - ۵

۵ برخورد و ملاقات ساحران با موسی (ع) در پایتخت مصر ، پیش از حضورشان در صحنه مبارزه

إن هذا لمکر مکرتموه فی المدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۱،۳،۴،۵

۱ - ساحران فرعون ، در میدان مبارزه و رویارویی با موسی (ع) ، تعیین آغازکننده را به

آن حضرت محول کردند .

قالوا یموسی إمّا أن تلقی . .. ألقی

۳ - ساحران فرعون ، نسبت به غلبه و پیروزی خود بر موسی (ع) در میدان مبارزه ، اطمینان داشتند .

إمّا أن تلقی و إمّا أن نکون أوّل من ألقی

پیشنهاد به موسی(ع) برای تعیین آغازکننده، حکایت از اطمینان ساحران به کار خود و نتیجه آن و یا لااقل تظاهر به آن از سوی آنان دارد.

۴ - برخورد و گفت وگوی ساحران فرعون با موسی (ع) در میدان مبارزه ، همراه با نزاکت و اظهار ادب نسبت به آن حضرت بود .

یموسی إمّا أن تلقی و إمّا

احاله انتخاب آغازگر به موسی(ع) و پرهیز از تحکّم در این زمینه، خالی از ابراز ادب و نزاکت از سوی ساحران نیست.

۵ - علاقه مندی ساحران فرعون ، به پیشدستی در ارائه سِحر خویش ، قبل از اقدام موسی (ع) به ارائه آیات *

إمّا أن تلقی و إمّا أن نکون أوّل من ألقی

تفاوت تعبیر در بخش دوم پیشنهاد، نشانگر این نکته است که ساحران برای شروع کردن، انگیزه بیشتری داشتند و بدین وسیله آن را ابراز می کردند; زیرا به جای <أن نکون . ..> می توانستند بگویند <أمّا أن نلقی>

جادوگران فرعون و نبوّت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۱ - ۴

۴ ساحران به رسالت ها و پیام های موسی (ع) قبل از اقدام به مبارزه با وی آگاه بودند .

قالوا ءامنا برب العلمین

تأکید ساحران به ربوبیت خداوند و پذیرش سریع آن پس از آگاهی به حقانیت موسی(ع)، بیانگر

این است که آنان پیش از حضور در صحنه مبارزه به پیامهای وی، که بارزترین آن اعتقاد به ربوبیت مطلق خداوند است، آگاه شده بودند.

جادوی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۵ - ۲

۲ ساحران ، جادویی همانند معجزه موسی (ع) تدارک دیده بودند .

إما أن تلقی و إما أن نکون نحن الملقین

به کارگیری <تلقی> و <ملقین>، که هر دو از مصدر <القاء> به معنای افکندن است، می رساند که جادوی آنان مشابهت صوری با معجزه موسی داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۶ - ۳،۴،۶

۳ جادوی ساحران فرعونی از نوع چشمبندی و نشان دادن اشیا بر خلاف واقع آن بوده است .

فلما ألقوا سحروا أعین الناس

۴ جادوی ساحران فرعونی ، مایه هراس شدید مردم گشت .

فلما ألقوا سحروا أعین الناس و استرهبوهم

<استرهاب> به معنای ترسانیدن است. جمله <استرهبوهم> هم می تواند عطف بر جزای شرط، یعنی <سحروا ... > باشد و هم می تواند عطف بر <فلما ألقوا ... > باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است. یعنی: سحروا أعین الناس و استرهبوهم بسحرهم.

۶ ساحران فرعونی با افکندن ابزار سحر خویش و ایجاد هول و هراس در مردم ، سحری بس بزرگ و شگفت آور را به نمایش گذاشتند .

سحروا أعین الناس و استرهبوهم و جاءو بسحر عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۷ - ۱

۱ خداوند پس از جادوگری ساحران به موسی فرمان داد تا

عصای خویش را در صحنه مبارزه ر ها سازد .

و أوحینا إلی موسی أن ألق عصاك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۱ - ۱

۱ پس از درخواست موسی (ع) ، ساحران با به میدان ریختن آنچه داشتند (چوب ها و طناب ها) به کار سحر پرداختند .

قال لهم موسی ألقوا . .. فلما ألقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۸

۸ - ساحران فرعون ، جادویی هم نوع با معجزه موسی (ع) تدارک دیده بودند .

أن تلقی . .. من ألقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۴،۶

۴ - ساحران فرعون ، به مجرد اجازه موسی (ع) ، ابزار سِحر خود را به کار انداختند و سِحر خویش را آغاز کردند .

قال بل ألقوا فإذا

سرعت عمل ساحران است. از این رو مفاد آیه چنین است: <موسی گفت شما سحرتان را بیندازید و آنان سحر خویش را ارائه کردند که ناگهان ریسمان ها و...>.

۶ - ساحران فرعون ، با سِحر خود چنین وانمود کردند که ریسمان ها و عصا های آنان به هر طرف شتافته و حرکت می کند .

فإذا حبالهم و عصیّهم یخیّل إلیه من سحرهم أنّها تسعی

<أنّها تسعی> نائب فاعل <یخیّل> است و فعل <یخیّل إلیه> دلالت دارد که ریسمان ها و چوب دستی ها در واقع بی حرکت بودند; نه آن که با ماده ای آغشته شده باشند که براثر تابش آفتاب، واقعاً به حرکت

درآمده باشند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۴۴ – ۱،۲،۷

۱ – استفاده ساحران از ریسمان و چوب برای انجام سحر خود

فألقوا حبالهم و عصیّهم

<حبال> (جمع <حبل>) به معنای ریسمان ها و <عِصّی> (جمع <عصا>) به معنای چوبدستی ها است.

۲ – اقدام ساحران ، پس از پیشنهاد موسی (ع) ، به افکندن ریسمان ها و عصا های خود برای نمایاندن سحر خویش

قال لهم موسی ألقوا . .. فألقوا حبالهم و عصیّهم

۷ – سعی ساحران بر ارائه کاری قوی تر و چشمگیرتر از معجزه موسی و در عین حال هم سنخ با آن

فألقوا حبالهم و عصیّهم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ساحران از ریسمان ها و عصاهای متعدد برای مبارزه با معجزه (عصای اژدها شوند) موسی(ع) استفاده کردند.

جذابیت جادوی جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۶۷ – ۳

۳ – سِحر ارائه شده از سوی ساحران فرعون ، سِحری چشمگیر و جذاب و اغواکننده بود .

فأوجس فی نفسه خیفه موسی

<خیفه> به معنای نوعی از خوف و نگرانی است. بروز این نگرانی برای موسی(ع)، پس از سحر ساحران فرعون، از چشمگیر و هنرمندانه بودن کار آنان حکایت دارد، به گونه ای که موسی(ع) خطر فریب خوردن مردم را به وضوح می دید.

جلب رضایت جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۴۲ – ۵

۵ – اقدام فرعون به جلب رضایت و حمایت هر چه بیشتر ساحران

أئنّ لنا لأجرًا . .. قال نعم و إنّكم

إذًا لمن المقرّبين

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که فرعون علاوه بر پاداش مورد نظر ساحران، به آنان وعده مقام های فزون تر را نیز داد.

جنگ روانی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۴

۴ - تبلیغات روانی ساحران به هنگام انجام عملیات خود

فألقوا . .. و قالوا بعزّه فرعون إنّا لنحن الغلبون

چوب جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۱

۱ - استفاده ساحران از ریسمان و چوب برای انجام سحر خود

فألقوا حبالهم و عصیّهم

<حبال> (جمع <حبل>) به معنای ریسمان ها و <عِصّی> (جمع <عصا>) به معنای چوبدستی ها است.

حق پذیری جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۶ - ۶

۶ - تأثیر عمیق آیات الهی در آگاهان و اهل شناخت

فأُلقی السحره سجدین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ساحران چون با افسون آشنا بودند و خیال را از واقعیت تشخیص می دادند، زودتر از دیگران به معجزه بودن کار موسی(ع) و حقانیت رسالت وی پی بردند.

حمایت جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۴۲ – ۶

۶ – فرعون از پیروزی خود در برابر معجزه موسی (ع) مأیوس شده و تنها به حمایت ساحران چشم دوخته بود .

قال نعم و إنّکم إذًا لمن المقرّبین

تلاش فرعون برای جلب حمایت ساحران از خود، به هر قیمت ممکن و بیش از انتظار آنها، گویای برداشت یاد

شده است.

خالق جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۲ – ۷

۷ – ساحران مؤمن ، معتقد به رسالت موسی (ع) از جانب خالق آنان

علی ما جاءنا من البیّنت والذی فطرنا

خداشناسی جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۳ – ۱۲

۱۲ – ساحران در پاسخ فرعون ، خداوند را برتر از او و وصول به خدا را ، ارجمندتر از آسایش دنیوی و پاینده تر از زندگانی در دنیا معرفی کردند .

إنّما تقضی هذه الحیوه الدنیا . .. واللّه خیر و أبقی

خواسته های جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۱۴ – ۱

۱ فرعون به خواسته ساحران (اعطای پاداش در صورت پیروزی) ، پاسخ مثبت داد .

ان لنا لأجراً . .. قال نعم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۲۶ – ۹

۹ صبر در برابر تحمل شکنجه های فرعون و تسلیم خدا بودن تا آخرین لحظه حیات ، درخواست ساحران مؤمن در دعا به درگاه خداوند

ربنا أفرِغ علينا صبراً و توفنا مسلمين

خیال انگیزی جادوی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۷

۷ - سِحر ساحران فرعون ، دارای تأثیر بر قوای ادراکی مردم و ایجاد خیال و تصور در آنان

يخيّل إليه من سحرهم أنّها تسعى

<يخيّل إليه>; یعنی، به وهم و خیال موسی(ع) چنین وانمود شد که ریسمان ها و

عصاها حرکت می کنند. ضـمیر <إلیه> گرچه به موسی(ع) بازمی گردد; ولی روشن است که همه مردم حاضر در آن صحنه نیز چنین احساسی داشتند.

دعای جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۸،۹

۸ ساحران مؤمن به موسی (ع) پس از اعلان پایداری بر طریق ایمان ، به دعا به درگاه خدا پرداختند .

ربنا أفرغ علینا صبراً و توفنا مسلمین

۹ صبر در برابر تحمـل شـکنجه هـای فرعون و تسـلیم خـدا بودن تـا آخرین لحظه حیـات ، درخواست ساحران مؤمن در دعا به درگاه خداوند

ربنا أفرغ علینا صبراً و توفنا مسلمین

دعوت از جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۶ - ۵

۵ - تـدبیر مشـاوران فرعون ، مبنی بر اعزام اشخاصـی به تمـام شـهر هـا و گردآوری نیروی لازم جهت مبارزه با موسـی (ع) و برادرش

قالوا . .. و ابعث فی المدائن حشرین

<المدائن> جمع محلّی به <ال> و مفید عموم است; یعنی، همه شهرها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۸ - ۱

۱ - پیشنهاد مشاوران مبنی بر فراخوانی ساحران از همه شهر ها ، مورد پذیرش فرعون

قالوا . .. و ابعث فی المدائن ... فجمع السحره

دلایل بطلان جادو جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۶۹ – ۷

۷ – بلعیده شدن سِحر ساحران به وسیله عصای موسی ، نشانه بطلان سِحر و حقانیت معجزه موسی

و ألق ما فی یمینک تلقف

ما صنعوا إنّما صنعوا كيد سحر

جمله <إنّما صنعوا. ..> تعليل براى <تلقف> است; يعنى، بدان جهت كه سحر، كيدى بيش نيست، در برابر حقيقت اعجاز موسى نابود خواهد شد و به دين وسيله بطلان سحر ساحران و حقانيت معجزه اثبات خواهد گرديد.

دنياطلبى جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۱ - ۳،۴

۳ - اهتمام ساحران به دريافت پاداش و نه پيروزى فكرى و عقيدتى

أئنّ لنا لأجرًا إن كنّا نحن الغلبين

۴ - ساحران عصر فرعون ، قشرى سودجو و دنياگرا

أئنّ لنا لأجرًا إن كنّا نحن الغلبين

برداشت ياد شده با توجه به اين نكته است كه ساحران يا موسى(ع) را حق مى دانستند و يا باطل; در هر دو صورت درخواست مزد و پاداش در برابر احياى حق و يا نابودى آن، بيانگر سودجويى و دنيامدارى است.

ذلت جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۹ - ۲

۲ ساحران دربار فرعون پس از بطلان سحرشان شكست خوردند و در صحنه مبارزه به ذلت افتادند .

فغلبوا هنالك و انقلبوا صغرين

برداشت فوق مبتنى بر اين است كه مراد از ضمير <فغلبوا> و <انقلبوا> ساحران باشد.

روش برخورد جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۴

۴ - برخورد و گفت و گوی ساحران فرعون با موسی (ع) در میدان مبارزه ، همراه با نزاکت و اظهار ادب نسبت به آن حضرت بود .

یموسی إمّا أن تلقی و إمّا

احاله انتخاب آغازگر به موسی(ع) و پرهیز از تحکّم در این

زمینه، خالی از ابراز ادب و نزاکت از سوی ساحران نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۴

۴ - تبلیغات روانی ساحران به هنگام انجام عملیات خود

فألقوا . .. و قالوا بعزّه فرعون إنّا لنحن الغلبون

ریسمان جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۵،۶،۹

۵ - ریسمان و عصا ، از وسایل کار ساحران فرعون

فإذا حبالهم و عصیّهم

حبل (مفرد <حبال>) به معنای ریسمان و <عصا> (مفرد <عصیّ>) به معنای چوب دستی است.

۶ - ساحران فرعون ، با سِحر خود چنین وانمود کردند که ریسمان ها و عصا های آنان به هر طرف شتافته و حرکت می کند .

فإذا حبالهم و عصیّهم یخیّل إلیه من سحرهم أنّها تسعی

<أنّها تسعی> نائب فاعل <یخیّل> است و فعل <یخیّل إلیه> دلالت دارد که ریسمان ها و چوب دستی ها در واقع بی حرکت بودند; نه آن که با ماده ای آغشته شده باشند که براثر تابش آفتاب، واقعاً به حرکت درآمده باشند.

۹ - ساحران فرعون ، پیش از حضور در صحنه مقابله با موسی (ع) ، ریسمان ها وعصا های فراوانی را تدارک دیده بودند .

فإذا حبالهم و عصیّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۱،۲

۱ - استفاده ساحران از ریسمان و چوب برای انجام سحر خود

فألقوا حبالهم و عصيّهم

<حبال> (جمع <حبل>) به معنای ریسمان ها و <عِصّی> (جمع <عصا>) به معنای چوبدستی ها است.

۲ - اقدام ساحران ، پس از پیشنهاد موسی (ع)

، به افکندن ریسمان ها و عصا های خود برای نمایاندن سحر خویش

قال لهم موسی ألقوا . .. فألقوا حبالهم و عصيّهم

زمینه ارتداد جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۱

۱ - بازگشت ساحران مؤمن به کفر (ارتداد) و پیروی از آیین فرعونیان ، از هدف های تهدید فرعون در مورد آنان

لأقطّعنّ . .. قالوا لن نؤثرک

پاسخ ساحران مؤمن به فرعون (لن نؤثرک)، حکایت از آن دارد که تهدیدات فرعون، برای بازگرداندن ساحران از راه ایمان بوده است.

زهد جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۱۲

۱۲ - ساحران در پاسخ فرعون ، خداوند را برتر از او و وصول به خدا را ، ارجمندتر از آسایش دنیوی و پاینده تر از زندگانی در دنیا معرفی کردند .

إنّما تقضی هذه الحیوه الدنیا . .. واللّه خیر و أبقی

زیرکی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۲ - ۲

۲ ساحران مؤمن به موسی (ع) ، مردمی هوشیار و به ترفند ها و سیاست بازی های فرعون و اشرافیان دربار وی آگاه بودند .

رب موسی و هرون

به نظر می رسد از اهداف ساحران در تفسیر <رب العلمین> به <رب موسی و هرون> این باشد که مبادا فرعونیان پس از

خاتمه ماجرا چنین وانمود کنند که ساحران به فرعون سجده کردند و او را <رب العلمین> خواندند. و این معنا حکایت از هوشیاری ساحران و آگاهی آنان به ترفندهای فرعون

دارد.

سبقت جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۳ - ۱

۱ - پیشنهاد موسی (ع) به ساحران ، برای پیشقدم شدن در نمایاندن سحر خویش

قال لهم موسی ألقوا ما أنتم ملقون

سجده جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۰ - ۱

۱ ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) و بطلان سحر خویش ، به خاک افتادند و به درگاه خداوند سجده کردند .

و ألقی السحره سجدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۱ - ۳

۳ ساحران به هنگام سجده به درگاه خداوند ، ایمانشان را به ربوبیت وی اعلام داشتند .

و ألقی السحره سجدین. قالوا ءامنا برب العلمین

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <قالوا ءامنا . .. > حال برای <السحره> و یا بدل اشتمال برای <القی السحره ... > باشد. بر این دو مبنا آیه مورد بحث دلالت می کند که ساحران به هنگام سجده به درگاه خدا برای اینکه توهم نشود به فرعون سجده می کنند، ایمان خویش را به خداوند اظهار کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۲

۲ - ساحران با مشاهده معجزه موسی و بلعیده شدن سِحرشان با اعجاز او ، در برابر خداوند به سجده افتادند .

فَأُلقی السحره سجّدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۶ - ۲

۲ - به سجده در افتادن بی درنگ ساحران

، با مشاهده معجزه پیروز موسی

فأُلقی السحره سجدین

به کـارگیری <فـاء> تعقیب و فعل مجهول <أُلقی> بیانگر آن است که ساحران با مشاهـده آن منظره عجیب، اختیار از کف دادند و بلافاصله به سجده درافتادند.

سرزنش جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۲۳ – ۱

۱ فرعون در پی گرایش سـاحران به رسالت موسـی (ع) و ایمانشان به ربوبیت خداونـد ، بشـدت برآشـفت و آنان را به سـبب ایمانشان توبیخ کرد .

قال فرعون ءامنتم به قبل أن ءاذن لکم

ضمیر در <به> هم می تواند به موسی(ع) برگردانده شود و هم می تواند به <رب> برگردانده شود. در هر صورت برداشت فوق از آیه استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۱ – ۱

۱ – ساحران به خاطر ایمان به موسی (ع) ، مورد توبیخ و بازخواست فرعون قرار گرفتند .

قالوا ءامنّا . .. قال ءامنتم له قبل أن ءاذن لکم

<آمنتم> چه جمله خبری باشد و چه استفهامی (به تقدیر همزه)، مراد از آن توبیخ است و ضمیر <له> به قرینه حرف لام که برای ربط <أمن> به غیر خداوند به کار می رود و به تناسب ضمیر <إنّه> در <إنّه لکبیرکم> به موسی(ع) برمی گردد.

سودجویی جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۱۳ – ۸

۸ سودجویی ، از انگیزه های ساحران برای مبارزه با موسی (ع)

قالوا إن لنا لأجراً إن کنا نحن الغلبین

سوگند جادوگران فرعون

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۴۴ – ۶

۶ – سوگند ساحران به عزت و قدرت فرعون

و قالوا بعزّه فرعون

سهولت ابطال جادوی جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۶۹ – ۶

۶ – خداوند با بیان هم سنخ بودن سحرِ ارائه شده از سوی همه ساحران فرعون ، ابطال آن را برای موسی (ع) ، امری سهل و آسان جلوه داد .

کید سحر

<ساحر> نکره است و بر وحدت دلالت دارد; یعنی، یک ساحر. مراد از آن، واحد حقیقی نیست; بلکه مراد این است که کید همه ساحران به جهت تشابه و هم سنخی، به منزله مکر یک ساحر است و کثرت ساحران برپیچیده بودن آن نیافزوده است.

شجاعت جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۲۶ – ۵

۵ ساحران گرویده به موسی (ع) مؤمنانی در کمال شجاعت و شهامت

قالوا إنا إلی ربنا منقلبون. و ما تنقم منا إلا أن ءامنا

شعبده جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۱۶ – ۳،۵

۳ جادوی ساحران فرعونی از نوع چشمبندی و نشان دادن اشیا بر خلاف واقع آن بوده است .

فلما ألقوا سحروا أعین الناس

۵ ساحران فرعونی پس از چشمبندی مردم به ترسانیدن آنان پرداختند .

فلما ألقوا . .. و استرهبوهم

برداشت فوق بر این اساس است که <استرهبوا> عطف بر <فلما ألقوا . .. > باشد. بر این مبنا <استرهبوهم> دلالت می کند که ساحران پس

از چشمبندی با حرکات و سکنات خویش سعی می کردند مردم را کاملا مرعوب سحر خویش سازند.

شکست جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۷ - ۳،۴،۵

۳ عصای موسی (ع) پس از افکنده شدن ، تمام بافته های جادویی ساحران را بلعید و به کام خویش فروبرد .

فإذا هی تلقف ما یأفکون

<لَقْف> (مصدر تلقف) به معنای گرفتن چیزی با سرعت است و در آیه شریفه به مناسبت مورد به <بلعیدن> تفسیر شده است. جمله <فإذا هی ... > می تواند خبر از رخدادی باشد که در صحنه مبارزه اتفاق افتاده است. در این صورت تقدیر جمله چنین خواهد بود: أوحینا إلی موسی أن ألق عصاک فالقیها فإذا هی تلقف.

۴ خداوند به موسی (ع) بشارت داد که عصای وی پس از ر ها شدن ، تمام ساخته های دروغین ساحران را خواهد بلعید .

أن ألق عصاک فإذا هی تلقف ما یأفکون

در برداشت فوق جمله <فإذا هی . .. >، همانند <أن ألق عصاک>، تفسیر <أوحینا> گرفته شده است. بر این مبنا تقدیر جمله بدین صورت خواهد شد: ألق عصاک فإذا القیتها إذا هی تلقف ما یأفکون.

۵ عصای موسی (ع) با بلعیدن ابزار جادویی ساحران ، صحنه ای شگفت و به دور از انتظار همگان به وجود آورد .

فإذا هی تلقف ما یأفکون

<إذا> برای مفاجات است و دلالت می کند که جمله پس از آن در یک حالت غیر منتظره واقع شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۹

١،٢ -

١ فرعونیان با ناکامی ساحران خویش در حضور انبوه تماشاچیان مغلوب گشتند و با ذلت ، صحنه مبارزه را ترک کردند .

فغلبوا هنالك و انقلبوا صغرين

در برداشت فوق ضمير در <فغلبوا> و <انقلبوا> به فرعونيان بازگردانده شده است.

٢ ساحران دربار فرعون پس از بطلان سحرشان شکست خوردند و در صحنه مبارزه به ذلت افتادند .

فغلبوا هنالك و انقلبوا صغرين

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از ضمیر <فغلبوا> و <انقلبوا> ساحران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۳ - ۴

۴ فرعون ، شکست ساحران و پیروزی موسی را صحنه سازی و ایمان آنان را توطئه ای از پیش طراحی شده اعلام کرد .

إن هذا لمكر مكرتموه فى المدينه

کلمه <هذا> اشاره است به ماجرای شکست ساحران و پیروزی موسی و در آخر اظهار ایمان ساحران به ربوبیت خداوند و پیامبری موسی و هارون.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۳ - ۲

۲ در پس تحقق معجزه موسی (ع) و شکست ساحران ، تنها گروه اندکی از بنی اسرائیل به وی گرویده و ایمان آوردند .

فما ءامن لموسى إلا ذريه من قومه

برداشت فوق بر اساس ارجاع ضمیر <من قومه> به <موسی> است ; ضمناً تنکیر <ذریه> دلالت بر تقلیل می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۰

۱۰ – فرعون ، شکست ساحران از موسی (ع) را ، امری تصنّعی و براثر تبانی قبلی با موسی (ع) دانست

و آنان را به سهل انگاری عمدی متهم ساخت .

إنّه لكبيركم الذی علّمكم السحر

شكنجه جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۵،۱۸

۱۵ - تصميم فرعون بر شكنجه و به صليب كشيدن ساحران مؤمن و نظارت مستقيم خود بر اجرای آن ، تصميمی قاطع و مستبدانه بود .

لأقطّعنّ . .. لأصلّبنّكم ... لتعلمنّ أيّنا أشدّ عذابًا و أبقی

فرعون در واكنش های قبلی خود در برابر موسی(ع) با اطرافيان خويش به مشورت می نشست; ولی در مجازات ساحران، تصميم مستبدانه و شخصی خود را با سوگند بر اجرای آن اعلام كرد و با لام قسم و نون تأكيد ثقيله و فعل هايی از باب تفعيل، قاطعيت خود را در اين تصميم ابراز كرد. گفتنی كه فعل های <لأقطّعنّ> و <لأصلبنّ> كه از باب تفعيل اند، با ثلاثی مجرد در معنا يكسان بوده و تفاوتی جز تأكيد افزون تر ندارند.

۱۸ - فرعون ، دوران مجازات ساحران مؤمن (قطع دست و پا و بستن به چوبه دار) را در مقايسه با مدت عذاب های موعود موسی (ع) ، طولانی تر و پايدارتر اعلام كرد .

و لتعلمنّ أيّنا أشدّ عذابًا و أبقی

<عذاباً> تميز برای <أشدّ> و قرينه بر تميز محذوف <أبقی> است; يعنی، <و أبقی عذاباً>.

عجز جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۴

۴ - جاذبه نيرومند معجزه موسی ، توان هرگونه درنگ و مقاومت را از ساحران فرعون سلب كرد .

فأُلقی السحره

فعل <أُلقی> مجهول است و دلالت دارد كه ساحران وادار

به سجده شدند، به گونه ای که گویا عاملی آنها را بر سجده مجبور ساخته است.

عصای جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۶۶ – ۵،۶،۹

۵ – ریسمان و عصا ، از وسایل کار ساحران فرعون

فإذا حبالهم و عصیّهم

حبل (مفرد <حبال>) به معنای ریسمان و <عصا> (مفرد <عصیّ>) به معنای چوب دستی است.

۶ – ساحران فرعون ، با سِحر خود چنین وانمود کردند که ریسمان ها و عصا های آنان به هر طرف شتافته و حرکت می کند .

فإذا حبالهم و عصیّهم یخیّل إلیه من سحرهم أنّها تسعی

<أنّها تسعی> نائب فاعل <یخیّل> است و فعل <یخیّل إلیه> دلالت دارد که ریسمان ها و چوب دستی ها در واقع بی حرکت بودند; نه آن که با ماده ای آغشته شده باشند که براثر تابش آفتاب، واقعاً به حرکت درآمده باشند.

۹ – ساحران فرعون ، پیش از حضور در صحنه مقابله با موسی (ع) ، ریسمان ها وعصا های فراوانی را تدارک دیده بودند .

فإذا حبالهم و عصیّهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۴۴ – ۲

۲ – اقدام ساحران ، پس از پیشنهاد موسی (ع) ، به افکندن ریسمان ها و عصا های خود برای نمایاندن سحر خویش

قال لهم موسی ألقوا . .. فألقوا حبالهم و عصیّهم

عقیده جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۲۰ – ۲

۲ ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) به عظمت خداوند پی بردند و او را

شایسته و بایسته پرستش یافتند .

و ألقی السحره سجدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۲۱ – ۱

۱ ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) ربوبیت خداوند را بر تما هستی باور کردند و به آن ایمان آوردند .

قالوا ءامنا برب العلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۲۵ – ۲،۳،۴

۲ ساحران در پاسخ فرعون و تهدید های وی اظهار کردند که با کشته شدن به سوی خدای خویش باز خواهند گشت .

قالوا إنا إلی ربنا منقلبون

<إلی ربنا> متعلق به <منقلبون> است و کلمه <انقلاب>، در صورتی که به <إلی> متعدی شود، به معنای بازگشتن است.

۳ ساحران مؤمن به موسی (ع) ، معتقد به معاد و بازگشت به خدا پس از سپری کردن حیات دنیا

إنا إلی ربنا منقلبون

۴ ساحران مؤمن به موسی ، معتقد به دستیابی کشته شدگان راه خدا به موهبتهایی برتر از نعمت ها و آسایش های دنیوی

إنا إلی ربنا منقلبون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۲۶ – ۱۰

۱۰ ساحران مؤمن در عین اظهار استقامت در برابر فرعون ، خود را برای مقاومت در برابر شکنجه های فرعون و پایداری بر طریق ایمان ، نیازمند امداد های الهی دانستند .

ربنا أفرغ علینا صبراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۰ - ۳،۴

۳ - اعتقاد ساحران مؤمن به زیان نکردن انسان از تحمل دشواری ها در راه خدا

قالوا لاضیر إنّا إلی ربّنا منقلبون

جمله

<إنّا إلى ربّنا. ..> تعليل برای <لاضير> و بيانگر مطلب ياد شده است.

۴ - توجه و اعتقاد ساحران گرويده به موسی (ع) ، نسبت به معاد هم پای عقيده به پروردگار يگانه هستی

قالوا ءامنّا بربّ العلمين . .. إنّا إلى ربّنا منقلبون

علايق جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۵

۵ - علاقه مندی ساحران فرعون ، به پيشدستی در ارائه سِحر خويش ، قبل از اقدام موسی (ع) به ارائه آيات *

إمّا أن تلقى و إمّا أن نكون أوّل من ألقى

تفاوت تعبير در بخش دوم پيشنهاد، نشانگر اين نكته است كه ساحران برای شروع كردن، انگيزه بيشتری داشتند و بدين وسيله آن را ابراز می كردند; زيرا به جای <أن نكون . ..> می توانستند بگويند <أمّا أن نلقى>

علم جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۷ - ۲

۲ - آگاهی قبلی ساحران از پيام توحيدی موسی (ع) و تنها نيازمند مشاهده دليلی روشن

قالوا ءامنّا بربّ العلمين

عوامل استقامت جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۳

۳ - هراس از جهنم و عذاب طاقت فرسای آن ، مايه تحكيم ايمان در قلب ساحران فرعون

إنّا ءامنّا بربّنا . .. إنّه من يأت ربّه مجرمًا فإنّ له جهنّم

جمله <إنّه من يأت. ..> تعليل براى محتواى آيه قبل است.

عوامل ايمان جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۷ -

١ – اعتراف ساحران به پروردگار جهانیان و ایمان به توحید ربوبی ، پس از مشاهده معجزه موسی و بطلان سحر خویش

فألقی موسی عصاه . .. قالوا ءامنّا بربّ العلمین

عوامل شجاعت جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۲۵ – ۶،۹

۶ باور به معاد و بازگشت به خدا پس از مرگ ، عامل نهراسیدن ساحران مؤمن از مجازات ها و شکنجه های فرعون

إنا إلی ربنا منقلبون

۹ نجات از شرک و پذیرش ربوبیت خداوند ، عامل بی پروایی ساحران مؤمن در برابر مجازات ها و شکنجه های فرعونی

إنا إلی ربنا منقلبون

در برداشت فوق جمله <إنا إلی ربنا منقلبون> توصیف تحولات عقیدتی ساحران و انقلاب درونی آنان گرفته شده است. در این صورت مراد از آن جمله، بازگشت به خدا با رها شدن از باورهای باطل و پذیرش ربوبیت وی خواهد بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۵۰ – ۶

۶ – عقیده به معاد و بازگشت انسان به سوی خدا پس از مرگ ، عامل نهراسیدن ساحران مؤمن از مجازات مرگ

قال . .. لأُقطّعنّ أیدیکم و أرجلکم من خلف ... قالوا لاضیر إنّا إلی ربّنا منقلبو

غضب بر جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۴۹ – ۱

۱ – خشم و برآشفتن فرعون از ایمان سریع ساحران به موسی (ع) ، بدون رخصت و اجازه وی

قال ءامنتم له قبل أن ءاذن لكم

فرجام جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۳

شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۸

۸ - تهدید ساحران مؤمن از سوی فرعون به داشتن فرجامی تیره و وحشتناک

فلسوف تعلمون

فضایل جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۱ - ۶

۶ - ساحرانِ گرویده به موسی (ع) ، از نخستین مؤمنان به وی

إنّا نطمع أن یغفر . .. إن كنّا أوّل المؤمنین

فلسفه تهدید جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۱

۱ - بازگشت ساحران مؤمن به کفر (ارتداد) و پیروی از آیین فرعونیان ، از هدف های تهدید فرعون در مورد آنان

لأقطّعنّ . .. قالوا لن نؤثرک

پاسخ ساحران مؤمن به فرعون (لن نؤثرک)، حکایت از آن دارد که تهدیدات فرعون، برای بازگرداندن ساحران از راه ایمان بوده است.

قبول خواسته های جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۲ - ۱

۱ - پاسخ مثبت فرعون ، به امتیازطلبی ساحران برای غلبه بر موسی (ع)

قالوا لفرعون أئنّ لنا لأجرًا . .. قال نعم

قطع پای جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ - قطع یک دست و یک پا در جهت مخالف یکدیگر و دار زدن بر تنه درختان خرما ، از جمله مجازات های تعیین شده برای ساحران مؤمن از سوی فرعون بود .

فلأقطّعنّ أیدیکم و أرجلکم من خلف و لأصلّبنّکم

<جذع> (مفرد <جذوع>) به معنای ساق درخت است و حرف <فی> نشانه آن است که فرعون

در تهدیـد خود، مکـان همیشـگی ساحران را پس از قطع دست و پایشان، چوبه های دار در نظر گرفته بود. این مطلب کنایه از آن دارد که بدن آنان هرگز از دار پایین آورده نخواهد شد.

قطع دست جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ - قطع یـک دست و یـک پا در جهت مخالف یکـدیگر و دار زدن بر تنه درختان خرما ، از جمله مجازات های تعیین شـده برای ساحران مؤمن از سوی فرعون بود .

فلأقطّعنّ أیدیکم و أرجلکم من خلف و لأصلّبنّکم

<جـذع> (مفرد <جـذوع>) به معنـای سـاق درخت است و حرف <فی> نشانه آن است که فرعون در تهدیـد خود، مکان همیشـگی سـاحران را پس از قطع دست و پایشان، چوبه های دار در نظر گرفته بود. این مطلب کنایه از آن دارد که بـدن آنان هرگز از دار پایین آورده نخواهد شد.

کیفر جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۴ - ۱،۲

۱ فرعون بر کیفر دادن تمامی ساحران مؤمن به موسی (ع) تصمیم قطعی گرفت و بر آن سوگند یاد کرد .

لأقطعن . .. ثم لأصلبنکم

حرف <لام> در <لاقطعن> در <لاصلبن> لام تأکید و حاکی از سوگند مقدر است.

۲ قطع یک دست و یک پا در جهت خلاف یکدیگر ، از کیفر های تعیین شده از سوی فرعون برای ساحران مؤمن به موسی (ع)

لأقطعن أیدیکم و أرجلکم من خلف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ -

۲،۱۱ - ۱۲۶

۲ ایمان ساحران به آیات الهی تنها انگیزه فرعون بر شکنجه و مجازات آنان

إن هذا لمکر مکرتموه فی المدینه لتخرجوا . .. و ما تنقم منا إلا أن ءامنا بایت ربنا

نقمت <مصدر تنقم> به معنای عقوبت کردن و کراهت داشتن است و <أن ءامنا> مفعولٌ له برای <تنقم> می باشد. تقدیر جمله چنین است: و ما تنقم منا لشیء إلا ـ لایماننا. یعنی ای فرعون تنها چیزی که تو را بر عقوبت ما واداشته ایمان ماست، نه اینکه ما را توطئه گر و امثال آن بدانی. به عبارت دیگر یعنی تو خود می دانی که اتهامهایت واقعیت ندارد.

۱۱ کیفر های تعیین شده از سوی فرعون برای ساحران مؤمن ، شکنجه هایی طاقتفرسا و تحمل آن نیازمند صبری وافر بود .

ربنا أفرغ علینا صبراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ - قطع یک دست و یک پا در جهت مخالف یکدیگر و دار زدن بر تنه درختان خرما ، از جمله مجازات های تعیین شده برای ساحران مؤمن از سوی فرعون بود .

فلأقطّعنّ أیدیکم و أرجلکم من خلف و لأصلّبنّکم

<جذع> (مفرد <جذوع>) به معنای ساق درخت است و حرف <فی> نشانه آن است که فرعون در تهدید خود، مکان همیشگی ساحران را پس از قطع دست و پایشان، چوبه های دار در نظر گرفته بود. این مطلب کنایه از آن دارد که بدن آنان هرگز از دار پایین آورده نخواهد شد.

گناه جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۲

۲ -

ساحران مؤمن ، به گناه و خطای خویش معترف و به آمرزش خداوند امیدوار بودند .

إنّا ءامنّا بربّنا لیغفر لنا خطینا

<خطایا> (جمع <خطیئه>) به معنای گناهانی است که از روی عمد انجام شود (لسان العرب).

مبارزه با جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۸ - ۳

۳ معجزه موسی (ع) در صحنه مبارزه با ساحران ، عامل تثبیت حقانیت وی و از میان رفتن تمام دستاورد های دیرینه فرعون و اشراف دربارش شد .

فوقع الحق و بطل ما کانوا یعملون

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از ضمیر <کانوا> و <یعملون> فرعون و فرعونیان باشد. بر این مبنا مقصود از <ما> در <ما کانوا> تلاشهای فرعونیان برای تثبیت ربوبیت فرعون و مانند آن خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۳ - ۴

۴ - هارون ، همگام موسی (ع) در مبارزه با فرعون و حاضر در صحنه مقابله موسی و ساحران

إن هذن لسحرن

مبارزه جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۱ - ۴

۴ ساحران به رسالت ها و پیام های موسی (ع) قبل از اقدام به مبارزه با وی آگاه بودند .

قالوا ءامنا برب العلمین

تأکید ساحران به ربوبیت خداوند و پذیرش سریع آن پس از آگاهی به حقانیت موسی(ع)، بیانگر این است که آنان پیش از

حضور در صحنه مبارزه به پیامهای وی، که بارزترین آن اعتقاد به ربوبیت مطلق خداوند است، آگاه شده بودند.

مدحهای جادوگران فرعون

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۸

۸ - اقدام ساحران به ستایش فرعون در لحظه شروع عملیات خود ، با هدف جلب حمایت او و نزدیک ساختن خویش بهوی

فألقوا . .. و قالوا بعزّه فرعون إنّا لنحن الغلبون

مناظره با جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۱ - ۴

۴ - ترساندن فرعونیان از عذاب به خاطر افترای بر خداوند سرلوحه سخنان موسی (ع) در صحنه مقابله با ساحران فرعون

قال لهم موسی ویلکم لاتفتروا علی اللّه کذبًا فیسحتکم بعذاب

<ویل>; یعنی، <انـدوه> و <هلاکت> و <هر سـختی که از ناحیه عـذاب پدیـد آیـد> (لسان العرب). <ویلکم> نفرین است; یعنی، عـذاب باد بر شـما. برخی آن را مفعول برای فعل محـذوف دانسـته اند; یعنی، ألزموا ویلکم (با هلاکت و عذابتان همدم باشید). جمله <فیسحتکم بعذاب> روشنگر مفاد <ویلکم> است.

منشأ امیدواری جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۱ - ۳

۳ قرار گرفتن در صف نخستین مؤمنان ، سرمایه امید ساحران به آمرزش الهی

إنّا نطمع أن یغفر . .. أن کنّا أوّل المؤمنین

عبارت <أن کنّا. ..> تعلیل برای امیـد داشـتن به غفران الهی است; یعنی، چون ما در صف نخستین ایمان آوردگان به موسـی قرار گرفتیم این ما را امیدوار به غفران می نماید.

منفعت طلبی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۴۱ – ۴

۴ – ساحران عصر فرعون ، قشری سودجو و دنیاگرا

أئنّ

لنا لأجرًا إن كنّا نحن الغلبين

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ساحران یا موسی(ع) را حق می دانستند و یا باطل; در هر دو صورت درخواست مزد و پاداش در برابر احیای حق و یا نابودی آن، بیانگر سودجویی و دنیامداری است.

مواعظ جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۱۶

۱۶ - ساحران مؤمن با وجود تهدیدات فرعون ، در صدد نصیحت و ارشاد و هدایت وی بودند .

ما جاءنا من البیّنت و الذی فطرنا فاقض ما أنت قاض إنّما تقضی هذه الحیوه الدنیا

اشاره ساحران به بینات موسی(ع) و خالقیت خداوند و محدودیت قدرت فرعون، پس از موضع گیری خصمانه او، می تواند به منظور رام ساختن و پند و اندرز دادن به او باشد.

موسی(ع) و جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۶ - ۱،۲

۱ موسی (ع) با بی اعتنایی به جادوگری ساحران شروع مبارزه را به آنان واگذاشت .

قال ألقوا

۲ ساحران پس از رخصت دهی موسی (ع) آنچه را برای جادوگری تدارک دیده بودند ، در مقابل تماشاگران ر ها کردند و چشم های آنان را سحر کردند .

فلما ألقوا سحروا أعین الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۰ - ۲

۲ حضرت موسی (ع) ، پس از رویارویی با انبوه ساحران ، از آنان خواست تا با به کار گرفتن تمام توان خود آنچه را که به

قصد میدان انداختن

آورده اند ، به زمین بیندازند .

فلما جاء السحره قال لهم موسی ألقوا ما أنتم ملقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۱ - ۱،۲،۶

۱ پس از درخواست موسی (ع) ، ساحران با به میدان ریختن آنچه داشتند (چوب ها و طناب ها) به کار سحر پرداختند .

قال لهم موسی ألقوا . .. فلما ألقوا

۲ موسی (ع) ، پس از مشاهده عمل ساحران ، برای رفع اتهام ساحری از خود ، سحر بودن آن عمل را به آنان گوشزد نمود .

فلما ألقوا قال موسی ما جئتم به السحر

۶ موسی (ع) ، با خطاب به ساحران ، آنان را گروهی مفسد و مقابله آنان با خود را عملی فسادانگیز خواند .

قال موسی ما جئتم به السحر . .. إن اللّه لایصلح عمل المفسدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۱

۱ - موسی (ع) ، شروع مبارزه را به ساحران فرعون واگذار نمود و بر آغاز کار از سوی آنان تأکید کرد .

إمّا أن تلقی . .. قال بل ألقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۳ - ۱

۱ - پیشنهاد موسی (ع) به ساحران ، برای پیشقدم شدن در نمایاندن سحر خویش

قال لهم موسی ألقوا ما أنتم ملقون

موسی(ع) و شکست جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۱ - ۳،۴،۵

۳ موسی (ع)

، شکست ساحران و ابطال سحر آنان را ، قطعی و غیر قابل تردید اعلام کرد .

قال موسی ما جئتم به السحر إن اللّه سیبطله

۴ موسی (ع) ، شکست ساحران و ابطال سحر آنان را ، به خدا مرتبط نموده و خود را صرفاً واسطه فعل او اعلام کرد .

قال موسی ما جئتم به السحر إن اللّه سیبطله إن اللّه لایصلح عمل المفسدین. و یحق ال

۵ موسی (ع) ، از پیش بر پیروزی خود و شکست ساحران و ابطال سحرشان ، اطمینان داشت .

قال موسی ما جئتم به السحر إن اللّه سیبطله

موقعیت اجتماعی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۹ - ۵

۵ - ساحران ، دارای موقعیت و احترام در میان جامعه فرعونی *

و قالوا یأیّه الساحر

برداشت یاد شده بدین احتمال است که خطاب <یأیّه الساحر>، استهزایی نباشد; بلکه برای احترام ادا شده باشد. و مؤید آن، ذیل آیه شریفه است که فرعونیان از موسی(ع) تقاضای رفع عذاب کردند.

نقش جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۰ - ۲

۲ - ناتوانی فرعونیان در مبارزه با موسی (ع) و منحصر شدن تمام قدرت و تدبیر نظام فرعونی در وجود ساحران

لعلّنا نتّبع السحره إن کانوا هم الغلبین

با این که در نظام فرعونی تلاش بر حذف همه نیروها و منحصر دانستن فرعون در جایگاه رهبری بوده است; اما ناتوانی او از مقابله با موسی(ع) و نیاز وی به کارآیی ساحران، سبب گشت تا به جای فرعون، ساحران پیشوای مردم

قلمداد شوند.

وعده به جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۲ - ۲،۳

۲ - تأکید فرعون بر قرار گرفتن ساحران در زمره مقربان وی ، با پیروزی بر موسی (ع)

و إنّكم إذًا لمن المقرّبين

۳ - فرعون ، برای جلب حمایت ساحران ، بیش از انتظارشان به آنان وعده مزد و پاداش داد .

قالوا لفرعون أئنّ لنا لأجرًا . .. و إنّكم إذًا لمن المقرّبين

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که ساحران تنها درخواست مزد داشته اند; ولی فرعون علاوه بر پاسخ مثبت به آن، وعده تقرّب به درگاه خود را نیز به آنان داد.

وقت مبارزه جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۸ - ۳،۴

۳ - گردآوری ساحران ، برای هماوردی با موسی (ع) در وقت و روزی معین (پیش از ظهر روز عید) بود .

فجمع السحره لميقت يوم معلوم

<میقات> به زمان معین گفته می شود و مراد از آن در این جا به قرینه آیه ۵۹ سوره طه پیش از ظهر (ضحی) می باشد. مقصود از <یوم معلوم> به دلیل آیه یاد شده روز جشن (یوم الزینه) است و روز جشن همان روز عید می باشد.

۴ - اهمیت زمان و روز خاص در بازتاب هماوردی موسی (ع) با ساحران در نگاه فرعونیان

فجمع السحره لميقت يوم معلوم

تصریح به زمان معین، نشانگر اهمیت و نقش آن است .

ویژگیهای ایمان جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه –

۲۰ – ۷۰ – ۸

۸ – ساحران ، ایمان خود به خداوند را به گونه ای اعلام کردند که فرعون نتواند آن را تحریف و از آن سوء استفاده کند .

قالوا ءامنّا بربّ هرون و موسی

از آن جایی که موسی(ع) مدتی در خانه فرعون پرورش یافته بود، اگر ساحران <ربّ موسی> می گفتند، این احتمال وجود داشت که فرعون سجده آنان و گفته هایشان را به نفع خود توجیه کند و خود را <ربّ موسی> بداند. آنان با آوردن اسم هارون در کنار اسم موسی(ع) (ربّ هارون و موسی) راه سوء استفاده از کلام خود را به روی فرعون بستند.

هدایتگری جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۲ – ۱۶

۱۶ – ساحران مؤمن با وجود تهدیدات فرعون ، در صدد نصیحت و ارشاد و هدایت وی بودند .

ما جاءنا من البیّنت و الذی فطرنا فاقض ما أنت قاض إنّما تقضی هذه الحیوه الدنیا

اشاره ساحران به بینات موسی(ع) و خالقیت خداوند و محدودیت قدرت فرعون، پس از موضع گیری خصمانه او، می تواند به منظور رام ساختن و پند و اندرز دادن به او باشد.

جاسوسی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جاسوسی

آثار جاسوسی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۱ – ۴۳

۴۳ پیشتازی در کفر ، دروغپردازی ، جاسوسی و تحریفگری ، مایه خواری در دنیا و عذاب بزرگ در آخرت

الذین یسرعون فی الکفر . .. لهم فی الدنیا خزی و لهم فی الاخره عذاب عظیم

جاسوسی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ -

۱۵،۱۷،۳۶،۴۵ - ۴۱

۱۵ منافقان و یهودیان شتابنده در کفر ، مردمی دروغ پرداز ، جاسوس و فرمانبردار سران و عالمان تحریفگر یهود

سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین لم یأتوک یحرفون الکلم

برداشت فوق بر این مبناست که <للکذب> و <لقوم> مفعول له برای <سمعون> باشد. بنابراین <سمعون للکذب>، یعنی سخنان تو را می شنوند تا بر تو دروغ ببندند و شایعه سازی کنند و <سمعون لقوم ءاخرین>، یعنی آنان جاسوس دیگرانند و سخنان تو را برای دیگران می شنوند.

۱۷ شایعه سازی برخی از منافقان و یهودیان و جاسوسی آنان برای تحریفگران یهود ، فلسفه بازداشتن پیامبر (ص) از اندوه بر کفرورزی آنان

لایحزنک الذین یسرعون . .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین

۳۶ خداوند هرگز جان ودل ناپاک منافقان و یهودیان جاسوس و دروغپرداز را از آلودگی کفر و نفاق پاک نخواهد ساخت .

أولئک الذین لم یرد اللّه ان یطهر قلوبهم

۴۵ پیشتازی در کفر ، تحریفگری ، دروغپردازی و جاسوسی ، نمودی از خواری و رسوایی منافقان و یهودیان در دنیا

یسرعون فی الکفر . .. لهم فی الدنیا خزی

رسوایی یهودیان و منافقان، که <لهم فی الدنیا خزی> بیانگر آن است، می تواند همان رذایلی باشد که در آیه مطرح شده است. زیرا این رذایل یا خود رسوایی است و یا موجب رسوایی انسان در جامعه خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۷ - ۹

۹ نفوذ در میان رزمندگان اسلام به منظور جاسوسی و فتنه انگیزی ، از ترفند های منافقان

لو خرجوا فیکم ما زادوکم إلا خبالا . .. و فیکم سمعون لهم

جاسوسی همسر لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۷۸ – ۲۳

۲۳ < عن أبی عبدالله (ع) قال : إن الله تعالی بعث أربعه أملاک فی إهلاک قوم لوط . . . فأتوا لوطاً . . . فسلّموا علیه . . . فقال لهم : المنزل ؟ فقالوا : نعم . . . ثم مشی فلما بلغ باب المدینه . . . دخل و دخلوا معه حتی دخل منزله فلما رأتهم إمرأته . . . صعدت فوق السطح و صفقت فلم یسمعوا فدخنت فلما رأوا الدخان أقبلوا إلی الباب یهرعون . . . ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: خداوند چهار فرشته برای هلاک کردن قوم لوط فرستاد . .. آنان نزد لوط رفتند و بر او سلام کردند ... لوط آنان را دعوت به منزل کرد و آنان موافقت کردند؛ سپس رفت تا به دروازه شهر رسید ... او با فرشتگان وارد شهر شدند تا به منزلش وارد شد همسر لوط وقتی که آنان را دید ... بالای بام رفت و دست بر هم زد، ولی قوم لوط نشنیدند. پس دود به پا کرد؛ همین که آن قوم دود را دیدند شتابان به درب خانه لوط رفتند...>.

جاسوسی یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۱ – ۱۵،۱۷،۳۶،۴۵

۱۵ منافقان و یهودیان شتابنده در کفر ، مردمی دروغ پرداز ، جاسوس و فرمانبردار سران و عالمان تحریفگر یهود

سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین لم یأتوک یحرفون الکلم

برداشت فوق بر این مبناست که <للکذب> و <لقوم>

مفعول له برای <سمعون> باشد. بنابراین <سمعون للکذب>، یعنی سخنان تو را می شنوند تا بر تو دروغ ببندند و شایعه سازی کنند و <سمعون لقوم ءاخرین>، یعنی آنان جاسوس دیگرانند و سخنان تو را برای دیگران می شنوند.

۱۷ شایعه سازی برخی از منافقان و یهودیان و جاسوسی آنان برای تحریفگران یهود ، فلسفه بازداشتن پیامبر (ص) از اندوه بر کفرورزی آنان

لایحزنک الذین یسرعون . .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین

۳۶ خداوند هرگز جان ودل ناپاک منافقان و یهودیان جاسوس و دروغپرداز را از آلودگی کفر و نفاق پاک نخواهد ساخت .

أولئک الذین لم یرد اللّه ان یطهر قلوبهم

۴۵ پیشتازی در کفر ، تحریفگری ، دروغپردازی و جاسوسی ، نمودی از خواری و رسوایی منافقان و یهودیان در دنیا

یسرعون فی الکفر . .. لهم فی الدنیا خزی

رسوایی یهودیان و منافقان، که <لهم فی الدنیا خزی> بیانگر آن است، می تواند همان رذایلی باشد که در آیه مطرح شده است. زیرا این رذایل یا خود رسوایی است و یا موجب رسوایی انسان در جامعه خواهد شد.

جالوت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جالوت

تجاوزگری جالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۱۷

۱۷ دفع تجاوز جالوتیان توسط طالوت و همراهانش ، جلوگیر فساد در آن عصر

فهزموهم باذن اللّه و قتل داود جالوت . .. و لو لا دفع اللّه النّاس ... لفسدت الار

جنگ جالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۰ - ۶

۶ شرکت جالوت در صف مقدّم لشکریان خود *

و لمّا برزوا الجالوت و جنوده

تقدیم ذکری

<جالوت> نشانه این است که مؤمنان اوّل با او روبرو شدند و سپس با لشکریانش ; و لازمه آن، در صف مقدّم بودن جالوت است.

جهاد با جالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۰ - ۳

۳ نیرو های اندک طالوت با امید به نصرت الهی ، به جنگ با جالوتیان رفتند .

و لمّا برزوا الجالوت . .. و انصرنا علی القوم الکافرین

حکومت جالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۱۹

۱۹ جالوت ، زمامدار ستمگر عصر بنی اسرائیل پس از حضرت موسی (ع)

لا طاقه لنا الیوم بجالوت

رهبری جالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۱۹

۱۹ جالوت ، زمامدار ستمگر عصر بنی اسرائیل پس از حضرت موسی (ع)

لا طاقه لنا الیوم بجالوت

سپاه جالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۰ - ۵

۵ جالوت و سپاهیان وی از زُمره کافران

و لمّا بروزا الجالوت و جنوده . .. و انصرنا علی القوم الکافرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۵۱ – ۴

۴ هزیمت و شکست سپاهیان جالوت به اذن الهی ، در برابر نیروی اندک طالوتیان

فهزموهم باذن اللّه

شکست سپاه جالوت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۵۱ – ۲۴،۸،۵

۵ اجابت دعا و نیایش طالوتیان ، با هزیمت و شکست سپاه جالوت

قالوا ربّنا

. .. و انصرنا على القوم الكافرين. فهزموهم باذن اللّه

۸ هزيمت و شكست سپاه جالوت ، پس از كشته شدن وى *

فهزموهم باذن اللّه و قتل داودُ جالوت

بنابر اينكه <واو> در <و قَتَل . .. > حاليّه باشد; به تقدير <قد>.

۲۴ چيرگى سپاه طالوت بر جالوتيان ، پرتويى از تفضّلِ جهانشمولِ الهى

فهزموهم باذن اللّه . .. و لكنّ اللّه ذو فضل على العالمين

ظلم جالوت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۱۹

۱۹ جالوت ، زمامدار ستمگر عصر بنى اسرائيل پس از حضرت موسى (ع)

لا طاقه لنا اليوم بجالوت

فرماندهى جالوت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۰ - ۶

۶ شركت جالوت در صف مقدّم لشكريان خود *

و لمّا برزوا الجالوت و جنوده

تقديم ذكرى <جالوت> نشانه اين است كه مؤمنان اوّل با او روبرو شدند و سپس با لشكريانش ; و لازمه آن، در صف مقدّم بودن جالوت است.

كفر جالوت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ – بقره – ۲ – ۲۵۰ – ۵

۵ جالوت و سپاهیان وی از زُمره کافران

و لمّا بروزا الجالوت و جنوده . .. و انصرنا علی القوم الکافرین

هلاکت جالوت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۵۱ – ۷

۷ هلاکت جالوت ، به دست داود

و قتل داود جالوت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۵۲ – ۲

۲ داستان طالوت و هلاکت جالوتیان ، از

آیات الهی

الم تر الی الملأ من بنی اسرائیل . .. تلک ایات اللّه

کلمه <تلک> اشاره به داستان طالوت و جالوت است.

جامعه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۶ - ۵

۵ تفاوت صلاحیت زن و مرد در عصر تولد مریم ، برای احراز مشاغل و مسؤولیت های اجتماعی

ربّ انّی وضعتها اُنثی . .. و لیس الذکر کالاُنثی

بنابراینکه <لیس الذّکر کالاُنثی>، کلام مادر مریم باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۱ - ۱۵

۱۵ جواز حضور زنان همراه مردان ، در مسائل مهم اجتماعی

و نساءنا و نساءکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۴ - ۷

۷ وظیفه رسولان الهی ، راهنمایی و پیام آوری است و وظیفه مردم ، پیمودن آن راه بر اساس پیام های آن رسولان

و ما محمّد الّا رسول قد خلت من قبله الرّسل افاین مات

جمله <و ما محمّـد . .. >، تعیین کننده وظیفه رسولان الهی (پیام آوری) است و جمله <افائن مات ... >، تعیین کننده وظیفه مردم است که باید همواره (چه رسولان در میانشان باشند و یا نباشند) پایبند به آن پیامها باشند.

آثار اصلاح جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۷ - ۳

۳ - طهارت و پاکدامنی و تلاش در راه اصلاح جامعه ، مایه نجات از امواج بلا و کیفر الهی

أخرجوا ءال لوط . .. إنّهم أُناس یتطهّرون . فأنجینه و أهله إلّاامرأته

قوم لوط، وی و خاندانش

را به جرم پاکی و پارسایی محکوم به تبعید و اخراج کردند; اما خداوند ایشان را به همین دلیل از کیفر دامنگیر آن قوم نجات داد.

آثار اقتدار جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۰

۴۰- جامعه مقتدر و اصیل اسلامی ، برانگیزاننده خشم کافران و نه دوستی ایشان

کزرع أخرج شطه . .. لیغیظ بهم الکفّار

از تعبیر <لیغیظ> استفاده می شود که کافران، ناگزیر در قبال رشد امت اسلامی موضع خصمانه می گیرند و انتظار دوستی از آنان بی جا و بی مورد است.

آثار بصیرت رهبران جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۸ - ۷

۷ بصیرت امت ها در گرو بصیرت رهبران ایشان است .

علی بصیره أنا و من اتبعنی

نیاوردن <علی بصیره> در <من اتبعنی> علی رغم مقصود بودن آن ، اشاره به این دارد که بصیرت پیروان پیامبر (رهبر) در گرو بصیرت اوست.

آثار تشکیل جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۰ - ۳

۳ - تبلیغ دین و تشکیل جامعه اسلامی ، درپی دارنده سخنان ناروا و تبلیغات سوء دشمنان و مخالفان دین

و اصبر علی ما یقولون

آثار جامعه شناسی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۶ – ۱۲

۱۲ – جامعه شناسی ، باستان شناسی و تاریخ ، زمینه ساز شناخت سنت های الهی و ره یابی به واقعیت پیام وحی

و کم أهلکنا قبلهم من قرن هم أشدّ منهم بطشًا . .. هل من محیص

آثار جامعه فاسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۷ - ۴

۴ - انسان ها در جامعه فاسد و محیط منحرف ، بدون ایمان به خدا و لطف او ، در معرض انحراف و هلاکت اند .

و لولا نعمه ربّی لکنت من المحضرین

آثار جامعه گریزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۵

۵ - جامعه گریزی و سطح پایین فرهنگ اجتماعی ، عامل سستی در تعهدات اجتماعی و پایبندی به قوانین *

المخلّفون من الأعراب

وصف <الأعراب> ممکن است مشعر به علیت باشد; یعنی، بادیه نشینی در تخلف آنان نقش داشته است.

آثار رشد جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۹ - ۱۶

۱۶ نبود مفاسد اقتصادی و اجتماعی در یک جامعه ، نشانه برخورداری آن جامعه از رحمت خداوند *

لا تاکلوا اموالکم . .. لا تقتلوا ... انّ اللّه کان بکم رحیماً

آثار روابط اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۱۹

۱۹ پیروزی و سعادت جامعه ایمانی ، در گرو ایجاد پیوند و ارتباط با یکدیگر

و رابطوا . .. لعلّكم تفلحون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۲۴ – ۱۲

۱۲ – زندگی مختلط و شراکت در امور اقتصادی ، زمینه ساز تضییع حقوق و لغزشگاه بسیاری از مردم

و إنّ کثیرًا من الخلطاء لیبغی . .. إلاّ الذین ءامنوا ... و قلیل ما هم

آثار زندگی در جامعه فاسد

جلد –

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۴ – ۷

۷– زندگی در جامعه آلوده و فاسد ، مایه رنج و محنت مؤمنان و غیر قابل تحمل برای آنان است .

و نجّینه من القریه التی کانت تعمل الخبئث

آثار فساد جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۶ – ۱۱

۱۱– عذاب جامعه فسادگر ، آن چنان شدید است که مایه نابودی و هدم کامل آن می شود .

ففسقوا فیها فحقّ علیها القول فدمّرنها تدمیراً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۵۶ – ۱۰

۱۰ – دگرگونی ارزش ها ، در جامعه فساد زده و منحرف

قالوا أخرجوا ءال لوط . .. إنّهم أُناس یتطهّرون

در جامعه فسادزده قوم لوط، پاکی و پارسایی مورد ریشخند واقع شده و پاکدامنان آن جامعه (لوط و خاندانش) به جرم طهارت، محاکمه و محکوم شدند.

آثار کفر جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۵۳ – ۵

۵ کفرورزی جوامع و ستیزه جویی با پیامبران ، از عوامل از میان رفتن شایستگی آنان برای دستیابی به نعمت های الهی

ذلک بأن اللّه لم یک مغیرا نعمه أنعمها علی قوم حتی یغیروا ما بأنفسهم

آثار گرایشهای اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۱ - ۹

۹ گرایش ها و رفتار های جوامع بشری ، زمینه ساز دستیابی آنان به نعمت و یا گرفتار شدن به سختیها

إن الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم

آثار یأس از اصلاح

جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۶۹ – ۴

۴ – لزوم دوری جستن از محیط فساد ، در صورت یأس از اصلاح آن

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون

آرزوی رهبری جامعه اسلامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۴ – ۱۷

۱۷ آرزوی در دست گرفتن مدیریت جامعه و رهبری امت اسلامی ، امری پسندیده و روا است .

و اجعلنا للمتّقین إمامًا

آرمان جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۰ – ۴

۴ جامعه ای که دارای یک ایده و آرمان باشد ، به منزله یک پیکر است .

ان یمسسکم قرح فقد مسّ القوم قرح مثله

چون خداونـد جراحتهای وارد شده به گروهی از مسـلمانان و یا کافران را به تمام آنها نسـبت داده است، با اینکه قطعاً یکایک افراد مجروح نشدند، معلوم می شود که از نظر قرآن هر جامعه ای که دارای آرمانی واحد باشد، به منزله یک پیکر است.

آرمان جامعه اسلامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۱۰ – ۱۲

۱۲ اصلاح جوامع بشری ، هدف مشترک جامعه آرمانی اسلام

کنتم خیر أمّه أخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر

با توجه به واژه <امّه> که در لغت به معنای گروه دارای هدف و مقصد مشترک است، مطلب فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۱۲

۱۲ پیروزی بر دشمنان دین ، خواسته

و آرمان جامعه ایمانی

من بعد ما اریکم ما تحبّون

مراد از <ما تحبّون> (آنچه آرزوی شما بود)، پیروزی بر دشمن است.

آسیب شناسی اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۵،۸

۵- نقش مؤثر و محوری رهبران و سردمداران فاسد در سقوط و نابودی ملت ها و جامعه های بشری

ألم تر إلی الذین . .. و أحلّوا قومهم دار البوار

۸- رهبران و سردمداران کفر و شرک در مکه ، افرادی ناسپاس و عامل اصلی سقوط و بدبختی مردم بودند .

ألم تر إلی الذین بدّلوا نعمت الله کفرًا و أحلّوا قومهم دار البوار

با توجه به اینکه آیه فوق در مکه نازل شده است، می توان استفاده کرد که مصداق مورد نظر آیه <الـذین بدّلوا . .. و أحلّوا قومهم> سران کفر و شرک، همچون ابوجهل و ابولهب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۶ - ۰

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۴ - ۵

۵- جوامع مبتلا به انحرافات جنسی و همجنس بازی ، در معرض نابودی و عذاب الهی

و جاء أهل المدینه . .. قال إن هؤلاء ضیفی فلاتفضحون ... فأخذتهم الصیحه ... فجعلن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۸ - ۶

۶- جلوگیری از نفوذ ادیان الهی و رواج بی دینی ، زمینه ساز رواج فساد و تبه کاری در جامعه است .

الذین کفروا و صدّوا عن سبیل الله . .. بما کانوا یفسدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۱۲ – ۵،۶،۱۲،۱۵

۵- قرار گرفتن جامعه در معرض کفران نعمت های الهی پس از آسایش و رفاه مادی

قریه کانت ءامنه مطمئنّه یأتیها رزقها رغدًا . .. فکفرت بأنعم الله

۶- مبتلا شدن جامعه به فقر ، گرسنگی و ناامنی ، در نتیجه کفران نعمت های الهی

قریه کانت ءامنه مطمئنّه . .. فکفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

۱۲- گناهان و ناسپاسی های اجتماعی ، دارای آثار شوم برای کل جامعه

قریه کانت ءامنه . .. فکفرت ... فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

۱۵- فقر و گرسنگی مردم ، زمینه ساز ناامنی اجتماعی است . *

فکفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

از اینکه خداوند در کیفر کفران نعمت، ابتدا فقر و گرسنگی و سپس ترس و ناامنی را مطرح ساخته است، می توان به دست آورد که فقر و گرسنگی زمینه ناامنی اجتماعی، همچون دزدی و . .. را فراهم می آورد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۶ – ۱،۶،۷،۱۰

۱- فسق و گناهِ برخورداران از مکنت و ثروتمندان هر جامعه ، عامل هلاکت و نابودی آن جامعه است .

و إذا أردنا أن نهلک قریه أمرنا مترفیها ففسقوا فیها

<مترف> از واژه <ترفه> گرفته شده و <ترفه> هم به معنای روزی و نعمت فراوان است (مفردات راغب).

۶- افزایش تعداد مترفان و ثروتمندان فاسق و تبهکار در جامعه ، از عوامل هلاکت و نابودی آن جامعه براساس سنت های خداوند

و إذا أردنا أن نهلک قریه أمرنا مترفیها ففسقوا فیها

برخی برآنند <أمرنا> به معنای <کثرنا> (فزونی دادیم) است (مفردات راغب) که بر

اساس آن، مراد از <أمرنا مترفيها> افزايش مترفان در جامعه است.

۷- فسق و فساد طبقه ثروتمند در گرايش ديگر طبقات به فساد و تباهى ، تأثير و نقش مهمى دارد .

أمرنا مترفيها ففسقوا فيها

اختصـاص به ذكر يـافتن مترفان از ميان ديگر طبقات، بيانگر اين است كه فسق و فساد اين طبقه تأثير بيشتر و نقش مهم ترى در مقايسه با ديگر طبقات در فاسد شدن جامعه و نابودى آن دارد.

۱۰- گسترش و فراگيرى فساد در سطح جامعه ، مايه نزول حتمى عذاب الهى است .

ففسقوا فيها فحقّ عليها القول

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۷ - ۵،۱۰

۵- بسـيارى از جوامع و ملـل پس از حضـرت نوح (ع) بر اثر وجود مترفان فاسق و تبهكار در ميان آنان ، به هلاكت و نابودى دچار شدند .

و إذا أردنا أن نهلك قريه أمرنا مترفيها ففسقوا فيها . .. و كم أهلكنا من القرون من

۱۰- گناه ، عامل اصلى هلاكت جوامع بشرى است .

كم أهلكنا من القرون . .. و كفى بربّك بذنوب عباده خبيرًا بصيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۲ - ۷

۷- عمل ناشايست زنا ، داراى فرجامى بد و ناگوار براى فرد و جامعه

و ساء سبيلاً

از جمله <راههاى بـد> راهى است كه منتهى اليه و فرجام آن، ناشايست باشـد. بنابراين <ساء سبيلاً> مى تواند مشـعر به اين معنا باشد كه: زنا نه تنها خود فاحشه است; بلكه راهى است بد كه فرجام و پيامد آن براى فرد و جامعه نيز، بد و ناپسند است.

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۳ – ۱۰

۱۰– نقش مهم رهبران و زمامداران فاسد ، در تباهی و هلاکت امتها

فقال له فرعون . .. فأراد ... فأغرقنه و من معه جمیعًا

در داستان هلاکت فرعون، همواره شخص فرعون به عنوان عنصر اصلی جریان کفر، به صورت ضمیر مفرد و جدا از مجموعه یارانش ذکر شده است و این بیانگر برداشت فوق است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵ – ۶

۶– فقدان آگاهی و دانش ، زمینه ساز گرفتاری افراد و جوامع به تقلید های ناروا و کورکورانه

و قالوا اتخذ اللّه ولدًا . ما لهم به من علم و لا لأبائهم

کلمه <لأبائهم> اشاره به این نکته دارد که پندارهای مشرکان، از سر تقلید بوده است و جمله <ما لهم به من علم و. ..> بر این نکته دلالت دارد که مشرکان و پدران شان، در گزینش این اعتقاد پایه های علمی نداشته اند. مجموع این دو قضیه، گویای آن است که <جهل> در کشاندن افراد و جوامع به تقلید کورکورانه، نقشی مهم دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵۹ – ۵

۵– اِعراض از آیات الهی و نشنیده انگاشتن آن و غفلت از گناهان گذشته خویش ، ستم ، و موجب سقوط و نابودی امّت ها است .

و من أظلم . .. و تلک القری أهلکنهم لمّا ظلموا

مراد از ظلم در <لم ا ظلموا> به دلیل ارتباط این آیه با آیات قبل همان اموری است که در آیه پنجاه و

هفت بیان شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۷۴ – ۸

۸– فریفته شدن به دنیا و امکانات فناپذیر آن و اصیل پنداشتن آنها ، از زمینه های سقوط تمدن ها و نابودی دنیاگرایان است .

أیّ الفریقین خیر مقامًا . .. و کم أهلکنا قبلهم من قرن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۸ – ۱۲

۱۲ – بهره گیری از شخصیت های محبوب جامعه و وابسته نشان دادن افکار و رفتار خویش به آنان ، از ترفند های رهبران ضلالت است .

فقالوا هذا . .. إله موسی فنسی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۹۶ – ۹،۱۰

۹ – تسویلات و وسوسه های نفس ، زمینه ساز به کارگیری دین و دانش برای ایجاد انحراف و گمراه ساختن مردم

بصرت . .. فنبذتها و کذلک سوّلت لی نفسی

آنچه که سامری در اختیار داشت و موجب گمراهی او و مردم بسیاری شد، علوم و معارفی بود که وی آن را در راه گمراه کردن مردم به کار گرفت.

۱۰ – تسویلات نفس (زیبانمایی کار های زشت و ناروا) ، خطری در کمین افراد و جوامع

و کذلک سوّلت لی نفسی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۱ – ۲

۲– ظلم و ستم ، عامل انحطاط و انهدام کامل جوامع و تمدن ها است .

و کم قصمنا من قریه کانت ظالمه

توصیف <قریه> (مردم شهرها) به <ظالمه> (ستمکار) بیانگر نقش ظلم در نابودی و انهدام است.

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۳ – ۶

۶- مترفان و ستمگران جامعه ، عامل نابودی تمدن ها و هلاکت افراد جامعه

و کم قصمنا من قریه کانت ظالمه . .. ارجعوا إلی ما أُترفتم فیه

مخاطبان این آیات، گروه خاصی از مردم اند; زیرا خداوند در توصیف آنان دو صفت ستمگری و تنعّم را مطرح ساخته است و این دو صفت نوعاً در قشر خاصی از جامعه وجود دارد و بیشتر مردم نه ظالم اند و نه مترف.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۷ – ۸

۸- هلاکت و بدبختی جوامع بشری ، بازتاب زشت کاری و رفتار نامناسب خود آنها است .

الذین کذّبوا بایتنا إنّهم کانوا قوم سوء فأغرقنهم أجمعین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند دو عامل (تکذیب آیات الهی و سوء پیشینه) را موجب هلاکت برشمرد و هر دو عامل را به خود انسان نسبت داد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۷۱ – ۴

۴ – سلامت جامعه بشری و مصون ماندن آن از فساد و تباهی ، در گرو اجرای قوانین الهی و ایستادگی در برابر تمایلات حق ستیزان

و لو اتبع الحقّ أهواءهم لفسدت السموت و الأرض و من فیهنّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۱۰ – ۷

۷ – جامعه های گرفتار بی بند و باری جنسی (بی عفتی و زناکاری) ، در معرض زوال و نابودی است .

و لولا فضل اللّه علیکم و رحمته

و أنّ اللّه توّاب حكيم

برداشت فوق بر اساس اين احتمال است كه جمله <و لولا ـ فضل اللّه عليكم. ..> به تقدير <و لولا فضل اللّه عليكم... لاختل نظام حياتكم و لهلكتم> باشد; يعنى، <اگر فضل و رحمت خدا نبود ... نظام زندگى شما با وجود همه فساد و بى بند و بارى از هم مى پاشيد و شما نابود مى شديد>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۲ - ۵

۵ - شايعات و پخش خبر هاى دروغ ، از ميان برنده اعتماد متقابل و حسن ظن افراد جامعه نسبت به يكديگر

لولا إذ سمعتموه ظنّ المؤمنون و المؤمنت بأنفسهم خيرًا و قالوا هذا إفك مبين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۲۷

۲۷ - دل بستگى به ماديات و دنيامدارى ، زمينه رواج فحشا و فساد جنسى در يك جامعه است .

و لاتكرهوا فتيتكم على البغاء . .. لتبتغوا عرض الحيوه الدنيا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۸ - ۱۲

۱۲ جامعه بى خبر از تعاليم دينى و از يادبرنده خدا ، در معرض هلاكت و محكوم به نابودى است .

حتّى نسوا الذكر و كانوا قومًا بورًا

برداشت فوق، از تقدم جمله <حتّى نسوا الذكر> بر <كانوا قوماً بوراً> و ارتباط ميان آن دو، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۶ - ۷

۷ تكذيب آيات خداوند و نپذيرفتن دعوت انبيا ، در پى دارنده سقوط و نابودى

جوامع بشری

فقلنا اذهبا إلی القوم الذین کذّبوا بأیتنا فدمّرنهم تدمیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۴ - ۵

۵ - پایبندی مطلق و بی دلیل به سنت های ملّی و قومی ، مایه تخدیر جامعه و سدّ راه خردورزی و مانع شناخت

قالوا بل وجدنا ءاباءنا کذلک یفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۳ - ۵

۵ - نادرستی روابط اقتصادی ، سبب فراگیری فساد و تباهی در جامعه

أوفوا الکیل . .. و لاتعثوا فی الأرض مفسدین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <و لاتعثوا. ..> عطف تفسیری بر جمله پیشین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۴ - ۹

۹ - فسادگری ، ریشه بلا ها و تباهی های جامعه فرعونی

فانظر کیف کان عقبه المفسدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۴ - ۳

۳ - ویرانی شهر ها ، تباهی جامعه و ذلّت عزّتمندان ، نتیجه همیشگی سلطه شاهان بر کشور بیگانه

إنّ الملوک إذا دخلوا قریه أفسدوها و جعلوا أعزّه أهلها أذلّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۵۱ – ۵

۵ – نقش سردمداران کفر و فساد در هلاکت و بدبختی تمامی جامعه

أنّا دمّرنهم و قومهم

ضمیر <هم> به گروه های نُه گـانه بـازمی گردد که طرح ترور شـبانه صالـح و خـانواده اش را ریخته بودنـد. و از این که نام آنان به صورت مجزا و مقدم بر نام قومشان یاد شده است، مطلب فوق

استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۵۲ – ۳

۳ – ظلم و گناه ، بنیان برافکن جوامع بشری

یقوم لم تستعجلون بالسیّئه قبل الحسنه. .. فتلك بیوتهم خاویه بما ظلموا

ثمودیان، به صورت جامعه ای متشکل بودند که در نتیجه ظلم و گناه خود به گونه دسته جمعی و فراگیر هلاك شدند و این نشان می دهد که هر جامعه ای که معصیت و ستم در آن رواج پیدا کند، در معرض خطر نابودی قرار می گیرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۴ – ۱۲،۱۳

۱۲ – افزایش نامتعادل تعداد زنان بر مردان در یک جامعه ، درپی دارنده ضعف و زبونی آن

یستضعف طائفه منهم . .. و یستحیی نساءهم

برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند، زنده گذاشته شدن دختران بنی اسرائیل را، یکی دیگر از نمودهای زبون سازی فرعون به شمار آورده است.

۱۳ – تفرقه میان مردم و افزایش بسیار و نامتعادل زنان بر مردان در یک جامعه ، از عوامل فساد و تباهی آن جامعه و مردم

جعل أهلها شیعًا یستضعف طائفه منهم یذبّح أبناءهم و یستحیی نساءهم إنّه کان من المف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۵۸ – ۳،۶

۳ – سرمستی و غرور ، عامل هلاکت جوامع پیشین

و کم أهلکنا من قریه بطرت معیشتها

<بطر> (مصدر <بطرت>) به غرور و طغیان که آدمی بر اثر فراوانی نعمت دچار آن شود گفته می شود. بنابراین <بطرت معیشتها>; یعنی، <طغت فی معیشتها> (در زندگی اش طغیان

کرد). گفتنی است که عبارت <بطرت معیشتها> وصف و مفید تعلیل است; یعنی، جوامع گذشته بدان جهت به هلاکت رسیدند که گرفتار سرمستی و غرور بودند.

۶ – سرمستی و غرور ناشی از نعمت و رفاه فراوان ، از عوامل هلاکت جوامع بشری است .

و کم أهلکنا من قریه بطرت معیشتها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۵۹ – ۱۳

۱۳ – ظلم و بیدادگری ، عامل نابودی جوامع پیشین با عذاب استیصال

و ما کنّا مهلکی القری إلاّ و أهلها ظلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۷ – ۲۱

۲۱ – زراندوزی و انباشتگی ثروت در دست افراد ، از زمینه های پیدایش فساد و تباهی در جامعه

و لاتبغ الفساد فی الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۱۴ – ۶

۶ – قوم نوح ، به دنبال قبول نکردن رسالت نوح (ع) دچار سیلی عظیم و بنیان کن شدند و به هلاکت رسیدند .

و لقد أرسلنا نوحًاإلی قومه . .. فأخذهم الطوفان

<طوفان> هر حادثه ای را می گویند که انسان را احاطه کند. این واژه در <آب فراوان (سیل)> متعارف شده است (مفردات راغب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۳۲ – ۵

۵ – اختلاف دینی ، از عوامل دسته بندی و گروه بندی های اجتماعی است .

فرّقوا دینهم و کانوا شیعًا

احتمال دارد ذکر <و کانوا شیعاً> پس از <فرّقوا> به خاطر توجه به این واقعیت است که: اختلاف دینی، گروه بندی اجتماعی

را به دنبال دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۵۹ – ۱۵

۱۵ – بی حجابی ، از جمله عوامل ناهنجاری در محیط دینی است .

یدنین علیهنّ من جلبیبهنّ ذلک أدنی أن یعرفن فلایؤذین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۶۰ – ۱۰،۱۱،۱۲

۱۰ – منافقان ، از جمله عوامل پیدایش ناهنجار های اجتماعی اند .

لئن لم ینته المنفقون . .. لنغرینّک بهم

۱۱ – بیماردلان ، آسیب رسانان به هنجار های اجتماعی اند .

لئن لم ینته . .. و الذین فی قلوبهم مرض ... لنغرینّک بهم

۱۲ – شایعه پراکنان ، برهمزنان آرامش جامعه و آسیب رسان به آن اند .

لئن لم ینته المنفقون و . .. المرجفون فی المدینه لنغرینّک بهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۹ – ۸

۸ – کفران نعمت های الهی ، درپی دارنده گسیختگی زمام جامعه و از هم فروپاشی آن

و اشکروا له . .. فأعرضوا ... و مزّقنهم کلّ ممزّق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۹ – ۹

۹ – کفر ، موجب خسارت جامعه بشری بوده و حاصلی جز آن ندارد .

و لایزید الکفرین کفرهم إلّا خسارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۳ - ۳

۳ - مردم گمراه و فاسد ، در پیدایش نظام اجتماعی فاسد و ظاهر شدن رهبران گمراه گر و انحراف ساز در جامعه ، مؤثر بوده و دارای نقش اند .

فإنّهم یومئذ فی العذاب

مشتركون

مشترک بودن عذاب مردم اغوا شده با رهبران اغواگر خود، می رساند که اغوا شدن مردم، هرچند به وسیله رهبران آنان است; ولی آنان نیز در این گمراهی نقش داشته و مؤثر بوده اند. گفتنی است که نقش آنان می تواند در رابطه با پیدایش نظام فاسد و ظهور رهبران گمراه کننده در جامعه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۱ - ۱۰

۱۰ - گناهان ، زمینه ساز عذاب الهی و نابودشدن تمدن ها ، قدرت ها و آثار ملی

فأخذهم اللّه بذنوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۲ - ۴

۴ - کفر و انکار رسالت پیامبران ، زمینه ساز فروپاشی تمدن ها و نابودی قدرت ها و آثار ملی

كانوا هم أشدّ منهم قوّه و ءاثارًا فى الأرض . .. فكفروا فأخذهم اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۷ - ۹،۱۰

۹ - خطرساز بودن رهبران متکبر و منکر قیامت و روز حساب برای جامعه

كلّ متكبّر لايؤمن بيوم الحساب

پناه بردن موسی(ع) از شر متکبران منکر قیامت (چون فرعونیان)، گویای مطلب یاد شده است.

۱۰ - تکبر در برابر سخن حق و باور نداشتن به روز حساب ، از زمینه های فسادگری و کشتار افراد بی گناه در جامعه

كلّ متكبّر لايؤمن بيوم الحساب

توصیف فرعون فاسد و سفاک به متکبر و منکر روز حساب، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۲ - ۹

۹ - نابودی بسیاری از اقوام

نیرومند و دارای تمدن و آثار ملی ، در گذشته تاریخ به خاطر کفر و شرکشان

فما أغنی عنهم ما کانوا یکسبون

جمله <فما أغنی عنهم ما کانوا یکسبون> (ولی آنچه به دست می آورند، به حالشان سودی نبخشید)، به نزول عذاب گریز ناپذیر و سود نبخشیدن تلاش های کافران محکوم به عذاب اشاره دارد. گفتنی است چون این آیه درباره کافران و مشرکان می باشد، می توان استفاده کرد که سبب محکومیت آنان به عذاب، همان کفر و شرک آنان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۷ - ۷

۷ - جامعه متکاثر و رفاه زده ، گرفتار طغیان و سرکشی

و لو بسط اللّه الرزق لعباده لبغوا فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸ - ۵

۵ - بی توجهی به پیام وحی و استهزای آن ، از جمله عوامل نابودی جوامع در طول تاریخ

کانوا به یستهزءون . فأهلکنا أشدّ منهم بطشًا و مضی مثل الأوّلین

از ارتباط دو آیه، استفاده می شود که استهزای پیام وحی از سوی جوامع شرک پیشه، موجب نابودی آنان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۰ - ۱۰

۱۰- کفرپیشگی ، از عوامل عمده نابودی ملت ها

دمّر اللّه علیهم و للکفرین أمثلها

وصف کفر در <للکافرین>، بیانگر این نکته است که کفر، عامل اصلی نابودی ملت ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۲ - ۱،۵

۱- ترک جهاد ، زمینه محو ارزش ها و به فساد کشیده

شدن جامعه

فهل عسیتم إن تولّیتم أن تفسدوا فی الأرض

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته به دست می آید: ۱ <تولّیتم> به معنای روی گرداندن از جهاد باشد که در آیه قبل مطرح شده است. ۲ تعبیر <عسیتم ...أن تفسدوا فی الأرض> در معنا، جواب <إن تولّیتم> به شمار آید.

۵- گناه ترک واجبات از سوی فرد ، دارای پیامد های ناگوار اجتماعی

فهل عسیتم إن تولّیتم أن تفسدوا فی الأرض

واژه <فی الأرض>، می رساند که فسادِ روی گردانان از دین و تکالیف الهی، محدود و منحصر در قلمرو وجود خودشان نیست; بلکه همچون بیماری مسری در بستر جامعه شیوع می یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۸ - ۱۵

۱۵ نقش ثروت اندوزی و عدم انفاق ، در زوال جامعه و پیدایش تحولات ویرانگر اجتماعی *

تدعون لتنفقوا . .. و إن تتولّوا یستبدل قومًا غیرکم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تعبیر <یستبدل قوماً غیرکم> اشاره به یکی از سنت های اجتماعی خداوند داشته باشد; زیرا امت های گرفتار در انحرافات اقتصادی، از درون پوسیده و یا به وسیله ملتی دیگر مقهور می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۶ - ۸

۸ - نقش ویرانگر منابع خبری فاسد ، در مناسبات و امنیت جوامع

إن جاءکم فاسق بنبإ . .. أن تصیبوا قومًا بجهله

از تعلیل <أن تصیبوا قوماً بجهاله> و متفرع شدن آن بر فسق مخبر، مطلب بالا نتیجه گیری می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۹ - ۴

- نقش مهم رهبری کفر ، در گمراهی و انحراف ارکان جامعه

فتولّی برکنه

در صورتی که مراد از <رکن>، ارکان جامعه بوده و <باء> برای تعدیه باشد، از منتسب شدن انحراف ارکان جامعه، به شخص فرعون، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۹ - ۱۱

۱۱ - جوامعی که خود را در پناه تعالیم وحی قرار ندهند ، خطر گرفتار شدن در ورطه انواع گمراهی ها ، آنان را تهدید می کند .

هو الذی ینزّل علی عبده ءایت بیّنت لیخرجکم من الظلمت إلی النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۵ - ۹

۹ - استثمار و بی عدالتی اقتصادی ، از مشکلات عمده و اساسی جوامع در طول تاریخ

لقد أرسلنا رسلنا . .. و أنزلنا معهم الکتب و المیزان

با توجه به این که <میزان> (ترازو) ابزاری است که در مبادلات اقتصادی به کار می رود و با آن کالاها را توزین می کنند; می توان گفت که: این واژه در آیه شریفه استعاره از خصوص عدالت اقتصادی است. بنابراین، پیام عدالت اقتصادی که در این آیه به عنوان رسالت همه پیامبران برشمرده است نشان می دهد که موضوع استثمار توده ها و ظلم و اجحاف اقتصادی به آنان، در تاریخ بشر ریشه داشته است و همه جوامع با آن مشکل دست به گریبان بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۴ - ۷

۷ - تکذیب قرآن و معاد ، از عوامل و زمینه های

سقوط تدریجی جوامع بشری

سنستدرجهم من حیث لایعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۱ – ۱۶

۱۶ – طغیان گری در مورد نعمت های خداوند ، خطری در کمین جوامع ر ها شده از حاکمیت ستم گران

أنجینکم من عدوّکم . .. کلوا ... لاتطغوا فیه

نهی شدن بنی اسرائیل از طغیان گری، پس از عبور آنان از دریا و نجات از ستم و حاکمیت فرعونیان مطرح شده است. طرح این مسأله در آن موقعیت، گویای وجود زمینه هایی برای طغیان گری در آن شرایط است.

آسیب شناسی جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۶۶ – ۷

۷ – سران و بزرگان گمراه ، دارای نقشی بسزا در گمراهی مردم

إذ تبرأ الذین اتبعوا من الذین اتبعوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۵۷ – ۸

۸ شرکورزی و مخالفت با تعالیم و توصیه های پیامبران ، از عوامل مهم نابودی جامعه ها و تحولات تاریخ و دگرگونی های آن است .

فإن تولّوا . .. یستخلف ربی قومًا غیرکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۶۲ – ۱۱

۱۱ وفاداری جوامع به آرا و اندیشه های باطل قومی و قبیله ای ، بازدارنده بروز اندیشه های نو و برحق در میان آنان

أتنهنا أن نعبد ما يعبد ءاباؤُنا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۵ - ۱۰

۱۰ جوامع مرفّه ، در خطر انحرافات اقتصادى و گسترش دادن ظلم و ستم در پهنه

گیتی

إنی أریکم بخیر . .. أوفوا المکیال ... و لاتعثوا فی الأرض مفسدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۷ - ۸

۸ پایبندی جوامع به آرا و آداب باطل پیشینیان ، مانع بروز اندیشه های نو و برحق در میان آنان است .

أن نترک ما یعبد ءاباؤُنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۷ - ۵

۵ فرمان های فرعون ، هرگز هدایتگر مردم به راه صواب و صحیح نبود .

و ما أمر فرعون برشید

مرشد (راهنمای به درستی و راستی)نیز می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۶ - ۵

۵ فساد ها و تباهیها ، آن گاه که رواج یابد و فراگیر شود ، امت ها را در خطر عذاب های الهی قرار می دهد .

ینهون عن الفساد فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۱ - ۹

۹ گرایش ها و رفتار های جوامع بشری ، زمینه ساز دستیابی آنان به نعمت و یا گرفتار شدن به سختیها

إن الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۵۸ – ۴

۴- جرم پیشگی و تبه کاری ، زمینه ساز هلاکت و نابودی جوامع بشری

قالوا إنا أُرسلنا إلی قوم مجرمین

آسیب شناسی جامعه دینی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۶ – ۱۱

۱۱ – دنیاطلبی ، از ریشه های بروز جنگ ها و

درگیری های خونین میان گروه های معتقد به آیین الهی است .

ثم أنتم هؤلاء تقتلون أنفسکم . .. أولئک الذین اشتروا الحیوه الدنیا

آسیب شناسی دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲ - ۱۰

۱۰- سرگرمی انسان به دنیا ، عامل بی توجهی به وحی و دین الهی

ما یأتیهم من ذکر . .. و هم یلعبون

جمله <و هم یلعبون> حال برای ضمیر فاعلی <استمعوه> و بیانگر وضعیت مشرکان و مردم حق گریز است. این وضعیت می تواند در حق گریزی و بی اعتنایی به پیام های الهی مؤثر باشد. گفتنی است جمله <لاهیه قلوبهم> در صدر آیه بعد که حال برای مبتدا در جمله <و هم یلعبون> است همین برداشت را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳ - ۲،۳،۹

۲- کافران ، همواره درصدد جلوگیری از راه خدا و در پی ممانعت از گسترش تعالیم الهی هستند .

للکفرین . .. الذین ... و یصدّون عن سبیل الله

۳- کافران ، همواره در پی کج جلوه دادن راه و تعالیم الهی هستند .

للکفرین . .. الذین ... و یصدّون عن سبیل الله و یبغونها عوجًا

۹- دلبستگی به دنیا و ترجیح دادن آن بر آخرت ، زمینه ساز دین ستیزی و کفر است .

الذین یستحبّون الحیوه الدنیا علی الأخره و یصدّون عن سبیل الله

تقدیم <یستحبّون الحیاه الدنیا> بر جمله <و یصدّون عن سبیل الله و یبغونها عوجاً> احتمالاً بیانگر معنای یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ -

۳- لجاجت و هدایت ناپذیری ، عامل عدم تسلیم و مقاومت در برابر تعالیم آسمانی

و لو فتحنا علیهم بابًا من السّماء فظلّوا فیه یعرجون . لقالوا إنما سکّرت أبصرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۰ - ۴

۴- التقاط در دین (پذیرش قسمتی از دین و انکار برخی دیگر) گناهی بزرگ و زمینه ساز نزول عذاب الهی است .

کما أنزلنا علی المقتسمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۵ - ۳

۳- کفر و حق ناپذیری ، منشأ دروغ پردازی و افترا بستن به حقایق دین است .

إنما یفتری الکذب الذین لایؤمنون بأیت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۶ - ۱

۱- نسبت دادن برداشت های شخصی ، بی اساس و دروغین خود به دین ، حرام و ممنوع است .

و لاتقولوا لما تصف ألسنتکم الکذب هذا حلل و هذا حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۴ - ۵

۵- پیش داوری های مبتنی بر ملاک های غلط ، مانع برخورد صحیح با تعالیم انبیاست .

و ما منع الناس . .. إذ جاءهم الهدی إلّا أن قالوا أبعث الله بشرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۶ - ۳

۳- غفلت از معاد و تردید در آن ، معلول دل بستگی شدید به دنیا است .

أنا أكثر منك مالاً . .. قال ما أظنّ أن تبيد هذه أبدًا . و ما أظنّ

الساعه قائمه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۴۸ – ۱۶

۱۶– انکار معاد ، نکوهیده تر از دل بستگی به زندگانی دنیا و دارای نقشی مؤثرتر در آن در پیدایش شرک

لقد جئتمونا کما خلقناکم أوّل مرّه بل زعمتم ألّن نجعل لکم موعدًا

حرف <بل> برای اضـراب و نشان نابرابر بودن مابعـد و ماقبل آن است. در این برداشت، تشبیه در <کما خلقناکم>، ناظر به مال و فرزند نداشتن انسان در آغاز خلقت و هنگام اعاده آن، دانسته شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۷۷ – ۵

۵– رفاه طلبی و قدرت خواهی ، از عوامل ارتداد

کفر بأیتنا و قال لأُتینّ مالاً و ولدًا

ظاهر عبارت <کفر بأیاتنا> به قرینه <لأُوتینّ> که برای استقبال است حدوث کفر است نه استمرار آن.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۶ – ۵،۶

۵ – کافران به آیین و برنامه های الهی ، درصدد بازداشتن مردم از گرایش به دین و عمل به آن هستند . *

فاعبدنی . .. فلایصدّنک عنها من لایؤمن بها

مرجع ضـمیر <عنهـا> و <بها> ممکن است تمامی تعالیم و رهنمودهای آموخته شـده به موسـی(ع) در وادی طوی (توحیـد، لزوم عبادت و نماز، معاد و کیفر و پاداش الهی) باشد.

۶ – پیروی از هوا ها و امیال نفسانی ، در پی دارنده کفر و بی ایمانی به قیامت است .

من لایؤمن بها واتبع هویه

<اتبع> ماضی است و عطف بر <لایؤمن> که مضارع است; بنابراین پیروی از هوس ها که در زمان قبل

انجام گرفته است، سبب بی ایمان در زمان بعد خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۱ - ۱۳

۱۳ روحیه خود برتربینی و خوی تجاوزگری ، از موانع پذیرفتن حق و ایمان آوردن

لقد استکبروا فی أنفسهم و عتو عتوًّا کبیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۱ - ۵

۵ - اشرافیت و بینش غلط طبقاتی ، مانع از ایمان آوردن به پیامبران

قالوا أنؤمن لک و اتبعک الأرذلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۶ - ۳

۳ - رفاه و توانمندی قوم عاد ، زمینه ساز کفر و لجاجت آنان در برابر هود (ع)

و اتّقوا الذی أمدّکم . .. أمدّکم بأنعم و بنین ... قالوا سواء علینا أَوَعظت أم ل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۳ - ۳

۳ - سرمستی ، رفاه زدگی ، اسراف گری و فسادانگیزی ثمودیان ، مانع درک آنان از مفاهیم بلند و آسمانی پیام صالح (ع)

قالواإنّما أنت من المسحّرین

بیان رفاه مندی، اسراف گری و فسادانگیزی ثمودیان، پیش از ذکر موضع گیری آنان در مقابل صالح(ع)، می توانـد نشان دهنده این حقیقت باشد که آنچه سبب شد، ثمودیان مفاهیم مهم معرفتی صالح(ع) را، کلماتی جنون آمیز، بیهوده و گزاف به شمار آوردند و او را فردی افسون شده بخوانند; این بود که آنان گرفتار غرور، سرمستی، اسراف و فسادگری شده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۶ - ۱۸۵ - ۳

۳ - دنیاطلبی و فسادانگیزی مردم اَیکه ، مانع درک آنان از مفاهیم بلند وآسمانی پیام شعیب (ع)

قالوا إنّما أنت من المسحّرین

بیان تقلب مردم <ایکه> در معاملات و روحیه فسادانگیزی آنان (پیش از ذکر موضع گیری آنها در مقابل شعیب(ع) می تواند نشانگراین باشد که آنچه سبب شد تا مردم ایکه مفاهیم مهم معرفتی آن حضرت را جنون آمیز، بیهوده و گزاف به شمار آورده و او را فردی افسون شده بخوانند، این بود که آنان گرفتار دنیاطلبی و فسادانگیزی شده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۳ - ۱

۱ - محیط و عادت های شرک آلود ، مانع هدایت بلقیس به راه راست و یکتاپرستی در گذشته عمر وی

و صدّها ما کانت . .. إنّها کانت من قوم کفرین

<صَدّ> (مصدر <صَدَّ>) به معنای منع و بازداشتن است. متعلق <صَدَّ> محذوف و به تقدیر <صدّها عن السبیل> می باشد. برداشت یاد شده بدان احتمال است که آیه یاد شده ناظر به پاسخ این پرسش باشد که بلقیس چرا پیش از این ماجرا (ماجرای میان او و سلیمان(ع)) با فراستی که داشت، از راه راست منحرف شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲ - ۳

۳ - ایمان ، در عین فضیلت آفرینی ، ممکن است که انسان را دچار خودفریبی کند .

أحسب الناس أن یترکوا أن یقولوا ءامنّا و هم لایفتنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۲ - ۱،۱۰

۱ - اغواگران کافر

، برای مرتد ساختن مسلمانان ، در تلاش بودند .

و قال الذين كفروا للذين ءامنوا اتّبعوا سبيلنا و لنحمل خطيكم

برعهـده گرفتن بـار خطـای مسـلمانان، از سوی کـافران، با بیان فعل امر (لنحمل خطایاکم) هنگام دعوت از آنان برای تبعیت از خط و راه کافران، حکایت از نوعی برخورد اغواگرانه دارد.

۱۰ – فریب دادن با تمسک به دروغ و پذیرش مسؤولیت خطا ، از راه های ایجاد انحراف دینی است .

و قال الذين كفروا للذين ءامنوا اتّبعوا سبيلنا و لنحمل خطيكم . .. إنّهم لكذبون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۳۳ – ۱۱

۱۱ – گروهی از مردم ، به هنگام برخورداری از رفاه و آسایش و رهیدن از خطرات و سـختی ها ، ناسپاسـی می کنند و شـرک میورزند .

و إذا مسّ الناس ضرّ . .. ثمّ إذا أذاقهم ... إذا فريق منهم بربّهم يشركون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۶ – ۲،۳،۴،۵،۸،۱۲

۲ – برخی از کافران عصـر پیامبر ، به منظور دور ساختن مردم از هـدایت قرآنی ، داسـتان های بیهوده را فرامی گرفتند و ترویج می دادند .

و من الناس من يشترى لهو الحديث ليضلّ عن سبيل اللّه

درباره این که <مراد از <من الناس> در این آیه و نیز <خرید حدیث لهو> چیست؟>، مفسـران گفته اند، بعضی از کافرانِ مکه، به کشورهاییماننـد ایران مسافرت می کردنـد و کتاب های افسانه می خریدنـد و یا می آموختنـد و آنها را به مکه منتقل می کردند و به منظور مبارزه با قرآن، رواج می دادند. لازم به

ذکر است که مراد از <سبیل اللّه> در این آیه، به قرینه آیات آغاز سوره، می تواند قرآن باشد.

۳ - کافران ، به منظور منحرف ساختن جامعه از راه خدا و ترویج باطل ، سرمایه گذاری می کردند .

و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضلّ عن سبیل اللّه

آورده شدن فعل مضارع <یشتری> و <یضلّ> دلالت بر تلاش های مستمر می کند.

۴ - داستان های خرافی و سرگرمی های واهی ، ابزار کافران برای مبارزه با دین بود .

و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضلّ عن سبیل اللّه

۵ - کافران مکه برای بازداشتن مردم از گوش فرا دادن به آیات قرآن و سخنان پیامبر (ص) کنیزان آوازه خوان را می خریدند و مردم را به آواز مشغول می کردند .

و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضلّ عن سبیل اللّه

منظور از <لهوالحدیث> طبق برخی از شأن نزول ها، غنا است که به وسیله کنیزانی خوانده می شد. لازم به گفتن است که طبق این معنا <اشتراء> حقیقی است.

۸ - غنا و نغمه های مفسده انگیز ، ابزار کافران برای گمراه کردن مردم از راه خدا است .

و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضلّ عن سبیل اللّه

۱۲ - از اهداف رواج دهندگان افسانه های باطل و خرافی در میان مردم ، به تمسخر گرفتن راه خدا است .

یشتری لهو الحدیث لیضلّ . .. و یتّخذها هزوًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۷ - ۷

۷ - برخورد منفی با آیات الهی ، مانع از پذیرش آنها است .

و من الناس من یشتری لهو الحدیث

ليضلّ عن سبيل اللّه . .. و إذا تتلى عليه ءايتنا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۲،۹،۱۴

۲ - تعصّب و تقليد كور از نياكان ، مانع گرايش كافران به پيروى از قرآن و تعاليم آسمانى است .

و إذا قيل لهم اتّبعوا ما أنزل اللّه قالوا بل نتّبع ما وجدنا عليه ءاباءنا

۹ - آداب و رسوم اقوام ، در هدايت و يا گمراهى نسل ها آنان ، تأثيرى قابل توجّه دارد .

و إذا قيل لهم اتّبعوا ما أنزل اللّه قالوا بل نتّبع ما وجدنا عليه ءاباءنا

۱۴ - شيطان ، بازدارنده انسان ها از تبعيت از دين است .

اتّبعوا ما أنزل اللّه قالوا بل نتّبع . .. أوَ لو كان الشيطن يدعوهم إلى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۵ - ۱۵

۱۵ - جهل و بى خبرى مشركان ، باعث قبول نكردن دين الهى و روى آوردن آنان به آيين و سنت هاى بى پايه پدران خود است .

و إذا قيل لهم اتّبعوا ما أنزل اللّه قالوا بل نتّبع ما وجدنا عليه ءاباءنا . .. و

برداشت بالا، براساس اين احتمال است كه <لايعلمون> مفعولٌ به و متعلق نداشته باشد و درصدد نفى علم از مشركان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۱۹

۱۹ - رحمانيت خدا ، مورد سوء استفاده اغواكنندگان ، در غافل ساختن انسان از قيامت و كيفر اَعمال است .

و لايغرّنّكم باللّه الغرور

<باء> در <باللّه> سببى است و مراد از آن، اين است كه شيطان

و یـا هر موجود فریبنـده ای، به وسـیله ذکر خـدا و برخی از اوصاف او، هماننـد رحمانیت و یا غفاریت، چه بسا انسان را مغرور کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۶۷ – ۳

۳ – پیروی بی چون و چرا (و بی منطق) از بزرگان ، راهزن خِرد دینی است .

ربّنا إنّا أطعنا سادتنا و کبراءنا فأضلّونا السبیلا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۲۱ – ۹

۹ – تردید هرچند اندک درباره اصول عقیده ، درپی دارنده فاجعه ای عقیدتی و رفتاری

فاتّبعوه . .. و ما کان له علیهم من سلطن إلاّ لنعلم ... ممّن هو منها فی شکّ

تنوین <شکّ> برای تقلیل است و دلالت بر ناچیزی و اندکی دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳۳ – ۸

۸ – تأثیر تبلیغات منحرفانه در آسیب زدن به آیین درست و جای گزین کردن اعتقاد باطل به جای آن

و قال الذین استضعفوا للذین استکبروا . .. تأمروننا أن نکفر باللّه و نجعل له أنداد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۴۳ – ۷

۷ – پافشاری بر تقلید از آیین نیاکان و گذشتگان ، از جمله موانع پذیرش دین حق

و إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت قالوا ما هذا إلاّ رجل یرید أن یصدّکم عمّا کان ی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۴۵ – ۴

۴ – برخورداری ملت های کفرپیشه از مال

و امکانات فراوان ، سبب ایستادگی آنها در مقابل پیامبران و تکذیب آنان شد .

و ما بلغوا معشار ما ءاتینهم فکذّبوا رسلی

جمله <و ما بلغوا. ..> معترضه است و <فا> در <فکذّبوا> عاطفه می باشد. ذکر جمله معترضه بین معطوف و معطوف علیه، می رساند که تکذیب پیامبران از سوی ملت های دارای امکانات، متأثر از برخورداری آنان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۵ - ۸

۸ - دین و معارف الهی ، در معرض کج فهمی و تحریف معنوی با توطئه فریبکاران

و لایغرنّکم باللّه الغرور

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که فریب خوردن انسان به وسیله فریبکاران درباره خداوند و دین او، می تواند با تحریف معارف الهی و معرفی نادرست آن صورت پذیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۳ - ۱

۱ - استکبار و حیله گری مشرکان ، دو عامل تنفر و دوری آنان از گرایش به اسلام و دین الهی

فلمّا جاءهم نذیر ما زادهم إلاّ نفورًا . استکبارًا فی الأرض و مکر السّیّیِ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که <استکباراً> مفعول لأجله بوده و <مکر السّیّیِ> نیز بر آن عطف شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۵ - ۱۲

۱۲ - بی تقوایی ، زمینه ساز انحراف از مسیر حق و افتادن در دام آیین شرک و بت پرستی

إذ قال لقومه ألاتتّقون . أتدعون بعلاً و تذرون أحسن الخلقین

برداشت یاد شده به دلیل این نکته است که الیاس(ع)، پیش از

سرزنش قوم خود به جهت گرویدن آنان به آیین شرک، آنان را به دلیل بی تقوایی سرزنش کرده است و این مطلب می رساند که بی تقوایی، زمینه ساز گرایش به آیین های باطل (همچون بت پرستی) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۳

۳ - روح لجاجت و ستیزه جویی ، از عوامل انکار آیات الهی و نپذیرفتن حق

کذلک یؤفک الذین کانوا بأیت اللّه یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۰ - ۲

۲ - روح لجاجت و ستیزه جویی ، از عوامل دین ستیزی و حق ناپذیری

الذین یجدلون فی ءایت اللّه . .. الذین کذّبوا بالکتب و بما أرسلنا به رسلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۵ - ۳

۳ - افراط در شادمانی و زندگی سرمستانه ، زمینه ساز غفلت از حقایق و معارف الهی و انکار و تکذیب آنها

الذین کذّبوا بالکتب . .. ذلکم بما کنتم تفرحون فی الأرض بغیر الحقّ و بما کنتم تم

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که مشار الیه <ذلکم> تکذیب کافران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۳ - ۱۹،۲۰

۱۹ - اختلافات پیروان شریعت ، مانع حیات و قوام دین در جامعه .

أن أقیموا الدین و لاتتفرّقوا فیه

برداشت بالاـ بر این اساس است که عطف جمله <لاـتتفرّقوا فیه> بر <أقیموا الدین>، عطف تفسیری و از نوع یکی از متلازمین بر دیگری باشد.

۲۰ - اکتفا به انجام برخی از تعالیم

شریعت ، خطری برای کلیت دین

أقیموا الدین و لا تتفرّقوا فیه

برداشت یاد شده باتوجّه به دو مطلب زیر است: الف) مراد از <لاتتفرّقوا> عمل به برخی از دستورات و ترک بعضی دیگر باشد. ب) فعل <لاتتفرّقوا> تفسیر و تأکید برای <أقیموا الدین> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۶ - ۵

۵ - دلبستگی به زندگی دنیایی ، منشأ اصلی مجادله در آیات الهی و انکار آن است .

و یعلم الذین یجدلون . .. فما أُوتیتم من شیء فمتع الحیوه الدنیا

با توجه به فای تفریع در <فما أُوتیتم>، می توان استفاده کرد که مجادله در آیات الهی و انکار آن، از دنیامحوری برخاسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۱۷

۱۷ - دلخوشی به مظاهر دنیا و کفران و ناسپاسی انسان ، موجب روی گردانی وی از پیام وحی است .

فإن أعرضوا . .. فإنّ الإنسن کفور

جمله <و إنّا إذا . .. کفور> می تواند اشاره به وجه اعراض و روی گردانی کافران از پیام وحی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - عنصر رفاه و استکبار ، مایه انکار تمامی پیامبران و مقابله با همه ادیان الهی

قالوا إنّا بما أرسلتم به کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۰ - ۱

۱ – تصور ناقص انسان از خداوند و گستره علم وی ، زمینه ساز فروغلتیدن وی در دام حق ستیزی و مبارزه با پیامبران

أم أبرموا أمرًا

. .. أم يحسبون أنّا لانسمع سرّهم و نجويهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۹ – ۴

۴- سرگرمی در میدان تردید و توقف در وادی شک و مصمم نبودن برای رسیدن به یقین ، مایه محرومیت انسان از درک پیام مستدل وحی

إن کنتم موقنین . .. بل هم فی شکّ یلعبون

تعبیر <فی شکّ> استقرار در شک را می رساند; به علاوه آن که <یلعبون> آن را تأکید می کند. از مقابله این آیه با <إن کنتم موقنین>، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۲۲ – ۵

۵- فراگیری فساد و غوطهوری مردم در جرم و گناه ، مانع نفوذ منطق مستدل وحی در ایشان

فدعا ربّه أنّ هؤلاء قوم مجرمون

دعای موسی(ع)، شکوه ای از روی یأس و ناامیدی از ایمان فرعونیان به درگاه خداوند بود. تعبیر <أنّ هؤلاء...> بیانگر علت ناامیدی موسی(ع) از تأثیر سخنانش در فرعونیان می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۱۸ – ۱۱

۱۱ – تأثیرپذیری از خواسته ها و امیال ناآگاهان ، ناسازگار با اجرای صحیح و بایسته شریعت

ثمّ جعلنک علی شریعه من الأمر فاتّبعها . و لاتتّبع أهواء الذین لایعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۱ – ۷

۷- بینش طبقاتی ، عامل کفر و حق ناپذیری

و قال الذین کفروا . .. لو کان خیرًا ما سبقونا إلیه

از آیه شریفه استفاده می شود که کافران، به نوعی روحیه استکباری ناشی از اشرافیت گرفتار

بودند و مؤمنان را از طبقه حقیر و پایین به شمار می آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۸،۱۱

۸- عدم درک کافران نسبت به وحی و سخنان پیامبر (ص) ، ناشی از هواپرستی و تیرگی قلب آنان

قالوا . .. ماذا قال ... أولئک الذین طبع اللّه علی قلوبهم و اتّبعوا أهواءهم

بنابر این که تعبیر <طبع اللّه علی قلوبهم> به عنوان علت <یستمع إلیک . .. قالوا ... ماذا قال آنفاً> یاد شده باشد و نه معلول آن برداشت بالا استفاده می شود.

۱۱- هواپرستی ، مانع درک حقایق وحی و عامل مهر شدن قلب انسان به اراده خداوند *

أولئک الذین طبع اللّه علی قلوبهم واتّبعوا أهواءهم

جمله <واتّبعوا أهوائهم> می تواند بیانگر علت <طبع اللّه . ..> باشد; چه این که <طبع اللّه> می تواند بیانگر علت ناتوانی کافران و منافقان از درک پیام وحی به شمار آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۴ - ۴

۴ - بادیه نشینی ، از عوامل کندی نفوذ فرهنگ و معارف عمیق دین در میان اعراب *

قالت الأعراب ءامنّا قل لم تؤمنوا

از این که خداوند وصف بدویت [اعراب] را مورد اشاره و موضوع سخن قرار داده است، احتمال معنای یاد شده می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۱ - ۳

۳ - روحیه ناباوری و سطحی نگری ، مانع رهجویی انسان به شناخت آیات الهی

ءایت للموقنین . ..أفلاتبصرون

تصریح به <موقنین> و توبیخ کافران با عبارت <أفلاتبصرون>، می رساند

که مشکل اصلی آنان که آیات الهی را در زمین و وجود انسان، نمی بینند و یا پیام آن را درک نمی کنند سست اندیشی، ناباوری و سطحی نگری است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۴۴ – ۳

۳ – کفر و لجاجت ، مانع درک حقیقت نشانه های الهی

و إن یروا. .. یقولوا سحاب

آنچه حقیقتاً پاره های عذاب را در چشم کافران تکه های متراکم ابر جلوه می دهد، لجاجت و حق ستیزی آنان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۲۷ – ۴

۴ – ناباوری به معاد ، زمینه ساز پیدایش و رشد عقاید خرافی و انحرافی در دین

إنّ الذین لایؤمنون بالأخره لیسمّون الملئکه تسمیه الأُنثی

از این که عدم ایمان به آخرت، موضوع برای عقاید انحرافی و خرافی مشرکان قرار داده شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۲۹ – ۲

۲ – دنیامداری و پندارگرایی ، مانع اصلی نفوذ تبلیغ پیامبر (ص) در مشرکان

إنّ الذین لایؤمنون بالأخره . .. إن یتّبعون إلّا الظنّ ... فأعرض عن من تولّی

از فای تفریع در <فأعرض>، استفاده می شود که بی اعتقادی مشرکان به آخرت و نیز اتکای آنان بر حدس و گمان، موجب شده بود که آنان قابلیت خود را برای تأثیرپذیری از رهنمودهای پیامبر(ص)، از دست بدهند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ممتحنه – ۶۰ – ۱۰ – ۳۱

۳۱ - تردید در عالمانه و حکیمانه بودن

احکام دین و انطباق آن با مصالح واقعی بشر ، از عوامل عدم پایبندی به آن *

ذلکم حکم اللّه . .. و اللّه علیم حکیم

برداشت یاد شـده با توجه به این نکته است که پس از بیان حکم الهی، برای تأکید بیشتر بر اهمیت این حکم و پایبندی مؤمنان به آن، موضوع علم و حکمت صادرکننده آن حکم تذکر داده شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۲۱ – ۹

۹ – قدرت سیاسی و اقتصادی ، زمینه ساز کفر و حق ناپذیری

و اتّبعوا من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مزمل – ۷۳ – ۱۱ – ۵

۵ – رفاه و قدرت اقتصادی ، از زمینه های حق ناپذیری و دین گریزی

و المکذّبین أُولی النعمه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۵ – ۴

۴ – هوا های نفسانی ، مانع پذیرش حقایق دینی و ایمان و اذعان به آن

بل یرید الإنسن لیفجر أمامه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۲۰ – ۱،۲

۱ – علاقه و دلبستگی به دنیا ، از علت های کفر به قیامت و پرسش های انکارآمیز کافران درباره معاد

بل یرید الإنسن لیفجر أمامه . یسئل أیّان یوم القیمه ... کلاّ بل تحبّون العاجله

برداشت یاد شده، بر این اساس استوار است که آیه شریفه مرتبط با آیه ۵ و ۶ همین سوره (بل یرید الإنسان لیفجر أمامه . یسئل أیّان یوم القیامه) باشد.

۲ - نقدطلبی و نداشتن دوراندیشی

، ریشه دلبستگی به دنیا و ر ها کردن آخرت

کلاّ بل تحبّون العاجله

کاربرد واژه <عاجله> (از ماده <عجله>) به جای <الـدنیا> می رسانـد که نقد بودن متاع دنیا و امکان دستیابی سـریع تر به آن، نقش عمده ای در دنیاخواهی و آخرت گریزی کافران دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۲۸ – ۵

۵ – باور نداشتن معاد ، زمینه ساز انکار تعالیم الهی و آموزه های دینی است .

لایرجون حسابًا . و کذّبوا بایتنا کذّابًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۵ – ۳

۳ – ثروت و امکانات مادی ، زمینه ساز بازماندن از تلاش برای درک معارف الهی و غافل سازنده انسان از عاقبت خویش *

أمّا من استغنی

مراد از <اسـتغناء> ممکن است داشتن مال و ثروت باشد. در این صورت به قرینه <جاءک یسعی و هو یخشی> در توصیف جبهه مقابـل می تـوان گفت ثروتمنـدان در معرض ترک حضـور در مجـالس دینی و خودداری از تلاش برای آموختن دین و دچار محرومیت از خشیت هستند.

ابتلای جامعه دینی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۲۵ – ۵

۵ تخلف از دسـتورات حیـاتبخش و زیربنایی خـدا و رسول ، مایه بروز فتنه هایی فراگیر و نزول عـذابی شدیـد بر تمامی جامعه ایمانی

إذا دعاکم لما یحییکم . .. و اتقوا فتنه لاتصیبن الذین ظلموا منکم خاصه

از مصادیق مورد نظر برای ستمکاری (ظلموا)، به قرینه آیه قبل، تخلف از دستورات حیاتبخش و زیربنایی خدا و رسول است.

ابتلائات جامعه

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۶ - ۱۴

۱۴ گرفتاری های جوامع انسانی ، کیفر اعمال ناشایست خود آنان است .

فأخذنهم بما كانوا يكسبون

ابتلائات جامعه بی تقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۴ - ۶

۶ گرفتار ساختن جوامع کفرپیشه و بی تقوا به سختی ها و محنت ها برای روی آوردن آنان به خداوند از سنت های الهی است .

و ما أرسلنا . .. أخذنا أهلها بالبأساء و الضراء لعلهم يضرعون

اتحاد جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۴

۴ حراست از وحدت جامعه ایمانی و دور نگاهداشتن آن از کینه و دشمنی فلسفه تحریم شراب خواری و قماربازی

انما يريد الشيطن ان يوقع بينكم العدوه و البغضاء

اجرت کارگزاران جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۱۰

۱۰ کارگزاران حکومت و ارائه کنندگان خدمات به جامعه اسلامی ، دارای استحقاق دریافت اجرت در قبال عمل خویش

إنما الصدقت للفقراء . .. و العملين عليها

برداشت فوق بـدین احتمال است که اسـتحقاق اجرت در برابر کار، اختصاص به کار جمع آوری صدقات نداشـته باشد ; بلکه تمامی کارگزاران حکومت، مستحق دریافت اجرت باشند.

اجل جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴ - ۱

۱- هلاکت و نابودی هر جامعه انسانی ، دارای قانون و اجلی مکتوب و معین

و ما أهلکنا من قریه إلاّ و لها کتاب معلوم

احتجاج

رهبران جامعه اسلامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۰۸ – ۸

۸ لزوم بهره مندی رهبران جامعه اسلامی و مبلغان دینی از بصیرت و بینایی و داشتن حجت روشن بر اتخاذ راه ها و روشها

قل هذه سبیلی أدعوا إلی الله علی بصیره أنا

احسان به جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۰ – ۲۱

۲۱ همه حرکت های دینی ، حتی مبارزه و جهاد ، در راه سازندگی و احسان به جامعه بشری است .

لا یصیبهم ظمأ و لا نصب و لا مخمصه فی سبیل اللّه . .. إن اللّه لا یضیع أجر المحسن

اختلاف جامعه دینی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۲ – ۹

۹ اختلاف و نزاع در جامعه ایمانی بر سر دنیا و غنایم آن ، به دور از شأن مؤمنان واقعی

یسئلونک عن الأنفال . .. إنما المؤمنون ... وجلت قلوبهم ... و علی ربهم

بیان ویژگیهای یاد شده پس از اشاره به اختلاف و نزاع مسلمانان بر سر غنایم جنگی، اشاره به این دارد که رسیدن به مقام بلند ایمان، آدمی را از شیفتگی به مال دنیا و متأثر شدن از آن و در نتیجه نزاع کردن بر سر آن، باز خواهد داشت.

ادیان و جامعه قدرتمند

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۵۲ – ۱۴

۱۴ به وجود آوردن جامعه های نیرومند و توانا ، از هدف های پیامبران وادیان الهی است .

و یزدکم قوّه إلی قوّتکم

ارزش

خدمت به جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۱۴ – ۳

۳ ارزش والای خدمت به جامعه

من امر بصدقه او معروف او اصلح بین الناس

استفاده از جامعه اسلامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۲۰ – ۳

۳ – بهره بردن از مزایای جامعه اسلامی و به کنار نشستن به هنگام دشواری ها و سختی ها ، از ویژگی های منافقان است .

و إذا أظلم علیهم قاموا

استقلال جامعه اسلامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۹ – ۳۶

۳۶– جامعه اسلامی در عصر بعثت ، جامعه ای مستحکم ، مستقل و خلّاق

کزرع أخرج شطه فازره فاستغلظ فاستوی علی سوقه

خداوند، در مقام توصیف پیامبر(ص) و یاران آن حضرت، اوصافی را که برای آنان یاد کرده است. این اوصاف عبارت است از: <استغلظ> (استحکام)، <استوی علی سوقه> (استقلال) و <یعجب الزرّاع> (زایندگی و خلاقیت).

استهزای جامعه دینی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴ – ۶

۶ - استهزای مسلمانان و به تمسخر گرفتن جامعه ایمانی ، هدف منافقان در تظاهر به اسلام

قالوا ءامنا . .. إنما نحن مستهزءون

اسرار جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۷ - ۵

۵ افشای اسرار جامعه اسلامی ، خیانت به خدا ، رسول اکرم (ص) و مؤمنان است .

لاتخونوا اللّه و الرسول

شأن نزول آیه درباره فردی از مسلمانان صدر اسلام است که برخی از اسرار نظامی

جامعه را فاش کرد. بنابراین افشای اسرار نظامی جامعه ایمانی، از مصادیق مورد نظر برای خیانت به خدا و رسول است.

اسلام شناس در جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۸

۸ هر جامعه و قومی نیاز به اسلام شناس و فقیه و مبلغی برخاسته از میان خودشان دارد .

فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقهوا فی الدین و لینذروا قومهم

اسلام و جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۱۳

۱۳ مناسبات تنگاتنگ میان احکام و قوانین فردی اسلام با مصالح جامعه

فکفّرته اطعام عشره مسکین . .. او تحریر رقبه

اصالت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۳ - ۱۱

۱۱ تأثیر عقاید و اعمال امت ها در تحولات اجتماعی آنان

ذلک بأن اللّه لم یک مغیرا نعمه أنعمها علی قوم حتی یغیروا ما بأنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۹ - ۷

۷ هر جامعه ای ، جدا از افرادش ، دارای حقیقتی مستقل و از مرگ و زندگی ویژه برخوردار است .

لکل أمه أجل

اصلاح جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۲ - ۲۰

۲۰ قوانین الهی ، برای اصلاح و پاکسازی خانواده و جامعه

فلا تعضلوهنّ ان ینکحن . .. ذلکم ازکی لکم و اطهر و اللّه یعلم و انتم لا تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران

- ۳ - ۱۱۰ - ۷،۹

۷ اصلاح جوامع بشری ، مسؤولیت جامعه اسلامی

کنتم خیر أمّه أخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر

۹ نظارت همگانی و اصلاح جوامع (امر به معروف و نهی از منکر) ، نگهدار ایمان به خداوند *

کنتم خیر أمّه أخرجت للناس تأمرون . .. و تؤمنون باللّه

تقدم <امر به معروف و نهی از منکر> در آیه شریفه بر <ایمان>، علی رغم تقدم ذاتی ایمان بر آنها، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۲ - ۱۵

۱۵ اصلاح امور جامعه بنی اسرائیل از دستورالعمل های موسی به برادر و خلیفه خود هارون

و أصلح

چون فرمان به اصلاح پس از انتخاب هارون به سرپرستی بنی اسرائیل آمده است، معلوم می شود مراد، اصلاح امور اجتماعی، فرهنگی و . .. بنی اسرائیل است، نه درستکاری هارون در امور شخصی خودش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۱۳

۱۳ تلاش برای اصلاح جامعه و نهی از منکر ، امری لازم بر عهده همگان

قالوا معذره إلی ربکم و لعلهم یتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۲۱،۲۴

۲۱ شعیب (ع) تا حد توان و استطاعتش در اصلاح جامعه کوشید و با فساد مبارزه کرد .

إن أُرید إلّا الإصلح ما استطعت

حرف <ما> در <ما استطعت> ظرفیه مصدریه است; یعنی، به معنای مدت و زمان می باشد و فعل پس از خود را به تأویل مصدر می برد. بنابراین <إن

اُرید ...>; یعنی: <مده استطاعتی الإصلاح ما اُرید إلّا الإصلاح>; من در مدت و زمانی که توان اصلاح امور را دارم به جز اصلاح امور را نخواهم خواست>.

۲۴ شعیب (ع) ، موفقیت خویش در اصلاح جامعه را ، در گرو امداد الهی می دانست .

إن أُرید إلّا الإصلح ما استطعت و ما توفیقی إلّا بالله علیه توکلت

<توفیق> در آیه شریفه ، مصدر مجهولی است که به نایب فاعلش (یای متکلم) اضافه شده است و <باء> برای استعانت است. بنابراین <و ما توفیقی ...>; یعنی ، تنها به کمک خداوند بر انجام کارهای خیر ، موفق خواهم بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۲ - ۶،۷

۶ - اصلاح جامعه و از میان بردن فساد ، از اهداف صالح (ع)

و أطیعون . و لاتطیعوا أمر المسرفین . الذین یفسدون فی الأرض و لایصلحون

۷ - اصلاح جوامع بشری و از میان بردن فساد ، از اهداف مهم پیامبران است .

و أطیعون . و لاتطیعوا أمر المسرفین . الذین یفسدون فی الأرض

اصلاح در جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۹ - ۱۵

۱۵ تلاش برای اصلاح بین مسلمانان و رعایت تقوا ، زمینه برخورداری از غفران و رحمت الهی

و إن تصلحوا و تتقوا فإنّ اللّه کان غفوراً رحیماً

اصول رابطه اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۷

۷ حرمت ایجاد روابط دوستی با کسانی که حتی برخی از احکام و شعایر دین را به بازی

گرفته و مورد تمسخر قرار می دهند . *

لاتتخذوا الذین . .. و إذا نادیتم إلی الصّلوه اتخذوها هزواً و لعباً

تحریم دوستی با استهزا کنند گان نماز پس از تحریم دوستی با استهزاکنندگان دین، می تواند گویای این نکته باشد که تمسخر هر یک از احکام اسلام، مصداق استهزای دین است و همان حکم (حرمت ایجاد روابط) را در پی خواهد داشت.

اضرار به جامعه اسلامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۷ – ۷

۷ آسیب رساندن به جامعه اسلامی ، در رأس آرمان ها و اهداف منافقان و کافران

اتخذوا مسجداً ضراراً و کفراً

برداشت فوق با توجه به این است که در رأس همه اهداف <ضراراً> مطرح شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۹ – ۱۳

۱۳ منافقان ، زیان زننده به جامعه اسلامی ، مروج کفر ، تفرقه افکن میان مؤمنان ، ظالم و دوزخی اند .

اتخذوا مسجداً ضراراً و کفراً و تفریقاً . .. و إرصاداً ... فانهار به فی نار جهنم

اعراض از جامعه اسلامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۸۹ – ۲

۲ مسلمانان بریده از جامعه اسلامی و رویگردان از هجرت ، منافق و کافرند .

فما لکم فی المنافقین . .. کما کفروا

اعراض از جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۹ - ۶،۱۰

۶ بریدن از جامعه ایمانی و سر باز زدن از هجرت ، نشانه نفاق و بی ایمانی است .

فلا

تتّخذوا منهم اولياء حتّى يهاجروا فى سبيل اللّه

۱۰ لزوم تعقيب و كشتن منافقان ، در صورت سر باز زدن آنان از هجرت در راه خدا و پيوستن به جامعه ايمانى

فان تولّوا فخذوهم و اقتلوهم حيث وجدتموهم

افساد جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۳۱ - ۷

۷ كشاندن جامعه به فساد و تباهى ، از گناهان كبيره

لا تاكلوا اموالكم بينكم بالباطل . .. و لا تقتلوا انفسكم ... ان تجتنبوا كبائر ما

افساد در جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۲۸

۲ محاربين در صورت فسادانگيزى در جامعه ايمانى ، محكوم به يكى از حدود چهارگانه (قتل ، به دار آويختن ، قطع دست و پا و تبعيد)

انما جزؤا الذين يحاربون اللّه و رسوله . .. او ينفوا فى الارض

برداشت فوق بر اين مبناست كه واو عاطفه در <و يسعون> واو جمع باشد. يعنى حد ذكر شده از آن محاربى است كه فسادگر باشد. تكرار نشدن <الذين> در <يسعون> مؤيد اين معناست.

۸ تلاش براى فساد و تباهى جامعه ايمانى ، ستيزه جويى با خدا و رسول (ص) است .

انما جزؤا الذين يحاربون اللّه و رسوله و يسعون فى الارض فساداً

برداشت فوق بر اين مبناست كه <واو> در <و يسعون> تفسيريه باشد. يعنى فسادگرى در جامعه ايمانى، مصداقى از محاربه با خدا و رسول است.

اقدامات امنيتى در جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۳ – ۵

۵ رهبران جامعه باید احراز

کنند که بیگانگان وارد شده به قلمرو حکومتی آنان ، خرابکار و فسادگر نیستند .

تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض و ما کنا سرقین

امتحان جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۵

۵ - کشته شدن راه خدا ، وسیله ای برای آزمون جامعه ایمانی هستند .

و لنبلونکم بشیء . .. و نقص من الأمول و الأنفس و الثمرت

مصداق مورد نظر برای <نقص الأنفس> - به قرینه آیات قبل - کشته شدگان راه خداست.

امتحان رهبران جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۴ - ۱۳

۱۳ - لزوم آزمون و احراز شایستگی افراد ، قبل از انتخاب آنان برای مدیریت و رهبری جامعه

و إذ ابتلی إبرهیم ربه بکلمت فاتمهن قال إنی جاعلك للناس إماماً

امنیت جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۴ - ۸،۹

۸ وعده خداوند به مصونیت جامعه ایمانی از آسیب مشرکان مکّه در صورت شرکت مسلمانان در جنگ بدر (بدر صغرا)

فقاتل . .. و حرّض المؤمنین عسی اللّه ان یکفّ بأس الّذین کفروا

۹ جهاد ، مایه مصونیّت جوامع ایمانی از گزند کافران و مشرکان

حرّض المؤمنین عسی اللّه ان یکفّ بأس الّذین کفروا

امنیت جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۲ - ۵

۵ جامعه ایمانی به دور از هر گونه شرک و ظلم، از خشم و عذاب خداوند در امان است.

فأی الفریقین أحق بالأمن . .. الذین ءامنوا

... أولئک لهم الأمن

چون در آیه قبل از موحدان و مشرکان به عنوان دو گروه یاد شده و در این آیه نیز از موحدان با صیغه ها و ضمایر جمع یاد شده، چنین برمی آید که امنیت از آن جامعه با هویت جمعی آن است، گر چه آحاد نیز مشمول آن باشند.

انبیا و اصلاح جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۱۱،۱۳،۱۸،۲۵،۲۸

۱۱ جامعه بشری ، نیازمند بعثت پیامبران برای حل اختلافات (هدایت جامعه)

فبعث اللّه النبیّن . .. لیحکم بین الناس فیما اخلتفوا فیه

۱۳ حکومت ، داوری و حل اختلافات مردم ، از اهداف بعثت پیامبران و نزول کتاب های آسمانی

و اَنزل مَعهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس

۱۸ اتّحاد و تشکّل جوامع بشری ، از اهداف پیامبران و ادیان الهی

فبعث اللّه . .. و انزل ... لیحکم بین الناس فیما اختلفوا فیه

۲۵ ارتباط نزدیک میان محتوای تعالیم انبیا و مشکلات مردم

و انزل معهم الکتاب لیحکم بین الناس فیما اختلفوا فیه

۲۸ سرکشی و ظلم (بَغی) عالمان دین ، مانع تحقق اهداف انبیا (اتحاد مردم بر اساس دین حقّ)

و ما اختلف فیه الا الذین اوتوه من بعد ما جاءتهم البیّنات بغیاً بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۴ - ۷

۷ وظیفه رسولان الهی ، راهنمایی و پیام آوری است و وظیفه مردم ، پیمودن آن راه بر اساس پیام های آن رسولان

و ما محمّد الّا رسول قد خلت من قبله الرّسل افاین مات

جمله <و ما

محمّد . .. >، تعیین کننده وظیفه رسولان الهی (پیام آوری) است و جمله <افائن مات ... >، تعیین کننده وظیفه مردم است که باید همواره (چه رسولان در میانشان باشند و یا نباشند) پایبند به آن پیامها باشند.

انبیا و جامعه قدرتمند

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۵۲ – ۱۴

۱۴ به وجود آوردن جامعه های نیرومند و توانا ، از هدف های پیامبران وادیان الهی است .

و یزدکم قوّه إلی قوّتکم

انحطاط جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۲۳ – ۱۱

۱۱ یادآوری وضعیّت نابهنجار یک جامعه در هنگام رکود و انحطاط ، از روش های تربیتی قرآن در تصحیح حرکت آن جامعه

و اذ غدوت من اهلک . .. و اذ همّت طائفتان ... و لقد نصرکم اللّه ببدر و انتم اذلّه

انحطاط معنوی جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۴ – ۷

۷ تخلف جوامع از فرامین خدا، موجب سقوط معنوی آن جوامع و زمینه ساز گرفتاری آنان به عذاب دنیوی (عذاب استیصال).

و لاتتبعوا . .. و کم من قریه أهلکنها

برداشت فوق بر این اساس است که <فاء> در <فجاءها> بیانگر ترتیب باشد. بر این مبنا مراد از هلاکت، هلاکت معنوی خواهد بود. یعنی جوامعی در گذشته منحرف شدند و پس از آن گرفتار عذاب الهی گشتند.

انذار جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۲ – ۱۳

۱۳ انذار جامعه ، از هدف های اصلی و

محور تفقه در دین است .

لیتفقهوا فی الدین و لینذروا قومهم

اولیاء الله و جامعه فاسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۹ - ۳

۳ - محیط آلوده به انحراف و فساد ، غیرقابل تحمل برای مردان خدا

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون

اهتمام به رفع گرسنگی جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۴ - ۶

۶ - اهتمام شدید اسلام ، به رفع گرسنگی در جامعه و تغذیه بینوایان

إنّه کان لایؤمن باللّه العظیم . و لایحضّ علی طعام المسکین

از این که تکلیف تغذیه بینوایان و گرسنگان، در ردیف ایمان به خدا و به عنوان عامل عذاب الهی قرار گرفته است; می توان به حقیقت یاد شده پی برد.

اهداف جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۴ - ۱۳

۱۳ نقش مؤثّر حضور دسته جمعی ، در پیشبرد اهداف

و لتکن منکم امه یدعون الی الخیر . .. و اولئک هم المفلحون

<اولئک هم المفلحون>، یعنی: هم المفلحون فیما قصدوا، که قصد آنها، همان دعوت به خیر است. گفتنی است که حضور دسته جمعی، از واژه <امّه> استفاده شده است.

اهل کتاب در جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۴ - ۸

۸ - حق سکونت و زندگی اهل کتاب در جامعه اسلامی ، مشروط به عدم ستیزه جویی و معارضه با حاکمیت اسلام است .

هو الذی أخرج الذین کفروا من أهل الکتب . .. ذلک بأنّهم شاقّوااللّه و رسوله

از تعلیل <ذلک

بأنّهم. ..> استفاده می شود که اگر یهود بنی نضیر، به معارضه با خدا و حکومت پیامبر(ص) نمی پرداختند، محکوم به تبعید نمی شدند و همچون گذشته در کنار مسلمانان زندگی می کردند.

اهمیت اتحاد جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۳ - ۱۰،۱۶

۱۰ ایجاد اختلاف و بر هم زدن وحدت جامعه ، در عین برخورداری از رفاه و آسایش ، کفران و ناسپاسی نعمت های خداوند است .

و لقد بوّأنا بنی إسرءیل مبوّأ صدق . .. فما اختلفوا حتی جاءهم العلم

۱۶ ایجاد اختلاف و بر هم زدن وحدت جامعه از روی عمد ، دارای کیفر اخروی است .

إن ربک یقضی بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

اهمیت اصلاح اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۶ - ۱۱

۱۱- لزوم اصلاح جامعه بشری ، بر مبنای عدالت و اکتفا نکردن به خودسازی

و من یأمر بالعدل و هو علی صرط مستقیم

برداشت فوق، برای این است که خداوند در عین اهمیت دادن به خودسازی با بیان <و هو علی صرط مستقیم>، موضوع دعوت به عدل و اصلاح جامعه را مطرح فرمود و حتی آن را مقدم آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۸

۸ - نخستین وظیفه مبلغان دینی ، پرداختن به هدایت و اصلاح جامعه خویش

لتنذر أُمّ القری و من حولها

از این که انذار <أَمّ القری> به عنوان اولین وظیفه پیامبر در آیه مطرح شده، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

اهمیت اصلاح جامعه

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۰۵ – ۶

۶ اصلاح جامعه و حفظ کشاورزی و نسل ، از ویژگی های حکومت صالح

و اذا تولی . .. لیفسد فیها و یهلک الحرث و النسل

از اینکه خداوند، فساد و . .. را از کارهای حکومتی منافقان می داند; معلوم می شود که در حکومت صالحان، چنین اعمالی نباید باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۱۰ – ۵،۱۲،۱۳

۵ ایمان به خدا و اصلاح جامعه (امر به معروف و نهی از منکر) ، دو عامل رُشد جوامع انسانی

کنتم خیر أمّه أخرجت للناس تأمرون . .. و تؤمنون باللّه

رشد و تکامل جوامع از مصادیق خیر است و آیه فوق، خیر بودن امت را منوط به ایمان و اصلاح اجتماع (امر به معروف و نهی ازمنکر) کرده است.

۱۲ اصلاح جوامع بشری ، هدف مشترک جامعه آرمانی اسلام

کنتم خیر أمّه أخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر

با توجه به واژه <امّه> که در لغت به معنای گروه دارای هدف و مقصد مشترک است، مطلب فوق استفاده می شود.

۱۳ اصلاح جوامع بشری ، فلسفه ای برای ظهور ادیان

کنتم خیر أمّه أخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر

حرف <لام> در <للناس>، بیانگر رعایت و فلسفه ظهور دین است و جمله <خیر امه . .. >، دلالت دارد که همه ادیان عهده دار رسالت اصلاح بشر بوده اند که از میان آنها، امّت اسلامی بهترین امت هستند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ –

۱۳ ایجاد خوشبینی و اصلاح بین مردم حتی با سخن دروغ ، عملی پسندیده

لا خیر فی کثیر من نجویهم الا . .. اصلح بین الناس

امام صادق(ع) درباره <اصلاح بین الناس> فرمود: تسمع من الرجل کلاماً یبلغه فتخبث نفسه فتلقاه فتقول سمعت من فلان قال فیک من الخیر کذا و کذا خلاف ما سمعت منه.

کافی، ج ۲، ص ۳۴۱، ح ۱۶; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۰، ح ۵۶۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۲ - ۲۰

۲۰ اصلاح امور اجتماعی مردم و پرهیز از پیروی از افکار مفسدان ، از وظایف مهم انبیا و رهبران الهی است .

و أصلح و لا تتبع سبیل المفسدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ لزوم اهتمام مؤمنان به اصلاح جامعه و تأمین نیاز های معیشتی آنان ، همپای اهتمام به تکالیف عبادی و فردی

و المؤمنون . .. یأمرون بالمعروف ... و یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه

امر به معروف و نهی از منکر، در راستای اصلاح جامعه و پرداخت زکات در جهت تأمین نیازهای مالی مؤمنان و اقامه نماز از عبادات فردی انسانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۳ - ۵

۵ - وظیفه پیامبران در مراحل نخست ، اصلاح جامعه است ; نه محاکمه مردم بر اعمال جاهلانه گذشته شان .

إن حسابهم إلّا علی ربّی لو تشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۴ - ۲

۲ - لزوم پرداختن به

اصلاح نزدیکان خود ، قبل از اقدام به اصلاح جامعه و تود های مردم

فلاتدع مع اللّه . .. و أنذر عشیرتک الأقربین

بـا توجه به این که رسـالت پیـامبر(ص) جهانی است ولی در این آیات خداونـد نخست انـذار بسـتگان را فرمان داده است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۷ – ۷

۷ – انسان متعهد ، علاوه بر پرداختن به خود ، باید به اصلاح دیگران نیز همت بگمارد .

یبنیّ أقم الصلوه و أمر بالمعروف و انه عن المنکر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عصر – ۱۰۳ – ۳ – ۹

۹ – اصلاح جامعه در کنار اصلاح خویشتن ، ضرورتی اجتناب ناپذیر در ثمربخشی وجود انسان

لفی خسر. إلاّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

اهمیت اعراض از جامعه فاسد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۶۹ – ۴

۴ – لزوم دوری جستن از محیط فساد ، در صورت یأس از اصلاح آن

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون

اهمیت امنیت جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۳ – ۱۰

۱۰ اجرای حدود الهی ، روشی برای مبارزه با فساد اجتماعی و پاسداری از امنیت جامعه

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه و رسوله و یسعون فی الارض فساداً ان یقتلوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۹ – ۱۳

۱۳ برخورداری جوامع از امنیت و نبود هراس برای

تأمین معیشت ، امری مطلوب از دیدگاه قرآن و پیامبران

قال ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنین

اهمیت امور اقتصادی جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۱۳

۱۳ دانش و امانت داری ، شرط تصدّی امور مالی جامعه

اجعلنی . .. إنی حفیظ علیم

اهمیت پاکی جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۱۰

۱۰ تطهیر و تکامل روحی و معنوی جامعه ، هدف اصلی برنامه های اجتماعی و اقتصادی اسلام است .

خذ من أمولهم صدقه تطهرهم و تزکیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۹ - ۴

۴ - سلامت و پاکی مردم در جامعه از فحشا و انحرافات جنسی ، مورد اهتمام دین اسلام است .

إنّ الذین یحبّون أن تشیع الفحشه . .. لهم عذاب ألیم

تعیین کیفر سخت دنیوی و اخروی برای اشاعه دهندگان فحشا در جامعه حاکی از آن است که اسلام برای سلامت و پاکی جامعه اسلامی، بسیار اهمیت قائل است.

اهمیت تأمین نیازهای جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ لزوم اهتمام مؤمنان به اصلاح جامعه و تأمین نیاز های معیشتی آنان ، همپای اهتمام به تکالیف عبادی و فردی

و المؤمنون . .. یأمرون بالمعروف ... و یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه

امر به معروف و نهی از منکر، در راستای اصلاح جامعه و پرداخت زکات در جهت تأمین نیازهای مالی مؤمنان و اقامه نماز از عبادات فردی انسانهاست.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۴

۴ اهمیت حفظ نظم اجتماعی و عدم اخلال در مسایل و نیاز های ضروری جامعه

و ما کان المؤمنون لینفروا کافه فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقهوا فی الدین

برداشت فوق به این دلیل است که خداوند از روی آوردن همه مردم به یک وظیفه (جهاد) و معطل گذاردن سایر امور و وظیفه ها چون کسب دانش دین منع کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱۳

۱۳ کتمان دانش به ویژه در هنگام نیاز جامعه به آن ، امری به دور از شأن انسان های پاک و نیکوکار

قال تزرعون . .. إلّا قلیلًا مما تأکلون

اهمیت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۰ - ۲

۲- فرستادن انبیا از جانب خداوند ، برای جوامع و امتهاست نه افراد . *

و لقد أرسلنا من قبلک فی شیع الأولین

ذکر <شیع> در جمله، در حالی که بدون آن هم معنا تمام بود، مشعر به نکته فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۰ - ۱۰،۱۴

۱۰- اهتمام اسلام به سالم سازی روابط اجتماعی انسان ها و تحکیم بخشیدن به آن و پاک سازی جامعه از فحشا ، بزهکاری ، ستم و سرکشی

إن الله یأمر بالعدل و الإحسن و . .. و ینهی عن الفحشاء و المنکر و البغی

۱۴- مردم ، در قبال مسائل جامعه خویش چون : بی عدالتی ، فحشا ، بزهکاری ، ستم ، فقر

و نیازمندی های اقتصادی مردم ، مسؤولند .

إن الله یأمر بالعدل و الإحسن و إیتایءِ ذی القربی و ینهی عن الفحشاء و المنکر و ا

اهمیت جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰۰ - ۷

۷ اهمیّت خاص ایجاد جامعه واحد اسلامی در لوای رهبری الهی *

و من یخرج من بیته مهاجراً الی اللّه و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۷ - ۶

۶ جامعه اسلامی و مصالح ملی آن ، دارای حرمتی عظیم نزد خداوند

لاتخونوا اللّه و الرسول

اهمیت جامعه شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۷ - ۷

۷ اهمیّت و ارزش جامعه شناسی و دقّت در تحولات و حوادث تاریخی

فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذّبین

اهمیت حفظ نظام اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۸ - ۱۵

۱۵ لزوم توجه به پیامد های یک حکم و پیش بینی و تدارک تنش های اقتصادی اجتماعی آن *

إنما المشركون نجس فلا يقربوا المسجدالحرام . .. و إن خفتم عيله فسوف يغنيكم اللّه

خداوند در این آیه، پس از بیان حکم ممنوعیت ورود مشرکان به مسجدالحرام، بلافاصله به پیامد اقتصادی آن برای مسلمین اشاره فرموده و با وعده به تدارک خسارت، این مشکل را حل کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۴

۴ اهمیت حفظ نظم اجتماعی و عدم اخلال در مسایل

و نیاز های ضروری جامعه

و ما کان المؤمنون لینفروا کافه فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقهوا فی الدین

برداشت فوق به این دلیل است که خداوند از روی آوردن همه مردم به یک وظیفه (جهاد) و معطل گذاردن سایر امور و وظیفه ها چون کسب دانش دین منع کرده است.

اهمیت رفع مشکلات اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۰ - ۱۴

۱۴- مردم ، در قبال مسائل جامعه خویش چون : بی عدالتی ، فحشا ، بزهکاری ، ستم ، فقر و نیازمندی های اقتصادی مردم ، مسؤولند .

إن الله یأمر بالعدل و الإحسن و إیتایءِ ذی القربی و ینهی عن الفحشاء و المنکر و ا

اهمیت رفع مشکلات اقتصادی جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۹ - ۴

۴ - اهتمام دین به مسائل اجتماعی و رفع خلأ های اقتصادی جامعه ، همپای تعالی بخشیدن به معنویات و پرداختن به مسائل فردی

و بالأسحار هم یستغفرون . و فی أمولهم حقّ للسّائل و المحروم

اهمیت رهبری جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۴ - ۱۳

۱۳ - لزوم آزمون و احراز شایستگی افراد ، قبل از انتخاب آنان برای مدیریت و رهبری جامعه

و إذ ابتلی إبرهیم ربه بکلمت فاتمهن قال إنی جاعلک للناس إماماً

اهمیت سلامت جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۱۹ – ۴

۴ – سلامت و پاکی مردم در جامعه از فحشا و انحرافات جنسی ،

مورد اهتمام دین اسلام است .

إنّ الذین یحبّون أن تشیع الفحشه . .. لهم عذاب أليم

تعیین کیفر سخت دنیوی و اخروی برای اشاعه دهندگان فحشا در جامعه حاکی از آن است که اسلام برای سلامت و پاکی جامعه اسلامی، بسیار اهمیت قائل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۵ - ۱۰

۱۰ - هدف الهی از بعثت پیامبران ، ایجاد جوامع سالم ، رشید و بالنده است .

لقد أرسلنا رسلنا . .. لیقوم الناس

<قیام> (مصدر <یقوم>) به معنای ایستادن است. در این جا در معنای سلامت و صلاح به کار رفته است.

اهمیت فرهنگ جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۹،۱۱

۹ اهتمام اسلام به تقویت مبانی فرهنگی دینی جامعه همپای جنگ و جهاد

فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقهوا فی الدین

برداشت فوق به این دلیل است که خداوند پس از ترغیب مکرر مؤمنان به شرکت در جهاد و تحذیر آنان از تخلف، در این آیه طلب فقاهت را ضروری شمرده و طالبان فقاهت را از شرکت در جنگ معاف کرده است.

۱۱ تحصیل کنندگان دانش دین ، معاف از شرکت در جنگ در صورت نیاز جامعه به دانش آنان و عدم نیاز جدی به حضورشان در جنگ

ما کان المؤمنون لینفروا کافه فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیفقهوا فی الدین

اهمیت قدرت جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۵

۵ سستی اهل ایمان در پیکار با دشمنان دین ، موجب

از میان رفتن ابهت و قوّت جامعه اسلامی

و لاتنزعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم

اهمیت مصالح جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۶ - ۷

۷ حرمت ماه های چهارگانه ، در راستای مصالح جامعه و مایه قوام و استواری آن

منها أربعه حرم ذلک الدین القیم فلا تظلموا فیهن أنفسکم

اهمیت مصونیت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۰ - ۲

۲ - وضع کیفر سخت (عذاب دردناك) ، به منظور جلوگیری از آلوده شدن جامعه ایمانی به مفاسد اخلاقی و فحشا ، جلوه ای از فضل و رحمت خداوند به امت اسلامی

إنّ الذین یحبّون أن تشیع الفحشه . .. لهم عذاب ألیم ... و لولا فضل اللّه علیکم و

اهمیت هجرت از جامعه فاسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۹ - ۹

۹ - هجرت از محیط اجتماعی ناسالم و نامساعد برای هدایت و ابلاغ دین به جامعه ای مستعد ، امری لازم برای مبلغان دین و دین دارانِ مجاهد

و قال إنّی ذاهب إلی ربّی سیهدین

اهمیّت هوشیاری جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۱ - ۹

۹ لزوم هشیاری همیشگی جوامع اسلامی ، نسبت به وجود و عملکرد منافقان مرموز

و ممن حولکم من الأعراب

ایمان جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۶

۶ جامعه اسلامی صدر اسلام پس از نایل شدن به مراحل عالی ایمان

، به تنزّل در درجات ایمانی گرایید .

علم أن فیکم ضعفا

برهنگی در جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۱۲

۱۲ برهنگی و بی حیایی جوامع بشری نشانه نفوذ شیطان و سلطه وی بر آنان است.

لا یفتننکم الشیطن . .. ینزع عنهما لباسهما لیریهما سوءتهما

بصیرت رهبران جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۸ - ۸

۸ لزوم بهره مندی رهبران جامعه اسلامی و مبلغان دینی از بصیرت و بینایی و داشتن حجت روشن بر اتخاذ راه ها و روشها

قل هذه سبیلی أدعوا إلی الله علی بصیره أنا

بی تفاوتی در مشکلات جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - فروهشتن مسؤولیت های دینی و بی تفاوتی در برابر مشکلات جامعه ، بی تقوایی است .

فأصلحوا . .. و اتّقوا اللّه

از مفهوم آیه شریفه، استفاده می شود که اگر به وظایف یاد شده در صدر آیه عمل نشود و مؤمنان خود را در قبال دیگر برادران ایمانی مسؤول ندانند، تقوا را رعایت نکرده اند.

بینش جامعه دوران اصحاب کهف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۵ – ۵،۶

۵- جامعه اصحاب کهف ، فاقد هرگونه دلیل و برهان بر عقاید شرک آلود خویش بودند .

هؤلاء قومنا . .. لولا یأتون علیهم بسلطن بیّن

۶- بی منطقی در عقیده و سستی اندیشه ، بزرگ ترین مشکل جامعه اصحاب کهف از دیدگاه خود آنان

اتخذوا من دونه ءالهه لولا یأتون علیهم

بسلطن بيّن

پاسداری از ایمان جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۵ – ۹

۹ مؤمنان وظیفه دار پاسداری از حریم ایمان جامعه خویش

یایها الذین ءامنوا علیکم انفسکم

<انفس> می تواند ناظر به هر فرد نسبت به خودش باشد و می تواند به هر فرد نسبت به فرد و یا افراد دیگر باشد. همانند (فسلموا علی انفسکم، نور ۶۱) بر این مبنا <علیکم انفسکم) یعنی مراقب ایمان یکدیگر باشید.

تأثیرپذیری از جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۵ – ۴

۴– جوّ اجتماعی و جبر محیطی ، عذری پذیرفته شده برای توجیه رنگ پذیری از جامعه نیست .

هؤلاء قومنا اتخذوا من دونه ءالهه

بیان گرایش اصحاب کهف به توحید و ایمان آنان در محیطی سراسر کفر، اشاره به این نکته دارد که انسان ها می توانند از محیط، رنگ نپذیرفته، بلکه در مسیر حق، برخلاف جریان عمومی جامعه، حرکت کنند.

تأمین مصالح جوامع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸۸ – ۵

۵– ادیان الهی ، در جهت تأمین خیر و صلاح جامعه بشری است .

الذین کفروا . .. بما کانوا یفسدون

بازگشت معنای <افساد> به این است که: انسان خیری را از میان ببرد و یا از تحقق خیری مانع شود. بنابراین مبارزه ادیان

الهی با مفسدان، در حقیقت دفاع از خیر و صلاح در جامعه است.

تأمین منافع جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۸ - ۱۲

۱۲- منافع همه طبقات جامعه ، حتی

ثروتمندان ، در گرو انفاق و نوعی تعدیل ثروت *

تدعون لتنفقوا . .. و اللّه الغنیّ و أنتم الفقراء

تعبیر <و أنتم الفقراء> ممکن است هم شامل نیاز انسان به پاداش الهی و هم شامل نوعی نیاز طبیعی و اجتماعی انسان ها باشد; یعنی، اصولاً جامعه بدون انفاق، دوام نمی یابد و تشریع انفاق از سوی خداوند، در واقع تضمینی بر ثبات و پایداری جوامع بشری است.

تأمین نیازهای جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۰ - ۵

۵ - ارتباط اهل ایمان با خدا و تأمین نیاز های جامعه ، فراهم کننده شرایط و زمینه های وعده خداوند (فرمان به مبارزه با توطئه گران)

فاعفوا و اصفحوا حتی یأتی اللّه بأمره . .. و أقیموا الصلوه و ءاتوا الزکوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۴ - ۵

۵ نیایش به درگاه الهی ، برای تأمین نیاز های جامعه امری پسندیده و ارزشمند

قال عیسی ابن مریم اللّهم ربنا أنزل علینا مائده من السماء . .. و ارزقنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳ - ۴

۴ مؤمنان راستین همواره احیاگر ارزش های معنوی و برطرف کننده نیاز های مادی جامعه

الذین یقیمون الصلوه و مما رزقنهم ینفقون

اقامه نماز می تواند به عنوان نمونه ای بارز از احیای امور معنوی یاد شده باشد. فعل مضارع <یقیمون> و <ینفقون> حاکی از استمرار اقامه نماز و انفاق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶

۸- مسلمانان در قبال مسائل و نیاز های جامعه خویش ، مسؤولند .

و ءات . .. و المسکین و ابن السبیل

تأمین نیازهای جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۵ - ۱

۱ - انفاق و رفع نیاز های جامعه اسلامی وظیفه ای بر عهده اهل ایمان

و أنفقوا

تأمین نیازهای جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۱۹

۱۹ رفع نیاز های جامعه ایمانی از سوی خود مسلمانان ، منشأ تشریع خمس ، نه ناتوانی خداوند بر تأمین آن نیازها

و اعلموا أنما غنمتم من شیء . .. و اللّه علی کل شیء قدیر

تجاوزگری جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۴ - ۵

۵ - فزون طلبی و تجاوزگری ، آفت شایع و رایج در میان جوامع انسانی

و ما تفرّقوا إلاّ . .. بغیًا بینهم

از این که تمامی پیروان ادیان پیشین به واسطه تجاوزگری دچار اختلاف شده اند، شیوع و رواج آن استفاده می شود.

تحولات جامعه هنگام خواب اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۲۰

۲۰- جوامع پدید آمده در طول خواب چندین ساله اصحاب کهف ، در عقاید خویش ، دستخوش تحوّلات مهمّی شده بودند .

إذ یتنزعون بینهم أمرهم

در جامعه ای که اصحاب کهف از آن کناره گیری کردند، طبقه حاکم مشرکانی بودند که در صدد نابود ساختن موحدان برآمده بودند; ولی در عصر بیداری آنها اعتقاد به معاد و بحث و مناظره درباره

آن، در میان مردم رواج کامل داشت و جوّ حاکم به سود مؤمنان بود.

تحولات در جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۲۸

۲۸ حاکمیّت اذن الهی ، بر تحوّلات اجتماعی

کم من فئه قلیله غلبت فئه کثیره باذن اللّه

پیروزی بر دشمنان و در نتیجه حاکمیّت دین الهی، یک تحول اجتماعی است که تحت اراده و حاکمیّت الهی (باذن اللّه) انجام می پذیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۱۹

۱۹ دفع تجاوز ها ، تنها راه جلوگیری از فساد های فراگیر در زمین

و لو لا دفع اللّه النّاس بعضهم ببعض لفسدت الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۳ - ۱۹

۱۹ حاکمیّت اراده الهی بر افعال اختیاری انسان و تحولات اجتماعی تاریخی

و لو شاء اللّه ما اقتتل . .. و لکنّ اللّه یفعل ما یرید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۶ - ۱۱

۱۱ خداوند ، تنها محور جریان همه هستی و تمامی تغییرات و تحولات اجتماعی

یمددکم ربّکم بخسمه الاف . .. و ما جعله اللّه الّا بشری ... و ما النّصر الّا من ع

چنانچه ملائکه نقش تعیین کننـده ای نداشـته باشـند، بلکه نقش بشارتی آنان نیز به جعل خداونـد باشـد (و ما جعله اللّه . ..) و تنهـا بایـد پیروزی از جانب خداونـد اعطا شود، معلوم می شود که سررشـته تمام امور به دست و خواست خداونـد است و هیچ چیز نمی

تواند آدمی و جهان را از خدا بی نیاز کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۹ - ۱۱

۱۱ نگرش توحیدی و خدا محوری به تاریخ و تحلیل حوادث بر اساس آن ، دیدگاه اسلام در فلسفه تاریخ

و لقد نصرکم اللّه ببدر و انتم اذلّه . . یمددکم ربّکم ... لیقطع طرفاً ... یغفر ل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۷ - ۲،۳،۴،۷،۱۰

۲ تحولات و تغییرات اجتماعی و تاریخی ، بر اساس قوانین و سنت های الهی *

قد خلت من قبلکم سنن فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذّبین

۳ پیش بینی تحولات اجتماعی و واکنش های تاریخی ، بر اساس شناسایی قوانین و سنت های الهِی حاکم بر آنها

قد خلت من قبلکم سنن فسیروا فی الارض

از آنجا که تحولات اجتماعی و تاریخی جوامع انسانی دارای قوانین ثابت هستند، با شناخت آن قوانین می توان تحولات اجتماعی آینده را پیش بینی کرد.

۴ ضرورت کند و کاو در تحوّلات و حوادث اجتماعی تاریخی برای شناسایی قوانین و سنت های حاکم بر جوامع

قد خلت من قبلکم سنن فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذّبین

۷ اهمیّت و ارزش جامعه شناسی و دقّت در تحولات و حوادث تاریخی

فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذّبین

۱۰ جهانگردی و کاوش در حوادث و تحولات اجتماعی تاریخی ، راهی برای شناخت سنت های الهی

فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذّبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - ۱۴۰ - ۸،۱۰

۸ یادآوری پیروزی های گذشته و توجّه به گردش قانونمند تغییرات اجتماعی ، برطرف کننده ضعف و اندوه جامعه ایمانی

و لا تهنوا و لا تحزنوا . .. ان یمسسکم قرح فقد مسّ القوم قرح مثله و تلك الایّام ن

بنابر اینکه <فقد مسّ القوم>، درباره شکست مشرکان در جنگ بدر باشد، خداوند برای از بین بردن اندوه و ضعف مؤمنان، پیروزی آنان را در جنگ بدر یادآوری کرده و همه را (چه شکست و چه پیروزی) برخاسته از مشیّت خویش دانسته است.

۱۰ شکست ها و پیروزی ها (تغییرات اجتماعی) ، دارای گردشی قانونمند و هدفدار

و تلك الایّام نداولها بین النّاس و لیعلم اللّه الّذین امنوا و یتخذ منکم شهداء

جمله <و لیعلم اللّه . .. > و آنچه بر آن عطف شده، یعنی <یتّخذ> و <لیمحَص> و <یمحق>، اهدافی است که خداوند برای <نداولها> (گردش ایام و تغییرات اجتماعی) بیان داشته و فعلِ هدفدار، حکایت از قانونمندی آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۱۱

۱۱ شکست ها و سختی ها ، زمینه ساز پراکندگی جامعه از پیرامون رهبران خود ، و مدارای ایشان با آنان از میان برنده آن زمینه هاست . *

فبما رحمه من اللّه لنت لهم و لو کنت فظّا غلیظ القلب لانفضّوا من حولك

با توجّه به ارتباط این آیه با آیات پیشین، که شکست نبرد احد و مشکلات ناشی از آن را مطرح ساخت، می توان نتیجه گرفت که شکست و مشکلات آن نبرد، زمینه پراکندگی مسلمانان را از پیرامون رسول خدا (ص)

فراهم ساخت و آنچه در این میان مانع از گسیختن مردم از پیرامون پیامبر (ص) شد، خُلق خوش و مدارای آن حضرت با مردم بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۶ - ۳

۳ جریان حوادث و امور عالم (شکست ها ، سختی ها و دشواری های مردمان) در حیطه اذن الهی

و ما اصابکم . .. فباذن اللّه

تداوم جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۸

۸ سلامت و دوام جامعه ایمانی ، در گرو پاسداری از حریم ارزش های دینی در برابر فرهنگ کفر

علیکم انفسکم لایضرکم من ضل إذا اهتدیتم

مراد از <ضرر> در <لایضرکم> ممکن است ضرر معنوی بوده و اشاره به خطرهایی باشد که ایمان مؤمنان را تهدید می کند و ممکن است مراد آسیبهایی باشد که بنیه و توان جوامع مؤمن را تضعیف و یا نابود می سازد. برداشت فوق ناظر به دومین معناست.

تدبیر جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲۱

۲۱ - تخفیف قانون قصاص (جواز تبدیل آن به دیه) در جهت تدبیر امور جامعه اسلامی است .

ذلك تخفیف من ربکم

برداشت فوق از کلمه <رب> که به معنای مدبر و مربی است، استفاده شده است.

تشویق به فقرزدایی از جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۱۸ – ۱۱

۱۱ – کسانی که در تنگنای اقتصادی به سر می برند ، در صورت احترام به یتیمان

و ترغیب دیگران به فقرزدایی از جامعه ، نزد خداوند گرامی بوده و از حقارت و خواری مبرّا خواهند بود .

فیقول ربّی أهنن . کلاّ بل لاتکرمون الیتیم . و لاتحضّون علی طعام المسکین

تعاون در جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۰ - ۸

۸ انفاق و وفای به نذر ، از عوامل ایجاد و بسط تعاون اجتماعی *

و ما انفقتم من نفقه او نذرتم من نذر . .. و ما للظّالمین من انصار

به نظر می رسد از مصادیق یاوران (انصار) همان مردمی باشند که از اموال انفاق کنندگان بهره مند می شوند; یعنی انفاق کنندگان و وفاکنندگان به نذر، برخوردار از یاری مردم هستند و نیز آنان، مددکار مردم و اجتماعند; بنابراین انفاق از عوامل بسط تعاون اجتماعی خواهد شد.

تقدم مصالح جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۹ - ۴

۴ - تقدم مصالح جامعه بر مصلحت فرد

و لکم فی القصاص حیوه یأولی الألبب

از اینکه قرآن قانون قصاص را - که مرگ و نابودی فرد در آن است - برای حیات جامعه مقرر کرده است، می توان به این نکته رسید که: از نظر قرآن مصالح جامعه بر مصلحت فرد مقدم است.

توطئه علیه جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹ - ۲

۲ - ضربه زدن به اهل ایمان و توطئه علیه آنان ، از اهداف منافقان در اظهار ایمان

یخدعون اللّه و الذین ءامنوا

<خدع> به معنای پنهان کردن امری و اظهار کردن امری دیگر است

به منظور ضربه زدن و ایجاد ناگواری.

جامعه ابتدایی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۱۳ – ۱،۴،۶،۷

۱ وحدت و یگانگی انسان ها در جامعه ابتدایی

کان الناس امه واحده

۴ عدم تضاد منافع جوامع ابتدایی *

کان الناس امه واحده

با توجّه به اینکه اختلافات انسانها غالباً از برخورد منافع آنان با یکدیگر برمی خیزد، از وحدت جوامع نخستین استفاده می گردد که آنان تضادی از نظر منافع نداشته اند.

۶ عدم بعثت پیامبر به سوی جوامع نخستین تا زمان پیدایش اختلاف بین آنها

کان الناس امّه واحده فبعث اللّه النبیّن . .. لیحکم ... فیما اختلفوا

جمله <لیحکم بین الناس فیما اختلفوا>، بیانگر این معناست که قبل از بروز اختلاف در بین جوامع نخستین، پیامبری مبعوث نشده بود.

۷ بعثت پیامبران از سوی خداوند ، به دنبال بروز اختلاف در جامعه نخستین

کان الناس امه واحده فبعث اللّه النبیّن . .. لیحکم ... فیما اختلفوا فیه

جمله <لیحکم . .. > بیان می کند که انبیا به هنگام بروز اختلاف در جوامع ابتدایی مبعوث شدند; نه قبل از آن. بنابراین جمله <فاختلفوا> پس از <کان الناس ... > مقدّر است.

جامعه اسلامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۳۴ – ۱۶

۱۶ مسؤولیّت جامعه ایمانی در مراقبت از قانون عدّه وفات

فاذا بلغن اجلهنّ فلا جناح علیکم

مفهوم <فاذا بلغن . .. > با توجّه به خطاب در کلمه <علیکم> حاکی از مسؤولیّت جامعه ایمانی در مورد جلوگیری از ازدواج زنان شوهر مُرده در زمان عِدّه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۳۶ – ۱۲

۱۲ لزوم رعایت شؤونات و ارزش افراد در جامعه اسلامی

متّعوهنّ . .. بالمعروف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۷۲ – ۱۰

۱۰ حُسن رعایت حال غیر مسلمانان در جامعه اسلامی

لیس علیک هدیهم . .. و ما تنفقوا من خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲۸ – ۷

۷ اعتقاد به ولایت تکوینی خداوند ، مستلزم پذیرش ولایت مؤمنان در نظام اجتماعی اسلام

قل اللّهم مالک الملک . .. لا یتّخذ المؤمنون الکافرین اولیاء

گویا آیه مورد بحث، نتیجه مترتب بر اعتقاد به مضمون آیه <قل اللّهم . .. > است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۱۰ – ۷

۷ اصلاح جوامع بشری ، مسؤولیت جامعه اسلامی

کنتم خیر أمّه أخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۳۰ – ۷۸

۷ ایمان جامعه اسلامی ، زیر بنا و اساس پذیرش قوانین الهی در اقتصاد

يا ايّها الذين امنوا لا تأكلوا الرّبوآ

مخـاطب قرار دادن جـامعه اسـلامى بـا عنوان <يا ايّها الّـذين آمنوا> و سـپس نهى از رباخوارى، اشاره به اين حقيقت دارد كه پذيرش حكم ربا، منوط به ايمان است.

۸ پرهيز از رباخوارى در جامعه ايمانى ، نشانه تقواپيشگى آن جامعه است .

يا ايّها الذين امنوا لا تأكلوا الرّبوآ . .. و اتّقوا اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران

- ۳ - ۱۳۹ - ۵،۱۱

۵ توجّه به سنّت های الهی در فرجام شوم تکذیب کنندگان دین خداوند ، از میان برنده هر گونه حزن و اندوه و سستی از جامعه ایمانی

فسیروا . .. فانظروا کیف کان عاقبه المکذّبین ... و لاتهنوا و لاتحزنوا

اگر جمله <و لا تهنوا . .. >، عطف بر جمله <فانظروا کیف ...> باشد، معنای این دو آیه چنین می شود: شما محزون نباشید، عاقبت تکذیب کنندگانِ آیات الهی (دشمن شما مسلمانان)، نابودی است.

۱۱ ایمان جامعه دینی ، موجب مسؤول گردیدن در جهت کوششی مستمر برای حاکمیت بر همه جوامع بشری

و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین

خداوند از مسلمانان خواسته که بر دیگران برتر باشند; و انتم الاعلون. و از مصادیق بارز برتری، حاکمیّت آنان و دینشان بر تمامی جهان است; و این، در گرو ایمان واقعی است: ان کنتم مؤمنین. بنابراین ایمان واقعی، تحریک کننده آدمی به توانی مستمر (و لا تهنوا) برای حاکمیّت بخشیدن به دین الهی بر تمام جوامع بشری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۸

۸ یادآوری پیروزی های گذشته و توجّه به گردش قانونمند تغییرات اجتماعی ، برطرف کننده ضعف و اندوه جامعه ایمانی

و لا تهنوا و لا تحزنوا . .. ان یمسسکم قرح فقد مسّ القوم قرح مثله و تلک الایّام ن

بنابر اینکه <فقد مسّ القوم>، درباره شکست مشرکان در جنگ بدر باشد، خداوند برای از بین بردن اندوه و ضعف مؤمنان، پیروزی آنان را در جنگ بدر یادآوری کرده و همه را (چه شکست

و چه پیروزی) برخاسته از مشیّت خویش دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۰ - ۹

۹ پذیرش ولایت خداوند و اعتقاد به یاری حتمی او ، مانع واپسگرایی و زیانکاری جامعه ایمانی و باعث رشد و سعادت

یردّوکم علی اعقابکم فتنقلبوا خاسرین. بل اللّه مولیکم و هو خیر النّاصرین

پیامد پذیرش ولایت کافران، واپسگرایی و خسارت است. بنابراین پذیرش ولایت خداوند به قرینه مقابله آن با پذیرش ولایت کافران باعث رشد و سعادت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۱ - ۴

۴ خداوند با القای وحشت و دلهره در دل های کفرپیشگان تقویت کننده روحیه جامعه ایمانی در رویارویی با آنان

سنلقی فی قلوب الّذین کفروا الرّعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۱،۲،۵

۱ خداوند ، جامعه ایمانی را به حالتِ مشخص نبودن خوبان از بدان ر ها نمی کند .

ما کان اللّه لیذر المؤمنین علی ما انتم علیه

مراد از جمله <علی ما انتم علیه> به قرینه <حتّی یمیز . .. >، مشخص نبودن خوبان از بدان است.

۲ جداسازی صفوف ناپاکان از پاکان در جامعه ایمانی ، سنّت تغییرناپذیر الهی

ما کان اللّه لیذر المؤمنین علی ما انتم علیه حتّی یمیز الخبیث من الطّیّب

۵ آزمایش الهی ، مشخص کننده صفوف ناپاکان جامعه ایمانی از پاکان آن

ما کان اللّه لیذر المؤمنین علی ما انتم علیه حتّی یمیز الخبیث من الطّیّب

مشخص کردن پاکان از ناپاکان و خالصها از ناخالصها دو وجه

متعارف دارد: آزمایش و ابتلاء ; و خبر دادن خداوند از واقعیت افراد. چون راه دوّم سنّت الهی نیست، بنابراین تنها راه متعارف آزمایش است. پس در جمله <حتّی یمیز ... >، کلمه <بابتلاءهم و امتحانهم>، مقدّر است.

جامعه اسلامی و دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۹

۹ لزوم آمادگی نظامی جامعه اسلامی در برابر دشمنان شناخته شده و ناشناخته

ترهبون . .. و ءاخرین من دونهم لاتعلمونهم

جامعه اسلامی و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۹ - ۲

۲ تلاش کفرپیشگان برای واداشتن جامعه ایمانی به پیروی از خویش

ان تطیعوا الّذین کفروا یردّوکم علی اعقابکم

جامعه اسلامی و منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۱ - ۹

۹ لزوم هشیاری همیشگی جوامع اسلامی ، نسبت به وجود و عملکرد منافقان مرموز

و ممن حولکم من الأعراب

جامعه بی طبقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ – جامعه بی طبقه ، امری خیالی و موجب اختلال و به هم ریختن نظام اجتماعی است .

و رفعنا بعضهم . .. لیتّخذ بعضهم بعضًا سخریًّا

این که خداوند اصل تفاوت را به خویشتن نسبت می دهد و سپس فایده آن را در گردش نظام اجتماعی بیان می دارد، سستی و بی پایگی اندیشه جامعه بی طبقه را می رساند.

جامعه پس از نوح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۶۹

۱۰ قوم عاد نخستین جامعه سامان یافته در پی هلاکت قوم نوح

اذکروا إذ جعلکم خلفاء من بعد قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۱ - ۱

۱ - شکل گیری جامعه ای جدید پس از طوفان نوح

ثمّ أنشأنا من بعدهم قرنًا ءاخرین

<إنشاء> (مصدر <أنشأنا>) به معنای پدید آوردن است. ضمیر <هم> در <من بعدهم> به قوم نوح بازمی گردد. <قرن> به مجموعه ای از انسان ها که کنار هم زندگی کنند گفته می شود.

جامعه پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۷ - ۱۸

۱۸ جامعه قوام یافته در پرتو تعالیم دین ، جامعه ای آماده برای شناخت خداوند و صفات او

قیماً للناس . .. یعلم ما فی السموت و ما فی الارض و إنّ اللّه بکل شیء علیم

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلک> اشاره به <قیماً للناس> باشد. یعنی هدف از اینکه خداوند می خواهد جامعه انسانی دارای ثبات باشد این است که زمینه خداشناسی و علم انسانها به اسماء و صفات الهی فراهم آید.

جامعه جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۳ - ۱۴،۱۵

۱۴ جهالت و نارسائی عقل و اندیشه ، عامل رواج بدعت ها و افترا ها در جامعه کفرپیشه عصر جاهلی

و لکن الذین کفروا یفترون علی اللّه الکذب و اکثرهم لایعقلون

۱۵ وجود اقلیت اندیشمند در جامعه بدعتگزار جاهلیت

و اکثرهم لایعقلون

جامعه دوران ابراهیم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱

- ۷۱ - ۲

۲- حضرت ابراهیم و لوط (ع) ، از جامعه آلوده خود به سرزمینی برکت خیز هجرت کردند .

إلی الأرض التی برکنا فیها

جامعه دوران اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰ - ۱

۱- اصحاب کهف ، گروهی بودند که از خطر جامعه ناسالمِ کفر ، به سوی پناهگاهی در کوه گریختند .

إذ أوی الفتیه إلی الکهف

<أوی إلی کذا> یعنی: <به آن جا پیوست و آن را مأوا و مسکن خود قرار داد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۴ - ۸

۸- محیط اجتماعیِ اصحاب کهف ، محیطی شرک آلود و نامساعد برای ابراز توحید بود .

و ربطنا علی قلوبهم إذ قاموا فقالوا

چنان چه محیط برای اظهار نظر اصحاب کهف مساعد بود، نیازی به قیام نبود و امدادهای ویژه الهی (ربطنا . ..) ضرورتی نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۵ - ۱،۱۴

۱- جامعه اصحاب کهف ، جامعه ای مشرک و معتقد به معبودهایی متعدّد بود .

هؤلاء قومنا اتخذوا من دونه ءالهه

۱۴- جامعه اصحاب کهف ، موجوداتی دارای شعور و خرد را ، معبود خود پنداشته و به پرستش آنها پرداخته بودند .

لولا یأتون علیهم بسلطن بیّن

کاربرد ضـمیر <هم> نوعاً در مواردی است که مرجع آن، جمعی از موجودات با شـعور باشـند. بنابراین مراد از <ءالهه> که مرجع ضمیر <هم> است، معبودانی از جنس بشر یا فرشتگان و مانند این ها خواهد بود.

جامعه دوران لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۱ – ۲

۲– حضرت ابراهیم و لوط (ع) ، از جامعه آلوده خود به سرزمینی برکت خیز هجرت کردند .

إلى الأرض التی برکنا فیها

جامعه دینی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۲۰۰ – ۱۵

۱۵ ایجاد پیوند های اجتماعی در جامعه ایمانی ، نشانه پرهیزکاری مؤمنان

یا ایّها الّذین امنوا . .. و رابطوا و اتّقوا اللّه

بنابر اینکه معنای <رابطوا>، ایجاد پیوند باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۳ – ۸،۱۱

۸ تلاش برای فساد و تباهی جامعه ایمانی ، ستیزه جویی با خدا و رسول (ص) است .

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه و رسوله و یسعون فی الارض فساداً

برداشت فوق بر این مبناست که <واو> در <و یسعون> تفسیریه باشد. یعنی فسادگری در جامعه ایمانی، مصداقی از محاربه با خدا و رسول است.

۱۱ ضرورت پاسداری از امنیت و سلامت جامعه ایمانی با سرکوب آشوبگران و فسادانگیزان

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه و رسوله و یسعون فی الارض فساداً ان یقتلوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۲۴ – ۷

۷ جهاد و مبارزه با کافران حق ناپذیر ، مایه حیات واقعی جامعه ایمانی

یأیها الذین ءامنوا استجیبوا للّه و للرسول

از مصـادیق مورد نظر برای <مـا یحییکم>، به دلیل وقوع آیه مورد بحث در سـیاق آیات جنگ و مبارزه، فراخوانی اهل ایمان به نبرد با دشمنان دین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال -

۸ - ۲۵ - ۲،۳،۴

۲ برخی از گناهـان و سـتمکاری هـا در جـامعه ایمـانی مـایه گرفتار شـدن همگان (مرتکبان گناه و غیر آنها ، یعنی ظالم و غیر ظالم) به عذاب های الهی است .

و اتقوا فتنه لاتصیبن الذین ظلموا منکم خاصه

<لا> در <لاتصـیبن> نافیه و <خاصه> حال برای <الـذین> است. جمله <لاتصـیبن الذین ... > تبیین و توضـیحی اسـت برای <فتنه>. و مراد از اتقـاء فتنه، پرهیز از عامـل آن می باشـد که به قرینه <ظلمـوا>، سـتمکاری است. بنـابراین معنـای آیه چنین می شـود: ای اهـل ایمـان از گناهـانی که مـوجب فتنه ای عظیم می شود بپرهیزیـد ; آن گونه فتنه ای که نه تنهـا دامنگیر گناهکار می شود، بلکه همگان را در شعله های خود خواهد سوزانید.

۳ اهل ایمان موظف به مبارزه با فتنه هایی که شعله های آن دامنگیر کل جامعه است .

و اتقوا فتنه لاتصیبن الذین

عامـل فتنه در مورد بحث چنـانچه گـذشت گنـاه و سـتمکاری است و مرتکب این گنـاه به دلیل <ظلموا منکم> تنها برخی از افراد جـامعه هسـتند. بنـابراین امر به اتقـا (اتقوا فتنه) نسـبت به مخاطبـان متفـاوت خواهـد بود. یعنی نسـبت به گنهکاران و سـتم پیشگان، پرهیز از خود گناه است و نسبت به آنان که مرتکب نمی شوند، جلوگیری از ارتکاب آن است.

۴ مؤمنان وظیفه دار اهتمام بیشتر در پرهیز از گناهانی که آثار شوم آن فراگیر جامعه ایمانی است .

و اتقوا فتنه لاتصیبن الذین ظلموا منکم خاصه

بدیهی است هیچ گناه و ستمی را نباید مرتکب شد. بنابراین نهی از ارتکاب گناهی که فتنه ای فراگیر دارد، حاکی از تأکید

بیشتر نسبت به پرهیز از چنین گناهی است.

جامعه زنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۵

۵ جامعه ای از حیات واقعی برخوردار است که به دعوت پیامبران پاسخ مثبت دهد.

إنما یستجیب الذین یسمعون و الموتی یبعثهم اللّه

جامعه کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۱

۱ جوامع کفرپیشه همواره مهیای صرف دارایی های خویش برای جلوگیری از گسترش اسلام

إن الذین کفروا ینفقون امولهم لیصدوا

انفاق مال به معنای مصرف کردن دارایی و هزینه کردن آن است و مراد از <ینفقون>، به قرینه <سینفقونها>، که اخبار از تحقق سرمایه گذاری است، بیان حالت کافران می باشد. یعنی کافران برای جلوگیری از انتشار اسلام آماده سرمایه گذاری هستند و از انفاق مال دریغی ندارند.

جامعه مبغوض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۳

۳ جامعه آلوده به دشمنی و کینه توزی ، جامعه ای شیطان زده و مطرود در پیشگاه خداوند

انما یرید الشیطن ان یوقع بینکم العدوه و البغضاء

جامعه مجرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۴ - ۵

۵ جوامع مبتلا به لواط و فحشا ، جوامعی مجرم و در معرض نابودی با عذاب های سخت الهی

فانظر کیف کان عقبه المجرمین

جامعه منحط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۱ - ۱۶

۱۶ امکان شمول رحمت و مغفرت الهی حتی بر جوامع منحط و آلوده به خون

انبیا

فریقاً یقتلون . .. فعموا و صموا ثم تاب اللّه علیهم

جامعه نخستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۹ - ۱

۱ انسان ها در جامعه نخستین به صورت امت واحد می زیستند .

و ما کان الناس إلا أمه وحده

جبر محیط اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۸

۸- تأثیر جامعه بر فرد ، جبری و غیر قابل اجتناب نیست و حفظ سلامت اخلاقی در محیط کاملا فاسد و آلوده ، ممکن است .

و نجّینه من القریه التی کانت تعمل الخبئث

برداشت یاد شده به خاطر این است که حضرت لوط(ع) توانسته بود در محیط آلوده و فاسد قومش، پاک و بی گناه بماند و سرانجام نجات یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۹ - ۳

۳ محیط اجتماعی ، در عین تأثیر گذاشتن بر خصلت های روحی و گرایش های عقیدتی انسان ، از وی سلب اختیار و انتخاب نمی کند .

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً . .. و من الأعراب من یؤمن باللّه

تصریح به وجود مؤمنان راستین در میان اعراب بادیه نشین به دنبال بیان خصلت کفر ورزی و نفاق شدید آنان، می تواند إشعار به مطلب فوق داشته باشد.

جوامع تحت امر شیطان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۲۸ – ۳

۳ جوامعی که به پندار اجرای فرمان خدا به رسوم نارواى نیاکان خویش پایبندند، جوامعی تحت نفوذ شیاطین می باشند.

إنا جعلنا الشیطین أولیاء للذین

لا يؤمنون . .. الله أمرنا بها

جمله <إذا فعلوا . .. > عطف بر <لا يؤمنون> است و در حقيقت صله براى <الذين> مى باشد. يعنى: إنا جعلنا الشياطين أولياء للذين إذا فعلوا فاحشه ... .

جوامع كافر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۴ - ۹

۹ - عناصر قدرتمند و مرفّه ، سردمداران انحراف و كفر در جوامع كافر و شرك پيشه

قال مترفوها . .. قالوا إنّا بما أرسلتم به كفرون

از اين كه در جوامع شرك پيشه، تنها سخن مرفهان ذكر گرديده با آن كه انديشه شرك مختص آنان نبوده است مى توان استفاده كرد كه آنان، نقش اصلى را در تعيين گرايش هاى جامعه داشته اند.

جوامع مشرك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۵ - ۱

۱- جامعه اصحاب كهف ، جامعه اى مشرك و معتقد به معبودهايى متعدّد بود .

هؤلاء قومنا اتخذوا من دونه ءالهه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۴ - ۹

۹ - عناصر قدرتمند و مرفّه ، سردمداران انحراف و كفر در جوامع كافر و شرك پيشه

قال مترفوها . .. قالوا إنّا بما أرسلتم به كفرون

از اين كه در جوامع شرك پيشه، تنها سخن مرفهان ذكر گرديده با آن كه انديشه شرك مختص آنان نبوده است مى توان استفاده كرد كه آنان، نقش اصلى را در تعيين گرايش هاى جامعه داشته اند.

جوامع منحرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۴ - ۶

هشدار و تهدید الهی نسبت به جوامع منحرف و زشتکردار

قل إنما حرم ربی الفوحش . .. و لکل أمه أجل

حسابرسی جوامع عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۸ - ۵

۵ - جوامعی که از فرمان های خدا و رسولان او ، سرپیچی کردند ، مورد محاسبه سخت الهی و عذاب ناشناخته و ناخوشایند (عذاب استیصال) قرار گرفتند .

فحاسبنها حسابًا شدیدًا و عذّبنها عذابًا نکرًا

<نکر> (مرادف <منکر>) به معنای شیء ناخوشایند و ناشناخته است.

حقوق جوامع جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۴ - ۴

۴ - داشتن وطن و سرپناه از حقوق ملت ها و جوامع بشری است . *

من دیرکم

قرآن با اضافه کردن کلمه <دیار> به <کم> و نسبت دادن خانه و وطن به انسانها (دیارکم = خانه هایتان و وطنتان) این حقیقت را امضا و تثبیت می کند که: هر ملت و طایفه ای این حق را دارد که در سرزمینی سکنا گزینند و محلی را برای زندگی انتخاب کند.

حقیقت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۷ - ۴

۴ مجموعه افراد جامعه به منزله پیکری واحدند .

الذین یختانون انفسهم

چون قرآن خیـانت به دیگران را خیـانت به خویش می دانـد، معلوم می شود تمامی افراد جامعه در دیـدگاه قرآن به منزله یک پیکر هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴ - ۷

۷- هر جامعه ، دارای هویت ، حیات و قوانین مشخصی جدا

از افراد آن جامعه

و ما أهلكنا من قريه إلاّ و لها كتاب معلوم

حمايت از جامعه دينى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۶۲ - ۳

۳ خداوند با حمايت خويش از پيامبر (ص) و جامعه ايمانى ، نيرنگ كافران را بى اثر خواهد كرد .

و إن يريدوا أن يخدعوك فإن حسبك اللّه

جواب شرط <إن يريدوا . .. > محذوف است و جمله <فان حسبك اللّه> جانشين آن شده است ; يعنى: إن يريدوا أن يخدعوك فاللّه يكفيك شرهم.

حمايت از جوامع دينى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۱۱

۱۱ - خدا ، حامى و مدافع مراكز دينى و جوامع الهى

و لولا دفع اللّه . .. لهدّمت صومع ... و مسجد

حيات جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۵

۵ جامعه اى از حيات واقعى برخوردار است كه به دعوت پيامبران پاسخ مثبت دهد.

إنما يستجيب الذين يسمعون و الموتى يبعثهم اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ – حجر – ۱۵ – ۴ – ۷

۷- هر جامعه ، دارای هویت ، حیات و قوانین مشخصی جدا از افراد آن جامعه

و ما أهلكنا من قریه إلّا و لها كتاب معلوم

حیات جوامع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۳۴ – ۷

۷ – هر جامعه و امتی ، دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلك أمه قد خلت

جلد – نام سوره – سوره – آیه

– فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۱ – ۷

۷ – هر جامعه و امتی دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

حیات در جامعه اسلامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۸۹ – ۹

۹ لزوم هجرت در راه خدا و پیوستن به جامعه اسلامی

حتّی یهاجروا فی سبیل اللّه

خطر انقراض جوامع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۳ – ۱۲

۱۲ خطر انقراض و نابودی نسل یک جامعه، هشدار خداوند به جوامع کافر ستم پیشه

إن یشأ یذهبکم . .. کما أنشأکم من ذریه قوم ءاخرین

خلاقیت جامعه اسلامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۹ – ۳۶

۳۶– جامعه اسلامی در عصر بعثت ، جامعه ای مستحکم ، مستقل و خلّاق

کزرع أخرج شطه فازره فاستغلظ فاستوی علی سوقه

خداوند، در مقام توصیف پیامبر(ص) و یاران آن حضرت، اوصافی را که برای آنان یاد کرده است. این اوصاف عبارت است

از: <استغلظ> (استحکام)، <استوی علی سوقه> (استقلال) و <یعجب الزرّاع> (زایندگی و خلاقیت).

خیانت به امانت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۷ - ۷

۷ پیامد های شوم خیانت به خدا و رسول و زشتی خیانت آدمی به امانت های جامعه ، امری روشن و بی نیاز از برهان

لاتخونوا اللّه . .. و أنتم تعلمون

در اینکه مفعول <تعلمون> چیست، نظرهای مختلفی ایراد شده که از جمله آنهاست، زشتی خیانت، پیامدهای شوم آن و حرمت آن از دیدگاه عقل و

شرع.

درخواست مدیریت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۴ - ۱۶

۱۶ بندگان خالص خدا ، از خداوند خواستار در دست داشتن اداره جامعه متقین و مردم تقوا پیشه اند .

و اجعلنا للمتّقین إمامًا

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که مقصود از <امام> امامت و پیشوایی سیاسی و اجتماعی باشد.

دشمنان جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۱۷

۱۷ ضرورت تحلیل و دستیابی به علل و عوامل جهت گیری های گوناگون جوامع و پیروان ادیان در برابر جامعه اسلامی

لتجدن اشد الناس . .. ذلک بان منهم قسیسین و رهباناً و انهم لایستکبرون

دشمنان جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۸،۱۱

۸ جامعه ایمانی در عصر پیامبر (ص) مواجه به دو گروه از دشمن : دشمنانی شناخته شده و دشمنانی ناشناخته

عدو اللّه و عدوکم و ءاخرین من دونهم لاتعلمونهم

۱۱ تنها خداوند آگاه به دشمنانی است که برای جامعه ایمانی ناشناخته اند .

لاتعلمونهم اللّه یعلمهم

دین و جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۱۱

۱۱ لزوم تلاش برای محور قرار دادن کتب آسمانی در کلیه شؤون جامعه

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل و ما أنزل الیهم من ربهم

اقامه کتب آسمانی به معنای ادای کامل حق آنها و کنایه از حضور تعالیم آنها در تمامی شؤون زندگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ -

انفال - ۸ - ۱ - ۷

۷ احکام خداوند و قوانین دین ، فراگیر امور مادی و مسائل اجتماعی انسانها

قل الأنفال للّه و الرسول

رفاه جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۸ - ۸

۸ رفاه ، آسایش و امنیّت جامعه ایمانی ، مایه غم و اندوه بیگانگان

ودّوا ما عنتّم

از مفهوم جمله <ودّوا ما عنتم>، استفاده شده است.

روابط اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۸ - ۳،۱۴

۳ حرمت برگزیدن کافران و مقدّم داشتن آنان بر مؤمنان ، در دوستی و ارتباط و ولایت

لا یتّخذ المؤمنون الکافرین اولیاء من دون المؤمنین

۱۴ جواز برقراری ارتباط دوستانه با کافران ، در صورت تقیّه ، اضطرار و هراس

لا یتّخذ المؤمنون الکافرین اولیاء . .. الاّ ان تتقوا منهم تقیه

بنابراینکه ولایت به معنای دوستی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۸

۸ ترغیب به خوش خُلقی و مدارا و نکوهش از سنگدلی و خشونت ، در برخورد های اجتماعی

و لو كنت فظّا غليظ القلب لانفضّوا من حولك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۳۶ - ۲۳

۲۳ لزوم حسن معاشرت در روابط اجتماعى

و بالوالدين احساناً . .. و ما ملكت ايمانكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۸

۸ اديان الهى در بردارنده حد و مرز روابط و مناسبات اجتماعى با ديگر ملتها

و لو كانوا

يؤمنون . .. ما اتخذوهم أولياء

روابط اجتماعی جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۲۰۰ – ۱۰،۱۵

۱۰ صبر و شکیبایی ، زمینه ای برای استحکام پیوند های اجتماعی

اصبروا و صابروا و رابطوا

بیان لزوم ارتباط و هماهنگی افراد با یکدیگر، پس از طرح ضرورت صبر و شکیبایی، می تواند اشاره به نفس صبر در ایجاد ارتباط و پیوند بین افراد جامعه ایمانی داشته باشد.

۱۵ ایجاد پیوند های اجتماعی در جامعه ایمانی ، نشانه پرهیزکاری مؤمنان

یا ایّها الّذین امنوا . .. و رابطوا و اتّقوا اللّه

بنابر اینکه معنای <رابطوا>، ایجاد پیوند باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۸۶ – ۴

۴ اهمیّت روابط عاطفی و اخلاقی و برخورد های نیکو در جامعه اسلامی

و اذا حیّیتم بتحیّه فحیّوا باحسن منها او ردّوها

توصیه خداوند به پاسخگویی بهتر در برابر درود و تحیت دیگران، برای ایجاد روابط عاطفی و اخلاقی در جامعه اسلامی است.

روابط بین الملل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲۸ – ۲،۳،۱۴

۲ حرمت و ممنوعیت پذیرش ولایت و سرپرستی کافران ، برای مؤمنان

لا یتّخذ المؤمنون الکافرین اولیاء

۳ حرمت برگزیدن کافران و مقدّم داشتن آنان بر مؤمنان ، در دوستی و ارتباط و ولایت

لا یتّخذ المؤمنون الکافرین اولیاء من دون المؤمنین

۱۴ جواز برقراری ارتباط دوستانه با کافران ، در صورت تقیّه ، اضطرار و هراس

لا یتّخذ المؤمنون الکافرین اولیاء . .. الّا ان تتقوا منهم تقیه

بنابراینکه ولایت به معنای دوستی باشد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۶ - ۵

۵ جامعه ایمانی وظیفه دار برقراری روابط مسالمت آمیز با جوامعی که خواهان این نوع مناسبات هستند .

و اذا حیّیتم بتحیّه فحیّوا باحسن منها او ردّوها

با توجّه به معنای لغوی <تحیّت> (درخواست سلامتی)، جمله <اذا . .. > به این معناست که اگر فردی یا گروهی خواهان سلامت و امنیّت شما باشند، شما نیز خواهان سلامت و امنیت آنان باشید.

روش برخورد با مفاسداجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۴ - ۱۰

۱۰ - هماهنگی مبلغان دینی در شیوه برخورد با مفاسد جامعه ، کارسازتر و به موفقیت نزدیک تر است .

اذهبا . .. فقولا له قولاً ليّنًا لعلّه يتذكّر

موسی و هارون(ع)، هر دو به یک شیوه برخورد با فرعون مأمور شدند.

رهبران دینی و اصلاح جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۲۲

۲۲ رهبران و مبلغان دین ، تا توان دارند باید در اصلاح جامعه و ابلاغ معارف الهی تلاش کنند .

إن أُريد إلّا الإصلح ما استطعت

رهبران ظالم و جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۳ - ۶

۶ تمامی جوامع بشری در معرض تهدید حیله و مکر سردمداران مجرم خویش

و کذلک جعلنا فی کل قریه أکبر مجرمیها لیمکروا فیها

زمینه اصلاح جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۲۳

۲۳ اصلاح جوامع بشری ، در گرو گرایش آنان به توحید و یکتاپرستی

و رعایت عدل و انصاف در مبادلات و امور اقتصادی است .

قال یقوم اعبدوا الله . .. أوفوا المکیال و المیزان بالقسط ... إن أُرید إلاّ الإص

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۴۶ – ۴

۴ – در تبلیغ دین ، نخست باید به رفع موانع و اصلاح پایگاه ها و عناصر اصلی جامعه پرداخت .

و لقد أرسلنا موسی . .. إلی فرعون و ملإیه

زمینه اعتماد جوامع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۱۲ – ۶

۶ – ایمان ، زمینه ساز اعتماد افراد جامعه اسلامی نسبت به یکدیگر

لولا إذ سمعتموه ظنّ المؤمنون و المؤمنت بأنفسهم خیرًا و قالوا هذا إفک مبین

توصیف مردان و زنان صدراسلام به <ایمان>، حکایت از این حقیقت دارد که ایمان و دین داری با بی اعتمادی و بدگمانی سازگاری نـدارد و هر جا ایمان حقیقی وجود داشته باشد، اعتماد و حسن ظن هم وجود خواهد داشت. آیه <یعظکم اللّه أن تعودوا لمثله أبداً إن کنتم مؤمنین> نیز، تأیید کننده همین برداشت است.

زمینه انحراف جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۷۸ – ۱۰

۱۰ نقش تحریف کتب آسمانی و عالمان تحریفگر در انحراف جوامع

و انّ منهم لفریقاً . .. و یقولون علی اللّه الکذب و هم یعلمون

از ذکر تحریف و بیان کیفیّت آن و لحن تند آیه نسبت به علمای اهل کتاب برمی آید که این عمل در گمراه کردن مردم سهم بسزایی داشته است.

زمینه انحطاط جامعه

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۹۵ – ۵

۵ – ترک انفاق و خودداری از تأمین هزینه های جهاد ، زمینه ساز هلاکت ترک کنندگان انفاق و از عوامل سقوط جامعه است .

و أنفقوا فی سبیل اللّه و لاتلقوا بأیدیکم إلی التهلکه

جمله <لاتلقوا . ..> را می توان با مسأله تأمین هزینه های جهاد (أنفقوا فی سبیل اللّه) معنا کرد و می توان آن را در ارتباط با خود جهاد و مبارزه (قاتلوا فی سبیل اللّه) دانست و نیز می توان آن را بیانی برای آداب انفاق شمرد. برداشت فوق ناظر به وجه اول است; یعنی، هزینه های جهاد را تأمین کنید و با ترک آن خویشتن را به هلاکت نیفکنید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۶۸ – ۵

۵ خودداری از انفاق ، زمینه گرایش جامعه به زشتیها

الشیطان یعدکم الفقر و یأمرکم بالفحشاء

گویا جمله <یأمرکم بالفحشاء>، توضیح و تفسیر جمله <یعدکم الفقر> است. یعنی شما را از انفاق بازمی دارد و در نتیجه، شما را به فحشا می کشاند. (از یک سو صفت بخل را در انسان رشد می دهد و از سوی دیگر عده ای در فقر و فلاکت خواهند ماند که نتیجه ای جز خیانت و جنایت در جامعه نخواهد داشت.)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶۳ – ۱۱

۱۱ ترک نهی از منکر از سوی عالمان دینی ، مایه شکل گیری جامعه با چهره ای زشت و ناپسند

لبئس ما کانوا یصنعون

برداشت فوق بر این مبناست که مراد از <ما>ی موصوله، جامعه

اهل کتاب باشد ; یعنی عالمان یهود و نصارا با ترک نهی از منکر جامعه بدی را می سازند.

زمینه انذار جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۱۲

۱۲ کسب معارف دینی ، مقدمه ای برای انذار و هدایت جامعه است .

لیتفقهوا فی الدین و لینذروا قومهم إذا رجعوا إلیهم

زمینه انقراض جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۹ - ۵

۵ ترک جهاد و سستی در امر پیکار با دشمن ، زمینه ساز نابودی جامعه و جایگزین شدن جامعه دیگری به جای آن

إلا تنفروا یعذبکم عذاباً ألیماً و یستبدل قوماً غیرکم

زمینه پاکی جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۱۱

۱۱ پرداخت صدقه (زکات) ، تضمین کننده پاکی جامعه و شکوفایی اقتصاد آن *

خذ من أمولهم صدقه تطهرهم و تزکیهم

برداشت فوق بر این اساس است که تطهیر و رشد، صرفاً فردی نباشد و نظر به حیثیت اجتماعی آن نیز داشته باشد. به تعبیر دیگر، صدقه و زکات، از آن جهت که تعدیل ثروت را به دنبال دارد، عدالت اجتماعی را تضمین می کند.

زمینه حفظ مصالح جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۲ – ۲

۲– جهاد در راه خداوند ، تضمین کننده صلاح جامعه و حافظ روابط عاطفی اجتماعی

فهل عسیتم إن تولّیتم أن تفسدوا فی الأرض و تقطّعوا أرحامکم

<تولّیتم> به معنای روی گرداندن از جهاد است و مفهوم آیه

بر مطلب بالا دلالت دارد.

زمینه حیات جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۲ – ۴

۴- < وحی > حیات بخش انسان و جامعه است .

ینزّل الملئکه بالروح من أمره علی من یشاء

چنان که مفسّران گفته اند، مراد از <الروح> می تواند وحی باشد. به کار بردن کلمه <الروح> به جای وحی، استعاره است. وجه شبه این استعاره حیات بخش بودن وحی است; همان گونه که روح حیات بخش موجودات می باشد.

زمینه خدمات متقابل در جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۳۲ – ۸

۸ – طبقات مختلف اجتماعی و تفاوت سطح زندگی آنان ، در جهت گردش نظام اجتماعی و بهرهوری انسان ها از نیروی خدماتی یکدیگر است .

و رفعنا بعضهم . .. بعضًا سخریًّا

زمینه رفع گرسنگی از جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۱۸ – ۳

۳ – ریشه کن ساختن گرسنگی در جامعه ، نیازمند همکاری مردمی و تلاش همگانی است .

و لاتحضّون علی طعام المسکین

زمینه سلامت جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۵ - ۱۲

۱۲ - نقش بنیادین عدالت اقتصادی در قوام ، سلامت و بالندگی جامعه

و أنزلنا معهم . .. و المیزان لیقوم الناس بالقسط

<قسط> به معنای عدل است و مراد از آن به قرینه <المیزان> عدالت در روابط و مناسبات اقتصادی است.

زمینه عذاب جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۴ -

۵- جوامع مبتلا به انحرافات جنسی و همجنس بازی ، در معرض نابودی و عذاب الهی

و جاء أهل المدینه . .. قال إن هؤلاء ضیفی فلاتفضحون ... فأخذتهم الصیحه ... فجعلن

زمینه فساد جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۶ - ۷

۷- فسق و فساد طبقه ثروتمند در گرایش دیگر طبقات به فساد و تباهی ، تأثیر و نقش مهمی دارد .

أمرنا مترفیها ففسقوا فیها

اختصـاص به ذکر یـافتن مترفان از میان دیگر طبقات، بیانگر این است که فسق و فساد این طبقه تأثیر بیشتر و نقش مهم تری در مقایسه با دیگر طبقات در فاسد شدن جامعه و نابودی آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۳ - ۵

۵ - نادرستی روابط اقتصادی ، سبب فراگیری فساد و تباهی در جامعه

أوفوا الکیل . .. و لاتعثوا فی الأرض مفسدین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <و لاتعثوا. ..> عطف تفسیری بر جمله پیشین باشد.

زمینه قدرت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۱۶

۱۶ آبادانی و رونق اقتصادی ، زمینه ساز قدرت و نیرومندی جوامع است .

یرسل السماء علیکم مدرارًا و یزدکم قوّه إلی قوّتکم

زمینه قوام جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۷ - ۱۲

۱۲ دستیابی اهل ایمان به جامعه ای با قوام در پرتو حراست از حرمت کعبه و انجام مناسک حج ، موجب آگاهی آنان به علم گسترده و همه جانبه خداوند .

جعل

اللّه . .. ذلک لتعلموا إنّ اللّه یعلم ما فی السموت و ما فی الارض

برداشت فوق بر این مبناست که <ذلک> اشاره به خود حقایق بیان شده باشد نه بیان آن حقایق، یعنی آنگاه که انسانها در پرتو احترام به کعبه و ماههای حرام و انجام مناسک آن به جامعه ای با قوام رسیدند، در می یابند که خداوند دارای علمی گسترده است.

زمینه کیفر جوامع عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۷ - ۱۲

۱۲- ربوبیت خداوند ، مقتضی مجازات جوامع فاسد و عصیانگر بر اساس علم و آگاهی است .

و کم أهلکنا . .. و کفی بربّک بذنوب عباده خبیرًا بصیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۹ - ۳

۳ - جوامع عصیانگر و متمرد از فرمان های خدا و پیامبران ، در معرض روبه رو شدن با پیامد های سنگین کردار خویش و دچار شدن به فرجامی خسارت بار

فذاقت وبال أمرها و کان عقبه أمرها خسرًا

زمینه کیفر جوامع فاسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۷ - ۱۲

۱۲- ربوبیت خداوند ، مقتضی مجازات جوامع فاسد و عصیانگر بر اساس علم و آگاهی است .

و کم أهلکنا . .. و کفی بربّک بذنوب عباده خبیرًا بصیرًا

زمینه هدایت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۱۲

۱۲ کسب معارف دینی ، مقدمه ای برای انذار و هدایت جامعه است .

لیتفقهوا فی الدین و لینذروا قومهم إذا رجعوا إلیهم

زمینه هلاکت جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۵۸ – ۴

۴- جرم پیشگی و تبه کاری ، زمینه ساز هلاکت و نابودی جوامع بشری

قالوا إنا أُرسلنا إلی قوم مجرمین

زمینه هلاکت جوامع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۷۴ – ۵

۵- جوامع مبتلا به انحرافات جنسی و همجنس بازی ، در معرض نابودی و عذاب الهی

و جاء أهل المدینه . .. قال إن هؤلاء ضیفی فلاتفضحون ... فأخذتهم الصیحه ... فجعلن

زن در جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۳۶ – ۵

۵ تفاوت صلاحیت زن و مرد در عصر تولد مریم ، برای احراز مشاغل و مسؤولیت های اجتماعی

ربّ انّی وضعتها اُنثی . .. و لیس الذکر کالاُنثی

بنابراینکه <لیس الذّکر کالاُنثی>، کلام مادر مریم باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۶۱ – ۱۵

۱۵ جواز حضور زنان همراه مردان ، در مسائل مهم اجتماعی

و نساءنا و نساءکم

زیانکاری جوامع عصیانگر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۹ – ۲،۳

۲ – جوامعی که از فرمان های خدا و پیامبران سرباز زدند ، به فرجامی خسارت بار گرفتار شدند .

و کان عقبه أمرها خسرًا

۳ – جوامع عصیانگر و متمرد از فرمان های خدا و پیامبران ، در معرض روبه رو شدن با پیامد های سنگین کردار خویش و دچار شدن به فرجامی خسارت بار

فذاقت وبال أمرها و کان عقبه أمرها خسرًا

ساختار جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۰۵ – ۵

۵ ارزش و اهمیّت کشاورزی و نیروی انسانی و نقش آن در قوام جامعه

و اذا تولی . .. و یهلک الحرث و النسل

از اینکه نابود ساختن این دو، فساد در زمین معرّفی شده، اهمیّت و ارزش آن به دست می آید.

سازندگی جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۰ – ۲۱

۲۱ همه حرکت های دینی ، حتی مبارزه و جهاد ، در راه سازندگی و احسان به جامعه بشری است .

لا یصیبهم ظمأ و لا نصب و لا مخمصه فی سبیل اللّه . .. إن اللّه لا یضیع أجر المحسن

سعادت جامعه دینی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۲۰۰ – ۱۹

۱۹ پیروزی و سعادت جامعه ایمانی ، در گرو ایجاد پیوند و ارتباط با یکدیگر

و رابطوا . .. لعلّکم تفلحون

سلامت اقتصاد جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۸ – ۱۲

۱۲ – نقش بسزای قاضیان در سلامت اقتصاد جامعه و حفظ حقوق مردم

و لاتأكلوا أمولكم بينكم بالبطل و تدلوا بها إلى الحكام . .. و أنتم تعلمون

سنتهای اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۶ - ۸

۸- جامعه و تحولات آن ، دارای سنت و قانونمندی مشخصی است .

و إذا أردنا أن نهلك . .. ففسقوا فيها ... فدمّرنها

<قریه> در لغت به معنای مجتمع انسانی است (مفردات

راغب). اینکه خداونـد می فرمایـد: <وقتی ثروتمنـدان و مرفهین جـامعه فـاسق شدنـد، سـخن مـا درباره آنان قطعی می شود> (فحقّ علیها القول)؛ حکایت از آن دارد که تحولات جامعه، دارای قانون مشخصی است.

سنتهای حاکم بر جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۷ - ۴

۴ ضرورت کند و کاو در تحوّلات و حوادث اجتماعی تاریخی برای شناسایی قوانین و سنت های حاکم بر جوامع

قد خلت من قبلکم سنن فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذّبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۸ - ۳،۵

۳ توجّه به سنّت های الهی در جوامع بشری و سرنوشت شوم تکذیب کنندگان ، روشنگر مردم است .

قد خلت من قبلکم سنن . .. هذا بیان للنّاس

بنابر اینکه <هذا>، اشاره به معارفی باشد که در آیه قبل (قد خلت . ..) بیان شده است.

۵ توجّه به سنت های الهی در جوامع بشری و سرنوشت شوم تکذیب کنندگان ، هدایتگر تقواپیشگان و پندی برای آنان

قد خلت من قبلکم سنن . .. هدیً و موعظه للمتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۵ - ۲

۲ سنت الهی ، بر استمرار هدایت و ادامه فیض و نعمت های خویش بر جوامع انسانی قرار گرفته است .

ما کان اللّه لیضل قوماً بعد إذ هدیهم

واژه <قوماً> ممکن است اشاره به این مطلب باشد که سنت یاد شده، مربوط به جامعه بشری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

طه - ۲۰ - ۱۲۹ - ۱،۲

۱ - خداوند ، در تدبیر امور جوامع و امت ها ، سنت ها و قوانین محکم و ثابتی قرار داده است .

و لولا کلمه سبقت من ربّک

مقصود از <کلمه> در این آیه به مناسبت بحث در باره جوامع و مهلت به آنها سنت های الهی و قوانین حاکم بر تاریخ و جوامع است.

۲ - سرنوشت امت های کفرپیشه و هلاکت و بقای آنان ، دارای سنت ها و قوانین معین و زمان های مشخص

کم أهلکنا قبلهم . .. و لولا کلمه سبقت من ربّک لکان لزامًا

به قرینه آیه قبل که در باره هلاکت جوامع کفرپیشه است، مفاد <لولا کلمه. ..> این است که خداوند، زمان عذاب کافران و نیز دیگر معیارهای آن را مشخص ساخته و آنها را از پیش تعیین کرده است.

سوءاستفاده از محبوبان جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۱۲

۱۲ - بهره گیری از شخصیت های محبوب جامعه و وابسته نشان دادن افکار و رفتار خویش به آنان ، از ترفند های رهبران ضلالت است .

فقالوا هذا . .. إله موسی فنسی

شخصیت جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۷

۷ - هر جامعه و امتی ، دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۷

۷ - هر جامعه و امتی دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

شرایط اصلاح جامعه

جلد

– نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۵۲ – ۵

۵ – اصلاح جوامع بشری ، تنها در پرتو رهبری دین و پیامبران میسر است .

فاتّقوا اللّه و أطیعون . و لاتطیعوا أمر المسرفین . الذین یفسدون فی الأرض

شرایط رهبری جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲۴ – ۱۳

۱۳ – لزوم آزمون و احراز شایستگی افراد ، قبل از انتخاب آنان برای مدیریت و رهبری جامعه

و إذ ابتلی إبرهیم ربه بکلمت فاتمهن قال إنی جاعلك للناس إماماً

شناخت عوامل انقراض جوامع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۷۳ – ۱۰

۱۰ شناخت تاریخ و عوامل پیشرفت و انقراض جامعه ، در جهت دهیِ صحیح به حرکت های اجتماعی ، نقش مؤثر دارد .

فنجّینه . .. و جعلنهم خلئف و أغرقنا الذین کذبوا بأیتنا فانظر کیف کان عقبه المنذر

شناخت عوامل رشد جوامع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۷۳ – ۱۰

۱۰ شناخت تاریخ و عوامل پیشرفت و انقراض جامعه ، در جهت دهیِ صحیح به حرکت های اجتماعی ، نقش مؤثر دارد .

فنجّینه . .. و جعلنهم خلئف و أغرقنا الذین کذبوا بأیتنا فانظر کیف کان عقبه المنذر

ضعف جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۴

۴ بروز ضعف در جامعه ایمانی صدر اسلام ، موجب تخفیف حکم پایداری در برابر دشمنان شد .

الئن خفف اللّه عنکم و علم أن

فیکم ضعفا

طبقات اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۱ - ۴

۴ - خطر پیدایش طبقه مسرف و متجاوز ، در شرایط رفاه و توانمندی اقتصادی جامعه و تسلیم شدن توده های ناآگاه در برابر آنان

فی جنّت و عیون . و زروع و نخل ... و لاتطیعوا أمر المسرفین

از ارتباط عبارت <فی جنّات و عیون> با <و لا تطیعوا أمر المسرفین> می توان استفاده کرد که در محیط رفاه و ثروت، رهبران اسراف گر ظهور می کنند و توده های ناآگاه نیز به اطاعت از آنان، گردن می نهند.

طبقات اجتماعی صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۱،۱۰

۱- پیامبر (ص) در ابلاغ پیام الهی به مردم ، با مؤمنانی تهیدست و دنیاگرایانی رفاه مند ، مواجه بود .

و اصبر نفسک مع الذین یدعون ربّهم . .. و لاتطع من أغفلنا قلبه

از تعبیر <ترید زینه الحیاه الدنیا> استفاده می شود که در آیه، دو گروه، با دو مشخصه، یاد شده اند: نخست، مؤمنان خالصی که از زینت دنیا بی بهره بودند و گروه دوم، کسانی که زینت دنیایی داشتند.

۱۰- توجه به ربوبیّت خداوند ، سوق دهنده آدمی به استغاثه و دعا به درگاه او است .

یدعون ربّهم

طبقات جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۳ - ۱۷

۱۷ ایمان و کفر ، محورِ طبقه بندیِ افرادِ جامعه

فمنهم من امن و منهم من کفر

ظلم به جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ –

توبه - ۹ - ۳۶ - ۹

۹ شکستن حرمت ماه های حرام (پرداختن به جنگ در آن) ، ظلم به خویش و جامعه بشری است .

فلا تظلموا فيهن أنفسكم

ظلم به جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱ - ۲

۲ تلاش دشمنان اسلام برای تجاوز به حریم جامعه اسلامی در صدر اسلام

اذ همّ قوم ان يبسطوا اليكم ايديهم

عبودیت در جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۷ - ۸

۸ - اقامه نماز ، عبودیت و بندگی خدا و انجام کار های نیک ، مشخصه های جامعه اسلامی

يأيّها الذين ءامنوا . .. و افعلوا الخير

عدالت در جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۸ - ۲۱

۲۱ حاکمان ، عهده دار اجرای عدالت در جامعه

و اذا حكمتم بين النّاس ان تحكموا بالعدل

امام باقر (ع) درباره آیه فوق فرمود: . .. انّهم هم الحكّام او لا ترى انّه خاطب بها الحكّام.

غیبت نعمانی، ص ۲۵، باب ما جاء فی الامامه و الوصیه ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۸۰، ح ۵ ; تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۷، ح ۱۵۴، ۱۶۷ ; الدر المنثور، ج ۲، ص ۵۷۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸ - ۷

۷ لزوم نظارت مؤمنان بر اجرای قسط در جامعه *

کونوا قومین للّه شهداء بالقسط

<شاهد> در لغت به معنای حاضر آمده است. بنابراین حضور مؤمنان به قسط، به معنای نظارت آنان

بر اجرای قسط است.

عذاب جامعه فاسق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۱۲

۱۲ نهی از منکر مایه رهایی یافتن از عذاب های تعیین شده برای جوامع گنهکار است .

أنجینا الذین ینهون عن السوء و أخذنا الذین ظلموا بعذاب بئیس

عذاب جامعه گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴ - ۲

۲ عذاب سهمگین خداوند در انتظار جوامع مختلف از قوانین دین و پذیرنده ولایتهای غیر خداوند

و لاتتبعوا من دونه . .. و کم من قریه أهلکنها

بیـان هلاـکت جوامع پیشـین پس از فرمـان به رعـایت قوانین دین و سـرپیچی از ولاـیت غیر خـدا <اتبعوا ما أنزل الیکم . ..>، بیانگر آن است که عذاب امتهای پیشین به سبب تخلف آنان از این فرمان بوده است.

عذاب جامعه مجرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۷ - ۱۲

۱۲ جامعه مجرم خود را از شمول رحمت خداوند محروم و سزاوار عذاب او می گرداند.

و لا یرد بأسه عن القوم المجرمین

<بأس> در لغت به معنای شدت است و در این آیه کنایه از عذاب است.

عذاب جوامع عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۸ - ۵

۵ - جوامعی که از فرمان های خدا و رسولان او ، سرپیچی کردند ، مورد محاسبه سخت الهی و عذاب ناشناخته و ناخوشایند (عذاب استیصال) قرار گرفتند .

فحاسبنها حسابًا شدیدًا و عذّبنها عذابًا نکرًا

<نکر> (مرادف <منکر>) به معنای شیء ناخوشایند و ناشناخته

است.

عذاب جوامع فاسد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۶ – ۱۱

۱۱– عذاب جامعه فسادگر ، آن چنان شدید است که مایه نابودی و هدم کامل آن می شود .

ففسقوا فیها فحقّ علیها القول فدمّرنها تدمیراً

عذر جامعه فاسد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۴ – ۱۴

۱۴ تنها مصلحان و نهی کنندگان از منکر در جوامع فسادپیشه ، دارای عذری قابل قبول در پیشگاه خداوند هستند .

لم تعظون قوماً . .. قالوا معذره إلی ربکم

عظمت جامعه اسلامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۶ – ۷

۷ جامعه ایمانی در صدر اسلام پس از پیکار بدر برخوردار از ابهت و قوّتی چشمگیر ، حتی در نظر دشمنان

و تذهب ریحکم

عفت جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵ – ۲۸

۲۸ اهتمام اسلام به عفت و پاکدامنی جامعه

و المحصنت من المؤمنت و المحصنت . .. محصنين غير مسفحين و لا متخذی اخدان

عوامل اتحاد جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۶

۶ اطاعت از خدا و رسول در پی دارنده وحدت و عظمت جامعه اسلامی

و أطیعوا اللّه . .. و لاتنزعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم

برحذر داشتن اهل ایمان از نزاع و اختلاف، پس از فراخوانی آنان به اطاعت از خدا و رسول می تواند اشاره به این معنا داشته باشد که تنها راه برای دور ماندن از

نزاعها و اختلافات، پیروی کردن از خدا و رسول اوست.

عوامل اصلاح جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۷ - ۷

۷ ضرورت وجود مبلغان و تبیین کنندگان کتب آسمانی در جامعه

و اذ اخذ اللّه میثاق الّذین اوتوا الکتب لتبیّننّه للنّاس

گرفتن میثاق از عالمان و تأکید خداوند بر لزوم تبیین آن برای مردم، مبیّن مطلب فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۱۶

۱۶ نقش سازنده ایمان در اصلاح فرد و جامعه و زدودن فقر و فساد از سیمای جامعه بشری

المؤمنون . .. یأمرون بالمعروف ... و یؤتون الزکوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۱۷

۱۷ هدف از تبلیغ و انذار جامعه ، دور داشتن آن از فساد و تباهی است .

و لینذروا . .. لعلهم یحذرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۵ - ۳

۳ - نقش تعیین کننده انذار و هشدار ، در هدایت و اصلاح جامعه های بشری

إن أنا إلّا نذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۷ – ۲۳،۲۴

۲۳ – نقش تعیین کننده ثروت ، در صلاح و فساد جامعه

و لاتبغ الفساد فی الأرض

۲۴ – لزوم به کارگیری ثروت در راه اصلاح جامعه

و لاتبغ الفساد فی الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۶ – ۷

۷ – اصلاح و تربیت دینی اعضای خانواده ، زیر

بنا و خشت اول اصلاحات در جامعه

قوا أنفسكم و أهليكم نارًا

از فرمان خداوند به مؤمنان، مبنی بر تربیت و اصلاح اعضای خانواده خود با آن که آنان وظیفه جهاد با کافران و منافقان را نیز برعهده دارند (آیه ۹ همین سوره) می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۵ - ۹

۹ - تأثیر کلیدی رهبران سیاسی و نظام اجتماعی ، در ایمان یا کفر و صلاح یا فساد جامعه

كما أرسلنا إلى فرعون رسولاً

عوامل افساد جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۴ - ۳

۳ - ویرانی شهر ها ، تباهی جامعه و ذلّت عزّتمندان ، نتیجه همیشگی سلطه شاهان بر کشور بیگانه

إنّ الملوك إذا دخلوا قريه أفسدوها و جعلوا أعزّه أهلها أذلّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۲۳

۲۳ - نقش تعیین کننده ثروت ، در صلاح و فساد جامعه

و لاتبغ الفساد فى الأرض

عوامل انحراف جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۷ - ۱۱

۱۱ حاکمیّت طاغوت ، منحرف کننده جامعه ، به سوی ظلمت ها و تباهیها

اولیاؤهم الطّاغوت یخرجونهم من النّور الی الظّلمات

عوامل انحطاط جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۹۵ – ۶

۶ – ترک جهاد و دفاع ، موجب هلاکت و سقوط جامعه اسلامی است .

قتلوا فی سبیل اللّه . .. و لاتلقوا بأیدیکم إلی التهلکه

در

برداشت فوق جمله <لاتلقوا . ..> در ارتباط با جمله <قاتلوا فی سبیل اللّه> معنا شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۲۸

۲۸ سرکشی و ظلم (بَغی) عالمان دین ، مانع تحقق اهداف انبیا (اتحاد مردم بر اساس دین حقّ)

و ما اختلف فیه الا الذین اوتوه من بعد ما جاءتهم البیّنات بغیاً بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۶ - ۲۷

۲۷ فقدان زمامدار الهی در یک جامعه ، موجب پراکندگی صفوف آن جامعه و تسلّط اجانب بر آنان *

من بعد موسی . .. و قد اُخرجنا من دیارنا

درخواست بنی اسرائیل از پیامبر خویش برای تعیین زمامداری الهی، حاکی است که چنین مقامی در میان آنها نبوده و در نتیجه، سلطه ستمگرانی را به دنبال داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۵ - ۳

۳ رباخواری ، موجب انحراف و نابسامانی نظام اقتصادی جامعه می گردد .

الّذین یأکلون الرّبوا لا یَقُومونَ الاّ کما یقوم الّذی یتخبّطه الشّیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۳۹

۳۹ مراعات نکردن عدالت در حقوق افراد جامعه و بی ثباتی در تعیین حدود روابط اقتصادی ، از عوامل مفسده انگیز در روابط اجتماعی

ذلکم اقسط عند اللّه و اقوم للشّهاده و ادنی الاّ ترتابوا

چون <ذلکم اقسط . .. > بیان علّت احکام ذکر شده است، نشانگر یک قاعده کلّی است. یعنی عدالت اجتماعی و ثبات

حدود

و روابط اقتصادی، یک اصل و قانون است که با عدم رعایت آن، جامعه رو به فساد خواهد رفت.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲۱ – ۱۶

۱۶ کشتن انبیای الهی و عدالتخواهان ، موجب گرفتاری جامعه به مشکلات توانفرساست .

و یقتلون النّبیّن بغیر حق . .. فبشّرهم بعذاب الیم

بنابراینکه <فبشّرهم بعذاب الیم>، نظر به مشکلات دنیوی و اخروی داشته باشد; به قرینه آیه بعد که می فرماید: <حبطت اعمالهم فی الدنیا و الاخره>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۰۳ – ۲۲،۲۳

۲۲ جامعه جزیره العرب در عصر بعثت پیامبر (ص) ، به خاطر تفرقه و نزاع ، در معرض نابودی و هلاکت

و کنتم علی شفا حفره من النار

بنابراینکه <النار>، استعاره از هلاکت و نابودی باشد.

۲۳ تفرقه و دشمنی افراد یک جامعه با یکدیگر ، قراردهنده آن جامعه ، بر لبه پرتگاه نابودی و هلاکت

اذ کنتم اعداءً فالّف بین قلوبکم . .. و کنتم علی شفا حفره من النار

بنابراینکه <النار>، استعاره از هلاکت و نابودی به واسطه نزاعها و کشمکشها باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۱۸ – ۱۹

۱۹ مناسبات صمیمانه جامعه اسلامی با بیگانگان ، هموارکننده نفوذ ایشان در آن جامعه و اخلال در آن

لا تتخذوا بطانه من دونکم لا یألونکم خبالا

جمله <لا یألونکم . .. >، بیان علت برای <لا تتخذوا ...> است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۴

۱۰ خطر ارتداد و واپسگرایی برای جامعه ، پس از فقدانِ رهبر دینی آن جامعه

و ما محمّد الّا رسول قد خلت من قبله . .. افاین مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۰ - ۱۲

۱۲ تکیه بر غیر خدا ، موجب خذلان و خواری جوامع بشری

و ان یخذلکم فمن ذا الّذی ینصرکم . .. و علی اللّه فلیتوکّل المؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۸ - ۳

۳ شکستن حریم قوانین الهی در روابط جنسی ، رنج آفرین و موجب مشقت برای جوامع انسانی است .

و یرید الّذین یتّبعون الشّهوات . .. یرید اللّه ان یخفّف عنکم

چنانچه رعایت احکام الهی در ازدواج موجب سبکباری باشد، زیر پا گذاردن آن قوانین، رنج آور و مشقتبار خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۹ - ۱۱

۱۱ جابجایی نامشروع و باطل اموال در جامعه ، موجب تباهی و نابودی آن جامعه

لا تاکلوا . .. و لا تقتلوا انفسکم

جمله <و لا تقتلوا> می تواند بیانگر علّت حکم در معطوف علیه، یعنی جمله <لا تاکلوا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ بی گناهان جامعه ، در خطر گرفتار آمدن به کیفر گناهکاران

قال فانها محرمه علیهم اربعین سنه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۴ – ۷

۷ تخلف جوامع از فرامین خدا،

موجب سقوط معنوی آن جوامع و زمینه ساز گرفتاری آنان به عذاب دنیوی (عذاب استیصال).

و لاتتبعوا . .. و کم من قریه أهلکنها

برداشت فوق بر این اساس است که <فاء> در <فجاءها> بیانگر ترتیب باشد. بر این مبنا مراد از هلاکت، هلاکت معنوی خواهد بود. یعنی جوامعی در گذشته منحرف شدند و پس از آن گرفتار عذاب الهی گشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۸

۸ جوامع بی اعتنا به پیام های الهی و بیزار از خیرخواهی نصیحت گران ، در خطر هلاکت و نابودی

فأخذتهم الرجفه . .. نصحت لکم و لکن لاتحبون النصحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۴ - ۵

۵ جوامع مبتلا به لواط و فحشا ، جوامعی مجرم و در معرض نابودی با عذاب های سخت الهی

فانظر کیف کان عقبه المجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۸

۸- رهبران و سردمداران کفر و شرک در مکه ، افرادی ناسپاس و عامل اصلی سقوط و بدبختی مردم بودند .

ألم تر إلی الذین بدّلوا نعمت الله کفرًا و أحلّوا قومهم دار البوار

با توجه به اینکه آیه فوق در مکه نازل شده است، می توان استفاده کرد که مصداق مورد نظر آیه <الذین بدّلوا . .. و أحلّوا قومهم> سران کفر و شرک، همچون ابوجهل و ابولهب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۶ - ۵

۵- فراگیری جرم و جنایت در جامعه ، موجب انحطاط

و زوال آن خواهد شد .

إنا أُرسلنا إلی قوم مجرمین . .. أن دابر هؤلاء مقطوع مصبحین

از اینکه ملائکه عذاب قوم لوط به آن حضرت اعلام می کنند که: <أن دابرهؤلاء مقطوع> (نسل آن قوم قطع می شود) و نمی گویند: نسل گنهکاران قطع می شود و نیز در آیه بعد کار <آمدن> به همه اهل شهر نسبت داده شده (و جاء أهل المدینه)، حاکی است که همه مردم شهر قوم لوط آلوده به گناه بوده اند. تعبیر <مجرم> از آنان و نجات خانواده لوط(ع) از عذاب به جز همسر او نیز مؤید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۶ - ۱۰

۱۰ - تسویلات نفس (زیبانمایی کار های زشت و ناروا) ، خطری در کمین افراد و جوامع

و کذلک سوّلت لی نفسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۸ - ۱۲

۱۲ جامعه بی خبر از تعالیم دینی و از یادبرنده خدا ، در معرض هلاکت و محکوم به نابودی است .

حتّی نسوا الذکر و کانوا قومًا بورًا

برداشت فوق، از تقدم جمله <حتّی نسوا الذکر> بر <کانوا قوماً بوراً> و ارتباط میان آن دو، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۶ - ۷

۷ تکذیب آیات خداوند و نپذیرفتن دعوت انبیا ، در پی دارنده سقوط و نابودی جوامع بشری

فقلنا اذهبا إلی القوم الذین کذّبوا بأیتنا فدمّرنهم تدمیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۴

۹ – فسادگری ، ریشه بلا ها و تباهی های جامعه فرعونی

فانظر کیف کان عقبه المفسدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۵۲ – ۳

۳ – ظلم و گناه ، بنیان برافکن جوامع بشری

یقوم لم تستعجلون بالسیّئه قبل الحسنه. .. فتلك بیوتهم خاویه بما ظلموا

ثمودیان، به صورت جامعه ای متشکل بودند که در نتیجه ظلم و گناه خود به گونه دسته جمعی و فراگیر هلاك شدند و این نشان می دهد که هر جامعه ای که معصیت و ستم در آن رواج پیدا کند، در معرض خطر نابودی قرار می گیرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۴ – ۱۳

۱۳ – تفرقه میان مردم و افزایش بسیار و نامتعادل زنان بر مردان در یک جامعه ، از عوامل فساد و تباهی آن جامعه و مردم

جعل أهلها شیعًا یستضعف طائفه منهم یذبّح أبناءهم و یستحیی نساءهم إنّه کان من المف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۳۸ – ۱۵

۱۵ نقش ثروت اندوزی و عدم انفاق ، در زوال جامعه و پیدایش تحولات ویرانگر اجتماعی *

تدعون لتنفقوا . .. و إن تتولّوا یستبدل قومًا غیرکم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تعبیر <یستبدل قوماً غیرکم> اشاره به یکی از سنت های اجتماعی خداوند داشته باشد؛ زیرا امت های گرفتار در انحرافات اقتصادی، از درون پوسیده و یا به وسیله ملتی دیگر مقهور می شوند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۴۴ – ۷

تکذیب قرآن و معاد ، از عوامل و زمینه های سقوط تدریجی جوامع بشری

سنستدرجهم من حیث لایعلمون

عوامل انحطاط جامعه اسلامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۹ – ۷۸

۷ ارتداد و واپسگرایی جامعه ایمانی و پیروی آنان از کفرپیشگان ، حرکتی زیانبار و خسارت آفرین

ان تطیعوا الّذین کفروا یردّوکم علی اعقابکم فتنقلبوا خاسرین

۸ از دست دادن ارزش های اصیل ایمانی ، از پیامد های تبعیّت از کفرپیشگان

ان تطیعوا . ... فتنقلبوا خاسرین

از مصادیق روشن خسارت جامعه ایمانی، از دست دادن ارزشهای اسلامی و ایمانی است.

عوامل انحطاط جوامع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۸ – ۵

۵– نقش مؤثر و محوری رهبران و سردمداران فاسد در سقوط و نابودی ملت ها و جامعه های بشری

ألم تر إلی الذین . .. و أحلّوا قومهم دار البوار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۱۰ – ۷

۷ – جامعه های گرفتار بی بند و باری جنسی (بی عفتی و زناکاری) ، در معرض زوال و نابودی است .

و لولا فضل اللّه علیکم و رحمته و أنّ اللّه توّاب حکیم

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که جمله <و لولاـ فضل اللّه علیکم. ..> به تقدیر <و لولا فضل اللّه علیکم... لاختل

نظام حیاتکم و لهلکتم> باشد; یعنی، <اگر فضل و رحمت خدا نبود ... نظام زندگی شـما با وجود همه فساد و بی بند و باری از هم می پاشید و شما نابود می شدید>.

عوامل

انقراض جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۸ - ۶

۶ - سرمستی و غرور ناشی از نعمت و رفاه فراوان ، از عوامل هلاکت جوامع بشری است .

و کم أهلکنا من قریه بطرت معیشتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۹ - ۸

۸ - کفران نعمت های الهی ، درپی دارنده گسیختگی زمام جامعه و از هم فروپاشی آن

و اشکروا له . .. فأعرضوا ... و مزّقنهم کلّ ممزّق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۴ - ۲

۲ - اراده الهی ، محرک اصلی عوامل طبیعی در انهدام جوامع حق ستیز

إنّا أرسلنا علیهم حاصبًا

تأکید بر انتساب یافتن عذاب و کیفر به مبدأ الهی (إنّا أرسلنا)، بیانگر مطلب یاد شده است.

عوامل انقراض جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۹ - ۳

۳ تخلف از جنگ با دشمنان اسلام و جامعه اسلامی ، موجب نابودی جامعه اسلامی و سقوط آن *

إلا تنفروا یعذبکم . .. و یستبدل قوماً غیرکم

<نفر> به معنای خروج برای امر مهیج و تحریک آمیز است که بیشتر درمورد خروج برای جنگ به کار می رود و فعل

مجزوم <یعذب> و <یستبدل> جواب شرط برای <لاتنفروا> است. بنابراین پیام آیه چنین می شود: اگر مسلمانان به جنگ نروند عذاب می شوند و نابود خواهند شد و مردم دیگری به جای آنان خواهند نشست.

عوامل انقراض جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام -

۶ - ۶ - ۹

۹ کفر موجب هلاکت بسیاری از جوامع گذشته، در عین قدرتمندتر بودن آنها از کافران عصر پیامبر(ص)

ألم یروا کم أهلکنا من قبلهم من قرن مکنهم فی الأرض ما لم نمکن لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۷ - ۵

۵ ظلم موجب نابودی و هلاکت اقوام است.

هل یهلک إلا القوم الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۵

۵- نقش مؤثر و محوری رهبران و سردمداران فاسد در سقوط و نابودی ملت ها و جامعه های بشری

ألم تر إلی الذین . .. و أحلّوا قومهم دار البوار

عوامل ایمان جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۵ - ۹

۹ - تأثیر کلیدی رهبران سیاسی و نظام اجتماعی ، در ایمان یا کفر و صلاح یا فساد جامعه

کما أرسلنا إلی فرعون رسولاً

عوامل تحولات اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۱ - ۶،۸،۱۰

۶ خداوند در پی تحوّل و تغییر در گرایش ها و رفتار های جوامع بشری ، وضعیّت و سرنوشت آنان را تغییر می دهد .

إن الله لايغير ما بقوم حتی يغيروا ما بأنفسهم

۸ انسان دارای نقشی بسزا در وضعيت اجتماعی و معيشتی و سرنوشت خويش

إن الله لايغير ما بقوم حتی يغيروا ما بأنفسهم

۱۰ جوامع بشری در رقم زدن سرنوشت خويش نه مستقل از اراده خداوندند و نه مجبور از ناحيه او

إن الله لايغير ما بقوم حتی يغيروا ما بأنفسهم

جمله <إن الله لايغير ما بقوم>

تغییر دهنده و از میان برنده را خدا می داند و عبارت <حتی یغیروا ما بأنفسهم> انسانها را در رقم زدن سرنوشت خویش دخیل می شمرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶ - ۱۱

۱۱- خداوند ، خواست و اراده خویش را در تحولات اجتماعی ، از طریق اسباب طبیعی انجام می دهد .

و أمددنکم بأمول و بنین و جعلنکم أکثر نفیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۱ - ۸

۸ - نقش شخصیت ها در رویداد های تاریخی و اجتماعی

ثم اتخذتم العجل من بعده

آوردن کلمه <من بعده> - که مراد از آن غیاب موسی است - به این نکته اشاره دارد که: تا موسی در میان بنی اسرائیل حضور داشت، آنان به شرک گرایش پیدا نکردند و این گویای نقش شخصیتها در رویدادهای مهم تاریخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۲ - ۶

۶ - نقش شخصیت ها در رویداد های تاریخی و اجتماعی

لقد جاء کم موسی . .. ثم أتخذتم العجل من بعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۳ - ۱۱

۱۱ تأثیر عقاید و اعمال امت ها در تحولات اجتماعی آنان

ذلک بأن اللّه لم یک مغیرا نعمه أنعمها علی قوم حتی یغیروا ما بأنفسهم

عوامل تشکیل جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۵ - ۵

۵ ارزش و اهمیّت کشاورزی و نیروی انسانی و نقش آن در قوام جامعه

و

اذا تولی . .. و یهلک الحرث و النسل

از اینکه نابود ساختن این دو، فساد در زمین معرّفی شده، اهمیّت و ارزش آن به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۴

۴ جامعه ای که دارای یک ایده و آرمان باشد ، به منزله یک پیکر است .

ان یمسسکم قرح فقد مسّ القوم قرح مثله

چون خداونـد جراحتهای وارد شده به گروهی از مسـلمانان و یا کافران را به تمام آنها نسـبت داده است، با اینکه قطعاً یکایک افراد مجروح نشدند، معلوم می شود که از نظر قرآن هر جامعه ای که دارای آرمانی واحد باشد، به منزله یک پیکر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵ - ۹

۹ ثروت ها و اموال ، وسیله برپایی و قوام جامعه

اموالکم الّتی جعل اللّه لکم قیاماً

کلمه <قیاماً>، به معنی برپادارنده است. (لسان العرب).

عوامل تشکیل جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۳ - ۱۲

۱۲ نقش اساسی عالمان و دانشمندان دینی در ساختار دینی و اخلاقی جامعه

لبئس ما کانوا یصنعون

عوامل حیات جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۹ - ۱،۳

۱ - قانون قصاص و اجرای آن موجب حیات جامعه اسلامی است .

و لکم فی القصاص حیوه

۳ - بهره مندان از خرد ناب ، توانا بر درک فلسفه قانون قصاص (حیات جامعه)

و لکم فی القصاص حیوه یأولی الألبب

زندگی در پرتو قانون قصاص

و اجرای آن، برای همه جامعه اسلامی است نه خصوص خردمندان. بنابراین مخاطب قرار دادن اولی الألباب (دارندگان خرد ناب) در بیان حقیقت مذکور، اشاره به این دارد که: درک آن حقیقت در خور خردی ناب است.

عوامل ذلت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴ - ۱۲

۱۲ - افزایش نامتعادل تعداد زنان بر مردان در یک جامعه ، درپی دارنده ضعف و زبونی آن

یستضعف طائفه منهم . .. و یستحیی نساءهم

برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند، زنده گذاشته شدن دختران بنی اسرائیل را، یکی دیگر از نمودهای زبون سازی فرعون به شمار آورده است.

عوامل رشد اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۱۶

۱۶- دستیابی جامعه به امنیت ، رشد و رفاه اقتصادی و یا ابتلای آن به فقر ، گرسنگی ، ناامنی و ترس ، در گرو اعمال افراد آن جامعه است .

و ضرب الله مثلاً قریه کانت ءامنه مطمئنّه . .. فکفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس

عوامل رشد جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۱۱،۱۳

۱۱ جامعه بشری ، نیازمند بعثت پیامبران برای حل اختلافات (هدایت جامعه)

فبعث اللّه النبیّن . .. لیحکم بین الناس فیما اختلفوا فیه

۱۳ حکومت ، داوری و حل اختلافات مردم ، از اهداف بعثت پیامبران و نزول کتاب های آسمانی

و اَنزل مَعهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ -

۲۳۲ - ۱۱،۱۳،۲۰

۱۱ جلوگیری نکردن از ازدواج زنان مُطلّقه ، موجبِ رشد و طهارت فزونتر برای جامعه

و اذا طلّقتم النّساء . .. فلا تعضلوهنّ ... ذلکم ازکی لکم و اطهر

۱۳ قوانین الهی برای رشد و طهارت جامعه ، مفیدتر از قوانین و رسوم مردم است .

و اذا طلّقتم النّساء . .. فلا تعضلوهنّ ... ذلکم ازکی لکم و اطهر

۲۰ قوانین الهی ، برای اصلاح و پاکسازی خانواده و جامعه

فلا تعضلوهنّ ان ینکحن . .. ذلکم ازکی لکم و اطهر و اللّه یعلم و انتم لا تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۶ - ۱۸

۱۸ پیکار در راه خداوند ، عزّت بخش و رهاکننده جامعه از قید تجاوز و اسارت

و ما لنا اَلّا نقاتل فی سبیل اللّه و قد اُخرجنا من دیارنا و ابنائنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۷ - ۱۳

۱۳ ایمان و عمل صالح به ویژه نماز و زکات زمینه نفی ربا در جامعه

یمحق اللّه الرّبوا . .. امنوا و عملوا الصّالحات

ذکر این آیه پس از آیات قبل (در مورد ربا) رهنمودی است برای از بین بردن ربا در جامعه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۱۴

۱۴ سلامت تفکر و حرکت جامعه ، در گرو سلامت قلبها

فامّا الّذین فی قلوبهم زیغ فیتّبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنه و ابتغاء تأویله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۱۹

۱۹

تأمین سعادت جامعه در پرتو ایمان ، خدمات انبیا و تلاش عدالتخواهان است .

انّ الّذین یکفرون . .. فبشّرهم بعذاب الیم

نبود ایمان، انبیا و مصلحان در جوامع موجب رنج و بدبختی است، معلوم می شود وجود آنها زمینه ساز سعادت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۳ - ۲۵

۲۵ رهایی از آتش تفرقه و دشمنی میان افراد یک جامعه ، نعمتی الهی

و اذکروا نعمت اللّه علیکم اذ کنتم اعداءً . .. و کنتم علی شفا حفره من النار فانقذ

جمله <کنتم علی>، عطف است بر <کنتم اعداءً>. در نتیجه هر یک بیانی است از نعمت الهی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۴ - ۱۱

۱۱ نقش بنیادین دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر ، در رستگاری جامعه

و لتکن منکم امّه . .. و اولئک هم المفلحون

بنابراینکه مشارالیه <اولئک> جامعه اسلامی باشد; یعنی تنها خودِ امرکنندگان به معروف و نهی کنندگان از منکر رستگار نیستند، بلکه افراد جامعه بخاطر وجود چنین افرادی بهره مند از رستگاری هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۰ - ۵،۶،۸

۵ ایمان به خدا و اصلاح جامعه (امر به معروف و نهی از منکر) ، دو عامل رُشد جوامع انسانی

کنتم خیر أمّه أخرجت للناس تأمرون . .. و تؤمنون باللّه

رشد و تکامل جوامع از مصادیق خیر است و آیه فوق، خیر بودن امت را منوط به ایمان و اصلاح اجتماع (امر به معروف

و نهی ازمنکر) کرده است.

۶ امر به معروف و نهی از منکر ، وظیفه عمومی جامعه اسلامی برای رُشد خویش

کنتم خیر أمّه أخرجت للناس تأمرون . .. و تؤمنون باللّه

از مصادیق بارز <خیر> برای جامعه، رُشد آن جامعه است.

۸ ایمان مصلحان (امرکنندگان به معروف و نهی کنندگان از منکر) به خداوند ، شرط اعتلای جامعه

کنتم خیر امه . .. و تؤمنون باللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۲۳ – ۱۱

۱۱ یادآوری وضعیّت نابهنجار یک جامعه در هنگام رکود و انحطاط ، از روش های تربیتی قرآن در تصحیح حرکت آن جامعه

و اذ غدوت من اهلك . .. و اذ همّت طائفتان ... و لقد نصرکم اللّه ببدر و انتم اذلّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۳۰ – ۱۳

۱۳ پرهیز از رباخواری و رعایت تقوای الهی در امور اقتصادی ، زمینه فلاح و رستگاری جامعه

لا تأکلوا الرّبوآ . .. و اتّقوا اللّه لعلّکم تفلحون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۴ – ۱۱

۱۱ ادیان الهی ، راه و روش رشد و تعالی انسان و جامعه

افاین مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم

چون مراد از <انقلبتم علی اعقابکم>، بازگشت از دین الهی است و از آن تعبیر به واپسگرایی شده، معلوم می شود که دین الهی، رشد و تعالی مردم را تضمین می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۵ - ۱۱

۱۱

ثروت باید برای رشد اقتصادی جامعه به کار گرفته شود .

اموالکم الّتی جعل اللّه لکم قیاماً

از اینکه خداوند مال را برای برپایی جامعه قرار داده و به همین جهت پرداخت آن را به سفیهان منع کرده، معلوم می شود که ثروتها باید در جهت رشد اقتصادی، که قوام جامعه به آن بستگی دارد، به کار گرفته شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۵ - ۲۷

۲۷ فراهم آوردن ازدواج های سهل و آسان در جامعه ، راه جلوگیری از مفاسد جنسی

و من لم یستطع . .. فمن ما ملکت ایمانکم ... ذلک لمن خشی الْعنت منکم

چون ازدواج با کنیزان سهل است و خداوند برای جلوگیری از زنا و مفاسد جنسی آن را پیشنهاد و تجویز کرده، معلوم می شود که بهترین راه برای جلوگیری از مفاسد جنسی، فراهم آوردن ازدواج سهل و آسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۸ - ۲

۲ پایبندی به مقررات الهی در ازدواج و روابط جنسی ، زمینه سبکباری و دور ماندن جوامع از مشقت ها و رنجهاست .

یرید اللّه ان یخفّف عنکم

بیان خواست الهی به سبکباری انسانها پس از تبیین احکام و مقررات ازدواج، اشاره به این است که دوری جوامع بشری از رنجها و مشقتها در گرو پیروی از آن احکام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۹ - ۱۳

۱۳ سلامت جامعه از مفاسد اجتماعی ، از اهداف ارائه احکام اقتصادی از سوی خداوند

لا تاکلوا . .. لا تقتلوا

... انّ اللّه کان بکم رحیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۱۱

۱۱ قضاوت و حکومت بر مبنای کتب آسمانی ، جاری ساختن نور و هدایت در جامعه است .

فیها هدی و نور یحکم بها النبیون . .. و الربنیون و الاحبار

یادآوری قضاوت پیامبران بر اساس تورات، پس از توصیف آنان به هدایتگری و نورانیت، بیانگر آن است که پیاده کردن احکام آن در جامعه، موجب هدایت و نورانیت مردمان خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۶

۶ سلامت و سعادت جوامع در گرو پیروی از رهبران الهی و عمل به قوانین دین

و لو کانوا یؤمنون باللّه و النبی و ما أنزل إلیه ما اتخذوهم أولیاء

با توجه به آیات گذشته که در آن جامعه ای منحط از بنی اسرائیل ترسیم گردیده بود، معلوم می شود آیه مورد بحث، رهنمودی است برای نجات جوامع از انحطاط، بنابراین <ما اتخذوهم أولیاء> تنها، بیان یکی از نتایج ترک پیروی از رهبران الهی و عمل به قوانین دینی است و نتایج دیگر که از آنها به سلامت و سعادت تعبیر شد با توجه به آیات گذشته به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۳ - ۶

۶- حیات و پویایی جوامع ، در پرتو ارزش های معنوی علاوه بر نعمت های مادی است .

یأتیها رزقها رغدًا من کلّ مکان . .. و لقد جاءهم رسول منهم

جمله <یأتیها رزقها. ..> می تواند اشاره به نعمتهای مادی و

<و لقد جاءهم رسول منهم> اشاره به ارزشهای معنوی داشته باشد.

عوامل رشد جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۹ - ۴

۴ ادیان الهی ، راه رشد و تعالی انسان و جامعه

ان تطیعوا الّذین کفروا یردّوکم علی اعقابکم

خداوند با تعبیر واپسگرایی به جای کفر و شرک، اشاره به این معنا دارد که دین الهی، راه رشد و تعالی واقعی انسان است.

عوامل زیان به جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۲ - ۱

۱ - برخورد دوگـانه تاجران ، هنگام فروش کالا و خریـد آن و به کار بردن سـنجش دقیق با پیمانه کامل تنها به هنگام خریـد ، مایه زیان جامعه و زمینه ساز عذاب الهی است .

ویل للمطفّفین . الذین إذا اکتالوا علی الناس یستوفون

<اکتـالوا>; یعنی، بـا پیمـانه کالاـ را دریـافت کردنـد. حرف <علی> در آیه شـریفه جـایگزین حرف <من> شـده است تا نشانگر متضرر شدن مردم از این گونه تجارت باشد.

عوامل سلامت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۲ - ۸

۸ لزوم مبارزه با ریشه ها و علل گناه ، برای تأمین سلامت جامعه

لا تاکلوا اموالکم بینکم بالباطل . . و لا تقتلوا انفسکم ... و لا تتمنّوا ما فضّل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۵ - ۱۳

۱۳ - دین و عدالت ، مایه قوام و سلامت جامعه است .

و أنزلنا معهم الکتب و المیزان لیقوم الناس بالقسط

عوامل شقاوت جامعه

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۷ – ۸

۸- هلاکت و بدبختی جوامع بشری ، بازتاب زشت کاری و رفتار نامناسب خود آنها است .

الذین کذّبوا بایتنا إنّهم کانوا قوم سوء فأغرقنهم أجمعین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند دو عامل (تکذیب آیات الهی و سوء پیشینه) را موجب هلاکت برشمرد و هر دو عامل را به خود انسان نسبت داد.

عوامل ضعف جامعه اسلامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۶ – ۵

۵ سستی اهل ایمان در پیکار با دشمنان دین ، موجب از میان رفتن ابهت و قوّت جامعه اسلامی

و لاتنزعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم

عوامل عظمت جامعه اسلامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۶ – ۶

۶ اطاعت از خدا و رسول در پی دارنده وحدت و عظمت جامعه اسلامی

و أطیعوا اللّه . .. و لاتنزعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم

برحذر داشتن اهل ایمان از نزاع و اختلاف، پس از فراخوانی آنان به اطاعت از خدا و رسول می تواند اشاره به این معنا داشته باشد که تنها راه برای دور ماندن از نزاعها و اختلافات، پیروی کردن از خدا و رسول اوست.

عوامل فساد جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱ – ۱

۱ – منافقان ، عناصری فسادگر و تباه کننده جامعه

و إذا قیل لهم لاتفسدوا فی الأرض

کلمه <فی الأرض> نشانگر این است که فسادگری منافقان محدود به خود و اطرافیانشان نبوده، بلکه فسادی

است فراگیر و سرایت کننده به جامعه ای که در آن به سر می برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۵ - ۹

۹ - تأثیر کلیدی رهبران سیاسی و نظام اجتماعی ، در ایمان یا کفر و صلاح یا فساد جامعه

کما أرسلنا إلی فرعون رسولاً

عوامل فساد جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲ - ۲

۲ - منافقان ، سرچشمه و منشأ فساد ها و تبهکاری ها در جوامع دینی هستند .

ألا إنهم هم المفسدون

در آیاتی از قرآن غیر منافقان نیز فسادگر خوانده شده اند بنابراین حصر در جمله <ألا إنهم . ..>(تنها منافقان فسادگرند) حصر ادعایی است و اشاره به این معنا دارد که: فسادگری غیر منافقان در قیاس با منافقان چیزی به حساب نمی آید; و یا اینکه فساد دیگران نیز به گونه ای به نفاق و منافقان باز می گردد.

عوامل قوام جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۷ - ۱۱،۱۰،۹،۸،۷

۷ ماه های حرام و قربانی های بی نشان و بانشان حج ، دارای نقشی خاص در قوام و برپایی جوامع

جعل اللّه الکعبه . ... قیماً للناس و الشهر الحرام و الهدی و القلئد

الشهر الحرام و ما بعد آن عطف بر <الکعبه> و در حقیقت آنها نیز مفعول اول برای <جعل> می باشند و مفعول دوم آن یعنی <قیماً للناس> به قرینه ماقبل حذف شده است.

۸ تأثیر حج در قوام و برپایی جوامع *

جعل اللّه الكعبه . .. قيماً للناس و الشهر

الحرام و الهدی و القلئد

ماه حرام به قرینه ذکر کعبه و هدی و قلائد بدان جهت مایه قوام جامعه شمرده شده است که مناسک حج در آن واقع می شود بنابراین <قیماً للناس> در حقیقت ثمره مناسک حج است.

۹ حجی که عامل قوام و برپایی جوامع نباشد حج واقعی نیست . *

جعل اللّه الکعبه البیت الحرام قیماً للناس

۱۰ نقش اساسی تر کعبه در قوام جامعه نسبت به ماه های حرام و قربانی حج

جعل اللّه الکعبه البیت الحرام قیماً للناس و الشهر الحرام و الهدی و القلئد

تقدیم ذکری کعبه و نیز حذف <قیماً للناس> نسبت به <الشهر الحرام . ..> اشاره به این دارد که نقش ماههای حرام و قربانی حج و ... در قوام جوامع بواسطه کعبه می باشد.

۱۱ آگاهی انسان ها به علم گسترده خداوند ، از اهداف بیان نقش کعبه و ماه های حرام و قربانی در قوام جامعه

جعل اللّه . .. ذلک لتعلموا إنّ اللّه یعلم ما فی السموت و ما فی الارض

<ذلک> می تواند اشاره به بیان مطالب یاد شده باشد، یعنی خداوند فلسفه ایجاد کعبه و نیز احکام مربوط به آن را بیان کرد تا انسانها بدانند افعال خداوند و احکام او عالمانه و دارای اهدافی والاست و این را نشان و علامتی از علم گسترده خداوند بشمارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲ - ۱

۱- قرآن و تعالیم آن ، قوامْ بخش و رهبری کننده جامعه بشری است .

أنزل علی عبده الکتب و لم یجعل له عوجًا قیّمًا

<قیّم> به معنای <مقیم> یعنی <برپادارنده و سامان بخش> است.

<قیّم القوم> به معنای <مدیر و مدبّر امور قوم> است. (اقتباس از لسان العرب). لازم به ذکر است که قیّماً یا مفعول برای فعل مقدر <جعل> است یعنی: <جعله قیّماً> و یا حال برای <الکتاب>.

عوامل کفر جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۵ - ۹

۹ - تأثیر کلیدی رهبران سیاسی و نظام اجتماعی ، در ایمان یا کفر و صلاح یا فساد جامعه

کما أرسلنا إلی فرعون رسولاً

عوامل گمراهی جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۹ - ۴

۴ - نقش مهم رهبری کفر ، در گمراهی و انحراف ارکان جامعه

فتولّی برکنه

در صورتی که مراد از <رکن>، ارکان جامعه بوده و <باء> برای تعدیه باشد، از منتسب شدن انحراف ارکان جامعه، به شخص فرعون، مطلب یاد شده استفاده می شود.

عوامل محرومیت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۳ - ۷

۷ محرومیت جوامع بشری از نعمت های الهی ، پیامد گرفتار شدن آنان به کفر و گناه است .

ذلک بأن اللّه لم یک مغیرا نعمه أنعمها علی قوم حتی یغیروا

عوامل مؤثر در اصلاح جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲ - ۲

۲ - دعوت و برخورد از سر مهربانی و شفقت ، مؤثّر در هدایت و اصلاح جامعه

قال یقوم

عوامل مؤثر در سلامت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۱ - ۹

۹ - زنان ، همچون

مردان ، دارای نقش در سلامت معنوی یا بیماری اخلاقی جامعه

و لا نساء من نساء

از ارتباط این آیه با آیه قبل، استفاده می شود که برای حفظ برادری اجتماعی و حاکمیت رحمت بر کل جامعه، زنان و مردان سهمی همسان دارند. پس همچنان که مردان باید از استهزا بپرهیزند، زنان نیز مکلف اند.

عوامل مؤثر در قوام جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۳ - ۷

۷ - تشخیص و تمییز انسان ها بهوسیله یکدیگر ، امری مهم در قوام جامعه و مناسبات اجتماعی

و جعلنکم شعوبًا و قبائل لتعارفوا

از این که شناخت اعضای جامعه بشری نسبت به یکدیگر، غایت و هدف پیدایش تکوینی <شعوب و قبائل> معرفی شده; دانسته می شود که تعارف و شناسایی انسان ها نسبت به یکدیگر دارای نقشی مهم در قوام و پایداری زندگی اجتماعی آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۹ - ۴

۴ - اهمیت عدالت اقتصادی ، در قوام جامعه و برخورداری از رحمت الهی *

الرحمن . .. و أقیموا الوزن بالقسط و لاتخسروا المیزان

برداشت یاد شده بدین احتمال است که ارتباط این آیه با آیات پیشین که در زمینه قانون مندی نظام جهان و نیز رحمانیت خداوند بود بیانگر مطلب بالا باشد; یعنی، اگر قانون مندی شرط قوام هستی است و در پرتو این قوانین، رحمت الهی شامل بشر شده، رعایت قوانین اقتصادی نیز شرط استواری جامعه است و آنان در پرتو همین اصل از رحمت عام الهی (شکوفایی اقتصادی و رابطه صحیح اجتماعی) برخوردار خواهند شد.

عوامل

ناامنی اجتماعی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۱۳ – ۷

۷- فقر ، ناامنی و عذاب دنیوی ، دستاورد تکذیب کنندگان انبیا و رسولان الهی

فأذقها الله لباس الجوع و الخوف . .. رسول منهم فکذّبوه فأخذهم العذاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۱۲ – ۶،۷،۹،۱۶

۶- مبتلا شدن جامعه به فقر ، گرسنگی و ناامنی ، در نتیجه کفران نعمت های الهی

قریه کانت ءامنه مطمئنّه . .. فکفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

۷- کمترین کیفر الهی برای جامعه ناسپاس ، پیدایش فقر ، گرسنگی و ناامنی فراگیر است . *

فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که <اذاق> اشاره به چشاندن و ظاهر ساختن گوشه ای از کیفر باشد و <لباس> اشاره به اثرات و فراگیری آن کیفر داشته باشد.

۹- ابداع روش های جدید برای گناه و استمرار آن و نیز ناسپاسی در برابر خدا ، عامل پیدایش فقر ، گرسنگی و ناامنی اجتماعی

فکفرت بأنعم الله . .. بما کانوا یصنعون

برداشت فوق، با توجه به واژه <یصنعون> که دربردارنده معنای ابداع و ایجاد مسبوق به عدم است، استفاده گردید.

۱۶- دستیابی جامعه به امنیت ، رشد و رفاه اقتصادی و یا ابتلای آن به فقر ، گرسنگی ، ناامنی و ترس ، در گرو اعمال افراد آن جامعه است .

و ضرب الله مثلاً قریه کانت ءامنه مطمئنّه . .. فکفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس

عوامل نابودی جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ -

۸ شرکورزی و مخالفت با تعالیم و توصیه های پیامبران ، از عوامل مهم نابودی جامعه ها و تحولات تاریخ و دگرگونی های آن است .

فإن تولّوا . .. یستخلف ربی قومًا غیرکم

عوامل ناهنجاری اجتماعی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۶۰ – ۱۰،۱۱،۱۲

۱۰ – منافقان ، از جمله عوامل پیدایش ناهنجار های اجتماعی اند .

لئن لم ینته المنفقون . .. لنغرینّک بهم

۱۱ – بیماردلان ، آسیب رسانان به هنجار های اجتماعی اند .

لئن لم ینته . .. و الذین فی قلوبهم مرض ... لنغرینّک بهم

۱۲ – شایعه پراکنان ، برهمزنان آرامش جامعه و آسیب رسان به آن اند .

لئن لم ینته المنفقون و . .. المرجفون فی المدینه لنغرینّک بهم

عوامل هدایت جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۴ – ۱۱

۱۱ قضاوت و حکومت بر مبنای کتب آسمانی ، جاری ساختن نور و هدایت در جامعه است .

فیها هدی و نور یحکم بها النبیون . .. و الربنیون و الاحبار

یادآوری قضاوت پیامبران بر اساس تورات، پس از توصیف آنان به هدایتگری و نورانیت، بیانگر آن است که پیاده کردن احکام آن در جامعه، موجب هدایت و نورانیت مردمان خواهد شد.

عوامل هدایت جوامع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۷۳ – ۱۰

۱۰ شناخت تاریخ و عوامل پیشرفت و انقراض جامعه ، در جهت دهیِ صحیح به حرکت های اجتماعی ، نقش مؤثر دارد .

فنجّینه . .. و جعلنهم خلئف و أغرقنا الذین کذبوا بأیتنا

فانظر کیف کان عقبه المنذر

عوامل هلاکت جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۷ – ۸

۸- هلاکت و بدبختی جوامع بشری ، بازتاب زشت کاری و رفتار نامناسب خود آنها است .

الذین کذّبوا بایتنا إنّهم کانوا قوم سوء فأغرقنهم أجمعین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند دو عامل (تکذیب آیات الهی و سوء پیشینه) را موجب هلاکت برشمرد و هر دو عامل را به خود انسان نسبت داد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۳۶ – ۷

۷ تکذیب آیات خداوند و نپذیرفتن دعوت انبیا ، در پی دارنده سقوط و نابودی جوامع بشری

فقلنا اذهبا إلی القوم الذین کذّبوا بأیتنا فدمّرنهم تدمیرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۵۱ – ۵

۵ – نقش سردمداران کفر و فساد در هلاکت و بدبختی تمامی جامعه

أنّا دمّرنهم و قومهم

ضمیر <هم> به گروه های نُه گانه بازمی گردد که طرح ترور شبانه صالح و خانواده اش را ریخته بودند. و از این که نام آنان به صورت مجزا و مقدم بر نام قومشان یاد شده است، مطلب فوق استفاده می شود.

عوامل هلاکت جوامع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۱ – ۵

۵ ارتکاب ظلم و گناه در عین آگاهی، موجب هلاکت جامعه می شود.

ذلک أن لم یکن ربک مهلک القری بظلم و أهلها غفلون

جمله <و أهلها غافلون>، یعنی خداوند جامعه ستمکاری را که اهل آن از تعالیم انبیا غافل بوده

اند و پیام آنان را دریافت نکرده باشند، هلاک نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۶ - ۱،۶

۱- فسق و گناهِ برخورداران از مکنت و ثروتمندان هر جامعه ، عامل هلاکت و نابودی آن جامعه است .

و إذا أردنا أن نهلک قریه أمرنا مترفیها ففسقوا فیها

<مترف> از واژه <ترفه> گرفته شده و <ترفه> هم به معنای روزی و نعمت فراوان است (مفردات راغب).

۶- افزایش تعداد مترفان و ثروتمندان فاسق و تبهکار در جامعه ، از عوامل هلاکت و نابودی آن جامعه براساس سنت های خداوند

و إذا أردنا أن نهلک قریه أمرنا مترفیها ففسقوا فیها

برخی برآنند <أمرنا> به معنای <کثرنا> (فزونی دادیم) است (مفردات راغب) که بر اساس آن، مراد از <أمرنا مترفیها> افزایش مترفان در جامعه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۷ - ۱،۵،۱۰

۱- جوامع و ملت های بسیاری پس از دوران نوح (ع) در نتیجه فسق و گناه و به اراده خداوند نابود شدند .

ففسقوا . .. و کم أهلکنا من القرون

<قرن> (مفرد قرون) به معنای قومی است که نزدیک به یک زمان و در یک عصر زندگی می کنند (مفردات راغب).

۵- بسیاری از جوامع و ملل پس از حضرت نوح (ع) بر اثر وجود مترفان فاسق و تبهکار در میان آنان ، به هلاکت و نابودی دچار شدند .

و إذا أردنا أن نهلک قریه أمرنا مترفیها ففسقوا فیها . .. و کم أهلکنا من القرون من

۱۰- گناه ، عامل اصلی هلاکت جوامع بشری است .

کم أهلکنا من القرون .

.. و کفی بربّک بذنوب عباده خبیرًا بصیرًا

فرار منافقان از جامعه اسلامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۵۷ – ۷

۷ علاقه و تلاش شدید منافقان به یافتن پناهگاه و محل مناسب برای زندگی (خارج از محیط اسلامی) دلیل بی ایمانی و همگام نبودنشان با مؤمنان

و ما هم منکم . .. لو یجدون ملجئاً ... لولّوا إلیه و هم یجمحون

جمله <لو یجدون . .. > می تواند به منزله دلیل و ارائه شاهدی برای <و ما هم منکم> در آیه قبل باشد.

فرجام جوامع عصیانگر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۹ – ۱،۲،۳

۱ – بسیاری از جوامع انسانی ، به خاطر سرپیچی از فرمان های خدا و پیامبران ، به سزای سنگین و پیامد زیان بار کردار خویش دچار شدند .

و کأیّن من قریه عتت عن أمر ربّها. .. فذاقت وبال أمرها

<وبال> به معنای شدت و سنگینی است و مقصود از آن در آیه شریفه شدت مجازات و سنگینی پیامدهای کردارها است.

۲ – جوامعی که از فرمان های خدا و پیامبران سرباز زدند ، به فرجامی خسارت بار گرفتار شدند .

و کان عقبه أمرها خسرًا

۳ – جوامع عصیانگر و متمرد از فرمان های خدا و پیامبران ، در معرض روبه رو شدن با پیامد های سنگین کردار خویش و دچار شدن به فرجامی خسارت بار

فذاقت وبال أمرها و کان عقبه أمرها خسرًا

فرد و جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۴۹ - ۷

۷ هر

جامعه ای ، جدا از افرادش ، دارای حقیقتی مستقل و از مرگ و زندگی ویژه برخوردار است .

لکل أمه أجل

فساد اکثریت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۶ - ۵

۵ فساد ها و تباهیها ، آن گاه که رواج یابد و فراگیر شود ، امت ها را در خطر عذاب های الهی قرار می دهد .

ینهون عن الفساد فی الأرض

فلسفه انذار جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۱۷

۱۷ هدف از تبلیغ و انذار جامعه ، دور داشتن آن از فساد و تباهی است .

و لینذروا . .. لعلهم یحذرون

فلسفه سیاستهای اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۱۰

۱۰ تطهیر و تکامل روحی و معنوی جامعه ، هدف اصلی برنامه های اجتماعی و اقتصادی اسلام است .

خذ من أمولهم صدقه تطهرهم و تزکیهم

فهم جامعه کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۹

۹ جوامع کفرپیشه ، جوامعی به دور از درک حقایق دین و معارف الهی

بأنهم قوم لایفقهون

با توجه به اینکه ایمان و کفر تعیین کننده توانایی و ناتوانی دانسته شده، معلوم می شود مفعول حذف شده از <لایفقهون> همان حقایق و معارف است که اهل ایمان بدان باور دارند.

قانونمندی نابودی جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴ - ۱

۱- هلاکت و نابودی هر جامعه انسانی ، دارای قانون

و اجلی مکتوب و معین

و ما أهلکنا من قریه إلّا و لها کتاب معلوم

قانونمندی تحولات اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۶ - ۸

۸- جامعه و تحولات آن ، دارای سنت و قانونمندی مشخصی است .

و إذا أردنا أن نهلک . .. ففسقوا فیها ... فدمّرنها

<قریه> در لغت به معنای مجتمع انسانی است (مفردات راغب). اینکه خداوند می فرماید: <وقتی ثروتمندان و مرفهین جامعه فاسق شدند، سخن ما درباره آنان قطعی می شود> (فحقّ علیها القول)؛ حکایت از آن دارد که تحولات جامعه، دارای قانون مشخصی است.

قانونمندی جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۴ - ۳

۳ امتها و جوامع بشری، ناتوان از کمترین شتاب در سپری ساختن تاریخ حیات خویش

فإذا جاء أجلهم . .. لا یستقدمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴ - ۷

۷- هر جامعه ، دارای هویت ، حیات و قوانین مشخصی جدا از افراد آن جامعه

و ما أهلکنا من قریه إلّا و لها کتاب معلوم

قانونمندی جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۶ - ۸

۸- جامعه و تحولات آن ، دارای سنت و قانونمندی مشخصی است .

و إذا أردنا أن نهلك . .. ففسقوا فیها ... فدمّرنها

<قریه> در لغت به معنای مجتمع انسانی است (مفردات راغب). اینکه خداوند می فرماید: <وقتی ثروتمندان و مرفهین جامعه فاسق شدند، سخن ما درباره آنان قطعی می شود> (فحقّ علیها القول)؛ حکایت از آن دارد که تحولات

جامعه، دارای قانون مشخصی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۰ – ۶

۶- اعلام یکسان بودن رفتار امت ها در برخورد با آیات الهی و تعمیم عکس العمل پیشینیان به نسل های بعد ، برخواسته از اشراف و احاطه خداوند به همه انسانهاست .

و ما منعنا أن نرسل بالأیت إلاّ أن کذّب بها الأوّلون . .. إن ربّک أحاط بالناس

خداوند، رفتار معجزه طلبان پیشین با معجزه خواهان بعدی را یکسان تلقی کرده و برخورد خود را به همه آنها تعمیم داده است و این آیه، در مقام تعلیل آن می فرماید: <پروردگار به مردم احاطه دارد>.

قدرت نظامی جامعه اسلامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۶۰ – ۱۵

۱۵ انفاق امکانات برای تقویت بنیه نظامی جامعه اسلامی ، از مصادیق انفاق < فی سبیل اللّه > است .

و أعدوا لهم ما استطعتم . .. و ما تنفقوا من شیء فی سبیل اللّه

قوام جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۹۷ – ۱۵،۱۷

۱۵ فرمان به انجام مناسک حج و محترم شمردن کعبه برای رسیدن به جامعه ای با قوام ، فرمانی برخاسته از علم گسترده خداوند

جعل اللّه الکعبه . .. ذلک لتعلموا إنّ اللّه یعلم ما فی السموت و ما فی الارض

چون توجه به نقش کعبه و ماههای حرام و قربانی در قوام جامعه آدمی را به علم خداوند رهنمون می سازد،الزاماً باید جعل آنها برای تأمین این هدف، عالمانه باشد.

۱۷ خداوند خواهان جامعه ای با قوام

و استوار برای بندگان خویش

جعل اللّه الكعبه البيت الحرام قيماً للناس

کافران در جامعه اسلامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۹ – ۷

۷ – خطر و زیان منافقان برای جامعه اسلامی ، همانند خطر و زیان کافران است .

جهد الكفّار و المنفقين و اغلظ عليهم

کتمان علم هنگام نیازهای جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴۷ – ۱۳

۱۳ کتمان دانش به ویژه در هنگام نیاز جامعه به آن ، امری به دور از شأن انسان های پاک و نیکوکار

قال تزرعون . .. إلاّ قليلاً مما تأكلون

کفران نعمت در جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۱۲ – ۵

۵– قرار گرفتن جامعه در معرض کفران نعمت های الهی پس از آسایش و رفاه مادی

قريه كانت ءامنه مطمئنّه يأتيها رزقها رغدًا . .. فكفرت بأنعم الله

کیفر استهزای جامعه دینی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۵ – ۲

۲ – استهزای منافقان از سوی خدا ، کیفر تمسخر آنان نسبت به اسلام و جامعه ایمانی است .

إنما نحن مستهزءون. اللّه يستهزئ

آیه مورد بحث، بیانگر سزا و کیفر منافقان استهزا کننده است.

کیفر جوامع عصیانگر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۹ – ۱

۱ – بسیاری از جوامع انسانی ، به خاطر سرپیچی از فرمان های خدا و پیامبران ، به سزای سنگین و پیامد زیان بار کردار خویش دچار شدند .

و کأیّن من قریه

عتت عن أمر ربّها. .. فذاقت وبال أمرها

<وبال> به معنای شدت و سنگینی است و مقصود از آن در آیه شریفه شدت مجازات و سنگینی پیامدهای کردارها است.

گروههای اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۲ - ۱

۱ دسته ای از مردم جوینده رضا و خشنودی خدا و گروهی زمینه ساز خشم و غضب الهی بر خود

افمن اتّبع رضوان اللّه کمن بآء بسخط من اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۳ - ۲

۲ جویندگان خشنودی و غضب الهی ، هر کدام دارای درجه و جایگاه متفاوت در پیشگاه خداوند هستند .

افمن اتّبع رضوان اللّه کمن بآء بسخط . .. هم درجات عند اللّه

در برداشت فوق ضمیر <هم> به دو گروه مذکور در آیه قبل برگردانده شده و کاربرد درجه در مورد غضب شدگان از جهت تغلیب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۲

۲ جداسازی صفوف ناپاکان از پاکان در جامعه ایمانی ، سنّت تغییرناپذیر الهی

ما کان اللّه لیذر المؤمنین علی ما انتم علیه حتّی یمیز الخبیث من الطّیّب

گروههای جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۳ - ۱۴

۱۴ ناسپاسی بیشتر مردم در برابر تفضّلات الهی

لذو فضل . .. و لکنّ اکثر النّاس لا یشکرون

مبارزه با ناهنجاری اجتماعی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۶۰ – ۱۳،۱۸

۱۳ – برای جلوگیری از ناهنجاری

اجتماعی ، تنها جنبه دیوار دفاعی ایجاد کردن ، کافی نیست و باید با ریشه های آن نیز به مبارزه برخاست .

یدنین علیهنّ من جلبیبهنّ ذلک أدنی أن یعرفن فلایؤذین . .. لئن لم ینته المنفقون

۱۸ - پیامبر (ص) در صورت نیاز ، به ریشه کنی عوامل ناهنجاری های اجتماعی ، اقدام می کرد .

لئن لم ینته المنفقون . .. لنغرینّک بهم ثمّ لایجاورونک فیها إلاّ قلیلاً

مبلغان و اصلاح جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۲۲

۲۲ رهبران و مبلغان دین ، تا توان دارند باید در اصلاح جامعه و ابلاغ معارف الهی تلاش کنند .

إن أُرید إلاّ الإصلح ما استطعت

محرومیت جامعه مجرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۷ - ۱۲

۱۲ جامعه مجرم خود را از شمول رحمت خداوند محروم و سزاوار عذاب او می گرداند.

و لا یرد بأسه عن القوم المجرمین

<بأس> در لغت به معنای شدت است و در این آیه کنایه از عذاب است.

محمد(ص) و منافع جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۱ - ۸

۸ گوش فرادادن پیامبر (ص) به سخن همه مردم ، در جهت منافع آنان و به خطر و صلاح جامعه

و یقولون هو أذن قل أذن خیر لکم

برداشت فوق بـدین احتمـال است که اضـافه <أذن> به <خیر>، از بـاب اضافه موصوف به صـفت باشـد ; یعنی، پیامبر(ص) شنوایِ خوبی است برای شما و این صفت در جهت صلاح جامعه ایمانی است.

مدیریت جامعه

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۸ - ۵

۵ ولایت و سرپرستی ، ضرورت نظام اجتماعی *

لا یتّخذ المؤمنون الکافرین اولیاء

به نظر می آید تعیین ولی و سرپرست در آیه، مفروغ عنه گرفته شده و تنها نسبت به مصداق آن تذکر داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۱ - ۶

۶ رهبری قوای نظامی ، بخشی ضروری از مدیریّت جامعه اسلامی

و اذ غدوت من اهلک تبوّیء المؤمنین مقاعد للقتال

چون پیامبر (ص) به عنوان مدیر جامعه اسلامی، امور مربوط به قوای نظامی را نیز رهبری می کرده، برداشت فوق به دست می آید.

مدیریت جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۸ - ۴،۶،۱۰

۴ سرپرستی و مدیریّت در جامعه اسلامی ، مخصوص مؤمنان است .

لا یتّخذ المؤمنون الکافرین اولیاء من دون المؤمنین

۶ ایمان ، ملاکی مهم برای شایستگی مدیریّت و سرپرستی در نظام اسلامی

لا یتّخذ المؤمنون الکافرین اولیاء من دون المؤمنین

۱۰ جایگاه مهم ولایت و سرپرستی در نظام اجتماعی اسلام

لا یتّخذ المؤمنون . .. و من یفعل ذلک فلیس من اللّه فی شیء

مدیریت جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۰ - ۳

۳ ناشایستگی کافران برای ولایت و سرپرستی و یاری جامعه ایمانی

ان تطیعوا الّذین کفروا . .. بل اللّه مولیکم و هو خیر النّاصرین

مرگ جامعه کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف

۸ - ۱۸۵ - ۷ -

۸ خداوند جوامع کفرپیشه را به اندیشه در امکان نزدیک بودن مرگ و هلاکتشان فراخواند .

أو لم ینظروا فی . .. أن عسی أن یکون قد اقترب أجلهم

مرگ جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۷

۷ - هر جامعه و امتی ، دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۷

۷ - هر جامعه و امتی دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

مسؤول هدایت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۱۰

۱۰ فقیهان و عالمان ، مسؤول ارشاد و هدایت جامعه خویش

لیتفقهوا فی الدین و لینذروا قومهم إذا رجعوا إلیهم

مسؤولیت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۴ - ۱۲،۱۶

۱۲ مسؤولیّت جامعه در نظارت بر اجرای قوانین

فلا جناح علیکم فیما فعلن فی انفسهنّ بالمعروف

۱۶ مسؤولیّت جامعه ایمانی در مراقبت از قانون عدّه وفات

فاذا بلغن اجلهنّ فلا جناح علیکم

مفهوم <فاذا بلغن . .. > با توجّه به خطاب در کلمه <علیکم> حاکی از مسؤولیّت جامعه ایمانی در مورد جلوگیری از ازدواج زنان شوهر مُرده در زمان عِدّه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۸ - ۴

۴ لزوم نظارت اجتماعی بر رعایت نماز و آداب دینی در جامعه اسلامی

حافظوا علی الصّلوات

چون <حافظوا> به صورت جمع آورده

شـده، می توان چنین فهمیـد که خطـاب به جـامعه ایمـانی است. بـدیهی است که این معنـا منافاتی با فرمان محافظت بر نماز بر آحاد مردم ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۰ - ۹

۹ جامعه اسلامی مسؤول نظارت بر رفتار زنان بیوه و بی سرپرست

فان خرجن فلا جناح علیکم . .. من معروف

اگر چه آیه دربـاره زنان شوهر مُرده است; ولی بنابراینکه خطاب به جامعه ایمانی باشـد، نه خصوص اولیاء، معلوم می شود که تنهـا زن شـوهر مرده مراد نیست; چـون از نظر اجتمـاعی تفـاوتی بین زن شـوهر مرده و غیر او نخواهـد بـود; بلکه ملاـک لزوم نظارت، بی سرپرست بودن زن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۳ - ۲

۲ تـأمین مخـارج زنـدگی افرادی که انجـام وظـایف الهی آنـان مـانع از تحصـیل هزینه زنـدگیشان می گردد ، بر عهـده جامعه اسلامی است .

للفقراء الّذین احصروا فی سبیل اللّه لا یستطیعون ضرباً فی الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۶۱

۶۱ پیوند همگان و تعهّد متقابل مؤمنان در جامعه ، نسبت به یکدیگر

یا ایّها الّذین امنوا . .. و لا یأب کاتب ... و لا یأب الشّهداء ... و اشهدوا ...

آیه شـریفه برای طرفین قرارداد، کاتب و شاهد، وظایف و حقوقی را معین کرده است که گویای تعهّد و مسؤولیت متقابل آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۷ - ۴

۴ ضرورت واکنش

جامعه اسلامی ، در برابر انحرافات اعتقادی

اولئك جزاؤهم انّ عليهم . .. و النّاس اجمعين

بنابراینکه مراد از <الناس>، مسلمانان باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۰۴ – ۹

۹ دعوت به نیکی ها و امر به معروف و نهی از منکر (نظارت همگانی) ، وظیفه همه افراد جامعه اسلامی

و لتكن منكم امه يدعون الى الخير و يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر

بنابراینکه من در <منکم> بیانیّه باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۱۰ – ۶،۷

۶ امر به معروف و نهی از منکر ، وظیفه عمومی جامعه اسلامی برای رُشد خویش

كنتم خير أمّه أخرجت للناس تأمرون . .. و تؤمنون باللّه

از مصادیق بارز <خیر> برای جامعه، رُشد آن جامعه است.

۷ اصلاح جوامع بشری ، مسؤولیت جامعه اسلامی

كنتم خير أمّه أخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنكر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۱۸ – ۲۳

۲۳ پاسداری جامعه ایمانی از خطر نفوذ بیگانگان و دشمنان دین ، وظیفه و مسؤولیت همه اهل ایمان

يا ايها الذين امنوا لا تتخذوا بطانه من دونكم

به نظر می رسد هدف از دستور خداوند مبنی بر اینکه کافران را محرم اسرار قرار ندهید، جلوگیری از نفوذ آنان در جامعه

اسلامی باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۳۹ – ۱۱

۱۱ ایمان جامعه دینی ، موجب مسؤول گردیدن در جهت کوششی مستمر برای حاکمیت بر همه جوامع بشری

و لا

تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان كنتم مؤمنين

خداونـد از مسـلمانان خواسـته كه بر ديگران برتر باشـند; و انتم الاـعلون. و از مصاديق بارز برترى، حاكميّت آنان و دينشان بر تمـامى جهـان است; و اين، در گرو ايمـان واقعى است: ان كنتم مؤمنين. بنـابراين ايمان واقعى، تحريك كننـده آدمى به توانى مستمر (و لا تهنوا) براى حاكميّت بخشيدن به دين الهى بر تمام جوامع بشرى است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٣ - آل عمران - ٣ - ١٥٦ - ۶

۶ ضرورت دفاع جامعه ايمانى از معارف و عقايد دين ، در برابر هجوم تبليغاتى دشمن

لاتكونوا كالّذين كفروا و قالوا لاخوانهم اذا ضربوا فى الارض

دفاع خداوند از معارف و عقايد دينى اسلام (لا تكونوا . ..)، درسى است براى مسلمانان كه از آن معارف و عقايد دفاع كنند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٣ - نساء - ۴ - ۵ - ۶،١٢

۶ جامعه داراى حقوقى نسبت به اموال شخصى افراد

و لا تؤتوا السّفهاء اموالكم

نسبت دادن اموال شخصى سفيهان به جامعه، مى رساند كه جامعه در اموال شخصى افراد، حقوقى دارد.

١٢ تأمين خوراك و پوشاك (مخارج زندگى) سفيهان ، بر عهده جامعه است .

و ارزقوهم فيها و اكسوهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٣ - نساء - ۴ - ٣۵ - ٣

٣ مسؤوليّت تمامى افراد جامعه در برابر اختلافات خانوادگى زن و شوهر

و ان خفتم شقاق . .. فابعثوا

ظاهراً مراد از مخاطبان جمله <فابعثوا>، عموم مسلمانان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء -

۴ – ۱۲۷ – ۲۰

۲۰ حفظ حقوق یتیمان و استیفای کامل آن ، وظیفه ای همگانی

و إن تقوموا للیتمی بالقسط

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۱ – ۴

۴ کیفر حق ناپذیران ، در راستای ربوبیت الهی بر جامعه انسانی است .

قد وقع علیکم من ربکم رجس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۲ – ۳

۳ لزوم هجرتِ گروهی از هر جامعه ، به سوی مراکز علمی ، برای کسب شناخت اسلام و تفقه در دین

فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقهوا فی الدین

مسؤولیت جامعه اسلامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۵ – ۱۱

۱۱ مسؤولیت بین المللی جامعه اسلامی در برابر مستضعفان خداپرست تحت ستم

و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل اللّه و المستضعفین . .. الّذین یقولون ربّنا اخرجنا م

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۸۶ – ۵

۵ جامعه ایمانی وظیفه دار برقراری روابط مسالمت آمیز با جوامعی که خواهان این نوع مناسبات هستند .

و اذا حیّیتم بتحیّه فحیّوا باحسن منها او ردّوها

بـا توجّه به معنـای لغوی <تحیّت> (درخواست سـلامتی)، جمله <اذا . .. > به این معنـاست که اگر فردی یا گروهی خواهان سلامت و امنیّت شما باشند، شما نیز خواهان سلامت و امنیت آنان باشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۳

۳ لزوم وفاداری جامعه اسلامی به همپیمان ها و

معاهده های بین المللی خود

الّا الّذین یصلون الی قوم بینکم و بینهم میثاق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۸۰ – ۸

۸ لزوم نظارت عمومی جامعه ایمانی بر صحنه روابط خارجی و بازداشتن مؤمنان از پذیرش ولایت کافران و پیوند های مودت آمیز با آنان

کانوا لایتناهون عن منکر . .. تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۸ – ۳

۳ – جامعه اسلامی وظیفه دار اجرای قانون قصاص است . *

یایها الذین ءامنوا کتب علیکم القصاص فی القتلی

بدیهی است که حق قصاص از آنِ اولیای مقتول می باشد و اجرای آن تنها در مورد قاتل است. بنابراین مخاطب قرار دادن همه مسلمانان برای بیان حقیقت مذکور، می تواند اشاره به این باشد که: همگان باید پی گیر استیفای آن بوده و شرایط اجرای آن را فراهم سازند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۶۰ – ۴،۵،۹

۴ جامعه اسلامی باید به پیشرفته ترین ادوات رزمی زمان مجهز باشد .

و أعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل

۵ قوای نظامی جامعه اسلامی باید به گونه ای باشد که دشمنان دین را همواره به هراس افکند .

ترهبون به عدو اللّه و عدوکم

۹ لزوم آمادگی نظامی جامعه اسلامی در برابر دشمنان شناخته شده و ناشناخته

ترهبون . .. و ءاخرين من دونهم لاتعلمونهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۱ - ۹

۹ لزوم هشيارى هميشگى جوامع

اسلامی ، نسبت به وجود و عملکرد منافقان مرموز

و ممن حولکم من الأعراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۵

۵ فرمان الهی به غفلت نورزیدن جامعه اسلامی از خطر نفوذ و کارشکنی دشمنان همجوار

قتلوا الذین یلونکم من الکفار و لیجدوا فیکم غلظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۲ - ۲

۲ - جامعه اسلامی ، موظف به فراهم آوردن امکانات ازدواج مؤمنان غیر متأهل

و أنکحوا الأیمی منکم

برداشت یاد شده بر این اساس است که مخاطب در خطاب جمع <و أنکحوا الأیامی منکم> به قرینه <أیّه المؤمنون> در آیه قبل که خطاب به یکایک مؤمنان است تمامی مردم و جامعه اسلامی باشد، نه فقط اولیای آنان.

مسؤولیت جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۷ - ۵۸

۵ جامعه ایمانی ، وظیفه دار پیکار در راه خدا و یا دست کم دفاع از وطن و کیان خویش

تعالوا قاتلوا فی سبیل اللّه او ادفعوا

۸ پیکار با دشمنا دین (جهاد ابتدایی) و دفاع در برابر هجوم آنان (جهاد دفاعی) ، دو تکلیف الهی بر عهده جامعه ایمانی *

قاتلوا فی سبیل اللّه او ادفعوا

بنابر اینکه دعوت مطرح شده در آیه، بیان حکم جهاد باشد، نه دعوت برای حضور در نبردی خاص و مقطعی. بنابراین جمله <قاتلوا ... >، ناظر به جهاد ابتدایی و جمله <او ادفعوا> ناظر به جهاد دفاعی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء -

۴ - ۴۴ - ۱۲

۱۲ لزوم هشیاری جامعه ایمانی در مقابل تلاش برای گمراه ساختن مسلمانان

الم تر الی الذین . .. ان تضلوا السبیل

هدف از بیان تصمیم عالمان یهود، هشیار ساختن مسلمانان نسبت به تلاش پیگیر آن عالمان برای گمراه ساختن جامعه ایمانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۶ - ۶

۶ جامعه ایمانی ، موظف به پذیرش توبه کنندگان واقعی

الا الذین تابوا و أصلحوا . .. فأولئک مع المؤمنین

از جمله <فأولئک مع المؤمنین>، استفاده می شود که جامعه اسلامی باید پذیرای منافقین تائب باشد و آنان را به عنوان عضوی از جامعه اسلامی بپذیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۱۰

۱۰ جامعه ایمانی وظیفه دار هشیاری در برابر موضعگیری های گمراه کننده کافران

یایها الذین ءامنوا علیکم انفسکم لایضرکم من ضل إذا اهتدیتم

<لا> در لایضرکم می تواند نافیه باشد بر این مبنا مراد از جمله <لایضرکم . ..> این است که چنانچه از ایمان خود مراقبت کنید از دام گمراهان می رهید و می تواند <لا> ناهیه باشد، یعنی ای مؤمنان مبادا گمراهان شما را از راه بدر برده و ایمان شما را بربایند برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است. گفتنی است که مراد از <من ضل> به قرینه <ءامنوا> کفرپیشگان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۱ - ۱،۴

۱ جامعه ایمانی باید در صورت اظهار تمایل کافران به صلح ، آن را بپذیرد و از آن استقبال کند .

و إن

جنحوا للسلم فاجنح لها

۴ جامعه ایمانی نباید به کافرانی که در پی صلح نیستند طرح صلح دهد .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

برداشت فوق از مفهوم جمله شرطیه <إن جنحوا . .. > استفاده می شود.

مسؤولیت رهبران جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۸

۸ - مربیان و مدیران جامعه ، باید مشکلات راه های پیشنهادی را برای سالکان آن راه ها ، بیان کنند و عوامل موفقیت را نیز یادآور شوند .

و لنبلونکم بشیء من الخوف . .. و بشر الصبرین

ارائه راه صحیح و بیان مشکلات آن و نیز طریق پیروزی بر آنها - که از آیات قبل و آیه مورد بحث به دست می آید - درسی است به همه مربیان و مدیران که تنها به پیشنهاد راه صحیح اکتفا نکنند; بلکه مشکلات و روش پیروزی بر آنها را نیز بیان دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۲۰

۲۰ لزوم اهتمام حاکمان جامعه به برنامه ریزی ، محاسبه و پیش بینی شرایط اقتصادی

تزرعون سبع سنین . .. مما تأکلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۵

۵ رهبران جامعه باید احراز کنند که بیگانگان وارد شده به قلمرو حکومتی آنان ، خرابکار و فسادگر نیستند .

تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض و ما کنا سرقین

مشکلات جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۵ - ۹

۹ - استثمار و بی عدالتی اقتصادی

، از مشکلات عمده و اساسی جوامع در طول تاریخ

لقد أرسلنا رسلنا . .. و أنزلنا معهم الکتب و المیزان

بـا توجه به این که <میزان> (ترازو) ابزاری است که در مبادلات اقتصادی به کار می رود و با آن کالاها را توزین می کننـد; می توان گفت که: این واژه در آیه شریفه استعاره از خصوص عدالت اقتصادی است. بنابراین، پیام عدالت اقتصادی که در این آیه به عنوان رسالت همه پیامبران برشـمرده است نشان می دهد که موضوع استثمار توده ها و ظلم و اجحاف اقتصادی به آنان، در تاریخ بشر ریشه داشته است و همه جوامع با آن مشکل دست به گریبان بوده اند.

مشکلات جامعه دوران اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۵ - ۶

۶- بی منطقی در عقیده و سستی اندیشه ، بزرگ ترین مشکل جامعه اصحاب کهف از دیدگاه خود آنان

اتخذوا من دونه ءالهه لولا یأتون علیهم بسلطن بیّن

مصالح جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵ - ۱۰

۱۰ افرادی که اموال خویش را در غیر مصالح جامعه به کار می گیرند ، در تلقی دین ، سفیه هستند . *

اموالکم الّتی جعل اللّه لکم قیاماً

جمله <لا تؤتوا السّفهاء اموالکم التی . .. قیاماً>، می رساند که خداوند از آن جهت پرداخت اموال سـفیهان را به آنان ممنوع کرده که آن را در غیر مصالـح جـامعه و قوام و برپـایی آن مصرف می کننـد. بنـابراین، مصـرف مال در غیر مصـلحت جامعه، مصرفی سفیهانه و مصرف کننده آن، سفیه

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - تمسّک به قرآن و پیروی از رهنمود های آن ، به خیر و صلاح جامعه و ترک آن ظلم به خویشتن است .

ثمّ أورثنا الکتب . .. فمنهم ظالم لنفسه

ملاکهای برتری جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۰ - ۴

۴ امر به معروف و نهی از منکر ، (نظارت همگانی) و ایمان به خدا ، معیار و ملاک بهتر بودن یک جامعه در میان جوامع انسانی

کنتم خیر أمّه أخرجت للناس تأمرون . .. و تؤمنون باللّه

منافقان در جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۷

۷ - خطر و زیان منافقان برای جامعه اسلامی ، همانند خطر و زیان کافران است .

جهد الکفّار و المنفقین و اغلظ علیهم

منافقان در جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹ - ۴

۴ - منافقان ، در جامعه قرآنی و در برابر اسلام ، خود را در معرض زوال و نابودی می بینند .

يجعلون أصبعهم فى ءاذانهم من الصوعق حذر الموت

منافقان و جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۷ - ۵،۶

۵ محیط جامعه اسلامی ، محیطی بسیار سخت و غیر قابل تحمل و دشوار برای منافقان

لو يجدون ملجئاً . .. لولّوا إليه و هم يجمحون

<جُموح> (مصدر يجمحون) به معنای به سرعت دویدن و

به پشت سر نگاه نکردن است. اینکه اگر منافقان پناهگاهی می یافتند بی درنگ و بدون اینکه پشت سرشان را بنگرند به آن پناه می بردند، نشان می دهد که زندگی برای آنان در جامعه اسلامی بسیار نگران کننده و دشوار بوده است.

۶ رنج و اضطراب منافقان در جامعه اسلامی ، با وجود داشتن مال و فرزند بسیار ، نمودی از عذاب دنیوی آنان *

فلا تعجبک أمولهم و لا أولدهم إنما یرید اللّه لیعذبهم بها فی الحیوه الدنیا . .. ل

برداشت فوق بدین احتمال است که بیان زندگی دشوار منافقان، نمودی از عذاب دنیوی آنان باشد که در آیات قبل ذکر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۹ - ۱۳

۱۳ منافقان ، زیان زننده به جامعه اسلامی ، مروج کفر ، تفرقه افکن میان مؤمنان ، ظالم و دوزخی اند .

اتخذوا مسجداً ضراراً و کفراً و تفریقاً . .. و إرصاداً ... فانهار به فی نار جهنم

منشأ استقلال جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۶ - ۱۲

۱۲- دعوت به عدالت و بر صراط مستقیم بودن ، منشأ قدرت ، استقلال و خیرات برای جامعه است .

أحدهما أبکم لایقدر علی شیء . .. هل یستوی هو و من یأمر بالعدل و هو علی صرط مستقیم

برداشت فوق، از تقابل <من یأمر بالعدل. ..> و <أحدهما أبکم ... لایأت بخیر> به دست آمد.

منشأ استقلال جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳۷

۳۷- نقش اساسی

پیامبر (ص) ، و رهبری الهی در استحکام ، استقلال و خلاقیت امت اسلامی

کزرع أخرج شطه فازره فاستغلظ فاستوی علی سوقه

با توجه به این که ضمیر <شطئه> و <آزره>به <زرع> بازمی گردد; استفاده می شود که در این رونـدِ بالندگی، اصلی وجود دارد و شاخه ها و فروع، در پرتو آن تغذیه شده و رشد می یابند. بدون شک در فرایند بالندگی نظام اسلامی، وجود پیامبر(ص) و رهبری الهی همان اصل به شمار آمده و نقش اساسی دارد.

منشأ امنیت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۶

۶ تأمین سلامت و امنیت جامعه های بشری و ایجاد نعمت برای آنان ، به دست خدا و در اختیار اوست .

اهبط بسلم منا و برکت علیک و علی أمم ممن معک و أمم سنمتعهم

برداشت فوق ، از <منا> استفاده می شود. قابل ذکر است که کلمه <منا> در مورد <برکات> مقدر است ، چنان چه کلمه <علیک> در مورد <بسلام> مقدر می باشد; یعنی: بسلام منا علیک و برکات منا علیک.

منشأ انقراض جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۶ - ۶

۶- خداوند با نابود ساختن جوامع غوطهور در فساد و تباهی ، صحنه جوامع بشری و روند آن را دگرگون می سازد .

إنا أُرسلنا إلی قوم مجرمین . .. و قضینا ... أن دابر هؤلاء مقطوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۲۱

۲۱ پیدایش و انقراض تمدنها، تحت اراده و سیطره الهی

ألم یروا کم

أهلكنا من قبلهم من قرن مكنهم فى الأرض . .. فأنشأنا من بعدهم قرنا ءاخ

منشأ پیدایش جوامع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶ – ۱۸

۱۸ خداوند جایگزین کننده ملتهایی به جای ملتهای هلاک شده پیشین

فأهلكنهم بذنوبهم و أنشأنا من بعدهم قرنا ءاخرين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۳۱ – ۳

۳ – حاکمیت اراده خدا ، در شکل گیری و نیز نابودی جوامع بشری

ثمّ أنشأنا من بعدهم قرنًا ءاخرين

منشأ تحولات اجتماعی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۴۸ – ۱۰

۱۰ تدبیر امور انسان های مؤمن و کافر ، تحولات جوامع بشری و سرنوشت آنها ، به دست خدا و در اختیار اوست .

اهبط بسلم منا . .. و أمم سنمتعهم ثم يمسّهم منا عذاب أليم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۱ – ۷

۷ تحولات اجتماعی و معیشتی بشر در اختیار خداوند و به دست اوست .

إن الله لايغير ما بقوم حتى يغيروا ما بأنفسهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۷۴ – ۸

۸- خداوند با نابود ساختن جوامع غوطهور در فساد و تباهی ، صحنه جوامع و روند آن را دگرگون می سازد .

و جاء أهل المدينه يستبشرون . .. قال هؤلاء بناتی إن كنتم فعلين ... فأخذتهم الصی

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۶ – اعراف – ۷ – ۶۹ – ۱۲

۱۲ تحولات تاريخی و

اجتماعی نسل بشر ، تحت اراده و مشیت الهی است .

و اذکروا إذ جعلکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۴ – ۷

۷ تحولات تاریخی و اجتماعی بشر در اختیار خدا و به دست اوست .

جعلکم خلفاء من بعد عاد و بوأکم فی الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۸ – ۲

۲ تحولات تاریخی و اجتماعی بشر به دست خدا و در اختیار اوست .

و قطّعنهم فی الأرض أمماً . .. و بلونهم بالحسنت و السیئات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶۶ – ۶

۶– خداوند با نابود ساختن جوامع غوطهور در فساد و تباهی ، صحنه جوامع بشری و روند آن را دگرگون می سازد .

إنا أُرسلنا إلی قوم مجرمین . .. و قضینا ... أن دابر هؤلاء مقطوع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۹۸ – ۷

۷ – دخالت خداوند در رخداد های تاریخ و تحولات اجتماعی به نفع جبهه حق

فألقوه فی الجحیم . فأرادوا به کیدًا فجعلنهم الأسفلین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۱۶ – ۵

۵ – نقش خداوند در سرنوشت اجتماعی و تحولات تاریخ

و لقد مننّا علی موسی و هرون . و نجّینهما و قومها ...و نصرنهم فکانوا هم الغلب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۳ – ۶

۶ – قوانین الهی ، حاکم بر تحوّلات جامعه و تاریخ

سنّه

اللّه الّتی قد خلت من قبل و لن تجد لسنّه اللّه تبدیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۷ - ۸

۸ - اراده الهی ، حاکم بر تحولات تاریخ و جوامع بشری

و ترکنا فیها ءایه

خداونـد، به اراده و قـدرت خویش جامعه مفسـد لوط را آن چنان از صـفحه زمین محو گردانید که تنها نشانه ای از آن برجای ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۲ - ۶

۶ - اراده الهی ، حاکم بر همه تحولات فردی و اجتماعی در زندگی بشر

ما أصاب من مصیبه فی الأرض . .. من قبل أن نبرأها

ضمیر <ها> در <نبرأها> به مصیبت بازمی گردد و <برء> (مصدر <نبرأ>) به معنای آفریدن و پدید آوردن است. نسبت دادن همه پدیده های فردی و اجتماعی به خداوند، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۷ - ۶

۶ - خداوند ، قادر به ایجاد تحوّل در روابط ملت ها و تبدیل خصومت ها به مودّت

عسی اللّه . .. و اللّه قدیر

منشأ تحولات جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۱۵

۱۵ مالکیت خدا بر زمین ، نفوذ مشیت او بر حاکمان آن و سیر تحولات جوامع بشری به سوی حاکمیت تقواپیشگان ، از تعالیم

موسی (ع) به قوم خویش

قال موسی . .. إن الأرض للّه یورثها من یشاء من عباده و العقبه للمتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۴ – ۲

۲- مرگ و میر ها و تحولات طبیعی در جوامع ، به دست خداوند و به تقدیر اوست .

و ما أهلكنا من قريه إلّا و لها كتاب معلوم

منشأ تکامل جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – حجرات – ۴۹ – ۸ – ۳

۳ – ره یابی انسان و جامعه به رشد و تعالی دینی ، فضل و نعمت خداوندی است .

أولئك هم الرشدون . فضلًا من اللّه و نعمه

منشأ خلاقیت جامعه اسلامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۹ – ۳۷

۳۷– نقش اساسی پیامبر (ص) ، و رهبری الهی در استحکام ، استقلال و خلاقیت امت اسلامی

كزرع أخرج شطه فازره فاستغلظ فاستوى على سوقه

با توجه به این که ضمیر <شطئه> و <آزره>به <زرع> بازمی گردد; استفاده می شود که در این رونـدِ بالندگی، اصلی وجود دارد و شاخه ها و فروع، در پرتو آن تغذیه شده و رشد می یابند. بدون شک در فرایند بالندگی نظام اسلامی، وجود پیامبر(ص) و رهبری الهی همان اصل به شمار آمده و نقش اساسی دارد.

منشأ سرنوشت جوامع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۶ – ۵

۵ – تحولات تاریخ بشر و سرنوشت اقوام و جوامع ، به دست خداوند است .

فعل ربّک

منشأ قدرت جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۶ – ۱۲

۱۲– دعوت به عدالت و بر صراط مستقیم بودن ، منشأ قدرت ، استقلال و

خیرات برای جامعه است .

أحدهما أبکم لایقدر علی شیء . .. هل یستوی هو و من یأمر بالعدل و هو علی صرط مستقیم

برداشت فوق، از تقابل <من یأمر بالعدل. ..> و <أحدهما أبکم ... لایأت بخیر> به دست آمد.

منشأ هلاکت جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۴ - ۵

۵- تحولات تاریخ و نابود شدن جوامع و تمدن ها ، وابسته به اراده الهی است .

و کم أهلکنا قبلهم من قرن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۱ - ۳

۳ - حاکمیت اراده خدا ، در شکل گیری و نیز نابودی جوامع بشری

ثمّ أنشأنا من بعدهم قرنًا ءاخرین

موانع اصلاح جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۲ - ۲۳

۲۳ پیروی از راه و رسم مفسدان و اندیشه های آنان ، مانع اصلاح جامعه است .

و أصلح و لا تتبع سبیل المفسدین

موانع رشد جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۰ - ۲۱

۲۱ فِسْق ، عامل بازدارنده جامعه از رشد و تکامل

و لو أمن . .. و اکثرهم الفسقون

<خیر> نتیجه ایمـان است و واژه <فسق> در آیه شـریفه، مقابل ایمان قرار گرفته است. در نتیجه، اهل فسق، محروم از خیر و تکامل هستند.

مؤمنان در جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۶۱

۶۱ پیوند همگان و تعهّد متقابل مؤمنان در جامعه ، نسبت به یکدیگر

یا ایّها الّذین

امنوا . .. و لا یأب کاتب ... و لا یأب الشّهداء ... و اشهدوا ...

آیه شریفه برای طرفین قرارداد، کاتب و شاهد، وظایف و حقوقی را معین کرده است که گویای تعهّد و مسؤولیت متقابل آنان است.

مؤمنان و اصلاح جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۱ – ۱۳

۱۳ لزوم اهتمام مؤمنان به اصلاح جامعه و تأمین نیاز های معیشتی آنان ، همپای اهتمام به تکالیف عبادی و فردی

و المؤمنون . .. یأمرون بالمعروف ... و یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه

امر به معروف و نهی از منکر، در راستای اصلاح جامعه و پرداخت زکات در جهت تأمین نیازهای مالی مؤمنان و اقامه نماز از عبادات فردی انسانهاست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۲ – ۱۳

۱۳ اهتمام مؤمنان واقعی به خودسازی ، قبل از پرداختن به اصلاح جامعه *

التّئبون العبدون الحمدون . .. الأمرون بالمعروف و الناهون عن المنکر

تقدم لفظی صفات فردی (توبه، عبادت و . ..) بر صفات اجتماعی (امر به معروف و نهی از منکر) می تواند اشاره به تقدم حقیقی و رتبی آن داشته باشد.

مؤمنان و تأمین نیازهای جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۱ – ۱۳

۱۳ لزوم اهتمام مؤمنان به اصلاح جامعه و تأمین نیاز های معیشتی آنان ، همپای اهتمام به تکالیف عبادی و فردی

و المؤمنون . .. یأمرون بالمعروف ... و یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه

امر به معروف و نهی از منکر، در راستای اصلاح جامعه و

پرداخت زکات در جهت تأمین نیازهای مالی مؤمنان و اقامه نماز از عبادات فردی انسانهاست.

مؤمنان و جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۹۷ – ۱۲

۱۲ دستیابی اهل ایمان به جامعه ای با قوام در پرتو حراست از حرمت کعبه و انجام مناسک حج ، موجب آگاهی آنان به علم گسترده و همه جانبه خداوند .

جعل اللّه . .. ذلک لتعلموا إنّ اللّه یعلم ما فی السموت و ما فی الارض

برداشت فوق بر این مبناست که <ذلک> اشاره به خود حقایق بیان شده باشد نه بیان آن حقایق، یعنی آنگاه که انسانها در پرتو احترام به کعبه و ماههای حرام و انجام مناسک آن به جامعه ای با قوام رسیدند، در می یابند که خداوند دارای علمی گسترده است.

نجات از جامعه فاسد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۵ – ۶

۶- نجات از جامعه فاسد و آلوده ، نشانگر رحمت خاص الهی است . *

و نجّینه . .. و أدخلنه فی رحمتنا

برداشت یاد شده مبتنی براین است که عطف جمله <أدخلناه. ..> بر جمله <آتیناه>، از نوع عطف تفسیری باشد.

نشانه های جامعه اسلامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۱ – ۷

۷ امر به معروف و نهی از منکر ، مهمترین وظیفه مؤمنان و بارزترین مشخصه جامعه اسلامی

و المؤمنون و المؤمنت . .. یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

از اینکه در رأس همه کارها و ارزشها، از امر به معروف و نهی از منکر یاد شده

است، اهمیت برتر آن استفاده می شود.

نظام اجتماعی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲۸ – ۵،۷،۱۰

۵ ولایت و سرپرستی ، ضرورت نظام اجتماعی *

لا یتّخذ المؤمنون الکافرین اولیاء

به نظر می آید تعیین ولی و سرپرست در آیه، مفروغ عنه گرفته شده و تنها نسبت به مصداق آن تذکر داده شده است.

۷ اعتقاد به ولایت تکوینی خداوند ، مستلزم پذیرش ولایت مؤمنان در نظام اجتماعی اسلام

قل اللّهم مالک الملک . .. لا یتّخذ المؤمنون الکافرین اولیاء

گویا آیه مورد بحث، نتیجه مترتب بر اعتقاد به مضمون آیه <قل اللّهم . .. > است.

۱۰ جایگاه مهم ولایت و سرپرستی در نظام اجتماعی اسلام

لا یتّخذ المؤمنون . .. و من یفعل ذلک فلیس من اللّه فی شیء

نعمت نجات از جامعه فاسد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۴ – ۱۲

۱۲– نجات از جامعه فاسد و ناپاک ، نعمتی بزرگ و درخور شکر و سپاس است .

و نجّینه من القریه التی کانت تعمل الخبئث إنّهم کانوا قوم سوء فسقین

آیه شریفه در مقام امتنان بر حضرت لوط(ع) است. بنابراین نجات از دست قوم فاسد، نعمتی است که خداوند با آن کار بر حضرت لوط(ع) منت نهاد.

نقش جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۲۴

۲۴- وضعیت اجتماعی فرهنگی ، تأثیری چشمگیر در بینش و عقیده نسل های آینده دارد .

تریدون أن تصدّونا عمّا کان یعبد ءاباؤنا

کفار، بی آنکه پذیرش آیین نیاکان خویش را براساس عقل و منطق قلمداد

کنند و یا از درستی آن دم بزنند، از آن متعصبانه سخن می گفتند و این حاکی از آن است که فرهنگ و رسوم گذشتگان در نسلهای آتی، تأثیر زیادی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵ - ۴

۴- پدران و نیاکان و محیط خانوادگی و اجتماعی ، دارای نقشی مؤثّر در باور های هر نسل

قالوا اتخذ اللّه ولدًا . ما لهم به من علم و لا لأبائهم

ذکر <لأبائهم> اشاره به یکی از زمینه های اصلی گرایش ها و عقاید مردم عصر بعثت که همان روحیه تقلید و دنباله روی از نیاکان است دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۳ - ۷

۷- تأثیرپذیری انسان ، از خانواده و جامعه خویش

قالوا وجدنا ءاباءنا لها عبدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۸ - ۳

۳ نقش مؤثر جامعه در شکل گیری افکار و عقاید و رفتار و سلوک آدمی

یویلتی لیتنی لم أتّخذ فلانًا خلیلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۳ - ۲

۲ - تعلق بلقیس به جامعه شرک و کفر ، مانع پیوستن رسمی وی به آیین توحیدی سلیمان (ع) با وجود اذعان قلبی

و أُوتینا العلم من قبلها و کنّا مسلمین . و صدّها... إنّها کانت من قوم کفرین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که آیه مذکور در مقام توضیح این نکته باشد که چرا بلقیس علی رغم علم و اذعان قلبی

خود، پیش از این رسماً

تسلیم سلیمان(ع) نشده و به یکتاپرستی نگرویده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۹ - ۴

۴ - انسان از شرایط و محیط بیرونی خویش ، سریعاً تأثیر می پذیرد .

إذاهم یستبشرون . و إن کانوا من قبل ... لمبلسین

تکرار <من قبل> در آیه، می توانـد به منظور تأکیـد بر این نکته باشد که انسان، در برخورد با حوادث خوش حال کننده و یا غم آور، به سرعت تغییر می کند و حالی به حالی می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۴ - ۱۹

۱۹ - نقش عملکرد جوامع ، در هدایت و گمراهی نسل آینده

و ما تفرقوا . .. إنّ الذین أورثوا الکتب من بعدهم لفی شک منه مریب

نقش جامعه فاسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۳ - ۲

۲ - محیط ناسالم و نظام اجتماعی فاسد ، موجب تبرئه انسان گمراه و مردم فاسد از مجازات الهی نمی شود .

فإنّهم یومئذ فی العذاب مشترکون

اشتراک مردم گمراه بـا رهبران گمراه کننـده که معمولاً نظام اجتماعی مردم را نیز در دست دارنـد در مجازات الهی، می تواند گویای حقیقت بالا باشد.

نیازهای جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۲ - ۱۶

۱۶ امت ها و جوامع بشری نیازمند رهبری اصلاحگر

اخلفنی فی قومی و أصلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۸

۸ هر جامعه و قومی نیاز به

اسلام شناس و فقیه و مبلغی برخاسته از میان خودشان دارد .

فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقهوا فی الدین و لینذروا قومهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۱ - ۱۲

۱۲- نیاز همواره جوامع بشری ، به وجود انذارگرانی الهی

و قد خلت النذر من بین یدیه و من خلفه

بنابراین که آیه شریفه نظر به استمرار خط نبوت و انذارگری در قبل و بعد از هود(ع) داشته باشد، نیاز همواره بشر به وجود انذارگران استفاده می شود.

نیازهای جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۸ - ۹

۹ لزوم تشکیل حکومت و برقراری نظام قضایی عادلانه در جامعه اسلامی *

انّ اللّه یأمرکم ان تؤدّوا الامانات الی اهلها و اذا حکمتم بین النّاس ان تحکموا ب

لازمه ادای امانت به اهلش و سپردن مسؤولیتها به افراد لایق و قضاوت عادلانه در میان مردم، وجود تشکیلات حکومتی و قضایی میان مردم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۰ - ۸

۸ - نیاز همیشگی جامعه اسلامی ، به تبلیغ روح برادری و تحکیم مودت میان اعضای آن

إنّما المؤمنون إخوه فأصلحوا بین أخویکم

از این که خداوند، به گونه ای مؤکد، روح برادری، دوستی و مسالمت را در میان مؤمنان زنده ساخته و این حقایق را به ایشان یاد آور شده است؛ مطلب بالا استفاده می شود.

نیازهای مادی جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶۶ – ۸

۸ کتب آسمانی ، مشتمل بر

رهنمود های اقتصادی و راهگشای تأمین نیاز های جامعه *

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل و ما أنزل الیهم من ربهم لاكلوا

ترتب رفاه اقتصادی بر عمل به تورات و انجیل می تواند به این معنا باشد که خداوند به عنوان پاداش، برکتهای زمین و آسمان را به روی عمل کنندگان بگشاید و می تواند به این معنا باشد که در خود تورات و انجیل رهنمودهایی است ه عمل به آنها رونق اقتصادی را برای جامعه در پی دارد. برداشت فوق بر اساس معنای دوم است.

نیازهای معنوی جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۱۹

۱۹ جوامع انسانی ، نیازمند به هدایت الهی

إنّ اللّه لایهدی القوم الظلمین

محرومیت از هدایت الهی زمانی می تواند برای ستمگران تهدید بشمار آید که تمامی مردمان به آن نیازمند باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۸ - ۳

۳ - نیاز جوامع بشری به انذار و انذارگرانی از جانب خداوند

و ما أهلكنا من قریه إلّا لها منذرون

وجود جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴ - ۷

۷- هر جامعه ، دارای هویت ، حیات و قوانین مشخصی جدا از افراد آن جامعه

و ما أهلكنا من قریه إلّا و لها كتاب معلوم

وحدت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۴ - ۸

۸ - هر ملت و جامعه ای به منزله پیکری واحد است و افراد آن به منزله اجزای آن هستند .

لاتسفکون دماءکم و

لاتخرجون أنفسکم من دیرکم

مقصود از جمله هـای فوق (لا ـ تسـفکون . ..) خودکشـی و بیرون رانـدن خویش نیست; بلکه مقصود کشـتن یکـدیگر و بیرون رانـدن طایفه ای است طایفه دیگر را. تعبیر کردن از دیگران به خویشـتن، حکایت از آن دارد که: افراد یک ملت و معتقدان به یک آیین، به منزله یک امت واحد هستند.

ویژگی جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۲۶

۲۶ حاکمیّت رهبری واحد ، همراه با پذیرش اصل شورا ، از ویژگی های نظام اسلامی

و شاورهم فی الامر فاذا عزمت فتوکّل علی اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۹ - ۱۴

۱۴ خدامحوری در نظام اسلامی

اطیعوا اللّه و اطیعوا الرّسول و اولی الامر منکم . .. فردّوه الی اللّه و الرّسول

ویژگی جامعه کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۹

۹ جوامع کفرپیشه ، جوامعی به دور از درک حقایق دین و معارف الهی

بأنهم قوم لایفقهون

با توجه به اینکه ایمان و کفر تعیین کننـده توانایی و ناتوانی دانسـته شـده، معلوم می شود مفعول حـذف شده از <لایفقهون> همان حقایق و معارف است که اهل ایمان بدان باور دارند.

ویژگیهای جامعه اسلامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۷۷ – ۸

۸ – اقامه نماز ، عبودیت و بند گی خدا و انجام کار های نیک ، مشخصه های جامعه اسلامی

یأیّها الذین ءامنوا . .. و افعلوا الخیر

جلد – نام سوره –

سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۵۳ – ۴

۴ جامعه اسلامی ، برخوردار از زندگی گوارا و شیرین و جامعه شرک و کفر ، گرفتار ناکامی ها و تلخی ها

و هو الذی مرج البحرین هذا عذب فرات و هذا ملح أُجاج

برداشت یاد شده، بر این اساس استوار است که آیه شریفه، متضمن تثمیل باشد; به این معنا که ایمان به آب گوارا و شیرین و کفر و شرک به آب شور و تلخ تشبیه شده باشد و مؤمنان و جامعه ایمانی و کافران و جامعه کفر و الحاد به دریا تشبیه شده باشند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۳۸ – ۸

۸ – نظام اجتماعی مسلمانان ، متّکی بر اصل شور و مشورت

و أمرهم شوری بینهم

اضافه <أمر> به <هم>، نشانگر آن است که امور اجتماعی و مربوط به همگان، مورد مشورت مسلمانان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۹ – ۳۶

۳۶– جامعه اسلامی در عصر بعثت ، جامعه ای مستحکم ، مستقل و خلّاق

کزرع أخرج شطه فازره فاستغلظ فاستوی علی سوقه

خداوند، در مقام توصیف پیامبر(ص) و یاران آن حضرت، اوصافی را که برای آنان یاد کرده است. این اوصاف عبارت است از: <استغلظ> (استحکام)، <استوی علی سوقه> (استقلال) و <یعجب الزرّاع> (زایندگی و خلاقیت).

ویژگیهای جامعه زمان فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۷۸ – ۷

۷ نظام اجتماعی حاکم بر جامعه فرعونی ، مبتنی بر فرهنگ و عقاید جاهلی و موروثی بود .

أجئتنا

لتلفتنا عما وجدنا علیه ءاباءنا و تکون لکما الکبریاء فی الأرض

هجرت از جامعه ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۱ - ۹

۹- هجرت از جوامع ستم پیشه ، از راه های گریز از ستم و زمینه ساز پیروزی

و الذین هاجروا فی الله من بعد ما ظلموا

هجرت از جامعه فاسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰ - ۵

۵- هجرت و گریز از محیط فاسد ، به منظور حفظ ایمان و ارزش ها ، کاری جوانمردانه و مورد تمجید خداوند است .

إذ أوی الفتیه إلی الکهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۱ - ۶

۶- هجرت از محیط آلوده و بلاد کفر و شرک به سرزمین پاک و برکت خیز امری است بایسته و سزاوار .

و نجّینه و لوطًا إلی الأرض التی برکنا فیها

هجرت از جامعه مشرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۶ - ۵،۸

۵- لزوم هجرت از محیط کفر و شرک ، برای حفظ عقیده

و إذ اعتزلتموهم . .. فأوُواْ إلی الکهف

بیان اعتزال اصحاب کهف از جامعه شرک و مردم مشرک، در حقیقت، بیان الگو و رهنمودی برای موحّدان و مؤمنان است که به هنگام تعارض، حفظ ایمان را بر ماندن در جامعه، ترجیح داده و از محیط کفر هجرت کنند.

۸- اطمینان اصحاب کهف به برخورداری از رحمت الهی در صورت هجرت کردن از حاکمیّت شرک و جامعه مشرک

فأوُواْ إلی الکهف ینشر لکم ربّکم من رحمته

فعل <ینشر> در

جواب امر قرار گرفته و جزا برای شرط مقدر است; یعنی <إنْ تأووا إلی الکهف ینشر. ..> و مفاد آن، حتمی بودن نشرِ رحمت الهی در صورت هجرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۸ - ۵،۶،۸،۹،۱۶

۵- ابراهیم (ع) ، هجرت از محیط شرک و بت پرستی را جهت حراست از عقیده توحیدی خود و عبادت پروردگار یگانه برگزید .

و أعتزلکم و ما تدعون من دون اللّه و أدعوا ربّی

از جمله معانی <دعاء> عبادت است. دراین آیه نیز <أدعوا> به قرینه <لِمَ تعبد> در آیات قبل می تواند به معنای <عبادت می کنم> باشد. براین مبنا ابراهیم، هجرت خود را برای میسرشدن عبادت خداوند دانسته است.

۶- هجرت از محیط شرک ، در صورت بی تأثیر بودن تبلیغ ، بر ماندن در آن جا ترجیح دارد .

و أعتزلکم و ما تدعون من دون اللّه

حضرت ابراهیم پس از آن که سرسختی و لجاجت آزر را مشاهده نمود، چند راه در پیش داشت ۱ ماندن در محیط شرک و اختفای عقیده و دست برداشتن از مبارزه ۲ مبارزه با بت پرستی و گرفتار شدن به رجم ۳ بیرون رفتن از محیط شرک. حضرت از این سه راه، راه سوم را برگزیده است که نشان ترجیح آن در شرایط خاص خود است.

۸- لزوم هجرت از محیطی که نتوان در آن ، خدای یگانه را عبادت کرد .

و أعتزلکم و ما تدعون . .. و أدعوا ربّی

۹- ابراهیم (ع) در هجرت منفردانه خود از جامعه مشرک ، تنها متکی بر خداوند و یاری او بود .

و أدعوا

ربّی عسی ألاّ أکون بدعاء ربّی شقیًّا

۱۶ ابراهیم (ع) ، در آستانه هجرت خود از دیار بت پرستان ، به رفع سختی ها و کسب سعادت خود امیدوار بود و دعا به درگاه خداوند را عامل آن می دانست .

عسی ألاّ أکون بدعاء ربّی شقیًّا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۴۹ – ۱

۱– حضرت ابراهیم (ع) از محیط شرک و بت پرستی هجرت کرد و از بت پرستان و معبود های آنان کناره گیری کرد .

فلمّا أعتزلهم و مایعبدون من دون اللّه وهبنا له إسحق و یعقوب

هلاکت جامعه فاسد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶۶ – ۶

۶– خداوند با نابود ساختن جوامع غوطهور در فساد و تباهی ، صحنه جوامع بشری و روند آن را دگرگون می سازد .

إنا أُرسلنا إلی قوم مجرمین . .. و قضینا ... أن دابر هؤلاء مقطوع

هلاکت جوامع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۱ – ۲،۴

۲ هلاک جوامع بشری، بدون فرستادن هدایت برای ایشان، کاری ظالمانه و به دور از ساحت قدس الهی است.

ذلک أن لم یکن ربک مهلک القری بظلم

<بظلم> می تواند حال برای <ربک> باشد. در این صورت معنای جمله چنین می شود: خداوند از روی ظلم جامعه ناآگاه را هلاک نمی کند. بنابراین هلاکت در صورت عدم ابلاغ کاری ظالمانه است.

۴ خداوند مردم جامعه ای را که از روی غفلت و ناآگاهی ستم کنند، به عذاب دنیوی نابود نمی کند.

ذلك أن لم

یکن ربک مهلک القری بظلم و أهلها غفلون

برای جار و مجرور <بظلم> متعلقهای مختلفی می توان در نظر گرفت، از آن جمله اینکه متعلق به <مهلک> باشد. یعنی: <مهلک القری بسبب ظلم>. برداشت فوق بر این اساس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۳ - ۸،۹،۱۴

۸اگر خداوند بخواهد مردم ستمگر و کافر را نابود می کند و نسلهای دیگری را جانشین آنان می سازد.

إن یشأ یذهبکم و یستخلف من بعدکم ما یشاء

۹اگر خداوند بخواهد نسلی از آدمیان را قبل از موعد طبیعی خود نابود می سازد و نسلهای دیگری را جایگزین آن می کند.

إن یشأ یذهبکم و یستخلف من بعدکم ما یشاء

چون آمد و شد نسلها امری عادی و طبیعی است، جمله <إن یشأ . ..> باید بیان امری خلاف عادت و سیر طبیعی باشد. از موارد محتمل آن است که نسلی قبل از درنگ عادی خود از صحنه تاریخ حذف و نابود گردد.

۱۴ پدید آوردن نسلها و جوامع موجود به جای اقوام پیشین، نشان قدرت الهی بر نابود ساختن جوامع ستم پیشه

إن یشأ یذهبکم . .. کما أنشأکم من ذریه قوم ءاخرین

هلاکت جوامع قبل از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۸ - ۱

۱- تمامی شهر ها و تمدن ها و جوامع بشری ، قبل از قیامت ، توسط خداوند یا به کلی نابود و یا به وسیله عذابی ، به ویرانی کشیده خواهد شد .

و إن من قریه إلّا نحن مهلکوها قبل یوم القیمه

<قریه> در لغت به معنای مجتمع

و محل سکونت است و بر اعم از روستا و شهر اطلاق می شود (برگرفته از لسان العرب).

هلاکت جوامع ظالم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۱ – ۸

۸ سنت خداوند، نابود ساختن جوامع ظالم قبل از فرستادن پیامبران و اتمام حجت نیست.

ألم یأتکم رسل منکم . .. ذلک أن لم یکن ربک مهلك القرى بظلم و أهلها غفلون

هلاکت جوامع عصیانگر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۷ – ۱۱

۱۱– نابودی جوامع عصیانگر ، توسط خداوند ، عالمانه و بر اساس بصیرت است .

و کم أهلکنا . .. و کفى بربّک ... خبیرًا بصیرًا

هلاکت جوامع فاسد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۷۴ – ۸

۸– خداوند با نابود ساختن جوامع غوطهور در فساد و تباهی ، صحنه جوامع و روند آن را دگرگون می سازد .

و جاء أهل المدینه یستبشرون . .. قال هؤلاء بناتی إن کنتم فعلین ... فأخذتهم الصی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۶ – ۱۱

۱۱– عذاب جامعه فسادگر ، آن چنان شدید است که مایه نابودی و هدم کامل آن می شود .

ففسقوا فیها فحقّ علیها القول فدمّرنها تدمیراً

هوشیاری جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۸ - ۱۲

۱۲ لزوم هوشیاری مستمر جامعه ایمانی ، در برابر توطئه ها و نفوذ های دشمنان دین

یا ایها الذین امنوا . .. لا یألونکم خبالا

... ودّوا ما عنتّم ... قد بدت البغضاء

بیان دشمنی و کینه بیگانگان، دلالت بر لزوم هوشیاری جامعه ایمانی در قبال آنان دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۳ – ۵

۵ فرمان الهی به غفلت نورزیدن جامعه اسلامی از خطر نفوذ و کارشکنی دشمنان همجوار

قتلوا الذین یلونکم من الکفار و لیجدوا فیکم غلظه

جامعه اسلامی

{جامعه اسلامی}

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۰۵ – ۴

۴ – جامعه متّحد ایمانی ، همچون دیگر جوامع ، همواره در معرض تفرقه و اختلاف

و لا تکونوا کالذین تفرّقوا و اختلفوا من بعد ما جاءهم البیّنات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۰۶ – ۷،۸،۹،۱۵

۷ تفرقه و اختلاف در میان جامعه ایمانی پس از اتمام حجّت ، موجب کفر و ارتداد

و لا تکونوا کالذین تفرقوا و اختلفوا . .. اکفرتم بعد ایمانکم

گویا ارتداد (اکفرتم . ..)، نتیجه تفرقه و اختلاف است که در آیه قبل از آن نهی شده است.

۸ تفرقه و اختلاف در میان جامعه ایمانی پس از اتمام حجّت ، کفر و ارتداد است . *

و لا تکونوا کالذین تفرقوا و اختلفوا . .. اکفرتم بعد ایمانکم

ارتداد (اکفرتم . ..)، به قرینه آیه قبل، می تواند همان تفرقه و اختلاف مسلمانان پس از اتحاد آنان باشد.

۹ اختلاف و تفرقه در جامعه ایمانی ، مستلزم روسیاهی و عذاب در قیامت

و لا تکونوا کالذین تفرقوا . .. فاما الذین اسودّت وجوههم ... فذوقوا العذاب

۱۵ هواپرستان و

بدعتگزاران در جامعه اسلامی ، روسیاهان در قیامت

فامّا الّذین اسودّت وجوههم

امیرالمؤمنین (ع): <فامّا الّذین اسودّت وجوههم . .. >، انهم اهل البدع و الاهواء من هذه الامه.

مجمع البیان، ج ۲، ص ۸۰۹ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۸۲، ح ۳۲۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۸ - ۴،۶،۷،۹،۱۵،۱۹

۴ منزلت والای جامعه ایمانی ، در برابر بیگانگان و جوامع غیر ایمانی *

یا ایها الذین امنوا . .. من دونکم

استعمال کلمه <دون> به جای <غیر>، می تواند اشاره به حقارت جوامع غیر ایمانی باشد.

۶ توطئه و تلاش پیگیر بیگانگان و غیر مؤمنان ، برای ایجاد اخلال و فساد در میان اهل ایمان و جامعه ایمانی

یا ایها الذین امنوا . .. لا یألونکم خبالا

۷ بیگانگان ، خواهان گرفتاری جامعه ایمانی به رنج ، مشقّت و ضرر

ودّوا ما عنتّم

<ما> در <ما عنتّم>، مصدریّه است و <عنت> به معنای شدت گرفتاری و رنج است.

۹ دشمنی بیگانگان با اسلام و جامعه ایمانی ، آشکار از لابلای گفتار ایشان

قد بدت البغضاء من افواههم

۱۵ بدخواهی ، توطئه گری و عداوت قلبی اهل کتاب نسبت به مؤمنان ، و خطر ایجاد روابط صمیمانه جامعه ایمانی با آنان

یا ایها الذین امنوا لا تتخذوا بطانه من دونکم . .. صدورهم اکبر

بنابر اینکه مراد از <من دونکم>، اهل کتاب باشند; به قرینه آیات قبل.

۱۹ مناسبات صمیمانه جامعه اسلامی با بیگانگان ، هموارکننده نفوذ ایشان در آن جامعه و اخلال در آن

لا تتخذوا بطانه من دونکم لا یألونکم خبالا

جمله <لا یألونکم . .. >، بیان علت برای <لا تتخذوا ...> است.

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۱۹ – ۱۵،۱۷،۱۹،۲۲

۱۵ ایمان جامعه اسلامی ، مورد خشم و کینه دشمنان دین

و تؤمنون بالکتب کلّه . .. و اذا خلوا عضّوا علیکم الانامل من الغیظ

۱۷ عنایت خاص خداوند ، بر حفظ سلامت جامعه ایمانی از گزند دشمنان دین

ودّوا ما عنتّم قد بدت البغضاء . .. و اذا خلوا عضّوا علیکم الانامل من الغیظ قل مو

افشای کینه ها و دشمنیهای کافران و ارائه راه حل برای مقابله با توطئه آنها، نشانه عنایت ویژه خداوند به مؤمنان است.

۱۹ علم و آگاهی همه جانبه خداوند ، به خشم و کینه ای که دشمنان دین ، از اسلام و جامعه ایمانی به دل دارند .

عضوّا علیکم الانامل من الغیظ . .. انّ اللّه علیم بذات الصدور

۲۲ هشدار خداوند به دشمنان دین ، نسبت به عواقب توطئه های ایشان علیه جامعه اسلامی

و اذا خلوا عضّوا علیکم . .. انّ اللّه علیم بذات الصدور

جمله <ان اللّه . .. > پس از جمله <و اذا خلوا ... > در حقیقت هشداری است به کافران که نپندارند اگر در خفا علیه مسلمانان کینه توزی و توطئه می کنند، خداوند آگاه به آن نیست; چرا که خداوند نه تنها به جلسات مخفی آنان آگاه است، بلکه به درون سینه های آنان که مخفیتر از جلسات سری آنان است، نیز دانا می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۲۲ – ۱۰

۱۰ لزوم تأثیرپذیری و استواری جامعه ایمانی در برابر جنگ روانی و دسیسه های دشمنان

اذ

همّت طائفتان منكم ان تفشلا و اللّه وليّهما

جمله <و اللّه وليّهما>، در واقع تذكرى است به مؤمنان و معتقدان ولايت الهى كه در هنگامه هاى دشوار، ولايت و حمايت الهى را فراموش نكنند و به عناصرى همچون عبداللّه بن ابى، كه در صدد سستى آفرينى و ايجاد دلهره در بين آنان است، گوش فراندهند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۴ - ۴

۴ تأمين نيازمندى هاى جامعه ايمانى و خويشتن دارى و گذشت در برخورد هاى اجتماعى ، از ويژگى هاى اهل تقوا

اعدّت للمتّقين. الّذين ينفقون ... و الكاظمين الغيظ و العافين عن النّاس

آثار اقتدار جامعه اسلامى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۰

۴۰- جامعه مقتدر و اصيل اسلامى ، برانگيزاننده خشم كافران و نه دوستى ايشان

كزرع أخرج شطه . .. ليغيظ بهم الكفّار

از تعبير <ليغيظ> استفاده مى شود كه كافران، ناگزير در قبال رشد امت اسلامى موضع خصمانه مى گيرند و انتظار دوستى از آنان بى جا و بى مورد است.

آثار تشكيل جامعه اسلامى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۰ - ۳

۳ - تبليغ دين و تشكيل جامعه اسلامى ، درپى دارنده سخنان ناروا و تبليغات سوء دشمنان و مخالفان دين

و اصبر على ما يقولون

آرزوى رهبرى جامعه اسلامى

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۴ – ۱۷

۱۷ آرزوی در دست گرفتن مدیریت جامعه و رهبری امت اسلامی ، امری پسندیده و روا است

.

و اجعلنا للمتّقين إمامًا

آرمان جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۰ - ۱۲

۱۲ اصلاح جوامع بشری ، هدف مشترک جامعه آرمانی اسلام

کنتم خیر أمّه أخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر

با توجه به واژه <امّه> که در لغت به معنای گروه دارای هدف و مقصد مشترک است، مطلب فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۱۲

۱۲ پیروزی بر دشمنان دین ، خواسته و آرمان جامعه ایمانی

من بعد ما اریکم ما تحبّون

مراد از <ما تحبّون> (آنچه آرزوی شما بود)، پیروزی بر دشمن است.

اجرت کارگزاران جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۱۰

۱۰ کارگزاران حکومت و ارائه کنندگان خدمات به جامعه اسلامی ، دارای استحقاق دریافت اجرت در قبال عمل خویش

إنما الصدقت للفقراء . .. و العملین علیها

برداشت فوق بدین احتمال است که استحقاق اجرت در برابر کار، اختصاص به کار جمع آوری صدقات نداشته باشد ; بلکه تمامی کارگزاران حکومت، مستحق دریافت اجرت باشند.

احتجاج رهبران جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۸ - ۸

۸ لزوم بهره مندی رهبران جامعه اسلامی و مبلغان دینی از بصیرت و بینایی و داشتن حجت روشن بر اتخاذ راه ها و روشها

قل هذه سبیلی أدعوا إلی الله علی بصیره أنا

استفاده از جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ -

۳ - ۲۰

۳ - بهره بردن از مزایای جامعه اسلامی و به کنار نشستن به هنگام دشواری ها و سختی ها ، از ویژگی های منافقان است .

و إذا أظلم علیهم قاموا

استقلال جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳۶

۳۶- جامعه اسلامی در عصر بعثت ، جامعه ای مستحکم ، مستقل و خلّاق

کزرع أخرج شطه فازره فاستغلظ فاستوی علی سوقه

خداوند، در مقام توصیف پیامبر(ص) و یاران آن حضرت، اوصافی را که برای آنان یاد کرده است. این اوصاف عبارت است از: <استغلظ> (استحکام)، <استوی علی سوقه> (استقلال) و <یعجب الزرّاع> (زایندگی و خلاقیت).

اسرار جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۷ - ۵

۵ افشای اسرار جامعه اسلامی ، خیانت به خدا ، رسول اکرم (ص) و مؤمنان است .

لاتخونوا اللّه و الرسول

شأن نزول آیه درباره فردی از مسلمانان صدر اسلام است که برخی از اسرار نظامی جامعه را فاش کرد. بنابراین افشای اسرار نظامی جامعه ایمانی، از مصادیق مورد نظر برای خیانت به خدا و رسول است.

اضرار به جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۷ - ۷

۷ آسیب رساندن به جامعه اسلامی ، در رأس آرمان ها و اهداف منافقان و کافران

اتخذوا مسجداً ضراراً و کفراً

برداشت فوق با توجه به این است که در رأس همه اهداف <ضراراً> مطرح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۹ - ۱۳

۱۳

منافقان ، زیان زننده به جامعه اسلامی ، مروج کفر ، تفرقه افکن میان مؤمنان ، ظالم و دوزخی اند .

اتخذوا مسجداً ضراراً و کفراً و تفریقاً . .. و إرصاداً ... فانهار به فی نار جهنم

اعراض از جامعه اسلامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۸۹ – ۲

۲ مسلمانان بریده از جامعه اسلامی و رویگردان از هجرت ، منافق و کافرند .

فما لکم فی المنافقین . .. کما کفروا

امنیّت جامعه اسلامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۱۸ – ۸

۸ رفاه ، آسایش و امنیّت جامعه ایمانی ، مایه غم و اندوه بیگانگان

ودّوا ما عنتّم

از مفهوم جمله <ودّوا ما عنتم>، استفاده شده است.

اهل کتاب در جامعه اسلامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۴ – ۸

۸ – حق سکونت و زندگی اهل کتاب در جامعه اسلامی ، مشروط به عدم ستیزه جویی و معارضه با حاکمیت اسلام است .

هو الذی أخرج الذین کفروا من أهل الکتب . .. ذلک بأنّهم شاقّوااللّه و رسوله

از تعلیل <ذلک بأنّهم. ..> استفاده می شود که اگر یهود بنی نضیر، به معارضه با خدا و حکومت پیامبر(ص) نمی پرداختند، محکوم به تبعید نمی شدند و همچون گذشته در کنار مسلمانان زندگی می کردند.

اهمیت جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰۰ - ۷

۷ اهمیّت خاص ایجاد جامعه واحد اسلامی در لوای رهبری الهی *

و من یخرج من

بیته مهاجراً الی اللّه و رسوله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۲۷ – ۶

۶ جامعه اسلامی و مصالح ملی آن ، دارای حرمتی عظیم نزد خداوند

لاتخونوا اللّه و الرسول

اهمیت قدرت جامعه اسلامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۶ – ۵

۵ سستی اهل ایمان در پیکار با دشمنان دین ، موجب از میان رفتن ابهت و قوّت جامعه اسلامی

و لاتنزعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم

اهمیّت هوشیاری جامعه اسلامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۱ – ۹

۹ لزوم هشیاری همیشگی جوامع اسلامی ، نسبت به وجود و عملکرد منافقان مرموز

و ممن حولکم من الأعراب

ایمان جامعه اسلامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۶۶ – ۶

۶ جامعه اسلامی صدر اسلام پس از نایل شدن به مراحل عالی ایمان ، به تنزّل در درجات ایمانی گرایید .

علم أن فیکم ضعفا

بصيرت رهبران جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۰۸ - ۸

۸ لزوم بهره مندی رهبران جامعه اسلامی و مبلغان دينی از بصيرت و بينايی و داشتن حجت روشن بر اتخاذ راه ها و روشها

قل هذه سبيلی أدعوا إلی الله علی بصيره أنا

تأمين نيازهای جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۵ - ۱

۱ - انفاق و رفع نياز های جامعه اسلامی وظيفه ای بر عهده اهل ايمان

و أنفقوا

تدبیر جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲۱

۲۱ - تخفیف قانون قصاص (جواز تبدیل آن به دیه) در جهت تدبیر امور جامعه اسلامی است .

ذلك تخفیف من ربکم

برداشت فوق از کلمه <رب> که به معنای مدبر و مربی است، استفاده شده است.

توطئه علیه جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹ - ۲

۲ - ضربه زدن به اهل ایمان و توطئه علیه آنان ، از اهداف منافقان در اظهار ایمان

یخدعون اللّه و الذین ءامنوا

<خدع> به معنای پنهان کردن امری و اظهار کردن امری دیگر است به منظور ضربه زدن و ایجاد ناگواری.

جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۴ - ۱۶

۱۶ مسؤولیّت جامعه ایمانی در مراقبت از قانون عدّه وفات

فاذا بلغن اجلهنّ فلا جناح علیکم

مفهوم <فاذا بلغن . .. > با توجّه به خطاب در کلمه <علیکم> حاکی از مسؤولیّت جامعه ایمانی در مورد جلوگیری از ازدواج زنان شوهر مُرده در زمان عِدّه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۶ - ۱۲

۱۲ لزوم رعایت شؤونات و ارزش افراد در جامعه اسلامی

متّعوهنّ . .. بالمعروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۲ - ۱۰

۱۰ حُسن رعایت حال غیر مسلمانان در جامعه اسلامی

لیس علیك هدیهم . .. و ما تنفقوا من خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل

عمران - ۳ - ۲۸ - ۷

۷ اعتقاد به ولایت تکوینی خداوند ، مستلزم پذیرش ولایت مؤمنان در نظام اجتماعی اسلام

قل اللّهم مالک الملک . .. لا یتّخذ المؤمنون الکافرین اولیاء

گویا آیه مورد بحث، نتیجه مترتب بر اعتقاد به مضمون آیه <قل اللّهم . .. > است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۰ - ۷

۷ اصلاح جوامع بشری ، مسؤولیت جامعه اسلامی

کنتم خیر أمّه أخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۰ - ۷،۸

۷ ایمان جامعه اسلامی ، زیر بنا و اساس پذیرش قوانین الهی در اقتصاد

یا ایّها الذین امنوا لا تأکلوا الرّبوآ

مخاطب قرار دادن جامعه اسلامی با عنوان <یا ایّها الّذین آمنوا> و سپس نهی از رباخواری، اشاره به این حقیقت دارد که پذیرش حکم ربا، منوط به ایمان است.

۸ پرهیز از رباخواری در جامعه ایمانی ، نشانه تقواپیشگی آن جامعه است .

یا ایّها الذین امنوا لا تأکلوا الرّبوآ . .. و اتّقوا اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۹ - ۵،۱۱

۵ توجّه به سنّت های الهی در فرجام شوم تکذیب کنندگان دین خداوند ، از میان برنده هر گونه حزن و اندوه و سستی از جامعه ایمانی

فسیروا . .. فانظروا کیف کان عاقبه المکذّبین ... و لاتهنوا و لاتحزنوا

اگر جمله <و لا تهنوا . .. >، عطف بر جمله <فانظروا کیف ...> باشد، معنای این دو آیه چنین می شود: شما محزون

نباشید، عاقبت تکذیب کنندگانِ آیات الهی (دشمن شما مسلمانان)، نابودی است.

۱۱ ایمان جامعه دینی ، موجب مسؤول گردیدن در جهت کوششی مستمر برای حاکمیت بر همه جوامع بشری

و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین

خداوند از مسلمانان خواسته که بر دیگران برتر باشند; و انتم الاعلون. و از مصادیق بارز برتری، حاکمیّت آنان و دینشان بر تمامی جهان است; و این، در گرو ایمان واقعی است: ان کنتم مؤمنین. بنابراین ایمان واقعی، تحریک کننده آدمی به توانی مستمر (و لا تهنوا) برای حاکمیّت بخشیدن به دین الهی بر تمام جوامع بشری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۸

۸ یادآوری پیروزی های گذشته و توجّه به گردش قانونمند تغییرات اجتماعی ، برطرف کننده ضعف و اندوه جامعه ایمانی

و لا تهنوا و لا تحزنوا . .. ان یمسسکم قرح فقد مسّ القوم قرح مثله و تلک الایّام ن

بنابر اینکه <فقد مسّ القوم>، درباره شکست مشرکان در جنگ بدر باشد، خداوند برای از بین بردن اندوه و ضعف مؤمنان، پیروزی آنان را در جنگ بدر یادآوری کرده و همه را (چه شکست و چه پیروزی) برخاسته از مشیّت خویش دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۰ - ۹

۹ پذیرش ولایت خداوند و اعتقاد به یاری حتمی او ، مانع واپسگرایی و زیانکاری جامعه ایمانی و باعث رشد و سعادت

یردّوکم علی اعقابکم فتنقلبوا خاسرین. بل اللّه مولیکم و هو خیر النّاصرین

پیامد پذیرش ولایت کافران، واپسگرایی و خسارت است. بنابراین

پذیرش ولایت خداوند به قرینه مقابله آن با پذیرش ولایت کافران باعث رشد و سعادت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۱ - ۴

۴ خداوند با القای وحشت و دلهره در دل های کفرپیشگان تقویت کننده روحیه جامعه ایمانی در رویارویی با آنان

سنلقی فی قلوب الّذین کفروا الرّعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۱،۲،۵

۱ خداوند ، جامعه ایمانی را به حالتِ مشخص نبودن خوبان از بدان ر ها نمی کند .

ما کان اللّه لیذر المؤمنین علی ما انتم علیه

مراد از جمله <علی ما انتم علیه> به قرینه <حتّی یمیز . .. >، مشخص نبودن خوبان از بدان است.

۲ جداسازی صفوف ناپاکان از پاکان در جامعه ایمانی ، سنّت تغییرناپذیر الهی

ما کان اللّه لیذر المؤمنین علی ما انتم علیه حتّی یمیز الخبیث من الطّیّب

۵ آزمایش الهی ، مشخص کننده صفوف ناپاکان جامعه ایمانی از پاکان آن

ما کان اللّه لیذر المؤمنین علی ما انتم علیه حتّی یمیز الخبیث من الطّیّب

مشخص کردن پاکان از ناپاکان و خالصها از ناخالصها دو وجه متعارف دارد: آزمایش و ابتلاء ; و خبر دادن خداوند از واقعیت افراد. چون راه دوّم سنّت الهی نیست، بنابراین تنها راه متعارف آزمایش است. پس در جمله <حتّی یمیز ... >، کلمه <بابتلاءهم و امتحانهم>، مقدّر است.

جامعه اسلامی و دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۹

۹ لزوم آمادگی نظامی جامعه اسلامی در برابر دشمنان

شناخته شده و ناشناخته

ترهبون . .. و ءاخرين من دونهم لاتعلمونهم

جامعه اسلامی و كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۹ - ۲

۲ تلاش كفرپيشگان براى واداشتن جامعه ايمانى به پيروى از خويش

ان تطيعوا الّذين كفروا يردّوكم على اعقابكم

جامعه اسلامی و منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۱ - ۹

۹ لزوم هشيارى هميشگى جوامع اسلامى ، نسبت به وجود و عملكرد منافقان مرموز

و ممن حولكم من الأعراب

حيات در جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۸۹ - ۹

۹ لزوم هجرت در راه خدا و پيوستن به جامعه اسلامى

حتّى يهاجروا فى سبيل اللّه

خلاقيت جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳۶

۳۶- جامعه اسلامی در عصر بعثت ، جامعه ای مستحکم ، مستقل و خلّاق

کزرع أخرج شطه فازره فاستغلظ فاستوی علی سوقه

خداوند، در مقام توصیف پیامبر(ص) و یاران آن حضرت، اوصافی را که برای آنان یاد کرده است. این اوصاف عبارت است از: <استغلظ> (استحکام)، <استوی علی سوقه> (استقلال) و <یعجب الزرّاع> (زایندگی و خلاقیت).

دشمنان جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۱۷

۱۷ ضرورت تحلیل و دستیابی به علل و عوامل جهت گیری های گوناگون جوامع و پیروان ادیان در برابر جامعه اسلامی

لتجدن اشد الناس . .. ذلک بان منهم قسیسین و رهباناً و انهم لایستکبرون

رفاه جامعه اسلامی

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۱۸ – ۸

۸ رفاه ، آسایش و امنّیت جامعه ایمانی ، مایه غم و اندوه بیگانگان

ودّوا ما عنتّم

از مفهوم جمله <ودّوا ما عنتم>، استفاده شده است.

ظلم به جامعه اسلامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۱ – ۲

۲ تلاش دشمنان اسلام برای تجاوز به حریم جامعه اسلامی در صدر اسلام

اذ همّ قوم ان یبسطوا الیکم ایدیهم

عبودیت در جامعه اسلامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۷۷ – ۸

۸ – اقامه نماز ، عبودیت و بندگی خدا و انجام کار های نیک ، مشخصه های جامعه اسلامی

یأیّها الذین ءامنوا . .. و افعلوا الخیر

عظمت جامعه اسلامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۶ – ۷

۷ جامعه ایمانی در صدر اسلام پس از پیکار بدر برخوردار از ابهت و قوّتی چشمگیر ، حتی در نظر دشمنان

و تذهب ریحکم

عوامل اتحاد جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۶

۶ اطاعت از خدا و رسول در پی دارنده وحدت و عظمت جامعه اسلامی

و أطیعوا اللّه . .. و لاتنزعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم

برحذر داشتن اهل ایمان از نزاع و اختلاف، پس از فراخوانی آنان به اطاعت از خدا و رسول می تواند اشاره به این معنا داشته باشد که تنها راه برای دور ماندن از نزاعها و اختلافات، پیروی کردن از خدا

و رسول اوست.

عوامل انحطاط جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۹ - ۷۸

۷ ارتداد و واپسگرایی جامعه ایمانی و پیروی آنان از کفرپیشگان ، حرکتی زیانبار و خسارت آفرین

ان تطیعوا الّذین کفروا یردّوکم علی اعقابکم فتنقلبوا خاسرین

۸ از دست دادن ارزش های اصیل ایمانی ، از پیامد های تبعیّت از کفرپیشگان

ان تطیعوا . ... فتنقلبوا خاسرین

از مصادیق روشن خسارت جامعه ایمانی، از دست دادن ارزشهای اسلامی و ایمانی است.

عوامل انقراض جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۹ - ۳

۳ تخلف از جنگ با دشمنان اسلام و جامعه اسلامی ، موجب نابودی جامعه اسلامی و سقوط آن *

إلا تنفروا یعذبکم . .. و یستبدل قوماً غیرکم

<نفر> به معنای خروج برای امر مهیج و تحریک آمیز است که بیشتر درمورد خروج برای جنگ به کار می رود و فعل مجزوم <یعذب> و <یستبدل> جواب شرط برای <لاتنفروا> است. بنابراین پیام آیه چنین می شود: اگر مسلمانان به جنگ نروند عذاب می شوند و نابود خواهند شد و مردم دیگری به جای آنان خواهند نشست.

عوامل حیات جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۹ - ۱،۳

۱ - قانون قصاص و اجرای آن موجب حیات جامعه اسلامی است .

و لکم فی القصاص حیوه

۳ - بهره مندان از خرد ناب ، توانا بر درک فلسفه قانون قصاص (حیات جامعه)

و لکم فی القصاص حیوه یأولی الألبب

زندگی در پرتو قانون قصاص و اجرای آن،

برای همه جامعه اسلامی است نه خصوص خردمندان. بنابراین مخاطب قرار دادن اولی الألباب (دارندگان خرد ناب) در بیان حقیقت مذکور، اشاره به این دارد که: درک آن حقیقت در خور خردی ناب است.

عوامل رشد جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۹ - ۴

۴ ادیان الهی ، راه رشد و تعالی انسان و جامعه

ان تطیعوا الّذین کفروا یردّوکم علی اعقابکم

خداوند با تعبیر واپسگرایی به جای کفر و شرک، اشاره به این معنا دارد که دین الهی، راه رشد و تعالی واقعی انسان است.

عوامل ضعف جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۵

۵ سستی اهل ایمان در پیکار با دشمنان دین ، موجب از میان رفتن ابهت و قوّت جامعه اسلامی

و لاتنزعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم

عوامل عظمت جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۶

۶ اطاعت از خدا و رسول در پی دارنده وحدت و عظمت جامعه اسلامی

و أطیعوا اللّه . .. و لاتنزعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم

برحذر داشتن اهل ایمان از نزاع و اختلاف، پس از فراخوانی آنان به اطاعت از خدا و رسول می تواند اشاره به این معنا داشته باشد که تنها راه برای دور ماندن از نزاعها و اختلافات، پیروی کردن از خدا و رسول اوست.

فرار منافقان از جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۷ - ۷

۷ علاقه و تلاش شدید

منافقان به یافتن پناهگاه و محل مناسب برای زندگی (خارج از محیط اسلامی) دلیل بی ایمانی و همگام نبودنشان با مؤمنان

و ما هم منکم . .. لو یجدون ملجئاً ... لولّوا إلیه و هم یجمحون

جمله <لو یجدون . .. > می تواند به منزله دلیل و ارائه شاهدی برای <و ما هم منکم> در آیه قبل باشد.

قدرت نظامی جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۱۵

۱۵ انفاق امکانات برای تقویت بنیه نظامی جامعه اسلامی ، از مصادیق انفاق < فی سبیل اللّه > است .

و أعدوا لهم ما استطعتم . .. و ما تنفقوا من شیء فی سبیل اللّه

کافران در جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۷

۷ - خطر و زیان منافقان برای جامعه اسلامی ، همانند خطر و زیان کافران است .

جهد الکفّار و المنفقین و اغلظ علیهم

مدیریت جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۸ - ۴،۶،۱۰

۴ سرپرستی و مدیریّت در جامعه اسلامی ، مخصوص مؤمنان است .

لا یتّخذ المؤمنون الکافرین اولیاء من دون المؤمنین

۶ ایمان ، ملاکی مهم برای شایستگی مدیریّت و سرپرستی در نظام اسلامی

لا یتّخذ المؤمنون الکافرین اولیاء من دون المؤمنین

۱۰ جایگاه مهم ولایت و سرپرستی در نظام اجتماعی اسلام

لا یتّخذ المؤمنون . .. و من یفعل ذلک فلیس من اللّه فی شیء

مسؤولیت جامعه اسلامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره –

۲ - ۱۷۸ - ۳

۳ - جامعه اسلامی وظیفه دار اجرای قانون قصاص است . *

یایها الذین ءامنوا کتب علیکم القصاص فی القتلی

بدیهی است که حق قصاص از آنِ اولیای مقتول می باشد و اجرای آن تنها در مورد قاتل است. بنابراین مخاطب قرار دادن همه مسلمانان برای بیان حقیقت مذکور، می تواند اشاره به این باشد که: همگان باید پی گیر استیفای آن بوده و شرایط اجرای آن را فراهم سازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۹،۵،۴

۴ جامعه اسلامی باید به پیشرفته ترین ادوات رزمی زمان مجهز باشد .

و أعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل

۵ قوای نظامی جامعه اسلامی باید به گونه ای باشد که دشمنان دین را همواره به هراس افکند .

ترهبون به عدو اللّه و عدوکم

۹ لزوم آمادگی نظامی جامعه اسلامی در برابر دشمنان شناخته شده و ناشناخته

ترهبون . .. و ءاخرین من دونهم لاتعلمونهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۱ - ۹

۹ لزوم هشیاری همیشگی جوامع اسلامی ، نسبت به وجود و عملکرد منافقان مرموز

و ممن حولکم من الأعراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۵

۵ فرمان الهی به غفلت نورزیدن جامعه اسلامی از خطر نفوذ و کارشکنی دشمنان همجوار

قتلوا الذین یلونکم من الکفار و لیجدوا فیکم غلظه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۲ – ۲

۲ – جامعه اسلامی ، موظف به فراهم

آوردن امکانات ازدواج مؤمنان غیر متأهل

و أنکحوا الأیمی منکم

برداشت یاد شده بر این اساس است که مخاطب در خطاب جمع <و أنکحوا الأیامی منکم> به قرینه <أیّه المؤمنون> در آیه قبل که خطاب به یکایک مؤمنان است تمامی مردم و جامعه اسلامی باشد، نه فقط اولیای آنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۱۱

۱۱ مسؤولیت بین المللی جامعه اسلامی در برابر مستضعفان خداپرست تحت ستم

و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل اللّه و المستضعفین . .. الّذین یقولون ربّنا اخرجنا م

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۶ - ۵

۵ جامعه ایمانی وظیفه دار برقراری روابط مسالمت آمیز با جوامعی که خواهان این نوع مناسبات هستند .

و اذا حیّیتم بتحیّه فحیّوا باحسن منها او ردّوها

بـا توجّه به معنـای لغوی <تحیّت> (درخواست سـلامتی)، جمله <اذا . .. > به این معنـاست که اگر فردی یا گروهی خواهان سلامت و امنیّت شما باشند، شما نیز خواهان سلامت و امنیت آنان باشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۳

۳ لزوم وفاداری جامعه اسلامی به همپیمان ها و معاهده های بین المللی خود

الّا الّذین یصلون الی قوم بینکم و بینهم میثاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۸

۸ لزوم نظارت عمومی جامعه ایمانی بر صحنه روابط خارجی و بازداشتن مؤمنان از پذیرش ولایت کافران و پیوند های مودت

آمیز با آنان

كانوا لايتناهون عن منكر .

.. تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

منافقان در جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۷

۷ - خطر و زیان منافقان برای جامعه اسلامی ، همانند خطر و زیان کافران است .

جهد الکفّار و المنفقین و اغلظ علیهم

منافقان و جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۷ - ۵،۶

۵ محیط جامعه اسلامی ، محیطی بسیار سخت و غیر قابل تحمل و دشوار برای منافقان

لو یجدون ملجئاً . .. لولّوا إلیه و هم یجمحون

<جُموح> (مصدر یجمحون) به معنای به سرعت دویدن و به پشت سر نگاه نکردن است. اینکه اگر منافقان پناهگاهی می یافتند بی درنگ و بدون اینکه پشت سرشان را بنگرند به آن پناه می بردند، نشان می دهد که زندگی برای آنان در جامعه اسلامی بسیار نگران کننده و دشوار بوده است.

۶ رنج و اضطراب منافقان در جامعه اسلامی ، با وجود داشتن مال و فرزند بسیار ، نمودی از عذاب دنیوی آنان *

فلا تعجبک أمولهم و لا أولدهم إنما یرید اللّه لیعذبهم بها فی الحیوه الدنیا . .. ل

برداشت فوق بدین احتمال است که بیان زندگی دشوار منافقان، نمودی از عذاب دنیوی آنان باشد که در آیات قبل ذکر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۹ - ۱۳

۱۳ منافقان ، زیان زننده به جامعه اسلامی ، مروج کفر ، تفرقه افکن میان مؤمنان ، ظالم و دوزخی اند .

اتخذوا مسجداً ضراراً و كفراً و تفريقاً . ..

و إرصاداً ... فانهار به فی نار جهنم

منشأ استقلال جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳۷

۳۷- نقش اساسی پیامبر (ص) ، و رهبری الهی در استحکام ، استقلال و خلاقیت امت اسلامی

کزرع أخرج شطه فازره فاستغلظ فاستوی علی سوقه

با توجه به این که ضمیر <شطئه> و <آزره>به <زرع> بازمی گردد; استفاده می شود که در این روندِ بالندگی، اصلی وجود دارد و شاخه ها و فروع، در پرتو آن تغذیه شده و رشد می یابند. بدون شک در فرایند بالندگی نظام اسلامی، وجود پیامبر(ص) و رهبری الهی همان اصل به شمار آمده و نقش اساسی دارد.

منشأ خلاقیت جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳۷

۳۷- نقش اساسی پیامبر (ص) ، و رهبری الهی در استحکام ، استقلال و خلاقیت امت اسلامی

کزرع أخرج شطه فازره فاستغلظ فاستوی علی سوقه

با توجه به این که ضمیر <شطئه> و <آزره>به <زرع> بازمی گردد; استفاده می شود که در این روندِ بالندگی، اصلی وجود دارد و شاخه ها و فروع، در پرتو آن تغذیه شده و رشد می یابند. بدون شک در فرایند بالندگی نظام اسلامی، وجود پیامبر(ص) و رهبری الهی همان اصل به شمار آمده و نقش اساسی دارد.

نشانه های جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۷

۷ امر به معروف و نهی از منکر ، مهمترین وظیفه مؤمنان و بارزترین مشخصه جامعه اسلامی

و المؤمنون و المؤمنت

. .. یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

از اینکه در رأس همه کارها و ارزشها، از امر به معروف و نهی از منکر یاد شده است، اهمیت برتر آن استفاده می شود.

نیازهای جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۸ - ۹

۹ لزوم تشکیل حکومت و برقراری نظام قضایی عادلانه در جامعه اسلامی *

انّ اللّه یأمرکم ان تؤدّوا الامانات الی اهلها و اذا حکمتم بین النّاس ان تحکموا ب

لازمه ادای امانت به اهلش و سپردن مسؤولیتها به افراد لایق و قضاوت عادلانه در میان مردم، وجود تشکیلات حکومتی و قضایی میان مردم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۰ - ۸

۸ - نیاز همیشگی جامعه اسلامی ، به تبلیغ روح برادری و تحکیم مودت میان اعضای آن

إنّما المؤمنون إخوه فأصلحوا بین أخویکم

از این که خداوند، به گونه ای مؤکد، روح برادری، دوستی و مسالمت را در میان مؤمنان زنده ساخته و این حقایق را به ایشان یاد آور شده است؛ مطلب بالا استفاده می شود.

ویژگی جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۲۶

۲۶ حاکمیّت رهبری واحد ، همراه با پذیرش اصل شورا ، از ویژگی های نظام اسلامی

و شاورهم فی الامر فاذا عزمت فتوکّل علی اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۹ – ۱۴

۱۴ خدامحوری در نظام اسلامی

اطیعوا اللّه و اطیعوا الرّسول و اولی الامر منکم . .. فردّوه الی اللّه

و الرّسول

ویژگیهای جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۷ - ۸

۸ - اقامه نماز ، عبودیت و بندگی خدا و انجام کار های نیک ، مشخصه های جامعه اسلامی

یأیّها الذین ءامنوا . .. و افعلوا الخیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۳ - ۴

۴ جامعه اسلامی ، برخوردار از زندگی گوارا و شیرین و جامعه شرک و کفر ، گرفتار ناکامی ها و تلخی ها

و هو الذی مرج البحرین هذا عذب فرات و هذا ملح أُجاج

برداشت یاد شده، بر این اساس استوار است که آیه شریفه، متضمن تثمیل باشد; به این معنا که ایمان به آب گوارا و شیرین و کفر و شرک به آب شور و تلخ تشبیه شده باشد و مؤمنان و جامعه ایمانی و کافران و جامعه کفر و الحاد به دریا تشبیه شده باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۸ - ۸

۸ - نظام اجتماعی مسلمانان ، متّکی بر اصل شور و مشورت

و أمرهم شوری بینهم

اضافه <أمر> به <هم>، نشانگر آن است که امور اجتماعی و مربوط به همگان، مورد مشورت مسلمانان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳۶

۳۶- جامعه اسلامی در عصر بعثت ، جامعه ای مستحکم ، مستقل و خلّاق

كزرع أخرج شطه فازره فاستغلظ فاستوى على سوقه

خداوند، در مقام توصیف پیامبر(ص) و یاران آن حضرت، اوصافی را که برای آنان یاد کرده است. این اوصاف عبارت است از:

<استغلظ> (استحکام)، <استوی علی سوقه> (استقلال) و <یعجب الزرّاع> (زایندگی و خلاقیت).

هوشیاری جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۸ - ۱۲

۱۲ لزوم هوشیاری مستمر جامعه ایمانی ، در برابر توطئه ها و نفوذ های دشمنان دین

یا ایها الذین امنوا . .. لا یألونکم خبالا ... ودّوا ما عنتّم ... قد بدت البغضاء

بیان دشمنی و کینه بیگانگان، دلالت بر لزوم هوشیاری جامعه ایمانی در قبال آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۵

۵ فرمان الهی به غفلت نورزیدن جامعه اسلامی از خطر نفوذ و کارشکنی دشمنان همجوار

قتلوا الذین یلونکم من الکفار و لیجدوا فیکم غلظه

جامعه دینی

آسیب شناسی جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۶ - ۱۱

۱۱ - دنیاطلبی ، از ریشه های بروز جنگ ها و درگیری های خونین میان گروه های معتقد به آیین الهی است .

ثم أنتم هؤلاء تقتلون أنفسکم . .. أولئک الذین اشتروا الحیوه الدنیا

ابتلای جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۵ - ۵

۵ تخلف از دستورات حیاتبخش و زیربنایی خدا و رسول ، مایه بروز فتنه هایی فراگیر و نزول عذابی شدید بر تمامی جامعه ایمانی

إذا دعاكم لما يحييكم . .. و اتقوا فتنه لاتصيبن الذين ظلموا منكم خاصه

از مصادیق مورد نظر برای ستمکاری (ظلموا)، به قرینه آیه قبل، تخلف از دستورات حیاتبخش و زیربنایی خدا و رسول است.

اتحاد جامعه دینی

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۹۱ – ۴

۴ حراست از وحدت جامعه ایمانی و دور نگاهداشتن آن از کینه و دشمنی فلسفه تحریم شراب خواری و قماربازی

انما یرید الشیطن ان یوقع بینکم العدوه و البغضاء

اختلاف جامعه دینی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۲ – ۹

۹ اختلاف و نزاع در جامعه ایمانی بر سر دنیا و غنایم آن ، به دور از شأن مؤمنان واقعی

یسئلونک عن الأنفال . .. إنما المؤمنون ... وجلت قلوبهم ... و علی ربهم

بیان ویژگیهای یاد شده پس از اشاره به اختلاف و نزاع مسلمانان بر سر غنایم جنگی، اشاره به این دارد که رسیدن به مقام بلند ایمان، آدمی را از شیفتگی به مال دنیا و متأثر شدن از آن و در نتیجه نزاع کردن بر سر آن، باز خواهد داشت.

استهزای جامعه دینی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴ – ۶

۶ – استهزای مسلمانان و به تمسخر گرفتن جامعه ایمانی ، هدف منافقان در تظاهر به اسلام

قالوا ءامنا . .. إنما نحن مستهزءون

اعراض از جامعه دینی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۸۹ – ۶،۱۰

۶ بریدن از جامعه ایمانی و سر باز زدن از هجرت ، نشانه نفاق و بی ایمانی است .

فلا تتّخذوا منهم اولياء حتّى يهاجروا فى سبيل اللّه

۱۰ لزوم تعقيب و كشتن منافقان ، در صورت سر باز زدن آنان از هجرت در راه خدا و پيوستن

به جامعه ایمانی

فان تولّوا فخذوهم و اقتلوهم حیث وجدتموهم

امتحان جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۵

۵ - کشته شدن راه خدا ، وسیله ای برای آزمون جامعه ایمانی هستند .

و لنبلونکم بشیء . .. و نقص من الأمول و الأنفس و الثمرت

مصداق مورد نظر برای <نقص الأنفس> - به قرینه آیات قبل - کشته شدگان راه خداست.

امنیت جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۲ - ۵

۵ جامعه ایمانی به دور از هر گونه شرک و ظلم، از خشم و عذاب خداوند در امان است.

فأی الفریقین أحق بالأمن . .. الذین ءامنوا ... أولئک لهم الأمن

چون در آیه قبل از موحدان و مشرکان به عنوان دو گروه یاد شده و در این آیه نیز از موحدان با صیغه ها و ضمایر جمع یاد شده، چنین برمی آید که امنیت از آن جامعه با هویت جمعی آن است، گر چه آحاد نیز مشمول آن باشند.

تأمین نیازهای جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۱۹

۱۹ رفع نیاز های جامعه ایمانی از سوی خود مسلمانان ، منشأ تشریع خمس ، نه ناتوانی خداوند بر تأمین آن نیازها

و اعلموا أنما غنمتم من شیء . .. و اللّه علی کل شیء قدیر

تداوم جامعه دینی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۵ – ۸

۸ سلامت و دوام جامعه ایمانی ، در گرو پاسداری از

حریم ارزش های دینی در برابر فرهنگ کفر

علیکم انفسکم لایضرکم من ضل إذا اهتدیتم

مراد از <ضرر> در <لایضرکم> ممکن است ضرر معنوی بوده و اشاره به خطرهایی باشد که ایمان مؤمنان را تهدید می کند و ممکن است مراد آسیبهایی باشد که بنیه و توان جوامع مؤمن را تضعیف و یا نابود می سازد. برداشت فوق ناظر به دومین معناست.

جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۱۵

۱۵ ایجاد پیوند های اجتماعی در جامعه ایمانی ، نشانه پرهیزکاری مؤمنان

یا ایّها الّذین امنوا . .. و رابطوا و اتّقوا اللّه

بنابر اینکه معنای <رابطوا>، ایجاد پیوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۸،۱۱

۸ تلاش برای فساد و تباهی جامعه ایمانی ، ستیزه جویی با خدا و رسول (ص) است .

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه و رسوله و یسعون فی الارض فساداً

برداشت فوق بر این مبناست که <واو> در <و یسعون> تفسیریه باشد. یعنی فسادگری در جامعه ایمانی، مصداقی از محاربه با خدا و رسول است.

۱۱ ضرورت پاسداری از امنیت و سلامت جامعه ایمانی با سرکوب آشوبگران و فسادانگیزان

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه و رسوله و یسعون فی الارض فساداً ان یقتلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۴ - ۷

۷ جهاد و مبارزه با کافران حق ناپذیر ، مایه حیات واقعی جامعه ایمانی

یأیها الذین ءامنوا استجیبوا للّه و للرسول

از مصادیق مورد نظر برای <ما یحییکم>، به دلیل وقوع آیه مورد

بحث در سیاق آیات جنگ و مبارزه، فراخوانی اهل ایمان به نبرد با دشمنان دین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۵ - ۲،۳،۴

۲ برخی از گناهان و ستمکاری ها در جامعه ایمانی مایه گرفتار شدن همگان (مرتکبان گناه و غیر آنها ، یعنی ظالم و غیر ظالم) به عذاب های الهی است .

و اتقوا فتنه لاتصیبن الذین ظلموا منکم خاصه

<لا> در <لاتصیبن> نافیه و <خاصه> حال برای <الذین> است. جمله <لاتصیبن الذین ... > تبیین و توضیحی است برای <فتنه>. و مراد از اتقاء فتنه، پرهیز از عامل آن می باشد که به قرینه <ظلموا>، ستمکاری است. بنابراین معنای آیه چنین می شود: ای اهل ایمان از گناهانی که موجب فتنه ای عظیم می شود بپرهیزید ; آن گونه فتنه ای که نه تنها دامنگیر گناهکار می شود، بلکه همگان را در شعله های خود خواهد سوزانید.

۳ اهل ایمان موظف به مبارزه با فتنه هایی که شعله های آن دامنگیر کل جامعه است .

و اتقوا فتنه لاتصیبن الذین

عامل فتنه در مورد بحث چنانچه گذشت گناه و ستمکاری است و مرتکب این گناه به دلیل <ظلموا منکم> تنها برخی از افراد جامعه هستند. بنابراین امر به اتقا (اتقوا فتنه) نسبت به مخاطبان متفاوت خواهد بود. یعنی نسبت به گنهکاران و ستم پیشگان، پرهیز از خود گناه است و نسبت به آنان که مرتکب نمی شوند، جلوگیری از ارتکاب آن است.

۴ مؤمنان وظیفه دار اهتمام بیشتر در پرهیز از گناهانی که آثار شوم آن فراگیر جامعه ایمانی است .

و اتقوا

فتنه لاتصيبن الذين ظلموا منكم خاصه

بـديهی است هيـچ گناه و سـتمی را نبايـد مرتکب شد. بنابراين نهی از ارتکاب گناهی که فتنه ای فراگير دارد، حاکی از تأکيد بيشتر نسبت به پرهيز از چنين گناهی است.

حمايت از جامعه دينی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۶۲ - ۳

۳ خداوند با حمايت خويش از پيامبر (ص) و جامعه ايمانی ، نيرنگ کافران را بی اثر خواهد کرد .

و إن يريدوا أن يخدعوک فإن حسبک اللّه

جواب شـرط <إن يريـدوا . .. > محـذوف است و جمله <فـان حسـبک اللّه> جانشـين آن شـده است ; يعنی: إن يريـدوا أن يخدعوک فاللّه يکفيک شرهم.

دشمنان جامعه دينی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۸،۱۱

۸ جامعه ايمانی در عصر پيامبر (ص) مواجه به دو گروه از دشمن : دشمنانی شناخته شده و دشمنانی ناشناخته

عدو اللّه و عدوکم و ءاخرين من دونهم لاتعلمونهم

۱۱ تنها خداوند آگاه به دشمنانی است که برای جامعه ايمانی ناشناخته اند .

لاتعلمونهم اللّه يعلمهم

سعادت جامعه دينی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۱۹

۱۹ پيروزی و سعادت جامعه ايمانی ، در گرو ايجاد پيوند و ارتباط با يکديگر

و رابطوا . .. لعلّكم تفلحون

ضعف جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۴

۴ بروز ضعف در جامعه ایمانی صدر اسلام ، موجب تخفیف حکم پایداری در برابر دشمنان

شد .

الئن خفف اللّه عنكم و علم أن فيكم ضعفا

عوامل تشکیل جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۳ - ۱۲

۱۲ نقش اساسی عالمان و دانشمندان دینی در ساختار دینی و اخلاقی جامعه

لبئس ما كانوا يصنعون

عوامل فساد جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲ - ۲

۲ - منافقان ، سرچشمه و منشأ فساد ها و تبهکاری ها در جوامع دینی هستند .

ألا إنهم هم المفسدون

در آیاتی از قرآن غیر منافقان نیز فسادگر خوانده شده اند بنابراین حصر در جمله <ألا إنهم . ..>(تنها منافقان فسادگرند) حصر ادعایی است و اشاره به این معنا دارد که: فسادگری غیر منافقان در قیاس با منافقان چیزی به حساب نمی آید; و یا اینکه فساد دیگران نیز به گونه ای به نفاق و منافقان باز می گردد.

کیفر استهزای جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵ - ۲

۲ - استهزای منافقان از سوی خدا ، کیفر تمسخر آنان نسبت به اسلام و جامعه ایمانی است .

إنما نحن مستهزءون. اللّه يستهزئ

آیه مورد بحث، بیانگر سزا و کیفر منافقان استهزا کننده است.

مدیریت جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۰ - ۳

۳ ناشایستگی کافران برای ولایت و سرپرستی و یاری جامعه ایمانی

ان تطیعوا الّذین کفروا . .. بل اللّه مولیکم و هو خیر النّاصرین

مسؤولیت جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۶

انفال - ۸ - ۶۱ - ۱،۴

۱ جامعه ایمانی باید در صورت اظهار تمایل کافران به صلح ، آن را بپذیرد و از آن استقبال کند .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

۴ جامعه ایمانی نباید به کافرانی که در پی صلح نیستند طرح صلح دهد .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

برداشت فوق از مفهوم جمله شرطیه <إن جنحوا . .. > استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۷ - ۵،۸

۵ جامعه ایمانی ، وظیفه دار پیکار در راه خدا و یا دست کم دفاع از وطن و کیان خویش

تعالوا قاتلوا فی سبیل اللّه او ادفعوا

۸ پیکار با دشمنا دین (جهاد ابتدایی) و دفاع در برابر هجوم آنان (جهاد دفاعی) ، دو تکلیف الهی بر عهده جامعه ایمانی *

قاتلوا فی سبیل اللّه او ادفعوا

بنابر اینکه دعوت مطرح شده در آیه، بیان حکم جهاد باشد، نه دعوت برای حضور در نبردی خاص و مقطعی. بنابراین جمله <قاتلوا ... >، ناظر به جهاد ابتدایی و جمله <او ادفعوا> ناظر به جهاد دفاعی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۴ - ۱۲

۱۲ لزوم هشیاری جامعه ایمانی در مقابل تلاش برای گمراه ساختن مسلمانان

الم تر الی الذین . .. ان تضلوا السبیل

هدف از بیان تصمیم عالمان یهود، هشیار ساختن مسلمانان نسبت به تلاش پیگیر آن عالمان برای گمراه ساختن جامعه ایمانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۶ – ۶

۶

جامعه ایمانی ، موظف به پذیرش توبه کنندگان واقعی

الا الذین تابوا و أصلحوا . .. فأولئک مع المؤمنین

از جمله <فأولئک مع المؤمنین>، استفاده می شود که جامعه اسلامی باید پذیرای منافقین تائب باشد و آنان را به عنوان عضوی از جامعه اسلامی بپذیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۱۰

۱۰ جامعه ایمانی وظیفه دار هشیاری در برابر موضعگیری های گمراه کننده کافران

یایها الذین ءامنوا علیکم انفسکم لایضرکم من ضل إذا اهتدیتم

<لا> در لایضرکم می تواند نافیه باشد بر این مبنا مراد از جمله <لایضرکم . ..> این است که چنانچه از ایمان خود مراقبت کنید از دام گمراهان می رهید و می تواند <لا> ناهیه باشد، یعنی ای مؤمنان مبادا گمراهان شما را از راه بدر برده و ایمان شما را بربایند برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است. گفتنی است که مراد از <من ضل> به قرینه <ءامنوا> کفرپیشگان می باشد.

منافقان در جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹ - ۴

۴ - منافقان ، در جامعه قرآنی و در برابر اسلام ، خود را در معرض زوال و نابودی می بینند .

یجعلون أصبعهم فی ءاذانهم من الصوعق حذر الموت

جامعه شناسی

{جامعه شناسی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۳ - ۱۰

۱۰ مقایسه میان رخداد های تاریخی و سرنوشت ساز در یک جامعه ، از روش های قرآن در شناسایی نقاط ضعف و قوّت آن جامعه

و اذ غدوت من اهلک . ..

و لقد نصرکم اللّه ببدر و انتم اذلّه

خداوند در این آیه و آیات قبل، برای شناساندن نقاط قوّت و ضعف جامعه ایمانی، به دو رخداد تاریخی بدر و احد و مقایسه بین آنها اشاره می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۷ - ۵

۵ کلیّه جوامع ، همواره دارای روش ها و شیوه های خاص زندگی اجتماعی و جهتگیری های خاص تاریخی هستند .

قد خلت من قبلکم سنن . .. فانظروا کیف کان عاقبه المکذّبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۳ - ۶

۶ ناهماهنگی و دوگانگی باور ها و عملکرد برخی از مسلمانان صدر اسلام

و لقد کنتم تمنّون الموت . .. فقد رایتموه و انتم تنظرون

آثار جامعه شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۱۲

۱۲ - جامعه شناسی ، باستان شناسی و تاریخ ، زمینه ساز شناخت سنت های الهی و ره یابی به واقعیت پیام وحی

و کم أهلکنا قبلهم من قرن هم أشدّ منهم بطشًا . .. هل من محیص

اهمیت جامعه شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۷ - ۷

۷ اهمیّت و ارزش جامعه شناسی و دقّت در تحولات و حوادث تاریخی

فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذّبین

جان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جان

آثار ایثار با جان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۴

۴ ایمان ، شرط تأثیر ایثار های مالی

و جانی انسان در دستیابی به بهشت

إن اللّه اشتری من المؤمنین أنفسهم و أمولهم بأن لهم الجنه

قید <من المؤمنین> اشعار دارد به اینکه تنها انسانهای مؤمن در این معامله شرکت دارند.

ارزش جان انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۹

۹ دین الهی و حمایت از آن ، دارای ارزش برتر از جان و مال انسانها

إن اللّه اشتری من المؤمنین أنفسهم و أمولهم . .. یقتلون فی سبیل اللّه

ارزش جان قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ خون و جان قاتلان نابحق و مفسدان در زمین ، فاقد ارزش و احترام

من قتل نفساً بغیر نفس او فساد فی الارض

<باء> در <بغیر نفس> برای مقابله است. بنابراین مفهوم جمله شرطیه <من قتل نفساً ...> این است که قتل نفس آنگاه که در مقابل کشتن کسی (قصاص) و یا در مقابل فسادانگیزی باشد، کیفر ندارد.

ارزش جان مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ خون و جان قاتلان نابحق و مفسدان در زمین ، فاقد ارزش و احترام

من قتل نفساً بغیر نفس او فساد فی الارض

<باء> در <بغیر نفس> برای مقابله است. بنابراین مفهوم جمله شرطیه <من قتل نفساً ...> این است که قتل نفس آنگاه که در مقابل کشتن کسی (قصاص) و یا در مقابل فسادانگیزی باشد، کیفر ندارد.

ارزش جان مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۵

۵

ارزش والای جان و مال مؤمنان در پیشگاه خداوند

إن اللّه اشتری . .. بأن لهم الجنه

امتحان با جان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۶ - ۲،۳،۲۳

۲ مال و تن و جان مؤمنان ، وسیله آزمایش آنان

لتبلونّ فی اموالکم و انفسکم

۳ آزمایشِ به وسیله تن و جان ، مرحله ای پس از آزمایش به وسیله مال *

لتبلونّ فی اموالکم و انفسکم

تقدّم ذکری <اموال> بر <انفس>، می تواند اشاره به دو مرحله ترتیبی از آزمایش باشد.

۲۳ پرداخت زکات ، مصداق آزمایش در اموال و واداشتن خویش به صبر ، آزمایش در انفس است .

لتبلونّ فی اموالکم و انفسکم

امـام رضـا (ع) پس از تلاوت آیه فوق فرمود: <لتبلونّ فی اموالکم> بـاخراج الزکـاه و <فی انفسـکم> بتوطین الاـنفس علی الصبر.

عیون اخبار الرّضا (ع)، ج ۲، ص ۸۹، ح ۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۲۱، ح ۴۷۴.

اهمیت حفظ جان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۱۳،۱۴،۱۶

۱۳ تضمین پاداش عظیم در برابر حفظ جان هر انسان ، نویدی از جانب خداوند بر بنی اسرائیل

کتبنا علی بنی اسرءیل . .. من احیاها فکانما احیا الناس جمیعاً

همسنگی حفظ حیات یک انسان با تمامی انسانها، می تواند کنایه از پاداش عظیم باشد.

۱۴ اهمیت و ارزش والای حفظ حیات انسانها

و من احیاها فکانما احیا الناس جمیعاً

۱۶ جلوگیری از تکرار رخدادی همچون کشته شدن هابیل ، فلسفه تعلق پاداش های عظیم خداوند بر پاسداری از جان انسانها

من اجل ذلک کتبنا . .. و من احیاها فکانما

احیا الناس جمیعاً

پاداش ایثار با جان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۲۴

۲۴ ایثار جان و مال در راه خدا و دریافت پاداش بهشت ، شایسته سرور و شادمانی ، در بینش الهی

إن اللّه اشتری من المؤمنین . .. فاستبشروا ببیعکم الذی بایعتم به

پیدایش حیات از موجودات بی جان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۵ - ۲،۳،۴

۲ خداوند پدیدآورنده حیات از دل طبیعت بی جان و مرده است.

إن الله . .. یخرج الحی من المیت

۳ رویش گیاهان و درختان از دانه ها و هسته ها، نمودی از بیرون آوردن موجود زنده از مرده است.

إن الله فالق الحب و النوی یخرج الحی من المیت و مخرج المیت من الحی

۴ پدید آمدن موجود زنده از دل مردگان و مرده از دل زندگان، قانونی مستمر در طبیعت است.

یخرج الحی من المیت و مخرج المیت من الحی

جمله <یخرج الحی>، که جمله ای است فعلیه و با فعل مضارع آغاز شده، دال بر استمرار و تجدید است. همچنین جمله دوم (مخرج المیت ...)، که به صورت اسمیه آمده، دال بر دوام و ثبوت است.

پیدایش موجودات بی جان از جانداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۵ - ۴،۵

۴ پدید آمدن موجود زنده از دل مردگان و مرده از دل زندگان، قانونی مستمر در طبیعت است.

یخرج الحی من المیت و مخرج المیت من الحی

جمله <یخرج الحی>، که جمله ای است فعلیه و با فعل مضارع

آغاز شـده، دال بر اسـتمرار و تجدیـد است. همچنین جمله دوم (مخرج المیت ...)، که به صورت اسـمیه آمـده، دال بر دوام و ثبوت است.

۵ خداوند از نهاد موجودات جاندار، موجوداتی بی جان و فاقد حیات پدید می آورد.

إن الله . .. و مخرج المیت من الحی

جهاد با جان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۷۲ – ۲

۲ شرکت در جهاد با مال و جان از سوی مجاهدان و یاری مهاجران از سوی انصار ، شرط برخورداری هر یک از ولایت مقرر شده از جانب خدا

إن الذین ءامنوا و هاجروا . .. أولیاء بعض

مشارالیه <أولئک> و مرجع ضـمیر در <بعضهم>، <الذین> اول و دوم، با تمام صفاتی که برای آنان ذکر شد، است. یعنی مؤمنان مهاجر مثلا اگر جهاد نکنند و یا مؤمنان ساکن در مدینه اگر مهاجران را یاری ندهند از حقوق ولایت برخوردار نیستند.

حفظ جان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۲ – ۱۵

۱۵ حفظ حیات یک انسان و جلوگیری از نابودی وی در پیشگاه خداوند به منزله حفظ حیات همه انسانهاست .

و من احیاها فکانما احیا الناس جمیعاً

مراد از <احیاء> نمی توانـد زنـده کردن مردگان باشد ; بلکه به معنای حفظ حیات انسانها و جلوگیری از هلاکت آنان است. برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأییـد می کند که در پاسخ سؤال از معنای <من احیاها> در آیه فوق فرمود: نجاها من غرق او حرق او سبع او عدو ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۳،

ح ۸۴; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۴، ح ۱۱.

سوگند به جان انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۷ - ۱

۱ - سوگند خداوند به جان انسان ها

و نفس

<نفس>، به معنای روح و نیز جسد آمده است (صحاح اللغه). آیات بعد که ویژگی های روح انسان را مطرح می کند قرینه بر اراده معنای اول است. کلمه <نفس> گرچه نکره است; ولی بر ابهام دلالت ندارد. بلکه مراد جنس نفس است; زیرا آنچه بعد از آن، درباره نفس ذکر شده مربوط به تمام نفس ها است. نکره در این موارد، مفید تفخیم است.

عوامل ایثار با جان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۶

۶ ایمان راستین ، مستلزم ایثار جان و مال در راه خدا

إن اللّه اشتری من المؤمنین

قصاص جان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۴

۴ جان در برابر جان ، چشم در برابر چشم ، بینی در برابر بینی ، گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان ، قانون قصاص در تورات

و کتبنا علیهم . .. و العین بالعین و الأنف بالأنف و الاذن بالاذن و السن بالسن

مشتری جان مجاهدان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۱ – ۱

۱ خداوند ، خریدار جان و مال مؤمنان به بهای بهشت

إن اللّه اشترى من المؤمنين أنفسهم و أمولهم بأن لهم الجنه

ناخوشایندی ایثار با جان

جلد – نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۱ – ۸

۸ کراهت و ناخرسندی از ایثار مال و جان در راه خدا ، نشانه نفاق

و کرهوا أن یجهدوا بأمولهم و أنفسهم فی سبیل اللّه

نقش جان مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۱ – ۳

۳ جان و مال مؤمنان ، ابزاری برای آنان در دستیابی به ارزش های جاودان

إن اللّه اشتری من المؤمنین أنفسهم و أمولهم بأن لهم الجنه

جانداران از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جانداران

آثار زوجیت جانداران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۳۶ – ۵

۵ – حاکمیت قانونِ زوجیت بر پدیده های شناخته شده و ناشناخته جان دارِ جهان ، دلیل کمال خدا و مبرّا بودن او از هر نقص و کاستی

سبحن الذی خلق الأزوج کلّها . .. و ممّا لایعلمون

از ارتباط میان تنزیه خدا از هر نقصی به توصیف او به آفریدن پدیده های جان دارِ جهان به صورت زوج (نر و ماده)، برداشت یاد شده به دست می آید.

اقسام جانداران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۵ - ۵،۶،۷

۵ - بعضی از جانداران ، بر شکم خود راه می روند .

فمنهم من یمشی علی بطنه

۶ - بعضی از جانداران ، بر روی دو پا راه می روند .

و منهم من یمشی علی رجلین

۷ - بعضی از جانداران ، بر روی چهار پا راه می روند .

و منهم من یمشی علی أربع

پیدایش موجودات بی جان از جانداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۵ - ۴،۵

۴ پدید آمدن موجود زنده از دل مردگان و مرده از دل زندگان، قانونی مستمر در طبیعت است.

یخرج الحی من المیت و مخرج المیت من الحی

جمله <یخرج الحی>، که جمله ای است فعلیه و با فعل مضارع آغاز شده، دال بر استمرار و تجدید است. همچنین جمله دوم (مخرج المیت ...)، که به صورت اسمیه آمده، دال بر دوام و ثبوت است.

۵ خداوند از نهاد موجودات جاندار، موجوداتی بی جان و فاقد حیات پدید می آورد.

إن الله . .. و مخرج المیت من الحی

جانداران دو پا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۵ - ۶

۶ - بعضی از جانداران ، بر روی دو پا راه می روند .

و منهم من یمشی علی رجلین

زوجیت جانداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۶ - ۴،۷

۴ - حاکمیت قانونِ زوجیت (نر و ماده بودن) بر تمامی موجوداتِ دارای حیات (گیاهان ، حیوانات و . . .)

سبحن الذی خلق الأزوج کلّها . .. و ممّا لایعلمون

۷ - جهان ، دارای پدیده های جان داری است که چگونگی حاکمیت قانون زوجیت بر آنها ، برای بشر ناشناخته است .

سبحن الذی خلق الأزوج کلّها . .. و ممّا لایعلمون

متعلق علم در <لایعلمون> ذکر نشـده است; ولی به تناسب این که آیه شـریفه درصدد بیان حاکمیتِ قانونِ زوجیت بر پدیده های جان دار جهان است، می تواند حاکمیت همین قانون باشد.

عبرت از خلقت جانداران

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۵ - ۸

۸ - طبیعت (پیدایش انواع گوناگون جانداران از جسمی مایع و . . .) ، بستر مناسب برای عبرت آموزی و پندگیری

إنّ فی ذلک لعبره لأُوْلی الأبصر . و اللّه خلق کلّ دابّه من ماء

جمله <و اللّه خلق. ..> عطف بر جمله <یقلّب اللّه اللیل...> است. این عطف می توانـد به این مناسـبت باشـد که همان گونه که گردش و جابه جایی شب و روز مایه عبرت صاحبان بصـیرت است آفرینش انواع جانداران نیز می تواند چنین تأثیری داشته باشد.

عنصر خلقت جانداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۵ - ۱،۲،۳،۱۳

۱ - خداوند ، [در آغاز] هر جانداری را از آب آفرید .

و اللّه خلق کلّ دابّه من ماء

به حیوانـات و جانـداران روی زمین چه بزرگ و قابـل رؤیت باشـند و چه کوچـک و غیر قابـل دیـدن <دابّه> گوینـد (لسـان العرب).

۲ - آب ، از عناصر نخستین پیدایش حیات حیوانی است .

و اللّه خلق کلّ دابّه من ماء

۳ - خداوند ، موجودات جاندار را از انواع مایع های متناسب خود آفرید .

و اللّه خلق کلّ دابّه من ماء

برداشت یـاد شـده، مبتنی بر این نکته است که تنکیر <مـاء> برای تنویع باشـد. بر این اسـاس معنـای <مـاء> انواع جسم مایع است و مقصود این است که عنصـر اولی و منشأ پیـدایش حیـات جانـداران، از جسم مایع است و حیات هر جانـداری از مایعی متناسب خود می باشد.

۱۳ - آفرینش انواع جانداران از جسمی مایع ، جلوه ای از

قدرت مطلق خداوند است .

و اللّه خلق كلّ دابّه من ماء . .. يخلق اللّه ما يشاء إنّ اللّه على كلّ شىء قدير

عوامل نابودى جانداران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۵ - ۱

۱ - در صورت مؤاخذه شدن مردم در دنيا از سوى خداوند ، هيچ جنبنده اى در سطح زمين باقى نخواهد ماند .

و لو يؤاخذ اللّه الناس بما كسبوا ما ترک على ظهرها من دابّه

كيفيت حركت جانداران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۵ - ۵،۶،۷

۵ - بعضى از جانداران ، بر شكم خود راه مى روند .

فمنهم من يمشى على بطنه

۶ - بعضى از جانداران ، بر روى دو پا راه مى روند .

و منهم من يمشى على رجلين

۷ - بعضى از جانداران ، بر روى چهار پا راه مى روند .

و منهم من يمشى على أربع

منشأ زوجيت جانداران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - يس - ۳۶ - ۳۶ - ۲

۲ - خداوند تمامى روييدنى هاى زمين ، انسان و پديده هاى ناشـناخته در نزد بشر را به صورت زوج (نر و ماده) آفريده است

.

سبحن الذی خلق الأزوج کلّها ممّا تنبت الأرض و من أنفسهم و ممّا لایعلمون

<زوج> (مفرد <أزواج>) برای دو معنا به کار می رود: ۱ مقابل طاق و مرادف جفت; ۲ به معنای نوع و صنف گفتنی است برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

جاودانگی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جاودانگی

آثار جاودانگی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه

- ۲۰ - ۱۱۱ - ۶

۶ - ظهور حیات حقیقی و فنا ناپذیر خداوند و قیومیت او بر هستی در قیامت ، مایه خضوع و ذلت عمیق آدمیان در برابر او خواهد شد .

و عنت الوجوه للحیّ القیّوم

آثار جاودانگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۹ - ۲

۲ - سرور و شادمانی بهشتیان ، از نمردن و جاودانه زیستنن و نیز رهایی از عذاب الهی در آخرت

إلّا موتتنا الأُولی و ما نحن بمعذّبین

آثار جاودانگی نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۴ - ۷

۷ - آسایش خاطر بهشتیان ، در پرتو اطمینان از زوال ناپذیری نعمت ها

ادخلوها بسلم ذلک یوم الخلود

برداشت بالاـ بنابراین نکته است که <ذلک یوم. ..> در مقام تعلیل برای <ادخلوها بسلام> باشد; یعنی، چون در بهشت جاودانه اید، دیگر مجال هیچ اندوه ندارید و خاطرتان آسوده باد.

آثار ذکر جاودانگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۴ - ۷

۷- توجه یکتاپرستان استوار بر ایمان به جاودانگی در بهشت ، زداینده هر گونه بیم و اندوه از ایشان

فلاخوف علیهم و لا هم یحزنون . أُولئک أصحب الجنّه خلدین فیها

با توجه به ارتباط این آیه با <فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون> در آیه قبل، توجه به وعـده خداوند به بهشتی بودن موحدان نیک کردار، می تواند زداینده ترس و اندوه آنان باشد.

آرزوی جاودانگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۹ -

۳ - حیات جاودانه از خواسته ها و آرزو های انسان ها و دستیابی به آن ، مایه سرور و شادمانی آنان

أفما نحن بميّتين . إلاّ موتتنا الأُولی و ما نحن بمعذّبين

شگفتی از نمردن و جاودانه زیستن و اظهار سرور و خوشحالی کردن از دستیازی به حیات جاودانه، می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد. گفتنی است آیه بعد که در آن بهشتیان دستیابی به حیات ابدی را فوز بزرگ می شمرند (إنّ هذا لهو الفوز العظيم); مؤيد همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۹ - ۱۰

۱۰ - حیات جاویدان و سرای پایدار ، خواسته طبیعی انسان ها است .

و إنّ الأخره هی دار القرار

تذکر به ناپایداری زندگی دنیوی و جاودانگی حیات اخروی، خود گویای مطلب یاد شده است.

ارزش جاودانگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۵ - ۱۷

۱۷ الوهیت و خدایی ، تنها از آن کسی است که ازلی ، ابدی و منزه از هر گونه نیازمندی باشد .

ما المسیح ابن مریم الا رسول قد خلت من قبله الرسل . .. کانا یأکلان الطعام

اهمیت جاودانگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۱ - ۱،۲

۱ - نجات از عذاب الهی و دستیابی به زندگی جاودانه بهشتی و رستگاری بزرگ ، سزاوار هرگونه عمل و تلاش است .

و ما نحن بمعذّبين . إنّ هذا لهو الفوز العظيم . لمثل هذا فليعمل العملون

<لام> در <لمثل> برای تعلیل و <هذا> اشاره به مضامین آیات گذشته

است که درباره رهایی از عذاب الهی و نیل به بهشت جاودان بود.

۲ - رهایی از عذاب الهی و دستیابی به حیات جاودانه بهشتی (رستگاری بزرگ) ، تنها هدف شایسته برای هرگونه سعی و تلاش در زندگی آدمی

لمثل هذا فلیعمل العملون

از تقدم جار و مجرور (لمثل) بر عامل خود (فلیعمل) که مفید حصر است برداشت یاد شده به دست می آید.

ایصال به درخت جاودانگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۰ - ۶

۶ - راهنمایی آدم به درخت جاودانگی و ملك و سلطنت همیشگی ، پوشش شیطان برای فریب آدم و حوا و وادار ساختن آنان به خوردن از میوه درخت ممنوع

هل أدّلک علی شجره الخلد و ملك لایبلی

مقصود از <شجره الخلد> درختی است که خوردن میوه آن موجب جاودانگی گردد. <ملك> به معنای مال و نیز سلطنت آمده است (قاموس). مراد از <ملك لایبلی> مالکیت و حاکمیتی است که زوال نپذیرد و فرسوده نگردد.

پندار جاودانگی دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۴ - ۳،۴

۳ - جاودانه پنداشتن دنیا و استبعاد معاد از سوی ناباوران ، بر پایه گمان است ; نه برهان و یقین .

إنّه ظنّ

۴ - جاودانه پنداشتن دنیا و بعید شمردن معاد ، ریشه دل خوشی های نابجا و دلبستگی به خانواده و خاندان است .

إنّه کان فی أهله مسرورًا . إنّه ظنّ أن لن یحور

حرف <إنّ> در <إنّه ظنّ>، برای بیان علت سُروری است که در <کان فی أهله مسروراً> بیان شده است.

پندار جاودانگی نعمت

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۵ - ۷،۹

۷- ثروت مند مغرور ، باغ و بوستان و نعمت های خود را جاودانه و فناناپذیر می پنداشت .

قال ما أظنّ أن تبید هذه أبدًا

<تبید> از <بید> به معنای هلاک و نابود شدن است.

۹- ثروت مندان و قدرت مندان ، در خطر پندار جاودانگی نعمت ها در دنیایند .

أنا أکثر منک مالاً . .. قال ما أظنّ أن تبید هذه أبدًا

داستان مذکور در آیه، چه واقعی باشد و چه سمبلیک، بیان خصلت های آدمی و واکنش های او در شرایط مختلف است. از جمله این خصلت ها آن است که وقتی در اوج رفاه قرار گیرد و اموال خود را در اطراف خود مشاهده کند، چنین می پندارد که نعمت های اطراف او جاودانه هستند.

تلاش برای جاودانگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۱ - ۱

۱ - نجات از عذاب الهی و دستیابی به زندگی جاودانه بهشتی و رستگاری بزرگ ، سزاوار هرگونه عمل و تلاش است .

و ما نحن بمعذّبین . إنّ هذا لهو الفوز العظیم . لمثل هذا فلیعمل العملون

<لام> در <لمثل> برای تعلیل و <هذا> اشاره به مضامین آیات گذشته است که درباره رهایی از عذاب الهی و نیل به بهشت جاودان بود.

جاودانگی آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۹ - ۳

۳ - دوزخ و آتش آن دائمی و همیشگی است .

هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود -

۱۱ - ۱۰۷ - ۲

۲ جهنم و آتش آن ، همیشگی و پایدار است .

خلدین فیها مادامت السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۵ - ۱۳

۱۳ سرای آخرت ، پایان ناپذیر است و دوزخ و آتش آن جاویدان است .

هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۷ - ۱۱

۱۱- آتش دوزخ ، آتشی خاموش نشدنی و دارای نوسان و همواره فروزان است .

کلّما خبت زدنهم سعیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۳

۳ - آتش دوزخ همیشگی است و دشمنان خدا در آن جاودانه اند .

ذلک جزاء أعداء اللّه النار لهم فیها دار الخلد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۶ - ۳

۳ - عذاب و آتش دوزخ ، جاودانه است .

و ما هم عنها بغائبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۳ - ۵

۵ - آتش دوزخ ، عذابی جاودانه است و اهل شقاوت در آن مخلّداند .

ثمّ لایموت فیها و لایحیی

مراد از <لایحیی>، نفی حیات مطلوب است که نجات از آتش، مصداق بارز آن می باشد. در این صورت قید <فیها>، اختصاص به <لایموت> خواهد داشت. بنابراین دوزخیان، نه در آتش می میرند و نه از آن بیرون می آیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۴ - ۱

۱ - آتش جهنم ، همواره شعلهور است و زبانه

می کشد .

نارًا تلظّی

<تلظّی> (که در اصل <تتلظّی> بوده است)؛ یعنی، زبانه کشیده و برافروخته می شود. مضارع در صورتی که حال قرار گیرد، بر تکرار دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۶ - ۵

۵ - آتش جهنم ، همواره برافروخته شده و شعله های تازه پیدا می کند .

الموقده

<ایقاد> (مصدر <موقده>) یا از <وَقَدْ> (آتش و بر افروخته شدن آن) و یا از <وَقود> (هیزم ویژه آتش)، گرفته شده است. توصیف آتش جهنم به <موقده> با آن که آتش از افروخته شدن و افروزنده انفکاک ندارد اشاره به حدوث پیاپی این وصف دارد؛ به گونه ای که نه تنها هرگز خاموش نمی شود؛ بلکه همواره شعله های جدید دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۸ - ۲

۲ - آتش جهنم ، جاودان و گرفتاری زراندوزان استهزاگر در آن ، همیشگی است .

إنّها علیهم مؤصده

جاودانگی آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۲۰

۲۰ جهان آخرت و نعمت های آن پایدار و زوال ناپذیر است .

عرض هذا الأدنی . .. و الدار الأخره خیر

بیان برتری آخرت در مقابل توصیف متاع دنیا به زوال پذیری، می رساند که از علل برتری آخرت بر دنیا همیشگی بودن

نعمتهای آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۲ – ۱

۱ جهان آخرت ، جهانی جاودان و فناناپذیر

و جنت لهم فیها نعیم مقیم. خلدین فیها أبداً

جلد –

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۶ - ۸

۸ جهان آخرت ، سرایی است جاودان .

أولئک أصحب الجنه هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۵ - ۱۳

۱۳ سرای آخرت ، پایان ناپذیر است و دوزخ و آتش آن جاویدان است .

هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱ - ۴

۴ - جهان آخرت ، جهانی ابدی و زوال ناپذیر

هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۹ - ۲

۲ - آخرت ، سرای پایدار و پاینده

و إنّ الأخره هی دار القرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۷ - ۲

۲ - جهان آخرت طولانی تر و پاینده تر از دنیا است .

و الأخره . .. أبقی

جاودانگی ابرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۳ - ۴

۴ - بهره مندی ابرار از نعمت های آخرت ، همیشگی است .

إنّ الأبرار لفی نعیم

حرف <فی> در آیه شریفه، برای ظرفیت مجازی است و بر استقرار ابرار در نعمت دلالـت دارد. اسمیه بودن جمله <إنّ الأبرار...>، تأکیدی بر مداومت و ثبوت و حرف <لام> در <لفی نعیم>، تأکید بر تمام محتوا است.

جاودانگی ابو لهب در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۳ - ۱

۱ - ابولهب در آخرت ، به آتش گرفتار شده و

در آن باقی خواهد ماند .

سیصلی نارًا

<صلی النار>; یعنی، به سختی گرفتار حرارت آتش شد (قاموس). <صلاه> (ریشه <یصلی> در نظر زجّاج) در اصل بر ملازمت دلالت دارد (لسان العرب). بنابراین <یصلی النار>، بیانگر خلود است.

جاودانگی ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۶ - ۷

۷- شریعت ها و ادیان توحیدی ، در برابر دین ستیزان ، استوارتر از کوه ، پایدار و جاودانه خواهند ماند .

فیقول الذین ظلموا ربّنا أخّرنا . .. نجب دعوتک و نتّبع الرسل ... و قد مکروا ... و

از اینکه خداوند فرمود: مکر و نقشه های ستمگران در برابر نیروی حق و رسولان الهی، هر چند در قدرت و توانمندی کوه شکن باشد، مؤثر نخواهد بود، به دست می آید که ادیان توحیدی و شرایع رسولان الهی استوارتر از کوه بوده و پایدار و ضربه ناپذیرند.

جاودانگی ارزش های معنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۶ - ۱،۲

۱- دستاورد های مادی انسان ، فناپذیر و ارزش های معنوی و پاداش های الهی ، باقی و جاودانه است .

ما عندکم ینفد و ما عند الله باق

۲- جاودانگی ارزش های معنوی و پاداش های الهی ، راز برتری مطلق آنها بر دستاورد های مادی انسان

إنما عند الله هو خیر لکم . .. ما عندکم ینفد و ما عند الله باق

جاودانگی اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۴ – ۱۸

۱۸ اراده خداوند بر حیات جاودانه و فروغ پیوسته اسلام ، در پرتو حضور مؤمنان

با صلابت و سرافراز

فسوف یأتی اللّه یقوم. .. اعزه علی الکفرین یجهدون فی سبیل اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۳۲ – ۹

۹ قرآن و اسلام ، کتاب و آیینی جاودان و ماندگار

و یأبی اللّه إلا أن یتم نوره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۵۱ – ۴

۴ رسالت پیامبراسلام (ص) ، رسالتی جهانی و مکتب اسلام ، مکتبی جاودانه

و لو شئنا لبعثنا فی کلّ قریه نذیرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۳۰ – ۱۵

۱۵ – اسلام ، دین پاینده و جاودان ، برای همیشه تاریخ است .

ذلک الدین القیّم

<قیّم> صیغه مبالغه، به معنای <ثابت و استوار> است. (مفردات راغب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۸ – ۴۸

۴ – تلاش برای خاموش کردن نور اسلام ، تلاشی مذبوحانه و بی فرجام است .

یریدون لیطفؤا نور اللّه . .. و اللّه متمّ نوره

۸ – قرآن و اسلام ، کتاب و آیینی جاودان

و اللّه متمّ نوره

جاودانگی الگو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۴ - ۴

۴ - الگو ها و چهره های ارزشی و الهی ، همواره زنده و آسیب ناپذیر با گذشت زمان

قد کانت لکم أسوه حسنه

فعل <کانت> به صورت ماضی، چهره ای را به عنوان الگوی شایسته به مسلمانان می نمایاند که ابعاد ارزشی آن، در گذشته تاریخ تحقق یافته است.

جاودانگی امکانات مادی

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۹ - ۹

۹- توجه به مشیّت نافذ و نیروی قاهرِ خداوند ، بازدارنده آدمی از مغرور شدن به اموال دنیا و ابدی پنداشتن آن است .

و لولا إذ دخلت جنّتک قلت ما شاء اللّه لاقوّه إلاّ باللّه

جاودانگی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸ - ۴

۴- بی نیازی پیامبران از تغذیه و جاودانگی آنان در دنیا ، پندار باطل مشرکان

و ما جعلنهم جسدًا لایأکلون الطعام و ما کانوا خلدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۴ - ۲

۲- مشرکان ، می پنداشتند پیامبران باید در دنیا عمر جاوید داشته باشند .

و ما جعلنا لبشر من قبلک الخلد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۸ - ۱۵

۱۵ - < عن الرضا (ع) . . . وجه اللّه أنبیاؤه و رسله و حججه (صلوات اللّه علیهم) هم الذین یتوجّه بهم إلی اللّه و إلی دینه و معرفته . . . و قال عزّوجلّ < کلّ شیء هالک إلاّ وجهه > . . . ;

از امام رضا(ع) روایت شده که <وجه اللّه> پیامبران خدا و رسولان و حجت های او هستند که به وسیله آنان به خدا و دین و معرفت او توجه می شود. .. خداوند عزّوجلّ فرموده است: <کلّ شیء هالک إلاّ وجهه>...>.

جاودانگی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۵ – ۱۴

۱۴ انسان

در آخرت فنا شدنی نیست و برای همیشه باقی می ماند .

هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۲ - ۷

۷ - انسان ، موجودی جاودان در بینش ادیان الهی و پدیده ای فناپذیر در نگرش شرک پیشگان تاریخ

بل قالوا . .. قالوا أءذا متنا ... أءنّا لمبعوثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۴ - ۴

۴ - انسان ، موجودی جاودانه است .

إن كلّ نفس لمّا عليها حافظ

<نفس> یا به معنای روح است و یا شخص (مصباح). حفاظت از روح انسان، بلکه حتی شخص او، بر پیشگیری از نابودی او توقف دارد که مستلزم جاودانگی انسان است، گرچه در قالبی غیر از این جسم به حیات خود ادامه دهد.

جاودانگی باغهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۰ - ۱

۱ - باغ های جاویدان بهشت ، فرجام تقواپیشگان

و إنّ للمتّقین لحسن مئاب . جنّت عدن

<جنّات> (جمع <جنّه>) به معنای باغ ها و <عدن> به معنای خلود و استقرار است و جمله <جنّات عدن> عطف بیان برای <لحسن مئاب> می باشد.

جاودانگی بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ - بهشت جایگاهی است زوال ناپذیر و بهشتیان در آن جاودان خواهند بود .

و هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۲ - ۳

۳ - بهشت جایگاهی است ابدی و همیشگی .

هم فیها خلدون

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۵ – ۴،۸

۴ بهشت جاودان و همسران پاکیزه و رضایت الهی ، پاداش تضمین شده از جانب خداوند ، برای تقواپیشگان

للّذین اتقوا . .. جنات ... خالدین فیها و ازواج مطهره و رضوان من اللّه

۸ پرهیز از شیفتگی به تمایلات نفسانی ، عامل دستیابی به بهشت جاودان و رضوان الهی

للّذین اتقوا عند ربّهم

به قرینه آیه قبل می توان مفعول <اتّقوا> را موارد ذکر شده در آن آیه دانست. موارد یاد شده عبارت است از حب و شیفتگی به شهوات و ... . گفتنی است معنای لغوی <اتقوا>، پرهیز و دوری است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۳۶ – ۱،۲،۷،۸،۹،۱۰

۱ آمرزش الهی و جاودانگی در بهشت ، پاداش تقواپیشگان

اعدّت للمتّقین . .. اولئک جزآؤهم مغفره من ربّهم و جنّات ... خالدین فیها

<اولئك>، اشاره به تقواپیشگان است; یعنی آنان که به ویژگیهای یاد شده، ستوده شدند.

۲ آنان که پشیمان از کرده های ناشایست و ستم بر خویش هستند و اصراری بر گناهان ندارند ، بهره مند از آمرزش الهی و بهشت جاودانه خواهند بود .

و الّذین اذا فعلوا . .. اولئک جزآؤهم مغفره من ربّهم و جنّات ... خالدین فیها

۷ ورود بندگان به بهشتی جاودانه ، در گرو آمرزش گناه آنان

اولئک جزآؤهم مغفره من ربّهم و جنّات تجری . .. خالدین فیها

تقدّم ذکری مغفرت و آمرزش بر بهشت (جزآؤهم مغفره من ربّهم و جنّات)، حکایت از تقدّم واقعی و خارجی آن بر بهشت دارد; یعنی نخست باید آمرزش صورت گیرد، آنگاه

اجازه ورود به بهشت داده شود.

۸ آمرزش الهی و بهشت جاودان ، پاداش انفاق در توانگری و تنگدستی و فرو خوردن خشم و گذشت از خطای دیگران

الّذین ینفقون فی السّرّاء و الضّرّاء . .. اولئک جزآؤهم مغفره من ربّهم و جنّات

۹ آمرزش الهی و بهشت جاودان ، پاداش احسان و نیکوکاری

و اللّه یحب المحسنین . .. اولئک جزآؤهم مغفره من ربّهم

۱۰ بهشت ها ، جایگاهی جاودانه و دارای نهرهایی جاری

و جنّات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۸ - ۱،۷،۱۱

۱ بی ارزشی بهره ها و قدرت محدود کافران در دنیا ، نسبت به نعمت جاودانه بهشت

متاع قلیل ثمّ ماویهم جهنّم . .. لکن الّذین اتّقوا ربّهم لهم جنّات ... خالدین فیه

۷ توجّه به بهشت جاودانه ، موجب گرایش به تقوا و فریفته نشدن در برابر بهره های اندک دنیا

متاع قلیل . .. لکن الّذین اتّقوا ربّهم لهم جنّات ... خالدین فیها

۱۱ بهشت جاودان با نهر های روان ، مهیّا برای پذیرایی از پرهیزکاران

لهم جنّات تجری من تحتها الانهار . .. نزلا من عند اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۳ - ۶،۸

۶ تعدّد و جاودانگی بهشت

یدخله جنّات . .. خالدین فیها

لازمه خلود بهشتیان در بهشت، جاودانگی خود بهشت است.

۸ دخول در بهشت جاودان ، رستگاری بزرگ است .

یدخله جنّات . .. و ذلک الفوز العظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۷ – ۱۵

جلد –

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۸۵ – ۱،۲،۵،۸،۹

۱ ایمان مسیحیان به خدا و اعترافشان به حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) موجب برخورداری آنان از بهشت جاودان

فاثبهم اللّه بما قالوا جنت

۲ ایمان به خدا ، پیامبر (ص) و قرآن عامل ورود به بهشت جاویدان

فاثبهم اللّه بما قالوا جنت

۵ بهشت ، جاودانه و دارای درختانی انبوه و نهرهایی روان

جنت تجری من تحتها الانهر خلدین فیها

۸ صالحان بهره مند از بهشت جاویدان

و نطمع ان یدخلنا ربنا مع القوم الصلحین. فاثبهم اللّه بما قالوا جنت

۹ بهشت جاودانه ، پاداش محسنان

جنت تجری من تحتها الانهر خلدین فیها و ذلک جزاء المحسنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۲۰ – ۷

۷ مالکیت خداوند بر آسمان ها و زمین و توانایی مطلق وی ، ضامن اعطای بهشت جاودانه به صادقان

ینفع الصدقین صدقهم لهم جنت . .. و ما فیهن و هو علی کل شیء قدیر

بیان مالکیت خداوند بر هستی و توانایی مطلق او پس از وعده بهشتی جاویدان به صدق پیشگان، می تواند اشاره به این باشد که تحقق بخشیدن به این وعده هرگز از توان خداوند خارج نیست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۲ – ۱،۶

۱ بهشت جاودان ، جایگاه کسانی که به آیات الهی ایمان آورند و اعمال نیک انجام دهند .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. اولئک اصحب الجنه هم فیها خلدون

متعلق <ءامنوا> به دلیل آیه ۴۰، آیات الهی است.

۶

بهشت جایگاه ابدی و بهشتیان در آن جاویدان هستند .

هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۱۰

۱۰ رهیابی به بهشت جاودان ، جز در پرتو هدایت الهی میسر نیست .

و ما کنا لنهتدی لو لا أن هدینا اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱۵

۱۵ بهشت جاودان ، بوستان های پوشیده از درخت ، خانه های دلپذیر و خشنودی خدا ، پاداش الهی به مؤمنان در برابر امر به معروف و نهی از منکر ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول (ص)

و المؤمنون و المؤمنت . .. یأمرون بالمعروف ... و یطیعون اللّه و رسوله ... وعد الل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۳ - ۷

۷ بهشت ، جایگاهی همیشگی و زوال ناپذیر

هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۸ - ۱۰

۱۰ بهشت و موهبت های آن ، از میان نخواهد رفت و از بهشتیان باز پس گرفته نخواهد شد .

عطاءً غیر مجذوذ

<عطاء> حال برای <الجنه> است و <مجذوذ> به معنای مقطوع می باشد. بنابراین <عطاءً غیر مجذوذ>; یعنی ، [وارد بهشت می شوند]در حالی که آن بهشت ، عطایی تمام نشدنی و مداوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۲ - ۴

۴- بهشت ، سرایی جاوادان و دل خواه و نعمت های آن

ارضا کننده تمامی امیال و خواسته های آدمی است .

و هم فی مااشتهت أنفسهم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۵ - ۳،۴،۵

۳ بهشت ، جاودانه است و متقین در آن جاویدان اند .

أم جنّه الخلد التی وعد المتّقون

جاودانگی تقواپیشگان، از وعده ای که خداوند به آنان برای دخول در بهشت جاوید داده است، قابل استفاده می باشد و در واقع این سخن، کنایه از جاوید بودن خود متقین در بهشت است.

۴ زندگی در بهشت جاویدان ، وعده خداوند به تقواپیشگان

جنّه الخلد التی وعد المتّقون

۵ بهشت جاودان ، پاداش و سر انجام تقواپیشگان

جنّه الخلد التی وعد المتّقون کانت لهم جزاء و مصیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۳

۳ بهشت ، سرایی جاودانه است و بهشتیان در آن جاویدان اند .

خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۸ - ۷،۱۰

۷ - بهشت ، جاودانه و ابدی است .

من الجنّه . .. خلدین فیها

۱۰ – بهشت جاودان ، برای مؤمنان دارای عمل صالح ، پاداشی نیکو است .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لنبوّئنّهم من الجنّه . .. خلدین فیها نعم أجر ال

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۹ – ۲

۲ – بهشت ، مکانی جاودان است .

جنّت النعیم خلدین فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۵ – ۲

۲ – بهشت ، سرای همیشگی

دارالمقامه

جلد – نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بینه – ۹۸ – ۸ – ۵

۵ – بهشت و جریان نهر های آن ، جاودانه است .

جنّت عدن تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها أبدًا

جاودانگی بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۲۵ – ۱۴

۱۴ – بهشت جایگاهی است زوال ناپذیر و بهشتیان در آن جاودان خواهند بود .

و هم فیها خلدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۸ – ۲

۲ پرهیزکاران ، جاودان در بهشت و برخوردار از نعمت های آن

لکن الّذین اتّقوا ربّهم لهم جنّات . .. خالدین فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۸۵ – ۷

۷ سکونت مؤمنان در بهشت همیشگی و دایمی است .

خلدین فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۱۹ – ۷

۷ بهشتیان برای همیشه بهره مند از بهشت جاویدان و نعمت های آن

خلدین فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۲ – ۴

۴ انسان ها در باورشان به معارف دین و انجام تکالیف الهی ، برخوردار از توانایی های متفاوت هستند .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لانکلف نفساً إلا وسعها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۲۳ – ۸

۸ بهشتیان ، برای همیشه در بهشت ماندگار خواهند بود .

أُولئک أصحب الجنه هم فیها خلدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸

- هود - ۱۱ - ۱۰۸ - ۲،۶

۲ بهشتیان ، برای همیشه در بهشت ماندگار خواهند بود .

و أما الذین سعدوا ففی الجنه خلدین فیها مادامت السموت و الأرض

۶ خلود بهشتیان در بهشت ، بسته به مشیّت خداوند است .

و أما الذین سعدوا ففی الجنه خلدین . .. إلاّ ما شاء ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۶ - ۴

۴ - بهشتیان در بهشت های عدن ، جاودانه و مخلداند .

جنّت عدن . .. خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۲ - ۳

۳- بهشتیان ، غرق و جاودان در نعمت های دل خواه خویش خواهند بود .

و هم فی مااشتهت أنفسهم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱ - ۵

۵ - اهل بهشت در آن ، جاودان می مانند .

هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۳

۳ بهشت ، سرایی جاودانه است و بهشتیان در آن جاویدان اند .

خلدين فيها

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۵۸ – ۱،۲

۱ – شگفتی بهشتيان ، از جاودانه زيستن و نمردن خود در حيات اخروی

أفما نحن بميّتين

استفهام در <أفما. ..> از نوع استفهام تقريری و متضمن معنای تعجب است. گفتنی است كه اين تعجب از فرط سرور و خوشحالی می باشد.

۲ – بهشتيان ، در اوج سرور و شادمانی از نمردن و جاودانه بودن شان در حيات اخروی

أفما نحن

بميّتين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۵۰ – ۴

۴ – جاودانگى بهشتيان ، در ناز و نعمت بهشتى

جنّت عدن

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۵۶ – ۲

۲– بهشتيان ، فارغ از دغدغه مرگ و از دست دادن نعمت ها

لايذوقون فيها الموت

جاودانگى پاداش مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – تين – ۹۵ – ۶ – ۷

۷ – پاداش مؤمنان نيک كردار ، هرگز كاهش نيافته و پايان نمى پزيرد .

فلهم أجر غير ممنون

<مَنّ> (مصدر <ممنون>)، به معناى <قطع كردن> است و معناى <كاهش دادن> نيز براى آن گفته شده است. (صحاح اللغه)

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – تين – ۹۵ – ۷ – ۵

۵ – دستيابى مؤمنان داراى عمل صالح به پاداش بى منّت و پايان ناپذير ، حقيقتى انكارناپذير و غير قابل تكذيب است .

فما يكذّبک بعد بالدين

چنانچه <دین> به معنای جزا باشد (مفردات)، از مصادیق بارز آن اجری خواهد بود که در آیه قبل، به مؤمنان بشارت داده شد.

جاودانگی پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۶ - ۱،۲

۱- دستاورد های مادی انسان ، فناپذیر و ارزش های معنوی و پاداش های الهی ، باقی و جاودانه است .

ما عندکم ینفد و ما عند الله باق

۲- جاودانگی ارزش های معنوی و پاداش های الهی ، راز برتری مطلق آنها بر دستاورد های مادی انسان

إنما عند الله هو خیر لکم . .. ما عندکم ینفد و

ما عند الله باق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۳ – ۲

۲– نعمت ها و پاداش های الهی ، در آخرت زوال ناپذیر است .

أنّ لهم أجرًا حسنًا . مکثین فیه أبدًا

جاودانگی پاکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – اعلی – ۸۷ – ۱۴ – ۱

۱ – انسان های پاک ، درست کار و تلاش کننده در مسیر رشد و کمال ، اهل نجات اند و به هدف اصلی دست یافته ، همواره در خوبی خواهند ماند .

قد أفلح من تزکّی

<فلاح>; یعنی، ظفر یافتن و دستیابی به مقصود (مفردات راغب) و نیز به معنای <فوز>، <نجات> و <باقی ماندن در خیرات> است (قاموس). فعل <تزکّی> از باب تفعل است و بر تکلّف (تلاش برای تزکیه) دلالت دارد. این فعل از مشتقات <زکاء> یا <زکاه> است. <زکاه>; یعنی، درستی و درستکاری (مصباح) و به دست آوردن چیزی که مایه پاکی شود (مفردات) و <زکاه>; یعنی، پاکی، رشد و نموّ، برکت و ممدوح بودن. (نهایه ابن اثیر)

جاودانگی تمایلات انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۷۱ – ۱۰

۱۰ – خواهش ها و کشش های درونی انسان ، همراه با او حتی در بهشت و جهان آخرت

و فیها ما تشتهیه الأنفس

از این که انسان حتی در بهشت دارای شهوات و خواهش ها است، مطلب بالا استفاده می شود.

جاودانگی توحید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۷ – ۱۶

۱۶ توحید ، ولایت خدا و ربوبیت او ،

حقایقی است ماندگار و شرک و پرستش غیر خدا باطلهایی است رفتنی و ناپایدار

فأما الزبد فیذهب جفاءً و أما ما ینفع الناس

به قرینه آیات گذشته از مصادیق مورد نظر برای باطل که به کفها تشبیه شد شرک و پرستش غیر خداست و از مصادیق حق که نافع و ماندگار است توحید و اعتقاد به ربوبیت و ولایت خداوند است.

جاودانگی توحید در نسل ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۸ - ۱،۴،۵،۷

۱ - بقای آیین توحید در نسل ابراهیم (ع) ، ره آورد تلاش آن حضرت برای استمرار بخشیدن به آن

و جعلها کلمه باقیه فی عقبه

آیات قبل، می تواند قرینه باشد که فاعل <جعل> ابراهیم(ع) است.

۴ - کلمه توحید ، کلمه ای ماندگار در نسل ابراهیم (ع) ، به اراده و لطف الهی

إنّنی براء ممّا تعبدون . إلاّ الذی فطرنی ... و جعلها کلمه باقیه فی عقبه

فاعل <جعل> به قرینه آیه بعد می تواند خداوند باشد.

۵ - استمرار دین توحیدی در نسل ابراهیم (ع) ، پاداش الهی به آن حضرت در قبال تلاش های او در مسیر اعتلای کلمه توحید

و إذ قال إبرهیم . .. و جعلها کلمه باقیه فی عقبه

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که <جعلها> در مقام بیان لطف خداوند در برابر مجاهدت ها و تلاش های حضرت ابراهیم(ع) باشد.

۷ - استمرار کلمه < توحید > در نسل ابراهیم (ع) و در پهنه قرن ها ، تدبیری خداوندی و به منظور بازگشت مشرکان هر نسل به توحید

و جعلها کلمه

باقیه فی عقبه لعلّهم یرجعون

جاودانگی جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۳۹ – ۳

۳ – دوزخ و آتش آن دائمی و همیشگی است .

هم فیها خلدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۱ – ۹

۹ – دوزخ جایگاهی است ابدی و همیشگی .

هم فیها خلدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۶۹ – ۸،۹

۸ جهنم ، ابدی و همیشگی است .

الا طریق جهنم خلدین فیها ابداً

۹ جاودانه ساختن دوزخ و دوزخیان ، امری سهل و آسان برای خداوند

الا طریق جهنم خلدین فیها ابداً و کان ذلک علی اللّه یسیراً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳۶ – ۳

۳ آتش دوزخ ابدی است و تکذیب کنندگان آیات الهی در آن جاودان هستند.

أولئک أصحب النار هم فیها خلدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۸ – ۷۸

۷ عذاب جاودان جهنم ، مجازاتی بس سنگین و کافی برای منافقان و کافران

نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

۸ عذاب جاودان جهنم تنها مجازات کافی برای منافقان و کافران و برابر با گناه کفر و نفاق آنان

وعد اللّه المنفقین . .. و الکفار نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۰۷ – ۲

۲ جهنم و آتش آن ، همیشگی و پایدار است .

خلدین فیها مادامت السموت و الأرض

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۵ - ۱۳

۱۳ سرای آخرت ، پایان ناپذیر است و دوزخ و آتش آن جاویدان است .

هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۹ - ۷

۷- جهنّم ، جایگاهی ابدی و جاودانه

جهنّم خلدین فیها

وقتی که جهنّمیان به عنوان مظروف همواره در جهنّم می مانند، مستلزم آن است که خود جهنّم به عنوان ظرف ابدی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۵ - ۳

۳ - جهنم ، جاودانه است .

سعیرًا . خلدین فیها

چون <سعیراً> ظرف برای <الکافرین> خواهد بود و کافران، در آن مخلّد خواهند بود، به دست می آید که خود <سعیر> هم جاودانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۲۳

۲۳ - بهره های دنیایی تحت لوای کفر و ناسپاسی خدا ، در مقایسه با عذاب دایمی دوزخ بسی اندک و ناپایدار است .

قل تمتّع بکفرک قلیلًا إنّک من أصحب النار

جمله <إنّک من أصحاب النار> برای تعلیل و بیان چرایی ناچیز بودن و ناپایداری بهره دنیایی شرک و ناسپاسی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۷۷ – ۱۰

۱۰ – مرگ و فنا ، در دوزخ راه ندارد .

لیقض علینا ربّک . .. إنّکم مکثون

جاودانگی جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۵۷ – ۱۵

۱۵ کافران ، اهل آتش و ماندگار در آن برای همیشه

اولئک اصحاب

النّار هم فیها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۲ - ۹

۹ هیچکس دوزخیان را از عذاب الهی نجات نخواهد داد .

ربّنا انّک من تدخل النّار فقد اخزیته و ما للظّالمین من انصار

مراد از <انصار> به قرینه <من تدخل النّار>، یاری در جهت رهاسازی از عذاب دوزخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۹ - ۹

۹ جاودانه ساختن دوزخ و دوزخیان ، امری سهل و آسان برای خداوند

الا طریق جهنم خلدین فیها ابداً و کان ذلک علی اللّه یسیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۱۱

۱۱ آتش همواره دوزخ ، جزای ستمگران و کیفری مناسب برای آنان

فتکون من اصحب النار و ذلک جزؤا الظلمین

<جزاء> در لغت به معنی کیفر و پاداشی است که کافی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۲۱،۲۲

۲۱ خلود و عدم خلود دوزخیان وابسته به مشیت خداوند است.

خلدین فیها إلا ما شاء الله

۲۲ سزاواران خلود در جهنم ممکن است با مشیت خداوند از آن رهایی یابند.

خلدين فيها إلا ما شاء الله

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – توبه – ۹ – ۶۳ – ۸

۸ جاودانگی حيات انسان حتی دوزخيان ، در جهان آخرت

نار جهنم خلداً فيها

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – توبه – ۹ – ۶۸ – ۶

۶ جاودانگی حيات انسان ، حتی دوزخيان در آخرت

نار

جهنم خلدين فيها هى حسبهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۱۷ - ۶

۶- اهل جهنّم دچار مرگ و مير نمى شوند .

يأتيه الموت من كلّ مكان و ما هو بميت

اگرچه مورد آيه كافران جبّار است، اما با توجه به آيات ديگر، كه عذاب جهنّم و جهنّميان را جاودانى مى داند، مى توان حكم آيه را عام و شامل گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۵ - ۵

۵ - خلود دوزخيان در جهنم

يصلونها

فعل <يصلون> در نظر زجّاج از ريشه <صلاه> (ملازم شدن) است. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۲ - ۳

۳ - خلود دوزخيان در جهنم

و يصلى سعيرًا

<صلاه> (ريشه <يصلى> در نظر زجاج) در اصل بر ملازمت دلالت دارد (لسان العرب). بنابراين فعل <يصلى>، بر جاودانگى دلالت خواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - اعلى - ۸۷ - ۱۳ - ۱

۱ - گرفتاران آتش دوزخ ، هرگز نخواهند مرد .

ثمّ لایموت فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۲ – ۴

۴ – خلود دوزخیان در آتش جهنم

تصلی نارًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۴ – ۲

۲ – خلود دوزخیان در آتش جهنم

تصلی نارًا

فعل <تصلی> از ریشه <صَلاه> به معنای ملازم و همراه بودن است. (لسان العرب به نقل از زجاج)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – همزه – ۱۰۴ – ۸

١ - راه خروج از آتش جهنم ، بر دوزخیان بسته خواهد بود .

إنّها عليهم مؤصده

<وصيده> به اتاقى گفته مى شود كه براى نگه دارى اموال، در كوه ايجاد مى كنند. فعل <آصدته>; يعنى، درب آن را بستم و محكم ساختم (مفردات)؛ بنابراين <مؤصده>، به معناى مكان بسته و غير قابل خروج است.

جاودانگى چشمه هاى بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢٠ - غاشيه - ٨٨ - ١٢ - ١

١ - بهشت برين ، داراى چشمه اى با عظمت و هميشه جارى

فيها عين جاريه

<عين> نكره است و دلالت بر آن دارد كه عظمت چشمه بهشت، فراتر از آن است كه بتوان شناخت. توصيف آن با كلمه <جاريه> يا <تجرى>، دلالت دارد كه جريان آن، مداوم است.

جاودانگى حاكميت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٠ - كهف - ١٨ - ٤٥ - ١٣

١٣- خداوند ، داراى اقتدار و سلطه كامل و زوال ناپذير ، بر هر كار و هر چيز است .

و كان اللّه على كلّ شىء مقتدرًا

<مقتدر> و <قدير> در باره خداى تعالى به يك معنا است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١١ - طه - ٢٠ - ١١٤ - ٥

٥ - مالكيت و فرمان روايى خداوند بر هستى ، حقيقتى ثابت و فنا ناپذير است .

الملک الحقّ

<حقّ>; یعنی، واجب و ثابت (مصباح) و <الحقّ> در آیه می تواند صفت برای <الملک> باشد و نیز ممکن است صفتی دیگر برای <اللّه> گرفته شود که با توجه به ذکر آن بعد از وصف <الملک>، نکته یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۲ – ۶

۶ فرمان روایی و حاکمیت خداوند بر جهان آفرینش ، ابدی بوده و هیچ کس وارث آن نیست .

له ملک السموت و الأرض و لم یتّخذ ولدًا

جمله <لم یتّخذ ولداً> می تواند کنایه از این باشد که خداوند، حاکم آسمان ها و زمین، فرزندی انتخاب نکرده است تا حاکمیتش را به او منتقل کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۸۵ – ۲

۲ – حاکمیت خدای یگانه بر نظام هستی ، پاینده و زوال ناپذیر

و تبارک الذی له ملک السموت و الأرض و ما بینهما

<تبارک> می تواند اخبار از پایندگی و جاودانگی باشد.

جاودانگی حیات اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۲ – ۲

۲ مؤمنان هجرت کننده و مجاهد ، برخوردار از زندگی جاودان در باغ های سرشار از نعمت ، در سرای بهشت

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا . .. و جنت لهم فیها نعیم مقیم. خلدین فیها أبداً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۳ – ۸

۸ جاودانگی حیات انسان حتی دوزخیان ، در جهان آخرت

نار جهنم خلداً فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۶

۶ جاودانگی حیات انسان ، حتی دوزخیان در آخرت

نار جهنم خلدين فيها هی حسبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱

۱ حیات جاودان در

باغ های بهشت با نهر های روان ، وعده الهی به زنان و مردان مؤمن

وعد اللّه المؤمنين . .. تحتها الأنهر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۲۳ – ۱۰

۱۰ – حیات اخروی ، حیاتی است ابدی و جاودانه .

فإنّ له نار جهنّم خلدين فيها أبدًا

جاودانگی خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۵۵ – ۲

۲ خداوند ، تنها زنده جاوید و همواره پاینده ای است که قائم به ذات خویش و همه کائنات قائم به اوست .

اللّه لا اله الاّ هو الحيّ القيّوم

کلمه <قیّوم> به معنای پاینده ای است که حفظ و نگهداری همه چیز به اوست. (القائم الحافظ لكل شیء و المعطی له ما به قوامه.)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۵۴ – ۱۵

۱۵ خداوند ، ذاتی پاینده و همیشگی است .

تبارك اللّه رب العلمين

<تبارُك>، مصدر <تبارَك>، چنانچه از بَرَكَ (لزم و ثبت) گرفته شده باشد به معنای جاودانگی و همیشگی است و اگر از برکت گرفته شده باشد به معنای افاضه برکتها و خیرهاست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۳ – ۱۰

۱۰ – خداوند خیر محض و پاینده ترین موجود است .

واللّه خیر و أبقی

<خیر> در دو معنا به کار می رود: ۱ معنای وصفی (خیر مقابل شر) ۲ معنای تفضیلی در این آیه گر چه هر دو معنا قابل توجیه است، ولی در برداشت یاد شده معنای وصفی مورد نظر است.

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۹ - ۱۰

۱۰- همه موجودات زنده ، مردنی و فنا شدنی اند و تنها خداوند زنده و جاوید است .

أنت خیر الورثین

بهترین وارث بودن خداوند، ممکن است به این خاطر باشد که همه ارث برندگان، خود روزی خواهند مرد و آن چه را که به ارث برده اند به دیگران واگذر خواهند کرد; ولی خداوند وارثی است جاوید و فناناپذیر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۳،۱۱

۳ - کیفر های الهی در روز رستاخیز ، بر پایه حق و عدل و به دور از هر شایبه ظلم و بی دادگری

یومئذ یوفّیهم اللّه دینهم الحقّ

<الحقّ> در جمله <دینهم الحقّ> صفت برای <دین> است; یعنی، جزای عادلانه و به حق.

۱۱ - خدا ، حقیقتی ثابت و جاودان

أنّ اللّه هو الحقّ المبین

برداشت فوق براساس یکی از کاربردهای واژه <حقّ> است که به معنای <موجود ثابت> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۲

۲ خداوند ، ذاتی پاینده و حقیقتی جاودانه

تبارک الذی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۰ - ۲

۲ خداوند ، ذاتی پاینده و حقیقتی جاودانه

تبارك الذی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۵۸ – ۴

۴ خداوند ، زنده ای است جاویدان که هرگز او را مرگ درنمی یابد .

الحیّ الذی لایموت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۱

۲ خداوند ، ذاتی پاینده و حقیقتی جاودانه

تبارک الذی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۸ - ۷۸

۷ - هر چه جز خدا ، در معرض هلاکت و نابودی است .

کلّ شیء هالک إلاّ وجهه

۸ - تنها خدا ، چهره جاوید و فناناپذیر جهان هستی است .

کلّ شیء هالک إلاّ وجهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۰ - ۷

۷ - خداوند ، تنها حقیقت ثابت و زوال ناپذیر است .

بأنّ اللّه هو الحقّ

<حقّ> به چیزی اطلاق می شود که ثبات داشته باشد و هیچ گونه بطلانی در آن راه پیدا نکند. لازم به ذکر است که تأکید جمله با <أنّ> و آوردن ضمیر فصل <هو> و معرفه شدن خبر با <ال>، حصرِ مبتدا در خبر را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۴ - ۱۶

۱۶ - خداوند ، ذاتی پاینده و حقیقتی جاودانه

فتبارک اللّه ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۵ - ۱،۴

۱ - تنها خداوند ، ذات دارای حیات حقیقی ، مستقل و جاوید است .

هو الحیّ

جمله < هو الحیّ > مفید حصر است. انحصار حیات برای خداوند با آن که موجودات بسیاری از حیات بر خورداراند گویای این حقیقت است که حیات خداوند، حیاتی است ذاتی، حقیقی و جاوید و حیات دیگر موجودات، حیاتی وابسته و رو به زوال است.

۴ - اختصاص حیات حقیقی به خداوند ، دلیل نبودن هیچ معبودی جز او

در جهان است .

هو الحیّ لا إله إلّا هو

جمله <لاإله إلّا هو> به منزله نتیجه برای <هوالحیّ> است; یعنی، چون خداوند زنده جاوید است، پس جز او کسی مدبر عالم و نیز شایسته معبود بودن نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۷ - ۱،۲

۱ - تنها حقیقت باقی در نظام هستی ، ذات یگانه پروردگار است .

کلّ من علیها فان . و یبقی وجه ربّک

مفسران <وجه> را در آیه شریفه به معنای ذات گرفته اند.

۲ - فنای زمینیان ، بی تأثیر در ساحت اقتدار ، شکوه ، کرامت و بزرگواری جاودان پروردگار

کلّ من علیها فان . و یبقی وجه ربّک ذو الجلل و الإکرام

گفتنی است که قدرت، اقتدار و شکوه فرمانروایان، به وجود رعیت و فرمانبران ایشان وابسته است; اما این آیه چنین وابستگی را از ذات پروردگار نفی می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۸ - ۴

۴ - خداوند ، ذاتی پاینده و جاودان

تبرک اسم ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱ - ۱

۱ - خداوند ، ذاتی پاینده و حقیقتی جاودانه

تبرک

<تبارُک> (مصدر <تبارَکَ>) چنانچه از <بَرَکَ> (لَزَمَ و ثَبَتَ) گرفته شده باشد، به معنای جاودانگی و همیشگی و اگر از <برکت> گرفته شده باشد، به معنای افاضه برکت ها و خیرها خواهد بود (برگرفته از لسان العرب). برداشت یاد شده، براساس معنای نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۲ - ۵،۱۳

۵ - خداوند ، جاودانه

، ازلی و ابدی است .

اللّه الصمد

<صمد>; یعنی، دائم (قاموس) و کسی که همواره بوده و خواهد بود. (مجمع البیان)

۱۳ - < قال وَهْب بن وَهْب القرشی سمعت الصادق (ع) یقول : قدم وفد من أهل فلسطین علی الباقر (ع) . . . ثمّ سألوه عن الصمد فقال : تفسیره فیه ; الصمد خمسه أحرف ، فالألف دلیل علی إنّیته ، . . . و اللام دلیل علی إلهیته بأنّه هو اللّه . . . و أمّا الصاد فدلیل علی أنّه عزّوجلّ صادق . . . و أمّا المیم دلیل علی ملکه و أنّه الملک الحقّ . . . و أمّا الدال فدلیل علی دوام ملکه و أنّه عزّوجلّ دائم تعالی عن الکون و الزوال ;

وهب بن وهب گفت: از امام صادق(ع) شنیدم که می فرمود: هیئتی از فلسطین خدمت امام باقر(ع) رسیدند و از او درباره معنای <صمد> سؤال کردند . .. امام فرمود: تفسیر آن در خود آن است. <الصمد> پنج حرف است: <الف> دلیل است بر اِنّیت (حقیقت داشتن ذات) او ... و <لام> دلیل است بر الاهیت او; یعنی که او اللّه است ... و <صاد> دلیل است بر این که او عزّوجلّ صادق است ... و <میم> دلیل است بر مَلِک بودن او و این که او پادشاه حق است ... و <دال> دلیل دوام سلطنت او است و این که خداوند عزّوجلّ ابدی و برتر از حدوث و زوال است>.

جاودانگی خوردنیهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۵ - ۶

۶ میوه

ها و خوراکی های بهشت و هوای مطبوع آن ، دائمی و زوال ناپذیر است .

أُکلها دائم و ظلّها

<ظلّها> مبتداست و خبر آن (دائم) در تقدیر است.

جاودانگی در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۵ - ۱۴

۱۴ انسان در آخرت فنا شدنی نیست و برای همیشه باقی می ماند .

هم فیها خلدون

جاودانگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۵ - ۱۲

۱۲ حیات جاودانه متقین در بهشت

للّذین اتّقوا عند ربّهم جنّات . .. خالدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۸ - ۱۲

۱۲ بهشت و بشارت خلود در آن ، تنها بخشی از ضیافت الهی برای تقواپیشگان است .

نزلا من عند اللّه

کلمه <نزل>، به چیزهایی گفته می شود که در آغاز ورود میهمان برای پذیرایی از وی فراهم می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۳ - ۲

۲ اطاعت از خدا و رسولش ، عامل دخول و جاودانگی در بهشت

و من یطع اللّه و رسوله یدخله جنّات . .. خالدین فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۷ – ۷

۷ جاودانگی مؤمنانِ دارای اعمال صالح در بهشت

و الذین امنوا . .. خالدین فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۲۲ – ۵

۵ مؤمنان دارای اعمال صالح ، در بهشت ، جاودان و پاینده اند

.

و الذين ءامنوا . .. سندخلهم جنت تجرى من تحتها الأنهر خلدين فيها ابداً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۸۹ - ۱،۲

۱ باغ ها و نهر های روان و زندگی جاودان ، مهیّا شده از جانب خدا برای پیامبر (ص) و مؤمنان مجاهد

أعد اللّه لهم جنت تجرى من تحتها الأنهر خلدين فيها

۲ بهشت و زندگی جاودان در آن ، پاداش جهاد با مال و جان

أعد اللّه لهم جنت تجرى من تحتها الأنهر خلدين فيها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۱۶

۱۶ آسودگی مؤمنان از دغدغه زوال نعمت های بهشتی و زندگی در آن

خلدين فيها أبداً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۳ - ۸

۸ بهشتیان ، برای همیشه در بهشت ماندگار خواهند بود .

أُولئک أصحب الجنه هم فيها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۸ - ۲،۶،۸

۲ بهشتیان ، برای همیشه در بهشت ماندگار خواهند بود .

و أما الذين سعدوا ففى الجنه خلدين فيها مادامت السموت و الأرض

۶ خلود بهشتیان در بهشت ، بسته به مشیّت خداوند است .

و أما الذین سعدوا ففی الجنه خلدین . .. إلاّ ما شاء ربک

۸ وعده خداوند بر مخلّد ساختن بهشتیان در بهشت ، مشیّت او را محدود نخواهد ساخت و مانع او در موقت قرار دادن آن نخواهد شد .

خلدین فیها . .. إلاّ ما شاء ربک عطاءً غیر مجذوذ

<عطاءً غیر مجذوذ> حاکی از دوام بهشت و

نعمتهای آن و تأکیدی بر <خالدین فیها> است. استثنای <ما شاء ربک> در ضمن بیان خلود و دوام نعمتهای بهشت گویای این نکته است که وعده های خداوند، موجب آن نمی شود که مشیت او مقیّد شود و وی را از این که برخلاف آن عمل کند، ناتوان سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۸ - ۳

۳- خلود در بهشت ، هیچ ملالت و خستگی برای اهل بهشت فراهم نمی آورد .

خلدین فیها لایبغون عنها حولاً

جمله <لایبغون> مانند <خالدین> حال است برای <هم> در آیه قبل; یعنی، آنان، در عین خلود در بهشت، چیزی غیر آن نمی طلبند، گرچه، نوعاً، ماندن در یک مکان، قدری ملالت همراه دارد، ولی بهشت، به گونه ای است که چنین ملالتی در پی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۹ - ۱۴

۱۴- < عن رسول اللّه (ص) : إذا دخل أهل الجنّه الجنّه و أهل النار النار . . . یقال : یا أهل الجنّه خلود فلاموت و یا أهل النار خلود فلاموت ثمّ قرأ رسول اللّه (ص) : < و أنذرهم یوم الحسره إذ قضی الأمر و هم فی غفله > و أشار بیده و قال : أهل الدنیا فی غفله ;

از رسول خدا(ص) روایت شده: آن گاه که بهشتیان به بهشت و جهنمیان به جهنم درآیند . .. گفته می شود: ای اهل بهشت! (این جا) جاودانگی است و مرگ نیست و ای اهل آتش! (این جا) جاودانگی است و مرگ نیست، سپس رسول خدا(ص)

این آیه را خواند <و أنذرهم یوم الحسره إذ قضی الأمر و هم فی غفله> (آن گاه حضرت) با دست خود اشاره کرد و فرمود: اهل دنیا در غفلت اند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۱ - ۲

۲- بهشت ، جایگاه ماندن و استقرار و سرشار از امنیت و آسایش

جنّت عدن

برخی <عدن> را مصدر و به معنای اقامت کردن می دانند و برخی دیگر آن را علَم برای زمین بهشت دانسته و گفته اند: این نام بدان جهت بر بهشت نهاده شده که جایگاه اقامت و استقرار است (کشاف، ج ۳). در هر صورت این کلمه بر این که بهشت محل استقرار است، دلالت دارد. لازم به ذکر است محل استقرار در مقام تمجید به جایی گفته می شود که همه شرایط اقامت را دارا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۶ - ۲

۲ متقین ، در بهشت موعود خویش همواره جاودان خواهند بود .

لهم فیها ما یشاءون خلدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۲

۲ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هونًا. .. و الذین لایشهدون الزور ... أُولئک یجزون الغرفه

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۹ - ۱۲

۱۲ - بشارت به عالمان خداترس ، تلاوتگر قرآن ، برپادارنده نماز و انفاق کننده در نهان و آشکار ، مبنی بر تجارتی از بین نرفتنی (بهشت برین) از ناحیه خداوند

إنّما یخشی اللّه من عباده العلمؤا . .. إنّ الذین یتلون کتب اللّه و أقاموا الصل

<بوار> (ریشه <لن تبور>) به معنای شدت کسادی است و از آن جا که کسادی شدید موجب فساد و نابودی می شود، این واژه در معنای <هلاک> به کار می رود (برگرفته از مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۵ - ۱

۱ - سپاس گزاری بهشتیان از خداوند ، به خاطر وارد کردن آنان به سرای همیشگی

الحمد للّه . .. الذی أحلّنا دار المقامه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۹ - ۴

۴ - < عن أبی جعفر (ع) قال : إذا دخل أهل الجنّه الجنّه و أهل النار النار . . . یقال : خلود فلا موت أبداً . فیقول أهل الجنّه : < أفما نحن بمیّتین . إلّا موتتنا الأُولی . . . > ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که بهشتیان به بهشت و دوزخیان به دوزخ وارد می شوند. .. گفته می شود: این جا جاودانگی است و هرگز مرگی نیست پس اهل بهشت می گویند: <أفما نحن بمیّتین...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۰ - ۱

۱ - رهایی

از عذاب الهی و دستیابی به حیات جاودانه بهشتی ، فوز عظیم و رستگاری بزرگ برای انسان ها است .

فی جنّت النعیم . .. و ما نحن بمعذّبین . إنّ هذا لهو الفوز العظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۷۴ – ۲

۲ – بهشت جاودانه ، وعده الهی به تقواپیشگان

صدقنا وعده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۴ – ۴،۵

۴– بهشت جاودان ، پاداش اعمال نیک و مستمر موحدان

أُولئک أصحب الجنّه . .. جزاء بما کانوا یعملون

۵– آمیخته ساختن ایمان با عمل صالح ، شرط بهرهوری مؤمنان از بهشت جاودان

إنّ الذین قالوا ربّنا اللّه . .. أُولئک أصحب الجنّه ... جزاء بما کانوا یعملون

در آیه قبل، دو عنصر ایمان و استقامت، زمینه ورود به بهشت جاودان معرفی شده است و در این آیه عمل، به عنوان اساس و ملاک ره یافتن به بهشت جاودان مطرح گشته است. از این نکته می توان استفاده کرد که تجلی عقیده در عمل، برای یکتاپرستان کارساز است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۴ – ۶

۶ – جاودانگی در بهشت و لذت های آن ، مهم ترین نوید به بهشتیان ، در آغاز ورود

ادخلوها بسلم ذلک یوم الخلود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۲ – ۱۲

۱۲ - بهشت ، جایگاه ابدی مؤمنان

جنّت . .. خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱،۶

۱ - استقرار

در باغ های بهشت و جاودانگی در آن ، پاداش تضمین شده خداوند برای مؤمنان نیکوکردار

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. جزاؤهم عند ربّهم جنّت عدن تجری من تحتها الأن

۶ - وجود تمامی امکانات ، برای اقامت دائمی انسان در بهشت

جنّت عدن . .. خلدین فیها أبدًا

<عدن>، معرفه است; خواه علم برای مصدر <العدن> (اقامت گزیدن) باشد و خواه علم برای زمین بهشت. در صورت دوم نیز، تناسب معنای لغوی آن مورد نظر بوده است; یعنی، بهشت دارای تمام امکاناتی است که لازمه اقامت دائمی انسان در آن است.

جاودانگی در بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۰ - ۹

۹ - آدم (ع) به سکونت جاودانه خویش در بهشت اطمینان نداشت .

إنّ لک ألاّتجوع . .. هل أدّلک علی شجره الخلد

خداونـد، تأمین بودن آدم(ع) از نظر غـذا، پوشاک، آب، و مسـکن را به او خبر داد; ولی گویا آدم در عین تضـمین این نعمت ها، نسبت به جاوید بودن خود در آن بهشت اطمینان نداشت. از همین رو وسوسه شیطان در او اثر کرد.

جاودانگی در بهشت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۶ - ۴

۴ - بهشتیان در بهشت های عدن ، جاودانه و مخلداند .

جنّت عدن . .. خلدین فیها

جاودانگی در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۹ - ۲

۲ - کفر پیشگان و تکذیب کنندگان آیات الهی ، برای همیشه در دوزخ خواهند بود .

أولئك أصحب النار هم فيها خلدون

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۱۳

۱۳ - مشرکان (سران آنان و پیروانشان) در قیامت به آتش دوزخ گرفتار شده و در آن ماندگار خواهند بود .

و ما هم بخرجین من النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۳۲،۳۳

۳۲ کسی که مُرتدّ بمیرد ، همیشه در عذاب دوزخ است .

و من یرتدد منکم عن دینه فیمت . .. و اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون

۳۳ کفر و ارتداد ، موجب خُلود در جهنّم و حَبط عمل در دنیا و آخرت

و من یرتدد منکم عن دینه فیمت و هو کافر فاولئک حبطت اعمالهم . .. و اولئک اصحاب ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۸

۸ نمرود ، نمونه ای از منحرفان راه رشد ، محرومان از ولایت الهی ، روندگان از نور به ظلمت و جاودان در آتش

قد تبیّن الرّشد . .. اللّه ولیّ الّذین ... الم تر الی الّذی حاجّ ابرهیم

خداوند پس از بیان ایمان و کفر (ولایت <اللّه> و <طاغوت> در آیات پیشین) برای نشان دادن نمونه خارجی، داستان ابراهیم (ع) و نمرود را بیان کرده که ابراهیم (ع) نمونه ای از ایمان و نمرود، نمونه ای از کفر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۵ - ۱۶،۱۷

۱۶ بازگشت به رباخواری پس از آگاهی از حرمت آن ، موجب جاودانگی در آتش

فمن جاءه موعظه . .. و من

عاد فاولئك اصحاب النّار هم فيها خالدون

جمله <فمن جاءه موعظه> به این معناست که حکم الهی به او ابلاغ شود; یعنی پس از بیان حکم، به آن آگاهی یابد. گفتنی است جمله <و من عاد> در برداشت فوق، باز گشت به رباخواری تفسیر شده است.

۱۷ اعتقاد به همگونی بیع و ربا پس از بیان ربا و حکم آن ، موجب جاودانگی در آتش

قالوا انّما البیع . .. و من عاد فاولئک اصحاب النّار هم فیها خالدون

در برداشت فوق متعلق <عاد>، پندار غلط همسانی بیع و ربا گرفته شده است، بنابراین جمله <و من عاد . .. > به این معناست: اگر کسی پس از بیان حکم الهی درباره ربا، همچنان بر این پندار باشد که بیع همانند رباست در آتش مخلّد خواهد بود. چون وی در حقیقت کافر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۴ - ۳،۹

۳ احساس مصونیّت از خلود در آتش دوزخ ، عامل فریب و گمراهی اهل کتاب

ثمّ یتولّی فریق . .. ذلک بانّهم قالوا لن تمسّنا النار ... و غرّهم

۹ اعتقاد به مصونیّت از خلود در عذاب ، دروغی که اهل کتاب ، آن را ساخته و خود را فریب دادند .

و غرّهم فی دینهم ما کانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۶ - ۱۰،۱۱

۱۰ کافران ، مُلازمان آتش دوزخ و جاودان در آن

انّ الّذین کفروا . .. و اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون

۱۱ کفر ، موجب جاودانگی در آتش دوزخ

انّ الّذین کفروا . ..

و اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۴ - ۱،۴،۶،۱۰

۱ نافرمانی خدا و رسول (ص) و تجاوز از حدود الهی ، عامل دخول و جاودانگی در آتش جهنّم

و من یعص اللّه و رسوله و یتعدّ حدوده یدخله ناراً

۴ عمل نکردن به احکام ارث ، نافرمانی خدا و رسول (ص) و موجب جاودانگی در آتش جهنّم است .

تلک حدود اللّه . .. و من یعص اللّه و رسوله و یتعدّ حدوده یدخله ناراً خالداً فیها

۶ نافرمانی مستمر و تجاوز دایمی از حدود الهی ، موجب جاودانگی در آتش

و من یعص اللّه . .. و یتعدّ حدوده یدخله ناراً خالداً فیها

۱۰ نافرمانی خدا و رسول (ص) و تجاوز از حدود ، آنگاه که از روی سرکشی باشد ، موجب خلود در آتش است . *

و من یعص اللّه و رسوله . .. و له عذاب مهین

کلمه <مهین> به معنای خوارکننده است و چون عذابهای الهی متناسب با گناه آدمی است، بنابراین مراد از عصیان، نافرمانی از سر طغیان و سرکشی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۰ - ۱۰

۱۰ حضور جاودانه در آتش دوزخ ، پیامد و مجازات خودکشی

فسوف نُصلیه ناراً

امام صادق (ع): من قتل نفسه متعمداً فهو فی نار جهنّم خالداً فیها قال اللّه تعالی: <و لا تقتلوا انفسکم . .. فسوف نصلیه ناراً>.

من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۷۴، ح ۲۳، ب ۱۷۹ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص

۳۶۴، ح ۱۲.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۹۳ – ۱

۱ خلود در جهنّم ، غضب و لعنت الهی ، کیفر کشتن مؤمن از روی عمد

و من یقتل مؤمنا متعمّداً فجزاؤه جهنّم خالداً فیها و غضب اللّه علیه و لعنه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۲۱ – ۵

۵ هیچ راه نجات و گریزی از جهنم ، پس از ورود به آن نیست .

أولئک ماویهم جهنم و لایجدون عنها محیصاً

جمله <لایجدون . ..> می تواند بیان و توصیف اهل جهنم پس از ورود به آن باشد. کلمه <محیص>، اسم مکان و به معنای گریزگاه است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۶۹ – ۵،۶،۷

۵ کفر و ظلم گروهی از اهل کتاب ، موجب خلود آنها در جهنم

إنّ الذین کفروا و ظلموا . .. و لالیهدیهم طریقاً. الا طریق جهنم خلدین فیها

با توجه به آیات قبل مصداق مورد نظر از آیه کافران اهل کتاب می باشند.

۶ کفر به قرآن و انکار رسالت پیامبر (ص) و بازداری مردمان از پیوستن به اسلام ، مایه خلود در جهنم

إنّ الذین کفروا و ظلموا . .. خلدین فیها ابداً

۷ جاودانگی در جهنم ، کیفر کافران ستمگر

إنّ الذین کفروا و ظلموا . .. خلدین فیها ابداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۲۰

۲۰ جایگاه ابدی جنیان اغواگر (شیطانها) و انسانهای پیرو ایشان آتش دوزخ است.

قال النار مثویکم خلدین

فيها

<مثوى> اسم مکان و به معنى جايگاه و محل استقرار است. (راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۶ - ۳

۳ آتش دوزخ ابدى است و تکذيب کنندگان آيات الهى در آن جاودان هستند.

أولئک أصحب النار هم فيها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۶۳ - ۹

۹ رسوايى بزرگ و ذلت واقعى ، در مخلد شدن انسان در آتش دوزخ است .

فان له نار جهنم خلداً فيها ذلک الخزى العظيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۱،۱۳

۱ خلود در آتش دوزخ ، وعده خداوند به زنان و مردان منافق و عموم کفرپيشگان

وعد اللّه المنفقين و المنفقت و الکفار نار جهنم خلدين فيها

۱۳ خلود در آتش جهنم ، موجب عادت کردن دوزخيان يا کاسته شدن از رنج و عذاب نيست . *

نار جهنم خلدين فيها هى حسبهم . .. و لهم عذاب مقيم

تکرار <و لهم عذاب مقيم> پس از <نار جهنم> ممکن است در جهت دفع اين توهّم باشد که دوزخيان در اثر خلود، بدان انس مى گيرند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۷ - ۱،۵،۱۱

۱ آتش دوزخ ، جایگاه ابدی تیره بختان صحنه قیامت است .

خلدین فیها مادامت السموت و الأرض

عبارت <مادامت السماوات و الأرض> (تا آن زمان که آسمانها و زمین وجود دارد) کنایه از دوام و همیشگی است و تأکید برای خلودی می باشد که از <خالدین> استفاده می شود.

۵ خلود و عدم

خلود جهنمیان در دوزخ ، بسته به مشیت الهی است .

خلدین فیها . .. إلاّ ما شاء ربک

۱۱ اخبار خداوند به خلود جهنمیان در دوزخ ، نمی تواند مانع او بر موقت قرار دادن آن باشد .

خلدین فیها . .. إلاّ ما شاء ربک إن ربک فعال لما یرید

جمله <إن ربک . ..> تعلیل برای حقایقی است که از آیه مورد بحث استفاده می شود; یعنی، چون حاکمیت او مطلق است و چیزی نمی تواند مانع نفوذ اراده او شود; اگر خواست دوزخیان برای همیشه در آتش بمانند، چنین خواهد شد و اگر خواست همه و یا برخی از آنان را نجات دهد، چنین خواهد کرد و حتی اگر وعده و وعیدی را که بر خلود داده، بخواهد عمل نکند، چیزی مانع و رادع او نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۱۷

۱۷ < عن أبی عبدالله (ع) [فی قوله تعالی] < و لاترکنوا إلی الذین ظلموا فتمسکم النار > قال : أما انه لم یجعلها خلوداً و لکن تمسکم النار فلاترکنوا إلیهم ;

از امام صادق(ع) [درباره سخن خداوند]<ولاترکنوا. ..> روایت شده است که فرمود: آگاه باشید خداوند[سزای تمایل و اطمینان به ستمگران]را آتش دائمی قرار نداد، ولی آتش به شما می رسد. بنابراین از تمایل و اطمینان به ظالمان پرهیز کنید>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۹ - ۸

۸- کفر ، عامل گرفتار شدن به عذاب ابدی جهنّم

الکفرین . .. فادخلوا أبوب جهنّم خلدین فیها

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۹ - ۱۴

۱۴- < عن رسول اللّه (ص) : إذا دخل أهل الجنّه الجنّه و أهل النار النار . . . یقال : یا أهل الجنّه خلود فلاموت و یا أهل النار خلود فلاموت ثمّ قرأ رسول اللّه (ص) : < و أنذرهم یوم الحسره إذ قضی الأمر و هم فی غفله > و أشار بیده و قال : أهل الدنیا فی غفله ;

از رسول خدا(ص) روایت شده: آن گاه که بهشتیان به بهشت و جهنمیان به جهنم درآیند . .. گفته می شود: ای اهل بهشت! (این جا) جاودانگی است و مرگ نیست و ای اهل آتش! (این جا) جاودانگی است و مرگ نیست، سپس رسول خدا(ص) این آیه را خواند <و أنذرهم یوم الحسره إذ قضی الأمر و هم فی غفله> (آن گاه حضرت) با دست خود اشاره کرد و فرمود: اهل دنیا در غفلت اند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۱۰

۱۰ - جاودانگی عذاب جهنم و نبود مرگ در آن ، دلیل پاینده تر بودن عذاب کافران از شکنجه و آزاری است که آنان بر مؤمنان روا می داشتند .

واللّه خیر و أبقی . إنّه من یأت ... لایموت فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۹ - ۵

۵- شرک ، گناهی بزرگ و مستوجب خلود در آتش جهنم است .

إنّکم و ما تعبدون من دون اللّه حصب جهنّم . .. و کلٌّ فیها خلدون

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۲ - ۱

۱ - اهل دوزخ ، هرگز از آن خارج نخواهند شد .

کلّما أرادوا أن یخرجوا منها من غمّ أُعیدوا فیها

<إراده> (مصدر <أرادوا>) در این جا کنایه از نزدیک شدن است. ضمیرهای <منها> و <فیها> به <نار> بازمی گردد. <غم> نیز مصدر و به معنای ستر و پوشیدن است که مضاف الیه آن حذف شده و تقدیرش <غمها> می باشد. <من غمها> نیز در این جا بدل اشتمال از ضمیر <منها> است; یعنی، دوزخیان هر وقت که بخواهند از پوشش آتش خارج شوند، به آن بازگردانده خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۰ - ۶

۶ - عذاب فاسقان ، پایان ناپذیر و غیرقابل گریز است .

کلّما أرادوا أن یخرجوا منها أُعیدوا فیها

عبارت <کلّما أرادوا أن یخرجوا منها> می تواند کنایه از پایان ناپذیری و خلود در آتش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۵ - ۱

۱ - کفرپیشگان ، همواره در آتش جهنم باقی خواهند ماند .

الکفرین و أعدّ لهم سعیرًا . خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۶،۷

۶ - عذاب دائمی و بی تخفیف ، کیفر تمامی کافران حق ناپذیر

کذلک نجزی کلّ کفور

<کفور> صیغه مبالغه از ماده <کفر> و یا <کفران> می باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

۷ - عذاب دائمی و بی تخفیف ، کیفر ناسپاسان نعمت های الهی

کذلک نجزی کلّ کفور

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۴ - ۲

۲ - دوزخیان ، هرگز از آتش دوزخ جدا نشده و پیوسته در آن خواهند سوخت .

اصلوها الیوم

<صلا> در اصل به معنای لزوم است. ازاین رو <اصلوها> به معنای <الزموها> (باید ملازم و هم راه عذاب دوزخ باشید) خواهد بود (لسان العرب و مجمع البیان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۹ - ۴

۴ - < عن أبی جعفر (ع) قال : إذا دخل أهل الجنّه الجنّه و أهل النار النار . . . یقال : خلود فلا موت أبداً . فیقول أهل الجنّه : < أفما نحن بمیّتین . إلاّ موتتنا الأُولی . . . > ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که بهشتیان به بهشت و دوزخیان به دوزخ وارد می شوند. .. گفته می شود: این جا جاودانگی است و هرگز مرگی نیست پس اهل بهشت می گویند: <أفما نحن بمیّتین...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۰ - ۵

۵ - کفر و حق ستیزی ، موجب عذاب ذلت بار دنیایی و عذاب فراگیر و دائمی دوزخ

من یأتیه عذاب یخزیه و یحلّ علیه عذاب مقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۷ - ۳

۳ - دوزخیان ، در عین سوختن دائمی در آتش ، حیات داشته و بر تکلم کردن تواناهستند .

و إذ یتحاجّون فی النار فیقول الضعفؤا للذین استکبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۵ - ۲۳

۲۳- فانی نشدن کالبد دوزخیان و نمردن آنان ، با وجود شکنجه ها و قطعه قطعه شدن

خلد فی النار . .. فقطّع أمعاءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۶ - ۳

۳ - دوزخیان ، در عین سوختن و جدا شدن اندامشان ، هرگز نمی میرند .

نزّاعه للشوی

تصریح به این که اندام ها و یا پوست سرها سوخته و جدا می شود; می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۶ - ۵

۵ - خلود دوزخیان در جهنّم

لصالوا الجحیم

<صَلی>; یعنی، ملازم و همراه شد. (لسان العرب به نقل از زجاج)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲ - ۴

۴ - خلود دوزخیان در آتش جهنم

تصلی نارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۵ - ۳

۳ - خلود در آتش جهنم ، ویژه کسانی است که در بالاترین مرحله شقاوت اند .

لايصليها إلاّ الأشقى

<صَلِى>; يعنى، ملازم و همراه شد (لسان العرب، از قول زجاج) و ملازمت با آتش به جاودانگى در آن است. حصر موجود در آيه مربوط به ملازمت است; يعنى، جاودانگى در آتش، مخصوص كسانى است كه در آيه بعد اهل تكذيب و اعراض معرفى شده اند و در بدترين نوع شقاوت به سر مى برند.

جاودانگى در عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۳،۴

۳ - كفرپيشگانى كه بدون توبه مى ميرند ،

برای همیشه به عذاب اخروی گرفتار می شوند .

خلدین فیها لایخفف عنهم العذاب

۴ - کتمان کنندگان احکام و معارف دین و حقایق کتب آسمانی ، برای همیشه به عذاب اخروی گرفتار خواهند بود .

إن الذین کفروا و ماتوا . .. خلدین فیها لایخفف عنهم العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۱۸

۱۸ خلود در عذاب مظهر خشم و غضب خداوند

ان سخط اللّه علیهم و فی العذاب هم خلدون

جمله <و فی العذاب . ..> بیان نمودی از خشم الهی (ان سخط اللّه) بر گنهکاران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۱ - ۲

۲ - عقوبت و پی آمد های اخروی روی گردانان از قرآن ، ابدی و جدایی ناپذیر است .

وزرًا . خلدین فیه و ساء لهم

مرجع ضمیر <فیه>، <وزراً> در آیه قبل است. خلودِ در <وزر>، به معنای جاودانگی در آثار و تبعات آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۲ - ۱

۱ - زندگی همیشگی در میان باد بسیار گرم و شدید ، فرجام اخروی اصحاب الشمال

فی سموم

<فی سموم> خبر برای مبتدای محذوف و به تقدیر <أُولئک فی سموم> است. <سموم> به باد گرم گفته می شود (قاموس المحیط) و نکره آمدن آن بیانگر شدت وزش باد و نیز درجه بالای گرمای آن است. جمله اسمیه نیز بیانگر آن است که این دسته، برای همیشه گرفتار آن خواهند بود و هرگز از آن خلاص نخواهند شد.

جاودانگی در عذاب اخروی

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۹ - ۳

۳ عذاب های اخروی کفرپیشگان ، عذابی دایمی و همیشگی است .

و یحلّ علیه عذاب مقیم

حلول (مصدر یحلّ) به معنای فرود آمدن است و <مقیم> از <أقام بالمکان> (درنگ کرد و ماندگار شد) می باشد. بنابراین <عذاب مقیم>; یعنی ، عذاب ماندگار و زوال ناپذیر.

جاودانگی دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۹ - ۲

۲ - پیامبراکرم (ص) ، استمراردهنده خط توحید ابراهیمی در جامعه بشری

و إذ قال إبرهیم . .. بل متّعت هؤلاء و ءاباءهم حتّی جاءهم الحقّ و رسول مبین

جاودانگی ربوبیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۱۶

۱۶ توحید ، ولایت خدا و ربوبیت او ، حقایقی است ماندگار و شرک و پرستش غیر خدا باطلهایی است رفتنی و ناپایدار

فأما الزبد فیذهب جفاءً و أما ما ینفع الناس

به قرینه آیات گذشته از مصادیق مورد نظر برای باطل که به کفها تشبیه شد شرک و پرستش غیر خداست و از مصادیق حق که نافع و ماندگار است توحید و اعتقاد به ربوبیت و ولایت خداوند است.

جاودانگی رحمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲ - ۳

۳ - خداوند ، رحمان (دارای رحمتی فراگیر) و رحیم (دارای مهری پایان ناپذیر) است .

تنزیل من الرحمن الرحیم

<رحمان> صیغه مبالغه و بیانگر گستردگی و فراگیری رحمت خداوند است. <رحیم> که بر وزن فعیل است (این وزن غالباً

حاکی از عدم انفکاك صفت از ذات می باشد) بیانگر پایان ناپذیری آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۴۲ – ۱۰

۱۰– اقتدار و عزت خداوند ، آمیخته با رحمت گسترده و جاودان او است .

هو العزیز الرحیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۸ – ۱۰

۱۰– رضا و رحمت حق ، اصلی ازلی و جاری در نظام آفرینش ، و خشم الهی زاییده اعمال آدمیان *

اتّبعوا ما أسخط اللّه و کرهوا رضونه

<أسخط> (از باب افعال) بیانگر ایجاد است; ولی <رضوان> (به صورت اسم) می نمایاند که رضا و رحمت حق، همواره گسترده بوده و خواهد بود و تنها کافی است که انسان بدان تمایل داشته و از آن بهره گیرد، برخلاف خشم و کیفر الهی که با نفس عمل انسان، پدید آمده و ایجاد می شود.

جاودانگی رضایت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۸ – ۱۰

۱۰– رضا و رحمت حق ، اصلی ازلی و جاری در نظام آفرینش ، و خشم الهی زاییده اعمال آدمیان *

اتّبعوا ما أسخط اللّه و کرهوا رضونه

<أسخط> (از باب افعال) بیانگر ایجاد است; ولی <رضوان> (به صورت اسم) می نمایاند که رضا و رحمت حق، همواره گسترده بوده و خواهد بود و تنها کافی است که انسان بدان تمایل داشته و از آن بهره گیرد، برخلاف خشم و کیفر الهی که با نفس عمل انسان، پدید آمده و ایجاد می شود.

جاودانگی روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱

- حج - ۲۲ - ۵ - ۲۶

۲۶ - جان آدمی ، حقیقتی است باقی و فناناپذیر .

و منکم من یتوفّی

دریافت کامل روح انسان به هنگام مرگ (و منکم من یتوفّی) بیانگر بقای روح پس از مرگ و فناناپذیری آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۷ - ۱۲

۱۲ - روح و جان آدمی ، حقیقتی است باقی و فناناپذیر .

و منکم من یتوفّی

دریافت کامل روح انسان به هنگام مرگ، بیانگر بقای روح، پس از مرگ و فناناپذیری آن است.

جاودانگی زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۸ - ۳

۳ - حیات آخرت ، حیاتی است جاودانه و به دور از مرگ و نیستی .

أفما نحن بمیّتین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۱ - ۱

۱ - برپا شدن قیامت پس از مرگ انسان و استمرار حیات بشر و جاودانگی او در عالم هستی

إنّهم میّتون . ثمّ إنّکم یوم القیمه عند ربّکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۹ - ۳،۴

۳ - پایداری و پایندگی زندگی اخروی ، دلیل برتری آن بر زندگی دنیایی است .

إنّما هذه الحیوه الدنیا متع و إنّ الأخره هی دار القرار

برداشت یاد شده به این خاطر است که آیه شریفه با مقایسه کردن زندگی دنیایی و حیات اخروی; درصدد بیان برتری زندگی در آخرت می باشد.

۴ - دنیا ، گذرگاه و مقدمه برای حیات جاودانه آخرت است .

إنّما هذه الحیوه الدنیا متع و إنّ الأخره

هی دار القرار

واژه <متاع> در برخی از موارد به چیزی گفته می شود که بهره انسان از آن کم و ناپایدار باشد. بنابراین توصیف زندگی دنیایی به <متاع> و زندگی اخروی به <دار القرار> (سرای پایدار)، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۲۰

۲۰ - زندگی در آخرت ، جاودان و بی انت ها است .

خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۸ - ۱

۱ - جاودانگی جهان آخرت و برتری آن بر زندگانی دنیا ، در تمام کتاب های آسمانی مطرح شده است .

و الأخره خیر و أبقی . إنّ هذا لفی الصحف الأُولی

<الصحف>، جمع محلی به <ال> و مفید عموم است. تصریح به بعضی از صحف در آیه بعد، تنها بر اهمیت آنها دلالت دارد و عموم را از بین نمی برد.

جاودانگی زیباطلبی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۶

۶ - لذّت جویی ها و زیبایی طلبی های انسان ، همراه با وی در جهان آخرت

لیدخل . .. جنّت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

نوید بودن <جنّات تجری. ..>، متوقف بر وجود حسّ زیبایی پسندی و لذّت جویی در انسان اخروی است.

جاودانگی سایه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۳۰ – ۱

۱ – بهشت اصحاب الیمین ، دارای سایه ای پایدار و زایل نشدنی

و ظلّ ممدود

<ممدود>; یعنی، کشیده شده. مفسران عبارت <ظلّ ممدود> را به

سایه دائم و همیشگی تفسیر کرده اند.

جاودانگی سد ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۸ - ۸

۸- ذوالقرنین ، از بقا و جاودانگی سدش تا قیامت خبر داد . *

فإذاجاء وعد ربّی جعله دکّاء

اگر مراد از <وعد ربّی> قیامت باشد، در این صورت، از آیه چنین برمی آید که تا قبل از قیامت، این سد برپا است. <دکاء> به معنای <مستوی و مسطح>، صفت برای موصوف محذوف است (جعله أرضاً دکّاء). مفاد آیه، این است که هرگاه قیامت فرا رسد، خداوند آن سد را زمینی مسطح خواهد ساخت.

جاودانگی سرور بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۴ - ۵

۵ - روزگار خوش بهشت ، روزگاری جاودان

ادخلوها بسلم ذلك یوم الخلود

جاودانگی سعادتمندی اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸ - ۲

۲ - خوشبختی برای < اصحاب المیمنه > در آخرت ، پایدار و زوال ناپذیر است .

فأصحب المیمنه ما أصحب المیمنه

<صاحب> (مفرد <أصحاب>) به معنای یار، همراه و ملازم است. بنابراین <اصحاب المیمنه>; یعنی، کسانی که با میمنت و نیک بختی ملازم اند و هرگز از آن جدا نمی شوند.

جاودانگی شقاوت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹ - ۲

۲ - گرفتاری و بدبختی برای اصحاب المشئمه در آخرت ، جاودان و غیرقابل زوال

و أصحب المشمه ما أصحب المشمه

<صاحب> (مفرد <أصحاب>) به معنای یار و ملازم است. بنابراین <أصحاب المشئمه>; یعنی، کسانی که ملازم با نکبت

و بدبختی بوده و هرگز از آن خلاصی نمی یابند.

جاودانگی شقاوتمندان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۳ - ۵

۵ - آتش دوزخ ، عذابی جاودانه است و اهل شقاوت در آن مخلّداند .

ثمّ لایموت فیها و لایحیی

مراد از <لایحیی>، نفی حیات مطلوب است که نجات از آتش، مصداق بارز آن می باشد. در این صورت قید <فیها>، اختصاص به <لایموت> خواهد داشت. بنابراین دوزخیان، نه در آتش می میرند و نه از آن بیرون می آیند.

جاودانگی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۹ - ۱

۱ - جاودانگی در بهشت سراسر نعمت ، پاداش مؤمنان دارای عمل صالح است .

إنّ الذین ءامنوا . .. جنّت النعیم خلدین فیها

جاودانگی عذاب اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۴

۴ - ظلم آدمی بر خویشتن ، مایه ابتلای او به عذاب اخروی و نبود راه رهایی برای وی

و لن ینفعکم الیوم إذ ظلمتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۵ - ۳

۳ – کفر و گناه پیشگی ، موجب عذاب پیوسته و اندوه پایان ناپذیر در قیامت

إنّ المجرمین . .. و هم فیها مبلسون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۲۰ – ۳

۳ – انکـار آیات الهی ، آزادنکردن بردگان و غـذا نـدادن به گرسـنگان یتیم و مسـکین و توصـیه نکردن به صبر و ترحّم ، مایه گرفتاری به آتش

فراگیر و گریزناپذیر

فکّ رقبه . .. و الذین کفروا ... علیهم نار مؤصده

جاودانگی عذاب اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۰ - ۸

۸- خلود کافران در عذاب اخروی

و لا هم ینظرون

برداشت یاد شده بر این اساس است که مراد از <لا هم ینظرون> نفی تعلق رحمت و عنایت خداوند به کافران باشد. لازمه چنین نفی مطلقی، رهایی نیافتن کافران از عذاب و جاودانگی آنان در آتش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۲۰ - ۲

۲ - عذاب کافران ، همیشگی و فناناپذیر است .

علیهم نار مؤصده

بسته بودنِ در، کنایه از استمرار عذاب است.

جاودانگی عذاب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۸

۸ - عذاب دوزخ جاودان است و کافران در آن مخلد خواهد بود .

لایموت فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۵ – ۲۱

۲۱ – عذاب دوزخ ، همیشگی و دائمی است .

عذاب مقیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۱۶ – ۳

۳ – عذاب و آتش دوزخ ، جاودانه است .

و ما هم عنها بغائبین

جاودانگی عذاب جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۳۰ – ۵

۵ – عذاب دوزخ جاودانه است و جهنمیان ، آینده جز افزایش عذاب ندارند . *

فلن نزیدکم إلّا عذابًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – اعلی – ۸۷

- ۱۳ - ۳،۴

۳ - اهل دوزخ ، هرگز لذت زندگی را نخواهند چشید .

و لایحیی

مراد از نفی حیات به قرینه <لایموت> نفی حیات مطلوب است.

۴ - باقی مانـدن جهنمیان ، در حالتی که نه مرگ است و نه زنـدگی نامیـده می شود ، از سوختن در آتش برای آنان دشوارتر است .

ثمّ لایموت فیها و لایحیی

حرف <ثمّ>، برای تراخی رتبی است و بیان می کند که آنچه بعد از آن آمده، در مقایسه با قبل از آن قابل توجّه تر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۴ - ۱

۱ - چشیدن آتش سوزان و گرفتاری به رنـج و مشـقت آن ، فرجـام کسـانی است که حضورشـان در صـحنه قیامت ، همراه با خفّت و خواری است .

وجوه یومئذ خشعه . .. تصلی نارًا حامیه

<صلی النار>; یعنی، حرارت آتش را به سختی چشید (قاموس).

جاودانگی عذاب عبرت ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۲ - ۱

۱ - کسانی که از تذکرات قرآن ، فاصله گرفته ، آن را نپذیرند ، به بزرگ ترین و سوزان ترین آتش ها ، گرفتار شده و در آن باقی خواهند ماند .

و یتجنّبها الأشقی . الذی یصلی النار الکبری

زجـاج گفته است: <صـلی>; یعنی، ملازم و همراه شـد (لسـان العرب) و <صـلی النـار>; یعنی، حرارت آتش را به سـختی

چشید. (قاموس). <کبری>; یعنی، بزرگ تر و بزرگی آتش به گستردگی و افروخته تر بودن آن است.

جاودانگی عذاب فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار

- ۸۲ - ۱۴ - ۵

۵ - گرفتاری فاسقان کافر در آتش دوزخ ، همیشگی است .

و إنّ الفجّار لفی جحیم

جمله اسمیه، بر ثبوت دلالت دارد و در این آیه ممکن است به قرینه مقابله با <إنّ الأبرار لفی نعیم> که استقرار مجازی در آن حاکی از خلود بود بر خلود نیز دلالت کند. مراد از <فجّار> به قرینه <بل تکذّبون بالدین> فاسقانی است که منکر معاد و کافرند.

جاودانگی عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۶ - ۳

۳ - کفرپیشه گان مکذّبان آیات الهی ، همواره در عذاب خواهند ماند .

و أمّا الذین کفروا . .. فی العذاب محضرون

<محضرون> اسم مفعول <إحضار> به چیزی گفته می شود که همواره حاضر باشد. چنین نکته ای، مستلزم این است که افراد یاد شده، هیچ گاه از عذاب غایب نباشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۱۰

۱۰ - جاودانگی عذاب کافران ، متناسب با نوع عملکرد آنان است .

لهم فیها دار الخلد جزاء بما کانوا بأیتنا یجحدون

<باء> در <بما کانوا> برای مقابله است; یعنی، جاودانگی کافران در دوزخ، در برابر شیوه مستمر آنان در عناد و لجاجت با پیامبر(ص) و آیات الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۰ - ۴

۴ - کافران تکذیب گر آیات الهی ، به صورت دائمی و جاودانه در دوزخ جای دارند .

و الذین کفروا . .. أصحب النار خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۲۰ – بینه – ۹۸ – ۶ – ۶

۶ – عذاب جهنم برای کافران ، جاودانه و پایان ناپذیر است .

فی نار جهنّم خلدین فیها

جاودانگی عذاب مجرمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۷۵ – ۱

۱ – عذاب دوزخ ، عذابی همیشگی و تخفیف ناپذیر ، برای مجرمان

لایفتّر عنهم و هم فیه مبلسون

<تفتیر> (مصدر <یفتّر>) به معنای تخفیف و تقلیل است.

جاودانگی عذاب معرضان از قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – اعلی – ۸۷ – ۱۲ – ۱

۱ – کسانی که از تذکرات قرآن ، فاصله گرفته ، آن را نپذیرند ، به بزرگ ترین و سوزان ترین آتش ها ، گرفتار شده و در آن باقی خواهند ماند .

و یتجنّبها الأشقی . الذی یصلی النار الکبری

زجاج گفته است: <صلی>; یعنی، ملازم و همراه شد (لسان العرب) و <صلی النار>; یعنی، حرارت آتش را به سختی چشید. (قاموس). <کبری>; یعنی، بزرگ تر و بزرگی آتش به گستردگی و افروخته تر بودن آن است.

جاودانگی عذاب مکذبان آیات خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۱۶ – ۳

۳ - کفرپیشه گان مکذّبان آیات الهی ، همواره در عذاب خواهند ماند .

و أمّا الذین کفروا . .. فی العذاب محضرون

<محضرون> اسم مفعول <إحضار> به چیزی گفته می شود که همواره حاضر باشد. چنین نکته ای، مستلزم این است که افراد یاد شده، هیچ گاه از عذاب غایب نباشند.

جاودانگی عذابهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۲

فرقان - ۲۵ - ۶۵ - ۲،۳،۴،۵

۲ عذاب جهنم ، پیوسته و گریزناپذیر است .

إنّ عذابها کان غرامًا

<غرام> به معنای عذاب، شرّ دائم و بلای گریزناپذیر است (لسان العرب).

۳ پیوستگی و گریزناپذیری عذاب جهنم ، سبب دست به دعا برداشتن و تضرع بندگان خالص خدا برای رهایی از آن عذاب

و الذین یقولون ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم إنّ عذابهاکان غرمًا

جمله <إنّ عذابها. ..> در مقام تعلیل برای جمله قبل است; یعنی، به این سبب بندگان خدا از پروردگار خواستار رهایی از عذاب دوزخ اند که چون آن عذاب دائمی و گریزناپذیر است.

۴ پیوستگی و گریزناپذیری عذاب جهنم ، موجب هراسناکی و اضطراب شدید بندگان خالص خدا از سرنوشت اخروی شان

إنّ عذابهاکان غرامًا

درخواست رهایی از عذاب و تعلیل آن به این که آن عذاب دائمی و گریزناپذیر است، برداشت فوق را می رساند.

۵ پیوستگی و گریزناپذیری عذاب جهنم ، مقتضی ترس ، اضطراب ، تضرع و دعا کردن به درگاه الهی برای رهایی از آن

ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم إنّ عذابهاکان غرامًا

جاودانگی علم خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۰ - ۱۲

۱۲- علم و قدرت انسان ، ناپایدار و علم و قدرت خداوند ، همیشگی است .

و منکم من یردّ إلی أرذل العمر لکی لایعلم بعد علم شیئًا إن الله علیم قدیر

جاودانگی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۸

۸ ضرورت توجه مجاهدان به ناپایداری مظاهر دنیوی و جاودانگی مواهب اخروی

تریدون عرض الدنیا و اللّه یرید الأخره

جاودانگی عمل صالح

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۶ - ۳

۳- کار های شایسته ، دارای ثبات بوده و ماندگار هستند .

و البقیت الصلحت خیر

طبیعی سخن آن بود که <الباقیات> وصف برای <الصالحات> باشد; زیرا، اَعمال صالح هستند که متَّصف به ماندگاری می شوند، ولی این جابه جایی در تعبیر، به جهت مناسبت با مطالب آیات قبل و تکیه بر بقای عمل صالح در برابر اضمحلال حیات دنیا و زینت های آن است.

جاودانگی فیض خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۹ - ۸

۸- جاودانگی بهشتیان و برخورداری ابدی آنان از نعمت ها ، متکی به مبدأ لایزال و پایان ناپذیر فیض الهی است .

خلدین فیها . .. قل لو کان البحر مدادًا لکلمت ربّی لنفد البحر

جاودانگی قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۰ - ۱۲

۱۲- علم و قدرت انسان ، ناپایدار و علم و قدرت خداوند ، همیشگی است .

و منکم من یردّ إلی أرذل العمر لکی لایعلم بعد علم شیًا إن الله علیم قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۵ - ۱۳،۱۴

۱۳- خداوند ، دارای اقتدار و سلطه کامل و زوال ناپذیر ، بر هر کار و هر چیز است .

و کان اللّه علی کلّ شیء مقتدرًا

<مقتدر> و <قدیر> در باره خدای تعالی به یک معنا است (مفردات راغب).

۱۴- پدیدار شدن حیات بر روی زمین ، جلوه ای از قدرت لایزال خداوند است .

واضرب لهم مثل الحیوه الدنیا

. .. و كان اللّه على كلّ شىء مقتدرًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۲ - ۴

۴ - قدرت خداوند ، گسترده و بى پايان است .

اللّه خلق كلّ شىء و هو على كلّ شىء وكيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۱ - ۶

۶ - قدرت خداوند ، مطلق و بى پايان است .

و هو على كلّ شىء قدير

جاودانگى قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۹

۹ قرآن و اسلام ، كتاب و آيينى جاودان و ماندگار

و يأبى اللّه إلا أن يتم نوره

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۱ - ۴

۴ قرآن ، كتابى است پاينده و خلل ناپذير .

الكتب الحكيم

برداشت فوق بر اين اساس است كه <حكيم> به معناى <محكَم> باشد ; زيرا <إحكام> (مصدر محكم) به معناى بازداشتن و مصون ساختن چيزى از فساد و تباهى است. توصيف <كتاب> به <حكيم> بيانگر اتقان، پايندگى و خلل ناپذيرى آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۵

۵- قرآن ، معجزه جاودان الهی که همواره کتابی بی مانند بوده و تا ابد نیز بی همانند خواهد ماند .

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ . .. لایأتون بمثله و لو کان بعضهم لبعض ظهیرًا

از اینکه آیه تصریح می کند هیچ انس و جنی توان آوردن مانند قرآن را ندارد، به دست می آید که قرآن، همواره

کتابی بی مانند خواهد ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۵ - ۴

۴- قرآن ، کتابی است جاودانه و تعالیم آن تأثیرناپذیر از گذشت زمان .

و بالحقّ أنزلنه و بالحقّ نزل

برداشت فوق، مبتنی بر یکی از معانی و موارد استعمال <حق> است که عبارت است از: امر ثابت و زوال ناپذیر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۱ - ۸

۸ - خداوند ، از ماندگاری قرآن در میان مردم و خوانده شدن اش بر آنان ، خبر داده است .

أنّا أنزلنا علیک الکتب یتلی علیهم

فعل مضارع <یتلی> دلالت بر استمرار می کند و تعیین نشدن فاعل آن نیز، نکته یاد شده را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی است پاینده ، استوار و خلل ناپذیر .

و القرءان الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۲ - ۴

۴ - تأثیر نداشتن گذشت زمان ، در حقانیت معارف قرآن

لایأتیه البطل من بین یدیه و لا من خلفه

بنابراین که مراد از <باطل> زوال حقانیت باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱۱

۱۱ - قرآن ، کتابی جاودان و کهنه نشدنی

و ما نزل من الحقّ

یکی از معانی واژه <حقّ> ثابت و استوار است. در این صورت توصیف قرآن به <حقّ>، می تواند بیانگر مطلب بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره

– آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۸ – ۸

۸ – قرآن و اسلام ، کتاب و آیینی جاودان

و اللّه متمّ نوره

جاودانگی کافران در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۴ – ۸

۸ – عذاب دوزخ جاودان است و کافران در آن مخلد خواهد بود .

لایموت فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۳۵ – ۵

۵ – محکومیت ابدی کافران مستکبر به عذاب همیشگی دوزخ ، نتیجه حق ستیزی ودنیا محوری آنان

اتّخذتم ءایت اللّه هزوًا و غرّتکم الحیوه الدنیا فالیوم لایخرجون منها

جاودانگی گرسنگی جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۷ – ۳

۳ – خوردن گیاه < ضریع > ، دوزخیان را از گرسنگی نجات نخواهد داد .

و لایغنی من جوع

جاودانگی لاغری جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۷ – ۲

۲ – گیاه خوراکی دوزخیان ، فاقد انرژی است و از لاغری آنان نمی کاهد .

لایسمن

<سِمَن>، نقطه مقابل لاغری است. (مفردات راغب)

جاودانگی لذایذ انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۵ – ۶

۶ – لذّت جویی ها و زیبایی طلبی های انسان ، همراه با وی در جهان آخرت

لیدخل . .. جنّت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

نوید بودن <جنّات تجری. ..>، متوقف بر وجود حسّ زیبایی پسندی و لذّت جویی در انسان اخروی است.

جاودانگی لذایذ بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷

- ق - ۵۰ - ۳۴ - ۶

۶ - جاودانگی در بهشت و لذت های آن ، مهم ترین نوید به بهشتیان ، در آغاز ورود

ادخلوها بسلم ذلک یوم الخلود

جاودانگی مالکیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۵

۵ - مالکیت و فرمان روایی خداوند بر هستی ، حقیقتی ثابت و فنا ناپذیر است .

الملک الحقّ

<حقّ>; یعنی، واجب و ثابت (مصباح) و <الحقّ> در آیه می تواند صفت برای <الملک> باشد و نیز ممکن است صفتی دیگر برای <اللّه> گرفته شود که با توجه به ذکر آن بعد از وصف <الملک>، نکته یاد شده استفاده می شود.

جاودانگی متقین در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۵ - ۷

۷ - تجلی فرمانروایی و اقتدار یگانه خداوند برای متقین ، در جایگاه جاودانه بهشت

فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر

جاودانگی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۸ - ۵

۵ برخورداری از حیات جاوید ، مرز میان معبود حقیقی و غیر حقیقی

و توکّل علی الحیّ الذی لایموت

برداشت فوق، از آن جا است که آیه شریفه در ردیف سلسله آیاتی قرار دارد که درصدد محکوم کردن شرک و بت پرستی و اثبات توحید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۸ - ۶

۶ - فناناپذیری و بقا ، شرط شایستگی برای معبود بودن است .

لا إله إلاّ هو کلّ شیء هالک إلاّ وجهه

جمله <کلّ شیء. ..> تعلیل برای عدم

شایستگی غیرخدا برای معبود بودن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۶۵ – ۵

۵ – داشتن حیات حقیقی ، مستقل و جاوید ، از اوصاف معبود حقیقی است .

هو الحیّ لا إله إلّا هو

جاودانگی معجزه محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۳۸ – ۴

۴ قرآن ، معجزه جاودان حضرت محمد (ص) و گواه صدق نبوت آن حضرت

أم یقولون افتریه قل فأتوا بسوره مثله

جاودانگی معنویات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۴۶ – ۷

۷- ارزش های معنوی ماندگار و در پی دارنده پاداش الهی ، شایسته دل بستگی و امید انسان است .

خیر عند ربّك ثوابًا و خیر أملًا

جاودانگی مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۷ – ۷

۷ جاودانگی مؤمنانِ دارای اعمال صالح در بهشت

و الذین امنوا . .. خالدین فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۹ – ۱

۱ – جاودانگی در بهشت سراسر نعمت ، پاداش مؤمنان دارای عمل صالح است .

إنّ الذین ءامنوا . .. جنّت النعیم خلدین فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۹ – ۱۱

۱۱ – مؤمنانِ دارای عمل صالح ، در بهشت جاودانه اند .

و من یؤمن باللّه و یعمل صلحًا . .. یدخله جنّت... خلدین فیها أبدًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵

- ۱۱ - ۱۶

۱۶ - مؤمنان دارای عمل صالح ، به صورت جاودانه در بهشت خواهند ماند .

خلدين فيها أبدًا

جاودانگی مؤمنان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱

۱ حیات جاودان در باغ های بهشت با نهر های روان ، وعده الهی به زنان و مردان مؤمن

وعد اللّه المؤمنين . .. تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۱۶

۱۶ آسودگی مؤمنان از دغدغه زوال نعمت های بهشتی و زندگی در آن

خلدين فيها أبداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹ - ۱

۱ بهشت ، جایگاه ابدی مؤمنان نیک کردار

إن الذين ءامنوا و عملوا الصلحت . .. فى جنت النعيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۷

۷ - زنان و مردان مؤمن ، برخوردار از حیات جاودان و پرنشاط در باغ های بهشت

ليدخل المؤمنين و المؤمنت جنّت تجرى من تحتها الأنهر خلدين فيها

جاودانگی میوه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۵ - ۶

۶ میوه ها و خوراکی های بهشت و هوای مطبوع آن ، دائمی و زوال ناپذیر است .

أُکلها دائم و ظلّها

<ظلّها> مبتداست و خبر آن (دائم) در تقدیر است.

جاودانگی نعمت های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۲ - ۳

۳ نعمت های جاودان اخروی ، اجرت و مزدی

است در برابر عملکرد مؤمنان مهاجر و مجاهد .

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا . .. جنت لهم ... خلدین فیها أبداً إن اللّه عنده أج

<أجر> اجرت و مزد در برابر عمل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳ - ۰

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۶ - ۳،۸

۳ - نعمت ها و بهرهوری های جهان آخرت ، جاویدان و زوال ناپذیر است .

و ما عند اللّه خیر و أبقی

۸ - اهل ایمان و توکل کنندگان به خداوند ، برخوردار از نعمت های برتر و جاودان اخروی

خیر و أبقی للذین ءامنوا و علی ربّهم یتوکّلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۳ - ۴

۴ - بهره مندی ابرار از نعمت های آخرت ، همیشگی است .

إنّ الأبرار لفی نعیم

حرف <فی> در آیه شریفه، برای ظرفیت مجازی است و بر استقرار ابرار در نعمت دلالت دارد. اسمیه بودن جمله <إنّ الأبرار...>، تأکیدی بر مداومت و ثبوت و حرف <لام> در <لفی نعیم>، تأکید بر تمام محتوا است.

جاودانگی نعمت های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۸ - ۶

۶- زوال ناپذیر شمردن نعمت های دنیا و نادیده گرفتن نقش خدا در پیدایش و زوال آنها ، مستلزم شرک در ربوبیّت است .

لکنّاْ هو اللّه ربّی ولاأشرک بربّی أحدًا

جاودانگی نعمتهای اخروی ابرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۲۲ - ۲

۲ - بهره

مندی ابرار از نعمت های آخرت ، همیشگی است .

إنّ الأبرار لفی نعیم

حرف <فی> در این آیه، برای ظرفیت مجازی است و بر استقرار ابرار در نعمت دلالت دارد. جمله اسمیّه <إنّ الأبرار...>، تأکیدی بر مداومت و ثبوت است.

جاودانگی نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۱ - ۸

۸ نعمتِ سرشارِ باغ ها و بوستان های بهشت ، جاودان و زوال ناپذیر است .

جنت لهم فیها نعیم مقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۱۶

۱۶ آسودگی مؤمنان از دغدغه زوال نعمت های بهشتی و زندگی در آن

خلدین فیها أبداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۸ - ۱۰

۱۰ بهشت و موهبت های آن ، از میان نخواهد رفت و از بهشتیان باز پس گرفته نخواهد شد .

عطاءً غیر مجذوذ

<عطاء> حال برای <الجنه> است و <مجذوذ> به معنای مقطوع می باشد. بنابراین <عطاءً غیر مجذوذ>; یعنی ، [وارد بهشت می شوند]در حالی که آن بهشت ، عطایی تمام نشدنی و مداوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۵ - ۶

۶ میوه ها و خوراکی های بهشت و هوای مطبوع آن ، دائمی و زوال ناپذیر است .

أُکلها دائم و ظلّها

<ظلّها> مبتداست و خبر آن (دائم) در تقدیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۴ - ۲

۲ - نعمت های بهشت ، جاویدان و پایان ناپذیر است .

ما

له من نفاد

<نفاد>، به معنای زوال و انقطاع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۱ - ۱۵

۱۵ - نعمت های بهشتی ، تمام ناشدنی و پایان ناپذیر

و فیها ما تشتهیه الأنفس و تلذّ الأعین و أنتم فیها خلدون

از جاودانگی تقواپیشگان در بهشت (أنتم فیها خالدون) و فراهم بودن تمامی خواسته ها و لذت های آنان (و فیها ما تشتهیه الأنفس)، استفاده می شود که نعمت های پایان ناپذیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۲ - ۱

۱ - بهشت با نعمت های فراوان و پایان ناپذیر آن ، پاداش عملکرد پرهیزگاران

و تلک الجنّه الّتی أُورثتموها بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۵ - ۳

۳ - لذت ها و نعمت های بهشتی ، پایدار و جاودان است ; نه چون نعمت های دنیا زوال پذیر .

فی جنّت و نهر . فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر

در صورتی که عبارت <فی مقعد صدق>، در بیان اوصاف همان استقرار در باغ ها و نهرها باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - دستیابی به غفران الهی و نعمت های جاودان بهشت ، رستگاری بزرگی است .

يغفر لكم ذنوبكم . .. ذلك الفوز العظيم

جاودانگی نور خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۲

۲ موضع گیری ها و تبلیغات سوء یهود و نصارا

، علیه اسلام به مثابه پفی ناچیز در مقابل نور فروزنده و جاودان الهی

یریدون أن یطفئوا نور اللّه بأفوههم

جاودانگی نهرهای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بینه – ۹۸ – ۸ – ۵

۵ – بهشت و جریان نهر های آن ، جاودانه است .

جنّت عدن تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها أبدًا

جاودانگی ولایت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۷ – ۱۶

۱۶ توحید ، ولایت خدا و ربوبیت او ، حقایقی است ماندگار و شرک و پرستش غیر خدا باطلهایی است رفتنی و ناپایدار

فأما الزبد فیذهب جفاءً و أما ما ینفع الناس

به قرینه آیات گذشته از مصادیق مورد نظر برای باطل که به کفها تشبیه شد شرک و پرستش غیر خداست و از مصادیق حق که نافع و ماندگار است توحید و اعتقاد به ربوبیت و ولایت خداوند است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۳۱ – ۳

۳ – تنها ولایت پایدار و ماندگار در دنیا و آخرت ، ولایت خداوند است .

و قیّضنا لهم قرناء . .. قال الذین کفروا ... نجعلهما تحت أقدامنا ... نحن أولیاؤکم

از ارتباط آیات، می توان استفاده کرد که ولایت خدایی فرشتگان، تا قیامت پا برجا خواهد بود و ولایت های غیر خدایی در قیامت تبدیل به دشمنی خواهد شد.

جاودانگی هوای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۵ – ۶

۶ میوه ها و خوراکی های بهشت و هوای مطبوع آن ، دائمی و

زوال ناپذیر است .

أُكلها دائم و ظلّها

<ظلّها> مبتداست و خبر آن (دائم) در تقدیر است.

درخت ممنوعه و جاودانگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۵

۵ شیطان در وسوسه آدم و حوا، بازماندن آنها از فرشته شدن و جاودانگی را دلیل تحریم خوردن از شجره نهی شده معرفی کرد.

إلا أن تكونا ملكين أو تكونا من الخلدين

ذکر جاودانگی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۸ - ۲،۳

۲ - اقتدار و کرامت زوال ناپذیر خداوند ، نعمتی شایان توجه برای خلق

و یبقی وجه ربّک ذو الجلل و الإکرام . فبأیّ ءالآء ربّكما تكذّبان

با توجه به این که فنای زمینیان، فنای مطلق و ابدی نیست و آنان پس از مرگ همچنان نیازمند و وابسته به فیض خداوند می باشند، اقتدار و کرامت جاودان خدا نوید و نعمتی برای آنان است.

۳ - خداوند ، خواهان توجه انسان به ناپایداری زندگی دنیایی و اقتدار و کرامت جاودان پروردگار هستی

كلّ من علیها فان . و یبقی وجه ربّک ... فبأیّ ءالآء ربّكما تكذّبان

پرسش سرزنش آمیز آیه شریفه، در مورد نعمت های انکارناپذیر، درصدد توجه دادن انسان به نعمت هایی است که در آیات پیشین مطرح شده است (از جمله ناپایداری دنیا و بقای اقتدار خداوند).

زمینه جاودانگی حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۵ - ۳

۳ - حکمت و علم گسترده خداوند ، پشتوانه فرمانروایی زوال ناپذیر او بر نظام هستی

و هو الحکیم العلیم . و تبارک الذی له ملک

السموت و الأرض و ما بينهما

زمينه جاودانگى در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۷

۷ هجرت در راه خدا و يارى دين ، سبب جلب رضايت الهى و دستيابى به حيات جاودان در بهشت

من المهجرين و الأنصار . .. رضى اللّه عنهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۲

۲ - اطمينان و آرامش معنوى ، درپى دارنده كمال ايمان در دنيا و بهشت جاودان در آخرت

أنزل السكينه . .. ليزدادوا إيمنًا ... ليدخل المؤمنين و المؤمنت جنّت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۱ - ۱۷

۱۷ - ضرورت توأم بودن ايمان و عمل صالح ، در به دست آوردن سعادت اخروى و بهشت جاودانه

و من يؤمن باللّه و يعمل صلحًا يدخله جنّت. .. خلدين فيها أبدًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - بينه - ۹۸ - ۸ - ۹

۹ - ايمان و عمل ، مكمل يكديگر در رساندن انسان به بهشت جاويدان

إنّ الذين ءامنوا و عملوا الصلحت . .. جزاؤهم عند ربّهم جنّت عدن ... خلدين فيه

زمينه جاودانگى در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۸ - ۳

۳ - غیبت ، عیب جویی و انباشتن ثروت ، زمینه محبوس ماندن در آتشی مسلّط و فراگیر در جهنم

إنّها علیهم مؤصده

حرف <علی> در <علیهم>، بر احاطه و سلطه دلالت دارد.

زیان جاودانگی در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۵ – ۲۴

۲۴ – گرفتار شدن به آتش و عذاب ابدی ، خسران واقعی است .

إنّ الخسرین الذین . .. فی عذاب مقیم

شرایط جاودانگی در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۳ – ۶

۶–ورود به بهشت و جاودان ماندن مؤمنان صالح در آن به اذن خداوند است .

و أُدخل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جنّت . .. بإذن ربّهم

عقیده به جاودانگی با ثروت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – همزه – ۱۰۴ – ۳ – ۱

۱ – شیفتگان ثروت ، بقای خود را در گرو انباشتن آن دانسته و آن را نشانه جاودانگی می نمایانند .

یحسب أنّ ماله أخلده

جمله <یحسب. ..> استعاره است؛ یعنی، زراندوزان مانند کسی عمل می کنند که خود را جاودان می دانند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – همزه – ۱۰۴ – ۴ – ۱

۱ – مؤثر دانستن ثروت ، در جاودانگی و رهایی از نابودی و مرگ ، پنداری نادرست و ناروا است .

أخلده . کلاّ

حرف <کلاّ>، مخاطب را از پذیرش گفتارهای بیان شده در جملات پیش، بازمی دارد.

علاقه به جاودانگی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۴۸ – ۴

۴- دور بودن از رنـج و تعب ، زنـدگی توأم بـا سـلامتی و امنیت و مانـدگاری و جـاودانگی ، از اموری که مورد علاقه شـدید انسان است .

لایمسّهم فیها نصب و ما هم منها بمخرجین

ذکر وضعیت متقین در بهشت، به منظور تشویق انسانها جهت پیوستن به

صفوف تقواپیشگان است. طبیعی است ذکر این وضعیت، باید به گونه ای باشد که مطلوب انسانها و مورد علاقه آنها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۸

۸ - بشر ، شیفته جاودانگی و ارزش های جاودان

لیدخل . .. جنّت ... خلدین فیها

نویـد، همواره به چیزی صورت می گیرد که مورد اشتیاق و تمایل است. از این که خداونـد، بشارت به خلود در نعمت ها داده است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۸

۸ - انسان ، شیفته ابدیت و دوستدار زندگی جاودانه است .

خلدین فیها أبدًا

نوید، آن گاه برای شخص سودمند است که باب طبع و موافق خواسته های او باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۳ - ۲،۴

۲ - انسان ، خواهان بقا و پویای عوامل آن است .

یحسب أنّ ماله أخلده

آیه شـریفه کسـانی را ملامت می کنـد که عامل جاودانه شـدن را ثروت می پندارنـد; ولی علاقه آنان به جاودانگی را مـذموم ندانسته و وجود آن را مفروض گرفته است.

۴ - انباشتن ثروت ، نشانه احساس کاذب جاودانگی است .

الذی جمع مالاً و عدّده . یحسب أنّ ماله أخلده

عوامل جاودانگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۸ - ۱۴

۱۴ - < عن أبی عبداللّه (ع) فی قول اللّه عزّوجلّ < کلّ شیء هالك إلاّ وجهه > قال من أتی اللّه بما أمر به من طاعه محمد (

ص) و الأئمه من بعده صلوات علیهم فهو الوجه الذی لایهلک . . . ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدای عزّوجلّ که فرموده: <کلّ شیء هالک إلاّ وجهه> روایت شده که فرمود: کسی که به پیشگاه خدا بیاورد آنچه را که به آن امر شده است; از اطاعت محمد(ص) و ائمه بعد از وی درود خدا بر آنان باد پس این وجهی است [که دارنده آن] هلاک نمی شود>.

عوامل جاودانگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۲ - ۱،۲

۱ - مؤمنان به پیامبر (ص) ، که دارای اعمال صالح باشند ، اهل بهشت بوده و در آن جاودان خواهند بود .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت أولئک أصحب الجنه هم فیها خلدون

مراد از ایمان در آیه مورد بحث - به قرینه آیه ۷۵ (أفتطمعون أن یؤمنوا لکم) - ایمان به پیامبر(ص) و اسلام است.

۲ - ایمان بدون عمل صالح و عمل صالح بدون ایمان ، در پی دارنده پاداش (خلود در بهشت) نخواهد بود .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۳ - ۷

۷- مؤمنان دارای عمل صالح ، مورد عنایت پروردگار خویش بوده و ورود و جاودان ماندنشان در بهشت برخاسته از ربوبیت اوست .

أُدخل الذین ءامنوا . .. جنّت ... خلدین فیها بإذن ربّهم

اضافه شدن <ربّ> به ضمیر <هم>، که مرجع آن <الذین آمنوا> است، مشعر به معنای یاد شده است.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳ - ۳

۳- درنگِ جاودانه مؤمنان در بهشت ، نتیجه مداومت آنان بر اَعمال نیک است .

یعملون الصلحت . .. مکثین فیه أبدًا

ذکر <ماکثین فیه أبداً> پس از جمله <یعملون الصالحات> که بر استمرار دلالت دارد می تواند نشاندهنده این مطلب باشد که جاودانگی آنان در بهشت، نتیجه مداومت شان بر اَعمال نیک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۳ - ۱۵

۱۵ - تقوا ، عامل جاودانگی در بهشت

الذین اتّقوا ربّهم إلی الجنّه زمرًا . .. فادخلوها خلدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۹ - ۱۴

۱۴ - ضرورت توأم بودن ایمان و عمل صالح ، در به دست آوردن کامیابی اخروی و بهشت جاویدان

و من یؤمن باللّه و یعمل صلحًا یکفّر عنه سیّئاته . .. ذلک الفوز العظیم

عوامل جاودانگی در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۱ - ۳،۴،۶،۷،۸

۳ - خداوند ، نه تنها اندک بودن عذاب یهود را تضمین نکرده ; بلکه در صورت احاطه داشتن گناه بر آنان ، ایشان را در آتش دوزخ ماندگار خواهد کرد .

أتخذتم عند اللّه عهداً . .. بلی من کسب سیئه ... هم فیها خلدون

۴ - گنهکارانی که گناهانشان سراسر وجود آنان را فرا گیرد ، در آتش دوزخ برای همیشه گرفتار خواهند شد .

من كسب سيئه و أحطت به خطيئته فأولئك أصحاب النار هم فيها خلدون

<سيئه> و <خطيئه> هر دو به معناى بدى و گناه است.

۶

- کفر به پیامبر (ص) و اسلام ، موجب گرفتار شدن آدمی به آتش دوزخ و خلود در آن خواهد شد .

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم . .. من کسب سیئه ... هم فیها خلدون

آیه مورد بحث (من کسب . ..) قضیه کلی و کبرای آیات گذشته است و آیات پیشین تعیین کننده صغرای این قضیه کلی است. بنابراین کفر به پیامبر(ص) و اسلام - که از جمله <أفتطمعون أن یؤمنوا لکم> (آیه ۷۵) به دست می آید - از مصداقهای <سیئه> است و اصرار بر آن، مصداق <احاطه خطیئه> خواهد بود.

۷ - یهودیان ، در صورت انکار رسالت پیامبر (ص) ، برای همیشه به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم . .. من کسب سیئه ... هم فیها خلدون

۸ - بدعتگذاری و دین سازی از سیئاتی است که در صورت توبه نکردن از آن ، عذاب همیشگی دوزخ را در پی خواهد داشت .

فویل للذین یکتبون الکتب . .. من کسب سیئه ... هم فیها خلدون

از مصادیق مورد نظر برای <سیئه> به دلیل <فویل للذین . ..> بدعتگذاری است که اصرار بر آن موجب احاطه خطیئه بر بدعتگذار خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۵ - ۴

۴ - اصرار بر کفر و تکذیب آیات الهی ، در پی دارنده عذاب ابدی دوزخ

فی جهنّم خلدون . .. ألم تکن ءایتی تتلی علیکم فکنتم بها تکذّبون

جمله <کنتم بها تکذّبون> ماضی استمراری و بیانگر پافشاری کافران بر کفر و تکذیب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ -

فرقان – ۲۵ – ۶۹ – ۷

۷ گناه شرک ، آدم کشی و زنا ، در پی دارنده عذاب طولانی و خوارکننده در قیامت

و يخلد فيه مهانًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۷ – ۲

۲ – عذاب دائمی دوزخ ، کیفر رفتار ناشایست انسان ها است .

نعمل صلحًا غير الذى كنّا نعمل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۷۲ – ۷

۷ – کفر و انکار مغرورانه آیات الهی ، عامل جاودانگی در دوزخ

قيل ادخلوا أبوب جهنّم خلدين فيها فبئس مثوًى المتكبّرين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۷۶ – ۷

۷ – تکبر ، غرور و سرمستی ، عامل جای گرفتن دائمی در دوزخ

جهنّم خلدين فيها فبئس مثوَى المتكبّرين

توصیف کافران دوزخی به <متکبران>، بیانگر این حقیقت است که آنچه موجب دوزخی شدن آنان می شود، وجود صفت تکبر، غرور و سر مستی آنان در زندگی دنیایی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۲۸ – ۵

۵ – انکار آیات الهی ، از سر عناد و حق ستیزی ، در پی دارنده آتش همیشگی دوزخ

لهم فیها دار الخلد بما کانوا بأیتنا یجحدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۷۴ – ۲

۲ – گناه پیشگی ، عامل ورود به جهنم و جاودانگی در عذاب

إنّ المجرمین فی عذاب جهنّم خلدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۷۷ – ۱۱

۱۱

- خلود و جاودانگی در جهنم ، نتیجه ظلم و ستم پیشگی است .

کانوا هم الظلمین . .. إنّکم مکثون

با توجه به واژه <ماکثون> و ارتباط این آیه با آیات قبل، استفاده می شود که خلود، نتیجه ظلم مجرمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۵ - ۵

۵ - محکومیت ابدی کافران مستکبر به عذاب همیشگی دوزخ ، نتیجه حق ستیزی ودنیا محوری آنان

اتّخذتم ءایت اللّه هزوًا و غرّتکم الحیوه الدنیا فالیوم لایخرجون منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۷ - ۷

۷ - نفاق ، عامل خلود در آتش دوزخ

هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۷ - ۴

۴ - کفرورزی و نیز دعوت به آن ، موجب خلود در آتش

قال للإنسن اکفر فلمّا کفر . .. فکان عقبتهما أنّهما فی النار خلدَین فیها

عوامل جاودانگی در عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۱۲

۱۲ محرومیت منافقان و کافران از رحمت الهی ، مایه رنج و عذاب همیشگی آنان

و لعنهم اللّه و لهم عذاب مقیم

برداشت فوق بر این اساس است که <عذاب مقیم> در نتیجه نفرین الهی به دوری آنان از رحمت باشد.

عوامل جاودانگی عمل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱ - ۷

۷ راه خدا ، راه بقا و جاودانگی اعمال نیک انسان

و صدّوا عن سبیل اللّه أضلّ أعملهم

چنانچه <أضلّ أعمالهم> بیان این واقعیت باشد

که انحراف از مسیر خدا، به طور طبیعی و ناگزیر به حبط عمل و پوچی منتهی می گردد. مفهوم آن این خواهد بود که پیمودن راه خدا سبب بقا و ثمربخشی اعمال ارزشمند آدمی، در گستره جهان آخرت است.

گرایش به جاودانگی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۲ – ۴

۴ تمایـل طبیعی و غریزی انسـان به بوسـتان ، آب ، خـانه هـای دلپـذیر و جـاودانگی ، وسـیله ای در جهت گرایش دادن وی به ارزش های معنوی

وعد اللّه المؤمنین و المؤمنت جنت تجری

با توجه به اینکه خداوند، همین گرایشـهای طبیعی را وسـیله هدایت انسانها و سوق دادن آنان به کسب ارزشها قرار داده است، برداشت فوق به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۹ – ۵

۵ بهره گیری از گرایش انسان به زیبایی و جاودانگی ، در جهت هدایت وی به ایمان و جهاد ، امری است شایسته و بایسته .

جهدوا بأمولهم . .. أعد اللّه لهم جنت تجری من تحتها الأنهر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۳ – ۴

۴- بهره گیری قرآن از گرایش های انسان (گرایش به ابدیت) در ترغیب به ارزش های معنوی ، بهره می گیرد .

یبشّر المؤمنین الذین یعملون الصلحت أنّ لهم أجرًا حسنًا . مکثین فیه أبدًا

روشن است که تمایـل به جـاودانگی، در نهاد انسان ها وجود دارد و قرآن مجیـد، از همین علاقه ها، برای سوق دادن آدمی به سوی ارزش ها، بهره برداری کرده

است.

ملاک جاودانگی همسری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۰ - ۲

۲ - همسری متکی بر ایمان و تقوا ، پایدار تا قیامت و ورود به بهشت

ادخلوا الجنّه أنتم و أزوجکم

بـا توجه به این که در آیه ۶۷ بیان شده بود که تمامی دوسـتان با یکدیگر دشـمن خواهند شد، جز تقواپیشـگان، قید <متقی> برای همسـران اسـتفاده می شـود; زیرا رابطه زن و شـوهری یکی از مصـادیق دوسـتی هـا است که در صورتی که طرفین متقی باشند، دوستی آنان تا قیامت پایدار خواهد ماند.

منشأ جاودانگی بکارت حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۶ - ۴

۴ - باقی ماندن حوران بهشت بر دوشیزگی ، معلول اراده الهی درباره آنان

فجعلنهنّ أبکارًا

از آن جایی که ممکن بود مسأله <همواره باکره مانـدن> در ذهن مخاطبان صدراسـلام غیر قابل باور جلوه کنـد، خداوند آن را به خواست خود نسبت داده و فرموده است: این را ما اراده کرده ایم و اراده ما تخلف ناپذیر است.

منشأ جاودانگی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۹ - ۸

۸- جاودانگی بهشتیان و برخورداری ابدی آنان از نعمت ها ، متکی به مبدأ لایزال و پایان ناپذیر فیض الهی است .

خلدین فیها . .. قل لو کان البحر مدادًا لکلمت ربّی لنفد البحر

منشأ جاودانگی در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بینه – ۹۸ – ۸ – ۱۴

۱۴ – بهشت جاودان و نعمت های آن ، کسب رضایت خداوند و راضی

شدن از او ، ویژه کسانی است که به عظمت خداوند ، پی برده و از او هراس دارند .

جنّت عدن تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها أبدًا رضی اللّه عنهم و رضوا عنه ذلک

<خشیت>، به معنای ترس آمیخته با احساس عظمت است. (مفردات)

منشأ جاودانگی در نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱۴

۱۴ - بهشت جاودان و نعمت های آن ، کسب رضایت خداوند و راضی شدن از او ، ویژه کسانی است که به عظمت خداوند ، پی برده و از او هراس دارند .

جنّت عدن تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها أبدًا رضی اللّه عنهم و رضوا عنه ذلک

<خشیت>، به معنای ترس آمیخته با احساس عظمت است. (مفردات)

منشأ جاودانگی سنتهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۳ - ۵

۵ - اتکای سنن الهی ، بر علم و قدرت ازلی و گسترده او ، راز جاودانگی و تبدیل ناپذیری آن *

قد أحاط اللّه بها و کان اللّه علی کلّ شیء قدیرًا . .. و لن تجد لسنّه اللّه تبدیل

در آیات پیشین، خداوند دو وصف از اوصاف خویش را یادآور شده است: ۱ علم ازلی و محیط; ۲ قدرت ازلی و نامحدود و در این آیه، سخن از جاودانگی قوانین خویش به میان آورده است. از ارتباط این دو بیان، مطلب بالا به دست می آید.

منشأ جاودانگی نعمت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۹ - ۸

۸- جاودانگی بهشتیان و برخورداری ابدی

آنان از نعمت ها ، متکی به مبدأ لایزال و پایان ناپذیر فیض الهی است .

خلدین فیها . .. قل لو کان البحر مدادًا لکلمت ربّی لنفد البحر

موانع جاودانگی در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بینه – ۹۸ – ۷ – ۳

۳ – مؤمنان نیک کردار ، گرفتار عذاب ابدی جهنم نخواهند شد .

إنّ الذین کفروا . .. فی نار جهنّم ... إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت أُولئک

موجبات جاودانگی در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۳ – ۱

۱ جبهه گیری در برابر خدا و رسول (ص) و خصومت با آنان ، مستلزم خلود در آتش دوزخ است .

من یحادد اللّه و رسوله فان له نار جهنم خلداً فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۵ – ۲۲

۲۲ – ظلم و ستمگری ، موجب جاودانگی انسان در آتش دوزخ است .

ألا إنّ الظلمین فی عذاب مقیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۷۸ – ۳

۳ – اعراض و روی گردانی از پیام حق ، موجب جاودانگی در آتش جهنم

إنّکم مکثون . .. أکثرکم للحقّ کرهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۲۰

۲۰- بی تقوایی و هواپرستی ، منتهی به خلود در آتش دوزخ

زیّن له سوء عمله و اتّبعوا أهواءهم . .. هو خلد فی النار

موجبات جاودانگی در عذاب اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۱۱ – ۸

۸ – ارتداد از دین ، گناهی نابخشودنی و درپی دارنده عذاب جاودان اخروی است .

و من الناس من یعبد اللّه علی حرف . .. خسر الدنیا و الأخره

نشانه های جاودانگی انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تین – ۹۵ – ۶ – ۳

۳ – ایمان و عمل صالح ، هماهنگ با ساختار وجودی انسان و نشان باقی ماندن او ، در کامل ترین نظام خلقت است .

أحسن تقویم . .. الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

نشانه های جاودانگی خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۵۹ – ۸

۸ آفرینش جهان هستی (آسمان ها ، زمین و . . .) جلوه ای از حیات جاویدان خداوند

الحیّ الذی لایموت . .. الذی خلق السموت و الأرض

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که <الذی خلق> صفت برای >الحیّ< باشد.

نعمت جاودانگی خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۲۸ – ۲

۲ – اقتدار و کرامت زوال ناپذیر خداوند ، نعمتی شایان توجه برای خلق

و یبقی وجه ربّک ذو الجلل و الإکرام . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

با توجه به این که فنای زمینیان، فنای مطلق و ابـدی نیست و آنان پس از مرگ همچنان نیازمنـد و وابسـته به فیض خداونـد می باشند، اقتدار و کرامت جاودان خدا نوید و نعمتی برای آنان است.

جاه طلبان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جاه طلبان

افساد جاه طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۴ -

۸ – ظلم و جاه طلبی ، فسادگری است .

ظلمًا و علوًّا . فانظر کیف کان عقبه المفسدین

جاه طلبی

آثار جاه طلبی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۷۵ – ۸

۸- کفرورزی به آیات الهی ، فریفتگی به جاه و مقام و دل بستن به هم فکران در برابر مؤمنان ، از نمود های کامل گمراهی

قل من کان فی الضلله

جمله <من کان فی الضلاله . ..> پاسخی است به گفته کافران که هنگام شنیدن آیات خدا، به مؤمنان می گفتند: <أیّ الفریقین خیر ...>. در این آیه کافرانِ به آیات الهی، اهل ضلالت معرفی شده اند و در آیه بعد مؤمنان به آیات الهی، اهل هدایت قلمداد شده اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکاثر – ۱۰۲ – ۱ – ۱

۱ – تلاش برای برتری یافتن بر دیگران در ثروت و منزلت ، مردم را به خود مشغول ساخته ، از اهداف مهم تر باز داشته است .

ألهیکم التکاثر

<الهاه کذا>; یعنی، او را مشغول ساخته و از امر مهم تر باز داشت (مفردات). تکاثر، به معنای <مکاثره> است; یعنی، افزون تر بودن را ابزار غلبه بر دیگران قرار دادن (تاج العروس) و یا رقابت با یکدیگر در فراوانی مال و عزت. (مفردات)

آثار جاه طلبی بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۱۷ – ۴

۴ - اختلاف بنی اسرائیل در مسائل دینی و اجتماعی ، اختلافی آگاهانه و معلول جاه طلبی و تجاوزگری آنان

فما اختلفوا إلّا من بعد ما جاءهم العلم بغيًا بينهم

<فاء>

در <فما اختلفوا> اختلاف بنی اسرائیل را بر <آتینا بنی اسرائیل الکتاب و الحکم. ..> تفریع کرده است; یعنی، ما به بنی اسرائیل هم شریعت دادیم و هم اقتدار و حکومت اما آنان به اختلاف گراییدند. این اختلاف در آیه شریفه مطلق است که می تواند شامل مسائل دینی و اجتماعی (کتاب و حکومت) باشد.

آثار جاه طلبی رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۴

۴ - رویارویی سران شرک با پیامبراسلام (ص) ، برخاسته از حسادت و خوی جاه طلبی آنان بود .

أءنزل علیه الذکر من بیننا

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که مقصود از <بیننا> خود سران کفر و شرک باشد. بر این اساس اعتراض آنان به انتخاب پیامبراسلام(ص) از میان آنها، می تواند ناشی از جاه طلبی و حسادت آنان به آن حضرت باشد.

آثار جاه طلبی فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۴ - ۳

۳ - روحیه ستمگری و جاه طلبی فرعونیان ، عامل موضع گیری آنان در برابر آیات الهی

و جحدوا بها. .. ظلمًا و علوًّا

جاه طلبی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۷ - ۱۲،۱۳

۱۲ - اختلاف یهود درباره رسالت پیامبراکرم (ص) ، اختلافی مغرضانه و جاه طلبانه *

و ءاتینهم بیّنت من الأمر فما اختلفوا إلاّ من بعد ما جاءهم العلم . .. إنّ ربّک

برداشت بالا بدان احتمال است که <الأمر> نظر به رسالت پیامبراکرم(ص) داشته باشد. در این صورت اختلاف بنی اسرائیل

نیز مربوط به همین مسأله می شود.

۱۳ – تهدید یهود از سوی خداوند ، به خاطر اختلاف های مغرضانه و جاه طلبانه آنان در امر رسالت پیامبراکرم (ص) *

بیّنت من الأمر . .. إنّ ربّک یقضی بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

سرزنش جاه طلبی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکاثر – ۱۰۲ – ۱ – ۲

۲ – تفاخر بر دیگران و رقابت با یکدیگر در مقام و ثروت ، نکوهیده و ناروا است .

ألهیکم التکاثر

موانع جاه طلبی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۱۴ – ۴

۴ – پیام و رسالت پیامبران الهی ، ناسازگار با روحیه ظلم و جاه طلبی

و جحدوا بها و استیقنتها أنفسهم ظلمًا و علوًّا

جاهل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جاهل

اطاعت از جاهل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۴ – ۱۵،۱۸

۱۵ جاهلان و گمراهان هرگز شایسته پیروی نمی باشند .

او لو کان ءاباؤهم لایعلمون شیئاً و لایهتدون

۱۸ ناپسندی تقلید و پیروی از جاهلان و گمراهان امری وجدانی و روشن

او لو کان ءاباؤهم لایعلمون شیئاً و لایهتدون

استفهام در <او لو کان . ..> برای تقریر است و حکایت از آن دارد که ناپسندی تقلید از جاهلان امری است که وجدان هر انسانی بدان اعتراف دارد.

بینش کافران جاهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۸ - ۷

۷ در بینش کافران زشتکردار عصر جاهلی، روش پدرانشان مهمتر از امر خداوند بود.

قالوا وجدنا علیها ءاباءنا و الله أمرنا بها

از اینکه زشتکاران

در توجیه کردار خویش قبل از استناد به امر خدا به روش پدرانشان تمسک جستند، برداشت فوق استفاده می شود.

تقلید از جاهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۴ - ۱۴

۱۴ تقلید از جاهلان گمراه کاری ناپسند و باطل

او لو کان ءاباؤهم لایعلمون شیئاً و لایهتدون

لحن مذمت بار آیه دلالت بر بطلان و زشتی تقلید از جاهلان دارد.

جاهل قاصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۹ - ۱۲

۱۲ جاهل قاصر ، معذور است .

ان تقولوا ما جاءنا من بشیر و لانذیر

از اینکه ارسال پیامبر(ص) سد کننده راه عذر معرفی شده است، معلوم می شود که اگر انجام نمی گرفت عذر باقی بود.

جاهل معذور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۹ - ۱۲

۱۲ جاهل قاصر ، معذور است .

ان تقولوا ما جاءنا من بشیر و لانذیر

از اینکه ارسال پیامبر(ص) سد کننده راه عذر معرفی شده است، معلوم می شود که اگر انجام نمی گرفت عذر باقی بود.

کافران جاهل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۲۸ – ۶

۶ کافران زشتکردار عصر جاهلی از سر جهل، انجام کارهای زشت و ناپسند را اجرای فرمان خدا می پنداشتند.

و إذا فعلوا فحشه قالوا . .. الله أمرنا بها

جاهلان

{جاهلان}

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱۳ – ۱۰،۱۱

۱۰ – مشرکان ، مردمی جاهل هستند .

کذلک قال الذین لایعلمون

<لایعلمون> در جمله فوق،

به منزله فعل لازم و بی نیاز از مفعول است. بنابراین <الذین لایعلمون>; یعنی، جاهلان.

۱۱ – امت ها ، بدون داشتن کتاب آسمانی و تدین به ادیان الهی ، مردمی جاهلند .

کذلک قال الذین لایعلمون مثل قولهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱۸ – ۴

۴ – شرک برخاسته از جهل و مشرکان مردمی نادانند .

و قال الذین لایعلمون

مراد از <الـذین لاـیعلمون>، مشرکان است. توصیف مشرکان به نادانان، اشاره به دو حقیقت دارد: اول اینکه ریشه شرک، جهل است و دوم اینکه، پیشنهاد آنان مبنی بر سخن گفتن با خدا با آنها و یا آمدن معجزه، نشانه نادانی ایشان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۱۷ – ۴،۱۰

۴ گناهکار ، جاهل است .

یعملون السّوء بجهاله

با توجّه به توضیح فیش قبل.

۱۰ گناهکار ، جاهل و سبک مغز است ، اگر چه آگاه به گناه بودن عملش باشد .

انّما التّوبه علی اللّه للّذین یعملون السوء بجهاله

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: کلّ ذنب عمله العبد و ان کان به عالما فهو جاهل حین خاطر بنفسه فی معصیه ربّه . .. .

تفسیرعیاشی، ج ۱، ص ۲۲۸، ح ۶۲ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۵۴، ح ۶.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۸ – ۱۰

۱۰ اهل کتاب و دیگر کافران به دلیل استهزای دین اسلام و احکام و شعایر آن ، @مردمی نادان و بی خرد

اتخذوا دینکم هزواً . .. ذلک بانهم قوم لایعقلون

برداشت فوق بر این مبناست

که <لایعقلون> فعلی لازم باشد، یعنی اهل کتاب و کافران، فاقد عقل و اندیشه کافی هستند. اسناد <لایعقلون> به <قوم> که حاکی از بافت خاص اجتماعی آنهاست، این معنی را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۹ - ۱۳

۱۳ کسانی که با اندیشه های مبتنی بر تمایلاتِ خود دیگران را به گمراهی می کشانند، مردمی نادان هستند.

و إن کثیرا لیضلون بأهوائهم بغیر علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۰ - ۶

۶ مشرکان عصر جاهلی به سفاهت خویش در فرزندکشی ناآگاه بودند.

قد خسر الذین قتلوا أولدهم سفها بغیر علم

<باء> در <بغیر علم> به معنای ملابسه و وصف برای <سفها> است. لذا معنی آیه چنین می شود: سفاهتی خالی از علم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۸ - ۱۴

۱۴ قوم موسی مردمی جاهل و ناآگاه به ویژگی ها و صفات معبود راستین و شایسته پرستش

قالوا یموسی اجعل لنا إلهاً کما لهم ءالهه قال إنکم قوم تجهلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۱۱

۱۱ مشرکان صدر اسلام ، مردمانی نادان و گرفتار جهل بودند .

ذلک بأنهم قوم لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۰ - ۳

۳ کسانی که پیامبران الهی را تکذیب کنند و به آیات و نشانه های خدا ایمان نیاورند ، مردمی بی خرد و نادان هستند .

و یجعل الرجس علی الذین لایعقلون

مراد

از <الـذین لایعقلون> به قرینه مقابله با <ما کان لنفس أن تؤمن . ..> تکـذیب کننـدگان و کافران هسـتند. گفتنی است ذکر <لایعقلون> به جای <لایؤمنون> برداشت فوق را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۲۱

۲۱ اسیران دام هوس و تمایلات جنسی نامشروع ، از زمره سفیهان و بی خردانند .

أصب إلیهنّ و أکن من الجهلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۹ - ۵

۵ آنان که الهی بودن قرآن و حقانیّت آن را باور ندارند ، کوردل و جاهلند .

أفمن یعلم أنما أُنزل إلیک من ربک الحق کمن هو أعمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۹ - ۶

۶ - کافران مجرم ، مردمانی جاهل و نادان به حقایق اند .

المجرمون. .. الذین کفروا... الذین لایعلمون

<لاـیعلمون> می توانـد صـفت دیگری علاوه بر <المجرمون> برای <الـذین کفروا> باشـد که درباره آنان و موضع گیری هایشان در این آیات، بحث شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۴ - ۳

۳ - مشرکان ، مردمی نادان اند .

أفغیر اللّه تأمرونّی أعبد أیّها الجهلون

برداشت یاد شـده مبتنی بر این دیدگاه است که <جاهلون> لازم بوده و متعلقی نداشـته باشد. در این صورت این واژه حاکی

از سجیه و صفت دائمی مشرکان خواهد بود.

اجتناب از پیروی جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۸ - ۸

۸ - پیامبر (ص

) ، مأمور به پیروی نکردن از هوس ها و خواسته های افراد بی دانش و ناآگاه

و لاتتّبع أهواء الذین لایعلمون

اجتناب از مقابله به مثل با جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۵ - ۲

۲ - پرهیز ایمان آوردگان از اهل کتاب ، از مقابله به مثل کردن در برابر سخنان یاوه و بی ادبانه افراد نادان

و إذا سمعوا اللّغو أعرضوا عنه

اجتناب از همنشینی با جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۵ - ۱۲

۱۲ - لزوم پرهیز از هم نشینی با افراد نادان و یاوه گو

لانبتغی الجهلین

اعراض از جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴ - ۱۰

۱۰ - < عن أبی عبدالله (ع) قال : إنّ اللّه أدّب نبیَّه حتّی إذا أقامه علی ما أراد قال له : < و أمر بالعُرْف و أعرض عن الجاهلین > فلمّا فعل ذلک له رسول اللّه (ص) زکّاه اللّه ، فقال : < إنّک لعلی خلق عظیم . . . > ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: خداوند پیامبر خود (محمّد(ص)) را تربیت کرد تا آن گاه که او را بر آنچه اراده کرده بود پابرجا داشت، به او فرمود: (و أمر بالعرف و أعرض عن الجاهلین) چون رسول خدا آن فرمان را برای او انجام داد، خداوند او را به پاکی ستود و فرمود: (إنّک لعلی خلق عظیم)>.

اعراض از راه جاهلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵

- انعام - ۶ - ۳۵ - ۱۵

۱۵ ضرورت اجتناب از راه و روشهای جاهلان و تأثیرپذیری از آنان

فلا تکونن من الجهلین

بی ادبی جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۳ - ۹

۹ بندگان خالص خدا ، به هنگام روبه رو شدن با گفتار جاهلانه و به دور از ادب و منطق افراد جاهل ، با گفتار شایسته و عالمانه و به دور از بیهودگی و بی ادبی به آنان پاسخ می گویند .

و إذا خاطبهم الجهلون قالوا سلمًا

برداشت فوق، بر این مبنا است که <سلاماً> صفت برای مفعولٌ به مقدر باشد; یعنی، <قالوا قولاً سلاماً> در این صورت معنای <سلاماً> به قرینه جمله قبل که سخن از گفتار جاهلانه و ناشایست افراد جاهل است سخن عالمانه و شایسته و دور از بیهودگی و بی ادبی می باشد.

بینش جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۷ - ۱

۱- برخی از ناآگاهان کفر به آیات الهی را ، موجب دستیابی خود به مال و فرزند فراوان می پندارند .

کفر بأیتنا و قال لأُتینّ مالاً و ولدًا

جمله <قال لأُوتینّ. ..> بر <کفر بأیاتنا> مترتب است; یعنی، گوینده این سخن به گمان این که کفر او، موجب دستیابی به مال و فرزند می گردد، کفر را برگزیده است.

تأثیرپذیری از جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۱۸ – ۱۱،۱۲

۱۱ – تأثیرپذیری از خواسته ها و امیال ناآگاهان ، ناسازگار با اجرای صحیح و بایسته شریعت

ثمّ جعلنک علی

شریعه من الأمر فاتّبعها . و لاتتّبع أهواء الذین لایعلمون

۱۲ – تأثیرپذیری از عناصر ناآگاه ، از آفات رهبری است .

و لاتتّبع أهواء الذین لایعلمون

از این که شخص پیامبر(ص) که رهبر امت اسلامی است مخاطب <لاتتّبع> قرار گرفته، مطلب بالا استفاده می شود.

تربیت جاهلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۲۸ – ۱۰

۱۰– تربیت انسان های مبتلا به رسوم و اخلاق جاهلی و نجات دادن آنان از آنها ، نیازمند رعایت مراحل تربیتی ویژه است .

و إن عاقبتم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به و لئن صبرتم لهو خیر . .. و اصبر ... إن الل

فراز <إن عاقبتم . ..> برای ایجاد محدودیت در انتقام و مقابله به مثل است که شروع کار تربیتی است و سپس به صبرپیشگی و دست کشیدن از انتقام توصیه می کند و آن گاه به مرحله توصیه به تقوا و احسان می رسد. ذکر این نکته ها با این ترتیب می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

تفاوت علما با جاهلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵۸ – ۱

۱ – انسان عالم و روشن بین با انسان جاهل و کوردل ، از نظر شخصیت و سرنوشت برابر و هم سان نیستند .

و ما یستوی الأعمی و البصیر

تواضع با جاهلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۳ – ۱۳

۱۳ تشویق خداوند به فروتنی و مدارا با مردم و برخورد کریمانه و شایسته با افراد جاهل و ناسزاگو

و إذا خاطبهم الجهلون

قالوا سلمًا

از سیاق و آهنگ آیه شریفه، چنین برمی آید که خداوند در صدد تشویق و تحریص انسان ها به آراسته شدن به چنین اوصاف و خصلت هایی است.

جاهلان به امامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۲۲ – ۱۴

۱۴ عن أبی جعفر(ع) فی قول الله تبارك و تعالی: <أو من كان میتا فأحییناه و جعلنا له نورا یمشی به فی الناس> فقال: <میتا> لا یعرف شیئا <و نورا یمشی به فی الناس> اماما یأتم به <كمن مثله فی الظلمات لیس بخارج منها> قال: الذی لا یعرف الإمام.

امام باقر(ع) درباره آیه <أو من كان میتا . .. > فرمود: منظور از <میتا> کسی است که هیچ شناختی ندارد و منظور از <نورا یمشی به فی الناس>، امامی است که به او اقتدا کند و مراد از <كمن مثله فی الظلمات لیس بخارج منها>، کسی است که امام را نمی شناسد.

جاهلان به تعالیم دین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۷۹ – ۱۵

۱۵ ناآگاهان به معارف الهی ، بی خبران واقعی و مردمی غفلت زده اند .

أولئك هم الغفلون

جاهلان به ربوبیت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۸۷ – ۱

۱ – ربوبیت مطلق خداوند بر جهان هستی ، امری ناشناخته برای قوم مشرك ابراهیم (ع)

فما ظنّكم بربّ العلمین

فعل <ظن> هرگاه با حرف <با> متعدی شود، غالباً به ظن غیرصادق و بد إشعار دارد; یعنی، گمان شما به خدا، گمانی غیرصادق و نادرست است. گفتنی

است <عـالم> (مفرد <عـالمین>) به مجموعه و دسـته ای از موجودات گفته می شود. بنـابراین <عـالمین>; یعنی، تمـامی پدیده های موجود در جهان از هر دسته و مجموعه ای.

جاهلان به معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۸ - ۹،۱۰،۱۳

۹- اکثریت انسان ها ، از قدرت خداوند در احیای مجدد انسان ها ناآگاهند .

بلی وعدًا علیه حقًّا و لکنّ أکثر الناس لایعلمون

ممکن است به قرینهء تناسب موضوع که انکار و اثبات معاد است متعلق <لایعلمون> قـدرت خداونـد بر احیای مجـدد انسانها باشد.

۱۰- اکثر مشرکان مکه ، از قدرت خداوند بر احیای مجدد انسان ها بی خبر بودند .

بلی وعدًا علیه حقًّا و لکنّ أکثر الناس لایعلمون

برداشت فوق، بر اسـاس این نکته است که <ال> در <الناس> عهـد ذکری بوده و مراد از آن مشـرکانی باشـند که در آیات قبل از آنها سخن به میان آمده است.

۱۳- اکثریت انسان ها ، درباره حقیقت معاد چیزی نمی دانند .

و لکنّ أکثر الناس لایعلمون

احتمال دارد مفعول به <لایعلمون>، <شیئاً> محذوف باشد و بنابراین نکته یاد شده قابل استفاده است.

جاهلان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳ - ۱۰

۱۰- جبهه ضد توحیدی در صدراسلام ، متشکل از گروهی جاهل ، بی منطق و پیرو بی چون و چرای شیطان بود .

ومن الناس من یجدل فی اللّه بغیر علم و یتّبع کلّ شیطن مرید

جاهلان و تعالیم خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۹ - ۳

۳ - عناصر ناآگاه

و جاهل به وحی ، فاقد طرح و برنامه ای ثمربخش در برابر فرمان و برنامه خداوند

إنّهم لن یغنوا عنک من اللّه شیًا

جاهلان و علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۳ - ۱۲

۱۲- انسان های ناآگاه برای رفع جهل خویش در امور ، باید به عالمان رجوع کنند .

فسئلوا أهل الذکر إن کنتم لاتعلمون

جاهلان و محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۸ - ۹

۹ - پیامبراکرم (ص) ، تحت فشار از سوی عناصر نابخرد برای پذیرش طرح ها و پیشنهاد های جاهلانه آنان

و لاتتّبع أهواء الذین لایعلمون

با توجه به تبعیت بی چون و چرای پیامبر(ص) از وحی، نهی <لاتتّبع> تعبیری کنایی برای بازداشتن دیگر مؤمنان خواهد بود و یا این که فشارهای ناآگاهان جدی بوده و خداوند به پیامبر در این باره هشدار داده است برداشت یاد شده ناظر به دومین احتمال است.

ختم قلب جاهلان به معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۹ - ۴

۴ - بر قلب بی خبران از روز معاد ، مهرخورده و غیرقابل نفوذ است .

فهذا یوم البعث و لکنّکم کنتم لاتعلمون. .. کذلک یطبع اللّه علی قلوب الذین لایعل

احتمال دارد که مراد از <الذین لایعلمون> به قرینه آیه پنجاه و ششم، بی خبران از معاد و قیامت باشد.

خواسته های جاهلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۱۸ – ۹

۹ – پیامبراکرم (ص) ، تحت فشار از سوی

عناصر نابخرد برای پذیرش طرح ها و پیشنهاد های جاهلانه آنان

و لاتتّبع أهواء الذین لایعلمون

با توجه به تبعیت بی چون و چرای پیامبر(ص) از وحی، نهی <لاتتّبع> تعبیری کنایی برای بازداشتن دیگر مؤمنان خواهد بود و یا این که فشارهای ناآگاهان جدی بوده و خداوند به پیامبر در این باره هشدار داده است برداشت یاد شده ناظر به دومین احتمال است.

خوشرفتاری با جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۳ - ۹،۱۱،۱۲،۱۳

۹ بندگان خالص خدا ، به هنگام روبه رو شدن با گفتار جاهلانه و به دور از ادب و منطق افراد جاهل ، با گفتار شایسته و عالمانه و به دور از بیهودگی و بی ادبی به آنان پاسخ می گویند .

و إذا خاطبهم الجهلون قالوا سلمًا

برداشت فوق، بر این مبنا است که <سلاماً> صفت برای مفعولٌ به مقدر باشد; یعنی، <قالوا قولاً سلاماً> در این صورت معنای <سلاماً> به قرینه جمله قبل که سخن از گفتار جاهلانه و ناشایست افراد جاهل است سخن عالمانه و شایسته و دور از بیهودگی و بی ادبی می باشد.

۱۱ برخورد کریمانه و بزرگوارانه بندگان خالص خدا در برابر گفتار جاهلانه افراد نادان ، برخاسته از روح فروتنی و نرم خویی آنان است .

و إذا خاطبهم الجهلون قالوا سلمًا

عطف جمله <و إذا خاطبهم الجهلون. ..> بر جمله قبل بدون تکرار شدن اسم موصول (الذین)، نشانگر وجود وحدت و ارتباط نزدیک میان این دو صفت است. از سوی دیگر تقدم بیان صفت تواضع بر صفت برخورد کریمانه با افراد جاهل، حاکی از آن است که این

صفت، سبب چنین برخورد پسندیده ای است.

۱۲ برخورد کریمانه و شایسته با گفتار جاهلانه و به دور از ادب و منطق ، از آثار بندگی خدای رحمان و ایمان به او است .

و عباد الرحمن الذین . .. و إذا خاطبهم الجهلون قالوا سلمًا

آغاز شدن آیه شریفه با عنوان <عباد> (بندگان) و سپس طرح شدن مسأله برخورد کریمانه و شایسته با گفتار جاهلانه و. ..، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

۱۳ تشویق خداوند به فروتنی و مدارا با مردم و برخورد کریمانه و شایسته با افراد جاهل و ناسزاگو

و إذا خاطبهم الجهلون قالوا سلمًا

از سیاق و آهنگ آیه شریفه، چنین برمی آید که خداوند در صدد تشویق و تحریص انسان ها به آراسته شدن به چنین اوصاف و خصلت هایی است.

دشمنی جاهلان صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۹ – ۲

۲ – جبهه ضد توحیدی در صدراسلام ، متشکل از گروهی نادان ، متکبر و استکبارپیشه

و من الناس من یجدل فی اللّه بغیر علم . ..ثانی عطفه

راه جاهلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۸۹ – ۸

۸ سستی و ناپایداری در مسیر حق طلبی و خداخواهی ، عملی جاهلانه و پیمودن راه جاهلان است .

فاستقیما و لاتتبعان سبیل الذین لایعلمون

رسوم جاهلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۹ - ۱،۳

۱ برخی از مردم عصر جاهلیت خوردن گوشت حیوانی را که با نام خدا ذبح شده باشد حرام می دانستند.

و ما لکم ألا

تأكلوا مما ذكر اسم الله عليه

۳ برخی از مسلمانان صدر اسلام تحت تأثیر سنتهای جاهلی و اجتماعی عصر خود بودند.

و ما لكم ألا تأكلوا مما ذكر اسم الله عليه

روش برخورد با جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۷ - ۱۳

۱۳- خوش گفتاری ، برخورد نیک و سعه صدر با جاهلان ، بدگویان و مخالفان ، شیوه ای نیکو و روشی ابراهیمی است .

قال سلم عليك سأستغفر لك ربّى

بیان عمل و گفتار حضرت ابراهیم(ع) و امر به یادآوری آن، دلالت بر نیکویی آن عمل و روش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۳ - ۹،۱۱،۱۳

۹ بندگان خالص خدا ، به هنگام روبه رو شدن با گفتار جاهلانه و به دور از ادب و منطق افراد جاهل ، با گفتار شایسته و عالمانه و به دور از بیهودگی و بی ادبی به آنان پاسخ می گویند .

و إذا خاطبهم الجهلون قالوا سلمًا

برداشت فوق، بر این مبنا است که <سلاماً> صفت برای مفعولٌ به مقدر باشد; یعنی، <قالوا قولاً سلاماً> در این صورت معنای <سلاماً> به قرینه جمله قبل که سخن از گفتار جاهلانه و ناشایست افراد جاهل است سخن عالمانه و شایسته و دور از بیهودگی و بی ادبی می باشد.

۱۱ برخورد کریمانه و بزرگوارانه بندگان خالص خدا در برابر گفتار جاهلانه افراد نادان ، برخاسته از روح فروتنی و نرم خویی آنان است .

و إذا خاطبهم الجهلون قالوا سلمًا

عطف جمله <و إذا خاطبهم الجهلون. ..> بر جمله قبل بدون تکرار شدن اسم

موصول (الـذین)، نشانگر وجود وحـدت و ارتباط نزدیک میان این دو صـفت است. از سوی دیگر تقدم بیان صـفت تواضع بر صفت برخورد کریمانه با افراد جاهل، حاکی از آن است که این صفت، سبب چنین برخورد پسندیده ای است.

۱۳ تشویق خداوند به فروتنی و مدارا با مردم و برخورد کریمانه و شایسته با افراد جاهل و ناسزاگو

و إذا خاطبهم الجهلون قالوا سلمًا

از سیاق و آهنگ آیه شریفه، چنین برمی آید که خداوند در صدد تشویق و تحریص انسان ها به آراسته شدن به چنین اوصاف و خصلت هایی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۵۵ – ۱

۱ – مواجه شدن ایمان آوردگان از اهل کتاب ، با یاوه گویی مخالفان نادان

الذین ءاتینهم الکتب من قبله . .. و إذا سمعوا اللّغو أعرضوا عنه

روش برخورد جاهلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۳ – ۹

۹ بنـدگان خـالص خـدا ، به هنگـام روبه رو شـدن بـا گفتـار جاهلانه و به دور از ادب و منطق افراد جاهل ، با گفتار شایسـته و عالمانه و به دور از بیهودگی و بی ادبی به آنان پاسخ می گویند .

و إذا خاطبهم الجهلون قالوا سلمًا

برداشت فوق، بر این مبنـا است که <سـلاماً> صـفت برای مفعولٌ به مقـدر باشـد; یعنی، <قالوا قولاً سـلاماً> در این صورت معنای <سـلاماً> به قرینه جمله قبل که سـخن از گفتار جاهلانه و ناشایست افراد جاهل است سخن عالمانه و شایسته و دور از بیهودگی و بی ادبی می باشد.

رهبری و جاهلان

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۹ - ۱۱

۱۱ ثبات و استقامت و تأثیرناپذیری از افراد نادان ، از وظایف رهبر جامعه اسلامی است .

فاستقیما و لاتتبعان سبیل الذین لایعلمون

زندگی مسالمت آمیز با جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۳ - ۱۰

۱۰ بندگان خالص خداوند ، به هنگام رو به رو شدن با گفتار جاهلانه و بدور از ادب و منطق جاهلان ، از آنان خواستار سلامت و امنیت و همزیستی مسالمت آمیز می شوند .

و إذا خاطبهم الجهلون قالوا سلمًا

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که <سلاماً> مفعولٌ به برای فعل مقدر باشد; یعنی، <نتسلم منکم تسلیماً>. در این صورت <سلام> به جای <تسلیم> نشسته است.

سرزنش جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۸ - ۱۴

۱۴ جاهلان ، مورد سرزنش خداوند

فمال هؤلاء القوم لا یکادون یفقهون حدیثا

سرزنش مجادله با جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۲ - ۱۹

۱۹- مناظره با جاهلان ، جز بحثی سطحی و کوتاه ، نکوهیده و ناروا است .

مایعلمهم إلّا قلیل فلاتمار فیهم إلّا مراءً ظهرًا

تفریع <لاتمار> بر جمله <مایعلمهم. ..> به وسیله حرف <فاء>، بیانگر نکته یاد شده است.

سرنوشت جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۹ - ۱

۱ - انسان جاهل و کوردل با انسان عالم و روشن بین ، از نظر شخصیت و سرنوشت ، برابر و

هم سنگ نیستند .

و ما یستوی الأعمی و البصیر

واژه <أعمی> و <بصیر> در آیه شریفه، کنایه از کوردلی و روشن بینی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۱۲

۱۲ - اهل دانش و معرفت با جاهلان و نادانان ، از نظر شخصیت و سرنوشت یکسان نیستند .

قل هل یستوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون

شخصیت جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۹ - ۱

۱ - انسان جاهل و کوردل با انسان عالم و روشن بین ، از نظر شخصیت و سرنوشت ، برابر و هم سنگ نیستند .

و ما یستوی الأعمی و البصیر

واژه <أعمی> و <بصیر> در آیه شریفه، کنایه از کوردلی و روشن بینی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۱۲

۱۲ - اهل دانش و معرفت با جاهلان و نادانان ، از نظر شخصیت و سرنوشت یکسان نیستند .

قل هل یستوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون

عجز جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۹ - ۳

۳ - عناصر ناآگاه و جاهل به وحی ، فاقد طرح و برنامه ای ثمربخش در برابر فرمان و برنامه خداوند

إنّهم لن يغنوا عنک من اللّه شيًا

عفو جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۹ - ۳

۳ خداوند از پیامبرش خواست تا با جاهلان و سفیهان مدارا کند و کردار جاهلانه آنان را نادیده انگارد .

و أعرض عن الجهلين

<اعراض> به

معنای روی گردانـدن است و رویگردانی گاهی کنایه از مدارا کردن و نادیده گرفتن است و گاهی به معنای بی اعتنایی کردن و دوری گزیدن. با توجه به صدر آیه می توان گفت مراد از اعراض، معنای اول است.

علما در میان جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۱۱

۱۱ زندگانی عالمان در میان نادانان رنج آور و مشکل است .

إنی لأجد ریح یوسف لولا أن تفنّدون

علما و جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۲۰

۲۰ - پندپذیر و حقیقت جو بودن عالمان ، دلیل برتری آنان بر جاهلان است .

هل یستوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون إنّما یتذکّر أُولوا الألبب

جمله <إنّما یتذکّر أُولوا الألباب>، در مقام تعلیل برای جمله پیشین (هل یستوی الذین یعلمون. ..) است; یعنی، عالمان با نادانان برابر نیستند; زیرا صاحبان خردناب که همان عالمان اند پندپذیر و حقیقت جو هستند.

گناه جاهلان قاصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۵ - ۶

۶ صدور خلاف از انسان ، قبل از دستیابی وی به شناخت رهنمود های الهی ، مایه محکومیت او به گمراهی نیست .

ما کان اللّه لیضل . .. حتی یبین لهم ما یتقون

مدارا با جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۹ - ۳،۴

۳ خداوند از پیامبرش خواست تا با جاهلان و سفیهان مدارا کند و کردار جاهلانه آنان را نادیده انگارد .

و أعرض عن الجهلین

<اعراض> به

معنای روی گردانـدن است و رویگردانی گاهی کنایه از مدارا کردن و نادیده گرفتن است و گاهی به معنای بی اعتنایی کردن و دوری گزیدن. با توجه به صدر آیه می توان گفت مراد از اعراض، معنای اول است.

۴ گذشت از لغزش ها ، دعوت مردم به کار های نیک و مدارا کردن با جاهلان و سفیهان ، از وظایف اساسی مبلغان دین

خذ العفو و أمر بالعرف و أعرض عن الجهلین

مسؤولیت جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۳ - ۹

۹- لزوم پیروی ناآگاهان از آگاهان

قد جاءنی من العلم ما لم یأتک فاتّبعنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷ - ۱۶

۱۶- < عن رسول اللّه (ص) : لاینبغی للعالم أن یسکت علی علمه و لاینبغی للجاهل أن یسکت علی جهله و قد قال اللّه < فسئلوا أهل الذکر إن کنتم لاتعلمون > ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است: برای عالم سزاوار نیست که با داشتن علم سکوت کند [و آن را کتمان نماید] و برای جاهل سزاوار نیست که با وجود جهل، سکوت کند [و مجهول خود را نپرسد]; در حالی که خدا فرموده است: <فسئلوا أهل الذکر إن کنتم لاتعلمون>».

معذوریت جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۴ - ۴

۴ حق پوشان لجوج و معاند ، مستحق آتش دوزخ ; و نه ناآگاهان ره نیافته به حق *

ألقیا فی جهنّم کلّ کفّار عنید

وصف <كفّار> و <عنيد> مشعر به علیت است؛ یعنی، آنچه آدمی را

به سوی دوزخ می کشاند، انکار لجوجانه و حق ستیزانه است و نه صرف انکار ناشی از جهل و نرسیدن به حق; گرچه ظاهراً به چنین فردی نیز <کافر> اطلاق می شود.

معذوریّت جاهلان قاصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۱۸

۱۸ جاهل قاصر معذور است.

و أوحی إلیّ هذا القرءان لأنذركم به و من بلغ

موسی(ع) و جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۷ - ۱۰

۱۰ - استعاذه موسی (ع) به خدا از اینکه در زمره جاهلان باشد .

أعوذ باللّه أن أكون من الجهلين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۹ - ۹

۹ خداوند ، موسی و هارون (ع) را از پیروی راه و روش افراد نادان برحذر داشت .

و لاتتبعان سبیل الذین لایعلمون

نهی از تبعیت جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۹ - ۹

۹ خداوند ، موسی و هارون (ع) را از پیروی راه و روش افراد نادان برحذر داشت .

و لاتتبعان سبيل الذين لايعلمون

هارون(ع) و جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۹ - ۹

۹ خداوند ، موسی و هارون (ع) را از پیروی راه و روش افراد نادان برحذر داشت .

و لاتتبعان سبيل الذين لايعلمون

جاهلیت

{جاهلیت}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۴ -

۱۲،۱۳،۱۵

۱۲ گمراهی آشکار مردم ، پیش از بعثت پیامبر (ص)

و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین

۱۳ هواپرستی و رواج ضدارزش ها ، جهل و محرومیّت از تعالیم دین ، از جلوه های گمراهی مردم ، پیش از ظهور پیامبر (ص)

یزکّیهم و یعلّمهم الکتب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین

۱۵ یادآوری وضعیّت نابهنجار (گمراهی آشکار) مردم پیش از بعثت ، برانگیزنده توجّه و قدردانی از نعمت بزرگ رسالت پیامبر (ص)

لقد منّ اللّه . .. و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین

جمله <ان کانوا . .. > به منزله دلیل است برای بزرگی نعمتِ رسالت. یعنی روشن است که پیش از بعثت پیامبر (ص) در چه منجلابی از گمراهی و ضلالت فرو رفته بودید و این پیامبر (ص) و تعالیم قرآنی بود که شما را هدایت کرد.

آثار پیروی از رسوم جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۴ - ۱۱

۱۱ - پیروی از سنت های جاهلی ، عامل اصلی ایمان نیاوردن کافران و موضع گیری در برابر پیامبران

إنّا وجدنا ءاباءنا علی أمّه . .. قالوا إنّا بما أرسلتم به کفرون

آثار تعصب بر رسوم جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۸ - ۴

۴ تعصب بر آیین و سنت های جاهلی نیاکان ، از موانع رشد است .

قالوا أجئتنا لتلفتنا عما وجدنا علیه ءاباءنا

اجتناب از رسوم جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ -

۱۸۹ - ۱۲

۱۲ - ترک سنت جاهلی و ورود به خانه های از راه های متعارف آن ، فرمان و توصیه خدا به مسلمانان

لیس البر . .. و أتوا البیوت من أبوبها

ادعای مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۲ - ۸

۸- مشرکان مدعی بودند بهشت ، از آنِ آنان است .

و تصف ألسنتهم الکذب أن لهم الحسنی

احتمال دارد مراد از <أن لهم الحسنی>، به قرینه فراز بعدی (أن لهم النار) بهشت باشد.

ارث در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷ - ۵

۵ لغو سنّت جاهلی ، در محروم ساختن زنان از ارث

و للنّساء نصیب

مرحوم طبرسی نقل می کند که اعراب در زمان جاهلیت زنان را از ارث محروم می ساختند و آیه در ردّ چنین روشی نازل شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۹ - ۷

۷ به ارث بردن زنان ، از سنن جاهلی

لا یحلّ لکم ان ترثوا النّساء کرهاً

با توجّه به شأن نزول در مجمع البیان، ذیل آیه.

ارث زن در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۲۹

۲۹ محرومیت زنان یتیم ، از حق ارث خویش ، در عصر جاهلیت

لا تؤتونهن ما کتب لهن

امام باقر(ع) در مورد <ما کتب لهن> در آیه فوق فرمود: ای من المیراث.

مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۸۱; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۷، ح ۵۹۵.

ازدواج در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۳ – نساء – ۴ – ۲۲ – ۴

۴ ازدواج با همسر پدر ، از سنن جاهلی

و لا تنکحوا ما نکح اباءُوکم من النّساء الّا ما قد سلف

ازلام در جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۹۰ – ۱۷

۱۷ حرمت تقسیم اشیا به وسیله تیر های قمار ، که نوعی قرعه کشی در عصر جاهلیت بوده است .

و الازلم رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه

از رسول خدا(ص) در پاسخ سؤال از معنی <ازلام> در آیه فوق روایت شده: قد احهم التی یستقسمون بها.

کافی، ج ۵، ص ۱۲۳، ح ۲; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۸، ح ۳۴۰.

استخاره در جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۹۰ – ۶

۶ لزوم اجتناب از تفأل ها و استخاره های مرسوم در جاهلیت

و الازلم رجس . .. فاجتنبوه

<ازلام> به معنای چوبهای تیر که در قرعه به کار می رود نیز آمده است یعنی سه قطعه چوبی که بر یکی <افعل> و بر دیگر <لاتفعل> و سومی بدون نوشته و به اصطلاح پوچ بوده است، در عصر جاهلی به هنگام مسافرت و یا انجام امری مهم با قرار دادن آن چوبها در کیسه و بیرون آوردن یکی از آنها تکلیف خویش رابرای انجام آن امر مشخص می کردند.

استقامت بر رسوم جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۲ - ۶

۶ - تحمّل آداب و رسوم دوران جاهلیت ، بر پیامبر (ص) سنگین و دشوار بود .

وزرك

<وزر>، مطلق است و قابلیت

دارد که بر مصادیقی گوناگون از جمله <سنت های سخت دوران جاهلیت> تطبیق یابد. هم چنین می تواند ناظر به تمام مصادیقی باشد که به ذهن خطور می کند.

اشاعه فحشا در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۲۴

۲۴ - واداشتن کنیزان به فحشا و خودفروشی جهت کسب در آمد و رفاه بیشتر ، امری رایج در جاهلیت

و لاتکرهوا فتیتکم علی البغاء . .. لتبتغوا عرض الحیوه الدنیا

افترا به خدا در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۸ - ۶،۷

۶ مشرکان عصر جاهلی قوانین و سنتهای ساختگی و پنداری خود را به خداوند نسبت می دادند.

و قالوا هذه أنعم . .. افتراء علیه

۷ وعده الهی به کیفر مشرکان به سبب افتراهای آنان به خدا (ممنوعیت خوردن برخی از چهارپایان و محصولات، سوار نشدن بر برخی از چهارپایان، نبردن نام خدا به هنگام ذبح)

سیجزیهم بما کانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۳ - ۸

۸ شیوع کردار زشت، رفتار نکوهیده، ستمگری، شرک و افترا بر خدا در میان مردم جاهلی

قل من حرم زینه الله . .. إنما حرم ربی الفوحش ... و أن تقولوا علی الله ما لا تعلم

مراد از حصر در جمله <انما حرم . .. > می تواند حصر حقیقی باشد. یعنی اساس محرمات الهی منحصر در آن پنج امر ذکر شده است و دیگر محرمات به این امور بازمی گردند. و نیز می تواند مراد از آن، حصر

قلب، که از اقسام حصر اضافی است،$باشد. این گونه حصر نظارت بر اعتقاد و روش مخاطب دارد و به هدف رد پندار و روش او و اثبات عکس آن ایراد می شود. یعنی زینتها و روزیهایی که شما تحریم کرده اید و از آن پرهیز دارید، حلال است و فواحش و ... حرام است.

افتراهای مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۲ - ۱

۱- مشرکان دوران جاهلیت ، چیزهایی را به خداوند نسبت می دادند که برای خود ، خوش نداشتند .

و یجعلون لله ما یکرهون

مراد از <یجعلون> (قرار می دهند) به قرینه آیات قبل (و یجعلون لله البنات) اسناد دادن و متصف کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۸ - ۱

۱- فرزندگزینی ، از نسبت های ناروای شرک پیشگان عصر بعثت ، به خداوند

و قالوا اتّخذ الرحمن ولدًا

فعل <اتّخذ> گویای آن است که گویندگان این سخن، معتقد بودند: خداوند یکی از موجودات را به فرزندی برگزیده است; نه آن که فرزندی از او متولد شده باشد.

اقرار مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۸ - ۴

۴- مشرکان عصر بعثت ، به رحمانیت خدا اعتراف داشتند .

و قالوا اتّخذ الرحمن ولدًا

اقلیّت علمای جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۳ - ۱۵

۱۵ وجود اقلیت اندیشمند در جامعه بدعتگزار جاهلیت

و اکثرهم لایعقلون

الحاق زنازاده به شوهر در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۸ – ممتحنه – ۶۰ – ۱۲ – ۱۰

۱۰ – شرک ، سرقت ، زنا ، فرزندکشی ، انتساب فرزند زنا به شوهران از جمله ناهنجاری های اعتقادی اخلاقی زنان عرب پیش از اسلام

أن لایشرکن . .. لایسرقن ... لایزنین ... و لایقتلن أولدهنّ و لایأتین ببهتن

تصریح پیامبر(ص) و قرآن، به لزوم پرهیز زنان عرب از موارد یاد شده; بیانگر وجود چنین زمینه هایی در میان زنان عرب جاهلی است.

الله در جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۰۹ – ۲

۲ مشرکان مکه معتقد به <الله> بودند و به آن قسم یاد می کردند.

و أقسموا بالله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۶ – ۶

۶ مشرکان در کنار اعتقاد به بتها به <الله> نیز معتقد بودند.

فقالوا هذا لله بزعمهم و هذا لشرکائنا

انحرافات اخلاقی زنان در جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ممتحنه – ۶۰ – ۱۲ – ۱۰

۱۰ – شرک ، سرقت ، زنا ، فرزندکشی ، انتساب فرزند زنا به شوهران از جمله ناهنجاری های اعتقادی اخلاقی زنان عرب پیش از اسلام

أن لايشركن . .. لايسرقن ... لايزنين ... و لايقتلن أولدهنّ و لايأتين ببهتن

تصريح پيامبر(ص) و قرآن، به لزوم پرهيز زنان عرب از موارد ياد شده; بيانگر وجود چنين زمينه هايى در ميان زنان عرب جاهلى است.

انحرافات اعتقادى زنان در جاهليت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - شرك ، سرقت ، زنا ،

فرزندکشی ، انتساب فرزند زنا به شوهران از جمله ناهنجاری های اعتقادی اخلاقی زنان عرب پیش از اسلام

أن لایشرکن . .. لایسرقن ... لایزنین ... و لایقتلن أولدهنّ و لایأتین ببهتن

تصریح پیامبر(ص) و قرآن، به لزوم پرهیز زنان عرب از موارد یاد شده; بیانگر وجود چنین زمینه هایی در میان زنان عرب جاهلی است.

انذار مشرکانجاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۱۲

۱۲- هشدار خداوند به مشرکان ، در مورد تصمیم آنان درباره نوزادان دختر

أیمسکه علی هون أم یدسّه فی التراب ألا ساء ما یحکمون

اهل کتاب دوران جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۷

۷ - اهل کتاب و مشرکان در عصر جاهلیت ، خود را در انتظار پیام های مکتوب و پیراسته از باطل قلمداد می کردند که آن را از رسولی الهی دریافت کنند .

حتّی تأتیهم البیّنه . رسول من اللّه یتلوا صحفًا مطهّره

بت پرستی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳ - ۲۳

۲۳ اعراب جاهلی ، مرمادنی شرک پیشه و بت پرست

ذلکم اللّه ربکم فاعبدوه أفلا تذکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۹ - ۲

۲ عرب جاهلی ، مردمی بودند مشرک و بت پرست .

فکفی . .. إن کنا عن عبادتکم لغفلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۴ - ۲

۲ عرب های جاهلی ، مردمانی بودند شرک پیشه

و بت پرست .

قل هل من شركائكم من يبدؤا الخلق

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – يونس – ۱۰ – ۳۵ – ۲

۲ اعراب جاهلی ، مردمانی بودند شرک پيشه و بت پرست .

قل هل من شركائكم من يهدى إلى الحق

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۳۰ – ۱۲

۱۲ – آميختگی مراسم حج و قربانی ، با مظاهر شرک و بت پرستی در عصر جاهليت

و أُحلّت لكم الأنعم إلّا ما يتلى عليكم فاجتنبوا الرجس من الأوثن

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۷۱ – ۱

۱ – بت پرستی ، آيين رايج عرب های پيش از اسلام

و يعبدون من دون اللّه ما لم ينزّل به سلطنًا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۷۳ – ۳

۳ – شرک و بت پرستی ، انديشه و مرام عرب جاهلی

يأيّها الناس . .. إنّ الذين تدعون من دون اللّه

بتهای جاهليت

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۹ - ۴

۴ - < لات > و < عزی > در مرتبه بالاتر از < منات > ، در نزد عرب جاهلی *

أفرءیتم اللّت و العزّی

از تقدیم <لات و عزی> و توصیف منات به <الثالثه> (سومی)، مطلب بالا به استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۰ - ۳

۳ - < منات > ، در مرتبه ای پایین تر از < لات > و

< عزی > در نزد عرب جاهلی

أفرءیتم اللّت و العزّی . و منوه الثالثه الأُخری

از تأخیر <منات> و توصیف آن به <الثالثه> (سومی)، مطلب بالا استفاده می شود.

بدعتگذاران در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۳ - ۱۵

۱۵ وجود اقلیت اندیشمند در جامعه بدعتگزار جاهلیت

و اکثرهم لایعقلون

برتری مرد در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۹ - ۳

۳ - اعتقاد عرب جاهلی ، به امتیاز و برتری مردان بر زنان

أم له البنت و لکم البنون

از این که خداوند، مشرکان را مدعی اختصاص پسران به خویش شمرده است؛ استفاده می شود که آنان، از داشتن دختر احساس ننگ می کرده اند.

بی ارزشی دختر در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۵

۵- زنان و دختران در دوران جاهلیت ، بی ارزش بوده و مایه ننگ و عار به شمار می آمدند .

أیمسکه علی هون أم یدسّه فی التراب

بی ارزشی زن در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۵

۵- زنان و دختران در دوران جاهلیت ، بی ارزش بوده و مایه ننگ و عار به شمار می آمدند .

أیمسکه علی هون أم یدسّه فی التراب

بی منطقی رسوم جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۹ - ۱۰

۱۰ قوانین و مقررات ساختگی مشرکان عصر جاهلی بی پایه و به دور از حکمت و جاهلانه

بوده است.

و قالوا ما فی بطون . .. سیجزیهم وصفهم إنه حکیم علیم

جمله <إنه حکیم علیم> به منزله تعریض به کسانی است که بـدون علم و حکمت به جعـل احکام بر اساس تصورات خویش می پردازند، چنانکه مشرکان عصر جاهلیت این چنین بودند.

بی منطقی قوانین جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۹ - ۱۰

۱۰ قوانین و مقررات ساختگی مشرکان عصر جاهلی بی پایه و به دور از حکمت و جاهلانه بوده است.

و قالوا ما فی بطون . .. سیجزیهم وصفهم إنه حکیم علیم

جمله <إنه حکیم علیم> به منزله تعریض به کسانی است که بـدون علم و حکمت به جعـل احکام بر اساس تصورات خویش می پردازند، چنانکه مشرکان عصر جاهلیت این چنین بودند.

بینش اعراب جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۹ - ۲

۲ - دختر بودن فرزند در دیدگاه برخی از اعراب جاهلی موجب استحقاق قتل بود .

بأیّ ذنب قتلت

بینش غلط مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۰ - ۵

۵ - تصور جاهلانه و غلط مشرکانِ عرب جاهلی از < مشیت الهی >

و قالوا لو شاء الرحمن . .. ما لهم بذلک من علم

بینش مردم جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – اخلاص – ۱۱۲ – ۳ – ۸

۸ – برخی از مردم پیش از اسلام ، فرزند داشتن و متولد شدن را مانع خدایی نمی دانستند .

لم یلد و لم یولد

ماضی آوردن فعل های <لم

یلد> و <لم یولد> با آن که نفی ولادت همیشگی است به چنین پنداری در بین مردم آن زمان، اشاره دارد.

بینش مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۶،۸

۶- مشرکان صاحب دختر در دوران جاهلیت ، نگهداری دختران را برای خود عار و ذلت می دانستند .

أیمسکه علی هون

برداشت فوق بر این اساس است که <علی هون> حال برای ضمیر فاعلی <یمسک> باشد.

۸- مشرکان صاحب دختر ، حیثیت اجتماعی خود را با داشتن دختر در مخاطره می دیدند .

یتوری من القوم من سوء ما بشّر به أیمسکه علی هون أم یدسّه فی التراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۰ - ۴

۴- داشتن دختر در دیدگاه مشرکان جاهلی ، صفتی زشت محسوب می شد .

للذین لایؤمنون بالأخره مثل السوء

<مثل السوء>، مثلی است که مشرکان جاهلی برای صاحبان دختر به کار می بردند و مرادشان از آن، ضرب المثل بد حالی و بدی بود. اینکه خداوند پس از ذکر دیدگاه آنها درباره نوزادان دختر و محکومیتشان، <مثل السوء> را به خود آنان نسبت می دهد، می تواند قرینه ای باشد بر مطلب یاد شده.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۲ - ۹

۹- مشرکان ، تداوم نسل خویش را از طریق داشتن پسر ، برای خود فرجامی نیک تلقی می کردند . *

و یجعلون لله ما یکرهون و تصف ألسنتهم الکذب أن لهم الحسنی

احتمال دارد مراد از <الحسنی> به قرینه <و یجعلون لله البنات . ..

و لهم ما يشتهون> و <يجعلون لله ما يكرهون> ادامه نسل مشركان از طريق پسرانى باشد كه آنان براى خويش مدعى بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۷ - ۲

۲ - پسر مايه سرور و مباهات و دختر موجب ننگ و عار ، در ميان عرب جاهلى

و أصفيكم بالبنين . و إذا بشّر أحدهم بما ضرب للرحمن مثلاً ظلّ وجهه مسودًّا و هو

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۸ - ۴

۴ - لطافت طبيعى زن و فرودستى او در ميدان جدال و درگيرى ، دو عامل آسيب پذيرى و دو نقيصه براى زن در فرهنگ خشن جاهلى

و هو فى الخصام غير مبين

در آيه قبل (و إذا بشّر أحدهم. ..) ناراحتى عرب جاهلى از داشتن دختر بيان شده است. اين آيه مى تواند اشاره به علت آن ناراحتى داشته باشد; يعنى، اين دو ويژگى از نظر عرب جاهلى، نقص زن به حساب مى آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - جاثيه - ۴۵ - ۲۴ - ۸

۸ - طبيعت گرايى و انكار حيات اخروى ، داراى ريشه در جاهليت عرب

و قالوا ما هى إلاّ حياتنا الدنيا . .. و ما يهلكنا إلاّ الدهر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۹ - ۳

۳ - اعتقاد عرب جاهلى ، به امتياز و برترى مردان بر زنان

أم له البنت و لكم البنون

از اين كه خداوند، مشركان را مدعى اختصاص پسران به خويش شمرده است; استفاده مى شود كه آنان،

از داشتن دختر احساس ننگ می کرده اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۲۸ – ۱۴

۱۴ – حرمت استفاده از گوشت قربانی ، پندار باطل عرب های جاهلی

فکلوا منها

تجویز استفاده از گوشت قربانی، ناظر به پندار باطل عرب های جاهلی است که استفاده از آن را حرام می دانستند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۳۳ – ۳

۳ – ممنوعیت استفاده از دام های قربانی ، در پندار مشرکان عصر بعثت

لکم فیها منفع إلی أجل مسمًّی

تصریح به جواز بهره برداری از دام های قربانی، نشان می دهد که اعتقاد عمومی پیش از نزول آیه، برخلاف آن بوده است.

پسردوستی مشرکان جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۵۹ – ۹

۹– قرار دادن دختر برای خدا و پسر برای خود از سوی مشرکان ، قضاوتی بس زشت و ناروا بود .

و یجعلون لله البنت سبحنه و لهم ما یشتهون . .. ألا ساء ما یحکمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۶۲ – ۹

۹– مشرکان ، تداوم نسل خویش را از طریق داشتن پسر ، برای خود فرجامی نیک تلقی می کردند . *

و یجعلون لله ما یکرهون و تصف ألسنتهم الکذب أن لهم الحسنی

احتمال دارد مراد از <الحسنی> به قرینه <و یجعلون لله البنات . .. و لهم ما یشتهون> و <یجعلون لله ما یکرهون> ادامه نسل مشرکان از طریق پسرانی باشد که آنان برای خویش مدعی بودند.

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۱۷ – ۲

۲ – پسر مایه سرور و مباهات و دختر موجب ننگ و عار ، در میان عرب جاهلی

و أصفیکم بالبنین . و إذا بشّر أحدهم بما ضرب للرحمن مثلاً ظلّ وجهه مسودًّا و هو

پیروی از رسوم جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۵ – ۲

۲ – تهدید أکید الهی ، به کسانی که به حدود و احکام ظهار تن در ندهند و بر سنت جاهلی پایبند بمانند .

و الذین یظهرون من نسائهم . .. إنّ الذین یحادّون اللّه و رسوله

چنان که قبلاً گفته شد، <ظهار> سنّتی باقی مانده از عرب جاهلی بود. خداوند در آیات پیشین این سنّت را لغو کرد و برای مرتکبان آن مجازات کفّاره تعیین فرمود. با توجه به ارتباط آیه بالا ـ با آیات قبل، آیه شریفه ناظر به کسانی خواهد بود که ممکن است همچنان بر آن سنّت غلط پایبند بمانند و حدود الهی را زیر پا بگذارند.

تاریخ جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۱۹۸ – ۱۶

۱۶ گمراهی مردم ، پیش از اسلام

و ان کنتم من قبله لمن الضالین

تبعیض در جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۵۹ – ۱۰

۱۰– تفاوت قائل شدن بین دختران و پسران از سوی مشرکان عصر جاهلی ، قضاوتی زشت و ناروا بود .

و يجعلون لله البنت سبحنه و لهم ما يشتهون . .. ألا ساء ما يحكمون

تبعيض نژادی مشرکان جاهلیت

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۲ - ۵

۵ - مشرکان جزیره العرب ، مردمی نژادپرست و متعصب بودند .

و أقسموا باللّه . .. لئن جاءهم نذیر لیکوننّ أهدی من إحدی الأُمم

برداشت یاد شده از تأکید مشرکان بر آمدن پیامبری ویژه برای آنان استفاده می شود; زیرا تأکید آنان در حالی بود که پیامبران بسیاری برای هدایت بشر آمده و عده ای از مردم ساکن در جزیره العرب به آنان گرویده بودند.

تحریم چهارپایان در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۴

۴ توبیخ خداوند نسبت به مشرکان عصر جاهلی به سبب تحریم بی دلیل بعضی از چهارپایان و جنین آنها

قل ءالذکرین حرم أم الأنثیین . .. نبئونی بعلم إن کنتم صدقین

تحریم حیوانات در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۳،۶

۳ مشرکان عصر جاهلی بدون دلیل به حرمت استفاده از برخی چهارپایان معتقد بودند.

قل ءالذکرین حرم أم الأنثیین أما اشتملت علیه أرحام الأنثیین

در آیه ۱۳۶ و ۱۳۷ به برخی از افترائات مشرکان اشاره شده و آیه با <فذرهم و ما یفترون> پایان یافته و آیات بعد در مقام توبیخ و شمارش موارد افترا در اعتقادات مشرکان است که از آن جمله تحریم بی جاست.

۶ تحریم برخی حیوانات از سوی مشرکان صدر اسلام، فاقد هر گونه دلیل و مستند قابل قبول

قل ءالذکرین حرم . .. نبئونی بعلم ... أم کنتم شهداء

استفهام در آیه برای انکار و یا توبیخ است و مفاد جملات <نبئونی> و <أم

كنتم . .. > نیز نفی وجود دلیل بر مدعاهای مشرکان است.

تحریم گوشت قربانی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۴

۱۴ - حرمت استفاده از گوشت قربانی ، پندار باطل عرب های جاهلی

فکلوا منها

تجویز استفاده از گوشت قربانی، ناظر به پندار باطل عرب های جاهلی است که استفاده از آن را حرام می دانستند.

تحریم مباحات در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۹ - ۱

۱ برخی از مردم عصر جاهلیت خوردن گوشت حیوانی را که با نام خدا ذبح شده باشد حرام می دانستند.

و ما لکم ألا تأکلوا مما ذکر اسم الله علیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۰ - ۱

۱ کشتن فرزندان (به عنوان قربانی) و تحریم روزیهای خداوند از سنتهای مشرکان عصر جاهلیت

قد خسر الذین قتلوا أولدهم سفها بغیر علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۷

۷ مشرکان عصر جاهلی فاقد هر گونه دلیل علم آور بر تحریمهای بی جای خود بودند.

قل ءالذکرین حرم . .. نبئونی بعلم إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۳،۶

۳ مشرکان عصر جاهلی بدون دلیل به حرمت استفاده از برخی چهارپایان معتقد بودند.

قل ءالذکرین حرم أم الأنثیین أما اشتملت علیه أرحام الأنثیین

در آیه ۱۳۶ و ۱۳۷ به برخی از افترائات مشرکان اشاره شده و آیه با <فذرهم و ما

يفترون> پايان يافته و آيات بعد در مقام توبيخ و شمارش موارد افترا در اعتقادات مشركان است كه از آن جمله تحريم بى جاست.

۶ تحريم برخى حيوانات از سوى مشركان صدر اسلام، فاقد هر گونه دليل و مستند قابل قبول

قل ءالذكرين حرم . .. نبئونى بعلم ... أم كنتم شهداء

استفهام در آيه براى انكار و يا توبيخ است و مفاد جملات <نبئونى> و <أم كنتم . .. > نيز نفى وجود دليل بر مدعاهاى مشركان است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۰ - ۵

۵ اگر مشركان بر تحريمهاى ادعايى خود گواه و دليلى نيز بياورند، ساختگى و بى اساس است.

قل هلم . .. فإن شهدوا فلا تشهد معهم

تحير مشركان جاهليت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۴

۴- دودلى و تحير مشركان در نگهدارى از نوزادان دختر به حالت ذلت و يا در گور كردن آنان

أيمسكه على هون أم يدسّه فى التراب

مرجع ضمير در <يمسكه>، مبشّربه است و منظور از آن نوزاد دختر مى باشد و <على هون> حال براى ضمير مفعولى <يمسكه> است. <هون> به معناى خوارى و ذلت است و <يدسّ> (از مصدر دسّ) به معناى پنهان كردن آمده است.

تعصب قومى مشركان جاهليت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۲ - ۳

۳ - قوم گرايى ، پايه اصلى فرهنگ و اعتقاد عرب جاهلى

بل قالوا إنّا وجدنا ءاباءنا علی أَمّه و إنّا علی ءاثرهم مهتدون

از این که عرب های جاهلی تنها به عقاید نیاکان

خویش تکیه می کردند و آن را موجب هدایت می دانستند، قوم گرایی آنان استفاده می شود.

تعصب مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۲ - ۵

۵ - مشرکان جزیره العرب ، مردمی نژادپرست و متعصب بودند .

و أقسموا باللّه . .. لئن جاءهم نذیر لیکوننّ أهدی من إحدی الأُمم

برداشت یاد شده از تأکید مشرکان بر آمدن پیامبری ویژه برای آنان استفاده می شود; زیرا تأکید آنان در حالی بود که پیامبران بسیاری برای هدایت بشر آمده و عده ای از مردم ساکن در جزیره العرب به آنان گرویده بودند.

تعلیم ادب در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۵ - ۴

۴ - تعلیم ادب از سوی خداوند ، به اعراب در معاشرت با پیامبر (ص)

لاتقدّموا . .. لاترفعوا ... و لا تجهروا له ... إنّ الذین یغضّون ... و لو أنّهم ص

تعویض همسران در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۲ - ۴

۴ - پیامبر (ص) مجاز نبود بر اساس سنّت جاهلی ، زنان خود را با همسران دیگران تعویض کند .

لایحلّ لک النساء . .. و لا أن تبدّل بهنّ من أزوج

احتمال دارد که مراد از <تبدیل همسران>، طلاق آنها و ازدواج با دیگران باشد و احتمال دارد که اشاره به سنّت جاهلی باشد که مردان، همسران خود را تعویض می کرده اند. برداشت بالا، بنابر احتمال دوم است.

تغذیه در جاهلیت

فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳ – ۹

۹ خوردن مردار ، خون و گوشت خوک ، بردن غیر نام خدا در ذبح ، قربانی برای بت ها و تقسیم گوشت حیوانات با قمار ، از اعمال مردم در جاهلیت

حرمت علیکم . .. و ما ذبح علی النصب و إن تستقسموا بالازلم

تفأل در جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۹۰ – ۶

۶ لزوم اجتناب از تفأل ها و استخاره های مرسوم در جاهلیت

و الازلم رجس . .. فاجتنبوه

<ازلام> به معنای چوبهای تیر که در قرعه به کار می رود نیز آمده است یعنی سه قطعه چوبی که بر یکی <افعل> و بر دیگر <لاتفعل> و سومی بدون نوشته و به اصطلاح پوچ بوده است، در عصر جاهلی به هنگام مسافرت و یا انجام امری مهم با قرار دادن آن چوبها در کیسه و بیرون آوردن یکی از آنها تکلیف خویش رابرای انجام آن امر مشخص می کردند.

تفکر طبقاتی در جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۱ – ۵

۵- پذیرش امور از سوی طبقه اشراف ، ملاک ارزشی بودن آن امور در جامعه جاهلی

لو کان خیرًا ما سبقونا إلیه

تناقض گویی مشرکان جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۱۶ – ۲

۲ – اعتقاد به دختر داشتن خدا ، در عین برتر دانستن پسر ، تناقضی آشکار در باور های جاهلی

أم اتّخذ ممّا یخلق بنات و أصفیکم بالبنین

آیه شریفه، در مقام نکوهش از مشرکان، به این

نکته اشاره می کند که به پندار شما دختر از مقام پایین تر و پست تری برخوردار است; پس چگونه خود را بر خدا ترجیح داده و سهم او را دختر و سهم خود را پسر می دانید؟!

توجیه گری مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۲ - ۲

۲ - پیروی از نیاکان ، امری موجه و دلیلی قانع کننده در فرهنگ عرب جاهلی

بل قالوا إنّا وجدنا . .. ءاثرهم مهتدون

توقعات مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۲ - ۷

۷ - بر دوش داشتن مسؤولیت انذار و اخطار ، انتظار مردم پیش از نزول قرآن از پیامبران الهی

و أقسموا باللّه . .. لئن جاءهم نذیر ... فلمّا جاءهم نذیر ما زادهم إلاّ نفورًا

تولد فرزند در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۸ - ۴

۴- رسم مژده دهی به هنگام تولد فرزند در میان عرب های جاهلی

و إذا بشّر أحدهم بالأُنثی

تولیت مسجد الحرام در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۹ - ۳

۳ سرپرستی مسجدالحرام و آب دهی به زائران کعبه ، شغلی مهم و افتخارآمیز در میان عرب های جاهلی

أجعلتم سقایه الحاجّ و عماره المسجدالحرام کمن ءامن باللّه . .. و جهد فی سبیل اللّ

جامعه جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۳ - ۱۴،۱۵

۱۴ جهالت و نارسائی عقل و اندیشه ، عامل

رواج بدعت ها و افترا ها در جامعه کفرپیشه عصر جاهلی

و لکن الذین کفروا یفترون علی اللّه الکذب و اکثرهم لایعقلون

۱۵ وجود اقلیت اندیشمند در جامعه بدعتگزار جاهلیت

و اکثرهم لایعقلون

جهل در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۴ - ۱۳

۱۳ هواپرستی و رواج ضدارزش ها ، جهل و محرومیّت از تعالیم دین ، از جلوه های گمراهی مردم ، پیش از ظهور پیامبر (ص)

یزکّیهم و یعلّمهم الکتب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین

جهل مشرکان دوران جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۰ - ۶

۶ مشرکان عصر جاهلی به سفاهت خویش در فرزندکشی ناآگاه بودند.

قد خسر الذین قتلوا أولدهم سفها بغیر علم

<باء> در <بغیر علم> به معنای ملابسه و وصف برای <سفها> است. لذا معنی آیه چنین می شود: سفاهتی خالی از علم.

حج در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۷،۲۴

۷ - ورود از پشت خانه ها و نه از درب های ورودی ، از آداب حج در سنت های مردم عصر جاهلی

و لیس البر بأن تأتوا البیوت من ظهورها

بیـان رسم جـاهلیت، مبنی بر وارد شـدن به خانه از پشت آنها و نه از درب ورودی - پس از ذکر حـج - دلالت بر این دارد که سنت یاد شده از آداب حج در زمان جاهلیت بوده است.

۲۴ - از امام باقر (ع) درباره آیه < لیس البر بأن تأتوا البیوت من

ظهور ها > روایت شده است : انه کان المحرمون لایدخلون بیوتهم من أبواب ها و لکنهم کانوا ینقبون فی ظهر بیوتهم أی فی مؤخر ها نقباً یدخلون و یخرجون منه فنهوا عن التدین بذلک ;

] در جاهلیت[کسانی که برای مناسک حج مُحْرم می شدند، از درب خانه هایشان وارد آن نمی شدند; بلکه از حفره ای که در پشت خانه و در انتهای آن باز می کردند، رفت و آمد می نمودند و خداوند آنان را از پایبندی به این عمل نهی فرمود>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۱۲،۱۷

۱۲ - آمیختگی مراسم حج و قربانی ، با مظاهر شرک و بت پرستی در عصر جاهلیت

و أُحلّت لکم الأنعم إلاّ ما یتلی علیکم فاجتنبوا الرجس من الأوثن

۱۷ - وجود شعار های شرک آمیز و ضد توحیدی در مراسم حج عصر جاهلیت

و اجتنبوا قول الزور

<زور> به معنای باطل و اضافه در <قول الزور> اضافه بیانیه است; یعنی، از سخنانی که باطل و یاوه است، دوری کنید. با توجه به این که آیه مورد بحث از جمله آیات مربوط به حج است. می توان گفت که مراد از <سخن یاوه> در این جا شعارهای شرک آمیزی بود که مشرکان در مراسم حج و احتمالاً ـ به هنگام ذبح قربانی بر پای بت هایشان که در منا نصب کرده بودند سرمی دادند.

حنث سوگند مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۲ - ۶،۸

۶ - مشرکان جزیره العرب ، مردمی سوگندشکن و غیرصادق در ادعای ایمان

به پیامبر الهی ویژه خود

و أقسموا باللّه . .. فلمّا جاءهم نذیر ما زادهم إلاّ نفورًا

۸ – نفرت شدید مشرکان از بعثت رسول اکرم (ص) ، به رغم سوگند مؤکد قبلی خود مبنی بر ایمان به پیامبر برخاسته از میان نژاد آنان

و أقسموا باللّه . .. فلمّا جاءهم نذیر ما زادهم إلاّ نفورًا

حیوانات حرام در جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۸ – ۱،۲،۷

۱ ممنوعیت خوردن برخی از چهارپایان و محصولات زراعی به اعتقاد واهی مشرکان عصر جاهلیت

و قالوا هذه أنعم و حرث حجر لایطعمها إلا من نشاء بزعمهم

<حجر> به معنای منع و ممنوعیت است و مراد از ممنوعیت <أنعام> و <حرث>، به قرینه <لایطعمها>، ممنوعیت خوردن از آنهاست.

۲ اعتقاد بی اساس مشرکان به ممنوعیت خوردن از چهارپایان و کشتی (محصول زراعی) که برای خدا و بتها قرار می دادند.

و جعلو الله . .. و قالوا هذه أنعم و حرث حجر لایطعمها إلا من نشاء بزعمهم

<هذه> اشاره به سهامی است که مشرکان برای خدا و بتها قرار می دادند و در آیه ۱۳۶ بیان گردیده است.

۷ وعده الهی به کیفر مشرکان به سبب افتراهای آنان به خدا (ممنوعیت خوردن برخی از چهارپایان و محصولات، سوار نشدن بر برخی از چهارپایان، نبردن نام خدا به هنگام ذبح)

سیجزیهم بما کانوا یفترون

حیوانات موقوفه در جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۸ – ۳

۳ مشرکان عصر جاهلی خوردن از حیوان و یا کشت وقف شده برای خدا و شریکان موهوم او را برای

هر کس که می خواستند مجاز می شمردند.

و قالوا هذه أنعم و حرث حجر لایطعمها إلا من نشاء

خداشناسی مشرکان جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۶۲ – ۴

۴– مشرکان دوران جاهلیت ، باورمند به خداوند علی رغم اسناد امور ناروا به او

و یجعلون لله ما یکرهون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۲۰ – ۳

۳ – مشرکان عرب جاهلی ، معتقد به خداوند رحمان و مرتبت والای او در مقایسه با دیگر خدایان

و قالوا لو شاء الرحمن ما عبدنهم

از این که مشرکان، عبادت دیگر خدایان را در گرو مشیت خدای رحمان دانسته اند، مطلب بالا استفاده می شود.

خرافات در جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۳۶ – ۱

۱ اعراب جاهلی ، مردمانی بودند کوته نظر ، خرافاتی و پیرو موهومات .

فما لکم کیف تحکمون. و ما یتبع أکثرهم إلا ظناً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۳۹ – ۴

۴ – مشرکان ، گرفتار عقایدی خرافی و فاقد هرگونه برهان و دلیل

فلیأت مستمعهم بسلطن مبین . أم له البنت و لکم البنون

از ارتبـاط این آیه بـا آیه قبل، مطلب بالا اسـتفاده می شود. بـدین معنا که این آیه، ارائه دهنـده نمودی از بی برهانی کافران در اعتقادات خویش است.

خودآرایی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۳ - ۵

۵ - زنان ، در دوران هایی پیش از اسلام ،

خودآرایی نموده و در معرض نگاه نامحرمان قرار می گرفتند .

و لاتبرّجن تبرّج الجهليّه الأُولی

خودنمایی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۳ - ۵

۵ - زنان ، در دوران هایی پیش از اسلام ، خودآرایی نموده و در معرض نگاه نامحرمان قرار می گرفتند .

و لاتبرّجن تبرّج الجهليّه الأُولی

خوردن جنین در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۹ - ۱،۳،۴

۱ مشرکان عصر جاهلی خوردن جنین دامهای وقف شده برای خدا و یا بتها را در صورت زنده بر آمدن بر مردان مجاز و بر زنان حرام می شمردند.

و قالوا ما فی بطون هذه الأنعم خالصه لذکورنا و محرم علی أزوجنا

مراد از <ازواج> به قرینه تقابل آن با <ذکور> مطلق <زن> است نه خصوص همسران

۳ مشرکان عصر جاهلی استفاده از جنین مرده حیوانات وقف شده برای خدا و یا بتها را برای زنان و مردان مجاز می شمردند.

و محرم علی أزوجنا و إن یکن میته فهم فیه شرکاء

۴ خوردن جنین مرده دام در برخی موارد از نظر مشرکان عصر جاهلی جایز بود.

و إن یکن میته فهم فیه شرکاء

دامداری در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۶ - ۴

۴ کشاورزی و دامداری از منابع درآمد مردم در عصر جاهلیت بوده است.

مما ذراً من الحرث و الأنعم

دختر در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۰ - ۴

۴- داشتن دختر در دیدگاه مشرکان جاهلی

، صفتی زشت محسوب می شد .

للذین لایؤمنون بالأخره مثل السوء

<مثل السوء>، مثلی است که مشرکان جاهلی برای صاحبان دختر به کار می بردند و مرادشان از آن، ضرب المثل بد حالی و بدی بود. اینکه خداوند پس از ذکر دیدگاه آنها درباره نوزادان دختر و محکومیتشان، <مثل السوء> را به خود آنان نسبت می دهد، می تواند قرینه ای باشد بر مطلب یاد شده.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۲ - ۲

۲- مشرکان دوران جاهلی ، از دختردار شدن نفرت داشتند .

و یجعلون لله البنت . .. و إذا بشّر أحدهم بالأُنثی ظلّ وجهه مسودًّا و هو کظیم ..

مراد از <ما> در <ما یکرهون> به قرینه آیه <و یجعلون لله البنات> (۵۷) می تواند <بنات> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۷ - ۱،۲

۱ - خشم و ناراحتی شدید عرب جاهلی ، به هنگام اطلاع یافتن از تولد فرزندی دختر برای او

و إذا بشّر أحدهم . .. و هو کظیم

۲ - پسر مایه سرور و مباهات و دختر موجب ننگ و عار ، در میان عرب جاهلی

و أصفیکم بالبنین . و إذا بشّر أحدهم بما ضرب للرحمن مثلاً ظلّ وجهه مسودًّا و هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۸ - ۵

۵ - عرب جاهلی ، خود بیزار از داشتن دختر ; ولی معتقد به وجود دختر برای خداوند

أوَ من . .. و هو فی الخصام غیر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۸ – ۳

۳ – بی رغبتی برخی از مردم عصر جاهلیت ، به نگه داری دختران

و إذا الموءوده سئلت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۹ – ۲

۲ – دختر بودن فرزند در دیدگاه برخی از اعراب جاهلی موجب استحقاق قتل بود .

بأیّ ذنب قتلت

دختر در دوران جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۵۸ – ۱

۱– چهره مشرکان دوران جاهلی ، به هنگام دریافت خبر دختردار شدن ، از شدت غضب و ناراحتی ، دگرگون می شد .

و إذا بشّر أحدهم بالأُنثی ظلّ وجهه مسودًّا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۵۹ – ۲،۴،۸،۱۱،۱۲

۲– خبر دختردار شدن برای مشرکان ، خبری ناگوار و بد بود .

یتوری من القوم من سوء ما بشّر به

۴– دودلی و تحیر مشرکان در نگهداری از نوزادان دختر به حالت ذلت و یا در گور کردن آنان

أیمسکه علی هون أم یدسّه فی التراب

مرجع ضمیر در <یمسکه>، مبشّربه است و منظور از آن نوزاد دختر می باشد و <علی هون> حال برای ضمیر مفعولی

<یمسکه> است. <هون> به معنای خواری و ذلت است و <یدسّ> (از مصدر دسّ) به معنای پنهان کردن آمده است.

۸- مشرکان صاحب دختر ، حیثیت اجتماعی خود را با داشتن دختر در مخاطره می دیدند .

یتوری من القوم من سوء ما بشّر به أیمسکه علی هون أم یدسّه فی التراب

۱۱- تصمیم مشرکان به نگهداری ذلیلانه نوزادان دختر و یا در گور کردن آنان ،

تصمیمی بس ناروا و زشت

أیمسکه علی هون أم یدسّه فی التراب ألا ساء ما یحکمون

۱۲- هشدار خداوند به مشرکان ، در مورد تصمیم آنان درباره نوزادان دختر

أیمسکه علی هون أم یدسّه فی التراب ألا ساء ما یحکمون

دروغگویی مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۲ - ۵

۵- مشرکان دوران جاهلی ، مردمانی دروغ پرداز و آرایش دهنده مطالب دروغ

و تصف ألسنتهم الکذب

<الکذب> مفعول <تصف> است. آوردن چنین وصفی برای مشرکان به جای فعل <یکذب> حاکی از این است که آنان، مطالب دروغ را توصیف کرده و آرایش می دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۲ - ۶

۶ - مشرکان جزیره العرب ، مردمی سوگندشکن و غیرصادق در ادعای ایمان به پیامبر الهی ویژه خود

و أقسموا باللّه . .. فلمّا جاءهم نذیر ما زادهم إلاّ نفورًا

دزدی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - شرک ، سرقت ، زنا ، فرزندکشی ، انتساب فرزند زنا به شوهران از جمله ناهنجاری های اعتقادی اخلاقی زنان عرب پیش از اسلام

أن لایشرکن . .. لایسرقن ... لایزنین ... و لایقتلن أولدهنّ و لایأتین ببهتن

تصـریح پیـامبر(ص) و قرآن، به لزوم پرهیز زنـان عرب از موارد یـاد شـده; بیـانگر وجود چنین زمینه هـایی در میـان زنان عرب جاهلی است.

دفن میت در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۱ - ۸

۸ - خاک سپاری مردگان ، شیوه ای سابقه

دار در دوران جاهلیت

فأقبره

یادآوری مراسم خاک سپاری در ضمن بر شمردن نعمت های خداوند برای مردم عصر بعثت، نشانه جاری بودن آن مراسم در آن روزگار است.

دین ستیزی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۱۷

۱۷ - وجود شعار های شرک آمیز و ضد توحیدی در مراسم حج عصر جاهلیت

و اجتنبوا قول الزور

<زور> به معنای باطل و اضافه در <قول الزور> اضافه بیانیه است; یعنی، از سخنانی که باطل و یاوه است، دوری کنید. با توجه به این که آیه مورد بحث از جمله آیات مربوط به حج است. می توان گفت که مراد از <سخن یاوه> در این جا شعارهای شرک آمیزی بود که مشرکان در مراسم حج و احتمالاً به هنگام ذبح قربانی بر پای بت هایشان که در منا نصب کرده بودند سرمی دادند.

ذبح حیوانات در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۸ - ۵

۵ تعمد مشرکان عصر جاهلی به نبردن نام خدا بر بعضی از چهارپایان به هنگام ذبح

و أنعم لایذکرون اسم الله علیها

ذبح در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۹

۹ خوردن مردار ، خون و گوشت خوک ، بردن غیر نام خدا در ذبح ، قربانی برای بت ها و تقسیم گوشت حیوانات با قمار ، از اعمال مردم در جاهلیت

حرمت علیکم . .. و ما ذبح علی النصب و إن تستقسموا بالازلم

ذلت دختر در جاهلیت

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۶

۶- مشرکان صاحب دختر در دوران جاهلیت ، نگهداری دختران را برای خود عار و ذلت می دانستند .

أیمسکه علی هون

برداشت فوق بر این اساس است که <علی هون> حال برای ضمیر فاعلی <یمسکئ> باشد.

راههای کسب در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۲۴

۲۴ - واداشتن کنیزان به فحشا و خودفروشی جهت کسب در آمد و رفاه بیشتر ، امری رایج در جاهلیت

و لاتکرهوا فتیتکم علی البغاء . .. لتبتغوا عرض الحیوه الدنیا

ربا در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۸ - ۴

۴ رباخواری از عادات و رسوم جاهلیّت

یا ایّها الّذین امنوا اتّقوا اللّه و ذروا ما بقی من الرّبوا

رباخواری در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۰ - ۴

۴ رواج رباخواری در عصر بعثت و زمان جاهلیت

لا تأکلوا الرّبوآ اضعافاً مضاعفه

برخی برآننـد که <اضـعافاً مضـاعفه> قیـد حرمت است; یعنی در این آیه، تنهـا از ربـاخواری به چنـدین برابر نهی شـده و در مرحله ای دیگر، اصل رباخواری حرام شده است. و حرمت تدریجی، حکایت از رواج و شیوع فراگیر رباخواری دارد.

رسوم جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۷،۸،۱۱،۲۴

۷ - ورود از پشت خانه ها و نه از درب های ورودی ، از آداب حج در سنت های مردم عصر جاهلی

و لیس البر بأن تأتوا البیوت

من ظهورها

بیان رسم جاهلیت، مبنی بر وارد شدن به خانه از پشت آنها و نه از درب ورودی - پس از ذکر حج - دلالت بر این دارد که سنت یاد شده از آداب حج در زمان جاهلیت بوده است.

۸ - ورود حاجیان به خانه ، از پشت آن و پرهیز از راه های متعارف ، عملی نیکو در دیدگاه مردم عصر جاهلیت

و لیس البر بأن تأتوا البیوت من ظهورها

نفی نیکی از رسم یاد شده (لیس البر)، دلالت می کند که آن رسم در نزد مردم جاهلی، رسمی نیکو و ارجمند بوده است.

۱۱ - مسلمانان صدر اسلام بر اساس سنت عصر جاهلی ، به هنگام حج از راه های متعارف به خانه ها وارد نمی شدند .

و لیس البر بأن تأتوا البیوت من ظهورها

از اینکه مسلمانان مورد خطاب قرار گرفته اند، معلوم می شود: گروهی از آنان تا پیش از نازل شدن آیه شریفه، به این سنت پایبند بوده اند.

۲۴ - از امام باقر (ع) درباره آیه < لیس البر بأن تأتوا البیوت من ظهور ها > روایت شده است : انه کان المحرمون لایدخلون بیوتهم من أبواب ها و لکنهم کانوا ینقبون فی ظهر بیوتهم أی فی مؤخر ها نقباً یدخلون و یخرجون منه فنهوا عن التدین بذلک ;

] در جاهلیت[کسانی که برای مناسک حج مُحْرِم می شدند، از درب خانه هایشان وارد آن نمی شدند; بلکه از حفره ای که در پشت خانه و در انتهای آن باز می کردند، رفت و آمد می نمودند و خداوند آنان را از پایبندی به این عمل نهی فرمود>.

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۹۴ – ۳

۳ – کافران عصر بعثت نیز به حرمت و قداست ماه های حرام و ممنوعیت جنگ در آنها معتقد بودند .

الشهر الحرام بالشهر الحرام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۰۰ – ۲

۲ تفاخر به نیاکان پس از مناسک حج ، از سُنن جاهلی

فاذکروا اللّه کذکرکم اباءکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۲۴ – ۹

۹ سُنّت سوگند بر ترک کار های خیر در عصر جاهلیّت

و لا تجعلوا اللّه عُرضه لایمانکم اَن تبرّوا و تتقوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۲۸ – ۲۲

۲۲ جامعه جاهلی عصر بعثت ، هیچ حقی را برای زنان معتبر نمی شمرد .

و لهنّ مثل الذی علیهنّ بالمعروف

با توجّه به اینکه حقوق مردان بر زنان (علیهنّ) را مُسلّم گرفته و در صدد اثبات حقوق زنان بر مردان (لهنّ) است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۲۹ – ۲

۲ نامحدود بودن دفعات طلاق رجعی در جاهلیّت و محدود شدن آن در اسلام

الطّلاق مرّتان

بـا توجّه به شـأن نزول: كـان الرجـل فى الجـاهليّه اذا طلّق امرأته ثم راجعهـا قبـل ان تنقضـى عِـدّتها . .. و إن طلقهـا الف مرّه ... فذكرت ذلك لرسول اللّه (ص) فنزلت: <الطلاق مرّتان ... >. (مجمع البيان، ذيل آيه.)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۲ - ۸

۸ جلوگيرى از ازدواج

مجدّد زنان مُطلّقه ، از سُنّت های جاهليّت

و اذا طلّقتم النّساء فبلغن اجلهنّ فلا تعضلوهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۸ - ۴

۴ رباخوارى از عادات و رسوم جاهليّت

يا ايّها الّذين امنوا اتّقوا اللّه و ذروا ما بقى من الرّبوا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۷ - ۵

۵ لغو سنّت جاهلى ، در محروم ساختن زنان از ارث

و للنّساء نصيب

مرحوم طبرسى نقل مى كند كه اعراب در زمان جاهليت زنان را از ارث محروم مى ساختند و آيه در ردّ چنين روشى نازل شد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۱۹ - ۷

۷ به ارث بردن زنان ، از سنن جاهلى

لا يحلّ لكم ان ترثوا النّساء كرهاً

با توجّه به شأن نزول در مجمع البيان، ذيل آيه.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۲۲ - ۴۸

۴ ازدواج با همسر پدر ، از سنن جاهلى

و لا تنكحوا ما نكح اباءُوكم من النّساء الّا ما قد سلف

۸ تنفرآمیز بودن ازدواج با همسر پدر ، حتی در نظر مردم جاهلی

انّه کان فاحشةً و مقتاً

چون آنان ازدواج با همسر پدر را <نکاح مقت> می نامیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۳ - ۱۵

۱۵ ازدواج با محارم و جمع بین دو خواهر در ازدواج ، از سنن جاهلی

حرّمت . .. و ان تجمعوا بین الاختین الّا ما قد سلف

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۴ - ۲۰

۲۰ کشتار و تعرض نابجا به افراد به خاطر دستیابی به غنیمت ، از روش های ناپسند دوران جاهلیت

و لا تقولوا . .. لست مؤمناً تبتغون عرض الحیوه الدّنیا ... كذلك كنتم من قبل

ظاهراً <كذلك> اشاره است به جمله <تبتغون عرض . .. > بر این اساس، مقصود از <من قبل>، قبل از اسلام، یعنی دوران جاهلیت است که به خاطر مال دنیا، بدون هیچ دلیلی دیگران را می کشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۱۳،۲۹

۱۳ بیزاری از ازدواج با دختران یتیم ، از اخلاق و رسوم جاهلی

فی یتمی النساء التی لا تؤتونهن ما کتب لهن و ترغبون ان تنکحوهن

بنابر اینکه پس از <ترغبون> کلمه <عن> مقدر باشد که در این صورت، <رغبت> به معنای اعراض کردن خواهد بود.

۲۹ محرومیت زنان یتیم ، از حق ارث خویش ، در عصر جاهلیت

لا تؤتونهن ما کتب لهن

امام باقر(ع) در مورد <ما کتب لهن> در آیه فوق فرمود: ای من المیراث.

مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۸۱; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۷، ح ۵۹۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۹

۹ خوردن مردار ، خون و گوشت خوك ، بردن غیر نام خدا در ذبح ، قربانی برای بت ها و تقسیم گوشت حیوانات با قمار ، از اعمال مردم در جاهلیت

حرمت علیکم . .. و ما ذبح علی النصب و إن تستقسموا بالازلم

- فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۱،۲

۱ بسیاری از مردمان عصر بعثت ، خواستار داوری پیامبر (ص) بر اساس قوانین جاهلی

افحکم الجهلیه یبغون

۲ بسیاری از مسیحیان و یهودیان ، در صدد جایگزینی گرایش ها و قوانین جاهلی به جای احکام و قوانین الهی

افحکم الجهلیه یبغون

<بغی>، به معنای طلب کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۲،۶

۲ شراب خواری ، قمار بازی ، گرایش به مظاهر شرک و تفأل های مرسوم در جاهلیت ، کرداری شیطانی است

انما الخمر . .. من عمل الشیطن

۶ لزوم اجتناب از تفأل ها و استخاره های مرسوم در جاهلیت

و الازلم رجس . .. فاجتنبوه

<ازلام> به معنای چوبهای تیر که در قرعه به کار می رود نیز آمده است یعنی سه قطعه چوبی که بر یکی <افعل> و بر دیگر <لاتفعل> و سومی بدون نوشته و به اصطلاح پوچ بوده است، در عصر جاهلی به هنگام مسافرت و یا انجام امری مهم با قرار دادن آن چوبها در کیسه و بیرون آوردن یکی از آنها تکلیف خویش رابرای انجام آن امر مشخص می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۴ - ۵

۵ کفرپیشگان بدعت گذار ، گرفتار تقلید های کورکورانه از سنت های جاهلی نیاکان خویش اند

قالوا حسبنا ما وجدناعلیه ءاباءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۷ - ۱،۷

۱ فرزند کشی و قربانی برای شریکان پنداری خداوند، از سنتهای زشت مشرکان عصر

جاهلیت بوده است.

ساء ما یحکمون. و کذلک زین لکثیر من المشرکین قتل أولدهم

در آیه شریفه تزیین کشتن فرزندان به <شرکاء> نسبت داده نشده، لذا محتمل است مراد قربانی کردن فرزندان برای بتها باشد، گر چه اعراب جاهلی به انگیزه های دیگری نیز، مانند فقر، عار از دختر داشتن و . .. فرزندان خود را می کشتند.

۷ فرزندکشی در نظر گروهی از مشرکان عصر جاهلیت، علی رغم نظر بسیاری دیگر، کاری شایسته تلقی نمی شده است.

کذلک زین لکثیر من المشرکین قتل أولدهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۸ - ۱،۴،۵

۱ ممنوعیت خوردن برخی از چهارپایان و محصولات زراعی به اعتقاد واهی مشرکان عصر جاهلیت

و قالوا هذه أنعم و حرث حجر لایطعمها إلا من نشاء بزعمهم

<حجر> به معنای منع و ممنوعیت است و مراد از ممنوعیت <أنعام> و <حرث>، به قرینه <لایطعمها>، ممنوعیت خوردن از آنهاست.

۴ مشرکان عصر جاهلیت سوار شدن بر برخی از چهارپایان را حرام می دانستند.

و أنعم حرمت ظهورها

۵ تعمد مشرکان عصر جاهلی به نبردن نام خدا بر بعضی از چهارپایان به هنگام ذبح

و أنعم لایذکرون اسم الله علیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۹ - ۱،۲،۳،۴،۵

۱ مشرکان عصر جاهلی خوردن جنین دامهای وقف شده برای خدا و یا بتها را در صورت زنده بر آمدن بر مردان مجاز و بر زنان حرام می شمردند.

و قالوا ما فی بطون هذه الأنعم خالصه لذکورنا و محرم علی أزوجنا

مراد از <ازواج> به قرینه تقابل آن با <ذکور> مطلق <زن> است نه خصوص همسران

۲

خوردن از دامهایی که به گمان مشرکان عصر جاهلی سهم خدا و یا سهم دیگر معبود بود، از نظر آنان غیر مجاز شمرده می شد.

و قالوا هذه الأنعم و حرث حجر لایطعمها . .. و قالوا ما فی بطون هذه الأنعم خالصه

<هذه الأنعام> اشاره به چهارپایان خاصی است که در آیات پیشین مورد بحث قرار گرفته بود. از این آیه نیز که در مورد جواز خوردن جنین آن حیوانات است، تحریم اصل آن از دیدگاه مشرکان استفاده می شود.

۳ مشرکان عصر جاهلی استفاده از جنین مرده حیوانات وقف شده برای خدا و یا بتها را برای زنان و مردان مجاز می شمردند.

و محرم علی أزوجنا و إن یکن میته فهم فیه شرکاء

۴ خوردن جنین مرده دام در برخی موارد از نظر مشرکان عصر جاهلی جایز بود.

و إن یکن میته فهم فیه شرکاء

۵ مشرکان عصر جاهلی زن را موجودی پست و مرد را دارای برتری و شرافت بر آنها می دانستند. *

خالصه لذکورنا و محرم علی أزوجنا و إن یکن میته فهم فیه شرکاء

حلیت جنین زنده برای مردان و حلیت جنین مرده برای زنان از دیدگاه مشرکان عصر جاهلیت، حکایت از نگرش آنان به زن دارد. زیرا تنها در صورت مرده به دنیا آمدن جنین خوردن آن را برای زنان مجاز می شمردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۰ - ۱،۶

۱ کشتن فرزندان (به عنوان قربانی) و تحریم روزیهای خداوند از سنتهای مشرکان عصر جاهلیت

قد خسر الذین قتلوا أولدهم سفها بغیر علم

۶ مشرکان عصر جاهلی به سفاهت خویش در فرزندکشی ناآگاه

بودند.

قد خسر الذين قتلوا أولدهم سفها بغير علم

<باء> در <بغير علم> به معنای ملابسه و وصف برای <سفها> است. لذا معنی آیه چنین می شود: سفاهتی خالی از علم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۹

۹ مشرکان عصر جاهلیت در اسارت گامها و راههای شیطان بودند.

و قالوا هذه أنعم و حرث حجر . .. کلوا مما رزقکم الله و لا تتبعوا خطوت الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۴،۷

۴ توبیخ خداوند نسبت به مشرکان عصر جاهلی به سبب تحریم بی دلیل بعضی از چهارپایان و جنین آنها

قل ءالذکرین حرم أم الأنثیین . .. نبئونی بعلم إن کنتم صدقین

۷ مشرکان عصر جاهلی فاقد هر گونه دلیل علم آور بر تحریمهای بی جای خود بودند.

قل ءالذکرین حرم . .. نبئونی بعلم إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۳،۶

۳ مشرکان عصر جاهلی بدون دلیل به حرمت استفاده از برخی چهارپایان معتقد بودند.

قل ءالذکرین حرم أم الأنثیین أما اشتملت علیه أرحام الأنثیین

در آیه ۱۳۶ و ۱۳۷ به برخی از افترائات مشرکان اشاره شده و آیه با <فذرهم و ما یفترون> پایان یافته و آیات بعد در مقام توبیخ و شمارش موارد افترا در اعتقادات مشرکان است که از آن جمله تحریم بی جاست.

۶ تحریم برخی حیوانات از سوی مشرکان صدر اسلام، فاقد هر گونه دلیل و مستند قابل قبول

قل ءالذکرين حرم . .. نبئونی بعلم ... أم کنتم شهداء

استفهام در

آیه برای انکار و یا توبیخ است و مفاد جملات <نبئونی> و <أم کنتم . .. > نیز نفی وجود دلیل بر مدعاهای مشرکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۰ - ۵

۵ اگر مشرکان بر تحریمهای ادعایی خود گواه و دلیلی نیز بیاورند، ساختگی و بی اساس است.

قل هلم . .. فإن شهدوا فلا تشهد معهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۱ - ۱۸

۱۸ رواج کشتار فرزندان به سبب فقر و تنگدستی در عصر جاهلی

و لاتقتلوا أولدکم من إملق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۷ - ۱،۷،۸،۱۱

۱ جا به جا کردن ماه حرام و ماه حلال (انتقال دادن حرمت ماه محرم به ماه صفر و حلیت ماه صفر به محرم) از کار های نادرست عرب های جاهلی

إنما النسیء زیاده فی الکفر

برای عربهای جاهلی که با داشتن خوی جنگ طلبی و غارتگری، تحمل ترک جنگ در سه ماه متوالی (ذیقعده، ذیحجه و محرم) بسیار شاق و دشوار بود، به زعم خود، ماههای محرّم و صفر را پس و پیش می کردند; یعنی، در ماه محرّم الحرام می جنگیدند و در ماه صفر متارکه جنگ داشتند; سال بعد دوباره محرّم را به جای خود بر می گرداندند و به این کار <نسیء> (تأخیر انداختن) می گفتند.

۷ پایبندی عرب های جاهلی به تعداد ماه های حرام ، علی رغم جا به جا کردن آنها

لیواطئوا عده ما حرّم اللّه

۸ نتیجه جا به جا شدن

ماه های حرام از سوی عرب های جاهلی ، چیزی جز حلال شمردن حرام الهی نبود .

فیحلوا ما حرّم اللّه

۱۱ < نسیء > ، (جا به جا کردن ماه های حلال و حرام) ، از اعمال زشت عرب های جاهلی و کاری پسندیده و زیبا در دیدگاه آنان

إنما النسیء زیاده فی الکفر . .. زین لهم سوء أعملهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۵۸ – ۴

۴– رسم مژده دهی به هنگام تولد فرزند در میان عرب های جاهلی

و إذا بشّر أحدهم بالأُنثی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۵۹ – ۱،۳،۱۱

۱– متواری و مخفی شدن مشرکان دختردار شده در دوران جاهلیت ، به خاطر شدت ناراحتی ناشی از خبر دختردار شدن

و إذا بشّر أحدهم بالأُنثی . .. یتوری من القوم من سوء ما بشّر به

۳– مردسالاری ، در دوران جاهلی بر خانواده ها سایه افکنده بود .

و إذا بشّر أحدهم بالأُنثی ظلّ وجهه . .. یتوری من القوم من سوء ما بشّر به أیمسکه

۱۱– تصمیم مشرکان به نگهداری ذلیلانه نوزادان دختر و یا در گور کردن آنان ، تصمیمی بس ناروا و زشت

أیمسکه علی هون أم یدسّه فی التراب ألا ساء ما یحکمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۶۰ – ۱

۱– ایمان نداشتن به عالم آخرت ، زمینه ساز دخترکشی مشرکان عصر جاهلی

و إذا بشّر أحدهم بالأنثى . .. يتورى من القوم ... أم يدسّه فی التراب ... للذين ل

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۶۲ – ۲

۲– مشرکان دوران جاهلی ، از دختردار شدن نفرت داشتند .

و یجعلون لله البنت . .. و إذا بشّر أحدهم بالأُنثی ظلّ وجهه مسودًّا و هو کظیم ..

مراد از <ما> در <ما یکرهون> به قرینه آیه <و یجعلون لله البنات> (۵۷) می تواند <بنات> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۱ – ۲

۲– ترس از فقر و ناداری ، عامل روی آوردن اعراب جاهلی به کشتن فرزندان خود

و لاتقتلوا أولدکم خشیه إملق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۲ – ۵

۵– زنا ، عملی شایع و رایج در میان اعراب جاهلی [پیش از اسلام]

و لاتقربوا الزنی إنه کان فحشه و ساء سبیلاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۴ – ۹

۹– تصرف بی جا در اموال یتیمان و حیف و میل آنها ، امری رایج و شایع در میان اعراب جاهلی

و لاتقربوا مال الیتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۲۸ – ۱۴

۱۴ – حرمت استفاده از گوشت قربانی ، پندار باطل عرب های جاهلی

فکلوا منها

تجویز استفاده از گوشت قربانی، ناظر به پندار باطل عرب های جاهلی است که استفاده از آن را حرام می دانستند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۳۰ – ۱۲،۱۷

۱۲ – آمیختگی مراسم حج و قربانی ، با مظاهر شرک و بت پرستی در عصر

جاهليت

و أُحلّت لكم الأنعم إلاّ ما يتلى عليكم فاجتنبوا الرجس من الأوثن

۱۷ - وجود شعار های شرک آميز و ضد توحيدی در مراسم حج عصر جاهليت

و اجتنبوا قول الزور

<زور> به معنای باطل و اضافه در <قول الزور> اضافه بيانيه است؛ يعنی، از سخنانی که باطل و ياوه است، دوری کنيد. با توجه به اين که آيه مورد بحث از جمله آيات مربوط به حج است. می توان گفت که مراد از <سخن ياوه> در اين جا شعارهای شرک آميزی بود که مشرکان در مراسم حج و احتمالاً ـ به هنگام ذبح قربانی بر پای بت هايشان که در منا نصب کرده بودند سرمی دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۱۱

۱۱ - حرمت استفاده از گوشت قربانی ، پندار عرب عصر جاهليت

فإذا وجبت جنوبها فكلوا منها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۷ - ۷

۷ - ورود ناگهانی و بدون سلام کردن و اذن خواستن ، به محل سکونت و خانه يکديگر ، از رسوم و اخلاق جاهليت پيش از اسلام بود .

لاتدخلوا بيوتًا غير بيوتكم حتّی تستأنسوا و تسلّموا علی أهلها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۲۴،۳۹

۲۴ - واداشتن کنيزان به فحشا و خودفروشی جهت کسب در آمد و رفاه بيشتر ، امری رايج در جاهليت

و لاتكرهوا فتيتكم علی البغاء . .. لتبتغوا عرض الحيوه الدنيا

٣٩ < عن على ابن أبى طالب (ع) فى قوله : < و لاتكرهوا فتياتكم على

البغاء > قال : كان أهل الجاهليه يبغين إمائهم فنهوا عن ذلک فی الإسلام ;

حضرت علی بن ابی طالب(ع) درباره سخن خدا <و لاتکرهوا فتیاتکم علی البغاء> فرمود: اهل جاهلیت کنیزان خود را به زنا وادار می کردند. سپس در اسلام از این کار نهی شدند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳۸

۳۸ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < لیس علی الأـعمی حرج و لاـ علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج > وذالک أن أهل المدینه قبل أن یسلّموا کانوا یعزلون الأعمی و الأعرج و المریض و کانوا لایأکلون معهم و کان الأعمی و المریض یقولون : لعلّنا نوذیهم إذا أکلنا معهم فاعتزلوا مواکلتهم فلمّا قدم النبی (ص) سألوه عن ذالک فأنزل اللّه < لیس علیکم جناح أن تأکلوا جمیعًا أو أشتاتاً ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <لیس علی الأعمی حرج. ..> فرمود: اهل مدینه قبل از آنکه مسلمان شوند، نابینایان، لنگان و بیماران را از خود جدا می کردند و با آنان هم غذا نمی شدند... و کوران و بیماران می گفتند: شاید اگر ما با دیگران هم غذا شویم، موجب اذیت آنان باشیم. از این رو از هم غذا شدن با دیگران کناره می گرفتند. پس هنگامی که پیامبر(ص) وارد مدینه شد، از آن حضرت سؤال کردند. خداوند این آیه را نازل فرمود: لیس علیکم جناح أن تأکلوا جمیعاً أو أشتاتاً>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴ - ۷،۱۱،۱۲

۷ - در جاهلیت ، ظِهار

همسر از سوی شوهر ، امری رایج بوده است .

و ما جعل أزوجکم الّی تظهرون منهنّ أمّهتکم

از کاربرد فعل مضارع <تظاهرون> که دلالت بر استمرار دارد استفاده می شود که ظِهار، امر متداولی بوده است.

۱۱ - در جاهلیت ، فرزندخوانده شدگان ، فرزند حقیقی تلقی می شدند .

و ما جعل أدعیاءکم أبناءکم

آیه، ناظر به واقعیتی موجود در عصر ظهور اسلام و باقی مانده از دوران جاهلی است. چنان که نوع مفسران، به آن تصریح کرده اند، آیه درباره زیدبن حارثه، پسرخوانده رسول اللّه(ص) نازل شده است.

۱۲ - فرزند حقیقی تلقّی شدن فرزند خوانده شدگان ، در عصر جاهلیت ، خودساخته بود و منشأ الهی نداشت .

و ما جعل أدعیاءکم أبناءکم ذلکم قولکم بأفوهکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۳ - ۵

۵ - زنان ، در دوران هایی پیش از اسلام ، خودآرایی نموده و در معرض نگاه نامحرمان قرار می گرفتند .

و لاتبرّجن تبرّج الجهلیّه الأُولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۷ - ۲۶

۲۶ - در صدراسلام ، ازدواج با مطلَّقه پسرخوانده ، امری ناروا شمرده می شد .

زوّجنکها لکی لایکون علی المؤمنین حرج فی أزوج أدعیائهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۲ - ۴

۴ - پیامبر (ص) مجاز نبود بر اساس سنّت جاهلی ، زنان خود را با همسران دیگران تعویض کند .

لایحلّ لک النساء . .. و لا أن تبدّل بهنّ من أزوج

احتمال دارد که مراد از <تبدیل همسران>، طلاق آنها و

ازدواج با دیگران باشد و احتمال دارد که اشاره به سنّت جاهلی باشد که مردان، همسران خود را تعویض می کرده اند. برداشت بالا، بنابر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲ - ۴

۴ - در طلاق از نوع ظهار ، پندار مردم جزیره العرب این بود که زن ظهار شده ، برای شوهرش حکم مادر را پیدا کرده و حرام مؤبّد می شود .

الذین یظهرون منکم من نسائهم ما هنّ أُمّهتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۱۷

۱۷ - قرار دادن مهریه برای زنان ، از آداب همسری در میان عرب قبل از اسلام

و ءاتوهم ما أنفقوا

بیشتر مفسران مسأله انفاق در آیه شریفه را، به <مهریه> تفسیر کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۱ - ۸

۸ - خاک سپاری مردگان ، شیوه ای سابقه دار در دوران جاهلیت

فأقبره

یادآوری مراسم خاک سپاری در ضمن بر شمردن نعمت های خداوند برای مردم عصر بعثت، نشانه جاری بودن آن مراسم در آن روزگار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۸ - ۲

۲ - زنده به گور کردن دختران ، از رفتار های ناپسند برخی از اعراب جاهلی

و إذا الموءوده سئلت

ظاهر آیه شریفه این است که بین مردم دوران بعثت، نمونه هایی از دفن دختران زنده پدیدار شده بود و این آیه در صدد بازداشتن مردم از ارتکاب آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۹ – ۱

۱ – برخی از اعراب جاهلی ، دختران خود را بی هیچ گناه و جرمی زنده به گور می کردند .

بأیّ ذنب قتلت

استفهام تقریری در آیه شریفه، متوجّه مقتول شده است; با آن که مراد از آن مؤاخذه قاتل است. این گونه بیان، تأکید بر نبود عذر و بهانه برای قاتل است.

رسوم جاهلیت در صدر اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳۲ – ۷

۷ برخی از تحریمهای ساختگی دوران جاهلی همچنان در افکار مسلمانان صدر اسلام به جا مانده بود و در میان آنان رواج داشت.

قل من حرم زینه الله التی أخرج لعباده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۳۷ – ۲۱

۲۱ – برخی از سنت های جاهلی ، به قدری در جامعه صدراسلام رخنه و نفوذ داشت که شکستن آن ، نیاز به اقدام عملی پیامبر (ص) با پشتیبانی خداوند داشت .

فلمّا قضی زید منها وطرًا زوّجنکها لکی لایکون علی المؤمنین حرج فی أزوج أدعیائهم

روش برخورد مشرکان جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۶۲ – ۵

۵– مشرکان دوران جاهلی ، مردمانی دروغ پرداز و آرایش دهنده مطالب دروغ

و تصف ألسنتهم الكذب

<الکذب> مفعول <تصف> است. آوردن چنین وصفی برای مشرکان به جای فعل <یکذب> حاکی از این است که آنان، مطالب دروغ را توصیف کرده و آرایش می دادند.

زراعت موقوفه در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶

- ۱۳۸ - ۳

۳ مشرکان عصر جاهلی خوردن از حیوان و یا کشت وقف شده برای خدا و شریکان موهوم او را برای هر کس که می خواستند مجاز می شمردند.

و قالوا هذه أنعم و حرث حجر لایطعمها إلا من نشاء

زکات چهارپایان در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۶ - ۱،۲

۱ قرار دادن سهمی از زراعت و چهارپایان برای خدا و سهمی از آن برای شریکان موهوم او (مانند بت، جن و . ..) از سنتهای مشرکان در عصر جاهلیت

و جعلو الله مما ذراً . .. فقالوا هذا لله

به قرینه آیه ۱۰۰ همین سوره (و جعلوالله شرکاء الجن)، از جمله عقاید موهوم مشرکان، شریک بودن جنیان با خداوند بوده است.

۲ سنت جاهلی مشرکان در قرار دادن سهمی از زراعت و چهارپایان برای خدا و سهمی برای شریکان خیالی او، بی اساس و بر پایه گمان بوده است.

و جعلو الله مما ذراً . .. هذا لله بزعمهم

<زعم> به گمان و سخن بی اساس اطلاق می شود. (مصباح اللغه).

زکات در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۶ - ۳،۹

۳ قرار دادن سهم برای خداوند، از آنچه خود آفریده، از پندارهای پوچ مشرکان

و جعلو الله مما ذراً من الحرث و الأنعم نصیبا فقالوا هذا لله بزعمهم

۹ مصرف سهم خداوند برای بتها و دیگر شریکان خیالی و مصرف نکردن سهم بتها برای خداوند، از داوریهای ناپسند مشرکان عصر جاهلی بوده است.

فما کان لشرکائهم . .. ساء ما یحکمون

مراد از فعلهای <یصل> و <لایصل>،

آن گونه که مفسران گفته اند، در مقام خبر از انشای مشرکان است. یعنی مشرکان آنچه را سهم خداوند تلقی می نمودند، مصرفش را برای بتها (مانند مخارج بتکده و ...) مجاز می دانستند، ولی عکس آن را روا نمی شمردند.

زکات غلات در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۶ - ۱،۲

۱ قرار دادن سهمی از زراعت و چهارپایان برای خدا و سهمی از آن برای شریکان موهوم او (مانند بت، جن و . ..) از سنتهای مشرکان در عصر جاهلیت

و جعلو الله مما ذراً . .. فقالوا هذا لله

به قرینه آیه ۱۰۰ همین سوره (و جعلوالله شرکاء الجن)، از جمله عقاید موهوم مشرکان، شریک بودن جنیان با خداوند بوده است.

۲ سنت جاهلی مشرکان در قرار دادن سهمی از زراعت و چهارپایان برای خدا و سهمی برای شریکان خیالی او، بی اساس و بر پایه گمان بوده است.

و جعلو الله مما ذراً . .. هذا لله بزعمهم

<زعم> به گمان و سخن بی اساس اطلاق می شود. (مصباح اللغه).

زمینه دخترکشی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۰ - ۱

۱- ایمان نداشتن به عالم آخرت ، زمینه ساز دخترکشی مشرکان عصر جاهلی

و إذا بشّر أحدهم بالأُنثی . .. یتوری من القوم ... أم یدسّه فی التراب ... للذین ل

زمینه علاقه به جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۰ – ۷

۷ فسق ، سوق دهنده آدمی به فرهنگ و قوانین جاهلی

و إن کثیراً من

الناس لفسقون. افحکم الجهلیه یبغون

زن در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۸ - ۲۲

۲۲ جامعه جاهلی عصر بعثت ، هیچ حقی را برای زنان معتبر نمی شمرد .

و لهنّ مثل الذی علیهنّ بالمعروف

با توجّه به اینکه حقوق مردان بر زنان (علیهنّ) را مُسلّم گرفته و در صدد اثبات حقوق زنان بر مردان (لهنّ) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۳ - ۵

۵ - زنان ، در دوران هایی پیش از اسلام ، خودآرایی نموده و در معرض نگاه نامحرمان قرار می گرفتند .

و لاتبرّجن تبرّج الجهلیّه الأُولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۷ - ۳

۳ - زن ، موجودی بی مقدار در دیدگاه عرب جاهلی

و إذا بشّر أحدهم . .. و هو کظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۸ - ۱

۱ - زن ، در فرهنگ جاهلیت پرورش یافته در زینت و تجمل ، و فرودست در میدان جدال و درگیری های کلامی

أوَ من ینشّؤا فی الحلیه و هو فی الخصام غیر مبین

لحن آیه شریفه به گونه ای است که به اعتقاد و باور عرب جاهلی یا موقعیت زن در محیط و فرهنگ خاص آنان اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۹ - ۳

۳ - اعتقاد عرب جاهلی ، به امتیاز و برتری مردان بر زنان

أم له البنت و لکم البنون

از این که خداوند، مشرکان را

مدعی اختصاص پسران به خویش شمرده است; استفاده می شود که آنان، از داشتن دختر احساس ننگ می کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۹ - ۷

۷ به ارث بردن زنان ، از سنن جاهلی

لا یحلّ لکم ان ترثوا النّساء کرهاً

با توجّه به شأن نزول در مجمع البیان، ذیل آیه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۹ - ۱،۵

۱ مشرکان عصر جاهلی خوردن جنین دامهای وقف شده برای خدا و یا بتها را در صورت زنده بر آمدن بر مردان مجاز و بر زنان حرام می شمردند.

و قالوا ما فی بطون هذه الأنعم خالصه لذکورنا و محرم علی أزوجنا

مراد از <ازواج> به قرینه تقابل آن با <ذکور> مطلق <زن> است نه خصوص همسران

۵ مشرکان عصر جاهلی زن را موجودی پست و مرد را دارای برتری و شرافت بر آنها می دانستند. *

خالصه لذکورنا و محرم علی أزوجنا و إن یکن میته فهم فیه شرکاء

حلیت جنین زنده برای مردان و حلیت جنین مرده برای زنان از دیدگاه مشرکان عصر جاهلیت، حکایت از نگرش آنان به زن دارد. زیرا تنها در صورت مرده به دنیا آمدن جنین خوردن آن را برای زنان مجاز می شمردند.

زنا در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۲ - ۵

۵- زنا ، عملی شایع و رایج در میان اعراب جاهلی [پیش از اسلام]

و لاتقربوا الزنی إنه کان فحشه و ساء سبیلاً

سختی رسوم جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۲ - ۷

۷ - خداوند ، پیامبر (ص) را از گرفتاری به سنت های دوران جاهلیت رهانید .

و وضعنا عنک وزرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۳ - ۵

۵ - آداب و رسوم عصر جاهلی برای پیامبر (ص) ، کوبنده ، آزاردهنده و کمرشکن بود .

الذی أنقض ظهرک

در آیه قبل، برای <وزر>، مصادیقی احتمالی ذکر شد که از جمله آنها، آداب و رسوم دوران جاهلیت بود. این احتمالات، گرچه شاهدی قوی ندارد; ولی ممکن است هدف از مطلق آوردن کلمه <وزر>، تعمیم آن به تمام مصادیق احتمالی باشد.

سرزنش مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۹ - ۷

۷ - نکوهش خداوند ، نسبت به باور های بی دلیل مشرکان جاهلی

و جعلوا الملئکه إنثًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ - توبیخ عرب عصر بعثت ، از سوی خداوند بر ترک آیین نیاکان یکتاپرست خویش و روی آوردن به شرک

بل قالوا إنّا وجدنا ءاباءنا . .. و إذ قال إبرهیم ... و جعلها کلمه باقیه فی عقبه

سرزنش مشرکان دوران جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۴

۴ توبیخ خداوند نسبت به مشرکان عصر جاهلی به سبب تحریم بی دلیل بعضی از چهارپایان و جنین آنها

قل ءالذکرین حرم أم الأنثیین . .. نبئونی بعلم إن کنتم صدقین

سفاهت مشرکان دوران جاهلیت

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۰ - ۶

۶ مشرکان عصر جاهلی به سفاهت خویش در فرزندکشی ناآگاه بودند.

قد خسر الذین قتلوا أولدهم سفها بغیر علم

<باء> در <بغیر علم> به معنای ملابسه و وصف برای <سفها> است. لذا معنی آیه چنین می شود: سفاهتی خالی از علم.

سقایت حاجیان در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۹ - ۳

۳ سرپرستی مسجدالحرام و آب دهی به زائران کعبه ، شغلی مهم و افتخارآمیز در میان عرب های جاهلی

أجعلتم سقایه الحاجّ و عماره المسجدالحرام کمن ءامن باللّه . .. و جهد فی سبیل اللّ

سنتهای جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۷

۷ احترامِ ماه های حرام (ممنوعیّت جنگ در آنها) ، در عصر جاهلیّت و تأیید آن در اسلام

یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فیه قل قتال فیه کبیر

ظاهر این است که در سؤال سائل نیز کلمه <الحرام> (به معنای دارای حرمت) آمده است؛ بنابراین آن ماهها، پیش از اعلام قرآن مبنی بر تحریم جنگ در آن، از احترام ویژه ای برخوردار بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۰ - ۸

۸ بازگشت به کینه ها ، عداوت ها و دیگر ویژگی های جاهلیت پس از گرایش به اسلام ، نمودی از کفر

يردّوكم بعد ايمانكم كافرين

اوس و خزرج پس از تحريك يهود، كينه هاى گذشته را اظهار كردند و آماده جنگ شدند. اين كينهورزى را

آیه شریفه، گرایش به کفر قلمداد کرده است. (المیزان ج ۳).

سوارکاری حرام در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۸ - ۴،۷

۴ مشرکان عصر جاهلیت سوار شدن بر برخی از چهارپایان را حرام می دانستند.

و أنعم حرمت ظهورها

۷ وعده الهی به کیفر مشرکان به سبب افتراهای آنان به خدا (ممنوعیت خوردن برخی از چهارپایان و محصولات، سوار نشدن بر برخی از چهارپایان، نبردن نام خدا به هنگام ذبح)

سیجزیهم بما کانوا یفترون

سوگند در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۴ - ۹

۹ سُنّت سوگند بر ترک کار های خیر در عصر جاهلیّت

و لا تجعلوا اللّه عُرضه لایمانکم اَن تبرّوا و تتقوا

سوگندهای مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۲ - ۱

۱ - سوگند مؤکد مشرکان ، پیش از بعثت رسول اکرم (ص) ، بر ایمان و پذیرش دین الهی در صورت آمدن پیامبری برای آنان

و أقسموا باللّه جهد أیمنهم لئن جاءهم نذیر لیکوننّ أهدی من إحدی الأُمم

شتر در جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۴ – ۲

۲ – شتری که ده ماه از آبستنی آن گذشته ، مرغوب ترین سرمایه عرب در عصر بعثت

و إذا العشار عطّلت

<عشار>، جمع <عُشَراء> است و <ناقه عُشراء> شتری است که ده ماه از آبستنی آن گذشته باشد. از دیدگاه شترداران، شتر در این دوران زیباترین حالت و مرغوب ترین وضعیت را دارد. (لسان العرب)

شرایط

الوهیت در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۳ - ۸

۸ - برخی از مردم پیش از اسلام ، فرزند داشتن و متولد شدن را مانع خدایی نمی دانستند .

لم یلد و لم یولد

ماضـی آوردن فعـل هـای <لم یلـد> و <لم یولـد> بـا آن که نفی ولادت همیشگی است به چنین پنـداری در بین مردم آن زمان، اشاره دارد.

شرایط ایمان مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۲ - ۱،۳

۱ - سوگنـد مؤکـد مشـرکان ، پیش از بعثت رسول اکرم (ص) ، بر ایمان و پذیرش دین الهی در صورت آمدن پیامبری برای آنان

و أقسموا باللّه جهد أیمنهم لئن جاءهم نذیر لیکوننّ أهدی من إحدی الأُمم

۳ - مشرکان جزیره العرب پیش از اسلام ، شرط ایمان و پذیرش دین الهی را ، آمدن پیامبری ویژه برای آنان از جانب خداوند می دانستند .

و أقسموا باللّه جهد أیمنهم لئن جاءهم نذیر لیکوننّ أهدی من إحدی الأُمم

بیشتر مفسـران بر این باورنـد که این گفتـار از مشـرکان، در دوران پیش از اسـلام بوده و آنـان این سـخن را به اهـل کتاب که گاهی آنان را به دین الهی دعوت می کردند می گفتند.

شرک در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳ - ۲۳

۲۳ اعراب جاهلی ، مرمادنی شرک پیشه و بت پرست

ذلکم اللّه ربکم فاعبدوه أفلا تذکرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۸

۱ عرب جاهلی ، مردمانی شرک پیشه و منکر ربوبیت خداوند

و یعبدون من دون اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۹ - ۲

۲ عرب جاهلی ، مردمی بودند مشرک و بت پرست .

فکفی . .. إن کنا عن عبادتکم لغفلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۴ - ۲

۲ عرب های جاهلی ، مردمانی بودند شرک پیشه و بت پرست .

قل هل من شرکائکم من یبدؤا الخلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۵ - ۲

۲ اعراب جاهلی ، مردمانی بودند شرک پیشه و بت پرست .

قل هل من شرکائکم من یهدی إلی الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - شرک ، سرقت ، زنا ، فرزندکشی ، انتساب فرزند زنا به شوهران از جمله ناهنجاری های اعتقادی اخلاقی زنان عرب پیش از اسلام

أن لایشرکن . .. لایسرقن ... لایزنین ... و لایقتلن أولدهنّ و لایأتین ببهتن

تصـریح پیـامبر(ص) و قرآن، به لزوم پرهیز زنـان عرب از موارد یـاد شـده؛ بیـانگر وجود چنین زمینه هـایی در میـان زنان عرب جاهلی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۱ - ۱۲

۱۲ جامعه جاهلی در عصر بعثت جامعه ای آلوده به شرک و بی اهتمام نسبت به پدران و مادران بود.

و بالولدین إحسنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲

- ۳۰ - ۱۲

۱۲ - آمیختگی مراسم حج و قربانی ، با مظاهر شرک و بت پرستی در عصر جاهلیت

و أُحلّت لکم الأنعم إلّا ما یتلی علیکم فاجتنبوا الرجس من الأوثن

طلاق در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۹ - ۲

۲ نامحدود بودن دفعات طلاق رجعی در جاهلیّت و محدود شدن آن در اسلام

الطّلاق مرّتان

با توجّه به شأن نزول: کان الرجل فی الجاهلیّه اذا طلّق امرأته ثم راجعها قبل ان تنقضی عِدّتها . .. و إن طلقها الف مرّه ... فذکرت ذلک لرسول اللّه (ص) فنزلت: <الطلاق مرّتان ... >. (مجمع البیان، ذیل آیه.)

ظلم در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۳ - ۸

۸ شیوع کردار زشت، رفتار نکوهیده، ستمگری، شرک و افترا بر خدا در میان مردم جاهلی

قل من حرم زینه الله . .. إنما حرم ربی الفوحش ... و أن تقولوا علی الله ما لا تعلم

مراد از حصر در جمله <انما حرم . .. > می تواند حصر حقیقی باشد. یعنی اساس محرمات الهی منحصر در آن پنج امر ذکر شده است و دیگر محرمات به این امور بازمی گردند. و نیز می تواند مراد از آن، حصر قلب، که از اقسام حصر اضافی است، $باشد. این گونه حصر نظارت بر اعتقاد و روش مخاطب دارد و به هدف رد پندار و روش او و اثبات عکس آن ایراد می شود. یعنی زینتها و روزیهایی که شما تحریم کرده اید و از آن پرهیز دارید، حلال است و فواحش و ... حرام

است.

ظهار در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴ - ۷،۸،۹

۷ - در جاهلیت ، ظِهار همسر از سوی شوهر ، امری رایج بوده است .

و ما جعل أزوجکم الّی تظهرون منهنّ أمّهتکم

از کاربرد فعل مضارع <تظاهرون> که دلالت بر استمرار دارد استفاده می شود که ظِهار، امر متداولی بوده است.

۸ - ظِهار ، از بدعت های عصر جاهلی بود و منشأ الهی نداشت .

و ما جعل أزوجکم الّی تظهرون منهنّ أمّهتکم. .. ذلکم قولکم بأفوهکم

این که خداوند ظِهار را از خود نفی کرده، حاکی است که چنین امری، از بدعت های دوران جاهلیت بوده است.

۹ - در عصر جاهلیت ، مردان ، با ظِهار همسر خود ، او را در ردیف مادر خود قرار داده و با او ، ترک مراوده می کردند .

و ما جعل أزوجکم الّی تظهرون منهنّ أمّهتکم

این که خداوند فرموده است، ظِهار، همسر را در منزلت مادر قرار نمی دهد، به دست می آید که مردان، با ظِهارِ همسر، می خواسته اند با آنان ترک مراوده کنند؛ چون، بر این باور بودند که خلوت با مادر قطعاً، امر نادرستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲ - ۳،۴

۳ - ابراز ناخرسندی از سوی یک زن ، سبب شد خداوند ، رسم جاهلی ظهار را که تا آن زمان در میان مسلمانان رواج داشت ملغا اعلام کند .

قد سمع اللّه قول الّتی . .. الذین یظهرون منکم ... ما هنّ أُمّهتهم

۴ - در طلاق از نوع ظهار ،

پندار مردم جزیره العرب این بود که زن ظهار شده ، برای شوهرش حکم مادر را پیدا کرده و حرام مؤبّد می شود .

الذین یظهرون منکم من نسائهم ما هنّ أُمّهتهم

عزی در جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۱۹ – ۴

۴ – < لات > و < عزی > در مرتبه بالاتر از < منات > ، در نزد عرب جاهلی *

أفرءیتم اللّت و العزّی

از تقدیم <لات و عزی> و توصیف منات به <الثالثه> (سومی)، مطلب بالا به استفاده می شود.

عقیده باطل مشرکان جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۱۶ – ۵

۵ – مشرکان جاهلی ، با وجود اعتقاد به مخلوق بودن فرشتگان ، آنان را دختر خدا می پنداشتند .

أم اتّخذ ممّا یخلق بنات

لحن آیه شریفه نشان می دهد که مشرکان مکه، مخلوق بودن فرشتگان را پذیرفته بودند و خداوند آنان را مورد سرزنش قرار می دهد که چگونه در میان مخلوقات، آنچه راکه خود نمی پسندند، به او نسبت می دهند.

عقیده جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۱۹۸ – ۲

۲ ممنوعیّت فعالیت های اقتصادی در حج ، پندار غلط برخی از مسلمانان صدر اسلام

لیس علیکم جناح ان تبتغوا فضلا

برخی از مسلمانان، خرید و فروش را در حج گناه می شمردند که با این آیه، این تصوّر دفع شد. (مجمع البیان.)

مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۲۷ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۰۱، ح ۲.

عقیده مردم دوران جاهلیت

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴ - ۱

۱- اعتقاد به وجود فرزند برای خدا ، عقیده ای مطرح و شایع در عصر نزول قرآن بوده است .

لینذر بأسًا . .. و ینذر الذین قالوا اتخذ اللّه ولدًا

از میان همه کسانی که مورد انذار قرآن اند، معتقدان به فرزند داشتن خدا، ذکر شده است، مطلب فوق استفاده می شود.

عقیده مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۷ - ۱

۱- مشرکان دوران جاهلیت ، معتقد به وجود دخترانی برای خداوند

و یجعلون لله البنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۰ - ۳

۳- مشرکان عصر جاهلی ، منکر عالم آخرت بودند .

للذین لایؤمنون بالأخره

این آیه، در سیاق آیاتی است که در مذمت مشرکان بود و این خود قرینه ای است بر اینکه مراد از <الذین>، مشرکانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۲ - ۴

۴- مشرکان دوران جاهلیت ، باورمند به خداوند علی رغم اسناد امور ناروا به او

و یجعلون لله ما یکرهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۴۲ – ۴

۴ – اعتقاد مشـرکان عرب ، به محدود بودن قلمرو رسالت پیامبران الهی چون ابراهیم ، موسـی و عیسـی (ع) به امت ها و اقوام غیر ایشان

و أقسموا باللّه . .. لئن جاءهم نذیر لیکوننّ أهدی من إحدی الأُمم

از این که مشرکان، آمدن پیامبری ویژه برای خود را; شرط ایمان خود برمی شمردند، می توان استفاده

کرد که آنان اعتقاد نداشتند که قلمرو ادیان الهی در گذشته شامل آنان نیز می شود; وگرنه این تقاضا لغو و غیر منطقی بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۹ - ۲

۲ - عقیده مشرکان به وجود دختران برای خداوند

ألربّك البنات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۸ - ۵

۵ - عرب جاهلی ، خود بیزار از داشتن دختر ; ولی معتقد به وجود دختر برای خداوند

أوَ من . .. و هو فی الخصام غیر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۹ - ۱،۷

۱ - مشرکان عصر جاهلیت ، معتقد به مؤنث بودن فرشتگان

و جعلوا الملئکه . .. إنثًا

۷ - نکوهش خداوند ، نسبت به باور های بی دلیل مشرکان جاهلی

و جعلوا الملئکه إنثًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۰ - ۳،۴

۳ - مشرکان عرب جاهلی ، معتقد به خداوند رحمان و مرتبت والای او در مقایسه با دیگر خدایان

و قالوا لو شاء الرحمن ما عبدنهم

از این که مشرکان، عبادت دیگر خدایان را در گرو مشیت خدای رحمان دانسته اند، مطلب بالا استفاده می شود.

۴ – مشیت الهی و نقش آن در عمل انسان ، مورد پذیرش مشرکان عصر جاهلی

و قالوا لو شاء الرحمن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۲۱ – ۲،۳

۲ – مزیت پسران بر دختران ، از عقاید عرب جاهلی

ألکم الذّکر و له الأُنثی

۳ – اعراب جاهلی ، معتقد

به دختر بودن فرشتگان

أفریتم اللّت و العزّی . .. ألکم الذّکر و له الأُنثی

از ارتباط میان آیات، می توان استفاده کرد که مشرکان، فرشتگان را دختران خدا و بت ها را مظهری برای آنها می پنداشتند. بدین جهت اسامی مؤنث برای بت ها، (لات و...) برمی گزیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۳ - ۲

۲ - شرک و بت پرستی ، دارای پیشینه تاریخی در میان مردم عرب جاهلی

سمّیتموها أنتم و ءاباؤکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۳ - ۳

۳ - شرک و بت پرستی ، اندیشه و مرام عرب جاهلی

یأیّها الناس . .. إنّ الذین تدعون من دون اللّه

علاقه به رسوم جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۳،۶

۳ گریز از احکام الهی و گرایش به احکام جاهلی ، شیوه و منشی ناپسند

افحکم الجهلیه یبغون

۶ خواسته های نفسانی ، ریشه گرایش به احکام جاهلی

و لاتتبع اهواءهم . .. افحکم الجهلیه یبغون

علایق مردم جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۲۰ – ۱

۱ – علاقه فراوان به مال ، از ویژگی های مردم در عصر جاهلیت

و تحبّون المال حبًّا جمًّا

<جمّاً>، به معنای زیاد بودن و انباشته شدن است. (مقاییس)

عمل ناپسند در جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳۳ – ۸

۸ شیوع کردار زشت، رفتار نکوهیده، ستمگری، شرک و افترا بر خدا در میان مردم

جاهلی

قل من حرم زینه الله . .. إنما حرم ربی الفوحش ... و أن تقولوا علی الله ما لا تعلم

مراد از حصر در جمله <انما حرم . .. > می تواند حصر حقیقی باشد. یعنی اساس محرمات الهی منحصر در آن پنج امر ذکر شده است و دیگر محرمات به این امور بازمی گردند. و نیز می تواند مراد از آن، حصر قلب، که از اقسام حصر اضافی است، $باشد. این گونه حصر نظارت بر اعتقاد و روش مخاطب دارد و به هدف رد پندار و روش او و اثبات عکس آن ایراد می شود. یعنی زینتها و روزیهایی که شما تحریم کرده اید و از آن پرهیز دارید، حلال است و فواحش و ... حرام است.

عوامل اندوه مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۷ - ۱

۱ - خشم و ناراحتی شدید عرب جاهلی ، به هنگام اطلاع یافتن از تولد فرزندی دختر برای او

و إذا بشّر أحدهم . .. و هو كظيم

عوامل بدعت در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۳ - ۱۴

۱۴ جهالت و نارسائی عقل و اندیشه ، عامل رواج بدعت ها و افترا ها در جامعه کفرپیشه عصر جاهلی

و لکن الذین کفروا یفترون علی اللّه الکذب و اکثرهم لایعقلون

عوامل ذلت مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۷ - ۲

۲ - پسر مایه سرور و مباهات و دختر موجب ننگ و عار ، در میان عرب جاهلی

و أصفيكم بالبنين .

و إذا بشّر أحدهم بما ضرب للرحمن مثلاً ظلّ وجهه مسودًّا و هو

عوامل سرور مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۷ - ۲

۲ - پسر مایه سرور و مباهات و دختر موجب ننگ و عار ، در میان عرب جاهلی

و أصفیکم بالبنین . و إذا بشّر أحدهم بما ضرب للرحمن مثلاً ظلّ وجهه مسودًّا و هو

عوامل غضب مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۷ - ۱

۱ - خشم و ناراحتی شدید عرب جاهلی ، به هنگام اطلاع یافتن از تولد فرزندی دختر برای او

و إذا بشّر أحدهم . .. و هو کظیم

غصب ارث در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۹ - ۱

۱ - مردم عصر جاهلیت ، با تصرف حق دیگران در میراث ، سهم آنان را ضمیمه سهم خویش می ساختند .

و تأکلون التراث أکلاً لمّا

<تراث>، <ارث> و <میراث> به یک معنا است (لسان العرب). <لمّاً> مصدر و به معنای جمع کردن فراوان است (العین). <لَمَمْتُ>; یعنی، ضمیمه ساختم (مصباح). <أکل> کنایه از تصرف کامل است; به گونه ای که چیزی از میراث باقی نماند. توصیف آن به مصدر (لمّاً)، برای مبالغه است; یعنی، تصرفی که در کنار حق خود، به طور کامل فراگیر حق دیگران نیز باشد.

غصب مال یتیم در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۹

۹- تصرف بی جا در اموال یتیمان و حیف و میل آنها

، امری رایج و شایع در میان اعراب جاهلی

و لاتقربوا مال الیتیم

غفلت مردم جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶ - ۶

۶ - مردم در آغاز بعثت و اجداد آنان در عصر جاهلیت ، در غفلت و بی خبری بسر می بردند .

ما أُنذر ءاباؤهم فهم غفلون

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که ضمیر <هم> به مجموع <قوم> و <آباء> بازگردد.

غلات حرام در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۸ - ۱،۲،۷

۱ ممنوعیت خوردن برخی از چهارپایان و محصولات زراعی به اعتقاد واهی مشرکان عصر جاهلیت

و قالوا هذه أنعم و حرث حجر لایطعمها إلا من نشاء بزعمهم

<حجر> به معنای منع و ممنوعیت است و مراد از ممنوعیت <أنعام> و <حرث>، به قرینه <لایطعمها>، ممنوعیت خوردن از آنهاست.

۲ اعتقاد بی اساس مشرکان به ممنوعیت خوردن از چهارپایان و کشتی (محصول زراعی) که برای خدا و بتها قرار می دادند.

و جعلو الله . .. و قالوا هذه أنعم و حرث حجر لایطعمها إلا من نشاء بزعمهم

<هذه> اشاره به سهامی است که مشرکان برای خدا و بتها قرار می دادند و در آیه ۱۳۶ بیان گردیده است.

۷ وعده الهی به کیفر مشرکان به سبب افتراهای آنان به خدا (ممنوعیت خوردن برخی از چهارپایان و محصولات، سوار نشدن بر برخی از چهارپایان، نبردن نام خدا به هنگام ذبح)

سیجزیهم بما کانوا یفترون

فرار مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۱

۱- متواری و مخفی

شدن مشرکان دختردار شده در دوران جاهلیت ، به خاطر شدت ناراحتی ناشی از خبر دختردار شدن

و إذا بشّر أحدهم بالأُنثی . .. یتوری من القوم من سوء ما بشّر به

فرزند کشی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۷ - ۱،۲،۷

۱ فرزند کشی و قربانی برای شریکان پنداری خداوند، از سنتهای زشت مشرکان عصر جاهلیت بوده است.

ساء ما یحکمون. و کذلک زین لکثیر من المشرکین قتل أولدهم

در آیه شریفه تزیین کشتن فرزندان به <شرکاء> نسبت داده نشده، لذا محتمل است مراد قربانی کردن فرزندان برای بتها باشد، گر چه اعراب جاهلی به انگیزه های دیگری نیز، مانند فقر، عار از دختر داشتن و . .. فرزندان خود را می کشتند.

۲ کشتن فرزند در نظر بسیاری از مشرکان عصر جاهلیت کاری زیبا و شایسته بوده است.

و کذلک زین لکثیر من المشرکین قتل أولدهم

۷ فرزندکشی در نظر گروهی از مشرکان عصر جاهلیت، علی رغم نظر بسیاری دیگر، کاری شایسته تلقی نمی شده است.

کذلک زین لکثیر من المشرکین قتل أولدهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۰ - ۱،۶

۱ کشتن فرزندان (به عنوان قربانی) و تحریم روزیهای خداوند از سنتهای مشرکان عصر جاهلیت

قد خسر الذین قتلوا أولدهم سفها بغیر علم

۶ مشرکان عصر جاهلی به سفاهت خویش در فرزندکشی ناآگاه بودند.

قد خسر الذین قتلوا أولدهم سفها بغیر علم

<باء> در <بغیر علم> به معنای ملابسه و وصف برای <سفها> است. لذا معنی آیه چنین می شود: سفاهتی خالی از علم.

آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۵۱ – ۱۸

۱۸ رواج کشتار فرزندان به سبب فقر و تنگدستی در عصر جاهلی

و لاتقتلوا أولدکم من إملق

فرزندخواندگی در جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۴ – ۱۱،۱۲

۱۱ – در جاهلیت ، فرزندخوانده شدگان ، فرزند حقیقی تلقی می شدند .

و ما جعل أدعیاءکم أبناءکم

آیه، نـاظر به واقعیتی موجود در عصـر ظهور اسـلام و باقی مانـده از دوران جاهلی است. چنان که نوع مفسـران، به آن تصـریح کرده اند، آیه درباره زیدبن حارثه، پسرخوانده رسول اللّه(ص) نازل شده است.

۱۲ – فرزند حقیقی تلقّی شدن فرزند خوانده شدگان ، در عصر جاهلیت ، خودساخته بود و منشأ الهی نداشت .

و ما جعل أدعیاءکم أبناءکم ذلکم قولکم بأفوهکم

فرزندکشی در جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۱ – ۲

۲– ترس از فقر و ناداری ، عامل روی آوردن اعراب جاهلی به کشتن فرزندان خود

و لاتقتلوا أولدکم خشیه إملق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ممتحنه – ۶۰ – ۱۲ – ۱۰

۱۰ - شرک ، سرقت ، زنا ، فرزندکشی ، انتساب فرزند زنا به شوهران از جمله ناهنجاری های اعتقادی اخلاقی زنان عرب پیش از اسلام

أن لایشرکن . .. لایسرقن ... لایزنین ... و لایقتلن أولدهنّ و لایأتین ببهتن

تصریح پیامبر(ص) و قرآن، به لزوم پرهیز زنان عرب از موارد یاد شده; بیانگر وجود چنین زمینه هایی در میان زنان عرب جاهلی است.

فرهنگ جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۴

مائده - ۵ - ۵۰ - ۹

۹ لزوم مبارزه با فرهنگ جاهلی و ریشه کن ساختن آن

افحکم الجهلیه یبغون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۳ - ۸

۸ شیوع کردار زشت، رفتار نکوهیده، ستمگری، شرک و افترا بر خدا در میان مردم جاهلی

قل من حرم زینه الله . .. إنما حرم ربی الفوحش ... و أن تقولوا علی الله ما لا تعلم

مراد از حصر در جمله <انما حرم . .. > می تواند حصر حقیقی باشد. یعنی اساس محرمات الهی منحصر در آن پنج امر ذکر شده است و دیگر محرمات به این امور بازمی گردند. و نیز می تواند مراد از آن، حصر قلب، که از اقسام حصر اضافی است، $باشد. این گونه حصر نظارت بر اعتقاد و روش مخاطب دارد و به هدف رد پندار و روش او و اثبات عکس آن ایراد می شود. یعنی زینتها و روزیهایی که شما تحریم کرده اید و از آن پرهیز دارید، حلال است و فواحش و ... حرام است.

فقر در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۱ - ۱۸

۱۸ رواج کشتار فرزندان به سبب فقر و تنگدستی در عصر جاهلی

و لاتقتلوا أولدکم من إملق

فلسفه زیارت قبور در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۲ - ۳

۳ - دیدار قبرستان ها برای شمارش مردگان قبیله ، پست ترین اقدام برخی قبایل عصر جاهلی ، در مقام اثبات برتری تعداد خویش بر قبایل دیگر

حتّى زرتم المقابر

قيد >حتّى

زرتم المقابر>، ممکن است کنایه از مرگ باشد و شاید در معنای حقیقی دیدار گورستان به کار رفته باشد. در صورت دوم، ناظر به رفتاری است که درباره برخی اقوام عرب نقل شده است که کثرت افراد قبیله را، ملاک برتری دانسته و برای بالا بردن رقم آن، حتی مردگان خود را نیز شمردند.

قربانی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ - آمیختگی مراسم حج و قربانی ، با مظاهر شرک و بت پرستی در عصر جاهلیت

و أُحلّت لکم الأنعم إلّا ما یتلی علیکم فاجتنبوا الرجس من الأوثن

قربانی فرزند در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۰ - ۱

۱ کشتن فرزندان (به عنوان قربانی) و تحریم روزیهای خداوند از سنتهای مشرکان عصر جاهلیت

قد خسر الذین قتلوا أولدهم سفها بغیر علم

قرعه در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۱۷

۱۷ حرمت تقسیم اشیا به وسیله تیر های قمار ، که نوعی قرعه کشی در عصر جاهلیت بوده است .

و الازلم رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه

از رسول خدا(ص) در پاسخ سؤال از معنی <ازلام> در آیه فوق روایت شده: قد احهم التی یستقسمون بها.

کافی، ج ۵، ص ۱۲۳، ح ۲; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۸، ح ۳۴۰.

قضاوت ناپسند مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۹،۱۰

۹- قرار دادن دختر برای خدا و پسر برای خود از سوی مشرکان ،

قضاوتی بس زشت و ناروا بود .

و یجعلون لله البنت سبحنه و لهم ما یشتهون . .. ألا ساء ما یحکمون

۱۰- تفاوت قائل شدن بین دختران و پسران از سوی مشرکان عصر جاهلی ، قضاوتی زشت و ناروا بود .

و یجعلون لله البنت سبحنه و لهم ما یشتهون . .. ألا ساء ما یحکمون

قوانین جاهلانه دوران جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴۰ – ۹

۹ وضع مقررات جاهلانه و انتساب به خدا، ویژگی مشرکان عصر جاهلی

و جعلوالله . .. و حرموا ما رزقهم الله افتراء علی الله

کافران جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۳ – ۲،۴،۶،۷

۲ کافران عصر جاهلی جعل احکامی را درباره بحیره ، سائبه ، وصیله و حامی به خداوند نسبت می دادند .

ما جعل اللّه . .. و لکن الذین کفروا یفترون علی اللّه الکذب

۴ احکام ویژه بحیره (ماده شتری که پنجمین حمل مادر خویش باشد) از بدعت ها و افترا های کافران عصر جاهلی بر خداوند .

ما جعل اللّه من بحیره . .. و لکن الذین کفروا یفترون

لسان العرب معنای مذکور برای بحیره را از برخی لغویین نقل کرده است. در جاهلیت گوش چنین شتری را می شکافتند تا علامت آن باشد که نبایستی بر آن سوار شوند و از آب و چراگاهها او را منع کنند و نیز هرگز نباید به کشتن آن اقدام کنند.

۶ احکام ویژه وصیله (گوسفند ماده ای که همزاد با بره نر باشد) بدعت و از افترا های

کافران عصر جاهلی بر خداوند

ما جعل اللّه من . .. و لاوصیله و لکن الذین کفروا یفترون

در دوره جاهلیت اگر گوسفندی دو قلو می زائید که یکی از آن دو نر بود، ذبح آن را تحریم می کردند و همزاد آن را <وصیله> می نامیدند یعنی ماده گوسفندی که سرنوشت همزادش را به سرنوشت خود گره زد و سبب شد که بر آستان بتها ذبح نشود. امام صادق(ع) در توضیح معنای <وصیله> در آیه فوق فرمود: <ان اهل الجاهلیه کانوا اذا ولدت الناقه ولدین فی بطن قالوا: وصلت، فلایستحلون ذبحها و لااکلها ... .

معانی الاخبار، ص ۱۴۸، ح ۱; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۸۳، ح ۴۱۰.

۷ احکام ویژه حامی (شتر نری که از صلبش ده شتر به وجود آید) از بدعت ها و افترا های مردم جاهلی بر خداوند

ما جعل اللّه . .. و لاحام و لکن الذین کفروا یفترون

اعراب جاهلی از سوار شدن بر شتر مذکور امتناع میورزیدند و آن را از هیچ آب و چراگاهی منع نمی کردند.

کشاورزی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۶ - ۴

۴ کشاورزی و دامداری از منابع درآمد مردم در عصر جاهلیت بوده است.

مما ذراً من الحرث و الأنعم

کعبه در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۵ - ۶

۶ - کعبه ، حتی در عصر جاهلیت و سلطه شرک ، دارای شرافت و عظمت در پیشگاه خداوند

ألم تر کیف فعل ربّک . .. فجعلهم کعصف مأکول

گمراهی در جاهلیت

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۶۴ – ۱۲،۱۳،۱۵

۱۲ گمراهی آشکار مردم ، پیش از بعثت پیامبر (ص)

و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین

۱۳ هواپرستی و رواج ضدارزش ها ، جهل و محرومیّت از تعالیم دین ، از جلوه های گمراهی مردم ، پیش از ظهور پیامبر (ص)

یزکّیهم و یعلّمهم الکتب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین

۱۵ یادآوری وضعیّت نابهنجار (گمراهی آشکار) مردم پیش از بعثت ، برانگیزنده توجّه و قدردانی از نعمت بزرگ رسالت پیامبر (ص)

لقد منّ اللّه . .. و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین

جمله <ان کانوا . .. > به منزله دلیل است برای بزرگی نعمتِ رسالت. یعنی روشن است که پیش از بعثت پیامبر (ص) در چه منجلابی از گمراهی و ضلالت فرو رفته بودید و این پیامبر (ص) و تعالیم قرآنی بود که شما را هدایت کرد.

گمراهی مشرکان دوران جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴۰ – ۱۰،۱۱

۱۰ مشرکان عصر جاهلی مردمی گمراه و به دور از هدایت بودند.

قد ضلوا و ما کانوا مهتدین

۱۱ مشرکان عصر جاهلی در گذشته نیز از آبشخور هدایت بهره مند نبودند.

قد ضلوا و ما کانوا مهتدین

گوشت قربانی در جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۳۶ – ۱۱

۱۱ – حرمت استفاده از گوشت قربانی ، پندار عرب عصر جاهلیت

فإذا وجبت جنوبها فكلوا منها

لات در جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره

- آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۹ - ۴

۴ - < لات > و < عزی > در مرتبه بالاتر از < منات > ، در نزد عرب جاهلی *

أفرءیتم اللّت و العزّی

از تقدیم <لات و عزی> و توصیف منات به <الثالثه> (سومی)، مطلب بالا به استفاده می شود.

مال دوستی مردم جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۰ - ۱

۱ - علاقه فراوان به مال ، از ویژگی های مردم در عصر جاهلیت

و تحبّون المال حبًّا جمًّا

<جمّاً>، به معنای زیاد بودن و انباشته شدن است. (مقاییس)

ماه های حرام در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۴ - ۳

۳ - کافران عصر بعثت نیز به حرمت و قداست ماه های حرام و ممنوعیت جنگ در آنها معتقد بودند .

الشهر الحرام بالشهر الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۷ - ۷

۷ پایبندی عرب های جاهلی به تعداد ماه های حرام ، علی رغم جا به جا کردن آنها

لیواطئوا عده ما حرّم اللّه

مبارزه با رسوم جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۹ – ۱۰

۱۰ – مبارزه اسلام با آداب و رسوم نادرست و خرافی عصر جاهلیت

و لیس البر بأن تأتوا البیوت من ظهورها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳ – ۱۰

۱۰ مبارزه اسلام با مظاهر شرک و بت پرستی و فرهنگ جاهلیت

حرمت علیکم . ..

و ما ذبح علی النصب و إن تستقسموا بالازلم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۰ – ۹،۱۰

۹ لزوم مبارزه با فرهنگ جاهلی و ریشه کن ساختن آن

افحکم الجهلیه یبغون

۱۰ از میان بردن فرهنگ و مقررات جاهلی حاکم بر جوامع ، از اهداف احکام و قوانین الهی

و إن احکم بینهم بما أنزل اللّه . .. افحکم الجهلیه یبغون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۳۷ – ۲۱،۲۷

۲۱ – برخی از سنت های جاهلی ، به قدری در جامعه صدراسلام رخنه و نفوذ داشت که شکستن آن ، نیاز به اقدام عملی پیامبر (ص) با پشتیبانی خداوند داشت .

فلمّا قضی زید منها وطرًا زوّجنکها لکی لایکون علی المؤمنین حرج فی أزوج أدعیائهم

۲۷ – فلسفه ازدواج پیامبر (ص) با مطلّقه پسرخوانده خویش ، شکستن سنّتی جاهلی و هموار کردن راه برای دیگران بود .

زوّجنکها لکی لایکون علی المؤمنین حرج فی أزوج أدعیائهم

مبانی رسوم جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۲۲ – ۳

۳ – قوم گرایی ، پایه اصلی فرهنگ و اعتقاد عرب جاهلی

بل قالوا إنّا وجدنا ءاباءنا علی أُمّه و إنّا علی ءاثرهم مهتدون

از این که عرب های جاهلی تنها به عقاید نیاکان خویش تکیه می کردند و آن را موجب هدایت می دانستند، قوم گرایی آنان استفاده می شود.

محرمات جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳۲ – ۷

۷ برخی از تحریمهای ساختگی دوران

جاهلی همچنان در افکار مسلمانان صدر اسلام به جا مانده بود و در میان آنان رواج داشت.

قل من حرم زینه الله التی أخرج لعباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۱۱

۱۱ - حرمت استفاده از گوشت قربانی ، پندار عرب عصر جاهلیت

فإذا وجبت جنوبها فکلوا منها

محرمات در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۸ - ۱،۲،۳،۴،۷

۱ ممنوعیت خوردن برخی از چهارپایان و محصولات زراعی به اعتقاد واهی مشرکان عصر جاهلیت

و قالوا هذه أنعم و حرث حجر لایطعمها إلا من نشاء بزعمهم

<حجر> به معنای منع و ممنوعیت است و مراد از ممنوعیت <أنعام> و <حرث>، به قرینه <لایطعمها>، ممنوعیت خوردن از آنهاست.

۲ اعتقاد بی اساس مشرکان به ممنوعیت خوردن از چهارپایان و کشتی (محصول زراعی) که برای خدا و بتها قرار می دادند.

و جعلو الله . .. و قالوا هذه أنعم و حرث حجر لایطعمها إلا من نشاء بزعمهم

<هذه> اشاره به سهامی است که مشرکان برای خدا و بتها قرار می دادند و در آیه ۱۳۶ بیان گردیده است.

۳ مشرکان عصر جاهلی خوردن از حیوان و یا کشت وقف شده برای خدا و شریکان موهوم او را برای هر کس که می خواستند مجاز می شمردند.

و قالوا هذه أنعم و حرث حجر لایطعمها إلا من نشاء

۴ مشرکان عصر جاهلیت سوار شدن بر برخی از چهارپایان را حرام می دانستند.

و أنعم حرمت ظهورها

۷ وعده الهی به کیفر مشرکان به سبب افتراهای آنان به خدا (ممنوعیت خوردن برخی از چهارپایان و محصولات، سوار

نشدن بر برخی از چهارپایان، نبردن نام خدا به هنگام ذبح)

سیجزیهم بما کانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۹ - ۱،۲

۱ مشرکان عصر جاهلی خوردن جنین دامهای وقف شده برای خدا و یا بتها را در صورت زنده بر آمدن بر مردان مجاز و بر زنان حرام می شمردند.

و قالوا ما فی بطون هذه الأنعم خالصه لذکورنا و محرم علی أزوجنا

مراد از <ازواج> به قرینه تقابل آن با <ذکور> مطلق <زن> است نه خصوص همسران

۲ خوردن از دامهایی که به گمان مشرکان عصر جاهلی سهم خدا و یا سهم دیگر معبود بود، از نظر آنان غیر مجاز شمرده می شد.

و قالوا هذه الأنعم و حرث حجر لایطعمها . .. و قالوا ما فی بطون هذه الأنعم خالصه

<هذه الأنعام> اشاره به چهارپایان خاصی است که در آیات پیشین مورد بحث قرار گرفته بود. از این آیه نیز که در مورد جواز خوردن جنین آن حیوانات است، تحریم اصل آن از دیدگاه مشرکان استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۳

۳ مشرکان عصر جاهلی بدون دلیل به حرمت استفاده از برخی چهارپایان معتقد بودند.

قل ءالذکرین حرم أم الأنثیین أما اشتملت علیه أرحام الأنثیین

در آیه ۱۳۶ و ۱۳۷ به برخی از افترائات مشرکان اشاره شده و آیه با <فذرهم و ما یفترون> پایان یافته و آیات بعد در مقام توبیخ و شمارش موارد افترا در اعتقادات مشرکان است که از آن جمله تحریم بی جاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۸

۸ آنچه را مشرکان عصر جاهلی حرام می شمردند، حتی در ادیان پیشین حرام نشده بود.

و علی الذین هادوا حرمنا

چون پس از یادآور شدن تحریمهای بی جای مشرکان عصر جاهلی به تاریخ تحریم برخی طیبات بر یهودیان اشاره شده است، می توان به این نکته پی برد که فلسفه یادآوری این جنبه تاریخی اثبات عدم مشابهت میان آن چیزی است که مشرکان بر خود تحریم کرده بودند و آنچه در ادیان الهی تحریم شده است.

محمد(ص) و رسوم جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۳ - ۵

۵ - آداب و رسوم عصر جاهلی برای پیامبر (ص) ، کوبنده ، آزاردهنده و کمرشکن بود .

الذی أنقض ظهرک

در آیه قبل، برای <وزر>، مصادیقی احتمالی ذکر شد که از جمله آنها، آداب و رسوم دوران جاهلیت بود. این احتمالات، گرچه شاهدی قوی ندارد; ولی ممکن است هدف از مطلق آوردن کلمه <وزر>، تعمیم آن به تمام مصادیق احتمالی باشد.

مرد در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۹ - ۵

۵ مشرکان عصر جاهلی زن را موجودی پست و مرد را دارای برتری و شرافت بر آنها می دانستند. *

خالصه لذکورنا و محرم علی أزوجنا و إن یکن میته فهم فیه شرکاء

حلیت جنین زنده برای مردان و حلیت جنین مرده برای زنان از دیدگاه مشرکان عصر جاهلیت، حکایت از نگرش آنان به زن دارد. زیرا تنها در صورت مرده به دنیا آمدن جنین خوردن آن را برای زنان مجاز

می شمردند.

مردسالاری در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۳،۷

۳- مردسالاری ، در دوران جاهلی بر خانواده ها سایه افکنده بود .

و إذا بشّر أحدهم بالأُنثی ظلّ وجهه . .. یتوری من القوم من سوء ما بشّر به أیمسکه

۷- مردان ، در دوران جاهلیت بر فرزندان خود ولایت و اختیار تام داشتند .

أیمسکه علی هون أم یدسّه فی التراب

اینکه خداوند از تصمیم مشرکان درباره زنده نگه داشتن نوزادان دختر خود و یا در گور کردنشان سخن می گوید و کس دیگری را دخیل و معترض نمی داند، می تواند حاکی از نکته یاد شده باشد.

مسلمانان صدر اسلام و رسوم جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۱۱

۱۱ - مسلمانان صدر اسلام بر اساس سنت عصر جاهلی ، به هنگام حج از راه های متعارف به خانه ها وارد نمی شدند .

و لیس البر بأن تأتوا البیوت من ظهورها

از اینکه مسلمانان مورد خطاب قرار گرفته اند، معلوم می شود: گروهی از آنان تا پیش از نازل شدن آیه شریفه، به این سنت پایبند بوده اند.

مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۷

۷ - اهل کتاب و مشرکان در عصر جاهلیت ، خود را در انتظار پیام های مکتوب و پیراسته از باطل قلمداد می کردند که آن را

از رسولی الهی دریافت کنند .

حتّی تأتیهم البیّنه . رسول من اللّه یتلوا صحفًا مطهّره

مشرکان جاهلیت و قیامت

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۹ - ۲،۳

۲ شرک پیشگان عرب جاهلی ، مردمانی ناآشنا به جهان آخرت و حقایق روز بازپسین

بل کذبوا بما لم یحیطوا بعلمه و لما یأتهم تأویله

مراد از <ما لم یحیطوا بعلمه> به قرینه جمله بعد (و لما یأتهم تأویله) می تواند قیامت باشد. در این صورت، جمله <لم یحیطوا ... > بیانگر این است که: موضوع قیامت برای مشرکان عرب جاهلی موضوعی بی سابقه و نوی بود و آنان در گذشته نسبت به آن در بی خبری محض به سر می بردند.

۳ قیامت و روز بازپسین ، مورد انکار شرک پیشگان عصر بعثت

بل کذبوا بما لم یحیطوا بعلمه

مشرکان دوران جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۷ - ۶،۹

۶- انتساب دخترانی به خداوند از سوی مشرکان ، افترا و دروغی ساختگی است .

و یجعلون لله البنت سبحنه

۹- اظهار نظر مشرکان درباره دختر داشتن خداوند و فرزند دلخواه (پسر) داشتن خود ، مبتنی بر خواهش نفسانی بوده است .

و یجعلون لله البنت . .. و لهم ما یشتهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۲

۲- خبر دختردار شدن برای مشرکان ، خبری ناگوار و بد بود .

یتوری من القوم من سوء ما بشّر به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۲ - ۱،۶،۷

۱- مشرکان دوران جاهلیت ، چیزهایی را به خداوند نسبت می دادند که برای خود ، خوش نداشتند .

و یجعلون لله ما یکرهون

مراد

از <یجعلون> (قرار می دهند) به قرینه آیات قبل (و یجعلون لله البنات) اسناد دادن و متصف کردن است.

۶- مشرکان علی رغم استناد امر ناخوشایند به خداوند ، مدعی عاقبتی نیکو برای خود بودند .

و یجعلون لله ما یکرهون و تصف ألسنتهم الکذب أن لهم الحسنی

۷- ادعای خوش عاقبتی مشرکان برای خویش ، ادعایی دروغ و دور از واقعیت

و تصف ألسنتهم الکذب أن لهم الحسنی

<أن لهم الحسنی> بدل برای <الکذب> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۶ - ۱،۲،۹،۱۰

۱ قرار دادن سهمی از زراعت و چهارپایان برای خدا و سهمی از آن برای شریکان موهوم او (مانند بت، جن و . ..) از سنتهای مشرکان در عصر جاهلیت

و جعلو الله مما ذراً . .. فقالوا هذا لله

به قرینه آیه ۱۰۰ همین سوره (و جعلوالله شرکاء الجن)، از جمله عقاید موهوم مشرکان، شریک بودن جنیان با خداوند بوده است.

۲ سنت جاهلی مشرکان در قرار دادن سهمی از زراعت و چهارپایان برای خدا و سهمی برای شریکان خیالی او، بی اساس و بر پایه گمان بوده است.

و جعلو الله مما ذراً . .. هذا لله بزعمهم

<زعم> به گمان و سخن بی اساس اطلاق می شود. (مصباح اللغه).

۹ مصرف سهم خداوند برای بتها و دیگر شریکان خیالی و مصرف نکردن سهم بتها برای خداوند، از داوریهای ناپسند مشرکان عصر جاهلی بوده است.

فما کان لشرکائهم . .. ساء ما یحکمون

مراد از فعلهای <یصل> و <لایصل>، آن گونه که مفسران گفته اند، در مقام خبر از انشای مشرکان است. یعنی مشرکان آنچه را سهم خداوند تلقی می نمودند،

مصرفش را برای بتها (مانند مخارج بتکده و ...) مجاز می دانستند، ولی عکس آن را روا نمی شمردند.

۱۰ داوری زشت و غلط مشرکان جاهلی در مقایسه خدا با بتها و ترجیح بتها بر او

فما کان لشرکائهم . .. ساء ما یحکمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۷ - ۱،۲،۷،۹

۱ فرزند کشی و قربانی برای شریکان پنداری خداوند، از سنتهای زشت مشرکان عصر جاهلیت بوده است.

ساء ما یحکمون. و کذلک زین لکثیر من المشرکین قتل أولدهم

در آیه شریفه تزیین کشتن فرزندان به <شرکاء> نسبت داده نشده، لذا محتمل است مراد قربانی کردن فرزندان برای بتها باشد، گر چه اعراب جاهلی به انگیزه های دیگری نیز، مانند فقر، عار از دختر داشتن و . .. فرزندان خود را می کشتند.

۲ کشتن فرزند در نظر بسیاری از مشرکان عصر جاهلیت کاری زیبا و شایسته بوده است.

و کذلک زین لکثیر من المشرکین قتل أولدهم

۷ فرزندکشی در نظر گروهی از مشرکان عصر جاهلیت، علی رغم نظر بسیاری دیگر، کاری شایسته تلقی نمی شده است.

کذلک زین لکثیر من المشرکین قتل أولدهم

۹ تعیین سهمی در اموال برای خداوند و سهمی برای شریکان موهوم او و تجویز مصرف سهم خداوند برای شریکان، کارهایی زیبا و شایسته از دیدگاه مشرکان عصر جاهلیت

و جعلوالله مما ذراً من الحرث . .. کذلک زین لکثیر من المشرکین

اسم اشاره <کذلک> به آیه قبل اشارت دارد و مفاد <کاف> تشبیه در آن، بیان شباهت تزیین در این کار (قتل فرزند) با تزیین در آیه قبل (تعیین سهام و . ..) است.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۸ - ۳،۴،۵

۳ مشرکان عصر جاهلی خوردن از حیوان و یا کشت وقف شده برای خدا و شریکان موهوم او را برای هر کس که می خواستند مجاز می شمردند.

و قالوا هذه أنعم و حرث حجر لایطعمها إلا من نشاء

۴ مشرکان عصر جاهلیت سوار شدن بر برخی از چهارپایان را حرام می دانستند.

و أنعم حرمت ظهورها

۵ تعمد مشرکان عصر جاهلی به نبردن نام خدا بر بعضی از چهارپایان به هنگام ذبح

و أنعم لایذکرون اسم الله علیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۹ - ۱،۲،۳،۴،۵،۱۰

۱ مشرکان عصر جاهلی خوردن جنین دامهای وقف شده برای خدا و یا بتها را در صورت زنده بر آمدن بر مردان مجاز و بر زنان حرام می شمردند.

و قالوا ما فی بطون هذه الأنعم خالصه لذکورنا و محرم علی أزوجنا

مراد از <ازواج> به قرینه تقابل آن با <ذکور> مطلق <زن> است نه خصوص همسران

۲ خوردن از دامهایی که به گمان مشرکان عصر جاهلی سهم خدا و یا سهم دیگر معبود بود، از نظر آنان غیر مجاز شمرده می شد.

و قالوا هذه الأنعم و حرث حجر لایطعمها . .. و قالوا ما فی بطون هذه الأنعم خالصه

<هذه الأنعام> اشاره به چهارپایان خاصی است که در آیات پیشین مورد بحث قرار گرفته بود. از این آیه نیز که در مورد جواز خوردن جنین آن حیوانات است، تحریم اصل آن از دیدگاه مشرکان استفاده می شود.

۳ مشرکان عصر جاهلی استفاده از جنین مرده حیوانات وقف شده برای خدا

و یا بتها را برای زنان و مردان مجاز می شمردند.

و محرم علی أزوجنا و إن یکن میته فهم فیه شرکاء

۴ خوردن جنین مرده دام در برخی موارد از نظر مشرکان عصر جاهلی جایز بود.

و إن یکن میته فهم فیه شرکاء

۵ مشرکان عصر جاهلی زن را موجودی پست و مرد را دارای برتری و شرافت بر آنها می دانستند. *

خالصه لذکورنا و محرم علی أزوجنا و إن یکن میته فهم فیه شرکاء

حلیت جنین زنده برای مردان و حلیت جنین مرده برای زنان از دیدگاه مشرکان عصر جاهلیت، حکایت از نگرش آنان به زن دارد. زیرا تنها در صورت مرده به دنیا آمدن جنین خوردن آن را برای زنان مجاز می شمردند.

۱۰ قوانین و مقررات ساختگی مشرکان عصر جاهلی بی پایه و به دور از حکمت و جاهلانه بوده است.

و قالوا ما فی بطون . .. سیجزیهم وصفهم إنه حکیم علیم

جمله <إنه حکیم علیم> به منزله تعریض به کسانی است که بدون علم و حکمت به جعل احکام بر اساس تصورات خویش می پردازند، چنانکه مشرکان عصر جاهلیت این چنین بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۰ - ۱

۱ کشتن فرزندان (به عنوان قربانی) و تحریم روزیهای خداوند از سنتهای مشرکان عصر جاهلیت

قد خسر الذین قتلوا أولدهم سفها بغیر علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۹

۹ مشرکان عصر جاهلیت در اسارت گامها و راههای شیطان بودند.

و قالوا هذه أنعم و حرث حجر . .. کلوا مما رزقکم الله و لا تتبعوا

خطوت الشيطن

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴۳ – ۷

۷ مشركان عصر جاهلی فاقد هر گونه دليل علم آور بر تحريمهای بی جای خود بودند.

قل ءالذكرين حرم . .. نبئونی بعلم إن كنتم صدقين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴۴ – ۳

۳ مشركان عصر جاهلی بدون دليل به حرمت استفاده از برخی چهارپايان معتقد بودند.

قل ءالذكرين حرم أم الأنثيين أما اشتملت عليه أرحام الأنثيين

در آيه ۱۳۶ و ۱۳۷ به برخی از افترائات مشركان اشاره شده و آيه با <فذرهم و ما يفترون> پايان يافته و آيات بعد در مقام توبيخ و شمارش موارد افترا در اعتقادات مشركان است كه از آن جمله تحريم بی جاست.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴۶ – ۸

۸ آنچه را مشركان عصر جاهلی حرام می شمردند، حتی در اديان پيشين حرام نشده بود.

و علی الذين هادوا حرمنا

چون پس از يادآور شدن تحريمهای بی جای مشركان عصر جاهلی به تاريخ تحريم برخی طيبات بر يهوديان اشاره شده است، می توان به اين نكته پی برد كه فلسفه يادآوری اين جنبه تاريخی اثبات عدم مشابهت ميان آن چيزی است كه مشركان بر خود تحريم كرده بودند و آنچه در اديان الهی تحريم شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – نحل – ۱۶ – ۵۸ – ۱،۵،۶

۱– چهره مشركان دوران جاهلی ، به هنگام دريافت خبر دختردار شدن ، از شدت غضب و ناراحتی ، دگرگون می شد

.

و إذا بشّر أحدهم بالأُنثى ظلّ وجهه مسودًّا

۵- مشرکان ، با دریافت خبر دختردار شدن ، آکنده از اندوه می شدند و از شدت شرمندگی آن را بروز نمی دادند .

و إذا بشّر أحدهم بالأُنثى . .. و هو کظیم

<کظم> در لغت، راه خروج نَفَس است و در حبس نفس و سکوت استعمال می شود و در آیه، مراد از <کظیم> کسی است که آکنده از اندوه است.

۶- مشرکان ، علی رغم نفرت از دختردار شدن ، آن را به خداوند نسبت می دادند .

و یجعلون لله البنت . .. و إذا بشّر أحدهم بالأُنثى ظلّ وجهه مسودًّا و هو کظیم

ملاک ارزشها در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۹ - ۳

۳ سرپرستی مسجدالحرام و آب دهی به زائران کعبه ، شغلی مهم و افتخارآمیز در میان عرب های جاهلی

أجعلتم سقایه الحاجّ و عماره المسجدالحرام کمن ءامن باللّه . .. و جهد فی سبیل اللّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۵

۵- پذیرش امور از سوی طبقه اشراف ، ملاک ارزشی بودن آن امور در جامعه جاهلی

لو کان خیرًا ما سبقونا إلیه

ملائکه پرستی مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۰ - ۱

۱ - فرشتگان ، مورد پرستش و احترام مشرکان عرب جاهلی

و قالوا . .. ما عبدنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۲ - ۴

۴ - پرستش فرشتگان ، سنتی دیرینه و آیینی سابقه

دار در تاریخ عرب جاهلی

بل قالوا إنّا وجدنا ءاباءنا علی أُمّه

واژه <اُمّه>، بیانگر آیین و مذهب است.

منابع اقتصادی دوران جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۶ - ۴

۴ کشاورزی و دامداری از منابع درآمد مردم در عصر جاهلیت بوده است.

مما ذراً من الحرث و الأنعم

منات در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۹ - ۴

۴ - < لات > و < عزی > در مرتبه بالاتر از < منات > ، در نزد عرب جاهلی *

أفرءیتم اللّت و العزّی

از تقدیم <لات و عزی> و توصیف منات به <الثالثه> (سومی)، مطلب بالا به استفاده می شود.

موقعیت والدین در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۱ - ۱۲

۱۲ جامعه جاهلی در عصر بعثت جامعه ای آلوده به شرک و بی اهتمام نسبت به پدران و مادران بود.

و بالولدین إحسنا

مهریه در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۱۷

۱۷ - قرار دادن مهریه برای زنان ، از آداب همسری در میان عرب قبل از اسلام

و ءاتوهم ما أنفقوا

بیشتر مفسران مسأله انفاق در آیه شریفه را، به <مهریه> تفسیر کرده اند.

نجات از جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۴ - ۲۱،۲۲

۲۱ رهایی مردم از جاهلیّت و گرایش آنان به اسلام ، از نعمت های بزرگ الهی

کذلك کنتم من قبل فمنّ اللّه علیکم

<منّت> به معنای نعمت

بزرگ است.

۲۲ رهایی آدمی از گرایش های جاهلی در اختیار خدا و به مشیت اوست .

کذلک کنتم من قبل فمنّ اللّه علیکم

نشانه های برتری قبیله در جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکاثر – ۱۰۲ – ۱ – ۴

۴ – افزون تر بودن تعداد ، نشان برتری قبیله ای بر قبایل دیگر در فرهنگ جاهلی

ألهیکم التکاثر

آیه بعد، در یکی از احتمالات آن ناظر به ماجرای تفاخر دو قبیله از قریش، با یکدیگر است تا آن جا که به شمارش مردگان و اثبات فزونی افراد خود پرداختند. ارتباط آن با <تکاثر> در این آیه، بیانگر برداشت یاد شده است.

نظام خانواده در جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۵۹ – ۳

۳- مردسالاری ، در دوران جاهلی بر خانواده ها سایه افکنده بود .

و إذا بشّر أحدهم بالأُنثی ظلّ وجهه . .. یتوری من القوم من سوء ما بشّر به أیمسکه

نفرت مشرکان جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۴۲ – ۸

۸ – نفرت شدید مشرکان از بعثت رسول اکرم (ص) ، به رغم سوگند مؤکد قبلی خود مبنی بر ایمان به پیامبر برخاسته از میان نژاد آنان

و أقسموا باللّه . .. فلمّا جاءهم نذیر ما زادهم إلاّ نفورًا

ورود به خانه دیگران در جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۲۷ – ۷

۷ – ورود ناگهانی و بدون سلام کردن و اذن خواستن ، به محل سکونت و خانه یکدیگر ،

از رسوم و اخلاق جاهلیت پیش از اسلام بود .

لاتدخلوا بیوتًا غیر بیوتکم حتّی تستأنسوا و تسلّموا علی أهلها

وقف در جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۸ – ۳

۳ مشرکان عصر جاهلی خوردن از حیوان و یا کشت وقف شده برای خدا و شریکان موهوم او را برای هر کس که می خواستند مجاز می شمردند.

و قالوا هذه أنعم و حرث حجر لایطعمها إلا من نشاء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۹ – ۱،۳

۱ مشرکان عصر جاهلی خوردن جنین دامهای وقف شده برای خدا و یا بتها را در صورت زنده بر آمدن بر مردان مجاز و بر زنان حرام می شمردند.

و قالوا ما فی بطون هذه الأنعم خالصه لذکورنا و محرم علی أزوجنا

مراد از <ازواج> به قرینه تقابل آن با <ذکور> مطلق <زن> است نه خصوص همسران

۳ مشرکان عصر جاهلی استفاده از جنین مرده حیوانات وقف شده برای خدا و یا بتها را برای زنان و مردان مجاز می شمردند.

و محرم علی أزوجنا و إن یکن میته فهم فیه شرکاء

ویژگیهای جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۳۶ – ۱

۱ اعراب جاهلی ، مردمانی بودند کوته نظر ، خرافاتی و پیرو موهومات .

فما لکم کیف تحکمون. و ما یتبع أکثرهم إلا ظناً

ویژگیهای مشرکان دوران جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۰ - ۹

۹ وضع مقررات جاهلانه و انتساب به خدا، ویژگی

مشرکان عصر جاهلی

و جعلوالله . .. و حرموا ما رزقهم الله افتراء علی الله

هواپرستی در جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۶۴ – ۱۳

۱۳ هواپرستی و رواج ضدارزش ها ، جهل و محرومیّت از تعالیم دین ، از جلوه های گمراهی مردم ، پیش از ظهور پیامبر (ص)

یزکّیهم و یعلّمهم الکتب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین

جایزه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جایزه

احکام جایزه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۲ – ۹

۹ جواز تعیین جایزه برای کشف جرم و شناسایی و دستگیری مجرم

نفقد صواع الملک و لمن جاء به حمل بعیر

جایزه در دستگیری مجرمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۲ – ۹

۹ جواز تعیین جایزه برای کشف جرم و شناسایی و دستگیری مجرم

نفقد صواع الملک و لمن جاء به حمل بعیر

جایزه در مسابقه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۲ – ۸

۸ مشروعیت ایجاد رقابت با تعیین جایزه

و لمن جاء به حمل بعیر

جایزه یابنده آبخوری پادشاه مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۲ – ۵،۷

۵ یک بار شتر غلّه ، جایزه تعیین شده از جانب یوسف (ع) برای آورنده جام شاهی

و لمن جاء به حمل بعیر

۷ یوسف (ع) خود متعهد به پرداخت جایزه و اجرت به آورنده جام مفقودشده *

و لمن جاء به حمل بعیر و أنا به زعیم

مقصود

از <أنـا> در <و أنا به زعيم> يوسف(ع) و يا رئيس و مسؤول كارگزاران او مى باشـد. برداشت فوق ناظر به احتمال نخسـت است.

جواز جايزه براى كشف جرم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۹

۹ جواز تعيين جايزه براى كشف جرم و شناسايى و دستگيرى مجرم

نفقد صواع الملك و لمن جاء به حمل بعير

جبر از ديدگاه قرآن در تفسير راهنما

جبر

آثار جبر گرايى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۸ - ۸

۸ جبرگرايى بهانه اى براى فرار از مسؤوليت است.

سيقول الذين أشركوا لو شاء الله ما أشركنا

آثار عقيده به جبر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۵ - ۱۷

۱۷- مشركان مكه ، با اشاعه فكر جبرگرايى ، درصدد اثبات عبث بودن بعثت انبيا بودند .

و قال الذين أشركوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شىء . .. فهل على الرسل إلاّ ا

عبارت <فهل على الرسل إلاّ البلاغ المبين> پس از بيان اعتقادات مشـركان، مى توانـد جوابى براى آنان باشد; با اين توضـيح كه مشـركان مى خواستند با استناد ايمان و كفر به خداوند، بيان كنند كه با چنين امرى، جايى براى آمدن انبيا نيست و خداوند

با <فهل علی الرسل. ..> جواب آنان را می دهد که آمدن پیامبران، بیهوده نیست و برای ابلاغ پیام الهی است.

بطلان جبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۸ - ۱۱

۱۱ انسان دارای اختیار در عقیده و عمل، و جبرگرایی اندیشه ای باطل

است.

كذلك كذب الذين من قبلهم حتى ذاقوا بأسنا قل

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۷ – ۲

۲– گرايش به ايمان و كفر ، متكى به اراده و تصميم خود انسان است .

ءامنوا به أو لاتؤمنوا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – كهف – ۱۸ – ۷ – ۱۰

۱۰– مجبور كردن مردم بر ايمان آورى ، ناسازگار با هدف هستى و آزمون آنان است .

فلعلّك بخع نفسك . .. إنّا جعلنا ما على الأرض ... لنبلوهم

مطرح ساختن ابتلا و آزمايش انسان ها به عنوان فلسفه و هدف براى آفرينش زمين و موهبت هاى آن، اشاره به اين نكته دارد كه براساس اين هدف و فلسفه، نمى توان مردم را بر ايمان مجبور كرد و نبايد انتظار داشت كه همه آنان در برابر دعوت پيامبران و مناديان هدايت، تسليم شوند.

بى منطقى جبر

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴۸ – ۱۳،۱۵

۱۳ تمسک به مشيت الهى براى اثبات جبر فاقد بنيان علمى است.

هل عندكم من علم فتخرجوه لنا

۱۵ عقايد مشركان در مورد مشيت الهى و استفاده جبر از آن، بنيادى جز گمان ندارد.

إن تتبعون إلا الظن و إن أنتم إلا تخرصون

بى منطقى جبر گرايى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۹ - ۲

۲ مشرکان جبرگرا فاقد هر گونه دلیل بر عقاید خویش هستند.

قل هم عندکم من علم . .. فلله الحجه البلغه

جبر تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ -

یوسف – ۱۲ – ۴۱ – ۶

۶ برخی از رخدادها ، از پیش تعیین شده و غیر قابل تغییر و تحول است .

قضی الأمر الذی فیه تستفتیان

جبر در رجعت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۸۳ – ۴

۴ – عدم وجود آزادی و اختیار برای کافران در صحنه < رجعت >

فهم یوزعون

جبر در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۳۸ – ۱۱

۱۱ – قیامت ، روز سلب اختیار از انسان

یوم . .. لایتکلّمون إلاّ من أذن له الرحمن

جبر محیط اجتماعی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۴ – ۸

۸- تأثیر جامعه بر فرد ، جبری و غیر قابل اجتناب نیست و حفظ سلامت اخلاقی در محیط کاملا فاسد و آلوده ، ممکن است .

و نجّینه من القریه التی کانت تعمل الخبئث

برداشت یاد شده به خاطر این است که حضرت لوط(ع) توانسته بود در محیط آلوده و فاسد قومش، پاک و بی گناه بماند و سرانجام نجات یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۹ - ۳

۳ محیط اجتماعی ، در عین تأثیر گذاشتن بر خصلت های روحی و گرایش های عقیدتی انسان ، از وی سلب اختیار و انتخاب نمی کند .

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً . .. و من الأعراب من یؤمن باللّه

تصریح به وجود مؤمنان راستین در میان اعراب بادیه نشین به دنبال بیان خصلت کفر ورزی و نفاق شدید آنان، می تواند إشعار به مطلب

فوق داشته باشد.

جبر موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۸ - ۶

۶ - همه موجودات ، ناگزیر از اطاعت خداوند و تنها انسان دارای حق انتخاب آگاهانه

و النجم و الشجر یسجدان . .. و وضع المیزان . ألّاتطغوا فی المیزان

خداوند، در آیات پیشین <نجم> و <شجر> را تسلیم بی چون و چرای فرمان حق شمرده و هستی را مسخر قوانین دانسته است; اما تنها از انسان می خواهد که خود با اختیار و انتخاب سر بر آستان معیارها بساید.

جبر و اختیار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۱۸

۱۸ انسان موجودی مختار در اطاعت و معصیت خداوند

و لاتقربا هذه الشجره فتکونا من الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۸ - ۱۱،۱۸

۱۱ انسان دارای اختیار در عقیده و عمل، و جبرگرایی اندیشه ای باطل است.

کذلک کذب الذین من قبلهم حتی ذاقوا بأسنا قل

۱۸ خداوند کسی را به پذیرش عقیده شرک مجبور نساخته است.

لو شاء الله ما أشرکنا . .. إن أنتم إلا تخرصون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۹ - ۹،۶

۶اگر مشیت خداوند اجبار انسان بر هدایت بود، همگان را، بی استثنا، هدایت می کرد.

فلو شاء لهدیکم أجمعین

۹ سنت و مشیت خداوند بر هدایت و ضلالت جبری آدمیان قرار نگرفته است.

فلو شاء لهدیکم أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۶ - ۹

۹ -

انسان به خاطر استعداد های گسترده و شایستگی های ذاتی اش ، برتر از فرشتگان است .

للملئکه اسجدوا لأدم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۱۵

۱۵ - انسان ، دارای اختیار در انتخاب راه هدایت و یا گمراهی

فإمّا یأتینّکم منّی هدًی فمن اتبع هدای

دلایل بطلان جبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۹ - ۳

۳ خداوند دارای دلایل و حجتهای رسا بر نفی پندار جبر و عقاید شرک است.

قل فلله الحجه البلغه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۶ - ۵

۵- برانگیختن انبیا در میان همه امت ها برای دعوت به توحید عبادی ، دلیل بطلان عقیده مشرکان به جبری بودن شرکشان

و قال الذین أشرکوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء . .. و لقد بعثنا فی کلّ أ

آوردن عبارت <قد بعثنا. ..> پس از بیان کلام مشرکان درباره جبری بودن شرکشان، به منزله جواب برای آن است; با این بیان که اگر شرکْ خواست خداوند بود، نباید انبیا را مبعوث می کرد و حال آنکه آنان رابرای هدایت برانگیخته است و این حکایت از بطلان عقیده آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۹ - ۱۱

۱۱- بعثت انبیا ، دلیلی روشن بر دروغ بودن ادعای مشرکان بر اینکه هدایت و گمراهی جبری است .

قال الذين أشركوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شيء . .. و لقد بعثنا فی كلّ أَم

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۳ - ۸

۸- مبعوث شدن انبیا از سوی خداوند ، دلیل بطلان عقیده مشرکان ، در جبری انگاشتن اعتقاداتشان

و قال الذین أشرکوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء . .. و ما أرسلنا من قبلک

احتمال دارد که آیه در صدد جواب گویی به مشرکان باشد که می پنداشتند مشیت خداوند آنان را به شرک عبادی وا داشته است (لو شاء الله ما عبدنامن دونه) که خداوند به آنان پاسخ می دهد: سنت خداوند در هدایت مردم برانگیختن انسانهایی جهت هدایتگری است و جبری در کار نیست.

رد جبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۰ - ۵

۵ - انسان ، موجودی مختار و توانا بر آزاد شدن از هرگونه جبر اجتماعی فرهنگی

و ما کان لنا علیکم من سلطن بل کنتم قومًا طغین

برداشت یاد شده از آن جا است که پیشوایان کفر، اجبار کردن مشرکان به گمراهی را از خود سلب کرده و خودِ آنان را مقصّر معرّفی خواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۳ - ۸

۸ - تأثیر نسب و پیوند خویشاوندی در سرنوشت فرزندان و در هدایت و گمراهی آنان ، امری مطلق ، قطعی و جبری نیست .

و من ذرّیّتهما محسن و ظالم لنفسه مبین

دو گروه شدن نسل ابراهیم و اسحاق(علیهماالسلام) گویای این حقیقت است که تأثیر نسب و خویشاوندی، در سرنوشت انسان و در هدایت و گمراهی فرزندان، مطلق و جبری نیست; بلکه فرزندان از هر خانواده

ای ممکن است خوب و یا بد باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۹ - ۵

۵ - انسان فرجام نیک یا بد را به خواست خود ، انتخاب می کند و بر آن مجبور نیست .

فمن شاء اتّخذ إلی ربّه مابًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۶ - ۵

۵ نفی اندیشه جبریگری و نیز تفکّر تفویض صرف

اصابتکم مصیبه . .. هو من عند انفسکم ... و ما اصابکم ... فباذن اللّه

آیه مورد بحث و آیه قبل، شکست احد را هم وابسته به خود مسلمانان دانسته و هم اذن الهی را در آن شکست دخیل شمرده است ; یعنی افعال بندگان در عین اینکه مستند به خود آنان است، خارج از خواست و اذن الهی نخواهد بود.

زمینه جبر گرایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۸ - ۵

۵ برداشت نادرست از مفهوم مشیت الهی دستاویزی برای ابراز عقیده جبر است.

لو شاء الله ما أشرکنا و لا ءاباؤنا

ممانعت از جبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۳ - ۴

۴ - پیشگیری خداوند از گسترش فضای کفر و بی اختیار شدن انسان ها و برهم خوردن زمینه های انتخاب

و لولا أن يكون الناس أمّه وحده

مراد از <اُمّه واحده> شدن مردم، ممکن است تمایل یافتن آنان به کفر باشد.

نجات از جبر محیط اجتماعی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۵۷ –

۳ – رهایی انسان از جبر محیط اجتماعی و نیز از پیامد های سوء معاشرت با افراد فاسد و منحرف جامعه ، در سایه ایمان به خدا و لطف و عنایت او ، امری ممکن است .

و لولا نعمه ربّی لکنت من المحضرین

نفی جبر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۳۲ – ۲

۲– ایمان و کفر جن ، به اختیار و انتخاب خود آنان و نه معلول جبر

و من لایجب داعی اللّه

از سیاق این آیات که در آن جنیان تشویق و تهدید شده اند و اجابت و عدم اجابت به خود آنان نسبت داده شده است مطلب بالا استفاده می شود.

جبر و اختیار

{جبر و اختیار}

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۵۳ – ۱۲،۱۳

۱۲ سُنّت خداوندی ، علی رغم ارسال انبیا ، برای دعوت به ایمان و رفع اختلاف ، اجبار آدمیان به ایمان و عدم اختلاف و کشتار نیست .

و لو شاء اللّه ما اقتتل الّذین . .. و لکن اختلفوا

۱۳ آزادی انسان ها در انتخاب کفر و ایمان به رسالت انبیا ، سُنّت الهی

و لو شاء اللّه ما اقتتل . .. و لکن اختلفوا فمنهم من امن و منهم من کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۳۰ – ۹

۹ اختیاری بودن اعمال انسان ، مورد پذیرش او در قیامت

تودّ لو انّ بینها و بینه امداً بعیداً

از اینکه انسان دوست دارد میان او و عملش فاصله باشد و نمی گوید

مجبور بودم، معلوم می شود که انسان می پذیرد اعمالش، اختیاری بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۶ - ۴

۴ جریان افعال ارادی بندگان به اذن خداوند

قل هو من عند انفسکم . .. و ما اصابکم ... فباذن اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۶ - ۱۴

۱۴ انسان ها در اعمال خویش نه مجبورند و نه ر ها و آزاد . (امر بین الامرین) .

من اتبع رضونه . .. باذنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۵ - ۱۱،۱۰،۸

۸ مشیت خداوند بر هدایت جبری مردم قرار نگرفته است.

و لو شاء اللّه لجمعهم علی الهدی

حرف <لو> برای امتناع است ; یعنی خدا این چنین هدایتی را نمی خواهد، در صورتی که مسلماً هدایت اختیاری و تشریعی را خداوند خواهان است، پس ناچار باید این هدایت، هدایت جبری باشد.

۱۰ خواست خداوند، آزادی و اختیار انسان در انتخاب راه هدایت است.

و لو شاء اللّه لجمعهم علی الهدی

۱۱ انسان در انتخاب راه هدایت و ظلالت آزاد است.

فإن استطعت أن تبتغی . .. و لو شاء اللّه لجمعهم علی الهدی

از اینکه خداونـد می فرمایـد اگر هر گونه معجزه بیایـد ایمان نمی آورنـد و اگر خداوند می خواست می توانست هدایت کند، معلوم می شود که انسان در انتخاب راه آزاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۸

۸ هدایت و گمراهی انسان تحت اراده

خداوند است.

فمن يرد الله أن يهديه . .. و من يرد أن يضله يجعل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۹ - ۱۰

۱۰ انسانها خود رقم زننده سرنوشت خويش هستند.

و كذلك نولى . .. بما كانوا يكسبون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۷ - ۱۵

۱۵ اختيار تكوينى انسان در انتخاب مسير شرك و توحيد

و لو شاء الله ما فعلوه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۷

۷ انسان ها و جنيان داراى نقشى مؤثر در تعيين فرجام و سرنوشت خويش (دوزخى شدن و يا رهايى از آن)

لهم قلوب لايفقهون بها . .. و لهم ءاذان لايسمعون بها

جمله <لايفقهون بها> و نظاير آن مى رساند كه گمراهان به دليل بهره نجستن از ابزار شناخت، به وادى گمراهى گرفتار شده اند و بنابراين خود مقصر هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۶ - ۱،۲

۱ هدايت و ضلالت مردم در اختيار خدا و به دست اوست .

من يضلل اللّه فلا هادى له

۲ کسانی را که خداوند به ضلالت کشاند ، هیچکس و هیچ چیز قادر بر هدایت آنان نیست .

من یضلل اللّه فلا هادی له

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۱۷ – ۴

۴ انسان در افعال خویش نه مستقل از اراده خداوند است و نه از سوی او مجبور به انجام افعال خویش

و ما رمیت إذ

رمیت و لکن اللّه رمی

چون از یکسو فعل پیامبر(ص) به خود او استناد داده شده و از سوی دیگر همان فعل به خداوند نسبت داده شده است، معلوم می شود انسان در انجام افعال، نه از استقلال کامل برخوردار است و نه مجبور به انجام افعال خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۱۱

۱۱ کردار آدمیان ، خارج از مشیت خداوند تحقق نخواهد پذیرفت .

و اللّه بمایعملون محیط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۲ - ۷

۷ رفتار و کردار انسانها ، خارج از اراده و مشیت خداوند نیست .

إن ربی بما تعملون محیط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۸ - ۱،۲

۱ مشیت خداوند بر آن نیست که انسان ها را در پذیرش دین حق مضطر و مجبور کند .

و لو شاء ربک لجعل الناس أُمه وحده

مراد از <مشیت> در آیه فوق، مشیت تکوینی است که ملازم جبر و اکراه می باشد و مقصود از اتفاق همگان و تشکیل امت واحده به قرینه <إلاّ من رحم> در آیه بعد اتفاق به کلمه حق و دین الهی است. بنابراین <لو شاء ...>; یعنی، اگر خداوند اراده می کرد که همه انسانها به اتفاق دین حق را بپذیرند، چنین می شد، ولی خداوند چنین نخواسته; بلکه خواسته است تا مردم از روی اختیار به حق گرایش پیدا کنند.

۲ مشیت خداوند بر آن نیست که با جبر و اکراه ، مردمان را بر محور حق گرد آورد

و از آنان امتی واحد بسازد .

و لو شاء ربک لجعل الناس أُمه وحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ جوامع بشری در رقم زدن سرنوشت خویش نه مستقل از اراده خداوندند و نه مجبور از ناحیه او

إن الله لايغير ما بقوم حتی يغيروا ما بأنفسهم

جمله <إن الله لايغير ما بقوم> تغيير دهنده و از ميان برنده را خدا می داند و عبارت <حتی يغيروا ما بأنفسهم> انسانها را در رقم زدن سرنوشت خويش دخيل می شمرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۵ - ۲

۲ گروهی از موجودات از سر طاعت و به دلخواه بر خدا سجده می کنند و گروهی ناخواسته و برخلاف تمایل خویش .

و لله يسجد من فی السموت و الأرض طوعًا و كرهًا

<طوع> و <كره> مصدرند و در آيه شريفه به معنای اسم فاعل (طائعين) و (كارهين) می باشد. <طائع> به كسی يا چيزی گفته می شود كه كاری را از روی تمايل انجام دهد و <كاره> به كسی و يا چيزی می گويند كه عملی را بدون تمايل و از روی كراهت به ثمر رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۳ - ۷

۷- آدمی در کردار و عمل خويش ، مختار و آزاد است .

الذين يستحبّون الحيوه الدنيا علی الأخره . .. أُولئك فی ضلل بعيد

در تعريف <اختيار> گفته اند: اختيار، توان و قدرت بر تصميم گيری است. اينكه در آيه آمده است: آنان كه تصميم بر ترجيح دنيا بر آخرت

می گیرند، در گمراهی هستند، حکایت از اختیار آدمی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۱۸

۱۸- مستکبران ، در قیامت ، گمراهی خود را جبری و معلول خواست خداوند معرفی می کنند .

قالوا لو هدینا الله لهدینکم

<لو> حرف شرط امتناعی است و مقدم قضیه را ممتنع می کند. بنابراین مفهوم عبارت چنین می شود اگر خداوند ما را هدایت می کرد و محال است که چنین بکند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۹،۱۰

۹- دعوت و القای شیطان از انسان سلب اختیار نمی کند و او مسؤول اعمال خویش خواهد بود .

و ما کان لی علیکم من سلطن إلّا أن دعوتکم فاستجبتم لی فلاتلومونی و لوموا أنفسکم

۱۰- تلاش شیطان برای گمراهی و اغوای انسان ها ، محدود به دعوت و القاست ، نه غلبه و اجبار

و ما کان لی علیکم من سلطن إلّا أن دعوتکم فاستجبتم لی

<سلطان> اسم مصدر <سلط> و به معنای قهر و غلبه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۲ - ۲

۲- ابلیس ، هیچ گونه سلطه ای بر بندگان خداوند ندارد و نمی تواند آنان را به اجبار به گمراهی بکشاند .

إن عبادی لیس لک علیهم سلطن

<سلطان> دست یافتن به چیزی از طریق قهر و اجبار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶۰ – ۴

۴– انسان ، در برابر محیط اجتماعی و عوامل تأثیرگذار ، مجبور نیست و در تعیین سرنوشت خویش

مختار است .

إلّا امرأته قدّرنا إنها لمن الغبرين

خداونـد، همسـر لـوط(ع) را به خـاطر اینکه همنشـین قـوم بـدکار لوط بود، عـذاب کرد. این می رسانـد که همسـر لوط(ع) در همنشـینی و یـا ترک آن آزاد بود و می توانست خود را از آلوده شـدن نجـات دهـد و گرنه عـذاب وی غیر معقول و به دور از اقتضای حکمت خداوند حکیم بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۹ – ۸

۸– انسان در پذیرش مسیر زندگی آزاد است و خواست خداوند بر هدایت جبری او تعلق نگرفته است .

و لو شاء لهدیکم أجمعین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۳ – ۱۳

۱۳– انکار حقانیت کتاب های آسمانی ، چیزی بود که خود منکران آن را برگزیدند و خداوند آنان را بر آن وادار نکرد .

کذلک فعل الذین من قبلهم و ما ظلمهم الله و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

این برداشت، مبتنی بر این احتمال است که مراد از ظلم به نفس، انحراف از مسـیر حق باشد که خداوند آن را به منحرفان اسناد می دهد و نقش خود را نفی می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۵ – ۱۳،۱۵

۱۳– انسان ها در پذیرش دین و یا رد آن ، مختارند .

و قال الذین أشرکوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء . .. فهل علی الرسل إلّا ا

آوردن عبارت <فهل علی الرسل إلّا البلاغ. ..> در پایان آیه، می تواند جواب ادعای مشـرکان درباره جبری بودن عقیده شان باشد; به

این صورت که خداوند در جواب آنان می فرماید: پیامبران فقط برای ابلاغ پیام خداوند فرستاده شده اند و جبری در کار نیست.

۱۵- وظیفه همه انبیای الهی ، تنها ابلاغ پیام خداوند به صورت روشن و صریح بوده است و نه اجبار مردم به قبول آن .

فهل علی الرسل إلّا البلغ المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۳ - ۹

۹- بنای خداوند ، در هدایت مردم ، استفاده از قدرت قاهره و مجبور ساختن آنان نیست .

لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء . .. و ما أرسلنا من قبلک إلّا رجالاً نوحی إل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۲ - ۲

۲- وظیفه پیامبر (ص) ، تنها ابلاغ پیام الهی به انسان ها بود و نه اجبار مردمان به پذیرش آن پیام .

فإنما علیک البلغ المبین

حصر در آیه فوق (فإنما علیک . ..) حصر اضافی بوده و نسبت به اجبار و اکراه سنجیده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۳ - ۸

۸- هدایت و گمراهی انسان ها توسط خداوند ، تابع خواست و انتخاب خود آنان است .

یضلّ من یشاء و یهدی من یشاء

برداشت فوق، بنابراین احتمال است که فاعل <یشاء>، ضمیری باشد که به <من> برگردد و با فاعل <یضلّ> متحد نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۴ - ۳

۳- راهیابی به هدایت ، نیازمند خواست خود انسان و بسته به اختیار اوست

.

إن الذين لايؤمنون بأيت الله لايهديهم الله

از <لايؤمنون> استفاده می شود: آنان که نمی خواهند ایمان بیاورند از لطف و هدایت الهی محرومند; پس راهیابی به لطف و هدایت او مشروط به خواست خود انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۵ - ۳

۳- انسان در انتخاب راه هدایت یا گمراهی مختار است .

من اهتدی فإنما یهتدی لنفسه و من ضلّ فإنما یضلّ علیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۸ - ۴

۴- انسان ها ، حتی در برابر اعمال ناپسند و مورد نفرت خداوند ، آزادی و اختیار عمل دارند .

کلّ ذلک کان سیّئه عند ربّک مکروهًا

از اینکه خداوند، پس از برشمردن کارهای زشت، از آنها نهی کرده و سپس فرموده است: <سیئه عند ربک مکروهاً> به دست می آید که منفور خداوند بودن باعث جلوگیری تکوینی از وقوع آنها به دست بشر نمی کند. و این، خود حکایت از اختیار عمل انسان می نماید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۷ - ۳

۳- هدایت و گمراهی انسان به دست خداوند است .

من یهد الله فهو المهتد و من یضلل فلن تجد لهم أولیاء من دونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۳

۳- انتخاب راه کفر یا ایمان ، پس از ابلاغ و تبیین تعالیم دین ، با خود مردم است .

و قرءانًا فرقنه لتقرأه علی الناس علی مکث . .. قل ءامنوا به أو لاتؤمنوا

ذکر <قل ءامنوا به

أو لاتؤمنوا> پس از بیان فلسفه نزول تدریجی قرآن و تبیین حق و باطل برای مردم، می تواند بیانگر نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷ - ۹

۹- انتخاب راه ، براساس اختیار و آگاهی ، از هدف های ارائه قرآن به انسان و ایجاد شرایط مناسب برای زندگی وی در زمین است .

لم یؤمنوا بهذا الحدیث . .. جعلنا ما علی الأرض زینه لها لنبلوهم

در آیه قبل، خداوند، پیامبر(ص) را از پافشاری بی حد برای ایمان آوری مردم به قرآن، بازداشته است و در این آیه، بیان می دارد که دنیا و جلوه های آن، برای آزمایش انسان ها برپا شده است، بنابراین، خداوند، گرچه قرآن را مایه آگاهی انسان قرار داده، ولی نمی خواهد او را بر پذیرش آن اجبار کند، بلکه می خواهد که او با آگاهی کامل و با اختیار خود، در این آزمون شرکت کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۷ - ۱۵

۱۵- هدایت یافتن و گمراه شدن آدمی ، به اراده خداوند است .

من یهد اللّه فهو المهتد و من یضلل فلن تجد له ولیًّا مرشدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۴ - ۴

۴- کردار انسان ها ، مقهور خواست خداوند و مستند به خود ایشان است .

إنّی فاعل . .. إلاّ أن یشاء اللّه

چنان چه کسی بگوید: <به خواست خداوند، من، در آینده، چنین کاری را انجام خواهم داد> براساس آیه شریف گفتاری صحیح و مُجاز،

به زبان آورده است. بنابراین، خواست خداوند، مانع استناد کار به خود انسان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۳ - ۷

۷ - تلاش اغواگرانه به اعتقاد پیشوایان شرک تنها دعوت و فراخوانی است ; نه اجبار و سلب کردن اختیار از دیگران

أغوینهم کما غوینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۶

۶ - مستضعفان در قیامت ، انتخاب کفر و بی دینی را تحمیلی از سوی مستکبران معرفی خواهند کرد .

إذ تأمروننا أن نکفر باللّه و نجعل له أندادًا

کاربرد فعل <تأمروننا> (از ماده <أمر> و به معنای فرمان و دستور) دلالت می کند که مستکبران به صورت دستور آمرانه، مستضعفان را وادار به پذیرش عقیده ای می کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۷ - ۴

۴ - انسان ، موجودی مختار و در برابر تمامی تلاش ها و رفتارهایش ، مسؤول است .

الیوم تجزی کلّ نفس بما کسبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۳ - ۱۰

۱۰ - انتخاب آزادانه راه انحراف ، منتهی به گمراهی و کج روِی اجتناب ناپذیر

أفرءیت من اتّخذ إلهه هویه و أضلّه اللّه علی علم

بطلان جبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۲

۲- گرایش به ایمان و کفر ، متکی به اراده و تصمیم خود انسان است .

ءامنوا به أو لاتؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰

- کهف - ۱۸ - ۷ - ۱۰

۱۰- مجبور کردن مردم بر ایمان آوری ، ناسازگار با هدف هستی و آزمون آنان است .

فلعلّک بخع نفسک . .. إنّا جعلنا ما علی الأرض ... لنبلوهم

مطرح ساختن ابتلا و آزمایش انسان ها به عنوان فلسفه و هدف برای آفرینش زمین و موهبت های آن، اشاره به این نکته دارد که براساس این هدف و فلسفه، نمی توان مردم را بر ایمان مجبور کرد و نباید انتظار داشت که همه آنان در برابر دعوت پیامبران و منادیان هدایت، تسلیم شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۸ - ۱۱

۱۱ انسان دارای اختیار در عقیده و عمل، و جبرگرایی اندیشه ای باطل است.

کذلک کذب الذین من قبلهم حتی ذاقوا بأسنا قل

جبر و اختیار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۱۸

۱۸ انسان موجودی مختار در اطاعت و معصیت خداوند

و لاتقربا هذه الشجره فتکونا من الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۸ - ۱۱،۱۸

۱۱ انسان دارای اختیار در عقیده و عمل، و جبرگرایی اندیشه ای باطل است.

کذلک کذب الذین من قبلهم حتی ذاقوا بأسنا قل

۱۸ خداوند کسی را به پذیرش عقیده شرک مجبور نساخته است.

لو شاء الله ما أشرکنا . .. إن أنتم إلا تخرصون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۹ - ۹،۶

۱۶اگر مشیت خداوند اجبار انسان بر هدایت بود، همگان را، بی استثنا، هدایت می کرد.

فلو

شاء لهديكم أجمعين

۹ سنت و مشیت خداوند بر هدایت و ضلالت جبری آدمیان قرار نگرفته است.

فلو شاء لهديكم أجمعين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۱۶ – ۹

۹ – انسان به خاطر استعداد های گسترده و شایستگی های ذاتی اش ، برتر از فرشتگان است .

للملئكه اسجدوا لأدم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۲۳ – ۱۵

۱۵ – انسان ، دارای اختیار در انتخاب راه هدایت و یا گمراهی

فإمّا يأتينّكم منّى هدًى فمن اتبع هداى

دلایل بطلان جبر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۶ – ۵

۵- برانگیختن انبیا در میان همه امت ها برای دعوت به توحید عبادی ، دلیل بطلان عقیده مشرکان به جبری بودن شرکشان

و قال الذين أشركوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء . .. و لقد بعثنا فی كلّ أ

آوردن عبارت <قد بعثنا. ..> پس از بیان کلام مشرکان درباره جبری بودن شرکشان، به منزله جواب برای آن است; با این بیان که اگر شرکْ خواست خداوند بود، نباید انبیا را مبعوث می کرد و حال آنکه آنان رابرای هدایت برانگیخته است و این حکایت از بطلان عقیده آنان دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۹ – ۱۱

۱۱- بعثت انبیا ، دلیلی روشن بر دروغ بودن ادعای مشرکان بر اینکه هدایت و گمراهی جبری است .

قال الذین أشرکوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء . .. و لقد بعثنا فی

کلّ أَم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۳ - ۸

۸- مبعوث شدن انبیا از سوی خداوند ، دلیل بطلان عقیده مشرکان ، در جبری انگاشتن اعتقاداتشان

و قال الذین أشرکوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء . .. و ما أرسلنا من قبلک

احتمال دارد که آیه در صدد جواب گویی به مشرکان باشد که می پنداشتند مشیت خداوند آنان را به شرک عبادی وا داشته است (لو شاء الله ما عبدنامن دونه) که خداوند به آنان پاسخ می دهد: سنت خداوند در هدایت مردم برانگیختن انسانهایی جهت هدایتگری است و جبری در کار نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۹ - ۳

۳ خداوند دارای دلایل و حجتهای رسا بر نفی پندار جبر و عقاید شرک است.

قل فلله الحجه البلغه

رد جبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۶ - ۵

۵ نفی اندیشه جبریگری و نیز تفکّر تفویض صرف

اصابتکم مصیبه . .. هو من عند انفسکم ... و ما اصابکم ... فباذن اللّه

آیه مورد بحث و آیه قبل، شکست احد را هم وابسته به خود مسلمانان دانسته و هم اذن الهی را در آن شکست دخیل شمرده است ; یعنی افعال بندگان در عین اینکه مستند به خود آنان است، خارج از خواست و اذن الهی نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۰ - ۵

۵ – انسان ، موجودی مختار و توانا بر آزاد شدن

از هرگونه جبر اجتماعی فرهنگی

و ما کان لنا علیکم من سلطن بل کنتم قومًا طغین

برداشت یاد شده از آن جا است که پیشوایان کفر، اجبار کردن مشرکان به گمراهی را از خود سلب کرده و خودِ آنان را مقصّر معرّفی خواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۳ - ۸

۸ - تأثیر نسب و پیوند خویشاوندی در سرنوشت فرزندان و در هدایت و گمراهی آنان ، امری مطلق ، قطعی و جبری نیست .

و من ذرّیّتهما محسن و ظالم لنفسه مبین

دو گروه شدن نسل ابراهیم و اسحاق(علیهماالسلام) گویای این حقیقت است که تأثیر نسب و خویشاوندی، در سرنوشت انسان و در هدایت و گمراهی فرزندان، مطلق و جبری نیست; بلکه فرزندان از هر خانواده ای ممکن است خوب و یا بد باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۹ - ۵

۵ - انسان فرجام نیک یا بد را به خواست خود ، انتخاب می کند و بر آن مجبور نیست .

فمن شاء اتّخذ إلی ربّه مابًا

جبرئیل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۸ - ۱۸

۱۸ خطاب جبرئیل به حضرت ابراهیم ، در عرفات : < اعرف بها مناسکک و اعترف بذنبک > سبب نامگذاری عرفات به این نام

فاذا افضتم من عرفات

امام باقر (ع) و امام صادق (ع): . .. فقال <جبرئیل> هذه عرفات، فاعرف بها مناسکک و اعترف بذنبک فسمّی عرفات

کافی، ج ۴، ص ۲۰۷، ح ۹ ; علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۳۶، ح ۱،

ب ۱۷۳.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۵۳ – ۶

۶ اعطای نشانه های روشن از جانب خداوند ، به عیسی بن مریم (ع) و تأیید او به روح القدس (جبرئیل)

و اتینا عیسی ابن مریم البیّنات و ایّدناه بروح القدس

آثار دشمنی با جبرئیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۸ – ۹

۹ – یهودیان ، به دلیل عداوتشان با جبرئیل کافرند و خداوند دشمن آنان است .

من کان عدواً للّه . .. و جبریل و میکل فإن اللّه عدو للکفرین

از مصداقهای <الکافرین> – به دلیل آیات گذشته – یهودیان هستند.

آثار رؤیت جبرئیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۲۳ – ۳

۳ – عقل سالم پیامبر (ص) و مشهود بودن جبرئیل برای آن حضرت در فضایی روشن ، تضمین کننده دریافت صحیح قرآن از فرشته وحی

و ما صاحبکم بمجنون . و لقد رءاه بالأُفق المبین

ابراهیم(ع) و جبرئیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۱۹۸ – ۱۸

۱۸ خطاب جبرئیل به حضرت ابراهیم ، در عرفات : < اعرف بها مناسکک و اعترف بذنبك > سبب نامگذاری عرفات به این نام

فاذا افضتم من عرفات

امام باقر (ع) و امام صادق (ع): . .. فقال <جبرئيل> هذه عرفات، فاعرف بها مناسكك و اعترف بذنبك فسمّی عرفات

کافی، ج ۴، ص ۲۰۷، ح ۹ ; علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۳۶، ح ۱، ب ۱۷۳.

اطاعت از جبرئیل

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۲۱ – ۱،۳

۱ – فرمان های جبرئیل ، تخلف ناپذیر است و کسی از اطاعت او سرپیچی نمی کند .

مطاع

۳ – هر آنچه در سیطره عرش خداوند است (تمام هستی) ، به فرمان جبرئیل گردن می نهد .

عند ذی العرش مکین . مطاع

مقید نشدن <مطاع> به طائفه ای خاص و نیز توصیف خداوند به <ذی العرش> در بیان جایگاه ویژه جبرئیل نزد او، گویای آن است که فرمان روایی جبرئیل بر تمام عرشیان و در نتیجه تمام هستی، فراگیر است.

امانت داری جبرئیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۰۲ – ۴

۴– جبرئیل ، موجودی مقدس و منزه از دخل و تصرف در آیات الهی

قل نزّله روح القدس من ربّک

با توجه به اینکه <قدس> به معنای طهارت و پاکی است، ملقب شدن جبرئیل به <روح القدس> می تواند برای اعلام پاک بودن او از دخل و تصرف در آیات الهی باشد.

امانتداری جبرئیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۵۱ – ۱۱

۱۱ – فرشته وحی ، پیکی امین در ابلاغ پیام خدا به پیامبران

فیوحی بإذنه ما یشاء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۲۱ – ۴،۵

۴ – جبرئیل در پیشگاه خداوند ، فرشته ای امین و به دور از خیانت در انجام دادن رسالت های خویش

ثَمّ أمین

<ثَمَّ> اسمی است که برای اشاره به مکان دور یا با عظمت به کار می رود. و در آیه شریفه،

اشاره به مکانی است که <عند ذی العرش> بر آن دلالت داشت.

۵ - جبرئیل در ابلاغ قرآن به پیامبر (ص) ، امانت داری قابل اعتماد و به دور از هرگونه دخل و تصرف در آن بود .

إنّه لقول رسول . .. أمین

انقیاد جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۳

۳ - جبرئیل ، نه از سر خود بلکه به اذن خدا و فرمان او ، قرآن را بر پیامبر (ص) فرود آورد .

فإنه نزله علی قلبک بإذن اللّه

برتری انبیا از جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۸ - ۵

۵ - برتری رسولان الهی بر فرشتگان حتی بر جبرئیل و میکائیل *

من کان عدواً للّه و ملئکته و رسله و جبریل و میکل

چنانچه گذشت ذکر بخصوص جبرئیل و میکائیل از میان سایر فرشتگان حکایت از برتری این دو فرشته دارد و تقدیم ذکری <رسله> بر <جبریل و میکال> اشاره به به برتری بر جبرئیل و میکائیل دارد.

بشارتهای جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۹ - ۲

۲- مأمور ویژه الهی با بشارت فرزند به مریم (س) ، خود را مأمور بخشیدن پسری پاک نهاد به وی معرفی کرد .

قال إنّما أنا رسول ربّک لأهب لک غلمًا زکیًّا

اسناد <هبه فرزند> به جبرئیل به خاطر وساطت او در بخشش الهی است. <زکیّ> از ریشه <زکاء> به معنای صلاح گرفته شده است (مصباح). <تزکیه> و <زکاه> در معانی <طهارت> و <نموّ> و <برکت>

و <مدح> استعمال دارد و در هر مورد، معنای مناسب آن مورد نظر است. طهارت و صلاح کودک به شایستگی های ذاتی او است.

پرسش از جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۰ - ۳

۳- حضرت مریم (س) از جبرئیل خواست او را از چگونگی پیدایش فرزندی بدون پدر آگاه سازد .

قالت أنّی یکون لی غلم و لم یمسسنی بشر و لم أک بغیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۱ - ۲

۲- جبرئیل در پاسخ به سؤال و نگرانی مریم بر حتمی بودن وعده الهی و حامله شدن او به عیسی (ع) تأکید کرد .

قال کذلک

چنان چه مشارالیه <ذلک> مضمون رسالت جبرئیل باشد، در این صورت تأکیدی بر تحقق حتمی بشارت است; یعنی <موضوع همان گونه است که گفتم>.

تجسم جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۷ - ۱۴

۱۴- < قال الباقر (ع) : إنّها (مریم) بشرت بعیسی فبینا هی فی المحراب إذ تمثّل لها الروح الأمین بشراً سویّاً ;

امام باقر(ع) فرمود: همانا او (مریم) به ولادت عیسی(ع) بشارت داده شد، پس در حالی که در محراب بود، ناگهان روح الامین به شکل انسانی کامل اندام بر او ظاهر گشت>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶ - ۳

۳ - تجلی جبرئیل ، برای پیامبر (ص) در سیمای واقعی خویش به هنگام تعلیم وحی

ذو مرّه فاستوی

برخی از مفسران درباره معنای

<فاستوی> گفته اند: مراد، ظاهر شدن فرشته وحی به شکل اصلی آن، برای پیامبر(ص) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۷ - ۵

۵ - ظهور جبرئیل با سیمای اصلی خود ، بر پیامبر (ص) در افق بالای آسمان *

فاستوی . و هو بالأُفق الأعلی

تدبیر جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶ - ۱

۱ - جبرئیل ، فرشته ای صاحب کمال عقل و درایت

ذو مرّه فاستوی

یکی از معانیی که واژه <مرّه> بر آن اطلاق می شود، <عقل> است. نکره آمدن <مرّه> نیز برای تفخیم و به تقدیر <ذو مرّه کامله> است.

تعالیم جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶ - ۲

۲ - روی آوردن جبرئیل به سوی پیامبر (ص) ، جهت تعلیم قرآن به آن حضرت

علّمه شدید القوی . .. فاستوی

برداشت یاد شده بر این اساس است که متعلق <استوی> حذف شده و تقدیر آن <فاستوی إلیه> می باشد (آهنگ پیامبر کرد).

تقدس جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۴

۴- جبرئیل ، موجودی مقدس و منزه از دخل و تصرف در آیات الهی

قل نزّله روح القدس من ربّک

با توجه به اینکه <قدس> به معنای طهارت و پاکی است، ملقب شدن جبرئیل به <روح القدس> می تواند برای اعلام پاک بودن او از دخل و تصرف در آیات الهی باشد.

تنزیه جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل

- ۱۶ - ۱۰۲ - ۴

۴- جبرئیل ، موجودی مقدس و منزه از دخل و تصرف در آیات الهی

قل نزّله روح القدس من ربّک

با توجه به اینکه <قدس> به معنای طهارت و پاکی است، ملقب شدن جبرئیل به <روح القدس> می تواند برای اعلام پاک بودن او از دخل و تصرف در آیات الهی باشد.

جایگاه جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۷ - ۳

۳ - جایگاه جبرئیل ، در برترین مرتبه و افق هستی قرار دارد .

و هو بالأُفق الأعلی

جبرئیل از عالم امر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۶

۶ - جبرئیل ، موجودی از عالم امر *

أوحینا إلیک روحًا من أمرنا

قید <من أمرنا> می تواند برای بیان این نکته باشد که <روح>، آفریده ای از عالم بالا و فرشته ای از عالم امر است.

جبرئیل در افق اعلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۷ - ۵

۵ - ظهور جبرئیل با سیمای اصلی خود ، بر پیامبر (ص) در افق بالای آسمان *

فاستوی . و هو بالأفق الأعلی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۱۳ – ۲

۲ – جبرئیل ، برای نشان دادن خود به پیامبر (ص) از افق اعلی بر آن حضرت نازل شد .

و هو بالأُفق الأعلی . .. و لقد رءاه نزله أُخری

به کارگیری <نزله> از ریشه <نزول> (فرود آمدن) نشان می دهد که رؤیت جبرئیل، در صورتی

بود که او از مقام خود پایین بیاید و خود را به پیامبر(ص) برساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۳ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، جبرئیل را در چشم انداز افق و کناره ای از جهان هستی دیده بود .

و لقد رءاه بالأُفق

<اُفق>، به معنای مقدار ظاهر و آشکار از ناحیه های فلک و کناره های زمین است (لسان العرب). فاعل <رأی> ضمیر <صاحبکم> است و ضمیر مفعولی <رءاه> به <رسول> در آیات پیشین برمی گردد.

جبرئیل در سدره المنتهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۴ - ۱،۳

۱ - پیامبر (ص) ، جبرئیل را بار دیگر در کنار < سدره المنتهی > مشاهده کرد .

و لقد رءاه نزله أُخری . عند سدره المنتهی

۳ - < سئل عبداللّه بن مسعود ، < و لقد رآه نزله اُخری قال : قال رسول اللّه رأیت جبرئیل عند سدره المنتهی ;

از عبدالله بن مسعود درباره <و لقد رآه نزله اُخری> سؤال شد، او گفت: رسول خدا(ص) فرمود: جبرئیل را در نزد <سدره المنتهی> دیدم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۶ - ۲

۲ - تأثیر حضور جبرئیل بر < سدره المنتهی > ، به هنگام نشان دادن خود به پیامبر (ص)

إذ یغشی السدره مایغشی

به کار رفتن واژه <إذ> نشان می دهد که <سدره المنتهی>، همیشه غرق در آن پوشش نبوده; بلکه به هنگام حضور جبرئیل چنان ویژگی را می یافت.

آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۱۷ – ۲

۲ – ره نیافتن هیچ گونه خطا و انحراف در مشاهدات قلبی پیامبر (ص) ، در دیدن جبرئیل در < سدره المنتهی >

ما زاغ البصر و ماطغی

مراد از <البصر> در آیه شریفه به قرینه <ماکذب الفؤاد ما رأی> دیده دل است; و نه چشم سر.

جبرئیل در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۴ – ۲

۲ – فرشتگان و جبرئیل ، کارگزاران الهی در عرصه قیامت

تعرج الملئکه و الروح إلیه

جبرئیل و عجز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۲۰ – ۲

۲ – جبرئیل ، به دور از هرگونه نقص و ناتوانی در ابلاغ پیام خداوند به پیامبر (ص)

ذی قوّه

مراد از <قوّه> ممکن است نیروی لازم برای انجام رسالت باشد. در این صورت به معنای فراموش کار نبودن و توانمندی جبرئیل بر دریافت کامل قرآن و حفاظت از آن، تا مرحله رساندن به پیامبر(ص) است.

جبرئیل و عیسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۱۰ – ۸

۸ جبرئیل (ع) ، پشتیبان عیسی (ع) ، از جانب خداوند

اذ ایدتک بروح القدس تکلم الناس فی المهد و کهلا

جمله <تکلم . ..> می رساند که سخنان و تعالیم عیسی(ع) در دوران حیات خویش برخاسته از کمکها و وساطت روح القدس بوده است و چون ابلاغ وحی به تمامی پیامبران توسط جبرئیل انجام گرفته می توان گفت: روح القدس همان جبرئیل است.

جبرئیل

و محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۲۰ – ۲

۲ – جبرئیل ، به دور از هرگونه نقص و ناتوانی در ابلاغ پیام خداوند به پیامبر (ص)

ذی قوّه

مراد از <قوّه> ممکن است نیروی لازم برای انجام رسالت باشد. در این صورت به معنای فراموش کار نبودن و توانمندی جبرئیل بر دریافت کامل قرآن و حفاظت از آن، تا مرحله رساندن به پیامبر(ص) است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۲۴ – ۲

۲ – جبرئیل کسی جز پیامبر (ص) را بر آیات قرآن آگاه نمی ساخت .

و ما هو علی الغیب بضنین

کلمه <الغیب> به قرینه <هو> دلالت می کند که فرشته وحی آنچه را می آوْرد، به غیر پیامبر(ص) ابلاغ نمی کرد.

جبرئیل و مریم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۲۴ – ۱۲

۱۲– در پی زایمان مریم (س) ، فرشته الهی (جبرئیل) او را از جاری شدن آب در پایین پایش با خبر ساخت .

فنادیها من تحتها ألّاتحزنی قد جعل ربّک تحتک سریًّا

محتمل است که ضمیر فاعلی در فناداها به فرشته الهی برگردد.

جبرئیل و نقص

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۰ - ۲

۲ - جبرئیل ، به دور از هرگونه نقص و ناتوانی در ابلاغ پیام خداوند به پیامبر (ص)

ذی قوّه

مراد از <قوّه> ممکن است نیروی لازم برای انجام رسالت باشد. در این صورت به معنای فراموش کار

نبودن و توانمندی جبرئیل بر دریافت کامل قرآن و حفاظت از آن، تا مرحله رساندن به پیامبر(ص) است.

جبرئیل و یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۷

۱۷ "عن أبی عبدالله(ع): ... هبط علیه جبرئیل فقال له: یا یعقوب ربک یقرؤك السلام و یقول لك: شکوتنی إلی الناس ... فلاتعود تشکونی إلی خلقی... فقال: "إنما أشکوا بثّی و حزنی إلی الله... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: ... جبرئیل بر یعقوب فرود آمد و گفت: پروردگارت سلام می رساند و می گوید: از من به مردم شکوا کردی ... دیگر چنین کاری نکن ... پس گفت: "إنما أشکوا بثّی و حزنی إلی الله ..."...".

حتمیت اوامر جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۱ - ۱

۱ - فرمان های جبرئیل ، تخلف ناپذیر است و کسی از اطاعت او سرپیچی نمی کند .

مطاع

حقیقت جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۷ - ۷

۷- جبرئیل ، موجودی غیرجسمانی ، شریف و عالی مرتبه *

فأرسلنا إلیها روحنا

اضافه <روح> به <نا> اضافه تشریفیّه است. ارسال روح، گویای این است که آن روح، موجودی مستقل و مطیع خداوند بوده و توان سیر و ادای رسالت داشته است و محتوای رسالت خویش را درک می کرده است و تمثیل او به صورت بشر، دلیل قدرت او بر آن کار و سازگار بودن وجود او با تمثّلات جسمانی است. قابل انطباق بودن این ویژگی ها بر جبرئیل سبب شده است که برخی مفسران، فرشته

نازل شده بر مریم(س) را، جبرئیل دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۳ - ۴،۶

۴ - جبرئیل ، حقیقتی از سنخ روح

نزل به الروح الأمین

<ال> در <الروح> برای عهد بوده و اشاره به جبرئیل (ع) دارد. بنابراین تعبیر از <جبرئیل> به <روح> بیانگر مطلب یاد شده است.

۶ - < عن الأصبغ بن نباته إنّ رجلاً سأل علیّاً (ع) عن الروح قال : لیس هو جبرئیل قال علی (ع) : جبرئیل من الملائکه و الروح غیر جبرئیل . . . یقول اللّه لنبیّه . . . < نزل به الروح الأمین > . . . > .

اصبغ بن نباته می گوید: شخصی از حضرت علی(ع) در باره روح سؤال کرد; حضرت فرمود: روح جبرئیل نیست، جبرئیل از ملائکه است; در حالی که روح غیر از جبرئیل است . .. خداوند خطاب به پیامبر(ص) می فرماید:... <نزل به الروح الأمین>...>.

حمایتهای جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۴ - ۱۴،۱۵

۱۴ - پیامبر (ص) ، مورد حمایت و پشتیبانی جبرائیل ، صالح ترین مؤمنان (علی (ع)) و فرشتگان قرار داشت .

و جبریل و صلح المؤمنین و الملئکه بعد ذلک ظهیر

مقصود از <صالح المؤمنین> برابر نظر بسیاری از مفسران و روایات وارده از عامّه و خاصّه امیرالمؤمنین علی(ع) است (مجمع البیان، ذیل آیه).

۱۵ - پیامبر (ص) ، در برابر ضدیت و خیانت برخی از همسرانش ، مورد حمایت و پشتیبانی خداوند ، جبرائیل ، صالح مؤمنان

(علی (ع)) و فرشتگان قرار داشت .

و إن تظهرا علیه فإنّ اللّه هو مولیه . .. و الملئکه بعد ذلک ظهیر

دشمنان جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۱

۱ - عداوت و کینه توزی یهودیان با جبرئیل (ع)

من کان عدواً لجبریل

مراد از <من کان> - به دلیل آیات گذشته - یهودیان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۸ - ۲

۲ - خداوند ، دشمن کسانی است که با جبرئیل و میکائیل دشمنی دارند .

من کان عدواً للّه . .. و جبریل و میکل فإن اللّه عدو للکفرین

دشمنی یهود با جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۱،۵،۱۱،۱۲،۱۳،۱۴،۱۵

۱ - عداوت و کینه توزی یهودیان با جبرئیل (ع)

من کان عدواً لجبریل

مراد از <من کان> - به دلیل آیات گذشته - یهودیان هستند.

۵ - نزول قرآن بر پیامبر (ص) توسط جبرئیل ، موجب دشمنی و کینه توزی یهود با او گردید .

من کان عدواً لجبریل فإنه نزله علی قلبک بإذن اللّه

جمله <فانه . ..> (جبرئیل به اذن خدا قرآن را بر قلب تو فرود آورد) بیانگر منشأ کینه توزی یهود با جبرئیل است.

۱۱ - بازگشت دشمنی یهود با جبرئیل ، به دشمنی با خداوند است .

من کان عدواً لجبریل فإنه نزله علی قلبک بإذن اللّه

هر یک از حقایق بیان شده در جمله <فإنه نزله> تا <بشری للمؤمنین> پاسخی به یهود در ارتباط با کینه توزی آنان با

جبرئیل است. قید <بإذن اللّه> بیان می دارد که جبرئیل به فرمان خدا، قرآن را برای پیامبر(ص) آورده است; پس اگر نزول قرآن مایه عداوت است باید شما یهودیان با خدا دشمنی کنید. بنابراین جواب جمله شرطیه <من کان ...> چنین می شود: <فهو عدو اللّه>.

۱۲ - دشمنی یهود با جبرئیل ، در حقیقت دشمنی با تورات ، دشمنی با مایه های هدایت بشر و دشمنی با پیام آور بشارت است .

فإنه نزله . .. مصدقاً لما بین یدیه و هدیً و بشری للمؤمنین

هر یک از توصیفهای <مصدقاً . ..> و <هدیً> و <بشری للمؤمنین> همانند <بإذن اللّه> می تواند پاسخی نقضی به یهودیان کینه توز با جبرئیل باشد; یعنی، دشمنی کردن با آورنده قرآن - که دین و کتاب شما را تأیید می کند، مایه هدایت بشر است و به سعادتها بشارت می دهد - در واقع دشمنی کردن با تورات و ... است.

۱۳ - نازل شدن قرآن به فرمان خدا ، دلیلی بر ناروایی عداوت یهود با جبرئیل است .

من کان عدواً لجبریل فإنه نزله علی قلبک بإذن اللّه

برداشت فوق بر این اساس است که قید <بإذن اللّه> پاسخی حلّی در ارتباط با عداوت یهود با جبرئیل باشد; یعنی، او به فرمان خدا قرآن را بر قلب پیامبر(ص) نازل کرد و کسی که فرمان خدا را اطاعت کند، نباید در نزد معتقدان به خدا مبغوض باشد.

۱۴ - تأیید تورات از سوی قرآن ، دلیلی بر بیجا بودن دشمنی یهود با پیام آور وحی (جبرئیل) است .

فإنه نزله علی قلبک بإذن اللّه مصدقاً لما بین یدیه

<مصدقاً لما بین یدیه> (قرآن درستی تورات

را تأییـد می کنـد) در پاسـخ به یهودیان دشـمن جبرئیل، این نکته را بیان می کند که جبرئیل حقیقتی را آورد که دین و کتاب شما را تصدیق می کند و شاهد راستی و درستی آن است و لذا نا به جاست که با نازل کننده آن (جبرئیل) دشمنی کنید.

۱۵ - هدایتگری و بشارت دهندگی قرآن ، دلیلی بر نابه جابودن عداوت یهود با نازل کننده آن (جبرئیل) است .

فإنه نزله علی قلبک . .. هدیً و بشری للمؤمنین

عبارت <هدیً و بشری> نیز همانند <مصدقاً> حاوی این نکته است که جبرئیل معارفی را به پیامبر(ص) القا کرد که بشارت دهنده و هدایتگر است و لذا دشمنی کردن با او، نمی تواند توجیه معقولی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۸ - ۹

۹ - یهودیان ، به دلیل عداوتشان با جبرئیل کافرند و خداوند دشمن آنان است .

من کان عدواً للّه . .. و جبریل و میکل فإن اللّه عدو للکفرین

از مصداقهای <الکافرین> - به دلیل آیات گذشته - یهودیان هستند.

ذکر امانتداری جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۱ - ۷

۷ - توجّه به شرافت جبرئیل و نیرومندی ، منزلت الهی ، فرمان روایی بی چون و چرا و امانت داری او ، زمینه ساز باور به سلامت قرآن در مرحله نزول و ابلاغ به پیامبر (ص)

إنّه لقول رسول کریم . ذی قوّه عند ذی العرش مکین . مطاع ثَمّ أمین

ذکر حاکمیت جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۲۱ – ۷

۷ – توجّه به شرافت جبرئیل و نیرومندی ، منزلت الهی ، فرمان روایی بی چون و چرا و امانت داری او ، زمینه ساز باور به سلامت قرآن در مرحله نزول و ابلاغ به پیامبر (ص)

إنّه لقول رسول کریم . ذی قوّه عند ذی العرش مکین . مطاع ثَمّ أمین

ذکر شرافت جبرئیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۲۱ – ۷

۷ – توجّه به شرافت جبرئیل و نیرومندی ، منزلت الهی ، فرمان روایی بی چون و چرا و امانت داری او ، زمینه ساز باور به سلامت قرآن در مرحله نزول و ابلاغ به پیامبر (ص)

إنّه لقول رسول کریم . ذی قوّه عند ذی العرش مکین . مطاع ثَمّ أمین

ذکر قدرت جبرئیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۲۱ – ۷

۷ – توجّه به شرافت جبرئیل و نیرومندی ، منزلت الهی ، فرمان روایی بی چون و چرا و امانت داری او ، زمینه ساز باور به سلامت قرآن در مرحله نزول و ابلاغ به پیامبر (ص)

إنّه لقول رسول کریم . ذی قوّه عند ذی العرش مکین . مطاع ثَمّ أمین

رؤیت جبرئیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۱۳ – ۱،۲

۱ – پیامبر (ص) ، فرشته وحی (جبرئیل) را یک بار دیگر نیز دید .

و لقد رءاه نزله أَخری

<نزله> مرادف <مرّه> است; یعنی، <مرّه اُخری> (یک بار دیگر).

۲

- جبرئیل ، برای نشان دادن خود به پیامبر (ص) از افق اعلی بر آن حضرت نازل شد .

و هو بالأُفق الأعلی . .. و لقد رءاه نزله أُخری

به کارگیری <نزله> از ریشه <نزول> (فرود آمدن) نشان می دهد که رؤیت جبرئیل، در صورتی بود که او از مقام خود پایین بیاید و خود را به پیامبر(ص) برساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۴ - ۱،۳

۱ - پیامبر (ص) ، جبرئیل را بار دیگر در کنار < سدره المنتهی > مشاهده کرد .

و لقد رءاه نزله أُخری . عند سدره المنتهی

۳ - < سئل عبداللّه بن مسعود ، < و لقد رآه نزله اُخری قال : قال رسول اللّه رأیت جبرئیل عند سدره المنتهی ;

از عبدالله بن مسعود درباره <و لقد رآه نزله اُخری> سؤال شد، او گفت: رسول خدا(ص) فرمود: جبرئیل را در نزد <سدره المنتهی> دیدم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۶ - ۲

۲ - تأثیر حضور جبرئیل بر < سدره المنتهی > ، به هنگام نشان دادن خود به پیامبر (ص)

إذ یغشی السدره مایغشی

به کار رفتن واژه <إذ> نشان می دهد که <سدره المنتهی>، همیشه غرق در آن پوشش نبوده; بلکه به هنگام حضور جبرئیل چنان ویژگی را می یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۳ - ۱،۲

۱ - پیامبر (ص) ، جبرئیل را در چشم انداز افق و کناره ای از جهان هستی دیده

بود .

و لقد رءاه بالأُفق

<اُفق>، به معنای مقدار ظاهر و آشکار از ناحیه های فلک و کناره های زمین است (لسان العرب). فاعل <رأی> ضمیر <صاحبکم> است و ضمیر مفعولی <رءاه> به <رسول> در آیات پیشین برمی گردد.

۲ - جایگاه ظهور جبرئیل برای پیامبر (ص) ، جایگاهی روشن و بی ابهام بود که دیدنی ها در آن مشتبه نمی شد .

و لقد رءاه بالأُفق المبین

رؤیت قلبی جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۱ - ۱

۱ - شهود قلبی پیامبر (ص) ، جبرئیل را به هنگام وحی

ما کذب الفؤاد مارأی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۷ - ۲

۲ - ره نیافتن هیچ گونه خطا و انحراف در مشاهدات قلبی پیامبر (ص) ، در دیدن جبرئیل در < سدره المنتهی >

ما زاغ البصر و ماطغی

مراد از <البصر> در آیه شریفه به قرینه <ماکذب الفؤاد ما رأی> دیده دل است; و نه چشم سر.

سدره المنتهی هنگام نزول جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۶ - ۱

۱ - < سدره المنتهی > ، در پوششی خاص به هنگام نزول بار دیگر جبرئیل بر پیامبر (ص) در کنار آن

و لقد رءاه نزله أَخرى . إذ یغشی السدره مایغشی

صعود جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴ - ۸

۸ - < عن علی بن الحسین (ع) : . . .و إنّ

للّه تبارك و تعالى بِقاعاً فى سماواته فمن عُرِجَ به إلى ها فقد عُرِجَ به إليه ألاتسمع اللّه عزّوجلّ يقول : < تعرج الملائكه و الروح إليه > . . . ;

از امام سجاد(ع) روايت شده است: . ..براى خداى تبارك و تعالى در آسمان ها، بقعه هايى هست، پس هر كس به يكى از آنها عروج داده شود، به سوى خدا عروج داده شده است. آيا كلام خداى عزّوجلّ را نشنيده اى كه مى فرمايد: (تعرج الملائكه و الروح إليه)...>.

عظمت جبرئيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴ - ۳

۳ - جبرئيل ، فرشته اى با عظمت و بلندمرتبه در سلسله فرشتگان و كارگزاران الهى در عالم

تعرج الملئكه و الروح إليه

مطلب ياد شده، از اختصاص به ذكر يافتن <روح> به دست مى آيد.

عقل جبرئيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶ - ۱

۱ - جبرئيل ، فرشته اى صاحب كمال عقل و درايت

ذو مرّه فاستوى

يكى از معانيى كه واژه <مرّه> بر آن اطلاق مى شود، <عقل> است. نكره آمدن <مرّه> نيز براى تفخيم و به تقدير <ذو مرّه كامله> است.

عمل پسنديده جبرئيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - تكوير - ۸۱ - ۱۹ - ۴

۴ - جبرئیل ، دارای ویژگی ها و رفتاری پسندیده و فرستاده ای بزرگوار برای ابلاغ قرآن

رسول کریم

<کرم> واژه ای است که در مورد زیبایی های والا و کارهای پسندیده کاربرد دارد. (مفردات راغب)

فضایل جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری

- ۴۲ - ۵۱ - ۱۱

۱۱ - فرشته وحی ، پیکی امین در ابلاغ پیام خدا به پیامبران

فیوحی بإذنه ما یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶ - ۱

۱ - جبرئیل ، فرشته ای صاحب کمال عقل و درایت

ذو مرّه فاستوی

یکی از معانیی که واژه <مرّه> بر آن اطلاق می شود، <عقل> است. نکره آمدن <مرّه> نیز برای تفخیم و به تقدیر <ذو مرّه کامله> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۹ - ۴

۴ - جبرئیل ، دارای ویژگی ها و رفتاری پسندیده و فرستاده ای بزرگوار برای ابلاغ قرآن

رسول کریم

<کرم> واژه ای است که در مورد زیبایی های والا و کارهای پسندیده کاربرد دارد. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۱ - ۴،۵،۷

۴ - جبرئیل در پیشگاه خداوند ، فرشته ای امین و به دور از خیانت در انجام دادن رسالت های خویش

ثَمّ أمین

<ثَمَّ> اسمی است که برای اشاره به مکان دور یا با عظمت به کار می رود. و در آیه شریفه، اشاره به مکانی است که <عند ذی العرش> بر آن دلالت داشت.

۵ - جبرئیل در ابلاغ قرآن به پیامبر (ص) ، امانت داری قابل اعتماد و به دور از هرگونه دخل و تصرف در آن بود .

إنّه لقول رسول . .. أمين

۷ – توجّه به شرافت جبرئیل و نیرومندی ، منزلت الهی ، فرمان روایی بی چون و چرا و امانت داری او ، زمینه ساز باور به سلامت قرآن در

مرحله نزول و ابلاغ به پیامبر (ص)

إنّه لقول رسول کریم . ذی قوّه عند ذی العرش مکین . مطاع ثَمّ أمین

فلسفه دشمنی با جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۵

۵ - نزول قرآن بر پیامبر (ص) توسط جبرئیل ، موجب دشمنی و کینه توزی یهود با او گردید .

من کان عدواً لجبریل فإنه نزله علی قلبک بإذن اللّه

جمله <فانه . ..> (جبرئیل به اذن خدا قرآن را بر قلب تو فرود آورد) بیانگر منشأ کینه توزی یهود با جبرئیل است.

فلسفه صعود جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴ - ۱

۱ - عروج و صعود ملائکه و جبرئیل به سوی خدا (به صعودگاه ها و جایگاه های بلند مرتبه) در قیامت برای دریافت فرامین الهی و اجرای آن

تعرج الملئکه و الروح إلیه

مقصود از <روح> روح الامین و جبرئیل است. ضمیر در <إلیه> به <اللّه> بازمی گردد; به این اعتبار که خداوند که صاحب معارج است. بر این اساس مقصود آیه شریفه، این حقیقت است که فرشتگان برای دریافت فرمان های الهی، به صعودگاه و جایگاه دریافت آنها عروج می کنند و چون خداوند صاحب این جایگاه ها و صعودگاه ها است، فرشتگان در حقیقت به سوی او عروج خواهند کرد.

فلسفه نزول جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۷ - ۱

۱ - عزیمت جبرئیل از بالاترین افق هستی ، به سوی پیامبر (ص) جهت ابلاغ قرآن به

آن حضرت

فاستوی . و هو بالأُفق الأعلی

ضمایر در این آیات، به <شدیدالقوی> (جبرئیل) بازمی گردد.

قدرت جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵ - ۲،۵

۲ - جبرئیل ، فرشته ای بس مقتدر و نیرومند

علّمه شدید القوی

۵ - جبرئیل ، دارای توانایی های بی شمار و در حد اعلا

علّمه شدیدالقوی

<القوی> جمع همراه با <ال> است و افاده عموم می کند. بنابراین <شدیدالقوی>; یعنی، کسی که در او همه توانایی ها، در حدی شدید وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۰ - ۱،۶

۱ - جبرئیل ، فرشته ای نیرومند و پرقدرت

ذی قوّه

نکره بودن <قوّه>، بر عظمت آن دلالت دارد.

۶ - < عن أبی عبداللّه (ع) فی قوله : < ذی قوّه عند ذی العرش مکین > قال : یعنی : جبرئیل . . . ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند <ذی قوّه عند ذی العرش مکین> روایت شده که مراد جبرئیل است. ..>.

کارگزاران جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۱ - ۲

۲ - جبرئیل در ابلاغ قرآن به پیامبر (ص) ، تنها نبود و مأمورانی فرمان پذیر در اختیار داشت .

لقول رسول . .. مطاع

کرامت جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۹ - ۴

۴ - جبرئیل ، دارای ویژگی ها و رفتاری پسندیده و فرستاده ای بزرگوار برای ابلاغ قرآن

رسول کریم

<کرم> واژه ای است که در مورد زیبایی های والا و کارهای پسندیده کاربرد

دارد. (مفردات راغب)

کفر دشمنان جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۸ - ۷،۹

۷ - دشمنان جبرئیل و میکائیل کافرند .

من کان عدواً للّه . .. و جبریل و میکل فإن اللّه عدو للکفرین

۹ - یهودیان ، به دلیل عداوتشان با جبرئیل کافرند و خداوند دشمن آنان است .

من کان عدواً للّه . .. و جبریل و میکل فإن اللّه عدو للکفرین

از مصداقهای <الکافرین> - به دلیل آیات گذشته - یهودیان هستند.

گفتگوی جبرئیل با یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۸

۱۸ < قال رسول الله (ص) لما اُلقی یوسف فی الجبّ أتاه جبرئیل علیه السلام فقال له : یا غلام ، من ألقاك فی هذا الجبّ ؟ قال : إخوتی . قال : و لِمَ ؟ قال : لمودّه أبی إیّای حسدونی . . . ;

رسول خدا(ص) فرمود: هنگامی که یوسف(ع) در چاه افکنده شد، جبرئیل نزد او آمد و گفت: ای پسر! چه کسی تو را در این چاه افکند؟ گفت: برادرانم. جبرئیل گفت: چرا؟ گفت : چون پدرم مرا دوست می داشت، آنان بر من حسد ورزیدند...>.

گواهی جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۱ - ۱

۱- جبرئیل ، شگفت زدگی مریم (س) را امری به جا دانست و بر عفت و پاکدامنی وی گواهی داد .

قال کذلك

<کـذلک> خبر برای مبتـدای محذوف و مرکب از حرف تشبیه و اسم اشاره است. مشارالیه آن ممکن است گفتار مریم(س) باشد، در

این مفاد آیه این است که گرچه موضوع همان گونه است که گفتی، ولی خداوند این کار را بر خویش دشوار نمی بیند.

محمد(ص) و جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۳ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، فرشته وحی (جبرئیل) را یک بار دیگر نیز دید .

و لقد رءاه نزله أُخری

<نزله> مرادف <مرّه> است; یعنی، <مرّه اُخری> (یک بار دیگر).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۳ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، جبرئیل را در چشم انداز افق و کناره ای از جهان هستی دیده بود .

و لقد رءاه بالأُفق

<اُفق>، به معنای مقدار ظاهر و آشکار از ناحیه های فلک و کناره های زمین است (لسان العرب). فاعل <رأی> ضمیر <صاحبکم> است و ضمیر مفعولی <رءاه> به <رسول> در آیات پیشین برمی گردد.

مراد از جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۷ - ۱۳

۱۳- < عن الأصبغ بن نباته : . . . قال علیّ (ع) جبرئیل من الملائکه والروح غیر جبرئیل . . . قال (اللّه) لمریم < فأرسلنا إلیها روحنا فتمثّل لها بشرًا سویّاً > . . . ;

از اصبغ بن نباته روایت شده که:. .. حضرت علی(ع) فرمود: جبرئیل از فرشتگان است و روح غیر از جبرئیل است... خداوند در باره مریم می فرماید: <فأرسلنا إلیها روحنا فتمثّل لها بشرًا سویّاً> ...>.

مسؤولیت جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ -

مریم - ۱۹ - ۱۹ - ۲

۲- مأمور ویژه الهی با بشارت فرزند به مریم (س) ، خود را مأمور بخشیدن پسری پاک نهاد به وی معرفی کرد .

قال إنّما أنا رسول ربّک لأهب لک غلمًا زکیًّا

اسناد <هبه فرزند> به جبرئیل به خاطر وساطت او در بخشش الهی است. <زکیّ> از ریشه <زکاء> به معنای صلاح گرفته شده است (مصباح). <تزکیه> و <زکاه> در معانی <طهارت> و <نموّ> و <برکت> و <مدح> استعمال دارد و در هر مورد، معنای مناسب آن مورد نظر است. طهارت و صلاح کودک به شایستگی های ذاتی او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۹ - ۵

۵ - خداوند ، در تأکید بر مأموریت جبرئیل در ابلاغ قرآن به پیامبر (ص) ، به ستارگان و شب و سپیده دم سوگند یاد کرده است .

فلاأُقسم بالخنّس . .. و الّیل ... و الصبح ... إنّه لقول رسول کریم

معارفه جبرئیل و مریم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۹ - ۱

۱- مأمور ویژه الهی در پاسخ به نگرانی مریم (س) خود را به او شناساند و فرستاده خدا بودن خود را به او ابلاغ کرد .

قالت إنّی أعوذ . .. قال إنّما أنا رسول ربّک

مقامات جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۸ - ۴

۴ - جبرئیل و میکائیل دارای مقامی برتر از سایر فرشتگان در پیشگاه خدا

من کان عدواً للّه و ملئکته و رسله جبریل و میکل

کلمه <ملائکته>

شامل جبرئیل و میکائیل می شود. بنابراین ذکر بخصوص آنها از میان سایر فرشتگان، می تواند اشاره به برتری مقام آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۷ - ۷

۷- جبرئیل ، موجودی غیرجسمانی ، شریف و عالی مرتبه *

فأرسلنا إلیها روحنا

اضافه <روح> به <نا> اضافه تشریفیّه است. ارسال روح، گویای این است که آن روح، موجودی مستقل و مطیع خداوند بوده و توان سیر و ادای رسالت داشته است و محتوای رسالت خویش را درک می کرده است و تمثیل او به صورت بشر، دلیل قدرت او بر آن کار و سازگار بودن وجود او با تمثّلات جسمانی است. قابل انطباق بودن این ویژگی ها بر جبرئیل سبب شده است که برخی مفسران، فرشته نازل شده بر مریم(س) را، جبرئیل دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۷ - ۳

۳ - جایگاه جبرئیل ، در برترین مرتبه و افق هستی قرار دارد .

و هو بالأُفق الأعلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴ - ۳

۳ - جبرئیل ، فرشته ای با عظمت و بلندمرتبه در سلسله فرشتگان و کارگزاران الهی در عالم

تعرج الملئکه و الروح إلیه

مطلب یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن <روح> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۰ - ۳،۶

۳ - جبرئیل ، نزد خداوند ، دارای قدر و منزلتی والا است .

عند ذی العرش مکین

<مکین>، به معنای جا افتاده و دارای قدر

و منزلت است. (مفردات راغب)

۶ - < عن أبی عبداللّه (ع) فی قوله : < ذی قوّه عند ذی العرش مکین > قال : یعنی : جبرئیل . . . ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند <ذی قوّه عند ذی العرش مکین> روایت شده که مراد جبرئیل است. ..>.

منشأ قدرت جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۰ - ۵

۵ - سلطه خداوند بر عرش ، پشتوانه اقتدار جبرئیل

ذی قوّه عند ذی العرش مکین

وصف <ذی العرش>، می تواند این نکته را برجسته سازد که منزلت والای جبرئیل، نزد کسی که عرش مقهور او است، اتصاف او را به <ذی قوّه> تضمین می کند.

ناپسندی دشمنی با جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۱۳،۱۴،۱۵

۱۳ - نازل شدن قرآن به فرمان خدا ، دلیلی بر ناروایی عداوت یهود با جبرئیل است .

من کان عدواً لجبریل فإنه نزله علی قلبک بإذن اللّه

برداشت فوق بر این اساس است که قید <بإذن اللّه> پاسخی حلّی در ارتباط با عداوت یهود با جبرئیل باشد; یعنی، او به فرمان خدا قرآن را بر قلب پیامبر(ص) نازل کرد و کسی که فرمان خدا را اطاعت کند، نباید در نزد معتقدان به خدا مبغوض باشد.

۱۴ - تأیید تورات از سوی قرآن ، دلیلی بر بیجا بودن دشمنی یهود با پیام آور وحی (جبرئیل) است .

فإنه نزله علی قلبک بإذن اللّه مصدقاً لما بین یدیه

<مصدقاً لما بین یدیه> (قرآن درستی تورات را تأیید می کند) در پاسخ به یهودیان دشمن جبرئیل،

این نکته را بیان می کند که جبرئیل حقیقتی را آورد که دین و کتاب شما را تصدیق می کند و شاهد راستی و درستی آن است و لذا نا به جاست که با نازل کننده آن (جبرئیل) دشمنی کنید.

۱۵ - هدایتگری و بشارت دهندگی قرآن ، دلیلی بر نابه جابودن عداوت یهود با نازل کننده آن (جبرئیل) است .

فإنه نزله علی قلبک . .. هدیً و بشری للمؤمنین

عبارت <هدیً و بشری> نیز همانند <مصدقاً> حاوی این نکته است که جبرئیل معارفی را به پیامبر(ص) القا کرد که بشارت دهنده و هدایتگر است و لذا دشمنی کردن با او، نمی تواند توجیه معقولی داشته باشد.

نجات جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۸ - ۱۲

۱۲ - < قال رسول اللّه (ص) : < و نفخ فی الصور فصعق من فی السماوات و من فی الأرض إلاّ من شاء اللّه > قالوا : یا رسول اللّه من هؤلاء الذین استثنی اللّه ، قال : جبرئیل و میکائیل و ملک الموت و اسرائیل و حمله العرش . . . ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: <و نفخ فی الصور. .. إلاّ من شاء اللّه>. [اصحاب] گفتند: ای رسول خدا! این کسانی که استثنا شده اند چه کسانی هستند؟ فرمود: جبرئیل، میکائیل، ملک الموت، اسرائیل و حاملان عرش هستند...>.

نزدیکی جبرئیل به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۸ - ۱،۲

۱ - جبرئیل برای ابلاغ وحی ، به پیامبر (ص) خود را به

آن حضرت نزدیک و نزدیک تر کرد .

ثمّ دنا فتدلّی

<دنا>; یعنی، نزدیک شد و <تدلّی>; یعنی، آویخت و این کنایه از شدت نزدیکی است. ضمیر فاعل در <دنا> و <تدلّی>به جبرئیل بازمی گردد.

۲ - نزدیک و نزدیک تر شدن پیامبر (ص) ، به مبدأ وحی در افق اعلی برای دریافت قرآن

و هو بالأُفق الأعلی . ثمّ دنا فتدلّی

برداشت یاد شده بر این اساس است که ضمیر فاعلی به پیامبر(ص) بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۹ - ۱

۱ - جبرئیل برای وحی کردن قرآن به پیامبر (ص) ، خود را آن قدر به آن حضرت نزدیک کرد که فاصله میان وی و حضرت به اندازه دو کمان یا کمتر از آن رسید .

فکان قاب قوسین أو أدنی

<قاب> معادل <مقدار> و <قاب قوسین> به معنای اندازه دو کمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۰ - ۱

۱ - جبرئیل ، آن گاه که خود را کاملاً به پیامبر (ص) نزدیک کرد ، حقایق عظیمی را به آن حضرت وحی نمود .

فأوحی إلی عبده ما أوحی

حرف <فاء> می رساند که این وحی، پس از <دنا فتدلّی. ..> صورت گرفته است. عبارت <ما أوحی> نیز دلالت بر تفخیم دارد. برداشت بالا مبتنی بر این نکته است که ضمیر فاعلی در <فأوحی> به جبرئیل بازگردد.

نزول جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۳ - ۲

۲ - جبرئیل ، برای نشان دادن خود به پیامبر (

ص) از افق اعلی بر آن حضرت نازل شد .

و هو بالأُفق الأعلی . .. و لقد رءاه نزله أُخری

به کـار گیری <نزله> از ریشه <نزول> (فرود آمـدن) نشـان می دهـد که رؤیت جبرئیـل، در صورتی بود که او از مقام خود پایین بیاید و خود را به پیامبر(ص) برساند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – قدر – ۹۷ – ۴ – ۱۳

۱۳ – < عن النـبیّ (ص) أنّه قـال : إذا کـان لیله القـدر تنزّل الملائکه الـذین هم سـکان سـدره المنتهی و منهم جبرئیـل فَیَنْزِل جبرئیل (ع) و معه اَلْوِیَهٌ ینصب لواء منها علی قبری و لواء علی بیت المقدّس و لواء فی المسـجدالحرام و لواء علی طور سـیناء و لایدع فیها مؤمناً و لا مؤمنه إلّا سلم علیه ;

از پیامبر(ص) روایت شده که فرمود: زمانی که شب قدر فرا رسد، فرشتگان ساکن <سدره المنتهی> که از جمله آنان جبرئیل است نـازل می شونـد. پس جبرئیل [بر زمین]فرود می آیـد در حالی که پرچم هایی همراه او است. پرچمی را بر سـر قبر من و پرچمی را در بیت المقـدس و پرچمی را در مسـجدالحرام و پرچمی را بر طور سـینا برپا می کنـد و در آن شب، هیچ مرد و زن مؤمنی را فروگذار نمی کند; مگر این که بر او سلام می کند>.

نزول جبرئیل بر برگزیدگان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۲ – ۶

۶– خداوند ، ملائکه را به همراهی جبرئیل بر بندگان منتخب خود فرود می آورد

.

ینزّل الملئکه بالروح من أمره

به قرینه برخی از آیـات قرآن که از جبرئیـل امین به عنوان <روح القـدس> و <روح الأمین> یـاد شـده ممکن است مراد از <روح> در این آیه حضـرت جبرئیـل باشـد. لازم به ذکر است در این صورت <بـاء> در <بـالروح> به معنای <مع> می باشد.

نزول جبرئیل بر محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲۴ – ۲۹

۲۹ – از علی (ع) روایت شده که از رسول خدا (ص) شنیدم که می فرمود : < ان جبرئیل أتی إلیّ بسبع کلمات ، و هی التی قـال اللّه تعـالی : < و إذ ابتلی إبراهیم ربه بکلمات فأتمهن > . . . و هی . . . یا اللّه یا رحمان یا رب یا ذالجلال و الاکرام یا نور السماوات و الأرض یا قریب یا مجیب . . . ;

جبرئیـل هفت کلمه نزد من آورد و این همان کلماتی بود که خداونـد درباره ابراهیم(ع) فرموده (و إذ ابتلی إبراهیم ربه کلمات فـأتمهن) . .. و آن کلمـات ... عبـارت بود از: یـا اللّه، یـا رحمـان، یـا رب، یا ذالجلال و الاکرام، یا نور السـماوات و الأرض، یا قریب، یا مجیب ...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۴ – ۴

۴ – هر ناحیه ای از آسمان می توانست و احتمال داشت که محل ظهور و پیدایش فرشته وحی بر پیامبر (ص) باشد .

قد نری تقلب وجهک فی السماء

از اینکه پیامبر(ص) برای مشاهده نزول فرشته وحی به نقطه ای

خاص و معین چشم نمی دوخت و صورتش را به هر سویی می چرخانید، به برداشت فوق می توان دست یافت.

نزول جبرئیل بر مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۷ - ۳۸

۳- درپی استقرار مریم (س) در ناحیه شرقی و در مکانی مستور خداوند فرشته ای ارجمند را به سوی او فرستاد .

فاتّخذت من دونهم حجابًا فأرسلنا إليها روحنا

مراد از <روحنا>، به دلیل صفاتی که در ادامه آیات برای او ذکر شده است، یکی از فرشتگان است که عظمت و ارجمندی او در پیشگاه پروردگار، مایه انتساب او به خداوند شده است. با توجه به آیاتی که جبرئیل را <روح الأمین> و <روح القدس> خوانده می توان گفت: این فرشته، همان جبرئیل بوده است.

۸- مأمور ویژه الهی ، به صورت مردی معتدل و دارای همه خصوصیات جسمی یک انسان ، برای مریم (س) نمودار شد .

فتمثّل لها بشرًا سويًّا

<تمثیل>، یعنی صورت پذیری و به شکل چیزی نمودار شدن. <بشراً> حال است برای فاعل <تَمَثَّلَ> و مراد از آن به قرینه آیه بعد، مرد است. <سویّ> به معنای معتدل است و <بشراً سوّیاً>، یعنی انسانی معتدل که در خصوصیات جسمی خارج از حد افراط و تفریط باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۹ - ۷

۷- < عن الباقر (ع) [فی قصّه مریم] : . . . تمثّل لها الروح الأمین . . . > قال إنّما أنا رسول ربّک لأهب لک غلاماً زکیاً > فتفل فی جیبها فحملت بعیسی

(ع) ;

از امام باقر(ع) [در داستان مریم] روایت شده: روح الامین بر وی ظاهر شد . .. و گفت: <إنّما أنا رسول ربّک لأهب لک غلاماً زکیاً> پس آب دهان در گریبان وی افکند و او به عیسی(ع) حامله شد>.

نقش جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۷ - ۲۲

۲۲ - از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود : < روح القدس > جبرئیل ;

<روح القدس> جبرئیل است. >

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۲،۳،۵،۱۴،۱۵

۲ - جبرئیل ، نازل کننده قرآن بر قلب پیامبر (ص)

فإنه نزله علی قلبک

۳ - جبرئیل ، نه از سر خود بلکه به اذن خدا و فرمان او ، قرآن را بر پیامبر (ص) فرود آورد .

فإنه نزله علی قلبک بإذن اللّه

۵ - نزول قرآن بر پیامبر (ص) توسط جبرئیل ، موجب دشمنی و کینه توزی یهود با او گردید .

من کان عدواً لجبریل فإنه نزله علی قلبک بإذن اللّه

جمله <فانه . ..> (جبرئیل به اذن خدا قرآن را بر قلب تو فرود آورد) بیانگر منشأ کینه توزی یهود با جبرئیل است.

۱۴ - تأیید تورات از سوی قرآن ، دلیلی بر بیجا بودن دشمنی یهود با پیام آور وحی (جبرئیل) است .

فإنه نزله علی قلبک بإذن اللّه مصدقاً لما بین یدیه

<مصدقاً لما بین یدیه> (قرآن درستی تورات را تأیید می کند) در پاسخ به یهودیان دشمن جبرئیل، این نکته را بیان می کند که جبرئیل حقیقتی را آورد

که دین و کتاب شما را تصدیق می کند و شاهد راستی و درستی آن است و لذا نا به جاست که با نازل کننده آن (جبرئیل) دشمنی کنید.

۱۵ - هدایتگری و بشارت دهندگی قرآن ، دلیلی بر نابه جابودن عداوت یهود با نازل کننده آن (جبرئیل) است .

فإنه نزله علی قلبک . .. هدیً و بشری للمؤمنین

عبارت <هدیً و بشری> نیز همانند <مصدقاً> حاوی این نکته است که جبرئیل معارفی را به پیامبر(ص) القا کرد که بشارت دهنده و هدایتگر است و لذا دشمنی کردن با او، نمی تواند توجیه معقولی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۳

۳- روح القدس (جبرئیل) ، واسطه ابلاغ وحی و نازل کننده قرآن از جانب پروردگار

قل نزّله روح القدس من ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۳ - ۱

۱ - نزول قرآن ، توسط روح الامین (جبرئیل) بر پیامبر (ص)

نزل به الروح الأمین

مراد از <الروح الأمین> با توجه به آیه ۹۷ سوره <بقره> (من کان عدوّاً لجبریل فإنّه نزّله علی قلبک بإذن اللّه) جبرئیل(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ - ارسال وحی از سوی فرشته وحی ، تنها منوط به اذن و مشیت الهی است .

فیوحی بإذنه ما یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۵

۵ - روح القدس (جبرئیل) ، واسطه وحی الهی

برای پیامبراکرم (ص) بود .

كذلك أوحينا إليك روحًا من أمرنا

برداشت یاد شده بر این پایه مبتنی است که مراد از <روحاً> فرشته وحی (جبرئیل) باشد. دراین صورت نصب <روحاً> مبتنی به اعتبار نزع خافض و به تقدیر <أوحينا إليك بروح من أمرنا> است و یا به لحاظ عامل محذوف و به تقدیر <أوحینا إليك بإرسالنا روحاً من أمرنا> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵ - ۱

۱ - قرآن ، تعلیم داده شده به پیامبر (ص) ، به وسیله جبرئیل

علّمه شدید القوی

به گفته عموم مفسران، مراد از <شدیدالقوی> جبرئیل است؛ گرچه برخی نیز این احتمال را مطرح کرده اند که مراد از آن خداوند است. به نظر می رسد تعبیرهای <فاستوی، دنا، تدلّی و ...> با این احتمال سازگار نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۷ - ۴

۴ - دریافت پیام وحی به وسیله جبرئیل از مقام الوهیت و آوردن آن برای پیامبر (ص)

و هو بالأُفق الأعلی

مراد از <اُفق اعلی> می تواند مقام الوهیت باشد که جبرئیل از آن جا وحی را دریافت کرده، به زمین می آورد و به پیامبر(ص) می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۰ - ۲

۲ - جبرئیل ، واسطه وحی الهی به پیامبران

فأوحی إلی عبده ما أوحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴ - ۲

۲ - فرشتگان و جبرئیل ، کارگزاران الهی در عرصه قیامت

تعرج الملئکه

و الروح إليه

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – تكوير – ۸۱ – ۲۲ – ۶

۶ – سلامت عقلانى پيامبر (ص) ، ضامن دريافت صحيح قرآن از فرشته وحى و مصونيت مرحله دريافت از خطا و تحريف

و ما صاحبكم بمجنون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – تكوير – ۸۱ – ۲۴ – ۲

۲ – جبرئيل كسى جز پيامبر (ص) را بر آيات قرآن آگاه نمى ساخت .

و ما هو على الغيب بضنين

كلمه <الغيب> به قرينه <هو> دلالت مى كند كه فرشته وحى آنچه را مى آورْد، به غير پيامبر(ص) ابلاغ نمى كرد.

وضوح جايگاه جبرئيل

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – تكوير – ۸۱ – ۲۳ – ۲

۲ – جايگاه ظهور جبرئيل براى پيامبر (ص) ، جايگاهى روشن و بى ابهام بود كه ديدنى ها در آن مشتبه نمى شد .

و لقد رءاه بالأُفق المبين

ويژگيهاى تجسم جبرئيل

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – مريم – ۱۹ – ۱۷ – ۸

۸– مأمور ويژه الهى ، به صورت مردى معتدل و داراى همه خصوصيات جسمى يك انسان ، براى مريم (س) نمودار شد .

فتمثّل لها بشرًا سويًّا

<تمثیل>، یعنی صورت پذیری و به شکل چیزی نمودار شدن. <بشراً> حال است برای فاعل <تَمَثَّلَ> و مراد از آن به قرینه آیه بعد، مرد است. <سویّ> به معنای معتدل است و <بشراً سوّیاً>، یعنی انسانی معتدل که در خصوصیات جسمی خارج از حد افراط و تفریط باشد.

ویژگیهای جبرئیل

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۱۹ – ۴

۴ – جبرئیل ، دارای ویژگی ها و رفتاری پسندیده و فرستاده ای بزرگوار برای ابلاغ قرآن

رسول کریم

<کرم> واژه ای است که در مورد زیبایی های والا و کارهای پسندیده کاربرد دارد. (مفردات راغب)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۲۰ – ۱

۱ – جبرئیل ، فرشته ای نیرومند و پرقدرت

ذی قوّه

نکره بودن <قوّه>، بر عظمت آن دلالت دارد.

یهود و جبرئیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۷ – ۶

۶ – تصور جاهلانه یهود در مورد جبرئیل و نظام وحی

قل من کان عدواً لجبریل فإنه نزله علی قلبک بإذن اللّه

جرایم از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جرایم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲ – ۷

۷ اعدام ، کیفر طعن و توهین به اسلام

و طعنوا فی دینکم فقتلوا

آثار تداوم جرایم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۶ - ۹،۱۱

۹ غیر قابل بخشش بودن کیفر برخی از منافقان ، به دلیل مداومت و استمرار آنان بر انجام جرم و خطا

إن نعف عن طائفه منکم نعذب طائفه بأنهم کانوا مجرمین

برداشت فوق با توجه به این است که <بأنهم . .. > تعلیل <نعذب> می باشد و <هم کانوا مجرمین> افاده استمرار می کند.

۱۱ استمرار و مداومت بر جرم ، مانع پذیرفته شدن توبه و عذرخواهی انسان از درگاه الهی

لا تعتذروا . .. نعذب طائفه بأنهم کانوا مجرمین

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۷۵ – ۱۱

۱۱ جرم مستمر و تبه کاری ، زمینه ساز پیدایش روح استکبار و سر باز زدن از پذیرش حق است .

فاستکبروا و کانوا قوماً مجرمین

آثار جرایم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۱ – ۲۹،۳۰،۳۵

۲۹ – انکار آیات الهی و کشتن انبیا ، موجب خوار گشتن و درمانده شدن همیشگی بنی اسرائیل شد .

ذلک بأنهم کانوا یکفرون بأیت اللّه و یقتلون النبیین

<ذلک> اشاره به <ذله>، <مسکنه> و <غضب الهی> است و باء در <بأنهم> سببیه می باشد.

۳۰ – بنی اسرائیل ، به خاطر کفرشان به آیات الهی و کشتن پیامبران ، مورد غضب خداوند قرار گرفتند .

ذلک بأنهم کانوا یکفرون بأیت اللّه و یقتلون النبیین

۳۵ – کشتن رهبران الهی ، موجب ذلت و فقر و در پی دارنده غضب خداوند است .

ضربت علیهم الذله . .. ذلک بأنهم ... یقتلون النبیین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۶ – ۱۳

۱۳ جرایم انسان ، منشأ اصلی کیفر و عذاب الهی

نعذب طائفه بأنهم کانوا مجرمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۸۲ – ۶

۶ جرم و تبه کاری ، زمینه ساز حق ستیزی است .

و یحق اللّه الحق بکلمته و لو کره المجرمون

تناسب جرایم با مجازات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۱ - ۱

۱ - گنهکاران یهود همانند دیگر گنهکاران ، به اندازه استحقاقشان ، در آتش دوزخ گرفتار

خواهند شد .

لن تمسنا النار إلاّ أياماً معدوده . .. بلی

<بلی> (چنین نیست) حرف جواب است و برای رد سخن و ادعای مطرح شده به کار می رود. این کلمه در آیه شریفه رد ادعای یهود (لن تمسنا النار إلا أیاماً معدوده) است.

جرایم آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۹ - ۱

۱ - بنی اسرائیل همواره تحت سیطره خاندان فرعون ، به شکنجه های سخت گرفتار بودند .

و إذ نجینکم من ءال فرعون یسومونکم سوءالعذاب

<سَوْم> (مصدر یسومون) به معنای تحمیل کردن است. اضافه <سوء> به <العذاب> اضافه صفت به موصوف می باشد; یعنی: العذاب السوء.

جرایم بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۲۷

۲۷ - بنی اسرائیل ، پیامبران بسیاری را به قتل رساندند .

و یقتلون النبیین بغیر الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۱،۲،۳،۴

۱ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، علی رغم اعترافشان به پیمان الهی (پرهیز از خونریزی) ، همدیگر را می کشتند .

ثم اقررتم . .. ثم أنتم هؤلاء تقتلون أنفسکم

کلمه <هؤلاء> در جمله <ثم أنتم هؤلاء> (شما همانانی هستید) اشاره به این معنا دارد که: آنچه را آیه مورد بحث می

خواهد بیان کند مربوط به بنی اسرائیل عصر بعثت است و خطابهای آیه نظیر خطابهای گذشته نیست که صفت گذشتگان را با عنایتی به موجودین نسبت می داد.

۲ - بنی اسرائیل با بیرون راندن گروهی از همکیشان خود از خانه و دیارشان ، پیمان الهی

را نقض کردند .

ثم أنتم هؤلاء . .. تخرجون فريقاً منكم من ديرهم

آیه مورد بحث اشاره به جنگها و خونریزیهایی دارد که پیش از هجرت پیامبر(ص) به مدینه بین طوایف یهود واقع می شد. یهودیان بنی النضیر با بنی قریظه درگیر می شدند; هر کدام غالب می شد دیگری را از خانه و کاشانه اش اخراج می کرد.

۳ - بنی اسرائیل در کشتن و آواره کردن گروهی از همکیشان خود ، یکدیگر را یاری و پشتیبانی کردند .

تظهرون عليهم

<تظاهر> (مصدر تظاهرون) به معنای یاری و پشتیبانی کردن یکدیگر است. <تظاهرون علیکم>; یعنی، طایفه ای از شما طایفه دیگر را علیه گروهی از خودتان یاری می داد.

۴ - بنی اسرائیل ، مردمی گنهکار و متجاوز به خاطر یاری رسانی به یکدیگر در بیرون راندن گروهی از همکیشان خود از دیارشان

تظهرون عليهم بالأثم و العدون

باء در <بالاثم> بای ملابست است و <بالاثم و العدوان> حال برای فاعل <تظاهرون> می باشد; یعنی، علیه آنان همدیگر را یاری می کردید و در آن هنگام گنهکار و متجاوز بودید.

جرایم در اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۸ - ۷

۷ - در دیدگاه اصحاب اخدود ، ایمان به خداوند جرمی سنگین و غیر قابل گذشت بود .

و ما نقموا منهم إلّا أن يؤمنوا باللّه

جرایم علمای مسیحیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۲

۲ بسیاری از عالمان دینی یهود و نصارا ، اموال مردم را به ناحق و بدون سبب موجه و مشروع ، تصاحب می کردند .

إن کثیراً

من الأحبار و الرهبان ليأكلون أمول الناس بالبطل

جرايم علمای يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۲

۲ بسياری از عالمان دينی يهود و نصارا ، اموال مردم را به ناحق و بدون سبب موجه و مشروع ، تصاحب می كردند .

إن كثيراً من الأحبار و الرهبان ليأكلون أمول الناس بالبطل

جرايم غير قابل عفو

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۶۶ - ۸

۸ سردمداران جريان نفاق و عاملان اصلی جرم و تبهكاری در جامعه ، غير قابل بخشش و مستحق مجازات

إن نعف عن طائفه منكم نعذب طائفه بأنهم كانوا مجرمين

تعليل عذاب دسته ای از منافقان، به اينكه اينان گروه مجرم و تبهكارند در برابر عفو گروهی ديگر می تواند گويای اين حقيقت باشد كه: سردمداران جريان نفاق و عاملان اصلی جرم، شايسته بخشش نبوده و بايد مجازات شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۸

۸ امكان عفو عناصر غير اصلی و خط گيرنده نفاق و غير قابل بخشش بودن جرم عناصر اصلی و خط دهنده *

إن نعف عن طائفه . .. نعذب طائفه ... بعضهم من بعض

<بعضهم من بعض> تحت تأثير بودن برخی از منافقان از برخی ديگر را افاده می كند و نيز اين آيه تفسير آيه قبل می باشد و علت عفو گروهی و كيفر گروهی ديگر را بيان می نمايد.

جرايم فرعونيان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۴۹ -

۴،۵،۶،۷،۹،۱۱،۱۲

۴ - فرعونیان ، پسران بنی اسرائیل را سر می بریدند و زنانشان را زنده باقی می گذاشتند .

یذبحون ابناءکم و یستحیون نساءکم

<ذبح> به معنای سربریدن است و <تذبیح> (مصدر یذبحون از باب تفعیل) از کثرت سربریدن حکایت دارد. <إستحیاء> (مصدر یستحیون) به معنای باقی گذاردن بر حیات و زندگانی است.

۵ - کشتار گسترده پسران و زنده نگه داشتن زنان ، سخت ترین شکنجه فرعونیان بر بنی اسرائیل

یسومونکم سوءالعذاب یذبحون ابناءکم و یستحیون نساءکم

جمله <یذبحون . .. > می تواند تفسیر جمله قبل باشد; یعنی، منظور از <سوء العذاب> همان سربریدن پسران و باقی گذاشتن زنان است و نیز می تواند بیان مصداق بارزی از آن باشد; یعنی، فرعونیان عذابهایی بر بنی اسرائیل تحمیل می کردند که از آن جمله سربریدن فرزندان و ... می باشد. بر این مبنا ذکر به خصوص عذاب یاد شده، به خاطر شدت آن بوده است.

۶ - زنان بنی اسرائیل در نهایت سختی و شکنجه و هم آغوش مرگ ، در سیطره فرعونیان

یسومونکم سوءالعذاب یذبحون ابناءکم و یستحیون نساءکم

۷ - زنان بنی اسرائیل به خاطر کشتار وسیع فرزندانشان به دست فرعونیان ، لذت حیات از آنان سلب شده بود و از زنده ماندن خود در عذاب بودند .

یسومونکم سوءالعذاب یذبحون ابناءکم و یستحیون نساءکم

زنده گذاشتن زنان، به عنوان یک عذاب برای بنی اسرائیل مطرح شده است; در حالی که مجرد نکشتن، عذاب و شکنجه تلقی نمی شود. بنابراین با توجه به اینکه جمله <یستحیون نساءکم> پس از <یذبحون ابناءکم> آمده، می توان گفت: همان کشتن فرزندان موجب می شده که زنان از زنده ماندن خویش و دیدن قتل فجیع فرزندانشان،

در رنج و عذاب باشند. آوردن زنان و نه دختران در مقابل پسران این معنا را تأیید می کند.

۹ - در صورتی که خداوند بنی اسرائیل را از سیطره فرعونیان نجات نمی داد ، آنان همچنان به شکنجه و کشتار فرزندانشان ادامه می دادند .

یسومونکم سوءالعذاب یذبحون ابناءکم و یستحیون نساءکم

برداشت فوق از فعلهای مضارع <یسومون> و <یذبحون> و <یستحیون> استفاده شده است.

۱۱ - خداوند با رهاسازی بنی اسرائیل از شکنجه های سخت فرعونی ، آنان را مورد آزمون بزرگی قرار داد .

و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

برداشت فوق مبتنی بر این است که: <بلاء> به معنای آزمون و <ذلکم> اشاره به رهایی از عذاب - که از <نجیناکم> استفاده می شود - باشد.

۱۲ - نجات از شکنجه فرعونیان ، از نعمت های بزرگ خداوند برای بنی اسرائیل

و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

در برداشت فوق <بلاء> به معنای نعمت و <ذلکم> اشاره به رهاسازی از عذاب، گرفته شده است.

جرایم قبل از اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۲ - ۵

۵ - در صورتی که کافران محارب ایمان آورند ، نباید بر خطا های پیشینشان (کشتن مسلمانان ، فتنه انگیزی و . . .) مورد مؤاخذه قرار گیرند .

فإن انتهوا فإن اللّه غفور رحیم

جرایم منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱ - ۱،۹

۱ – منافقان ، عناصری فسادگر و تباه کننده جامعه

و إذا قیل لهم لاتفسدوا فی الأرض

کلمه <فی الأرض> نشانگر این است که فسادگری منافقان محدود به خود و اطرافیانشان نبوده،

بلکه فسادی است فراگیر و سرایت کننده به جامعه ای که در آن به سر می برند.

۹ - فسادگری و اصلاح ناپذیری منافقان ، موجب گرفتار آمدن آنان به عذابی دردناک خواهد شد .

و لهم عذاب الیم بما کانوا . .. إذا قیل لهم لاتفسدوا فی الأرض

برداشت فوق مبتنی بر این است که: <إذا قیل> عطف بر <یکذبون> در آیه قبل باشد. بر این مبنا، مفاد جمله <إذا قیل ...> نیز همانند <یکذبون> بیانگر سبب گرفتاری منافقان به عذاب الیم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲ - ۱،۲،۷

۱ - منافقان ، مردمی فسادپیشه و تبهکارند .

ألا إنهم هم المفسدون

۲ - منافقان ، سرچشمه و منشأ فساد ها و تبهکاری ها در جوامع دینی هستند .

ألا إنهم هم المفسدون

در آیاتی از قرآن غیر منافقان نیز فسادگر خوانده شده اند بنابراین حصر در جمله <ألا إنهم . ..>(تنها منافقان فسادگرند) حصر ادعایی است و اشاره به این معنا دارد که: فسادگری غیر منافقان در قیاس با منافقان چیزی به حساب نمی آید; و یا اینکه فساد دیگران نیز به گونه ای به نفاق و منافقان باز می گردد.

۷ - لزوم هوشیاری مؤمنان در برابر فسادگری ها و تبهکاری های منافقان

ألا إنهم هم المفسدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۸ - ۱،۵

۱ فتنه انگیزی و کارشکنی همیشگی منافقان ، علیه پیامبر (ص) و اسلام در جبهه های نبرد

لقد ابتغوا الفتنه من قبل

۵ منافقان ، تلاش تخریب گرانه خود را تا مرحله غلبه حق و پیروزی

قطعی جبهه اسلام ، ادامه می دهند .

لقد ابتغوا الفتنه . .. حتی جاء الحق و ظهر أمر اللّه و هم کرهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۱ - ۱،۲،۳

۱ پیامبر اکرم (ص) ، مورد آزار و اذیت مستمر برخی از منافقان

و منهم الذین یؤذون النبی

<من> در <منهم> برای تبعیض و فعل مضارع <یؤذون> مفید استمرار است ; یعنی، برخی از منافقان پیوسته پیامبر اکرم (ص) را مورد اذیت قرار داده و باعث رنجش خاطر آن حضرت می شدند.

۲ جوسازی و تبلیغات سوء منافقان ، علیه پیامبر (ص)

و منهم الذین یؤذون النبی و یقولون هو أذن

۳ معرفی پیامبر (ص) ، به عنوان فردی ساده و خوش باور نمونه ای از اذیت های منافقان نسبت به آن حضرت

الذین یؤذون النبی و یقولون هو أذن

<اُذُن> به کسی گفته می شود که به هر سخنی گوش فرا دهد و زود باور کند ; یعنی، ساده و خوش باور باشد. گفتنی است که برداشت فوق بر این اساس است که جمله <یقولون هو أذن> برای بیان مورد و نمونه ای باشد که منافقان، پیامبر(ص) را به آن متهم کرده و باعث رنجش خاطر آن حضرت می شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۹

۹ شیوه منافقان ، ترویج امور زشت و منکر و پیشگیری از تحقق معروف (ارزش ها و نیکی ها)

المنفقون و المنفقت . .. یأمرون بالمنکر و ینهون عن المعروف

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱،۹

۱ تخلف منافقان از شرکت در جنگ تبوک

فرح المخلفون بمقعدهم خلف رسول اللّه

این بخش از آیات مربوط به جنگ تبوک و تخلف منافقان از شرکت در آن است.

۹ اخلالگری منافقان صدر اسلام ، در بسیج برای جنگ تبوک

لاتنفروا فی الحر

جرایم موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴ - ۱،۲

۱ - موسی (ع) ، فردی مجرم (قاتل) از نظر نظام فرعونی

و لهم علیَّ ذنب

مقصود از <ذنب> قتل مرد قبطی است که موسی در پی آن، از مصر فرار کرد و به مدین رفت.

۲ - رفتار گذشته موسی (ع) (قتل مرد قبطی) ، از نظر دستگاه فرعونی جرم محسوب می شد ، نه از دیدگاه خود وی

و لهم علیَّ ذنب

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تعبیر (لهم علیّ. ..) اشاره ای باشد به این که آنان مرا مجرم می دانند; گرچه واقعًا گناهکار نیستم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹ - ۱

۱ - یادآوری فرعون به موسی (ع) نسبت به جرم گذشته او در قتل مرد قبطی

و فعلت فعلتک التی فعلت

مقصود فرعون از <فعلتک التی فعلت> قتل مرد قبطی به دست موسی(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱ - ۴

۴ - قتل مرد قبطی توسط موسی (ع) ، از نظر نظام فرعونی جرم و گناه بود ; ولی در پیشگاه پروردگار چنین نبود

.

ففررت منكم . .. فوهب لی ربّی حکمًا و جعلنی من المرسلین

موسی(ع) در دستگاه فرعون مجرم شمرده می شود و می گریزد; اما در پیشگاه پروردگار مورد لطف قرار گرفته و به دریافت حکمت و رسالت مفتخر می گردد.

جرایم یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۶ - ۶

۶ - یهودیان به انگیزه دستیابی به مزایای دنیا ، همکیشان خود را کشته و آنان را از دیارشان آواره می ساختند .

ثم أنتم هؤلاء تقتلون . .. أولئک الذین اشتروا الحیوه الدنیا بالأخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۹،۲۱

۱۹ - یهود ، پیامبران بسیاری از نژاد اسرائیل را به قتل رساندند .

فلم تقتلون أنبیاء اللّه من قبل

چون جمله <فلم تقتلون . ..> (پس چرا پیامبران خدا را می کشتید؟) در جواب ادعای یهود، مبنی بر ایمان آنان به پیامبران بنی اسرائیل، آمده است، معلوم می شود: مراد از <أنبیاء اللّه> پیامبران بنی اسرائیل است.

۲۱ - کشته شدن پیامبرانی از نژاد اسرائیل به دست یهودیان ، دلیل ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل

نؤمن بما أنزل علینا . .. قل فلم تقتلون أنبیاء اللّه من قبل

جرم غیرقابل عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۶

۶ - کیفر < قذف > (هشتاد تازیانه) ، غیر قابل عفو و لازم الاجرا است .

والذین یرمون المحصنت . .. فاجلدوهم ثمنین جلده

عفو معاونان جرایم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه –

۸ – ۶۷ – ۹

۸ امکان عفو عناصر غیر اصلی و خط گیرنده نفاق و غیر قابل بخشش بودن جرم عناصر اصلی و خط دهنده *

إن نعف عن طائفه . .. نعذب طائفه ... بعضهم من بعض

<بعضهم من بعض> تحت تأثیر بودن برخی از منافقان از برخی دیگر را افاده می کند و نیز این آیه تفسیر آیه قبل می باشد و علت عفو گروهی و کیفر گروهی دیگر را بیان می نماید.

عوامل پیشگیری از جرایم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۱ – ۱۷

۱۷ توجه به شدت عقاب های اخروی ، عاملی بازدارنده از گناه و مخالفت با پیامبر (ص)

قل نار جهنم أشد حراً لو كانوا يفقهون

عوامل پیشگیری از جرم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۹ – ۲

۲ – قصاص ، عاملی مهم و اساسی در بازداری مردم از ارتکاب قتل

و لکم فی القصاص حیوه . .. لعلکم تتقون

عوامل جرم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۱ – ۳۲،۳۶،۳۷

۳۲ – عصیان و تجاوز گری بنی اسرائیل ، ریشه گرایش آنان به کفر و جرئتشان بر کشتن پیامبران بود .

یکفرون بأیت اللّه . .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

مشـاراليه <ذلـك> در <ذلـك بما عصوا> کفر به آيات خـدا و کشـتن پيامبران است. قابل ذکر است که برخی از مفسـران، ذلك در <ذلك بما عصوا> را اشاره به <ذلت و ...> دانسته اند و در نتيجه عصيان و تجاوز را نيز علت <ذلت

و ...> شمرده اند.

۳۶ - تجاوزگری و ارتکاب گناهان ، آدمی رابه سوی کفر گرایش داده و بر کشتن رهبران الهی بی پروا می سازد .

یکفرون بأیت اللّه . .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

۳۷ - شهرنشینی بنی اسرائیل و رسیدن به رفاه و آسایش ، زمینه ساز عصیانگری ، تجاوز ، کشتن پیامبران و کفرشان بود .

لن نصبر علی طعام وحد . .. اهبطوا مصراً ... و ضربت علیهم الذله

برداشت فوق، مقتضای ارتباط بخش دوم آیه; یعنی، <و ضربت علیهم الذله . ..> با بخش اول آیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۹ - ۹

۹- بی اعتقادی به معاد ، از عوامل مهم و ریشه های عمده انجام دادن گناه است .

و عرضوا علی ربّک . .. و وضع الکتب ... فتری المجرمین

<وضع الکتاب> عطف است بر <عرضوا> در آیه قبل و ارتباط دو آیه گویای این است که مصداق مورد نظر از مجرمان در این آیه، همان منکران معاد هستند که در آیه قبل مطرح بودند.

کیفیت کشف جرایم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۳ - ۱،۲،۴

۱ - خداوند ، به قوم موسی فرمان داد تا قطعه ای از گاو ذبح شده را بر پیکر مقتول بزنند .

فقلنا اضربوه ببعضها

ضمیر مفعولی در <إضربوه> به <نفساً> بر می گردد و ضمیر در <ببعضها> به <بقره> ارجاع می شود.

۲ - مقتول قوم موسی در پی زده شدن پاره ای از گاو ذبح شده بر وی ، زنده شد .

فقلنا اضربوه ببعضها کذلک یحی اللّه الموتی

عبارت

<کذلک یحی اللّه الموتی; خداوند بدین سان مردگان را زنده می کند> پس از جمله <فقلنا . ..> دلالت بر زنده شدن آن مقتول دارد.

۴ - مقتول قوم موسی پس از زنده شدن ، قاتل خویش را معرفی کرد .

واللّه مخرج ما کنتم تکتمون. فقلنا اضربوه ببعضها کذلک یحی اللّه الموتی

بیان زنده شدن مقتول بنی اسرائیل، پس از بیان وعده الهی به افشای هویت قاتل، دلالت بر جمله ای محذوف دارد; یعنی: فضربوه بها فصار حیاً و قال إن فلاناً قتلنی.

مبارزه با جرایم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۲

۲ - لزوم مبارزه با فتنه و فتنه انگیزان

و قتلوهم حتی لاتکون فتنه

مبارزه با عوامل جرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۰ - ۸

۸ - مبارزه اسلام با علل و زمینه های وقوع جرم ، بزهکاری و فحشا

قل للمؤمنین یغضّوا من أبصرهم و یحفظوا فروجهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۸

۸ - مبارزه اسلام با علل و زمینه های وقوع جرم ، بزهکاری و فساد جنسی

و قل للمؤمنت یغضضن من أبصرهنّ و یحفظن فروجهنّ

مراتب جرایم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۲ - ۶

۶ تخلف از جهاد و فرمان رسول خدا (ص) و اخلال در بسیج و تجهیز سپاه اسلام ، جرمی است بزرگ .

خلف رسول اللّه . .. قالوا لاتنفروا ... قل نار جهنم ... جزاء بما كانوا يكسبون

معاونت در

جرایم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۵ – ۳،۴،۶،۷

۳ – بنی اسرائیل در کشتن و آواره کردن گروهی از همکیشان خود ، یکدیگر را یاری و پشتیبانی کردند .

تظهرون علیهم

<تظاهر> (مصدر تظاهرون) به معنای یاری و پشتیبانی کردن یکدیگر است. <تظاهرون علیکم>; یعنی، طایفه ای از شما طایفه دیگر را علیه گروهی از خودتان یاری می داد.

۴ – بنی اسرائیل ، مردمی گنهکار و متجاوز به خاطر یاری رسانی به یکدیگر در بیرون راندن گروهی از همکیشان خود از دیارشان

تظهرون علیهم بالأثم و العدون

باء در <بالاثم> بای ملابست است و <بالاثم و العدوان> حال برای فاعل <تظاهرون> می باشد; یعنی، علیه آنان همدیگر را یاری می کردید و در آن هنگام گنهکار و متجاوز بودید.

۶ – معتقدان به ادیان الهی نباید در کشتن و آواره کردن همکیشان خود ، به قاتلان و آواره کنندگان یاری رسانند .

تظهرون علیهم بالاثم و العدون

۷ – یاری رساندن به قاتلان و آواره کنندگان اهل دین ، گناه و تجاوز است .

تظهرون علیهم بالاثم و العدون

موارد جرایم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۰ – ۱۲

۱۲ – ادای شهادت واجب و کتمان آن ظلم است .

و من أظلم ممن کتم شهده عنده من اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۷ – ۲۲

۲۲ ترویج زشتی ها ، پیشگیری از نیکی ها و امتناع از انفاق ، جرم و موجب عذاب حتمی

نعذب . .. مجرمین ... یأمرون بالمنکر و ینهون عن المعروف و یقبضون

أيديهم

آيه شريفه، بيانگر خصوصيات مجرمانى است كه در آيه پيشين آمده است.

موارد جرم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۱۶

۱۶ تكذيب پيامبران الهى ، جرم و گناه است و تكذيب كنندگان مجرم و گنهكارند .

و لايردّ بأسنا عن القوم المجرمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۷ - ۱۰

۱۰ تحريم آنچه خداوند حرام نكرده و تكذيب وحى جرم است.

قل لا أجد فيما أوحى إلىّ محرما . .. فإن كذبوك ... و لا يرد بأسه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۵ - ۶

۶ شركورزى و پرستش غير خدا ، جرم و گناه است .

و أنا برىءٌ مما تجرمون

چون مخاطبان <تجرمون> مشركان و پرستش كنندگان غير خدا هستند ، مى توان گفت: منظور از گناه در جمله <تجرمون> شرك ورزى و پرستش غير خداست. قابل ذكر است كه <ما> در <مما> مصدريه مى باشد; يعنى: أنا برىءٌ من إجرامكم.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۲ - ۷

۷- نپذيرفتن تعاليم انبيا و استهزا كردن آنان ، جرم و تبه كارى است .

و ما يأتيهم من رسول إلّا كانوا به يستهزءون. كذلك نسلكه فى قلوب المجرمين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – كهف – ۱۸ – ۴۹ – ۶

۶- شرك و دنياپرستى و مغرور شدن به مال و فرزند ، گناه و مايه دلهره و وحشت در آخرت است .

فترى المجرمين مشفقين ممّا فيه

آيات گذشته، در باره

دنیاپرستی و شرک بود، لذا مصداق مورد نظر از <مجرمین> همان مشرکان سرمست به مواهب دنیوی اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵۳ – ۴

۴- شرک ، جرم و گناه است و آتش دوزخ را در پی دارد .

نادوا شرکاءی . .. و رءا المجرمون النار فظنّوا أنّهم مواقعوها

مصداق بارز جرم، در این آیه، به قرینه آیه قبل، شرک است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۵ – ۱۴

۱۴ – نسبت دادن عمدی شخصی به فرزندی کسی ، گناه و جرم است .

و لیس علیکم جناح فیما أخطأتم به و لکن ما تعمّدت قلوبکم

خبر <لکن> محذوف است و می تواند چیزی مانند <جناح> و <ذنب> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۴۷ – ۴

۴ – انکار دین الهی و مقابله با پیامبران ، بارزترین جرم

إنّ المجرمین فی ضلل و سعر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که وصف <المجرمین> به صورت مطلق بر کسانی اطلاق شده است که به پیامبر(ص) و دین الهی کفر ورزیده اند.

موانع ارتکاب جرایم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۳۶ – ۱۶

۱۶ تقوا ، زمینه ساز رعایت حرمت ماه های حرام و بازدارنده آدمی از گناه و قانون شکنی

منها أربعه حرم . .. فلا تظلموا فیهن أنفسکم ... و اعلموا ان اللّه مع المتقین

جرم

آثار ترک جرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵

۴ جرم های سابق بر منع قانونی قابل مؤاخذه و مجازات ، در صورت دست نکشیدن مجرمان از آن جرم ، پس از منع قانونی

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا إذا ما اتقوا

برداشت فوق بر این مبناست که متعلق <اذ ما اتقوا . ..> به قرینه آیه قبل شراب و قمار باشد بر این مبنا مفهوم جمله شرطیه <لاجناح ... اذا ما اتقوا> چنین می شود آنانکه از شراب و قمار پس از تحریم آن پرهیز نکنند بر شراب خواری و قماربازی سابقشان نیز مؤاخذه می شوند.

آثار جرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۷ - ۱۱

۱۱ جرم، زمینه ساز گرفتار شدن به عذاب الهی است.

و لا یرد بأسه عن القوم المجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۰ - ۴

۴ - حق ناپذیری دل های مجرمان ، کیفری تعیین شده از جانب خداوند در قبال جرم هایشان

کذلک سلکنه فی قلوب المجرمین

ذکر مشرکان با وصف <المجرمین>، اشعار به علیت حکم دارد; یعنی، <سلکنا القرآن و هو بلسان عربی مبین فی قلوب هؤلاء المشرکین مثل ذلک السلوک جزاء لأجرامهم; ما قرآن را با این که به زبان عربی روشن است در دل های مشرکان هم چون زبان عجمی غیر قابل فهم راه دادیم، تاکیفری باشد در برابر جرم هایشان>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۹ - ۸

۸ - جرم و تبه کاری ، زمینه مخالفت ورزیدن با پیامبران الهی و انکار

معاد

إن هذا إلّاأسطير الأوّلين . .. فانظروا كيف كان عقبه المجرمين

ادله اثبات جرم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۲۷ – ۴

۴ لزوم به کارگیری روش های جرم شناسی ، برای تشخیص مجرم

إن كان . .. و هو من الصدقين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۶۱ – ۴

۴– گواهی دادن ، وسیله اثبات جرم در میان قوم ابراهیم

فأتوا به . .. لعلّهم يشهدون

اراده در جرم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۵ – ۱۳

۱۳ – قصد و اراده ، در جرم بودن و یا نبودن عملی ، نقشی اساسی دارد .

و ليس عليكم جناح فيما أخطأتم به و لكن ما تعمّدت قلوبكم

اقسام جرم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۴۴ – ۴

۴– هفت جرم و راه خطا در دنیا وجود دارد که به جهنّم منتهی می شود .

إن جهنّم . .. لها سبعه أبوب لكلّ باب منهم جزء مقسوم

بزرگترین جرم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۳۵ – ۴

۴ – استکبار در برابر پذیرش کلمه توحید ، بزرگ ترین و سنگین ترین جرم است .

کذلك نفعل بالمجرمین . إنّهم کانوا إذا قیل لهم لا إله إلاّ اللّه یستکبرون

دوزخی دانستن کسانی که مرتکب جرم استکبار در برابر توحید شده اند، حاکی از حقیقت یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۳۶

۵ - انکار رسالت پیامبر اسلام (ص) ، بزرگ ترین جرم

کذلک نفعل بالمجرمین . .. و یقولون ... لشاعر مجنون

دوزخی شدن مشرکان و کافران، به خاطر انکار رسالت پیامبر(ص) و مجرم شمرده شدن آنان، بیانگر مطلب یاد شده است.

تفاوت جرم کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۱۱

۱۱ - همه کافران در جرم و کیفر ، یکسان نیستند .

نحشر من کلّ أُمّه فوجًا ممّن یکذّب بایتنا

از این که از میان تکذیب گران هر امت، تنها گروهی در این مرحله به منظور محاکمه و مجازات، جدا و محشور می شوند؛ می توان استفاده کرد که این گروه ها دارای گناهی سنگین تر و کیفری متناسب با آن هستند.

تناسب مجازات با جرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۹ - ۱۵

۱۵ کیفر الهی برای گناهکاران ، متناسب با گناه آنان است .

فیسخرون منهم سخر اللّه

جرم اخلال در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۲ - ۶

۶ تخلف از جهاد و فرمان رسول خدا (ص) و اخلال در بسیج و تجهیز سپاه اسلام ، جرمی است بزرگ .

خلف رسول اللّه . .. قالوا لاتنفروا ... قل نار جهنم ... جزاء بما کانوا یکسبون

جرم ارتداد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۴ – ۲۵

۲۵ روی گردانی از حق و اصرار بر کفر و ارتداد ، مستلزم کیفر شدید دنیوی و اخروی است .

و

إن يتولوا يعذبهم اللّه عذاباً أليماً فی الدنيا و الأخره

جرم استهزای انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۱۲ – ۷

۷- نپذیرفتن تعالیم انبیا و استهزا کردن آنان ، جرم و تبه کاری است .

و ما يأتيهم من رسول إلّا كانوا به يستهزءون. كذلك نسلكه فی قلوب المجرمين

جرم اشاعه فساد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۷ – ۲۲

۲۲ ترویج زشتی ها ، پیشگیری از نیکی ها و امتناع از انفاق ، جرم و موجب عذاب حتمی

نعذب . .. مجرمين ... يأمرون بالمنكر و ينهون عن المعروف و يقبضون أيديهم

آیه شریفه، بیانگر خصوصیات مجرمانی است که در آیه پیشین آمده است.

جرم افساد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۹۱ – ۷

۷ – فتنه انگیزی بدتر از جنگ و خونریزی است .

و الفتنه أشد من القتل

جرم امر به منکر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۷ – ۹

۹ شیوه منافقان ، ترویج امور زشت و منکر و پیشگیری از تحقق معروف (ارزش ها و نیکی ها)

المنفقون و المنفقت . .. یأمرون بالمنکر و ینهون عن المعروف

جرم اهانت به دین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۵ – ۶

۶ بازیچه قرار دادن ارزش های دینی ، حرام است .

لیقولن إنما کنا نخوض و نلعب قل أباللّه و ءایته و رسوله کنتم تستهزءون

جرم ایمان در اصحاب اخدود

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۸ - ۷

۷ - در دیدگاه اصحاب اخدود ، ایمان به خداوند جرمی سنگین و غیر قابل گذشت بود .

و ما نقموا منهم إلاّ أن یؤمنوا باللّه

جرم بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۱

۱ - تحریر و نوشتن افکار و اندیشه ها به عنوان کتاب الهی و قوانین دینی ، جرم و گناهی بزرگ ، و در پی دارنده عذاب الهی است .

فویل للذین یکتبون . .. فویل لهم ممّا کتبت أیدیهم

کلمه <ویل> کلمه ای است که انسان به هنگام گرفتار شدن به عذاب، آن رابر زبان جاری می کند. بنابراین مراد از <فویل للذین ...> گرفتار شدن بدعتگذاران به عذاب است.

جرم پیروی از شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۰ - ۵

۵ - پیروی از شیطان ، جرم است و پیروان او مجرم اند .

و امتزوا الیوم أیّها المجرمون . ألم أعهد إلیکم یبنی ءادم أن لاتعبدوا الشیطن

از ارتباط میان آیه شریفه و آیه پیش که خطاب به مجرمان بود برداشت یاد شده به دست می آید.

جرم تحریم مباحات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۷ - ۱۰

۱۰ تحریم آنچه خداوند حرام نکرده و تکذیب وحی جرم است.

قل لا أجد فیما أوحی إلیّ محرما . .. فإن کذبوک ... و لا یرد بأسه

جرم تخلف از جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷

- توبه - ۹ - ۸۲ - ۶

۶ تخلف از جهاد و فرمان رسول خدا (ص) و اخلال در بسیج و تجهیز سپاه اسلام ، جرمی است بزرگ .

خلف رسول اللّه . .. قالوا لاتنفروا ... قل نار جهنم ... جزاء بما کانوا یکسبون

جرم تخلّف از قوانین جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۹

۹ - متجاوزان از مقررات جنگ ، باید مجازات شوند . *

فلا عدون إلا علی الظلمین

جرم تکذیب انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۲ - ۷

۷- نپذیرفتن تعالیم انبیا و استهزا کردن آنان ، جرم و تبه کاری است .

و ما یأتیهم من رسول إلاّ کانوا به یستهزءون. کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین

جرم تکذیب دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۷ - ۴

۴ - انکار دین الهی و مقابله با پیامبران ، بارزترین جرم

إنّ المجرمین فی ضلل و سعر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که وصف <المجرمین> به صورت مطلق بر کسانی اطلاق شده است که به پیامبر(ص) و دین الهی کفر ورزیده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۸ - ۴

۴ - تکذیب دین ، جرمی بزرگ و غیر قابل بخشش

کذلک نفعل بالمجرمین

مقصود از <مجرمان>، همان <مکـذّبان> است که در این سوره یازده بار ذکر شـده است و چون تکذیب گران، محکوم به هلاکت اند; بنابراین جرم آنان (تکذیب دین)، بزرگ و

غیر قابل بخشش خواهد بود.

جرم تکذیب قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۶ - ۶

۶ - تکذیب روز جزا ، جرمی نابخشودنی است و تکذیب گران مجرم اند .

ویل یومئذ للمکذّبین . .. کلوا و تمتّعوا قلیلاً إنّکم مجرمون

مطلب یاد شده، از به کار رفتن عنوان <مجرمان> درباره <مکذّبان>، استفاده شده است.

جرم تکذیب محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۶ - ۵

۵ - انکار رسالت پیامبر اسلام (ص) ، بزرگ ترین جرم

کذلک نفعل بالمجرمین . .. و یقولون ... لشاعر مجنون

دوزخی شدن مشرکان و کافران، به خاطر انکار رسالت پیامبر(ص) و مجرم شمرده شدن آنان، بیانگر مطلب یاد شده است.

جرم تکذیب وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۷ - ۱۰

۱۰ تحریم آنچه خداوند حرام نکرده و تکذیب وحی جرم است.

قل لا أجد فیما أوحی إلیّ محرما . .. فإن کذبوک ... و لا یرد بأسه

جرم خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۵۶ – ۶

۶ – گرایش به پاکی و ارزش ها ، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا ءال لوط من قريتكم إنّهم أُناس يتطهّرون

عبارت <إنّهم أُناس> تعلیل برای حکم اخراج است.

جرم خطایی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۵ – ۱۷

۱۷ – گناه و جرم به حساب نیاوردن گناهِ خطایی ، برخاسته از

آمرزندگی و مهربانی خداوند است .

و لیس علیکم جناح فیما أخطأتم به . .. و کان اللّه غفورًا رحیمًا

جرم دین سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۱

۱ - تحریر و نوشتن افکار و اندیشه ها به عنوان کتاب الهی و قوانین دینی ، جرم و گناهی بزرگ ، و در پی دارنده عذاب الهی است .

فویل للذین یکتبون . .. فویل لهم ممّا کتبت أیدیهم

کلمه <ویل> کلمه ای است که انسان به هنگام گرفتار شدن به عذاب، آن رابر زبان جاری می کند. بنابراین مراد از <فویل للذین ...> گرفتار شدن بدعتگذاران به عذاب است.

جرم رشوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۸ - ۳،۷

۳ - پرداخت رشوه به قاضیان ، ناروا و حرام است .

و تدلوا بها إلی الحکام

<تدلوا> عطف بر <تأکلوا> است و لذا مجزوم به <لا>ی ناهیه می باشد; یعنی: و لاتدلوا . .; ادلاء (مصدر تدلوا) به معنای فرستادن دلو در چاه است و در آیه کنایه از وسیله قرار دادن می باشد. بنابراین <تدلوا بها ...>; یعنی، به قاضیان اموالی را نپردازید تا بدین وسیله به اموال مردم چنگ اندازی کنید. گفتنی است که به دست آوردن مال خصوصیتی ندارد و لذا می توان حرمت رشوه را در همه مواردی که حقی ضایع شود استفاده کرد. کلمه <بالأثم> مؤید این حقیقت است.

۷ - ناروایی و حرمت پرداخت رشوه به منظور جلب نظر حاکمان و قضاوت ایشان به سود رشوه دهنده ، حکمی معلوم برای همگان

و تدلوا بها إلی الحکام

لتأكلوا فريقاً من أمول الناس بالأثم و أنتم تعلمون

مفعول <تعلمون> می توانـد حرمت رشوه پرداختن به حاکمان باشـد و نیز می توانـد حرمت تصـرف در اموال دیگران باشـد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

جرم رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۴ - ۲

۲ - سردمداران شرک و کفر و توده های کافر و مشرک ، در پیشگاه عدل الهی مجرم اند .

إنّا كذلك نفعل بالمجرمين

مقصود از <مجرمین> دو گروه پیشوایان شرک و توده های مشرک اند که در آیات پیشین از آنان سخن به میان آمد.

جرم رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۴ - ۲

۲ - سردمداران شرک و کفر و توده های کافر و مشرک ، در پیشگاه عدل الهی مجرم اند .

إنّا كذلك نفعل بالمجرمين

مقصود از <مجرمین> دو گروه پیشوایان شرک و توده های مشرک اند که در آیات پیشین از آنان سخن به میان آمد.

جرم شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۵ - ۶

۶ - کفر و شرک ، جرم است و کافران و مشرکان از تبهکاران اند .

أفنجعل المسلمين كالمجرمين

از مقابله مجرمان با مسلمانان به دست می آید که مقصود از آن، کافران و مشرکان است.

جرم عصیان از محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۲ - ۶

۶ تخلف از جهاد و فرمان رسول خدا (ص) و اخلال در بسیج و تجهیز سپاه اسلام ، جرمی

است بزرگ .

خلف رسول اللّه . .. قالوا لاتنفروا ... قل نار جهنم ... جزاء بما كانوا يكسبون

جرم غصب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۸ - ۸

۸ - ناروایی و حرمت چنگ اندازی به اموال دیگران ، حکمی معلوم برای همگان

و لاتأكلوا أمولكم بينكم بالبطل . .. و أنتم تعلمون

برداشت فوق بر این اساس است که: مفعول <تعلمون> حرمت تصرف در اموال دیگران - که از جمله <لاتأکلوا . ..> به دست می آید - باشد.

جرم غیرقابل عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۶

۶ - کیفر < قذف > (هشتاد تازیانه) ، غیر قابل عفو و لازم الاجرا است .

والذين يرمون المحصنت . .. فاجلدوهم ثمنين جلده

جرم فرار از جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۷ - ۲

۲ فرار از میدان جنگ ، گناه بوده و نیازمند توبه و استغفار به درگاه خداست .

ثم وليتم مدبرين . .. ثم يتوب اللّه من بعد ذلك على من يشاء

جرم فرزند کشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۱ - ۱۲

۱۲- فرزندکشی ، خطا و جنایتی بس بزرگ و عملی محکوم در طول اعصار و قرن های گذشته

إن قتلهم کان خطئًا کبیرًا

<خطئاً> در لغت به معنای عدول از جهت اصلی و حقیقی است و از جمله کاربردهای این واژه، جایی است که شخص تصمیم بر انجام کار نادرست می گیرد و آن را به

انجام می رساند (مفردات راغب)

جرم قبل از تحریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۳ - ۴

۴ جرم های سابق بر منع قانونی قابل مؤاخذه و مجازات ، در صورت دست نکشیدن مجرمان از آن جرم ، پس از منع قانونی

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا إذا ما اتقوا

برداشت فوق بر این مبناست که متعلق <اذ ما اتقوا . ..> به قرینه آیه قبل شراب و قمار باشد بر این مبنا مفهوم جمله شرطیه <لاجناح ... اذا ما اتقوا> چنین می شود آنانکه از شراب و قمار پس از تحریم آن پرهیز نکنند بر شراب خواری و قماربازی سابقشان نیز مؤاخذه می شوند.

جرم قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۸،۱۱

۸ - اولیای مقتول می توانند قاتل را از قصاص عفو کنند .

فمن عفی له من أخیه شیء

مراد از <من> قاتل و مقصود از <أخیه> ولی مقتول می باشد. ضمیرهای <له> و <أخیه> به <من>، یعنی قاتل باز می گردد و <شیء> عبارت است از حق قصاص. بنابراین جمله <فمن عفی ...> چنین معنا می شود: پس آن قاتلی که از طرف ولی مقتول چیزی از حق قصاص بر او بخشیده شود ... .

۱۱ - ولیّ مقتول ، بهتر است قاتل را عفو کرده و از حق خویش (قصاص) درگذرد .

فمن عفی له من أخیه شیء

ترغیب ولیّ مقتول به گذشت از حق قصاص، از جمله اهدافی است که می توان از کاربرد کلمه <أخیه> به جای ولیّ مقتول

استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۷

۷ - فتنه انگیزی بدتر از جنگ و خونریزی است .

و الفتنه أشد من القتل

جرم قتل بعد از عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲۶

۲۶ - ولیّ مقتول اگر پس از عفو یا گرفتن دیه ، قاتل را بکشد ، باید کشته شود . *

فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب أليم

جمله <فله عذاب أليم> را می توان بیان واقعیتی دانست که تجاوزگر در دنیا یا آخرت به آن گرفتار خواهد شد و می توان آن را حکمی کیفری و مجازاتی شمرد که جامعه اسلامی باید آن را اجرا کند. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است.

جرم قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۴ - ۲

۲ قوم لوط مردمی مجرم و تبهکار

فانظر کیف کان عقبه المجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۲ - ۳

۳ - قوم لوط ، مردمی مجرم و مستحق کیفر

قالوا إنّا أَرسلنا إلى قوم مجرمين

مراد از <قوم مجرمين> كه فرشتگان مأمور شدند تا كيفرشان دهند قوم لوط است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - ذاريات - ۵۱ - ۳۴ - ۳

۳ - اسراف (تجاوز از قانون الهى و زياده روى در گناه) ، بارزترين جرم قوم لوط بود .

أُرسلنا إلى قوم مجرمين . .. للمسرفين

تعبير <مسرف> در اين آيه، به معناى تجاوز از قانون

است که بر قوم مجرم لوط، منطبق شده است.

جرم کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۸ - ۵

۵ شرک و کفر ، جرم است و مشرکان و کافران ، مجرم هستند .

و لو کره المجرمون

از مصادیق مورد نظر برای <المجرمون> مشرکان مکه هستند مکه از آنان در آیه قبل به کافران تعبیر کرد. بنابراین مجرم بر کافر و مشرک اطلاق شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۴ - ۵

۵ - تکذیب آیات الهی ، جرم مشترک همه کافران در طول تاریخ

و یوم نحشر من کلّ أُمّه فوجًا .. حتّی إذا جاءو قال أکذّبتم بایتی

با این که گروه های حاضر در دادگاه، هر کدام از امتی خاص و متفاوت است; ولی همه آنها به خاطر یک جرم (تکذیب آیات الهی) محاکمه می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۴ - ۲

۲ - سردمداران شرک و کفر و توده های کافر و مشرک ، در پیشگاه عدل الهی مجرم اند .

إنّا کذلک نفعل بالمجرمین

مقصود از <مجرمین> دو گروه پیشوایان شرک و توده های مشرک اند که در آیات پیشین از آنان سخن به میان آمد.

جرم کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۹ - ۴

۴ - کفر ، جرم است و کافران مجرم اند .

و امتزوا الیوم أیّها المجرمون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند کافران را که در آیات پیشین از آنان

سخن گفته شده با لفظ <مجرمان> خطاب کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۵ - ۶

۶ - کفر و شرک ، جرم است و کافران و مشرکان از تبهکاران اند .

أفنجعل المسلمین کالمجرمین

از مقابله مجرمان با مسلمانان به دست می آید که مقصود از آن، کافران و مشرکان است.

جرم لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۶

۶ - گرایش به پاکی و ارزش ها ، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا ءال لوط من قریتکم إنّهم أُناس یتطهّرون

عبارت <إنّهم أُناس> تعلیل برای حکم اخراج است.

جرم مبارزه با اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۴

۴ مؤاخذه کفار به جرم مبارزه با اسلام ، پیش از ارائه معارف الهی قرآن به آنان و تمام شدن حجت بر ایشان ، ممنوع است .

و خذوهم و احصروهم . .. و إن أحد من المشرکین استجارک فأجره حتی یسمع کلم اللّه

جرم محاربه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۱،۲،۱۷

۱ - مسلمانان باید کافران محارب را هر کجا یافتند ، بکشند .

و اقتلوهم حیث ثقفتموهم

ضمیر <هم> در جمله فوق به <الـذین یقـاتلوکم> بر می گردد و لـذا از آنان به کافران محارب تعبیر شـده است. <ثقف> (مصدر ثقفتم> به معنای یافتن و دسترسی پیدا کردن است.

۲ - ضرورت کشتن کافران محارب ، محدود به میدان جنگ نیست

.

و اقتلوهم حیث ثقفتموهم

عبارت <حیث ثقفتموهم> (هر کجا آنان را یافتید و بر آنان دسترسی داشتید) گویای برداشت فوق است.

۱۷ – سزای کفرپیشگان محارب و فتنه انگیز ، کشتن آنان است .

فاقتلوهم کذلک جزاء الکفرین

<ال> در <الکافرین> عهدیه است و اشاره به کافرانی دارد که سر جنگ با مسلمانان دارند و یا علیه ایشان فتنه انگیزی می کنند.

جرم مخالفت با انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۴۷ – ۴

۴ – انکار دین الهی و مقابله با پیامبران ، بارزترین جرم

إنّ المجرمین فی ضلل و سعر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که وصف <المجرمین> به صورت مطلق بر کسانی اطلاق شده است که به پیامبر(ص) و دین الهی کفر ورزیده اند.

جرم مشرکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۸ – ۵

۵ شرک و کفر ، جرم است و مشرکان و کافران ، مجرم هستند .

و لو کره المجرمون

از مصادیق مورد نظر برای <المجرمون> مشرکان مکه هستند مکه از آنان در آیه قبل به کافران تعبیر کرد. بنابراین مجرم بر کافر و مشرک اطلاق شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۴ - ۲

۲ - سردمداران شرک و کفر و توده های کافر و مشرک ، در پیشگاه عدل الهی مجرم اند .

إنّا کذلک نفعل بالمجرمین

مقصود از <مجرمین> دو گروه پیشوایان شرک و توده های مشرک اند که در آیات پیشین از آنان سخن به میان آمد.

جرم معرضان از آیات خدا

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۲۲ – ۳

۳ – اعراض کنندگان از آیات الهی ، مردمی مجرم اند .

و من أظلم ممّن ذکّر بأیت ربّه ثمّ أعرض عنها إنّا من المجرمین منتقمون

جرم نفاق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۷ – ۸

۸ امکان عفو عناصر غیر اصلی و خط گیرنده نفاق و غیر قابل بخشش بودن جرم عناصر اصلی و خط دهنده *

إن نعف عن طائفه . .. نعذب طائفه ... بعضهم من بعض

<بعضهم من بعض> تحت تأثیر بودن برخی از منافقان از برخی دیگر را افاده می کند و نیز این آیه تفسیر آیه قبل می باشد و علت عفو گروهی و کیفر گروهی دیگر را بیان می نماید.

جرم نهی از معروف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۷ – ۹

۹ شیوه منافقان ، ترویج امور زشت و منکر و پیشگیری از تحقق معروف (ارزش ها و نیکی ها)

المنفقون و المنفقت . .. یأمرون بالمنکر و ینهون عن المعروف

جواز جایزه برای کشف جرم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۲ – ۹

۹ جواز تعیین جایزه برای کشف جرم و شناسایی و دستگیری مجرم

نفقد صواع الملك و لمن جاء به حمل بعير

روش جرم شناسی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۲۷ – ۴

۴ لزوم به کارگیری روش های جرم شناسی ، برای تشخیص مجرم

إن کان . ..

و هو من الصدقین

زمینه جرم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۰ – ۳

۳ وسوسه های نفسانی قابیل ، وادار کننده وی به کشتن هابیل

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹ – ۶

۶ علاقه آدمی به محبوب شدن ، می تواند وی را برای رسیدن به این مقصود ، به قتل و جنایت وادار کند .

اقتلوا یوسف . .. یخل لکم وجه أبیکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸۸ – ۶

۶– جلوگیری از نفوذ ادیان الهی و رواج بی دینی ، زمینه ساز رواج فساد و تبه کاری در جامعه است .

الذین کفروا و صدّوا عن سبیل الله . .. بما کانوا یفسدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۴۳ – ۳

۳ – پیوستگی تنگاتنگ میان انکار قیامت با اقدام به جرم و گناه

هذه جهنّم الّتی یکذّب بها المجرمون

از این که هر مجرمی به صورت مطلق تکذیب گر جهنم معرفی شده، مطلب بالا استفاده می شود.

عنصر معنوی جرم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۵ – ۱۳

۱۳ – قصد و اراده ، در جرم بودن و یا نبودن عملی ، نقشی اساسی دارد .

و لیس علیکم جناح فیما أخطأتم به و لکن ما تعمّدت قلوبکم

عوامل پیشگیری از جرم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۹ –

۲ – قصاص ، عاملی مهم و اساسی در بازداری مردم از ارتکاب قتل

و لکم فی القصاص حیوه . .. لعلکم تتقون

عوامل جرم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۴۹ – ۹

۹- بی اعتقادی به معاد ، از عوامل مهم و ریشه های عمده انجام دادن گناه است .

و عرضوا علی ربّک . .. و وضع الکتب ... فتری المجرمین

<وضع الکتاب> عطف است بر <عرضوا> در آیه قبل و ارتباط دو آیه گویای این است که مصداق مورد نظر از مجرمان در این آیه، همان منکران معاد هستند که در آیه قبل مطرح بودند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۱ – ۳۲،۳۶،۳۷

۳۲ – عصیان و تجاوز گری بنی اسرائیل ، ریشه گرایش آنان به کفر و جرئتشان بر کشتن پیامبران بود .

یکفرون بأیت اللّه . .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

مشارالیه <ذلک> در <ذلک بما عصوا> کفر به آیات خدا و کشتن پیامبران است. قابل ذکر است که برخی از مفسران، ذلک در <ذلک بما عصوا> را اشاره به <ذلت و ...> دانسته اند و در نتیجه عصیان و تجاوز را نیز علت <ذلت و ...> شمرده اند.

۳۶ – تجاوزگری و ارتکاب گناهان ، آدمی رابه سوی کفر گرایش داده و بر کشتن رهبران الهی بی پروا می سازد .

یکفرون بأیت اللّه . .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

۳۷ – شهرنشینی بنی اسرائیل و رسیدن به رفاه و آسایش ، زمینه ساز عصیانگری ، تجاوز ، کشتن پیامبران و کفرشان بود .

لن نصبر علی طعام

وحد . .. اهبطوا مصراً ... و ضربت عليهم الذله

برداشت فوق، مقتضای ارتباط بخش دوم آیه; یعنی، <و ضربت علیهم الذله . ..> با بخش اول آیه است.

عوامل جرم زا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱۶ – ۱۶

۱۶ رفاه و دلبستگی به لذّت های دنیا ، زمینه ساز ستمگری و گرایش به جرم و گناه است .

واتبع الذین ظلموا ما أُترفوا فیه و کانوا مجرمین

فرجام جرم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۴۴ – ۴

۴- هفت جرم و راه خطا در دنیا وجود دارد که به جهنّم منتهی می شود .

إن جهنّم . .. لها سبعه أبوب لکلّ باب منهم جزء مقسوم

مبارزه با عوامل جرم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۰ – ۸

۸ – مبارزه اسلام با علل و زمینه های وقوع جرم ، بزهکاری و فحشا

قل للمؤمنین یغضّوا من أبصرهم و یحفظوا فروجهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۱ – ۸

۸ – مبارزه اسلام با علل و زمینه های وقوع جرم ، بزهکاری و فساد جنسی

و قل للمؤمنت يغضضن من أبصرهنّ و يحفظن فروجهنّ

منشأ جرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۰ - ۶

۶ - نقش شیطان ، در پیدایش جرم و تبه کاری در میان بنی آدم

أیّها المجرمون . ألم أعهد إلیکم یبنی ءادم أن لاتعبدوا الشیطن

سرزنش کردن مجرمان به علت اطاعت از شیطان، می تواند

بیانگر این نکته باشد که شیطان، مشوق و تحریک کننده انسان به انجام جرم و تبه کاری است.

موارد جرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۷ - ۱۰

۱۰ تحریم آنچه خداوند حرام نکرده و تکذیب وحی جرم است.

قل لا أجد فیما أوحی إلیّ محرما . .. فإن کذبوک ... و لا یرد بأسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۵ - ۶

۶ شرکورزی و پرستش غیر خدا ، جرم و گناه است .

و أنا بریءٌ مما تجرمون

چون مخاطبان <تجرمون> مشرکان و پرستش کنندگان غیر خدا هستند ، می توان گفت: منظور از گناه در جمله <تجرمون> شرک ورزی و پرستش غیر خداست. قابل ذکر است که <ما> در <مما> مصدریه می باشد; یعنی: أنا بریءٌ من إجرامکم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۲ - ۷

۷- نپذیرفتن تعالیم انبیا و استهزا کردن آنان ، جرم و تبه کاری است .

و ما یأتیهم من رسول إلاّ کانوا به یستهزءون. کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۹ - ۶

۶- شرک و دنیاپرستی و مغرور شدن به مال و فرزند ، گناه و مایه دلهره و وحشت در آخرت است .

فتری المجرمین مشفقین ممّا فیه

آیات گذشته، در باره دنیاپرستی و شرک بود، لذا مصداق نظر از <مجرمین> همان مشرکان سرمست به مواهب دنیوی اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ -

۴- شرک ، جرم و گناه است و آتش دوزخ را در پی دارد .

نادوا شرکاءی . .. و رءا المجرمون النار فظنّوا أنّهم مواقعوها

مصداق بارز جرم، در این آیه، به قرینه آیه قبل، شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵ - ۱۴

۱۴ - نسبت دادن عمدی شخصی به فرزندی کسی ، گناه و جرم است .

و لیس علیکم جناح فیما أخطأتم به و لکن ما تعمّدت قلوبکم

خبر <لکن> محذوف است و می تواند چیزی مانند <جناح> و <ذنب> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۷ - ۴

۴ - انکار دین الهی و مقابله با پیامبران ، بارزترین جرم

إنّ المجرمین فی ضلل و سعر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که وصف <المجرمین> به صورت مطلق بر کسانی اطلاق شده است که به پیامبر(ص) و دین الهی کفر ورزیده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۱۶

۱۶ تکذیب پیامبران الهی ، جرم و گناه است و تکذیب کنندگان مجرم و گنهکارند .

و لایردّ بأسنا عن القوم المجرمین

موانع ارتکاب جرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۸ - ۱۰

۱۰ ایجاد امنیت در جامعه و بازداشتن مجرمان از ارتکاب جرم ، فلسفه تشریع حدود

نکلا من اللّه

<نکلا> همچون <جزاء> مفعول له برای <فاقطعوا> است.

موانع جرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۹ - ۱۲

۱۲

- ایمان به خدا و مجازات او ، تأثیرگذار در دوری انسان از گناه و بزه کاری (چون قتل به ناحق)

یقوم . .. فمن ینصرنا من بأس اللّه إن جاءنا

یادآوری خداوند و عذاب او، از سوی مؤمن آل فرعون در راستای نجات جان موسی(ع)، می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جرم شناسی

روش جرم شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۷ - ۴

۴ لزوم به کارگیری روش های جرم شناسی ، برای تشخیص مجرم

إن کان . .. و هو من الصدقین

جزع از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جزع

بی ثمری جزع جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۲۴

۲۴- < النبی (ص) . . . فی قوله : < سواء علینا أجزعنا أم صبرنا ما لنا من محیص > قال : یقول أهل النار : هلّموا ، فلنصبر ، فیصبرون خمسمائه عام فلمّا رأوا ذلک لاینفعهم قالوا : هلّموا فلنجزع . . . فیبکون خمسمائه عام فلمّا رأوا ذلک لاینفعهم قالوا < سواء علینا أجزعنا أم صبرنا ما لنا من محیص > ;

از رسول خدا(ص) در باره سخن خدا <سواء علینا أجزعنا. ..> روایت شده است که فرمود: اهل آتش [به یکدیگر] می گویند: بیایید صبر کنیم; پس پانصد سال صبر می کنند. آن گاه که دیدند این صبر سودی برایشان نداشت، گویند: بیایید بی تابی کنیم ... پس پانصد سال می گریند. آن گاه که دیدند این گریه [هم] سودی نبخشید، می گویند: سواء علینا أجزعنا أم صبرنا ما لنا من محیص>.

جزع اخروی رهبران مستکبر

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۱ – ۲۱

۲۱– رهبران مستکبر ، در قیامت ، درمی یابند که صبر و نیز جزع ، عذاب الهی را از آنان برطرف نخواهد کرد .

قالوا . .. سواء علینا أجزعنا أم صبرنا

سرزنش جزع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۵۱ – ۷

۷ – کبر و غرور به هنگام نعمت و رفاه و جزع و ناآرامی به هنگام مصیبت و بلا ، امری نکوهیده و ناپسند

و إذا أنعمنا . .. و إذا مسّه الشرّ

جزیره العرب از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جزیره العرب

{جزیره العرب}

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۰۳ – ۲۲

۲۲ جامعه جزیره العرب در عصر بعثت پیامبر (ص) ، به خاطر تفرقه و نزاع ، در معرض نابودی و هلاکت

و کنتم علی شفا حفره من النار

بنابراینکه <النار>، استعاره از هلاکت و نابودی باشد.

بادیه نشینان جزیره العرب و احکام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۷ – ۲

۲ بـادیه نشـینان جزیره العرب در عصـر بعثـت ، مردمی دور از فرهنـگ دینی و جـاهلتر از آن بودنـد کـه مرز احکـام الهی را به درستی بشناسند .

الأعراب أشد كفراً و نفاقاً و أجدر ألّا يعلموا حدود ما أنزل اللّه

بادیه نشینی در جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۱۵

۱۵ مردم جزیره العرب در عصر پیامبر (ص) دو گروه شهرنشین و بادیه

نشین بودند .

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً

بت پرستی مردم جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۰ - ۱

۱ - < لات > ، < عزی > و < منات > مهم ترین خدایان مورد پرستش مردم جزیره العرب

و منوه الثالثه الأُخری

از یاد کردن نام این سه بت، می توان مطلب بالا را به دست آورد.

بی فرهنگی بادیه نشینان جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۲

۲ بادیه نشینان جزیره العرب در عصر بعثت ، مردمی دور از فرهنگ دینی و جاهلتر از آن بودند که مرز احکام الهی را به درستی بشناسند .

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً و أجدر ألّا یعلموا حدود ما أنزل اللّه

بینش اهالی جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۷ - ۱۱

۱۱ - مکه ، مکانی مقدس و محترم برای مردم جزیره العرب

أوَلم نمکّن لهم حرمًا ءامنًا

مکه از آن جهت <حرم> نام گرفته که مورد حرمت و احترام مردم آن دیار بوده است.

بینش اهالی جزیره العرب و کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۷ - ۱۳

۱۳ - حرمت و قداست کعبه در نزد مردم جزیره العرب مانع از تجاوز دیگران به مکه و برهم زدن امنیت و آرامش ساکنان آن

أوَلم نمکّن لهم حرمًا ءامنًا

بینش مردم جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲ - ۴

۴ - در

طلاق از نوع ظهار ، پندار مردم جزیره العرب این بود که زن ظهار شده ، برای شوهرش حکم مادر را پیدا کرده و حرام مؤبّد می شود .

الذین یظهرون منکم من نسائهم ما هنّ أُمّهتهم

تأمین نیازهای مادی جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۴

۴- چهارپایان برطرف کننده نیاز های مادی و روحی مردم جزیره العرب بوده اند .

و الأنعم خلقها لکم فیها دفءٌ و منفع و منها تأکلون . و لکم فیها جمال ... لترکبو

<دفءٌ>، <منافع>، <منها تأکلون> و <ترکبوها> بیانگر نیازهای مادی و <جمال> و <زینه> بیانگر نیازهای روحی و روانی است.

تأمین نیازهای معنوی جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۴

۴- چهارپایان برطرف کننده نیاز های مادی و روحی مردم جزیره العرب بوده اند .

و الأنعم خلقها لکم فیها دفءٌ و منفع و منها تأکلون . و لکم فیها جمال ... لترکبو

<دفءٌ>، <منافع>، <منها تأکلون> و <ترکبوها> بیانگر نیازهای مادی و <جمال> و <زینه> بیانگر نیازهای روحی و روانی است.

تاریخ جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۱۴

۱۴ تحکیم بیشتر پایه های حاکمیت دین در جزیره العرب ، در پرتو جهاد و پیروزی مؤمنان در جنگ تبوک

يعتذرون إليكم إذا رجعتم إليهم

با توجه به اینکه این آیات در زمینه جنگ تبوک است که به پیروزی مسلمانان انجامید و از اینکه خداوند می فرماید پس از بازگشت از این جنگ پیروز، متخلفان به عذرخواهی روی خواهند

آورد می توان گفت که این نبود مگر به خاطر ذلت و ضعفی که در خود احساس می کردند و قدرتی که در مؤمنان می دیدند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۵۷ – ۱۵

۱۵ – وجود امنیت در مکه ، عامل تبدیل شدن آن شهر به مرکز عمده اقتصاد و تجارت در جزیره العرب

حرمًا ءامنًا یجبی إلیه ثمرت کلّ شیء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۹ – ۱۲

۱۲ – مردم جزیره العرب ، گرفتار انواع ضلالت ها پیش از بعثت پیامبر (ص) و نزول قرآن

هو الذی ینزّل . .. لیخرجکم من الظلمت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۹ – ۱۱

۱۱ – وجود مذاهب و ادیان گوناگون در جزیره العرب به هنگام بعثت پیامبر (ص)

لیظهره علی الدین کلّه

جهل بادیه نشینان جزیره العرب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۷ – ۲

۲ بادیه نشینان جزیره العرب در عصر بعثت ، مردمی دور از فرهنگ دینی و جاهلتر از آن بودند که مرز احکام الهی را به درستی بشناسند .

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً و أجدر ألّا یعلموا حدود ما أنزل اللّه

حاکمیت دین در جزیره العرب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۴ – ۱۴

۱۴ تحکیم بیشتر پایه های حاکمیت دین در جزیره العرب ، در پرتو جهاد و پیروزی مؤمنان در جنگ تبوک

یعتذرون إلیکم إذا رجعتم

إلیهم

با توجه به اینكه این آیات در زمینه جنگ تبوك است كه به پیروزی مسلمانان انجامید و از اینكه خداوند می فرماید پس از بازگشت از این جنگ پیروز، متخلفان به عذرخواهی روی خواهند آورد می توان گفت كه این نبود مگر به خاطر ذلت و ضعفی كه در خود احساس می كردند و قدرتی كه در مؤمنان می دیدند.

حجاب در جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۶

۱۶ - استفاده از روسری ، بدون پوشاندن گلو و سینه ، از پوشش های زنان جزیره العرب پیش از تشریع حكم حجاب از جانب اسلام

و لیضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ

حق ناپذیری بادیه نشینان جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۱

۱ بادیه نشینان جزیره العرب در عصر بعثت ، در كفر و نفاق پابرجاتر و در امتناع از پذیرش سخن حق ، سخت تر بودند .

الأعراب أشد كفراً و نفاقاً

حمله ایران به جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۷ - ۲۲

۲۲ - < عن زین العابدین (ع) إنّه اجتمعت قریش إلی أبی طالب و رسول اللّه عنده . . . و قالت و اللّه لو سمعت بهذا فارس و الروم لأختطفتنا من أرضنا و لقلعت الكعبه حجراً حجراً ، فنزل < و قالوا إن نتّبع الهدی معك > . . . ;

از امام سجاد(ع) روایت شده: همانا قریش نزد ابی طالب جمع شدند، در حالی كه رسول خدا(ص) نزد

وی بود. .. و گفتند به خدا سوگند اگر این پیروی از محمد(ص) را اهل فارس و روم بشنوند، ما را از سرزمینمان می ربایند و کعبه را سنگ به سنگ از جا خواهند کند پس این آیه نازل شد: <و قالوا إن نتبع الهدی معک نتخطّف من أرضنا>...>.

حمله روم به جزیره العرب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۵۷ – ۲۲

۲۲ – < عن زین العابدین (ع) إنّه اجتمعت قریش إلی أبی طالب و رسول اللّه عنده . . . و قالت و اللّه لو سمعت بهذا فارس و الروم لأختطفتنا من أرضنا و لقلعت الکعبه حجراً حجراً ، فنزل < و قالوا إن نتّبع الهدی معک > . . . ;

از امام سجاد(ع) روایت شده: همانا قریش نزد ابی طالب جمع شدند، در حالی که رسول خدا(ص) نزد وی بود. .. و گفتند به خدا سوگند اگر این پیروی از محمد(ص) را اهل فارس و روم بشنوند، ما را از سرزمینمان می ربایند و کعبه را سنگ به سنگ از جا خواهند کند پس این آیه نازل شد: <و قالوا إن نتّبع الهدی معک نتخطّف من أرضنا>...>.

خوشنامی ابراهیم(ع) در جزیره العرب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – اعلی – ۸۷ – ۱۹ – ۲

۲ – حضرت ابراهیم و موسی (ع) ، پیامبرانی شناخته شده در جزیره العرب و دارای طرفدارانی بسیار

صحف إبرهیم و موسی

از آن جا که کتاب های پیشینیان محدود به صحیفه های حضرت ابراهیم و موسی(ع) نبود; تصریح به این دو می تواند

برخاسته از نفوذ چشمگیر این پیامبران در جزیره العرب عصر پیامبر(ص) باشد.

خوشنامی موسی(ع) در جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۹ - ۲

۲ - حضرت ابراهیم و موسی (ع) ، پیامبرانی شناخته شده در جزیره العرب و دارای طرفدارانی بسیار

صحف إبرهیم و موسی

از آن جا که کتاب های پیشینیان محدود به صحیفه های حضرت ابراهیم و موسی(ع) نبود; تصریح به این دو می تواند برخاسته از نفوذ چشمگیر این پیامبران در جزیره العرب عصر پیامبر(ص) باشد.

دین در جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۹ - ۱۱

۱۱ - وجود مذاهب و ادیان گوناگون در جزیره العرب به هنگام بعثت پیامبر (ص)

لیظهره علی الدین کلّه

شهرنشینی در جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۱۵

۱۵ مردم جزیره العرب در عصر پیامبر (ص) دو گروه شهرنشین و بادیه نشین بودند .

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً

عذاب استیصال در جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۴ - ۱

۱ مردم جزیره العرب ، جانشین امتهایی که در آن سرزمین با عذاب استیصال الهی منقرض شده بودند .

و لقد أهلکنا القرون من قبلکم . .. ثم جعلنکم خلئف فی الأرض

عوامل رشد اقتصادی جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۷ - ۱۵

۱۵ - وجود امنیت در مکه ، عامل تبدیل

شدن آن شهر به مرکز عمده اقتصاد و تجارت در جزیره العرب

حرمًا ءامنًا یجبی إلیه ثمرت کلّ شیء

کفر بادیه نشینان جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۱

۱ بادیه نشینان جزیره العرب در عصر بعثت ، در کفر و نفاق پابرجاتر و در امتناع از پذیرش سخن حق ، سخت تر بودند .

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً

گمراهی مردم جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۹ - ۱۲

۱۲ - مردم جزیره العرب ، گرفتار انواع ضلالت ها پیش از بعثت پیامبر (ص) و نزول قرآن

هو الذی ینزّل . .. لیخرجکم من الظلمت

مردم جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۴ - ۱

۱ مردم جزیره العرب ، جانشین امتهایی که در آن سرزمین با عذاب استیصال الهی منقرض شده بودند .

و لقد أهلکنا القرون من قبلکم . .. ثم جعلنکم خلئف فی الأرض

مردم جزیره العرب و حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱۰

۱۰ – حج و زیارت مسجدالحرام ، مراسمی رایج در میان مردم جزیره العرب

سواء العکف فیه و الباد

مردم جزیره العرب و زیارت مسجدالحرام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۲۵ – ۱۰

۱۰ – حج و زیارت مسجدالحرام ، مراسمی رایج در میان مردم جزیره العرب

سواء العکف فیه و الباد

مردم جزیره العرب و مسجدالحرام

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱۱

۱۱ - < مسجدالحرام > نامی شناخته شده و متداول در میان مردم جزیره العرب

و المسجد الحرام الذی جعلنه للناس

مرکز جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۱۱

۱۱ شهر مکه، مرکز سرزمین حجاز در اوان ظهور اسلام

و لتنذر أم القری و من حولها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۹ - ۱۱

۱۱ - مکه ، محور و مرکز عمده شهر ها و قرای جزیره العرب در صدراسلام

حتّی یبعث فی أُمّها رسولاً

نبوت در جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۱۲

۱۲ - وحی و رسالت ، دارای پیشینه در تاریخ جزیره العرب

أم جاءهم ما لم یأت ءاباءهم الأوّلین

نژاد مردم جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۱۱ – ۵

۵ – مردم جزیره العرب ، از نظر نژادی از نسل قوم نوح بودند .

حملنکم فی الجاریه

نفاق بادیه نشینان جزیره العرب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۷ – ۱

۱ بادیه نشینان جزیره العرب در عصر بعثت ، در کفر و نفاق پابرجاتر و در امتناع از پذیرش سخن حق ، سخت تر بودند .

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً

نیاکان مردم جزیره العرب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۱۱ – ۴

۴ – مردم

جزیره العرب ، از نسل مؤمنان عصر نوح بودند .

حملنکم فی الجاریه

در این آیه، <حمل شدن> به مخاطبان عصر نزول قرآن نسبت داده شده است و مقصود حمل اجداد آنان است و چون نجات آنان به سبب مؤمن بودن ایشان بوده است; می توان نتیجه گرفت مردم جزیره العرب (مخاطبان این آیه)، از نسل همین مؤمنان نجات یافته بودند.

وحی در جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۱۲

۱۲ - وحی و رسالت ، دارای پیشینه در تاریخ جزیره العرب

أم جاءهم ما لم یأت ءاباءهم الأوّلین

ویژگیهای بادیه نشینان جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۱،۲

۱ بادیه نشینان جزیره العرب در عصر بعثت ، در کفر و نفاق پابرجاتر و در امتناع از پذیرش سخن حق ، سخت تر بودند .

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً

۲ بادیه نشینان جزیره العرب در عصر بعثت ، مردمی دور از فرهنگ دینی و جاهلتر از آن بودند که مرز احکام الهی را به درستی بشناسند .

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً و أجدر ألّا یعلموا حدود ما أنزل اللّه

جزیه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جزیه

آثار جزیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۹ - ۴

۴ لزوم متارکه جنگ با اهل کتاب ، در صورت پرداخت جزیه و تسلیم شدن ایشان در برابر حکومت اسلامی

قتلوا الذین لا یؤمنون . .. من الذین أوتوا الکتب حتی یعطوا الجزیه عن ید و هم صغرو

احکام جزیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۹ - ۳،۴،۷،۸،۹

۳ اهل کتاب [در حاکمیت اسلام] محکوم به پرداخت جزیه اند .

الذین أوتوا الکتب حتی یعطوا الجزیه عن ید و هم صغرون

۴ لزوم متارکه جنگ با اهل کتاب ، در صورت پرداخت جزیه و تسلیم شدن ایشان در برابر حکومت اسلامی

قتلوا الذین لا یؤمنون . .. من الذین أوتوا الکتب حتی یعطوا الجزیه عن ید و هم صغرو

۷ پرداخت جزیه اهل کتاب به حکومت اسلامی ، باید به دست خود آنان و با انقیاد و تسلیم باشد ، نه اینکه حکومت برای دریافت آن ناچار به اعمال زور شود .

من الذین أوتوا الکتب حتی یعطوا الجزیه عن ید و هم صغرون

۸ زراره گوید : < قلت لأبی عبدالله (ع) : ما حد الجزیه علی اهل الکتاب . . . ؟ فقال : ذاک إلی الامام أن یأخذ من کل انسان منهم ما شاء . . . تؤخذ منهم علی قدر ما یطیقون . . . فإن اللّه تبارک و تعالی قال : < حتی یعطوا الجزیه عن ید و هم صاغرون > و کیف یکون صاغرا و هو لا یکترث لِما یؤخذ منه . . . ;

به امام صادق (ع) گفتم: جزیه که بر اهل کتاب بسته می شود چه مقدار است؟ فرمود: این در اختیار امام است تا هر چه بخواهد از هر یک آنان بگیرد . .. جزیه تا مقداری که توان دارند از آنها گرفته می شود ; ... زیرا خدای تبارک و تعالی فرمود: <تا اینکه جزیه را با دست خویش با خواری بپردازند>

و چگونه خوار می شود کسی که نسبت به آنچه از او گرفته می شود بی تفاوت باشد ... >.

۹ از رسول خدا (ص) درباره جزیه سؤال شد ، فرمود : < جزیه الأرض و الرقبه . . . ;

جزیه را می توان بر اراضی بست و می توان سرانه گرفت . .. >.

جزیه از اهل کتاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۹ – ۳۸،۱۰

۳ اهل کتاب [در حاکمیت اسلام] محکوم به پرداخت جزیه اند .

الذین أوتوا الکتب حتی یعطوا الجزیه عن ید و هم صغرون

۸ زراره گوید : < قلت لأبی عبدالله (ع) : ما حد الجزیه علی اهل الکتاب . . . ؟ فقال : ذاک إلی الامام أن یأخذ من کل انسان منهم ما شاء . . . تؤخذ منهم علی قدر ما یطیقون . . . فإن اللّه تبارک و تعالی قال : < حتی یعطوا الجزیه عن ید و هم صاغرون > و کیف یکون صاغرا و هو لا یکترث لِما یؤخذ منه . . . ;

به امام صادق (ع) گفتم: جزیه که بر اهل کتاب بسته می شود چه مقدار است؟ فرمود: این در اختیار امام است تا هر چه بخواهد از هر یک آنان بگیرد . .. جزیه تا مقداری که توان دارند از آنها گرفته می شود ; ... زیرا خدای تبارک و تعالی فرمود: <تا اینکه جزیه را با دست خویش با خواری بپردازند> و چگونه خوار می شود کسی که نسبت به آنچه از او گرفته

می شود بی تفاوت باشد ... >.

۱۰ از رسول خدا (ص) روایت شده است : < . . . إنی لست آخذ الجزیه إلا من اهل الکتاب . . . إن المجوس کان لهم نبی فقتلوه و کتاب أحرقوه . . . ;

. .. من جزیه نمی گیرم مگر از اهل کتاب ... مجوس، دارای پیغمبر و کتاب بودند که پیغمبر خود را کشتند و کتاب را آتش زدند ... >.

جزیه از مجوس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ از رسول خدا (ص) روایت شده است : < . . . إنی لست آخذ الجزیه إلا من اهل الکتاب . . . إن المجوس کان لهم نبی فقتلوه و کتاب أحرقوه . . . ;

. .. من جزیه نمی گیرم مگر از اهل کتاب ... مجوس، دارای پیغمبر و کتاب بودند که پیغمبر خود را کشتند و کتاب را آتش زدند ... >.

شرایط پرداخت جزیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۹ - ۷

۷ پرداخت جزیه اهل کتاب به حکومت اسلامی ، باید به دست خود آنان و با انقیاد و تسلیم باشد ، نه اینکه حکومت برای دریافت آن ناچار به اعمال زور شود .

من الذین أوتوا الکتب حتی یعطوا الجزیه عن ید و هم صغرون

فلسفه جزیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۹ - ۵

۵ جزیه اهل کتاب به حکومت اسلامی ، مالیاتی است برای

حفظ جان و رهایی از مرگ .

قتلوا الذین لا یؤمنون . .. من الذین أوتوا الکتب حتی یعطوا الجزیه

مقدار جزیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۹ - ۸

۸ زراره گوید : < قلت لأبی عبدالله (ع) : ما حد الجزیه علی اهل الکتاب . . . ؟ فقال : ذاک إلی الامام أن یأخذ من کل انسان منهم ما شاء . . . تؤخذ منهم علی قدر ما یطیقون . . . فإن اللّه تبارک و تعالی قال : < حتی یعطوا الجزیه عن ید و هم صاغرون > و کیف یکون صاغرا و هو لا یکترث لِما یؤخذ منه . . . ;

به امام صادق (ع) گفتم: جزیه که بر اهل کتاب بسته می شود چه مقدار است؟ فرمود: این در اختیار امام است تا هر چه بخواهد از هر یک آنان بگیرد . .. جزیه تا مقداری که توان دارند از آنها گرفته می شود ; ... زیرا خدای تبارک و تعالی فرمود: <تا اینکه جزیه را با دست خویش با خواری بپردازند> و چگونه خوار می شود کسی که نسبت به آنچه از او گرفته می شود بی تفاوت باشد ... >.

موارد جزیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۹ - ۹

۹ از رسول خدا (ص) درباره جزیه سؤال شد ، فرمود : < جزیه الأرض و الرقبه . . . ;

جزیه را می توان بر اراضی بست و می توان سرانه گرفت . .. >.

جعاله از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جعاله

احکام جعاله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۱۳،۱۲،۱۱،۱۰

۱۰ جعاله از قرارداد های مشروع و دارای اعتبار قانونی

و لمن جاء به حمل بعیر و أنا به زعیم

<جعاله> در اصطلاح متعهد شدن به پرداخت عوض در مقابل انجام کار است. بر این اساس جمله <لمن جاء ...> گویای قرارداد جعاله می باشد. در این قرارداد متعهد را <جاعل> ، انجام دهنده را <عامل> و اجرت را <جُعل> می نامند.

۱۱ صحت جعاله منوط به مشخص بودن عامل نیست .

و لمن جاء به حمل بعیر

۱۲ صحت جعاله منوط به تعیین محدوده زمانی برای انجام کار نیست .

و لمن جاء به حمل بعیر

چون کارگزاران یوسف در قرارداد جعاله تعیین نکردند که کار مورد نظرشان (یافتن جام شاهی) در چه محدوده زمانی (فرصتی محدود و یا زمانی خاص) انجام گیرد ، برداشت فوق استفاده می شود.

۱۳ در صحت جعاله ، معین بودن مقدار عملیاتی که برای انجام کار مورد جعاله لازم است ، شرط نیست .

و لمن جاء به حمل بعیر

از آن جا که مشخص نبود پیدا کردن جام مفقود شده چه مقدار کار خواهد برد ، می توان گفت: در قرارداد <جعاله> جهل به مقدار کار به صحت آن ضرر نمی زند.

تاریخ جعاله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۱۹

۱۹ جعاله ، ضمان و کفالت ، قراردادهایی مرسوم در عصر یوسف (ع)

و لمن جاء به حمل بعیر و أنا به زعیم

تعیین عامل جعاله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف -

۱۲ – ۷۲ – ۱۱

۱۱ صحت جعاله منوط به مشخص بودن عامل نیست .

و لمن جاء به حمل بعیر

جعاله با ذوالقرنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۹۴ – ۹

۹- قوم درگیر با یأجوج و مأجوج ، با اظهار آمادگی برای پرداخت دست مزد به ذوالقرنین در برابر ساختن سد ، او را دعوت به عقد قرارداد جعاله کردند .

فهل نجعل لک خرجًا علی أن تجعل بیننا و بینهم سدًّا

جعاله در دوران یوسف (ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۲ – ۱۹

۱۹ جعاله ، ضمان و کفالت ، قراردادهایی مرسوم در عصر یوسف (ع)

و لمن جاء به حمل بعیر و أنا به زعیم

جعاله مردم شمال سرزمین ذوالقرنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۹۴ – ۹

۹- قوم درگیر با یأجوج و مأجوج ، با اظهار آمادگی برای پرداخت دست مزد به ذوالقرنین در برابر ساختن سد ، او را دعوت به عقد قرارداد جعاله کردند .

فهل نجعل لک خرجًا علی أن تجعل بیننا و بینهم سدًّا

جعاله یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۷

۷ یوسف (ع) خود متعهد به پرداخت جایزه و اجرت به آورنده جام مفقودشده *

و لمن جاء به حمل بعیر و أنا به زعیم

مقصود از <أنا> در <و أنا به زعیم> یوسف(ع) و یا رئیس و مسؤول کارگزاران او می باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال نخست است.

جواز

ضمانت در جعاله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۲ – ۱۵

۱۵ ضمانت برای جُعل (اجرت در جعاله) حتی پیش از انجام کار مورد جعاله ، جایز است و اعتبار قانونی دارد .

و أنا به زعیم

گوینده جمله <و أنا به زعیم> که برای پرداخت اجرت (حمل بعیر) ضامن شده است پیش از آن که عامل ، پیمانه را بیابد اجرت را ضمانت کرده است.

زمان در جعاله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۲ – ۱۲

۱۲ صحت جعاله منوط به تعیین محدوده زمانی برای انجام کار نیست .

و لمن جاء به حمل بعیر

چون کارگزاران یوسف در قرارداد جعاله تعیین نکردند که کار مورد نظرشان (یافتن جام شاهی) در چه محدوده زمانی (فرصتی محدود و یا زمانی خاص) انجام گیرد ، برداشت فوق استفاده می شود.

شرایط صحت جعاله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۲ – ۱۱،۱۲،۱۳

۱۱ صحت جعاله منوط به مشخص بودن عامل نیست .

و لمن جاء به حمل بعیر

۱۲ صحت جعاله منوط به تعیین محدوده زمانی برای انجام کار نیست .

و لمن جاء به حمل بعیر

چون کـار گزاران یوسف در قرارداد جعـاله تعیین نکردنـد که کـار مورد نظرشـان (یـافتن جـام شـاهی) در چه محـدوده زمـانی (فرصتی محدود و یا زمانی خاص) انجام گیرد ، برداشت فوق استفاده می شود.

۱۳ در صحت جعاله ، معین بودن مقدار عملیاتی که برای انجام کار مورد جعاله لازم است ، شرط نیست .

و لمن جاء به حمل بعیر

از آن جا

که مشخص نبود پیدا کردن جام مفقود شده چه مقدار کار خواهد برد ، می توان گفت: در قرارداد <جعاله> جهل به مقدار کار به صحت آن ضرر نمی زند.

عقد جعاله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۱۰

۱۰ جعاله از قرارداد های مشروع و دارای اعتبار قانونی

و لمن جاء به حمل بعیر و أنا به زعیم

<جعاله> در اصطلاح متعهد شدن به پرداخت عوض در مقابل انجام کار است. بر این اساس جمله <لمن جاء ...> گویای قرارداد جعاله می باشد. در این قرارداد متعهد را <جاعل> ، انجام دهنده را <عامل> و اجرت را <جُعل> می نامند.

مشروعیت جعاله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۱۰

۱۰ جعاله از قرارداد های مشروع و دارای اعتبار قانونی

و لمن جاء به حمل بعیر و أنا به زعیم

<جعاله> در اصطلاح متعهد شدن به پرداخت عوض در مقابل انجام کار است. بر این اساس جمله <لمن جاء ...> گویای قرارداد جعاله می باشد. در این قرارداد متعهد را <جاعل> ، انجام دهنده را <عامل> و اجرت را <جُعل> می نامند.

مقدار کار در جعاله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۱۳

۱۳ در صحت جعاله ، معین بودن مقدار عملیاتی که برای انجام کار مورد جعاله لازم است ، شرط نیست .

و لمن جاء به حمل بعیر

از آن جا که مشخص نبود پیدا کردن جام مفقود شده چه مقدار کار خواهد برد ، می توان گفت: در قرارداد <جعاله> جهل

به مقدار کار به صحت آن ضرر نمی زند.

جمادات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جمادات

احیای جمادات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۲۱،۲۷،۳۱

۲۱ حیات بخشی به موجودات جامد از معجزات حضرت عیسی (ع)

و اذ تخلق من الطین کهیئه الطیر باذنی فتنفخ فیها فتکون طیراً باذنی

۲۷ عیسی (ع) ، ارائه کننده معجزات خویش (حیات بخشی به اجسام بی جان ، درمان کوری و پیسی و زنده کردن مردگان) ، در بسیاری از مواقع

اذ تخلق . .. و تبری الاکمه و الابرص باذنی و اذ تخرج

برداشت فوق از فعل مضارع <تخلق> و <تبری> و <تخرج> که حاکی از استمرار انجام کار می باشد، استفاده شده است.

۳۱ توانایی عیسی (ع) بر ارائه معجزاتی همانند روح بخشی به مجسمه ها ، درمان کوری و پیسی و احیای مردگان ، از نعمت های ویژه خداوند به آن حضرت

اذکر نعمتی . .. و تبری الاکمه و الابرص باذنی و اذ تخرج الموتی باذنی

امکان احیای جمادات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۲۲

۲۲ جواز و امکان آفرینش موجود زنده از عناصر مادی بی جان

و اذ تخلق من الطین کهیئه الطیر باذنی

جواز احیای جمادات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۲۲

۲۲ جواز و امکان آفرینش موجود زنده از عناصر مادی بی جان

و اذ تخلق من الطین کهیئه الطیر باذنی

حشر جمادات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل

عمران – ۳ – ۱۸۰ – ۱۴

۱۴ حشر جمادات و اشیا در قیامت

سیطوّقون ما بخلوا به یوم القیمه

حیات اخروی جمادات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۶ – ۷

۷- وجود حیات و شعور در موجودات ، حتی جمادات در آخرت

کانوا لهم أعداء و کانوا بعبادتهم کفرین

از ضمائر <ذوی القعول> در آیه شریفه، مطلب یاد شده استفاده می شود.

شعور اخروی جمادات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۶ – ۷

۷- وجود حیات و شعور در موجودات ، حتی جمادات در آخرت

کانوا لهم أعداء و کانوا بعبادتهم کفرین

از ضمائر <ذوی القعول> در آیه شریفه، مطلب یاد شده استفاده می شود.

شعور جمادات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۱۸ – ۷

۷ – کوه ها ، دارای نوعی شعور و شناخت نسبت به خداوند

یسبّحن بالعشیّ و الإشراق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۵ - ۹

۹- وجود نوعی شعور ، در همه موجودات جهان حتی جمادات *

و هم عن دعائهم غفلون

جای انکار نیست که در میان معبودهای مشرکان، بت ها و جمادات نیز وجود داشته اند و خداوند در مورد چنین موجوداتی، اولاً ضمیر ذوی العقول (هم) آورده و ثانیاً صفتی را درباره آنان به کار برده (غافلون) که از نوع عدم و ملکه است؛ زیرا غفلت در جایی صدق می کند که زمینه توجه، وجود داشته باشد. از این دو تعبیر استفاده می شود که جمادات نیز دارای نوعی توجه و شعوراند.

جمعه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جمعه

آداب نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۱۵،۱۷

۱۵ - < عن علیّ انّه سئل عن قول اللّه [تعالی] < یا أیّها الذین آمنوا إذا نودی للصلاه من یوم الجمعه فاسعوا إلی ذکر اللّه > قال : لیس السعی الإشتداد ;

از امام علی(ع) درباره سخن خداوند تعالی <یا أیّها الذین آمنوا إذا نودی للصلاه من یوم الجمعه فاسعوا إلی ذکر اللّه> سؤال شد، آن حضرت فرمود: مراد از <سعی> شدت در راه رفتن (دویدن) نیست>.

۱۷ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < یا أیّها الذین آمنوا . . . فاسعوا إلی ذکر اللّه . . . > قال : اسعوا أی امضوا و یقال : اسعوا اعملوا لها و هو قصّ الشارب و نتف الإبط و تقلیم الأظفار و الغسل و لبس أفضل ثیابک و تطیب للجمعه فهو السعی ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند، <فاسعوا إلی ذکراللّه. ..> روایت شده که <اسعوا> به معنای <امضوا> است; یعنی، بروید و گفته می شود <اسعوا اعملوا لها>; یعنی، بکوشید تا برای آنها اعمالی انجام دهید و آن اعمال کوتاه کردن موی شارب و ازاله مو از زیر بغل، گرفتن ناخن، غسل، پوشیدن بهترین پیراهن ها و خوشبو کردن برای نماز جمعه است. پس این اعمال سعی است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۰ - ۱۱

۱۱ - < روی عن أنس عن النبیّ (ص) قال : فی قوله : < فإذا قضیت الصلاه فانتشروا . . . >

لیس لطلب دنیا و لکن عیاده مریض و حضور جنازه و زیاره أخ فی اللّه . . . ;

اَنس از رسول خدا(ص) روایت نموده که آن حضرت درباره سخن خداوند <فإذا قضیت الصلاه فانتشروا. ..> فرموده: [این انتشار و پراکنده شدن در زمین] برای به دست آوردن دنیا نیست; بلکه برای عیادت بیماری یا حضور بر جنازه ای و یا زیارت برادری برای خداوند است...>.

احکام نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۴،۵،۶

۴ - ایراد خطبه در نماز جمعه بهوسیله امام جمعه ، از شرایط آن است .

و ترکوک قائمًا

۵ - ایستادن در حال ایراد خطبه های نماز جمعه ، از آداب آن است .

و ترکوک قائمًا

۶ - لزوم استماع خطبه های نماز جمعه و پرهیز از پرداختن به کار های دیگر

و إذا رأوا . .. و ترکوک قائمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۲،۷،۱۳

۲ - اذان ، از آداب برپایی نماز جمعه

إذا نودی للصلوه من یوم الجمعه

ندا برای نماز، همان اذان است.

۷ - تعطیل کردن خرید و فروش و هر عملی که مانع شرکت در نماز جمعه می شود ، فرمان الهی به مؤمنان

یأیّها الذین ءامنوا . .. و ذروا البیع

مراد از <ذروا البیع> با توجه به دعوت مردم به شرکت در نماز جمعه تنها رها کردن خرید و فروش نیست; بلکه ذکر خرید و

فروش، از باب ذکر بارزترین مصداقی است که مانع شرکت در نماز جمعه می شود. بر این اساس هر عملی که مانع شرکت در

نماز جمعه شود، باید ترک گردد.

۱۳ – خرید و فروش و کسب و کار ، پیش از اعلام نماز جمعه جایز است .

إذا نودی للصلوه من یوم الجمعه فاسعوا إلی ذکر اللّه و ذروا البیع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جمعه – ۶۲ – ۱۰ – ۱

۱ – جواز خرید و فروش ، پس از تمام شدن نماز جمعه

فإذا قضیت الصلوه فانتشروا فی الأرض و ابتغوا من فضل اللّه

اذان نماز جمعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جمعه – ۶۲ – ۹ – ۲

۲ – اذان ، از آداب برپایی نماز جمعه

إذا نودی للصلوه من یوم الجمعه

ندا برای نماز، همان اذان است.

ارزش نماز جمعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جمعه – ۶۲ – ۹ – ۸

۸ – شرکت در نماز جمعه و پرداختن به ذکر خدا ، بسی ارزشمندتر از کسب مال و سایر منافع دنیوی

فاسعوا إلی ذکر اللّه و ذروا البیع ذلکم خیر لکم

استماع خطبه نماز جمعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۶

۶ - لزوم استماع خطبه های نماز جمعه و پرهیز از پرداختن به کار های دیگر

و إذا رأوا . .. و ترکوک قائمًا

امامت جمعه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۳

۳ - اقامه نماز جمعه ، در صدراسلام و به امامت حضرت رسول اکرم (ص)

و إذا رأوا تجره . .. و ترکوک قائمًا

امامت نماز جمعه در صدر اسلام

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جمعه – ۶۲ – ۱۱ – ۳

۳ – اقامه نماز جمعه ، در صدراسلام و به امامت حضرت رسول اکرم (ص)

و إذا رأوا تجره . .. و ترکوک قائمًا

اهمیت استماع خطبه های نماز جمعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جمعه – ۶۲ – ۹ – ۶

۶ – تلاش و جدیت برای درک خطبه های نماز جمعه و اهمیت دادن به آن ، توصیه خداوند به مؤمنان

فاسعوا إلی ذکر اللّه

در صورتی که مراد از <ذکر اللّه> در آیه شریفه خطبه های نماز جمعه باشد; براشت بالا استفاده می شود.

اهمیت تلاش برای نماز جمعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جمعه – ۶۲ – ۹ – ۶

۶ – تلاش و جدیت برای درک خطبه های نماز جمعه و اهمیت دادن به آن ، توصیه خداوند به مؤمنان

فاسعوا إلی ذکر اللّه

در صورتی که مراد از <ذکر اللّه> در آیه شریفه خطبه های نماز جمعه باشد; براشت بالا استفاده می شود.

اهمیت نماز جمعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جمعه – ۶۲ – ۱۱ – ۷

۷ – مأموریت پیامبر (ص) از سوی خداوند ، برای بیان جایگاه بلند نماز در پیشگاه الهی

قل ما عند اللّه خير من اللهو و من التجره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۱،۳،۹

۱ - شرکت در نماز جمعه ، توصیه خداوند به مؤمنان

یأیّها الذین ءامنوا . .. فاسعوا إلی ذکر اللّه

۳ - نماز جمعه ،

< ذکر اللّه > است .

فاسعوا إلی ذکر اللّه

مفسران <ذکر اللّه> را به دو معنا تفسیر کرده اند: الف) مراد از <ذکر اللّه> نماز جمعه است ب) مراد از آن خطبه های نماز جمعه است. برداشت یاد شده بر پایه تفسیر اول است.

۹ - فریضه نماز جمعه و ر ها کردن داد و ستد به هنگام اقامه آن ، در جهت تأمین مصالح و منافع خود مؤمنان است .

إذا نودی للصلوه من یوم الجمعه فاسعوا إلی ذکر اللّه. .. ذلکم خیر لکم

بیع بعد از نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۰ - ۱

۱ - جواز خرید و فروش ، پس از تمام شدن نماز جمعه

فإذا قضیت الصلوه فانتشروا فی الأرض و ابتغوا من فضل اللّه

بیع هنگام نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۱۳،۱۶

۱۳ - خرید و فروش و کسب و کار ، پیش از اعلام نماز جمعه جایز است .

إذا نودی للصلوه من یوم الجمعه فاسعوا إلی ذکر اللّه و ذروا البیع

۱۶ - < قال رسول اللّه (ص) حرمت التجاره یوم الجمعه ما بین الأذان الأوّل إلی الإقامه إلی انصراف الإمام لأنّ اللّه یقول : < یا أیّها الذین آمنوا إذا نودی للصلاه من یوم الجمعه فاسعوا إلی ذکر اللّه و ذروا البیع ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: ما بین اذان اول تا اقامه و انصراف امام از آن، تجارت حرام است; زیرا خدای تعالی می فرماید: یا أیّها الذین آمنوا إذا نودی للصلاه من یوم الجمعه

فاسعوا إلی ذکر اللّه و ذروا البیع>.

پاداش نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۸

۸ - ثواب نماز جمعه ، بسی برتر و بالاتر از درآمد های مادی و لذت های دنیوی است .

قل ما عند اللّه خیر من اللهو و من التجره

پاداش نمازگزاران جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۹

۹ - ثواب نماز جمعه ، برای برپادارندگان آن ، در نزد خداوند محفوظ است .

قل ما عند اللّه خیر

ترک بیع هنگام نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۹،۷

۷ - تعطیل کردن خرید و فروش و هر عملی که مانع شرکت در نماز جمعه می شود ، فرمان الهی به مؤمنان

یأیّها الذین ءامنوا . .. و ذروا البیع

مراد از <ذروا البیع> با توجه به دعوت مردم به شرکت در نماز جمعه تنها رها کردن خرید و فروش نیست; بلکه ذکر خرید و فروش، از باب ذکر بارزترین مصداقی است که مانع شرکت در نماز جمعه می شود. بر این اساس هر عملی که مانع شرکت در نماز جمعه شود، باید ترک گردد.

۹ - فریضه نماز جمعه و ر ها کردن داد و ستد به هنگام اقامه آن ، در جهت تأمین مصالح و منافع خود مؤمنان است .

إذا نودی للصلوه من یوم الجمعه فاسعوا إلی ذکر اللّه. .. ذلکم خیر لکم

ترک نماز جمعه محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جمعه

- ۶۲ - ۱۱ - ۱،۲

۱ - مسلمانان صدراسلام ، با مشاهده بساط داد و ستد و یا لهو و سرگرمی ، جذب آن می شدند و مصلّا را ترک و پیامبر (ص) را در حال ایراد خطبه های نماز جمعه ، ر ها می کردند .

و إذا رأوا تجره أو لهوًا انفضّوا إلیها و ترکوک قائمًا

۲ - نکوهش مسلمانان صدراسلام از سوی خداوند ، به خاطر ترک مصلّا برای داد و ستد و یا تماشای لهو و ر ها کردن پیامبر (ص) در حال ایراد خطبه های نماز جمعه

و إذا رأوا تجره أو لهوًا انفضّوا إلیها و ترکوک قائمًا

تلاش برای نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۵،۱۷

۵ - مؤمنان ، وظیفه دار جدیت و تلاش برای شرکت در نماز جمعه

فاسعوا إلی ذکر اللّه

۱۷ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < یا أیّها الذین آمنوا . . . فاسعوا إلی ذکر اللّه . . . > قال : اسعوا أی امضوا و یقال : اسعوا اعملوا لها و هو قصّ الشارب و نتف الإبط و تقلیم الأظفار و الغسل و لبس أفضل ثیابک و تطیب للجمعه فهو السعی ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند، <فاسعوا إلی ذکراللّه. ..> روایت شده که <اسعوا> به معنای <امضوا> است; یعنی، بروید و گفته می شود <اسعوا اعملوا لها>; یعنی، بکوشید تا برای آنها اعمالی انجام دهید و آن اعمال کوتاه کردن موی شارب و ازاله مو از زیر بغل، گرفتن ناخن، غسل، پوشیدن بهترین پیراهن ها و

خوشبو کردن برای نماز جمعه است. پس این اعمال سعی است>.

خطبه نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۴

۴ - ایراد خطبه در نماز جمعه بهوسیله امام جمعه ، از شرایط آن است .

و ترکوک قائمًا

خطبه های نماز جمعه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۱

۱ - مسلمانان صدراسلام ، با مشاهده بساط داد و ستد و یا لهو و سرگرمی ، جذب آن می شدند و مصلّا را ترک و پیامبر (ص) را در حال ایراد خطبه های نماز جمعه ، ر ها می کردند .

و إذا رأوا تجره أو لهوًا انفضّوا إلیها و ترکوک قائمًا

روزه در جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۸ - ۲۲

۲۲ - < عن أبی عبداللّه (ع) فی قول اللّه عزّوجلّ : < توبوا إلی اللّه توبه نصوحاً > قال : هو صوم < یوم الأربعاء > و < یوم الخمیس > و < یوم الجمعه > ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدای عزّوجلّ <توبوا إلی اللّه توبه نصوحاً> روایت شده که توبه نصوح، روزه گرفتن در روزهای چهارشنبه، پنج شنبه و جمعه است>. شاید مراد این باشد که روزه در این ایّام، مانند توبه نصوح موجب آمرزش گناهان است و شاید مقصود این باشد که از شرایط توبه نصوح، روزه گرفتن در این ایّام است.

روزی نمازگزاران جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه -

۶۲ – ۱۱ – ۱۱

۱۱ – خداوند ، روزی برپاداران نماز جمعه را تضمین کرده است .

قل ما عند اللّه خیر . .. و اللّه خیر الرزقین

سرزنش ترک نماز جمعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جمعه – ۶۲ – ۱۱ – ۲

۲ – نکوهش مسلمانان صدراسلام از سوی خداوند ، به خاطر ترک مصلاّ برای داد و ستد و یا تماشای لهو و ر ها کردن پیامبر (ص) در حال ایراد خطبه های نماز جمعه

و إذا رأوا تجره أو لهوًا انفضّوا إلیها و ترکوک قائمًا

سوگند به روز جمعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بروج – ۸۵ – ۳ – ۸،۹

۸ – < عن محمّد بن هاشم عمن روی عن أبی جعفر (ع) قال : سأله الأبرش الکلبی عن قول اللّه عزّوجلّ < و شاهد و مشهود > فقال أبوجعفر (ع) : ما قیل لک ؟ فقال : قالوا : الشاهد یوم الجمعه و المشهود یوم عرفه ، فقال أبوجعفر (ع) : لیس کما قیل ، الشاهد یوم عرفه و المشهود یوم القیامه أما تقرأ القرآن ؟ قال اللّه عزّوجلّ : < ذلک یوم مجموع له الناس و ذلک یوم مشهود ;

محمد بن هاشم از کسی که از امام باقر(ع) روایت کرده، نقل می کند: ابرش کلبی از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ <و شاهد و مشهود> سؤال کرد، حضرت فرمود: [در این باره] برای تو چه گفته شده؟ عرض کرد: گفته اند: <شاهد> روز جمعه و <مشهود> روز عرفه است. حضرت فرمود: این چنین

که برای تو گفته شده است نیست; بلکه <شاهد> روز عرفه و مشهود روز قیامت است. مگر قرآن نخوانده ای که خدای عزّوجلّ فرموده است: ذلک یوم مجموع له الناس و ذلک یوم مشهود>.

۹ - < عن علیّ (ع) قال : . . . و الشاهد یوم الجمعه و المشهود یوم النحر ;

از امام علی(ع) روایت شده که فرمود: شاهد روز جمعه و مشهود روز قربانی (دهم ذی الحجه) است>.

شرایط نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۴

۴ - ایراد خطبه در نماز جمعه بهوسیله امام جمعه ، از شرایط آن است .

و ترکوک قائمًا

شرکت در نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ - شرکت در نماز جمعه ، باعث از دست رفتن روزی مردمان نمی شود .

و إذا رأوا تجره . .. و اللّه خیر الرزقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۵

۵ - مؤمنان ، وظیفه دار جدیت و تلاش برای شرکت در نماز جمعه

فاسعوا إلی ذکر اللّه

عجله برای نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – جمعه – ۶۲ – ۹ – ۱۴،۱۵

۱۴ – < عن جابر بن یزیـد عن أبی جعفر (ع) قال : قلت له قول اللّه عزّوجلّ : < فاسـعوا إلی ذکر اللّه > قال : اعملوا و عجلّوا فإنّه یوم مضیق علی المسلمین فیه ;

جابربن یزید گوید: به امام باقر(ع) گفتم: مراد از (سخن)

خداوند عزّوجلّ <فاسعوا إلی ذکرالله> چیست؟ فرمود: اعمال جمعه را با عجله انجام دهید [تا به نماز جمعه برسید] زیرا روز جمعه، [وقت]برای مسلمانان تنگ است [و اعمال مستحبّه زیاد است]>.

۱۵ - < عن علیّ انّه سئل عن قول الله [تعالی] < یا أیّها الذین آمنوا إذا نودی للصلاه من یوم الجمعه فاسعوا إلی ذکر الله > قال : لیس السعی الإشتداد ;

از امام علی(ع) درباره سخن خداوند تعالی <یا أیّها الذین آمنوا إذا نودی للصلاه من یوم الجمعه فاسعوا إلی ذکر الله> سؤال شد، آن حضرت فرمود: مراد از <سعی> شدت در راه رفتن (دویدن) نیست>.

فضیلت جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۲۰

۲۰ از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود : < یوم الجمعه سید الأیام . . . خلق الله فیه آدم واهبط فیه آدم إلی الأرض ;

روز جمعه شریف ترین روزهاست . .. در آن روز خداوند آدم را آفرید و در همین روز او را به زمین فرستاد>.

فضیلت شب جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۱۸

۱۸ < عن أبی عبدالله (ع) : فی قول یعقوب لبنیه < سوف أستغفر لکم ربی > قال : أخّرها إلی السحر لیله الجمعه ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدا از قول یعقوب که گفت: <سوف أستغفر لکم ربی> روایت شده است که فرمود: یعقوب استغفار را تا سحر شب جمعه به تأخیر انداخت>.

فلسفه نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۹ – جمعه – ۶۲ – ۹ – ۴

۴ – یاد خداوند ، فلسفه و روح نماز جمعه است .

إذا نودی للصلوه من یوم الجمعه فاسعوا إلی ذکر اللّه

آمدن تعبیر <ذکر اللّه> درباره نماز جمعه، می تواند اشاره به حقیقت یاد شده باشد.

قیام هنگام خطبه نماز جمعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جمعه – ۶۲ – ۱۱ – ۵

۵ – ایستادن در حال ایراد خطبه های نماز جمعه ، از آداب آن است .

و ترکوک قائمًا

قیامت در جمعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۰۳ – ۸

۸ < قال الصدوق روی : . . . و تقوم القیامه فی یوم الجمعه . . . قال الله عزوجل : < ذلک یوم مجموع له الناس و ذلک یوم مشهود > ;

صدوق گوید: روایت شده است که . .. قیامت در روز جمعه برپا می شود ... و خدای عزوجل فرمود: ذلک یوم مجموع ...>.

موانع ترک نماز جمعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جمعه – ۶۲ – ۱۱ – ۱۲

۱۲ – اعتقاد به رازق بودن خداوند ، ناسازگار با ترک کردن نماز جمعه به منظور کسب روزی

و إذا رأوا تجره . .. و اللّه خير الرزقين

نماز جمعه محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جمعه – ۶۲ – ۱۱ – ۳

۳ – اقامه نماز جمعه ، در صدراسلام و به امامت حضرت رسول اکرم (ص)

و إذا رأوا تجره . .. و ترکوک قائمًا

جمعیت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جمعیت

آثار رشد جمعیت

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶ - ۷

۷- رشد اقتصادی و نیروی انسانی و توازن و همپایی آن دو ، دارای نقش تعیین کننده در سرنوشت ملتها

و أمددنكم بأمول و بنين

در کنار هم یاد شدن <مال> و <فرزند> نشانگر آن است که قرین بودن این دو با یکدیگر، در غلبه ملتها بر دشمنان خویش نقش آفرین است.

آثار کثرت جمعیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۴ - ۵

۵ - ثروت انبوه و جمعیت بسیار ، از عوامل تکذیب دین و از موانع ایمان است .

أن كان ذا مال و بنين

اهمیت رشد جمعیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶ - ۱۰

۱۰- رشد اقتصادی و ازدیاد جمعیت به منظور برتری و فزونی یافتن بر نیروی انسانی و اقتصادی دشمن ، سیاستی است شایسته و بایسته

و أمددنكم بأمول و بنين و جعلنكم أكثر نفيرًا

جمله <و جعلناکم. ..> بمنزله نتیجه برای جمله <و امددناکم ...> است; چرا که <نفیر> در لغت به عده ای از مردان گفته می شود که امکانات لازم برای کوچ کردن و حرکت دسته جمعی را داشته باشند (مفردات راغب)، و مقصود از آن به مناسبت مورد، این است که خداوند با کمک اموال و فرزندان به شما، این توانایی را داد که بر دشمن خود فزونی داشته و چیره شوید.

تعیین جمعیت خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۰ - ۶

۶ - حاکمیت مطلق و بلامنازع خدا

در صحنه هستی ، پشتوانه اجرای مشیت او در میزان جمعیت و نوع جنسیت فرزندان خانواده

للّه ملک السموت . .. و یجعل من یشاء عقیمًا

تفاخر به جمعیت مردگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۲ - ۳

۳ - دیدار قبرستان ها برای شمارش مردگان قبیله ، پست ترین اقدام برخی قبایل عصر جاهلی ، در مقام اثبات برتری تعداد خویش بر قبایل دیگر

حتّی زرتم المقابر

قید <حتّی زرتم المقابر>، ممکن است کنایه از مرگ باشد و شاید در معنای حقیقی دیدار گورستان به کار رفته باشد. در صورت دوم، ناظر به رفتاری است که درباره برخی اقوام عرب نقل شده است که کثرت افراد قبیله را، ملاک برتری دانسته و برای بالا بردن رقم آن، حتی مردگان خود را نیز شمردند.

جمعیت قوم یونس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۷ - ۲

۲ - جمعیت قوم یونس ، بیش از یک صدهزار نفر بود .

و أرسلنه إلی مائه ألف أو یزیدون

جمعیت مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۵ - ۵

۵ تکذیب کنندگان انبیای پیشین بر اثر برخورداری از رفاه و آسایش جمعیتشان افزایش یافت .

حتی عفوا

از معانی <عفو> زیاد شدن است. در لسان العرب آمده: <عفا القوم: کثروا>.

خطر ازدیاد جمعیت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴ - ۱۰

۱۰ - خطرآفرینی افزایش جمعیت قوم بنی اسرائیل و جوانان آن ، برای حکومت فرعون

یذبّح أبناءهم

سرزنش تفاخر

به جمعیت مردگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکاثر – ۱۰۲ – ۱ – ۸

۸ – < قال علیّ (ع) بعـد تلاوه < ألهیکم التکاثر حتّی زرتم المقابر > یا له مراماً ما أبعدَه و زَوْراً ما أغفلَه و خطراً ما افظعَه . . . أفبمصارع أباءهم یفخرون أم بعدید الهلکی یتکاثرون . . . و لَان یکونوا عِبَراً أحقّ من أن یکونوا مفتخراً ;

علی(ع) بعد از تلاوت آیه <ألهیکم التکاثر حتّی زرتم المقابر>، فرمود: شگفتا چه هدف بسیار دوری! و چه زیارت کنندگان غافلی و چه خرامیـدن بسیار زشتی! آیا به محل زمین خوردن پـدران خویش می نازند و یا به تعداد هلاك شدگان [اقوام خود]مباهات می کنند؟ . .. به راستی اینها مایه عبرت قرار گیرند، سزاوارتر است تا مایه مباهات و افتخار باشند>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکاثر – ۱۰۲ – ۲ – ۶

کثرت جمعیت اهل مدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۰ – ۱۱

۱۱ جمعیت بیشتر ، امکانات برتر و قدرت فزونتر قوم نوح ، عاد ، ثمود ، قوم ابراهیم و اصحاب مدین در مقایسه با منافقان عصر پیامبر (ص)

کالذین من قبلکم کانوا أشد منکم قوه . .. ألم یأتهم نبأ الذین من قبلهم قوم نوح ...

کثرت جمعیت قوم ابراهیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۰ – ۱۱

۱۱ جمعیت بیشتر ، امکانات برتر و قدرت فزونتر قوم نوح ، عاد ، ثمود

، قوم ابراهیم و اصحاب مدین در مقایسه با منافقان عصر پیامبر (ص)

كالذين من قبلكم كانوا أشد منكم قوه . .. ألم يأتهم نبأ الذين من قبلهم قوم نوح ...

کثرت جمعیت قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۱۱

۱۱ جمعیت بیشتر ، امکانات برتر و قدرت فزونتر قوم نوح ، عاد ، ثمود ، قوم ابراهیم و اصحاب مدین در مقایسه با منافقان عصر پیامبر (ص)

كالذين من قبلكم كانوا أشد منكم قوه . .. ألم يأتهم نبأ الذين من قبلهم قوم نوح ...

کثرت جمعیت قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۱۱

۱۱ جمعیت بیشتر ، امکانات برتر و قدرت فزونتر قوم نوح ، عاد ، ثمود ، قوم ابراهیم و اصحاب مدین در مقایسه با منافقان عصر پیامبر (ص)

كالذين من قبلكم كانوا أشد منكم قوه . .. ألم يأتهم نبأ الذين من قبلهم قوم نوح ...

کثرت جمعیت قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۱۱

۱۱ جمعیت بیشتر ، امکانات برتر و قدرت فزونتر قوم نوح ، عاد ، ثمود ، قوم ابراهیم و اصحاب مدین در مقایسه با منافقان عصر پیامبر (ص)

كالذين من قبلكم كانوا أشد منكم قوه . .. ألم يأتهم نبأ الذين من قبلهم قوم نوح ...

کثرت جمعیت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۴ -

۱ - جبهه کفر ، متکی به جمعیت و اتحاد نیرو های خود برای مقابله با حق

أم يقولون نحن جميع منتصر

<جميع> خبر <نحن> است; یعنی، ما جماعتی هستیم که با حیثیت جمعی خویش پیروزمندیم.

کثرت جمعیت مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۶ - ۶،۷

۶ خداوند با عنایت ویژه خویش به مردم مدین ، در مدتی کوتاه جمعیت اندکشان را فزونی بخشید و از آنان امتی بزرگ ساخت .

و اذكروا إذ كنتم قليلا فكثركم

عطف <کثرکم> به وسیله <فاء> بر جمله قبل می رساند که زیاد کردن جمعیت مردم مدین در مدتی نسبتاً کوتاه انجام گرفته است و همین معنا بیانگر عنایت ویژه خداوند به آنان است.

۷ شعیب برای گرایش دادن مردم مدین به راه خدا ، عنایت خداوند در زیاد کردن جمعیت اندک آنان را یادآور شد .

و اذكروا إذ كنتم قليلا فكثركم

نعمت کثرت جمعیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۶ - ۷،۸

۷ شعیب برای گرایش دادن مردم مدین به راه خدا ، عنایت خداوند در زیاد کردن جمعیت اندک آنان را یادآور شد .

و اذكروا إذ كنتم قليلا فكثركم

۸ انبوهی جمعیت هر ملت از نعمت های الهی بر آنان است .

و اذكروا إذ كنتم قليلا فكثركم

نقش جمعیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۴ - ۴

۴- فراوانی پیروان و سابقه تاریخی یک اندیشه ، دلیل حقانیت آن نیست .

قالوا وجدنا ءاباءنا . .. أنتم و ءاباؤکم فی ضلل مبین

برداشت یاد شده از

آن جا به دست می آید که مردم بت پرست در پاسخ به اعتراض حضرت ابراهیم(ع)، مسأله سابقه تاریخی اندیشه بت پرستی و فزونی پیروان اندیشه شرک را مطرح کردند; ولی حضرت ابراهیم(ع) با گمراه خواندن آنان و اجدادشان چنین استدلالی را مردود دانست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۱ - ۴

۴ - افزون تر بودن تعداد ، نشان برتری قبیله ای بر قبایل دیگر در فرهنگ جاهلی

ألهیکم التکاثر

آیه بعد، در یکی از احتمالات آن ناظر به ماجرای تفاخر دو قبیله از قریش، با یکدیگر است تا آن جا که به شمارش مردگان و اثبات فزونی افراد خود پرداختند. ارتباط آن با <تکاثر> در این آیه، بیانگر برداشت یاد شده است.

نقش جمعیت در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۵ - ۶۸

۶ کثرت نفرات مسلمانان در جنگ حنین ، کارساز نبود .

و یوم حنین إذ أعجبتکم کثرتکم فلم تغن عنکم شیئاً

۸ کثرت نیرو های رزمی ، بدون امداد های الهی ، تضمین کننده پیروزی نیست .

إذ أعجبتکم کثرتکم فلم تغن عنکم شیئاً

نقش کثرت جمعیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۳ - ۲

۲- اموال و نفرات ، هیچ قدرت و تأثیری در جلوگیری از عذاب و کیفر الهی ندارند .

و هی خاویه علی عروشها . .. و لم تکن له فئه ینصرونه من دون اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۴ - ۱

۱ - جبهه کفر

، متکی به جمعیت و اتحاد نیرو های خود برای مقابله با حق

أم یقولون نحن جمیع منتصر

<جمیع> خبر <نحن> است; یعنی، ما جماعتی هستیم که با حیثیت جمعی خویش پیروزمندیم.

جن از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جن

آثار استراق سمع جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۹ - ۴

۴ - استراق سمع جن از آسمان ، موجب نابودی آنان خواهد شد .

فمن یستمع الأن یجد له شهابًا رصدًا

آثار ایمان جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۱۴

۱۴- ایمان گروهی از جنیان ، به مجرد شنیدن قرآن ، تعریضی به مشرکان لجوج و حق ستیز است . *

و إذ صرفنا إلیک نفرًا من الجنّ

با توجه به این که آیات پیشین، تماماً هشدار به مشرکان بود; این آیه نیز در بردارنده تعریض و سرزنش برای آنان است; زیرا جنیان پیغام قرآن را شنیده و پذیرفتند; ولی آنان چنین نکردند.

آثار پناه به جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۶ - ۴،۵،۶،۷

۴ - پناه بردن برخی از مردان در مشکلات و اضطراب ها به گروهی از مردان جن ، بر سفاهت و سبک سری جن می افزود .

فزادوهم رهقًا

<رَهَق> در معانی سفاهت، گناه و عمل زشت، کذب و ظلم به کار می رود; ولی به قرینه آیه ۴ همین سوره (و أنّه کان یقول سفیهنـا علی اللّه کـذباً) معنای اول مراد است . گفتنی است درباره ضـمیر فاعلی و ضـمیر <هم> در <فزادوهم>، دو احتمال هست: ۱ ضمیر فاعلی به رجال انس و ضمیر <هم>

به رجال جن باز گردد; ۲ عکس صورت اول. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

۵ - پناه بردن برخی از انسان ها به جن ، موجب افزایش گناه و زشت کاری جن بود .

فزادوهم رهقًا

معنای گناه و فعل قبیح، از معانی مشهور واژه <رَهَق> است که مفسران نیز بر آن تأکید دارند.

۶ - پناه بردن گروهی از مردان در مشکلات و اضطراب ها به برخی از مردان جن ، بر گناه و زشت کاری آن گروه می افزود .

فزادوهم رهقًا

برداشت یاد شده و بعدی، مبتنی بر این نکته است که ضمیر فاعلی <فزادوهم> به رجال جن و ضمیر <هم> به رجال انس بازگردد.

۷ - پناه بردن گروهی از مردان در مشکلات و اضطراب ها به برخی از مردان جن ، موجب فزونی سفاهت و سبک سری آن گروه می شد .

فزادوهم رهقًا

آثار ذکر عجز جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۴ - ۵

۵ - توجه به قدرت برتر خداوند و عجز و ناتوانی خلق ، بازدارنده آنان از کفر و تکذیب

لاتنفذون إلاّ بسلطن . فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

ارتباط دو آیه، نشانگر آن است که غفلت جن و آدمیان از قدرت خداوند، زمینه ساز تکذیب گری آنان است.

آثار ممنوعیت استراق سمع جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۰ - ۳،۴،۵

۳ - محرومیت جن از شناخت مقدّرات الهی ، درباره اهل زمین پس از ممنوعیت آنان از استراق سمع آسمان

و أنّا لاندرى أشرّ أَريد بمن فى الأرض أم أراد بهم ربّهم رشدًا

۴ - منوعيت جن

از استراق سمع آسمان ، در جهت خیر و صلاح اهل زمین است .

و أنّا لاندری أشرّ أُرید بمن فی الأرض أم أراد بهم ربّهم رشدًا

آیه دوم که گویای هدایت گری قرآن به سوی رشد و درستی است قرینه است براین که خداوند با نزول قرآن، خیر و صلاح بشر را اراده کرده و در این راستا جن را، از استراق سمع آسمان ممنوع ساخته است.

۵ - تردید جن پس از ممنوع شدن از استراق سمع آسمان ، در شناخت تقدیر الهی درباره اهل زمین و خیر و رشد بودن آفرینش آنها *

و أنّا لاندری أشرّ أُرید بمن فی الأرض أم أراد بهم ربّهم رشدًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که ممنوعیت جن از استراق سمع آسمان، ظرف زمان برای پیدایش این سؤال باشد که خداوند، برای چه منظوری اهل زمین را آفرید; نه این که به چه هدفی آنان از استراق سمع، ممنوع شدند؟

آسیب پذیری جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۵ - ۷

۷ - جن نیز همانند انسان ، آسیب پذیر از آتش و عوامل مادی

یرسل علیکما شواظ من نار و نحاس فلاتنتصران

ابلیس از جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۱۱

۱۱- ابلیس ، علی رغم حضور در میان فرشتگان ، موجودی از جنس و طائفه جن بود .

فسجدوا إلّا إبلیس کان من الجنّ

اخبار جنیان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٩ – جن – ٧٢ – ٧ – ٢

٢ – مؤمنان جن ،

دیگران را از انکار قیامت و رستاخیز از سوی برخی از انسان ها آگاه ساختند .

و أنّهم ظنّوا كما ظننتم أن لن يبعث اللّه أحدًا

اختیار جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۱۴

۱۴- < جن > ، موجودی دارای شعور و اختیار است .

كان من الجنّ ففسق عن أمر ربّه

تمرد و سرپیچی، نشانه انتخاب گری است و حق انتخاب گری، به موجودی قابل اعطا است که از قدرت تشخیص برخوردار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۳ - ۸

۸ - جن ، همانند انسان ، موجودی دارای شعور و اختیار و تکلیف و کیفر است .

لأملأنّ جهنّم من الجِنّه و الناس أجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۲ - ۱۶

۱۶ - جنّیان ، موجوداتی مختار و توانمند بر سرپیچی از فرمان خداوند

و من يزغ منهم عن أمرنا نذقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۲ - ۲

۲- ایمان و کفر جن ، به اختیار و انتخاب خود آنان و نه معلول جبر

و من لایجب داعی اللّه

از سیاق این آیات که در آن جنیان تشویق و تهدید شده اند و اجابت و عدم اجابت به خود آنان نسبت داده شده است مطلب بالا استفاده می شود.

اخلالگری جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۸ - ۲،۳

۲ - اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطینِ فسادانگیز و اخلال

گر جنی ، جلوه ای از اقتدار حکومت ممتاز سلیمان (ع)

و ءاخرین مقرّنین فی الأصفاد

اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطین در حکومت سلیمان(ع) در مقابل گروه دیگری که به خدمت گزاری مشغول بودند می تواند گویای این حقیقت باشد که این دسته اگر آزاد گذاشته می شدند، در حکومت سلیمان(ع) اخلال و فساد ایجاد می کردند.

۳ - گروهی از شیاطین جنی ، درصدد فسادانگیزی و اخلال گری در کار خیراند .

و ءاخرین مقرّنین فی الأصفاد

ادب جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۰ - ۶

۶ - رعایت ادب ، از سوی جن نسبت به خداوند

و أنّا لاندری أشرّ أُرید بمن فی الأرض أم أراد بهم ربّهم رشدًا

برداشت یاد شده، از آمدن فعل مجهول درباره شرّ و نسبت ندادن آن به خداوند از یک سو و نسبت دادن خیر به خداوند از سوی دیگر، به دست می آید.

ادراک جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۲،۴،۵

۲- جنیان ، قادر به شنیدن و درک کلمات انسان

و إذ صرفنا إلیک نفرًا من الجنّ یستمعون القرءان

استماع جنیان نسبت به قرآن، آنگونه که از ظاهر آیه استفاده می شود امری اعجازگونه نبوده و به شکل طبیعی صورت گرفته بود.

۴- جنیان ، همانند انسان نیازمند سکوت و آرامش برای درک مفاهیم

فلمّا حضروه قالوا أنصتوا

تعبیر <أنصـتوا> و فراخواندن به سکوت برای فهم بهتر و دقیق تر سخن است; هرچند تلاش برای فهم بهتر، خود احترام نهادن بر سخن و گوینده نیز می باشد.

۵- کلمات و مفاهیم

قرآن ، قابل فهم برای جنیان

یستمعون القرءان فلمّا حضروه قالوا أنصتوا

کلمات <یستمعون>، <أنصتوا> و <ولّوا . .. منذرین> نشانگر فهم و درک جنیان نسبت به مفاهیم قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۳ - ۴

۴ - جن ، همانند انسان ، بهره مند از نعمت های زمین و دارای درک و مسؤولیت

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

در صورتی که خطاب در آیه شریفه، متوجه جن و انس باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱ - ۵

۵ - قرآن ، قابل درک و فهم برای جن

إنّا سمعنا قرءانًا عجبًا

ادعای عفریت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۹ - ۴

۴ - تأکید عفریت بر قدرت و امانت خود در آوردن تخت بلقیس

و إنّی علیه لقویّ أمین

اراده جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۱۳

۱۳- جن ، همانند انسان ، دارای شعور و اراده و تکلیف

و إذ صرفنا إلیک نفرًا من الجنّ . .. ولّوا إلی قومهم منذرین

استماع قرآن، ایمان به آن و انذار دیگران، گویای مطلب بالا است.

ازدحام جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۹ - ۶

۶ - ازدحام جن در اطراف پیامبر (ص) ، برای مشاهده عبادت و نماز آن حضرت

کادوا یکونون علیه لبدًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که ضمایر <کادوا یکونون> به جن بازگردد.

اسارت جن

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۳۸ – ۱

۱ – اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطین جنی در حکومت سلیمان

و ءاخرین مقرّنین فی الأصفاد

<مقرّنین> اسم مفعول از <قَرَنَه> (آن را قرین و نزدیک دیگری ساخت) و به معنای گروه به هم بسته شده است. <صَفَدَ> (مفرد <أصفاد>) نیز به معنای قید و بند است.

استراق سمع جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۱۷ – ۶

۶- < عن موسی بن جعفر (ع) : . . . ان الجنّ کانوا یسترقون السمع قبل مبعثه فمنعت فی أوان رسالته بالرجوم . . . ;

از امام موسی بن جعفر روایت شده است: جنیان قبل از بعثت رسول خدا(ص) استراق سمع می کردند (اخبار آسمانها را گوش می دادند) و در اوایل رسالت آن حضرت، به وسیله پرتاب سنگهای ستارگان، از آن ممنوع شدند>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۸ – ۲

۲ – توانایی جن ، بر تماس با آسمان

و أنّا لمسنا السماء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۹ – ۱،۲

۱ – در کمین نشستن جن در آسمان برای استراق سمع ، پیش از نزول قرآن

و أنّا کنّا نقعد منها مقعد للسمع

۲ – آگاهی و دسترسی جن از اطلاعات و اخبار موجود در آسمان ، پیش از نزول قرآن

و أنّا کنّا نقعد منها مقعد للسمع

استراق سمع جنيان مؤمن

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۹ – جن – ۷۲

۱ – تلاش مؤمنان جن ، به منظور تماس با آسمان و دسترسی به اخبار آن

و أنّا لمسنا السماء

استعاذه از وسوسه جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ناس – ۱۱۴ – ۶ – ۷،۱۴

۷ – پناه بردن به خداوند از خطر وسوسه جنیان و انسان ها ، مایه مصونیت انسان در برابر آن

قل أعوذ بربّ الناس . .. من الجنّه و الناس

۱۴ – لزوم پناه بردن به خداوند از آثار وسوسه های جن و انس

قل أعوذ بربّ الناس . .. الذی یوسوس فی صدور الناس . من الجنّه و الناس

استعداد جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۲۹ – ۲

۲– جنیان ، قادر به شنیدن و درک کلمات انسان

و إذ صرفنا إلیک نفرًا من الجنّ یستمعون القرءان

استماع جنیان نسبت به قرآن، آنگونه که از ظاهر آیه استفاده می شود امری اعجازگونه نبوده و به شکل طبیعی صورت گرفته بود.

استماع قرآن جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۲۹ – ۱

۱- روی آوری گروهی از جنیان به تدبیر الهی ، برای استماع قرآن از پیامبر (ص)

و إذ صرفنا إلیک نفرًا من الجنّ یستمعون القرءان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱ - ۱،۲

۱ - گروهی از جن (سه تا هفت نفر یا سه تا ده نفر) ، به قرائت قرآن پیامبر (ص) گوش فرامی دادند .

قل أُوحی إلیّ أنّه استمع نفر من الجنّ

واژه <نفر> به

گروهی متشکل از سه تا ده نفر و بنابر نقلی سه تا هفت نفر از مردان اطلاق می شود. (مصباح المنیر)

۲ - پیامبر (ص) ، از راه وحی به استماع جن نسبت به قرآن آگاه شد .

قل أُوحی إلیّ أنّه استمع نفر من الجنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲ - ۷

۷ - اعتقاد جنیان استماع کننده قرآن ، به ربوبیت یگانه خدا و دوری آنان از شرکورزی به او

و لن نشرک بربّنا أحدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۳ - ۵

۵ - ایمان و اعتراف گروهی از جن ، به ربوبیت و یکتایی خداوند پس از شنیدن آیات قرآن

و أنّه تعلی جدّ ربّنا ما اتّخذ صحبه و لا ولدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۳ - ۱

۱ - برخی از افراد جن ، به مجرد شنیدن آیات هدایت بخش قرآن ، به آن ایمان آوردند .

و أنّا لمّا سمعنا الهدی ءامنّا به

مقصود از <الهدی> به قرینه آیه <قالوا إنّا سمعنا قرءاناً عجباً . یهدی إلی الرشد...> قرآن کریم است.

اضلال جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۱

۱ - برخی از جنیان ، در ذهن انسان ها افکار پلید القا کرده ، آنها را وسوسه می کنند .

من الجنّه و الناس

حرف <من> برای تبعیض است و بیان می کنـد که مراد از <الوسواس الخنّاس>، برخی از جنّیان و انسان ها است. <جِنّه> به

معنای گروه جن (مفردات) و <ناس> جمع انسان است.(تاج العروس)

اعلام آمادگی عفریت جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۳۹ – ۱

۱ – اعلام آمادگی عفریتی از جنیان ، برای حاضر ساختن تخت بلقیس ، پیش از برخاستن سلیمان از مسند خویش

قال عفریت من الجنّ أنا ءاتیک به قبل أن تقوم من مقامک

<مقام> اسم مکان از <قام بالأمر> است; یعنی، <قبل أن تقوم من مجلسك الذی تجلس فیه لأمر الحکومه>. گفته شده که سلیمان هر روز صبح تا ظهر برای انجام کارها و اداره امور مملکت بر مسند می نشست.

افتراهای جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۵ – ۵

۵ – دروغ گفتن برخی از انسان ها و جن درباره خداوند

و أنّا ظننّا أن لن تقول الإنس و الجنّ علی اللّه کذبًا

افساد جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۳۸ – ۲،۳

۲ – اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطینِ فسادانگیز و اخلال گر جنی ، جلوه ای از اقتدار حکومت ممتاز سلیمان (ع)

و ءاخرین مقرّنین فی الأصفاد

اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطین در حکومت سلیمان(ع) در مقابل گروه دیگری که به خدمت گزاری مشغول بودند می تواند گویای این حقیقت باشد که این دسته اگر آزاد گذاشته می شدند، در حکومت سلیمان(ع) اخلال و فساد ایجاد می کردند.

۳ - گروهی از شیاطین جنی ، درصدد فسادانگیزی و اخلال گری در کار خیراند .

و ءاخرین مقرّنین فی الأصفاد

اقرار جنیان مؤمن

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۴ - ۱

۱ - اعتراف ایمان آورندگان از جن ، به سفاهت و کم خردی مشرکانشان

و أنّه کان یقول سفیهنا علی اللّه شططًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۵ - ۲

۲ - آگاهی و اعتراف گروهی از جن ، به دروغ بودن شرک ، همسرگزینی و فرزندداری خداوند

و أنّا ظننّا أن لن تقول الإنس و الجنّ علی اللّه کذبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۲ - ۱،۲

۱ - اعتراف مؤمنان جن ، به ناتوانی جن از عاجز ساختن خداوند و حرکت در جهت خلاف مقررات الهی

و أنّا ظننّا أن لن نعجز اللّه فی الأرض

۲ - اعتراف مؤمنان جن ، به ناتوانی جن از فرار از سیطره الهی و ناتوان ساختن خداوند از دستیابی به آنان

و لن نعجزه هربًا

امانتداری عفریت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۹ - ۴

۴ - تأکید عفریت بر قدرت و امانت خود در آوردن تخت بلقیس

و إنّی علیه لقویّ أمین

انبیای جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۴ - ۱۰

۱۰- < عن أبی عبدالله (ع) : < قالوا أبعث الله بشراً رسولاً > قالوا : إن الجن کانوا فی الأرض قبلنا ، فبعث الله إلیهم ملکاً ، فلو أراد الله أن یبعث إلینا لبعث الله ملکاً من الملائکه ، و هو قول الله < و ما منع الناس

أن يؤمنوا إذ جائهم الهدی إلاّ أن قالوا أبعث الله بشراً رسولاً > ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: <قالوا أبعث الله بشراً رسولاً> آن ان (منکرین رسالت محمد(ص)) گفتند: همانا جنیان قبل از ما در زمین بودند. پس خداوند فرشته ای را به سوی آنان مبعوث کرد. پس اگر خداوند کسی را اراده کرده است به سوی ما بفرستد، پس باید فرشته ای از فرشتگان را می فرستاد و این سخن خداوند است که می فرماید: و ما منع الناس أن یؤمنوا إذ جائهم الهدی إلاّ أن قالوا أبعث الله بشراً رسولاً>.

انذارهای جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۷

۷- بازگشت جنیان مؤمن ، به سوی قومشان با پیام انذار و هدایت

ولّوا إلی قومهم منذرین

انقیاد جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۳ - ۱

۱ - جنّیان در خدمت سلیمان (ع) ، هر چه او می خواست انجام می دادند .

و من الجنّ من یعمل بین یدیه . .. یعملون له ما یشاء

انگیزه جن پرستی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۱ - ۳

۳- تحصیل عزت و اعتبار ، از انگیزه های مشرکان در پرستش معبود های خویش

واتّخذوا . .. لیکونوا لهم عزًّا

<عزّاً> مصدر است و می تواند در توصیف مفرد و جمع به کار رود. کلمه یاد شده در این آیه، یا به معنای اسم فاعل

<معزّین> است (یعنی پرستش معبودها به انگیزه عزت بخش بودن آنها صورت می گیرد) و

یا مراد مبالغه است (یعنی مشرکان معتقد بودند که معبودهایشان، عزّت مجسّم هستند و ارتباط با آنان زمینه ساز دریافت عزت است).

اهمیت ذکر عجز جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۴ - ۴

۴ - خداوند ، خواهان توجه خلق به قدرت مطلق او و عجز و ناتوانی خویش

إن استطعتم أن تنفذوا . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

ایمان جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۶

۶- پی بردن جنیان به حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، با استماع کلام وحی

فلمّا حضروه قالوا أنصتوا فلمّا قضی ولّوا إلی قومهم منذرین

تعبیر <ولّوا إلی. ..> نشان می دهد خود جنیان، انذارها را پذیرفتند و به آن ایمان آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۰ - ۴

۴- جامعه جن ، مؤمن به موسی (ع) و کتاب آسمانی او

إنّا سمعنا کتبًا أُنزل من بعد موسی مصدّقًا

انذارگران جن برای گرایش دادن قوم خویش به قرآن، تصدیق گری آن برای تورات را یادآور شده اند. این سخن در صورتی ثمربخش است که جامعه جن، به تورات معتقد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲ - ۴

۴ - ایمان گروهی از جن به قرآن ، در مرحله آغازین نزول

إنّا سمعنا قرءانًا عجبًا . یهدی إلی الرشد فامنّا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۳ - ۵

۵ - ایمان و اعتراف گروهی

از جن ، به ربوبیت و یکتایی خداوند پس از شنیدن آیات قرآن

و أنّه تعلی جدّ ربّنا ما اتّخذ صحبه و لا ولدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۳ - ۱

۱ - برخی از افراد جن ، به مجرد شنیدن آیات هدایت بخش قرآن ، به آن ایمان آوردند .

و أنّا لمّا سمعنا الهدی ءامنّا به

مقصود از <الهدی> به قرینه آیه <قالوا إنّا سمعنا قرءاناً عجباً . یهدی إلی الرشد...> قرآن کریم است.

بازگشت جن مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۷

۷- بازگشت جنیان مؤمن ، به سوی قومشان با پیام انذار و هدایت

ولّوا إلی قومهم منذرین

بشارتهای جن مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۵

۵- مبلغان مؤمن جن ، نوید دهنده قوم خویش به غفران الهی و رهایی از عذاب ، در پرتو ایمان

یقومنا . .. و ءامنوا به یغفر لکم من ذنوبکم و یجرکم من عذاب ألیم

بی پناهی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۲ - ۵

۵ – هیچ کس ، توانایی پناه دادن به انس و جن در برابر عذاب الهی را ندارد .

و لن أجد من دونه ملتحدًا

بی یاوری اخروی جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۳۵ – ۳

۳ – خلق ، ناتوان از یاری رسانی به یکدیگر و عاجز از عکس العمل دفاعی در مقابل سختی های

محشر

یرسل علیکما . .. فلاتنتصران

پاداش اخروی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۴

۴ - جن ، همانند انسان دارای مسؤولیت و کیفر و پاداش در آخرت

سنفرغ لکم أیّه الثقلان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۹ - ۳

۳ - حضور جن همچون آدمیان ، در صحنه قیامت برای حسابرسی و کیفر و پاداش

فیومئذ لایسل عن ذنبه إنس و لاجانّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۷ - ۵

۵ - جن ، همچون انسان ، دارای تکلیف و مورد بازخواست خدا و کیفر و پاداش در قیامت

و أنّهم ظنّوا کما ظننتم أن لن یبعث اللّه أحدًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مبعوث شدن انسان ها در قیامت، بیانگر کیفر و پاداش و حسابرسی آن است.

پدر جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۵ - ۴

۴ - < عن الحسین بن علی (ع) کان علی بن أبی طالب (ع) بالکوفه فی الجامع إذ قام إلیه رجل . . . و سأله عن اسم أبی

الجنّ فقال : شومان و هو الذی خلق من مارج من نار . . . ;

از امـام حسـین(ع) روایت شـده که حضـرت علی(ع) در جـامع کـوفه بـود که مردی برخـاست [و در ضـمن چنـد سـؤال از آن حضرت] از پدر جن سؤال کرد; حضرت فرمود: پدر جن <شومان> نام داشت [و فرمود:] هو

الذی خلق من مارج من نار. ..>.

پناه به جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۶ - ۱،۲،۳

۱ - برخی از مردان بنی آدم ، به گروهی از مردان جنی پناه می بردند .

و أنّه کان رجال من الإنس یعوذون برجال من الجنّ

۲ - در نگاه برخی از انسان ها ، گروهی از جن توانا بر حل مشکلات بشر و پناهگاهی امن در مواقع ترس و اضطراب

و أنّه کان رجال من الإنس یعوذون برجال من الجنّ

پناه بردن به کسی و جایی، در وقتی است که انسان با مشکلی سخت و مسائلی وحشتناك و اضطراب آور روبه رو شده باشد.

۳ - جنیان ، پناهگاهی امن در وقت اضطرار و کارساز برای حل مشکلات بشر نیستند .

و أنّه کان رجال من الإنس یعوذون برجال من الجنّ

برداشت یاد شده، با توجّه به این نکته است که مسأله پناه بردن انسان ها به جن، در ردیف کارهای باطل و بی حقیقتی قرار گرفته که به عنوان عمل سفیهانه محکوم شده است; مانند شریك و فرزند داشتن خدا و. .. .

تاریخ جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۴

۴- کفر و حق ناباوری ، دارای دیرینه در گذشته تاریخ جن و انس

حقّ علیهم القول فی أُمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

تاریخ خلقت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۲۷ – ۳

۳- جن قبل از خلقت انسان ، آفریده شده است .

و الجانّ خلقنه من قبل من نار

السموم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – كهف – ۱۸ – ۵۰ – ۱۵

۱۵– جن ، داراى پيشينه اى قديم تر از آفرينش آدميان است .

اسجدوا لأدم . .. إلاّ إبليس كان من الجنّ

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۸ – ذاريات – ۵۱ – ۵۶ – ۶

۶ – آفرينش جن ، قبل از آفرينش انسان ها *

و ما خلقت الجنّ و الإنس

برداشت ياد شده بدان احتمال است كه تقدم لفظى جن بر انس، دال بر تقدم خارجى باشد.

تبليغ جن مؤمن

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۳۰ – ۱،۲

۱– جنيان مؤمن ، در تلاش براى هدايت جامعه خود به سوى قرآن

قالوا يقومنا إنّا سمعنا كتبًا . .. يهدى إلى الحقّ

۲– جنيان انذارگر ، پيام آور نزول كتابى آسمانى پس از تورات ، براى قوم خويش

ولّوا . .. منذرين . قالوا يقومنا إنّا سمعنا كتبًا أُنزل من بعد موسى

تسخير جن

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۱۷ – ۸

۸ - قرار گرفتن جن در خدمت اهداف بشر

و حشر لسليمن جنوده من الجنّ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۹ - ۲

۲ - قدرت جنيان در خدمت حكومت سليمان و قواى سركش آنان تحت تسلّت وى

قال عفريت من الجنّ أنا ءاتيك به

واژه <عفريت> به معناى بد ذات و شرور است كه مستلزم طغيان و سركشى است. گاهى نيز به معناى قهرمان به كار مى رود. برداشت ياد شده بر پايه معناى اول است.

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۲ – ۱۸

۱۸ – امکان تسخیر جنّیان به وسیله انسان ها

و من الجنّ من یعمل بین یدیه بإذن ربّه

چنانچه <من یعمل> عطف به <الریح> باشد، مفید این معنا خواهد بود که جنیان به منظور کار کردن به تسخیر سلیمان(ع) درآمده بودند. بنابراین، استفاده می شود که امکان تسخیر جنّیان وجود دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۳۷ – ۸

۸ – شیاطین جنی ، موجوداتی قابل تسخیر برای بشر

فسخّرنا له . .. و الشیطین کلّ بنّاء و غوّاص

تسخیر جن برای سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۲ – ۹،۱۱

۹ – گروهی از جنیان ، مسخّر سلیمان (ع) و تحت اختیار او بودند .

و لسلیمن . .. و من الجنّ من یعمل بین یدیه بإذن ربّه

۱۱ – مسخّر و رام بودن جنّیان برای سلیمان (ع) ، از عطایای خدا به آن حضرت

و لقد ءاتینا فضلاً . .. و لسلیمن ... و من الجنّ من یعمل بین یدیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۳ – ۱،۲،۳

۱ – جنّیان در خدمت سلیمان (ع) ، هر چه او می خواست انجام می دادند .

و من الجنّ من یعمل بین یدیه . .. یعملون له ما یشاء

۲ - جنّیان برای سلیمان (ع) ، طبق خواست او قصرهایی می ساختند .

یعملون له ما یشاء من محریب

<محاریب> جمع <محراب> (از ریشه <حرب>) است

و آن به جایی گفته می شود که محل جنگ با دشمن است. این واژه، به قصرهایی اطلاق می شده که بر بالای آنها، جایگاه مخصوصی برای دفاع ساخته می شده است.

۳ - جنّیان برای سلیمان (ع) طبق خواست او محل هایی برای عبادت بنا می کردند .

یعملون له ما یشاء من محاریب

<محراب> (جمع <محاریب>) به معنای مسجد آمده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۴ - ۴

۴ - گروهی از جنیان ، همواره در خدمت و پیشگاه سلیمان (ع) بودند .

فی العذاب المهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۷ - ۴

۴ - تسخیر شیاطین جنی و به کارگیری آنها ، از خصوصیات حکومت ممتاز سلیمان (ع)

هب لی ملکًا . .. فسخّرنا له ... الشیطین کلّ بنّاء و غوّاص

تشابه انسان با جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۶

۶- جن ، موجودی دارای شعور ، تکلیف ، مرگ و معاد ، همانند انسان

حقّ علیهم القول فی أُمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

قرار گرفتن <جن> در کنار <انس>، به عنوان امت هایی که برخی از آنان مشمول کیفر حتمی الهی شده اند، می رساند که: اولاً جن مانند انسان دارای شعور و تکلیف است; زیرا بدون آن کیفر معنا ندارد و ثانیاً آنان نیز دارای مرگ و معاداند; زیرا برای انکار معاد، کیفر شده اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف

- ۴۶ - ۱۹ - ۱۴

۱۴- جنیان نیز همانند انسان ها ، دارای درجات اخروی و دریافت کننده نتایج اعمالشان در قیامت

أُمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس . .. و لكلّ درجت ممّا عملوا

تشابه جن با انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۴،۱۱،۱۳

۴- جنیان ، همانند انسان نیازمند سکوت و آرامش برای درک مفاهیم

فلمّا حضروه قالوا أنصتوا

تعبیر <أنصتوا> و فراخواندن به سکوت برای فهم بهتر و دقیق تر سخن است; هرچند تلاش برای فهم بهتر، خود احترام نهادن بر سخن و گوینده نیز می باشد.

۱۱- جنیان ، همانند آدمیان ، گرفتار گمراهی و گناه و نیازمند هدایت گران و بیم دهندگان

ولّوا إلی قومهم منذرین

<منذرین>، در جایی معنا دارد که گناه و انحرافی وجود داشته و یا زمینه آن فراهم باشد.

۱۳- جن ، همانند انسان ، دارای شعور و اراده و تکلیف

و إذ صرفنا إلیک نفرًا من الجنّ . .. ولّوا إلی قومهم منذرین

استماع قرآن، ایمان به آن و انذار دیگران، گویای مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۹،۱۳

۹- جنیان ، نیازمند غفران الهی ، همانند آدمیان

و ءامنوا به یغفر لکم من ذنوبکم و یجرکم من عذاب ألیم

وعده غفران، نشانگر نیاز است; چه این که اگر نیازی در کار نباشد، نوید تحقق نمی یابد.

۱۳- وجود کیفر کردار برای جن ، همانند آدمیان

قالوا یقومنا . .. ءامنوا به یغفر لکم من ذنوبکم و یجرکم من عذاب ألیم

از تعبیر <یجرکم. ..>، استفاده می شود که اگر غفران و پناه الهی

نباشد، گناه آنان نیز همانند آدمیان دارای کیفری سخت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۰ - ۳

۳ - جنیان ، همانند انسان در زمین سکونت دارند .

و الأرض وضعها للأنام

در صورتی که <أنام> به معنای جن و انس باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۳ - ۴،۵

۴ - جن ، همانند انسان ، بهره مند از نعمت های زمین و دارای درک و مسؤولیت

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

در صورتی که خطاب در آیه شریفه، متوجه جن و انس باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

۵ - وجود عناصری کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

در صورتی که آیه شریفه خطاب به جن و انس باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۸ - ۵

۵ - جن همانند انسان ، برخوردار از نعمت چرخش منظم خورشید *

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

بنابراین که مخاطب <ربّکما> انسان و جن باشند، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۲۱ – ۵

۵ – جن همانند انسان ، برخوردار از نعمت ها و موهبت های زمین و دارای درک و مسؤولیت

فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۲۳ – ۵

۵ – جن ، همانند انسان بهره مند از مظاهر زیبای طبیعت و دارای درک و

مسؤولیت

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

در صورتی که خطاب در آیه شریفه متوجه جن و انس باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۵ - ۶

۶ - جن همانند انسان ، بهره مند از نعمت های زمین و دارای درک و مسؤولیت

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

استفهام در <فبأی ءالآء> توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۴،۶

۴ - جن ، همانند انسان دارای مسؤولیت و کیفر و پاداش در آخرت

سنفرغ لکم أیّه الثقلان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

۶ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۴ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۵ - ۷

۷ - جن نیز همانند انسان ، آسیب پذیر از آتش و عوامل مادی

یرسل علیکما شواظ من نار و نحاس فلاتنتصران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۶ - ۵

۵ وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۸ - ۱

۱ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر ، در میان جن همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۴۰ – ۲

۲ – وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۴۲ – ۱

۱ – وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۴۵ – ۱

۱ – وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان>، به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۴۷ – ۲

۲ – وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۴۹ – ۲

۲ – وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۵۱ – ۲

۲ – وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۵۳ – ۳

۳ – وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۵ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۶ - ۱۰

۱۰ - جن همانند آدمیان ، دارای غریزه و روابط جنسی

لم یطمثهنّ إنس قبلهم و لاجانّ

برداشت بالاـ با توجه به این نکته است که اولاًـ مخاطب آیات، <جن و انس> می باشند و ثانیاً <لم یطمثهنّ. ..جانّ> می رساند که جنیان نیز زمینه روابط جنسی را دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۷ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۸ - ۴

۴ - علاقه و گرایش به زنان زیبا ، امری فطری و اصیل در نهاد بشر و جن

فیهنّ قصرت الطرف . .. کأنّهنّ الیاقوت و المرجان

از این که خداوند، به عنوان نویدی بزرگ به خلق، بشارت همسران زیبا و جذاب را می دهد، استفاده می شود که تمایل به آنان، امری طبیعی و اصیل در نهاد انسان و جن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۹ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۱ - ۲

۲ - وجود عناصر

کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۳ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۵ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۷ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۹ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیبگر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۱ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۳ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۴ - ۵

۵ - جن همانند آدمیان ، دارای غریزه و روابط جنسی

لم یطمثهنّ إنس قبلهم و لاجانّ

برداشت یاد شده، با توجه به دو نکته زیر است: الف) مخاطب آیات شریفه،

جن و انس می باشند ب) <لم یطمثهنّ. .. و لاجانّ> می رساند که جنیان نیز برخوردار از زمینه روابط جنسی اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۷۵ – ۴

۴ – وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۷۷ – ۲

۲ – وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۷ – ۵

۵ – جن ، همچون انسان ، دارای تکلیف و مورد بازخواست خدا و کیفر و پاداش در قیامت

و أنّهم ظنّوا کما ظننتم أن لن یبعث اللّه أحدًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مبعوث شدن انسان ها در قیامت، بیانگر کیفر و پاداش و حسابرسی آن است.

تشبیه به جن زده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۷۱ – ۱۴

۱۴ مرتد مانند جن زده است که روی زمین بی هدف و سرگردان راه می پیماید.

و نرد علی اعقابنا . .. کالذی استهوته الشیطین فی الأرض حیران

تفاوت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۹ - ۶

۶ - تفاوت جنیان در قوت و ضعف

قال عفريت من الجنّ . .. و إنّی علیه لقویّ أمین

از این که تنها یکی از جنیان اعلام آمادگی کرده است، استفاده می شود که همه آنان

قادر به انجام چنان کاری نبوده اند.

تکامل جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۵۶ – ۷

۷ – پرستش خداوند ، عالی ترین مرتبه تکامل جن و انس

و ما خلقت . .. إلّا لیعبدون

<لام> در <لیعبدون> برای بیان غایت است. با توجه به این که افعال الهی و اهداف او، گزاف نیست و کمال را به دنبال دارد، مطلب بالا استفاده می شود.

تکذیبگری جن کافر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۷ – ۱

۱ – گروهی از جن ، منکر قیامت و رستاخیزاند .

و أنّهم ظنّوا کما ظننتم أن لن یبعث اللّه أحدًا

تکلیف جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۱۳ – ۸

۸ – جن ، همانند انسان ، موجودی دارای شعور و اختیار و تکلیف و کیفر است .

لأملأنّ جهنّم من الجِنّه و الناس أجمعین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۲ – ۱۴،۱۵

۱۴ – در خدمت سلیمان (ع) بودن گروهی از جنّیان ، براساس تکلیف الهی بود .

و من الجنّ من یعمل بین یدیه . .. و من یزغ منهم عن أمرنا نذقه

از تهدید به عذاب جنّیان در خدمت سلیمان(ع)، استفاده می شود که آنان موظف به انجام چنین کاری بوده اند.

۱۵ – جنّیان ، موجوداتی مکلف به انجام تکلیف از سوی خداوند

و من الجنّ من یعمل بین یدیه . .. و من یزغ منهم عن أمرنا نذقه من عذاب السعیر

جلد – نام سوره – سوره

- آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۵۸ – ۸

۸ – جن ، موجودی مکلف و مسؤول در برابر عقاید و رفتار خود

و لقد علمت الجنّه إنّهم لمحضرون

احضار شدن جن برای حسابرسی در روز رستاخیز، بیانگر مکلف و مسؤول بودن او است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۲۵ – ۱۴

۱۴ – جنیان ، مکلف به تکالیف الهی و مستحق کیفر در صورت کفر و حق ستیزی

و حقّ علیهم القول فی أمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۸ – ۶

۶– جن ، موجودی دارای شعور ، تکلیف ، مرگ و معاد ، همانند انسان

حقّ علیهم القول فی أُمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

قرار گرفتن <جن> در کنار <انس>، به عنوان امت هایی که برخی از آنان مشمول کیفر حتمی الهی شده اند، می رساند که: اولاً جن مانند انسان دارای شعور و تکلیف است; زیرا بدون آن کیفر معنا ندارد و ثانیاً آنان نیز دارای مرگ و معاداند; زیرا برای انکار معاد، کیفر شده اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۲۹ – ۱۳

۱۳– جن ، همانند انسان ، دارای شعور و اراده و تکلیف

و إذ صرفنا إلیک نفرًا من الجنّ . .. ولّوا إلی قومهم منذرین

استماع قرآن، ایمان به آن و انذار دیگران، گویای مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۱۳

۱۳- وجود کیفر

کردار برای جن ، همانند آدمیان

قالوا یقومنا . .. ءامنوا به یغفر لکم من ذنوبکم و یجرکم من عذاب أليم

از تعبیر <یجرکم. ..>، استفاده می شود که اگر غفران و پناه الهی نباشد، گناه آنان نیز همانند آدمیان دارای کیفری سخت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۶ - ۳

۳ - جن ، موجودی شعورمند و دارای تکلیف ، همچون انسان

و ما خلقت الجنّ و الإنس إلّا ليعبدون

از این که <جن> در کنار <انس> قرار گرفته و هدفی همسان برایشان در نظرگرفته شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۱ - ۲،۴

۲ - جن و انس ، هر دو دارای مسؤولیت و حسابرسی در قیامت

سنفرغ لکم أيّه الثقلان

۴ - ارجمندی و مرتبت جن و انس ، به عنوان دو موجود شعورمند و مسؤول در نظام جهان

سنفرغ لکم أيّه الثقلان

ممکن است وصف <ثقلان> (دو موجود وزین و گران سنگ) از آن جهت به جن و انس اطلاق شده باشد که در پرتو شعور و مسؤولیتشان، مورد حسابرسی خداوند قرار می گیرند وشایستگی آن را دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۴

۴ - جن ، همانند انسان دارای مسؤولیت و کیفر و پاداش در آخرت

سنفرغ لکم أيّه الثقلان . فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۳۹ – ۴

۴ – جن نیز همچون آدمیان ، مکلف و مسؤول است .

فیومئذ لایسل

عن ذنبه إنس و لاجانّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۷ – ۵

۵ – جن ، همچون انسان ، دارای تکلیف و مورد بازخواست خدا و کیفر و پاداش در قیامت

و أنّهم ظنّوا کما ظننتم أن لن یبعث اللّه أحدًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مبعوث شدن انسان ها در قیامت، بیانگر کیفر و پاداش و حسابرسی آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۱۳ – ۸

۸ – جن ، موجودی مکلف و مسؤول و مورد مجازات الهی در آخرت

و أنّا لمّا سمعنا الهدی ءامنّا به . .. فلایخاف بخسًا و لا رهقًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۱۴ – ۲

۲ – جن ، وظیفه دار ایمان به قرآن و تسلیم در برابر تعالیم آن

و أنّا منّا المسلمون

تمایلات جنسی جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۵۶ – ۱۰

۱۰ – جن همانند آدمیان ، دارای غریزه و روابط جنسی

لم یطمثهنّ إنس قبلهم و لاجانّ

برداشت بالاـ بـا توجه به این نکته است که اولاًـ مخـاطب آیـات، <جن و انس> می باشـند و ثانیـاً <لم یطمثهنّ. ..جانّ> می

رساند که جنیان نیز زمینه روابط جنسی را دارند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۷۴ – ۵

۵ – جن همانند آدمیان ، دارای غریزه و روابط جنسی

لم یطمثهنّ إنس قبلهم و لاجانّ

برداشت یاد شده، با توجه به دو نکته زیر

است: الف) مخاطب آيات شريفه، جن و انس مى باشند ب) <لم يطمثهنّ. .. و لاجانّ> مى رساند كه جنيان نيز برخوردار از زمينه روابط جنسى اند.

تنوع عقيده جن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۱ - ۵

۵ - جن پيش از نزول قرآن ، داراى مسلك ها و عقايد گوناگون

كنّا طرائق قددًا

<طرائق> (جمع <طريقه>) به معناى راه و <قِدَد> (جمع <قِد>) به معناى بريده شده است.

توليد مثل جن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۰ - ۲۷

۲۷- شياطين و جن ها ، داراى ذريه و زاد و ولدند .

كان من الجنّ . .. أفتتّخذونه و ذرّيّته أولياء من دونى

تهمت جن زدگى به نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۹ - ۹

۹ - قوم نوح ، آن حضرت را به جنون و آسيب ديدگى از سوى جن متهم مى كردند .

و قالوا مجنون و ازدجر

مفسران، عبارت <و ازدجر> را به معناى <ازدجره الجنّ> (جن ايشان را آزار رسانده است) گرفته اند.

جسمانيت جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۱۵ – ۲

۲ – جن ، موجودی جسمانی است .

و خلق الجانّ من مارج من نار

جن از آتش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۲۷ – ۱،۶،۷،۸

۱– خداوند ، جنیان را از آتش دارای باد های سوزان آفرید .

و الجانّ خلقه من قبل من نار السموم

<سموم> در لغت به معنای باد

سوزان است.

۶- خلقت جن از آتش ، از آیات خداوند است .

و الجانّ خلقنه من قبل من نار السموم

۷- < عن النبی (ص) قال : . . . هـذه النـار جزء من سـبعین جزءاً من نـار السـموم التی خلق منها الجانّ و تلا هـذه الأیه : < و الجانّ خلقناه من قبل من نار السموم > ;

از رسول اکرم(ص) روایت شده است که فرمود: این آتش (دنیا در حرارت و تأثیر) یک هفتادم از آتش سمومی است که جن از آن آفریده شده است و [رسول خدا(ص)]این آیه را تلاوت فرمود: و الجانّ خلقناه من قبل من نار السموم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۵ - ۱،۳

۱ - جن ، آفریده شده به اراده الهی ، از شعله های خالص و بدون دود آتش

و خلق الجانّ من مارج من نار

<مارج>، به معنای آتش خالص بدون دود است (قاموس المحیط).

۳ - آفرینش انسان و جن ، دو موجود شعورمند ، از دو عنصر کاملاً متفاوت (خاک و آتش) ، نمود قدرت خداوند

خلق الإنسن من . .. و خلق الجانّ من مارج من نار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۶ - ۱،۲،۳

۱ - جلوه های ربوبیت الهی در آفرینش انسان از < خاک > و جن از < آتش > ، غیر قابل انکار و تکذیب ناپذیر است .

خلق الإنسن . .. و خلق الجانّ ... فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

۲ - تبدیل گلی خشکیده به موجودی چون < انسان > و شعله آتش به موجود

زنده ای چون < جن > ، نمود ربوبیت یگانه خداوند

خلق الإنسن من صلصل كالفخار. .. فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

۳ - پیدایش خصلت های ویژه انسانی از مشتی خاک و پیدایش موجود زنده دارای درک و شعورمندی چون جن از شعله آتش ، نعمت هایی شایان تأمل و قدرشناسی *

خلق الإنسن من صلصل . .. فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جن اغواگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۹ - ۴

۴ - گروهی از جنیان ، همانند گروهی از انسان ها ، موجوداتی اغواگر و گمراه کننده اند .

أضلّانا من الجنّ و الإنس

جن بعد از نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۱ - ۲،۶

۲ - دو دسته شدن جن ، پس از نزول قرآن : برخی صالح و نیک کردار و برخی غیر آنان

و أنّا منّا الصلحون و منّا دون ذلك

۶ - مؤمنان جن ، پس از نزول قرآن و ایمان آوردن به آن ، به چند فرقه مذهبی تقسیم شده و به مسلک های گوناگون روی آوردند .

كنّا طرائق قددًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۴ - ۱

۱ - دو دسته شدن جن ، پس از نزول قرآن : مسلمان هدایت یافته و کافران ظالم و منحرف از مسیر حق

و أنّا لمّا سمعنا الهدی ءامنّا به . .. و أنّا منّا المسلمون و منّا القسطون

<قَسْط> (مصدر <قاسطون>)، به معنای جور است. (مقاییس اللغه)

جن پرستی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ

- ۳۴ - ۴۱ - ۶،۷

۶ - گواهی ملائکه در قیامت ، به این که مشرکان جن پرست بوده اند .

و یوم یحشرهم . .. یقول للملئکه ... قالوا ... بل کانوا یعبدون الجنّ

۷ - اخبار ملائکه در قیامت به این که بیشتر مشرکان ، به جن ایمان داشته اند .

و یوم یحشرهم . .. یقول للملئکه أهؤلاء إیّاکم کانوا یعبدون . قالوا ... بل کانوا

جن در حکومت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۹ - ۲

۲ - قدرت جنیان در خدمت حکومت سلیمان و قوای سرکش آنان تحت تسلّت وی

قال عفریت من الجنّ أنا ءاتیک به

واژه <عفریت> به معنای بد ذات و شرور است که مستلزم طغیان و سرکشی است. گاهی نیز به معنای قهرمان به کار می رود. برداشت یاد شده بر پایه معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۷ - ۵

۵ - شیاطین جنی ، در خدمت آبادانی قلمرو حکومت سلیمان (ع) بودند .

و الشیطین کلّ بنّاء و غوّاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۸ - ۱،۲

۱ - اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطین جنی در حکومت سلیمان

و ءاخرین مقرّنین فی الأصفاد

<مقرّنین> اسم مفعول از <قَرَنَه> (آن را قرین و نزدیک دیگری ساخت) و به معنای گروه به هم بسته شده است. <صَفَدَ> (مفرد <أصفاد>) نیز به معنای قید و بند است.

۲ – اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطینِ فسادانگیز و اخلال گر جنی ، جلوه

ای از اقتدار حکومت ممتاز سلیمان (ع)

و ءاخرین مقرّنین فی الأصفاد

اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطین در حکومت سلیمان(ع) در مقابل گروه دیگری که به خدمت گزاری مشغول بودند می تواند گویای این حقیقت باشد که این دسته اگر آزاد گذاشته می شدند، در حکومت سلیمان(ع) اخلال و فساد ایجاد می کردند.

جن در زمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۳۲ – ۳

۳- زمین ، قرارگاه اصلی جن *

و من لایجب داعی اللّه فلیس بمعجز فی الأرض

تصریح به <فی الأرض> می تواند اشاره به مطلب بالا داشته باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۱۰ – ۳

۳ – جنیان ، همانند انسان در زمین سکونت دارند .

و الأرض وضعها للأنام

در صورتی که <أنام> به معنای جن و انس باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جن در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۳۹ – ۳

۳ – حضور جن همچون آدمیان ، در صحنه قیامت برای حسابرسی و کیفر و پاداش

فیومئذ لایسل عن ذنبه إنس و لاجانّ

جن زدگی مرتد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۱ - ۱۴

۱۴ مرتد مانند جن زده است که روی زمین بی هدف و سر گردان راه می پیماید.

و نرد علی اعقابنا . .. کالذی استهوته الشیطین فی الأرض حیران

جن عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۸

۸- وجود

افرادی گنه کار و عصیانگر ، در میان جنیان

یغفر لکم من ذنوبکم

جن قبل از نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۳ - ۶

۶ - جنیان ، پیش از نزول قرآن و بعثت پیامبراسلام ، معتقد به شرک و وجود همسر و فرزند برای خداوند

و أنّه تعلی جدّ ربّنا ما اتّخذ صحبه و لا ولدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۵ - ۳

۳ - جن ، پیش از نزول قرآن ، از دروغ و ساختگی بودن شرک ، همسرگزینی و فرزندداری خداوند آگاه نبودند .

إنّا سمعنا قرءانًا عجبًا . .. و أنّا ظننّا أن لن تقول الإنس و الجنّ علی اللّه کذ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۹ - ۱،۲

۱ - در کمین نشستن جن در آسمان برای استراق سمع ، پیش از نزول قرآن

و أنّا کنّا نقعد منها مقعد للسمع

۲ - آگاهی و دسترسی جن از اطلاعات و اخبار موجود در آسمان ، پیش از نزول قرآن

و أنّا کنّا نقعد منها مقعد للسمع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۱ - ۱،۵

۱ - دو دسته بودن جنیان ، پیش از نزول قرآن : ۱ افراد خوش طینت و متمایل به خیر و صلاح ; ۲ افراد بدسرشت و متمایل به

شرّ و فساد .

و أنّا منّا الصلحون و منّا دون ذلك

درباره این که آیه شریفه، بازگو کننده وضعیت جن پیش از نزول قرآن و استماع آنان است و

یا پس از آن، میان مفسران اختلاف هست. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است. بنابراین احتمال، مقصود از صلاح، صلاح در ایمان و تقوا نیست; بلکه مراد صلاح از لحاظ طینت و تمایل به خیر و صلاح است.

۵ - جن پیش از نزول قرآن ، دارای مسلک ها و عقاید گوناگون

کنّا طرائق قددًا

<طرائق> (جمع <طریقه>) به معنای راه و <قِدَد> (جمع <قِد>) به معنای بریده شده است.

جن کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ - جنیان ، مکلف به تکالیف الهی و مستحق کیفر در صورت کفر و حق ستیزی

و حقّ علیهم القول فی أمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

جن گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۸

۸- وجود افرادی گنه کار و عصیانگر ، در میان جنیان

یغفر لکم من ذنوبکم

جن منذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۰ - ۲

۲- جنیان انذارگر ، پیام آور نزول کتابی آسمانی پس از تورات ، برای قوم خویش

ولّوا . .. منذرین . قالوا یقومنا إنّا سمعنا کتبًا أُنزل من بعد موسی

جن و عبادت محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۱۹ – ۶

۶ – ازدحام جن در اطراف پیامبر (ص) ، برای مشاهده عبادت و نماز آن حضرت

کادوا یکونون علیه لبدًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که ضمایر <کادوا یکونون> به جن بازگردد.

جن و نماز محمد(ص)

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۹ - ۶

۶ - ازدحام جن در اطراف پیامبر (ص) ، برای مشاهده عبادت و نماز آن حضرت

کادوا یکونون علیه لبدًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که ضمایر <کادوا یکونون> به جن بازگردد.

جنس جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۷ - ۵

۵- جن ، موجودی مادی است .

و الجانّ خلقنه من قبل من نار السموم

جنسیت در جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱ - ۷

۷ - جن ، متشکل از مردان و زنان

استمع نفر من الجنّ

برداشت یاد شده، با توجه به معنای <نفر> (گروهی از مردان متشکل از سه تا ده نفر) می باشد; زیرا لازمه وجود مردان در هر دسته و نوعی از موجودات، وجود زنان در میان آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۶ - ۸

۸ - جن ، موجودی متشکل از دو جنس مرد و زن

كان رجال من الإنس يعوذون برجال من الجنّ

جنیان حق ناپذیر در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۵ - ۴

۴ - ظالمان و حق ناپذیران جن ، همچون انسان ها ، به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد .

و أمّا القسطون فكانوا لجهنّم حطبًا

جنیان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۳ - ۱۴،۶،۵

۵ - وعده خداوند به انباشتن دوزخ

از مجرمان جِنّی و اِنْسی ، وعده ای حق و تخلف ناپذیر است .

و لکن حقّ القول منّی لأملأنّ جهنّم من الجِنّه و الناس أجمعین

۶ – سوگند خداوند به انباشتن جهنم از مجرمان جنّی و انسی

و لکن حقّ القول منّی لأملأنّ جهنّم من الجِنّه و الناس

لام در <لأملأنّ> برای قسم است و حکایت ازآن دارد که <القول> در فراز قبلی، سوگند است.

۱۴ – همه مجرمان جنّی و انسی ، در جهنم گرد می آیند .

لأملأنّ جهنّم من الجِنّه و الناس أجمعین

قید <أجمعین> به قرینه این که کسانی وجود دارند که به جهنم نخواهد رفت، عموم افرادی نیست، بلکه مفید عموم در نوع است. لازم به ذکر است که <ال> در <الجِنّه> و <الناس> عهد بوده و اشاره به افرادی خاص که همانا مجرمان اند دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۷۹ – ۱

۱ جهنم ، فرجام بسیاری از انسان ها و جنیان

و لقد ذرأنا لجهنم کثیراً من الجن و الإنس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱۹ – ۷،۸،۱۰

۷ خداوند ، دوزخ را از جنیان و انسان ها پر خواهد کرد .

لأملأنّ جهنم من الجنه والناس أجمعین

۸ پر کردن جهنم از انسان ها و جنیان ، حقیقتی که خداوند از پیش بیان داشته بود .

تمت کلمه ربک لأملأنّ جهنم من الجنه والناس

<تمت>; یعنی، به طور کامل و بدون هیچ نقصی تحقق یافت. مفسران برآنند که مقصود از <کلمه ربک> که با جمله <لأملأنّ ...> تفسیر شده است همان سخنی است که خداوند در

داستان آدم و ابلیس فرمود: <فالحق والحق أقول. لأملأنّ جهنم منك و ممن تبعك منهم أجمعين>; حق این است و من جز حق نمی گویم که جهنم را از تو و از همه کسانی که از تو پیروی می کنند پر خواهم کرد. سوره ص، آیه ۸۴ و ۸۵>.

۱۰ دوزخی شدن جن و انس به سبب اختلاف در دین ، گـواه راستی و درستی سخن خداونـد (جهنم را از جن و انس پر خواهم کرد) است .

و لایزالون مختلفین . .. و تمت کلمه ربک لأملأنّ جهنم

سخن از تحقق یافتن فرموده خداونـد (تمت کلمه ربک . ..) پس از بیان اختلافهای مردم و پوشیده شدن حق بر آنان، گویای این نکته است که: همان اختلافها که مخفی مانـدن حق را در پی داشت موجب دوزخی شـدن انسانها و جنیان شـده و حقانیت کلمه خدا (لأملأنّ ...) را به طور کامل محقق ساخت.

جنیان در دوران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲ - ۴

۴ - ایمان گروهی از جن به قرآن ، در مرحله آغازین نزول

إنّا سمعنا قرءانًا عجبًا . یهدی إلی الرشد فامنّا به

جنیان زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱ - ۷

۷ - جن ، متشکل از مردان و زنان

استمع نفر من الجنّ

برداشت یاد شـده، با توجه به معنای <نفر> (گروهی از مردان متشکل از سه تا ده نفر) می باشد; زیرا لازمه وجود مردان در هر دسته و نوعی از موجودات، وجود زنان در میان آنان

است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۶ – ۸

۸ – جن ، موجودی متشکل از دو جنس مرد و زن

کان رجال من الإنس یعوذون برجال من الجنّ

جنیان صالح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۱۱ – ۱،۲،۳

۱ – دو دسته بودن جنیان ، پیش از نزول قرآن : ۱ افراد خوش طینت و متمایل به خیر و صلاح ; ۲ افراد بدسرشت و متمایل به شرّ و فساد .

و أنّا منّا الصلحون و منّا دون ذلک

درباره این که آیه شریفه، بازگو کننده وضعیت جن پیش از نزول قرآن و استماع آنان است و یا پس از آن، میان مفسران اختلاف هست. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است. بنابراین احتمال، مقصود از صلاح، صلاح در ایمان و تقوا نیست; بلکه مراد صلاح از لحاظ طینت و تمایل به خیر و صلاح است.

۲ – دو دسته شدن جن ، پس از نزول قرآن : برخی صالح و نیک کردار و برخی غیر آنان

و أنّا منّا الصلحون و منّا دون ذلک

۳ – از دیدگاه مؤمنان جن ، برخی از آنان صالح و نیک کردار کامل اند و برخی دیگر ضعیف و در رتبه پایین تر از صالحان قرار دارند .

و أنّا منّا الصلحون و منّا دون ذلک

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <دون> به معنای <تحت> باشد.

جنیان ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۴ - ۱

۱ - دو دسته شدن جن ، پس از نزول

قرآن : مسلمان هدایت یافته و کافران ظالم و منحرف از مسیر حق

و أنّا لمّا سمعنا الهدی ءامنّا به . .. و أنّا منّا المسلمون و منّا القسطون

<قَسْط> (مصدر <قاسطون>)، به معنای جور است. (مقاییس اللغه)

جنیان ظالم در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۵ - ۴

۴ - ظالمان و حق ناپذیران جن ، همچون انسان ها ، به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد .

و أمّا القسطون فکانوا لجهنّم حطبًا

جنیان غیر صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۱ - ۱،۲،۳

۱ - دو دسته بودن جنیان ، پیش از نزول قرآن : ۱ افراد خوش طینت و متمایل به خیر و صلاح ; ۲ افراد بدسرشت و متمایل به شرّ و فساد .

و أنّا منّا الصلحون و منّا دون ذلک

درباره این که آیه شریفه، بازگو کننده وضعیت جن پیش از نزول قرآن و استماع آنان است و یا پس از آن، میان مفسران اختلاف هست. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است. بنابراین احتمال، مقصود از صلاح، صلاح در ایمان و تقوا نیست; بلکه مراد صلاح از لحاظ طینت و تمایل به خیر و صلاح است.

۲ - دو دسته شدن جن ، پس از نزول قرآن : برخی صالح و نیک کردار و برخی غیر آنان

و أنّا منّا الصلحون و منّا دون ذلک

۳ - از دیدگاه مؤمنان جن ، برخی از آنان صالح و نیک کردار کامل اند و برخی دیگر ضعیف و در رتبه پایین تر از صالحان قرار دارند .

و أنّا منّا الصلحون

و منّا دون ذلك

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <دون> به معنای <تحت> باشد.

جنیان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۳ - ۵

۵ - وجود عناصری کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

در صورتی که آیه شریفه خطاب به جن و انس باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۶

۶ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۴ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۶ - ۵

۵ وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۸ - ۱

۱ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر ، در میان جن همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۰ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۲ - ۱

۱ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر

در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۴۵ – ۱

۱ – وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان>، به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۴۷ – ۲

۲ – وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۴۹ – ۲

۲ – وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۵۱ – ۲

۲ – وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۳ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأيّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۵ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأيّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۷ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و

تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۵۹ – ۲

۲ – وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶۱ – ۲

۲ – وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶۳ – ۲

۲ – وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶۵ – ۳

۳ – وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶۷ – ۳

۳ – وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶۹ – ۳

۳ – وجود عناصر کافر و تکذیبگر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۷۱ – ۳

۳ – وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ –

۳ - ۷۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۵ - ۴

۴ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۷ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۴ - ۱

۱ - دو دسته شدن جن ، پس از نزول قرآن : مسلمان هدایت یافته و کافران ظالم و منحرف از مسیر حق

و أنّا لمّا سمعنا الهدی ءامنّا به . .. و أنّا منّا المسلمون و منّا القسطون

<قَسْط> (مصدر <قاسطون>)، به معنای جور است. (مقاییس اللغه)

جنیان گناهکار در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۹ - ۱

۱ - گناهکاران جن و انس در صحنه قیامت ، دارای وضعیتی معلوم و بی نیاز از محاکمه و سؤال

فيومئذ لايسئل عن ذنبه إنس و لاجانّ

جنيان مرد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱ - ۷

۷ - جن ، متشكل از مردان و زنان

استمع نفر من الجنّ

برداشت ياد شده، با توجه به معناى <نفر> (گروهى از مردان متشكل از سه تا ده نفر) مى باشد; زيرا لازمه وجود مردان در هر دسته و نوعى از موجودات، وجود زنان در

میان آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۶ - ۸

۸ - جن ، موجودی متشکل از دو جنس مرد و زن

کان رجال من الإنس یعوذون برجال من الجنّ

جنیان مسلمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۴ - ۱

۱ - دو دسته شدن جن ، پس از نزول قرآن : مسلمان هدایت یافته و کافران ظالم و منحرف از مسیر حق

و أنّا لمّا سمعنا الهدی ءامنّا به . .. و أنّا منّا المسلمون و منّا القسطون

<قَسْط> (مصدر <قاسطون>)، به معنای جور است. (مقاییس اللغه)

جنیان مکذب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۳ - ۵

۵ - وجود عناصری کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

در صورتی که آیه شریفه خطاب به جن و انس باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۶

۶ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۳۴ – ۲

۲ – وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۳۶ – ۵

۵ وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره –

سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۳۸ – ۱

۱ – وجود عناصر کافر و تکذیب گر ، در میان جن همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۴۰ – ۲

۲ – وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۴۲ – ۱

۱ – وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۴۵ – ۱

۱ – وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان>، به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۴۷ – ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۹ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۱ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۳ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۵ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۷ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۹ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۱ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۳ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۵ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۷ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن

، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۹ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیبگر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۱ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۳ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۵ - ۴

۴ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۷ - ۲

۲ – وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جنیان و شرک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۵ – ۳

۳ – جن ، پیش از نزول قرآن ، از دروغ و ساختگی بودن شرک ، همسرگزینی و فرزندداری خداوند آگاه نبودند .

إنّا سمعنا قرءانًا عجبًا . .. و أنّا ظننّا أن لن تقول الإنس و الجنّ علی اللّه کذ

جهل جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۵ – ۳

۳ – جن ، پیش از نزول قرآن

، از دروغ و ساختگی بودن شرک ، همسرگزینی و فرزندداری خداوند آگاه نبودند .

إنّا سمعنا قرءانًا عجبًا . .. و أنّا ظننّا أن لن تقول الإنس و الجنّ علی اللّه کذ

حتمیت عذاب جن کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۳

۳- گروه های بسیاری از کافران جن و انس ، محکوم به عذاب حتمی الهی در گذشته تاریخ

حقّ علیهم القول فی أُمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

حسابرسی اخروی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۸ - ۵

۵ - آگاهی جن به احضار شدن شان برای حسابرسی اعمالشان در روز رستاخیز

و لقد علمت الجنّه إنّهم لمحضرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۱ - ۲

۲ - جن و انس ، هر دو دارای مسؤولیت و حسابرسی در قیامت

سنفرغ لکم أیّه الثقلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۵

۵ - ربوبیت الهی در حق جن و انس ، مستلزم برپا داشتن نظام حسابرسی اعمال برای آنان

سنفرغ لکم أیّه الثقلان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

ارتباط <ربّکما> با محتوای آیه قبل، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۳ - ۲

۲ - جنیان چونان آدمیان ، مشمول محاسبه الهی و قوانین عام خداوند در سرای واپسین

یمعشر الجنّ و الإنس إن استطعتم . .. لاتنفذون

از ذکر <جنّ> و تقدیم آن بر <إنس>، می توان استفاده

کرد که نباید گمان برد که جنیان، به واسطه داشتن اجرام لطیف، قدرت بر فرار از محاکمه و عقاب الهی دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۹ - ۳

۳ - حضور جن همچون آدمیان ، در صحنه قیامت برای حسابرسی و کیفر و پاداش

فیومئذ لایسل عن ذنبه إنس و لاجانّ

حشر اخروی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۸ - ۵

۵ - آگاهی جن به احضار شدن شان برای حسابرسی اعمالشان در روز رستاخیز

و لقد علمت الجنّه إنّهم لمحضرون

حشر جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۹ - ۵

۵ - جنیان نیز همانند انسان ها ، در قیامت محشور خواهند شد . *

ربّنا أرنا الذین أضلّانا من الجنّ و الإنس

دوزخیان از خداوند درخواست می کنند که رهبران گمراه کننده جنّی و انسی خویش را به آنان بنمایاند، از این مطلب، برداشت یاد شده را می توان به دست آورد.

حقیقت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۴ - ۴

۴ – جن ، دارای عقل و در معرض سفاهت و کم خردی

و أنّه کان یقول سفیهنا علی اللّه شططًا

حیات جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۲۵ – ۱۲

۱۲ – جنیان نیز همانند انسان ها دارای زندگی ، مرگ و نابودی اند .

فی أمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

خداشناسی جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه

– فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۳۱ – ۳

۳– اعتقاد جنیان قبل از رسالت پیامبر (ص) به وجود خداوند

أجیبوا داعی اللّه

در عبارت <أجیبوا داعی اللّه> اصل وجود خداوند در نظر جنیان، یقینی تلقی شده و از آنان خواسته شده است تا به پیامبری که به سوی خداوند دعوت می کند، ایمان آورند.

خطر شیاطین جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ناس – ۱۱۴ – ۶ – ۳

۳ – خطر وسوسه گران جن و انس ، بزرگ و سزاوار چاره اندیشی است .

من الجنّه و الناس

خطر وسوسه جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ناس – ۱۱۴ – ۶ – ۵،۹

۵ – پناه بردن به خداوند از خطر وسوسه جن و انس ، توصیه ای الهی به پیامبر (ص)

قل أعوذ . .. من الجنّه و الناس

۹ – وسوسه جنیان برای انسان ها ، خطرناک تر از وسوسه هم نوعان شان است .

من الجنّه و الناس

تقدیم <الجنّه>، به جهت یکنواخت شدن آخر آیه های این سوره و یا ناظر به افزون تر بودن خطر وسوسه جنیان است. برداشت یاد شده، ناظر به احتمال دوم است.

خفای جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۷ - ۲

۲- جن ، موجودی مستور و پوشیده از دیده انسانها

و الجانّ خلقنه من قبل من نار السموم

برداشت فوق، مبتنی بر این است که احتمالاً ـ وجه تسمیه <جن> به این اسم، با توجه به معنای لغوی آن باشد که به معنای مستور بودن از حواس است.

خلقت جن

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۲۷ – ۶

۶- خلقت جن از آتش ، از آیات خداوند است .

و الجانّ خلقنه من قبل من نار السموم

دشمنی جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵۰ – ۲۶

۲۶- جن ها ، بر کینه توزی با آدمیان ، توانا هستند .

کان من الجنّ . .. و هم لکم عدوٌّ

شیطان که با آدمیان عداوت میورزد، از طائفه جن است (کان من الجنّ) بنابراین، جنیان، بر انجام کارهای خصمانه نسبت به آدمیان، توان مندند.

دعوت از جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۸ – ۲

۲- فراخوانی همه مخاطبان قرآن (جن و انس) به آزمودن اعجاز قرآن

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ علی أن یأتوا بمثل

دعوتهای جن مؤمن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۳۱ – ۱

۱- دعوت جنیان ایمان آورده به قرآن ، از قوم خود برای گرویدن به پیامبر (ص)

يقومنا أجيبوا داعی اللّه

مراد از <داعی اللّه> پیامبر(ص) است که مردم را به سوی خدا دعوت می کند.

دیگ سازی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۳ - ۷۸

۷ - جنّیان ، طبق خواست سلیمان (ع) ، برای او کاسه های بزرگی به اندازه حوض می ساختند .

یعملون له ما یشاء من . .. و جفان کالجواب

<جفان> جمع <جفنه> است و آن به معنای ظرف غذا می باشد. <جواب> جمع <جابیه> و

به معنای جمع کننـده و دربردارنـده است (مفردات راغب). گفتنی است که <جواب> به معنای حوض هم آمـده است (لسان العرب).

۸ - ساخته شدن دیگ های بزرگ ثابت و غیرمنقول ، به وسیله جنّیان برای سلیمان (ع)

یعملون له ما یشاء من . .. و قدور راسیت

دین جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۰ - ۶

۶- شریعت موسی ، برای جن و انس و مشترک میان آنان

قالوا یقومنا إنّا سمعنا کتبًا أُنزل من بعد موسی

از سخنان انذارگران جن، استفاده می شود که آنان قبل از قرآن، به موسی(ع) و کتاب آسمانی او ایمان داشته اند.

ذلت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۴ - ۹

۹ - جنیان ، از شعور و درایت و احساس عزت و ذلت برخورداراند .

فلمّا خرّ تبیّنت الجنّ أن لو کانوا یعلمون الغیب ما لبثوا فی العذاب المهین

رد خویشاوندی جن با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۸ - ۶

۶ - میان خدا و جن ، نسبت خویشاوندی و یا ارتباط ویژه ای (چون شریک بودن) وجود ندارد .

و جعلوا بینه و بین الجنّه نسبًا و لقد علمت الجنّه إنّهم لمحضرون

یادآوری آگاهی جن از احضارشان در روز رستاخیز که در پاسخ به ادعای وجود پیوند خویشاوندی و یا شریک بودن جن با خدا مطرح گردیده بیانگر دو نکته است: ۱ منتفی بودن ارتباط خویشاوندی و شریک نبودن جن با خدا; زیرا اگر جن شریک خدا بود و

ارتباط خویشاوندی با او می داشت، برای حسابرسی احضار نمی شد. ۲ تأثیر نداشتن این ارتباط در سرنوشت بندگان (بر فرض وجود چنین ارتباطی).

روابط اجتماعی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۸

۸- جنیان ، دارای زندگی اجتماعی و روابط جمعی

نفرًا من الجنّ . .. ولّوا إلی قومهم منذرین

تعبیر <قومهم> بیانگر مطلب بالا است.

روابط با جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۱۰

۱۰- امکان ارتباط ، اتفاق نظر ، همکاری و تعاون میان انسان و جن

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ علی أن یأتوا بمثل

از اینکه خداوند فرمود: <اگر جن و انس دست به دست هم دهند، باز نمی توانند مثل قرآن بیاورند> استفاده می شود که امکان ارتباط و تعاون میان آنان وجود دارد و اگر نه، تحدی لغو بود.

زمینه ایمان جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۱۲

۱۲- جنیان ، نیازمند تشویق و تهدید ، برای گرایش یافتن به ایمان

أجیبوا . .. ءامنوا ... یغفر لکم ... و یجرکم من عذاب ألیم

منطوق <یجرکم. ..> تشویق و مفهوم آن بیانگر تهدید است; یعنی، اگر ایمان نیاورید، پناه داده نمی شوید و به عذاب

دردناک گرفتار خواهید شد.

زمینه خداشناسی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۲ - ۳

۳ - نزول قرآن ، موجب معرفت جن نسبت به جایگاه خداوند در جهان هستی و شناخت موقعیت ضعیف و پوچ خود

و أنّا ظننّا أن

لن نعجز اللّه فی الأرض و لن نعجزه هربًا

زمینه خودشناسی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۲ - ۳

۳ - نزول قرآن ، موجب معرفت جن نسبت به جایگاه خداوند در جهان هستی و شناخت موقعیت ضعیف و پوچ خود

و أنّا ظننّا أن لن نعجز اللّه فی الأرض و لن نعجزه هربًا

زمینه صلاح جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۱ - ۴

۴ - راه یابی صلاح و فساد و خیر و شر در میان جن

و أنّا منّا الصلحون و منّا دون ذلک

زمینه فساد جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۱ - ۴

۴ - راه یابی صلاح و فساد و خیر و شر در میان جن

و أنّا منّا الصلحون و منّا دون ذلک

زمینه گمراهی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۱۱

۱۱- جنیان ، همانند آدمیان ، گرفتار گمراهی و گناه و نیازمند هدایت گران و بیم دهندگان

ولّوا إلی قومهم منذرین

<منذرین>، در جایی معنا دارد که گناه و انحرافی وجود داشته و یا زمینه آن فراهم باشد.

زمینه گناه جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۱۱

۱۱- جنیان ، همانند آدمیان ، گرفتار گمراهی و گناه و نیازمند هدایت گران و بیم دهندگان

ولّوا إلی قومهم منذرین

<منذرین>، در جایی معنا دارد که گناه و انحرافی وجود داشته و یا زمینه آن فراهم باشد.

زندگی اجتماعی جن

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۲۵ – ۱۳

۱۳ – جنیان نیز همانند آدمیان ، دارای زندگی اجتماعی اند .

فی أمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۸ – ۷

۷- جنیان ، موجوداتی دارای زندگی اجتماعی و گروهی

فی أُمم قد خلت من قبلهم من الجنّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۲۹ – ۸

۸- جنیان ، دارای زندگی اجتماعی و روابط جمعی

نفرًا من الجنّ . .. ولّوا إلی قومهم منذرین

تعبیر <قومهم> بیانگر مطلب بالا است.

زیباطلبی جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۵۸ – ۴

۴ – علاقه و گرایش به زنان زیبا ، امری فطری و اصیل در نهاد بشر و جن

فیهنّ قصرت الطرف . .. کأنّهنّ الیاقوت و المرجان

از این که خداونـد، به عنوان نویـدی بزرگ به خلق، بشارت همسـران زیبا و جـذاب را می دهد، استفاده می شود که تمایل به آنان، امری طبیعی و اصیل در نهاد انسان و جن است.

ساختمان سازی جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۳۷ – ۲،۳

۲ – شیاطین جنی ، به فرمان سلیمان (ع) به ساختمان سازی و غواصی می پرداختند .

و الشیطین کلّ بنّاء و غوّاص

۳ – وجود تخصص ساختمان سازی و غواصی در میان شیاطین جنی

و الشیطین کلّ بنّاء و غوّاص

آمدن صیغه های <بنّاء> و <غوّاص> بر وزن صیغه مبالغه که

بر حرفه و صنعت بودن بنّایی و غوّاصی دلالت می کند گویای این نکته است که این دو کار، به صورت فن و تخصص میان شیاطین رواج داشت.

سرزنش جنیان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۳ - ۳

۳ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس ، از سوی خداوند به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

استفهام در<فبأیّ> توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۶ - ۵

۵ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نیندیشیدن آنان در اهمیت آفرینش خود از خاک و آتش

خلق الإنسن من صلصل . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۸ - ۳

۳ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی ، متجلی در طلوع و غروب خورشید

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان>، ظاهراً به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۱ - ۴

۴ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خدا ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأيّ ءالآء ربّكما تكذّبان

استفهام در <فبأيّ ءالآء> توبيخى است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۳ - ۴

- ۴

سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خدا ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت فراگیر الهی

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

استفهام در<فبأیّ ءالآء> توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۵ - ۵

۵ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تثنیه آمدن <کما> و<تکذّبان>، ممکن است به خاطر توجه خطاب به جن و انس باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۸ - ۵

۵ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان>، ممکن است به خاطر توجه خطاب به جن و انس باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۰ - ۱

۱ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده گرفتن قدرت و لطف الهی در تأمین نیاز های خلق

یسله . .. کلّ یوم هو فی شأن . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

خداوند در آیه قبل، فقر ذاتی و نیازمندی موجودات و فیاضیت و نیاز برآوری خویش را به آدمیان یادآور شده و در این آیه غافلان و کافران را مورد سرزنش قرار داده که چرا این حقیقت را در هستی نادیده می گیرند. تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان>، ظاهراً به خاطر توجه خطاب به جن و انس

است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۳۲ – ۱

۱ – سرزنش شدن تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر بی توجهی آنان به موضوع حسابرسی اعمال خلق در قیامت و کیفر و پاداش الهی در آن

سنفرغ لکم أیّه الثقلان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

استفهام در <فبأیّ ءالآء> توبیخی است و تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۳۴ – ۱

۱ – سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، بر بی توجهی آنان نسبت به قدرت مطلق الهی و عجز و ناتوانی خویش

إن استطعتم . .. لاتنفذون إلّا بسلطن . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل، از استفهام توبیخی در <فبأیّ. ..> مطلب بالا استفاده می شود. گفتنی است که تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۳۶ – ۴

۴ سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۳۸ – ۲

۲ – توبیخ شدن کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر بی اعتنایی به نعمت های الهی و غفلت از

قدرت قاهر او بر نظام جهان

فإذا انشقّت السّماء . .. فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

عبارت <انشـقّت السّـماء. ..> نشانگر قدرت قاهر خداوند بر جهان است و از این که پس از تذکر قدرت، تکذیب گران را به محاکمه نشانده، مطلب بالا اسـتفاده می شود. گفتنی است که تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۰ - ۱

۱ - سرزنش شدن کافران جن و انس به خاطر تکذیب نعمت های خداوند و نادیده گرفتن فرجام گناه کاران

فیومئذ لایسل عن ذنبه . .. فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۲ - ۲

۲ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده انگاشتن فرجام فضاحت بار و ذلیلانه مجرمان

یعرف المجرمون . .. فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۵ - ۲

۲ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر بی توجهی و نادیده انگاشتن نعمت های خداوند

فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۷ - ۳

۳ - توبیـخ کافران و تکـذیب گران جن و انس به خاطر نیندیشـیدن به نعمت بهشت ، بیم نداشـتن از مقام پروردگار و تکذیب

نعمت های او

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان . فبأیّ ءالآء ربّکما

تکذّبان

لحن توبیخی آیه شریفه و تقابل تکذیب گران با بیم دارندگان از مقام پروردگار، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۹ - ۳

۳ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۱ - ۳

۳ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خدا ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فیهما عینان تجریان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۳ - ۴

۴ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۵ - ۴

۴ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی

متّکین علی . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۷ - ۳

۳ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۹ - ۳

۳ - سرزنش شدن

کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های او

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۱ - ۳

۳ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۳ - ۳

۳ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی و محروم ساختن خویش از آن

و من دونهما جنّتان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۵ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۷ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت الهی

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۹ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیبگران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۷۱ – ۴

۴ – سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۷۳ – ۴

۴ – سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۷۵ – ۳

۳ – توبیخ شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت پروردگار خویش

فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۷۷ – ۳

۳ – سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

سفاهت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۴ - ۴

۴ - جن ، دارای عقل و در معرض سفاهت و کم خردی

و أنّه كان يقول سفيهنا على اللّه شططًا

سفاهت جنیان مشرك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۴ - ۱

۱ - اعتراف ایمان آورندگان از جن ، به سفاهت و کم خردی مشرکانشان

و أنّه كان يقول سفيهنا على اللّه شططًا

شعور جن

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۸ – ۹

۹– جن ، همانند انسان موجودی شعورمند است .

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ علی أن یأتوا بمثل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵۰ – ۱۴

۱۴– < جن > ، موجودی دارای شعور و اختیار است .

کان من الجنّ ففسق عن أمر ربّه

تمرد و سرپیچی، نشانه انتخاب گری است و حق انتخاب گری، به موجودی قابل اعطا است که از قدرت تشخیص برخوردار باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۲ – ۱۹

۱۹ – جنّیان ، موجوداتی با شعور و فهم و توانمند بر انجام کارها

و من الجنّ من یعمل بین یدیه بإذن ربّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۳ – ۹

۹ – جنّیان ، موجوداتی با شعور و توانمند بر انجام کار های بزرگ

و من الجنّ من یعمل بین یدیه . .. یعملون له ما یشاء من محریب و تمثیل و جفان کال

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۴ – ۹

۹ – جنیان ، از شعور و درایت و احساس عزت و ذلت برخورداراند .

فلمّا خرّ تبیّنت الجنّ أن لو کانوا یعلمون الغیب ما لبثوا فی العذاب المهین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۸ – ۶

۶– جن ، موجودی دارای شعور ، تکلیف ، مرگ و معاد ، همانند انسان

حقّ علیهم القول فی أُمم قد خلت

من قبلهم من الجنّ و الإنس

قرار گرفتن <جن> در کنار <انس>، به عنوان امت هایی که برخی از آنان مشمول کیفر حتمی الهی شده اند، می رساند که: اولاً جن مانند انسان دارای شعور و تکلیف است; زیرا بدون آن کیفر معنا ندارد و ثانیاً آنان نیز دارای مرگ و معاداند; زیرا برای انکار معاد، کیفر شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۱۳

۱۳- جن ، همانند انسان ، دارای شعور و اراده و تکلیف

و إذ صرفنا إلیک نفرًا من الجنّ . .. ولّوا إلی قومهم منذرین

استماع قرآن، ایمان به آن و انذار دیگران، گویای مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۶ - ۳

۳ - جن ، موجودی شعورمند و دارای تکلیف ، همچون انسان

و ما خلقت الجنّ و الإنس إلّا لیعبدون

از این که <جن> در کنار <انس> قرار گرفته و هدفی همسان برایشان در نظر گرفته شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۶ - ۳

۳ - پیدایش خصلت های ویژه انسانی از مشتی خاک و پیدایش موجود زنده دارای درک و شعورمندی چون جن از شعله آتش ، نعمت هایی شایان تأمل و قدرشناسی *

خلق الإنسن من صلصل . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۱ - ۵

۵ – جن همانند انسان ، برخوردار از نعمت ها و موهبت های زمین و دارای درک و

مسؤولیت

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۳ - ۵

۵ - جن ، همانند انسان بهره مند از مظاهر زیبای طبیعت و دارای درک و مسؤولیت

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

در صورتی که خطاب در آیه شریفه متوجه جن و انس باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۵ - ۶

۶ - جن همانند انسان ، بهره مند از نعمت های زمین و دارای درک و مسؤولیت

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

استفهام در <فبأی ءالآء> توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۱ - ۴

۴ - ارجمندی و مرتبت جن و انس ، به عنوان دو موجود شعورمند و مسؤول در نظام جهان

سنفرغ لکم أیّه الثقلان

ممکن است وصف <ثقلان> (دو موجود وزین و گران سنگ) از آن جهت به جن و انس اطلاق شده باشد که در پرتو شعور و مسؤولیتشان، مورد حسابرسی خداوند قرار می گیرند وشایستگی آن را دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱ - ۶

۶ – جن ، دارای شعور و قدرت شنوایی و آشنا به زبان انسان ها و تشخیص دهنده حق از باطل در معارف الهی و دینی

استمع نفر من الجنّ فقالوا إنّا سمعنا قرءانًا عجبًا

شکّ جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۱۰ – ۵

۵ – تردید جن پس از ممنوع شدن از استراق سمع آسمان ، در شناخت تقدیر الهی

درباره اهل زمین و خیر و رشد بودن آفرینش آنها *

و أنّا لاندری أشرّ أُرید بمن فی الأرض أم أراد بهم ربّهم رشدًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که ممنوعیت جن از استراق سمع آسمان، ظرف زمان برای پیدایش این سؤال باشد که خداوند، برای چه منظوری اهل زمین را آفرید; نه این که به چه هدفی آنان از استراق سمع، ممنوع شدند؟

شک جنیان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۰ - ۱

۱ - تردید مؤمنان جن در شناخت خیر و یا شر بودن ممنوعیت آنان از استراق سمع آسمان برای اهل زمین

و أنّا لاندری أشرّ أُرید بمن فی الأرض أم أراد بهم ربّهم رشدًا

مقصود از <رَشَد> در این آیه به قرینه مقابله آن با <شر> خیر و صلاح است.

شگفتی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۹ - ۷

۷ - عبادت و نماز پیامبر (ص) و یاران آن حضرت ، امری شگفت آور و جذاب برای جن

کادوا یکونون علیه لبدًا

شنوایی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۲

۲- جنیان ، قادر به شنیدن و درک کلمات انسان

و إذ صرفنا إلیک نفرًا من الجنّ یستمعون القرءان

استماع جنیان نسبت به قرآن، آنگونه که از ظاهر آیه استفاده می شود امری اعجازگونه نبوده و به شکل طبیعی صورت گرفته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱ - ۶

۶ - جن ، دارای شعور

و قدرت شنوایی و آشنا به زبان انسان ها و تشخیص دهنده حق از باطل در معارف الهی و دینی

استمع نفر من الجنّ فقالوا إنّا سمعنا قرءانًا عجبًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۱۳ – ۷

۷ – جن ، دارای قدرت شنوایی و تشخیص حق از باطل در معارف الهی

و أنّا لمّا سمعنا الهدی ءامنّا به

شیاطین جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۳۷ – ۲،۳،۴،۵،۸

۲ – شیاطین جنی ، به فرمان سلیمان (ع) به ساختمان سازی و غواصی می پرداختند .

و الشیطین کلّ بنّاء و غوّاص

۳ – وجود تخصص ساختمان سازی و غواصی در میان شیاطین جنی

و الشیطین کلّ بنّاء و غوّاص

آمدن صیغه های <بنّاء> و <غوّاص> بر وزن صیغه مبالغه که بر حرفه و صنعت بودن بنّایی و غوّاصی دلالت می کند گویای این نکته است که این دو کار، به صورت فن و تخصص میان شیاطین رواج داشت.

۴ – تسخیر شیاطین جنی و به کارگیری آنها ، از خصوصیات حکومت ممتاز سلیمان (ع)

هب لی ملکًا . .. فسخّرنا له ... الشیطین کلّ بنّاء و غوّاص

۵ – شیاطین جنی ، در خدمت آبادانی قلمرو حکومت سلیمان (ع) بودند .

و الشیطین کلّ بنّاء و غوّاص

۸ – شیاطین جنی ، موجوداتی قابل تسخیر برای بشر

فسخّرنا له . .. و الشیطین کلّ بنّاء و غوّاص

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۳۸ – ۱،۲،۳

۱ – اسارت و در بند بودن گروهی از

شیاطین جنی در حکومت سلیمان

و ءاخرین مقرّنین فی الأصفاد

<مقرّنین> اسم مفعول از <قَرَنَه> (آن را قرین و نزدیک دیگری ساخت) و به معنای گروه به هم بسته شده است. <صَفَدَ> (مفرد <أصفاد>) نیز به معنای قید و بند است.

۲ - اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطینِ فسادانگیز و اخلال گر جنی ، جلوه ای از اقتدار حکومت ممتاز سلیمان (ع)

و ءاخرین مقرّنین فی الأصفاد

اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطین در حکومت سلیمان(ع) در مقابل گروه دیگری که به خدمت گزاری مشغول بودند می تواند گویای این حقیقت باشد که این دسته اگر آزاد گذاشته می شدند، در حکومت سلیمان(ع) اخلال و فساد ایجاد می کردند.

۳ - گروهی از شیاطین جنی ، درصدد فسادانگیزی و اخلال گری در کار خیراند .

و ءاخرین مقرّنین فی الأصفاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۱

۱ - برخی از جنیان ، در ذهن انسان ها افکار پلید القا کرده ، آنها را وسوسه می کنند .

من الجنّه و الناس

حرف <من> برای تبعیض است و بیان می کند که مراد از <الوسواس الخنّاس>، برخی از جنّیان و انسان ها است. <جِنّه> به معنای گروه جن (مفردات) و <ناس> جمع انسان است.(تاج العروس)

صداقت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۹ - ۵

۵ - راه داشتن خیانت و صداقت در جنیان

و إنّى عليه لقوىّ أمين

تأكيد عفريت بر امانت دارى خويش، مى رساند كه احتمال خيانت وى وجود داشته است.

صفات جن

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۳ - ۴

۴ - جن ، همانند انسان ، بهره مند از نعمت های زمین و دارای درک و مسؤولیت

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

در صورتی که خطاب در آیه شریفه، متوجه جن و انس باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

طرد جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۷ - ۶

۶- < عن موسی بن جعفر (ع) : . . . ان الجنّ کانوا یسترقون السمع قبل مبعثه فمنعت فی أوان رسالته بالرجوم . . . ;

از امام موسی بن جعفر روایت شده است: جنیان قبل از بعثت رسول خدا(ص) استراق سمع می کردند (اخبار آسمانها را گوش می دادند) و در اوایل رسالت آن حضرت، به وسیله پرتاب سنگهای ستارگان، از آن ممنوع شدند>.

طرد جن از آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۹ - ۳

۳ - جن ، از هنگام نزول قرآن ، برای همیشه از استراق سمع از آسمان ، با مانع شهاب ها روبه رو شده و با آن مورد هدف قرار می گرفتند .

فمن یستمع الأن یجد له شهابًا رصدًا

<رصد> اسم جمع <راصد> (مراقب و نگهبان) و در این آیه استعاره است; یعنی، <شهاب> به نگهبانی که از چیزی حفاظت و دفاع می کند، تشبیه شده است.

عجز اخروی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۳ - ۳

۳ - آدمیان و جنیان ، فاقد هرگونه توانایی و قدرت در گریز از عذاب الهی

در روز رستاخیز

لاتنفذون إلّا بسلطن

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <لاتنفذون . ..> تأکید فراز اول آیه باشد; بدان معنا که گریز از مجازات الهی نیازمند قدرت و توان است و شما فاقد هرگونه قدرتید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۵ - ۳

۳ - خلق ، ناتوان از یاری رسانی به یکدیگر و عاجز از عکس العمل دفاعی در مقابل سختی های محشر

یرسل علیکما . .. فلاتنتصران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۶ - ۱

۱ - سختی های محشر و ناتوانی مجرمان جن و انس ، در گریز از صحنه آخرت ، نعمتی الهی در خدمت اجرای عدالت

یرسل علیکما شواظ من نار و نحاس . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

از اطلاق <ءالآء> بر مفاد آیه قبل، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

عجز جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۱،۳،۴

۱- مأموریت پیامبر (ص) به اعلام ناتوانی انس و جن در آوردن همانند قرآن

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ . .. لایأتون بمثله

۳- قرآن ، حاوی حقایق ، آموزه ها و معارفی است که انس و جن هرگز توان دست یافتن به آن حقایق را ، بدون وحی پیدا نخواهند کرد .

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ علی أن یأتوا بمثل هذا القرءان لایأتون . .. ظهیرًا

ناتوانی انسانها و جنیان از آوردن همانندی برای قرآن، مطلق است و شامل معارف و آموزه های آن نیز می شود.

۴- نیرو های بشری و جنی ، حتی

در صورت پشتیبانی و همیاری یکدیگر ، از آوردن همانند قرآن و هماوردی با آن ، عاجزند .

قل لئن اجتمعت . .. و لو کان بعضهم لبعض ظهیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۲ - ۱،۲،۳

۱ - اعتراف مؤمنان جن ، به ناتوانی جن از عاجز ساختن خداوند و حرکت در جهت خلاف مقررات الهی

و أنّا ظننّا أن لن نعجز اللّه فی الأرض

۲ - اعتراف مؤمنان جن ، به ناتوانی جن از فرار از سیطره الهی و ناتوان ساختن خداوند از دستیابی به آنان

و لن نعجزه هربًا

۳ - نزول قرآن ، موجب معرفت جن نسبت به جایگاه خداوند در جهان هستی و شناخت موقعیت ضعیف و پوچ خود

و أنّا ظننّا أن لن نعجز اللّه فی الأرض و لن نعجزه هربًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۲ - ۵

۵ - هیچ کس ، توانایی پناه دادن به انس و جن در برابر عذاب الهی را ندارد .

و لن أجد من دونه ملتحدًا

عجز جنیان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۰ - ۲

۲ - ناتوانی مؤمنان جن ، از درک صحیح تقدیر الهی در ممنوعیت آنان از استراق سمع آسمان

و أنّا لاندری أشرّ أُرید بمن فی الأرض أم أراد بهم ربّهم رشدًا

عذاب جسمانی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۵ - ۵

۵ - قیامت و عذاب آن برای جن ، جسمانی است .

و أمّا القسطون فكانوا لجهنّم حطبًا

عذاب

جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۹

۹ - امت هایی از جن و انس در گذشته تاریخ بر اثر دشمنی با خداوند (شرکورزی ، انکار رسالت پیامبران و . . .) به عذاب الهی گرفتار شدند .

و حقّ علیهم القول فی أمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

عذاب جنیان حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۵ - ۴

۴ - ظالمان و حق ناپذیران جن ، همچون انسان ها ، به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد .

و أمّا القسطون فکانوا لجهنّم حطبًا

عذاب جنیان ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۵ - ۴

۴ - ظالمان و حق ناپذیران جن ، همچون انسان ها ، به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد .

و أمّا القسطون فکانوا لجهنّم حطبًا

عزت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۴ - ۹

۹ - جنیان ، از شعور و درایت و احساس عزت و ذلت برخورداراند .

فلمّا خرّ تبيّنت الجنّ أن لو كانوا يعلمون الغيب ما لبثوا فى العذاب المهين

عصيان جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۲ - ۱۶

۱۶ - جنّیان ، موجوداتی مختار و توانمند بر سرپیچی از فرمان خداوند

و من يزغ منهم عن أمرنا نذقه

عقل جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۴ - ۴

۴ - جن ،

دارای عقل و در معرض سفاهت و کم خردی

و أنّه کان یقول سفیهنا علی اللّه شططًا

عقیده به ازدواج خدا با جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۵۸ – ۳

۳ – مشرکان ، مدعی ازدواج خداوند با زنان از جنس جن

و جعلوا بینه و بین الجنّه نسبًا

برخی از مفسران بر این عقیده اند که مقصود از <نسبت> در آیه شریفه، نسبت صهر و ازدواج است; یعنی، خدا با زنان از جنس جن ازدواج کرد و از آنان فرزندانی چون ملائکه به وجود آمد که در آیات پیشین از آنها به تفصیل یاد شده است.

عقیده به تدبیر جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵۰ – ۲۰

۲۰– مشرکان به برخورداری شیاطین و جن از حق تصمیم گیری در کار جهان و تدبیر امور آن ، معتقد بودند .

أفتتّخذونه و ذرّیّته أولیاء من دونی

به قرینه آیه بعد، مراد از توهم ولایت شیاطین، این پندار است که آنان، در امور عالم و کار آفرینش، دخالت و نظارت دارند . این اعتقاد مشرکان را وادار می کرد که برای پرهیز از شر شیاطین، به ستایش آنان بپردازند.

عقیده به جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۹ – ۱۰

۱۰ – اعتقاد قوم نوح ، به وجود جن یا عوامل مرموز و مؤثر بر روح بشر

و قالوا مجنون و ازدجر

در صورتی که <و ازدجر> به معنای <تأثیرپذیری از عوامل مرموز> باشد، به دست می آید که قوم نوح، با همه پیشینه تاریخی خویش، به

وجود جن معتقد بودند و یا دیوانگی را معلول سلطه عوامل مرموز بر روح انسان می پنداشتند.

عقیده به خویشاوندی جن با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۸ - ۱

۱ - مشرکان ، معتقد به وجود نسبت خویشاوندی میان خدا و جن

و جعلوا بینه و بین الجنّه نسبًا

<نسب>، به معنای قرابت و پیوند خویشاوندی است.

عقیده جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۳

۳- اعتقاد جنیان قبل از رسالت پیامبر (ص) به وجود خداوند

أجیبوا داعی اللّه

در عبارت <أجیبوا داعی اللّه> اصل وجود خداوند در نظر جنیان، یقینی تلقی شده و از آنان خواسته شده است تا به پیامبری که به سوی خداوند دعوت می کند، ایمان آورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، مأمور اعلام مواضع گروه های جنی در برابر قرآن و رهنمود های آن

قل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲ - ۱،۷

۱ - قرآن ، در دیدگاه گروهی از جن ، راهنمای مؤمنان به راه حق و درستی است .

یهدی إلی الرشد

<رشد> (ضد <غی>) به معنای دستیابی به راه حق و درستی است. (مصباح المنیر و قاموس المحیط)

۷ - اعتقاد جنیان استماع کننده قرآن ، به ربوبیت یگانه خدا و دوری آنان از شرکورزی به او

و لن نشرک بربّنا أحدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۳

۶ - جنیان ، پیش از نزول قرآن و بعثت پیامبراسلام ، معتقد به شرک و وجود همسر و فرزند برای خداوند

و أنّه تعلی جدّ ربّنا ما اتّخذ صحبه و لا ولدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۷ - ۶

۶ - قیامت و رستاخیز ، از اصول اعتقادی مشترک میان انسان و جن

و أنّهم ظنّوا کما ظننتم أن لن یبعث اللّه أحدًا

عقیده جنیان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۵ - ۱

۱ - ایمان آورندگان از جن ، دروغ بستن بر خداوند را از سوی انس و جن ، امری ناممکن و بعید می دانستند .

و أنّا ظننّا أن لن تقول الإنس و الجنّ علی اللّه کذبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۱ - ۳

۳ - از دیدگاه مؤمنان جن ، برخی از آنان صالح و نیک کردار کامل اند و برخی دیگر ضعیف و در رتبه پایین تر از صالحان قرار دارند .

و أنّا منّا الصلحون و منّا دون ذلک

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <دون> به معنای <تحت> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۳ - ۴

۴ – در دیدگاه مؤمنان جن ، ایمان آورندگان به ربوبیت خدای یکتا ، از نقصان حق خویش و یا ستم شدن در مجازات ، بیم نداشته و در امان اند .

فمن یؤمن بربّه فلایخاف بخسًا و لا رهقًا

<رَهَق> در معانی <سفاهت>، <گناه>، <کذب>و <ظلم> به

کار می رود; ولی در این آیه معنای اخیر مراد است.

علایق جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۸ - ۴

۴ - علاقه و گرایش به زنان زیبا ، امری فطری و اصیل در نهاد بشر و جن

فیهنّ قصرت الطرف . .. کأنّهنّ الیاقوت و المرجان

از این که خداونـد، به عنوان نویـدی بزرگ به خلق، بشارت همسـران زیبا و جـذاب را می دهد، اسـتفاده می شود که تمایل به آنان، امری طبیعی و اصیل در نهاد انسان و جن است.

علم جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۸ - ۵

۵ - آگاهی جن به احضار شدن شان برای حسابرسی اعمالشان در روز رستاخیز

و لقد علمت الجنّه إنّهم لمحضرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱ - ۶

۶ - جن ، دارای شعور و قدرت شنوایی و آشنا به زبان انسان ها و تشخیص دهنده حق از باطل در معارف الهی و دینی

استمع نفر من الجنّ فقالوا إنّا سمعنا قرءانًا عجبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۵ - ۴

۴ - امکان آگاهی جن از اندیشه ها ، عقاید و رفتار انسان ها

و أنّا ظننّا أن لن تقول الإنس و الجنّ على اللّه كذبًا

عمل جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۹ – ۱۴

۱۴– جنیان نیز همانند انسان ها ، دارای درجات اخروی و دریافت کننده نتایج اعمالشان در قیامت

أُمم قد خلت من

قبلهم من الجنّ و الإنس . .. و لكلّ درجت ممّا عملوا

عنصر خلقت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۷ - ۱،۷،۸

۱- خداوند ، جنیان را از آتش دارای باد های سوزان آفرید .

و الجانّ خلقنه من قبل من نار السموم

<سموم> در لغت به معنای باد سوزان است.

۷- < عن النبی (ص) قال : . . . هذه النار جزء من سبعین جزءاً من نار السموم التی خلق منها الجانّ و تلا هذه الأیه : < و الجانّ خلقناه من قبل من نار السموم > ;

از رسول اکرم(ص) روایت شده است که فرمود: این آتش (دنیا در حرارت و تأثیر) یک هفتادم از آتش سمومی است که جن از آن آفریده شده است و [رسول خدا(ص)]این آیه را تلاوت فرمود: و الجانّ خلقناه من قبل من نار السموم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۵ - ۱،۳،۴

۱ - جن ، آفریده شده به اراده الهی ، از شعله های خالص و بدون دود آتش

و خلق الجانّ من مارج من نار

<مارج>، به معنای آتش خالص بدون دود است (قاموس المحیط).

۳ - آفرینش انسان و جن ، دو موجود شعورمند ، از دو عنصر کاملاً متفاوت (خاک و آتش) ، نمود قدرت خداوند

خلق الإنسن من . .. و خلق الجانّ من مارج من نار

۴ - < عن الحسین بن علی (ع) کان علی بن أبی طالب (ع) بالکوفه فی الجامع إذ قام إلیه رجل . . . و سأله عن اسم

أبی الجنّ فقال : شومان و هو الذی خلق من مارج من نار . . . ;

از امام حسین(ع) روایت شده که حضرت علی(ع) در جامع کوفه بود که مردی برخاست [و در ضمن چند سؤال از آن حضرت] از پدر جن سؤال کرد; حضرت فرمود: پدر جن <شومان> نام داشت [و فرمود:] هو الذی خلق من مارج من نار. ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۶ - ۱،۲،۳

۱ - جلوه های ربوبیت الهی در آفرینش انسان از < خاك > و جن از < آتش > ، غیر قابل انکار و تکذیب ناپذیر است .

خلق الإنسن . .. و خلق الجانّ ... فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

۲ - تبدیل گلی خشکیده به موجودی چون < انسان > و شعله آتش به موجود زنده ای چون < جن > ، نمود ربوبیت یگانه خداوند

خلق الإنسن من صلصل کالفخار. .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

۳ - پیدایش خصلت های ویژه انسانی از مشتی خاك و پیدایش موجود زنده دارای درك و شعورمندی چون جن از شعله آتش ، نعمت هایی شایان تأمل و قدرشناسی *

خلق الإنسن من صلصل . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

عوامل ازدیاد عمل ناپسند جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۶ - ۵

۵ - پناه بردن برخی از انسان ها به جن ، موجب افزایش گناه و زشت کاری جن بود .

فزادوهم رهقًا

معنای گناه و فعل قبیح، از معانی مشهور واژه <رَهَق> است که مفسران نیز بر آن تأکید دارند.

عوامل ازدیاد گناه جن

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۶ – ۵

۵ – پناه بردن برخی از انسان ها به جن ، موجب افزایش گناه و زشت کاری جن بود .

فزادوهم رهقًا

معنای گناه و فعل قبیح، از معانی مشهور واژه <رَهَق> است که مفسران نیز بر آن تأکید دارند.

عوامل تنبه جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۸۷ – ۴

۴ – قرآن ، کتاب آسمانی جن و انس و مایه یاد و بیداری آنان

إن هو إلّا ذكر للعلمين

عالم (مفرد <عالمین>) است و به مجموعه ودسته ای از موجودات گفته می شود. بنابراین <العالمین>; یعنی، همه موجودات به لحاظ مجموعه ها و دسته ها. بنابر دیدگاه بسیاری از مفسران، مقصود از آن می تواند علاوه بر انسان ها جن هم باشد، چنان که در آیه نخست سوره <جن> آمده است (فقالوا إنّا سمعنا قرآناً عجباً . يهدى إلى الرشد فآمنّا به...).

عوامل سفاهت جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۶ – ۴

۴ – پناه بردن برخی از مردان در مشکلات و اضطراب ها به گروهی از مردان جن ، بر سفاهت و سبک سری جن می افزود .

فزادوهم رهقًا

<رَهَق> در معانی سفاهت، گناه و عمل زشت، کذب و ظلم به کار می رود; ولی به قرینه آیه ۴ همین سوره (و أنّه كان يقول سفيهنا على اللّه كذباً) معنای اول مراد است . گفتنی است درباره ضمیر فاعلی و ضمیر <هم> در <فزادوهم>، دو احتمال هست: ۱ ضمیر فاعلی به رجال انس و ضمیر <هم>

به رجال جن باز گردد; ۲ عکس صورت اول. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

عوامل نابودی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۹ - ۴

۴ - استراق سمع جن از آسمان ، موجب نابودی آنان خواهد شد .

فمن يستمع الأن يجد له شهابًا رصدًا

غفلت از عجز جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۴ - ۱

۱ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، بر بی توجهی آنان نسبت به قدرت مطلق الهی و عجز و ناتوانی خویش

إن استطعتم . .. لاتنفذون إلّا بسلطن . فبأيّ ءالآء ربّكما تكذّبان

بـا توجه به ارتبـاط این آیه بـا آیه قبـل، از اسـتفهام توبیخی در <فبـأيّ. ..> مطلب بالا اسـتفاده می شود. گفتنی است که تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

غفلت از کیفیت خلقت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۶ - ۵

۵ - سـرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نیندیشیدن آنان در اهمیت آفرینش خود از خاک و آتش

خلق الإنسن من صلصل . .. فبأيّ ءالآء ربّكما تكذّبان

غواصی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۷ - ۲،۳

۲ - شیاطین جنی ، به فرمان سلیمان (ع) به ساختمان سازی و غواصی می پرداختند .

و الشیطین کلّ بنّاء و غوّاص

۳ - وجود تخصص ساختمان سازی

و غواصی در میان شیاطین جنی

و الشیطین کلّ بنّاء و غوّاص

آمدن صیغه های <بنّاء> و <غوّاص> بر وزن صیغه مبالغه که بر حرفه و صنعت بودن بنّایی و غوّاصی دلالت می کند گویای این نکته است که این دو کار، به صورت فن و تخصص میان شیاطین رواج داشت.

فرقه های مذهبی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۱ - ۶

۶ - مؤمنان جن ، پس از نزول قرآن و ایمان آوردن به آن ، به چند فرقه مذهبی تقسیم شده و به مسلک های گوناگون روی آوردند .

کنّا طرائق قددًا

فضایل جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۱ - ۴

۴ - ارجمندی و مرتبت جن و انس ، به عنوان دو موجود شعورمند و مسؤول در نظام جهان

سنفرغ لکم أیّه الثقلان

ممکن است وصف <ثقلان> (دو موجود وزین و گران سنگ) از آن جهت به جن و انس اطلاق شده باشد که در پرتو شعور و مسؤولیتشان، مورد حسابرسی خداوند قرار می گیرند وشایستگی آن را دارند.

فضایل جن مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۰ - ۳

۳- جنیان پیشتاز و گرویده به قرآن ، برخوردار از موقعیتی ویژه در میان قوم خود *

قالوا یقومنا إنّا سمعنا

از لحن آیه شریفه و موضع بالای جنیان در خطاب به قوم (یاقومنا)، می توان به دست آورد که آنان علاوه بر داشتن پیامی بزرگ، جایگاهی والا در میان قوم شان داشته اند و چه بسا انتخاب آنان از سوی

خداوند (صرفنا)، اشاره به این جهت باشد.

فلسفه ایمان جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲ - ۵

۵ - راهنما بودن قرآن به درستی و حق ، فلسفه و دلیل ایمان آوردن گروهی از جن به این کتاب

یهدی إلی الرشد فامنّا به

<فا> در <فآمنّا> عاطفه و برای ربط مسبب به سبب است; یعنی، چون قرآن به رشد هدایت می کند، پس ما به این سبب به آن ایمان آوردیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۳ - ۳

۳ - هادی و راهنما بودن قرآن ، فلسفه ایمان آوردن جن

و أنّا لمّا سمعنا الهدی ءامنّا به

فلسفه تلاش جنیان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۸ - ۱

۱ - تلاش مؤمنان جن ، به منظور تماس با آسمان و دسترسی به اخبار آن

و أنّا لمسنا السماء

فلسفه خلقت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۶ - ۱،۹

۱ – هدف خداوند ، از آفرینش جن و انس ، رسیدن آنان به مرتبه عبودیت و معرفت او است .

و ما خلقت الجنّ و الإنس إلّا لیعبدون

واژه <لیعبـدون> بـه دلالـت الـتزامی اشـاره به حقیقت معرفت دارد؛ زیرا اصولاً ـ عبـودیت واقعی و سـتایش حـق، جز در پرتو معرفت تحقق نمی یابد.

۹ – < عن أبی بصـیر قـال : سـألت أباعبـدالله (ع) عن قوله عزّوجلّ : < و ما خلقت الجنّ و الإنس إلّا لیعبـدون > قال خلقهم لیأمرهم بالعباده ؛

ابی بصیر

می گوید: از امام صادق(ع) درباره سخن خدای عزّوجلّ: <و ما خلقت الجنّ و الإنس إلّا ليعبدون> سؤال نمودم، فرمود: خداوند آنان را آفريد تا آنها را به عبادت فرمان دهد>.

فلسفه ممنوعيت استراق سمع جن

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۱۰ – ۲

۲ – ناتوانی مؤمنان جن ، از درک صحيح تقدير الهی در ممنوعيت آنان از استراق سمع آسمان

و أنّا لاندری أشرّ أُريد بمن فی الأرض أم أراد بهم ربّهم رشدًا

قدرت جن

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۳۹ – ۲،۶

۲ – قدرت جنيان در خدمت حکومت سليمان و قوای سرکش آنان تحت تسلّت وی

قال عفريت من الجنّ أنا ءاتيک به

واژه <عفريت> به معنای بد ذات و شرور است که مستلزم طغيان و سرکشی است. گاهی نيز به معنای قهرمان به کار می رود. برداشت ياد شده بر پايه معنای اول است.

۶ – تفاوت جنيان در قوت و ضعف

قال عفريت من الجنّ . .. و إنّی عليه لقویّ أمين

از اين که تنها يکی از جنيان اعلام آمادگی کرده است، استفاده می شود که همه آنان قادر به انجام چنان کاری نبوده اند.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۲ – ۱۹

۱۹ – جنّيان ، موجوداتی با شعور و فهم و توانمند بر انجام کارها

و من الجنّ من يعمل بين يديه بإذن ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۳ - ۹

۹ - جنّیان ، موجوداتی با شعور و توانمند

بر انجام کار های بزرگ

و من الجنّ من یعمل بین یدیه . .. یعملون له ما یشاء من محریب و تمثیل و جفان کال

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۶ – ۲

۲ – در نگاه برخی از انسان ها ، گروهی از جن توانا بر حل مشکلات بشر و پناهگاهی امن در مواقع ترس و اضطراب

و أنّه کان رجال من الإنس یعوذون برجال من الجنّ

پناه بردن به کسی و جایی، در وقتی است که انسان با مشکلی سخت و مسائلی وحشتناك و اضطراب آور روبه رو شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۸ – ۲

۲ – توانایی جن ، بر تماس با آسمان

و أنّا لمسنا السماء

قدرت عفریت جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۳۹ – ۴

۴ – تأکید عفریت بر قدرت و امانت خود در آوردن تخت بلقیس

و إنّی علیه لقویّ أمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۴۰ – ۱۳

۱۳ – قدرت و توان عفریت دربار سلیمان ، مقهور دانش و علم آصف بن برخیا

قال عفریت من الجنّ . .. قال الذی عنده علم من الکتب

در پاسخ پرسش سلیمان(ع)، نخست عفریت بود که قدرت خویش را مطرح ساخت; ولی دانش برتر دانشمند دربار سلیمان مجالی برای اعمال قدرت به وی نداد.

قصه اسلام جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۷

۷- بازگشت جنیان مؤمن ، به سوی

قومشان با پیام انذار و هدایت

ولّوا إلی قومهم منذرین

کاخ سازی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۳ - ۲

۲ - جنّیان برای سلیمان (ع) ، طبق خواست او قصرهایی می ساختند .

یعملون له ما یشاء من محریب

<محاریب> جمع <محراب> (از ریشه <حرب>) است و آن به جایی گفته می شود که محل جنگ با دشمن است. این واژه، به قصرهایی اطلاق می شده که بر بالای آنها، جایگاه مخصوصی برای دفاع ساخته می شده است.

کفر جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۴

۴- کفر و حق ناباوری ، دارای دیرینه در گذشته تاریخ جن و انس

حقّ علیهم القول فی أُمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

کیفر اخروی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۴

۴ - جن ، همانند انسان دارای مسؤولیت و کیفر و پاداش در آخرت

سنفرغ لکم أیّه الثقلان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۳۹ – ۳

۳ – حضور جن همچون آدمیان ، در صحنه قیامت برای حسابرسی و کیفر و پاداش

فیومئذ لایسل عن ذنبه إنس و لاجانّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۷ – ۵

۵ – جن ، همچون انسان ، دارای تکلیف و مورد بازخواست خدا و کیفر و پاداش در قیامت

و أنّهم ظنّوا کما ظننتم أن لن یبعث اللّه أحدًا

برداشت یاد

شده با توجه به این نکته است که مبعوث شدن انسان ها در قیامت، بیانگر کیفر و پاداش و حسابرسی آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۳ - ۸

۸ - جن ، موجودی مکلف و مسؤول و مورد مجازات الهی در آخرت

و أنّا لمّا سمعنا الهدی ءامنّا به . .. فلایخاف بخسًا و لا رهقًا

کیفر جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۲ - ۱۷

۱۷ - جنّیان ، در صورت تخلف از انجام تکلیف ، کیفر خواهند شد .

و من یزغ منهم عن أمرنا نذقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ - جنیان ، مکلف به تکالیف الهی و مستحق کیفر در صورت کفر و حق ستیزی

و حقّ علیهم القول فی أمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

کیفر عمل جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۱۳

۱۳- وجود کیفر کردار برای جن ، همانند آدمیان

قالوا یقومنا . .. ءامنوا به یغفر لکم من ذنوبکم و یجرکم من عذاب ألیم

از تعبیر <یجرکم. ..>، استفاده می شود که اگر غفران و پناه الهی نباشد، گناه آنان نیز همانند آدمیان دارای کیفری سخت

خواهد بود.

کیفیت پناه به جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۶ - ۱۰

۱۰ - < عن زراره قال : سألت أباجعفر (ع) عن قول اللّه : < أنّه کان رجال

من الإِنس يعوذون برجال من الجنّ فزادوهم رهقاً > قال : الرجل ينطلق إلى الكاهن الذى كان يوحى إليه الشيطانُ فيقول : قل لشيطانک : إنّ فلاناً فقد عاذ بک ;

از زراره روایت شده که گفت: از امام صادق(ع) درباره قول خدا: <أنّه کان رجال من الإِنس یعوذون برجال من الجنّ فزادوهم رهقاً> سؤال کردم، فرمود: مراد شخصی است که به سوی کاهنی که مورد الهام و القای شیطان است می رود و به او می گوید: به شیطان خود بگو که فلانی به تو پناهنده شده است>.

گناه جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۱ - ۲

۲ - مشخص و محرز بودن گناهان جن و انس در قیامت ، بدون بازجویی

فیومئذ لایسل عن ذنبه إنس و لاجانّ . .. یعرف المجرمون بسیمهم

مادیت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۷ - ۵

۵- جن ، موجودی مادی است .

و الجانّ خلقنه من قبل من نار السموم

مجسمه سازی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۳ - ۴

۴ - جنّیان ، به فرمان سلیمان (ع) ، مجسمه و تمثال می ساختند .

یعملون له ما یشاء من . .. تمثیل

محدوده علم جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۳ - ۸

۸ - مرز هستی ، خارج از دسترسی علمی و فنی جن و بشر *

یمعشر الجنّ و الإنس إن استطعتم . .. لاتنفذون إلّابسلطن

در صورتی که مفاد

آیـه درمـورد دنیـا باشـد، احتمـال می رود مراد از <سـماوات و ارض> مجمـوعه هسـتی باشـد کـه جن و انس نمی تواننـد به مرزهای هستی دست پیـدا کننـد. طبق این احتمال <لاتنفذون إلاّ بسـلطان> تأکید صدر آیه شـریفه است که دسترسـی به مرز هستی، نیازمند قدرت و توانی است که جن و انس فاقد آن هستند.

محدوده قدرت جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۳۹ – ۳

۳ – برخی از جنیان ، قادر به انجام امور فوق طبیعی و خارج از محدوده قدرت بشر

قال عفریت من الجنّ أنا ءاتیک به قبل أن تقوم من مقامک

محل سکونت جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۳۲ – ۳

۳- زمین ، قرارگاه اصلی جن *

و من لایجب داعی اللّه فلیس بمعجز فی الأرض

تصریح به <فی الأرض> می تواند اشاره به مطلب بالا داشته باشد.

محمد(ص) و وسوسه شیاطین جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ناس – ۱۱۴ – ۶ – ۱۲

۱۲ – پیـامبر (ص) ، مـواجه بـا وسـوسه گرانی از جن و انس که مردم را دربـاره ربوبیت ، فرمـان روایی و الوهیت خداونـد به تردید می افکندند .

قل أعوذ بربّ الناس . ملک الناس . إله الناس . من شرّ الوسواس ... من الجنّه و الن

در برداشت یـاد شـده، مجموع سوره با این نگاه تفسیر شـده است که پیامبر(ص)، در مسیر ابلاغ یکتایی خداونـد در ربوبیت،

فرمان روایی و الوهیت، با عده ای از جن و انس مواجه شده بود که در سینه

های مردم وسوسه ایجاد کرده، هدایت آنان را بر آن حضرت دشوار می ساختند; خداوند، آن حضرت را در پناه خود قرار داده و او را به این پناهنده شدن فرا خوانده است تا وسوسه گران و اغواگران مردم را، از سر راه او بردارد.

مراتب اخروی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۹ - ۱۴

۱۴- جنیان نیز همانند انسان ها ، دارای درجات اخروی و دریافت کننده نتایج اعمالشان در قیامت

أُمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس . .. و لكلّ درجت ممّا عملوا

مربی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۳ - ۲

۲ - هر یك از نعمت های زمین ، جلوه ای از ربوبیت انکارناپذیر الهی به < جن و انس > و < مرد و زن >

فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

به کار گرفتن وصف <ربّ>، اشاره به مطلب بالا دارد و تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان>، ممکن است به خاطر توجه خطاب به جن و انس و یا مرد و زن از انسان ها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۹ - ۴

۴ - نعمت های متنوع بهشت ، جلوه ربوبیت الهی به جن و انس

ذواتا أفنان . فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

به کار گرفتن وصف <ربّ> بیانگر مطلب بالا است. تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان>، ممکن است به خاطر توجه خطاب به جن و انس و یا مرد و زن از انسان ها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- رحمن - ۵۵ - ۵۱ - ۴

۴ - وجود چشمه های همیشه جاری در بهشت ، نمودی از ربوبیت الهی به جن و انس

فیهما عینان تجریان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۳ - ۲

۲ - میوه های متنوع بهشت ، نمود ربوبیت الهی به جن و انس

فیهما من کلّ فکهه زوجان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۳ - ۴

۴ - بهشت های متنوع و متعدد ، جلوه ای از ربوبیت الهی به جن و انس

و من دونهما جنّتان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۷ - ۲

۲ - وجود چشمه های جوشان در باغ های بهشت ، نمودی از ربوبیت الهی به جن و انس

فیهما عینان نضّاختان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۹ - ۲

۲ - میوه های متنوع به ویژه خرما و انار در بهشت ، نمود ربوبیت الهی به جن و انس

فیهما فکهه و نخل و رمّان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۷۱ – ۲

۲ – خلق حوریان نیک سیرت و زیباصورت بهشتی ، جلوه ای از ربوبیت پروردگار نسبت به جن و انس

فیهنّ خیرت حسان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

– ۱۸

رحمن - ۵۵ - ۷۳ - ۲

۲ - حوریان جذاب و مستور در خیمه های بهشت ، نمودی از ربوبیت الهی نسبت به جن و انس

حور مقصورت فی الخیام . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۵ - ۲

۲ - حوریان باطراوت و پاکدامن بهشتی ، نمودی از ربوبیت الهی نسبت به جن و انس

لم یطمثهنّ إنس قبلهم . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

مرگ جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۱۲

۱۲ - جنیان نیز همانند انسان ها دارای زندگی ، مرگ و نابودی اند .

فی أمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۶

۶- جن ، موجودی دارای شعور ، تکلیف ، مرگ و معاد ، همانند انسان

حقّ علیهم القول فی أُمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

قرار گرفتن <جن> در کنار <انس>، به عنوان امت هایی که برخی از آنان مشمول کیفر حتمی الهی شده اند، می رساند که: اولاً جن مانند انسان دارای شعور و تکلیف است؛ زیرا بدون آن کیفر معنا ندارد و ثانیاً آنان نیز دارای مرگ و معاداند؛ زیرا برای انکار معاد، کیفر شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۸ - ۶

مسجدسازی جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۳ – ۳

۳ – جنّیان برای سلیمان (ع

) طبق خواست او محل هایی برای عبادت بنا می کردند .

یعملون له ما یشاء من محاریب

<محراب> (جمع <محاریب>) به معنای مسجد آمده است (مفردات راغب).

مسؤولیت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۳ - ۴

۴ - جن ، همانند انسان ، بهره مند از نعمت های زمین و دارای درک و مسؤولیت

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

در صورتی که خطاب در آیه شریفه، متوجه جن و انس باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۱ - ۵

۵ - جن همانند انسان ، برخوردار از نعمت ها و موهبت های زمین و دارای درک و مسؤولیت

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۳ - ۵

۵ - جن ، همانند انسان بهره مند از مظاهر زیبای طبیعت و دارای درک و مسؤولیت

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

در صورتی که خطاب در آیه شریفه متوجه جن و انس باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۵ - ۶

۶ – جن همانند انسان ، بهره مند از نعمت های زمین و دارای درک و مسؤولیت

فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

استفهام در <فبأى ءالآء> توبيخى است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۱۳ – ۸

۸ – جن ، موجودی مکلف و مسؤول و مورد مجازات الهی در آخرت

و أنّا لمّا سمعنا الهدى ءامنّا به . .. فلايخاف بخسًا و لا رهقًا

معاد جسمانی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۵ - ۵

۵ - قیامت و عذاب آن برای جن ، جسمانی است .

و أمّا القسطون فکانوا لجهنّم حطبًا

معاد جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۶

۶- جن ، موجودی دارای شعور ، تکلیف ، مرگ و معاد ، همانند انسان

حقّ علیهم القول فی أُمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

قرار گرفتن <جن> در کنار <انس>، به عنوان امت هایی که برخی از آنان مشمول کیفر حتمی الهی شده اند، می رساند که: اولاً جن مانند انسان دارای شعور و تکلیف است; زیرا بدون آن کیفر معنا ندارد و ثانیاً آنان نیز دارای مرگ و معاداند; زیرا برای انکار معاد، کیفر شده اند.

مکان سکونت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۰ - ۳

۳ - جنیان ، همانند انسان در زمین سکونت دارند .

و الأرض وضعها للأنام

در صورتی که <أنام> به معنای جن و انس باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

ملاک مؤاخذه اخروی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۱ - ۷

۷ - مؤاخذه و کیفر خلایق (جن و انس) ، در قیامت براساس جرم آنان است .

یعرف المجرمون بسیمهم فیؤخذ بالنوصی و الأقدام

ممنوعیت استراق سمع جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۰ - ۱

۱ - تردید مؤمنان جن در شناخت خیر و یا

شر بودن ممنوعیت آنان از استراق سمع آسمان برای اهل زمین

و أنّا لاندری أشرّ أُرید بمن فی الأرض أم أراد بهم ربّهم رشدًا

مقصود از <رَشَد> در این آیه به قرینه مقابله آن با <شر> خیر و صلاح است.

منت بر جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۵ - ۱

۱ - امتنان خداوند بر خلق ، به خاطر قرار دادن پاداش هایی چون نعمت های بهشت برای ایشان

متّکین علی فرش . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

منشأ تسخیر جن برای سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۲ - ۱۰،۱۲،۱۴

۱۰ - جنّیان تحت امر و اطاعت سلیمان (ع) ، با فرمان خدا به تسخیر او درآمده بودند .

و لسلیمن . .. و من الجنّ من یعمل بین یدیه بإذن ربّه

۱۲ - ربوبیت خداوند ، مقتضی تحت اختیار درآوردن جنّیان برای سلیمان (ع)

و من الجنّ من یعمل بین یدیه بإذن ربّه

۱۴ - در خدمت سلیمان (ع) بودن گروهی از جنّیان ، براساس تکلیف الهی بود .

و من الجنّ من یعمل بین یدیه . .. و من یزغ منهم عن أمرنا نذقه

از تهدید به عذاب جنّیان در خدمت سلیمان(ع)، استفاده می شود که آنان موظف به انجام چنین کاری بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۷ - ۱

۱ – شیاطین جنی ، تحت تسخیر و فرمان سلیمان (ع) از جانب خداوند

فسخّرنا له . .. و الشیطین

<شیاطین> (جمع <شیطان>) مجازاً درباره اشخاصی که

دارای مهـارت و زبردستی بالایی باشـند، به کار می رود. تعبیر <کلّ بنّاء و غوّاص> می توانـد مؤیـد همین معنا باشـد. گفتنی است که بـا توجه به آیه ۱۷ سوره <نمل> (و حشـر لسـلیمان جنوده من الجنّ...)، مقصود از <شـیاطین> موجوداتی از جنس <جن> می باشد.

منشأ خلقت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۵ - ۱

۱ - جن ، آفریده شده به اراده الهی ، از شعله های خالص و بدون دود آتش

و خلق الجانّ من مارج من نار

<مارج>، به معنای آتش خالص بدون دود است (قاموس المحیط).

موانع استراق سمع جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۸ - ۴

۴ - نگهبانان و شهاب ها ، از هنگام نزول آیات قرآن ، مانع استراق سمع جن از آسمان شدند .

و أنّا لمسنا السماء فوجدنها ملئت حرسًا شدیدًا و شهبًا

آیه بعـد (فمن یسـتمع الآن یجد له شـهاباً رصداً)، قرینه است بر این که جنیان از استراق سـمع از آسـمان، از وقت نزول قرآن و استماع آن، منع شده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۹ - ۳

۳ - جن ، از هنگـام نزول قرآن ، برای همیشه از استراق سـمع از آسـمان ، با مانع شـهاب ها روبه رو شـده و با آن مورد هـدف قرار می گرفتند .

فمن یستمع الأن یجد له شهابًا رصدًا

<رصد> اسم جمع <راصد> (مراقب و نگهبان) و در این آیه استعاره است; یعنی، <شهاب> به نگهبانی که از چیزی حفاظت و دفاع می

کند، تشبیه شده است.

موانع وسوسه جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۶،۸

۶ - خداوند ، توانا بر خنثی ساختن وسوسه های جن و انس

قل أعوذ بربّ الناس . .. من الجنّه و الناس

۸ - دارا بودن مقام ربوبیت ، فرمان روایی و الوهیت ، دلیل توانایی خداوند بر حفاظت مردم از خطر وسوسه های جنیان و انسان ها است .

بربّ الناس . ملك الناس . إله الناس ... من الجنّه و الناس

موانع وسوسه شیاطین جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۱۳

۱۳ - خداوند ، پناهگاهی شایسته برای پیامبر (ص) ، در برابر تلاش جن و انس برای اغوای مردم و ایجاد تزلزل در دل های آنان

قل أعوذ . .. الذی یوسوس فی صدور الناس . من الجنّه و الناس

مؤاخذه اخروی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۷ - ۵

۵ - جن ، همچون انسان ، دارای تکلیف و مورد بازخواست خدا و کیفر و پاداش در قیامت

و أنّهم ظنّوا کما ظننتم أن لن یبعث اللّه أحدًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مبعوث شدن انسان ها در قیامت، بیانگر کیفر و پاداش و حسابرسی آن است.

مهارت جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۳۷ – ۳

۳ – وجود تخصص ساختمان سازی و غواصی در میان شیاطین جنی

و الشیطین کلّ بنّاء و غوّاص

آمدن صیغه های <بنّاء> و <غوّاص>

بر وزن صیغه مبالغه که بر حرفه و صنعت بودن بنّایی و غوّاصی دلالت می کند گویای این نکته است که این دو کار، به صورت فن و تخصص میان شیاطین رواج داشت.

ناپسندی استمداد از جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۶ – ۹

۹ – پناه بردن به جنیان و استمداد از آنان ، کاری ناپسند و مردود در نگاه وحی

کان رجال من الإنس یعوذون برجال من الجنّ فزادوهم رهقًا

ناپسندی پناه به جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۶ – ۹

۹ – پناه بردن به جنیان و استمداد از آنان ، کاری ناپسند و مردود در نگاه وحی

کان رجال من الإنس یعوذون برجال من الجنّ فزادوهم رهقًا

نسل جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵۰ – ۲۷

۲۷– شیاطین و جن ها ، دارای ذریه و زاد و ولدند .

کان من الجنّ . .. أفتتّخذونه و ذرّیّته أولیاء من دونی

نعمتهای جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۱۳ – ۴

۴ - جن ، همانند انسان ، بهره مند از نعمت های زمین و دارای درک و مسؤولیت

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

در صورتی که خطاب در آیه شریفه، متوجه جن و انس باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۸ - ۵

۵ - جن همانند انسان ، برخوردار از نعمت چرخش منظم خورشید *

فبأیّ ءالآء

ربّکما تکذّبان

بنابراین که مخاطب <ربّکما> انسان و جن باشند، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۳ - ۵

۵ - جن ، همانند انسان بهره مند از مظاهر زیبای طبیعت و دارای درک و مسؤولیت

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

در صورتی که خطاب در آیه شریفه متوجه جن و انس باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۵ - ۶

۶ - جن همانند انسان ، بهره مند از نعمت های زمین و دارای درک و مسؤولیت

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

استفهام در <فبأی ءالآء> توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۰ - ۲

۲ - برخورداری خلق از فیض همیشه در جوشش پروردگار خویش ، نعمتی انکارناپذیر و شایان توجه برای جن و انس

کلّ یوم هو فی شأن . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که عنوان <ءالآء>، بر محتوای آیه قبل که همان نیازمندی خلق و نیازبرآوری خالق می باشد اطلاق شده است.

نقش جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۳۷ – ۵

۵ – شیاطین جنی ، در خدمت آبادانی قلمرو حکومت سلیمان (ع) بودند .

و الشیطین کلّ بنّاء و غوّاص

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ناس – ۱۱۴ – ۶ – ۲

۲ – تنها جنیان و انسان ها ، به القای افکار پلید و وسوسه های شیطانی

در ذهن بشر می پردازند .

الذی یوسوس فی صدور الناس . من الجنّه و الناس

نیازهای معنوی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۱۱

۱۱- جنیان ، همانند آدمیان ، گرفتار گمراهی و گناه و نیازمند هدایت گران و بیم دهندگان

ولّوا إلی قومهم منذرین

<منذرین>، در جایی معنا دارد که گناه و انحرافی وجود داشته و یا زمینه آن فراهم باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۹،۱۲

۹- جنیان ، نیازمند غفران الهی ، همانند آدمیان

و ءامنوا به یغفر لکم من ذنوبکم و یجرکم من عذاب ألیم

وعده غفران، نشانگر نیاز است; چه این که اگر نیازی در کار نباشد، نوید تحقق نمی یابد.

۱۲- جنیان ، نیازمند تشویق و تهدید ، برای گرایش یافتن به ایمان

أجیبوا . .. ءامنوا ... یغفر لکم ... و یجرکم من عذاب ألیم

منطوق <یجرکم. ..> تشویق و مفهوم آن بیانگر تهدید است; یعنی، اگر ایمان نیاورید، پناه داده نمی شوید و به عذاب دردناک گرفتار خواهید شد.

وسوسه جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۱،۴

۱ - برخی از جنیان ، در ذهن انسان ها افکار پلید القا کرده ، آنها را وسوسه می کنند .

من الجنّه و الناس

حرف <من> برای تبعیض است و بیان می کند که مراد از <الوسواس الخنّاس>، برخی از جنّیان و انسان ها است. <جِنّه> به معنای گروه جن (مفردات) و <ناس> جمع انسان است.(تاج العروس)

۴ - پیامبر (ص) ، در معرض تهاجم وسوسه های

جنیان و انسان ها

قل أعوذ . .. من الجنّه و الناس

وسوسه شیاطین جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۳،۱۱

۳ - خطر وسوسه گران جن و انس ، بزرگ و سزاوار چاره اندیشی است .

من الجنّه و الناس

۱۱ - برخی از انسان ها ، مانند برخی از جنیان ، شیطان اند و مخفیانه مردم را وسوسه می کنند .

الوسواس الخنّاس . .. من الجنّه و الناس

عموم مفسران <شیطان> را مصداق <وسواس خنّاس> قرار داده اند. این آیه نیز او را از نوع جن و انس می داند; بنابراین شیطان، عنوانی عام خواهد بود که بر افرادی از بشر و جنیان، تطبیق می کند.

ویژگیهای جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۱۲،۱۳

۱۲ - جنیان نیز همانند انسان ها دارای زندگی ، مرگ و نابودی اند .

فی أمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

۱۳ - جنیان نیز همانند آدمیان ، دارای زندگی اجتماعی اند .

فی أمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۹ - ۴

۴ – گروهی از جنیان ، همانند گروهی از انسان ها ، موجوداتی اغواگر و گمراه کننده اند .

أضلّانا من الجنّ و الإنس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۲۹ – ۸

۸– جنیان ، دارای زندگی اجتماعی و روابط جمعی

نفرًا من الجنّ . .. ولّوا إلی قومهم منذرین

تعبیر <قومهم> بیانگر مطلب بالا است.

جلد – نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۱ – ۶

۶ – جن ، دارای شعور و قدرت شنوایی و آشنا به زبان انسان ها و تشخیص دهنده حق از باطل در معارف الهی و دینی

استمع نفر من الجنّ فقالوا إنّا سمعنا قرءانًا عجبًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۱۳ – ۷۸

۷ – جن ، دارای قدرت شنوایی و تشخیص حق از باطل در معارف الهی

و أنّا لمّا سمعنا الهدی ءامنّا به

۸ – جن ، موجودی مکلف و مسؤول و مورد مجازات الهی در آخرت

و أنّا لمّا سمعنا الهدی ءامنّا به . .. فلایخاف بخسًا و لا رهقًا

هدایت پذیری جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۲ – ۲

۲ – جن ، موجودی قابل هدایت

إنّا سمعنا قرءانًا عجبًا . یهدی إلی الرشد

هدایتگری جن مؤمن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۳۰ – ۱

۱– جنیان مؤمن ، در تلاش برای هدایت جامعه خود به سوی قرآن

قالوا یقومنا إنّا سمعنا کتبًا . .. یهدی إلی الحقّ

همکاری با جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۱۰

۱۰- امکان ارتباط ، اتفاق نظر ، همکاری و تعاون میان انسان و جن

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ علی أن یأتوا بمثل

از اینکه خداوند فرمود: <اگر جن و انس دست به دست هم دهند، باز نمی توانند مثل قرآن بیاورند> استفاده می شود که امکان ارتباط و تعاون میان آنان

وجود دارد و اگر نه، تحدی لغو بود.

جنیان

اجل جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱۷

۱۷ انسان و جن دارای اجل (عمری) تعیین شده از سوی خداوند هستند.

و بلغنا أجلنا الذی أجلت لنا

اخبار جنیان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۷ - ۲

۲ - مؤمنان جن ، دیگران را از انکار قیامت و رستاخیز از سوی برخی از انسان ها آگاه ساختند .

و أنّهم ظنّوا کما ظننتم أن لن یبعث اللّه أحدًا

اختیار جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۴

۴ جنیان موجوداتی دارای اراده و اختیار و تکلیف هستند.

یمعشر الجن قد استکثرتم من الإنس

بازخواست شدن جنیان در قیامت، بیانگر مکلف بودن آنان و برخورداری آنان از اختیار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۵

۵ جن دارای شعور و اختیار و نیازمند هدایت رسولان الهی است.

یمعشر الجن و الإنس ألم یأتکم رسل منکم

مقتضای بازخواست و درست بودن توبیخ آن است که مورد دارای شعور اختیار و تکلیف باشد. در غیر این صورت بازخواست و توبیخ و کیفر موجه نیست.

ادراک جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۵،۶

۵ جنیان ، مانند انسان ها ، دارای ابزار ادراک (قلب ، چشم و گوش) هستند .

لهم قلوب لایفقهون بها و لهم أعین لایبصرون بها و لهم ءاذان لایسمعون بها

۶

بسیاری از انسان ها و جنیان ، علی رغم داشتن قلب و ابزار درک ، خویشتن را از فهم حقایق و معارف الهی محروم می سازند .

لهم قلوب لایفقهون بها

جمله <لهم قلوب> (آنها قلب دارند) می رساند که انسانها و جنیان گمراه ابزار درک دارند و جمله <لا یفقهون بها> توضیح می دهد که آنان از ابزار شناختی که در اختیار دارند بهره نمی گیرند.

اراده جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۷

۷ جن موجودی دارای حیات و شعور و اراده است.

عدوا شیطین الإنس و الجن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۴

۴ جنیان موجوداتی دارای اراده و اختیار و تکلیف هستند.

یمعشر الجن قد استکثرتم من الإنس

بازخواست شدن جنیان در قیامت، بیانگر مکلف بودن آنان و برخورداری آنان از اختیار است.

استراق سمع جنیان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۸ - ۱

۱ - تلاش مؤمنان جن ، به منظور تماس با آسمان و دسترسی به اخبار آن

و أنّا لمسنا السماء

اطاعت از جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱۱

۱۱ نوعی دوستی و ارتباط و تبعیت میان برخی از آدمیان گمراه و جن (شیطانها) برقرار است.

و قال أولیاؤهم من الإنس

اعمال جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۱۷

۱۷ کارها و فعالیتهای جن و انس در قلمرو مشیت خداوند است.

و

لو شاء ربک ما فعلوه

اغواگری جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۷،۸،۹،۱۰

۷ جنیان اغواگر در برابر بازخواست خداوند از آنان به سبب گمراه ساختن آدمیان، هیچ عذر و پاسخی ندارند.

یمعشر الجن قد استکثرتم من الإنس و قال أولیاؤهم من الإنس

نقل پاسخ آدمیان به جای پاسخ جنیان، که مستقیماً مورد سؤال بودند، می تواند اشاره به درماندگی آنان از پاسخ و اعتذار باشد.

۸ جنیان در تلاشند با گسترش نفوذ خود بر آدمیان تعداد بیشتری از آنان را گمراه کنند.

یمعشر الجن قد استکثرتم من الإنس

در لسان العرب آمده است: <استکثر من الشی> رغب فی الکثیر منه یعنی در انبوهی از آن میل و رغبت کرد. لذا <استکثرتم من الإنس> در آیه که خطاب به جنیان است یعنی شما در بسیاری از آدمیان میل و رغبت کردید تا آنان را گمراه سازید.

۹ جنیان اغواگر در صدد تبدیل هر چه بیشتر آدمیان به شیطانهای اغواگر مانند خود هستند. *

یمعشر الجن قد استکثرتم من الإنس

<استکثار> به معنی طلب زیادتی است، لذا از معانی محتمل در <استکثرتم من الانس> آن است که استکثار از آن جهت باشد که شیطانها در صددند از آدمیان نیز هر چه بیشتر شیطان تولید کنند.

۱۰ آدمیان باید در برابر وسوسه های جنیان و اغواگری آنها هشیار بوده و از خود حراست کنند.

یمعشر الجن قد استکثرتم من الإنس

خبر دادن خداوند از سیطره و عملکرد جنیان، هشداری به آدمیان است تا دشمن خویش را بشناسند و تدابیر لازم را در برابر او به کار برند.

افساد جنیان

- سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۲۹

۲۹ < عن ابی جعفر محمد بن علی (ع) انه قال فی قول اللّه عز و جل : < و إذ قال ربک للملائکه إنی جاعل فی الأرض خلیفه قالوا أتجعل فیها من یفسد فیها و . . . > قال : . . . و إنما قال ذالک بعض الملائکه لما عرفوا من حال من کان فی الأرض من الجن قبل آدم . . . ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند که به ملائکه فرمود: <می خواهم در زمین جانشین قرار دهم و ملائکه گفتند: آیا می خواهی کسی را بر روی زمین قرار دهی که فساد کند . ..؟> روایت شده که فرمود: ... این سخن بعضی از ملائکه بود; زیرا آنان قبل از آفرینش آدم فساد در زمین را از جن دیده بودند ...>.

اقرار جنیان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۹

۹ کافران جن و انس در قیامت با اعتراف به آمدن رسولان الهی، علیه خود شهادت خواهند داد.

ألم یأتکم رسل منکم . .. قالوا شهدنا علی أنفسنا

اقرار جنیان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۴ - ۱

۱ - اعتراف ایمان آورندگان از جن ، به سفاهت و کم خردی مشرکانشان

و أنّه کان یقول سفیهنا علی اللّه شططًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۵ - ۲

۲ - آگاهی و اعتراف گروهی از جن ،

به دروغ بودن شرک ، همسرگزینی و فرزندداری خداوند

و أنّا ظننّا أن لن تقول الإنس و الجنّ على اللّه كذبًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۲ - ۱،۲

۱ - اعتراف مؤمنان جن ، به ناتوانى جن از عاجز ساختن خداوند و حركت در جهت خلاف مقررات الهى

و أنّا ظننّا أن لن نعجز اللّه فى الأرض

۲ - اعتراف مؤمنان جن ، به ناتوانى جن از فرار از سيطره الهى و ناتوان ساختن خداوند از دستيابى به آنان

و لن نعجزه هربًا

انبياى جنيان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۴

۴ جنيان داراى رسولانى از جنس خود هستند.

يمعشر الجن و الإنس ألم يأتكم رسل منكم

ظاهر جمله <يأتكم رسل منكم> آن است كه براى هر يک از جن و انس رسولانى از جنس خود آنان باشد. يعنى <رسل من الجن و رسل من الإنس>.

انسان و جنيان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱۱

۱۱ نوعى دوستى و ارتباط و تبعيت ميان برخى از آدميان گمراه و جن (شيطانها) برقرار است.

و قال أولياؤهم من الإنس

پیروان جنیان اغواگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱۳

۱۳ جنیان اغواگر و انسانهای پیرو آنها برای انحراف و گمراهی از یکدیگر بهره می برند.

و قال أولیاؤهم من الإنس ربنا استمتع بعضنا ببعض

<استمتع> به معنای طلب تمتع و بهره جویی است و مراد از <بعض>، برخی از جنیان و انسانها هستند، چون بنای

سخن نیز سؤال از روابط متقابل این دو گروه در دنیاست.

تاریخ جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۲۹

۲۹ < عن ابی جعفر محمد بن علی (ع) انه قال فی قول اللّه عز و جل : < و إذ قال ربک للملائکه إنی جاعل فی الأرض خلیفه قالوا أتجعل فیها من یفسد فیها و . . . > قال : . . . و إنما قال ذالک بعض الملائکه لما عرفوا من حال من کان فی الأرض من الجن قبل آدم . . . ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند که به ملائکه فرمود: <می خواهم در زمین جانشین قرار دهم و ملائکه گفتند: آیا می خواهی کسی را بر روی زمین قرار دهی که فساد کند . ..؟> روایت شده که فرمود: ... این سخن بعضی از ملائکه بود; زیرا آنان قبل از آفرینش آدم فساد در زمین را از جن دیده بودند ...>.

تجسم جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۳۹

۳۹ - قابلیت شیاطین (جنیان) برای تجسم یافتن و دیده شدن *

یعلمون الناس السحر

تکالیف جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۳،۴

۳ جنیان نیز همانند آدمیان، موظف به پیروی از رسولان الهی و مکلف به تکالیف دینی هستند.

قال ادخلوا . .. من الجن و الإنس فی النار

۴ جنیان نیز همانند آدمیان، در صورت تکذیب آیات الهی و گرایش به کفر و شرک، در

معرض مجازاتهای الهی هستند.

قال ادخلوا فی أمم قد خلت من قبلکم من الجن و الإنس فی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۴

۴ جنیان همانند انسان ها مکلف به تصدیق آیات الهی و انجام فرمان های او هستند .

و لقد ذرأنا لجهنم کثیراً من الجن و الإنس

با توجه به آیه قبل معلوم می شود جنیانی به دوزخ خواهند رفت که آیات الهی را تکذیب کنند. بنابراین آنها موجوداتی هستند مکلف به تکالیف الهی و از جمله تکالیف آنها ایمان آوردن به آیات الهی است.

تکلیف جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۴

۴ جنیان موجوداتی دارای اراده و اختیار و تکلیف هستند.

یمعشر الجن قد استکثرتم من الإنس

بازخواست شدن جنیان در قیامت، بیانگر مکلف بودن آنان و برخورداری آنان از اختیار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۰ - ۷

۷ تمامی افراد و امت های مکلف (انسان ها ، جنیان و . . .) پیش از قوم لوط مبرّا از ارتکاب لواط بودند .

ما سبقکم بها من أحد من العلمین

مراد از کلمه <العلمین>، به مناسبت حکم و موضوع، مکلفان، اعم از جن و انس، است. تأکید نفی با من زایده (من احد) حکایت از آن دارد که حتی یک نفر نیز قبل از قوم لوط به چنین گناهی مبتلا نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٨ - هود - ١١ - ١١٩ - ٩

٩ جنيان نيز نظير

انسانها ، مکلف به احکام الهی و موظف به پذیرش دین حقّند .

لأملأنّ جهنم من الجنه والناس

تمایلات جنیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۲۸ – ۱۴

۱۴ وجود خواسته ها و لذتهای نفسانی در جن (شیطان)

قد استکثرتم استمتع بعضنا ببعض

تهدید جنیان سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۲ – ۱۳

۱۳ – تهدید شدن جنیانِ در خدمت سلیمان (ع) به عذاب با آتش از سوی خداوند ، در صورت سرپیچی از فرمان آن حضرت

و من الجنّ من یعمل بین یدیه . .. و من یزغ منهم عن أمرنا نذقه من عذاب السعیر

جنیان اغواگر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۲۸ – ۷

۷ جنیان اغواگر در برابر بازخواست خداوند از آنان به سبب گمراه ساختن آدمیان، هیچ عذر و پاسخی ندارند.

یمعشر الجن قد استکثرتم من الإنس و قال أولیاؤهم من الإنس

نقل پاسخ آدمیان به جای پاسخ جنیان، که مستقیماً مورد سؤال بودند، می تواند اشاره به درماندگی آنان از پاسخ و اعتذار باشد.

جنیان حق ناپذیر در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۵ - ۴

۴ - ظالمان و حق ناپذیران جن ، همچون انسان ها ، به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد .

و أمّا القسطون فكانوا لجهنّم حطبًا

جنیان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۱

۱ جهنم ، فرجام بسیاری از انسان

ها و جنیان

و لقد ذرأنا لجهنم کثیراً من الجن و الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۹ - ۷،۸،۱۰

۷ خداوند ، دوزخ را از جنیان و انسان ها پر خواهد کرد .

لأملأنّ جهنم من الجنه والناس أجمعین

۸ پر کردن جهنم از انسان ها و جنیان ، حقیقتی که خداوند از پیش بیان داشته بود .

تمت کلمه ربک لأملأنّ جهنم من الجنه والناس

<تمت>; یعنی، به طور کامل و بدون هیچ نقصی تحقق یافت. مفسران برآنند که مقصود از <کلمه ربک> که با جمله <لأملأنّ ...> تفسیر شده است همان سخنی است که خداوند در داستان آدم و ابلیس فرمود: <فالحق والحق أقول. لأملأنّ جهنم منک و ممن تبعک منهم أجمعین>; حق این است و من جز حق نمی گویم که جهنم را از تو و از همه کسانی که از تو پیروی می کنند پر خواهم کرد. سوره ص، آیه ۸۴ و ۸۵>.

۱۰ دوزخی شدن جن و انس به سبب اختلاف در دین ، گواه راستی و درستی سخن خداوند (جهنم را از جن و انس پر خواهم کرد) است .

و لایزالون مختلفین . .. و تمت کلمه ربک لأملأنّ جهنم

سخن از تحقق یافتن فرموده خداوند (تمت کلمه ربک . ..) پس از بیان اختلافهای مردم و پوشیده شدن حق بر آنان، گویای این نکته است که: همان اختلافها که مخفی ماندن حق را در پی داشت موجب دوزخی شدن انسانها و جنیان شده و حقانیت کلمه خدا (لأملأنّ ...) را به طور کامل محقق ساخت.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۳ - ۵،۶،۱۴

۵ - وعده خداوند به انباشتن دوزخ از مجرمان جِنّی و اِنْسی ، وعده ای حق و تخلف ناپذیر است .

و لکن حقّ القول منّی لأملأنّ جهنّم من الجِنّه و الناس أجمعین

۶ - سوگند خداوند به انباشتن جهنم از مجرمان جنّی و انسی

و لکن حقّ القول منّی لأملأنّ جهنّم من الجِنّه و الناس

لام در <لأملأنّ> برای قسم است و حکایت ازآن دارد که <القول> در فراز قبلی، سوگند است.

۱۴ - همه مجرمان جنّی و انسی ، در جهنم گرد می آیند .

لأملأنّ جهنّم من الجِنّه و الناس أجمعین

قید <أجمعین> به قرینه این که کسانی وجود دارند که به جهنم نخواهد رفت، عموم افرادی نیست، بلکه مفید عموم در نوع است. لازم به ذکر است که <ال> در <الجِنّه> و <الناس> عهد بوده و اشاره به افرادی خاص که همانا مجرمان اند دارد.

جنیان در دوران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲ - ۴

۴ - ایمان گروهی از جن به قرآن ، در مرحله آغازین نزول

إنّا سمعنا قرءانًا عجبًا . یهدی إلی الرشد فامنّا به

جنیان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۵

۵ جنیان و انسانها در قیامت مورد بازخواست مشترک قرار خواهند گرفت.

يمعشر الجن . .. و قال أولياؤهم من الإنس

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۲ – ۱

۱ هر يک از افراد جن و انس

در روز قیامت از مرتبه و درجه ویژه خود برخوردارند.

و لکل درجت مما عملوا

تنوین <و لکل> عوض محذوف است و به قرینه آیه ۱۲۸ و ۱۳۰، محذوف <جن و انس> است، یعنی: <لکل من الجن و الإنس . ..> و چون آیات پیشین ترسیم قیامت بوده، ظاهر آن است که درجات مطرح شده در آیه مربوط به آن روز باشد.

جنیان زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱ - ۷

۷ - جن ، متشکل از مردان و زنان

استمع نفر من الجنّ

برداشت یاد شده، با توجه به معنای <نفر> (گروهی از مردان متشکل از سه تا ده نفر) می باشد; زیرا لازمه وجود مردان در هر دسته و نوعی از موجودات، وجود زنان در میان آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۶ - ۸

۸ - جن ، موجودی متشکل از دو جنس مرد و زن

کان رجال من الإنس یعوذون برجال من الجنّ

جنیان سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۷ - ۱

۱ - سلیمان (ع) ، دارای سپاهی متشکل از نیرو های جن ، انسان و پرندگان

و حشر لسلیمن جنوده من الجنّ و الإنس و الطیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۴ – ۱

۱ – مرگ سلیمان (ع) ، آن گاه بر جنیان خدمت گزار وی آشکار شد که موریانه ها عصای او را خوردند و آن حضرت بر زمین افتاد .

فلمّا قضینا علیه الموت

ما دلّهم على موته إلاّ دابّه الأرض تأكل منسأته فلمّا خرّ

<منسأه> به معنای عصا است (مفردات راغب) و <دابّه الأرض> از باب اضافه شیء به فعلش می باشد. <أرض> نیز در این آیه از باب <علم یعلم> به معنای خوردن است و یا <ارضه> به معنای کرمی است که از زمین وارد چوب و تخته می شود (مفردات راغب).

جنیان سلیمان(ع) و ذلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - جنیان نیز از رنج ، سختی و خفت گریزان اند .

تبیّنت الجنّ أن لو کانوا یعلمون الغیب

جنیان سلیمان(ع) و سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - جنیان نیز از رنج ، سختی و خفت گریزان اند .

تبیّنت الجنّ أن لو کانوا یعلمون الغیب

جنیان سلیمان(ع) و علم غیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۴ - ۶،۱۰

۶ - جنیان خدمت گزار در دستگاه سلیمان (ع) ، از علم غیب برخوردار نبودند .

فلمّا خرّ تبیّنت الجنّ أن لو کانوا یعلمون الغیب ما لبثوا فی العذاب المهین

۱۰ - جنیان خدمت گزار در دستگاه سلیمان (ع) ، از معرفتی به نام علم غیب آگاهی داشتند .

تبیّنت الجنّ أن لو کانوا یعلمون الغیب

جنیان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۱ - ۱،۲،۳

۱ - دو دسته بودن جنیان ، پیش از نزول قرآن : ۱ افراد خوش طینت و متمایل به خیر

و صلاح ; ۲ افراد بدسرشت و متمایل به شرّ و فساد .

و أنّا منّا الصلحون و منّا دون ذلک

دربـاره این که آیه شـریفه، بـاز گو کننـده وضـعیت جن پیش از نزول قرآن و اسـتماع آنان است و یا پس از آن، میان مفسـران اختلاـف هست. برداشت یـاد شـده مبتنی بر احتمـال نخست است. بنـابراین احتمال، مقصود از صـلاح، صـلاح در ایمان و تقوا نیست; بلکه مراد صلاح از لحاظ طینت و تمایل به خیر و صلاح است.

۲ - دو دسته شدن جن ، پس از نزول قرآن : برخی صالح و نیک کردار و برخی غیر آنان

و أنّا منّا الصلحون و منّا دون ذلک

۳ - از دیـد گاه مؤمنان جن ، برخی از آنان صالح و نیک کردار کامل اند و برخی دیگر ضـعیف و در رتبه پایین تر از صالحان قرار دارند .

و أنّا منّا الصلحون و منّا دون ذلک

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <دون> به معنای <تحت> باشد.

جنیان ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۴ - ۱

۱ - دو دسته شدن جن ، پس از نزول قرآن : مسلمان هدایت یافته و کافران ظالم و منحرف از مسیر حق

و أنّا لمّا سمعنا الهدی ءامنّا به . .. و أنّا منّا المسلمون و منّا القسطون

<قَسْط> (مصدر <قاسطون>)، به معنای جور است. (مقاییس اللغه)

جنیان ظالم در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۵ - ۴

۴ - ظالمان و حق ناپذیران جن ، همچون انسان ها ، به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد

.

و أمّا القسطون فكانوا لجهنّم حطبًا

جنيان عادل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۱ - ۱

۱ گروهى از انسان ها و جنيان ، هدايتگر و عدالت پيشه اند .

و ممن خلقنا أمه يهدون بالحق و به يعدلون

برداشت فوق از ظاهر آيه كه حكايت از وجود چنين افرادى در ميان انسانها و جنيان دارد استفاده شده است، بر اين مبنا و با توجه به اينكه هدايتگران ملازم حق دانسته شده اند، معلوم مى شود مقصود هدايتگرانى هستند كه از جانب خداوند براى هدايت مردم برگزيده شده اند. قابل ذكر است كه مراد از <ممن خلقنا> به قرينه آيه ۱۷۹ انسانها و جنيان است.

جنيان غير صالح

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۱ - ۱،۲،۳

۱ - دو دسته بودن جنيان ، پيش از نزول قرآن : ۱ افراد خوش طينت و متمايل به خير و صلاح ; ۲ افراد بدسرشت و متمايل به شرّ و فساد .

و أنّا منّا الصلحون و منّا دون ذلك

درباره اين كه آيه شريفه، بازگو كننده وضعيت جن پيش از نزول قرآن و استماع آنان است و يا پس از آن، ميان مفسران اختلاف هست. برداشت ياد شده مبتنى بر احتمال نخست است. بنابراين احتمال، مقصود از صلاح، صلاح در ايمان و تقوا نيست; بلكه مراد صلاح از لحاظ طينت و تمايل به خير و صلاح است.

۲ - دو دسته شدن جن ، پس از نزول قرآن : برخى صالح و نيک كردار و برخى غير آنان

و أنّا منّا الصلحون و منّا

دون ذلك

۳ - از دیـدگاه مؤمنان جن ، برخی از آنان صالح و نیک کردار کامل اند و برخی دیگر ضـعیف و در رتبه پایین تر از صالحان قرار دارند .

و أنّا منّا الصلحون و منّا دون ذلک

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <دون> به معنای <تحت> باشد.

جنیان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۳ - ۵

۵ - وجود عناصری کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

در صورتی که آیه شریفه خطاب به جن و انس باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۶

۶ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۴ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۶ - ۵

۵ وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۸ - ۱

۱ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر ، در میان جن همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۰ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و

تکذیب گر در میان جن همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۲ - ۱

۱ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۵ - ۱

۱ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان>، به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۷ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۹ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۱ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۳ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۵ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر

و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۷ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۹ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۱ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۳ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۵ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۷ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۹ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیبگر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵

۳ - ۷۱ -

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۳ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۵ - ۴

۴ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۷ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۴ - ۱

۱ - دو دسته شدن جن ، پس از نزول قرآن : مسلمان هدایت یافته و کافران ظالم و منحرف از مسیر حق

و أنّا لمّا سمعنا الهدی ءامنّا به . .. و أنّا منّا المسلمون و منّا القسطون

<قَسْط> (مصدر <قاسطون>)، به معنای جور است. (مقاییس اللغه)

جنیان کافر در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۹ - ۶

۶ انسانهایی که به خدا و پیامبرانش کافر شوند و نیز جنیان کفرپیشه ، به آتش دوزخ درخواهند افتاد .

لأملأنّ جهنم من الجنه والناس أجمعين

چون بحث در آیات گذشته درباره فساد و صلاح امتها بود و مصداق بارز و مورد نظر برای صلاح و فساد به قرینه آیات پیشین و نیز آیه ۱۲۱

توحید، شرک، ایمان و کفر است، مقصود از <الجنه> و <الناس> کافران و مشرکان جنی و انسی است. بر این اساس کلمه <أجمعین> تأکید بر عمومی است که از کلمه <الجنه> و <الناس> فهمیده می شود.

جنیان گناهکار در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۹ - ۱

۱ - گناهکاران جن و انس در صحنه قیامت ، دارای وضعیتی معلوم و بی نیاز از محاکمه و سؤال

فیومئذ لایسئل عن ذنبه إنس و لاجانّ

جنیان محروم از ادراک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۶،۸،۱۱

۶ بسیاری از انسان ها و جنیان ، علی رغم داشتن قلب و ابزار درک ، خویشتن را از فهم حقایق و معارف الهی محروم می سازند .

لهم قلوب لایفقهون بها

جمله <لهم قلوب> (آنها قلب دارند) می رساند که انسانها و جنیان گمراه ابزار درک دارند و جمله <لا یفقهون بها> توضیح می دهد که آنان از ابزار شناختی که در اختیار دارند بهره نمی گیرند.

۸ بسیاری از انسان ها و جنیان ، علی رغم برخورداری از چشمهایی بینا و گوشهایی شنوا ، خویشتن را از دیدن و شنیدن آیات الهی محروم می سازند .

و لهم أعین لایبصرون بها و لهم ءاذان لایسمعون بها

۱۱ جهنم فرجام انسان ها و جنیانی است که خود را از درک معارف و حقایق دین محروم ساخته اند .

و لقد ذرأنا لجهنم . .. لهم قلوب لایفقهون بها

جنیان مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱

۷ – جن ، متشکل از مردان و زنان

استمع نفر من الجنّ

برداشت یاد شـده، با توجه به معنای <نفر> (گروهی از مردان متشـکل از سه تا ده نفر) می باشـد; زیرا لازمه وجود مردان در هر دسته و نوعی از موجودات، وجود زنان در میان آنان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۶ – ۸

۸ – جن ، موجودی متشکل از دو جنس مرد و زن

کان رجال من الإنس یعوذون برجال من الجنّ

جنیان مسلمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۱۴ – ۱

۱ – دو دسته شدن جن ، پس از نزول قرآن : مسلمان هدایت یافته و کافران ظالم و منحرف از مسیر حق

و أنّا لمّا سمعنا الهدی ءامنّا به . .. و أنّا منّا المسلمون و منّا القسطون

<قَسْط> (مصدر <قاسطون>)، به معنای جور است. (مقاییس اللغه)

جنیان مکذب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۱۳ – ۵

۵ – وجود عناصری کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

در صورتی که آیه شریفه خطاب به جن و انس باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۶

۶ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأيّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۴ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در

میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۶ - ۵

۵ وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۸ - ۱

۱ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر ، در میان جن همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۰ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۲ - ۱

۱ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۵ - ۱

۱ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان>، به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۷ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۹ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر

در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۱ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۳ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۵ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۷ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۹ - ۲

۲ – وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶۱ – ۲

۲ – وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶۳ – ۲

۲ – وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶۵

۳ -

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۷ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۹ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیبگر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۱ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۳ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۷۵ – ۴

۴ – وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأيّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۷۷ – ۲

۲ – وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأيّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جنیان و اغوای انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۲۸ – ۱۵

۱۵ جنیان از اغوای آدمیان بهره و لذت می برند.

و قال أولياؤهم من الإنس ربنا استمتع بعضنا ببعض

جنیان

و انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۲۸ – ۶،۸،۹،۱۳

۶ جنیان دارای قدرت نفوذ و سلطه بر آدمیان هستند.

یمعشر الجن قد استکثرتم من الإنس

۸ جنیان در تلاشند با گسترش نفوذ خود بر آدمیان تعداد بیشتری از آنان را گمراه کنند.

یمعشر الجن قد استکثرتم من الإنس

در لسان العرب آمده است: <استکثر من الشی> رغب فی الکثیر منه یعنی در انبوهی از آن میل و رغبت کرد. لذا <استکثرتم من الإنس> در آیه که خطاب به جنیان است یعنی شما در بسیاری از آدمیان میل و رغبت کردید تا آنان را گمراه سازید.

۹ جنیان اغواگر در صدد تبدیل هر چه بیشتر آدمیان به شیطانهای اغواگر مانند خود هستند. *

یمعشر الجن قد استکثرتم من الإنس

<استکثار> به معنی طلب زیادتی است، لذا از معانی محتمل در <استکثرتم من الانس> آن است که استکثار از آن جهت باشد که شیطانها در صددند از آدمیان نیز هر چه بیشتر شیطان تولید کنند.

۱۳ جنیان اغواگر و انسانهای پیرو آنها برای انحراف و گمراهی از یکدیگر بهره می برند.

و قال أولیاؤهم من الإنس ربنا استمتع بعضنا ببعض

<استمتع> به معنای طلب تمتع و بهره جویی است و مراد از <بعض>، برخی از جنیان و انسانها هستند، چون بنای سخن نیز سؤال از روابط متقابل این دو گروه در دنیاست.

جنیان و شرک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۵ – ۳

۳ – جن ، پیش از نزول قرآن ، از دروغ و ساختگی بودن شرک ، همسرگزینی و فرزندداری خداوند آگاه

نبودند .

إنّا سمعنا قرءانًا عجبًا . .. و أنّا ظننّا أن لن تقول الإنس و الجنّ على اللّه كذ

جنيان و قبول دين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۹ - ۹

۹ جنيان نيز نظير انسانها ، مكلف به احكام الهى و موظف به پذيرش دين حقّند .

لأملأنّ جهنم من الجنه والناس

جنيان هدايتگر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۱ - ۱،۵

۱ گروهى از انسان ها و جنيان ، هدايتگر و عدالت پيشه اند .

و ممن خلقنا أمه يهدون بالحق و به يعدلون

برداشت فوق از ظاهر آيه كه حكايت از وجود چنين افرادى در ميان انسانها و جنيان دارد استفاده شده است، بر اين مبنا و با توجه به اينكه هدايتگران ملازم حق دانسته شده اند، معلوم مى شود مقصود هدايتگرانى هستند كه از جانب خداوند براى هدايت مردم برگزيده شده اند. قابل ذكر است كه مراد از <ممن خلقنا> به قرينه آيه ۱۷۹ انسانها و جنيان است.

۵ بايد گروهى از انسان ها و جنيان عهده دار هدايت همنوعان خويش باشند و به عدالت در ميان آنان داورى كنند .

و ممن خلقنا أمه يهدون بالحق و به يعدلون

برداشت فوق بر اين اساس است كه جمله هاى <يهدون> و <يعدلون> به صورت انشا ايراد شده باشد. بر اين مبنا آيه شريفه حاوى دستورى است به انسانها و جنيان كه گروهى از آنان بايد عهده دار هدايتگرى و عدالت گسترى باشند.

چشم جنيان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵،۸ - ۱۷۹ -

۵ جنیان ، مانند انسان ها ، دارای ابزار ادراک (قلب ، چشم و گوش) هستند .

لهم قلوب لایفقهون بها و لهم أعین لایبصرون بها و لهم ءاذان لایسمعون بها

۸ بسیاری از انسان ها و جنیان ، علی رغم برخورداری از چشمهایی بینا و گوشهایی شنوا ، خویشتن را از دیدن و شنیدن آیات الهی محروم می سازند .

و لهم أعین لایبصرون بها و لهم ءاذان لایسمعون بها

حشر اخروی جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱

۱ خداوند در روز قیامت تمامی جن و انس را گرد می آورد.

و یوم یحشرهم جمیعا یمعشر الجن قد استکثرتم من الإنس

حیات جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۷

۷ جن موجودی دارای حیات و شعور و اراده است.

عدوا شیطین الإنس و الجن

درجات اخروی جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۲ - ۱،۲،۵

۱ هر یک از افراد جن و انس در روز قیامت از مرتبه و درجه ویژه خود برخوردارند.

و لکل درجت مما عملوا

تنوین <و لکل> عوض محذوف است و به قرینه آیه ۱۲۸ و ۱۳۰، محذوف <جن و انس> است، یعنی: <لکل من الجن و الإنس . ..> و چون آیات پیشین ترسیم قیامت بوده، ظاهر آن است که درجات مطرح شده در آیه مربوط به آن روز باشد.

۲ درجات اخروی انسان و جن بازتاب اعمال دنیوی ایشان است.

و لکل درجت مما عملوا

۵ درجات

و مراتب آخرت بر اساس آگاهی خداوند از اعمال جن و انس و سنجش دقیق آن اعطا می گردد.

و لکل درجت مما عملوا و ما ربک بغفل عما یعملون

دوستی با جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱۱

۱۱ نوعی دوستی و ارتباط و تبعیت میان برخی از آدمیان گمراه و جن (شیطانها) برقرار است.

و قال أولیاؤهم من الإنس

ذلت جنیان سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۴ - ۵

۵ - خدمت جنیان در دستگاه سلیمان (ع) ، همراه با سختی ، رنج و خفت بود .

فلمّا خرّ تبیّنت الجنّ أن لو کانوا یعلمون الغیب ما لبثوا فی العذاب المهین

رابطه با جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱۱

۱۱ نوعی دوستی و ارتباط و تبعیت میان برخی از آدمیان گمراه و جن (شیطانها) برقرار است.

و قال أولیاؤهم من الإنس

رنجهای جنیان سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۴ - ۵،۱۴

۵ - خدمت جنیان در دستگاه سلیمان (ع) ، همراه با سختی ، رنج و خفت بود .

فلمّا خرّ تبیّنت الجنّ أن لو کانوا یعلمون الغیب ما لبثوا فی العذاب المهین

۱۴ - < فی حدیث عن أبی عبداللّه (ع) (فی قوله تعالی) < . . .ما لبثوا فی العذاب المهین > معناه فی الأعمال الشاقه ;

در حدیثی از امام صادق(ع) [درباره قول خدای تعالی]<. ..ما لبثوا

فی العذاب المهین> روایت شده که معنای عذاب مهین، کارهای سخت و دشوار است>.

رؤیت جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۳۹

۳۹ - قابلیت شیاطین (جنیان) برای تجسم یافتن و دیده شدن *

یعلمون الناس السحر

سرزنش اخروی جنیان گمراه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۱

۱ گمراهان جن و انس در قیامت به صورت جمعی موردبازخواست و توبیخ قرار خواهند گرفت.

یمعشر الجن و الإنس ألم یأتکم رسل

سرزنش جنیان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۳ - ۳

۳ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس ، از سوی خداوند به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

استفهام در<فبأیّ> توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۶ - ۵

۵ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نیندیشیدن آنان در اهمیت آفرینش خود از خاک

و آتش

خلق الإنسن من صلصل . .. فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۸ - ۳

۳ - توبيخ كافران و تكذيب گران جن و انس ، به خاطر ناديده انگاشتن نعمت هاى الهى ، متجلى در طلوع و غروب خورشيد

فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

تثنيه آمدن <كما> و <تكذّبان>، ظاهراً به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۱ - ۴

۴ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خدا ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

استفهام در <فبأیّ ءالآء> توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۳ - ۴

۴ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خدا ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت فراگیر الهی

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

استفهام در<فبأیّ ءالآء> توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۵ - ۵

۵ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تثنیه آمدن <کما> و<تکذّبان>، ممکن است به خاطر توجه خطاب به جن و انس باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۸ - ۵

۵ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان>، ممکن است به خاطر توجه خطاب به جن و انس باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۰ - ۱

۱ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده گرفتن قدرت و لطف الهی در تأمین نیاز های خلق

یسله . .. کلّ یوم هو

فی شأن . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

خداونـد در آیه قبل، فقر ذاتی و نیازمنـدی موجودات و فیاضـیت و نیاز برآوری خویش را به آدمیان یادآور شده و در این آیه غافلان و کـافران را مـورد سـرزنش قرار داده کـه چرا ایـن حقیقـت را در هسـتی نادیـده می گیرنـد. تثنیـه آمـدن <کمـا> و <تکذّبان>، ظاهراً به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۱

۱ - سـرزنش شدن تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر بی توجهی آنان به موضوع حسابرسی اعمال خلق در قیامت و کیفر و پاداش الهی در آن

سنفرغ لکم أیّه الثقلان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

استفهام در <فبأیّ ءالآء> توبیخی است و تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۴ - ۱

۱ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، بر بی توجهی آنان نسبت به قدرت مطلق الهی و عجز و ناتوانی خویش

إن استطعتم . .. لاتنفذون إلاّ بسلطن . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

بـا توجه به ارتبـاط این آیه بـا آیه قبـل، از اسـتفهام توبیخی در <فبـأیّ. ..> مطلب بالا اسـتفاده می شود. گفتنی است که تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۶ - ۴

۴ سرزنش شدن کافران و

تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۸ - ۲

۲ - توبیخ شدن کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر بی اعتنایی به نعمت های الهی و غفلت از قدرت قاهر او بر نظام جهان

فإذا انشقّت السّماء . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

عبارت <انشقّت السّماء. ..> نشانگر قدرت قاهر خداوند بر جهان است و از این که پس از تذکر قدرت، تکذیب گران را به محاکمه نشانده، مطلب بالا استفاده می شود. گفتنی است که تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۰ - ۱

۱ - سرزنش شدن کافران جن و انس به خاطر تکذیب نعمت های خداوند و نادیده گرفتن فرجام گناه کاران

فیومئذ لایسل عن ذنبه . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۲ - ۲

۲ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده انگاشتن فرجام فضاحت بار و ذلیلانه مجرمان

یعرف المجرمون . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۵ - ۲

۲ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر بی

توجهی و نادیده انگاشتن نعمت های خداوند

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۷ - ۳

۳ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس به خاطر نیندیشیدن به نعمت بهشت ، بیم نداشتن از مقام پروردگار و تکذیب نعمت های او

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

لحن توبیخی آیه شریفه و تقابل تکذیب گران با بیم دارندگان از مقام پروردگار، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۹ - ۳

۳ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۱ - ۳

۳ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خدا ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فیهما عینان تجریان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۳ - ۴

۴ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۵ - ۴

۴ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی

متّکین علی . .. فبأیّ ءالآء

ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۷ - ۳

۳ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۹ - ۳

۳ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های او

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۱ - ۳

۳ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۳ - ۳

۳ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی و محروم ساختن خویش از آن

و من دونهما جنّتان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۵ - ۴

۴ – سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶۷ – ۴

۴ – سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن

نعمت ها و جلوه های ربوبیت الهی

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۹ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیبگران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۱ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۳ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۵ - ۳

۳ - توبیخ شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت پروردگار خویش

فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۷ - ۳

۳ - سرزنش شدن كافران و تكذيب گران جن و انس از سوى خداوند ، به خاطر ناديده انگاشتن نعمت ها و جلوه هاى ربوبيت او

فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

سفاهت جنيان مشرك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۴ - ۱

۱

-اعتراف ایمان آورندگان از جن ، به سفاهت و کم خردی مشرکانشان

و أنّه کان یقول سفیهنا علی اللّه شططًا

سلطه جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۶

۶ جنیان دارای قدرت نفوذ و سلطه بر آدمیان هستند.

یمعشر الجن قد استکثرتم من الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۹ - ۱

۱ خداوند، همان گونه که شیطانهای جن را بر آدمیان مسلط می کند، برخی از ظالمان را بر برخی دیگر مسلط می سازد.

یمعشر الجن قد استکثرتم . .. و کذلک نولی بعض الظلمین بعضا

<کذلک> تشبیه تسلط ظالمان بر ظالمان به سلطه جنیان بر آدمیان است. یعنی همان گونه که جنیان را بر آدمیان مسلط می سازیم، مردم ظالم را بر گروه ظالم دیگر ولایت می دهیم.

شعور جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۷

۷ جن موجودی دارای حیات و شعور و اراده است.

عدوا شیطین الإنس و الجن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۵

۵ جن دارای شعور و اختیار و نیازمند هدایت رسولان الهی است.

یمعشر الجن و الإنس ألم یأتکم رسل منکم

مقتضای بازخواست و درست بودن توبیخ آن است که مورد دارای شعور اختیار و تکلیف باشد. در غیر این صورت بازخواست و توبیخ و کیفر موجه نیست.

شک جنیان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۰ - ۱

۱ - تردید مؤمنان

جن در شناخت خیر و یا شر بودن ممنوعیت آنان از استراق سمع آسمان برای اهل زمین

و أنّا لاندری أشرّ أُرید بمن فی الأرض أم أراد بهم ربّهم رشدًا

مقصود از <رَشَد> در این آیه به قرینه مقابله آن با <شر> خیر و صلاح است.

ظلم جنیان اغواگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۹ - ۴

۴ جنیان اغواگر و آدمیان اغواشده، هر دو از ظالمانند.

یمعشر الجن قد استکثرتم من الإنس . .. و کذلک نولی بعض الظلمین بعضها

عجز جنیان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۰ - ۲

۲ - ناتوانی مؤمنان جن ، از درک صحیح تقدیر الهی در ممنوعیت آنان از استراق سمع آسمان

و أنّا لاندری أشرّ أُرید بمن فی الأرض أم أراد بهم ربّهم رشدًا

عذاب جنیان اغواگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۲۰

۲۰ جایگاه ابدی جنیان اغواگر (شیطانها) و انسانهای پیرو ایشان آتش دوزخ است.

قال النار مثویکم خلدین فیها

<مثوی> اسم مکان و به معنی جایگاه و محل استقرار است. (راغب).

عذاب جنیان حق ناپذیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۱۵ – ۴

۴ – ظالمان و حق ناپذیران جن ، همچون انسان ها ، به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد .

و أمّا القسطون فکانوا لجهنّم حطبًا

عذاب جنیان ظالم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۱۵ – ۴

۴ – ظالمان و حق ناپذیران جن

، همچون انسان ها ، به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد .

و أمّا القسطون فكانوا لجهنّم حطبًا

عصیان جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۳ - ۶

۶ اگر جن و انس راه طاعت و یا عصیان پیشه کنند، هیچ سود و زیانی به خداوند نمی رساند.

و ربک الغنی ذو الرحمه

عقیده جنیان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۵ - ۱

۱ - ایمان آورندگان از جن ، دروغ بستن بر خداوند را از سوی انس و جن ، امری ناممکن و بعید می دانستند .

و أنّا ظننّا أن لن تقول الإنس و الجنّ على اللّه كذبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۱ - ۳

۳ - از دیدگاه مؤمنان جن ، برخی از آنان صالح و نیک کردار کامل اند و برخی دیگر ضعیف و در رتبه پایین تر از صالحان قرار دارند .

و أنّا منّا الصلحون و منّا دون ذلك

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <دون> به معنای <تحت> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۳ - ۴

۴ – در دیدگاه مؤمنان جن ، ایمان آورندگان به ربوبیت خدای یکتا ، از نقصان حق خویش و یا ستم شدن در مجازات ، بیم نداشته و در امان اند .

فمن یؤمن بربّه فلایخاف بخسًا و لا رهقًا

<رَهَق> در معانی <سفاهت>، <گناه>، <کذب>و <ظلم> به کار می رود; ولی در این آیه معنای اخیر مراد است.

علم

جنیان سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۴ – ۱۰

۱۰ – جنیان خدمت گزار در دستگاه سلیمان (ع) ، از معرفتی به نام علم غیب آگاهی داشتند .

تبیّنت الجنّ أن لو کانوا یعلمون الغیب

عمل جنیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۲ – ۴،۵

۴ پروردگار هیچگاه از اعمال و رفتار جنیان و انسانها غافل نیست.

و ما ربک بغفل عما یعملون

۵ درجات و مراتب آخرت بر اساس آگاهی خداوند از اعمال جن و انس و سنجش دقیق آن اعطا می گردد.

و لکل درجت مما عملوا و ما ربک بغفل عما یعملون

عوامل مؤثر در سرنوشت جنیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۷۹ – ۷

۷ انسان ها و جنیان دارای نقشی مؤثر در تعیین فرجام و سرنوشت خویش (دوزخی شدن و یا رهایی از آن)

لهم قلوب لایفقهون بها . .. و لهم ءاذان لایسمعون بها

جمله <لایفقهون بها> و نظایر آن می رساند که گمراهان به دلیل بهره نجستن از ابزار شناخت، به وادی گمراهی گرفتار شده اند و بنابراین خود مقصر هستند.

فرجام جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۳

۳ خداوند رقم زننده سرنوشت و تعیین کننده فرجام انسان ها و جنیان

و لقد ذرأنا لجهنم کثیراً من الجن و الإنس

فرجام جنیان اغواگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۲۰

۲۰

جایگاه ابدی جنیان اغواگر (شیطانها) و انسانهای پیرو ایشان آتش دوزخ است.

قال النار مثویکم خلدین فیها

<مثوی> اسم مکان و به معنی جایگاه و محل استقرار است. (راغب).

فلسفه تلاش جنیان مؤمن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۸ – ۱

۱ – تلاش مؤمنان جن ، به منظور تماس با آسمان و دسترسی به اخبار آن

و أنّا لمسنا السماء

فلسفه خلقت جنیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۷۹ – ۲

۲ خداوند بسیاری از انسان ها و جنیان را برای ورود به دوزخ آفرید .

و لقد ذرأنا لجهنم کثیراً من الجن و الإنس

<ذرأ> (مصدر ذرأنا) به معنای آفریدن است.

قدرت جنیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۲۸ – ۶

۶ جنیان دارای قدرت نفوذ و سلطه بر آدمیان هستند.

یمعشر الجن قد استکثرتم من الإنس

قلب جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۵،۶

۵ جنیان ، مانند انسان ها ، دارای ابزار ادراک (قلب ، چشم و گوش) هستند .

لهم قلوب لایفقهون بها و لهم أعین لایبصرون بها و لهم ءاذان لایسمعون بها

۶ بسیاری از انسان ها و جنیان ، علی رغم داشتن قلب و ابزار درک ، خویشتن را از فهم حقایق و معارف الهی محروم می سازند .

لهم قلوب لایفقهون بها

جمله <لهم قلوب> (آنها قلب دارند) می رساند که انسانها و جنیان گمراه ابزار درک دارند و جمله <لایفقهون بها> توضیح می دهد که آنان

از ابزار شناختی که در اختیار دارند بهره نمی گیرند.

کیفر جنیان کافر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳۸ – ۲،۴

۲ آتش دوزخ جایگاه اجتماع و به هم پیوستن جنیان و آدمیان کافر و مشرک است.

قال ادخلوا فی أمم قد خلت من قبلکم من الجن و الإنس فی النار

۴ جنیان نیز همانند آدمیان، در صورت تکذیب آیات الهی و گرایش به کفر و شرک، در معرض مجازاتهای الهی هستند.

قال ادخلوا فی أمم قد خلت من قبلکم من الجن و الإنس فی النار

کیفر جنیان مشرک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳۸ – ۲،۴

۲ آتش دوزخ جایگاه اجتماع و به هم پیوستن جنیان و آدمیان کافر و مشرک است.

قال ادخلوا فی أمم قد خلت من قبلکم من الجن و الإنس فی النار

۴ جنیان نیز همانند آدمیان، در صورت تکذیب آیات الهی و گرایش به کفر و شرک، در معرض مجازاتهای الهی هستند.

قال ادخلوا فی أمم قد خلت من قبلکم من الجن و الإنس فی النار

گوش جنیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۷۹ – ۵،۸

۵ جنیان ، مانند انسان ها ، دارای ابزار ادراک (قلب ، چشم و گوش) هستند .

لهم قلوب لایفقهون بها و لهم أعین لایبصرون بها و لهم ءاذان لایسمعون بها

۸ بسیاری از انسان ها و جنیان ، علی رغم برخورداری از چشمهایی بینا و گوشهایی شنوا ، خویشتن را از دیدن و شنیدن آیات الهی محروم می

سازند .

و لهم أعين لایبصرون بها و لهم ءاذان لایسمعون بها

لذاید جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱۴،۱۵

۱۴ وجود خواسته ها و لذتهای نفسانی در جن (شیطان)

قد استکثرتم استمتع بعضنا ببعض

۱۵ جنیان از اغوای آدمیان بهره و لذت می برند.

و قال أولیاؤهم من الإنس ربنا استمتع بعضنا ببعض

مخلوقیت جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۰ - ۲،۳

۲ چون جنیان، مخلوق خدا هستند، شریک او نمی توانند باشند.

و جعلوا لله شرکاء الجن و خلقهم

۳ جنیان (نیروها و موجودات پنهان) مخلوق خداوند هستند.

و جعلوا لله شرکاء الجن و خلقهم

مسؤولیت جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۳

۳ اشتراک جن و انس در لزوم اطاعت از رسولان الهی و بهرهوری از هدایتهای ایشان

یمعشر الجن و الإنس ألم یأتکم رسل منکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳۸ – ۳

۳ جنیان نیز همانند آدمیان، موظف به پیروی از رسولان الهی و مکلف به تکالیف دینی هستند.

قال ادخلوا . .. من الجن و الإنس فی النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۷۹ – ۴

۴ جنیان همانند انسان ها مکلف به تصدیق آیات الهی و انجام فرمان های او هستند .

و لقد ذرأنا لجهنم کثیراً من الجن و الإنس

با توجه به آیه قبل معلوم می شود جنیانی به دوزخ خواهند رفت که آیات الهی

را تکـذیب کننـد. بنـابراین آنهـا موجوداتی هسـتند مکلف به تکالیف الهی و از جمله تکالیف آنها ایمان آوردن به آیات الهی است.

مشرکان و جنیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۰۰ – ۱

۱ برخی مشرکان خداوند را دارای شریکانی از جنیان می دانستند.

و جعلوا لله شرکاء الجن

منشأ سرنوشت جنیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۷۹ – ۳

۳ خداوند رقم زننده سرنوشت و تعیین کننده فرجام انسان ها و جنیان

و لقد ذرأنا لجهنم کثیراً من الجن و الإنس

مؤاخذه اخروی جنیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۲۸ – ۵

۵ جنیان و انسانها در قیامت مورد بازخواست مشترک قرار خواهند گرفت.

یمعشر الجن . .. و قال أولیاؤهم من الإنس

مؤاخذه اخروی جنیان گمراه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۰ – ۱

۱ گمراهان جن و انس در قیامت به صورت جمعی موردبازخواست و توبیخ قرار خواهند گرفت.

یمعشر الجن و الإنس ألم یأتکم رسل

مؤاخذه جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۷

۷ جنیان اغواگر در برابر بازخواست خداوند از آنان به سبب گمراه ساختن آدمیان، هیچ عذر و پاسخی ندارند.

یمعشر الجن قد استکثرتم من الإنس و قال أولیاؤهم من الإنس

نقل پاسخ آدمیان به جای پاسخ جنیان، که مستقیماً مورد سؤال بودند، می تواند اشاره به درماندگی آنان از پاسخ و اعتذار باشد.

نارضایتی جنیان سلیمان(ع)

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۴ – ۷

۷ – خدمت در دستگاه سلیمان (ع) ، برای جنیان خوشایند نبود .

فلمّا خرّ تبیّنت الجنّ أن لو کانوا یعلمون الغیب ما لبثوا فی العذاب المهین

نقش جنیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۷۱ – ۱۳

۱۳ بازگشت کننده به شرک (مرتد) مانند دیوانه ای سرگردان است که شیطانها (جنیان) عقل او را زایل کرده اند.

أندعوا من دون الله . .. و نرد ... کالذی استهوته الشیطین

<استهوته الشیاطین> یعنی شیطانها عقل و فکر او را برده اند. همچنین جمله <استهوته الشیاطین> را در موردی که شخصی جن زده شده باشد، به کار می برند. (لسان العرب).

نقش جنیان اغواگر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۲۸ – ۸،۹،۱۳

۸ جنیان در تلاشند با گسترش نفوذ خود بر آدمیان تعداد بیشتری از آنان را گمراه کنند.

یمعشر الجن قد استکثرتم من الإنس

در لسان العرب آمده است: <استکثر من الشی> رغب فی الکثیر منه یعنی در انبوهی از آن میل و رغبت کرد. لذا <استکثرتم من الإنس> در آیه که خطاب به جنیان است یعنی شما در بسیاری از آدمیان میل و رغبت کردید تا آنان را گمراه سازید.

۹ جنیان اغواگر در صدد تبدیل هر چه بیشتر آدمیان به شیطانهای اغواگر مانند خود هستند. *

یمعشر الجن قد استکثرتم من الإنس

<استکثار> به معنی طلب زیادتی است، لذا از معانی محتمل در <استکثرتم من الانس> آن است که استکثار از آن جهت

باشد

که شیطانها در صددند از آدمیان نیز هر چه بیشتر شیطان تولید کنند.

۱۳ جنیان اغواگر و انسانهای پیرو آنها برای انحراف و گمراهی از یکدیگر بهره می برند.

و قال أولیاؤهم من الإنس ربنا استمتع بعضنا ببعض

<استمتع> به معنای طلب تمتع و بهره جویی است و مراد از <بعض>، برخی از جنیان و انسانها هستند، چون بنای سخن نیز سؤال از روابط متقابل این دو گروه در دنیاست.

نیازهای جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۵

۵ جن دارای شعور و اختیار و نیازمند هدایت رسولان الهی است.

یمعشر الجن و الإنس ألم یأتکم رسل منکم

مقتضای بازخواست و درست بودن توبیخ آن است که مورد دارای شعور اختیار و تکلیف باشد. در غیر این صورت بازخواست و توبیخ و کیفر موجه نیست.

جنابت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جنابت

آثار جنابت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ آلودگی و ناپاکی انسان ، در حال جنابت

لا تقربوا الصلوه . .. و لا جنباً و ... حتی تغتسلوا

نیاز جنب به غسل حاکی از آلودگی اوست.

احکام جنابت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۴۳ – ۱۰،۱۲،۱۳،۱۴،۱۵،۱۷،۲۲،۲۴،۳۶

۱۰ بطلان نماز در حال جنابت

لا تقربوا الصلوه . .. و لا جنباً

۱۲ حرمت ورود جُنب به مسجد

لا تقربوا الصلوه . .. و لا جنباً

بنابر اینکه مقصود از <الصلوه>، جایگاه متعارف آن، یعنی مساجد باشد ; به دلیل <الّا عابری سبیل>.

۱۳ جواز عبور جُنب از مسجد

لا تقربوا الصلوه . .. و لا جنباً الّا عابری

سبیل

۱۴ جنب ، برای برپایی نماز باید غسل کند .

لا تقربوا الصلوه . .. حتی تغتسلوا

۱۵ غسل ، رافع جنابت است .

و ان کنتم جنباً . .. حتی تغتسلوا

۱۷ تیمم ، موجب رفع جنابت نمی شود .

و لا جنباً . .. حتی تغتسلوا

بر این مبنا که مراد از <عابری سبیل> مسافر باشد، جمله <لا تقربوا . .. > گویای این است که مسافر جنب با فرض جنابت می تواند نماز بخواند و با توجّه به ذیل آیه، که وظیفه مسافر جنب را تیمم قرار داده، معلوم می شود تیمم او رافع جنابتش نیست.

۲۲ وظیفه محدث و جُنُب در صورت نیافتن آب برای برپایی نماز ، تیمم است .

او جاء احد منکم من الغائط او لمستم النساء فلم تجدوا ماءً فتیمّموا

۲۴ محدث پس از یافتن آب باید غسل کند و یا وضو بگیرد ، هر چند پیش از آن به جهت نبود آب تیمم کرده باشد .

یا ایّها الذین امنوا . .. فتیمّموا

مفهوم جمله شرطیه <ان کنتم . .. لمستم ... فلم تجدوا ماءً فتیمّموا>، این است که در صورت یافتن آب، با تیمم نمی توان نماز خواند. بنابراین کسی که به آب دسترسی نداشته و تیمم کرده در صورت یافتن آب باید غسل کند یا وضو بگیرد.

۳۶ ممنوعیّت ورود جنب به مسجد ، مگر به صورت عبور

و لا جنباً الّا عابری سبیل حتّی تغتسلوا

امام باقر (ع) در پاسخ سؤال از ورود جنب و حائض به مسجد فرمود: الحائض و الجنب لا یدخلان المسجد الا مجتازین ان اللّه تبارک و تعالی یقول: و لا جنباً الا عابری .

. ..

علل الشرایع، ص ۲۸۸، ح ۱، ب ۲۱۰ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۸۴، ح ۲۶۶، ۲۶۷ ; تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۳، ح ۱۳۸ ; تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۳۹.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۱۴

۱۴ وظیفه محدث و جنب در صورت نیافتن آب برای غسل یا وضو ، تیمم است .

او جاء أحد منکم من الغائط او لمستم النساء فلم تجدوا ماء فتیمموا

غسل جنابت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۱۵

۱۵ - در صورت مباشرت با همسران ، در شب های رمضان ، باید پیش از طلوع فجر غسل کرد . *

فالن بشروهن و ابتغوا ما کتب اللّه لکم . .. حتّی یتبیّن لکم الخیط الأبیض

برخی از مفسران بر آنند که مراد از <ما کتب اللّه> تحصیل طهارت است; چنانچه در سوره مائده (آیه ۶) آمده است: <و إن کنتم جنباً فاطهروا . .. أو لامستم النساء فلم تجدوا ماء فتیمموا صعیداً طیباً>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۸،۱۰،۱۱

۸ وجوب تحصیل طهارت (غسل) بر شخص جنب ، برای خواندن نماز

و إن کنتم جنباً فاطهروا

جمله <ان کنتم . ..> عطف بر جمله ای مقدر است و کلام با تقدیر آن چنین می شود: <اذا قمتم الی الصلوه فتوضوا ان لم تکونوا جنباً و ان کنتم جنباً فاطهروا>. بنابراین غسل مشروط می شود به هنگامی که جنب می خواهد نماز بخواند.

۱۰ با غسل جنابت

، بدون گرفتن وضو ، می توان نماز خواند .

إذا قمتم إلی الصّلوه . .. و إن كنتم جنباً فاطهروا

با توجه به تقدير آيه (فاغسلوا . .. ان لم تكونوا جنباً و ان كنتم جنباً فاطهروا)، معلوم می شود كه ضرورت وضو و تشريع آن در صورتی است كه شخص جنب نباشد.

۱۱ رعايت ترتيبی خاص در شستن بدن برای غسل جنابت ، لازم نيست . *

و إن كنتم جنباً فاطهروا

از اينكه خداوند برای وضو و تيمم به ترتيب خاصی بين اعضا اشاره فرموده است و درباره غسل جنابت ترتيبی خاص ذكر نكرده، معلوم می شود هيچ ترتيبی بين شستن اعضای بدن مورد نظر نبوده است.

جُنُب

احكام جُنُب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۸

۸ وجوب تحصيل طهارت (غسل) بر شخص جنب ، برای خواندن نماز

و إن كنتم جنباً فاطهروا

جمله <ان كنتم . ..> عطف بر جمله ای مقدر است و كلام با تقدير آن چنين می شود: <اذا قمتم الی الصلوه فتوضوا ان لم تكونوا جنباً و ان كنتم جنباً فاطهروا>. بنابراين غسل مشروط می شود به هنگامی كه جنب می خواهد نماز بخواند.

جنايت از ديدگاه قرآن در تفسير راهنما

جنايت

عوامل جنايت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۹

۹ گستاخی نفس آدمی ، تا حد وادار سازی وی به قتل و جنایت

فطوعت له نفسه قتل اخیه

قصاص قبل از جنایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۱ - ۵

۵ - قصاص قبل از جنایت ، امری ناروا

و ممنوع است .

و لمن انتصر بعد ظلمه

قید <بعد ظلمه> می تواند اشاره به این داشته باشد که قبل از تحقق ظلم، هرگونه اقدام انتقام جویانه، مطرود است.

جنبندگان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جنبندگان

ازدیاد جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۰ - ۹،۱۱

۹ - گسترش نسل جنبندگان بر پهنه زمین ، در پرتوِ آمادگی محیط زیستی آن است .

خلق . .. و ألقی ... و بثّ فیها من کلّ دابّه

۱۱ - خداوند ، از هر نوع جنبنده ای ، در زمین آفریده و در آن گسترانیده است .

و بثّ فیها من کلّ دابّه

امّت جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۱

۱ تمامی جنبدگان زمینی و پرندگان آسمان، مانند آدمیان، به صورت امت زندگی می کنند.

و ما من دابه فی الأرض و لا طئر یطیر بجناحیه إلا أمم أمثالکم

انقیاد جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۶ - ۸

۸ همه موجودات زنده ، تحت فرمان و حاکمیت خداوند هستند .

ما من دابّه إلاّ هو ءاخذ بناصیتها

<ناصیه> به قسمت جلوی سر گفته می شود و گاهی به موهای جلوی سر نیز به اعتبار رستنگاهش ، اطلاق می گردد. گرفتن جلوی سر و یا موهای آن ، کنایه از تسلط و حاکمیت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۹ - ۱،۶

۱- تمامی جنبندگان عالم در برابر خداوند ، همواره منقاد و ساجدند .

و لله یسجد ما فی السموت و ما فی الأرض

من دابّه و الملئکه

۶- همه جنبندگان در برابر خداوند منقادند و استکبار نمیورزند .

و لله یسجد ما فی السموت و ما فی الأرض من دابّه . .. و هم لایستکبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۱

۱ - سجده (خضوع و انقیاد) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنبندگان برای خدا

ألم تر أنّ اللّه یسجد له من فی السموت و من فی الأرض . .. و الشجر و الدواب

<سجود> (مصدر <یسجد>) به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

بدترین جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۱۳

۱۳ تکذیب کنندگان آیات الهی به دلیل بهره نگرفتن از ابزار شناخت معارف الهی از چارپایان بدترند .

بل هم أضل

حرف <بل> برای اضراب است که در این مورد به معنای انتقال از غرضی به غرض مهمتر می باشد. در نتیجه مفاد <بل> این است که اگر چه تکذیب کنندگان مانند چهارپایان از درک آیات الهی محرومند، ولی چون از ابزاری برای شناخت آیات الهی بهره مند بودند که حیوانات فاقد آن هستند، باید آنان را از چهارپایان نیز فرومایه تر خواند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۲ - ۱،۴

۱ انسان های حق ناشنوا و خاموش از بیان معارف حق و فاقدان فهم حقایق دینی ، بدترین جنبندگان در پیشگاه خداوند

إن شر الدواب عند اللّه الصم البکم الذین لایعقلون

کلمات <الصم> و <البکم> به ترتیب جمع <الاصم

= کر> و <الابکم = لال> است. <الـذین لایعقلون> خبر سوم برای <إن> می باشـد. قابل ذکر است که صـفت بودن آن برای <الصم> و <البکم> نیز محتمل است.

۴ مـدعیان ایمـان در صورتی که ملتزم به اطـاعت از خـدا و رسول نبوده و از فرمـان های آن حضـرت گریزان باشـند ، بـدترین جنبندگانند .

یأیها الذین ءامنوا أطیعوا اللّه . .. إن شر الدواب عند اللّه الصم البکم

تأمین روزی جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶ - ۳،۵

۳ تأمین روزی موجودات زنده ، حق آنها بر خداست .

و ما من دابّه فی الأرض إلاّ علی الله رزقها

۵ علم همه جانبه خداوند ، پشتوانه توانایی او بر روزی رسانی به موجودات و تدبیر امور آنهاست .

و ما من دابّه فی الأرض إلاّ علی الله رزقها و یعلم مستقرها و مستودعها

هـدف از بیـان آگـاهی خداونـد به احـوال موجـودات ، پس از <علی الله رزقهـا> القـای این نکته است که: روزی رسـانی به موجودات و تدبیر امور آنها ، نیازمند علمی گسترده است که خداوند آن را داراست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۰ - ۱،۶،۹

۱ - بسیاری از جانداران ، توان تهیه روزی خود را ندارند .

و کأیّن من دابّه لاتحمل رزقها

<حماله> مصدر <تحمل> به معنای <کفالت و برعهده گرفتن> است.

۶ - خداونـد ، در تـأمین روزی موجودات ، میـان موجوداتی که قـادر به تـأمین روزی شـان هسـتند و آنهایی که قادر نیسـتند ، تفاوتی نمی گذارد و همه را روزی می دهد .

و كأيّن من دابّه لاتحمل

رزقها اللّه یرزقها و إیّاکم

عطف <إیّاکم> بر ضمیر <یرزقها> که مرجع آن <دابّه> با صفت یاد شده است اشعار به نکته یاد شده دارد.

۹ - آگاهی همه جانبه خداوند ، باعث تأمین روزی موجودات نیازمند است .

اللّه یرزقها و إیّاکم و هو السمیع العلیم

تنوع جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۱۴

۱۴ - وجود جنبندگان متنوع و مختلف در هر کجای زمین ، از نشانه های توحید و رحمت گستری خداوند است .

و بث فیها من کل دابه . .. لأیت

توحید عبادی جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۹ - ۴

۴- تمامی موجودات جنبنده و فرشتگان ، تنها در برابر خداوند سجده می کنند .

و لله یسجد ما فی السموت و ما فی الأرض من دابّه و الملئکه

ثبت روزی جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶ - ۶

۶ نام و نشان هر جنبنده ، مقدار و نوع روزی آن و نیز مکانی که باید در آن روزی داده شود ، در کتابی ثبت شده است .

و ما من دابّه. .. کل فی کتب

مضاف الیه کلمه <کل> محذوف است و جمله های پیشین گویای آن است; یعنی: <کل دابه و ما یتعلق بها فی کتاب

مبین>

جنبندگان در کتاب مبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۶ – ۶

۶ نام و نشان هر جنبنده ، مقدار و نوع روزی آن و نیز مکانی که باید

در آن روزی داده شود ، در کتابی ثبت شده است .

و ما من دابّه. .. کل فی کتب

مضاف الیه کلمه <کل> محذوف است و جمله های پیشین گویای آن است; یعنی: <کل دابه و ما یتعلق بها فی کتاب مبین>

جنبندگان مادی آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۹ - ۲

۲- وجود جنبندگانی جسمانی در آسمانها

و لله یسجد ما فی السموت . .. من دابّه

<من> برای بیان <ما>ی موصول است. <دابّه> در لغت به معنای جنبنده ای است که حرکتش محسوس نیست. <دابّه> در موضع نصب بوده و حال برای فاعل <یسجد> است. بنابراین به قرینه عطف <ملائکه> که موجودات مجردی اند بر <ما>، دابّه می تواند موجود جسمانی باشد.

جنبندگان و استکبار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۹ - ۶

۶- همه جنبندگان در برابر خداوند منقادند و استکبار نمیورزند .

و لله یسجد ما فی السموت و ما فی الأرض من دابّه . .. و هم لایستکبرون

حاکم جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۶ - ۷

۷ باور به حاکمیت خداوند بر موجودات و توجه به ربوبیت او بر انسانها ، ایجاد کننده روحیه توکل در آنان است .

إنی توکلت علی الله ربی و ربکم ما من دابّه إلاّ هو ءاخذ بناصیتها

حقوق جنبندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۶ – ۲،۳

۲ هر موجود زنده ای ، دارای حق تغذیه در دوران حیات خویش

و ما من

دابّه فی الأرض إلاّ علی الله رزقها

۳ تأمین روزی موجودات زنده ، حق آنها بر خداست .

و ما من دابّه فی الأرض إلاّ علی الله رزقها

خلقت جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۰ - ۱۱

۱۱ - خداوند ، از هر نوع جنبنده ای ، در زمین آفریده و در آن گسترانیده است .

و بثّ فیها من کلّ دابّه

ذخیره غذای جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۰ - ۲

۲ - خیلی از جنبندگان ، توان ذخیره سازی مواد غذایی خود را ندارند .

و کأیّن من دابّه لاتحمل رزقها

در این که <مراد از <لاتحمل رزقها> چیست؟>، دو احتمال وجود دارد: یکی، تأمین روزی است و دیگر حمل و ذخیره سازی آن است. برداشت بالا بنابر احتمال دوم است.

ذکر تأمین روزی جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۰ - ۳

۳ - توجه به تأمین روزی انبوه جنبندگان ناتوان از تأمین روزی خود ، زمینه ساز توکل به خداوند است .

علی ربّهم یتوکّلون . و کأیّن من دابّه لاتحمل رزقها

زندگی جمعی جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۱

۱ تمامی جنبدگان زمینی و پرندگان آسمان، مانند آدمیان، به صورت امت زندگی می کنند.

و ما من دابه فی الأرض و لا طئر یطیر بجناحیه إلا أمم أمثالکم

سجده جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۹ - ۱،۴

۱- تمامی جنبندگان

عالم در برابر خداوند ، همواره منقاد و ساجدند .

و لله يسجد ما فى السموت و ما فى الأرض من دابّه و الملئكه

۴- تمامى موجودات جنبنده و فرشتگان ، تنها در برابر خداوند سجده مى كنند .

و لله يسجد ما فى السموت و ما فى الأرض من دابّه و الملئكه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۱

۱ - سجده (خضوع و انقياد) اهل آسمان و زمين و نيز خورشيد ، ماه ، ستارگان ، كوه ها ، درختان و جنبندگان براى خدا

ألم تر أنّ اللّه يسجد له من فى السموت و من فى الأرض . .. و الشجر و الدواب

<سجود> (مصدر <يسجد>) به معناى اظهار خضوع و انقياد است.

سيستم جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - جنبندگان زمين ، تشكيل دهنده مجموعه و سيستمى كامل اند .

و بثّ فيها من كلّ دابّه

تعبير <من كلّ> ممكن است، صرفاً بيان كننده كثرت نباشد; بلكه نوعى جامعيت را در روابط ميان حيوانات و استفاده آنان از هم ديگر بيان كند.

عجز جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۶ - ۹

۹ هيچ جنبنده اى چه انسان و چه حيوان بدون خواست خداوند ، توانا بر ضرررسانى به ديگرى نيست .

ثم لاتنظرون. إنی توکلت علی الله ... ما من دابّه إلّا هو ءاخذ بناصیتها

مقصود از بیان سلطه خداوند بر همه جانداران ، به دلیل وقوع آن پس از مبارزه طلبی هود(ع) و توکل بر

خداونـد ، این معناست که: همه چیز مقهور خواست خداونـد است و بـدون رخصت او ، هیـچ جانـداری چه رسـد به بتهای بی جان توانا بر ضرر رسانی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۰ - ۱،۲

۱ - بسیاری از جانداران ، توان تهیه روزی خود را ندارند .

و کأیّن من دابّه لاتحمل رزقها

<حماله> مصدر <تحمل> به معنای <کفالت و برعهده گرفتن> است.

۲ - خیلی از جنبندگان ، توان ذخیره سازی مواد غذایی خود را ندارند .

و کأیّن من دابّه لاتحمل رزقها

در این که <مراد از <لاتحمـل رزقهـا> چیست؟>، دو احتمـال وجود دارد: یکی، تـأمین روزی است و دیگر حمـل و ذخیره سازی آن است. برداشت بالا بنابر احتمال دوم است.

مکان روزی جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶ - ۶

۶ نام و نشان هر جنبنده ، مقدار و نوع روزی آن و نیز مکانی که باید در آن روزی داده شود ، در کتابی ثبت شده است .

و ما من دابّه.. کل فی کتب

مضـاف الیه کلمه <کـل> محـذوف است و جمله هـای پیشـین گویـای آن است; یعنی: <کـل دابه و مـا یتعلق بهـا فی کتاب مبین>

منزل دائمی جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶ - ۴

۴ خداوند ، به منزل و مأوای دایم و موقت هر جنبنده ای آگاه است .

یعلم مستقرها و مستودعها

<مستقر> اسم مکان از استقرار و به معنای مقر و قرارگاه است. بنابراین <مستقرها>؛یعنی، جایگاهی که آن جنبنده در

آن استقرار دارد و منزل دایمی یا غالبی اوست. <مستودع> اسم مکان از استیداع (ودیعه گذاشتن و یا ودیعه گرفتن) است و از آن جا که ودیعه به طور موقت و نه دایمی در جایی نگهداری می شود، می توان گفت: مراد از <مستودعها> جایگاهی است که آن جنبنده، به طور موقت در آن جایگاه به سر می برد.

منزل موقت جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶ - ۴

۴ خداوند ، به منزل و مأوای دایم و موقت هر جنبنده ای آگاه است .

یعلم مستقرها و مستودعها

<مستقر> اسم مکان از استقرار و به معنای مقر و قرارگاه است. بنابراین <مستقرها>؛یعنی، جایگاهی که آن جنبنده در آن استقرار دارد و منزل دایمی یا غالبی اوست. <مستودع> اسم مکان از استیداع (ودیعه گذاشتن و یا ودیعه گرفتن) است و از آن جا که ودیعه به طور موقت و نه دایمی در جایی نگهداری می شود، می توان گفت: مراد از <مستودعها> جایگاهی است که آن جنبنده، به طور موقت در آن جایگاه به سر می برد.

منشأ پیدایش جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۱۲،۱۳

۱۲ - باران ، منشأ حیات در زمین و موجب پیدایش جنبندگان در آن است .

فأحیا به الأرض بعد موتها و بث فیها من کل دابه

<بث> به معنای پراکنده ساختن است و مراد از آن در آیه شریفه ایجاد انواع جنبندگان و ازدیاد آنها با توالد و تناسل و پراکنده ساختنشان در زمین است. <بث فیها> می تواند عطف بر <أحیا ...>

باشد که در این صورت متفرع بر <أنزل من السماء من ماء> خواهد بود و گویای این است که: منشأ به وجود آمدن حیوانات آبهای فرود آمده از آسمان می باشد.

۱۳ - خداوند احیاء کننده زمین ، ایجاد کننده موجودات زنده در آن و منتشر سازنده آنها در سراسر گیتی است .

فأحیا به الأرض . .. و بث فیها من کل دابه

منشأ روزی جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶ - ۱

۱ خداوند ، عهده دار روزی رسانی به همه جنبندگان زمین

و ما من دابّه فی الأرض إلاّ علی الله رزقها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۰ - ۴

۴ - خداوند ، روزی دهنده جنبندگان و انسان ها است .

اللّه یرزقها و إیّاکم

نقش جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۱ - ۱

۱ - آسمان ها و کوه ها و جنبندگان و . . . ، تبلور آفرینندگی خداوند است .

هذا خلق اللّه فأرونی ماذا خلق الذین من دونه

نیازهای مادی جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶ - ۲

۲ هر موجود زنده ای ، دارای حق تغذیه در دوران حیات خویش

و ما من دابّه فی الأرض إلاّ علی الله رزقها

جنسیت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جنسیت

ارزش جنسیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۴ - ۴،۵

۴ ایمان و عمل صالح ، معیار ارزش انسانهاست ; نه جنسیت ایشان .

و من یعمل من

الصلحت من ذکر او انثی و هو مؤمن

۵ بهره منـدی مردم از پـاداش هـای الهی و ورودشـان به بهشت ، در گرو ایمـان و عمـل صالـح است ، نه جنسـیت و انتساب به مذهب یا فرقه ای خاص .

و من یعمل من الصلحت من ذکر او انثی و هو مؤمن فأولئک یدخلون الجنه

تعیین جنسیت فرزند

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۵۰ – ۶

۶ – حـاکمیت مطلق و بلامنـازع خـدا در صـحنه هسـتی ، پشـتوانه اجرای مشـیت او در میزان جمعیت و نـوع جنسـیت فرزنـدان خانواده

للّه ملک السموت . .. و یجعل من یشاء عقیمًا

تغییر جنسیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۱۹ – ۱۰

۱۰ شیطان ، در صدد وادار ساختن انسان ها به تغییر مخلوقات الهی (همانند تبدیل کردن زن به مرد و . . .)

و لامرنهم فلیغیرن خلق اللّه

جنسیت انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷ – ۱

۱– تمامی رسولان الهی ، از نوع بشر و جنس مرد بودند .

و ما أرسلنا قبلک إلّا رجالاً

جنسیت توطئه گران قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۴

۱۴ - گردانندگان توطئه < افک > همگی از مردان بودند .

إنّ الذین جاءو بالإفک . ..لکلّ امری منهم ما اکتسب من الإثم

<مرء> در لغت هم به معنای انسان آمده و هم به معنای مرد; ولی به قرینه شأن نزول آیه شریفه، در این جا

به معنای مرد است.

جنسیت در جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱ - ۷

۷ - جن ، متشکل از مردان و زنان

استمع نفر من الجنّ

برداشت یاد شده، با توجه به معنای <نفر> (گروهی از مردان متشکل از سه تا ده نفر) می باشد; زیرا لازمه وجود مردان در هر دسته و نوعی از موجودات، وجود زنان در میان آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۶ - ۸

۸ - جن ، موجودی متشکل از دو جنس مرد و زن

کان رجال من الإنس یعوذون برجال من الجنّ

جنسیت فرزند ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۱ - ۴

۴ - بشارت خداوند به ابراهیم (ع) ، به پسر بودن فرزند مورد درخواست او

ربّ هب لی من الصلحین . فبشّرنه بغلم حلیم

جنسیت گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۱

۱ - سامری ، از زیورآلات به دور ریخته شده بنی اسرائیل ، تندیسی به شکل گوساله نر ساخت و آن ارائه کرد .

فأخرج لهم عجلًا جسدًا

<عجل>; یعنی، گوساله نر. توصیف <عجلًا> به <جسداً> بیانگر این نکته است که گوساله به شکل تندیس بود; نه این که گوساله واقعی باشد. جمله <فأخرج لهم...> ممکن است کلام خداوند باشد و احتمال می رود ادامه سخن بنی اسرائیل باشد. در صورت دوم، مراد گویندگان به قرینه گفتن <لهم> نه <لنا> تبرئه خود از پرستش گوساله است.

جنسیت

ملائکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۲۱ – ۳

۳ – اعراب جاهلی ، معتقد به دختر بودن فرشتگان

أفریتم اللّت و العزّی . .. ألکم الذّکر و له الأُنثی

از ارتباط میان آیات، می توان استفاده کرد که مشرکان، فرشتگان را دختران خدا و بت ها را مظهری برای آنها می پنداشتند. بدین جهت اسامی مؤنث برای بت ها، (لات و...) برمی گزیدند.

منشأ تعیین جنسیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۳۹ – ۴

۴ – نقش اصلی نطفه و منی مرد ، در تعیین جنسیت *

ألم یک نطفه من منیّ یمنی . .. فجعل منه الزوجین الذکر و الأُنثی

ضمیر در <منه الزوجین. ..> به <منی> بازمی گردد. بر این اساس می توان گفت: احتمالاً ـ این نطفه مرد است که زوجین (مرد و زن) را پدید می آورد و جنسیت فرزند را تعیین می کند.

منشأ تعیین جنسیت جنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۹ – ۱۰

۱۰ – دختر یا پسر بودن جنین ، تابع قوانین جاری خداوند در آفرینش است .

للّه ملک السموت . .. یخلق ما یشاء یهب لمن یشاء إنثًا ... الذکور

ارتباط بین بخش های آیه شریفه (<مالکیت یگانه خدا بر هستی>، <مشیت در آفرینش> و <مشیت در جنسیت جنین>) می فهمانند که میان مالکیت خدا بر کل هستی و مشیت او در آفرینش، ارتباط است که واژه <قانون> می تواند بیانگر آن

باشد.

وقت تشخیص جنسیت جنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ –

نجم - ۵۳ - ۴۶ - ۵

۵ - مشخص شدن جنسیت (نر و ماده بودن) ، پس از استقرار نطفه در رحم

و أنّه خلق الزوجین الذکر و الأُنثی . من نطفه إذا تمنی

وصف <إذا تمنی>، می تواند بیانگر این معنا باشد که نوع زوجین و جنسیت آنها، پس از جریان نطفه و استقرار در رحم صورت می گیرد.

جنگ از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جنگ

{جنگ}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۲ - ۱،۱۲،۱۸

۱ تمایل دو گروه از رزمندگان احد به سستی و انصراف از شرکت در جنگ

اذ همّت طائفتان منکم ان تفشلا

بیشتر مفسرین برآنند که آیه فوق در مورد نبرد احد نازل شده است.

۱۲ سستی و هراس در هنگامه های دشوار (همانند جنگ) و تصمیم به نافرمانی از پیامبر (ص) ، به تنهایی ، موجب خروج از ولایت و حمایت الهی نیست .

اذ همّت . .. و اللّه ولیّهما

جمله <و اللّه ولیّهما>، در عین اعتراض به گروههایی که قصد انحراف از جنگ و نافرمانی از رسول خدا (ص) را داشتند، بیانگر این است که این تصمیمشان، باعث نشد که ولایت الهی از آنان منقطع شود.

۱۸ تمایل بنی حارثه و بنی سلمه به سستی و انصراف از شرکت در جنگ احد

اذ همّت طائفتان منکم

امام باقر و امام صادق (ع) درباره <طائفتان> در آیه فوق فرمودند: <و الطّائفتان هما بنو سلمه و بنو حارثه حیّان من الانصار.

مجمع البیان، ج ۲، ص ۸۲۴.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۲۳ – ۹

۹ سرزنش

خداوند به پیکارگران احد که چرا علی رغم مشاهده یاری الهی در جنگ بدر ، تصمیم به سستی در کارزار احد گرفتند .

و اذ همّت طائفتان منکم ان تفشلا . .. و لقد نصرکم اللّه ببدر و انتم اذلّه

لحن آیه، حکایت از سرزنش مسلمانانی است که در جنگ احد، تصمیم به سستی و نافرمانی گرفتند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۲۸ – ۱۳،۱۴

۱۳ رویارویی و نبرد با اهل ایمان ، ظلم است و محاربانِ با اهل ایمان ، ظالم هستند .

لیقطع طرفاً من الّذین کفروا . .. فانّهم ظالمون

۱۴ دشمنان محارب با اهل ایمان ، مستحقّ عذاب الهی

او یعذّبهم فانّهم ظالمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۰ – ۱۹

۱۹ مؤمنان استوار در نبرد اُحُد و دیگر هنگامه های پیکار با کافران ، برگزیدگان خداوند برای گواهی بر اعمال مردم

و تلک الایّام . .. و لیعلم اللّه الّذین امنوا و یتّخذ منکم شهداء

ترک لام در <و یتّخذ>، اشاره به این معنا دارد که برگزیدن، در پی مشخّص شدن مؤمنان واقعی است. یعنی مؤمنان واقعی برای گواه بودن برگزیده می شوند. گفتنی است که در برداشت فوق، متعلق حذف شده <شهدآء>، اعمال مردم، گرفته شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۱ – ۱

۱ شکست و پیروزی مؤمنان در جنگ با کافران ، عاملی برای خالص سازی مؤمنان

و تلک الایّام نداولها . .. و لیمحّص اللّه الّذین امنوا

فعل <یمحّص> از مصدر <تمحیص> به

معنای خالص کردن از ناخالصیها و نقصهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۱ - ۴

۴ خداوند با القای وحشت و دلهره در دل های کفرپیشگان تقویت کننده روحیه جامعه ایمانی در رویارویی با آنان

سنلقی فی قلوب الّذین کفروا الرّعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۸

۸ سستی ، نزاع و تفرقه و سرپیچی از فرماندهی ، از عوامل شکست جنگجویان

حتّی اذا فشلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۳ - ۱۰،۱۱

۱۰ تلاش مستمر پیامبر (ص) برای جلوگیری از شکست مسلمانان در کارزار احد

و الرّسول یدعوکم فی اخریکم

۱۱ بی اعتنایی به دعوت پیامبر (ص) در پیکار احد ، موجب شکست مسلمانان در آن کارزار

ثمّ صرفکم . .. و الرّسول یدعوکم فی اخریکم

بنابر اینکه <اذ تصعدون> متعلق به <صرفکم> باشد، آیه مزبور در مقام بیان علتهای شکست احد است. بنابراین جمله <و لاـ تلون علی احد و الرّسول ... >، که حاکی از دعوت پیامبر (ص) و بی اعتنایی به اوست، نیز بیانگر علتی برای شکست خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۳۴

۳۴ حوادث ایّام ، جنگ ها ، سختی ها ، مصیبت ها و مرگ ، آزمایش الهی است .

لبرز الّذين . .. و لیبتلی اللّه ما فی صدورکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳

- آل عمران - ۳ - ۱۵۵ - ۱۱

۱۱ عفو و گذشت از خطا های جنگی رزمندگان (تخلّف از دستورات فرماندهی و . . .) امری نیکو و پسندیده

و لقد عفا اللّه عنهم انّ اللّه غفور حلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۳

۳ شکست در پیکار احد ، زمینه ساز هجوم تبلیغاتی کافران و یا منافقان ، علیه اسلام ، پیامبر (ص) و مسلمانان

یا ایّها الّذین امنوا لا تکونوا کالّذین کفروا و قالوا لاخوانهم . .. ما ماتوا و م

کشته شدن عدّه ای از مسلمانان در جنگ احد باعث شده بود که کافران و یا منافقان، که با حضور در صحنه احد مخالف بودند، ماجرای احد و کشته های فراوان آن را حربه تبلیغاتی علیه پیامبر (ص) قرار دهند. آنان می گفتند اگر نظر ما را می پذیرفتند و همراه پیامبر (ص) خارج نمی شدند، این حوادث ناگوار پیش نمی آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۲

۲ شایعه پراکنانی که مردم را از جهاد می ترسانند ، شیطانند .

قال لهم النّاس انّ النّاس قد جمعوا لکم . .. انّما ذلکم الشّیطان یخوّف اولیاءه

بنابر اینکه <ذلکم>، اشاره به همان مردمی باشد که مؤمنان را از جنگ می ترساندند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۶

۶ سختی ها ، مصیبت ها و جنگ ها (شکست ها و پیروزی ها) ، وسایل آزمایش

الهی برای بندگان

حتّی یمیز الخبیث من الطّیّب

به مقتضای ارتباط میان این آیه و آیات پیشین، از وسایل آزمایش الهی، همان نبردها مشکلات آن است ; چنانچه در نبرد احد پیش آمد.

آتش بس در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۱ - ۵

۵ پذیرش صلح و متارکه جنگ در حیطه قدرت و مسؤولیت پیامبر (ص) و رهبری است .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

برداشت فوق با توجه به اینکه پیامبر(ص) مورد خطاب <فاجنح> قرار گرفته است، استفاده شده است.

آثار اتمام جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۱۶،۱۷،۱۸

۱۶- لزوم حفظ حالت جنگی و تهاجم بر دشمن ، برای کشتن و اسیر گرفتن تا زمان فرو نشستن شعله های نبرد

حتّی تضع الحرب أوزارها

می توان گفت: <حتّی تضع. ..> غایت برای مجموع پیام آیه است که عبارت بود از یورش بر دشمن، برای نابود ساختن و اسیر گرفتن آنان.

۱۷- رزمندگان ، موظف به جنگیدن و اسیر گرفتن دشمن تا خلع سلاح آنان و فرونشستن جنگ *

فشدّوا الوثاق . .. حتّی تضع الحرب أوزارها

ممکن است <حتّی تضع. ..> غایت برای گرفتن اسیران باشد; که از مضمون <فشدّوا الوثاق> به تلازم استفاده می شود.

۱۸- عدم ضرورت به بند کشیدن اسیران ، پس از فرو نشستن شعله های نبرد و شکست دشمن

فشدّوا الوثاق . .. حتّی تضع الحرب أوزارها

بنابر این که <حتّی تضع . ..> صرفاً غایت برای <فشدّوا الوثاق> باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

آثار پیروزی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۱ - ۶

۶ شکست و پیروزی در جنگ ، وسیله ای برای نابودی تدریجی کافران

نداولها بین النّاس . .. و لیمحّص اللّه الّذین امنوا و یمحق الکافرین

<محق>، به معنی نابودی تدریجی است. (مجمع البیان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۷ - ۴

۴ - سرزمین ها و اموال و خانه های دشمن ، غنایمی هستند که در صورت پیروزی مسلمانان ، به تصاحب آنان در می آید .

و أورثکم أرضهم و دیرهم و أمولهم

آثار جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۰ - ۶

۶ خطر رواج رباخواری (درآمد ها و معاملات غیر مشروع) در دوران پس از جنگ *

یا ایّها الذین امنوا لا تأکلوا الرّبوآ

تذکّر به حکم ربا پس از بیان جنگ بدر و احد می تواند اشاره به این حقیقت باشد که معمولاً جوامع بشری پس از دوران جنگ به درآمدهای غیر مشروع، خصوصاً رباخواری، می پردازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۳۸

۳۸ حوادث ایّام جنگ ، سختی ها و مصیبت های در راه خدا ، زمینه خالص شدن اندیشه مؤمنان از عقاید جاهلیّت و پالایش درون آنان از خواسته های دنیایی و مادّی

یظنّون باللّه غیر الحقّ . .. و لیبتلی اللّه ما فی صدورکم و لیمحّص ما فی قلوبکم

<ليمحّص> از مادّه تمحيص به معناى خالص سازى از عيبها و نقصـهاست و اين جمله بيانگر هـدفى ديگر از اهداف شكسـت در

نبرد احد است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۶ – انفال – ۸ – ۴۶ – ۸

۸ خداوند ، فراخوان مؤمنان به صبر و تحمل مشکلات پيش آمده از نبرد با دشمنان

و اصبروا إن اللّه مع الصبرين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – توبه – ۹ – ۴۲ – ۴

۴ بروز باطن انسان و حقيقت ايمان وى ، در مراحل دشوار و تکاليف سخت الهى (همانند جنگ و جهاد)

لو كان عرضاً قريباً و سفراً قاصداً لاتبعوک و لکن بعدت عليهم الشقه

آثار جنگ با محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۶ – انفال – ۸ – ۷۰ – ۹

۹ شرکت در جنگ بدر عليه پيامبر (ص) و مسلمانان ، مانع پذيرش ايمان شرکت کنندگان نبود .

إن يعلم اللّه فى قلوبکم خيرا يؤتکم خيرا مما أخذ منکم و يغفر لکم

آثار جنگ با مسلمانان

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۶ – انفال – ۸ – ۷۰ – ۹

۹ شرکت در جنگ بدر عليه پيامبر (ص) و مسلمانان ، مانع پذيرش ايمان شرکت کنندگان نبود .

إن يعلم اللّه فى قلوبکم خيرا يؤتکم خيرا مما أخذ منکم و يغفر لکم

آثار جنگ با مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۱۷،۱۴

۱۴- آسیب دیدن مؤمنان ناشناخته شهر مکه ، در صورت وقوع جنگ میان مسلمانان و مکیان در حدیبیه

و لولا رجال مؤمنون . .. أن تطوهم

۱۷- پایمال شدن حرمت مردان و زنان مؤمن در صورت

جنگ در حدیبیه ، مایه ننگ برای مسلمانان

و لولا رجال مؤمنون و نساء مؤمنت . .. فتصیبکم منهم معرّه

آثار جنگ داخلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۲۹

۲۹ - جنگ های داخلی و برادر کشی ، از بزرگترین گناهان و موجب خواری و ذلت در دنیا و گرفتار شدن به عذاب اخروی است .

تقتلون أنفسکم . .. فما جزاء من یفعل ذلک منکم إلا خزی فی الحیوه الدنیا و یوم القی

از آن جا که گناهان یاد شده، در پی دارنده شدیدترین عذابهاست، معلوم می شود این گناهان از بزرگترین گناهان هستند.

آثار جنگ روانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۲ - ۶

۶ رعب و وحشت کافران در جنگ بدر ، از عوامل شکست آنان در آن جنگ

سألقی فی قلوب الذین کفروا الرعب

آثار خیانت در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۳ - ۱۰

۱۰ پذیرش دوستی و سرپرستی کفار ، خیانت در جنگ ، خدعه با خدا ، سستی در عبادت ، ریاکاری و کم به یاد خدا بودن ، موجب گمراهی و محرومیت دایمی از هدایت الهی است .

و من یضلل اللّه فلن تجد له سبیلا

از مصادیق مورد نظر برای (من یضلل)، کسانی هستند که در آیات قبل (از ۱۳۸ تا ۱۴۳) خصلتهای آنان بر شمرده شد.

آثار سختی جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۵

۵ جنگ های سخت و پرمشقت

، عرصه های جدا شدن مؤمنان راستین از غیر ایشان

لو کان عرضاً قریباً و سفراً قاصداً لاتبعوک و لکن بعدت علیهم الشقه

آثار سستی در جنگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۶ – ۵

۵ سستی اهل ایمان در پیکار با دشمنان دین ، موجب از میان رفتن ابهت و قوّت جامعه اسلامی

و لاتنزعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم

آثار شکست در جنگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۱ – ۶

۶ شکست و پیروزی در جنگ ، وسیله ای برای نابودی تدریجی کافران

نداولها بین النّاس . .. و لیمحّص اللّه الّذین امنوا و یمحق الکافرین

<محق>، به معنی نابودی تدریجی است. (مجمع البیان).

آثار لغزش در جنگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۶ – ۶

۶ لغزش مؤمنان مجاهد در جبهه های نبرد ، موجب محروم شدن آنان از امداد های الهی نخواهد شد .

و یوم حنین . .. ثم ولیتم مدبرین. ثم أنزل اللّه سکینته ... و أنزل جنوداً لم تروها

آداب جنگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۰ - ۴

۴ - ضرورت رعایت حقوق دشمنان حتی در جنگ با آنان

و قتلوا فی سبیل اللّه الذین یقتلونکم و لاتعتدوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۱،۳

۱ اطاعت از فرمان های خدا و رسول به هنگام رویارویی با دشمنان ، وظیفه ای ضروری بر عهده مسلمانان

و أطیعوا اللّه

و رسوله

۳ پرهیز از نزاع و اختلاف به هنگام رویارویی با دشمنان دین ، وظیفه ای ضروری بر عهده مجاهدان

و لاتنزعوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۱

۱ مجاهدان و نیرو های رزمی ، نباید مانند سرمستان و ریاکاران رهسپار میدان های نبرد شوند .

و لاتکونوا کالذین خرجوا من دیرهم بطرا و رئاء الناس و یصدون

<بَطرْ> به معنای نشاط و شادمانی بیش از حد و اندازه است که می توان از آن به سرمستی تعبیر کرد. این کلمه مصدر است و حال برای فاعلِ <خرجوا> می باشد ; یعنی خرجوا من دیارهم بطرین. کلمه <رئاء> نیز مصدر و به معنای اسم فاعل (مرائین) یعنی ریاکاران) است.

آرامش روحی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۳

۳ آرامش روحی ، از مهمترین عوامل پیروزی در نبرد است .

ثم أنزل اللّه سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

آستقامت در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۴ - ۶

۶ ضرورت آماده سازی مجاهدان برای تحمل رنج ها و خسارت های ناشی از نبرد با دشمنان

ان تکونوا تألمون فانهم یألمون کما تألمون و ترجون من اللّه ما لایرجون

هدف از بیان امتیازات نیروهای مجاهد (ترجون من اللّه) و نیز تبیین رنجهای دشمنان به هنگامه نبرد، این است که اهل ایمان را

برای نبرد آماده سازد و به آنان روحیه رویارویی با دشمنان را القا کند.

آمادگی نظامی جنگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۲ – ۲،۳،۸

۲ آمادگی گروهی از مجاهدان عصر پیامبر (ص) برای شرکت در جهاد ، علی رغم آسیب دیدن در جنگ قبلی (احد)

الّذین استجابوا لِلّه و الرسول من بعد ما اصابهم القرح . .. اجر عظیم

۳ بازسازی مجدد سپاه اسلام توسط پیامبر (ص) ، پس از پراکندگی و شکست در جنگ احد

الّذین استجابوا لِلّه و الرسول من بعد ما اصابهم القرح

۸ سرنوشت ساز بودن آمادگی رزمی و مانور مسلمین بعد از جنگ احد

الّذین استجابوا للّه و الرسول من بعد ما اصابهم القرح

سازماندهی سپاه اسلام پس از مصیبتهای وارد آمده در جنگ احد و دعوت مجدد حتی از مجروحان برای شرکت در جنگ، حکایت از سرنوشت ساز بودن این آمادگی و بسیج نیرو دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۳ – ۱،۶

۱ پاسخگویان به دعوت خدا و پیامبر (ص) پس از نبرد احد برای جهاد ، کسانی بودند که از شایعه حمله دشمن نترسیدند و ایمانشان افزون گردید .

الّذین استجابوا للّه . .. الّذین قال لهم النّاس ... فزادهم ایمانا

۶ مؤمنان واقعی ، از زیادی دشمن و آمادگی آنها برای جنگ ، هراسی به خود راه نمی دهند .

الّذین قال لهم النّاس انّ النّاس . .. فزادهم ایماناً

اتحاد در جنگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۳ – ۱۱

۱۱ خداوند با امداد های خویش مسلمانان را از فاجعه نزاع و سست شدن در تصمیمشان بر جنگ

بدر رهایی بخشید .

و لکن اللّه سلم

اجتناب از شروع جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۷

۷ مسلمانان نباید آغازگر جنگ باشند .

و إن تعودوا نعد

احکام جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۴ - ۱،۲

۱ - حرمت جنگ در ماه های حرام

الشهر الحرام بالشهر الحرام

ماههای حرام از آن جهت به حرام بودن توصیف شده اند که برخی از اموری که در غیر آنها حلال است، در این ماهها حرام است; از جمله آن امور - به قرینه آیات گذشته - جنگ می باشد. ماههای حرام عبارت است از: رجب، ذی القعده، ذی الحجه و محرم.

۲ - جواز جنگ در ماه های حرام در صورت تجاوز دشمنان در آن ماهها

الشهر الحرام بالشهر الحرام

<باء> در <بالشهر> بای مقابله یا عوض است و مقصود از این مقابله - به قرینه فرازهای بعد و با توجه به آیه های پیشین که درباره جنگ بود - این معناست: اگر دشمن با جنگ علیه شما حرمت ماههای حرام را نقض کرد، شما نیز می توانید حرمت این ماهها را نادیده گرفته و علیه آنان به مبارزه برخیزید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۱،۶،۷

۱ پُرسش مردم از پیامبر (ص) ، درباره جنگ و خونریزی در ماه های حرام

یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فیه

۶ جنگ در ماه های حرام ، از گناهان بزرگ است .

یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فیه قل قتال فیه کبیر

۷ احترامِ

ماه های حرام (ممنوعیّت جنگ در آنها) ، در عصر جاهلیّت و تأیید آن در اسلام

یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فیه قل قتال فیه کبیر

ظاهر این است که در سؤال سائل نیز کلمه <الحرام> (به معنای دارای حرمت) آمده است; بنابراین آن ماهها، پیش از اعلام قرآن مبنی بر تحریم جنگ در آن، از احترام ویژه ای برخوردار بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۱ - ۱،۴

۱ وجوب حمل سلاح و ادوات جنگی و کوچ جمعی و یا گروه گروه ، برای دفاع و نبرد

یا ایّها الّذین امنوا خذوا حذرکم فانفروا ثبات او انفروا جمیعاً

برداشت فوق را فرمایش امام باقر (ع) تأیید می کند که درباره آیه فوق فرمود: خذوا سلاحکم . .. الثبات السّرایا و الجمیع العسکر.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۲۵۳ ; مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۱۲ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۱۶، ح ۳۹۶، ۳۹۷.

۴ لزوم آمادگی کامل نیرو های رزمنده ، قبل از حرکت به سوی نبرد با دشمن

یا ایّها الّذین امنوا خذوا حذرکم فانفروا

عطف <انفروا> با فای عاطفه، دلالت بر این معنا دارد که اوّل باید آماده شوید (خذوا حذرکم)، و آنگاه به سوی دشمن بسیج شوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۲

۲ وجوب جنگ و مبارزه برای رهایی مستضعفان

و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل اللّه و المستضعفین

مراد از جنگ در راه مستضعفان به قرینه ادامه آیه جنگیدن برای رهایی آنان از چنگال ستمگران است. در برداشت فوق،

<المستضعفين> عطف

بر <اللّه> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۶

۶ وجوب نبرد با یاوران شیطان (کافران و طاغوت ها)

و الّذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطّاغوت فقاتلوا اولیاء الشّیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۱۳

۱۳ حرمت تعرض و نبرد با منافقان و دشمنانی که از نبرد با مسلمانان دست برداشته و خواهان صلح می باشند .

فان اعتزلوکم فلم یقتلوکم و القوا الیکم السلم فما جعل اللّه لکم علیهم سبیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۱،۲،۵

۱ گرفتن اسیر در میدان نبرد ، پیش از غلبه بر دشمن و سرکوبی کامل او ، امری بس ناروا و حرام است .

ما کان لنبی أن یکون له أسری حتی یثخن فی الأرض

برداشت فوق مبتنی بر این است که مفعول <یثخن> کلمه ای همانند <العدو> باشد که به قرینه مقام حذف شده است و <ال> در <الأرض> نیز جانشین مضاف إلیه باشد، یعنی أرض المعرکه (منطقه جنگ). گفتنی است که اثخان عدو، چنانچه در لسان العرب آمده، به معنای غلبه بر دشمن با کشتار وسیع آنان است. بنابراین جمله <ما کان ... > بیانگر این معناست که اسیر گرفتن از دشمن پیش از غلبه بر او جایز نیست.

۲ حرمت گرفتن اسیر پیش از غلبه بر دشمن ، سنت تمام انبیای الهی و حکمی لازم الاجرا درتمام ادیان آسمانی

ما کان لنبی أن یکون له أسری حتی یثخن فی الأرض

۵ تثبیت موقعیت

برتر رزمی سپاه اسلام از وظایف رزمندگان

ما کان لنبی أن یکون له أسری حتی یثخن فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲ - ۲

۲ لزوم دادن فرصت مناسب به دشمنان پیمان شکن ، برای توبه و بازگشت به دامن اسلام ، پیش از جنگ با آنان

براءه من اللّه و رسوله . .. فسیحوا فی الارض أربعه أشهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵ - ۱۳

۱۳ رفع حصر از محاصره شدگان به دست قوای اسلام ، در صورت پذیرفته شدن اسلام از سوی آنان ، واجب است .

و احصروهم . .. فإن تابوا .... فخلّوا سبیلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱ - ۴

۴ جنگیدن با کفار محارب ، پس از گرویدن آنان به اسلام ، ممنوع است .

فإن تابوا . .. فإخونکم فی الدین

جمله <فإخونکم فی الدین> اشاره به این معنا دارد که: کفار محارب با گرویدن به اسلام، برادران دینی مسلمانان محسوب شده و از آن پس، جنگیدن با آنان حرام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۱۳

۱۳ شرکت و عدم شرکت در جنگ ، منوط به اذن رهبر جامعه اسلامی است .

فاستئذنوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۶ - ۴

۴ زمام امور جنگ و اجازه حضور و عدم حضور در آن ، در اختیار رهبر جامعه اسلامی و از شؤون

اوست .

جهدوا مع رسوله استئذنک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۳

۳ - جنگ و پیکار آوارگان با زورگویانی که آنان را به جرم ایمان و خداخواهی از سرزمین شان بیرون کردند ، حقی است مشروع که خدا به آنان داده بود .

أُذن للذین یقتلون . .. الذین أُخرجوا من دیرهم

ادوات جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۱،۴

۱ تقویت قوای نظامی و تهیه ادوات جنگی برای نبرد با دشمنان خدا ، وظیفه ای بر عهده تمامی مسلمانان

و أعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل

۴ جامعه اسلامی باید به پیشرفته ترین ادوات رزمی زمان مجهز باشد .

و أعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل

ادوات جنگ در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۳

۳ اسب های سواری در عصر بعثت ، کارآمدترین و مهمترین وسیله برای تقویت بنیه نظامی

و أعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل

عطف <رباط الخیل> بر <قوه> عطف خاص بر عام است و کاربرد چنین عطفی معمولا برای رساندن اهمیت معطوف و نقش اساسیتر آن نسبت به دیگر مصادیق معطوف علیه است.

اذن ترک جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۶ - ۴

۴ زمام امور جنگ و اجازه حضور و عدم حضور در آن ، در اختیار رهبر جامعه اسلامی و از شؤون اوست .

جهدوا مع رسوله

استئذنک

اذن جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۱۳

۱۳ شرکت و عدم شرکت در جنگ ، منوط به اذن رهبر جامعه اسلامی است .

فاستئذنوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۶ - ۴

۴ زمام امور جنگ و اجازه حضور و عدم حضور در آن ، در اختیار رهبر جامعه اسلامی و از شؤون اوست .

جهدوا مع رسوله استئذنک

ارزش جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۶ - ۵

۵ جنگ و جهاد ، امری خیر برای مؤمنان ، علی رغم ظاهر ناخوشایند آن

کتب علیکم القتال و هو کره لکم و عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم

اسارت در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۱،۲،۴

۱ گرفتن اسیر در میدان نبرد ، پیش از غلبه بر دشمن و سرکوبی کامل او ، امری بس ناروا و حرام است .

ما کان لنبی أن یکون له أسری حتی یثخن فی الأرض

برداشت فوق مبتنی بر این است که مفعول <یثخن> کلمه ای همانند <العدو> باشد که به قرینه مقام حذف شده است و <ال> در <الأرض> نیز جانشین مضاف إلیه باشد، یعنی أرض المعرکه (منطقه جنگ). گفتنی است که اثخان عدو، چنانچه در لسان العرب آمده، به معنای غلبه بر دشمن با کشتار وسیع آنان است. بنابراین جمله <ما کان ... > بیانگر این معناست که اسیر گرفتن از دشمن پیش از غلبه بر او

جایز نیست.

۲ حرمت گرفتن اسیر پیش از غلبه بر دشمن ، سنت تمام انبیای الهی و حکمی لازم الاجرا درتمام ادیان آسمانی

ما کان لنبی أن یکون له أسری حتی یثخن فی الأرض

۴ مجاهدان بدر پیش از غلبه کامل بر دشمن ، برای دستیابی به منافعی مادی ، به گرفتن اسیر اقدام کردند .

ما کان لنبی . .. تریدون عرض الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۶

۶- اسیرکردن نیرو های دشمن در میدان جنگ ، امری مجاز پس از متلاشی کردن سپاه کفر و زمین گیر ساختن آنان

حتّی إذا أثخنتموهم فشدّوا الوثاق

استراتژی جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۳

۳ تعیین مشی نظامی در حیطه مسؤولیت انبیا و رهبران الهی است .

ما کان لنبی أن یکون له أسری

استفاده از فیل در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۱ - ۶

۶ - استفاده از فیل در جنگ های عرب ، کم سابقه و نشانه برخورداری سپاه مهاجم ، از تجهیزات پیشرفته جنگی بود .

ألم تر کیف فعل ربّک بأصحب الفیل

شهرت سپاه ابرهه با عنوان <اصحاب الفیل>، نشانگر تازگی داشتن این ابزار جنگی و هراس افکن بودن آن است.

استقامت در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۶

۶ - برپایی نماز ، پرداخت زکات ، وفای به عهد ، صبر در مشکلات و استقامت در نبرد از وظایف اهل ایمان و از

لیس البر أن تولوا وجوهكم . .. و لكن البر من ... و أقام الصلوه ... والصبرین فی ال

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۴۹ – ۲۳،۳۰

۲۳ گمان به لقاءاللّه (روز رستاخیز) موجب پایداری انسان در پیكار با دشمنان

قال الّذین یظنُون . .. غلبت فئه كثیره

بنابراینكه <یظنّون> به معنی گمان باشد.

۳۰ پیروزی در پیكار ، در گرو استقامت و استواری است ; نه انبوهی لشكر

كم من فئه . .. و اللّه مع الصّابرین

جمله <و اللّه . .. >، به منزله بیان شرط برای غلبه گروه اندك بر گروه انبوه است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۵ – ۱۲

۱۲ جهاد و مقاومت در جنگ ، موجب برخورداری از پاداش دنیوی و اخروی

و لمّا یعلم اللّه الّذین جاهدوا منكم و یعلم الصّابرین . .. و من یرد ثواب الدّنیا

با توجّه به آیات قبل، از مصادیق مورد نظر برای اعمال خیر، جهاد و مبارزه است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۷ – ۲

۲ درخواست بخشایش گناهان و زیاده روی ها ، پایداری بر راه پیامبران و چیرگی بر كافران ، تنها سخن دست پروردگان انبیا در هنگامه های پیكار

و ما كان قولهم الّا ان قالوا ربّنا اغفرلنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا و ثبّت اقدا

در برداشت فوق، ضمیر <قولهم>، تنها به <ربّیون> برگشت داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۱

۸ موسی (ع) بر حذر دارنده قوم خویش از فرار و عقب نشینی به هنگام رویارویی با ساکنان سرزمین مقدس

و لاترتدوا علی ادبارکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۵ - ۱،۳

۱ اهل ایمان وظیفه دار پایداری در نبرد با دشمنان دین

یأیها الذین ءامنوا إذا لقیتم فئه فاثبتوا

<لقاء> مصدر <لقیتم> به معنای رو در رو شدن و برخورد کردن است و مراد از آن به مناسبت سیاق آیه، برخورد نظامی، یعنی پیکار و نبرد، می باشد.

۳ پایداری اهل ایمان در صحنه های پیکار همراه با یاد مداوم خدا ، زمینه ساز پیروزی آنان بر دشمنان دین

فاثبتوا و اذکروا اللّه کثیرا لعلکم تفلحون

<لعلکم> علاوه بر اینکه متعلق بر <اذکروا اللّه> است، می تواند متعلق به <فاثبتوا> نیز باشد. در این صورت مراد از <فلاح>، پیروزی در جنگ است.

استقامت در جنگ روانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ لزوم استواری در برابر جنگ روانی دشمنان و نهراسیدن از استهزای آنان

و لقد استهزیء برسل من قبلک فحاق بالذین سخروا منهم ما کانوا به یستهزءون

اسیرگیری در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۵

۵- اهتمام به گرفتن اسیر در میدان جنگ ، قبل از متلاشی ساختن دشمن ، کاری نادرست و مخالف اصول جنگ

فضرب الرقاب حتّی إذا أثخنتموهم فشدّوا الوثاق

از آیه شریفه استفاده می شود که خداوند، به سپاه اسلام شیوه و قانون جنگ و نکاتی را که موجب قوت و

پیروزی آنان می شود آموخته است و به آنان تذکر داده که مبادا، به هوای گرفتن اسیر خود را به شکست بکشانند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۶۷ – ۱۵

۱۵ پرهیز از گرفتن اسیر در میدان نبرد تا پیش از سرکوبی کامل دشمن ، امری حکیمانه و موجب پیروزی دشمنان دین است .

ما کان لنبی . .. و اللّه عزیز حکیم

توصیف خداوند به عزتمندی و کاردانی پس از تأکید بر حرمت گرفتن اسیر پیش از سرکوبی دشمن، اشاره به این دارد که این حکم، حکمی حکیمانه است و اجرای آن زمینه ساز عزتمندی و پیروزی مسلمانان است.

اسیرگیری قبل از جنگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۶۷ – ۱۶،۱۷

۱۶ پیامبران تا پیش از استقرار دین و حکومتشان بر زمین ، از گرفتن اسیر در میدان نبرد پرهیز داشته و آن را ناروا می دانستند .

ما کان لنبی . .. و اللّه عزیز حکیم

برداشت فوق بر این اساس است که مفعول <یثخن> کلمه ای همانند <دینه> و یا <حکومته> باشد. بر این مبنا اثخان به معنای تثبیت و محکم کردن است. بنابراین جمله <ما کان لنبی ... > می رساند که پیامبران تا زمانی که حکومت و دینشان در زمین تثبیت نمی شد، از اسیر گرفتن در میدان نبرد امتناع می کردند. قابل ذکر است اگر مجاهدا از این امر تخلف کنند و اسیر بگیرند، به دلیل آیه ۷۰، نمی توان گفت باید آن اسیران کشته شوند.

۱۷ سرکوبی دشمنان دین و پرهیز از گرفتن اسیر

در میدان نبرد تا پیش از استقرار حکومت حق ، زمینه ساز پیروزی دین و امری حکیمانه است .

و اللّه عزیز حکیم

اطلاعات در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۳ - ۸

۸ نقش تعیین کننده برآورد نیرو های دشمن ، در روحیه رزمندگان و سرنوشت جنگ

یرونهم مثلیهم رأیَ العین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۴ - ۴

۴ ضرورت ایجاد تشکیلات اطلاعاتی ، برای تأمین اطلاعات سیاسی و نظامی مسلمانان در جنگ *

یا ایّها الّذین امنوا اذا ضربتم فی سبیل اللّه فتبیّنوا . .. فتبیّنوا

بنابر اینکه متعلّق <فتبیّنوا>، مطلق امور مربوط به جنگ باشد، برای تحقق چنین امری نیاز به تشکیلات اطلاعاتی خواهد بود.

اعراض از جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۳ - ۱۳

۱۳ خداوند ، مسلمانان صدر اسلام را به خاطر هراسشان از سطوت دشمن و خودداری از نبرد با آنان ملامت کرد .

أتخشونهم

امتحان با جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۳۴

۳۴ حوادث ایّام ، جنگ ها ، سختی ها ، مصیبت ها و مرگ ، آزمایش الهی است .

لبرز الّذین . .. و لیبتلی اللّه ما فی صدورکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۶

۶ سختی ها ، مصیبت ها و جنگ ها (شکست ها و پیروزی ها) ، وسایل آزمایش الهی برای بندگان

حتّی

یمیز الخبیث من الطّیّب

به مقتضای ارتباط میان این آیه و آیات پیشین، از وسایل آزمایش الهی، همان نبردها مشکلات آن است ; چنانچه در نبرد احد پیش آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۶ - ۴

۴ جنگ ها و میدان های کارزار ، عرصه های آزمون الهی و متمایز گشتن مؤمنان راستین از غیر ایشان

أم حسبتم أن تترکوا و لما یعلم اللّه الذین جهدوا منکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۱ - ۱

۱ - هجوم احزاب متّحد به مدینه ، وسیله امتحان مسلمانان آن دیار بود .

هنالک ابتلی المؤمنون

امدادهای خدا در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۴ - ۵

۵ جبهه نبرد ، عرصه ظهور امداد های الهی نسبت به مؤمنان

قتلوهم یعذبهم اللّه بأیدیکم . .. و ینصرکم علیهم

اهداف منافقان در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۴

۴ شرکت منافقان در جنگ ، تنها برای تأمین منافع شخصی و سهیم شدن در غنایم جنگی است .

الذین یتربّصون بکم فإن کان لکم فتح من اللّه . .. و نمنعکم من المؤمنین

ظاهراً مراد از جمله <الم نکن معکم> شرکت در جهاد و همراهی مسلمانان در جنگ است.

اهمیت احتیاط در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۹

۹- ضرورت احتیاط در کار های نبرد ، تدبیر و محکم کاری است .

فشدّوا الوثاق

با الغای خصوصیت

از مورد اسیران؛ از تعبیر <فشدّوا الوثاق> استفاده می شود که پس از زمین گیرشدن دشمن نیز باید امور جنگ را جدّی گرفت و باز هم با تدبیر پیش رفت.

اهمیت استقامت در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۳

۳ لزوم پایداری هر مؤمن در میدان نبرد با دو کافر ، نسخ کننده حکم پیشین (لزوم پایداری هر مؤمن در برابر ده کافر)

ان یکن منکم عشرون . .. الئن خفف اللّه عنکم

اهمیت تدبیر در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۹

۹- ضرورت احتیاط در کار های نبرد ، تدبیر و محکم کاری است .

فشدّوا الوثاق

با الغای خصوصیت از مورد اسیران؛ از تعبیر <فشدّوا الوثاق> استفاده می شود که پس از زمین گیرشدن دشمن نیز باید امور جنگ را جدّی گرفت و باز هم با تدبیر پیش رفت.

اهمیت جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۹

۹ اهتمام اسلام به تقویت مبانی فرهنگی دینی جامعه همپای جنگ و جهاد

فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقهوا فی الدین

برداشت فوق به این دلیل است که خداوند پس از ترغیب مکرر مؤمنان به شرکت در جهاد و تحذیر آنان از تخلف، در این آیه طلب فقاهت را ضروری شمرده و طالبان فقاهت را از شرکت در جنگ معاف کرده است.

اهمیت جنگ با جنگ طلبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۴

١ ضرورت نبرد با دشمن پیمان شکن و جنگ طلب

ألا تقتلون قوماً نکثوا أیمنهم . .. قتلوهم

ضمیر <هم> در <قاتلوهم> به شرک پیشگان پیمان شکن و آغازگر جنگ در آیه پیش (قوماً نکثوا أیمانهم . .. و هم بدءوکم أوّل مرّه) برمی گردد.

اهمیت جنگ با دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٧ - توبه - ٩ - ١۴ - ١

١ ضرورت نبرد با دشمن پیمان شکن و جنگ طلب

ألا تقتلون قوماً نکثوا أیمنهم . .. قتلوهم

ضمیر <هم> در <قاتلوهم> به شرک پیشگان پیمان شکن و آغازگر جنگ در آیه پیش (قوماً نکثوا أیمانهم . .. و هم بدءوکم أوّل مرّه) برمی گردد.

اهمیت سرکوبی آغازگر جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٧ - توبه - ٩ - ١٣ - ٩

٩ سرکوب آغازگران جنگ علیه اسلام و مسلمین ، امری لازم

ألا تقتلون قوماً . .. و هم بدءوکم أوّل مرّه

برنامه ریزی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ١٠٢ - ١٨

١٨ ضرورت برنامه ریزی در جنگ ، با در نظر گرفتن همه شرایط

فلتقم طائفه . .. و ليأخذوا اسلحتهم ... فيميلو ن عليكم ميله واحده

آیه شریفه علاوه بر بیان نحوه نماز و نظم و ترتیب خاص آن، به مسلمانان می آموزد که باید در رویارویی با دشمنان همواره برنامه هایی منظم و دقیق را پی ریزی کنند تا از هجوم آنان در امان باشند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۳ – ۱۸،۱۶،۱۴،۱

۱ یورش به سرزمین

مقدس از دروازه آن ، پیشنهاد دو نفر از یاران موسی (ع)

قال رجلان . .. ادخلوا علیهم الباب

۱۴ تاختن بر جباران سرزمین مقدس و گشودن دروازه آن ، طرح پیشنهادی یوشع و کالب برای فتح بی درنگ آن سرزمین

قال رجلان . .. ادخلوا علیهم الباب فاذا دخلتموه فانکم غلبون

۱۶ پیروزی حتمی بنی اسرائیل بر جباران ، در صورت یورش بر آنان از دروازه سرزمین مقدس

ادخلوا علیهم الباب فاذا دخلتموه فانکم غلبون

۱۸ اهل ایمان ، وظیفه دار شناسایی ، طراحی و به کارگیری شیوه های مناسب برای دستیابی به پیروزی بر دشمنان

ادخلوا علیهم الباب فاذا دخلتموه فانکم غلبون

بی تقوایی در جنگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۹۴ – ۱۶

۱۶ – خطر خروج از مرز عدالت و تقوا در جنگ و پاسخ به تعدیات دشمن (مقابله به مثل)

فاعتدوا علیه . .. و اتقوا اللّه

تأکید به رعایت تقوا با جمله <واتقوا اللّه> و نیز <و اعلموا . ..> پس از تجویز مقابله به مثل، می رساند که: اجرای این قانون خطر عدم رعایت حد و مرز مقابله به مثل و خروج از عدالت را در پی دارد; لذا برای جلوگیری از ابتلا به این امر ناروا، بر رعایت تقوا تأکید شده است.

بی عدالتی در جنگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۹۴ – ۱۶

۱۶ – خطر خروج از مرز عدالت و تقوا در جنگ و پاسخ به تعدیات دشمن (مقابله به مثل)

فاعتدوا علیه . .. و اتقوا اللّه

تأکید به رعایت

تقـوا بـا جمله <واتقـوا اللّه> و نیز <و اعلموا . ..> پس از تجویز مقـابله به مثـل، می رسانـد که: اجرای این قـانون خطر عـدم رعایت حـد و مرز مقابله به مثل و خروج از عـدالت را در پی دارد; لـذا برای جلوگیری از ابتلا به این امر ناروا، بر رعایت تقوا تأکید شده است.

پاسداری در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۷

۷ گروه نخست از نمـازگزاران پس از اتمـام نمـاز خوف ، بایـد به پاسـدارای بپردازنـد تـا گروه دیگر برای اقـامه نماز جماعت حاضر شوند .

فاذا سجدوا فلیکونوا من ورائکم و لتأت طائفه اخری لم یصلوا فلیصلوا

پیروزی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۶،۷

۶ پیروزی مؤمنان در جنگ ، موهبت خداوند و از جانب اوست .

فإن کان لکم فتح من اللّه

قید <من اللّه> ظاهراً قید توضیحی است. یعنی هرگاه مسلمانان پیروز شوند، این پیروزی از ناحیه خداوند است.

۷ غلبه مؤمنان در جنگ ، فتح و پیروزی حقیقی است و پیروزی های کافران ، بهره ای محدود و زودگذر است .

فإن کان لکم فتح من اللّه . .. و إن کان للکفرین نصیب

خداوند از غلبه مؤمنان به فتح و پیروزی تعبیر فرموده و برای غلبه کافران از کلمه <نصـیب> استفاده کرده تا به این معنا اشاره کند که غلبه کافران، فتح و پیروزی نیست. بلکه بهره ای اندک و زودگذر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ -

١ گرفتن اسیر در میدان نبرد ، پیش از غلبه بر دشمن و سرکوبی کامل او ، امری بس ناروا و حرام است .

ما کان لنبی أن یکون له أسری حتی یثخن فی الأرض

برداشت فوق مبتنی بر این است که مفعول <یثخن> کلمه ای همانند <العدو> باشد که به قرینه مقام حذف شده است و <ال> در <الأرض> نیز جانشین مضاف إلیه باشد، یعنی أرض المعرکه (منطقه جنگ). گفتنی است که اثخان عدو، چنانچه در لسان العرب آمده، به معنای غلبه بر دشمن با کشتار وسیع آنان است. بنابراین جمله <ما کان ... > بیانگر این معناست که اسیر گرفتن از دشمن پیش از غلبه بر او جایز نیست.

پیشگویی جنگ با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٨ - حشر - ۵٩ - ١۴ - ۴

۴ - خبردادن خداوند از درگیری های آینده کافران (یهود) با مؤمنان ، از درون دژ ها و از پس دیوار های بلند

لایقتلونکم جمیعًا إلاّ فی قرًی محصّنه أو من وراء جدر

با توجه به معنای مضارع (یقاتلون)، مطلب بالا قابل برداشت است.

پیشگویی جنگ سخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٧ - فتح - ۴٨ - ١۶ - ٢

٢ - اخبار الهی از نبرد قریب الوقوع مسلمانان با دشمنی نیرومند ، پس از جنگ خیبر

قل للمخلّفین من الأعراب ستدعون إلی قوم أولی بأس شدید

تأمین ادوات جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ٨ - ۶٠ - ٢٠

۲۰ بازداشتن دشمنان از هجوم به جامعه ایمانی و ستمکاری آنان ، از منافع جهاد و

تأمین هزینه ادوات آن است . *

و ما تنفقوا . .. و أنتم لاتظلمون

برخی برآننـد که <یوف إلیکم> و <أنتم لاـتظلمون> بیانگر ثمرات توان نظامی جامعه در دنیاست. یعنی اگر هزینه جهاد را تأمین کنید و بنیه نظامی جامعه اسـلامی را به حدی برسانید که دشـمنان وحشت کنند، در نتیجه به شما هجوم نخواهند آورد تا ضررهایی را بر شما تحمیل نمایند. و اگر چنین کردید بر شما مسلط نخواهند شد تا بتوانند ستمی بر شما روا بدارند.

تأمین تدارکات جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۱۲

۱۲ ترغیب مؤمنان از جانب خداوند به انفاق در راه خدا ، تأمین هزینه های نبرد و تهیه تدارکات و امکانات رزمی

و ما تنفقوا من شیء فی سبیل اللّه یوف إلیکم

تأمین هزینه جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۱۲،۲۰

۱۲ ترغیب مؤمنان از جانب خداوند به انفاق در راه خدا ، تأمین هزینه های نبرد و تهیه تدارکات و امکانات رزمی

و ما تنفقوا من شیء فی سبیل اللّه یوف إلیکم

۲۰ بازداشتن دشمنان از هجوم به جامعه ایمانی و ستمکاری آنان ، از منافع جهاد و تأمین هزینه ادوات آن است . *

و ما تنفقوا . .. و أنتم لاتظلمون

برخی برآننـد که <یوف إلیکم> و <أنتم لاـتظلمون> بیانگر ثمرات توان نظامی جامعه در دنیاست. یعنی اگر هزینه جهاد را تأمین کنید و بنیه نظامی جامعه اسـلامی را به حدی برسانید که دشـمنان وحشت کنند، در نتیجه به شما هجوم نخواهند آورد تا ضررهایی را بر

شما تحمیل نمایند. و اگر چنین کردید بر شما مسلط نخواهند شد تا بتوانند ستمی بر شما روا بدارند.

تاریخ جنگ رومیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲ - ۱

۱ - شکست رومیان (دولت بیزانس) در نبرد با ایرانیان در عصر بعثت

غلبت الروم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳ - ۱

۱ - نبرد میان ایران و روم ، در نزدیکی منطقه حجاز (نواحی شام) بوده است .

غلبت الروم فی أدنی الأرض

جبهه درگیر با رومیان مسیحی، به قول تاریخ نویسان، مجوسیان ایران بوده اند; الف و لام در <الأرض> برای عهد است و به قرینه <الروم> به سرزمین رومیان اشاره دارد. ذکر <أدنی الأرض> و اهتمام به تعیین مکان نبرد، این احتمال را تقویت می کند که مراد از <أدنی الأرض> نزدیک ترین بخش روم به سرزمین عرب (حجاز) باشد.

تاکتیک جنگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۳ - ۲،۳

۲ - هجوم غافلگیرانه بر دشمن در صبحگاه ، پس از حرکت سریع سپاهیان در شب ، شیوه ای کارساز در جهاد

فالمغیرت صبحًا

۳ - پنهان داشتن زمان یورش بر دشمن و هجوم در لحظه های استراحت او ، روشی مطلوب در جهاد

فالمغیرت صبحًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – عادیات – ۱۰۰ – ۵ – ۲

۲ – آسیب زدن به قلب سپاه دشمن و از کار انداختن مرکزیت آن ، رزمی در خور تمجید و سوگند خداوند

فوسطن به جمعًا

تاکتیک در جنگ

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۱ – ۷

۷ تعیین تاکتیک و کیفیّت نبرد ، در اختیار مؤمنان رزمنده

فانفروا ثبات او انفروا جمیعاً

تعیین نکردن نحوه بسیج و حرکت به سوی دشمن، برای رساندن این معناست که شیوه و تاکتیک مبارزه با دشمنان دین به انتخاب و صلاحدید خود مؤمنان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۱۶ – ۱،۲

۱ جواز روی برتافتن از جبهه نبرد به منظور در اختیار گرفتن موضعی جدید علیه دشمن یا پیوستن به گروهی از همرزمان خویش

و من یولهم یومئذ دبره إلا متحرفا لقتال او متحیزا إلی فئه

<تحرف> به معنای روی گرداندن از محلی به اطراف آن محل است. بنابراین <تحرف للقتال> یعنی روی گرداندن از دشمن به منظور انتخاب جبهه ای دیگر برای نبرد. و <تحیز> به معنای جای گرفتن است و چون به <إلی> متعدی شده معنای پیوستن نیز در آن اشراب شده است. گفتنی است مراد از <فئه> گروهی است که در آن میدان مشغول پیکار هستند.

۲ روی گردانان از جبهه نبرد جز برای اتخاذ تاکتیک های جدید مورد غضب الهی و مستحق جهنم

و من یولهم . .. فقد باء بغضب من اللّه و مأویه جهنم و بئس المصیر

کلمه <بوء> چنانچه با حرف <باء> متعدی شود می تواند به معنای متحمل شدن باشد. بنابراین <باء بغضب من اللّه> یعنی خشم خداوند را بر خود هموار ساخت.

تبیین فلسفه جنگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۳ – ۷

تبیین علل پیکار با دشمن برای نیرو های رزمی در صورت مشاهده نوعی تردید و هراس در آنان امری شایسته است .

ألا تقتلون قوماً نکثوا أیمنهم و همّوا بإخراج الرسول

تخلف از جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۲ - ۷

۷ خوشحالی به خاطر شرکت نجستن در جنگ به همراهی رسول خدا و مصون ماندن از پیامد های مصیبت بار آن ، شرک است .

فان اصابتکم مصیبه قال قد انعم اللّه علیّ اذ لم اکن معهم شهیداً

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: ... ولو ان اهل السماء و الارض قالوا قد انعم الله علیّ اذ لم اکن مع رسول الله (ص) لکانوت بذلک مشرکین ... .

مراد از شرک خروج از اسلام نیست بلکه پیروی از شیطان است کما اینکه روایاتی در اصول کافی بیانگر این مطالب است.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۵۷، ح ۱۹۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۱۶، ح ۳۹۸ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۹۳، ح ۲، ۳ و ۴.

ترس از جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۱۴،۱۷،۲۵

۱۴ گروهی از مسلمانان صدر اسلام به گونه ای از نبرد با دشمن هراسناک بودند که خداترسان از خدا می ترسند .

اذا فریق منهم یخشون النّاس کخشیه اللّه

برداشت فوق بر این مبناست که <کخشیه اللّه> حال برای فاعل <یخشون> باشد که در این صورت مضافی مقدر است و تقدیر کلام چنین خواهد بود: یخشون النّاس مثل اهل خشیه اللّه.

۱۷ گروهی از مسلمانان صدر اسلام ، هراسشان از

جنگ بیش از ترسشان از خداوند بود .

یخشون النّاس کخشیه اللّه او اشدّ خشیه

۲۵ مسلمانان هراسناك از نبرد ، خواهان لغو حکم جهاد شدند .

و قالوا ربّنا لم کتبت علینا القتال لو لا اخّرتنا الی اجل قریب

برخی برآنند که مراد از <اجل قریب> زمان مرگ است. و تأخیر حکم جهاد تا زمان مرگ به معنای لغو آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۴ - ۲

۲ هراس قوم موسی (ع) (بنی اسرائیل) از برخورد و رویارویی با زورگویان قدرتمند حاکم بر سرزمین مقدس

قالوا یموسی إنّا لن ندخلها ابداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۳ - ۱۲

۱۲ مسلمانان صدر اسلام ، از نبرد با شرك پیشگان پیمان شکن ، در هراس بودند .

أتخشونهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۹ - ۴

۴ - منافقان مدینه ، از شدت ترس از جنگ ، شبیه محتضر می شدند .

فإذا جاء الخوف رأیتهم ینظرون إلیك تدور أعینهم کالذی یغشی علیه من الموت

ترس در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۲ - ۱۲

۱۲ سستی و هراس در هنگامه های دشوار (همانند جنگ) و تصمیم به نافرمانی از پیامبر (ص) ، به تنهایی ، موجب خروج از ولایت و حمایت الهی نیست .

اذ همّت . .. و اللّه ولیّهما

جمله <و اللّه ولیّهما>، در عین اعتراض به گروههایی که قصد انحراف از جنگ

و نافرمانی از رسول خدا (ص) را داشتند، بیانگر این است که این تصمیمشان، باعث نشد که ولایت الهی از آنان منقطع شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۱۳

۱۳ اعتقاد به مقدّر بودن مرگ ، از میان برنده هراس آدمی برای سفر و حضور در میدان نبرد (صحنه های دشوار زندگی)

قالوا . .. ما ماتوا و ما قتلوا ... و اللّه یحیی و یمیت

جمله <و اللّه یحیی و یمیت>، می تواند به منظور زدودن هراس از شرکت در پیکار ایراد شده باشد.

ترک جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۱۳

۱۳ شرکت و عدم شرکت در جنگ ، منوط به اذن رهبر جامعه اسلامی است .

فاستئذنوک

تشخیص معذوران از جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۳ - ۶

۶ تشخیص راستگویی و دروغگویی مدعیان ناتوانی از شرکت در جنگ ، به عهده رهبری است .

لم أذنت لهم حتی یتبین لک الذین صدقوا و تعلم الکذبین

از اینکه متخلفان از جنگ از پیامبر (ص) اذن ترک جهاد خواسته اند و خداوند نیز آن حضرت را مورد خطاب قرار داد، برداشت فوق استفاده می شود.

تقدم صلح بر جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۱ - ۱،۲

۱ جامعه ایمانی باید در صورت اظهار تمایل کافران به صلح ، آن را بپذیرد و از آن استقبال کند .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

۲

لزوم پذیرش صلح مطرح شده از سوی کافران ، مشروط به احرازِ نبودن فریبکاری در سایه صلح طلبی است .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

جنوح (مصدر جنحوا) به معنای تمایل داشتن است و با حرف <الی> متعدی می شود. بنابراین آوردن <لام> پس از آن بیانگر این است که در آن کلمه معنای <قصد> تضمین شده است. یعنی: ان جنحوا إلی المسالمه قاصدین لها. (اگر تمایل به صلح دارند و هدفشان دستیابی به زندگی مسالمت آمیز است، نه حیله گری ... .)

تقوا در جنگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۹۴ – ۱۴

۱۴ – رعایت تقوا در جنگ و حفظ عدالت در مقابله به مثل ، موجب جلب حمایت و امداد های الهی است .

و اتقوا اللّه و اعلموا أن اللّه مع المتقین

تقویت روحیه در جنگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۰۴ – ۵

۵ بیان خسارت های دشمن در جنگ ، زمینه ای برای تقویت روحیه مجاهدان در رویارویی با آنان

ان تکونوا تألمون فانهم یألمون کما تألمون

تنبلی در جنگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۲ – ۳

۳ سرزنش خداوند نسبت به کسانی که از شرکت در نبرد سستی می کنند و یا دیگران را از آن بازمی دارند .

و انّ منکم لمن لیبطّئنّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۲ - ۱،۱۲،۱۸

۱ تمایل دو گروه از رزمندگان احد به سستی و انصراف از شرکت

در جنگ

اذ همّت طائفتان منکم ان تفشلا

بیشتر مفسرین برآنند که آیه فوق در مورد نبرد احد نازل شده است.

۱۲ سستی و هراس در هنگامه های دشوار (همانند جنگ) و تصمیم به نافرمانی از پیامبر (ص) ، به تنهایی ، موجب خروج از ولایت و حمایت الهی نیست .

اذ همّت . .. و اللّه ولیّهما

جمله <و اللّه ولیّهما>، در عین اعتراض به گروههایی که قصد انحراف از جنگ و نافرمانی از رسول خدا (ص) را داشتند، بیانگر این است که این تصمیمشان، باعث نشد که ولایت الهی از آنان منقطع شود.

۱۸ تمایل بنی حارثه و بنی سلمه به سستی و انصراف از شرکت در جنگ احد

اذ همّت طائفتان منکم

امام باقر و امام صادق (ع) درباره <طائفتان> در آیه فوق فرمودند: <و الطّائفتان هما بنو سلمه و بنو حارثه حیّان من الانصار.

مجمع البیان، ج ۲، ص ۸۲۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۳ - ۹

۹ سرزنش خداوند به پیکارگران احد که چرا علی رغم مشاهده یاری الهی در جنگ بدر ، تصمیم به سستی در کارزار احد گرفتند .

و اذ همّت طائفتان منکم ان تفشلا . .. و لقد نصرکم اللّه ببدر و انتم اذلّه

لحن آیه، حکایت از سرزنش مسلمانانی است که در جنگ احد، تصمیم به سستی و نافرمانی گرفتند.

توبه فرار از جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۷ - ۲

۲ فرار از میدان جنگ ، گناه بوده و نیازمند توبه و استغفار به درگاه خداست .

ثم ولیتم

مدبرین . .. ثم یتوب اللّه من بعد ذلک علی من یشاء

تهدید به جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۴

۴- پیامبر (ص) ، مشرکان و کافران لجوج و حق ناپذیر را به جنگ و جهاد تهدید کرد .

فإن تولّوا فقل ءاذنتکم علی سواء

برداشت یاد شده بر اساس یکی از احتمالاتی است که میان مفسران در باره این آیه مطرح است و آن این که جمله <آذنتکم علی سواء> تهدید به جنگ و هشدار به جهاد است. مانند آیه <فانبذ إلیهم علی سواء> (انفال (۸) آیه ۵۸).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۷ - ۱،۲،۳

۱ - رد هدیه ملکه سبا از سوی سلیمان (ع) و فرمان وی مبنی بر بازگشت سفیر به سوی بلقیس با پیام جنگ

ارجع إلیهم فلنأتینّهم بجنود

سیاق آیات نشانگر این نکته است که سلیمان(ع) هدیه را نپذیرفت و به آنان برگرداند.

۲ - تهدید أکید سلیمان (ع) مبنی بر فرستادن سپاهی گران ، پرتوان و بی هماورد به سوی مشرکان سبا

فلنأتینّهم بجنود لاقبل لهم بها

جمله <لا قبل لهم بها> صفت <جنود> است; یعنی، سپاهی چنان عظیم که ایشان را توان رویارویی با آن نباشد.

۳ - هشدار سلیمان (ع) به دربار سبا درباره پی آمد های ناگوار جنگ (تبعید ، آوارگی ، ذلت و خواری)

و لنخرجنّهم منها أذلّه و هم صغرون

<أذله> جمع <ذلیل> و حال برای ضمیر <هم> است; یعنی، آنان را از آن سرزمین همراه با ذلت و خواری اخراج خواهیم کرد. عبارت

<هم صاغرون> به تقدير <هم صاغرون فيها> است; يعنى، و در آن سرزمين، بيگانه، حقير و آواره خواهند بود.

جرم تخلّف از قوانين جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۹

۹ - متجاوزان از مقررات جنگ ، بايد مجازات شوند . *

فلا عدون إلا على الظلمين

جرم فرار از جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۲۷ - ۲

۲ فرار از ميدان جنگ ، گناه بوده و نيازمند توبه و استغفار به درگاه خداست .

ثم وليتم مدبرين . .. ثم يتوب اللّه من بعد ذلك على من يشاء

جنگ افروزى مشركان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰ - ۱۱

۱۱ مشركان صدر اسلام ، آغازگر جنگ با مسلمانان بودند .

أولئك هم المعتدون

قصر در جمله <أولئك هم المعتدون> كه ضمير فصل <هم> مفيد آن مى باشد قصر قلب است ; يعنى، اين مشركانند كه به حقوق مسلمانان تعدى نموده و جنگ را با آنان آغاز كردند نه مسلمانان. قابل ذكر است كه در <آيه ۱۳> به اين معنا تصريح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۳ - ۸

۸ مشرکان صدر اسلام ، آغازگر جنگ با مسلمانان

و هم بدءوکم أوّل مرّه

جنگ افروزی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۷ - ۱

۱ پیامبر (ص) از جانب خدا فرمان یافت تا در صورت

تسلط بر یهودیان پیمان شکن و جنگ آفرین ، آنان را به گونه ای مجازات کند که زمینه پراکنده شدن دیگر دشمنان فراهم آید .

فإما تثقفنهم فی الحرب فشردبهم من خلفهم

تشرید به معنای پراکنده ساختن و کوچ دادن است. <باء> در <بهم> سببیه است که به دلیل <فی الحرب> کلمه ای همانند قتل و یا مجازات در تقدیر می باشد. و مراد از <من خلفهم> یهود و یا دیگر دشمنانی است که از مدینه و یا اطراف آن به فتنه گری می پرداختند. بنابراین جمله <فشردبهم> چنین معنا می شود: ای پیامبر با مجازات سنگین که بر یهودیان پیمان شکن تحمیل می کنی، دیگر دشمنان را متفرق ساز و پراکنده کن.

جنگ با ارزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۷ - ۶

۶ انگیزه های الهی ، ملاک ارزش جنگ ها و نبردها

قاتلوا فی سبیل اللّه

جنگ با اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲ - ۱۳

۱۳ جنگ با اسلام و مسلمین ، جنگ با خداست .

و اعلموا أنکم غیر معجزی اللّه و أن اللّه مخزی الکفرین

قرار داده شدن مشرکان در برابر خدا با اینکه آنان با اسلام و مسلمین مبارزه می کردند نشانگر این حقیقت است که: نبرد با اسلام و اسلامگرایان، جنگ با خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳ - ۱۱

۱۱ جنگ با اسلام ، جنگ با خداست .

فاعلموا أنكم غير معجزى اللّه

جنگ با بنى نضير

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۱ - ۷

۷ - وعده منافقان مدینه به یهود بنی نضیر ، نسبت به همگامی کامل با آنان در صورت نبرد یا تبعید

الذین نافقوا یقولون . .. لئن أُخرجتم لنخرجنّ معکم ... و إن قوتلتم لننصرنّکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۲ - ۲

۲ - خبر دادن خداوند ، از پایبند نبودن منافقان به تعهّد خویش ، در یاری بنی نضیر به هنگام جنگ

و لئن قوتلوا لاینصرونهم

جنگ با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۹ - ۲،۳

۲ رباخواران در موضع جنگ با خداوند و پیامبر (ص)

فان لم تفعلوا فأذنوا بحرب من اللّه و رسوله

۳ رباخواران ، محاربان با خداوند و رسول (ص)

فان لم تفعلوا فأذنوا بحرب من اللّه و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲ - ۱۳

۱۳ جنگ با اسلام و مسلمین ، جنگ با خداست .

و اعلموا أنکم غیر معجزی اللّه و أن اللّه مخزی الکفرین

قرار داده شدن مشرکان در برابر خدا با اینکه آنان با اسلام و مسلمین مبارزه می کردند نشانگر این حقیقت است که: نبرد با

اسلام و اسلامگرایان، جنگ با خداست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۳ – ۱۱

۱۱ جنگ با اسلام ، جنگ با خداست .

فاعلموا أنکم غیر معجزی اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

– ۴

مائده - ۵ - ۳۳ - ۴،۶،۸،۹،۱۵،۱۹،۲۰

۴ گناه محاربه با پیامبر (ص) ، همسان با گناه محاربه با خدا .

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه و رسوله

۶ فسادگری در زمین ، گناهی برابر با گناه محاربه با خدا و رسول *

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه و رسوله و یسعون فی الارض فساداً

جزای مساوی برای محاربان و مفسدان، حکایت از برابری گناه آنان دارد. گفتنی است که برداشت فوق مبتنی بر این است که مفسدان، عنوانی مستقل از محاربان نسبت به کیفرهای چهارگانه باشد.

۸ تلاش برای فساد و تباهی جامعه ایمانی ، ستیزه جویی با خدا و رسول (ص) است .

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه و رسوله و یسعون فی الارض فساداً

برداشت فوق بر این مبناست که <واو> در <و یسعون> تفسیریه باشد. یعنی فسادگری در جامعه ایمانی، مصداقی از محاربه با خدا و رسول است.

۹ محاربان با خدا و رسول (ص) به دلیل فسادگری در زمین محکوم به کیفری سنگین

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه و رسوله و یسعون فی الارض فساداً ان یقتلوا

بنابر اینکه <یسعون فی الارض> عطف تفسیری برای <الذین یحاربون> باشد، می توان گفت داعی بر تفسیر محاربان به فسادگران در زمین، بیان علت کیفری است که برای آنان ذکر شده است.

۱۵ عذاب بزرگ اخروی پیامد و کیفر ستیزه جویی با خدا و رسول (ص) و فسادگری در زمین

و لهم فی الاخره عذاب عظیم

۱۹ گرفتن مال مردم به زور ، همراه با زدن آنان در کشور اسلامی ، محاربه با خدا و رسول است .

انما جزؤا الذین یحاربون

اللّه

از امام صادق(ع) درباره کسانی که در کشور اسلامی با زدن مردم به غارت اموالشان بپردازند، روایت شده: هولاء من اهل هذه الایه <انما جزؤا الذین . .. >

کافی، ج ۷، ص ۲۴۵، ح ۲; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۵، ح ۳.

۲۰ سلاح بر گرفتن و ایجاد ناامنی در راه ها همراه با قتل ، محاربه با خدا و رسول و کیفر آن اعدام است .

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه . .. ان یقتلوا

از امام جواد(ع) روایت شده که در پاسخ از سؤال حکم فسادگرانی که راه بر مردم بسته اند فرمود: . .. و ان کانوا اخافوا السبیل و قتلوا النفس امر بقتلهم ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۵، ح ۹۱; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۷، ح ۱۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۴ - ۶

۶ خداوند فراخوان محاربان و مفسدان به دست شستن از فسادگری و ستیزه جویی با خدا و رسول (ص)

الا الذین تابوا من قبل ان تقدروا علیهم

جنگ با دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۴ - ۹

۹ - مسلمانان ، موظف به رعایت عدالت حتی در جنگ با دشمنان

فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۳ – ۷

۷ تبیین علل پیکار با دشمن برای نیرو های رزمی در صورت مشاهده نوعی تردید و هراس در آنان امری شایسته است .

ألا تقتلون قوماً نکثوا

أيمنهم و همّوا بإخراج الرسول

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۵ – ۷

۷ جنگ با دشمنان پیمان شکن و دعوت آنان به توبه و بازگشت به دامن اسلام ، دستوری برخاسته از علم و حکمت خداوند

قتلوهم . .. و یتوب اللّه علی من یشاء و اللّه علیم حکیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۸ – ۱۱

۱۱ رنج و اندوه پیامبر (ص) از مشکلات مسلمانان ، در عین فراخوانی آنان به جنگ با دشمنان و تحمل سختی های نبرد

رسول من أنفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رءوف رحیم

با توجه به اینکه در آیات قبل، سخن از جنگ تبوک و مشکلات توان فرسای آن بود و پیامبر(ص) مؤمنان را به شرکت در آن فرمان داده بود، یادآوری خصلتهای پیامبر(ص) در پایان این بخش، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۹۰ – ۱۳

۱۳ حرمت تعرض و نبرد با منافقان و دشمنانی که از نبرد با مسلمانان دست برداشته و خواهان صلح می باشند .

فان اعتزلوکم فلم یقتلوکم و القوا الیکم السلم فما جعل اللّه لکم علیهم سبیلا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۶ – ۱

۱ اطاعت از فرمان های خدا و رسول به هنگام رویارویی با دشمنان ، وظیفه ای ضروری بر عهده مسلمانان

و أطیعوا اللّه و رسوله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

انفال - ۸ - ۶۰ - ۱،۲۰

۱ تقویت قوای نظامی و تهیه ادوات جنگی برای نبرد با دشمنان خدا ، وظیفه ای بر عهده تمامی مسلمانان

و أعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل

۲۰ بازداشتن دشمنان از هجوم به جامعه ایمانی و ستمکاری آنان ، از منافع جهاد و تأمین هزینه ادوات آن است . *

و ما تنفقوا . .. و أنتم لاتظلمون

برخی برآنند که <یوف إلیکم> و <أنتم لاـتظلمون> بیانگر ثمرات توان نظامی جامعه در دنیاست. یعنی اگر هزینه جهاد را تأمین کنید و بنیه نظامی جامعه اسلامی را به حدی برسانید که دشمنان وحشت کنند، در نتیجه به شما هجوم نخواهند آورد تا ضررهایی را بر شما تحمیل نمایند. و اگر چنین کردید بر شما مسلط نخواهند شد تا بتوانند ستمی بر شما روا بدارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۲ - ۴

۴ - خداوند و پیامبرش ، به مسلمانان وعده داده بودند که در صورت مواجهه آنان با دشمنان شان ، پیروز خواهند شد .

ما وعدنا اللّه و رسوله إلّاغرورًا

جنگ با دشمنان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۵

۵ سستی اهل ایمان در پیکار با دشمنان دین ، موجب از میان رفتن ابهت و قوّت جامعه اسلامی

و لاتنزعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم

جنگ با دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۴ - ۳

۳ نابودی و ذلت دشمنان دین و چشیدن طعم پیروزی ، در گرو

نبرد با آنان است .

قتلوهم يعذبهم اللّه بأيديكم و يخزهم و ينصركم عليهم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۶ – انفال – ۸ – ۴۵ – ۱،۲

۱ اهل ايمان وظيفه دار پايدارى در نبرد با دشمنان دين

يأيها الذين ءامنوا إذا لقيتم فئه فاثبتوا

<لقاء> مصدر <لقيتم> به معناى رو در رو شدن و برخورد كردن است و مراد از آن به مناسبت سياق آيه، برخورد نظامى، يعنى پيكار و نبرد، مى باشد.

۲ لزوم زياد ياد كردن خدا به هنگام رويارويى با دشمنان دين و نبرد با آنان

إذا لقيتم فئه فاثبتوا و اذكروا اللّه كثيرا

<اذكروا اللّه> مى توانـد عطف بر <اثبتوا> باشـد كه در حقيقت جواب شـرط <إذا لقيتم> خواهد بود. بر اين مبنا مقصود، زياد ياد كردن خـدا به هنگام نبرد است. همچنين <اذكروا ... > مى توانـد جمله مسـتانفه باشد. در اين صورت زياد ياد كردن خدا برنامه اى است براى تمامى مراحل زندگى كه از مصاديق آن هنگام رويارويى با دشمنان است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۶ – انفال – ۸ – ۴۶ – ۳،۴

۳ پرهيز از نزاع و اختلاف به هنگام رويارويى با دشمنان دين ، وظيفه اى ضرورى بر عهده مجاهدان

و لاتنزعوا

۴ نزاع و اختلاف اهل ايمان موجب سست شدن آنان در پيكار با دشمنان دين

و لاتنزعوا فتفشلوا و تذهب ريحكم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۶ – انفال – ۸ – ۶۰ – ۱۶

۱۶ نبرد با دشمنان دین ، از مصادیق < سبیل اللّه > است .

و ما تنفقوا من شیء فی سبیل اللّه یوف إلیکم

سیاق

آیه حکایت از آن دارد که از مصادیق <سبیل اللّه> جهاد با دشمنان دین است.

جنگ با دشمنان رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۳ - ۱۱

۱۱ پیکار با توطئه گران علیه رهبر جامعه اسلامی و سرکوبی آنان ، امری است لازم .

ألا تقتلون قوماً . .. و همّوا بإخراج الرسول

جنگ با دشمنان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۳ - ۱

۱ تشویق و تشجیع مسلمانان صدر اسلام به جنگ با مشرکان پیمان شکن و توطئه گر علیه پیامبر (ص)

ألا تقتلون قوماً نکثوا أیمنهم و همّوا بإخراج الرسول

جنگ با دوستان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۱۰

۱۰ جنگ با دوستان شیطان (کافران و طاغوت ها) مصداق بارز نبرد در راه خدا

الّذین امنوا یقاتلون فی سبیل اللّه . .. فقاتلوا اولیاء الشّیطان

جنگ با رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲ - ۸،۱۲

۸ خداوند ، مسلمانان صدر اسلام را به پیکار با سران و پیشوایان شرک و کفر ، در صورت نقض پیمان صلح از سوی آنان ،

فراخواند .

و إن نکثوا أیمنهم . .. فقتلوا أئمه الکفر

۱۲ پیکار با سران شرک و کفر ، به منظور وادار کردن آنان به رعایت عهد و پیمان و بازداشتن ایشان از ضربه زدن به اسلام و مسلمانان است .

و إن نکثوا أیمنهم . .. فقتلوا أئمه الکفر ...

لعلهم ينتهون

جنگ با رهبران كفر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۳ - ۲

۲ تشويق و تشجيع مسلمانان به پيكار با سران شرك و كفر

فقتلوا أئمه الكفر . .. ألا تقتلون قوماً نكثوا أيمنهم و همّوا بإخراج الرسول

جنگ با سليمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۳ - ۳

۳ - اعلام آمادگى اميران و درباريان سبا براى درگيرى نظامى با سليمان (ع)

أفتونى فى أمرى . .. قالوا نحن أُولوا قوّه و أُولوا بأس شديد

تذكر قدرت و نيرومندى، اشاره به اين دارد كه آنان براى هر نبردى ولو با سليمان آمادگى دارند.

جنگ با طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۱۰

۱۰ جنگ با دوستان شيطان (كافران و طاغوت ها) مصداق بارز نبرد در راه خدا

الّذين امنوا يقاتلون فى سبيل اللّه . .. فقاتلوا اولياء الشّيطان

جنگ با ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۲۱ - ۱۰

۱۰ هشدار موسی (ع) به زیانکاری قوم خویش در صورت فرار و عقب نشینی به هنگام رویارویی با جباران سرزمین مقدس

و لاترتدوا علی ادبارکم فتنقلبوا خسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۲ - ۱،۲

۱ تأکید بنی اسرائیل بر کناره گیری از نبرد با زورگویان سرزمین مقدس ، علی رغم فرمان موسی (ع)

قالوا یموسی ان فیها قوماً جبارین و إنّا لن

ندخلها

۲ هراس قوم موسی (بنی اسرائیل) از برخورد و رویارویی با زورگویان قدرتمند حاکم بر سرزمین مقدس

قالوا یموسی ان فیها قوماً جبارین و إنّا لن ندخلها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۳ – ۳

۳ یاران موسی (ع) و وفاداران به او برای نبرد با زورگویان سرزمین مقدس ، جمعی اندک و ناچیز

ان فیها قوماً جبارین . .. قال رجلان من الذین یخافون

جنگ با غیر محاربان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۹۰ – ۵

۵ – نبرد با کسانی که با مسلمانان سر جنگ ندارند ، تجاوزگری و خروج از حدود الهی است .

و قتلوا . .. الذین یقتلونکم و لاتعتدوا

از مصداقهای مورد نظر برای اعتدا و تجاوز – به قرینه <الذین یقاتلونکم> – نبرد با کافرانی است که در پی جنگ با اهل ایمان نیستند.

جنگ با کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۱۸ – ۱۰

۱۰ آمرزش گناه مجاهدانی از صدر اسلام که در ماه حرام با کفار جنگیدند . (عبداللّه بن جحش و همراهان او)

ان الذین امنوا و الذین هاجروا

به دلیل شأن نزول، از مصادیق اولی آیه، عبداللّه بن جحش و یاران او هستند که پس از هجرت از مدینه به سوی نخله، با دشمن درگیر شدند و آنان را کشتند و یا اسیر کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۲ - ۸

۸ پیامبر (ص) و

رهبران الهی نباید صلح طلبیهایی را که قرین نیرنگ است بپذیرند و به سبب آن از نبرد با کافران بازایستند .

و إن یریدوا أن یخدعوک فإن حسبک اللّه

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <و ان یریدوا . .. > فرض دیگری در مقابل <إن جنحوا> باشد، نه توضیح و تکمیل آن. یعنی صلح به دو منظور پیشنهاد می شود: گاهی به سبب صلح واقعی و زندگانی مسالمت آمیز با مسلمانان و گاهی به منظور حیله گری و تجدید قوا. آیه قبل (إن جنحوا ...) بیانگر احکام و دستورات فرض اول و آیه دوم (و إن یریدوا) بیانگر احکام و دستورات فرض دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱ - ۴

۴ جنگیدن با کفار محارب ، پس از گرویدن آنان به اسلام ، ممنوع است .

فإن تابوا . .. فإخونکم فی الدین

جمله <فإخونکم فی الدین> اشاره به این معنا دارد که: کفار محارب با گرویدن به اسلام، برادران دینی مسلمانان محسوب شده و از آن پس، جنگیدن با آنان حرام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲ - ۱۱

۱۱ نابودی عوامل اصلی کفر و شرک ، هدف عمده و اساسی پیکار اسلام با کافران و مشرکان

فقتلوا أئمه الکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۶

۶ لزوم به کارگیری شدت و خشم ، در جنگ با دشمنان کفرپیشه

قتلوا الذین یلونکم من الکفار و لیجدوا فیکم غلظه

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۱۰

۱۰ جنگ با دوستان شیطان (کافران و طاغوت ها) مصداق بارز نبرد در راه خدا

الّذین امنوا یقاتلون فی سبیل اللّه . .. فقاتلوا اولیاء الشّیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۲،۳،۱۱

۲ برخی از مسلمانان صدر اسلام خواستار نبرد با کفّار ، قبل از تشریع جهاد و مبارزه مسلّحانه

الم تر الی الّذین قیل لهم کفّوا ایدیکم . .. فلمّا کتب علیهم القتال

از جمله <فلمّا کتب> به دست می آید که مراد از <کفّوا>، خودداری از نبرد و جنگ مسلحانه است.

۳ برخی از مسلمانان صدر اسلام خواهان نبرد با کافران ، پیش از فراهم آمدن زمینه های آن

الم تر الی الّذین قیل لهم کفّوا ایدیکم

جمله <فلما کتب . .. >، چنانچه گذشت، می تواند به معنای تشریع جهاد باشد، و می تواند به معنی فراهم آمدن زمینه جهاد و پیش آمدن شرایط آن باشد ; یعنی آنگاه که پیامبر (ص) مسلمانان را به سوی جهاد فراخواند ... .

۱۱ لزوم خودسازی ، پیش از نبرد با کفّار

و اقیموا الصلوه و اتوا الزکوه فلمّا کتب علیهم القتال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۱۲

۱۲ هشدار و تهدید خداوند به مسلمانان ، در مورد تعرض به کافران و منافقانی که پیکار با آنان ممنوع شده است .

و لو شاء اللّه لسلّطهم علیکم فلقاتلوکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۳ – ۱۰

۱۰ رؤیای

پیامبر (ص) (اندک دیدن نفرات سپاه کفر) عامل وحدت کلمه مسلمانان در ضرورت پیکار با سپاه کفر و حضور رشیدانه آنان در جنگ بدر

إذ یریکهم اللّه فی منامک قلیلا و لو أریکهم کثیرا لفشلتم و لتنزعتم

جنگ با کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۷ - ۴

۴ متلاشی ساختن جبهه کافران محارب و پراکنده ساختن آنان ، تکلیفی بر عهده اهل ایمان

فإما تثقفنهم فی الحرب فشردبهم

جنگ با کافران معاهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲ - ۶،۱۰

۶ لغو اعتبار پیمان عدم تعرض و اعلان جنگ به معاهدان کافر ، در صورت شکسته شدن پیمان از سوی آنان ، بلامانع است .

و إن نکثوا أیمنهم من بعد عهدهم . .. فقتلوا

۱۰ طعن و توهین به اسلام از سوی کفار معاهد ، لغو اعتبار پیمان صلح و اعلان نبرد با آن را ، مجاز می کند .

و إن نکثوا أیمنهم من بعد عهدهم و طعنوا فی دینکم فقتلوا

جنگ با محاربان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱ - ۴

۴ جنگیدن با کفار محارب ، پس از گرویدن آنان به اسلام ، ممنوع است .

فإن تابوا . .. فإخونکم فی الدین

جمله <فإخونکم فی الـدین> اشاره به این معنا دارد که: کفار محارب با گرویدن به اسـلام، برادران دینی مسـلمانان محسوب شده و از آن پس، جنگیدن با آنان حرام است.

جنگ با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۹ - ۲،۳

۲ رباخواران در موضع جنگ با خداوند و پیامبر (ص)

فان لم تفعلوا فأذنوا بحرب من اللّه و رسوله

۳ رباخواران ، محاربان با خداوند و رسول (ص)

فان لم تفعلوا فأذنوا بحرب من اللّه و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۴،۶،۸،۹،۱۵،۱۸،۱۹،۲۰

۴ گناه محاربه با پیامبر (ص) ، همسان با گناه محاربه با خدا .

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه و رسوله

۶ فسادگری در زمین ، گناهی برابر با گناه محاربه با خدا و رسول *

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه و رسوله و یسعون فی الارض فساداً

جزای مساوی برای محاربان و مفسدان، حکایت از برابری گناه آنان دارد. گفتنی است که برداشت فوق مبتنی بر این است که مفسدان، عنوانی مستقل از محاربان نسبت به کیفرهای چهارگانه باشد.

۸ تلاش برای فساد و تباهی جامعه ایمانی ، ستیزه جویی با خدا و رسول (ص) است .

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه و رسوله و یسعون فی الارض فساداً

برداشت فوق بر این مبناست که <واو> در <و یسعون> تفسیریه باشد. یعنی فسادگری در جامعه ایمانی، مصداقی از محاربه با خدا و رسول است.

۹ محاربان با خدا و رسول (ص) به دلیل فسادگری در زمین محکوم به کیفری سنگین

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه و رسوله و یسعون فی الارض فساداً ان یقتلوا

بنابر اینکه <یسعون فی الارض> عطف تفسیری برای <الذین یحاربون> باشد، می توان گفت داعی بر تفسیر محاربان به

فسادگران در زمین، بیان علت کیفری است

که برای آنان ذکر شده است.

۱۵ عذاب بزرگ اخروی پیامد و کیفر ستیزه جویی با خدا و رسول (ص) و فسادگری در زمین

و لهم فی الاخره عذاب عظیم

۱۸ هشدار خداوند به یهود نسبت به فرجام شوم ستیزه جویی با پیامبر (ص) و فسادانگیزی در زمین

من اجل ذلک کتبنا علی بنی اسرءیل . .. انما جزؤا الذین یحاربون

چون در آیه پیش روی سخن با بنی اسرائیل بود، این آیه می تواند تعریض به اهداف و اعمال آنان در برابر پیامبر(ص) داشته باشد.

۱۹ گرفتن مال مردم به زور ، همراه با زدن آنان در کشور اسلامی ، محاربه با خدا و رسول است .

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه

از امام صادق(ع) درباره کسانی که در کشور اسلامی با زدن مردم به غارت اموالشان بپردازند، روایت شده: هولاء من اهل هذه الایه <انما جزؤا الذین . .. >

کافی، ج ۷، ص ۲۴۵، ح ۲; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۵، ح ۳.

۲۰ سلاح بر گرفتن و ایجاد ناامنی در راه ها همراه با قتل ، محاربه با خدا و رسول و کیفر آن اعدام است .

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه . .. ان یقتلوا

از امام جواد(ع) روایت شده که در پاسخ از سؤال حکم فسادگرانی که راه بر مردم بسته اند فرمود: . .. و ان کانوا اخافوا السبیل و قتلوا النفس امر بقتلهم ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۵، ح ۹۱; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۷، ح ۱۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۴ -

۶ خداوند فراخوان محاربان و مفسدان به دست شستن از فسادگری و ستیزه جویی با خدا و رسول (ص)

الا الذین تابوا من قبل ان تقدروا علیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۰ - ۱۱

۱۱ کفرپیشگان اگر ایمان آورند ، حتی در صورتی که علیه پیامبر (ص) جنگیده باشند ، مشمول رحمت و مغفرت الهی خواهند شد .

إن یعلم اللّه . .. یغفر لکم

جنگ با مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۲ - ۱۴

۱۴ کافرانی که با مسلمانان پیمان عدم تعرض دارند ، هر چند به انگیزه مبارزه با اسلام به غیر مهاجران هجوم برند ، مهاجران و انصار موظف به یاری آنان نیستند .

فعلیکم النصر إلا علی قوم بینکم و بینهم میثق

مراد از میثاق به قرینه مقام، پیمان عدم تعرض و متارکه جنگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲ - ۱۳

۱۳ جنگ با اسلام و مسلمین ، جنگ با خداست .

و اعلموا أنکم غیر معجزی اللّه و أن اللّه مخزی الکفرین

قرار داده شدن مشرکان در برابر خدا با اینکه آنان با اسلام و مسلمین مبارزه می کردند نشانگر این حقیقت است که: نبرد با اسلام و اسلامگرایان، جنگ با خداست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۳ – ۸

۸ مشرکان صدر اسلام ، آغازگر جنگ با مسلمانان

و هم بدءوکم أوّل مرّه

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۷۳ – ۴

۴ حمایت نکردن از مسلمانانی که برای دینشان مورد هجوم کافران هستند ، موجب فتنه و فسادی بزرگ خواهد شد .

فعلیکم النصر . .. إلا تفعلوه تکن فتنه فی الأرض و فساد کبیر

جنگ با مشرکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰ – ۱۲

۱۲ جنگ مسلمانان با مشرکان پیمان شکن صدر اسلام ، جنگ دفاعی بود نه ابتدایی .

و أولئک هم المعتدون

از این آیه شریفه و آیات پیش استفاده می شود که: خداوند به منظور دفاع از حقوق مسلمانان و کوتاه شدن دست دشمن از تجاوز به حقوق ایشان، معاهده صلح با مشرکان را لغو و مسلمانان را به جنگ و نبرد با آنان فراخواند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱ – ۱

۱ جنگ مسلمانان با مشرکان پیمان شکن صدر اسلام ، به منظور نجات آنان از آیین شرک و بازگشت به توحید و اسلام ، بود .

فإن تابوا و اقاموا الصلوه و ءاتوا الزکوه

برداشت فوق از تفریع جمله <إن تابوا . .. > بر الغای صلحنامه و اعلام جنگ با مشرکان پیمان شکن (کیف یکون للمشرکین عهد ...) استفاده می شود. قابل ذکر است که <توبه> (مصدر تابوا) به معنای بازگشتن است ; یعنی، اگر مشرکان به اسلام و توحید بازگردند و ... .

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۳ – ۱،۱۲

۱ تشویق و تشجیع مسلمانان صدر اسلام به جنگ با مشرکان

پیمان شکن و توطئه گر علیه پیامبر (ص)

ألا تقتلون قوماً نکثوا أیمنهم و همّوا بإخراج الرسول

۱۲ مسلمانان صدر اسلام ، از نبرد با شرک پیشگان پیمان شکن ، در هراس بودند .

أتخشونهم

جنگ با مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۶

۶ خداوند خواهان رویارویی مسلمانان با سپاه مسلح قریش و مشرکان مکه

تودون أن . .. و یرید اللّه أن یحق الحق بکلمته

از مقـابله دو جمله <تـودون . .. > و <یریـد اللّه ... > به دست می آیـد که اراده خداونـد بر خلاف خواسته مسلمانان در انتخاب یکی از دو گروه (کاروان تجاری و سپاه مسلح مشرکان) بوده است.

جنگ با منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۲ - ۴

۴ مؤمنان صدر اسلام در انتظار دستور الهی ، برای جنگ با منافقان و از میان برداشتن جریان نفاق

و نحن نتربص بکم . .. بعذاب من عنده أو بأیدینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۱۲،۱۳

۱۲ هشدار و تهدید خداوند به مسلمانان ، در مورد تعرض به کافران و منافقانی که پیکار با آنان ممنوع شده است .

و لو شاء اللّه لسلّطهم علیکم فلقاتلوکم

۱۳ حرمت تعرض و نبرد با منافقان و دشمنانی که از نبرد با مسلمانان دست برداشته و خواهان صلح می باشند .

فان اعتزلوکم فلم یقتلوکم و القوا الیکم السلم فما جعل اللّه لکم علیهم سبیلا

جنگ با موهنان به دین

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲ - ۹

۹ مسلمانان صدر اسلام ، موظف بودند در صورت مشاهده طعن و توهین به دین الهی از سوی معاهدان مشرك ، با ایشان به پیکار برخیزند .

و إن نکثوا أیمنهم . .. و طعنوا فی دینکم فقتلوا أئمه الکفر

جنگ با مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۸ - ۱۳،۱۴

۱۳ رویارویی و نبرد با اهل ایمان ، ظلم است و محاربانِ با اهل ایمان ، ظالم هستند .

لیقطع طرفاً من الّذین کفروا . .. فانّهم ظالمون

۱۴ دشمنان محارب با اهل ایمان ، مستحقّ عذاب الهی

او یعذّبهم فانّهم ظالمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۵

۵ لشکرکشی برای رویارویی با اهل ایمان ، عملی پسندیده در نظر شیطان زده کفرپیشگان مکه

إذ زین لهم الشیطن أعملهم

از مصادیق مورد نظر برای کلمه <أعملهم>، به قرینه آیات قبل و فرازهای بعد، لشکرکشی کافران مکه برای حضور در جنگ بدر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۱۱

۱۱ کافران بر اثر فقدان درک معارف الهی و ایمان نداشتن به حقایق دینی ، مردمی ناتوان در پیکار با اهل ایمان

بأنهم قوم لايفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۱،۲

۱ - اطمینان بخشی خدا به مؤمنان درباره ناتوانی منافقان و کافران از رویارویی مستقیم با آنان

لایقتلونکم جمیعًا إلّا فی قرًی محصّنه

ضمایر فاعل <یقاتلون> به منافقان و

کافران (یهود) که در آیات قبل مورد اشاره قرار گرفته اند باز می گردد و <جمیعاً> نظر به اجتماع این دو گروه دارد.

۲ - کافران (یهود) ، پس از غزوه بنی نضیر ، ناتوان از مقابله رویارو در میدان نبرد با مؤمنان *

لایقتلونکم جمیعًا إلّا فی قرًی محصّنه

این آیات، پس از آیات غزوه بنی نضیر، آمده است; ازاین رو می تواند ناظر به برنامه های آینده یهود باشد هر چند آنان در گذشته نیز قدرت رویارویی مستقیم نداشته اند. روشن است که در این احتمال، ضمیر فاعل <یقاتلون> تنها به یهودیان بازگردد; نه آنان و منافقان (چنان که در برداشت قبل آمده است).

جنگ با ناقضان معاهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۳ - ۱

۱ تشویق و تشجیع مسلمانان صدر اسلام به جنگ با مشرکان پیمان شکن و توطئه گر علیه پیامبر (ص)

ألا تقتلون قوماً نکثوا أیمنهم و همّوا بإخراج الرسول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۵ - ۷

۷ جنگ با دشمنان پیمان شکن و دعوت آنان به توبه و بازگشت به دامن اسلام ، دستوری برخاسته از علم و حکمت خداوند

قتلوهم . .. و یتوب اللّه علی من یشاء و اللّه علیم حکیم

جنگ جالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۰ - ۶

۶ شرکت جالوت در صف مقدّم لشکریان خود *

و لمّا برزوا الجالوت و جنوده

تقدیم ذکری <جالوت> نشانه این است که مؤمنان اوّل با او روبرو شدند

و سپس با لشکریانش ; و لازمه آن، در صف مقدّم بودن جالوت است.

جنگ جهانی در آخر الزمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۹ - ۱

۱- خداونـد در آسـتانه قیامت ، مردم را به حال خود ر ها خواهد کرد و آنان با یورش های سـیل آسا به هم ، به جنگی جهانی مبتلا خواهند شد .

و ترکنا بعضهم یومئذ یموج فی بعض

<ترکنا> عطف بر <جعله دکّاء> است. بنابراین، مضمون <و ترکنا> نیز مربوط به حوادث قبل از قیامت است و <یومئذ> نیز بر این مبنـا، روزهای نزدیک به قیامت خواهـد بود. ضـمیر <بعضـهم> به مرجعی معنوی،ماننـد <الناس> باز می گردد و مراد از <یموج فی بعض> داخل شـدن برخی بر برخی دیگر است که شاید اشاره به هجوم و تجاوز گری گروهی از انسان ها به گروهی دیگر باشد.

جنگ حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۴ - ۱،۳،۴

۱ - حرمت جنگ در ماه های حرام

الشهر الحرام بالشهر الحرام

ماههای حرام از آن جهت به حرام بودن توصـیف شـده اند که برخی از اموری که در غیر آنها حلال است، در این ماهها حرام اسـت; از جمله آن امـور - به قرینه آیـات گذشـته - جنـگ می باشـد. ماههـای حرام عبـارت است از: رجب، ذی القعـده، ذی الحجه و محرم.

۳ - کافران عصر بعثت نیز به حرمت و قداست ماه های حرام و ممنوعیت جنگ در آنها معتقد بودند .

الشهر الحرام بالشهر الحرام

۴ - ضرورت دفاع از کیان اسلام و مسلمانان ، حکمی مهمتر از حفظ

احترام ماه های حرام و حرام بودن جنگ در آن ماهها

الشهر الحرام بالشهر الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۱۲،۱۳

۱۲ هشدار و تهدید خداوند به مسلمانان ، در مورد تعرض به کافران و منافقانی که پیکار با آنان ممنوع شده است .

و لو شاء اللّه لسلّطهم علیکم فلقاتلوکم

۱۳ حرمت تعرض و نبرد با منافقان و دشمنانی که از نبرد با مسلمانان دست برداشته و خواهان صلح می باشند .

فان اعتزلوکم فلم یقتلوکم و القوا الیکم السلم فما جعل اللّه لکم علیهم سبیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵ - ۳

۳ جنگ ، سلب کردن امنیت دشمن و ممانعت از سیر و سیاحت آنان در ماه های حرام ، ممنوع است .

فإذا انسلخ الأشهر الحرم فاقتلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱ - ۴

۴ جنگیدن با کفار محارب ، پس از گرویدن آنان به اسلام ، ممنوع است .

فإن تابوا . .. فإخونکم فی الدین

جمله <فإخونکم فی الدین> اشاره به این معنا دارد که: کفار محارب با گرویدن به اسلام، برادران دینی مسلمانان محسوب شده و از آن پس، جنگیدن با آنان حرام است.

جنگ در راه طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۶ – ۳،۴،۱۵

۳ جنگ های کافران ، در راه طاغوت است .

و الّذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطّاغوت

۴ نبرد در رکاب طاغوت ها ، نشانه کفر

و الّذین کفروا یقاتلون

فی سبیل الطّاغوت

۱۵ کافران پیکارگر در جبهه طاغوت ، ضعیف و ناتوان

و الذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطّاغوت . .. انّ کید الشّیطان کان ضعیفاً

جنگ در ماه های حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۹،۱۰،۱۱،۱۶،۱۸،۱۹

۹ در نظر خداوند ، جلوگیری از راه خدا و کفر به او ، گناهی بزرگتر از جنگیدن در ماه های حرام است .

عن الشهر الحرام قتال فیه قل قتال فیه کبیر و صدّ عن سبیل اللّه و کفر به . .. اکبر

بنابراینکه <صد عن سبیل اللّه>، مبتدا و <اکبر>، خبر آن باشد.

۱۰ در نظر خداوند ، جلوگیری از ورود به مسجدالحرام ، گناهی بزرگتر از جنگیدن در ماه های حرام است .

الشهر الحرام قتال فیه قل قتال فیه کبیر و صدّ عن سبیل اللّه . .. و المسجدالحرام .

بنابراینکه <و المسجدالحرام>، عطف بر <سبیل اللّه> باشد و <صدّ>، مبتدا و <اکبر>، خبر آن باشد. یعنی: <و صدّ عن سبیل اللّه و صدّ عن المسجدالحرام ... اکبر>

۱۱ در نظر خداوند ، بیرون راندن و آواره ساختن ساکنان مکه ، گناهی بزرگتر از جنگیدن در ماه های حرام است .

یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فیه قل قتال فیه اکبر . .. و اخراج اهله منه اکبر

۱۶ اقدام برخی از مسلمین (عبداللّه بن جحش و همراهان او) به جنگ با کفارِ مکه در ماه حرام

یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فیه قل قتال فیه کبیر

در شأن نزول آیه آمده که عبداللّه بن جحش و همراهان او در ماه رجب به گروهی از کفار که دارای

مال التجاره بودند، حمله بردند و آنان را کشته و یا اسیر کردند. (مجمع البیان و دیگر تفاسیر.)

۱۸ جنگ در ماه های حرام ، موجب بازداشتن مردمان از راه خداوند و بازداری آنان از مسجدالحرام و کفر به خداست .

یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فیه قل قتال فیه کبیر و صدّ عن سبیل اللّه و کفر به و

بنابراینکه <و صدّ عن سبیل اللّه>، عطف بر <کبیر> باشد: یعنی قتال فیه، صدّ عن سبیل اللّه و کفر به.

۱۹ گناه فتنه انگیزی ، بزرگتر از آدم کشی در ماه های حرام است .

قل قتال فیه کبیر . .. و الفتنه اکبر من القتل

الف و لام در <القتل>، عهد است ; یعنی قتل در ماههای حرام.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۸ - ۱۰

۱۰ آمرزش گناه مجاهدانی از صدر اسلام که در ماه حرام با کفار جنگیدند . (عبداللّه بن جحش و همراهان او)

ان الذین امنوا و الذین هاجروا

به دلیل شأن نزول، از مصادیق اولی آیه، عبداللّه بن جحش و یاران او هستند که پس از هجرت از مدینه به سوی نخله، با دشمن درگیر شدند و آنان را کشتند و یا اسیر کردند.

جنگ در ماههای حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵ - ۳

۳ جنگ ، سلب کردن امنیت دشمن و ممانعت از سیر و سیاحت آنان در ماه های حرام ، ممنوع است .

فإذا انسلخ الأشهر الحرم فاقتلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹

۹ شکستن حرمت ماه های حرام (پرداختن به جنگ در آن) ، ظلم به خویش و جامعه بشری است .

فلا تظلموا فیهن أنفسکم

جنگ در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۱۲،۱۳،۱۵

۱۲ - نبرد در مسجد الحرام و نواحی آن حرام است .

و لاتقتلوهم عند المسجدالحرام

۱۳ - در صورتی که دشمنان دین در مسجدالحرام و نواحی آن علیه مسلمانان وارد جنگ شوند ، نبرد با آنان و کشتن شان واجب است .

و لاتقتلوهم عند المسجدالحرام حتی یقتلوکم فیه فإن قتلوکم فاقتلوهم

۱۵ - فتنه انگیزی کافران ، مجوز کشتن و نبرد با آنها در مسجد الحرام و نواحی آن نیست .

و الفتنه أشد من القتل و لاتقتلوهم عند المسجدالحرام حتی یقتلوکم

جمله <و الفتنه . ..> بیان می دارد که کافران فتنه انگیز همانند کافران محارب هستندو لذا باید باآنان نبرد کرد. به نظر می رسد جمله <و لاتقاتلوهم عند المسجد الحرام ...> به منزله استثنا از این قانون باشد; یعنی، فتنه انگیزی کافران، مجوز جنگ در مسجد الحرام نیست.

جنگ دفاعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ جنگ مسلمانان با مشرکان پیمان شکن صدر اسلام ، جنگ دفاعی بود نه ابتدایی .

و أولئک هم المعتدون

از این آیه شریفه و آیات پیش استفاده می شود که: خداوند به منظور دفاع از حقوق مسلمانان و کوتاه شدن دست دشمن از تجاوز به حقوق ایشان، معاهده صلح با مشرکان را لغو و مسلمانان را به جنگ و نبرد با

آنان فراخواند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ حرمت آغاز جنگ در ماه های حرام و جواز جنگ های دفاعی و مقابله به مثل در برابر هجوم مشرکان

منها أربعه حرم . .. فلا تظلموا فیهن أنفسكم و قتلوا المشركین كافه كما یقتلونكم

حرمت ماههای حرام، مقتضی ترک جنگ در آن ماههاست ; ولی چون ممکن است دشمن این حرمت را رعایت نکند، خداوند در این صورت تکلیف حرمت را از مسلمانان برداشته و فرموده که همانند آنان، شما نیز بجنگید.

جنگ دفاعی مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ جنگ مسلمانان با مشرکان پیمان شکن صدر اسلام ، جنگ دفاعی بود نه ابتدایی .

و أولئک هم المعتدون

از این آیه شریفه و آیات پیش استفاده می شود که: خداوند به منظور دفاع از حقوق مسلمانان و کوتاه شدن دست دشمن از تجاوز به حقوق ایشان، معاهده صلح با مشرکان را لغو و مسلمانان را به جنگ و نبرد با آنان فراخواند.

جنگ روانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۲ - ۱۰

۱۰ لزوم تأثیرپذیری و استواری جامعه ایمانی در برابر جنگ روانی و دسیسه های دشمنان

اذ همّت طائفتان منكم ان تفشلا و اللّه ولیّهما

جمله <و اللّه ولیّهما>، در واقع تذکری است به مؤمنان و معتقدان ولایت الهی که در هنگامه های دشوار، ولایت و حمایت الهی را فراموش نکنند و به عناصری همچون عبداللّه بن ابی، که در صدد سستی آفرینی

و ایجاد دلهره در بین آنان است، گوش فراندهند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۳۰ – ۵،۶

۵ – اقدام مشرکان مکه به جنگ تبلیغاتی علیه پیامبر (ص) ، به دلیل ناتوانی از مقابله منطقی با آن حضرت

و لمّا جاءهم الحقّ قالوا هذا سحر

۶ – روی آوری به اتهام و جنگ روانی تبلیغی ، شیوه مخالفان پیام حق

و لمّا جاءهم الحقّ قالوا هذا سحر

جنگ روانی جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۴۴ – ۴

۴ – تبلیغات روانی ساحران به هنگام انجام عملیات خود

فألقوا . .. و قالوا بعزّه فرعون إنّا لنحن الغلبون

جنگ روانی دشمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۴ – ۲۲

۲۲ سرزنش و جنگ روانی ، حربه دشمنان دین برای جلوگیری از تلاش مسلمانان در جهت اعتلای دین خدا

و لایخافون لومه لائم

جنگ رومیان با ایرانیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۲ – ۱

۱ - شکست رومیان (دولت بیزانس) در نبرد با ایرانیان در عصر بعثت

غلبت الروم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳ - ۱،۲،۳

۱ - نبرد میان ایران و روم ، در نزدیکی منطقه حجاز (نواحی شام) بوده است .

غلبت الروم فی أدنی الأرض

جبهه درگیر با رومیان مسیحی، به قول تاریخ نویسان، مجوسیان ایران بوده اند; الف و لام در <الأرض> برای عهد است و به قرینه <الروم> به

سرزمین رومیان اشاره دارد. ذکر <أدنی الأرض> و اهتمام به تعیین مکان نبرد، این احتمال را تقویت می کند که مراد از <أدنی الأرض> نزدیک ترین بخش روم به سرزمین عرب (حجاز) باشد.

۲ - پیشگویی قرآن ، درباره پیروزی قریب الوقوع رومیان شکست خورده بر ایرانیان پیروز

و هم من بعد غلبهم سیغلبون

۳ - پیروزی روم بر ایران ، پس از شکست ، امری به دور از انتظار

و هم من بعد غلبهم سیغلبون

آوردن <من بعد غلبهم> با این که در آیه قبل تصریح به شکست رومیان شده است، می تواند ناظر به این نکته باشد که پیروزی آنان پس از شکست، برای مردم مکه، غیرمنتظره بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴ - ۱،۴،۵

۱ - پیشگویی قرآن در مورد پیروزی رومیان بر ایرانیان فاتح ، در خلال زمانی اندک (سه تا ده سال)

فی بضع سنین

کلمه <بضع> بر عددی اطلاق می شود که از سه بالاتر و از ده کمتر باشد (لسان العرب).

۴ - پیروزی رومیان شکست خورده ، پس از زمانی کوتاه ، جلوه ای از حاکمیّت اراده خداوند بر تمامی رخداد های تاریخ است .

غلبت الروم . .. للّه الأمر

بیان اختصاص همه امور به خداوند، پس از ذکر پیشگویی پیروزی رومیان، نوعی تعلیل برای پیروزی غیر مترقبه آنان است.

۵ - قرآن از برانگیخته شدن احساسات شادمانه مؤمنان صدر اسلام در روز پیروزی رومیان بر ایرانیان ، خبر داده است .

و هم من بعد غلبهم سیغلبون . .. و یومئذ یفرح المؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم -

۲ - ۵ - ۳۰

۲ - برخورداری رومیان از امداد های الهی در نبردِ پیروزمندِ خویش با ایرانیان ، مایه سرور و شادمانی مؤمنان عصر بعثت شد .

و یومئذ یفرح المؤمنون بنصر اللّه

<بنصر اللّه> می تواند متعلق به <یفرح> در آیه قبل باشد; یعنی، مؤمنان به سبب این که پیروزی رومیان به امدادهای خداوند است، شادمان می شوند.

جنگ کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۳

۳ جنگ های کافران ، در راه طاغوت است .

و الّذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطّاغوت

جنگ مسلمانان با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۷ - ۲

۲ خداوند ، پیامبر (ص) را از وقوع نبردی میان مسلمانان و یهودیان پیمان شکن ، پیش از واقع شدنش ، آگاه ساخت .

فشردبهم من خلفهم

<ثقف> مصدر <تثقفن> به معنای دستیابی و تسلط پیدا کردن است. <إما> مرکب از <إن> شرطیه و <ما>ی زاید است. تأکید جمله شرطیه با نون تأکید ثقلیه و <ما>ی زایده حکایت از آن دارد که شرط، یعنی وقوع جنگ و تسلط مسلمانان بر یهودیان، تحقق خواهد یافت. بنابراین معنای جمله شرط چنین خواهد بود: اگر نبردی با یهودیان رخ داد و بر آنان مسلط شدی، که البته چنین خواهد شد ... .

جنگ مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱ - ۱

۱ جنگ مسلمانان با مشرکان پیمان شکن صدر اسلام ، به منظور نجات آنان از آیین شرک و بازگشت به توحید

و اسلام ، بود .

فإن تابوا و اقاموا الصلوه و ءاتوا الزكوه

برداشت فوق از تفريع جمله <إن تابوا . .. > بر الغاى صلحنامه و اعلام جنگ با مشركان پيمان شكن (كيف يكون للمشركين عهد ...) استفاده مى شود. قابل ذكر است كه <توبه> (مصدر تابوا) به معناى بازگشتن است ; يعنى، اگر مشركان به اسلام و توحيد بازگردند و ... .

جنگ ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۳

۳ جنگ هاى كافران ، در راه طاغوت است .

و الّذين كفروا يقاتلون فى سبيل الطّاغوت

جنگ يهود با مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۷

۷ - وجود برخورد هاى پراكنده و انفرادى ، ميان يهوديان تبعيدى و مسلمانان *

لايقتلونكم جميعًا إلاّ فى قرًى محصّنه

ذكر واژه <جميعاً>، مى تواند از آن جهت باشد كه يهوديان اخراجى از مدينه، فقط در نبردهاى جمعى از برخورد مستقيم با مسلمانان پرهيز مى كردند; ولى ممكن است آنان برخوردهاى انفرادى مستقيم داشته باشند.

حرمت جنگ در ماههاى حرام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۴ - ۲

۲ - جواز جنگ در ماه هاى حرام در صورت تجاوز دشمنان در آن ماهها

الشهر الحرام بالشهر الحرام

<باء> در <بالشهر> بای مقابله یا عوض است و مقصود از این مقابله - به قرینه فرازهای بعد و با توجه به آیه های پیشین که درباره جنگ بود - این معناست: اگر دشمن با جنگ علیه شما حرمت ماههای حرام را نقض کرد، شما

نیز می توانید حرمت این ماهها را نادیده گرفته و علیه آنان به مبارزه برخیزید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ حرمت آغاز جنگ در ماه های حرام و جواز جنگ های دفاعی و مقابله به مثل در برابر هجوم مشرکان

منها أربعه حرم . .. فلا تظلموا فیهن أنفسکم و قتلوا المشرکین کافه کما یقتلونکم

حرمت ماههای حرام، مقتضی ترک جنگ در آن ماههاست ; ولی چون ممکن است دشمن این حرمت را رعایت نکند، خداوند در این صورت تکلیف حرمت را از مسلمانان برداشته و فرموده که همانند آنان، شما نیز بجنگید.

حقوق دشمنان در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۰ - ۴۸

۴ - ضرورت رعایت حقوق دشمنان حتی در جنگ با آنان

و قتلوا فی سبیل اللّه الذین یقتلونکم و لاتعتدوا

۸ - مجاهدان ، در صورتی که از حدود الهی در جنگ تجاوز کنند و یا حقوق دشمنان را رعایت ننمایند ، از محبت خداوند محروم خواهند شد .

إن اللّه لایحب المعتدین

خطر جنگ در دوران داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۰ - ۷

۷- مردمی که با داوود (ع) زندگی می کردند ، در معرض هجوم نظامی دشمن قرار داشتند .

داود . .. و علّمنه صنعه لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم

آیه شریفه در مقام امتنان بر مردمی است که با داوود(ع) زندگی می کردند; زیرا مخاطب <کم> دراین آیه آنان هستند. این

امتنان آن گاه صحیح است که آنان در معرض

هجوم دشمن و مبتلا شدن به خطرات آن باشند.

خودسازی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۱۱

۱۱ لزوم خودسازی ، پیش از نبرد با کفّار

و اقیموا الصلوه و اتوا الزکوه فلمّا کتب علیهم القتال

دعوت به جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ یوشع و کالب ، در عین ترس از دشمن ، مردم را برای یورش به سرزمین مقدس فرا خواندند .

قال رجلان من الذین یخافون

برداشت فوق مبنی بر این است که مفعول محذوف <یخافون>، <جبارین> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۸ - ۱۱

۱۱ رنج و اندوه پیامبر (ص) از مشکلات مسلمانان ، در عین فراخوانی آنان به جنگ با دشمنان و تحمل سختی های نبرد

رسول من أنفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رءوف رحیم

با توجه به اینکه در آیات قبل، سخن از جنگ تبوک و مشکلات توان فرسای آن بود و پیامبر(ص) مؤمنان را به شرکت در آن فرمان داده بود، یادآوری خصلتهای پیامبر(ص) در پایان این بخش، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

دعوت به جنگ سخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۶ – ۱

۱ – دعوت خداوند از متخلّفان سفر حدیبیه ، برای شرکت در جنگی دشوار به منظور جبران گذشته خود

قل للمخلّفین . .. ستدعون إلی قوم أولی بأس شدید

ذکر خدا در جنگ

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۰۳ – ۱

۱ مجاهدان در میدان نبرد باید همواره به یاد خدا باشند .

فاذا قضیتم الصلوه فاذکروا اللّه قیماً و قعوداً و علی جنوبکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۵ – ۲،۳

۲ لزوم زیاد یاد کردن خدا به هنگام رویارویی با دشمنان دین و نبرد با آنان

إذا لقیتم فئه فاثبتوا و اذکروا اللّه کثیرا

<اذکروا اللّه> می توانـد عطف بر <اثبتوا> باشـد که در حقیقت جواب شـرط <إذا لقیتم> خواهد بود. بر این مبنا مقصود، زیاد یاد کردن خـدا به هنگام نبرد است. همچنین <اذکروا ... > می توانـد جمله مسـتانفه باشد. در این صورت زیاد یاد کردن خدا برنامه ای است برای تمامی مراحل زندگی که از مصادیق آن هنگام رویارویی با دشمنان است.

۳ پایداری اهل ایمان در صحنه های پیکار همراه با یاد مداوم خدا ، زمینه ساز پیروزی آنان بر دشمنان دین

فاثبتوا و اذکروا اللّه کثیرا لعلکم تفلحون

<لعلکـم> علاـوه بر اینکـه متعلـق بر <اذکروا اللّه> است، می توانـد متعلـق به <فـاثبتوا> نیز باشـد. در این صـورت مراد از <فلاح>، پیروزی در جنگ است.

رعایت مصالح در جنگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۶۷ – ۱۴

۱۴ اسیر گرفتن از دشمن قبل از سرکوبی کامل آنان ، زمینه ساز شکست و خلاف حکمت و مصلحت

ما کان لنبی . .. و اللّه عزیز حکیم

تذکر به عزت و حکمت خداوند پس از نهی وی از اسیر گرفتن قبل از تحکیم موقعیت، اشاره به این حقیقت دارد که

تخلف از آن نهی خلاف مصلحت و زمینه ساز شکست می باشد.

روش مقابله با جنگ روانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۱۱ – ۱۲

۱۲ – ایجاد امید در دل جامعه و بی تأثیر جلوه دادن تبلیغات بدخواهان و ضعیف نشان دادن آنان ، شیوه ای مؤثر در جنگ روانی

إنّ الذین جاءو بالإفک . .. لاتحسبوه شرًّا لکم بل هو خیر لکم

برداشت فوق از آنجاست که آیه شریفه درصدد افشاگری و خنثی سازی توطئه دشمنان و بدخواهان و نیز دلداری به مؤمنان است.

زمینه پیروزی در جنگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۶۷ – ۱۳،۱۷

۱۳ رهنمود ها و دستورات الهی در زمینه مسائل جنگ ، حکیمانه و به کار گیری آنها زمینه ساز پیروزی است .

ما کان لنبی . .. و اللّه عزیز حکیم

۱۷ سرکوبی دشمنان دین و پرهیز از گرفتن اسیر در میدان نبرد تا پیش از استقرار حکومت حق ، زمینه ساز پیروزی دین و امری حکیمانه است .

و اللّه عزیز حکیم

زمینه جنگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۶ – ۱۱

۱۱ – دنیاطلبی ، از ریشه های بروز جنگ ها و درگیری های خونین میان گروه های معتقد به آیین الهی است .

ثم أنتم هؤلاء تقتلون أنفسكم . .. أولئك الذين اشتروا الحيوه الدنيا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۲۹ – ۱۲

۱۲ روابط نامشروع اقتصادی ، زمینه بروز خونریزی و جنگ های داخلی

لا تاکلوا

اموالکم بینکم بالباطل . .. و لا تقتلوا انفسکم

عطف جمله <لا تقتلوا> بر جمله <لا تاکلوا>، می تواند بیانگر ترتب قتل و خونریزی بر تصرفات نامشروع باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶۵ – ۵،۸

۵ گروه گروه شدن، زمینه درگیری و خونریزی و نشانه عذاب الهی است.

أو یلبسکم شیعا و یذیق بعضکم بأس بعض

۸ شرک زمینه ساز نزول عذابهای گوناگون و پیدایش جنگ و اختلاف در جامعه

ثم أنتم تشرکون. قل هو القادر علی أن یبعث علیکم عذابا

زمینه شکست در جنگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۶۷ – ۱۴

۱۴ اسیر گرفتن از دشمن قبل از سرکوبی کامل آنان ، زمینه ساز شکست و خلاف حکمت و مصلحت

ما کان لنبی . .. و اللّه عزیز حکیم

تذکر به عزت و حکمت خداوند پس از نهی وی از اسیر گرفتن قبل از تحکیم موقعیت، اشاره به این حقیقت دارد که تخلف از آن نهی خلاف مصلحت و زمینه ساز شکست می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۶۸ – ۵،۶

۵ گرفتن اسیر در جنگ بدر مقتضی شکست مسلمانان در آن نبرد

لو لا کتب من اللّه سبق لمسکم فیما أخذتم عذاب عظیم

برخی برآنند که مراد از <عذاب عظیم> شکست از دشمن در کارزار بدر است و مقصود از <کتب من اللّه . .. > وعده پیروزی است که خداوند پیش از وقوع جنگ بدر مسلمانان را به آن بشارت داد. بنابراین معنای آیه چنین می شود: اگر وعده

الهی به پیروزی شما (رزمندگان بدر) نبود، به سبب گرفتن اسیر پیش از سرکوبی کامل دشمن به شکست سختی گرفتار می شدید. (برگرفته شده از روح المعانی).

۶ تقدیر و قضای الهی بر پیروزی مسلمانان در جنگ بدر ، مانع شکست مسلمانان ، علی رغم تحقق مقتضی آن (گرفتن اسیر پیش از سرکوبی کامل دشمن)

لو لا کتب . .. عذاب عظیم

زمینه صبر در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۹

۹ باور به همراهی خدا با مجاهدان صابر ، زمینه ساز تحمل سختی های نبرد و صبر در برابر ناملایمات آن

و اصبروا إن اللّه مع الصبرین

زیانهای جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۴ - ۲

۲ - پی آمد های شوم جنگ برای مردم و حکومت ، دلیل تمایل بلقیس به روش های مسالمت آمیز

قالت إنّ الملوک إذا دخلوا قریه أفسدوها

زیرکی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۹،۱۰،۱۲،۲۴

۹ وجوب همراه داشتن سلاح و حفظ هوشیاری و احتی اط ، به هنگام ادای نماز خوف

و لیأخذوا اسلحتهم . .. و لیأخذوا حذرهم و اسلحتهم

ظاهراً مراد از ضمیر در <لیأخذوا> همان کسانی هستند که به نماز ایستاده اند، نه آن گروهی که مشغول پاسداری هستند.

۱۰ لزوم احتی اط و هوشیاری بیشتر مجاهدان ، به هنگام تعویض و جابجایی در نماز خوف *

و لیأخذوا حذرهم و اسلحتهم

تصریح به لزوم هوشیاری در مورد دسته دوم (و لیأخذوا حذرهم)، بیانگر ضرورت احتی

اط بیشتر در تعویض و جابجایی دارد.

۱۲ برابری نقش هوشیاری و آمادگی های لازم نظامی در جنگ ، با سلاح و تجهیزات

و لیأخذوا حذرهم و اسلحتهم

مراد از <حذر> احتراز از دشمن است که از آن به هوشیاری نظامی تعبیر شده است. و چون هوشیاری در برابر دشمن را در کنار آمادگی تسلیحاتی آورده و هر دو را با کلمه <اخذ> (گرفتن) تعبیر کرده، دلالت بر کارسازی یکسان آنها دارد; بلکه تقدم <حذر> می تواند حاکی از اهمیت بیشتر آن باشد.

۲۴ کسانی که در نماز خوف مجاز به زمین گذاشتن سلاح خویش هستند ، باید همچنان هوشیار و مراقب باشند .

و لاجناح علیکم . .. ان تضعوا اسلحتکم و خذوا حذرکم

سازماندهی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۳

۳ بازسازی مجدد سپاه اسلام توسط پیامبر (ص) ، پس از پراکندگی و شکست در جنگ احد

الّذین استجابوا لِلّه و الرسول من بعد ما اصابهم القرح

سختی جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۴ - ۱۴

۱۴ یادآوری گمراهی مؤمنان پیش از بعثت و هدایتشان در پرتو تعالیم پیامبر (ص) ، عامل تقویت اراده آنان در تحمّل دشواری های مولود جنگ

اذ تصعدون و لا تلون . .. و لئن قتلتم فی سبیل اللّه ... لقد منّ اللّه علی المؤمنی

با توجّه به ارتباط این آیه و آیات مربوط به جنگ احد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۲ – ۴،۵

۴

دور ماندن از مصائب جنگ ، نعمتی الهی در بینش سست عنصران متخلف از جهاد

فان اصابتکم مصیبه قال قد انعم اللّه علیّ اذ لم اکن معهم شهیداً

۵ نعمت شمردن دوری از مصائب و مشکلات جنگ ، بینشی ناپسند

فان اصابتکم مصیبه قال قد انعم اللّه علیّ اذ لم اکن معهم شهیداً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۰۴ – ۴،۱۶

۴ سختی ها و رنج های ناشی از رویارویی با دشمنان دین ، نباید موجب سستی در پیکار با آنان شود .

و لاتهنوا . .. ان تکونوا تألمون فانهم یألمون کما تألمون

۱۶ دشواری ها و سختی های پیش آمده برای اهل ایمان به هنگام نبرد با دشمنان ، دارای حکمت و مصلحت

ان تکونوا تألمون . .. و کان اللّه علیماً حکیماً

توصیف خداوند به <حکیماً>، پس از بیان علم خداوند به دردها و مصیبتهای اهل ایمان، برای رساندن این معناست که این رنجها و گرفتاریها دارای حکمت و مصلحت است و لذا از آن جلوگیری نمی کند، نه اینکه از دید خداوند مخفی باشد.

سختی ها جنگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۲۲ – ۱۲

۱۲ سستی و هراس در هنگامه های دشوار (همانند جنگ) و تصمیم به نافرمانی از پیامبر (ص) ، به تنهایی ، موجب خروج از ولایت و حمایت الهی نیست .

اذ همّت . .. و اللّه ولیّهما

جمله <و اللّه ولیّهما>، در عین اعتراض به گروههایی که قصد انحراف از جنگ و نافرمانی از رسول خدا (ص) را داشتند، بیانگر

این است که این تصمیمشان، باعث نشد که ولایت الهی از آنان منقطع شود.

سختیهای جنگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۱۴ – ۵،۱۰

۵ مقاومت و صبر پیروان انبیای گذشته در برابر سختی های جنگ و مشکلات

ام حسبتم . .. مسّتهم البأساء و الضراء

درخواست نصرت الهی از جانب پیامبران و مؤمنان پس از آزار جنگ و مصائب و مشکلات، بیانگر مقاومت آنان است.

۱۰ ایمان و امید پیامبران و مؤمنان به نصرت الهی و امداد های غیبی ، به هنگام مواجهه با مصائب و مشکلات جنگ

حتی یقول الرسول و الذین امنوا معه متی نصر اللّه

جمله <متی نصر اللّه> که سؤال از وقت یاری خداست، بیانگر این معناست که آنان به اصل یاری خدا به هنگام رویارویی با دشمنان، ایمان داشتند و به آن دل بسته بودند.

شایعه در جنگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۴ – ۸

۸ کارآمد نبودن تبلیغات سوء و جنگ روانی ، در بازداشتن مؤمنان از شرکت در غزوه حمراءالاسد یا بدر صغرا

الّذین قال لهم النّاس . .. فانقلبوا بنعمه من اللّه و فضل

زیرا در عین تبلیغات سوء دشمن، مؤمنان برای شرکتِ در نبرد حرکت کردند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۵ – ۲

۲ شایعه پراکنانی که مردم را از جهاد می ترسانند ، شیطانند .

قال لهم النّاس انّ النّاس قد جمعوا لكم . .. انّما ذلكم الشّيطان يخوّف اولياءه

بنابر اینکه <ذلکم>، اشاره به همان مردمی باشد که مؤمنان را

از جنگ می ترساندند.

شجاعت در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ لزوم استواری در برابر جنگ روانی دشمنان و نهراسیدن از استهزای آنان

و لقد استهزیء برسل من قبلک فحاق بالذین سخروا منهم ما کانوا به یستهزءون

شرایط جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۹ - ۲۲

۲۲ جنگیدن بدون توان و آمادگی برای پایداری ، در حکم خودکشی است .

و لا تقتلوا انفسکم

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: لا تخاطروا بنفوسکم فی القتال فتقاتلون من لا تطیقونه.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۱۸۰ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۲، ح ۲۰۰ ; مجمع البیان، ج ۳، ص ۶۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۱۶

۱۶ جنگ اهل ایمان و نیز صلح آنان ، همواره باید بر اساس موازین تعیین شده از سوی خداوند صورت گیرد .

فان اعتزلوکم . .. فما جعل اللّه لکم علیهم سبیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۱ - ۱۴

۱۴ جنگ و صلح مؤمنان ، همواره باید بر اساس موازین تعیین شده از سوی خداوند صورت گیرد .

و اولئکم جعلنا لکم علیهم سلطاناً مبیناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۴ - ۳

۳ سفرهاو مأموریت های جنگی مؤمنان ، باید همراه با تحقیق و تأمل کافی در همه امور مربوط به جنگ باشد . *

یا ایّها الّذین امنوا اذا

ضربتم فی سبیل اللّه فتبیّنوا

به نظر می رسد متعلّق حذف شده از <تبیّنوا>، تمام اموری است که در رابطه با جنگ مطرح می باشد و تمیز کافر از مؤمن، اشاره به مصداقی است که باید مدّ نظر باشد و مورد تبیین قرار گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲ - ۲

۲ لزوم دادن فرصت مناسب به دشمنان پیمان شکن ، برای توبه و بازگشت به دامن اسلام ، پیش از جنگ با آنان

براءه من اللّه و رسوله . .. فسیحوا فی الارض أربعه أشهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۷ - ۳

۳ لزوم توجّه به کیفیت نیرو های رزمی و نه صرفاً توجّه به کمیت آنان

لو خرجوا فیکم ما زادوکم إلا خبالا

شرایط جنگ در ماههای حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۴ - ۲

۲ - جواز جنگ در ماه های حرام در صورت تجاوز دشمنان در آن ماهها

الشهر الحرام بالشهر الحرام

<باء> در <بالشهر> بای مقابله یا عوض است و مقصود از این مقابله - به قرینه فرازهای بعد و با توجه به آیه های پیشین که درباره جنگ بود - این معناست: اگر دشمن با جنگ علیه شما حرمت ماههای حرام را نقض کرد، شما نیز می توانید حرمت این ماهها را نادیده گرفته و علیه آنان به مبارزه برخیزید.

شروع جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۰ - ۶

۶ - مسلمانان نباید آغازگر جنگ علیه

دشمنان خویش باشند . *

و قتلوا فی سبیل اللّه الذین یقتلونکم و لاتعتدوا

شکست در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۳

۳ بازسازی مجدد سپاه اسلام توسط پیامبر (ص) ، پس از پراکندگی و شکست در جنگ احد

الّذین استجابوا لِلّه و الرسول من بعد ما اصابهم القرح

عدالت در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۴ - ۹

۹ - مسلمانان ، موظف به رعایت عدالت حتی در جنگ با دشمنان

فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم

عذاب با جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۵ - ۴

۴ تقسیم شدن مردم به فرقه های مختلف و درگیری و جنگ بین آنان، از انواع عذاب الهی بر مردم است.

أو یلبسکم شیعا و یذیق بعضکم بأس بعض

<شیع>، جمع <شیعه>، به معنی گروهها و فرقه هاست و <بأس> نیز به معنی جنگ و یا شدت جنگ است. (لسان العرب). جمله <و یذیق ...> عطف تفسیر و یا عطف سبب بر مسبب است، یعنی نتیجه گروه گروه شدن جنگ و درگیری است.

عفو خطاهای فرماندهی جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۳ - ۱۰

۱۰ خطا و لغزش رهبر جامعه و فرماندهان نظامی ، قابل اغماض و بخشش

عفا اللّه عنک لم أذنت لهم حتی یتبین لک الذین صدقوا

علما و جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ -

۱۱ تحصیل کنندگان دانش دین ، معاف از شرکت در جنگ در صورت نیاز جامعه به دانش آنان و عدم نیاز جدی به حضورشان در جنگ

ما کان المؤمنون لینفروا کافه فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیفقهوا فی الدین

عوامل پیروزی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۸ - ۹

۹ فرستادن آرامش خاطر به سوی بنی اسرائیل از جانب خداوند ، به منظور استقامت و کاستن دلهره و اضطراب آنان در پیکار با دشمنان

ابعث لنا ملکاً نقاتل . .. ان یاتیکم التّابوت فیه سکینه

مراد از <سکینه> به مناسبت آیات قبل که درباره جهاد و نبرد با دشمنان بود، یا خصوص آرامش و رفع نگرانی و دلهره در رویارویی با متجاوزان است و یا مصداق بارز و مورد نظر از آرامش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۲۶،۲۷

۲۶ توجّه و باور به امکان پیروزی جمعیّت های کیفی هر چند کم باشند بر نیرو های عظیم کمّی ، تسکین بخش رزمندگان

کم من فئه قلیله غلبت فئه کثیره

معتقدان به لقاءاللّه (الذین یظنّون . ..) در مقابل عدّه دیگر چنین گفتند: <کم من ... > تا آنان را برای مقابله با دشمن مُهیّا سازند و ترس و دلهره آنان را بزدایند.

۲۷ معتقدان به لقای خداوند ، پیروزی در جنگ را از جانب خداوند می دانند .

قال الذین یظنّون . .. غلبت فئه کثیره باذن اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۵۱ - ۱،۲،۴،۹

۱ صبر ، ثبات قدم و نصرت الهی ، از عوامل پیروزی بر دشمنان

قالوا ربّنا افرغ علینا صبراً . .. فهزموهم باذن اللّه

فاء تفریع در <فهزموهم> بیانگر این است که پیروزی اهل ایمان و هزیمت جالوتیان، نتیجه مطالب گذشته (صبر، ثبات قدم و . ..) بوده است.

۲ نقش دعا در پیروزی رزمندگان جبهه حقّ

قالوا ربّنا . .. فهزموهم باذن اللّه

۴ هزیمت و شکست سپاهیان جالوت به اذن الهی ، در برابر نیروی اندک طالوتیان

فهزموهم باذن اللّه

۹ ضرورت ضربه زدن به قلب لشکر و فرماندهی آن ، جهت دستیابی به پیروزی بر دشمن

فهزموهم باذن اللّه و قتل داود جالوت

بنابراینکه <واو> در <و قتل . .. > حالیّه باشد و با الغای خصوصیّت از مورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۳ - ۸،۹

۸ نقش تعیین کننده برآورد نیرو های دشمن ، در روحیه رزمندگان و سرنوشت جنگ

یرونهم مثلیهم رأیَ العین

۹ بهره گیری از عملیّات فریب نیرویی ، عاملی مؤثر در پیروزی

یرونهم مثلیهم رأیَ العین

برآورد نادرست مشرکان از نیروهای مسلمانان، موجب شکست آنها در جنگ بدر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۰ - ۸

۸ توجّه به ولایت الهی و اعتقاد به یاری حتمی خداوند ، از عوامل تقویت روحیه اهل ایمان در هنگامه های دشوار و نبرد با دشمنان

بل اللّه مولیکم و هو خیر النّاصرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۳ - ۱۴

۱۴ روحیه رزمندگان دارای تأثیری

بسزا در اقدام به جنگ و پیروزی و شکست آنان

إذ یریکهم اللّه . .. إنه علیم بذات الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۱۵

۱۵ پرهیز از گرفتن اسیر در میدان نبرد تا پیش از سرکوبی کامل دشمن ، امری حکیمانه و موجب پیروزی دشمنان دین است .

ما کان لنبی . .. و اللّه عزیز حکیم

توصیف خداوند به عزتمندی و کاردانی پس از تأکید بر حرمت گرفتن اسیر پیش از سرکوبی دشمن، اشاره به این دارد که این حکم، حکمی حکیمانه است و اجرای آن زمینه ساز عزتمندی و پیروزی مسلمانان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۱ - ۴

۴ خداوند با القای وحشت و دلهره در دل های کفرپیشگان تقویت کننده روحیه جامعه ایمانی در رویارویی با آنان

سنلقی فی قلوب الّذین کفروا الرّعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۸

۸ سرنوشت ساز بودن آمادگی رزمی و مانور مسلمین بعد از جنگ احد

الّذین استجابوا للّه و الرسول من بعد ما اصابهم القرح

سازماندهی سپاه اسلام پس از مصیبتهای وارد آمده در جنگ احد و دعوت مجدد حتی از مجروحان برای شرکت در جنگ، حکایت از سرنوشت ساز بودن این آمادگی و بسیج نیرو دارد.

عوامل جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۳ - ۹،۱۶

۹ اختلافات اعتقادی میان پیروان مذاهب ، از عوامل وقوع جنگها

و لو شاء اللّه ما اقتتل . .. و

لکن اختلفوا

۱۶ پیروان انبیا پس از ایشان اختلاف کردند ; برخی ایمان و بعضی کفر را برگزیدند و با یکدیگر پیکار نمودند .

من بعدهم . .. و لکن اختلفوا ... و لو شاء اللّه ما اقتتلوا

عوامل سستی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۲۰

۲۰ ترس از هیبت سپاه دشمن ، از عوامل ایجاد تردید و سستی اراده در پیکار *

قالوا لا طاقه لنا الیوم بجالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۳ - ۸

۸ پیامبر (ص) در صورتی که کافران بدر را در رؤیای خویش لشکری بزرگ می دید ، مسلمانان در تصمیم بر نبرد سست شده و بر سر آن اختلاف می کردند .

و لو أریکهم کثیرا لفشلتم و لتنزعتم فی الأمر

<فی الأمر> متعلق به <لتنزعتم> و نیز <فشلتم> است و <ال> در آن عهدیه و اشاره به جنگ بدر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۱

۱ وجود ناخرسندی میان مسلمانان صدر اسلام ، نسبت به لغو اعتبار پیمان عدم تعرض و تردید و دودلی آنان در پیکار با مشرکان پیمان شکن

کیف و إن یظهروا علیکم

کلمه <کیف> که برای استفهام انکاری است مفید برداشت فوق است.

عوامل شکست در جنگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۱۱ – ۹

۹ فِسْق ، زمینه ساز ضعف روحیه و فرار از جنگ

و اکثرهم الفسقون . .. و

إن يقتلوكم يولّوكم الادبار ثم لا ينصرون

توصیف یهود به فسق و سپس بیان شکست آنان، حاکی از ارتباط این دو مسأله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۷ - ۱،۴،۵

۱ هلاکتِ بخشی از قوای دشمن و خوار شدن بخشی دیگر ، از اهداف نصرت الهی به رزمندگان بدر

و لقد نصركم اللّه ببدر . .. ليقطع طرفاً من الّذين كفروا او يكبتهم

برداشت فوق، با عنایت به ملحوظات ذیل است. یکم اینکه: <لیقطع> و <یکبتهم>، به جمله <و لقد نصرکم اللّه ببدر> متعلق باشد. دوّم اینکه: <قطع> به معنای هلاک کردن باشد، چنانچه در روح المعانی آمده است. سوّم اینکه: <او> در <او یکبتهم>، برای تنویع باشد; یعنی عدّه ای به هلاکت و عدّه ای دیگر به ذلّت و خواری کشانده شدند.

۴ بازگشت ذلیلانه و ناامیدانه باقیمانده کافران ، از اهداف نصرت الهی به رزمندگان بدر

و لقد نصركم اللّه ببدر . .. ليقطع ... فينقلبوا خائبين

جمله <فینقلبوا . .. >، عطف بر <لیقطع> است بنابراین بازگشت ذلیلانه و ناامیدانه کافران، از اهداف پیروزی بدر خواهد بود و به مقتضای <فاء> تفریع، این بازگشت، نتیجه هلاکت و اسارت بخشی از کافران بوده است.

۵ هلاکت و خواری بخشهایی از قوای دشمنان دین ، در جنگ بدر ، عاملی در تخریب روحیّه سایر نیروها

ليقطع طرفاً . .. فينقلبوا خائبين

<خائبین> از <خیبه>، به معنای یأس، ناامیدی و نامرادی، حکایت از اثر روانی در باقیمانده کفّار است که به مقتضای <فاء> در <فینقلبوا>، این ناامیدی، نتیجه هلاکت و خواری و اسارت گروه زیادی از دشمنان بوده است.

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۳ – ۱۴

۱۴ روحیه رزمندگان دارای تأثیری بسزا در اقدام به جنگ و پیروزی و شکست آنان

إذ یریکهم اللّه . .. إنه علیم بذات الصدور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۵۲ – ۸

۸ سستی ، نزاع و تفرقه و سرپیچی از فرماندهی ، از عوامل شکست جنگجویان

حتّی اذا فشلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم

عوامل طبیعی و جنگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۱۱ – ۱۴،۱۸

۱۴ ریزش باران در آستانه جنگ بدر ، از عوامل مؤثر در پیروزی مسلمانان در آن جنگ

و ینزل علیکم . .. و یثبت به الأقدام

۱۸ استحکام اردوگاه مسلمانان و استواری گام های آنان بر شنزار محل اقامتشان ، از اهداف نزول باران در آستانه جنگ بدر

ینزل علیکم من السماء ماء لیطهّرکم . .. و یثبت به الأقدام

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <الاقدام> گامهای مجاهدان باشد. بنابراین <و یثبت به الاقدام> یعنی هدف از نزول باران این بود که خداوند گامهای شما را استوار سازد و از لغزش و فرو رفتن در شنزارها بازدارد.

عهدشکنان جنگ افروز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۵۷ – ۶

۶ عبرت گرفتن از سرنوشت پیمان شکنان جنگ آفرین علیه پیامبر (ص) و جامعه اسلامی ، از اهداف فرمان خداوند بر شدت مجازات آنان

فشردبهم من خلفهم لعلهم یذکرون

<تذکر> (مصدر یذکرون) به معنای دریافتن و همواره

به خاطر داشتن است. جمله <لعلهم یـذکرون> تعلیل برای <فشـردبهم> است. یعنی هـدف از شـدت مجازات این است که کفرپیشگان، توان مسلمین را دریابند و همواره به خاطر بسپارند تا در آینده علیه جامعه اسلامی توطئه نکنند.

غنایم جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۴

۴ مجاهدان بدر پیش از غلبه کامل بر دشمن ، برای دستیابی به منافعی مادی ، به گرفتن اسیر اقدام کردند .

ما کان لنبی . .. تریدون عرض الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۷ - ۱،۲

۱ - سرزمین ها و خانه ها و مال های یهود بنی قریظه ، در غزوه بنی قریظه ، به تملک مسلمانان درآمد .

و أورثکم أرضهم و دیرهم و أمولهم

۲ - خداوند فراهم آورنده زمینه تملّک اموال و خانه و سرزمین یهود بنی قریظه برای مسلمانان مدینه

و أورثکم أرضهم و دیرهم و أمولهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۶ - ۹

۹ غنایم به دست آمده در جهاد های اسلامی ، از روزی های پاکیزه خداوند برای مسلمانان *

و رزقکم من الطیبت

غنیمت جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۳ - ۱،۱۱

۱ غنیمت و پیروزی در جهاد ، فضل الهی است .

خذوا حذرکم فانفروا . .. و لئن اصابکم فضل من اللّه

مصداق مورد نظر از <فضل> در این آیه، غنیمت و پیروزی است.

۱۱ مسلمانان دنیاطلب ، به چنگ آوردن غنیمت در سایه پیروزی ظاهری

را فوز عظیم (رستگاری بزرگ) می شمرند .

و لئن اصابکم فضل من اللّه لیقولنّ . .. فافوز فوزاً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۴

۴ شرکت منافقان در جنگ ، تنها برای تأمین منافع شخصی و سهیم شدن در غنایم جنگی است .

الذین یتربّصون بکم فإن کان لکم فتح من اللّه . .. و نمنعکم من المؤمنین

ظاهراً مراد از جمله <الم نکن معکم> شرکت در جهاد و همراهی مسلمانان در جنگ است.

غنیمت جنگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۱۵

۱۵ دستیابی مسلمانان پیکارگر احد بر غنائم جنگی ، به دنبال شکست ابتدایی مشرکان قریش

من معد ما اریکم ما تحبّون

اگر چه مراد از <ما تحبّون> پیروزی بر دشمن است، و لکن در آیه شریفه می تواند لازمه آن، یعنی غنیمت نیز مراد باشد; به دلیل <منکم من یرید الدّنیا>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۳ - ۱۵،۱۷،۲۰،۲۲

۱۵ اندوه و حسرت مسلمانان به خاطر از دست دادن غنائم جنگی و جراحاتی که در نبرد احد به آنان رسید .

فاثابکم غمّا بغمّ لکیلا تحزنوا علی مافاتکم و لا ما اصابکم

مراد از <غمّ> (غم دوّم) باید غمی ناپسند باشد ; چرا که خداوند آن را به غم پسندیده تبدیل کرد و آن را پاداشی بر مسلمانان قرار داد و به قرینه <لکیلا . .. >، آن غم ناپسند همان از دست دادن غنائم و جراحات وارد شده بر مسلمانان بوده است.

تبدیل اندوه از دادن غنائم به اندوه تمرد از فرمان پیامبر (ص) ، موهبتی الهی به رزمندگان احد

فاثابکم غمّا بغمّ

کلمه <اثابکم> دلالت بر این معنا دارد که این تبدیل و جایگزینی لطف و موهبتی از جانب خداوند بوده است.

۲۰ اندوه مسلمانان از شکست و از دست دادن غنائم و مبتلا شدن به مصیبت ها در کارزار احد ، تاوان اندوهی که بر دل رسول خدا (ص) گذاردند .

فاثابکم غمّا بغمّ

بنابر اینکه <اثاب> به معنای مجازات باشد نه پاداش، و مراد از <غمّا>، اندوه مسلمانان به خاطر از دست دادن غنائم و مراد از <بغمّ>، غمی باشد که بر رسول خدا (ص) وارد کردند. و <باء> در <بغمّ> به معنای سببیّت گرفته شده است.

۲۲ هجوم اندوه های ناشی از نافرمانی رسول خدا (ص) و عدم موفقیّت در کارزار احد ، برخاسته از اراده الهی برای به فراموشی سپردن اندوه از دست دادن غنائم و جراحات وارده بر ایشان

فاثابکم غمّا بغمّ لکیلا تحزنوا علی مافاتکم و لا ما اصابکم

بنابر اینکه <لکیلا> متعلق به <اثابکم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۳،۵

۳ امانتداری پیامبر (ص) در جمع آوری و تقسیم غنایم

و ما کان لنبیّ ان یغلّ

در شأن نزول آیه آمده که تیراندازان گماشته شده بر تپه احد، سنگر خویش را به این پندار رها کردند که پیامبر (ص)، غنایم را بین همه رزمندگان تقسیم نخواهد کرد و هر کس هر چه به دست آورد، از آن او خواهد شد. (مجمع البیان، ذیل آیه).

۵

گمان باطل برخی از مسلمانان صدر اسلام مبنی بر خیانت پیامبر (ص) در غنایم جنگی

و ما کان لنبیّ ان یغلّ

در برخی از شأن نزولهایِ مربوط به آیه آمده که غنیمتی از غنایم جنگی بدر مفقود شد و عدّه ای چنین پنداشتند که پیامبر (ص) آن را تصاحب کرده است. (مجمع البیان، ذیل آیه.) و از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: ... الم ینسبوا نبیّنا محمّداً (ص) ... الم ینسبوه یوم بدر الی انّه اخذ لنفسه من المغنم قطیفه حمراء حتّی اظهره اللّه عزّ و جلّ علی القطیفه و برء نبیّه من الخیانه و انزل بذالک فی کتابه <و ما کان لنبیّ ان یغلّ ... >.

امالی صدوق، ص ۹۲، مجلس ۲۲، ح ۳ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۴، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۴ - ۱۶

۱۶ دست یافتن مؤمنان مجاهد به منفعت مالی در غزوه بدر صغرا

فانقلبوا بنعمه من اللّه و فضل

بر اساس شأن نزول نقل شده در تفسیر روح المعانی، مراد از <فضل>، سودی است که مسلمانان با کسب و تجارت در غزوه بدر صغرا به دست آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۴ - ۱۶،۱۸

۱۶ برتری و فزونی غنائم و اجر و پاداش الهی ، بر بهر های دنیوی و غنائم جنگی

تبتغون عرض الحیوه الدّنیا فعند اللّه مغانم کثیره

کلمه <عند اللّه> اشاره به برتری پاداشهای الهی دارد.

۱۸ غنائم فراوان خداوند از آن مجاهدانی است که در راه او می جنگند و از دنیاطلبی

می پرهیزند .

اذا ضربتم فی سبیل اللّه . .. و لا تقولوا ... فعند اللّه مغانم کثیره

فرار از جنگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۱۱ – ۱۰

۱۰ محرومیّت اهل کتاب (یهود) از یاری دیگران ، پس از فرار و شکست در پیکار با مسلمانان

و إن یقتلوکم یولّوکم الادبار ثم لا ینصرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۵ – ۴

۴ نه جهاد و پایداری در راه خدا مرگ آور است و نه گریز و رویگردان از آن زندگی بخش

و ما کان لنفس ان تموت الّا باذن اللّه کتاباً مؤجّلا

چون آیات قبل و بعد درباره جهاد و مبارزه است، این آیه اشاره دارد به نفی پندار کسانی که جنگ را عامل کشته شدن و ترک حضور در صحنه پیکار را باعث ادامه حیات می دانستند. بنابراین، جنگ، تعیین کننده مرگ و زندگی نخواهد بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۵۴ – ۳۰

۳۰ فراز از میدان نبرد و رویارویی با سختی ها ، مانع مرگ مقدّر آدمی نیست .

قل لو کنتم فی بیوتکم لبرز الّذین کتب علیهم القتل الی مضاجعهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۵۶ – ۲

۲ پندار کفرپیشگان بر این که خانه نشینی و یا پرهیز از حضور در کارزار ، مانع مرگ و کشته شدن است .

يا ايّها الّذين امنوا لا تكونوا كالّذين كفروا و قالوا . ..

ما ماتوا و ما قتلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۲ - ۸

۸ ترک صحنه پیکار و شرکت نجستن در آن ، زمینه ساز خشم خداوند

انّ الّذین تولّوا منکم . .. کمن بآء بسخط من اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۷ - ۱۰

۱۰ منافقان به انگیزه سرباز زدن از پیکار ، مدعی بودند که حضور در میدان احد نوعی انتحار و خودکشی است ، نه پیکار و جنگ .

قالوا لو نعلم قتالاً لاتّبعناکم

برخی برآنند که مراد منافقان از جمله <لو نعلم . .. > این معنا بوده که بیرون شدن شما مسلمانان به سوی احد، پیکار و قتال نیست، بلکه خود را به مهلکه انداختن است ; چرا که نیروی شما در برابر نیروی دشمن هیچ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۹

۹ دلداری خداوند به پیامبر (ص) و مؤمنان ، به دنبال همسویی جمعی از مؤمنان با کافران و تخلف آنان از جهاد

ما کان اللّه لیذر المؤمنین علی ما انتم علیه حتّی یمیز الخبیث من الطّیّب

با توجه به آیات پیشین همانند: <هم للکفر یومئذ اقرب منهم للایمان>، استفاده می شود که مراد از خبیثان، منافقانی هستند که از نبرد با کافران سرباز زدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۱ - ۸،۱۰

۸ موسی (ع) بر حذر دارنده قوم خویش از فرار و عقب نشینی به

هنگام رویارویی با ساکنان سرزمین مقدس

و لاترتدوا علی ادبارکم

۱۰ هشدار موسی (ع) به زیانکاری قوم خویش در صورت فرار و عقب نشینی به هنگام رویارویی با جباران سرزمین مقدس

و لاترتدوا علی ادبارکم فتنقلبوا خسرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۲ – ۱

۱ تأکید بنی اسرائیل بر کناره گیری از نبرد با زورگویان سرزمین مقدس ، علی رغم فرمان موسی (ع)

قالوا یموسی ان فیها قوماً جبارین و إنّا لن ندخلها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۴ – ۱۳

۱۳ اصرار بنی اسرائیل بر کناره گیری از نبرد با جباران و جاخوش کردن در کاشانه خویش

إنّا ههنا قعدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۵ – ۱۰

۱۰ فرار مسلمانان در جنگ حنین پس از قرار گرفتن در تنگنای نبرد ، علی رغم کثرت غرورآفرینشان

و ضاقت علیکم الأرض بما رحبت ثم ولیتم مدبرین

فرماندهی جنگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۴۹ – ۶

۶ فرماندهی کل قوا ، از مسؤولیت های رهبر جامعه اسلامی

و منهم من يقول ائذن لى

فرماندهی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۶ - ۲،۷،۱۴

۲ درخواست بزرگان بنی اسرائیل پس از موسی از پیامبر خویش ، برای تعیین فرماندهی در جنگ با دشمنان

الم تر الی الملأ من بنی اسرائیل من بعد موسی اذ قالوا لنبی لهم ابعث لنا ملكاً

<ملأ>، كسانی هستند

که نظرها را به خود جلب می کنند. (اشراف و بزرگان هر قوم)

۷ ضرورت فرمانده در جنگ

ابعث لنا ملکاً نقاتل فی سبیل اللّه

مجزوم بودن <نقاتل> نشانه تقدیر شرط است; یعنی اگر فرماندهی باشد، در راه خدا خواهیم جنگید. پس اگر فرمانده ضرورت نداشت، نباید جهاد فی سبیل اللّه را مشروط به وجود او کنند.

۱۴ تعیین حاکمان و فرماندهان نظامی ، بر عهده رهبران الهی *

اذ قالوا لنبی لهم ابعث لنا ملکاً

رجوع مردم به پیامبر و رهبر خویش برای تعیین فرماندهی در جهاد فی سبیل اللّه، بیانگر ذهنیّت دینی مردم است به اینکه تعیین فرماندهان در اختیار پیامبران و رهبران دینی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۸،۹،۱۰

۸ ضرورت ارزیابی ، آزمایش و میزان اطاعت و استقامت نیرو ها از جانب فرمانده ، پیش از ورود به کارزار

فلمّا فصل . .. قال انّ اللّه مبتلیکم بنهر

۹ اعلام طالوت به لشکریان ، در مورد عدم انتساب آنان به وی و جدایی آنان از او ، در صورتی که از نهر بیاشامند .

فمن شرب منه فلیس منّی

۱۰ اعلام طالوت به لشکریان ، در مورد انتساب آنان به وی ، اگر از نوشیدن آب نهر چشم پوشند .

و من لم یطعمه فانّه منّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۱ - ۵،۶،۱۲

۵ آگاهی پیامبر (ص) به فنون نظامی و قدرت مدیریّت ایشان در عملیات مسلّحانه علیه دشمنان دین

و اذ غدوت من اهلک تبوّیء المؤمنین مقاعد للقتال

۶ رهبری قوای نظامی ،

بخشی ضروری از مدیریّت جامعه اسلامی

و اذ غدوت من اهلك تبوّىء المؤمنين مقاعد للقتال

چون پیامبر (ص) به عنوان مدیر جامعه اسلامی، امور مربوط به قوای نظامی را نیز رهبری می کرده، برداشت فوق به دست می آید.

۱۲ شرکت پیامبر (ص) در جنگ احد ، به عنوان فرماندهی عملیات نظامی

و اذ غدوت من اهلك تبوّىء المؤمنين مقاعد للقتال

امام صادق (ع): سبب نزول هذه الآیه ان قریشا خرجت من مکّه ترید حرب رسول اللّه (ص) فخرج یبغی موضعاً للقتال.

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۱۰ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۸۴، ح ۳۳۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۴ - ۹

۹ لزوم تقویت روحیه رزمندگان از سوی رهبران و فرماندهان نظامی

اذ تقول الن یکفیکم ان یمدّکم ربّکم بثلثه الاف من الملئکه

از سوی پیامبر (ص)، درسی است برای تمام رهبران دینی و فرماندهان نظامی که مؤمنان را در هنگامه های دشوار، به پیروزی و امدادهای الهی، امیدوار سازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۲

۲ صلاحدید برگزاری نماز جماعت در میدان نبرد ، بر عهده فرمانده نیروهاست .

و إذا کنت فیهم فاقمت لهم الصلوه

اسناد اقامه نماز به پیامبر(ص) (فاقمت . ..)، اشاره به این است که اختیار تشکیل نماز جماعت بر عهده و صلاحدید پیامبر(ص) و یا فرماندهی نیروهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۸

۸ سستی ، نزاع و تفرقه و سرپیچی از فرماندهی ، از عوامل شکست جنگجویان

حتّی اذا فشلتم

و تنازعتم فی الامر و عصیتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۳ - ۱۱،۱۰

۱۰ تلاش مستمر پیامبر (ص) برای جلوگیری از شکست مسلمانان در کارزار احد

و الرّسول یدعوکم فی اخریکم

۱۱ بی اعتنایی به دعوت پیامبر (ص) در پیکار احد ، موجب شکست مسلمانان در آن کارزار

ثمّ صرفکم . .. و الرّسول یدعوکم فی اخریکم

بنابر اینکه <اذ تصعدون> متعلق به <صرفکم> باشد، آیه مزبور در مقام بیان علتهای شکست احد است. بنابراین جمله <و لاـ تلون علی احد و الرّسول ... >، که حاکی از دعوت پیامبر (ص) و بی اعتنایی به اوست، نیز بیانگر علتی برای شکست خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۵ - ۱۱

۱۱ عفو و گذشت از خطا های جنگی رزمندگان (تخلّف از دستورات فرماندهی و . . .) امری نیکو و پسندیده

و لقد عفا اللّه عنهم انّ اللّه غفور حلیم

فریب در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۳ - ۹

۹ بهره گیری از عملیّات فریب نیرویی ، عاملی مؤثر در پیروزی

یرونهم مثلیهم رأیَ العین

برآورد نادرست مشرکان از نیروهای مسلمانان، موجب شکست آنها در جنگ بدر شد.

فلسفه جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۶ - ۴

۴ جنگ ها و میدان های کارزار ، عرصه های آزمون الهی و متمایز گشتن مؤمنان راستین از غیر ایشان

أم حسبتم أن تترکوا و

لما یعلم اللّه الذین جهدوا منکم

فلسفه جنگ با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۹

۹ هدف و فلسفه اصلی جنگ و مبارزه با کفار و مشرکان ، آوردن ایشان به دامن اسلام است و نه نابودی آنان .

فاقتلوا المشرکین . .. و إن أحد من المشرکین استجارک ... حتی یسمع کلم اللّه ثم أبل

فلسفه جنگ با مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۹

۹ هدف و فلسفه اصلی جنگ و مبارزه با کفار و مشرکان ، آوردن ایشان به دامن اسلام است و نه نابودی آنان .

فاقتلوا المشرکین . .. و إن أحد من المشرکین استجارک ... حتی یسمع کلم اللّه ثم أبل

کثرت نیرو در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۱۰

۱۰ کثرت نیرو ها تعیین کننده پیروزی نیست .

و لن تغنی عنکم فئتکم شیئا و لو کثرت و أن اللّه مع المؤمنین

گرایش مادی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۶

۶ جستجوی منافع مادی در هنگامه جنگ با دشمنان دین ، امری نکوهیده در پیشگاه خداوند

تریدون عرض الدنیا و اللّه یرید الأخره

گناه جنگ داخلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۲۹

۲۹ - جنگ های داخلی و برادر کشی ، از بزرگترین گناهان و موجب خواری و ذلت در دنیا و گرفتار شدن

به عذاب اخروی است .

تقتلون أنفسکم . .. فما جزاء من یفعل ذلک منکم إلا خزی فی الحیوه الدنیا و یوم القی

از آن جا که گناهان یاد شده، در پی دارنده شدیدترین عذابهاست، معلوم می شود این گناهان از بزرگترین گناهان هستند.

گناه فرار از جنگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۷ – ۲

۲ فرار از میدان جنگ ، گناه بوده و نیازمند توبه و استغفار به درگاه خداست .

ثم ولیتم مدبرین . .. ثم یتوب اللّه من بعد ذلک علی من یشاء

مجازات تخلّف از قوانین جنگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۹۳ – ۹

۹ – متجاوزان از مقررات جنگ ، باید مجازات شوند . *

فلا عدون إلا علی الظلمین

مجروحان جنگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۲ – ۱،۵،۶،۲۱

۱ پاداش بزرگ الهی برای آنان که علی رغم تحمّل جراحت های نبرد پیشین ، دعوت خدا و رسولش را برای نبردی دیگر اجابت کردند .

الّذین استجابوا لِلّه و الرسول من بعد ما اصابهم القرح . .. اجر عظیم

چون آیات پیشین و نیز آیات بعد درباره نبرد و جهاد است، معلوم می شود که فرمان اجابت شده (استجابوا)، فرمان جنگ و مبارزه بوده است.

۵ برخی از مجروحان جنگ احد علی رغم پذیرش دعوت خدا و پیامبر (ص) به نبردی دیگر ، از احسان و تقوای لازم برخوردار نبودند .

الّذین استجابوا . .. للّذین احسنوا منهم و اتّقوا اجر عظیم

<منهم>، حال برای ضمیر

<احسنوا> است و کلمه <من>، ظهور در تبعیض دارد ; یعنی اجابت کنندگان را به دارندگان تقوا و احسان و فاقدان آن تقسیم می کند.

۶ اهمیّت و ارزش والای شرکت مجدد مجروحین جنگی در جهاد

الّذین استجابوا للّه و الرسول من بعد ما اصابهم القرح . .. اجر عظیم

اجر عظیم برای مجاهدان در گرو جراحت ناشی از جهاد سابق نیست، بلکه به خاطر شرکت در جهاد پس از تحمّل جراحت است.

۲۱ پاداش بزرگ امیرالمؤمنین (ع) به خاطر احسان و تقوا و اجابت خدا و پیامبر (ص) پس از مجروح شدن در جنگ احد

الّذین استجابوا للّه و الرّسول . .. اجر عظیم

امام صادق (ع): انّ رسول اللّه بعث علیّاً فی عشره <استجابوا للّه و الرّسول من بعد ما اصابهم القرح> الی <اجر عظیم>. انّما نزلت فی امیرالمؤمنین (ع).

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۶، ح ۱۵۳ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۶، ح ۴.

محرومیت از غنیمت جنگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۳ – ۱۰

۱۰ حسرت و تأسف متخلفان از جهاد بر محرومیتشان از غنایم جنگی

و لئن اصابکم فضل من اللّه لیقولنّ . .. یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزاً عظیماً

مسلمانان و غنایم جنگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۵ – ۷

۷ برخی از مسلمانان ناخشنود از حکم خداوند درباره انفال و غنایم جنگ بدر

قل الأنفال للّه و الرسول . .. كما أخرجك ربك ... و إن فريقا من المؤمنين لكرهون

<كما> برای تشبیه امر دیگر است و مشبّه به

صریحاً در آیه ذکر نشده است. لذا احتمالات مختلفی از سوی مفسران ایراد شده است و از جمله آنهاست حکم خداوند درباره انفال و غنایم جنگ بدر. بر این مبنا <کما أخرجک ... > چنین معنا می شود: حکم خداوند درباره انفال حکمی حق است ; همان گونه که فرمان و تقدیر حرکت به سوی جنگ بدر حق بود. بر این اساس جمله <إن فریقا ... > می رساند که همه و یا برخی از مسلمانان از حکم خداوند درباره انفال نیز کراهت خاطری داشتند.

معذور از جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۵ - ۳،۹

۳ مجاهدان را نباید از نظر اجتماعی با توانمندان بازنشسته از جنگ یکسان و همانند شمرد .

لا یستوی القاعدون من المؤمنین غیر اولی الضرر و المجاهدون فی سبیل اللّه

مقصود این است که در شرایط مساوی، اولویت در حقوق اجتماعی از آن مجاهدان راه خداست.

۹ نوید الهی به پاداش نیک برای مجاهدان و نیز مؤمنان بازنشسته از جنگ

فضّل اللّه . .. علی القاعدین درجه وکلّا وعد الله الحسنی

ممانعت از جنگ با مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۴ - ۱،۴

۱ - رخداد صلح حدیبیه و باز نشدن دست مکیان و مؤمنان علیه یکدیگر ، تنها به تدبیر و اراده الهی

و هو الذی کفّ أیدیهم عنکم و أیدیکم عنهم ببطن مکّه

۴ - درگیر نشدن مؤمنان و مکیان با یکدیگر در < عمره القضا > ، نعمتی مهم برای اهل ایمان *

و هو الذی کفّ أیدیهم عنکم و أیدیکم عنهم ببطن

مکّه

برداشت بالاـ بدان احتمال است که تعبیر <ببطن مکّه> اشاره به <عمره القضا> داشته باشد که مسلمانان پس از پیروزی حدیبیه براساس قرارداد، سال بعد به شهر مکه وارد شدند و با آرامش کامل، مناسک عمره را به جا آوردند.

ممنوعیت فرار از جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ فرار از جنگ و جهاد ، ممنوع و زیانبار است .

و لاترتدوا علی ادبارکم فتنقلبوا خسرین

منافقان متخلف و جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۱

۱ خبر دادن خداوند از امکان اجازه خواستن منافقان متخلف از جنگ ، برای شرکت جستن در جنگ های آینده

فإن رجعک اللّه إلی طائفه منهم فاستئذنوک للخروج

منطقه جنگ رومیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳ - ۱

۱ - نبرد میان ایران و روم ، در نزدیکی منطقه حجاز (نواحی شام) بوده است .

غلبت الروم فی أدنی الأرض

جبهه درگیر با رومیان مسیحی، به قول تاریخ نویسان، مجوسیان ایران بوده اند; الف و لام در <الأرض> برای عهد است و به قرینه <الروم> به سرزمین رومیان اشاره دارد. ذکر <أدنی الأرض> و اهتمام به تعیین مکان نبرد، این احتمال را تقویت می کند که مراد از <أدنی الأرض> نزدیک ترین بخش روم به سرزمین عرب (حجاز) باشد.

موانع جنگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۵۳ – ۱۲

۱۲ سُنّت خداوندی ، علی رغم ارسال انبیا ، برای

دعوت به ایمان و رفع اختلاف ، اجبار آدمیان به ایمان و عدم اختلاف و کشتار نیست .

و لو شاء اللّه ما اقتتل الّذین . .. و لکن اختلفوا

موانع شکست در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۸ - ۶

۶ تقدیر و قضای الهی بر پیروزی مسلمانان در جنگ بدر ، مانع شکست مسلمانان ، علی رغم تحقق مقتضی آن (گرفتن اسیر پیش از سرکوبی کامل دشمن)

لو لا کتب . .. عذاب عظیم

موجبات سستی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۴

۴ نزاع و اختلاف اهل ایمان موجب سست شدن آنان در پیکار با دشمنان دین

و لاتنزعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم

مؤمنان در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۱۹

۱۹ مؤمنان استوار در نبرد اُحُد و دیگر هنگامه های پیکار با کافران ، برگزیدگان خداوند برای گواهی بر اعمال مردم

و تلک الایّام . .. و لیعلم اللّه الّذین امنوا و یتّخذ منکم شهداء

ترک لام در <و یتّخذ>، اشاره به این معنا دارد که برگزیدن، در پی مشخّص شدن مؤمنان واقعی است. یعنی مؤمنان واقعی برای گواه بودن برگزیده می شوند. گفتنی است که در برداشت فوق، متعلق حذف شده <شهدآء>، اعمال مردم، گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۱ - ۱

۱ شکست و پیروزی مؤمنان در جنگ با کافران ، عاملی برای خالص

سازی مؤمنان

و تلك الايّام نداولها . .. و ليمحّص اللّه الّذين امنوا

فعل <يمحّص> از مصدر <تمحيص> به معنای خالص کردن از ناخالصیها و نقصهاست.

مؤمنان و جنگ روانی دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۵ - ۳

۳ مؤمنان در مقابل جنجال تبلیغاتی دشمنان ، نباید اندوهی به خود راه دهند .

و لا یحزنک قولهم

اگر چه مخاطب جمله <لا- یحزنک> وجود مبارک پیامبر اکرم(ص) است، ولی با توجه به ذکر <إن العزه للّه جمیعاً> که می تواند در مقام تعلیل باشد، می تواند از مورد، الغای خصوصیت کرد و آن را تعمیم داد.

ناپسندی جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۶ - ۲،۵

۲ جنگ و خونریزی ، امری ناخوشایند برای انسان

کتب علیکم القتال و هو کُره لکم

۵ جنگ و جهاد ، امری خیر برای مؤمنان ، علی رغم ظاهر ناخوشایند آن

کتب علیکم القتال و هو کره لکم و عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم

نشانه های قدرت جنگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۱ - ۶

۶ – استفاده از فیل در جنگ های عرب ، کم سابقه و نشانه برخورداری سپاه مهاجم ، از تجهیزات پیشرفته جنگی بود .

ألم تر کیف فعل ربّک بأصحب الفیل

شهرت سپاه ابرهه با عنوان <اصحاب الفیل>، نشانگر تازگی داشتن این ابزار جنگی و هراس افکن بودن آن است.

نظم در جنگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۰۲ – ۱۳

۱۳

رعایت نظم و انضباط دقیق ، اصلی لازم در جنگ ، حتی به هنگام عبادت

فلتقم طائفه منهم معک و لیأخذوا اسلحتهم . .. و لتأت طائفه اخری

نقش جمعیت در جنگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۵ – ۶۸

۶ کثرت نفرات مسلمانان در جنگ حنین ، کارساز نبود .

و یوم حنین إذ أعجبتکم کثرتکم فلم تغن عنکم شیئاً

۸ کثرت نیرو های رزمی ، بدون امداد های الهی ، تضمین کننده پیروزی نیست .

إذ أعجبتکم کثرتکم فلم تغن عنکم شیئاً

نماز جماعت در جنگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۰۲ – ۲

۲ صلاحدید برگزاری نماز جماعت در میدان نبرد ، بر عهده فرمانده نیروهاست .

و إذا کنت فیهم فاقمت لهم الصلوه

اسناد اقامه نماز به پیامبر(ص) (فاقمت . ..)، اشاره به این است که اختیار تشکیل نماز جماعت بر عهده و صلاحدید پیامبر(ص) و یا فرماندهی نیروهاست.

نماز در جنگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۰۲ – ۳

۳ وجوب برپا کردن نماز ، حتی در میدان رزم و شرایط دشوار

و إذا کنت فیهم فاقمت لهم الصلوه

نیروهای کیفی جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۷ - ۳

۳ لزوم توجّه به کیفیت نیرو های رزمی و نه صرفاً توجّه به کمیت آنان

لو خرجوا فیکم ما زادوکم إلا خبالا

جنگ روانی

{جنگ روانی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ -

۱۲ - ۵،۶

۵ اعلام شکست قریب الوقوع کافران ، از روش های قرآن برای تضعیف روحیه دشمن

قل للّذین کفروا ستغلبون

۶ تهدید شدن یهود به هزیمت و شکست ، پس از پیروزی مسلمین در جنگ بدر

قل للّذین کفروا ستغلبون

در شأن نزول آیه آمده است که آیه شریفه بعد از جنگ بدر آنگاه که رسول خدا از آن جنگ به طرف بنی قینقاع بازمی گشتند نازل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۷ - ۲

۲ تغییر موضع ، با اظهار ایمان و کفر مکرر ، توطئه اهل کتاب برای تضعیف عقاید مسلمانان

إنّ الذین ءامنوا ثم کفروا ثم ءامنوا ثم کفروا . .. و لالیهدیهم سبیلا

در شأن نزول آیه آمده است که گروهی از اهل کتاب، در حضور مسلمانان اظهار ایمان می کردند و برای القای شبهه در بین ایشان، دوباره کافر می شدند و کفر خویش را معلول نادرستی اسلام قلمداد می کردند تا از این طریق بذر تردید و شک را در دل مسلمانان بپاشند و بارور کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۲ - ۵،۷

۵ ایجاد رعب و وحشت در دل های کافران ، وعده خداوند به فرشتگان حاضر در کارزار بدر

سألقی فی قلوب الذین کفروا الرعب

۷ ضرورت ایجاد ترس در دشمنان دین و سلب روحیه نبرد از ایشان

سألقی فی قلوب الذین کفروا الرعب

آثار جنگ روانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۲ - ۶

۶ رعب و وحشت کافران

در جنگ بدر ، از عوامل شکست آنان در آن جنگ

سألقی فی قلوب الذین کفروا الرعب

استقامت در جنگ روانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ لزوم استواری در برابر جنگ روانی دشمنان و نهراسیدن از استهزای آنان

و لقد استهزیء برسل من قبلك فحاق بالذین سخروا منهم ما کانوا به یستهزءون

جنگ روانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۲ - ۱۰

۱۰ لزوم تأثیرپذیری و استواری جامعه ایمانی در برابر جنگ روانی و دسیسه های دشمنان

اذ همّت طائفتان منکم ان تفشلا و اللّه ولیّهما

جمله <و اللّه ولیّهما>، در واقع تذکری است به مؤمنان و معتقدان ولایت الهی که در هنگامه های دشوار، ولایت و حمایت الهی را فراموش نکنند و به عناصری همچون عبداللّه بن ابی، که در صدد سستی آفرینی و ایجاد دلهره در بین آنان است، گوش فراندهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۰ - ۵،۶

۵ - اقدام مشرکان مکه به جنگ تبلیغاتی علیه پیامبر (ص) ، به دلیل ناتوانی از مقابله منطقی با آن حضرت

و لمّا جاءهم الحقّ قالوا هذا سحر

۶ - روی آوری به اتهام و جنگ روانی تبلیغی ، شیوه مخالفان پیام حق

و لمّا جاءهم الحقّ قالوا هذا سحر

جنگ روانی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۴

۴ - تبلیغات روانی ساحران به هنگام انجام عملیات خود

فألقوا . .. و قالوا بعزّه فرعون إنّا لنحن

الغلبون

جنگ روانی دشمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۴ – ۲۲

۲۲ سرزنش و جنگ روانی ، حربه دشمنان دین برای جلوگیری از تلاش مسلمانان در جهت اعتلای دین خدا

و لایخافون لومه لائم

روش مقابله با جنگ روانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۱۱ – ۱۲

۱۲ – ایجاد امید در دل جامعه و بی تأثیر جلوه دادن تبلیغات بدخواهان و ضعیف نشان دادن آنان ، شیوه ای مؤثر در جنگ روانی

إنّ الذین جاءو بالإفک . .. لاتحسبوه شرًّا لکم بل هو خیر لکم

برداشت فوق از آنجاست که آیه شریفه درصدد افشاگری و خنثی سازی توطئه دشمنان و بدخواهان و نیز دلداری به مؤمنان است.

مؤمنان و جنگ روانی دشمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۶۵ – ۳

۳ مؤمنان در مقابل جنجال تبلیغاتی دشمنان ، نباید اندوهی به خود راه دهند .

و لا یحزنک قولهم

اگر چه مخاطب جمله <لا یحزنک> وجود مبارک پیامبر اکرم(ص) است، ولی با توجه به ذکر <إن العزه للّه جمیعاً> که می تواند در مقام تعلیل باشد، می تواند از مورد، الغای خصوصیت کرد و آن را تعمیم داد.

جنگل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جنگل

اهمیت جنگل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۰ - ۳

۳ - توجّه به جنگل های انبوه و درختان تناور ، مایه شناخت خداوند و قدرت او و بازدارنده انسان از ناسپاسی و کفرورزی به او است .

ما أکفره . .. فلینظر الإنسن ... حدائق

غلبًا

عوامل پیدایش جنگل ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰ - ۳

۳- رویش گیاهان و به وجود آمدن مراتع و جنگل ها ، در اثر نزول باران است .

أنزل من السّماء ماء . .. و منه شجر

<شجر> شامل گیاه بدون ساقه و با ساقه می شود که از آنها به مراتع و جنگلها تعبیر شد.

فواید جنگل ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰ - ۴

۴- چرای دام ها از جمله فواید مرتع ها و گیاهان است .

و منه شجر فیه تسیمون

<تسیمون> (از اسامه) به معنای چرانیدن گوسفندان است.

نقش جنگل ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۶ - ۳

۳ - باغ ها و جنگل های پوشیده از درخت ، نشان دهنده قدرت خداوند و امکان پذیر بودن معاد

عمّ یتساءلون . .. ألم نجعل ... جنّت ألفافًا

جنگل ها

عوامل پیدایش جنگل ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰ - ۳

۳- رویش گیاهان و به وجود آمدن مراتع و جنگل ها ، در اثر نزول باران است .

أنزل من السّماء ماء . .. و منه شجر

<شجر> شامل گیاه بدون ساقه و با ساقه می شود که از آنها به مراتع و جنگلها تعبیر شد.

فواید جنگل ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰ - ۴

۴- چرای دام ها از جمله فواید مرتع ها و گیاهان است .

و منه شجر فیه

تسیمون

<تسیمون> (از اسامه) به معنای چرانیدن گوسفندان است.

نقش جنگل ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۶ - ۳

۳ - باغ ها و جنگل های پوشیده از درخت ، نشان دهنده قدرت خداوند و امکان پذیر بودن معاد

عمّ یتساءلون . .. ألم نجعل ... جنّت ألفافًا

جنون از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جنون

تهمت جنون به رسولان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۲ - ۴

۴ - اتهام سحر و جنون ، موضع همیشگی کافران در برابر رسولان الهی

ما أتی الذین . .. إلّا قالوا ساحر أو مجنون

تهمت جنون به شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۵ - ۲

۲ - متهم شدن شعیب (ع) از سوی مردم < اَیکه > به جنون و سحرزدگی

قالوا إنّما أنت من المسحّرین

<مسحّر> (مفرد <مسحّرین>) به کسی گفته می شود که به سختی افسون شده باشد.

تهمت جنون به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۳ - ۱

۱ - اتهام جنون و سحرزدگی به صالح (ع) از سوی ثمودیان

قالوا إنّما أنت من المسحّرین

<مسحّر> (مفرد <مسحّرین>) به کسی گفته می شود که به شدت افسون شده باشد.

تهمت جنون به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۴ - ۱،۲،۳

۱ کفرپیشگان عصر بعثت ، پیامبر (ص) را به سبب دعوت به توحید و معاد ، فردی مجنون می پنداشتند .

أو لم یتفکروا ما بصاحبهم من

جنه

<جنه> به معنای دیوانگی است. به دلیل آیات بعد که مسأله قیامت و توحید مطرح شده است، می توان گفت این دو مسأله در بین معارف الهی بیشترین نقش را در متهم کردن پیامبر(ص) به جنون داشته است.

۲ خداوند کفرپیشگان را به تفکر در ادعای ناصوابشان (مجنون پنداشتن پیامبر) فراخواند .

أو لم یتفکروا ما بصاحبهم من جنه

۳ خداوند با یادآوری همنشینی پیامبر (ص) با مردم ، مشرکان را به بطلان پندارشان (مجنون بودن پیامبر) رهنمون ساخت .

أو لم یتفکروا ما بصاحبهم من جنه

به کارگیری کلمه <صاحب> و اضافه آن به ضمیر (صاحبهم، یعنی همنشینشان) اشاره به حقیقتی دارد که تفکر در آن کافی در بطلان ادعای مشرکان است. یعنی او همواره همنشین آنان بود و اگر اثری از جنون در او وجود داشت، آشکار می گشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶ - ۳

۳- کافران مکه ، پیامبر (ص) را به خاطر ادعای نزول وحی بر خود ، فردی مجنون و دیوانه می دانستند .

و قالوا یأیها الذی نزّل علیه الذّکر إنک لمجنون

شواهد تاریخی گواهند که قبل از ادعای نبوت پیامبر(ص) آنان چنین تهمتی را به آن حضرت نسبت نمی دادند، پس این تهمت به خاطر نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۰ - ۱،۲،۳

۱ - جنون ، یکی از نسبت های ناروای کافران و رفاه زدگان به ساحت پیامبراکرم (ص)

أم یقولون به جنّه

<به جنّه>;یعنی، <او گرفتار نوعی جنون است و این

اتهام دیگری بود که از سوی کافران و مترفان، به پیامبر(ص) زده می شد.

۲ – شخصیت ، منش و گویش خردمندانه پیامبر (ص) گواهی روشن بر مبرا بودن آن حضرت از اتهام کافران (جنون)

أم لم یعرفوا رسولهم . .. أم یقولون به جنّه

۳ – توبیخ کافران از سوی خداوند ، به خاطر نسبت دادن جنون به پیامبر (ص) ، علی رغم آشنایی کاملشان با شخصیت خردمند آن حضرت

أم لم یعرفوا رسولهم . .. أم یقولون به جنّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۸ – ۵

۵ – کافران ، پیامبر (ص) را به خاطر اظهار امکان بازآفرینی انسان ها در قیامت ، متهم به جنون می کردند .

و قال الذین کفروا هل ندلّکم علی رجل . .. أم به جنّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۴۶ – ۶۸

۶ – دعوت پیامبر (ص) از مردم مکه برای اندیشیدن درباره جنون نسبت داده شده به آن حضرت

ثمّ تتفکّروا ما بصاحبکم من جِنّه

مراد از <صاحب>، به قرینه <هو> در عبارت بعدی، پیامبر(ص) است.

۸ – نسبت جنون به پیامبر (ص) از سوی مردم مکه ، ناشی از بی اندیشگی بوده است .

ثمّ تتفکّروا ما بصاحبکم من جِنّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۵۳ – ۷

۷ – نسبت دادن جنون به پیامبر (ص) از سوی مشرکان ، حدس و گمان و به دور از علم و آگاهی بود .

أفترى على

اللّه أم به جِنّه . .. ما بصاحبکم من جِنّه ... و قد کفروا به من قبل و

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۳۶ – ۱،۲

۱ – اتهام جنون و شاعر بودن به پیامبر (ص) ، شیوه مشرکان و کافران در برابر پیامبر (ص)

و یقولون أئنّا لتارکوا ءالهتنا لشاعر مجنون

آمدن فعل <یقولون> به صیغه مضارع، حکایت از استمرار این سخن دارد.

۲ – مشرکان ، دلیل نپذیرفتن دعوت پیامبراسلام را ، مجنون و شاعر بودن آن حضرت معرفی می کردند .

و یقولون أئنّا لتارکوا ءالهتنا لشاعر مجنون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که لام در <لشاعر> برای تعلیل است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۱۴ – ۳

۳– اتهام جنون به پیامبر (ص) از سوی مشرکان مکه

ثمّ تولّوا عنه و قالوا معلّم مجنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۵۲ – ۵

۵ – اتهام سحر یا جنون ، از سوی کافران به پیامبراکرم (ص)

کذلک ما أتی . .. إلاّ قالوا ساحر أو مجنون

ضمیر <من قبلهم> به کافران عصر پیامبر(ص) بازمی گردد; یعنی، اگر اینان تو را به سحر و جنون متهم می کنند، مطلب تازه ای نیست ; زیرا پیشینیان نیز، همین شیوه را داشته اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۲۹ – ۷

۷ – اتهام کهانت و جنون به پیامبر (ص) ، از سوی کافران

فما أنت بنعمت ربّك

بكاهن و لامجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۱ - ۵،۸

۵ - اتهام جنون به پیامبر (ص) ، به هنگام شنیدن قرآن از سوی کافران

لمّا سمعوا الذکر و یقولون إنّه لمجنون

۸ - کافران ، قرآن را نشانه جنون پیامبر (ص) می دانستند .

لمّا سمعوا الذکر و یقولون إنّه لمجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۲ - ۱،۷

۱ - برخی از مردم عصر بعثت ، پیامبر (ص) را دیوانه شمرده و او را به تدوین قرآن براساس اختلالات عقلی ، متهم می کردند .

و ما صاحبکم بمجنون

۷ - جنون آمیز خواندن رفتار و گفتار پیامبر (ص) ، از شیوه های مبارزه مخالفان با آن حضرت در صدراسلام

و ما صاحبکم بمجنون

تهمت جنون به موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۷ - ۳

۳ - اقدام فرعون به متهم کردن موسی (ع) به جنون

قال إنّ رسولکم . .. لمجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۹ - ۶

۶ - اتهام سحر و جنون از سوی فرعون به موسی (ع) ، پس از مشاهده دلایل و برهان های روشن رسالت آن حضرت

أرسلنه . .. بسلطن مبین ... و قال سحر أو مجنون

تهمت جنون به نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۵ - ۱

۱ - متهم شدن نوح (ع) ، از

سوی اشراف قومش ، به نوعی دیوانگی و جنون

فقال الملؤا الذین کفروا . .. إن هو إلاّ رجل به جنّه

<إن> معادل مای نافیه است; یعنی: <ما هو إلاّ رجل. ..>. نکره آوردن <جنّه> نیز برای تنویع است. بنابراین عبارت <به جنّه>;یعنی، او گرفتار نوعی دیوانگی است. <تربّص> (مصدر <تربّصوا>) به معنای حلول چیزی را برای کسی، انتظار کشیدن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۹ – ۹

۹ – قوم نوح ، آن حضرت را به جنون و آسیب دیدگی از سوی جن متهم می کردند .

و قالوا مجنون و ازدجر

مفسران، عبارت <و ازدجر> را به معنای <ازدجره الجنّ> (جن ایشان را آزار رسانده است) گرفته اند.

تهمت جنون به هود(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۵۴ – ۲

۲ قوم عاد ، هود (ع) را متهم به اغتشاش روانی کردند و سخنان او را برخاسته از جنون پنداشتند .

إن نقول إلاّ اعتریک بعض ءالهتنا بسوء

<سوء> به معنای رنج ، سختی ، مرض و آفت و مانند اینهاست. و مراد از آن ، در آیه شریفه به مناسبت مورد مرض جنون و مانند آن می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۵۵ – ۶

۶ ناتوانی بت ها برای از میان بردن هود (ع) ، علی رغم بیزاری جستن علنی او از آنها ، نشانه حقیقت نداشتن ادعای قوم عاد (ابتلای هود به جنون از ناحیه بت ها)

إن نقول إلاّ اعتريك بعض ءالهتنا

بسوء . .. فکیدونی جمیعًا ثم لاتنظرون

جنون اخروی گناهکاران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۴۷ – ۲

۲ – مجرمان ، گرفتار سرگردانی و جنون در قیامت

إنّ المجرمین فی ضلل و سعر

<سعر> در صورتی که مفرد باشد، به معنای جنون می آید.

جنون کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۶ – ۲

۲ – کافران ، مستحق نام جنون هستند .

و یبصرون . بأییّکم المفتون

جنون مرتد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۷۱ – ۱۳

۱۳ بازگشت کننده به شرک (مرتد) مانند دیوانه ای سرگردان است که شیطانها (جنیان) عقل او را زایل کرده اند.

أندعوا من دون الله . .. و نرد ... کالذی استهوته الشیطین

<استهوته الشیاطین> یعنی شیطانها عقل و فکر او را برده اند. همچنین جمله <استهوته الشیاطین> را در موردی که شخصی جن زده شده باشد، به کار می برند. (لسان العرب).

دلایل رد تهمت جنون به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۲ - ۴

۴ - مشاهده کمال عقلانی پیامبر (ص) از سوی معاشران آن حضرت ، دلیلی کافی بر مردود بودن ادعای جنون درباره او است .

و ما صاحبکم بمجنون

عنوان <صاحبکم> گویای مردود بودن اتهام جنون است; زیرا مصاحبت روز مرّه کسانی که به پیامبر(ص) تهمت جنون می زدند، با آن حضرت، مایه شناخت وضعیت فکری آن بزرگوار بوده و دستاویزی برای نسبت جنون باقی نمی گذارد.

رد تهمت جنون به محمد(ص)

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۲۲ – ۲

۲ – نسبت دیوانگی به پیامبر (ص) ، نسبتی ناروا و مردود است .

و ما صاحبکم بمجنون

سخن جنون آمیز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۴۶ – ۱۶

۱۶ – هشدار دادن به مردم از عذابی که در پیش رو دارند ، در نگاه مردم مکه سخن جنون آمیز تلقی می شد .

ثمّ تتفکّروا ما بصاحبکم من جِنّه إن هو إلاّ نذیر لکم بین یدی عذاب شدید

محمد(ص) و جنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۸۴ – ۴

۴ مردم عصر بعثت هیچ نشانی که حاکی از کمترین جنون در پیامبر باشد ، سراغ نداشتند .

ما بصاحبهم من جنه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۳۷ – ۵

۵ – ساحت مقدس پیامبر اسلام (ص) ، منزه از جنون و سخنان ایشان پیراسته از شعرسرایی

و یقولون . .. لشاعر مجنون . بل جاء بالحقّ و صدّق المرسلین

برداشت یاد شده از آن جا است که <بل> برای اضراب ابطالی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۹ - ۵

۵ - پیامبر (ص) ، مصون از هر گونه کهانت و جنون ، در پرتو عنایت پروردگار خویش

فما أنت بنعمت ربّك بكاهن و لامجنون

مصونیت از جنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲ - ۱،۲

۱ -

پیامبر (ص) ، مصون از هر گونه جنون و دیوانگی

ما أنت . .. بمجنون

۲ – نعمت های اعطا شده خداوند به پیامبر (ص) ، سبب مصونیت آن حضرت از هرگونه جنون و دیوانگی

ما أنت بنعمه ربّک بمجنون

منشأ مصونیت از جنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۲ – ۵

۵ – لطف و عنایت خداوند ، سبب مصونیت انسان از جنون و هرگونه اندیشه نادرست و دور از عقل و خرد

ما أنت بنعمه ربّک بمجنون

موارد جنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۲۴ – ۷۸

۷ – پیروی از بشری معمولی و فاقد موقعیت اجتماعی ، گمراهی و جنون در نظر قوم ثمود

إنّا إذًا لفی ضلل و سعر

واژه <إذًا> ضلالت و جنون را مترتب بر تبعیت از <بشراً منّا واحداً> ساخته است. گفتنی است در صورتی که <واحداً> اشاره به تنهایی و بی یاوری صالح(ع) داشته باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

۸ – پذیرش ادعای نبوت از یک انسان ، گمراهی و جنون در نظر قوم ثمود

فقالوا أبشرًا منّا وحدًا نتّبعه إنّا إذًا لفی ضلل و سعر

در صورتی که <أبشراً منّا واحداً> در مقام نفی شایستگی بشر برای نبوت باشد، از ارتباط <إذًا لفی. ..> با جمله قبلی مطلب بالا استفاده می شود.

نشانه های جنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۷ - ۳

۳ - مبتلا ساختن خویش به عذاب های سخت قیامت ، نشانه گمراهی و جنون است ، نه پیروی از راه حق پیامبران

فقالوا

أبشرًا . .. نتّبعه إنّا إذًا لفی ضلل و سعر ... إنّ المجرمین فی ضلل و سع

برداشت یاد شده در صورتی است که <سعر> به معنای جنون و آیه <إنّ المجرمین. ..> در مقام پاسخ به سخن کافران باشد که مدعی بودند پیروی از خط پیامبر(ص) و پیام وحی جنون و گمراهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۶ - ۳

۳ - کفر و نپذیرفتن عمدی آیین اسلام ، نشانه جنون و بی خردی است و ایمان و هدایت ، نشانه خردورزی است .

بأیّکم المفتون

برداشت یاد شده، از آن جا است که به کافران، جنون نسبت داده شده است.

هود(ع) و جنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۴ - ۳

۳ قوم عاد ، برخی از آلهه خویش را عامل جنون و اغتشاش روانی هود (ع) می پنداشتند .

إن نقول إلاّ اعتریک بعض ءالهتنا بسوء

<إعتراء> به معنای شامل شدن و اصابت کردن است (لسان العرب). و از آن جا که <إعتراء> در آیه شریفه، به وسیله حرف <باء> به مفعول دوم (بسوء) متعدی شده، به معنای رسانیدن و شامل کردن می باشد. بنابراین جمله <إن نقول ...; یعنی، ما سخنی جز این نمی گوییم که یکی از خدایان ما، مرض و آفتی بر تو افکنده است>.

جنین از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جنین

استقرار جنین در رحم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۳۵

٣٥ - < عن أبى جعفر (ع) : < ولنبيّن لكم > كذلك كنتم فى الأرحام <

و نقرّ فی الأرحام ما نشاء > فلایخرج سقطاً ;

از امام بـاقر(ع) روایت شـده است که در[باره معنای <و لنبیّن لکم> در آیه یاد شـده فرمود:] تا برای شـما روشن کنـد که در ارحـام مادران این گونه بوده ایـد] [و این مراحل را طی کرده ایـد] و[در باره معنای <و نقرّ فی الأرحام ما نشاء> نیز فرمود:] و آنچه را می خواهیم در ارحام مستقر می کنیم و[آن] به صورت سقط بیرون نمی آید>.

امنیت روحی جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲ - ۶

۶- رحم مـادر برای جنین ، جـایی به غـایت أمن می باشـد و جنین در آن از آسـیب پـذیری در برابر بسـیاری از اضـطراب های عصبی و روانی مادر در امان است .

یوم ترونها. .. و تضع کلّ ذات حمل حملها

ذکر <سـقط شـدن جنین هـا از رحم زنـان بـاردار> در به تصـویر کشانـدن شـدت و عظمت بی انـدازه زلزله زمین در آسـتانه رسـتاخیز، اشـعار به این حقیقت دارد که: رحم زنان برای جنین، با این که مکانی أمن می باشد و در شـرایط سخت و اضطراب آور مقاوم و آسـیب ناپذیر است; لکن اضطراب ناشی از آن رویداد بی مانند، چنان است که تمامی زنان باردار از شدت ترس و اضطراب، سقط جنین خواهند کرد.

اهمیت مراحل رشد جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۳ - ۷

۷ - آفرینش انسـان ، از مـایعی نـاچیز و سـیر متوازن و تکـاملی وی در رحم ، نشـانه توانـایی خداونـد بر برپایی قیامت و احیای مردگان

ألم

نخلقکم من ماء . .. فقدرنا فنعم القدرون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این آیات تا آخر سوره، درصدد اثبات برپایی قیامت باشد.

پیدایش گوشت جنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۴ – ۴

۴ – پس از شکل گیری و استخوان بندی بدن جنین ، استخوان ها با رویش گوشت پوشیده می شوند .

فکسونا العظم لحمًا

<کَسْو> (مصدر <کسونا>) به معنای پوشانیدن است.

تبدیل علقه به جنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۶۷ – ۵

۵ – وجود فاصله زمانی میان تحوّل خاک به نطفه ، نطفه به علقه و علقه به صورت طفل

خلقکم من تراب ثمّ من نطفه ثمّ من علقه ثمّ یخرجکم طفلاً

با توجه به کاربرد <ثمّ> که برای بیان فاصله زمانی است برداشت بالا به دست می آید.

تبدیل مضغه به جنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۴ – ۳،۴

۳ – علقه ، در رحم به صورت مضغه در می آمد ، سپس مضغه تدریجاً به صورت استخوان بندی بدن جنین ، تغییر شکل می دهد .

فخلقنا المضغه عظمًا

<عظم> مفرد <عظام> و به معنای استخوان است.

۴ - پس از شکل گیری و استخوان بندی بدن جنین ، استخوان ها با رویش گوشت پوشیده می شوند .

فکسونا العظم لحمًا

<کَسْو> (مصدر <کسونا>) به معنای پوشانیدن است.

تحریم جنین شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۸

۸ تحریم استفاده از گوشت شتر، گاو

و جنین آنها، افترا به خداوند است.

قل ءالذکرین حرم . .. ومن أظلم ممن افتری علی الله کذبا

تحریم جنین گاو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴۴ – ۸

۸ تحریم استفاده از گوشت شتر، گاو و جنین آنها، افترا به خداوند است.

قل ءالذکرین حرم . .. ومن أظلم ممن افتری علی الله کذبا

تکامل جنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۶ – ۱۰

۱۰ – تطور و تکامل تدریجی انسان در تاریکی شکم مادر

یخلقکم فی بطون أُمّهتکم خلقًا من بعد خلق

جمله <خلقاً من بعد خلق> (آفرینشی پس از آفرینش)، به تطور و تکامل تدریجی نطفه در رحم مادران اشاره دارد.

جنین انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۹ – ۳

۳ – انسان در مراحل نخستین جنینی ، فاقد روح انسانی است و پس از شکل گیری اندام ، در او روح دمیده می شود .

جعل . .. من ماء مهین . ثمّ سوّیه و نفخ فیه من روحه

جنین در تاریکی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۶ – ۱۱،۲۶

۱۱ – جنین ، پوشیده از سه ظلمت (بچه دان ، رحم و شکم)

یخلقکم فی بطون أُمّهتکم . .. فی ظلمت ثلث

مفسران یادآور شدند که مقصود از <ظلمات ثلاث> ظلمت های بچه دان، رحم و شکم مادران است و روایت امام باقر(ع) مؤید همین برداشت است (مجمع البیان، ذیل آیه و نورالثقلین، ج ۴، ص ۴۷۷، ح ۱۱).

– ۲۶

< فی مجمع البیان : < فی ظلمات ثلاث > ظلمه البطن و ظلمه الرحم و ظلمه المشیمه . . . و هو المروی عن أبی جعفر (ع) ;

در مجمع البیان آمده است که مراد از <ظلمات ثلاث> (تاریکی های سه گانه)، تاریکی شکم، تاریکی رحم و تاریکی کیسه جنین می باشد و این معنا از امام باقر(ع) روایت شده است>.

جنین در رحم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶ - ۷

۷ شکل گیری شخصیت انسان در رَحِم *

هو الّذی یصورکم فی الارحام کیف یشاء

چون در آیات قبل سخن از هدایت و کفربوده است، به نظر می رسد که شکل گرفتن انسان در رحم شامل شکل گیری شخصیّت (هدایت یافتن، کافر شدن و . ..) نیز بشود.

حلیت جنین بز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۲

۲ حلیت خوردن از بز و گوسفند نر و ماده و جنین آنها

من الضأن . .. قل ءالذکرین حرم أم الأنثیین أما اشتملت علیه أرحام الأنثیین

حلیت جنین شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۲

۲ استفاده از گوشت شتر و گاو نر و ماده و جنین آنها حلال است.

و من الإبل اثنین . .. قل ءالذکرین حرم أم الأنثیین أما اشتملت علیه أرحام الأنثیین

حلیت جنین گاو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴۴ – ۲

۲ استفاده از گوشت شتر و گاو نر

و ماده و جنین آنها حلال است.

و من الإبل اثنین . .. قل ءالذکرین حرم أم الأنثیین أما اشتملت علیه أرحام الأنثیین

حلیت جنین گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۲

۲ حلیت خوردن از بز و گوسفند نر و ماده و جنین آنها

من الضأن . .. قل ءالذکرین حرم أم الأنثیین أما اشتملت علیه أرحام الأنثیین

خروج جنین از رحم(زهدان)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۷ - ۵

۵ - خروج جنین از رحم ، امری شگفت و نشانه امکان معاد است . *

یخرج من بین الصلب و الترائب

ضمیر فاعلی <یخرج>، ممکن است به <الانسان> در دو آیه قبل برگردد، در این احتمال مراد از <ماء دافق> نطفه مرد و مراد از جمله <یخرج. ..>، تولّد نوزاد خواهد بود و <من بین الصلب و الترائب>، اشاره به جایگاه رحم است که بین قسمت های جلو و پشت مادر می باشد.

خوردن جنین در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۹ - ۱،۳،۴

۱ مشرکان عصر جاهلی خوردن جنین دامهای وقف شده برای خدا و یا بتها را در صورت زنده بر آمدن بر مردان مجاز و بر زنان حرام می شمردند.

و قالوا ما فی بطون هذه الأنعم خالصه لذکورنا و محرم علی أزوجنا

مراد از <ازواج> به قرینه تقابل آن با <ذکور> مطلق <زن> است نه خصوص همسران

۳ مشرکان عصر جاهلی استفاده از جنین مرده حیوانات وقف شده برای خدا و یا بتها را برای زنان

و مردان مجاز می شمردند.

و محرم علی أزوجنا و إن یکن میته فهم فیه شرکاء

۴ خوردن جنین مرده دام در برخی موارد از نظر مشرکان عصر جاهلی جایز بود.

و إن یکن میته فهم فیه شرکاء

سقط جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۱۴

۱۴- سقط شدن برخی از جنین ها و استقرار برخی دیگر در رحم و نیز مشخص بودن مدت هر جنین در آن ، جلوه هایی از مشیت مطلق و اراده بلامنازع خدا

و نقرّ فی الأرحام. .. إلی أجل مسمًّی ثمّ نخرجکم

سقط جنین در زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲ - ۴

۴- زنان باردار با دیدن زلزله سهمگین زمین در آستانه برپایی قیامت ، از شدت بیم و اضطراب ، سقط جنین خواهند کرد .

و تضع کلّ ذات حمل حملها

<وضع> (مصدر <تضع>) به معنای نهادن و <ذات حمل> به معنای باردار است; یعنی، هر زن بارداری به هنگام دیدن آن زلزله، بارش را خواهد نهاد (جنینش را سقط خواهد کرد).

سقط جنین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲ - ۱۱

۱۱- اضطراب مردم در عرصه قیامت ، به درجه ای است که هر زن شیر دهنده ، از شیر دادن غافل خواهد شد و هر زن بارداری

از شدت ترس ، سقط جنین خواهد کرد .

یوم ترونها. .. و تضع کلّ ذات حمل حملها

شرایط حلیّت جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵

۲۰ - ۱ -

۲۰ حلیت جنین در شکم حیوان تذکیه شده ، مشروط به اینکه دارای مو و کرک باشد .

أحلت لکم بهیمه الانعم

امام باقر یا امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از معنای آیه فوق فرمودند: الجنین فی بطن امه اذا اشعر و اوبر فذکاته ذکاه امه . .. .

کافی، ج ۶، ص ۲۳۴، ح ۱; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۸۳، ح ۱۰.

شکل گیری جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶ - ۲،۳،۸

۲ شکل گیری جنین ها در رَحم ها ، جلوه ای از قیّومیّت (قوام دهنده هستی بودن) خداوند

لا اله الاّ هو الحیّ القیّوم . .. هو الّذی یصورکم فی الارحام کیف یشاء

۳ انحصار صورتگری جنین در رَحم به خداوند ، دلیل وحدانیّت او

هو الّذی یصورکم فی الارحام کیف یشاء لا اله الاّ هو العزیز الحکیم

۸ هیچ قدرتی نمی تواند از مشیّت خدا در مورد چگونگی شکل گیری جنین ، جلوگیری کند .

هو الّذی یصورکم فی الارحام کیف یشاء لا اله الاّ هو العزیز الحکیم

از ارتباط کلمه <العزیز> (غالب لا یقهر) با شکل بندی انسان به مشیّت الهی، استفاده شده است.

شگفتی خروج جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۷ - ۵

۵ - خروج جنین از رحم ، امری شگفت و نشانه امکان معاد است . *

يخرج من بين الصلب و الترائب

ضمير فاعلى <يخرج>، ممكن است به <الانسان> در دو آيه قبل برگردد، در اين احتمال مراد از <ماء دافق> نطفه مرد و مراد از جمله <يخرج. ..>،

تولّد نوزاد خواهد بود و <من بين الصلب و الترائب>، اشاره به جایگاه رحم است که بین قسمت های جلو و پشت مادر می باشد.

علم به جنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۸ – ۲،۴،۱۰

۲ خداوند ، به آنچه رحم زنان و مادینه ها برای جنین جذب می کنند آگاه است .

الله يعلم . .. ما تغيض الأرحام

<غيض> به معنای کاستن و فرو بردن است که به مناسبت مورد از آن به جذب کردن تعبیر شد. و چون سخن جمله قبل درباره جنین بود معلوم می شود مقصود از آنچه رحمها جذب می کنند، جذبهایی است که در ارتباط با جنین می باشد چه آنها که در پیدایش جنین دخیل است و چه آنها که مایه رشد و نمو جنین می باشد.

۴ خداوند به نطفه هایی که رحم زنان و مادینه ها به خود جذب می کنند تا جنین شود ، آگاه است .

الله يعلم ما تحمل كل أُنثى و ما تغيض الأرحام

۱۰ < عن محمدبن مسلم قال : سألت أباعبدالله (ع) عن قول الله : < يعلم ما تحمل كل أُنثى و ما تغيض الأرحام > ؟ قال : ما لم يكن حملاً ، < و ما تزداد > قال : الذكر و الأُنثى جميعاً ;

محمدبن مسلم گوید از امام صادق(ع) درباره سخن خدا: <يعلم ما تحمل كل أُنثى و ما تغيض الأرحام> سؤال کردم، حضرت فرمود: [مراد از ما تغيض الأرحام]چیزی است که حمل نباشد و در مورد <و ما تزداد> فرمود: پسر و دختر هر دو می باشد>.

جلد –

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۴ - ۴،۹

۴ - تنها خداوند ، از وضعیت جنین در رحم مادر ، آگاهی همه جانبه دارد .

إنّ اللّه . .. و یعلم ما فی الأرحام

۹ - آگاهی خدا به لحظه قیامت ، و حقایق مربوط به جنین و آینده هر انسان ، نمودی از علم گسترده وی است .

إنّ اللّه عنده علم الساعه . .. إنّ اللّه علیم خبیر

علم به رشد جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۷ - ۱۰

۱۰ - آگاهی به روند پیدایش میوه ها و تکوین و تولد جنین ، مقتضای ربوبیت الهی است .

و ما ربّک . .. و ما تخرج ... إلاّ بعلمه

علم به ویژگیهای جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۸ - ۱

۱ خداوند ، از ویژگی های جنین هر زن و مادینه ای آگاه است .

الله یعلم ما تحمل کل أُنثی

مراد از <ما> به قرینه <تحمل کل اُنثی> جنین است. <اُنثی> به هر جنس ماده از انسان (زن) و غیر انسان (مادینه) گفته می شود.

علم خدا به جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۱۱ – ۹

۹ – احاطه علمی خداوند بر باردار شدن زنان و نیز بر نوزادان آنها

و ما تحمل من أُنثی و لاتضع إلّابعلمه

عوامل رشد جنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۶ – ۱۴

۱۴ – تأثیر تاریکی شکم مادران ، در

رشد جنین و نطفه انسان

یخلقکم فی بطون أمّهتکم . .. فی ظلمت ثلث

تعبیر ظلمات از بچه دان، رحم و شکم، می تواند بیانگر حقیقت یاد شده باشد.

قانونمندی رشد جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۳ - ۱

۱ - رشد جنین از آغاز تا کامل شدن خلقت وی ، با محاسبات و اندازه گیری های دقیق از سوی خداوند همراه است .

ألم نخلقکم من ماء . .. فقدرنا

عبارت <فقدرنا>، می تواند عطف بر <جعلناه فی قرار. ..> و یا متفرع بر آن باشد. در صورت اول، مفاد آیه چنین می شود: پس از این که نطفه را برای مدتی معین در رحم قرار دادیم، به اندازه گیری آن پرداختیم; یعنی، با محاسبات و اندازه گیری های دقیق، نطفه را در رحم رشد می دهیم تا آن گاه که انسانی تام و کامل گردد.

مدت استقرار جنین در رحم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۱۳،۱۴،۱۵

۱۳- زمان استقرار هر جنین در رحم ، مدتی مشخص و از پیش تعیین شده است .

و نقرّ فی الأرحام. .. إلی أجل مسمًّی

۱۴- سقط شدن برخی از جنین ها و استقرار برخی دیگر در رحم و نیز مشخص بودن مدت هر جنین در آن ، جلوه هایی از مشیت مطلق و اراده بلامنازع خدا

و نقرّ فی الأرحام. .. إلی أجل مسمًّی ثمّ نخرجکم

۱۵- وجود فاصله زمانی میان پایان یافتن مراحل رشد جنین در رحم و فرا رسیدن زمان زایمان

و نقرّ فی الأرحام . .. إلی أجل مسمًّی ثمّ نخرجکم

عطف <نخرج> بر

<نقرّ. .. إلی أجل مسمًّی>به وسیله <ثمّ> که برای تراخی در زمان است می رساند که جنین پس از این که مراحل رشد خود را در رحم به پایان رساند، باید مدتی دیگر در رحم بماند تا زمان زایمان فرا برسد.

مراحل رشد جنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۳۲ – ۱۶

۱۶ – مخفی ترین دوره رشد و پیدایش انسان (دوره جنین) ، آشکار و نمایان در پیشگاه خداوند

هو أعلم بکم . .. و إذ أنتم أجنّه فی بطون أُمّهتکم

مراحل شکل گیری جنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۳۸ – ۲

۲ – مرحله اصلی شکل گیری فرزند ، پس از علقه شدن (تبدیل منی به خون بسته) است .

ألم یک نطفه . .. ثمّ کان علقه

<فاء> در <فخلق> برای ترتیب است. مترتب کردن خلقت انسان بر <علقه> با آن که <علقه> جزئی از مراحل آفرینش بشر است می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

مکان جنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۵ – ۱۱

۱۱– رحم زنان ، قرارگاه جنین

و نقرّ فی الأرحام مانشاء

مکان رشد جنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۶ – ۱۳

۱۳ – شکم مادران ، بستر مناسب رشد جنین و تکامل نطفه انسان .

یخلقکم فی بطون أُمّهتکم خلقًا من بعد خلق فی ظلمت ثلث

تصریح به آفرینش انسان در شکم مادران، می تواند گویای مطلب بالا باشد.

منشأ امنیت

جنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۵ – ۱۲

۱۲– استقرار جنین در رحم و مصونیت آن از سقط شدن ، در گرو مشیت و اراده خدا است .

و نقرّ فی الأرحام مانشاء

منشأ تعیین جنسیت جنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۹ – ۱۰

۱۰ – دختر یا پسر بودن جنین ، تابع قوانین جاری خداوند در آفرینش است .

للّه ملک السموت . .. یخلق ما یشاء یهب لمن یشاء إنثًا ... الذکور

ارتباط بین بخش های آیه شریفه (<مالکیت یگانه خدا بر هستی>، <مشیت در آفرینش> و <مشیت در جنسیت جنین>) می فهماند که میان مالکیت خدا بر کل هستی و مشیت او در آفرینش، ارتباط است که واژه <قانون> می تواند بیانگر آن باشد.

منشأ رشد جنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۴۷ – ۸

۸ – تحولات پیچیده شکوفه ها و جنین ، بنا به مقتضای علم و حکمت خداوندی است .

و ما تخرج من ثمرت من أکمامها . .. إلاّ بعلمه

چنانچه <باء> در <بعلمه> برای سببیت باشد، مفاد آیه شریفه، این خواهد بود که همه این رخدادها براساس علم الهی است.

نفخ روح در جنین

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۴ - ۵

۵ - پيدايش حقيقتى روحانى و غير مادى ، پس از مرحله شكل گيرى كامل جنين

فكسونا العظم لحمًا ثمّ أنشأنه خلقًا ءاخر

<إنشاء> (مصدر <أنشأنا>) به معناى پديد آوردن است; ولى چون در اين جا به دو

مفعول متعدی شده است، به معنای تصییر (از صورتی به صورتی دیگر در آوردن) می باشد. ضمیر <ه> در <أنشأناه> به مضمون <فکسونا العظام لحماً> (مرحله شکل گیری کامل جنین) باز می گردد.

نقش رشد جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۱۷

۱۷ - تأثیرات ناخواسته دوره جنینی در شخصیت انسان ، عامل خطاپوشی و مغفرت الهی ، نسبت به وی *

إنّ ربّک وسع المغفره هو أعلم بکم . .. و إذ أنتم أجنّه فی بطون أُمّهتکم

عبارت <إذ أنتم أجنّه. ..> می تواند توضیح و تعلیل برای <إنّ ربّک واسع المغفره> باشد. بدین معنا که انسان در دوره جنین، خواه ناخواه تأثیراتی می پذیرد و آثار آن بر خداوند نمایان و آشکار است. ازاین رو خداوند با عفو و اغماض با او برخورد می کند.

وقت تشخیص جنسیت جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۶ - ۵

۵ - مشخص شدن جنسیت (نر و ماده بودن) ، پس از استقرار نطفه در رحم

و أنّه خلق الزوجین الذکر و الأُنثی . من نطفه إذا تمنی

وصف <إذا تمنی>، می تواند بیانگر این معنا باشد که نوع زوجین و جنسیت آنها، پس از جریان نطفه و استقرار در رحم صورت می گیرد.

جو از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جو

تهدید کافران بهانه جو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۶ - ۴

۴- مشرکان و کافران حق ناپذیر و بهانه جو ، مورد تهدید خداوند

قالوا أبعث الله بشرًا رسولاً. قل كفى بالله شهيدًا بينى و بينكم

تذکر خداوند

به گواه و ناظر بودن میان پیامبر(ص) و مشرکان حق ناپذیر، می تواند به منظور تهدید آنان باشد.

تهدید مشرکان بهانه جو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۶ - ۴

۴- مشرکان و کافران حق ناپذیر و بهانه جو ، مورد تهدید خداوند

قالوا أبعث الله بشرًا رسولاً. قل کفی بالله شهیدًا بینی و بینکم

تذکر خداوند به گواه و ناظر بودن میان پیامبر(ص) و مشرکان حق ناپذیر، می تواند به منظور تهدید آنان باشد.

جو آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۹ - ۱،۴

۱- لزوم اندیشیدن انسان ها در کیفیت پرواز پرندگان در جو آسمان و قوانین حاکم بر آن

ألم یروا إلی الطیر مسخّرت فی جوّ السّماء

<رؤیت> که به معنای دیدن با چشم است، هر گاه با <إلی> متعدی شود، متضمن معنای نظر و دقت می شود.

۴- پرواز پرندگان در جوّ آسمان بدون سقوط بر زمین ، از نشانه های قدرت خداوند است .

ألم یروا إلی الطیر مسخّرت فی جوّ السّماء ما یمسکهنّ إلاّ الله

رویش جو از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۳ - ۲

۲ - رویش انواع دانه ها (چون گندم ، جو ، برنج و . . .) از زمین ، نشانه ای بزرگ از قدرت خدا است .

و ءایه لهم الأرض المیته أحیینها و أخرجنا منها حبًّا

مقصود از <حَبّ> در آیه شـریفه، جنسِ <حَبّ> و به معنای انواع دانه ها (چون گنـدم، جو، برنج و. ..) است و نکره آمدن آن

با توجه به این که آیه شریفه در مقام برشمردن نعمت های الهی و امتنان است گویای همین نکته است.

فواید جو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۳ - ۶

۶ - خداوند ، حبوبات (گندم ، جو ، برنج و . . .) را به منظور تغذیه انسان ها آفریده است .

و أخرجنا منها حبًّا فمنه يأكلون

نعمت جو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۳ - ۷

۷ - دانه هایی چون گندم ، جو ، برنج و . . . ، از مهم ترین خوردنی ها و نعمت های الهی برای بشر است .

و أخرجنا منها حبًّا فمنه يأكلون

تقدیم جار و مجرور (فمنه) بر متعلق خود (یأكلون)، می تواند برای اهتمام و نیز توجه دادن انسان ها به این نعمت ارزشمند الهی باشد.

جوامع از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جوامع

تأمین مصالح جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۸ - ۵

۵- ادیان الهی ، در جهت تأمین خیر و صلاح جامعه بشری است .

الذین کفروا . .. بما کانوا یفسدون

بـاز گشت معنـای <افسـاد> به این است که: انسـان خیری را از میـان ببرد و یـا از تحقق خیری مانع شود. بنابراین مبارزه ادیان الهی با مفسدان، در حقیقت دفاع از خیر و صلاح در جامعه است.

تجاوزگری جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۴ - ۵

۵ - فزون طلبی و تجاوزگری ، آفت شایع و رایج در میان جوامع انسانی

و ما تفرّقواإلاّ .

.. بغيًا بينهم

از این که تمامی پیروان ادیان پیشین به واسطه تجاوزگری دچار اختلاف شده اند، شیوع و رواج آن استفاده می شود.

جوامع تحت امر شیطان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۲۸ – ۳

۳ جوامعی که به پندار اجرای فرمان خدا به رسوم ناروای نیاکان خویش پایبندند، جوامعی تحت نفوذ شیاطین می باشند.

إنا جعلنا الشیطین أولیاء للذین لا یؤمنون . .. الله أمرنا بها

جمله <إذا فعلوا . .. > عطف بر <لاـ یؤمنون> است و در حقیقت صله برای <الـذین> می باشد. یعنی: إنا جعلنا الشیاطین أولیاء للذین إذا فعلوا فاحشه ... .

جوامع کافر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۲۴ – ۹

۹ – عناصر قدرتمند و مرفّه ، سردمداران انحراف و کفر در جوامع کافر و شرک پیشه

قال مترفوها . .. قالوا إنّا بما أرسلتم به کفرون

از این که در جوامع شرک پیشه، تنها سخن مرفهان ذکر گردیده با آن که اندیشه شرک مختص آنان نبوده است می توان استفاده کرد که آنان، نقش اصلی را در تعیین گرایش های جامعه داشته اند.

جوامع مشرک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۵ – ۱

۱– جامعه اصحاب کهف ، جامعه ای مشرک و معتقد به معبودهایی متعدّد بود .

هؤلاء قومنا اتخذوا من دونه ءالهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۴ - ۹

۹ - عناصر قدرتمند و مرفّه ، سردمداران انحراف و کفر در جوامع کافر و

شرك پیشه

قال مترفوها . .. قالوا إنّا بما أرسلتم به كفرون

از این كه در جوامع شرك پیشه، تنها سخن مرفهان ذكر گردیده با آن كه اندیشه شرك مختص آنان نبوده است می توان استفاده كرد كه آنان، نقش اصلی را در تعیین گرایش های جامعه داشته اند.

جوامع مكذب آیات خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۷۷ – ۱

۱ حالت جوامع تكذیب كننده آیات الهی ، حالتی شوم است .

ساء مثلًا القوم الذین كذبوا بایتنا

جوامع منحرف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳۴ – ۶

۶ هشدار و تهدید الهی نسبت به جوامع منحرف و زشتكردار

قل إنما حرم ربی الفوحش . .. و لكل أمه أجل

حاكمیت خدا بر جوامع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۱۳ – ۵

۵ – تاریخ ، دربردارنده نمونه هایی آشكار از سیطره خداوند بر سرنوشت جامعه ها است .

ألم تر كیف . .. فصبّ علیهم ربّك سوط عذاب

حسابرسی جوامع عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۸ - ۵

۵ - جوامعی که از فرمان های خدا و رسولان او ، سرپیچی کردند ، مورد محاسبه سخت الهی و عذاب ناشناخته و ناخوشایند (عذاب استیصال) قرار گرفتند .

فحاسبنها حسابًا شدیدًا و عذّبنها عذابًا نکرًا

<نکر> (مرادف <منکر>) به معنای شیء ناخوشایند و ناشناخته است.

حقوق جوامع جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ -

۴ - داشتن وطن و سرپناه از حقوق ملت ها و جوامع بشری است . *

من دیرکم

قرآن با اضافه کردن کلمه <دیار> به <کم> و نسبت دادن خانه و وطن به انسانها (دیارکم = خانه هایتان و وطنتان) این حقیقت را امضا و تثبیت می کند که: هر ملت و طایفه ای این حق را دارد که در سرزمینی سکنا گزینند و محلی را برای زندگی انتخاب کند.

حمایت از جوامع دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۱۱

۱۱ - خدا ، حامی و مدافع مراکز دینی و جوامع الهی

و لولا دفع اللّه . .. لهدّمت صومع ... و مسجد

حیات جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۷

۷ - هر جامعه و امتی ، دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۷

۷ - هر جامعه و امتی دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

خطر انقراض جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۳ - ۱۲

۱۲ خطر انقراض و نابودی نسل یک جامعه، هشدار خداوند به جوامع کافر ستم پیشه

إن یشأ یذهبکم . .. کما أنشأکم من ذریه قوم ءاخرین

زمینه اعتماد جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۲ - ۶

۶ - ایمان ، زمینه ساز اعتماد افراد جامعه اسلامی نسبت به

یکدیگر

لولا إذ سمعتموه ظنّ المؤمنون و المؤمنت بأنفسهم خیرًا و قالوا هذا إفک مبین

توصیف مردان و زنان صدراسلام به <ایمان>، حکایت از این حقیقت دارد که ایمان و دین داری با بی اعتمادی و بد گمانی سازگاری نـدارد و هر جا ایمان حقیقی وجود داشـته باشـد، اعتماد و حسن ظن هم وجود خواهـد داشت. آیه <یعظکم اللّه أن تعودوا لمثله أبداً إن کنتم مؤمنین> نیز، تأیید کننده همین برداشت است.

زمینه عذاب جوامع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۷۴ – ۵

۵- جوامع مبتلا به انحرافات جنسی و همجنس بازی ، در معرض نابودی و عذاب الهی

و جاء أهل المدینه . .. قال إن هؤلاء ضیفی فلاتفضحون ... فأخذتهم الصیحه ... فجعلن

زمینه کیفر جوامع عصیانگر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۷ – ۱۲

۱۲- ربوبیت خداوند ، مقتضی مجازات جوامع فاسد و عصیانگر بر اساس علم و آگاهی است .

و کم أهلکنا . .. و کفی بربّک بذنوب عباده خبیرًا بصیرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۹ – ۳

۳ – جوامع عصـیانگر و متمرد از فرمـان های خـدا و پیامبران ، در معرض روبه رو شـدن با پیامـد های سـنگین کردار خویش و دچار شدن به فرجامی خسارت بار

فذاقت وبال أمرها و کان عقبه أمرها خسرًا

زمینه کیفر جوامع فاسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۷ - ۱۲

۱۲- ربوبیت خداوند ، مقتضی مجازات جوامع فاسد و عصیانگر بر اساس علم و

آگاهی است .

و کم أهلكنا . .. و کفی بربّک بذنوب عباده خبیرًا بصیرًا

زمینه هلاکت جوامع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۷۴ – ۵

۵- جوامع مبتلا به انحرافات جنسی و همجنس بازی ، در معرض نابودی و عذاب الهی

و جاء أهل المدینه . .. قال إن هؤلاء ضیفی فلاتفضحون ... فأخذتهم الصیحه ... فجعلن

زیانکاری جوامع عصیانگر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۹ – ۲،۳

۲ – جوامعی که از فرمان های خدا و پیامبران سرباز زدند ، به فرجامی خسارت بار گرفتار شدند .

و کان عقبه أمرها خسرًا

۳ – جوامع عصیانگر و متمرد از فرمان های خدا و پیامبران ، در معرض روبه رو شدن با پیامد های سنگین کردار خویش و دچار شدن به فرجامی خسارت بار

فذاقت وبال أمرها و کان عقبه أمرها خسرًا

شخصیت جوامع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۳۴ – ۷

۷ – هر جامعه و امتی ، دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۱ – ۷

۷ – هر جامعه و امتی دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلك أمه قد خلت

شناخت عوامل انقراض جوامع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۷۳ – ۱۰

۱۰ شناخت تاریخ و عوامل پیشرفت و انقراض جامعه ، در جهت دهیِ صحیح به حرکت های اجتماعی ، نقش مؤثر دارد .

فنجّینه

. .. و جعلنهم خلئف و أغرقنا الذين كذبوا بأيتنا فانظر كيف كان عقبه المنذر

شناخت عوامل رشد جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۳ - ۱۰

۱۰ شناخت تاریخ و عوامل پیشرفت و انقراض جامعه ، در جهت دهیِ صحیح به حرکت های اجتماعی ، نقش مؤثر دارد .

فنجّینه . .. و جعلنهم خلئف و أغرقنا الذین كذبوا بأیتنا فانظر كیف كان عقبه المنذر

عذاب جوامع عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۸ - ۵

۵ - جوامعی که از فرمان های خدا و رسولان او ، سرپیچی کردند ، مورد محاسبه سخت الهی و عذاب ناشناخته و ناخوشایند (عذاب استیصال) قرار گرفتند .

فحاسبنها حسابًا شدیدًا و عذّبنها عذابًا نكرًا

<نکر> (مرادف <منکر>) به معنای شیء ناخوشایند و ناشناخته است.

عذاب جوامع فاسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۶ - ۱۱

۱۱- عذاب جامعه فسادگر ، آن چنان شدید است که مایه نابودی و هدم کامل آن می شود .

ففسقوا فیها فحقّ علیها القول فدمّرنها تدمیراً

عوامل انحطاط جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۵

۵- نقش مؤثر و محوری رهبران و سردمداران فاسد در سقوط و نابودی ملت ها و جامعه های بشری

ألم تر إلى الذين . .. و أحلّوا قومهم دار البوار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۰ - ۷

۷ - جامعه های گرفتار بی بند و

باری جنسی (بی عفتی و زناکاری) ، در معرض زوال و نابودی است .

و لولا فضل اللّه علیکم و رحمته و أنّ اللّه توّاب حکیم

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که جمله <و لولاـ فضل اللّه علیکم. ..> به تقـدیر <و لولا فضل اللّه علیکم... لاختل نظام حیاتکم و لهلکتم> باشد; یعنی، <اگر فضل و رحمت خدا نبود ... نظام زندگی شـما با وجود همه فساد و بی بند و باری از هم می پاشید و شما نابود می شدید>.

عوامل انقراض جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۹

۹ کفر موجب هلاکت بسیاری از جوامع گذشته، در عین قدرتمندتر بودن آنها از کافران عصر پیامبر(ص)

ألم یروا کم أهلکنا من قبلهم من قرن مکنهم فی الأرض ما لم نمکن لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۷ - ۵

۵ ظلم موجب نابودی و هلاکت اقوام است.

هل یهلک إلا القوم الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۵

۵- نقش مؤثر و محوری رهبران و سردمداران فاسد در سقوط و نابودی ملت ها و جامعه های بشری

ألم تر إلی الذین . .. و أحلّوا قومهم دار البوار

عوامل بقای جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶ - ۴

۴- ایمان ، دارای تأثیر در حفظ و بقای جوامع و تمدن های بشری است .

ماءامنت قبلهم من قریه أهلکنها

عوامل نابودی جوامع

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۷ - ۸

۸ شرکورزی و مخالفت با تعالیم و توصیه های پیامبران ، از عوامل مهم نابودی جامعه ها و تحولات تاریخ و دگرگونی های آن است .

فإن تولّوا . .. یستخلف ربی قومًا غیرکم

عوامل هدایت جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۳ - ۱۰

۱۰ شناخت تاریخ و عوامل پیشرفت و انقراض جامعه ، در جهت دهیِ صحیح به حرکت های اجتماعی ، نقش مؤثر دارد .

فنجّینه . .. و جعلنهم خلئف و أغرقنا الذین کذبوا بأیتنا فانظر کیف کان عقبه المنذر

عوامل هلاکت جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۱ - ۵

۵ ارتکاب ظلم و گناه در عین آگاهی، موجب هلاکت جامعه می شود.

ذلک أن لم یکن ربک مهلک القری بظلم و أهلها غفلون

جمله <و أهلها غافلون>، یعنی خداوند جامعه ستمکاری را که اهل آن از تعالیم انبیا غافل بوده اند و پیام آنان را دریافت نکرده باشند، هلاک نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۶ - ۱،۶

۱- فسق و گناهِ برخورداران از مکنت و ثروتمندان هر جامعه ، عامل هلاکت و نابودی آن جامعه است .

و إذا أردنا أن نهلک قریه أمرنا مترفیها ففسقوا فیها

<مترف> از واژه <ترفه> گرفته شده و <ترفه> هم به معنای روزی و نعمت فراوان است (مفردات راغب).

۶- افزایش تعداد مترفان و ثروتمندان فاسق و تبهکار در جامعه ، از عوامل هلاکت و نابودی آن جامعه براساس

سنت های خداوند

و إذا أردنا أن نهلک قريه أمرنا مترفيها ففسقوا فيها

برخی برآننـد <أمرنـا> به معنـای <کثرنـا> (فزونی دادیم) است (مفردات راغب) که بر اساس آن، مراد از <أمرنا مترفیها> افزایش مترفان در جامعه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۷ - ۱،۵،۱۰

۱- جوامع و ملت های بسیاری پس از دوران نوح (ع) در نتیجه فسق و گناه و به اراده خداوند نابود شدند .

ففسقوا . .. و کم أهلکنا من القرون

<قرن> (مفرد قرون) به معنای قومی است که نزدیک به یک زمان و در یک عصر زندگی می کنند (مفردات راغب).

۵- بسیاری از جوامع و ملل پس از حضرت نوح (ع) بر اثر وجود مترفان فاسق و تبهکار در میان آنان ، به هلاکت و نابودی دچار شدند .

و إذا أردنا أن نهلک قريه أمرنا مترفيها ففسقوا فيها . .. و کم أهلکنا من القرون من

۱۰- گناه ، عامل اصلی هلاکت جوامع بشری است .

کم أهلکنا من القرون . .. و کفی بربّک بذنوب عباده خبيرًا بصيرًا

فرجام جوامع عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۹ - ۱،۲،۳

۱ - بسیاری از جوامع انسانی ، به خاطر سرپیچی از فرمان های خدا و پیامبران ، به سزای سنگین و پیامد زیان بار کردار خویش دچار شدند .

و کأیّن من قریه عتت عن أمر ربّها. .. فذاقت وبال أمرها

<وبال> به معنای شدت و سنگینی است و مقصود از آن در آیه شریفه شدت مجازات و سنگینی پیامدهای کردارها است.

۲ - جوامعی که از فرمان

های خدا و پیامبران سرباز زدند ، به فرجامی خسارت بار گرفتار شدند .

و کان عقبه أمرها خسرًا

۳ - جوامع عصیانگر و متمرد از فرمان های خدا و پیامبران ، در معرض روبه رو شدن با پیامد های سنگین کردار خویش و دچار شدن به فرجامی خسارت بار

فذاقت وبال أمرها و کان عقبه أمرها خسرًا

قانونمندی جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۶ - ۸

۸- جامعه و تحولات آن ، دارای سنت و قانونمندی مشخصی است .

و إذا أردنا أن نهلک . .. ففسقوا فیها ... فدمّرنها

<قریه> در لغت به معنای مجتمع انسانی است (مفردات راغب). اینکه خداوند می فرماید: <وقتی ثروتمندان و مرفهین جامعه فاسق شدند، سخن ما درباره آنان قطعی می شود> (فحقّ علیها القول)؛ حکایت از آن دارد که تحولات جامعه، دارای قانون مشخصی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۶

۶- اعلام یکسان بودن رفتار امت ها در برخورد با آیات الهی و تعمیم عکس العمل پیشینیان به نسل های بعد ، برخواسته از اشراف و احاطه خداوند به همه انسانهاست .

و ما منعنا أن نرسل بالأیت إلاّ أن کذّب بها الأوّلون . .. إن ربّک أحاط بالناس

خداوند، رفتار معجزه طلبان پیشین با معجزه خواهان بعدی را یکسان تلقی کرده و برخورد خود را به همه آنها تعمیم داده است و این آیه، در مقام تعلیل آن می فرماید: <پروردگار به مردم احاطه دارد>.

کیفر جوامع عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۹

۱ -

۱ - بسیاری از جوامع انسانی ، به خاطر سرپیچی از فرمان های خدا و پیامبران ، به سزای سنگین و پیامد زیان بار کردار خویش دچار شدند .

و کأیّن من قریه عتت عن أمر ربّها. .. فذاقت وبال أمرها

<وبال> به معنای شدت و سنگینی است و مقصود از آن در آیه شریفه شدت مجازات و سنگینی پیامدهای کردارها است.

محرومیت جوامع دوران موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۳ - ۲

۲ - عدم دسترسی جوامع هم عصر موسی (ع) به تعالیم آسمانی ، بر اثر انقراض نسل های پیشین

و لقد ءاتینا موسی الکتب من بعد ما أهلکنا القرون الأُولی

قید <من بعد ما أهلکنا. ..> می رساند که با انقراض نسل های پیشین، تعلیمات پیامبران قبل نیز از میان رفته بود و مردم عصر موسی(ع) به کلی از آموزه های آنان فاصله گرفته بودند.

مرگ جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۷

۷ - هر جامعه و امتی ، دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۷

۷ - هر جامعه و امتی دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

منشأ انقراض جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۲۱

۲۱ پیدایش و انقراض تمدنها، تحت اراده و سیطره الهی

ألم یروا کم أهلکنا من قبلهم من قرن مکنهم فی الأرض . ..

فأنشأنا من بعدهم قرنا ءاخ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶۶ – ۶

۶- خداوند با نابود ساختن جوامع غوطهور در فساد و تباهی ، صحنه جوامع بشری و روند آن را دگرگون می سازد .

إنا أُرسلنا إلی قوم مجرمین . .. و قضینا ... أن دابر هؤلاء مقطوع

منشأ پیدایش جوامع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶ – ۱۸

۱۸ خداوند جایگزین کننده ملتهایی به جای ملتهای هلاک شده پیشین

فأهلکنهم بذنوبهم و أنشأنا من بعدهم قرنا ءاخرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۳۱ – ۳

۳ – حاکمیت اراده خدا ، در شکل گیری و نیز نابودی جوامع بشری

ثمّ أنشأنا من بعدهم قرنًا ءاخرین

منشأ سرنوشت جوامع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۶ – ۵

۵ – تحولات تاریخ بشر و سرنوشت اقوام و جوامع ، به دست خداوند است .

فعل ربّک

منشأ هلاکت جوامع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۷۴ – ۵

۵- تحولات تاریخ و نابود شدن جوامع و تمدن ها ، وابسته به اراده الهی است .

و کم أهلکنا قبلهم من قرن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۳۱ – ۳

۳ – حاکمیت اراده خدا ، در شکل گیری و نیز نابودی جوامع بشری

ثمّ أنشأنا من بعدهم قرنًا ءاخرین

مؤمنان در جوامع ظالم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲

- مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۶

۶ - حضور مؤمنان در بین کافران و ظالمان ، بلایی سخت و رهایی از آن لطفی بزرگ و الهی

فقل الحمد للّه الذی نجّنا من القوم الظلمین

هلاکت جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۱ - ۲،۴

۲ هلاک جوامع بشری، بدون فرستادن هدایت برای ایشان، کاری ظالمانه و به دور از ساحت قدس الهی است.

ذلک أن لم یکن ربک مهلک القری بظلم

<بظلم> می تواند حال برای <ربک> باشد. در این صورت معنای جمله چنین می شود: خداوند از روی ظلم جامعه ناآگاه را هلاک نمی کند. بنابراین هلاکت در صورت عدم ابلاغ کاری ظالمانه است.

۴ خداوند مردم جامعه ای را که از روی غفلت و ناآگاهی ستم کنند، به عذاب دنیوی نابود نمی کند.

ذلک أن لم یکن ربک مهلک القری بظلم و أهلها غفلون

برای جار و مجرور <بظلم> متعلقهای مختلفی می توان در نظر گرفت، از آن جمله اینکه متعلق به <مهلک> باشد. یعنی: <مهلک القری بسبب ظلم>. برداشت فوق بر این اساس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۳ - ۸،۹،۱۴

۸ اگر خداوند بخواهد مردم ستمگر و کافر را نابود می کند و نسلهای دیگری را جانشین آنان می سازد.

إن یشأ یذهبکم و یستخلف من بعدکم ما یشاء

۹ اگر خداوند بخواهد نسلی از آدمیان را قبل از موعد طبیعی خود نابود می سازد و نسلهای دیگری را جایگزین آن می کند.

إن یشأ یذهبکم و یستخلف من بعدکم ما یشاء

چون آمد و شد نسلها امری عادی

و طبیعی است، جمله <إن یشأ . ..> باید بیان امری خلاف عادت و سیر طبیعی باشد. از موارد محتمل آن است که نسلی قبل از درنگ عادی خود از صحنه تاریخ حذف و نابود گردد.

۱۴ پدید آوردن نسلها و جوامع موجود به جای اقوام پیشین، نشان قدرت الهی بر نابود ساختن جوامع ستم پیشه

إن یشأ یذهبکم . .. کما أنشأکم من ذریه قوم ءاخرین

هلاکت جوامع قبل از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۸ - ۱

۱- تمامی شهر ها و تمدن ها و جوامع بشری ، قبل از قیامت ، توسط خداوند یا به کلی نابود و یا به وسیله عذابی ، به ویرانی کشیده خواهد شد .

و إن من قریه إلّا نحن مهلکوها قبل یوم القیمه

<قریه> در لغت به معنای مجتمع و محل سکونت است و بر اعم از روستا و شهر اطلاق می شود (برگرفته از لسان العرب).

هلاکت جوامع ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۱ - ۸

۸ سنت خداوند، نابود ساختن جوامع ظالم قبل از فرستادن پیامبران و اتمام حجت نیست.

ألم یأتکم رسل منکم . .. ذلک أن لم یکن ربک مهلک القری بظلم و أهلها غفلون

هلاکت جوامع عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۷ - ۱۱

۱۱- نابودی جوامع عصیانگر ، توسط خداوند ، عالمانه و بر اساس بصیرت است .

و کم أهلکنا . .. و کفی بربّک ... خبیرًا بصیرًا

هلاکت جوامع فاسد

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۴ - ۸

۸- خداوند با نابود ساختن جوامع غوطهور در فساد و تباهی ، صحنه جوامع و روند آن را دگرگون می سازد .

و جاء أهل المدینه یستبشرون . .. قال هؤلاء بناتی إن کنتم فعلین ... فأخذتهم الصی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۶ - ۱۱

۱۱- عذاب جامعه فسادگر ، آن چنان شدید است که مایه نابودی و هدم کامل آن می شود .

ففسقوا فیها فحقّ علیها القول فدمّرنها تدمیراً

جوانان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جوانان

اهمیت جوانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۷ - ۹

۹ جوانان و میانسالان مردم مدین ، مخاطبان اصلی شعیب (ع) در ابلاغ معارف الهی به آنان

أن نترک ما یعبد ءاباؤُنا

فعل مضارع <یعبد> حاکی است که مقصود از <آباؤنا> تنها نسلهای پیشین مخاطبان نیست; بلکه پدران فعلی آنان که زنده هستند نیز مورد نظر می باشد. بنابراین مخاطبان طبعاً جوانان و میانسالان خواهند بود.

جوانان اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۷ - ۹

۹ جوانان و میانسالان مردم مدین ، مخاطبان اصلی شعیب (ع) در ابلاغ معارف الهی به آنان

أن نترك ما یعبد ءاباؤُنا

فعل مضارع <یعبد> حاکی است که مقصود از <آباؤنا> تنها نسلهای پیشین مخاطبان نیست; بلکه پدران فعلی آنان که زنده هستند نیز مورد نظر می باشد. بنابراین مخاطبان طبعاً جوانان و میانسالان خواهند بود.

جوانان قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱

- ۶۲ - ۱۰

۱۰ جوانان و میانسالان قوم ثمود ، مخاطبان اصلی حضرت صالح (ع) در دعوت به توحید ویکتاپرستی

أتنهنا أن نعبد ما یعبد ءاباؤُنا

فعل مضارع <یعبد> گویای این است که مخاطبان صالح ، کسانی اند که پدرانشان زنده بودند و به پرستش خدایان مشغول بودند.

جوانان مؤمن بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۳ - ۳

۳ مؤمنان و گرویدگان به موسی (ع) ، همگی از قشر جوان بنی اسرائیل بودند .

فما ءامن لموسی إلا ذریه من قومه

<ذریه> به معنای <ابناء و أولاد> به کار می رود، با توجه به جو وحشت و ارعاب که فرعون در میان بنی اسرائیل به وجود آورده بود و معمولا در چنین شرایطی پیران به حکم مصلحت اندیشی کنار می کشند، می توان گفت که مراد از <ذریه>، جوانان بنی اسرائیل است.

جوانمردی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جوانمردی

جوانمردی اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰ - ۲،۱۶،۱۸

۲- حرکت اصحاب کهف به سوی غار ، حرکتی جوانمردانه و در جهت کسب ارزش ها بود .

إذ أوی الفتیه إلی الکهف فقالوا ربّنا

<فتیه> جمع <فتی> به معنای جوانان است. کاربرد این کلمه درباره اصحاب کهف، ممکن است به جهت جوانی اصحاب کهف از نظر سنی باشد. و محتمل است که عنایت به اوصاف جوانمردانه آنان، اشاره باشد. برداشت بالا، ناظر به احتمال دوم

است.

۱۶- حرکت جوانمردانه اصحاب کهف در جهت حفظ ایمان ، نمونه ای از برترین عمل های ارزشی است .

أیّهم أحسن عملاً . .. إذ أوی الفتیه إلی الکهف

در

آیات پیشین، مشخص شد که <أحسن عملاً> به عنوان هدف آفرینشِ موهبت های زمین بیان گردید و ذکر داستان اصحاب کهف در پی بیان آن غایت و فلسفه، بیان مصداقی از <أحسن عملاً> است.

۱۸- < عن أبی عبدالله (ع) : . . . ان أصحاب الکهف کانوا شیوخاً فسمّاهم الله عزّوجلّ فتیه بإیمانهم ;

از امام صادق(ع) روایت شده که: اصحاب کهف، سالْ مند بودند و خدا، آنان را به خاطر ایمان شان، جوان (جوانمرد) نامید>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۳ - ۷

۷- اصحاب کهف ، جوانمردانی مؤمن به پروردگار خویش و بهره مند از هدایت افزون الهی بودند .

انّهم فتیه ءامنوا بربّهم و زدنهم هدًی

جوانمردی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱۱،۱۲

۱۱ یوسف (ع) علی رغم آزار دیدن از حکومت مصر ، دانش خویش را از آنان دریغ نداشت .

قال تزرعون . .. إلاّ قلیلاً مما تأکلون

۱۲ یوسف (ع) ، شخصیتی با گذشت ، جوانمرد و بزرگوار

أفتنا . .. قال تزرعون

یوسف(ع) علی رغم ستم دیدن از دستگاه حکومتی و زندانی شدن بدون هیچ جرم و خطایی، دانش انحصاری خویش را بدون هیچ پیش شرطی در اختیار آن دستگاه قرار داد. این عملکرد در شرایط مذکور بیانگر شخصیت والای یوسف(ع) و بهره مندی او از بزرگواری و جوانمردی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۳

۱۳ یوسف (ع) شخصیتی با عظمت ، بزرگوار و در اوج

کرامت و آزادگی

قال الملک ائتونی به . .. فسئله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۹

۹ گذشت ، بزرگواری و منزه بودن از کینه توزی و حسّ انتقام جویی به هنگام قدرت ، از خصلت های نیکوی حضرت یوسف (ع)

فلاتبتئس بما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۱۰

۱۰ یوسف (ع) ، انسانی با گذشت ، جوانمرد و به دور از انتقام جویی بود .

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جهلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۲،۳

۲ یوسف (ع) انسانی با گذشت و بدور از خصلت انتقام جویی

قال لاتثریب علیکم

۳ یوسف (ع) نه تنها برادرانش را عقوبت نکرد ، بلکه از سرزنش آنان نیز پرهیز نمود .

لاتثریب علیکم

<تثریب> به معنای ملامت کردن و سرزنش نمودن به گناه است (برگرفته شده از لسان العرب).

موارد جوانمردی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰ - ۴،۵

۴- گذشت از خانه و کاشانه ، به خاطر حفظ ایمان ، جوانمردی و ارزشی والا است .

إذ أوى الفتيه إلى الكهف فقالوا ربّنا

یـاد کردن از کسـانی که به جهت حفـظ ایمـان، خانه و کاشانه خویش را ترک کرده انـد، با عنوان <الفتیه> (جوانمردان) در جایی که استفاده از ضمیر نیز ممکن بود، بیان کننده این حقیقت است که گذشت از خانه و کاشانه، جوانمردی

و ارزش است.

۵- هجرت و گریز از محیط فاسد ، به منظور حفظ ایمان و ارزش ها ، کاری جوانمردانه و مورد تمجید خداوند است .

إذ أوی الفتیه إلی الکهف

جوانی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جوانی

آثار جوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۸ - ۴

۴ - آغاز جوانی ، شروع تکامل و رشد قوای جسمی و عقلی ، و آغاز پیری ، اول سستی و سیر نزولی آن قوا است .

و من نعمّره ننکّسه فی الخلق

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، دوران پیری را از نظر قوای جسمی و عقلی، مانند دوران طفولیت دانسته است. بنابراین لازمه این سخن، مطلبی است که در برداشت بالا آمده است.

ارزش ایمان در جوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰ - ۳

۳- ایمان و عمل در دوران جوانی ، بسیار ارزشمند و سزاوار تقدیر است .

إذ أوی الفتیه إلی الکهف

تصریح آیه شریف به جوان بودن اصحاب کهف بر این مبنا که <فتیه> به معنای جوانان به لحاظ سنی باشد گویای ارزش ایمان و عمل بر مبنای آن در سنین جوانی است; زیرا، قرآن مجید، در نقل قصص خود، به اوصاف شخصی و سنّی و جغرافیایی نمی پردازد مگر این که پیام و نکته ای را دربرداشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۳ - ۹

۹- ایمانِ جوانان ، دارای ارزش و اهمّیّتی خاصّ *

انّهم فتیه ءامنوا بربّهم

تأکید آیه بر <فتیه> بودن اصحاب کهف، ممکن است به لحاظ سِنّی آنان

باشد که در این صورت، برجسته کردن و تصریح بر این خصیصه، بیان کننده ارزش ایمان در سال های جوانی است.

ارزش عمل در جوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰ - ۳

۳- ایمان و عمل در دوران جوانی ، بسیار ارزشمند و سزاوار تقدیر است .

إذ أوی الفتیه إلی الکهف

تصریح آیه شریف به جوان بودن اصحاب کهف بر این مبنا که <فتیه> به معنای جوانان به لحاظ سنی باشد گویای ارزش ایمان و عمل بر مبنای آن در سنین جوانی است; زیرا، قرآن مجید، در نقل قصص خود، به اوصاف شخصی و سنّی و جغرافیایی نمی پردازد مگر این که پیام و نکته ای را دربرداشته باشد.

پایان دوران جوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۱۸

۱۸- پایان اوج مرحله جوانی (بلوغ الأشد) ، نقطه آغازین منحنی نزول است . و سرانجام مرحله پیری (أرذل العمر) ، نقطه پایانی این منحنی در زندگی انسان می باشد .

فإنّا خلقنکم من تراب. .. ثمّ لتبلغوا أشدّکم... لکیلا یعلم من بعد علم شیئًا

تداوم جوانی خدمتکاران بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۹ - ۲

۲ - جوانان خدمت گزار بهشتی ، در جوانیشان جاودان بوده و گرد پیری هرگز بر رخسار آنان نمی نشیند .

و یطوف علیهم ولدن مخلّدون

مقصود از جاودانگی در <مخلدون> (جاودانگان)، هم می تواند جاودانگی جوانی باشد و هم می تواند اشاره به ملازمت

دائمی جوانکان، با ابرار و خدمت

گزارای پیوسته به آنان باشد. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

تربیت در جوانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۶۸ – ۵

۵ – جوانی ، بهترین و مفیدترین دوران زندگی برای تربیت و رشد جسمی و عقلی انسان

و من نعمّره ننکّسه فی الخلق

جوانی ابراهیم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۶۰ – ۲

۲– ابراهیم (ع) در دوران جوانی ، بت ها را در هم شکست و مبارزه با بت پرستی را آغاز کرد .

قالوا سمعنا فتًی یذکرهم

جوانی انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۶ – ۲

۲ آفرینش انسان از خاک ، رشد مرحله به مرحله او در رحم ، صعود تدریجی از طفولیت (مرحله ضعف جسمی و عقلی) به اوج جوانی و نزول تدریجی از اوج بتوانایی (جوانی) به حضیض ناتوانی (کهولت و پیری) ، جلوه های ربوبیت خدا و یگانگی او

فإنّا خلقناکم من تراب . ..لکیلا یعلم من بعد علم شیئًا ... ذلک بأنّ اللّه هو الحق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۶۷ – ۷،۸

۷ – منحنی صعود انسان در حیات دنیوی ، از طفولیت آغاز می شود و در نقطه اوج جوانی پایان می پذیرد .

ثمّ يخرجكم طفلاً ثمّ لتبلغوا أشدّكم ثمّ لتكونوا شيوخًا

۸ - پایان اوج مرحله جوانی (بلوغ اشد) نقطه آغاز منحنی نزول و سرانجام مرحله پیری ، نقطه پایان این

منحنی در زندگی انسان است .

ثمّ لتبلغوا أشدّكم ثمّ لتكونوا شيوخًا . .. لتبلغوا أجلًا مسمّىً

جوانی حورالعین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۳۷ – ۲

۲ – در بهشت اصحاب الیمین ، حوران همه در سن و سال برابراند (همگی دوشیزگانی جوان اند) .

أترابًا

<تِرْب> (مفرد <أتراب>) به زنی اطلاق می شود که در مقایسه با دیگری از نظر سنی برابر باشد. گفتنی است که برداشت یاد شده بر این اساس است که حوران بهشتی با یکدیگر مقایسه شده اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۳۳ – ۱،۶

۱ – تقواپیشگان در بهشت ، بهره مند از حوریانی نورس و نار پستان

كواعب

<کاعب> (مفرد <کواعب>) به زنی گفته می شود که پستان هایش برجسته شده باشد. (لسان العرب)

۶ – < عن أبی جعفر (ع) فی قوله . . . < و كواعب أتراباً > أی الفتیات الناهدات ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند . .. <و کواعب أتراباً> روایت شده که فرمود: یعنی دختران نوجوانی که پستان های آنان برآمده است>.

جوانی خدمتکاران بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۱۷ – ۲

۲ – جوانان خدمت گذار بهشتی ، همواره جوان بوده و هرگز گرد پیری بر رخسار آنان نمی نشیند .

یطوف علیهم ولدن مخلّدون

جوانی موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۱۴ – ۱،۲،۳

۱ – سپری شدن دوران کودکی و نوجوانی موسی (ع) و رسیدن او

به مرحله جوانی ، بی هیچ حادثه درخور بیان

فرددنه إلی أُمّه . .. و لمّا بلغ أشدّه و استوی

تعبیر <بلغ أشدّه> کنایه از رسیدن شخص به دوره جوانی است; زیرا نوعاً بلوغ فکری انسان هم زمان با رسیدن وی به مرحله جوانی است. بنابراین پرداختن قرآن به حوادث روزگار جوانی موسی(ع) و بعد از آن و مسکوت گذاشتن دوران پیش از جوانی (کودکی و نوجوانی)، نشانگر آن است که کودکی و نوجوانی او در کمال آرامش سپری شده بود و در این مدت حادثه ای درخور بیان برای وی روی نداده بود.

۲ – اعطای حکمت و دانشی گسترده از سوی خدا به موسی (ع) هم زمان با رسیدن او به مرحله جوانی

و لمّا بلغ أشدّه و استوی ءاتینه حکمًا و علمًا

نکره آمدن <حکماً> و <علماً> بیانگر عظمت حکمت و دانشی است که از سوی خدا به موسی(ع) داده شده بود.

۳ – موسی (ع) برخوردار از اعتدال جسمی همراه با قوت فکری در عنفوان جوانی

و لمّا بلغ أشدّه و استوی

ظاهر این است که جمله <بلغ أشدّه> اشاره به توان فکری موسی(ع) و عبارت <و استوی> اشاره به توان جسمی او باشد. گفتنی است که <أشدّه> معادل <قوّته> و <استوی> به معنای <إعتدل> می باشد.

جوانی یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۲۲ – ۲،۴،۶

۲ یوسف (ع) در سن جوانی و رسیدن به رشد عقلی و جسمی ، به حکمتی والا و علمی گسترده دست یافت .

و لما بلغ أشدّه ءاتینه حکمًا و علمًا

نکره آوردن <حکماً> و <علماً> حکایت از عظمت حکمت

و علمی دارد که خداوند به یوسف(ع) عطا فرموده بود. اسناد <آتی> به ضمیر متکلم <نا> مؤید این حقیقت است. و از آن رو که خداونـد داسـتان مراوده زلیخا را پس از بیان بهره مندی یوسف(ع) از علم و حکمت مطرح می کند، معلوم می شود که او در عنفوان جوانی به حکمت و علم دست یـافته بود ; زیرا محتمـل نیست که زلیخا پس از گـذشت جوانی یوسف(ع) - مثلاً در سنین سی و یا چهل سالگی - خواهان وصال او بوده باشد.

۴ یوسف (ع) در سن جوانی ، به قضاوت و داوری میان مردم توانا بود .

و لما بلغ أشدّه ءاتینه حکمًا و علمًا

برخی از مفسـران ، <حکم> را به دانش معارف الهی ، احکام شـریعت ، حکمت و قضاوت میان مردم تفسیر کرده اند و مراد از <علم> را، دانش تعبیر رؤیاها ، تحلیل حوادث و درک مصالح و مفاسد دانسته اند.

۶ یوسف (ع) در سن جوانی و برخوردار شدن از رشد ، به مقام نبوّت نایل گردید .

و لما بلغ أشدّه ءاتینه حکمًا و علمًا

برداشت فوق ، بر اساس نظر برخی از مفسران است که <حکم> را به مقام نبوت و <علم> را به دانش شریعت ، تفسیر کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۱۵

۱۵ یوسف (ع) در عنفوان جوانی ، انسانی موحد ، مطیع و فرمانبردار خدا و در اوج تقوا و پرهیزگاری بود .

معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف -

۱۲ - ۲۴ - ۶

۶ یوسف (ع) ، در عنفوان جوانی از ارتکاب هر گناه کوچک و بزرگی ، مصون و معصوم بود .

کذلک لنصرف عنه السوء و الفحشاء إنه من عبادنا المخلصین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۰ - ۶

۶ شیفتگی زلیخا به یوسف (ع) و داستان مراوده او ، در عنفوان جوانی یوسف (ع) بود .

ترود فتیها عن نفسه قد شغفها حبًّا

دوران جوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۱۷

۱۷- منحنی صعود انسان در زندگی دنیوی ، از طفوبیت آغاز می شود و در اوج جوانی ، به پایان می رسد .

فإنّا خلقنکم من تراب. .. ثمّ نخرجکم طفلاً ثمّ لتبلغوا أشدّکم

زینت طلبی در جوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۷

۷ - انسان در دوران جوانی ، طالب زینت و آرایش دادن خویش است .

أنّما الحیوه الدنیا . .. و زینه

قدرت در جوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶ - ۲

۲ آفرینش انسان از خاک ، رشد مرحله به مرحله او در رحم ، صعود تدریجی از طفولیت (مرحله ضعف جسمی و عقلی) به اوج جوانی و نزول تدریجی از اوج بتوانایی (جوانی) به حضیض ناتوانی (کهولت و پیری) ، جلوه های ربوبیت خدا و یگانگی او

فإنّا خلقناکم من تراب . ..لکیلا یعلم من بعد علم شیئًا ...

ذلک بأنّ اللّه هو الحق

گرایشها در جوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۴

۴ - انسان ، در هر مرحله ای از مراحل زندگی دنیوی (کودکی ، نوجوانی ، جوانی ، میان سالی و پیری) ، دارای روحیه و گرایشی متفاوت با مرحله قبل و مرحله بعد است .

اعلموا أنّما الحیوه الدنیا لعب . .. و تکاثر فی الأمول و الأولد

برداشت یاد شده در صورتی به دست می آید که هر یک از خصلت های پنجگانه یاد شده در آیه شریفه، به ترتیب بیانگر یکی از مراحل زندگی انسان باشد.

نبوت در جوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۶

۶ یوسف (ع) در سن جوانی و برخوردار شدن از رشد ، به مقام نبوّت نایل گردید .

و لما بلغ أشدّه ءاتینه حکمًا و علمًا

برداشت فوق ، بر اساس نظر برخی از مفسران است که <حکم> را به مقام نبوت و <علم> را به دانش شریعت ، تفسیر کرده اند.

ویژگیهای جوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۸ - ۵

۵ - جوانی ، بهترین و مفیدترین دوران زندگی برای تربیت و رشد جسمی و عقلی انسان

و من نعمّره ننکّسه فی الخلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۷

۷ - انسان در دوران جوانی ، طالب زینت و آرایش دادن خویش است .

أنّما الحیوه الدنیا . .. و زینه

جهاد از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جهاد

{جهاد}

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۳ – ۱۶

۱۶ جهاد و مبارزه در راه خدا ، زمینه جلب امداد های الهی

فئه تقاتل فی سبیل اللّه . .. و اللّه یؤیّد بنصره من یشاء

از اینکه خداوند، مؤمنان مؤیّد و پیروز را توصیف کرد که جهادشان <فی سبیل اللّه> بود، معلوم می شود که <فی سبیل اللّه> بودن، زمینه جلب تأیید خداوند است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۲۱ – ۱،۵

۱ خروج پیامبر (ص) در صبحگاهان از میان خانواده خویش ، برای برپا نمودن پایگاه های جنگی برای مؤمنان ، در مصاف با دشمنان

و اذ غدوت من اهلک تبوّیء المؤمنین مقاعد للقتال

۵ آگاهی پیامبر (ص) به فنون نظامی و قدرت مدیریّت ایشان در عملیات مسلّحانه علیه دشمنان دین

و اذ غدوت من اهلک تبوّیء المؤمنین مقاعد للقتال

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۲۲ – ۴،۱۷

۴ تهدید خداوند نسبت به عناصر سست بنیاد در جبهه پیکار مسلمانان با دشمنان

و اللّه سمیع علیم. اذ همّت طائفتان منکم ان تفشلا

بنابر اینکه کلمه <اذ>، متعلّق به دو صفت <سمیع> و <علیم> باشد. یعنی خداوند، سخنان پنهانی آنان را که تصمیم به کوتاهی در نبرد داشتند، می شنید و از اندیشه آنان، آگاه بود. و تذکر شنوایی و دانایی خداوند در موارد تخلف و گناه، دلالت بر تهدید نسبت به متخلّفین دارد.

۱۷ رشد معنویات ، موجب استواری بیشتر در رویارویی با دشمن

اذ همّت . .. و

على اللّه فليتوكّل المؤمنون

جمله <و اللّه وليّهما> و نيز جمله <و على اللّه . .. >، علاوه بر بيان يک معرفت دينى، براى تقويت مسلمانان در رويارويى با دشمنان، نيز مى باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۹،۱۹،۲۳

۹ جدا شدن صف مؤمنان واقعى از غير آنان ، از فلسفه هاى پيكار ميان حقّ و باطل

ان يمسسكم قرح . .. و تلك الايّام نداولها بين النّاس و ليعلم اللّه الّذين امنوا

در برداشت فوق، كلمه <تلک>، به روزهاى مبارزه و جنگ تفسير شده است ; نه خصوص پيروزى و يا شكست.

۱۹ مؤمنان استوار در نبرد اُحُد و ديگر هنگامه هاى پيكار با كافران ، برگزيدگان خداوند براى گواهى بر اعمال مردم

و تلک الايّام . .. و ليعلم اللّه الّذين امنوا و يتّخذ منكم شهداء

ترک لام در <و يتّخذ>، اشاره به اين معنا دارد كه برگزيدن، در پى مشخّص شدن مؤمنان واقعى است. يعنى مؤمنان واقعى براى گواه بودن برگزيده مى شوند. گفتنى است كه در برداشت فوق، متعلق حذف شده <شهدآء>، اعمال مردم، گرفته شده است.

۲۳ بهره گيرى از عواطف انسانى ، از روش هاى قرآن براى تربيت مردم

و اللّه لايحبّ الظّالمين

خداوند با تذكر اينكه محبّت الهى (كه انگيزه اى عاطفى است)، شامل ستمگران نخواهد شد، بر آن است تا معتقدان به خود را از ظلم بازدارد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۲ - ۶

۶ جنگ ها و مبارزات ، وسيله امتحان مردم و عرصه جداكردن مؤمنان مجاهد و صابر از

غیر ایشان

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه و لمّا یعلم اللّه الّذین جاهدوا منکم و یعلم الصّابرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۳ - ۱۰

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۶

۶ حضور مستقیم پیامبران الهی ، در صحنه های پیکار علیه دشمنان

و کایّن من نبیّ قاتل معه ربیّون کثیر . .. فی سبیل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۱،۳،۷،۹،۱۰،۱۳،۱۴،۱۶،۱۷،۱۸،۲۱،۲۳،۲۶

۱ وعده الهی به نصرت و یاری پیکارگران مؤمن ، در رویارویی و نبرد با دشمنان دین

و لقد صدقکم اللّه وعده اذ تحسّونهم باذنه

جمله <و لقد صدقکم اللّه وعده>، حاکی از این است که خداوند از پیش سرکوبی دشمنان و پیروزی مؤمنان را وعده داده بود.

۳ تحقق وعده الهی به نصرت و پیروزی پیکارگران احد ، آنگاه که در آغاز نبرد ، مشرکان را تا آستانه انقراض کشتند .

و لقد صدقکم اللّه وعده اذ تحسّونهم باذنه

<اذ تحسّونهم> متعلق به <و لقد صدقکم اللّه> است ; یعنی بیان زمان تحقق وعده الهی است. و <تحسّونهم> از ماده <حَسّ> به معنای کشتن تا حد انقراض و نابودی است.

۷ سستی ، اختلاف در کار جنگ و سرپیچی از فرمان پیامبر (ص) ، از عوامل شکست مسلمانان در پیکار احد

حتّی اذا فشلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم

۹ تحقق وعده الهی به پیروزی جامعه ایمانی در گرو اتّحاد صفوف ، پایداری و پیروی آنان از رهبری

و لقد صدقكم اللّه وعده

. .. حتّی اذا فشلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم

۱۰ سستی ، تفرقه و سرپیچی برخی پیکارگران احد از فرمان پیامبر (ص) ، پس از پیروزی ابتدایی بر دشمنان

حتّی اذا فشلتم . .. من بعد ما اریکم ما تحبّون

گر چه ظاهر خطاب در <فشلتم و تنازعتم . .. و عصیتم> به تمامی مسلمانان در جنگ احد است، ولی به قرینه تقسیم آنان در دنباله آیه به دو گروه دنیاطلب و آخرت طلب، معلوم می شود مراد از مخاطبین <فشلتم ... >، گروهی از مسلمانان بوده اند و نه همه آنان.

۱۳ استواری در نبرد ، اتّحاد و یکدلی رزمجویان و پیروی از دستورات رهبران الهی ، عامل جلب اذن خداوند برای پیروزی بر دشمن

اذ تحسّونهم باذنه حتّی اذا فشلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم

کلمه <باذنه> بیانگر این است که پیروزیها در گرو اذن خداوند است و از اینکه مسلمانان در مرحله اوّل، یعنی قبل از اختلاف و سستی و سرپیچی، مأذون به پیروزی شدند و آنگاه که سستی کردند و اختلاف ورزیدند و سرپیچی نمودند، اذن به پیروزی برداشته شد، معلوم می شود اذن الهی به پیروزی، دائر مدار عملکرد رزمجویان خواهد بود.

۱۴ پیروزی جامعه ایمانی بر دشمنان خویش ، برخاسته از اراده الهی

من معد ما اریکم ما تحبّون

فاعل در <اری> خداوند است ; و منظور از <ما> در <ما تحبّون>، پیروزی است.

۱۶ دنیاطلبی برخی از پیکارگران احد ، موجب سستی ، اختلاف و سرپیچی از فرمان پیامبر (ص) و شکست در آن کارزار

حتّی اذا فشلتم و . .. منکم من یرید الدّنیا

به نظر می رسد

جمله <منکم من یرید الدّنیا>، دلیل <اذا فشلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم> باشد.

۱۷ دنیاطلبی و دلدادگی به مادّیات ، از عوامل سستی در مبارزه و رویارویی با دشمنان دین

حتّی اذا فشلتم و . .. منکم من یرید الدّنیا

۱۸ دنیاطلبی و دلدادگی به مادّیات ، از عوامل نزاع و اختلاف در صفوف مبارزان و شکست آنان

و تنازعتم فی الامر . .. منکم من یرید الدّنیا

۲۱ پایداری در نبرد ، وحدت و پیروی از تعالیم پیامبر (ص) ، نشانگر آخرت خواهی مؤمنان مجاهد

حتّی اذا فشلتم . .. منکم من یرید الاخره

بنابر اینکه دنیاطلبی (منکم من یرید الدّنیا)، دلیل <اذا فشلتم . .. > باشد، صفات مقابل اینها ویژگی آخرت جویان خواهد بود; یعنی آخرت خواهان در نبرد نه سستی خواهند کرد و نه ...

۲۳ شکست ها ، آزمون مناسبی برای روشن شدن صفوف پایمردان آخرت طلب ، از سست عنصران دنیاجو

منکم من یرید الدّنیا . .. ثمّ صرفکم عنهم لیبتلیکم

۲۶ سستی در نبرد با دشمن ، نزاع و پراکندگی و تخلف از دستورات فرماندهی ، گناه و موجب استحقاق عقاب

حتّی اذا فشلتم . .. و لقد عفا عنکم

ظاهر کلمه عفو این است که گناهی صورت گرفته باشد و گناه در این مورد همان سستی و نزاع و سرپیچی از دستورات فرماندهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۳ - ۵،۱۱،۱۳

۵ یادآوری پیکار احد و علل شکست مسلمانان در آن ، وظیفه مؤمنان

اذ تصعدون و لا تلون علی احد

بنابر اینکه <اذ تصعدون> متعلق به <اذکروا> باشد.

۱۱ بی

اعتنایی به دعوت پیامبر (ص) در پیکار احد ، موجب شکست مسلمانان در آن کارزار

ثمّ صرفکم . .. و الرّسول یدعوکم فی اخریکم

بنابر اینکه <اذ تصعدون> متعلق به <صرفکم> باشد، آیه مزبور در مقام بیان علتهای شکست احد است. بنابراین جمله <و لاـ تلون علی احد و الرّسول ... >، که حاکی از دعوت پیامبر (ص) و بی اعتنایی به اوست، نیز بیانگر علتی برای شکست خواهد بود.

۱۳ حضور و مقاومت رسول خدا (ص) در رویارویی با مشرکان قریش ، تا آخرین لحظات کارزار احد

و الرّسول یدعوکم فی اخریکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۵۴ – ۲۵

۲۵ شهادت برخی از پیکارگران احد و شکست در آن کارزار ، موجب تردید مسلمانان سست اندیشه

یقولون لو کان لنا من الامر شیء ما قتلنا ههنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۵۶ – ۳

۳ شکست در پیکار احد ، زمینه ساز هجوم تبلیغاتی کافران و یا منافقان ، علیه اسلام ، پیامبر (ص) و مسلمانان

یا ایّها الّذین امنوا لا تکونوا کالّذین کفروا و قالوا لاخوانهم . .. ما ماتوا و م

کشته شدن عدّه ای از مسلمانان در جنگ احد باعث شده بود که کافران و یا منافقان، که با حضور در صحنه احد مخالف بودند، ماجرای احد و کشته های فراوان آن را حربه تبلیغاتی علیه پیامبر (ص) قرار دهند. آنان می گفتند اگر نظر ما را می پذیرفتند و همراه پیامبر (ص) خارج نمی شدند، این حوادث ناگوار پیش

نمی آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۰ - ۷،۸،۹

۷ توکّل پیکارگران جنگ بدر بر خدا ، موجب یاری خدا و پیروزی آنان در آن نبرد *

ان ینصرکم اللّه فلا غالب لکم . .. و علی اللّه فلیتوکّل المؤمنون

خداوند پس از شروع بیان جنگ احد، اشاره ای نیز به مسائل جنگ بدر داشت (و لقد نصرکم اللّه ببدر، آیه ۱۲۳) بنابراین جمله <ان ینصرکم اللّه> می تواند اشاره به علّت آن پیروزی باشد.

۸ توکّل بر خداوند ، زمینه ساز یاری و نصرت الهی و غلبه بر دشمنان

ان ینصرکم اللّه . .. و علی اللّه فلیتوکّل المؤمنون

۹ سستی پیکارگران احد در اتکال به خداوند ، موجب محرومیّت آنان از نصرت الهی و شکست ایشان در آن نبرد .

و ان یخذلکم فمن ذا الّذی ینصرکم من بعده و علی اللّه فلیتوکّل المؤمنون

وقوع این آیه پس از بیان نبرد احد و شکست مؤمنان، اشاره به علّت شکست دارد، یعنی چون در آن نبرد توکّل نداشتید، از یاری خدا محروم شدید و در نتیجه شکست خوردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۲ - ۴

۴ شرکت در پیکار و شهادت در راه خدا ، از موجبات جلب رضایت الهی

و لئن قتلتم فی سبیل اللّه . .. افمن اتّبع رضوان اللّه

به مقتضای ارتباط این آیه با مضامین آیات پیشین، می توان نمونه ها و مصادیق مورد نظر را به دست آورد ; از جمله جهاد و شهادت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ -

آل عمران - ۳ - ۱۶۸ - ۱۳

۱۳ جهاد و شهادت در راه خدا ، حرکتی بی ارزش در دیدگاه منافقان

لو اطاعونا ما قتلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۱۴،۱۹

۱۴ خوب عمل کردن در جنگ (احسان) و تخلف نکردن از مقررات جنگی (تقوا) ، شرط پاداش بزرگ خداوند برای مجاهدان

الّذین استجابوا للّه . .. للّذین احسنوا منهم و اتّقوا اجر عظیم

در برداشت فوق، متعلق <احسان>، جنگ گرفته شده است ; یعنی در جنگ خوب عمل کنند. همچنین متعلق <اتّقوا>، مقررات جنگی (مانند پیروی از فرماندهی) گرفته شده است.

۱۹ شرکت در جهاد ، حتّی در رکاب پیامبر (ص) ، به تنهایی دلیل احسان و تقوای آدمی نیست .

الّذین استجابوا للّه . .. للّذین احسنوا منهم و اتّقوا اجر عظیم

چون خداوند اجابت کنندگان دعوت پیامبر (ص) برای شرکت در جهاد را به دو طایفه تقسیم کرده است: دارندگان احسان و تقوا و فاقدان آن. البته بر این مبنا که <من> برای تبعیض باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۳ - ۱۷

۱۷ نهراسیدن از کثرت دشمن و توکّل بر خدا در رویارویی با آنان ، از نشانه های مؤمنان پیرو خدا و رسول (ص)

الّذین استجابوا للّه و الرّسول . .. و قالوا حسبنا اللّه و نعم الوکیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۴ - ۱۰

۱۰ اجابت دعوت خداوند و پیامبر (ص)

برای شرکت در جنگ ، موجب جلب رضایت الهی

الّذین استجابوا للّه و الرّسول . .. و اتّبعوا رضوان اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۲

۲ شایعه پراکنانی که مردم را از جهاد می ترسانند ، شیطانند .

قال لهم النّاس انّ النّاس قد جمعوا لکم . .. انّما ذلکم الشّیطان یخوّف اولیاءه

بنابر اینکه <ذلکم>، اشاره به همان مردمی باشد که مؤمنان را از جنگ می ترساندند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۶ - ۴،۱۸

۴ انفاق ، عرصه آزمایش مالی مؤمنان و جهاد ، عرصه آزمایش جانی آنان

لتبلونّ فی اموالکم و انفسکم

با توجّه به آیات پیشین که درباره جهاد و انفاق بود، می تواند امتحان مالی، ناظر به انفاق و امتحان جانی، ناظر به جهاد باشد.

۱۸ صبر و مقاومت ، حتّی در برابر دشمن ، باید آمیخته با تقوا و رعایت حدود الهی باشد .

و لتسمعنّ . .. اذًی کثیراً و ان تصبروا و تتّقوا

از ذکر تقوا پس از صبر، معلوم می شود که در برابر اذیّتهای دشمن نباید دستورات الهی را نادیده گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۸ - ۶

۶ هجرت ، تحمّل آوارگی ، آزار در راه خدا ، جهاد و شهادت از نشانه های تقوا

فالّذین هاجروا و اخرجوا . .. لکن الّذین اتّقوا ربّهم

مراد از <الّذین اتّقوا>، یا خصوص کسانی هستند که در آیه ۱۹۵ توصیف شدند و یا آنان، از مصادیق مورد نظر برای

تقواپیشگان هستند.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۱۳،۱۴،۱۶،۱۸،۲۱،۲۳،۲۵

۱۳ بی صبری در برابر مشکلات ، سستی در مقابل دشمنان و حفاظت نکردن از مرز های کشور اسلامی ، بی تقوایی است .

اصبروا و صابروا و رابطوا و اتّقوا اللّه

۱۴ شکیبایی مؤمنان در برابر مشکلات ، پایداری آنان در مقابل دشمن و حفاظت از مرز های اسلامی ، نشانه تقواپیشگی است .

یا ایّها الّذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتّقوا اللّه

۱۶ ایمان ، زمینه شکیبایی در برابر مشکلات و پایداری در مقابل دشمن و حفظ مرز ها و رعایت تقواست .

یا ایّها الّذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتّقوا اللّه

مخاطب قرار دادن مسلمانان به وصف ایمان و آنگاه امر به شکیبایی و . .. بیانگر آن است که ایمان زمینه تحقق مسائل مطرح شده است.

۱۸ صبر در برابر مشکلات ، مقاومت در برابر دشمن ، حفاظت از مرز های جامعه اسلامی و تقواپیشگی ، زمینه پیروزی و سعادت

یا ایّها الّذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا لعلّکم تفلحون

<فلاح>، به معنای نیل به نجات و پیروزی است (لسان العرب).

۲۱ مقاومت در برابر دشمن بر اساس تقیّه و آمادگی برای پیروی از دستورات پیشوایان ، وظیفه مؤمنان

یا ایّها الّذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: . .. و صابروهم علی التّقیّه و رابطوا علی من تقتدون به ... .

معانی الاخبار، ص ۳۶۹، ح ۱ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۳۴، ح ۳.

۲۳ مقاومت در برابر دشمنان و زیر نظر داشتن توطئه آنان

، وظیفه مؤمنان

یا ایّها الّذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا

امام صادق (ع) درباره قول خداوند <اصبروا و صابروا . .. >، فرمود: معناه ... و صابروا علی عدوّکم و رابطوا عدوّکم.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۹۶ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۲۸، ح ۵۰۸.

۲۵ صبر بر انجام نماز های پنجگانه و صبر در جنگ مسلّحانه با دشمنان و پاسداری در راه خداوند ، وظیفه مؤمنان

یا ایّها الّذین امنوا اصبروا و صابروا

پیامبر اسلام (ص) درباره < . .. اصبروا و صابروا و رابطوا ... > فرمود: اصبروا علی الصلوات الخمس، و صابروا علی قتال عدوّکم بالسّیف، و ربطوا فی سبیل اللّه لعلّکم تفلحون.

الدّر المنثور، ج ۲، ص ۴۱۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۴ - ۱،۲

۱ نبرد در راه خدا ، از وظایف پیامبر (ص)

فقاتل فی سبیل اللّه

۲ پیامبر (ص) ، موظّف به نبرد در راه خدا ، حتّی با نبود نیروی کافی

فقاتل فی سبیل اللّه لا تکلّف الّا نفسک

ظاهراً جمله <فقاتل . .. >، فرع است بر مطالب گذشته که سخن درباره تمرد مسلمانان و کوتاهی آنان در مسأله جنگ بود. یعنی اگر چه آنان حاضر به نبرد نشوند، خود به تنهایی به سوی جنگ روانه شو.

آثار تخلف از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۴ – ۹

۹ تخلّف از جهاد ، موجب تباهی آخرت

و انّ منکم لمن لیبطّئنّ . .. فلیقاتل فی سبیل اللّه الّذین یشرون الحیوه الدّنیا ب

مفهوم جمله <فلیقاتل فی سبیل اللّه . ..

> این است که اگر مسلمانان با وجود شرایط جهاد آن را ترک گویند و تنها به زندگی دنیا بسنده نمایند، آخرت را به دست نیاورده اند و در نتیجه آخرت خویش را تباه کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۹ - ۳،۴،۵

۳ تخلف از جنگ با دشمنان اسلام و جامعه اسلامی ، موجب نابودی جامعه اسلامی و سقوط آن *

إلا تنفروا یعذبکم . .. و یستبدل قوماً غیرکم

<نفر> به معنای خروج برای امر مهیج و تحریک آمیز است که بیشتر درمورد خروج برای جنگ به کار می رود و فعل مجزوم <یعذب> و <یستبدل> جواب شرط برای <لاتنفروا> است. بنابراین پیام آیه چنین می شود: اگر مسلمانان به جنگ نروند عذاب می شوند و نابود خواهند شد و مردم دیگری به جای آنان خواهند نشست.

۴ فرمان جهاد و شرکت همگان در آن ، در جهت منافع مؤمنان و زیان تخلف از جهاد ، تنها متوجه خود آنان است ; نه خداوند .

إلا تنفروا یعذبکم عذاباً ألیماً . .. و لا تضروه شیئاً

۵ ترک جهاد و سستی در امر پیکار با دشمن ، زمینه ساز نابودی جامعه و جایگزین شدن جامعه دیگری به جای آن

إلا تنفروا یعذبکم عذاباً ألیماً و یستبدل قوماً غیرکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۱۱

۱۱ متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) ، به تخلف خویش و سوگند های دروغینشان ، در جهت هلاکت خود گام برداشتند .

سیحلفون باللّه . .. یهلکون أنفسهم

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۰ - ۶

۶ تخلف بی دلیل و غیر موجه مسلمان از جنگ ، نشان دروغین بودن ایمان وی به خدا و رسول خداست .

و قعد الذین کذبوا اللّه و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۳ - ۸،۹

۸ گناه تخلف از وظیفه جهاد ، زمینه مهر شدن قلب انسان

رضوا بأن یکونوا مع الخوالف و طبع اللّه علی قلوبهم

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که طبع قلب (مهر شدن) معلول عملکرد خائنانه منافقان باشد نه علت آن.

۹ مهر شدن قلب انسان در نتیجه گناه و تخلف از جهاد ، مایه ناتوان شدن وی از شناخت صحیح حقایق

و طبع اللّه علی قلوبهم فهم لا یعلمون

آثار ترس از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۰ - ۷

۷- ترس و هراس از جهاد در راه خدا ، نشان بیماردلی انسان

و ذکر فیها القتال رأیت الذین فی قلوبهم مرض ینظرون إلیک نظرالمغشیّ علیه من الموت

آثار ترک جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۵ - ۶

۶ - ترک جهاد و دفاع ، موجب هلاکت و سقوط جامعه اسلامی است .

قتلوا فی سبیل اللّه . .. و لاتلقوا بأیدیکم إلی التهلکه

در برداشت فوق جمله <لاتلقوا . ..> در ارتباط با جمله <قاتلوا فی سبیل اللّه> معنا شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۶ - ۶

۶ ترک جهاد

از سوی نیرو هـای کارآمـد بنی اسـرائیل ، موجب گرفتـاری همه مردم آن قوم به سـر گردانی و محرومیت از تسـلط بر سـرزمین مقدس

قال فانها محرمه علیهم اربعین سنه

برداشت فوق مبتنی بر امری مسلم و طبیعی در داستان تیه می باشد و آن اینکه همه قوم موسی ; حتی زنان و کودکان و پیران، به سـر گردانی گرفتار آمـده و از ورود به سـرزمین مقدس محروم شدند، با اینکه این گروه مأمور به مبارزه و جهاد نبودند تا بر اثر تخلف، عقوبت شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۱ - ۷

۷- بر زبان راندن شعار طاعت و سخنان زیبا و تن ندادن به جهاد ، بی صداقتی با خداوند است .

طاعه و قول معروف . .. فلو صدقوا اللّه لکان خیرًا لهم

از تعبیر <فلو صـدقوا اللّه> اسـتفاده می شود که لازمه صـداقت با خداونـد، آن است که انسان در همه زمینه ها، حتی تکلیف دشوار جهاد، تابع خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۲ - ۱

۱- ترک جهاد ، زمینه محو ارزش ها و به فساد کشیده شدن جامعه

فهل عسیتم إن تولّیتم أن تفسدوا فی الأرض

برداشت یـاد شـده بـا توجه به دو نکته به دست می آیـد: ۱ <تولّیتم> به معنـای روی گردانـدن از جهـاد باشـد که در آیه قبل مطرح شده است. ۲ تعبیر <عسیتم ...أن تفسدوا فی الأرض> در معنا، جواب <إن تولّیتم> به شمار آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۳ - ۹

۹- تخلف از فرمان

جهاد ، زمینه ساز نابودی اعمال نیک گذشته انسان *

أطیعوا اللّه و أطیعوا الرسول و لا تبطلوا أعملکم

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین که درباره جهاد بود احتمال می رود که نهی <لاتبطلوا> بدین معنا باشد که با تخلف از جهاد، زمینه حبط اعمال خود را فراهم نیاورید.

آثار جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۱۸

۱۸ دفع فساد از روی زمین ، از آثار پیکار حقّ علیه باطل

ابعث لنا ملکاً نقاتل . .. و لو لا دفع اللّه النّاس بعضهم ببعض لفسدت الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۳،۱۴

۳ مجاهدت در راه خدا به همراهی پیامبران الهی و دعا به درگاه او ، موجب بهره مندی از پاداش های دنیوی و اخروی

و کایّن من نبیّ . .. فاتیهم اللّه ثواب الدّنیا و حسن ثواب الاخره

۱۴ جهاد ، صبر ، دعا ، استغفار و بینش خدامحوری ، از عوامل جلب محبّت الهی

قاتل معه . .. و اللّه یحبّ الصّابرین ... ربّنا اغفر لنا ... و انصرنا ... و اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۴ - ۱۴

۱۴ ایمان به خدا و پیامبر (ص) و اطاعت از آنان ، صبر و جهاد ، تقوا و احسان و توکّل ، موجب رضایت کامل الهی و برخورداری از فضل بزرگ وی

المؤمنین. الّذین استجابوا ... و اتّبعوا رضوان اللّه و اللّه ذو فضل عظیم

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۶ – ۲

۲ نبرد در راه خدا ، از نشانه های ایمان

الّذین امنوا یقاتلون فی سبیل اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۸۴ – ۹،۱۴

۹ جهاد ، مایه مصونیّت جوامع ایمانی از گزند کافران و مشرکان

حرّض المؤمنین عسی اللّه ان یکفّ بأس الّذین کفروا

۱۴ حرکت برای جهاد در راه خدا ، زمینه جلب امداد الهی

و حرّض المؤمنین عسی اللّه ان یکفّ بأس الّذین کفروا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۹۶ – ۴

۴ جهاد در راه خداوند ، موجب دستیابی به منزلتهایی والا و آمرزش گناهان و جلب رحمت خاص او

فضّل اللّه المجاهدین علی القاعدین . .. درجات منه و مغفره و رحمه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۵ – ۱۱

۱۱ جهاد ، کارآمدترین وسیله برای تقرب به خداوند

و ابتغوا إلیه الوسیله و جهدوا فی سبیله

امر به جهاد پس از <ابتغوا الیه الوسیله> می تواند بیانگر این معنا باشد که بهترین مصداق وسیله تقرب به خدا، مبارزه با دشمنان دین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۶ - ۵

۵ ایمان و تقوا و تقرب به خداوند و جهاد در راه او ، راه نجات از عذاب قیامت

یأیها الذین ءامنوا اتقوا اللّه . .. لهم عذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ -

۲۷ تواضع در برابر اهل ایمان ، سرافرازی در قبال کافران ، جهاد در راه خدا و بی اعتنایی به ملامت دشمنان ، مایه جلب محبت الهی

یحبهم و یحبونه اذله علی المؤمنین . .. و لایخافون لومه لائم

به نظر می رسد صفات یاد شده پس از <یحبهم و یحبونه> در ارتباط با <یحبهم> بیانگر علت است ; یعنی چون دارای این صفات هستند، خداوند آنها را دوست دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۴ - ۷

۷ جهاد و مبارزه با کافران حق ناپذیر ، مایه حیات واقعی جامعه ایمانی

یأیها الذین ءامنوا استجیبوا للّه و للرسول

از مصادیق مورد نظر برای <ما یحییکم>، به دلیل وقوع آیه مورد بحث در سیاق آیات جنگ و مبارزه، فراخوانی اهل ایمان به نبرد با دشمنان دین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۹ - ۵

۵ گسترش و جهانگیر شدن دین الهی ، از اهداف جهاد و مبارزه در اسلام

و قتلوهم حتی . .. و یکون الدین کله للّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۵ - ۴

۴ سعادت و رستگاری مؤمنان در گرو جهاد و کثرت یاد خداست .

إذا لقیتم فئه فاثبتوا و اذکروا اللّه کثیرا لعلکم تفلحون

در برداشت فوق <فلاح> به معنای سعادت و رستگاری گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۲۰

۲۰ بازداشتن دشمنان از هجوم به جامعه ایمانی و ستمکاری آنان ، از منافع

جهاد و تأمين هزينه ادوات آن است . *

و ما تنفقوا . .. و أنتم لاتظلمون

برخى برآننـد كه <يوف إليكم> و <أنتم لا ـتظلمون> بيانگر ثمرات توان نظامى جامعه در دنياست. يعنى اگر هزينه جهاد را تأمين كنيد و بنيه نظامى جامعه اسـلامى را به حدى برسانيد كه دشـمنان وحشت كنند، در نتيجه به شما هجوم نخواهند آورد تا ضررهايى را بر شما تحميل نمايند. و اگر چنين كرديد بر شما مسلط نخواهند شد تا بتوانند ستمى بر شما روا بدارند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۷۴ - ۸

۸ ايمان ، هجرت ، جهاد ، يارى كردن مؤمنان و دين خدا ، زمينه بهره مند شدن از مغفرت و روزى باكرامت خداوند .

و الذين ءامنوا و هاجروا . .. لهم مغفره و رزق كريم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۷۵ - ۱،۲

۱ خداونـد از انصـار و مهاجران نخستين خواست تا كسانى را كه در آينـده ايمان مى آورنـد و هجرت مى كننـد و به جهاد مى پردازند ، از خود بدانند و حقوق ولايت را درباره آنان رعايت كنند .

و الذين ءامنوا من بعد و هاجروا و جهدوا معكم فأولئك منكم

مخاطبـان آيه، انصـار و مهاجران نخستين هسـتند. مضاف إليه كلمه <بعـد>، كلمه <ايمانكم> و يا <الهجره الاولى> است. جمله <فأولئـك منكم> اشـاره به اين دارد كه تمـام قوانين و حقـايقى كه دربـاره انصـار و مهاجران نخستين بيان شـده درباره آنان نيز عيناً وجود دارد.

۲ كسانى كه در آينده ايمان آورند ، هجرت كنند و در

صف مجاهدان به جهاد بپردازند ، همانند مؤمنان و مهاجران نخستین ، مؤمنانی حقیقی و راستین هستند .

أولئک هم المؤمنون حقا . .. و الذین ءامنوا من بعد ... فأولئک منکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۴ – ۶

۶ دستیابی مؤمنان به ارزش ها و آرمان های مکتبی ، در پرتو تلاش و جهاد خود آنان میسّر است .

قتلوهم یعذبهم اللّه بأیدیکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۰ – ۸

۸ ایمان ، هجرت و جهاد در راه خدا با مال و جان ، عوامل اصلی دستیابی انسان به سعادت و تضمین کننده آن

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا . .. أولئک هم الفائزون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۱ – ۱،۴

۱ ره آورد هجرت و جهاد در راه خدا ، دریافت بشارت های الهی ست .

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا فی سبیل اللّه . .. یبشرهم ربهم

۴ بهره مندی از رضوان الهی (رضایت مندی خدا) ره آورد ایمان ، هجرت و جهاد

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا . .. یبشرهم ربهم برحمه ... و رضون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۳۸ – ۷

۷ جهاد در راه خدا ، عامل سعادت و نیک بختی مؤمنان در حیات اخروی

یأیها الذین ءامنوا ما لکم إذا قیل لکم انفروا فی سبیل اللّه . .. أرضیتم بالحیوه ا

فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۹ - ۸

۸ قدرت نامحدود خداوند ، نشان بی نیازی او از جهاد مؤمنان و آسیب ناپذیری او ، از تخلف آنان

إلا تنفروا . .. و لا تضروه شیئاً و اللّه علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۴

۴ بروز باطن انسان و حقیقت ایمان وی ، در مراحل دشوار و تکالیف سخت الهی (همانند جنگ و جهاد)

لو کان عرضاً قریباً و سفراً قاصداً لاتبعوک و لکن بعدت علیهم الشقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۳ - ۸

۸ تکلیف جهاد ، صحنه تمایز مؤمنان راستین از مدعیان دروغین ایمان

و جهدوا . .. لم أذنت لهم حتی یتبین لک الذین صدقوا و تعلم الکذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۵ - ۲

۲ عرصه جنگ و جهاد ، عرصه ظهور ایمان راستین و نیز بی ایمانی انسان

لایستئذنک الذین یؤمنون . .. أن یجهدوا ... إنما یستئذنک الذین لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۱۰،۱۴

۱۰ ایمان و جهاد ، تضمین کننده همه خیر ها و ارزش ها برای انسان

ءامنوا معه جهدوا . .. و أولئک لهم الخیرت

۱۴ رستگاری و کامیابی واقعی در پرتو ایمان و جهاد است نه در سایه عافیت طلبی و ترک جهاد

رضوا بأن یکونوا مع الخوئف . .. لکن الرسول ... جهدوا ... و أولئک هم المفلحون

<فلاح> به معنای

دستیابی به کمال مطلوب است (مفردات راغب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۰ – ۸

۸ میدان جهاد ، صحنه تمایز مؤمنان راستین از منافقان بی ایمان

و قعد الذین کذبوا اللّه و رسوله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۰ – ۲۱

۲۱ همه حرکت های دینی ، حتی مبارزه و جهاد ، در راه سازندگی و احسان به جامعه بشری است .

لا یصیبهم ظمأ و لا نصب و لا مخمصه فی سبیل اللّه . .. إن اللّه لا یضیع أجر المحسن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۲ – ۱۹

۱۹ میدان های نبرد با کفر ، زمینه دستیابی مجاهدان به درک عمیق حقایق معنوی دین *

فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقهوا فی الدین

برداشت فوق بدان احتمال است که <نفر> در <لولا نفر> به معنای بسیج برای جنگ باشد و فاعل <لیتفقهوا> مجاهدان باشند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۱۰ – ۷،۱۱،۱۵،۱۶

۷– هجرت ، از راه های مصون داشتن ایمان و جهاد ، مایه از بین رفتن موانع تفکر دینی در جامعه *

هاجروا من بعد ما فتنوا ثمّ جهدوا و صبروا

قرار گرفتن جهاد در کنار هجرت و مکمل شمرده شدن آن، می تواند اشاره به مطلب فوق داشته باشد.

۱۱- هجرت ، جهاد و صبر ، موجب جلب بخشش و رحمت گسترده الهی

ثمّ إن ربّك للذين هاجروا . .. إن ربّك من بعدها لغفور رحيم

۱۵- مرتدان ، در صورت

توبه ، هجرت و جهاد در راه خدا و صبر و مقاومت در برابر کافران ، مورد غفران و رحمت الهی قرار می گیرند .

من کفر بالله من بعد إیمنه . .. ثمّ ... إن ربّک من بعدها لغفور رحیم

۱۶- پذیرش عذر بر زبان راندن کلمات کفرآمیز در شرایط سخت و ناچاری ، مشروط به نشان دادن صداقت خویش با هجرت ، جهاد و مقاومت در راه خداست .

من کفر بالله . .. إلّا من أُکره و قلبه مطمئنّ بالإیمن ... إن ربّک للذین هاجروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۱۲،۱۳،۲۴

۱۲ - اگر خداوند حکم جهاد را تشریع نمی کرد ، تمامی معابد و مراکز دینی توسط کافران و دین ستیزان تخریب و منهدم می شد .

و لولا دفع اللّه . .. لهدّمت صومع ... و مسجد

۱۳ - سنت الهی در حفظ شریعت و دیانت ، از طریق دفاع و مجاهدت های مردمان

و لولا دفع اللّه الناس بعضهم ببعض . .. و مسجد

۲۴ - جهاد و دفاع ، یاری از دین خدا و وسیله جلب کمک و حمایت او است .

و لولا دفع اللّه . .. و لینصرنّ اللّه من ینصره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۱ - ۱

۱ - جنگ و پیکار با جبهه کفر و با هدف حاکم ساختن ارزش های دینی و الهی ، درپی دارنده حمایت و نصرت خداوند

و لینصرنّ اللّه من ینصره . .. الذین ... أقاموا الصلوه ... و نهوا عن المنکر

<الذین>در محل نصب بوده و بدل یا عطف

بیان برای <من> در <من ینصره> که تقدیر آن چنین می شود: <و لینصرن اللّه. ..الذین إن مکّنّاهم>. <تمکین> (مصدر <مکّنّا>) به معنای مسلط کردن و استیلا دادن است; یعنی، خدا بی تردید یاران خود را یاری خواهد کرد; آنان که اگر بر زمین مسلط شوند، نماز را به پا خواهند داشت و...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۷ - ۶

۶- وعده خداوند به پیروزی و ثبات قدم مؤمنان ، در صورت اقدام به جهاد و حمایت از دین

یأیّها الذین ءامنوا إن تنصروا اللّه . .. و یثبّت أقدامکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۱ - ۱۱

۱۱- بی نیازی خداوند از طاعت و جهاد بندگان ، و بهره مندی خود انسان ها از نتایج آن *

فإذا عزم الأمر فلو صدقوا اللّه لکان خیرًا لهم

تأکید بر <لکان خیراً لهم>، می تواند دربردارنده معنای بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۲ - ۲

۲- جهاد در راه خداوند ، تضمین کننده صلاح جامعه و حافظ روابط عاطفی اجتماعی

فهل عسیتم إن تولّیتم أن تفسدوا فی الأرض و تقطّعوا أرحامکم

<تولّیتم> به معنای روی گرداندن از جهاد است و مفهوم آیه بر مطلب بالا دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۱ - ۵۸

۵- جهاد و صبر در مسیر فرمان های وحی ، ملاک امتیاز و از مهم ترین ارزش ها است .

و لنبلونّکم حتّی نعلم المجهدین منکم و الصبرین

اهمیت، از تخصیص به

ذکر یافتن جهاد و صبر استفاده می شود.

۸- جهاد ، بارزترین نمود صبر مؤمنان در راه خدا *

و لنبلونّکم حتّی نعلم المجهدین منکم و الصبرین

می توان گفت: ملاک اصلی در تمایز مؤمنان، صبر و شکیبایی آنان، در انجام وظایف الهی است و تقدم <المجاهدین> بر <الصابرین> از آن جهت است که مجاهدان، سرآمد صابران اند و جهاد بارزترین نمونه صبر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۵ - ۱۷،۱۸

۱۷ - وارد گشتن خسارت سنگین (مانند قتل ، جرح و . . .) به دشمن از ره آورد های جهاد

فیه بأس شدید

<بأس> عبارت از عذاب و آسیب های جدی است که در میدان نبرد، برطرف وارد می شود.

۱۸ - دستیابی جامعه به منافع و سود های سرشار (مانند غنیمت ، امنیت و . . .) یکی دیگر از ره آورد های جهاد در راه خداوند

و منفع للناس . .. من ینصره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۱۵

۱۵ - حرکت جهادگرانه در راه خدا و رضای او ، ناسازگار با دوستی نسبت به دشمنان او

لاتتّخذوا عدوّی و عدوّکم أولیاء . .. إن کنتم خرجتم جهدًا فی سبیلی و ابتغاء مرضا

هر چند آیه در مورد خاصی نازل شده; ولی پیام کلی آن برای امت اسلامی باقی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۷ - ۵

۵ - مودّت فراگیر اجتماعی ، در پرتو ایمان و حاکمیت توحیدی ، فرجام تلاش ، مجاهدت ها و مقاومت های

اهل ایمان در برابر مشرکان

عسی اللّه أن یجعل بینکم . .. مودّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۴ - ۲

۲ - جهاد و پیکار در راه خداوند ، مایه جلب محبت و مهر او

إنّ اللّه یحبّ الذین یقتلون فی سبیله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۱ - ۷،۱۶

۷ - ایمان استوار به خدا و رسول او و جهاد در راه خدا ، رهایی بخش انسان از عذاب دردناک الهی

تنجیکم من عذاب ألیم . تؤمنون باللّه و رسوله و تجهدون فی سبیل اللّه

۱۶ - مجاهدت مستمر مؤمنان با مال و جان خویش ، مجرای تحقق اراده خداوند بر پیروزی جهانی اسلام

و اللّه متمّ نوره . .. و دین الحقّ لیظهره علی الدین کلّه ... و تجهدون فی سبیل ا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که خداوند، پس از بیان اراده خویش مبنی بر غلبه اسلام بر سایر ادیان، مؤمنان را به جهاد با مال و جان خویش تشویق فرموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۲ - ۱

۱ - دستیابی به مغفرت الهی و بوستان های بهشت ، ره آورد پایداری بر ایمان به خدا و رسول و جهاد با مال و جان در راه خدا است .

تؤمنون باللّه . .. و تجهدون ... یغفر لکم ذنوبکم و یدخلکم جنّت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۳ - ۷

۷ – ایمان به خدا و جهاد با مال و

جان در راه او ، مایه جلب نصرت الهی و شکست سریع جبهه دشمن

تؤمنون باللّه . .. و تجهدون ... و أُخری تحبّونها

آثار جهاد مالی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۰ – ۸

۸ ایمان ، هجرت و جهاد در راه خدا با مال و جان ، عوامل اصلی دستیابی انسان به سعادت و تضمین کننده آن

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا . .. أولئک هم الفائزون

آثار جهاد مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۱ – ۱۱

۱۱ اراده خداوند به اعتلای دین و راه خود ، در پرتو ایثار و جهاد مؤمنان

إن اللّه اشتری من المؤمنین . .. یقتلون فی سبیل اللّه

از اینکه خداوند، اعلام کرده است که خریدار جان و مال مؤمنان می باشد و سپس مسأله جهاد فی سبیل اللّه را مطرح ساخته، استفاده می شود که خداوند، پیشبرد راه خود را در پرتو جهاد مؤمنان قرار داده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۷ – ۷

۷– سنّت الهی ، بر پیشبرد اهداف دین ، در اثر تلاش و جهاد مؤمنان

یأیّها الذین ءامنوا إن تنصروا اللّه ینصرکم

از مجموع شرط و جزا، استفاده می شود که خداوند، آن گاه امت اسلامی را نصرت بخشیده و قوت می دهد که آنان، خود در راه دفاع از مکتب به پاخیزند. مفهوم شرط نیز می رساند که بدون تلاش، نصرت نصیبشان نخواهد شد.

آثار سختی جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه

- ۹ - ۱۱۷ - ۱۰

۱۰ شرایط سخت جهاد ، میدان امتحان و تمایز مراتب معنوی مؤمنان

اتبعوه فی ساعه العسره من بعد ما کاد یزیغ قلوب فریق منهم

آثار سستی در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۹ - ۵

۵ ترک جهاد و سستی در امر پیکار با دشمن ، زمینه ساز نابودی جامعه و جایگزین شدن جامعه دیگری به جای آن

إلا تنفروا یعذبکم عذاباً ألیماً و یستبدل قوماً غیرکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۵ - ۳

۳- سستی در جهاد و نبرد با دشمن ، در پی دارنده سازشی خفّت بار *

فلاتهنوا و تدعوا إلی السلم و أنتم الأعلون

تقدم <لاتهنوا> بر <تدعوا إلی السلم> بیانگر این حقیقت است که سستی، پیش زمینه سازش است; سازشی که امت های برتر (و أنتم الأعلون) را به ذلّت می کشاند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۵ - ۲۰

۲۰ - ضعف و سستی برخی از مسلمانان صدراسلام در جنگ و جهاد ، موجب آزار دیدن پیامبر (ص) گردید .

یأیّها الذین ءامنوا لم تقولون . .. لم تؤذوننی و قد تعلمون أنّی رسول اللّه إلیکم

سخن در آیات پیشین، درباره کسانی است که شعار جهاد می دهند ولی از شرکت در صفوف مجاهدان سر باز می زنند و یا بر فرض شرکت، ضعف و سستی نشان می دهند. به نظر می رسد مطرح ساختن موضوع آزارهای یهود به موسی(ع)، برای بیان این نکته باشد که ضعف و سستی در

جهاد و تخلف از فرمان های پیامبر(ص) در جهاد، موجبات آزار رسول خدا(ص) را فراهم کرده و همان عواقبی را در پی خواهد داشت که برای قوم موسی در پی داشت.

آثار شکست در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۲۵

۲۵ شهادت برخی از پیکارگران احد و شکست در آن کارزار ، موجب تردید مسلمانان سست اندیشه

یقولون لو کان لنا من الامر شیء ما قتلنا ههنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۳

۳ شکست در پیکار احد ، زمینه ساز هجوم تبلیغاتی کافران و یا منافقان ، علیه اسلام ، پیامبر (ص) و مسلمانان

یا ایّها الّذین امنوا لا تکونوا کالّذین کفروا و قالوا لاخوانهم . .. ما ماتوا و م

کشته شدن عدّه ای از مسلمانان در جنگ احد باعث شده بود که کافران و یا منافقان، که با حضور در صحنه احد مخالف بودند، ماجرای احد و کشته های فراوان آن را حربه تبلیغاتی علیه پیامبر (ص) قرار دهند. آنان می گفتند اگر نظر ما را می پذیرفتند و همراه پیامبر (ص) خارج نمی شدند، این حوادث ناگوار پیش نمی آمد.

آثار نزول آیات جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۰ - ۶

۶- نگرانی و ناخشنودی منافقان ، از نزول آیات جهاد

و ذکر فیها القتال رأیت الذین فی قلوبهم مرض

آداب جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۵ - ۱۲

۱۲

- اهل ایمان ، باید اعمال و وظایف الهی خویش (جهاد ، دفاع ، انفاق و . . .) را به صورت نیکوی آن انجام دهند .

قتلوا فی سبیل اللّه . .. و أنفقوا فی سبیل اللّه ... و أحسنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۴ - ۱

۱ مجاهدان نباید در رویارویی و تعقیب دشمنان ، سستی نشان دهند .

و لاتهنوا فی ابتغاء القوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۳،۴،۱۵

۳ لزوم پدید آوردن زمینه آرامش روحی و تجدید قوا برای نیرو های رزمی ، قبل از ورود به صحنه کارزار

إذ یغشیکم النعاس أمنه منه

۴ لزوم حفظ آماده باش و عدم غفلت از دشمن در صحنه های نبرد ، حتی به هنگام استراحت

إذ یغشیکم النعاس أمنه منه

تصریح به اینکه خواب مجاهدان در آستانه نبرد، خوابی سبک و خفیف بود، برای اشاره به این است که مجاهدان اگر چه به استراحت پرداختند، ولی به گونه ای نبود که از تحرکات دشمن غافل شوند.

۱۵ تقویت روحیه مبارزان ، امری لازم

و لیربط علی قلوبکم و یثبت به الأقدام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۲ - ۷

۷ ضرورت ایجاد ترس در دشمنان دین و سلب روحیه نبرد از ایشان

سألقی فی قلوب الذین کفروا الرعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۵ - ۲

۲ لزوم زیاد یاد کردن خدا به هنگام رویارویی با دشمنان دین و

نبرد با آنان

إذا لقیتم فئه فاثبتوا و اذکروا اللّه کثیرا

<اذکروا اللّه> می توانـد عطف بر <اثبتوا> باشـد که در حقیقت جواب شـرط <إذا لقیتم> خواهد بود. بر این مبنا مقصود، زیاد یاد کردن خـدا به هنگام نبرد است. همچنین <اذکروا ... > می توانـد جمله مسـتانفه باشد. در این صورت زیاد یاد کردن خدا برنامه ای است برای تمامی مراحل زندگی که از مصادیق آن هنگام رویارویی با دشمنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۴،۱۱

۴ مجاهدان بدر پیش از غلبه کامل بر دشمن ، برای دستیابی به منافعی مادی ، به گرفتن اسیر اقدام کردند .

ما کان لنبی . .. تریدون عرض الدنیا

۱۱ سرکوب دشمنان دین در میدان نبرد ، آخرت جویی و موجب رسیدن به منافع معنوی و مواهب اخروی است .

ما کان لنبی أن یکون له أسری . .. و اللّه یرید الأخره

آرزوی متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۰ - ۲

۲ بهانه جویان متخلف از جنگ ، آرزومند عدم موفقیت سپاه اسلام و نگران از پیروزی آنان .

إن تصبک حسنه تسؤهم

آسیب شناسی جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۱۳

۱۳ - خانه و زندگی ، از جمله نگرانی انسان است و وابستگی به آنها ، باعث تزلزل در جهاد می شود .

یقولون إنّ بیوتنا عوره و ما هی بعوره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۶

۱۰ - وابستگی به دنیا ، از جمله عوامل فرار از جهاد است .

إن فررتم من الموت . .. و إذًا لاتمتّعون إلاّ قليلاً

کاربرد <لاتمتّعون> به جای این که بگوید: <چندان زنده نخواهید ماند. >، می تواند به این نکته اشاره داشته باشد که منافقان، در پی دستیازیدن به متاع دنیوی، از مرگ فرار می کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۹ - ۲

۲ - کم شرکت کردن منافقان در جبهه جهاد مسلمانان ، به خاطر بخل آنان به مسلمانان بود .

لایأتون البأس . .. أشحّه عليكم

<أشحّه> جمع <شحيح> است. <شح> ریشه أشحّه در لغت، به معنای <بخل حریصانه> است (مفردات راغب). لازم به ذکر است که <أشحّه> حال برای ضمیر فاعلی فعل <یأتون > در آیه پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۵ - ۳

۳- سستی در جهاد و نبرد با دشمن ، در پی دارنده سازشی خفّت بار *

فلاتهنوا و تدعوا إلى السلم و أنتم الأعلون

تقدم <لاتهنوا> بر <تدعوا إلى السلم> بیانگر این حقیقت است که سستی، پیش زمینه سازش است; سازشی که امت های برتر (و أنتم الأعلون) را به ذلّت می کشاند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۶ - ۴

۴- سرگرمی ها و خوشی های پوچ دنیا ، از مهم ترین عوامل سستی در جهاد و تمایل به سازش با کافران

فلاتهنوا . .. إنّما الحيوه الدنيا لعب و لهو

خداوند، پس از نهی مؤمنان نسبت به سستی در جهاد و

گرایش به سازش، به آنان لعب و لهو بودن دنیا را یادآوری کرده است. از مطلب استفاده می شود که سرگرمی های این دنیا، عاملی مهم در سستی و سازش با کفر است.

آگاهی در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۱ - ۴

۴ بروز نقطه های ضعف در جنگ و آگاهی از آن ، زمینه مناسبی برای خالص شدن مؤمنان از عیب ها و نقصها

ان یمسسکم قرح . .. نداولها بین النّاس ... و لیمحّص اللّه الّذین امنوا

چون <تمحیص> به معنای خالص سازی از عیب و نقص است و این خالص سازی نتیجه شکست مؤمنان فرض شده، می توان گفت که شکست مسلمانان باعث می شود که آنها عیبها و نقصهای خود را بشناسند و در رفع آن بکوشند.

آمادگی در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۶ - ۱۳

۱۳ نقش آمادگی نیرو های رزمی ، در صدور فرمان جنگ

اذ قالوا لنبی لهم ابعث

تا زمانی که بنی اسرائیل، خود، خواهان جنگ و آماده آن نشده بودند، فرمان جنگ صادر نشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۴

۴ لزوم حفظ آماده باش و عدم غفلت از دشمن در صحنه های نبرد ، حتی به هنگام استراحت

إذ یغشیکم النعاس أمنه منه

تصریح به اینکه خواب مجاهدان در آستانه نبرد، خوابی سبک و خفیف بود، برای اشاره به این است که مجاهدان اگر چه به استراحت پرداختند، ولی به گونه ای نبود که از تحرکات دشمن

غافل شوند.

آمرزش معذوران از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۱۸

۱۸ معاف شدگان از جهاد ، در عین معذور بودن ، نیازمند غفران و رحمت خدایند .

لیس علی الضعفاء . .. و اللّه غفور رحیم

ابتلا به جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۴

۴ - مبتلا شدن به پیکار با دشمنان و پیامد های آن (ترس ، گرسنگی ، زیان های مالی و جانی و کم محصولی) از مشکلات راه ایمان است .

لاتقولوا لمن یقتل . .. و لنبلونکم بشیء من الخوف

بیان کردن آزمون با ترس، گرسنگی و . .. پس از مطرح کردن جهاد و کشته شدن در راه خدا، گویای این است که: مقصود از <الخوف و ...> ترسها و گرسنگیهایی است که از مبتلاـ شدن به دشمنان دین به وجود می آید; یعنی، ایمان به رسالت مستلزم پیکار با دشمنان دین است و پیامد پیکار ترس، گرسنگی و ... می باشد.

اتحاد در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۱۳،۲۱

۱۳ استواری در نبرد ، اتّحاد و یکدلی رزمجویان و پیروی از دستورات رهبران الهی ، عامل جلب اذن خداوند برای پیروزی بر دشمن

اذ تحسّونهم باذنه حتّی اذا فشلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم

کلمه <باذنه> بیانگر این است که پیروزیها در گرو اذن خداوند است و از اینکه مسلمانان در مرحله اوّل، یعنی قبل از اختلاف و سستی و سرپیچی، مأذون به پیروزی

شدند و آنگاه که سستی کردند و اختلاف ورزیدند و سرپیچی نمودند، اذن به پیروزی برداشته شد، معلوم می شود اذن الهی به پیروزی، دائر مدار عملکرد رزمجویان خواهد بود.

۲۱ پایداری در نبرد ، وحدت و پیروی از تعالیم پیامبر (ص) ، نشانگر آخرت خواهی مؤمنان مجاهد

حتّی اذا فشلتم . .. منکم من یرید الاخره

بنابر اینکه دنیاطلبی (منکم من یرید الدّنیا)، دلیل <اذا فشلتم . .. > باشد، صفات مقابل اینها ویژگی آخرت جویان خواهد بود; یعنی آخرت خواهان در نبرد نه سستی خواهند کرد و نه ...

اجابت دعا در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۸

۸ دعا و درخواست پیکارگران شکیبا به درگاه خداوند در هنگامه کارزار ، مقرون به استجابت است .

ربّنا اغفرلنا . .. فاتیهم اللّه ثواب الدّنیا

اجازه ترک جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۸،۱۸

۸ - برخی از منافقان و بیماردلان مدینه ، از پیامبر (ص) برای ترک جهاد در غزوه احزاب ، به بهانه ناامن بودن خانه و کاشانه شان ، مصرّانه اجازه می خواستند .

و یستئذن فریق منهم النبیّ یقولون إنّ بیوتنا عوره

مراد از <عوره> در آیه، مستحکم نبودن خانه و قابل ورود بودن آن برای هر کس است که بخواهد وارد شود(مفردات راغب).

۱۸ - وحی ، نیات منافقان را در رخصت خواهی شان از پیامبر (ص) آشکار کرد .

و إذ قالت طائفه منهم یأهل یثرب لامقام لکم . .. و یستئذن ... إن یریدون إلاّ

فرار

احسان در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۱۳،۱۴

۱۳ تشویق خداوند به جهاد ، همراه با نیکوکاری و تقوا

الّذین استجابوا للّه . .. للّذین احسنوا منهم و اتّقوا اجر عظیم

۱۴ خوب عمل کردن در جنگ (احسان) و تخلف نکردن از مقررات جنگی (تقوا) ، شرط پاداش بزرگ خداوند برای مجاهدان

الّذین استجابوا للّه . .. للّذین احسنوا منهم و اتّقوا اجر عظیم

در برداشت فوق، متعلق <احسان>، جنگ گرفته شده است ; یعنی در جنگ خوب عمل کنند. همچنین متعلق <اتّقوا>، مقررات جنگی (مانند پیروی از فرماندهی) گرفته شده است.

احکام جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۰ - ۱،۳،۶

۱ - وجوب نبرد با کافران ، در صورتی که با مسلمانان سرجنگ داشته باشند .

و قتلوا فی سبیل اللّه الذین یقتلونکم

۳ - تجاوز از مقررات و احکام جهاد ، حرام است .

و قتلوا فی سبیل اللّه . .. و لاتعتدوا

۶ - مسلمانان نباید آغازگر جنگ علیه دشمنان خویش باشند . *

و قتلوا فی سبیل اللّه الذین یقتلونکم و لاتعتدوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۶،۹،۱۳

۶ - ضرورت نبرد با کافرانی که سرزمین های اسلامی را به تصرف خویش در آورده اند .

و اقتلوهم . .. و أخرجوهم من حیث أخرجوکم

۹ - فتنه انگیزی کافران ، مجوز نبرد با ایشان است ، هر چند که با مسلمانان سر جنگ نداشته باشند .

و قتلوا فی سبیل اللّه یقتلونکم . ..

الفتنه أشد من القتل

جمله <والفتنه أشد من القتل>، به اصطلاح اصولیین حاکم بر <الذین یقاتلونکم> است و موجب توسعه در موضوع حکم مطرح شده در آیه قبل می شود; یعنی، آیه قبل بیان داشت که با کافران حربی نبرد کنید و جمله <الفتنه . ..> بیان می کند که فتنه انگیزی به منزله جنگ است.

۱۳ - در صورتی که دشمنان دین در مسجدالحرام و نواحی آن علیه مسلمانان وارد جنگ شوند ، نبرد با آنان و کشتن شان واجب است .

و لاتقتلوهم عند المسجدالحرام حتی یقتلوکم فیه فإن قتلوکم فاقتلوهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۲ - ۱،۲

۱ - نباید با کفرپیشگانی که از جنگ و فتنه انگیزی دست کشیده اند ، نبرد کرد و آنان را به قتل رساند .

فإن انتهوا فإن اللّه غفور رحیم

متعلق <إنتهوا> به قرینه آیات قبل، جنگیدن و فتنه انگیزی است. جمله <فإن اللّه ...> جانشین جواب شرط می باشد و تقدیر کلام چنین است: فإن انتهوا عن القتال و الفتنه فلا تقاتلوهم و لاتقتلوهم إن اللّه غفور رحیم>.

۲ - مسلمانان ، باید آتش بس اعلام شده از سوی کافران را بپذیرند . *

فإن انتهوا فإن اللّه غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۱،۵،۶

۱ - نبرد با کافران ، تا برطرف شدن فتنه های آنان ، وظیفه ای ضروری بر عهده مسلمانان

و قتلوهم حتی لاتکون فتنه

۵ - لزوم ترک جنگ با کافران ، در صورت دست برداشتن آنان از فتنه انگیزی و ایجاد مزاحمت برای گسترش دین خدا

فإن انتهوا

فلا عدون إلا على الظلمين

متعلق <إنتهوا . ..> - به قرينه فرازهای پیش - فتنه انگیزی و بازداری از حاکمیت یافتن دین الهی است. جواب شرط (فإن انتهوا) محذوف است وجمله <فلاعدوان...> جانشین آن می باشد; یعنی، پس اگر از فتنه انگیزی دست کشیدند و مانع گسترش و حاکمیت دین خدا نشدند، آنان را نکشید; زیرا تعدی تنها بر ستمکاران رواست.

۶ - در صورتی که کفرپیشگان محارب یا فتنه انگیز از کفرورزی دست بکشند ، نباید با آنان نبرد کرد .

فإن انتهوا فلا عدون إلا على الظلمين

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که متعلق <انتهوا> کفرورزی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۶ - ۱،۱۴

۱ وجوب جهاد بر مسلمانان ، حکمی ثابت و همیشگی

کتب علیکم القتال

<کُتب> یعنی ثبت و استقرّ.

۱۴ احکام الهی (وجوب جهاد و . . .) ، بر اساس علم خداوند نسبت به مصالح و مفاسد انسانهاست .

کتب علیکم القتال و هو کره لکم و عسی . .. و اللّه یعلم و انتم لا تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۴ - ۳

۳ وجوب پیکار در راه خداوند

و قاتلوا فی سبیل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۱،۱۲

۱ وجوب جهاد در راه خدا

و ما لكم لا تقاتلون فی سبيل اللّه

۱۲ رهايی مستضعفان موحد ، مجوّز جهاد ابتدايی

و ما لكم لا تقاتلون فی سبيل اللّه و المستضعفين . .. الّذين يقولون ربّنا اخرجنا م

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۴ - ۲

۲ مؤمنان ، هنگام روانه شدن برای جهاد ، باید نسبت به اسلام و کفر افراد و نیرو های مقابل تحقیق نمایند .

یا ایّها الّذین امنوا اذا ضربتم فی سبیل اللّه فتبیّنوا

متعلّق <فتبیّنوا>، به قرینه <و لا تقولوا . .. >، کفر و ایمان افرادی است که مسلمانان به هنگام جهاد با آنان مواجه می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۵ - ۱۳

۱۳ جهاد ، از واجبات کفایی

لایستوی القاعدون . .. کلاّ وعد اللّه الحسنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۵ - ۱،۲،۴

۱ اهل ایمان وظیفه دار پایداری و استقامت به هنگام هجوم و لشکرکشی دشمنان دین (جهاد دفاعی)

یأیها الذین ءامنوا إذا لقیتم الذین کفروا زحفا فلاتولوهم الأدبار

کلمه <زحفا> (که به معنای لشکرکشی است) می تواند حال برای <الذین کفروا> باشد ; یعنی آنگاه که کافران به سوی شما لشکرکشی می کنند. و همچنین می تواند حال برای فاعل <لقیتم> باشد ; یعنی آنگاه که شما برای جهاد به سوی کافران حرکت می کنید. در برداشت فوق وجه اول ملاحظه شده است.

۲ اهل ایمان به هنگام حرکت به سوی دشمن و رویارویی با آنان (جهاد ابتدایی) نباید صحنه کارزار را ترک کنند .

إذا لقیتم الذین کفروا زحفا فلاتولوهم الأدبار

برداشت فوق بر این اساس است که کلمه <زحفا> حال برای فاعل <لقیتم> باشد.

۴ حرمت پشت کردن به دشمن و فرار از میدان جنگ

فلاتولوهم الأدبار

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۶ - ۱

۱ جواز روی برتافتن از جبهه نبرد به منظور در اختیار گرفتن موضعی جدید علیه دشمن یا پیوستن به گروهی از همرزمان خویش

و من یولهم یومئذ دبره إلا متحرفا لقتال او متحیزا إلی فئه

<تحرف> به معنای روی گرداندن از محلی به اطراف آن محل است. بنابراین <تحرف للقتال> یعنی روی گرداندن از دشمن به منظور انتخاب جبهه ای دیگر برای نبرد. و <تحیز> به معنای جای گرفتن است و چون به <إلی> متعدی شده معنای پیوستن نیز در آن اشراب شده است. گفتنی است مراد از <فئه> گروهی است که در آن میدان مشغول پیکار هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۷

۷ مسلمانان نباید آغازگر جنگ باشند .

و إن تعودوا نعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۰ - ۵

۵ حرمت روی برتافتن از حکم رسول خدا در نبرد با دشمنان دین

أطیعوا اللّه و رسوله و لا تولوا عنه و أنتم تسمعون

با توجه به اینکه آیات پیشین این بخش از سوره درباره جنگ و مبارزه با دشمنان دین است، مصداق مورد نظر از جمله <أطیعوا> و <لاتولوا عنه> روی برتافتن از فرمانهای آن حضرت در مبارزه و نبرد با دشمنان دین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۳

۳ یک گروه بیست نفری اهل ایمان باید بر یک گروه دویست نفری اهل کفر و لشکر صد نفری

مؤمنان باید بر لشکر هزار نفری اهل کفر پیروز شود .

إن یکن منکم عشرون صبرون یغلبوا مائتین و إن یکن منکم مائه یغلبوا ألفا

جمله های <یغلبوا مائتین> و <یغلبوا ألفا> خبری هستند. ولی مراد از آن به دلیل <الئن خفف اللّه عنکم> در آیه بعد معنایی دستوری است. زیرا تخفیف در محدوده تکالیف و دستورات مطرح است. بنابراین <یغلبوا ... > یعنی باید مقاومت کنید و پیروز شوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۲،۹

۲ حکم بر پایداری در مقابل دشمنان و حدود و شرایط آن ، در اختیار خداوند است .

الئن خفف اللّه عنکم و علم أن فیکم ضعفا

۹ لزوم پایداری صد مؤمن در برابر دویست کافر و هزار مؤمن در برابر دو هزار کافر تا تحقق پیروزی بر آنان

فإن یکن منکم مائه صابره یغلبوا مائتین و إن یکن منکم ألف یغلبوا الفین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۸ - ۷

۷ روی آوری رزمندگان اسلام به اسیر گرفتن از دشمن پیش از سرکوبی کامل آنان گناهی بزرگ است .

لمسکم فیما أخذتم عذاب عظیم

از اینکه گرفتن اسیر اقتضای عذاب بزرگ دارد، معلوم می شود این گناه، بزرگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۱ - ۳،۱۲

۳ مشکلات و دشواری های زندگی هر چند بسیار باشد نمی تواند بهانه ای برای تخلف از جهاد قرار گیرد .

انفروا خفافاً و ثقالا

۱۲ < عن جعفر بن محمد (ع) انه قال فی

قوله تعالی : <انفروا خفافاً و ثقالا > قال : شباباً و شیوخاً ; ۳۲

از امام صادق (ع) درباره سخن خدا: <انفروا . .> روایت شده است: [مقصود این است که به جهاد بروید]چه جوان و چه پیر>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۳ - ۹

۹ شرکت نکردن در جنگ ، نیازمند اذن رهبر است .

لم أذنت لهم حتی یتبین لک الذین صدقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۱۲،۱۶

۱۲ شرکت و عدم شرکت مسلمانان در جنگ ، منوط به اذن پیامبر (ص) بود .

فاستئذنوک

استیذان منافقان، نشان دهنده این است که: آنان به عنوان فردی از جامعه اسلامی، شرکت خود را در جنگهای آینده، منوط به اجازه پیامبر (ص) می دانسته اند.

۱۶ معاف بودن برخی از مردم (زنان ، کهنسالان ، معلولان و . . .) از شرکت در جنگ

فاقعدوامع الخلفین

مراد از <خالفین> می تواند کسانی باشند که به صورت مجاز و به دلیل عجز از شرکت در جنگ معاف شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۱،۳،۵،۲۱

۱ افراد ضعیف و مریض و فاقد هزینه و امکانات جنگی ، از شرکت در جنگ معافند و گناهی بر آنان نیست .

لیس علی الضعفاء . .. حرج

۳ عدم قدرت بر تأمین نیاز های ضروری خانواده ، در صورت رفتن به جهاد ، سبب معافیت از جنگ است .

و لا على الذين لا يجدون ما ينفقون حرج

منظور از

انفاق در <ینفقون> می تواند انفاق بر افراد تحت تکفل و واجب النفقه باشد.

۵ افراد تهیدست ، معاف از جهاد مالی

و لا علی الذین لا یجدون ما ینفقون حرج

در آیات قبل، سخن از جهاد با مال و جان بود و در این آیه، ممکن است استثنای ضعیفان و مریضان از جهاد جانی و استثنای تهیدستان، از جهاد مالی باشد.

۲۱ از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود : < . . . إن اللّه یحتج علی العباد بما آتاهم و عرّفهم . . . و ما امروا إلا بدون سعتهم . . . و کل شیئی لا یسعون له فهو موضوع عنهم . . . ثم تلا < لیس علی الضعفاء و لا علی المرضی و لا علی الذین لا یجدون ما ینفقون حرج > . . . ;

. .. به تحقیق خداوند بر بندگان احتجاج می کند به چیزی که به آنها عطا فرموده و شناختی که به آنها داده است ... و آنان مأمور نشده اند مگر به تکلیفی که پایین تر از سعه و توانشان باشد ... و هر تکلیفی که در وسع بندگان نباشد، از آنها برداشته شده ... سپس امام آیه شریفه را تلاوت فرمود: <بر ضعیفان و بیماران و آنان که چیزی نمی یابند که (در راه جهاد) هزینه کنند، باکی نیست> ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۲ - ۱،۱۲

۱ مؤمنان تهیدست و ناتوان از تدارک ساز و برگ نبرد ، معذور و معاف از جنگند .

و لا علی الذین إذا ما أتوک

لتحملهم

۱۲ حسن بصری گوید : رسول خدا (ص) فرمود : < لقد خلفتم بالمدينه اقواماً ما انفقتم من نفقه و لا قطعتم و اديأ و لا نِلتم من عدوّ نيلا إلا و قد شركوكم فی الأجر ثم قرء < و لا علی الذين إذا ما أتوك . . . الآيه > ;

به تحقيق گروههايی را در مدينه بر جای گذاشتيد كه شما چيزی را هزينه [جنگ]نكرده ايد و از هيچ واديی عبور ننموده ايد و هيچ آسيبی به دشمن نرسانده ايد، مگر اينكه آن گروهها در اجر با شما شريك شدند. سپس آيه شريفه را تلاوت فرمود: و نيز باكی نيست برای كسانی كه وقتی نزد تو آمدند تا آنان را سوار كنی [و به جهاد بفرستی] و تو گفتی مركبی ندارم تا شما را سوار كنم، بازگشتند در حالی كه از غصه اينكه چيزی را برای خرج [جنگ] نمی يابند، از چشمهای آنان سيلاب اشك جاری بود>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱۹

۱۹ جهاد با جان و مال در راه خدا ، تكليفی الهی بر همه انسان ها و در همه شرايع است نه مخصوص به مسلمانان و شريعت اسلام .

إن اللّه اشتری من المؤمنين أنفسهم و أمولهم . .. وعداً عليه حقاً فی التوريه و الإ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۱،۶،۲۲

۱ عدم جواز شركت تمام افراد جامعه در جهاد و خالی گذاشتن مراكز دينی و تبليغات اسلامی و بقيه پست ها و مسؤوليتها

و ما

کان المؤمنون لینفروا کافه

مراد از <نفر> به اقتضای سیاق آیات بسیج برای جهاد می باشد.

۶ جهاد ، از واجبات کفایی

و ما کان المؤمنون لینفروا کافه

۲۲ از علی (ع) روایت شده که فرمود : < الجهاد فرض علی جمیع المسلمین . . . فان قامت بالجهاد طائفه من المسلمین وسع سایر هم التخلف عنه . . . قال اللّه تعالی : < و ما کان المؤمنون لینفروا کافه > فان دهم أمر یحتاج فیه الی جماعتهم نفروا کلّهم . . . ;

جهاد بر جمیع مسلمانان واجب است . .. اگر عده ای از آنان به وظیفه جهاد قیام کنند، دیگران مجازند به جبهه نروند ... خدای تعالی فرمود: <نشاید که مؤمنان همه [برای جهاد] کوچ کنند> ; پس اگر پیش آمدی رخ دهد که در آنجا نیاز به مؤمنان باشد، همه باید برای جهاد کوچ کنند [و تخلف جایز نیست]... >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۶

۶- جهاد و توسل به قدرت در مسیر احقاق حق و پیاده کردن دین ، پس از بیان حقایق دینی و کارساز نبودن آن ، امری جایز و مشروع است .

فإن تولّوا فقل ءاذنتکم علی سواء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۹ - ۱

۱ - جواز جنگ و پیکار با دشمن مهاجم

أُذن للذین یقتلون بأنّهم ظلموا

<أُذِن> فعل مجهول و نایب فاعل آن محذوف است; یعنی، <أُذن فی القتال> و <الذین یقاتلون>; یعنی، آنان که مورد تهاجم قرار می گیرند. <باء> در <بأنهم ظلموا>

سببیه است; یعنی، بدان سبب که آنان مظلوم واقع شده اند. بنابراین معنای جمله یاد شده چنین می شود: به کسانی که مورد تهاجم قرار می گیرند، بدان سبب که مورد ستم واقع شده اند، رخصت جنگ داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۱۰

۱۰- عدم جواز کشتن دشمن ، پس از زمین گیر شدن و قدرت نداشتن او بر دفاع *

فضرب الرقاب حتّی إذا أثختنموهم

مفهوم <حتّی إذا أثختنموهم>، ممکن است این باشد که پس از زمین گیر شدن دشمن و ناتوانی وی بر دفاع از خویش، کشتن او (ضرب الرقاب) لازم نیست; بلکه موقع اسیر گرفتن او <شدّوا الوثاق> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۳

۳ - جهاد با کافران و منافقان و هرگونه برخورد شدید و سختگیرانه با آنان ، باید زیر نظر رهبر جامعه اسلامی انجام گیرد .

یأیّها النبیّ جهد الکفّار و المنفقین و اغلظ علیهم

مخاطب قرار گرفتن شخص پیامبر(ص)، در جهاد سختگیرانه با کافران و منافقان، می تواند اشاره به نکته یاد شده باشد. افراط و تفریطی که نوعاً در چنین موضوعی از سوی مردم سرمی زند، تأیید کننده همین مطلب است.

اختلاف در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۲۶

۲۶ سستی در نبرد با دشمن ، نزاع و پراکندگی و تخلف از دستورات فرماندهی ، گناه و موجب استحقاق عقاب

حتّی اذا فشلتم . .. و لقد عفا عنکم

ظاهر کلمه عفو این است که گناهی

صورت گرفته باشد و گناه در این مورد همان سستی و نزاع و سرپیچی از دستورات فرماندهی است.

اخلاص در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۱،۲

۱ - جهاد خالصانه و همه جانبه (جهاد با جان و مال) در راه خدا ، توصیه الهی به اهل ایمان

و جهدوا فی اللّه حقّ جهاده

تقیید <جاهدوا> به <حقّ جهاده>، ظهور در این معنا دارد که مؤمنان باید تمامی توان خود را در راه خدا به کار گیرند و هرچه دارند (جان و مال) در این راه نثار کنند.

۲ - ارزش جهاد ، به در راه خدا بودن آن است .

و جهدوا فی اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۴ - ۶

۶ - ارزش جهاد به این است که در راه خدا و جلب رضای او باشد و نه دستیابی به منافع مادی .

الذین یقتلون فی سبیله

قید <فی سبیله> می رساند که انگیزه کسی که در جهاد شرکت می کند، تنها باید برای اعتلا بخشیدن به دین خدا بوده و از انگیزه های مادی (مانند غنیمت و. ..) مبرّا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۱ - ۸

۸ - ارزش جهاد ، به این است که در راه خدا و برای جلب رضای او باشد .

تجهدون فی سبیل اللّه

قید <فی سبیل اللّه> بیانگر مطلب یاد شده است.

اذن ترک جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۴۳ – ۱،۲،۴،۹

عتاب محبت آمیز خدا به پیامبر (ص) در پی اجازه دادن آن حضرت به برخی از مسلمانان (منافقان) برای شرکت نکردن در جنگ تبوک ، به مجرد اظهار ناتوانی آنان

عفا اللّه عنک لم أذنت لهم

۲ اجازه گرفتن بهانه جویان (منافقان) از پیامبر (ص) ، برای شرکت نکردن در جنگ تبوک با اظهار دروغین عجز و ناتوانی خود

لم أذنت لهم حتی یتبین لک

مقصود از <اذن> در آیه فوق به قرینه آیه قبل (لو استطعنا . ..) و شأن نزولها اذن دادن به کسانی است که از شرکت در جهاد، خود را معذور می دانستند.

۴ گذشت و عفو خداوند از پیامبر (ص) نسبت به اذن دادن به بهانه جویان (منافقان) برای نرفتن به جنگ تبوک

عفا اللّه عنک لم أذنت لهم

۹ شرکت نکردن در جنگ ، نیازمند اذن رهبر است .

لم أذنت لهم حتی یتبین لک الذین صدقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۴ - ۱

۱ مؤمنان به خدا و آخرت ، برای جهاد با مال و جان ، بهانه نیاورده و از پیامبر (ص) خواهان اجازه ترک جهاد نبودند .

لایستئذنک الذین یؤمنون باللّه و الیوم الأخر أن یجهدوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۵ - ۱

۱ تنها مردمان بی ایمان (منافقان) ، از پیامبر (ص) اجازه ترک جهاد می طلبیدند .

إنما یستئذنک الذین لایؤمنون باللّه و الیوم الأخر

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۴۹ – ۱

۱ اذن طلبی برخی منافقان برای نرفتن به جنگ تبوک ، به بهانه گرفتار شدن به فتنه و گناه

و منهم من یقول ائذن لی و لاتفتنی

در شأن نزول آیه آورده اند که: یکی از منافقان به پیامبر اکرم (ص) گفت: <یا رسول اللّه ائذن لی و لاتفتنی بنات الأصغر فإنی أخاف أن أفتتن بهن>; یعنی، ای رسول خدا! به من اذن بده تا در جنگ شرکت نکنم . .. چون، می ترسم مفتون دخترکان رومی گردم و به گناه بیفتم. (مجمع البیان، ذیل آیه)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۳ – ۱۲

۱۲ شرکت و عدم شرکت مسلمانان در جنگ ، منوط به اذن پیامبر (ص) بود .

فاستئذنوک

استیذان منافقان، نشان دهنده این است که: آنان به عنوان فردی از جامعه اسلامی، شرکت خود را در جنگهای آینده، منوط به اجازه پیامبر (ص) می دانسته اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۶ – ۳،۵

۳ زمام امور جنگ و اجازه حضور و عدم حضور در آن ، در اختیار پیامبر اکرم (ص) و از شؤون آن حضرت

جهدوا مع رسوله استئذنک

۵ رخصت خواستن منافقان توانگر از پیامبر (ص) برای شرکت نکردن در جنگ ، به مجرد فرمان الهی به جهاد

أن ءامنوا باللّه و جهدوا مع رسوله استئذنک

اذن جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ شرکت و عدم شرکت

مسلمانان در جنگ ، منوط به اذن پیامبر (ص) بود .

فاستئذنوک

استیذان منافقان، نشان دهنده این است که: آنان به عنوان فردی از جامعه اسلامی، شرکت خود را در جنگهای آینده، منوط به اجازه پیامبر (ص) می دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۶ - ۳

۳ زمام امور جنگ و اجازه حضور و عدم حضور در آن ، در اختیار پیامبر اکرم (ص) و از شؤون آن حضرت

جهدوا مع رسوله استئذنک

ارزش آرزوی جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۲ - ۱۰

۱۰ اشتیاق به جهاد و آرزوی شرکت در آن ، ارزشی والا برای مؤمنان

و لا علی الذین إذا ما أتوک لتحملهم قلت لا أجد ما أحملکم علیه

برداشت فوق با توجه به این است که خداوند، این گروه را به خاطر اشتیاق شدیدشان به جهاد، اختصاص به ذکر داده است.

ارزش جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۴ - ۳

۳ - پیکار با دشمنان دین از ارزش های والا ، در پیشگاه خداوند است .

و لاتقولوا لمن یقتل فی سبیل اللّه أموت بل أحیاء

از هدفهای بیان این حقیقت - که شهیدان از حیات ویژه برخوردارند - ترغیب به جهاد و بیان ارزش والای آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۰ - ۲

۲ - ارزش جهاد و نبرد با دشمنان ، به < در راه خدا بودن > آن است .

و قتلوا فی

سبیل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۶ - ۵

۵ جنگ و جهاد ، امری خیر برای مؤمنان ، علی رغم ظاهر ناخوشایند آن

کتب علیکم القتال و هو کره لکم و عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۸ - ۳،۴،۵

۳ ایمان و هجرت و جهادِ در راه خدا ، از عوامل امیدواری به رحمت وی

ان الذین امنوا و الذین هاجروا و جاهدوا فی سبیل اللّه اولئک یرجون رحمت اللّه

۴ ارزش هجرت و جهاد ، هنگامی است که در راه خداوند باشد .

و الذین هاجروا و جاهدوا فی سبیل اللّه

۵ اهمیّت و ارزش هجرت و جهاد در راه خدا ، و برتری مهاجرانِ مجاهد بر سایر مؤمنان

ان الذین امنوا و الذین هاجروا و جاهدوا فی سبیل اللّه

به نظر می رسد تکرار موصول، دلالت بر ارزشمندی ایمان داشته باشد; اگر چه همراه با جهاد و هجرت نباشد; امّا آنگاه که توأم با هجرت و جهاد باشد، ارزش و اهمیّتی برتر می یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۱،۲

۱ پیکار در راه خدا ، قرض شایسته بندگان به او *

و قاتلوا . .. من ذا الذی یقرض اللّه قرضاً حسناً

۲ تأمین تدارکات پیکار در راه خدا ، قرض شایسته مسلمانان به او

و قاتلوا . .. من ذا الذی یقرض اللّه قرضاً حسناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ -

۹ < فی سبیل اللّه > بودن ، ملاک ارزش پیکار

ابعث لنا ملکاً نقاتل فی سبیل اللّه . .. و ما لنا الاّ نقاتل فی سبیل اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۳ – ۸

۸ شهادت طلبی و حضور در عرصه پیکار با دشمنان دین ، امتیازی ارزشمند در دیدگاه اسلام

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه . .. و لقد کنتم تمنّون الموت

چون خداوند اعراض کنندگان از جهاد و مبارزه و فراریان از شهادت و مرگ در راه خدا را مذمت کرده و از سویی تمام سعادت (بهشت) را در گرو مبارزه دانسته، ارزش والای جهاد و شهادت به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۲ – ۶

۶ اهمیّت و ارزش والای شرکت مجدد مجروحین جنگی در جهاد

الّذین استجابوا للّه و الرسول من بعد ما اصابهم القرح . .. اجر عظیم

اجر عظیم برای مجاهدان در گرو جراحت ناشی از جهاد سابق نیست، بلکه به خاطر شرکت در جهاد پس از تحمّل جراحت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۴ – ۵

۵ در راه خدا بودن ، امتیاز جهاد اسلامی بر دیگر نبردها

فلیقاتل فی سبیل اللّه . .. و من یقاتل فی سبیل اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۶۰ – ۱۶

۱۶ نبرد با دشمنان دین ، از مصادیق < سبیل اللّه > است .

و ما تنفقوا من شیء فی

سبیل اللّه یوف إلیکم

سیاق آیه حکایت از آن دارد که از مصادیق <سبیل اللّه> جهاد با دشمنان دین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۲ - ۶

۶ در راه خدا بودن ، ملاک ارزش هجرت و جهاد در پیشگاه خداوند

هاجروا و جهدوا بأمولهم و أنفسهم فی سبیل اللّه

برداشت فوق با توجه به کلمه <فی سبیل اللّه> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۴ - ۴،۶

۴ پناه دادن و یاری کردن مهاجران و مجاهدان راه خدا ، دارای ارزشی چون هجرت و جهاد

و الذین ءامنوا . .. و الذین ءاووا و نصروا

۶ هجرت و جهاد در راه خدا ، یاری کردن دین او ، پناه دادن به مهاجران مجاهد ، از ارزش های متعالی اسلام و تعیین کننده مرز ایمان حقیقی از غیر آن

و الذین ءامنوا . .. أولئک هم المؤمنون حقا

مفعول <نصروا> هم می تواند کلمه ای همانند <دین اللّه> باشد و هم می تواند ضمیری محذوف باشد که به <الذین ءامنوا . .. > برمی گردد ; یعنی: نصروا المؤمنین المهاجرین المجاهدین ... . مآل هر دو معنا یکی است ; زیرا یاری کردن مهاجران مجاهد نیز یاری دین خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۹ - ۱،۶،۷

۱ سرزنش خداوند نسبت به مسلمانانی که شغل آب دهی به حاجیان و سرپرستی مسجدالحرام را با جهاد در راه خدا برابر انگاشته و خویشتن را همطراز با مؤمنان اهل پیکار در راه خدا

می پنداشتند .

أجعلتم سقایه الحاجّ و عماره المسجدالحرام کمن ءامن باللّه و الیوم الأخر و جهد فی

۶ جهاد و پیکار در راه خدا ، برترین و با ارزش ترین عمل صالح مؤمنان

أجعلتم سقایه الحاجّ . .. کمن ءامن باللّه و الیوم الأخر و جهد فی سبیل اللّه

۷ ارزش جهاد ، منوط به این است که در راه خدا باشد .

و جهد فی سبیل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۰ - ۲،۴

۲ ایمان ، هجرت و جهاد با جان و مال ، دارای برترین درجه و ارزش در بینش الهی

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا . .. بأموالهم أعظم درجه

۴ ارزش والای هجرت و جهاد منوط به این است که در راه خدا باشد .

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا فی سبیل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۴ - ۹

۹ ارزش جهاد منوط به این است که در راه خدا باشد .

و جهاد فی سبیله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۵

۵ ارزش جهاد ، به در راه خدا بودن آن است .

ما لکم إذا قیل لکم انفروا فی سبیل اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۴۱ – ۵

۵ در راه خدا بودن ، ملاك ارزش جهاد با مال و جان

جهدوا بأمولكم و أنفسكم فى سبيل اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹

۶ جهاد ، ارزشی است الهی که بی ایمان ها و سست باوران شایستگی آن را ندارند .

و لکن کره اللّه انبعاثهم فثبطهم و قیل اقعدوا مع القعدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۱ – ۷

۷ در راه خدا و برای خدا بودن ، ملاک ارزش جهاد

أن یجهدوا بأمولهم و أنفسهم فی سبیل اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۷ – ۷

۷ ناتوانی منافقان از درک عمیق زشتی مواضع و عملکرد خویش و نیز ارزش جهاد در راه خدا

و طبع . .. فهم لایفقهون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۸ – ۵

۵ جهاد پیامبر (ص) و مؤمنان راستین ، نشأت یافته از درک صحیح و بینش عمیق آنان نسبت به ارزش جهاد

فهم لایفقهون. لکن الرسول و الذین ءامنوا معه جهدوا

با توجه به فراز پیش (رضوا . .. فهم لا-یفقهون) مقصود این است که منافقان چون نمی فهمند، از جهاد می گریزند و لکن مؤمنان، به برکت درک عمیقی که دارند، به سوی عرصه های کارزار پیش می تازند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۱ – ۱۲،۱۵،۱۷

۱۲ ارزش جهاد ، به در راه خدا بودن آن است .

یقتلون فی سبیل اللّه

۱۵ کشتن و کشته شدن در راه خدا ، هر دو ارزش و معامله با خداست .

یقتلون فی سبیل اللّه فیقتلون و یقتلون

۱۷ جهاد با جان ، رکن

اصلی معامله با خدا و برتر از جهاد مالی

اشتری . .. أنفسهم و أمولهم ... یقتلون فی سبیل اللّه فیقتلون و یقتلون

برداشت فوق بدین احتمال است که تقدم <أنفسهم> بر <أموالهم> بیانگر ارزش برتر جهاد با جان باشد و <یقاتلون> صرفاً دربردارنده جهاد با جان باشد ; زیرا در جمله <فیقتلون و یقتلون> (می کشند و کشته می شوند) تنها جنبه جهاد با جان مطرح گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۲

۲ - ارزش جهاد ، به در راه خدا بودن آن است .

و جهدوا فی اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۰ - ۲۰

۲۰ - جهاد و انفاق در راه خداوند ، از مهم ترین و ارزشمندترین تکالیف الهی

لایستوی منکم من أنفق من قبل الفتح و قتل

تکیه بر دو تکلیف جهاد و انفاق، از میان سایر تکالیف الهی، حاکی از مطلب یاد شده است.

ارزش جهاد پس از فتح مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۰ - ۱۴

۱۴ - جهاد و انفاق مسلمانان در مقطع پیش از فتح مکه ، بسی ارزشمندتر از جهاد و انفاق آنان در مقطع پس از آن بود .

لایستوی منکم من أنفق من قبل الفتح و قتل . .. من الذین أنفقوا من بعد و قتلوا

ارزش جهاد قبل از فتح مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۰ – ۱۴

۱۴ – جهاد و انفاق مسلمانان در مقطع پیش از فتح

مکه ، بسی ارزشمندتر از جهاد و انفاق آنان در مقطع پس از آن بود .

لایستوی منکم من أنفق من قبل الفتح و قتل . .. من الذین أنفقوا من بعد و قتلوا

ارزش جهاد مالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۰ - ۲

۲ ایمان ، هجرت و جهاد با جان و مال ، دارای برترین درجه و ارزش در بینش الهی

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا . .. بأموالهم أعظم درجه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۱ - ۵

۵ در راه خدا بودن ، ملاک ارزش جهاد با مال و جان

جهدوا بأمولکم و أنفسکم فی سبیل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱۷

۱۷ جهاد با جان ، رکن اصلی معامله با خدا و برتر از جهاد مالی

اشتری . .. أنفسهم و أمولهم ... یقتلون فی سبیل اللّه فیقتلون و یقتلون

برداشت فوق بدین احتمال است که تقدم <أنفسهم> بر <أموالهم> بیانگر ارزش برتر جهاد با جان باشد و <یقاتلون> صرفاً دربردارنده جهاد با جان باشد ; زیرا در جمله <فیقتلون و یقتلون> (می کشند و کشته می شوند) تنها جنبه جهاد با جان مطرح گردیده است.

ارزش علاقه به جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۲ - ۱۰

۱۰ اشتیاق به جهاد و آرزوی شرکت در آن ، ارزشی والا برای مؤمنان

و لا علی الذین إذا ما أتوک لتحملهم قلت لا أجد ما أحملکم

علیه

برداشت فوق با توجه به این است که خداوند، این گروه را به خاطر اشتیاق شدیدشان به جهاد، اختصاص به ذکر داده است.

استغاثه در جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۹ – ۲

۲ مجاهدان بدر پیش از نبرد با نیایش به درگاه خدا از وی استمداد کردند .

إذ تستغیثون ربکم

<غوث> به معنای یاری کردن است و استغاثه طلب یاری و امداد است.

استقامت در جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۴۶ – ۱۵

۱۵ اطمینان بخشیدن بنی اسرائیلِ زمان طالوت به پیامبرشان ، بر پایداری در پیکار با دشمنان

و ما لنا الاّ نقاتل فی سبیل اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۴۹ – ۲۲

۲۲ مؤمنان به روز رستاخیز ، معتقد به پایداری در پیکار با دشمنان خدا ، علی رغم کمبود نیرو

قال الّذین یظنّون . .. غلبت فئه کثیره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۳۹ – ۲،۶

۲ ترغیب اهل ایمان به ثبات قدم و استواری و اعتماد به نفس در رویارویی با دشمن

يا ايّها الّذين امنوا . .. و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون

۶ ايمان و روحيه قوى ، رمز استوارى و ثبات قدم در رويارويى با دشمنان

و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان كنتم مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۲ - ۷

۷ ضرورت استقامت

مؤمنان در جهاد و هنگامه شدائد و سختیها

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه و لمّا یعلم اللّه الّذین جاهدوا منکم و یعلم الصّابرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۲،۸،۱۲،۱۳،۱۴

۲ عالمان ، یاوران پیامبران الهی در پیکار با دشمنان دین ، و تسلیم ناپذیر و استوار

و کایّن من نبیّ قاتل معه ربیّون کثیر فما وهنوا لما اصابهم

برخی <ربیّون> را به معنای عالمان تقواپیشه و صابر گرفته اند. (لسان العرب).

۸ قدرت روحی ، استقامت و تسلیم ناپذیری در مقابل دشمن ، از ویژگی های مردان الهی

و کایّن من نبیّ قاتل معه ربیّون کثیر فما وهنوا . .. وما استکانوا

<وهن> به معنای فتور و سستی است، و کلمه <ما استکانوا>، از ماده <سکن>، به معنی خضوع است ; یعنی در برابر دشمن، خاضع و ذلیل نمی شوند و تسلیم نمی گردند.

۱۲ خداوند دوستدار پایمردان در جنگ و شکیبایان در برابر هجوم حوادث آن

فما وهنوا لما اصابهم فی سبیل اللّه . .. و اللّه یحبّ الصّابرین

۱۳ محبّت خدا ، پاداش پایمردی شکیبایان در رویارویی و نبرد با دشمنان دین خدا

فما وهنوا لما اصابهم . .. و اللّه یحبّ الصّابرین

۱۴ نقش سازنده یادآوری حماسه شجاعت و پایداری مجاهدان راه خدا و یاوران پیامبران در پیکار و مبارزه

و کایّن من نبیّ قاتل . .. و اللّه یحبّ الصّابرین

آیه شریفه با یادآوری حماسه <ربیّون>، در صدد سازندگی مسلمانان است تا دیگر بار همانند نبرد احد، سستی و زبونی به خود راه ندهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ -

۱ اهل ایمان وظیفه دار پایداری و استقامت به هنگام هجوم و لشکرکشی دشمنان دین (جهاد دفاعی)

یأیها الذین ءامنوا إذا لقیتم الذین کفروا زحفا فلاتولوهم الأدبار

کلمه <زحفا> (که به معنای لشکرکشی است) می تواند حال برای <الذین کفروا> باشد ; یعنی آنگاه که کافران به سوی شما لشکرکشی می کنند. و همچنین می تواند حال برای فاعل <لقیتم> باشد ; یعنی آنگاه که شما برای جهاد به سوی کافران حرکت می کنید. در برداشت فوق وجه اول ملاحظه شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۴،۷۸

۴ اهل ایمان موظف به پایداری در برابر لشکریان کفر تا پیروزی بر آنان ; حتی در صورت ده برابر بودن نیروی انسانی کافران

حرض المؤمنین علی القتال إن یکن منکم عشرون صبرون یغلبوا مائتین

تغییر نکردن نسبت در دو فراز یاد شده، یعنی بیست در مقابل دویست و صد در مقابل هزار، بیانگر این است که ضرورت مقاومت مخصوص بیست و دویست نفر نیست، بلکه تحقق نسبت (یک بر ده) ملاک حکم است.

۷ ضرورت پایداری در مقابل دشمنی با نیرویی ده برابر ، مشروط به این است که رزمجویان اهل ایمان کمتر از بیست نفر نباشند .

إن یکن منکم عشرون صبرون یغلبوا مائتین

رساندن معنای مقصود، یعنی لزوم مقاومت یک بر ده، با جمله ای کوتاهتر از آنچه آمده ممکن بود. بنابراین تطویل آن با ذکر دو مثال حاوی نکاتی است ; از جمله این احتمال که نسبت یاد شده و حکم مترتب بر آن در صورتی است که نفرات اهل ایمان بیست نفر

و یا بیشتر باشند و اگر کمتر باشند این حکم جاری نیست.

۸ صبر و مقاومت در صحنه کارزار از عوامل مهم پیروزی مؤمنان بر کافران

إن یکن منکم عشرون صبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۹

۹ لزوم پایداری صد مؤمن در برابر دویست کافر و هزار مؤمن در برابر دو هزار کافر تا تحقق پیروزی بر آنان

فإن یکن منکم مائه صابره یغلبوا مائتین و إن یکن منکم ألف یغلبوا الفین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۲

۲- ایمان به پیروزی راه ایمان و شکست نهایی کافران ، مقتضی صلابت و جدیت مؤمنان در نبرد با جبهه کفر

الذین کفروا . .. أضلّ أعملهم ... فإذا لقیتم الذین کفروا فضرب الرقاب

فاء در <فإذا لقیتم> مفید ترتب و نتیجه است; یعنی، اکنون که دانستید تلاش کافران بی ثمر خواهد ماند (أضلّ أعمالهم) و فرجام مؤمنان به صلاح خواهد گرایید (أصلح بالهم) پس دلگرم باشید و با یقین به پیروزی نبرد کنید (فإذا لقیتم. .. فضرب الرقاب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ - ثبات در باور های دینی و جهاد همه جانبه در راه خداوند ، گواه صداقت انسان در ادعای ایمان

إنّما المؤمنون الذین . .. ثمّ لم یرتابوا و جهدوا ... أولئک هم الصدقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۴ - ۷

۷ - مؤمنان در نبرد با دشمنان ، باید منظم ، سازمان یافته و

همچون بنایی ریخته شده از سرب ، استوار و نفوذناپذیر باشند .

یقتلون . .. صفًّا کأنّهم بنین مرصوص

<مرصوص> از ریشه <رصاص> (سرب) مشتق است. <بنیان مرصوص>; یعنی، بنایی که با سرب استوار و محکم شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۲ - ۱۷

۱۷ رشد معنویات ، موجب استواری بیشتر در رویارویی با دشمن

اذ همّت . .. و علی اللّه فلیتوکّل المؤمنون

جمله <و اللّه ولیّهما> و نیز جمله <و علی اللّه . .. >، علاوه بر بیان یک معرفت دینی، برای تقویت مسلمانان در رویارویی با دشمنان، نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۱۳،۲۱

۱۳ استواری در نبرد ، اتّحاد و یکدلی رزمجویان و پیروی از دستورات رهبران الهی ، عامل جلب اذن خداوند برای پیروزی بر دشمن

اذ تحسّونهم باذنه حتّی اذا فشلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم

کلمه <باذنه> بیانگر این است که پیروزیها در گرو اذن خداوند است و از اینکه مسلمانان در مرحله اوّل، یعنی قبل از اختلاف و سستی و سرپیچی، مأذون به پیروزی شدند و آنگاه که سستی کردند و اختلاف ورزیدند و سرپیچی نمودند، اذن به پیروزی برداشته شد، معلوم می شود اذن الهی به پیروزی، دائر مدار عملکرد رزمجویان خواهد بود.

۲۱ پایداری در نبرد ، وحدت و پیروی از تعالیم پیامبر (ص) ، نشانگر آخرت خواهی مؤمنان مجاهد

حتّی اذا فشلتم . .. منکم من یرید الاخره

بنابر اینکه دنیاطلبی (منکم من یرید الدّنیا)، دلیل <اذا فشلتم . .. > باشد، صفات

مقابل اینها ویژگی آخرت جویان خواهد بود; یعنی آخرت خواهان در نبرد نه سستی خواهند کرد و نه ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۶ - ۱۸

۱۸ صبر و مقاومت ، حتّی در برابر دشمن ، باید آمیخته با تقوا و رعایت حدود الهی باشد .

و لتسمعنّ . .. اذًی کثیراً و ان تصبروا و تتّقوا

از ذکر تقوا پس از صبر، معلوم می شود که در برابر اذیّتهای دشمن نباید دستورات الهی را نادیده گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۱۴،۱۶،۱۸،۲۳

۱۴ شکیبایی مؤمنان در برابر مشکلات ، پایداری آنان در مقابل دشمن و حفاظت از مرز های اسلامی ، نشانه تقواپیشگی است .

یا ایّها الّذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتّقوا اللّه

۱۶ ایمان ، زمینه شکیبایی در برابر مشکلات و پایداری در مقابل دشمن و حفظ مرز ها و رعایت تقواست .

یا ایّها الّذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتّقوا اللّه

مخاطب قرار دادن مسلمانان به وصف ایمان و آنگاه امر به شکیبایی و . .. بیانگر آن است که ایمان زمینه تحقق مسائل مطرح شده است.

۱۸ صبر در برابر مشکلات ، مقاومت در برابر دشمن ، حفاظت از مرز های جامعه اسلامی و تقواپیشگی ، زمینه پیروزی و سعادت

یا ایّها الّذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا لعلّکم تفلحون

<فلاح>، به معنای نیل به نجات و پیروزی است (لسان العرب).

۲۳ مقاومت در برابر دشمنان و زیر نظر داشتن توطئه آنان ، وظیفه مؤمنان

یا ایّها الّذین

امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا

امام صادق (ع) درباره قول خداوند <اصبروا و صابروا . .. >، فرمود: معناه ... و صابروا علی عدوّکم و رابطوا عدوّکم.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۹۶ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۲۸، ح ۵۰۸.

اطمینان در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۹ - ۲

۲ ترغیب اهل ایمان به ثبات قدم و استواری و اعتماد به نفس در رویارویی با دشمن

یا ایّها الّذین امنوا . .. و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون

اعراض از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۸ - ۹

۹ - حضور کم در جبهه جهاد ، مادامی که جهاد با دشمن دایر است ، امرنکوهیده ای است .

قد یعلم اللّه . .. و لایأتون البأس إلّا قلیلاً

افشای راز متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۱۸

۱۸ تهدید متخلفان از جنگ و منافقان ، به رسوایی و افشای اسرارشان در آخرت از سوی خداوند

فینبئکم بما کنتم تعملون

اقسام جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۵ - ۱،۲

۱ اهل ایمان وظیفه دار پایداری و استقامت به هنگام هجوم و لشکرکشی دشمنان دین (جهاد دفاعی)

يأيها الذين ءامنوا إذا لقيتم الذين كفروا زحفا فلاتولوهم الأدبار

کلمه <زحفا> (که به معنای لشکرکشی است) می تواند حال برای <الذین کفروا> باشد ; یعنی آنگاه که کافران به سوی شما لشکرکشی می کنند. و

همچنین می تواند حال برای فاعل <لقیتم> باشد ; یعنی آنگاه که شما برای جهاد به سوی کافران حرکت می کنید. در برداشت فوق وجه اول ملاحظه شده است.

۲ اهل ایمان به هنگام حرکت به سوی دشمن و رویارویی با آنان (جهاد ابتدایی) نباید صحنه کارزار را ترک کنند .

إذا لقیتم الذین کفروا زحفا فلاتولوهم الأدبار

برداشت فوق بر این اساس است که کلمه <زحفا> حال برای فاعل <لقیتم> باشد.

الگو در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۱ - ۲

۲ - پیامبراکرم (ص) ، الگو و اسوه ای شایسته ، برای مؤمنان در جهاد است .

لقد کان لکم فی رسول اللّه أُسوه حسنه

به قرینه آیات قبل و بعد که درباره غزوه احزاب است و نیز برخورد منافقان با جهاد و مسلمانان، به احتمال قوی توصیه به الگوگیری از پیامبر(ص) مربوط به جهاد است.

امتحان با جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۲ - ۶

۶ جنگ ها و مبارزات ، وسیله امتحان مردم و عرصه جداکردن مؤمنان مجاهد و صابر از غیر ایشان

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه و لمّا یعلم اللّه الّذین جاهدوا منکم و یعلم الصّابرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۶ - ۴

۴ انفاق ، عرصه آزمایش مالی مؤمنان و جهاد ، عرصه آزمایش جانی آنان

لتبلونّ فی اموالکم و انفسکم

با توجّه به آیات پیشین که درباره جهاد و انفاق بود، می تواند امتحان مالی، ناظر به انفاق و

امتحان جانی، ناظر به جهاد باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۷ – ۱۰

۱۰ شرایط سخت جهاد ، میدان امتحان و تمایز مراتب معنوی مؤمنان

اتبعوه فی ساعه العسره من بعد ما کاد یزیغ قلوب فریق منهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۴ – ۲۲،۲۶،۲۸

۲۲– فرمان خداوند به جهاد ، در عین قدرت او بر نابودسازی کافران ، به منظور آزمایش آدمیان

و لو یشاء اللّه لانتصر منهم و لکن لیبلواْ بعضکم ببعض

۲۶– جهاد ، وسیله آزمایش اهل ایمان

و لکن لیبلواْ بعضکم ببعض

مورد اصلی آیه شریفه، جهاد است که آزمایش در چنین موردی مطرح شده است.

۲۸– کشته شدگان راه خدا ، پیروزمندان صحنه آزمون الهی (جهاد)

و لکن لیبلواْ بعضکم ببعض و الذین قتلوا فی سبیل اللّه فلن یضلّ أعملهم

خداوند، پس از معرّفی جهاد به عنوان آزمون مؤمنان و کافران، تنها به یک گروه نوید داده است و آن کشته شدگان راه حق و شهیدان اند. از این نوید استفاده می شود که پیروزمندان این آزمون همانان هستند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۳۱ – ۲

۲– تکلیف جهاد ، وسیله آزمایش مؤمنان و تمایز مجاهدان و صابران از دیگران

و لنبلونّکم حتّی نعلم المجهدین منکم و الصبرین

بـا توجه به واژه <المجاهـدين> معلوم می شود که موضوع اصـلی آزمایش <جهاد> است. به علاوه محور اصـلی این آیات فرمان قتال با کافران و جهاد در راه خدا می باشد (إذا أنزلت سوره محكمه و ذكر فيها القتال ...).

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۵

۵ - تکالیف دشوار و میدان جهاد ، صحنه آزمون انسان ها و تمایز مؤمنان واقعی از مدعیان ایمان

قل للمخلّفین من الأعراب ستدعون إلی قوم أولی بأس شدید

امتحان در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۳ - ۳

۳ میدان نبرد ، عرصه بروز شخصیّت و حقیقت درونی افراد

و لقد کنتم تمنّون الموت . .. فقد رایتموه و انتم تنظرون

امتناع از تدارک جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۵ - ۵

۵ - ترک انفاق و خودداری از تأمین هزینه های جهاد ، زمینه ساز هلاکت ترک کنندگان انفاق و از عوامل سقوط جامعه است .

و أنفقوا فی سبیل اللّه و لاتلقوا بأیدیکم إلی التهلکه

جمله <لاـتلقوا . ..> را می توان با مسأله تأمین هزینه های جهاد (أنفقوا فی سبیل اللّه) معنا کرد و می توان آن را در ارتباط با خود جهاد و مبارزه (قاتلوا فی سبیل اللّه) دانست و نیز می توان آن را بیانی برای آداب انفاق شمرد. برداشت فوق ناظر به وجه اول است; یعنی، هزینه های جهاد را تأمین کنید و با ترک آن خویشتن را به هلاکت نیفکنید.

امیدواری در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۰ - ۳

۳ نیرو های اندک طالوت با امید به نصرت الهی ، به جنگ با جالوتیان رفتند .

و لمّا برزوا الجالوت . .. و انصرنا علی القوم الکافرین

انفاق

برای جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۸ - ۲

۲- دعوت الهی از مؤمنان ، به انفاق در مسیر جهاد *

تدعون لتنفقوا فی سبیل اللّه

با توجه به این که آیات پیشین درباره جهاد می باشد; ممکن است مراد از <فی سبیل اللّه> نیازهای مالی جهاد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۰ - ۵،۶

۵ - تشویق مسلمانان از سوی خداوند ، به بسیج شدن در امر انفاق و هزینه کردن امکانات و دارایی های خود در راه جنگ ، جهاد و جبهه

و ما لکم ألاّتنفقوا فی سبیل اللّه

۶ - خداوند ، آن دسته از مسلمانان را که در رفع نیازمندی های جبهه و جنگ و انفاق در راه آن ، کوتاهی کردند ، مورد نکوهش سخت قرار داد .

و ما لکم ألاّتنفقوا فی سبیل اللّه

انفاق در راه جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۱۱

۱۱ انفاق دارایی ها در راه جنگ و جهاد ، واجب و امتناع ورزیدن از آن ، در پی دارنده عذاب دردناک دوزخ است .

و الذین یکنزون الذهب و الفضه و لا ینفقونها فی سبیل اللّه فبشرهم بعذاب ألیم

برداشت فوق با توجه به این حقیقت است که آیه شریفه به دنبال آیات مربوط به جنگ و قرار گرفته است.

اولویتها در جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۳ – ۲

۲ استراتژی جهاد اسلامی ، گسترش بخشیدن به اسلام در سرزمین های

کفر به صورت گام به گام و پیاپی و اولویت دادن دشمنان نزدیکتر و همجوار

قتلوا الذین یلونکم من الکفار

فرمان خدا به درگیری با کافران همجوار همواره به قوت خویش باقی است. یعنی با تسخیر یک سرزمین کفر و تبدیل آن به سرزمین اسلام باز هم خطاب آیه متوجه مؤمنان است. و باید با کفاری که اکنون همجوار شده اند درگیر شوند.

اهداف منافقان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۷

۷ شرکت برخی افراد (منافقان) در جهاد با کافران ، به منظور دستیابی به منافع مادی

لو کان عرضاً قریباً و سفراً قاصداً لاتبعوک

اهمیت اعراض از متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۷

۷ لزوم اعراض و روی گردانی از منافقان و جهادگریزان ، و طرد و منزوی کردن آنان در جامعه

فأعرضوا عنهم

اهمیت بسیج برای جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۱

۱ مؤمنان ، موظف به بسیج شدن برای نبرد در راه خدا ، به هنگام صدور فرمان جنگ

یأیها الذین ءامنوا ما لکم إذا قیل لکم انفروا فی سبیل اللّه اثّاقلتم

اهمیت تداوم جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۶ – ۸

۸ – مسلمانان موظّف به پیکار بی امان با دشمنان نیرومند ، تا مرز کشتن و یا به تسلیم کشاندن آنان

ستدعون إلى قوم أولی بأس شدید تقتلونهم أو یسلمون

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۱۱ – ۵

۵ – لزوم جهاد پیوسته و مستمر در راه خداوند

و تجهدون فی سبیل اللّه

فعل مضارع <تجاهدون> دلالت بر استمرار دارد.

اهمیت جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۹۳ – ۱

۱ – نبرد با کافران ، تا برطرف شدن فتنه های آنان ، وظیفه ای ضروری بر عهده مسلمانان

و قتلوهم حتی لاتکون فتنه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۲ – ۲،۵

۲ پندار غلط ورود به بهشت بدون جهاد و صبر ، در میان مسلمانان صدر اسلام

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه و لمّا یعلم اللّه الّذین جاهدوا منکم و یعلم الصّابرین

۵ بدون مجاهده و صبر ، نمی توان به بهشت دست یافت .

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه و لمّا یعلم اللّه الّذین جاهدوا منکم و یعلم الصّابرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۵ – ۱۴،۱۵

۱۴ جهاد برای سپاسگزاری از نعمت های الهی ، بدون چشمداشت پاداش در دنیا و آخرت از مقدسترین نوع جهاد و مبارزه

و لمّا یعلم اللّه الّذین جاهدوا . .. من یرد ثواب الدّنیا ... ثواب الاخره ... و س

از تعبیر <سنجزی> برای شاکران و تعبیر به <نؤته> برای خواستاران ثواب دنیا و آخرت به دست می آید که پاداش شاکران، جزای شکر آنان است نه اینکه مجرد اعطا باشد. اضافه بر این، کلمه <منها> دلالت می کند بر اینکه دو طایفه پیش تنها به برخی از خواسته خود دست می یابند،

ولی شاکران جزای کامل دریافت می دارند.

۱۵ سپاسگزاری نعمت های الهی ، برانگیزنده آدمی به جهاد و انجام تکالیف دینی

و من یرد ثواب الدّنیا . .. و من یرد ثواب الاخره ... و سنجزی الشّاکرین

به نظر می رسد خداوند مجاهدان را به سه دسته تقسیم کرده است و جمله <سنجزی الشّاکرین>، بیانگر دسته سوم می باشد. یعنی آنان که نه ثواب دنیا انگیزه جهاد آنهاست و نه ثواب آخرت، بلکه انگیزه آنان از جهاد تنها سپاسگزاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۴ - ۲

۲ تنها آخرت طلبان وارسته از دنیا ، توان و لیاقت نبرد در راه خدا را دارند .

فلیقاتل فی سبیل اللّه الّذین یشرون الیوه الدّنیا بالاخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۲۱

۲۱ بهره مندان از نعمت الهی ، تنها بر خداوند متکی هستند و مهیای پیکار در راه او و فراخوان مردم به جهاد و توکل .

قال رجلان من الذین یخافون انعم اللّه علیهما ادخلوا . .. و علی اللّه فتوکلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۵ - ۱۴

۱۴ فلاح و رستگاری در گرو تقواپیشگی ، پی جویی شیوه ها و ابزار های سیر و سلوک تا مقام قرب خداوند و پیکار در راه او

اتقوا اللّه و ابتغوا إلیه الوسیله و جهدوا فی سبیله لعلکم تفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۲۰

۲۰ لزوم مبارزه در راه

خدا و بی اعتنایی به سرزنش دشمنان ، در انجام وظایف و مسؤولیت های الهی

یجهدون فی سبیل اللّه و لایخافون لومه لائم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۳

۳ ضرورت توجه به حکمِ شرعی غنایم در کنار مسایل جنگ و جهاد

و اعلموا أنما غنمتم من شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۲ - ۱۰

۱۰ هجرت در صدر اسلام دارای اهمیتی برتر نسبت به جهاد در راه خدا

ما لکم من ولیتهم من شیء حتی یهاجروا

با توجه به صدر آیه که برخورداری از حق ولا-یت را مشروط به جهاد دانست، معلوم می شود هجرت در جعل ولا-یت بین مؤمنان کافی نیست. بنابراین ذکر کردن هجرت در این فراز (حتی یهاجروا) و مقید نساختن آن به جهاد این معنا را القا می کند که هجرت در راه خدا در صدر اسلام اهمیتی برتر از جهاد داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۰ - ۵

۵ لزوم جهاد با مال ، همانند جهاد با جان است .

و جهدوا فی سبیل اللّه بأموالهم و أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۴ - ۲،۵،۸

۲ محبت پدر ، فرزند ، برادر ، همسر و خویشاوندان نباید محبت خدا و رسول و جهاد در راه خدا را تحت الشعاع قرار دهد .

قل إن کان ءاباؤکم و أبناؤکم . .. أحب إلیکم من اللّه و رسوله و جهاد فی سبیله

۵ ترجیح محبت

خویشاوندان و امکانات مادی بر محبت خدا و پیامبر (ص) و جهاد ، فسق و انحراف است .

قل إن كان ءاباؤكم . .. أحب إليكم ... و اللّه لايهدى القوم الفسقين

۸ ترجیح محبت خدا و رسول و جهاد بر علایق خویشاوندی و تعلقات مادی ، نشانه مؤمنان راستین

يأيها الذين ءامنوا . .. قل إن كان ءاباؤكم ... و جهاد فى سبيله

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – توبه – ۹ – ۴۱ – ۲،۳،۴

۲ شرکت در جهاد و پیکار با دشمنان اسلام ، وظیفه تمامی مسلمانان ، هر چند فاقد امکانات و تجهیزات کافی نظامی باشند .

انفروا خفافاً و ثقالا

۳ مشکلات و دشواری های زندگی هر چند بسیار باشد نمی تواند بهانه ای برای تخلف از جهاد قرار گیرد .

انفروا خفافاً و ثقالا

۴ مؤمنان ، موظف به جهاد با مال (کمک های اقتصادی به لشکر اسلام و چشم پوشی از منافع مادی) همپای جهاد با جان

جهدوا بأمولكم و أنفسكم فى سبيل اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – توبه – ۹ – ۴۴ – ۴

۴ جهاد با مال و جان ، نشانه ایمان راستین و تقواپیشگی است .

الذين يؤمنون باللّه . .. أن يجهدوا بأمولهم و أنفسهم و اللّه عليم بالمتقين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – توبه – ۹ – ۵۳ – ۳

۳ انفاق مال به جای شرکت در جنگ ، در پیشگاه خداوند بی ارزش و غیر قابل قبول است .

و منهم من يقول ائذن لى و لاتفتنى .

.. قل أنفقوا طوعاً أو كرهاً لن يتقبل منكم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۲ – ۹

۹ اهتمام اسلام به تقویت مبانی فرهنگی دینی جامعه همپای جنگ و جهاد

فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقهوا فی الدین

برداشت فوق به این دلیل است که خداوند پس از ترغیب مکرر مؤمنان به شرکت در جهاد و تحذیر آنان از تخلف، در این آیه طلب فقاهت را ضروری شمرده و طالبان فقاهت را از شرکت در جنگ معاف کرده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۷۸ – ۷

۷ – جهاد در راه خدا ، حکمی بیرون از قاعده نفی حرج

و جهدوا فی اللّه حقّ جهاده . .. و ما جعل علیکم فی الدین من حرج

جمله های <هو اجتباکم> و <و ما جعل علیکم فی الدین من حرج> ظاهراً تعلیل برای جمله <و جاهدوا فی اللّه حقّ جهاده> است; یعنی، بدان جهت که شریعت اسلام، شریعتی سهل و آسان و پیراسته از هرگونه عسر و حرج است، پس باید در راه عمل به آن نهایت کوشش را نمود و در راه حفظ آن، تمام توان خود را به کار بست و از ایثار جان و مال در پاسداری از آن دریغ نکرد. لازمه این معنا این است که حکم جهاد همه جانبه که قطعاً عسر و حرج آفرین است از قانون نفی حرج بیرون باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۳ – ۱۲

۱۲ – جهاد ، مصداق

فرمان بری شایسته از خدا و رسول او است .

و أقسموا باللّه جهد أیمنهم لئن أمرتهم لیخرجنّ قل لاتقسموا طاعه معروفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۱،۴

۱- لزوم پیکاری بی امان با کافران ستیزه جوی در میدان های جنگ

فإذا لقیتم الذین کفروا فضرب الرقاب

۴- لزوم کشتن کافران و امان ندادن به آنان ، در میدان جنگ تا مرحله زمین گیرشدن دشمن

فضرب الرقاب حتّی إذا أثختنموهم

آیه شریفه در مجموع بیانگر یکی از قوانین کارآمد و حیاتی در میدان جنگ است. خداوند، به رزمندگان مسلمان رهنمود داده است تا قبل از غلبه یافتن بر دشمن و زمین گیر ساختن او، اقدام به گرفتن اسیر نکنند؛ بلکه بی درنگ هر دشمنی که در مقابلشان قرار گرفت، بکشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۱ - ۴

۴- جهاد در راه خدا ، طاعتی است بزرگ .

طاعه

برداشت بالا بنابر این نکته است که <طاعه> خبر مبتدای محذوف باشد؛ یعنی، <هو طاعه> و ضمیر <هو> به <القتال> که در آیه قبل یاد شده باز گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۳ - ۳

۳- تأکید خداوند به اطاعت مؤمنان ، از فرمان جهاد و تأثیرناپذیری از کارشکنی منافقان *

یأیّها الذین ءامنوا أطیعوا اللّه و أطیعوا الرسول

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین که درباره جهاد و موضع منفی منافقان بود برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷

۲۰ - جهاد و انفاق در راه خداوند ، از مهم ترین و ارزشمندترین تکالیف الهی

لایستوی منکم من أنفق من قبل الفتح و قتل

تکیه بر دو تکلیف جهاد و انفاق، از میان سایر تکالیف الهی، حاکی از مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۵ - ۱۴،۱۶

۱۴ - لزوم جهاد و پیکار بی امان با دشمنان دین و عدالت

و أنزلنا معهم الکتب و المیزان . .. و أنزلنا الحدید

واژه <حدید> در آیه شریفه مجازاً در معنای جهاد و قتال به کار رفته است; یعنی، ما فرمان قتال با دشمنان را، به همراه پیامبران نازل کردیم.

۱۶ - جهاد در راه خداوند ، دارای ثمراتی بس مهم و شایان توجه

فیه بأس شدید و منفع للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۸ - ۱۵

۱۵ - جلب رضای حق و آمادگی برای جهاد در راه خدا و رسول او ، شرط ایمان راستین

یبتغون فضلاً من اللّه و رضونًا و ینصرون اللّه و رسوله أُولئک هم الصدقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۱۶،۱۷،۱۹

۱۶ - مریضی ، تأمین نیاز های زندگی و شرکت در جنگ با دشمن ، از عذر های پذیرفته شده برای کاستن از عبادت شبانه و شب زنده داری

علم أن سیکون منکم مرضی . .. فاقرءوا ما تیسّر منه

۱۷ - تلاش برای تأمین زندگی ، هم چون جنگ در راه خدا ، دارای اهمیت است .

و ءاخرون یضربون فی الأرض یبتغون من فضل اللّه

و ءاخرون يقتلون فى سبيل اللّه

از اين كه تلاش براى تأمين زندگى، در كنار جنگ در راه خدا مطرح شده، مى توان برداشت ياد شده را استفاده كرد.

۱۹ - شب زنده دارى ، نبايد به مقدارى باشد كه به سلامت مؤمنان آسيب رساند و يا مانع از تلاش روزانه براى تأمين زندگى و يا پيكار در راه خدا شود .

فاقرءوا ما تيسّر من القرءان علم أن سيكون منكم مرضى . .. فاقرءوا ما تيسّر منه

اهميت جهاد مالى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۲۰ - ۵

۵ لزوم جهاد با مال ، همانند جهاد با جان است .

و جهدوا فى سبيل اللّه بأموالهم و أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۴۱ - ۴

۴ مؤمنان ، موظف به جهاد با مال (كمك هاى اقتصادى به لشكر اسلام و چشم پوشى از منافع مادى) همپاى جهاد با جان

جهدوا بأمولكم و أنفسكم فى سبيل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۸

۸ اهميت جهاد با مال ، همانند جهاد با جان

جهدوا بأمولهم و أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۲

۲ نقش و کاربرد جهاد مالی همانند جهاد با جان ، در دستیابی به بهشت

إن اللّه اشتری من المؤمنین أنفسهم و أمولهم بأن لهم الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۱ - ۹

۹ - مؤمنان ،

موظف به جهاد با مال (کمک های اقتصادی و چشم پوشی از منافع مادی در راه دین) ، همپای جهاد با جان

و تجهدون فی سبیل اللّه بأمولکم و أنفسکم

اهمیت صبر در جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۱۰ – ۸

۸- صبر و مقاومت ، عنصری مهم و ضروری در مسیر هجرت و جهاد

للذین هاجروا . .. ثمّ جهدوا و صبروا

از آن جایی که هجرت و جهاد همواره همراه با مشکلات است و صبر و مقاومت بسیاری را می طلبد، در عین حال خداوند به صبر و مقاومت توصیه فرموده است; می توان گفت: این توصیه گویای نقش ویژه صبر در میدان هجرت و جهاد است.

اهمیت قبول جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۱ – ۶

۶- لزوم صداقت داشتن در مسیر دین و پذیرفتن فرمان جهاد ، پس از صدور آن

فإذا عزم الأمر فلو صدقوا اللّه لکان خیرًا لهم

اهمیت نظم در جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۴ – ۷

۷ – مؤمنان در نبرد با دشمنان ، باید منظم ، سازمان یافته و همچون بنایی ریخته شده از سرب ، استوار و نفوذناپذیر باشند .

یقتلون . .. صفًّا کأنّهم بنین مرصوص

<مرصوص> از ریشه <رصاص> (سرب) مشتق است. <بنیان مرصوص>; یعنی، بنایی که با سرب استوار و محکم شده است.

ایثار در جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۲۱ – ۴

۴ خانه و زندگی

را پشت سر گذاردن و به میدان رویارویی با دشمن شتافتن ، از جمله ویژگی های رهبران شایسته الهی و پیروان آنان

و اذ غدوت من اهلک تبوّیء المؤمنین مقاعد للقتال

<من اهلک>، اشاره به این دارد که پیامبر (ص)، و اساساً هر رهبر الهی، به هنگام انجام تکالیف و رویارویی با دشمن، مهمترین تعلقات (همانند زن و فرزندان) را رها می کند و به میدان کارزار و انجام تکلیف می شتابد.

ایمان و جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۲۶

۲۶ بروز حقیقت ایمان افراد و ظهور باطن آنان با آمدن حکم جهاد

فلمّا کتب علیهم القتال اذا فریق منهم یخشون النّاس . .. و قالوا ربّنا لم کتبت علی

بادیه نشینان و جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۰ - ۱،۳

۱ اذن خواستن گروهی از بادیه نشینان معذور برای مشارکت نکردن در جنگ

و جاء المعذّرون من الأعراب لیؤذن لهم

<اعراب> اسم جمع و به معنای بادیه نشینان است. <معذّرون> می تواند اسم فاعل از <باب تفعیل> باشد; یعنی، کسانی که از شرکت در جهاد کوتاهی می کنند و به دروغ نشان می دهند که عذر دارند و می تواند اسم فاعل از <باب افتعال> باشد که در اصل <معتذرون> بوده و تای باب افتعال، به جهت قرب مخرج با ذال، قلب به ذال شده و در آن ادغام گشته است; یعنی، کسانی که دارای عذر موجهند. برداشت فوق بر پایه احتمال دوم است.

۳ عذرتراشی برخی از بادیه نشینان برای شرکت نکردن در جنگ

و جاء المعذّرون

من الأعراب

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <معذّرون> اسم فاعل از باب تفعیل باشد.

برخورد با متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۳ - ۷

۷ لزوم خودداری از پذیرش عذر متخلفان از جهاد ، قبل از بررسیِ درستی یا نادرستی ادعای آنان

لم أذنت لهم حتی یتبین لک الذین صدقوا و تعلم الکذبین

مقصود از اذن دادن در آیه فوق، اذن ترک جهاد برای کسانی است که از شرکت در جهاد خود را معذور دانسته اند و خداوند چنین اذنی را بدون بررسی معذور بودن یا نبودن متخلفان از جهاد، سرزنش و محکوم کرده است.

بسیج در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۱ - ۱

۱ فرمان خداوند به بسیج همه مسلمانان صدر اسلام برای جهاد در راه خدا ، هر چند فاقد تجهیزات کافی نظامی باشند .

انفروا خفافاً و ثقالا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۷ - ۷

۷ ضرورت بسیج تمامی نیرو های مؤمن و غیر مؤمن از سوی رهبری جامعه دینی برای رویارویی با هجوم کافران

و قیل لهم تعالوا قاتلوا فی سبیل اللّه او ادفعوا

بنابر اینکه دعوت مطرح شده در آیه، یک دعوت موردی و خاص باشد، نه بیانگر اصل وجوب جهاد و دفاع، الزاماً مخاطبان در آیه دو گروه خواهند بود: گروهی که <للّه> و <فی سبیل اللّه> در صحنه پیکار حاضر می شوند و گروهی که برای دفاع از کیان و ملیّت خود و . .. نبرد می

کنند.

بهانه جویی متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۹ - ۷

۷ متخلفان از جنگ ، به بهانه مصون ماندن از فتنه و گناه ، خود در منجلاب فتنه و گناه بودند .

ائذن لی و لاتفتنی ألا فی الفتنه سقطوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۰ - ۲

۲ بهانه جویان متخلف از جنگ ، آرزومند عدم موفقیت سپاه اسلام و نگران از پیروزی آنان .

إن تصبک حسنه تسؤهم

بی اعتنایی به دروغگویی متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۶

۶ توصیه الهی به تحت تأثیر قرار نگرفتن مؤمنان ، از سوگند دروغین منافقان متخلف از جنگ

فأعرضوا عنهم

بی اعتنایی به سوگند متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۶

۶ توصیه الهی به تحت تأثیر قرار نگرفتن مؤمنان ، از سوگند دروغین منافقان متخلف از جنگ

فأعرضوا عنهم

پاداش آمادگی در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۱ - ۹

۹ آمادگی رزمی و انجام کار های مقدماتی جهاد ، دارای اجر و پاداش الهی

و لاینفقون . .. و لایقطعون وادیاً إلا کتب لهم

با توجه به اینکه آیات در زمینه جنگ تبوک است و در <تبوک> جنگی صورت نگرفت و نیز چون انفاق و پیمودن دره ها از مقدمات جنگ است، برداشت فوق استفاده می شود.

پاداش اخروی جهاد

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۸ – ۳

۳ مجاهدت در راه خدا به همراهی پیامبران الهی و دعا به درگاه او ، موجب بهره مندی از پاداش های دنیوی و اخروی

و كايّن من نبىّ . .. فاتيهم اللّه ثواب الدّنيا و حسن ثواب الاخره

پاداش تأمین نیازهای جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۶۰ – ۱۴

۱۴ تأمین کمترین هزینه جهاد ، در پی دارنده پاداش عادلانه الهی

و ما تنفقوا من شىء فى سبيل اللّه يوف إليكم و أنتم لاتظلمون

پاداش جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۵ – ۱۹

۱۹ بخشش گناهان و دخول در بهشت ، پاداش بزرگ الهی ، برای هجرت ، آوارگی ، آزار دیدن در راه خدا و جهاد و شهادت

فالّذين هاجروا و اخرجوا من ديارهم و اوذوا فى سبيلى و قاتلوا و قتلوا لاكفّرنّ عنه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۴ – ۸

۸ دستیابی به مواهب آخرت ، پیامد جهاد و مبارزه در راه خدا

فليقاتل فى سبيل اللّه الّذين يشرون الحيوه الدّنيا بالاخره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۱ - ۵

۵ برخورداری از باغ ها و بوستان های متعدد بهشت ، از ثمرات ایمان ، هجرت و جهاد در راه خدا

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا فی سبیل اللّه . .. یبشرهم ربهم ... و جنت

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۹ - ۲

۲ بهشت و زندگی جاودان در آن ، پاداش جهاد با مال و جان

أعد اللّه لهم جنت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۲،۲۵

۲ نقش و کاربرد جهاد مالی همانند جهاد با جان ، در دستیابی به بهشت

إن اللّه اشتری من المؤمنین أنفسهم و أمولهم بأن لهم الجنه

۲۵ دستیابی به بهشت در پرتو جهاد و شهادت ، تنها رستگاری و پیروزی بزرگ

إن اللّه اشتری . .. بأن لهم الجنه ... ذلک هو الفوز العظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۰ - ۲۰

۲۰ جهاد و تحمل رنج و سختی در راه خدا ، احسان و دارای پاداش از سوی خداست .

لا یصیبهم ظمأ و لا نصب و لا مخمصه فی سبیل اللّه . .. إن اللّه لا یضیع أجر المحسن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۱ - ۵

۵ جهاد و تحمل هزینه های جنگ ، دارای بهترین پاداش در پیشگاه خداوند

لیجزیهم اللّه أحسن ما کانوا یعملون

برداشت فوق بر این اساس است که <أحسن> مفعول دوم برای <یجزی> باشد; یعنی، خداوند نیکوترین پاداش عمل را به مجاهدان خواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۶ - ۴

۴ - بهشت ، پاداش جهاد و دفاع از دین تا مرز شهادت

قال یقوم اتّبعوا المرسلین . .. إنّی ءامنت بربّکم

فاسمعون . قیل ادخل الجنّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۶ – ۱۲،۱۰

۱۰ – نوید الهی به اعطای پاداشی نیک به اعراب متخلّف از حدیبیه ، در صورت نبرد صادقانه با دشمنان نیرومند اسلام

فإن تطیعوا یؤتکم اللّه أجرًا حسنًا

۱۲ – جهاد در راه خدا ، دارای اجری بزرگ و ارجمند

ستدعون إلی قوم أولی بأس شدید . .. فإن تطیعوا یؤتکم اللّه أجرًا حسنًا

پاداش جهاد مالی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۹ – ۲

۲ بهشت و زندگی جاودان در آن ، پاداش جهاد با مال و جان

أعد اللّه لهم جنت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۱ – ۲

۲ نقش و کاربرد جهاد مالی همانند جهاد با جان ، در دستیابی به بهشت

إن اللّه اشتری من المؤمنین أنفسهم و أمولهم بأن لهم الجنه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۱ – ۵

۵ جهاد و تحمل هزینه های جنگ ، دارای بهترین پاداش در پیشگاه خداوند

لیجزیهم اللّه أحسن ما کانوا یعملون

برداشت فوق بر این اساس است که <أحسن> مفعول دوم برای <یجزی> باشد; یعنی، خداوند نیکوترین پاداش عمل را به مجاهدان خواهد داد.

پاداش دنیوی جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۳

۳ مجاهدت در راه خدا به همراهی پیامبران الهی و دعا به درگاه او ، موجب بهره مندی از

پاداش های دنیوی و اخروی

و کایّن من نبیّ . .. فاتیهم اللّه ثواب الدّنیا و حسن ثواب الاخره

پلیدی متخلفان از جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۵ – ۸،۱۰

۸ منافقان متخلف از جهاد ، مظهر آلودگی و پلیدی

إنهم رجس

تعبیر <إنهم رجس> به جای <إنهم ذو رجس> بیانگر مبالغه است.

۱۰ پلیدی شدید منافقان جهادگریز ، ملاک وجوب اعراض و روی گردانی از آنان

فأعرضوا عنهم إنهم رجس

<إنهم رجس> در مقام تعلیل حکم به اعراض است.

پیران و جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۳ – ۱۶

۱۶ معاف بودن برخی از مردم (زنان ، کهنسالان ، معلولان و . . .) از شرکت در جنگ

فاقعدوامع الخلفین

مراد از <خالفین> می تواند کسانی باشند که به صورت مجاز و به دلیل عجز از شرکت در جنگ معاف شده اند.

پیروزی در جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۳ – ۱

۱ غنیمت و پیروزی در جهاد ، فضل الهی است .

خذوا حذرکم فانفروا . .. و لئن اصابکم فضل من اللّه

مصداق مورد نظر از <فضل> در این آیه، غنیمت و پیروزی است.

تأثیرپذیری از متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۶

۶ توصیه الهی به تحت تأثیر قرار نگرفتن مؤمنان ، از سوگند دروغین منافقان متخلف از جنگ

فأعرضوا عنهم

تاختن اسب در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات

- ۱۰۰ - ۱ - ۳

۳ - تاختن اسبان در راه جهاد و شتاب برای رسیدن به میدان نبرد ، مورد ترغیب خداوند

و العدیت ضبحًا

تارکان جهاد و زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۶

۶ اجازه خداوند به پیامبر (ص) در مورد گرفتن صدقه (زکات) از جهاد گریزانی که به گناه خویش معترف بودند .

و ءاخرون اعترفوا بذنوبهم . .. خذ من أمولهم صدقه

برداشت فوق با توجه به شأن نزول آیه است که برخی از متخلفان از جنگ تبوک، نادم شدند و در قبال خطای خویش، پیشنهاد کردند که تمام اموالشان را به عنوان صدقه بپردازند.

تاریخ تشریع جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۵

۵ - تشریع حکم جهاد ، پس از آوارگی مسلمانان از مکّه و هجرت به مدینه

أُذن للذین یقتلون . .. الذین أُخرجوا من دیرهم بغیر حقّ

تحقیر متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۱۵

۱۵ تحقیر منافقان متخلف از جنگ ، توسط خدا و پیامبر (ص)

فاقعدوامع الخلفین

منظور از <خالفین> می تواند کسانی باشند که به دلیل عجز و ناتوانی قادر به شرکت در جنگ نبودند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۳ – ۴

۴ اغنیا و توانمندانِ روی گردان از جهاد در صدر اسلام ، مورد نکوهش و تحقیر خداوند قرار گرفتند .

إنما السبیل علی الذین . ... و هم

أغنياء رضوا بأن يكونوا مع الخوالف

تخلف از احكام جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۰ - ۳۸

۳ - تجاوز از مقررات و احكام جهاد ، حرام است .

و قتلوا فى سبيل اللّه . .. و لاتعتدوا

۸ - مجاهـدان ، در صورتى كه از حـدود الهى در جنگ تجاوز كنند و يا حقوق دشـمنان را رعايت ننمايند ، از محبت خداوند محروم خواهند شد .

إن اللّه لايحب المعتدين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۹

۹ - متجاوزان از مقررات جنگ ، بايد مجازات شوند . *

فلا عدون إلا على الظلمين

تخلف از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۷۴ - ۶

۶ تخلف از جهاد ، نتيجه ارزيابى غلط از دنيا و آخرت

فليقاتل فى سبيل اللّه الّذين يشرون الحيوه الدّنيا بالاخره

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۶ - ۱۰

۱۰ سـر باز زدن از شـرکت در میدان های نبرد ، برقراری روابط پنهانی با دشـمنان و در میان نهادن اسـرار مسلمانان با آنان ، از نشانه های ضعف ایمان

أم حسبتم أن تترکوا و لما یعلم اللّه الذین جهدوا منکم و لم یتخذوا من دون اللّه و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۱۲

۱۲ ترک جهاد و سستی در پیکار با دشمنان دین ، نشانه دنیاطلبی و دلبستگی به زندگی دنیوی است .

ما لکم إذا قیل لکم انفروا

فی سبیل اللّه . .. أرضیتم بالحیوه الدنیا من الأخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۱ - ۳

۳ مشکلات و دشواری های زندگی هر چند بسیار باشد نمی تواند بهانه ای برای تخلف از جهاد قرار گیرد .

انفروا خفافاً و ثقالا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۶ - ۱۰

۱۰ گریز از جهاد با وجود داشتن قدرت و تمکن ، نشانه نفاق است .

استئذنک أولوا الطول منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۷ - ۳

۳ تخلف و فرار از جهاد ، نشانه ضعف روحی و به دور از روحیه مردانگی است .

رضوا بأن یکونوا مع الخوالف

آیه دربردارنده توبیخ است و خداوند، منافقان را به خاطر تن دادن به همنشینی زنان و خانه نشینان، مذمت کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۱۱

۱۱ تخلف از جهاد و سوگند دروغ ، علامت نفاق و نشانه پلیدی است .

یعتذرون إلیکم . .. سیحلفون باللّه ...إنهم رجس

تخلف منافقان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۵ - ۱

۱ تنها مردمان بی ایمان (منافقان) ، از پیامبر (ص) اجازه ترک جهاد می طلبیدند .

إنما یستئذنک الذین لایؤمنون باللّه و الیوم الأخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۷ - ۲

۲ عدم شرکت بی

ایمان ها و سست باوران (منافقان) در جنگ تبوک ، به خیر و صلاح مؤمنان بود نه مایه ضرر آنان .

لو خرجوا فیکم ما زادوکم إلا خبالا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۰ - ۴

۴ مباهات و اظهار شادمانی منافقان به رأی صائب خویش مبنی بر ترک جهاد ، در صورت مواجه شدن مسلمانان با شکست و مشکلات جنگ

و إن تصبک مصیبه یقولوا قد أخذنا أمرنا من قبل و یتولوا و هم فرحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱۱

۱۱ گرمی هوا ، بهانه منافقان صدر اسلام برای تخلف از جنگ و دستاویزی برای تبلیغ و بازداشتن از شرکت دیگران در جهاد

و قالوا لاتنفروا فی الحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۴

۴ سستی و تخلف منافقان از جهاد ، در روحیه محکم و مصمم پیامبر (ص) و مؤمنان راستین تأثیری نداشت .

رضوا . .. لکن الرسول ... جهدوا

تدارکات جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۵ - ۲،۳،۹،۱۰

۲ - تأمین هزینه های جهاد از وظایف اهل ایمان است .

قتلوا فی سبیل اللّه . .. و أنفقوا فی سبیل اللّه

از مصارف انفاق مطرح شده در آیه - به قرینه آیات گذشته - تأمین هزینه های جهاد است.

۳ - ارزش انفاق و تأمین هزینه های جهاد ، به < در راه خدا بودن > آن است .

و أنفقوا فی سبیل اللّه

۹

– انفاق در راه خدا و تأمین نیاز های مالی جهاد ، نشانه تقواپیشگی و خداترسی است .

واتقوا اللّه . .. و أنفقوا فی سبیل اللّه

بیان مسأله انفاق پس از امر به تقوا، می تواند اشاره به این معنا باشد که از مصادیق تقوا، انفاق کردن در راه خداست.

۱۰ – انفاق در راه خدا و تأمین نیاز های جهاد ، در پی دارنده حمایت و امداد های الهی است .

و اتقوا اللّه و اعلموا أن اللّه مع المتقین. و أنفقوا فی سبیل اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۴۵ – ۲

۲ تأمین تدارکات پیکار در راه خدا ، قرض شایسته مسلمانان به او

و قاتلوا . .. من ذا الذی یقرض اللّه قرضاً حسناً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۹۵ – ۴

۴ تأمین هزینه های مالی پیکار در راه خدا ، جهاد مالی در راه خداست .

و المجاهدون فی سبیل اللّه باموالهم و انفسهم

تداوم جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۲۷ – ۶

۶ ضرورت تداوم کشتن و به خواری کشانیدن دشمنان دین ، تا مرحله فرار آنان با ذلّت و ناامیدی از صحنه جنگ

لیقطع طرفاً . .. فینقلبوا خائبین

از اینکه خداوند اهداف یاد شده را برای پیروزی جنگ بدر می شمارد، به دست می آید که مسلمانان در نبرد خویش با مشرکان و کافران باید تا این مراحل به پیش روند و این اهداف را دنبال کنند.

– فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۲۸ – ۱۰

۱۰ ضرورت تداوم پیکار با دشمنان ، تا مرحله توبه و بازگشت و یا نابودی آنان *

لیقطع طرفاً من الّذین کفروا او یکبتهم فینقلبوا . .. او یتوب علیهم

چون پذیرش توبه مشرکان و یا عذب آنان از اهداف جنگ بدر شمرده شده است، حکایت از ضرورت تداوم نبرد با دشمنان دارد تا این مراحل و یا مراحل یاد شده در آیه سابق، تأمین شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۱۱ – ۶

۶ – ایمان پایدار به خدا و پیامبر (ص) و جهاد پیوسته و مستمر در راه خدا ، تجارتی بس سودمند و بزرگ

هل أدلّکم علی تجره . .. تؤمنون باللّه و رسوله و تجهدون فی سبیل اللّه

ترس از جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۷ – ۱۳

۱۳ فرمان جهاد ، مایه ترس برخی از مدعیان جهاد و مبارزه در صدر اسلام

فلمّا کتب علیهم القتال اذا فریق منهم یخشون النّاس کخشیه اللّه او اشدّ خشیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۶ – ۴

۴ وحشت شدید برخی از مؤمنان از حضور یافتن در جنگ بدر

کأنما یساقون إلی الموت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۳ – ۱۰

۱۰ – برخی از مؤمنان ، بر خلاف منافقان ، از جهاد و کشته شدن ، ترسی ندارند .

و إن یأت الأحزاب یودّوا لو أنّهم بادون فی الأعراب .

..من المؤمنين رجال ... قضى ن

به قرینه مقابله، احتمال دارد که آیه، در صـدد بیان روحیه مؤمنان در مقابل منافقان باشـد. در آیات سابق، از منافقانی یاد شـده است که از جهاد فرار می کردند و یا دوست داشـتند که در صـحنه جهاد، حضور نداشته باشند. در این آیه، از مؤمنانی یاد می کند که به عهد خود وفادار ماندند و تا پای جان ایستادند و این نشان می دهد که آنان، ترسی ندارند.

ترس در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۴ - ۱

۱ توجه به حاکمیّت خداوند در حیات و مرگ ، برطرف کننده ترس آدمی برای پیکار در راه او

الم تر الی الّذین . .. و قاتلوا فی سبیل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۲

۲ شایعه پراکنانی که مردم را از جهاد می ترسانند ، شیطانند .

قال لهم النّاس انّ النّاس قد جمعوا لکم . .. انّما ذلکم الشّیطان یخوّف اولیاءه

بنابر اینکه <ذلکم>، اشاره به همان مردمی باشد که مؤمنان را از جنگ می ترساندند.

ترک جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۳ - ۱۰

۱۰ فرار از جنگ ، مانع از مرگِ مقدّر شده الهی ، نیست .

فقال لهم اللّه موتوا ثمّ احیاهم . .. قاتلوا فی سبیل اللّه

بنابراینکه داستان یادشده در این آیه، مقدمه ای برای آیه بعد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۴ - ۶،۹

۶

آگاهی خداوند از موضعگیری های انسان در گفتار و انگیزه او در پیکار و ترک آن *

انّ اللّه سمیع علیم

۹ تهدید و هشدار به متخلّفان و فرارکنندگان از پیکار در راه خداوند

و قاتلوا فی سبیل اللّه و اعلموا انّ اللّه سمیع علیم

گویا <و اعلموا . .. > به قصد تهدید متخلّفان آورده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۶ - ۲۲،۲۴

۲۲ نافرمانی از دستور خداوند به پیکار علیه تجاوز و اسارت ، ستمگری است .

فلما کتب علیهم . .. و اللّه علیم بالظّالمین

۲۴ تهدید خداوند نسبت به کسانی که از پیکار در راه او رویگردانند .

تولّوا الاّ قلیلا منهم و اللّه علیم بالظّالمین

مقصود از توجّه دادن به دانایی خداوند به عملکرد ظالمانه ستم پیشگان، تهدید آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۵ - ۱۱

۱۱ بازنشستگان از جهاد ، هنگامی از پاداش الهی برخوردارند که از روی بی ایمانی ، ترک جهاد نکرده باشند .

لایستوی القاعدون من المؤمنین . .. کلاّ وعد اللّه الحسنی

چون <من المؤمنین> حال برای <القاعدون> است، می رساند که بازنشستگان از جنگ در صورتی قابل مقایسه با مجاهدان هستد که ایمانشان محفوظ باشد. یعنی بازماندنشان از جنگ در شرایطی نباشد که موجب سلب ایمان آنان گردد و یا ترک جهاد از روی بی ایمانی به فرامین خدا و رسول نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۴ - ۱۴

۱۴ توکل بر خداوند ، ناسازگار با کناره گیری از پیکار

و کوشش در راه او و بی اعتنایی به تکالیف الهی

و علی اللّه فتوکلوا . .. فاذهب انت و ربک فقتلا إنّا ههنا قعدون

تصـمیم قوم موسـی بر خانه نشـینی و سپردن میدان جنگ به خداوند و موسی(ع)، نقطه مقابل توصیه یوشع و کالب به توکل بر خدا قرار گرفته است و نشان می دهد که بر کنار ماندن از وظایف الهی، با توکل ناسازگار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۵ - ۱۱

۱۱ تمرد از فرمان جهاد ، گناه است .

و بین القوم الفسقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۵ - ۱۳

۱۳ ایمان ، ناسازگار با بی تقوایی ، ترک جهاد و بی اعتنایی به وسایل تقرب به خدا

یأیها الذین ءامنوا اتقوا اللّه و ابتغوا إلیه الوسیله و جهدوا فی سبیله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۵ - ۲

۲ اهل ایمان به هنگام حرکت به سوی دشمن و رویارویی با آنان (جهاد ابتدایی) نباید صحنه کارزار را ترک کنند .

إذا لقیتم الذین کفروا زحفا فلاتولوهم الأدبار

برداشت فوق بر این اساس است که کلمه <زحفا> حال برای فاعل <لقیتم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۴ - ۳

۳ مسـلمانانی که از هجرت به مـدینه سر باز زدنـد و یا در راه خـدا جهاد نکردنـد و یا مهاجران و دین خدا را یاری ندادند ، از دایره مؤمنان راستین خارج هستند .

و الذين ءامنوا و

هاجروا . .. أولئک هم المؤمنون حقا

<أولئک> اشاره است به هر یک از <الـذین> اول و دوم با ویژگیهایی که در توصـیف آنها آمده است. با توجه به این معنا و دلالت ضـمیر فصل (هم) بر حصـر معلوم می شود کسانی که مجموع صفات یاد شده را نداشته، اگر چه برخی از آنها را دارا باشند مؤمن حقیقی نیستند.

ترک جهاد با اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۹ - ۴

۴ لزوم متارکه جنگ با اهل کتاب ، در صورت پرداخت جزیه و تسلیم شدن ایشان در برابر حکومت اسلامی

قتلوا الذین لا یؤمنون . .. من الذین أوتوا الکتب حتی یعطوا الجزیه عن ید و هم صغرو

ترک جهاد با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۲ - ۱،۶

۱ - نباید با کفرپیشگانی که از جنگ و فتنه انگیزی دست کشیده اند ، نبرد کرد و آنان را به قتل رساند .

فإن انتهوا فإن اللّه غفور رحیم

متعلق <إنتهوا> به قرینه آیات قبل، جنگیدن و فتنه انگیزی است. جمله <فإن اللّه ...> جانشین جواب شرط می باشد و تقدیر کلام چنین است: فإن انتهوا عن القتال و الفتنه فلا تقاتلوهم و لاتقتلوهم إن اللّه غفور رحیم>.

۶ - فرمان خداوند ، مبنی بر ترک جنگ با کافرانی که دست از جنگ و فتنه برداشته اند ، پرتوی از مغفرت و رحمت اوست .

فإن انتهوا فإن اللّه غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۵،۶

۵ - لزوم

ترک جنگ با کافران ، در صورت دست برداشتن آنان از فتنه انگیزی و ایجاد مزاحمت برای گسترش دین خدا

فإن انتهوا فلا عدون إلا علی الظلمین

متعلق <إنتهوا . ..> - به قرینه فرازهای پیش - فتنه انگیزی و بازداری از حاکمیت یافتن دین الهی است. جواب شرط (فإن انتهوا) محذوف است وجمله <فلاعدوان...> جانشین آن می باشد; یعنی، پس اگر از فتنه انگیزی دست کشیدند و مانع گسترش و حاکمیت دین خدا نشدند، آنان را نکشید; زیرا تعدی تنها بر ستمکاران رواست.

۶ - در صورتی که کفرپیشگان محارب یا فتنه انگیز از کفرورزی دست بکشند ، نباید با آنان نبرد کرد .

فإن انتهوا فلا عدون إلا علی الظلمین

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که متعلق <انتهوا> کفرورزی باشد.

ترک سستی در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۴ - ۹

۹ - لزوم پرهیز از ضعف و سستی ، در میدان مبارزه و جهاد

یقتلون فی سبیله صفًّا کأنّهم بنین مرصوص

ترک مجاز جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۶ - ۱

۱ جواز روی برتافتن از جبهه نبرد به منظور در اختیار گرفتن موضعی جدید علیه دشمن یا پیوستن به گروهی از همرزمان خویش

و من یولهم یومئذ دبره إلا متحرفا لقتال او متحیزا إلی فئه

<تحرف> به معنای روی گرداندن از محلی به اطراف آن محل است. بنابراین <تحرف للقتال> یعنی روی گرداندن از دشمن به منظور انتخاب جبهه ای دیگر برای نبرد. و <تحیز> به معنای جای گرفتن است و چون به <إلی> متعدی شده معنای پیوستن

نیز در آن اشراب شده است. گفتنی است مراد از <فئه> گروهی است که در آن میدان مشغول پیکار هستند.

تشریع جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۷

۷ تقدّم تشریع نماز و زکات بر تشریع جهاد

الم تر الی الّذین . .. اقیموا الصلوه و اتوا الزکوه فلمّا کتب علیهم القتال

بنابر اینکه مراد از <فلمّا کتب> بیان اصل وجوب جهاد باشد، نه فراهم آمدن زمینه آن.

تشویق به تسریع در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱ - ۳

۳ - تاختن اسبان در راه جهاد و شتاب برای رسیدن به میدان نبرد ، مورد ترغیب خداوند

و العدیت ضبحًا

تشویق به جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۴ - ۷

۷ توجّه و ایمان به علم مطلق خداوند ، برانگیزاننده آدمی برای اقدام به پیکار در راه او

و قاتلو فی سبیل اللّه و اعلموا انّ اللّه سمیع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۵

۵ تشویق مسلمانان از سوی خداوند برای همگامی با پیامبر اسلام (ص) در جهاد و سرزنش آنان که در برابر دشمنان دین ،

ضعف و زبونی به خود راه دهند .

و کایّن من نبیّ قاتل معه ربیّون کثیر فما وهنوا لما اصابهم فی سبیل اللّه

از اهداف یادآوریِ سلحشوری پیشینیان، تشویق مؤمنان به همگامی با پیامبر اسلام (ص) است. و نیز سرزنش کسانی است که در جنگ اُحُد، سستی کرده

و از خود ضعف و زبونى نشان دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۹ - ۱۵

۱۵ تشويق و ترغيب به جهاد و شهادت در راه خدا

و لا تحسبنّ الّذين قتلوا فى سبيل اللّه امواتا بل احيآء عند ربّهم يرزقون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۰ - ۱۵

۱۵ ترغيب به جهاد و شهادت در راه خدا

فرحين بما اتيهم اللّه من فضله . .. و لا هم يحزنون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۱۳

۱۳ تشويق خداوند به جهاد ، همراه با نيكوكارى و تقوا

الّذين استجابوا للّه . .. للّذين احسنوا منهم و اتّقوا اجر عظيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۱۸

۱۸ ترغيب مؤمنان از سوى خداوند به رويارويى و جهاد با دشمنان دين

انّما ذلكم الشّيطان . .. فلا تخافوهم و خافون ان كنتم مؤمنين

جمله <اگر ايمان دارى از دشمنان دين نهراسيد>، خطاب به كسانى است كه مدعى ايمان هستند و به هدف ترغيب آنان به رويارويى با دشمن ايراد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۸۴ - ۶

۶ پیامبر (ص) ، مأمور برانگیختن و تشویق مؤمنان به جهاد در راه خدا

فقاتل فی سبیل اللّه . .. و حرّض المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۵ - ۲،۳

۲

بهره مندی تشویق کنندگان به جهاد ، از نتایج اعمال مجاهدان

و حرّض المؤمنین . .. من یشفع شفاعه حسنه یکن له نصیب منها

به مقتضای ارتباط بین این آیه و آیه قبل، تشویق مسلمانان به جهاد، می توانـد مصـداق مورد نظر از وساطت و شـفاعت حسـنه باشد. چون تحریض و تشویق برای جهاد در راه خدا، نوعی وساطت و سببیّت برای انجام آن است.

۳ ارزشمندی تشویق مردم به جهاد در راه خدا

و حرّض المؤمنین . .. من یشفع شفاعه حسنه یکن له نصیب منها

چون تحریک مردم به جهاد، <شفاعه حسنه> نامیده شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۹۵ – ۱۶

۱۶ ترغیب مؤمنان به جهاد و بذل مال و جان در راه خدا

لایستوی القاعدون . .. و المجاهدون ... فضّل اللّه المجاهدین علی القاعدین اجراً عظ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۶۵ – ۲

۲ تشویق و تحریک اهل ایمان برای پیکار با کافران ، وظیفه ای الهی بر عهده پیامبر (ص)

یأیها النبی حرض المؤمنین علی القتال

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۳ – ۱،۲

۱ تشویق و تشجیع مسلمانان صدر اسلام به جنگ با مشرکان پیمان شکن و توطئه گر علیه پیامبر (ص)

ألا تقتلون قوماً نکثوا أیمنهم و همّوا بإخراج الرسول

۲ تشویق و تشجیع مسلمانان به پیکار با سران شرک و کفر

فقتلوا أئمه الكفر . .. ألا تقتلون قوماً نكثوا أيمنهم و همّوا بإخراج الرسول

جلد – نام سوره – سوره

- آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۲

۲ تهییج مسلمانان ، از سوی خداوند برای جهاد و یاری رساندن پیامبر (ص)

إلا تنصروه فقد نصره اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۴ - ۵

۵ - تشویق و ترغیب مؤمنان صدراسلام از سوی خداوند ، به جهاد و پیکار در راه او

إنّ اللّه یحبّ الذین یقتلون فی سبیله

تشویق مسلمانان مدینه به ترک جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۱،۲

۱ - عده ای از منافقان ، مسلمانان شرکت کننده در غزوه احزاب را ، به ترک جهاد وسوسه می کردند .

و إذ قالت طائفه منهم یأهل یثرب لامقام لکم فارجعوا

۲ - منافقان برای ماندن مسلمانان به همراه پیامبر (ص) در غزوه احزاب باتوجه به هجوم دشمن وجهی منطقی قائل نبودند و آنان را به ترک غزوه ، دعوت می کردند .

قالت طائفه منهم یأهل یثرب لامقام لکم فارجعوا

تصمیم به جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۵ - ۴

۴ حق تصمیم گیری درباره جهاد از آن مهاجران نخستین بود .

جهدوا معکم

کلمه <معکم> در <جهدوا معکم> (در کنار شما جهاد کنند) می تواند ناظر به برداشت فوق باشد. چنانچه مخاطبان <معکم> خصوص مهاجران باشند، برداشت فوق از اتقان بیشتری برخوردار است.

تقوا در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۵ - ۴

۴ دعوت و تشویق اهل

ایمان به پیشه ساختن صبر و تقوا ، در رویارویی با دشمن

ان تصبروا و تتّقوا و یأتوکم من فورهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۱۳،۱۴

۱۳ تشویق خداوند به جهاد ، همراه با نیکوکاری و تقوا

الّذین استجابوا للّه . .. للّذین احسنوا منهم و اتّقوا اجر عظیم

۱۴ خوب عمل کردن در جنگ (احسان) و تخلف نکردن از مقررات جنگی (تقوا) ، شرط پاداش بزرگ خداوند برای مجاهدان

الّذین استجابوا للّه . .. للّذین احسنوا منهم و اتّقوا اجر عظیم

در برداشت فوق، متعلق <احسان>، جنگ گرفته شده است ; یعنی در جنگ خوب عمل کنند. همچنین متعلق <اتّقوا>، مقررات جنگی (مانند پیروی از فرماندهی) گرفته شده است.

تقویت روحیه در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۴ - ۶

۶ توجه تقواپیشگان به آگاهی خداوند به احوالشان ، مایه دلگرمی آنان در جهاد

أن یجهدوا . .. و اللّه علیم بالمتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۷ - ۱۴

۱۴ دلداری خداوند به مؤمنان ، به منظور رفع نگرانی آنان ، به دنبال تخلف کردن گروهی از شرکت در جنگ تبوک

إنما یستئذنک الذین لایؤمنون . .. لو خرجوا فیکم ما زادوکم إلا خبالا ... و اللّه ع

تکبر متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۳ - ۸

۸ متخلفان از جهاد ، مردمانی خودمحور و بی عاطفه در برخورد با مجاهدان و

حوادث روی داده بر آنان

فان اصابتکم مصیبه قال قد انعم اللّه علیّ . .. و لئن اصابکم فضل من اللّه لیقولنّ

تنبلی در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۹ - ۱

۱ نباید اهل ایمان در هنگامه های دشوار (رویارویی با دشمنان) ، سستی و اندوهی به خویش راه دهند .

یا ایّها الّذین امنوا . .. و لا تهنوا و لا تحزنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۲ - ۱

۱ کندی و سستی برخی مسلمانان عصر پیامبر (ص) ، از شرکت در جهاد

و انّ منکم لمن لیبطّئنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۴ - ۱۲

۱۲ امتناع و کوتاهی مسلمین از شرکت در غزوه بدر صغرا

فقاتل فی سبیل اللّه . .. و حرّض المؤمنین عسی اللّه

قابل ذکر است که مورخین از این غزوه به نامهای مختلفی بدر الصغراء، بدر الموعد، بدر الآخره و بدر الاخیره یاد کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۲ - ۴

۴ تهدید خداوند نسبت به عناصر سست بنیاد در جبهه پیکار مسلمانان با دشمنان

و اللّه سمیع علیم. اذ همّت طائفتان منکم ان تفشلا

بنابر اینکه کلمه <اذ>، متعلّق به دو صفت <سمیع> و <علیم> باشد. یعنی خداوند، سخنان پنهانی آنان را که تصمیم به کوتاهی در نبرد داشتند، می شنید و از اندیشه آنان، آگاه بود. و تذکر شنوایی و دانایی خداوند در موارد

تخلف و گناه، دلالت بر تهدید نسبت به متخلّفین دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۱۰،۱۷،۲۶

۱۰ سستی ، تفرقه و سرپیچی برخی پیکارگران احد از فرمان پیامبر (ص) ، پس از پیروزی ابتدایی بر دشمنان

حتّی اذا فشلتم . .. من بعد ما اریکم ما تحبّون

گر چه ظاهر خطاب در <فشلتم و تنازعتم . .. و عصیتم> به تمامی مسلمانان در جنگ احد است، ولی به قرینه تقسیم آنان در دنباله آیه به دو گروه دنیاطلب و آخرت طلب، معلوم می شود مراد از مخاطبین <فشلتم ... >، گروهی از مسلمانان بوده اند و نه همه آنان.

۱۷ دنیاطلبی و دلدادگی به مادّیات ، از عوامل سستی در مبارزه و رویارویی با دشمنان دین

حتّی اذا فشلتم و . .. منکم من یرید الدّنیا

۲۶ سستی در نبرد با دشمن ، نزاع و پراکندگی و تخلف از دستورات فرماندهی ، گناه و موجب استحقاق عقاب

حتّی اذا فشلتم . .. و لقد عفا عنکم

ظاهر کلمه عفو این است که گناهی صورت گرفته باشد و گناه در این مورد همان سستی و نزاع و سرپیچی از دستورات فرماندهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۱۳

۱۳ بی صبری در برابر مشکلات ، سستی در مقابل دشمنان و حفاظت نکردن از مرز های کشور اسلامی ، بی تقوایی است .

اصبروا و صابروا و رابطوا و اتّقوا اللّه

توصیه به جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲

۱ - جهاد خالصانه و همه جانبه (جهاد با جان و مال) در راه خدا ، توصیه الهی به اهل ایمان

و جهدوا فی اللّه حقّ جهاده

تقیید <جاهدوا> به <حقّ جهاده>، ظهور در این معنا دارد که مؤمنان باید تمامی توان خود را در راه خدا به کار گیرند و هرچه دارند (جان و مال) در این راه نثار کنند.

توکل در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۱ - ۴

۴ اتکای مؤمنان راستین بر ولایت و حمایت خداوند ، در جهاد و اقدام به تکالیف

قل لن یصیبنا إلا ما کتب اللّه لنا هو مولینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۳ - ۱۷

۱۷ نهراسیدن از کثرت دشمن و توکّل بر خدا در رویارویی با آنان ، از نشانه های مؤمنان پیرو خدا و رسول (ص)

الّذین استجابوا للّه و الرّسول . .. و قالوا حسبنا اللّه و نعم الوکیل

تهدید مانعان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۸ - ۱

۱ - بازدارندگان مجاهدان از جهاد ، مورد تهدید خداوندند .

قد یعلم اللّه المعوّقین منکم

<معوّق> از ریشه <عوق> به بازدارنده اطلاق می شود (مفردات راغب). لازم به ذکر است که <قد یعلم...> کنایه از تهدید و هشدار است.

تهدید متخلفان از جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۴ – ۴

۴ روی گردانان از جهاد ، به خاطر علقه های عاطفی

(محبت پدر ، فرزند ، برادر ، همسر و خویشاوندان) و دلبستگی مادی (مال ، شغل و مسکن) مورد تهدید خداوند

قل إن كان ءاباؤكم . .. و أمول اقترفتموها و ... أحب إليكم ... و جهاد فی سبيله فتر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۳۹ – ۲

۲ امتناع کنندگان از جهاد ، مورد تهدید خدا به عذابی سخت و دردناک

إلا تنفروا يعذبكم عذاباً أليماً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۱ – ۱۴

۱۴ منافقان متخلف از جنگ ، مورد تهدید خداوند به آتش سوزان دوزخ

قل نار جهنم أشد حراً لو كانوا يفقهون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۴ – ۱۰،۱۸

۱۰ خداوند ، توانمندان متخلف از جهاد را به امکان رسوایی بیشتر در صورت ادامه دادن به تخلف ها تهدید کرد .

و سيرى اللّه عملكم و رسوله

جمله <سیری اللّه عملکم و رسوله> می تواند هشداری باشد به متخلفان جنگ در جهت بازداشتن ایشان از کجرویها در آینده.

۱۸ تهدید متخلفان از جنگ و منافقان ، به رسوایی و افشای اسرارشان در آخرت از سوی خداوند

فينبئكم بما كنتم تعملون

تهدید معرضان از جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۸ - ۷

۷ - مسلمانانی که شرکتشان در جهاد ، اندک بود مورد تهدید خداوندند .

و لایأتون البأس إلّا قلیلاً

جمله <و لایأتون. ..> احتمال دارد که مستقل باشد و احتمال دارد که حال برای <المعوّقین> و یا

<القائلین> باشد. در صورت نخست، این فراز از آیه، سومین گروهی خواهند بود که متعلق <یعلم اللّه>اند. لازم به گفتن است که مراد از <البأس > که به معنای <سختی و شدت> است به قرینه مقام، جنگ است. <یعلم اللّه> کنایه از تهدید و هشدار است.

تهییج در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۲ - ۹

۹ خداوند ، مجاهدان بدر را به در هم کوبیدن سر های کافران و از کار انداختن پنجه های آنان ، تهییج کرد .

فاضربوا فوق الأعناق و اضربوا منهم کل بنان

برداشت فوق بر این اساس است که خطاب در جمله <فاضربوا . .. > متوجه مجاهدان باشد. جمله <و ما جعله اللّه إلا بشری> در آیه دهم، که مسؤولیت فرشتگان را تنها بشارت دهی اعلام کرد، می تواند مؤید این احتمال باشد.

جرم اخلال در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۲ - ۶

۶ تخلف از جهاد و فرمان رسول خدا (ص) و اخلال در بسیج و تجهیز سپاه اسلام ، جرمی است بزرگ .

خلف رسول اللّه . .. قالوا لاتنفروا ... قل نار جهنم ... جزاء بما کانوا یکسبون

جرم تخلف از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۲ - ۶

۶ تخلف از جهاد و فرمان رسول خدا (ص) و اخلال در بسیج و تجهیز سپاه اسلام ، جرمی است بزرگ .

خلف رسول اللّه . .. قالوا لاتنفروا ... قل نار جهنم

... جزاء بما کانوا یکسبون

جهاد ابتدایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۹

۹ - فتنه انگیزی کافران ، مجوز نبرد با ایشان است ، هر چند که با مسلمانان سر جنگ نداشته باشند .

و قتلوا فی سبیل اللّه یقتلونکم . .. الفتنه أشد من القتل

جمله <والفتنه أشد من القتل>، به اصطلاح اصولیین حاکم بر <الذین یقاتلونکم> است و موجب توسعه در موضوع حکم مطرح شده در آیه قبل می شود; یعنی، آیه قبل بیان داشت که با کافران حربی نبرد کنید و جمله <الفتنه . ..> بیان می کند که فتنه انگیزی به منزله جنگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۷ - ۵۸

۵ جامعه ایمانی ، وظیفه دار پیکار در راه خدا و یا دست کم دفاع از وطن و کیان خویش

تعالوا قاتلوا فی سبیل اللّه او ادفعوا

۸ پیکار با دشمنا دین (جهاد ابتدایی) و دفاع در برابر هجوم آنان (جهاد دفاعی) ، دو تکلیف الهی بر عهده جامعه ایمانی *

قاتلوا فی سبیل اللّه او ادفعوا

بنابر اینکه دعوت مطرح شده در آیه، بیان حکم جهاد باشد، نه دعوت برای حضور در نبردی خاص و مقطعی. بنابراین جمله <قاتلوا ... >، ناظر به جهاد ابتدایی و جمله <او ادفعوا> ناظر به جهاد دفاعی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۱۲

۱۲ رهایی مستضعفان موحد ، مجوّز جهاد ابتدایی

و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل اللّه و المستضعفین

. .. الّذین یقولون ربّنا اخرجنا م

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۵ - ۲

۲ اهل ایمان به هنگام حرکت به سوی دشمن و رویارویی با آنان (جهاد ابتدایی) نباید صحنه کارزار را ترک کنند .

إذا لقیتم الذین کفروا زحفا فلاتولوهم الأدبار

برداشت فوق بر این اساس است که کلمه <زحفا> حال برای فاعل <لقیتم> باشد.

جهاد انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۶

۶ حضور مستقیم پیامبران الهی ، در صحنه های پیکار علیه دشمنان

و کایّن من نبیّ قاتل معه ربیّون کثیر . .. فی سبیل اللّه

جهاد با اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۹ - ۱

۱ فرمان خدا به نبرد با اهل کتاب ، به دلیل عدم ایمان آنان به خدا و آخرت و عدم پرهیزشان از محرمات الهی و پایبند نبودن به دین حق

قتلوا الذین لا یؤمنون . .. من الذین أوتوا الکتب

جهاد با اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۴ - ۶

۶ - رخ دادن درگیری هایی منتهی به پیروزی مؤمنان بر مکیان ، قبل از انعقاد صلح حدیبیه *

من بعد أن أظفركم عليهم

در صورتی که مراد از <بطن مکّه> سرزمین حدیبیه باشد; احتمال می رود که تعبیر <من بعد أن أظفر> بیانگر درگیری های محدودی باشد که قبل از انعقاد صلح حدیبیه، میان کافران و مؤمنان صورت گرفت و به پیروزی مؤمنان منتهی گردید.

جهاد با جالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۰ - ۳

۳ نیرو های اندک طالوت با امید به نصرت الهی ، به جنگ با جالوتیان رفتند .

و لمّا برزوا الجالوت . .. و انصرنا علی القوم الکافرین

جهاد با جان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۲ - ۲

۲ شرکت در جهاد با مال و جان از سوی مجاهدان و یاری مهاجران از سوی انصار ، شرط برخورداری هر یک از ولایت مقرر شده از جانب خدا

إن الذین ءامنوا و هاجروا . .. أولیاء بعض

مشارالیه <أولئک> و مرجع ضمیر در <بعضهم>، <الذین> اول و دوم، با تمام صفاتی که برای آنان ذکر شد، است. یعنی مؤمنان مهاجر مثلا اگر جهاد نکنند و یا مؤمنان ساکن در مدینه اگر مهاجران را یاری ندهند از حقوق ولایت برخوردار نیستند.

جهاد با حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۴

۴- پیامبر (ص) ، مشرکان و کافران لجوج و حق ناپذیر را به جنگ و جهاد تهدید کرد .

فإن تولّوا فقل ءاذنتکم علی سواء

برداشت یاد شده بر اساس یکی از احتمالاتی است که میان مفسران در باره این آیه مطرح است و آن این که جمله <آذنتکم علی سواء> تهدید به جنگ و هشدار به جهاد است. مانند آیه <فانبذ إلیهم علی سواء> (انفال (۸) آیه ۵۸).

جهاد با دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹

- ۳،۵،۱۵

۳ آمادگی بنی اسرائیل برای پیکار با دشمنان ، پس از پذیرش زمامداری طالوت ، با مشاهده آن صندوق خاص

ان ایه مُلکه . .. فلمّا فَصَل طالوت بالجنود

بسیج لشکریانی از بنی اسرائیل، با وجود تردید سابق آنان نسبت به فرماندهی طالوت، دلالت بر جمله ای محذوف دارد; یعنی پس از آمدن تابوت، به فرماندهی طالوت گردن نهادند و آماده نبرد شدند و آنگاه طالوت آنان را بسیج کرد.

۵ همراهی جمعیّت انبوهی از بنی اسرائیل با طالوت ، در آغاز حرکت وی برای پیکار با متجاوزان

فلمّا فصل طالوت بالجنود

کلمه <جُند> به معنای جمعیّت انبوه و متراکم است. آوردن این کلمه به صورت جمع (جنود) دلالت بر کثرت لشکریانی دارد که با طالوت بسیج شدند.

۱۵ عدم تغییر عزم طالوت در پیکار با متجاوزان ، علی رغم نافرمانی بیشتر لشکریان و طرد آنان از سوی وی

فشربوا منه الاّ قلیلا منهم فلمّا جاوَزَه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۰ - ۲

۲ ضرورتِ نیایشِ با خداوند ، در هنگامه پیکار با دشمنان

و لمّا برزوا الجالوت و جنوده قالوا ربّنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۲ - ۱۷

۱۷ رشد معنویات ، موجب استواری بیشتر در رویارویی با دشمن

اذ همّت . .. و علی اللّه فلیتوکّل المؤمنون

جمله <و اللّه ولیّهما> و نیز جمله <و علی اللّه . .. >، علاوه بر بیان یک معرفت دینی، برای تقویت مسلمانان در رویارویی با دشمنان، نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران

- ۳ - ۱۲۵ - ۱،۳،۴،۱۲

۱ کفایت فرشتگان امدادگر ، برای پیروزی رزمندگان در برابر دشمنان

الن یکفیکم . .. بلی ان تصبروا

۳ در هنگام ضرورت (همانند یورش شتابان دشمنان دین) ، صبر و تقوا ، تضمین کننده نزول فرشتگان برای امداد مؤمنان

ان تصبروا و تتّقوا و یأتوکم من فورهم هذا یمددکم ربّکم بخسمه الاف

۴ دعوت و تشویق اهل ایمان به پیشه ساختن صبر و تقوا ، در رویارویی با دشمن

ان تصبروا و تتّقوا و یأتوکم من فورهم

۱۲ محرومیّت از امداد های ویژه الهی در رویارویی با دشمنان دین ، پیامد بی صبری و بی تقوایی

ان تصبروا و تتّقوا . .. یمددکم ربّکم بخسمه الاف من الملئکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۸ - ۱۰

۱۰ ضرورت تداوم پیکار با دشمنان ، تا مرحله توبه و بازگشت و یا نابودی آنان *

لیقطع طرفاً من الّذین کفروا او یکبتهم فینقلبوا . .. او یتوب علیهم

چون پذیرش توبه مشرکان و یا عذب آنان از اهداف جنگ بدر شمرده شده است، حکایت از ضرورت تداوم نبرد با دشمنان دارد تا این مراحل و یا مراحل یاد شده در آیه سابق، تأمین شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۳ - ۷

۷ امید نیل به آمرزش الهی و بهشت ، برانگیزنده اهل ایمان برای شرکت در نبرد با دشمنان

یا ایّها الّذین امنوا . .. و اطیعوا اللّه و الرّسول ... سارعوا الی مغفره من ربّک

چون آیات پیشین درباره نبرد و رویارویی با کافران بود،

گویا آیات مورد بحث به منظور دستورالعملی است برای اینکه جامعه ایمانی را به گونه ای تربیت کند که دیگر همچون نبرد اُحُد، دلبسته به دنیا نباشد و دچار دلهره و ترس نگردد تا همیشه بر دشمنان دین غالب شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۹

۹ سستی ، کرنش و زبونیِ اهل ایمان در برابر دشمنان دین ، ناپسند است .

فما وهنوا . .. و ما ضعفوا و ما استکانوا

صفات شمرده شده برای مردان الهی پس از واقعه احد، تعریض به مسلمانانی است که در آن نبرد، سستی و ضعف به خود راه دادند. از این رو صفات یاد شده، زیبنده مؤمنان واقعی و مردان الهی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۷ - ۸،۱۳

۸ پیکار با دشمنا دین (جهاد ابتدایی) و دفاع در برابر هجوم آنان (جهاد دفاعی) ، دو تکلیف الهی بر عهده جامعه ایمانی *

قاتلوا فی سبیل اللّه او ادفعوا

بنابر اینکه دعوت مطرح شده در آیه، بیان حکم جهاد باشد، نه دعوت برای حضور در نبردی خاص و مقطعی. بنابراین جمله <قاتلوا ... >، ناظر به جهاد ابتدایی و جمله <او ادفعوا> ناظر به جهاد دفاعی است.

۱۳ سرباز زدن از حضور در پیکار با دشمنان دین و دفاع از کیان اسلامی ، از نشانه های نفاق

و لیعلم الّذین نافقوا . .. لو نعلم قتالاً لاتّبعناکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۱۲

نیاز مبرم پیامبر (ص) به نیرو های مجاهد برای مقابله با دشمن ، پس از نبرد احد

الّذین استجابوا للّه و الرسول من بعد ما اصابهم القرح

فراخوانی نیروهـای مجروح جنـگ احـد برای نبردی دیگر، چنـانچه در شـأن نزول آمـده است، حکایت از نیاز مبرم به نیروهای مجاهد دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۶،۱۸

۶ شیطان مؤمنان را از رویارویی با دوستانش می ترساند .

انّما ذلکم الشّیطان یخوّف اولیاءه

بنابر اینکه مفعول اوّل از فعل <یخوّف>، یعنی <کُم>، در تقدیر باشد. یعنی شـیطان شـما را از دوسـتانش می ترساند. جمله <فلا تخافوهم>، این احتمال را تأیید می کند.

۱۸ ترغیب مؤمنان از سوی خداوند به رویارویی و جهاد با دشمنان دین

انّما ذلکم الشّیطان . .. فلا تخافوهم و خافون ان کنتم مؤمنین

جمله <اگر ایمان داری از دشـمنان دین نهراسـید>، خطاب به کسانی است که مدعی ایمان هستند و به هدف ترغیب آنان به رویارویی با دشمن ایراد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۹ - ۵

۵ یادآوری امداد های الهی به مجاهدان راه خدا مایه نهراسیدن از مقابله با دشمنان دین

إذ تستغیثون ربکم فاستجاب لکم

هدف از یادآوری امدادهای غیبی به مجاهدان، ترغیب مؤمنان به نهراسیدن از مبارزه با دشمنان دین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۶ - ۱

۱ جواز روی برتـافتن از جبهه نبرد به منظور در اختیـار گرفتن موضـعی جدیـد علیه دشـمن یـا پیوسـتن به گروهی از همرزمـان خویش

و

من يولهم يومئذ دبره إلا متحرفا لقتال او متحيزا إلى فئه

<تحرف> به معنای روی گرداندن از محلی به اطراف آن محل است. بنابراین <تحرف للقتال> یعنی روی گرداندن از دشمن به منظور انتخاب جبهه ای دیگر برای نبرد. و <تحیز> به معنای جای گرفتن است و چون به <إلی> متعدی شده معنای پیوستن نیز در آن اشراب شده است. گفتنی است مراد از <فئه> گروهی است که در آن میدان مشغول پیکار هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۰ - ۵

۵ حرمت روی برتافتن از حکم رسول خدا در نبرد با دشمنان دین

أطیعوا اللّه و رسوله و لا تولوا عنه و أنتم تسمعون

با توجه به اینکه آیات پیشین این بخش از سوره درباره جنگ و مبارزه با دشمنان دین است، مصداق مورد نظر از جمله <أطیعوا> و <لاتولوا عنه> روی برتافتن از فرمانهای آن حضرت در مبارزه و نبرد با دشمنان دین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۷

۷ ضرورت پایداری در مقابل دشمنی با نیرویی ده برابر ، مشروط به این است که رزمجویان اهل ایمان کمتر از بیست نفر نباشند .

إن یکن منکم عشرون صبرون یغلبوا مائتین

رساندن معنای مقصود، یعنی لزوم مقاومت یک بر ده، با جمله ای کوتاهتر از آنچه آمده ممکن بود. بنابراین تطویل آن با ذکر دو مثال حاوی نکاتی است ; از جمله این احتمال که نسبت یاد شده و حکم مترتب بر آن در صورتی است که نفرات اهل ایمان بیست نفر و یا بیشتر باشند

و اگر کمتر باشند این حکم جاری نیست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۶۶ – ۲،۴،۱۲

۲ حکم بر پایداری در مقابل دشمنان و حدود و شرایط آن ، در اختیار خداوند است .

الئن خفف اللّه عنکم و علم أن فیکم ضعفا

۴ بروز ضعف در جامعه ایمانی صدر اسلام ، موجب تخفیف حکم پایداری در برابر دشمنان شد .

الئن خفف اللّه عنکم و علم أن فیکم ضعفا

۱۲ مؤمنان صابر و مقاوم در برابر دشمنان دین از امداد های های بهره مند خواهند شد .

و اللّه مع الصبرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۳۸ – ۲

۲ ملاک وجوب شرکت مسلمانان در پیکار با دشمنان ، دفاع از اسلام و سرزمین آن است ، نه خصوصیات رهبری جامعه و صلاحیت و عدم صلاحیت وی برای فراخوانی به جنگ .

یأیها الذین ءامنوا ما لکم إذا قیل لکم انفروا فی سبیل اللّه

به کارگیری فعل مجهول (قیل) و عدم ذکر نام و خصوصیات کسی که فرمان جهاد را صادر می کند، مفید برداشت فوق است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۱ – ۱۳

۱۳ لزوم حضور فعال در میدان های نبرد علیه دشمنان راه خدا و بیم نداشتن از کشته شدن

یقتلون فی سبیل اللّه فیقتلون و یقتلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۱ - ۱

۱ خروج پیامبر (ص) در صبحگاهان از میان خانواده خویش ، برای برپا

نمودن پایگاه های جنگی برای مؤمنان ، در مصاف با دشمنان

و اذ غدوت من اهلک تبوّیء المؤمنین مقاعد للقتال

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۰۴ – ۴،۸،۱۱،۱۶

۴ سختی ها و رنج های ناشی از رویارویی با دشمنان دین ، نباید موجب سستی در پیکار با آنان شود .

و لاتهنوا . .. ان تکونوا تألمون فانهم یألمون کما تألمون

۸ امید مجاهدان به پاداش و نصرت الهی ، زمینه تقویت روحیه و سستی نکردن آنان در رویارویی با دشمنان دین

و لاتهنوا . .. و ترجون من اللّه ما لایرجون

۱۱ ضرورت امیدواری و اتکال مجاهدان به خداوند در رویارویی با دشمان

و ترجون من اللّه ما لایرجون

جمله خبریه <ترجون من اللّه> می تواند ارشاد و توصیه به مجاهدان باشد که باید همواره به یاری و کمک خداوند دل بندند.

۱۶ دشواری ها و سختی های پیش آمده برای اهل ایمان به هنگام نبرد با دشمنان ، دارای حکمت و مصلحت

ان تکونوا تألمون . .. و کان اللّه علیماً حکیماً

توصیف خداوند به <حکیماً>، پس از بیان علم خداوند به دردها و مصیبتهای اهل ایمان، برای رساندن این معناست که این رنجها و گرفتاریها دارای حکمت و مصلحت است و لذا از آن جلوگیری نمی کند، نه اینکه از دید خداوند مخفی باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۶ – ۲

۲ – اخبار الهی از نبرد قریب الوقوع مسلمانان با دشمنی نیرومند ، پس از جنگ خیبر

قل للمخلّفین من الأعراب ستدعون إلی قوم أولی بأس شدید

جهاد با دشمنان دین

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۲۷،۳۱

۲۷ - استقامت و پایداری در جنگ علیه دشمنان دین ، از مشخصه های ابرار

و لکن البر من . .. الصبرین فی البأساء و الضراء حین البأس

۳۱ - مجاهدانی که در نبرد با دشمنان دین استقامت میورزند ، تقواپیشگان حقیقی هستند .

الصبرین . .. حین البأس ... أولئک هم المتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۵ - ۱۴،۲۱

۱۴ - لزوم جهاد و پیکار بی امان با دشمنان دین و عدالت

و أنزلنا معهم الکتب و المیزان . .. و أنزلنا الحدید

واژه <حدید> در آیه شریفه مجازاً در معنای جهاد و قتال به کار رفته است; یعنی، ما فرمان قتال با دشمنان را، به همراه پیامبران نازل کردیم.

۲۱ - دین داران راستین ، کسانی اند که به یاری خدا برمی خیزند و با دشمنان دین او به جهاد و پیکار می پردازند ، در حالی که او را نمی بینند .

من ینصره و رسله بالغیب

جهاد با رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲ - ۸،۱۱،۱۲

۸ خداوند ، مسلمانان صدر اسلام را به پیکار با سران و پیشوایان شرک و کفر ، در صورت نقض پیمان صلح از سوی آنان ، فراخواند .

و إن نکثوا أیمنهم . .. فقتلوا أئمه الکفر

۱۱ نابودی عوامل اصلی کفر و شرک ، هدف عمده و اساسی پیکار اسلام با کافران و مشرکان

فقتلوا أئمه الکفر

۱۲ پیکار با سران شرک و کفر ، به منظور

وادار کردن آنان به رعایت عهد و پیمان و بازداشتن ایشان از ضربه زدن به اسلام و مسلمانان است .

و إن نکثوا أیمنهم . .. فقتلوا أئمه الکفر ... لعلهم ینتهون

جهاد با شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۰ - ۴

۴ - دست یابی به خواسته ها و مقاصد مهم بشر (چون هجرت ، جهاد ، کسب دانش و . . .) از حکمت های آفرینش شتران *

و لتبلغوا علیها حاجه فی صدورکم

تنوین <حاجه> برای تفخیم است و مقید شدن حاجت به <فی صدورکم> (حاجتی که در دل دارید) نشانگر این نکته است که شتران افزون بر تأمین نیازهای مادی و خوراکی بشر، وسیله ای مناسب برای دست یابی بشر (به ویژه بشر آن روز) به مقاصد و منافع مهم (چون هجرت، جهاد، کسب دانش و . ..) می باشند.

جهاد با ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۹ - ۳

۳ - پیکار با دشمن مهاجم و ستم پیشه ، حق مشروع ستمدیدگان

أُذن للذین یقتلون بأنّهم ظلموا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۳

۳ - جنگ و پیکار آوارگان با زورگویانی که آنان را به جرم ایمان و خداخواهی از سرزمین شان بیرون کردند ، حقی است مشروع که خدا به آنان داده بود .

أُذن للذین یقتلون . .. الذین أُخرجوا من دیرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ - لزوم جهاد و

پیکار بی امان با دشمنان دین و عدالت

و أنزلنا معهم الکتب و المیزان . .. و أنزلنا الحدید

واژه <حدید> در آیه شریفه مجازاً در معنای جهاد و قتال به کار رفته است; یعنی، ما فرمان قتال با دشمنان را، به همراه پیامبران نازل کردیم.

جهاد با قدرت برتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۹

۹ لزوم پایداری صد مؤمن در برابر دویست کافر و هزار مؤمن در برابر دو هزار کافر تا تحقق پیروزی بر آنان

فإن یکن منکم مائه صابره یغلبوا مائتین و إن یکن منکم ألف یغلبوا الفین

جهاد با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۰ - ۱

۱ - وجوب نبرد با کافران ، در صورتی که با مسلمانان سرجنگ داشته باشند .

و قتلوا فی سبیل اللّه الذین یقتلونکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۹

۹ - فتنه انگیزی کافران ، مجوز نبرد با ایشان است ، هر چند که با مسلمانان سر جنگ نداشته باشند .

و قتلوا فی سبیل اللّه یقتلونکم . .. الفتنه أشد من القتل

جمله <والفتنه أشد من القتل>، به اصطلاح اصولیین حاکم بر <الذین یقاتلونکم> است و موجب توسعه در موضوع حکم مطرح شده در آیه قبل می شود; یعنی، آیه قبل بیان داشت که با کافران حربی نبرد کنید و جمله <الفتنه . ..> بیان می کند که فتنه انگیزی به منزله جنگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ -

۱،۳ - ۱۹۳

۱ - نبرد با کافران ، تا برطرف شدن فتنه های آنان ، وظیفه ای ضروری بر عهده مسلمانان

و قتلوهم حتی لاتکون فتنه

۳ - نبرد با کافران ، تا حاکمیت یافتن دین خدا در پهنه گیتی ، فرمان خداوند به اهل ایمان

و قتلوهم حتی لاتکون فتنه و یکون الدین للّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۷ - ۷

۷ ضرورت بسیج تمامی نیرو های مؤمن و غیر مؤمن از سوی رهبری جامعه دینی برای رویارویی با هجوم کافران

و قیل لهم تعالوا قاتلوا فی سبیل اللّه او ادفعوا

بنابر اینکه دعوت مطرح شده در آیه، یک دعوت موردی و خاص باشد، نه بیانگر اصل وجوب جهاد و دفاع، الزاماً مخاطبان در آیه دو گروه خواهند بود: گروهی که <للّه> و <فی سبیل اللّه> در صحنه پیکار حاضر می شوند و گروهی که برای دفاع از کیان و ملیّت خود و . .. نبرد می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۱۱

۱۱ خداوند حامی و یاور مؤمنان در رویارویی آنان با کافران

و لن تغنی عنکم . .. و أن اللّه مع المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۴ - ۷

۷ جهاد و مبارزه با کافران حق ناپذیر ، مایه حیات واقعی جامعه ایمانی

یأیها الذین ءامنوا استجیبوا للّه و للرسول

از مصادیق مورد نظر برای <ما یحییکم>، به دلیل وقوع آیه مورد بحث در سیاق آیات جنگ و مبارزه، فراخوانی اهل ایمان

دین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۹ - ۴

۴ نبرد با کافران تا حاکمیت یافتن دین خدا در جهان ، فرمان خداوند به اهل ایمان

و قتلوهم حتی . .. یکون الدین کله للّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۰ - ۱

۱ اهل ایمان باید با باور به یاری خداوند و سرپرستی او ، به جهاد با کافران فتنه انگیز بپردازند .

و إن تولوا فاعلموا أن اللّه مولیکم نعم المولی و نعم النصیر

متعلق <تولوا> دست برداشتن از فتنه انگیزی است ; یعنی <إن تولوا عن الانتهاء فلم یترکوا الفتنه>. و جواب شرط، به قرینه آیه قبل، جمله ای همانند <فقاتلوهم> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۱،۲،۳،۴

۱ اهل ایمان موظف به پیکار با کفرپیشگان

یأیها النبی حرض المؤمنین علی القتال

از <من الذین کفروا> در ذیل آیه بدست می آید که مراد از <القتال> پیکار با کافران است.

۲ تشویق و تحریک اهل ایمان برای پیکار با کافران ، وظیفه ای الهی بر عهده پیامبر (ص)

یأیها النبی حرض المؤمنین علی القتال

۳ یک گروه بیست نفری اهل ایمان باید بر یک گروه دویست نفری اهل کفر و لشکر صد نفری مؤمنان باید بر لشکر هزار نفری اهل کفر پیروز شود .

إن یکن منکم عشرون صبرون یغلبوا مائتین و إن یکن منکم مائه یغلبوا ألفا

جمله های <یغلبوا مائتین> و <یغلبوا ألفا> خبری هستند. ولی مراد از آن به دلیل <الئن خفف اللّه عنکم> در

آیه بعد معنایی دستوری است. زیرا تخفیف در محدوده تکالیف و دستورات مطرح است. بنابراین <یغلبوا ... > یعنی باید مقاومت کنید و پیروز شوید.

۴ اهل ایمان موظف به پایداری در برابر لشکریان کفر تا پیروزی بر آنان ; حتی در صورت ده برابر بودن نیروی انسانی کافران

حرض المؤمنین علی القتال إن یکن منکم عشرون صبرون یغلبوا مائتین

تغییر نکردن نسبت در دو فراز یاد شده، یعنی بیست در مقابل دویست و صد در مقابل هزار، بیانگر این است که ضرورت مقاومت مخصوص بیست و دویست نفر نیست، بلکه تحقق نسبت (یک بر ده) ملاک حکم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۲ - ۱۲

۱۲ وجود درگیری بین مؤمنان غیر مهاجر با کافران ، به خاطر دین و دینداری ، تنها موردی است که مهاجران و انصار موظف به یاری غیر مهاجران هستند .

و إن استنصروکم فی الدین فعلیکم النصر

قید <فی الدین> بیانگر این است که اگر کافران به انگیزه مبارزه با اسلام و دینداری غیر مهاجران به آنان هجوم بردند، باید سایر مسلمانان از آنان حمایت کنند و اگر درگیری بدین انگیزه نباشد، حمایت از آنان ضرورت ندارد. قابل ذکر است که <ال> در <النصر> جانشین مضاف إلیه است ; یعنی <فعلیکم نصرهم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۳ - ۱،۲،۳،۷

۱ نبرد بی امان با کافران و منافقان ، و سخت گیری و عدم ترحم به آنان ، فرمان خدا به پیامبر (ص)

یأیها النبی جهد الکفار و المنفقین و اغلظ علیهم

۲

لزوم جهاد با کافران و منافقان و عدم مماشات با آنان

جهد الکفار . .. و اغلظ علیهم

۳ تصمیم به جهاد با کافران و منافقان ، در محدوده مسؤولیت های رهبر جامعه اسلامی

یأیها النبی جهد الکفار

به کارگیری خطاب <یا أیها النبی> به جای <یا أیها الـذین آمنوا> بیانگر این است که: تصـمیم گیری درباره جنگ با کفار و منافقان، از وظایف رهبر جامعه ایمانی است.

۷ < عن ابی جعفر (ع) قال : < جاهد الکفار و المنفقین > بالزام الفرائض ;

از امام باقر (ع) [در توضـیح سـخن خدا که فرمود :]<با کفار و منافقان مجاهده کن> روایت شده: مقصود الزام آنان به انجام فرایض است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۱،۱۰

۱ فرمان الهی به مؤمنان در اسلام مبنی بر مبارزه و پیکار با جوامع کفرپیشه همجوار خویش

یأیها الذین ءامنوا قتلوا الذین یلونکم من الکفار

۱۰ جهاد با کافران و نرمش نداشتن در برابر آنان از جلوه های تقوا

قتلوا . .. و لیجدوا فیکم غلظه و اعلموا أن اللّه مع المتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۱،۳

۱ - پیامبر (ص) ، به جهاد با کافران و منافقان فرمان یافت .

یأیّها النبیّ جهد الکفّار و المنفقین

۳ - جهاد با کافران و منافقان و هرگونه برخورد شدید و سختگیرانه با آنان ، باید زیر نظر رهبر جامعه اسلامی انجام گیرد .

یأیّها النبیّ جهد الکفّار و المنفقین و اغلظ علیهم

مخاطب قرار گرفتن شخص پیامبر(ص)، در جهاد سختگیرانه با کافران و

منافقـان، می توانـد اشاره به نکته یاد شـده باشـد. افراط و تفریطی که نوعاً در چنین موضوعی از سوی مردم سـرمی زنـد، تأیید کننده همین مطلب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۹

۹ لزوم پایداری صد مؤمن در برابر دویست کافر و هزار مؤمن در برابر دو هزار کافر تا تحقق پیروزی بر آنان

فإن یکن منکم مائه صابره یغلبوا مائتین و إن یکن منکم ألف یغلبوا الفین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۴

۴- پیامبر (ص) ، مشرکان و کافران لجوج و حق ناپذیر را به جنگ و جهاد تهدید کرد .

فإن تولّوا فقل ءاذنتکم علی سواء

برداشت یاد شـده بر اساس یکی از احتمالاتی است که میان مفسـران در باره این آیه مطرح است و آن این که جمله <آذنتکم علی سواء> تهدید به جنگ و هشدار به جهاد است. مانند آیه <فانبذ إلیهم علی سواء> (انفال (۸) آیه ۵۸).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۱،۴،۲۲،۲۴،۳۰

۱- لزوم پیکاری بی امان با کافران ستیزه جوی در میدان های جنگ

فإذا لقیتم الذین کفروا فضرب الرقاب

۴- لزوم کشتن کافران و امان ندادن به آنان ، در میدان جنگ تا مرحله زمین گیرشدن دشمن

فضرب الرقاب حتّی إذا أثخنتموهم

آیه شـریفه در مجموع بیانگر یکی از قوانین کارآمـد و حیاتی در میـدان جنگ است. خداونـد، به رزمندگان مسـلمان رهنمود داده است تا قبل از غلبه یافتن بر دشمن و زمین گیر ساختن او، اقدام به گرفتن

اسیر نکنند; بلکه بی درنگ هر دشمنی که در مقابلشان قرار گرفت، بکشند.

۲۲- فرمان خداوند به جهاد ، در عین قدرت او بر نابودسازی کافران ، به منظور آزمایش آدمیان

و لو یشاء اللّه لانتصر منهم و لکن لیبلواْ بعضکم ببعض

۲۴- عدم تعلق مشیّت الهی بر نابودسازی کافران ، بدون تلاش و جهاد مؤمنان

و لو یشاء اللّه لانتصر منهم و لکن لیبلواْ

<لو> برای امتناع است; یعنی، اگر خداونـد بخواهد که کافران بدون حضور در جبهه نبرد نابود شوند، می تواند آنان را نابود کند; اما او چنین نخواسته است.

۳۰- جنگ با کافران محارب ، حرکت در مسیر خداوند است .

و الذین قتلوا فی سبیل اللّه

آنچه در صـدر آیه شـریفه مطرح شـده است مبـارزه بی امـان بـا کافران در جبهه های نبرد است و خداونـد، چنین مبارزه ای را <سبیل اللّه> نامیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۷ - ۲

۲- جهاد و مبارزه با کافران محارب ، یاری خداوند است .

فإذا لقیتم الذین کفروا فضرب الرقاب . .. إن تنصروا اللّه ینصرکم

باتوجه به ارتباط این آیه با آیات پیشـین، استفاده می شود که <یاری دادن به خدا> بر <جنگ علیه کافران محارب> منطبق شده است.

جهاد با کافران اشغالگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۶

۶ - ضرورت نبرد با کافرانی که سرزمین های اسلامی را به تصرف خویش در آورده اند .

و اقتلوهم . .. و أخرجوهم من حيث أخرجوكم

جهاد با مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴

- ۹۵ - ۴،۵،۶،۱۲،۱۶

۴ تأمین هزینه های مالی پیکار در راه خدا ، جهاد مالی در راه خداست .

و المجاهدون فی سبیل اللّه باموالهم و انفسهم

۵ خداوند ، برتری دهنده مقام جهادگران با مال و جان بر بازنشستگان از جنگ

فضّل اللّه المجاهدون باموالهم و انفسهم علی القاعدین درجه

۶ جهاد با مال و جان ، باید معیاری در واگذاری مقام ها و منصب ها به افراد باشد .

فضّل اللّه المجاهدون باموالهم و انفسهم علی القاعدین درجه

با توجه به اینکه هر کس را خدا برتری دهد، جامعه اسلامی نیز باید برای او برتری قائل بشود.

۱۲ جهاد با مال و جان ، از برترین ارزش ها در نظام ارزشی اسلام

لایستوی القاعدون . .. و المجاهدون ... باموالهم و انفسهم فضّل اللّه المجاهدین بام

۱۶ ترغیب مؤمنان به جهاد و بذل مال و جان در راه خدا

لایستوی القاعدون . .. و المجاهدون ... فضّل اللّه المجاهدین علی القاعدین اجراً عظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۲ - ۲

۲ شرکت در جهاد با مال و جان از سوی مجاهدان و یاری مهاجران از سوی انصار ، شرط برخورداری هر یک از ولایت مقرر شده از جانب خدا

إن الذین ءامنوا و هاجروا . .. أولیاء بعض

مشارالیه <أولئک> و مرجع ضمیر در <بعضهم>، <الذین> اول و دوم، با تمام صفاتی که برای آنان ذکر شد، است. یعنی مؤمنان مهاجر مثلا اگر جهاد نکنند و یا مؤمنان ساکن در مدینه اگر مهاجران را یاری ندهند از حقوق ولایت برخوردار نیستند.

جهاد با محاربان

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۳۶ – ۱۱

۱۱ فرمان خداوند به نبرد با تمامی مشرکان محارب و پاکسازی زمین از لوث وجود آنان

و قتلوا المشرکین کافه کما یقتلونکم کافه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۴ – ۳۰

۳۰– جنگ با کافران محارب ، حرکت در مسیر خداوند است .

و الذین قتلوا فی سبیل اللّه

آنچه در صدر آیه شریفه مطرح شده است مبارزه بی امان با کافران در جبهه های نبرد است و خداوند، چنین مبارزه ای را <سبیل اللّه> نامیده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۷ – ۲

۲– جهاد و مبارزه با کافران محارب ، یاری خداوند است .

فإذا لقیتم الذین کفروا فضرب الرقاب . .. إن تنصروا اللّه ینصرکم

باتوجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین، استفاده می شود که <یاری دادن به خدا> بر <جنگ علیه کافران محارب> منطبق شده است.

جهاد با مشرکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۱۱ – ۱۹

۱۹ خداوند با تقویت دل های مجاهدان بدر آنان را برای رویارویی با مشرکان ثابت قدم ساخت .

لیربط علی قلوبکم و یثبت به الأقدام

<یثبت به الأقـدام> در عین اینکه بیانگر هـدفی از اهداف نزول باران است، نبودن <لام> در آن می رساند که این هدف به دنبال <لیربط علی قلوبکم> حاصل می شود. بنابراین می توان گفت ضـمیر در <به> به استحکام قلوب، که از <لیربط علی قلوبکم> استفاده می شود، برمی گردد. قابل ذکر است که در

برداشت فوق ثبات قدم (یثبت به الأقدام) به معنای کنایی آن (پایداری و عزم راسخ) گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۸ - ۳

۳ خداوند همواره پشتیبان اهل ایمان و یاور آنان در رویارویی با مشرکان ستیزه جو

ذلکم

بدان احتمال که <ذلکم> اشاره باشد به یاری اهل ایمان و امداد آنان از سوی خداوند در موقعیتهایی همانند موقعیت بدر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۶ - ۱۱،۱۵

۱۱ فرمان خداوند به نبرد با تمامی مشرکان محارب و پاکسازی زمین از لوث وجود آنان

و قتلوا المشرکین کافه کما یقتلونکم کافه

۱۵ تقویت روحیه متقین از جانب خدا ، برای جنگ و مقابله به مثل با مشرکان

و اعلموا أن اللّه مع المتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۴

۴- پیامبر (ص) ، مشرکان و کافران لجوج و حق ناپذیر را به جنگ و جهاد تهدید کرد .

فإن تولّوا فقل ءاذنتکم علی سواء

برداشت یاد شده بر اساس یکی از احتمالاتی است که میان مفسران در باره این آیه مطرح است و آن این که جمله <آذنتکم علی سواء> تهدید به جنگ و هشدار به جهاد است. مانند آیه <فانبذ إلیهم علی سواء> (انفال (۸) آیه ۵۸).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۶،۹

۶ – جنگ های پیامبر (ص) با مشرکان و معارضان ، تحت تدبیر و هدایت خداوند

سیقول المخلّفون . .. قل لن تتّبعونا

كذلكم قال اللّه من قبل ... قل للمخلّفين

در اين مجموعه آيات، همواره خداونـد از برنامه هاى آينده خبر داده است و بدين وسـيله تكليف مسـلمانان را روشن ساخته و در هر مقطعى مسائل عمده آن را مشخص كرده است.

۹ - نبرد مسلمانان پس از جنگ خيبر ، با مشركان بود و نه اهل كتاب . *

تقتلونهم أو يسلمون

در صورتى كه <يسـلمون> به معناى اسـلام آوردن باشـد; از محـدود شـدن فرجام دشـمنان به كشـته شدن يا اسـلام آوردن، مطلب بالا استفاده مى شود; زيرا در مورد اهل كتاب راه سومى به عنوان تسليم و پرداخت <جزيه> نيز مطرح است.

جهاد با مشركان قريش

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۱

۱ مسلمانان صدر اسلام موظف به هجوم به كاروان تجارى مشركان قريش و يا نبرد با سپاه مسلح آن بودند .

كما أخرجك ربك . .. إذ يعدكم اللّه إحدى الطائفتين ... و يريد اللّه أن يحق الحق بك

جهاد با مشركان مكه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۳

۳ - مسلمانان صدر اسلام به نبرد با مشركان مكه و بيرون راندن آنان از آن سرزمين موظف شدند .

و أخرجوهم من حيث أخرجوكم

مراد از <من حيث أخرجوكم> بنا به گفته مفسـران، مكه است و به مجبور شـدن مسـلمانان به ترك مكه و هجرت به مدينه و حبشه اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۵ - ۱

۱ پیامبر (ص) برای نبرد با مشرکان مکه از

مدینه به سوی بدر حرکت کرد .

أخرجك ربك من بیتك بالحق

با توجه به آیات بعد معلوم می شود مراد از جمله <أخرجك . .. >، خروج پیامبر(ص) برای جنگ بدر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۸

۸ پیاده شدن حق و ریشه کن شدن بنیان کافران ، هدف از فرمان خداوند به نبرد با مشرکان مکه در بدر

و یرید اللّه أن یحق الحق بکلمته و یقطع دابر الکفرین

جهاد با مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۰ - ۱

۱ اهل ایمان باید با باور به یاری خداوند و سرپرستی او ، به جهاد با کافران فتنه انگیز بپردازند .

و إن تولوا فاعلموا أن اللّه مولیکم نعم المولی و نعم النصیر

متعلق <تولوا> دست برداشتن از فتنه انگیزی است ; یعنی <إن تولوا عن الانتهاء فلم یترکوا الفتنه>. و جواب شرط، به قرینه آیه قبل، جمله ای همانند <فقاتلوهم> است.

جهاد با منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۳ - ۱،۲،۳،۷

۱ نبرد بی امان با کافران و منافقان ، و سخت گیری و عدم ترحم به آنان ، فرمان خدا به پیامبر (ص)

یأیها النبی جهد الکفار و المنفقین و اغلظ علیهم

۲ لزوم جهاد با کافران و منافقان و عدم مماشات با آنان

جهد الکفار . .. و اغلظ علیهم

۳ تصمیم به جهاد با کافران و منافقان ، در محدوده مسؤولیت های رهبر جامعه اسلامی

یأیها النبی جهد الکفار

به کارگیری خطاب <یا أیها

النبی> به جای <یا أیها الـذین آمنوا> بیـانگر این است که: تصـمیم گیری درباره جنگ با کفار و منافقان، از وظایف رهبر جامعه ایمانی است.

۷ < عن ابی جعفر (ع) قال : < جاهد الکفار و المنفقین > بالزام الفرائض ;

از امام باقر (ع) [در توضـیح سـخن خدا که فرمود :]<با کفار و منافقان مجاهده کن> روایت شده: مقصود الزام آنان به انجام فرایض است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۱،۳

۱ - پیامبر (ص) ، به جهاد با کافران و منافقان فرمان یافت .

یأیّها النبیّ جهد الکفّار و المنفقین

۳ - جهاد با کافران و منافقان و هرگونه برخورد شدید و سختگیرانه با آنان ، باید زیر نظر رهبر جامعه اسلامی انجام گیرد .

یأیّها النبیّ جهد الکفّار و المنفقین و اغلظ علیهم

مخاطب قرار گرفتن شـخص پیامبر(ص)، در جهاد سـختگیرانه با کافران و منافقان، می تواند اشاره به نکته یاد شده باشد. افراط و تفریطی که نوعاً در چنین موضوعی از سوی مردم سرمی زند، تأیید کننده همین مطلب است.

جهاد بزرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۲ - ۷

۷ تلاش در راه احیای معارف دین و مبارزه فرهنگی با جریان کفر و شرک ، جهادی بزرگ و با عظمت

فلاتطع الکفرین و جهدهم به جهادًا کبیرًا

جهاد بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۶ - ۱۱

۱۱ پیمان گرفتن بنی اسرائیلِ زمان طالوت (اشموئیل) از قوم خویش برای

پیکار در راه خداوند

قال هل عسیتم ان کتب علیکم القتال

جمله <هل عسیتم> کنایه از پیمان گرفتن از آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۱ - ۵،۱۲

۵ جهاد در راه خدا برای تصرف سرزمین مقدس ، سپاسگزاری قوم موسی (ع) در برابر نعمت های خداوند

اذکروا نعمه اللّه . .. یقوم ادخلوا الارض المقدسه

فرمان موسی(ع) به بنی اسرائیل (ادخلوا الارض) پس از بیان نعمتهای الهی بر آنان، بیانگر آن است که اجرای آن فرمان، سپاس نعمتهای یاد شده است.

۱۲ تقدیر الهی به سکنا گزینی قوم موسی (ع) در سرزمین مقدس ، مشروط به جهاد و مبارزه آنان بود .

التی کتب اللّه لکم . .. و لاترتدوا علی ادبارکم فتنقلبوا خسرین

از مصادیق خسران (فتنقلبوا خسرین)، محرومیت قوم موسی(ع) از ورود به سرزمین مقدس است. بنابراین سکونت آنان در سرزمین مقدس در صورتی مقدر خواهد بود که در برابر دشمن مقاومت کنند.

جهاد پس از فتح مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۰ - ۲۱

۲۱ - برابر دانستن مؤمنان مجاهد و انفاق گر قبل از فتح مکه ، با مجاهدان و انفاق گران بعد از آن ، از نظر مقام و منزلت در پیشگاه خداوند ، پنداری باطل است .

لایستوی منکم من أنفق من قبل الفتح و قتل

جهاد در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱۹

۱۹ جهاد با جان و مال در راه خدا ، تکلیفی الهی بر همه انسان ها

و در همه شرایع است نه مخصوص به مسلمانان و شریعت اسلام .

إن اللّه اشترى من المؤمنين أنفسهم و أمولهم . .. وعداً عليه حقاً فى التوريه و الإ

جهاد در راه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۰ - ۲

۲ - ارزش جهاد و نبرد با دشمنان ، به < در راه خدا بودن > آن است .

و قتلوا فى سبيل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۴ - ۲،۳

۲ پیکار در راه خداوند ، شکر نعمت حیات

ثمّ احياهم . .. و لكن اكثر النّاس لا يشكرون. و قاتلوا فى سبيل اللّه

فرمان جهاد، پس از بیان ناسپاسی مردمان در برابر نعمت حیات، در واقع نشان دادن روشی است برای سپاس و شکر خداوند در برابر نعمت حیات.

۳ وجوب پیکار در راه خداوند

و قاتلوا فى سبيل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۱

۱ پیکار در راه خدا ، قرض شایسته بندگان به او *

و قاتلوا . .. من ذا الذى يقرض اللّه قرضاً حسناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۴۶ – ۲۰،۱۹،۱۸،۱۱،۹

۹ < فی سبیل اللّه > بودن ، ملاک ارزش پیکار

ابعث لنا ملکاً نقاتل فی سبیل اللّه . .. و ما لنا الاّ نقاتل فی سبیل اللّه

۱۱ پیمان گرفتن بنی اسرائیلِ زمان طالوت (اشموئیل) از قوم خویش برای پیکار در راه خداوند

قال هل عسیتم ان کتب علیکم القتال

جمله <هل

عسیتم> کنایه از پیمان گرفتن از آنان است.

۱۸ پیکار در راه خداوند ، عزّت بخش و رهاکننده جامعه از قید تجاوز و اسارت

و ما لنا اَلاّ نقاتل فی سبیل اللّه و قد اُخرجنا من دیارنا و ابنائنا

۱۹ مبارزه اهل ایمان با متجاوزان و کسب آزادی از اسارت و رفع ظلم و تجاوز ، از مصادیق پیکار در راه خدا

و ما لنا اَلاّ نقاتل فی سبیل اللّه و قد اُخرجنا من دیارنا و ابنائنا

۲۰ نافرمانی اکثر بنی اسرائیل زمان طالوت از دستور خداوند به پیکار در راه او ، علی رغم پیشنهاد و درخواست آنان برای پیکار

اذ قالوا لنبی . .. فلما کُتب علیهم القتال تولّوا

ظاهراً فاعل محذوف از جمله <کتب علیهم>، اللّه است که به جهت تعظیم حذف شده.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۴۸ – ۱۱

۱۱ صندوق معهود ، یادآور و موجب برانگیختن بنی اسرائیل به پیروی از آیین موسی (پیکار در راه خدا و رهایی از اسارت متجاوزان) *

و بقیه ممّا ترک ال موسی و ال هرون

ذکر جمله <بقیّه ممّا ترک . .. > شاید از این جهت باشد که به بنی اسرائیل خاطرنشان سازد که پیوند مذهبی خود را با موسی (ع) قطع ننمایند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۱ – ۵

۵ جهاد در راه خدا برای تصرف سرزمین مقدس ، سپاسگزاری قوم موسی (ع) در برابر نعمت های خداوند

اذکروا نعمه اللّه . .. یقوم ادخلوا الارض المقدسه

فرمان موسی(ع) به بنی اسرائیل (ادخلوا الارض) پس

از بیان نعمتهای الهی بر آنان، بیانگر آن است که اجرای آن فرمان، سپاس نعمتهای یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۵ - ۱۰

۱۰ جهاد و مبارزه در راه خدا ، از وظایف مؤمنان

یأیها الذین ءامنوا . . و جهدوا فی سبیله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۱۹،۳۱

۱۹ جهاد در راه خدا و نهراسیدن از سرزنش دشمنان ملامتگر ، ویژگی مؤمنان واقعی

یجهدون فی سبیل اللّه و لایخافون لومه لائم

۳۱ توفیق بر جهاد در راه خدا و بی اعتنایی به ملامت های دشمنان ، عطیه و فضلی خدادادی است .

یجهدون فی سبیل اللّه و لایخافون لومه لائم ذلک فضل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۴ - ۱

۱ مؤمنانی که به مدینه هجرت نموده و در راه خدا جهاد کردند ، مؤمنانی حقیقی و راستین هستند .

و الذین ءامنوا و هاجروا . .. أولئک هم المؤمنون حقا

حق، به معنای ثابت بودن و حقیقت داشتن است و <حقا> هم می تواند صفت برای مفعول مطلق محذوف باشد، یعنی (هم المؤمنون إیمانا حقا) و هم می تواند مفعول مطلق برای فعل مقدر (احقه) باشد. به هر تقدیر بیانگر این است که دارندگان صفات یاد شده از ایمان حقیقی و راستین برخوردار هستند.

جهاد در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۲ - ۲

۲ تهیه تدارکات و ساز و برگ جنگ در صدر

اسلام ، بر عهده خود مجاهدان بود .

قلت لا أجد ما أحملكم عليه

جهاد دفاعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۰ - ۱

۱ - وجوب نبرد با کافران ، در صورتی که با مسلمانان سرجنگ داشته باشند .

و قتلوا فی سبیل اللّه الذین یقتلونکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۲ - ۳

۳ دفع تجاوز و ستمگری و جلوگیری از فساد آدمیان در زمین به وسیله یکدیگر ، از آیات الهی

و لو لا دفع اللّه الناس . .. تلک ایات اللّه

<تلک> می تواند اشاره به سنّتی باشد که خداوند با جمله <و لو لا دفع اللّه . .. > بیان فرموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۶

۶ ضرورت دفاع جامعه ایمانی از معارف و عقاید دین ، در برابر هجوم تبلیغاتی دشمن

لاتکونوا کالّذین کفروا و قالوا لاخوانهم اذا ضربوا فی الارض

دفاع خداوند از معارف و عقاید دینی اسلام (لا تکونوا . ..)، درسی است برای مسلمانان که از آن معارف و عقاید دفاع کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۷ - ۵،۷،۸،۱۳

۵ جامعه ایمانی ، وظیفه دار پیکار در راه خدا و یا دست کم دفاع از وطن و کیان خویش

تعالوا قاتلوا فی سبیل اللّه او ادفعوا

۷ ضرورت بسیج تمامی نیرو های مؤمن و غیر مؤمن از سوی رهبری جامعه دینی برای رویارویی با هجوم کافران

و قیل لهم تعالوا قاتلوا

فی سبیل اللّه او ادفعوا

بنـابر اینکه دعوت مطرح شـده در آیه، یـک دعوت موردی و خاص باشـد، نه بیانگر اصل وجوب جهاد و دفاع، الزاماً مخاطبان در آیه دو گروه خواهنـد بود: گروهی که <للّه> و <فی سبیـل اللّه> در صـحنه پیکـار حاضـر می شونـد و گروهی که برای دفاع از کیان و ملیّت خود و . .. نبرد می کنند.

۸ پیکار با دشمنا دین (جهاد ابتدایی) و دفاع در برابر هجوم آنان (جهاد دفاعی) ، دو تکلیف الهی بر عهده جامعه ایمانی *

قاتلوا فی سبیل اللّه او ادفعوا

بنـابر اینکه دعوت مطرح شـده در آیه، بیان حکم جهاد باشـد، نه دعوت برای حضور در نبردی خاص و مقطعی. بنابراین جمله <قاتلوا ... >، ناظر به جهاد ابتدایی و جمله <او ادفعوا> ناظر به جهاد دفاعی است.

۱۳ سرباز زدن از حضور در پیکار با دشمنان دین و دفاع از کیان اسلامی ، از نشانه های نفاق

و لیعلم الّذین نافقوا . .. لو نعلم قتالاً لاتّبعناکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۵ - ۱

۱ اهل ایمان وظیفه دار پایداری و استقامت به هنگام هجوم و لشکرکشی دشمنان دین (جهاد دفاعی)

یأیها الذین ءامنوا إذا لقیتم الذین کفروا زحفا فلاتولوهم الأدبار

کلمه <زحفا> (که به معنای لشکرکشـی است) می توانـد حال برای <الـذین کفروا> باشد ; یعنی آنگاه که کافران به سوی شمـا لشکرکشـی می کننـد. و همچنین می توانـد حـال برای فاعـل <لقیتم> باشـد ; یعنی آنگـاه که شـما برای جهاد به سوی کافران حرکت می کنید. در برداشت فوق وجه

اول ملاحظه شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۳۹ – ۱،۳

۱ – جواز جنگ و پیکار با دشمن مهاجم

أُذن للذین یقتلون بأنّهم ظلموا

<اُذِن> فعل مجهول و نایب فاعل آن محذوف است; یعنی، <اُذن فی القتال> و <الذین یقاتلون>; یعنی، آنان که مورد تهاجم قرار می گیرند. <باء> در <بأنهم ظلموا> سببیه است; یعنی، بدان سبب که آنان مظلوم واقع شده اند. بنابراین معنای جمله یاد شده چنین می شود: به کسانی که مورد تهاجم قرار می گیرند، بدان سبب که مورد ستم واقع شده اند، رخصت جنگ داده شده است.

۳ – پیکار با دشمن مهاجم و ستم پیشه ، حق مشروع ستمدیدگان

أُذن للذین یقتلون بأنّهم ظلموا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۴۰ – ۳

۳ – جنگ و پیکار آوارگان با زورگویانی که آنان را به جرم ایمان و خداخواهی از سرزمین شان بیرون کردند ، حقی است مشروع که خدا به آنان داده بود .

أُذن للذین یقتلون . .. الذین أُخرجوا من دیرهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۴ – ۳

۳– پیروی کافران از باطل ، مستلزم امان ندادن به آنان ، آن گاه که به جنگ جبهه ایمان و نبردی رویاروی آمده اند .

الذین کفروا اتّبعوا البطل . .. فإذا لقیتم الذین کفروا فضرب الرقاب

برداشت بالاـ بنا بر این نکته است که <فإذا لقیتم> تفریع بر <الذین کفروا اتّبعوا الباطل> باشد; یعنی، چون کافر بر باطل است، زمانی که به جنگ تو آمد در کشتن او

تردید نداشته باش.

جهاد دفاعی مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۹ - ۵

۵ - صدور اجازه پیکار به مسلمانان صدراسلام از سوی خداوند ، به منظور دفع تهاجم دشمن و رفع تجاوز آنان

أُذن للذین یقتلون بأنّهم ظلموا

جهاد دینداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۵ - ۲۱

۲۱ - دین داران راستین ، کسانی انـد که به یاری خدا برمی خیزند و با دشـمنان دین او به جهاد و پیکار می پردازند ، در حالی که او را نمی بینند .

من ینصره و رسله بالغیب

جهاد طالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۱۵

۱۵ عدم تغییر عزم طالوت در پیکار با متجاوزان ، علی رغم نافرمانی بیشتر لشکریان و طرد آنان از سوی وی

فشربوا منه الاّ قلیلا منهم فلمّا جاوَزَه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۰ - ۱،۳

۱ صبر ، استواری قدم و نصرت بر کافران ، درخواست پیکارگران برگزیده طالوت از خداوند ، به هنگام رویارویی با جالوت

و لمّا برزوا . .. و انصرنا على القوم الكافرين

۳ نیرو های اندک طالوت با امید به نصرت الهی ، به جنگ با جالوتیان رفتند .

و لمّا برزوا الجالوت . .. و انصرنا على القوم الكافرين

جهاد قبل از فتح مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۰ - ۲۱

۲۱ - برابر دانستن مؤمنان مجاهد و انفاق

گر قبل از فتح مکه ، با مجاهدان و انفاق گران بعد از آن ، از نظر مقام و منزلت در پیشگاه خداوند ، پنداری باطل است .

لایستوی منکم من أنفق من قبل الفتح و قتل

جهاد مالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۲

۲ تأمین تدارکات پیکار در راه خدا ، قرض شایسته مسلمانان به او

و قاتلوا . .. من ذا الذی یقرض اللّه قرضاً حسناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۴ - ۳

۳ وظیفه مسلمانان در تقویت بُنیه دفاعی و حکومتی جامعه اسلامی ، به وسیله انفاق

یا ایّها الّذین امنوا انفقوا

با توجّه به روح کلّی آیات گذشته که در مورد پیکار و زمامداری بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۰ - ۷،۸

۷ پرداخت نکردن هزینه جهاد ، از موارد بخل است .

و لا یحسبنّ الّذین یبخلون بما اتیهم اللّه من فضله

چون آیه مورد بحث پس از آیات جهاد آمده، بیانگر این نکته است که از مصادیق مورد نظر برای <الّذین یبخلون . .. >، کسانی هستند که از پرداخت هزینه جهاد امتناع کرده و بخل ورزیده اند.

۸ مسؤولیت سنگین ثروتمندان در تأمین هزینه جهاد و دستگیری از مستمندان

و لا یحسبنّ الّذین یبخلون بما اتیهم اللّه من فضله

چنانچه <فضل> به معنای زاید بر نیاز باشد، ثروتمندان هستند که دارایی آنان افزون بر نیازشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۱ -

۷ تأکید خداوند بر جهاد با مال و جان (در عین بی نیازی او از جهاد و تلاش مردم) ، به خاطر تأمین مصالح خود انسانهاست .

ما لکم إذا قیل لکم انفروا . .. إلا تنفروا یعذبکم ... انفروا خفافاً و ثقالا جهدوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۴ - ۱،۳،۴

۱ مؤمنان به خدا و آخرت ، برای جهاد با مال و جان ، بهانه نیاورده و از پیامبر (ص) خواهان اجازه ترک جهاد نبودند .

لایستئذنک الذین یؤمنون باللّه و الیوم الأخر أن یجهدوا

۳ ایمان به خدا و اعتقاد به حیات اخروی ، زیر بنای اعتقادی جهاد با مال و جان

لایستئذنک الذین یؤمنون باللّه و الیوم الأخر

۴ جهاد با مال و جان ، نشانه ایمان راستین و تقواپیشگی است .

الذین یؤمنون باللّه . .. أن یجهدوا بأمولهم و أنفسهم و اللّه علیم بالمتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۸ - ۲

۲- دعوت الهی از مؤمنان ، به انفاق در مسیر جهاد *

تدعون لتنفقوا فی سبیل اللّه

با توجه به این که آیات پیشین درباره جهاد می باشد; ممکن است مراد از <فی سبیل اللّه> نیازهای مالی جهاد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۲ - ۱

۱ - دستیابی به مغفرت الهی و بوستان های بهشت ، ره آورد پایداری بر ایمان به خدا و رسول و جهاد با مال و جان در راه خدا است .

... یغفر لکم ذنوبکم و یدخلکم جنّت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۳ - ۷

۷ - ایمان به خدا و جهاد با مال و جان در راه او ، مایه جلب نصرت الهی و شکست سریع جبهه دشمن

تؤمنون باللّه . .. و تجهدون ... و أُخری تحبّونها

جهاد مالی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۱،۲

۱ پیامبر (ص) و مؤمنان راستین ، جهادگران با مال و جان خویش (علی رغم ذلت پذیری و جهادگریزی منافقان)

لکن الرسول و الذین ءامنوا معه جهدوا بأمولهم و أنفسهم

۲ پیشتازی پیامبر (ص) در جهاد با مال و جان

لکن الرسول . .. جهدوا بأمولهم و أنفسهم

جهاد مالی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۱

۱ پیامبر (ص) و مؤمنان راستین ، جهادگران با مال و جان خویش (علی رغم ذلت پذیری و جهادگریزی منافقان)

لکن الرسول و الذین ءامنوا معه جهدوا بأمولهم و أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۱ - ۴

۴ جهاد و تحمل هزینه های جنگ ، از جمله برترین اعمال مؤمنان

و لاینفقون . .. و لایقطعون وادیاً إلا کتب لهم لیجزیهم اللّه أحسن ما کانوا یعملون

<أحسن> می توانـد منصوب به نزع خافض و به تقدیر <بأحسن ما کانوا یعملون> باشد، در این صورت <أحسن> وصـف و عنوانی است برای انفاق و پیمودن راه برای جهاد

در راه خدا.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۷۸ – ۱

۱ – جهاد خالصانه و همه جانبه (جهاد با جان و مال) در راه خدا ، توصیه الهی به اهل ایمان

و جهدوا فی اللّه حقّ جهاده

تقیید <جاهدوا> به <حقّ جهاده>، ظهور در این معنا دارد که مؤمنان باید تمامی توان خود را در راه خدا به کار گیرند و هرچه دارند (جان و مال) در این راه نثار کنند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – حجرات – ۴۹ – ۱۵ – ۴،۶

۴ – ایثار مال و جان در راه حق ، همگام با ایمان ثابت و استوار ، نشانه مؤمنان واقعی است .

إنّما المؤمنون الذین . .. و جهدوا بأمولهم و أنفسهم

۶ – جهاد با مال و جان در راه خدا ، نشانه یقین و استواری ایمان انسان

ثمّ لم یرتابوا و جهدوا بأمولهم و أنفسهم

چنانچه <و جاهدوا> در مقام نشان دادن مصداق و نمود یقین مؤمنان باشد که از <لم یرتابوا> استفاده می شود برداشت بالا قابل استفاده است.

جهاد محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۲۱ – ۱،۵

۱ خروج پیامبر (ص) در صبحگاهان از میان خانواده خویش ، برای برپا نمودن پایگاه های جنگی برای مؤمنان ، در مصاف با دشمنان

و اذ غدوت من اهلک تبوّیء المؤمنین مقاعد للقتال

۵ آگاهی پیامبر (ص) به فنون نظامی و قدرت مدیریّت ایشان در عملیات مسلّحانه علیه دشمنان دین

و اذ غدوت من اهلك تبوّیء المؤمنین

مقاعد للقتال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۳ - ۱۳

۱۳ حضور و مقاومت رسول خدا (ص) در رویارویی با مشرکان قریش ، تا آخرین لحظات کارزار احد

و الرّسول یدعوکم فی اخریکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵ - ۹

۹ خروج پیامبر (ص) از مدینه برای مقابله با مشرکان در دامنه احد ، حرکتی حق ، همانند خروج وی برای جنگ بدر *

کما أخرجک ربک من بیتک بالحق

برخی برآننـد که <کما . .. > متعلق به <یجدلونک ... > در آیه بعد است و آن آیه اشاره به قضایای پیش از نبرد احد دارد. بر این اساس <کما أخرجک ... > چنین معنا می شود: گروهی از مسلمانان درباره حرکت به سوی احد، که حرکتی حق بود، به جدال با پیامبر(ص) پرداختند و آن را مصلحت نمی پنداشتند ; همان گونه که از حرکت به سوی بدر، که حرکتی حق بود، نیز کراهت داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۶ - ۶

۶ حضور پیامبر (ص) در صحنه های نبرد پیشاپیش مؤمنان و در کنار آنان

جهدوا مع رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۱،۲

۱ پیامبر (ص) و مؤمنان راستین ، جهادگران با مال و جان خویش (علی رغم ذلت پذیری و جهادگریزی منافقان)

لکن الرسول و الذین ءامنوا معه جهدوا بأمولهم و أنفسهم

پیامبر (ص) در جهاد با مال و جان

لكن الرسول . .. جهدوا بأمولهم و أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، به جهاد با کافران و منافقان فرمان یافت .

يأيّها النبیّ جهد الكفّار و المنفقين

جهاد مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۱۸

۱۸ استجابت دعای مستضعفان مکّه ، با صدور فرمان جهاد از سوی خدا برای رهایی آنان

و ما لكم لا تقاتلون . .. الّذين يقولون ربّنا اخرجنا

جهاد مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۹

۹ - نبرد مسلمانان پس از جنگ خیبر ، با مشرکان بود و نه اهل کتاب . *

تقتلونهم أو يسلمون

در صورتی که <یسلمون> به معنای اسلام آوردن باشد; از محدود شدن فرجام دشمنان به کشته شدن یا اسلام آوردن، مطلب بالا استفاده می شود; زیرا در مورد اهل کتاب راه سومی به عنوان تسلیم و پرداخت <جزیه> نیز مطرح است.

جهاد مسلمانان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – ممتحنه – ۶۰ – ۱ – ۱۴

۱۴ – حرکت مسلمانان برای فتح مکه ، حرکتی جهادی و در راستای خشنودی خداوند

إن کنتم خرجتم جهدًا فی سبیلی و ابتغاء مرضاتی

از این که پس از برشمردن ستم مشرکان نسبت به مسلمانان، تعبیر <جهاداً فی سبیلی. ..> آمده، می توان نتیجه گرفت که آیه شریفه، انگیزه فتح مکه را مشخص ساخته است.

جهاد مؤمنان

جلد – نام سوره –

سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۶ - ۱۹

۱۹ مبارزه اهل ایمان با متجاوزان و کسب آزادی از اسارت و رفع ظلم و تجاوز ، از مصادیق پیکار در راه خدا

و ما لنا اَلّا نقاتل فی سبیل اللّه و قد اُخرجنا من دیارنا و ابنائنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۱

۱ نبرد در راه خدا ، از ویژگی های بارز مؤمنان واقعی

الّذین امنوا یقاتلون فی سبیل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۱۹،۲۳

۱۹ جهاد در راه خدا و نهراسیدن از سرزنش دشمنان ملامتگر ، ویژگی مؤمنان واقعی

یجهدون فی سبیل اللّه و لایخافون لومه لائم

۲۳ مؤمنان واقعی هرگز به خاطر سرزنش ملامتگران دست از جهاد و مبارزه بر نمی دارند .

یجهدون فی سبیل اللّه و لایخافون لومه لائم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۵ - ۳

۳ جهاد و نبرد اهل ایمان همواره بر اساس ایمان و عقیده است .

یأیها الذین ءامنوا إذا لقیتم الذین کفروا

قید <الذین کفروا> به جای مثلا <عدوکم>، بیانگر این نکته است که درگیری اهل ایمان ریشه در کشورگشایی و مانند آن ندارد، بلکه عقاید آنان مایه جهاد آنان و یا هجوم دشمنان به سوی ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۰ - ۳

۳ باور اهل ایمان به سرپرستی خدا و یاری او ، مایه نهراسیدن آنان از دشمنان دین و اجرای

فرمان جهاد

فإن تولوا فاعلموا أن اللّه موليكم نعم المولى و نعم النصير

جمله <فاعلموا . .. > علاوه بر رساندن مضمون خود به منظور تقويت روحيه مسلمانان براى جهاد با دشمنان فتنه انگيز ايراد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۷۴ - ۱

۱ مؤمنانى كه به مدينه هجرت نموده و در راه خدا جهاد كردند ، مؤمنانى حقيقى و راستين هستند .

و الذين ءامنوا و هاجروا . .. أولئك هم المؤمنون حقا

حق، به معناى ثابت بودن و حقيقت داشتن است و <حقا> هم مى تواند صفت براى مفعول مطلق محذوف باشد، يعنى (هم المؤمنون إيمانا حقا) و هم مى تواند مفعول مطلق براى فعل مقدر (احقه) باشد. به هر تقدير بيانگر اين است كه دارندگان صفات ياد شده از ايمان حقيقى و راستين برخوردار هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۵۱ - ۴

۴ اتكاى مؤمنان راستين بر ولايت و حمايت خداوند ، در جهاد و اقدام به تكاليف

قل لن يصيبنا إلا ما كتب اللّه لنا هو مولينا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۱

۱ پيامبر (ص) و مؤمنان راستين ، جهادگران با مال و جان خويش (على رغم ذلت پذيرى و جهادگريزى منافقان)

لكن الرسول و الذين ءامنوا معه جهدوا بأمولهم و أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۱ - ۴

۴ جهاد و تحمل هزینه های جنگ ، از جمله برترین

اعمال مؤمنان

و لاينفقون . .. و لايقطعون وادياً إلا كتب لهم ليجزيهم اللّه أحسن ما كانوا يعملون

<أحسن> مى توانـد منصوب به نزع خافض و به تقدير <بأحسن ما كانوا يعملون> باشد، در اين صورت <أحسن> وصـف و عنوانى است براى انفاق و پيمودن راه براى جهاد در راه خدا.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۲۴

۲۴- عدم تعلق مشيّت الهى بر نابودسازى كافران ، بدون تلاش و جهاد مؤمنان

و لو يشاء اللّه لانتصر منهم و لكن ليبلوا

<لو> براى امتناع است; يعنى، اگر خداونـد بخواهد كه كافران بدون حضور در جبهه نبرد نابود شوند، مى تواند آنان را نابود كند; اما او چنين نخواسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۱ - ۷

۷- مؤمنان راستين ، اهل جهاد و شكيبا در برابر همه مشكلات زندگى

و لنبلونّكم حتّى نعلم المجهدين منكم و الصبرين

وصف <الصابرين> علاوه بر صبر در جهاد، مى تواند به همه زمينه هاى صبر و شكيبايى نظر داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۵ - ۴،۶

۴ - ايثار مال و جان در راه حق ، همگام با ايمان ثابت و استوار ، نشانه مؤمنان واقعى است .

إنّما المؤمنون الذين . .. و جهدوا بأمولهم و أنفسهم

۶ - جهاد با مال و جان در راه خدا ، نشانه يقين و استوارى ايمان انسان

ثمّ لم يرتابوا و جهدوا بأمولهم و أنفسهم

چنانچه <و جاهدوا> در مقام نشان دادن مصداق و نمود یقین مؤمنان باشد که از <لم یرتابوا>

استفاده می شود برداشت بالا قابل استفاده است.

جهاد و دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۴ - ۴

۴ تضاد جهاد در راه خدا با دنیاپرستی

فلیقاتل فی سبیل اللّه الّذین یشرون الحیوه الدّنیا بالاخره

حرمت ترک جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۰ - ۵

۵ حرمت روی برتافتن از حکم رسول خدا در نبرد با دشمنان دین

أطیعوا اللّه و رسوله و لا تولوا عنه و أنتم تسمعون

با توجه به اینکه آیات پیشین این بخش از سوره درباره جنگ و مبارزه با دشمنان دین است، مصداق مورد نظر از جمله <أطیعوا> و <لاتولوا عنه> روی برتافتن از فرمانهای آن حضرت در مبارزه و نبرد با دشمنان دین است.

حرمت فرار از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۵ - ۴

۴ حرمت پشت کردن به دشمن و فرار از میدان جنگ

فلاتولوهم الأدبار

حزن در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۹ - ۱

۱ نباید اهل ایمان در هنگامه های دشوار (رویارویی با دشمنان) ، سستی و اندوهی به خویش راه دهند .

یا ایّها الّذین امنوا . .. و لا تهنوا و لا تحزنوا

حسرت متخلّفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۳ - ۱۰

۱۰ حسرت و تأسف متخلفان از جهاد بر محرومیتشان از غنایم جنگی

و لئن اصابکم فضل من اللّه لیقولنّ .

.. یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزاً عظیماً

حسن نیت معذوران از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۱۲

۱۲ اشخاص معذور و معاف شده از جهاد ، در صورت داشتن حسن نیت و خیرخواه بودن ، از محسنان به حساب می آیند .

لیس علی الضعفاء . .. إذا نصحوا للّه و رسوله ما علی المحسنین من سبیل

حضور محمد(ص) در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۶ - ۶

۶ حضور پیامبر (ص) در صحنه های نبرد پیشاپیش مؤمنان و در کنار آنان

جهدوا مع رسوله

حق ناپذیری تارکان جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۶

۶- بیماردلان گریزان از جهاد و فسادانگیز و قطع کننده رحم ، مردمی کر و کور در برابر حق

أولئک الذین . .. فأصمّهم و أعمی أبصرهم

حق ناپذیری متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۳ - ۱۰

۱۰ توانمندان متخلف از جهاد ، گرفتار خصلت حق ناپذیری

الذین یستئذنونک و هم أغنیاء . .. طبع اللّه علی قلوبهم فهم لا یعلمون

حقانیت جهاد محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵ - ۴

۴ اقدام پیامبر (ص) به جنگ بدر ، اقدامی به حق و تحت تدبیر و ربوبیت خداوند

کما أخرجک ربک من بیتک بالحق

حقیقت انفاق برای جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۱ – ۹

۹ – انفاق در راه جهاد (تلاش برای رفع نیازمندی های جبهه و جنگ) ، قرض الحسنه به خداوند است .

و ما لکم ألّاتنفقوا فی سبیل اللّه . .. یقرض اللّه قرضًا حسنًا

بـا توجه به ارتبـاط آیه شـریفه بـا آیه قبـل و بـا توجه به این که مراد از انفاق در آیه قبل، برطرف کردن نیاز جبهه و جنگ می باشد; مصداق مورد نظر از <قرض الحسنه> در این جا، انفاق در جبهه و جنگ است.

حقیقت جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۰ – ۹

۹- جهاد ، به معنای مرگ و نابودی ، در بینش منافقان و انسان های سست ایمان

و ذکر فیها القتال رأیت الذین فی قلوبهم مرض ینظرون إلیک نظرالمغشیّ علیه من الموت

تعبیر <المغشـیّ علیه من الموت> و کـاربرد این تشبیه، می توانـد بر این اسـاس باشـد که انسـانِ سـست ایمـان با فرمان جهاد، مرگ خویش را به چشم می بیند; چنان که محتضر نیز چنین است; در حالی که جهاد زمینه شهادت است و نه نابودی.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۲ – ۶

۶- جهاد ، در نگاه بیماردلانِ سست ایمان ، عامل فساد ، فتنه و برادرکشی *

الذین فی قلوبهم مرض . .. إن تولّیتم أن تفسدوا فی الأرض

برداشت بالا بدان احتمال است که مجموع آیه، پاسـخی به بهانه جویی ها و دسـتاویزهای منافقان و عناصـر سـست ایمان باشد; زیرا از این پاسخ، استفاده می شود که بیماردلان برای توجیه فرار خویش

از جهاد، آن را مایه فساد و برادرکشی می شمردند; ولی خداوند به ایشان یادآور شده که مفسد و برادرکش واقعی شمایید که به دنیا چسبیده و برای حفظ دنیایتان هر کاری خواهید کرد.

خَتم قلب متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۷ - ۴

۴ منافقان از جهاد گریزِ ذلت پذیر ، دارای قلب های مهرشده و مسدود

رضوا بأن یکونوا مع الخوالف و طبع علی قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۳ - ۷

۷ جهادگریزان ذلت پذیر ، دارای قلب های مهر شده و مسدود

رضوا بأن یکونوا مع الخوالف و طبع اللّه علی قلوبهم

خشنودی از ترک جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۷ - ۱

۱ رضا و شادمانی منافقان از نرفتن به جهاد و ماندن در کنار ناتوانان و خانه نشینان

رضوا بأن یکونوا مع الخوالف

خودسازی در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۷ - ۸

۸ توجّه به خودسازی (جهاد اکبر) ، به همراه پیکار با دشمن (جهاد اصغر) ، ویژگی پرورش یافتگان مکتب انبیا

و ما کان قولهم الّا ان قالوا ربّنا اغفرلنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا و ثبّت . ..

خیرخواهی معذوران از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۱۲،۱۳

۱۲ اشخاص معذور و معاف شده از جهاد ، در صورت داشتن حسن نیت

و خیرخواه بودن ، از محسنان به حساب می آیند .

لیس علی الضعفاء . .. إذا نصحوا للّه و رسوله ما علی المحسنین من سبیل

۱۳ اشخاص معذور از جهاد ، در صورت خیرخواهی برای دین و رهبر جامعه اسلامی ، مصون از عذاب و کیفر تخلف از جنگ

الذین کفروا منهم عذاب ألیم . .. ما علی المحسنین من سبیل

درخواست جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۲

۲ برخی از مسلمانان صدر اسلام خواستار نبرد با کفّار ، قبل از تشریع جهاد و مبارزه مسلّحانه

الم تر الی الّذین قیل لهم کفّوا ایدیکم . .. فلمّا کتب علیهم القتال

از جمله <فلمّا کتب> به دست می آید که مراد از <کفّوا>، خودداری از نبرد و جنگ مسلحانه است.

دروغگویی متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۱۴

۱۴ < عن ابی عبداللّه (ع) فی قول اللّه عزوجل : < و سیحلفون باللّه لو استطعنا لخرجنا معکم و اللّه یعلم إنهم لکذبون > قال : اکذبهم اللّه عزوجل فی قولهم < لو استطعنا لخرجنا معکم > و قد کانوا مستطیعین للخروج ;

از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند عز وجل: <و سیلحفون باللّه . ..> روایت شده که فرمود: خداوند آنان را در اینکه گفتند: اگر استطاعت داشتیم همراه شما بیرون می آمدیم، تکذیب کرده است; زیرا آنان در آن موقع استطاعت خروج داشتند>.

دعا در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ ضرورتِ نیایشِ با خداوند ، در هنگامه پیکار با دشمنان

و لمّا برزوا الجالوت و جنوده قالوا ربّنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۷ - ۲،۳،۶

۲ درخواست بخشایش گناهان و زیاده روی ها ، پایداری بر راه پیامبران و چیرگی بر کافران ، تنها سخن دست پروردگان انبیا در هنگامه های پیکار

و ما کان قولهم الّا ان قالوا ربّنا اغفرلنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا و ثبّت اقدا

در برداشت فوق، ضمیر <قولهم>، تنها به <ربّیّون> برگشت داده شده است.

۳ همراه نمودن دعا با مجاهدت و مقاومت در راه خدا ، از ویژگی های پیامبران الهی و پرورش یافتگان آنان

و ما کان قولهم الّا ان قالوا ربّنا اغفرلنا ذنوبنا . .. و انصرنا

۶ نقش سازنده دعا در میدان جنگ و تشویق الهی به آن

و ما کان قولهم الّا ان قالوا ربّنا اغفرلنا ذنوبنا . .. و انصرنا علی القوم الکافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۹ - ۲

۲ مجاهدان بدر پیش از نبرد با نیایش به درگاه خدا از وی استمداد کردند .

إذ تستغیثون ربکم

<غوث> به معنای یاری کردن است و استغاثه طلب یاری و امداد است.

دعوت به جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۷ - ۱

۱- دعوت خداوند ، از مؤمنان برای جهاد و یاری دین

یأیّها الذین ءامنوا إن تنصروا اللّه ینصرکم

دلایل جهاد با اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹

۱ فرمان خـدا به نبرد با اهل کتاب ، به دلیل عـدم ایمان آنان به خدا و آخرت و عدم پرهیزشان از محرمات الهی و پایبند نبودن به دین حق

قتلوا الذین لا یؤمنون . .. من الذین أوتوا الکتب

دلجویی از علاقمندان به جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۳ - ۶

۶ نکوهش خداوند نسبت به ثروتمندانِ گریزان از جنگ ، در قبال دلجویی او از تهیدستان مشتاق جهاد

و لا علی الذین إذا . .. إنما السبیل علی الذین

دلجویی از معذوران جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۲ - ۹

۹ دلجویی خداوند از تهیدستان مشتاق جهاد و ناتوان از تأمین مقدمات آن

و لا علی الذین إذا ما أتوک لتحملهم

اختصـاص به ذکر یـافتن این گروه پس از اینکه در آیه قبـل به صـورت کلی تر بـدان اشـاره شـده ویژگی این گروه و دلجویی خداوند از آنان را افاده می کند.

ذلت تارکان جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۰ - ۱۵

۱۵- انسان گریزان از جهاد عزّت بخش ، مبتلا به حیاتی مرگ بار و پرذلّت *

فأولی لهم

<فأولى لهم> ممكن است در مقام اخبار باشد; يعنى، فراريان از جهاد و شهادت ناگزير از گرفتارى به حيات ذلت بار و مرگ آفرين اند.

ذلت متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۹۳ - ۳،۷

۳ تن دادن اشراف توانمند ، به ذلتِ

همطراز شدن با افراد عاجز ، به منظور نرفتن به جنگ

و هم أغنیاء رضوا بأن یکونوا مع الخوالف

۷ جهادگریزان ذلت پذیر ، دارای قلب های مهر شده و مسدود

رضوا بأن یکونوا مع الخوالف و طبع اللّه علی قلوبهم

رد عذر متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۳ - ۷

۷ لزوم خودداری از پذیرش عذر متخلفان از جهاد ، قبل از بررسیِ درستی یا نادرستی ادعای آنان

لم أذنت لهم حتی یتبین لک الذین صدقوا و تعلم الکذبین

مقصود از اذن دادن در آیه فوق، اذن ترک جهاد برای کسانی است که از شرکت در جهاد خود را معذور دانسته اند و خداوند چنین اذنی را بدون بررسی معذور بودن یا نبودن متخلفان از جهاد، سرزنش و محکوم کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۷

۷ باز بودن راه توبه برای متخلفان از جهاد ، با وجود مأموریت مؤمنان به نپذیرفتن عذرتراشی آنان *

لن نؤمن لکم . .. و سیری اللّه عملکم و رسوله

جمله <سیری اللّه . .. > می تواند بیانگر این جهت باشد که اگر چه مؤمنان نباید برای عذرخواهی متخلفان از جهاد وقعی بنهند، ولی این بدان معنا نیست که آنان راهی به سوی توبه نداشته باشند ; بلکه توبه آنان منوط به عملکرد آینده شان است که خدا و پیامبر(ص) بر آن ناظر خواهند بود.

رسوایی اخروی متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۱۸

متخلفان از جنگ و منافقان ، به رسوایی و افشای اسرارشان در آخرت از سوی خداوند

فینبئکم بما کنتم تعملون

رسوایی متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۱۰

۱۰ خداوند ، توانمندان متخلف از جهاد را به امکان رسوایی بیشتر در صورت ادامه دادن به تخلف ها تهدید کرد .

و سیری اللّه عملکم و رسوله

جمله <سیری اللّه عملکم و رسوله> می تواند هشداری باشد به متخلفان جنگ در جهت بازداشتن ایشان از کجرویها در آینده.

زمینه استقامت در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۵ - ۱۱

۱۱- توجه مؤمنان به ضایع نشدن مجاهدت ها و اعمالشان نزد خداوند ، مایه استواری آنان بر طریق جهاد

فلاتهنوا . .. و اللّه معکم و لن یترکم أعملکم

از تذکر خداوند، به مؤمنان (لن یترکم أعمالکم) پس از نهی <لاـتهنوا و . ..>، دانسته می شود که توجه به ضایع نشدن اعمال، پشتوانه جهاد و استقامت در راه خدا است.

زمینه تخلف از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۴ - ۱

۱ عواطف خویشاوندی (علاقه به پدر ، فرزند ، برادر ، همسر و خویشاوندان) و امکانات مادی (مال ، شغل و مسکن) زمینه های انحراف انسان و روی گردانی وی از فرمان خدا و رسول و ر ها کردن جهاد

قل إن كان ءاباؤكم . .. و أموال اقترفتموها ... أحب إليكم من اللّه و رسوله و جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آيه

- فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۶ - ۸

۸ تمکن و ثروت ، زمینه عافیت طلبی منافقان و گریز آنان از جهاد

استئذنک أولوا الطول منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۳ - ۵

۵ ثروت و توانمندی ، زمینه راحت طلبی ، ذلت پذیری و روی گردانی انسان از جهاد *

یستئذنونک و هم أغنیاء

زمینه جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۱۶

۱۶ توجّه به نظارت و بینایی خداوند به کردار آدمیان ، برانگیزنده آدمی به نبرد و پیکار در راه خدا (اعمال پسندیده)

انّ الّذین تولّوا منکم . .. و اللّه بما تعملون بصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۸ - ۳

۳ ایمان به حشر و بقای آدمی پس از مرگ ، برانگیزنده وی برای حضور در میدان کارزار علیه دشمنان دین

و لئن مُتّم او قُتلتم لالی اللّه تحشرون

خداوند با بیان این معنا که آدمی با مرگ و یا کشته شدن، چه در راه منافع دنیا و یا راه خدا، به سوی او محشور می شود، او را به جهاد ترغیب و انگیزه پیکار در راه خدا را در او تقویت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۷ – ۸

۸ نقش اقامه نماز و پرداخت زکات ، در خودسازی و آمادگی برای جهاد و فداکاری

الم تر الی الّذین قیل لهم کفّوا ایدیکم و اقیموا الصلوه و اتوا الزکوه

فلمّا کتب ع

فرمان خداونـد به برپایی نماز و ادای زکات، پس از نهی از مبارزه مسلحانه، دلالت بر این دارد که تا اقامه نماز و ادای زکات جایگاه خویش را در جامعه نیابد، شرایط برای مبارزه و جهاد آماده نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۸ - ۲

۲ آخرت اندیشی و توجّه به قطعی بودن مرگ و اندک بودن متاع دنیا ، زمینه حضور در صحنه جهاد

فلمّا کتب علیهم القتال . .. قل متاع الدّنیا قلیل و الاخره خیر ... این ما تکونوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۶ - ۲

۲ ایمان به خدا ، مستلزم جهاد و مبارزه در راه تحقق ارزش های الهی

ءامنوا باللّه و جهدوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۷

۷ جهاد با مال و جان ، لازمه ایمان راستین

لکن الرسول و الذین ءامنوا معه جهدوا بأمولهم و أنفسهم

برداشت فوق با توجه به این است که خداونـد، مؤمنان را بدان جهت که جهاد کرده اند تحسـین کرده و منافقان را بدان جهت که از جهاد گریخته اند مورد سرزنش قرار داده است.

زمینه جهاد با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۳

۳- پیروی کافران از باطل ، مستلزم امان ندادن به آنان ، آن گاه که به جنگ جبهه ایمان و نبردی رویاروی آمده اند .

الذين كفروا اتّبعوا البطل . .. فإذا لقيتم الذين كفروا فضرب الرقاب

برداشت بالا

بنا بر این نکته است که <فإذا لقیتم> تفریع بر <الذین کفروا اتّبعوا الباطل> باشد; یعنی، چون کافر بر باطل است، زمانی که به جنگ تو آمد در کشتن او تردید نداشته باش.

زمینه جهاد مالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۷

۷ جهاد با مال و جان ، لازمه ایمان راستین

لکن الرسول و الذین ءامنوا معه جهدوا بأمولهم و أنفسهم

برداشت فوق با توجه به این است که خداونـد، مؤمنان را بدان جهت که جهاد کرده اند تحسین کرده و منافقان را بدان جهت که از جهاد گریخته اند مورد سرزنش قرار داده است.

زمینه غفلت از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۱ - ۱۲

۱۲ - ظاهرنگری و سست اندیشی ، مایه دلخوشی انسان به مظاهر زندگی دنیایی و بی توجهی به جهاد و مصالح نهفته در آن

و تجهدون فی سبیل . .. ذلکم خیر لکم إن کنتم تعلمون

زن و جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۱۶

۱۶ معاف بودن برخی از مردم (زنان ، کهنسالان ، معلولان و . . .) از شرکت در جنگ

فاقعدوامع الخلفین

مراد از <خالفین> می تواند کسانی باشند که به صورت مجاز و به دلیل عجز از شرکت در جنگ معاف شده اند.

زیان ترک جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۹ - ۴

۴ فرمان جهاد و شرکت همگان در آن ، در جهت منافع

مؤمنان و زیان تخلف از جهاد ، تنها متوجه خود آنان است ; نه خداوند .

إلا تنفروا یعذبکم عذاباً ألیماً . .. و لا تضروه شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۹ - ۸

۸ زیان ناشی از شرکت نکردن در جهاد ، بسی افزون تر از خطرات شرکت در آن است .

و منهم من یقول ائذن لی و لاتفتنی ألا فی الفتنه سقطوا

سختی جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۱،۲

۱ پاداش بزرگ الهی برای آنان که علی رغم تحمّل جراحت های نبرد پیشین ، دعوت خدا و رسولش را برای نبردی دیگر اجابت کردند .

الّذین استجابوا لِلّه و الرسول من بعد ما اصابهم القرح . .. اجر عظیم

چون آیات پیشین و نیز آیات بعد درباره نبرد و جهاد است، معلوم می شود که فرمان اجابت شده (استجابوا)، فرمان جنگ و مبارزه بوده است.

۲ آمادگی گروهی از مجاهدان عصر پیامبر (ص) برای شرکت در جهاد ، علی رغم آسیب دیدن در جنگ قبلی (احد)

الّذین استجابوا لِلّه و الرسول من بعد ما اصابهم القرح . .. اجر عظیم

سختیها در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۲

۲ سختی و جراحت های ناشی از رویارویی با دشمنان دین ، نباید موجب حزن و یا سستی در پیکار با آنان گردد .

و لا تهنوا و لا تحزنوا . .. ان یمسسکم قرح

سختیهای جهاد

جلد - نام سوره

– سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۵۴ – ۸

۸ – پیکار در راه خدا و مصیبت های آن ، از مشکلات راه ایمان ، که باید با استعانت از صبر و نماز آن را تحمل کرده و بر ایمان خود ، راسخ قدم ماند .

استعینوا بالصبر والصلوه . .. و لاتقولوا لمن یقتل فی سبیل اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۳۹ – ۸

۸ ناسازگاری ایمان آدمی با تن دادن او به سستی و اندوه در هنگامه های دشوار و رویارویی با دشمن

و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین

در براشت فوق، جمله <و لا تهنوا و لا تحزنوا>، به منزله جواب شرط <ان کنتم . .. > گرفته شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۲ – ۴

۴ جهاد و پایداری در هنگامه های دشوار آن ، محکِ آزمونِ اهل ایمان

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه و لمّا یعلم اللّه الّذین جاهدوا منکم و یعلم الصّابرین

نصب <یعلم> به <اَن> مقدّر، دلالت می کند که <واو> در <و یعلم الصّابرین> واو جمع است. یعنی: محک آزمون اهل ایمان، جهادِ همراه صبر و پایداری است.

سرزنش ترک جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۴ – ۳

۳ مذمت خدا از دلبستگی به خویشاوندان و به مال و منال و دلواپسی برای تجارت و مسکن در صورتی که مایه غفلت از خدا و رسول و جهاد در راه

خدا شود .

قل إن کان ءاباؤکم . .. و أموال اقترفتموها و تجره تخشون کسادها و مسکن ... أحب إلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۹ - ۱

۱ خداوند ، مسلمانان صدر اسلام را ، در صورت امتناع ورزیدن از شرکت در جنگ و جهاد ، تهدید به عذابی دردناک کرد .

إلا تنفروا یعذبکم عذاباً أليماً

سرزنش سستی در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۴ - ۸

۸ - کسانی که شعار جهاد سر می دهند ولی در عرصه پیکار یا شرکت نمی کنند و یا در صورت شرکت کردن از خود سستی نشان می دهند و استقامت نمی کنند ، مورد خشم شدید خداوند هستند .

لِمَ تقولون . .. کبر مقتًا عند اللّه ... إنّ اللّه یحبّ ... کأنّهم بنین موصوص

آیات پیشین که در مقام سرزنش مدعیان بدون عمل بود تمهیدی برای بیان موضوع جهاد است; چرا که صحنه جنگ، محل لغزش قدم ها و آشکار شدن مدعیان از مؤمنان حقیقی است.

سرزنش متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۳

۳ سرزنش خداوند نسبت به آنان که ، پس از صدور فرمان جنگ ، از شرکت در آن امتناع میورزند .

ما لکم إذا قیل لکم انفروا فی سبیل اللّه اثّاقلتم إلی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۷ - ۲

۲ توبیخ و تحقیر منافقان گریزان از جهاد ، از سوی

خداوند

رضوا بأن يكونوا مع الخوالف

سست ايمانان در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۴۷ - ۴

۴ شركت بى ايمان ها و سست باوران در جنگ و جهاد ، جز فساد و فتنه انگيزى و تأثير منفى بر ديگران ، نتيجه اى ندارد .

لو خرجوا فيكم ما زادوكم إلا خبالا و لأوضعوا خللكم يبغونكم الفتنه

جمله <يبغونكم الفتنه> حال براى ضمير فاعل <أوضعوا> است; يعنى، اگر منافقان براى جنگ بيرون مى آمدند، مطمئناً در حق شما فتنه جويى مى كردند.

شجاعت در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱۳

۱۳ لزوم حضور فعال در ميدان هاى نبرد عليه دشمنان راه خدا و بيم نداشتن از كشته شدن

يقتلون فى سبيل اللّه فيقتلون و يقتلون

شرايط ترك جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۶

۶ - در صورتى كه كفرپيشگان محارب يا فتنه انگيز از كفرورزى دست بكشند ، نبايد با آنان نبرد كرد .

فإن انتهوا فلا عدون إلا على الظلمين

برداشت فوق بر اساس اين احتمال است كه متعلق <انتهوا> كفرورزى باشد.

شرایط جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۰ - ۱

۱ - وجوب نبرد با کافران ، در صورتی که با مسلمانان سرجنگ داشته باشند .

و قتلوا فی سبیل اللّه الذین یقتلونکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۹،۱۰

۹ پیدایش روحیه عبادت و بندگی خدا در

جامعه ایمانی ، از شرایط لازم برای جهاد و مبارزه

قیل لهم کفّوا ایدیکم و اقیموا الصلوه و اتوا الزکوه

۱۰ پیدایش روحیه گذشت از مال و رسیدگی به وضع اقتصادی مستمندان ، از شرایط لازم هر جامعه دینی برای جهاد و مبارزه

کفّوا ایدیکم و اقیموا الصلوه و اتوا الزکوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۴ - ۲

۲ مؤمنان ، هنگام روانه شدن برای جهاد ، باید نسبت به اسلام و کفر افراد و نیرو های مقابل تحقیق نمایند .

یا ایّها الّذین امنوا اذا ضربتم فی سبیل اللّه فتبیّنوا

متعلّق <فتبیّنوا>، به قرینه <و لا تقولوا . .. >، کفر و ایمان افرادی است که مسلمانان به هنگام جهاد با آنان مواجه می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۴،۱۶

۴ لزوم حفظ آماده باش و عدم غفلت از دشمن در صحنه های نبرد ، حتی به هنگام استراحت

إذ یغشیکم النعاس أمنه منه

تصریح به اینکه خواب مجاهدان در آستانه نبرد، خوابی سبک و خفیف بود، برای اشاره به این است که مجاهدان اگر چه به استراحت پرداختند، ولی به گونه ای نبود که از تحرکات دشمن غافل شوند.

۱۶ ضرورت شناسایی و برطرف کردن عوامل سستی آفرین در نیرو های پیکارگر

و إذ یغشیکم النعاس أمنه منه و ینزل علیکم . .. و یثبت به الأقدام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۷

۷ ضرورت پایداری در مقابل دشمنی با نیرویی ده برابر ، مشروط به این

است که رزمجویان اهل ایمان کمتر از بیست نفر نباشند .

إن یکن منکم عشرون صبرون یغلبوا مائتین

رساندن معنای مقصود، یعنی لزوم مقاومت یک بر ده، با جمله ای کوتاهتر از آنچه آمده ممکن بود. بنابراین تطویل آن با ذکر دو مثال حاوی نکاتی است ; از جمله این احتمال که نسبت یاد شده و حکم مترتب بر آن در صورتی است که نفرات اهل ایمان بیست نفر و یا بیشتر باشند و اگر کمتر باشند این حکم جاری نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۵ - ۵

۵- نهی خداوند از فرو هشتن جهاد و مصالحه با دشمن ، منوط به برخورداری سپاه اسلام ، از توان و برتری رزمی است .

فلاتهنوا و تدعوا إلی السلم و أنتم الأعلون

<و أنتم الأعلون> حال است و بیان می دارد که مؤمنان در صورتی موظف به ادامه جنگ و تن ندادن به سازش و تسلیم هستند که در جبهه نبرد، قدرت برتر را دارا بوده و قادر به ادامه جنگ می باشند.

شک در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۵ - ۵

۵ تردید در انجام تکالیف دینی ، چون جهاد با مال و جان ، نمودار بی ایمانی و نفاق

إنما یستئذنک الذین لایؤمنون باللّه . .. و ارتابت قلوبهم

شکست در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۲۳

۲۳ شکست ها ، آزمون مناسبی برای روشن شدن صفوف پایمردان آخرت طلب ، از سست عنصران دنیاجو

منکم من

یرید الدّنیا . .. ثمّ صرفکم عنهم لیبتلیکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۵۳ – ۴

۴ تبلور آزمون مسلمانان در شکست احد ، به هنگام فرار آنان از صحنه کارزار

ثمّ صرفکم عنهم لیبتلیکم . .. اذ تصعدون و لا تلون علی احد

بنابر اینکه <اذ تصعدون> متعلق به <لیبتلیکم> باشد، یعنی خداوند شما را از تعقیب دشمن بازداشت تا آزمایشتان کند و این آزمایش به هنگام فرار تبلور یافت و محقق شد.

صبر در جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۷ – ۱۵،۲۷،۲۸،۳۱

۱۵ – صبر و مقاومت در نبرد با دشمنان دین ، وظیفه ای بر عهده مجاهدان

و الصبرین . .. حین البأس

۲۷ – استقامت و پایداری در جنگ علیه دشمنان دین ، از مشخصه های ابرار

و لکن البر من . .. الصبرین فی البأساء و الضراء حین البأس

۲۸ – انجام وظایف عبادی ، اجتماعی و اخلاقی دین ، تحمل مشکلات و استقامت در راه مبارزه با دشمنان نشانه راستی و درستی ایمان است .

أولئک الذین صدقوا

در برداشت فوق <أولئک> اشاره به صفاتی است که از جمله <و ءاتی المال . .. و حین البأس> به دست می آید و متعلق <صدقوا> به قرینه <من ءامن ...> ایمان به خدا و ... گرفته شده است.

۳۱ – مجاهدانی که در نبرد با دشمنان دین استقامت میورزند ، تقواپیشگان حقیقی هستند .

الصبرین . .. حین البأس ... أولئک هم المتقون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۲۵ – ۴

۴

دعوت و تشویق اهل ایمان به پیشه ساختن صبر و تقوا ، در رویارویی با دشمن

ان تصبروا و تتّقوا و یأتوکم من فورهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۸

۸ صبر و مقاومت در صحنه کارزار از عوامل مهم پیروزی مؤمنان بر کافران

إن یکن منکم عشرون صبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۱ - ۶

۶- تفاوت مرتبه مجاهدان ، در پرتو صبر و شکیبایی آنان در میدان جهاد *

و لنبلونّکم حتّی نعلم المجهدین منکم و الصبرین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که وصف <الصابرین> صرفاًتوضیح و تفسیر <المجاهدین> نباشد; بلکه ملاک دوم به شمار آید; یعنی، مدعیان ایمان در پرتو جهاد از یکدیگر متمایز می شوند و مجاهدان در پرتو صبر و شکیبایی بر یکدیگر شرافت می یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۲۵

۲۵ صبر بر انجام نماز های پنجگانه و صبر در جنگ مسلّحانه با دشمنان و پاسداری در راه خداوند ، وظیفه مؤمنان

یا ایّها الّذین امنوا اصبروا و صابروا

پیامبر اسلام (ص) درباره < . .. اصبروا و صابروا و رابطوا ... > فرمود: اصبروا علی الصلوات الخمس، و صابروا علی قتال عدوّکم بالسّیف، و ربطوا فی سبیل اللّه لعلّکم تفلحون.

الدّر المنثور، ج ۲، ص ۴۱۸.

صلابت در جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۶ – ۱۲،۱۱،۹

۹ سستی ، کرنش و زبونیِ اهل ایمان در برابر دشمنان دین ،

ناپسند است .

فما وهنوا . .. و ما ضعفوا و ما استکانوا

صفات شمرده شده برای مردان الهی پس از واقعه احد، تعریض به مسلمانانی است که در آن نبرد، سستی و ضعف به خود راه دادند. از این رو صفات یاد شده، زیبنده مؤمنان واقعی و مردان الهی نیست.

۱۱ سستی پیکارگران در برابر هجوم حوادث دشوار جنگ ، موجب ناتوانی آنان در برابر دشمن و خوارکننده آنان

قاتل معه . .. فما وهنوا لما اصابهم فی سبیل اللّه و ما ضعفوا و ما استکانوا

ترتیب ذکری <وهن> و <ضعف> و <استکانت>، می تواند اشاره به ترتیب خارجی آن باشد: یعنی اول سستی و آنگاه ضعف و سپس تسلیم و زبونی در برابر دشمن، حاصل خواهد شد.

۱۲ خداوند دوستدار پایمردان در جنگ و شکیبایان در برابر هجوم حوادث آن

فما وهنوا لما اصابهم فی سبیل اللّه . .. و اللّه یحبّ الصّابرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۷ – ۷

۷ نقش بنیادین و سازنده دعا در صلابت ، قوّت و تسلیم ناپذیری پیکارگران

فما وهنوا . .. و ما ضعفوا و ما استکانوا ... و ما کان قولهم الّا ان قالوا ربّنا ا

یادآوری دعای مجاهدان ربّانی پس از بیان استقامت آنان، می تواند اشاره ای باشد به اینکه دعا از موجبات استقامت و حماسه آفرینی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۸ – ۵

۵ بخشایش گناهان و گذشت از اسراف ها و زیاده روی ها و ثبات قدم ، پاداش الهی به مجاهدان صابر و نیایشگر

ربّنا

اغفر . .. فاتیهم اللّه ثواب الدّنیا و حسن ثواب الاخره

طرد متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۵

۵ طرد همیشگی منافقان متخلف از جنگ ، از سوی خدا و پیامبر (ص)

فقل لن تخرجوا معی أبداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۵،۷

۵ انزوا و طرد اجتماعی منافقان و جهادگریزان صدر اسلام ، از سوی مؤمنان مجاهد کیفری غیر قابل تحمل برای آنان بود .

سیحلفون باللّه . .. لتعرضوا عنهم

اقدام منافقان متخلف در سوگند خوردن، برای چشم پوشی مؤمنان از تخلف آنها، نشانگر تنگ شدن عرصه بر آنان است.

۷ لزوم اعراض و روی گردانی از منافقان و جهادگریزان ، و طرد و منزوی کردن آنان در جامعه

فأعرضوا عنهم

عجز از توجیه آیات جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۰ - ۱۳

۱۳- ناتوانی منافقان و افراد سست ایمان ، از توجیه آیات جهاد ، تنگ کننده عرصه حیات بر آنان *

فإذا أنزلت سوره محکمه و . .. ینظرون إلیک نظر المغشیّ علیه من الموت

از ارتباط <سوره محکمه> با <ینظرون إلیک نظر المغشیّ علیه من الموت>، می توان استفاده کرد که انسان های سست ایمان یا منافق، در سایر تکالیف که به گونه ای قابل توجیه است با ترفندی، خویش را آسوده می کنند; اما در مورد جهاد چون آیاتش محکم، قاطع و توجیه ناپذیر است، خود را در بن بست دیده و شدیداً نگران می شوند.

عجز

از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۸

۸- بیماردلانِ منافق ، ناتوان از درک خیر واقعی خویش و پیمودن راه صدق و جهاد

فلو صدقوا اللّه لکان خیرًا لهم . .. أولئک ... فأصمّهم و أعمی أبصرهم

با توجه به ارتباط آیات، ممکن است به میان آوردن <أصمّ> و <أعمی> در پی <فلو صدقوا اللّه لکان خیراً لهم> بیانگر این معنا باشد که صداقت با خدا و دستورات او، تضمین گر منافع آدمی است; اما افسوس که بیماردلان در نتیجه کوری باطنی عاجز از درک مصالح آن اند.

عذاب ترک جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۱۳

۱۳ - تهدید متخلّفان از سفر حدیبیه ، به عذاب دردناک ، در صورت تخلف و روی گردانی دوباره از جهاد

و إن تتولّوا کما تولّیتم من قبل یعذّبکم عذابًا ألیمًا

عذاب معرضان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۱۲

۱۲ - روی گردانان از اطاعت خدا و رسول او و جهاد در راه الهی گرفتار عذابی بس درد ناک

و من یتولّ یعذّبه عذابًا ألیمًا

عذرخواهی متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۳

۳ خداوند ، خواهان اعتماد نکردن رهبر و مؤمنان بر عذرتراشی های توانمندان متخلف از جهاد

قل لا تعتذروا لن نؤمن لکم

عقلانیت جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۱ – ۵

۵- دفاع

از ارزش ها و جهاد در راه خداوند ، مورد تأیید عقل و فطرت سلیم

طاعه و قول معروف

برداشت یاد شده بنابر این نکته است که <قول معروف> خبر برای مبتدای محذوف باشد; یعنی، دستور قتال که در آیات پیشین بیان شده، دستوری شناخته شده از نظر عقل و فطرت است که بشر را به دفاع از ارزش ها و طرد دشمنان مهاجم فرامی خواند.

عقیده متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۲ - ۴

۴ دور ماندن از مصائب جنگ ، نعمتی الهی در بینش سست عنصران متخلف از جهاد

فان اصابتکم مصیبه قال قد انعم اللّه علیّ اذ لم اکن معهم شهیداً

عمل متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۳ - ۴

۴ متخلفان از جنگ ، فاسق و اعمالشان در نزد خداوند بی ارزش است .

إنکم کنتم قوماً فسقین

روی سخن در این بخش از آیات با منافقانی است که از شرکت در جنگ تبوک خودداری کردند.

عوامل اندوه متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۰ - ۱

۱ پیروزی و موفقیت های پیامبر (ص) و اسلام ، برای متخلفان از جنگ (منافقان) اندوه بار بود .

إن تصبک حسنه تسؤهم

عوامل پیروزی در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۲۵،۳۰

۲۵ چه بسا جمعیّت اندکی که با پایداری ، به اذن الهی بر انبوه جمعیّت ها پیروز

شدند .

کم من فئه قلیله غلبت فئه کثیره

۳۰ پیروزی در پیکار ، در گرو استقامت و استواری است ; نه انبوهی لشکر

کم من فئه . .. و اللّه مع الصّابرین

جمله <و اللّه . .. >، به منزله بیان شرط برای غلبه گروه اندک بر گروه انبوه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۰ - ۳،۴

۳ نیرو های اندک طالوت با امید به نصرت الهی ، به جنگ با جالوتیان رفتند .

و لمّا برزوا الجالوت . .. و انصرنا علی القوم الکافرین

۴ استواری قدم پیکارگران ، از نتایج شکیبایی آنان در پیکار و زمینه ساز نصرت الهی *

قالوا ربّنا افرغ . .. و انصرنا علی القوم الکافرین

بنابراینکه سه جمله ای که به عنوان دعا ذکر شده است، هر یک مقدّمه انجام پذیری جمله بعدی باشد. یعنی صبر، عامل ثبات قدم و ثبات قدم، عامل نصر و پیروزی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۳ - ۱۲،۱۵،۱۷

۱۲ - غلبه مسلمانان در جنگ بدر ، علی رغم توان برتر کافران

قد کان لکم ایه . .. یرونهم مثلیهم

زیرا در صورتی جنگ بدر، آیه و عبرت است که بر حسب شرایط طبیعی، تحصیل پیروزی برای مسلمانان میسور نباشد و کافران، توان برتری داشته باشند.

۱۵ پیروزی جنگجویان راه خدا ، در جنگ بدر بر کافران ، در پرتو مشیّت الهی

قد کان . .. و اللّه یؤیّد بنصره من یشاء

۱۷ تصرّف در عوامل طبیعی ، از وسائط تحقّق امداد الهی

یرونهم مثلیهم رأیَ العین و اللّه یؤیّد بنصره من یشاء

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۳ - ۴،۶

۴ مجاهدان جنگ بدر با نداشتن ساز و برگ کافی در مقابل دشمنان ، توانستند با ایمان و توکّل به خدا بر آنان پیروز شوند .

و علی اللّه فلیتوکّل المؤمنون. و لقد نصرکم اللّه ببدر و انتم اذلّه

جمله <و لقد نصرکم اللّه ببدر>، می تواند نمونه ای باشد از حقیقت بیان شده در آیه قبل; یعنی عامل نصرت شما در بدر، توکّل شما بر خداوند بود.

۶ ساز و برگ و آمادگی نظامی و نیروی انسانی ، تنها عامل پیروزی در پیکار با دشمنان نیست .

و اذ غدوت . .. و لقد نصرکم اللّه ببدر و انتم اذلّه

چون نه ساز و برگ نظامی احد (تبوّیء المؤمنین مقاعد للقتال)، عامل پیروزی شد و نه کمبود نیرو در بدر (انتم اذلّه)، باعث شکست; بلکه آنچه عامل پیروزی است، توکل بر خدا و یاری اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۴ - ۶

۶ نقش تعیین کننده امداد های غیبی برای پیروزی مؤمنان در پیکار با دشمنان

الن یکفیکم ان یمدّکم ربّکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۵ - ۱

۱ کفایت فرشتگان امدادگر ، برای پیروزی رزمندگان در برابر دشمنان

الن یکفیکم . .. بلی ان تصبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۶ - ۱،۲،۴،۵،۶

۱ نزول فرشتگان و یاری آنان ، تنها مژده ای است برای مؤمنان پیکارگر و آرامش

دهنده دل های آنان ، نه تعیین کننده پیروزیها

و ما جعله اللّه الّا بشری لکم و لتطمئنّ قلوبکم به

ضمیر در <ما جعله اللّه>، به امداد، که از <یمددکم> استفاده می شود، برمی گردد.

۲ نیاز پیکارگران به بشارت و تقویت روحیه و آرامش دل ، برای پیروزی بر دشمنان

و ما جعله اللّه الّا بشری لکم و لتطمئنّ قلوبکم به

۴ فتح و پیروزی بر دشمنان ، تنها از جانب خدای < عزیز و حکیم >

و ما النّصر الّا من عند اللّه العزیز الحکیم

۵ پیروزی جبهه مؤمنان ، پرتویی از عزّت و حکمت خداوند

و ما النّصر الّا من عند اللّه العزیز الحکیم

۶ خداوند ، تعیین کننده اصلی و نهایی پیروزی مؤمنان است ; نه فرشتگان و یا توانایی های شخصی رزمندگان

و ما جعله اللّه الّا بشری لکم . .. و ما النّصر الّا من عند اللّه

بیان انحصار پیروزی آفرینی به خدا و نقش امداد ملائکه تنها به عنوان بشارت و اطمینان قلب، در حقیقت نفی هر گونه عاملی (توانایی نیروها از نظر عِدّه و عُدِّه، امداد ملائکه و . ..)، غیر از خواست الهی در پیروزیهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۱،۳،۹،۱۳،۱۴

۱ وعده الهی به نصرت و یاری پیکارگران مؤمن ، در رویارویی و نبرد با دشمنان دین

و لقد صدقکم اللّه وعده اذ تحسّونهم باذنه

جمله <و لقد صدقکم اللّه وعده>، حاکی از این است که خداوند از پیش سرکوبی دشمنان و پیروزی مؤمنان را وعده داده بود.

۳ تحقق وعده الهی به نصرت و پیروزی پیکارگران احد ، آنگاه که

در آغاز نبرد ، مشرکان را تا آستانه انقراض کشتند .

و لقد صدقکم اللّه وعده اذ تحسّونهم باذنه

<اذ تحسّونهم> متعلق به <و لقد صدقکم اللّه> است ; یعنی بیان زمان تحقق وعده الهی است. و <تحسّونهم> از ماده <حَسّ> به معنای کشتن تا حد انقراض و نابودی است.

۹ تحقق وعده الهی به پیروزی جامعه ایمانی در گرو اتّحاد صفوف ، پایداری و پیروی آنان از رهبری

و لقد صدقکم اللّه وعده . .. حتّی اذا فشلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم

۱۳ استواری در نبرد ، اتّحاد و یکدلی رزمجویان و پیروی از دستورات رهبران الهی ، عامل جلب اذن خداوند برای پیروزی بر دشمن

اذ تحسّونهم باذنه حتّی اذا فشلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم

کلمه <باذنه> بیانگر این است که پیروزیها در گرو اذن خداوند است و از اینکه مسلمانان در مرحله اوّل، یعنی قبل از اختلاف و سستی و سرپیچی، مأذون به پیروزی شدند و آنگاه که سستی کردند و اختلاف ورزیدند و سرپیچی نمودند، اذن به پیروزی برداشته شد، معلوم می شود اذن الهی به پیروزی، دائر مدار عملکرد رزمجویان خواهد بود.

۱۴ پیروزی جامعه ایمانی بر دشمنان خویش ، برخاسته از اراده الهی

من معد ما اریکم ما تحبّون

فاعل در <اری> خداوند است ; و منظور از <ما> در <ما تحبّون>، پیروزی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۰ - ۷۸

۷ توکّل پیکارگران جنگ بدر بر خدا ، موجب یاری خدا و پیروزی آنان در آن نبرد *

ان ینصرکم اللّه فلا غالب لکم . .. و علی اللّه فلیتوکّل المؤمنون

خداوند

پس از شروع بیان جنگ احد، اشاره ای نیز به مسائل جنگ بدر داشت (و لقد نصرکم اللّه ببدر، آیه ۱۲۳) بنابراین جمله <ان ینصرکم اللّه> می تواند اشاره به علّت آن پیروزی باشد.

۸ توکّل بر خداوند ، زمینه ساز یاری و نصرت الهی و غلبه بر دشمنان

ان ینصرکم اللّه . .. و علی اللّه فلیتوکّل المؤمنون

عوامل تخلف از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۳ - ۴

۴ دنیامداری ، عاملی برای تخلّف از جهاد و دوگانگی در برخورد ، به هنگام شکست و پیروزی

قد انعم اللّه علیّ اذ لم اکن معهم شهیدا . .. یا لیتنی کنت معهم معهم فافوز

جمله <یا لیتنی . .. > و <قد انعم اللّه ... >، بیانگر این معناست که به چنگ آوردن متاع دنیا و یا از دست دادن آن، تعیین کننده خط مشی سست عنصران متخلف از جهاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۲۰

۲۰ ترس از غیر خدا ، از عوامل بازدارنده مردم از جهاد

یخشون النّاس کخشیه اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۲

۲ دورنمای مشقت آمیز و به دور از منافع مادی جنگ تبوک ، در نظر برخی از مسلمانان صدر اسلام ، عامل امتناع آنان از حضور در جنگ

لو کان عرضاً قریباً و سفراً قاصداً لاتبعوک و لکن بعدت علیهم الشقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱۶

۱۶

بی اعتقادی منافقان به قیامت و عدم درک آن نسبت به حوادث و حقایق آن ، مایه تخلف آنان از جهاد

لو کانوا یفقهون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۳ – ۸

۸ نفاق ، بازدارنده انسان از جهاد در راه خدا و همگامی با رهبر الهی

فقل لن تخرجوا معی أبداً و لن تقتلوا معی عدواً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۶ – ۹

۹ ثروت فراوان ، زمینه گرایش انسان به عافیت طلبی و موجب تن دادن به ذلت و خواری و ترک فریضه جهاد

و إذا أنزلت سوره . . و جهدوا مع رسوله استئذنک أولوا الطول منهم

عوامل ترک جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۴ – ۲۶

۲۶ دوستداران اهل کفر ، رویگردان از جهاد در راه خدا و هراسان و درمانده در برابر سرزنش دشمنان

من یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی اللّه یقوم یحبهم

عوامل جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۴۴ – ۳

۳ ایمان به خدا و اعتقاد به حیات اخروی ، زیر بنای اعتقادی جهاد با مال و جان

لایستئذنک الذین یؤمنون باللّه و الیوم الأخر

عوامل سستی در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۶

۶ دلخوشی به زندگی دنیوی و ترجیح دادن آن بر حیات اخروی ، عامل سستی و روی گردانی از جهاد در راه خدا

ما لکم إذا قیل

لكم انفروا فى سبيل اللّه اثّاقلتم إلى الأرض أرضيتم بالحيوه الدنيا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – توبه – ۹ – ۴۱ – ۸

۸ ظاهر نگرى و سست انديشى ، مايه دلخوشى انسان به مظاهر زندگى دنيوى و بى توجهى به جهاد و مصالح نهفته در آن

و جهدوا بأمولكم و أنفسكم فى سبيل اللّه ذلكم خير لكم إن كنتم تعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۳ – ۱۳

۱۳ – خانه و زندگى ، از جمله نگرانى انسان است و وابستگى به آنها ، باعث تزلزل در جهاد مى شود .

يقولون إنّ بيوتنا عوره و ما هى بعوره

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۹ – ۲

۲ – كم شركت كردن منافقان در جبهه جهاد مسلمانان ، به خاطر بخل آنان به مسلمانان بود .

لايأتون البأس . .. أشحّه عليكم

<أشحّه> جمع <شحيح> است. <شح> ريشه أشحّه در لغت، به معناى <بخل حريصانه> است (مفردات راغب). لازم به ذكر است كه <أشحّه> حال براى ضمير فاعلى فعل <يأتون > در آيه پيشين است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۳۶ – ۴

۴– سرگرمى ها و خوشى هاى پوچ دنيا ، از مهم ترين عوامل سستى در جهاد و تمايل به سازش با كافران

فلاتهنوا . .. إنّما الحيوه الدنيا لعب و لهو

خداوند، پس از نهى مؤمنان نسبت به سستى در جهاد و گرايش به سازش، به آنان لعب و لهو بودن دنيا را يادآورى كرده است.

از مطلب استفاده می شود که سرگرمی های این دنیا، عاملی مهم در سستی و سازش با کفر است.

عوامل شرکت در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۹

۹ توجه به شمول حمایت و امداد الهی نسبت به متقین ، از عوامل روی آوردن مؤمنان به جهاد با کافران

قتلوا . .. و اعلموا أن اللّه مع المتقین

عوامل شکست در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۲۰

۲۰ ترس از هیبت سپاه دشمن ، از عوامل ایجاد تردید و سستی اراده در پیکار *

قالوا لا طاقه لنا الیوم بجالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۳ - ۵

۵ پیکارگران احد ، به دلیل عدم توکّل برخی از آنان به خداوند ، علی رغم تواناییشان ، شکست خوردند . *

و اذ غدوت من اهلک تبوّیء المؤمنین . .. و لقد نصرکم اللّه ببدر و انتم اذلّه

یادآوری کمبود نیروی نظامی در جنگ بدر، اشاره به توانمندی آنان در مقایسه با جنگ احد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۱۱

۱۱ سستی پیکارگران در برابر هجوم حوادث دشوار جنگ ، موجب ناتوانی آنان در برابر دشمن و خوارکننده آنان

قاتل معه . .. فما وهنوا لما اصابهم فی سبیل اللّه و ما ضعفوا و ما استکانوا

ترتیب ذکری <وهن> و <ضعف> و <استکانت>، می تواند اشاره به ترتیب خارجی آن باشد: یعنی اول سستی و

آنگاه ضعف و سپس تسلیم و زبونی در برابر دشمن، حاصل خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۷ - ۴

۴ شرکت بی ایمان ها و سست باوران در جنگ و جهاد ، جز فساد و فتنه انگیزی و تأثیر منفی بر دیگران ، نتیجه ای ندارد .

لو خرجوا فیکم ما زادوکم إلا خبالا و لأوضعوا خللکم یبغونکم الفتنه

جمله <یبغونکم الفتنه> حال برای ضمیر فاعل <أوضعوا> است; یعنی، اگر منافقان برای جنگ بیرون می آمدند، مطمئناً در حق شما فتنه جویی می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۷،۱۶،۱۸

۷ سستی ، اختلاف در کار جنگ و سرپیچی از فرمان پیامبر (ص) ، از عوامل شکست مسلمانان در پیکار احد

حتّی اذا فشلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم

۱۶ دنیاطلبی برخی از پیکارگران احد ، موجب سستی ، اختلاف و سرپیچی از فرمان پیامبر (ص) و شکست در آن کارزار

حتّی اذا فشلتم و . .. منکم من یرید الدّنیا

به نظر می رسد جمله <منکم من یرید الدّنیا>، دلیل <اذا فشلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم> باشد.

۱۸ دنیاطلبی و دلدادگی به مادّیات ، از عوامل نزاع و اختلاف در صفوف مبارزان و شکست آنان

و تنازعتم فی الامر . .. منکم من یرید الدّنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۳ - ۲،۳،۵،۱۱

۲ گریز مسلمانان از میدان کارزار احد ، موجب شکست آنان در آن پیکار

ثمّ صرفکم عنهم .

.. اذ تصعدون

بنابر اینکه <اذ تصعدون> متعلق به <صرفکم> باشد و کلمه <اذ>، یا برای بیان علّت است، یعنی شکست خوردید چون فرار کردید، و یا ظرف زمان است، یعنی شکست خوردید، آنگاه که فرار کردید.

۳ گریز از رویارویی با دشمنان دین ، موجب شکست و هزیمت

ثمّ صرفکم عنهم . .. اذ تصعدون

۵ یادآوری پیکار احد و علل شکست مسلمانان در آن ، وظیفه مؤمنان

اذ تصعدون و لا تلون علی احد

بنابر اینکه <اذ تصعدون> متعلق به <اذکروا> باشد.

۱۱ بی اعتنایی به دعوت پیامبر (ص) در پیکار احد ، موجب شکست مسلمانان در آن کارزار

ثمّ صرفکم . .. و الرّسول یدعوکم فی اخریکم

بنابر اینکه <اذ تصعدون> متعلق به <صرفکم> باشد، آیه مزبور در مقام بیان علتهای شکست احد است. بنابراین جمله <و لاـ تلون علی احد و الرّسول ... >، که حاکی از دعوت پیامبر (ص) و بی اعتنایی به اوست، نیز بیانگر علتی برای شکست خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۰ - ۹

۹ سستی پیکارگران احد در اتکال به خداوند ، موجب محرومیّت آنان از نصرت الهی و شکست ایشان در آن نبرد .

و ان یخذلکم فمن ذا الّذی ینصرکم من بعده و علی اللّه فلیتوکّل المؤمنون

وقوع این آیه پس از بیان نبرد احد و شکست مؤمنان، اشاره به علّت شکست دارد، یعنی چون در آن نبرد توکّل نداشتید، از یاری خدا محروم شدید و در نتیجه شکست خوردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۵ - ۷

مسلمانان ، به دلیل نافرمانی از پیامبر (ص) و فرار از صحنه نبرد ، عامل شکست و مصیبت های پیکار احد

اولمّا اصابتکم مصیبه . .. قل هو من عند انفسکم

بـا توجّه به آیات قبل، هماننـد آیه ۱۵۲ (اذ تحسّونهم بـاذنه حتّی اذا فشـلتم و تنـازعتم فی الاـمر و عصـیتم)، معلوم می شود که نافرمانی و . .. از جمله عوامل شکست آنان بود.

عوامل فرار از جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۶ – ۱۰

۱۰ – وابستگی به دنیا ، از جمله عوامل فرار از جهاد است .

إن فررتم من الموت . .. و إذًا لاتمتّعون إلاّ قلیلاً

کاربرد <لاتمتّعون> به جای این که بگویـد: <چنـدان زنـده نخواهیـد مانـد. >، می توانـد به این نکته اشاره داشـته باشد که منافقان، در پی دستیازیدن به متاع دنیوی، از مرگ فرار می کرده اند.

عوامل محرومیت از جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۴۶ – ۵

۵ بی ایمانی و سست باوری ، مایه محرومیت از توفیق الهی برای شرکت در جهاد

و لکن کره اللّه انبعاثهم فثبطهم و قیل اقعدوا مع القعدین

عوامل معذوریت از جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۱ – ۳

۳ عدم قدرت بر تأمین نیاز های ضروری خانواده ، در صورت رفتن به جهاد ، سبب معافیت از جنگ است .

و لا علی الذین لا یجدون ما ینفقون حرج

منظور از انفاق در <ینفقون> می تواند انفاق بر افراد تحت تکفل و واجب النفقه

باشد.

عهد منافقان مدینه برای جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۵ – ۱،۳

۱ – منافقان حاضر در صحنه غزوه احزاب ، و مصمم به فرار از آن ، پیش تر در غزوه اُحد تعهد کرده بودند که از جهاد با دشمن نگریزند .

و لقد کانوا عهدوا اللّه من قبل لایولّون الأدبر

مرجع ضمیر در <کانوا> گروهی از منافقان اند که در غزوه اُحد ترسیدند و تصمیم به فرار گرفتند، ولی عهد کردند که دیگربار چنین نکنند.

۳ – عهد منافقان مدینه با خدا برای فرار نکردن از جهاد ، مورد حساب کشی خداوند است .

و لقد کانوا عهدوا اللّه من قبل . .. و کان عهد اللّه مسئولاً

غنیمت در جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۲۵ – ۱۸

۱۸ – دستیابی جامعه به منافع و سود های سرشار (مانند غنیمت ، امنیت و . . .) یکی دیگر از ره آورد های جهاد در راه خداوند

و منفع للناس . .. من ینصره

فرار از جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۵۳ – ۱،۲،۳،۴،۷،۸،۹،۱۲،۱۹،۲۶

۱ فرار پیکارگران احد از رویارویی با مشرکان قریش ، بی آنکه به فکر کسی باشند .

اذ تصعدون و لا تلون علی احد

کلمه <تصعدون> از <اصعاد>، به معنای دور شدن تا حد پنهان شدن از نظرهاست، و <لا تلون> از ماده <لیّ>، به معنای التفات و میل کردن است. یعنی از معرکه دور شدید و به کسی توجّه نمی کردید و تنها به

فکر فرار از صحنه بودید.

۲ گریز مسلمانان از میدان کارزار احد ، موجب شکست آنان در آن پیکار

ثمّ صرفکم عنهم . .. اذ تصعدون

بنابر اینکه <اذ تصعدون> متعلق به <صرفکم> باشد و کلمه <اذ>، یا برای بیان علّت است، یعنی شکست خوردید چون فرار کردید، و یا ظرف زمان است، یعنی شکست خوردید، آنگاه که فرار کردید.

۳ گریز از رویارویی با دشمنان دین ، موجب شکست و هزیمت

ثمّ صرفکم عنهم . .. اذ تصعدون

۴ تبلور آزمون مسلمانان در شکست احد ، به هنگام فرار آنان از صحنه کارزار

ثمّ صرفکم عنهم لیبتلیکم . .. اذ تصعدون و لا تلون علی احد

بنابر اینکه <اذ تصعدون> متعلق به <لیبتلیکم> باشد، یعنی خداوند شما را از تعقیب دشمن بازداشت تا آزمایشتان کند و این آزمایش به هنگام فرار تبلور یافت و محقق شد.

۷ عفو خداوند از مسلمانان پیکارگر احد ، نسبت به فرارشان از آن کارزار

و لقد عفا عنکم . .. اذ تصعدون و لا تلون علی احد

جمله <لقد عفا عنکم>، می رساند که فرار پیکارگران احد (اذ تصعدون . ..) نیز مشمول عفو الهی قرار گرفته است.

۸ دلهره و ترس و گریز مسلمانان از مهلکه کارزار احد ، موجب بی توجّهی در یاری رسانی به همرزمان خویش *

حتّی اذا فشلتم . .. اذ تصعدون و لا تلون علی احد

۹ تلاش پیامبر (ص) برای جلوگیری از گریز مسلمانان در نبرد احد ، و بی اعتنایی آنان در پذیرش دعوت او

و لا تلون علی احد و الرّسول یدعوکم فی اخریکم

جمله <و الرّسول یدعوکم . .. >، حالیه است ; یعنی در

حالی که پیامبر (ص) شما را فرامی خواند می گریختید و به هیچ کس (حتی پیامبر (ص)) توجهی نداشتید.

۱۲ گریز مسلمانان از کارزار احد و فاصله گرفتن آنان از رسول خدا (ص)

و الرّسول یدعوکم فی اخریکم

کلمه <فی اخریکم> بیـان حـالت پیـامبر (ص) به هنگام دعوت است. یعنی پیامبر (ص) آنگاه که شـما را دعوت می کرد، در آخر شما قرار داشت و این حاکی از دور شدن مسلمانان از اطراف پیامبر (ص) است.

۱۹ اندوه پیامبر (ص) از عصیان و نافرمانی مسلمانان و فرارشان از کارزار احد

فاثابکم غمّا بغمّ

برخی برآننـد که مراد از <غمّ> (غمّ دوّم)، غم و اندوهی است که مسـلمانان در آن کارزار به خاطر عصـیان از دسـتور پیامبر (ص) و به شکست کشاندن لشگر اسلام بر دل پیامبر (ص) گذاشتند.

۲۶ توجّه به دانایی خداوند به جزئیترین اعمال ، زمینه ساز پرهیز از رفتار های ناپسند (فرار از جنگ و . . .)

اذ تصعدون و لا تلون . .. و اللّه خبیر بما تعملون

جمله <و اللّه . .. >، برای ترغیب مخاطبـان به پرهیز از اعمـال ناپسـند و تشویق به اعمال نیکو و خداپسـند است که با توجّه به مورد آیه، مراد فرار از جنگ و نافرمانی از دستورات نظامی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۵ - ۱،۳،۵،۷،۹،۱۰،۱۴،۱۵

۱ فرار و پشت کردن برخی مسلمانان ، از جبهه پیکار احد

انّ الّذین تولّوا منکم یوم التقی الجمعان

۳ لغزش (فرار از کارزار) برخی از مجاهدان احد ، بر اثر نفوذ شیطان در ایشان

انّ

الّذین تولّوا . .. انّما استزلّهم الشّیطان ببعض ما کسبوا

۵ خودخواهی و دنیاپرستی برخی مجاهدان احد ، موجب نفوذ شیطان در آنان و گریزشان از صحنه کارزار

قد اهمّتهم انفسهم . .. انّ الّذین تولّوا .. انّما استزلّهم الشّیطان ببعض ما کسبو

خودمحوری و دنیاطلبی، که معنای جمله <قد اهمّتهم انفسهم> است، می تواند مصداق روشن و مورد نظر از جمله <ببعض ما کسبوا> باشد.

۷ خودمحوری و دنیاپرستی انسان ، زمینه نفوذ شیطان برای فرار از کارزار و ترک جهاد

قد اهمّتهم انفسهم . .. انّ الّذین تولّوا .. انّما استزلّهم الشّیطان ببعض ما کسبو

۹ گریز از میدان کارزار با دشمنان دین ، لغزشی شیطانی

انّ الّذین تولّوا . . انّما استزلّهم الشّیطان

۱۰ عفو خداوند از گناه فراریان جنگ احد

انّ الّذین تولّوا . . و لقد عفا اللّه عنهم

۱۴ حلم خداوند در برابر نافرمانی و لغزش پیکارگران احد (پشت کردن به میدان کارزار)

انّ الّذین تولّوا . . انّ اللّه غفور حلیم

۱۵ فرار عقبه بن عثمان و عثمان بن سعد از رویارویی با دشمن در جنگ احد ، در اثر وسوسه های شیطان

انّ الّذین تولّوا منکم یوم التقی الجمعان انّما استزلّهم الشیطان ببعض ما کسبوا

امام باقر و یا امام صادق (ع) درباره <انّما استزلّهم الشیطان ببعض ما کسبوا . .. > فرمودند: فهو فی عقبه بن عثمان و عثمان بن سعد.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۱، ح ۱۵۶ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۲، ح ۱.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۵۶ – ۷،۱۵

۷ حسرت و افسوس فراریان از میدان

نبرد ، پس از دانستن این که حیات و مرگ تقدیر الهی است .

لا تکونوا . .. ما ماتوا و ما قتلوا لیجعل اللّه ذلک حسره فی قلوبهم

بنابر اینکه <لیجعل> متعلق به محذوف باشد; یعنی بیان این حقیقت که مرگ و حیات تقدیر الهی است، برای این بود که متخلفان از جنگ بر کرده خویش حسرت برند. زیرا معلوم می شد که اگر در جنگ شرکت می کردند، چون مقدّر نبود، کشته نمی شدند.

۱۵ نظارت و بینایی خداوند به کردار بندگان ، هشداری به ترک کنندگان جهاد

انّ الّذین تولّوا منکم . .. و اللّه بما تعملون بصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۳

۳ نرمی و مدارای پیامبر (ص) ، با مسلمانانی که از دستورات ایشان سرپیچی کردند و از جبهه احد گریختند .

فبما رحمه من اللّه لنت لهم

نرمی و مدارا غالباً در مورد مخالفت و عصیان است که از مصادیق مورد نظر به قرینه آیات قبل عصیانگران نبرد احد می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۲ - ۱۲

۱۲ دوزخ ، جایگاه شوم ترک کنندگان جهاد ، خیانتکاران و آنانکه پیامبر (ص) را متّهم به خیانتکاری می کنند .

انّ الّذین تولّوا منکم . .. و ما کان لنبیّ ان یغلّ ... کمن بآء بسخط من اللّه و م

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۵ - ۷

۷ مسلمانان ، به دلیل نافرمانی از پیامبر

(ص) و فرار از صحنه نبرد ، عامل شكست و مصيبت هاى پيكار احد

اولمّا اصابتكم مصيبه . .. قل هو من عند انفسكم

بـا توجّه به آيات قبل، هماننـد آيه ۱۵۲ (اذ تحسّونهم بـاذنه حتّى اذا فشـلتم و تنـازعتم فى الا ـمر و عصـيتم)، معلوم مى شود كه نافرمانى و . .. از جمله عوامل شكست آنان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۷ - ۹،۱۲،۱۳،۱۵،۲۴

۹ بهانه جويى منافقان براى سرباز زدن از حضور در ميدان احد ، با اين ادّعا كه در آن ميدان ، پيكارى رخ نخواهد داد .

قاتلوا لو نعلم قتالا لاتّبعناكم

برخى از مفسّـران گفته انـد مراد از جمله <لو نعلم . .. > نفى برخورد نظـامى است ; يعنى ما مى دانيم كه جنگى رخ نخواهد داد و لذا با شما نمى آييم.

۱۲ شركت نكردن منافقان در پيكار احد ، افشاگر چهره و موضع نفاق آلود ايشان

و ليعلم الّذين نافقوا و قيل لهم تعالوا . .. لو نعلم قتالاً لاتّبعناكم

جمله <و قيل لهم تعالوا . .. > توضـيحى است براى جمله <و ليعلم الّذين نافقوا>. يعنى طريقه مشـخّص كردن منافقان همان شركت نكردن آنان در نبرد است.

۱۳ سرباز زدن از حضور در پيكار با دشمنان دين و دفاع از كيان اسلامى ، از نشانه هاى نفاق

و ليعلم الّذين نافقوا . .. لو نعلم قتالاً لاتّبعناكم

۱۵ سرباز زدن از پيكار در راه خدا ، موجب دورى از مرز ايمان و قرار گرفتن در آستانه كفر

هم للكفر يومئذ اقرب منهم للايمان

۲۴ برخورد نفاق آلود عبداللّه بن ابى و

یاران او و سرباز زدن آنان از حضور در پیکار احد

و لیعلم الّذین نافقوا و قیل لهم تعالوا قاتلوا . .. لو نعلم قتالاً

در شأن نزول آیه آمده که عبداللّه بن ابی و یاران او، که حدود سیصد نفر بودند، از حضور در پیکار احد سرباز زد. (مجمع البیان، ذیل آیه.)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۴

۴ کسانی که به خاطر ترس از شرکت در جهاد خودداری می کنند ، از اولیاء و دوستان شیطان هستند .

انّما ذلکم الشّیطان یخوّف اولیاءه

از <انّ النّاس قد جمعوا لکم فاخشوهم>، معلوم می شود که شیطان (ابلیس و یا جاسوس دشمن)، همه مؤمنان را می ترساند، ولی از <یخوّف اولیاءه> استفاده می شود که تنها دوستانش را می ترساند. بنابراین مراد از <یخوّف اولیاءه>، فعلیّت و تحقق ترس می باشد که مخصوص دوستان شیطان است. پس کسانی که به خاطر ترس، از جهاد خودداری کنند، اولیای شیطانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۲۵

۲۵ گریز از جهاد و ترس از ملامت دشمنان دین ، از نشانه های بیماری دل و ضعف ایمان

فتری الذین فی قلوبهم مرض . .. یجهدون فی سبیل اللّه و لایخافون لومه لائم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۱۱

۱۱ - مستحکم نبودن خانه و کاشانه ، بهانه منافقان و افراد بیماردل برای گریز از جهاد در غزوه احزاب بود .

و یستئذن فریق منهم النبیّ یقولون إنّ بیوتنا عوره و ما هی

بعوره إن يريدون إلّا فر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۶ - ۴

۴ - فرار از جبهه جهاد ، ممكن است كه نحوه مرگ و يا قتل را تغيير دهد ، اما براى هميشه آنها را منتفى نمى سازد .

قل لن ينفعكم الفرار إن فررتم من الموت أو القتل و إذًا لاتمتّعون إلّا قليلًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۳ - ۱،۲

۱ - برخى از مسلمانان مدينه ، بر سر پيمان خود با خداى خويش ، وفادار ماندند و از جهاد نگريختند .

من المؤمنين رجال صدقوا ما عهدوا اللّه عليه

به قرينه آيه پانزده كه درباره عهد منافقان مبنى بر فرار نكردن از صحنه جنگ است مراد از <ما عاهدوا> مى تواند عهد بستن بر فرار نكردن از جهاد باشد.

۲ - مسلمانان مدينه ، با خدا ، عهد بسته بودند كه از جهاد و رويارويى با دشمن نگريزند .

من المؤمنين رجال صدقوا ما عهدوا اللّه عليه

فرار منافقان مدينه از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۶ - ۳،۶

۳ - منافقان شركت كننده در غزوه احزاب ، درصدد فرار از جهاد ، به منظور نجات خود بودند .

قل لن ينفعكم الفرار

۶ - منافقان حاضر در غزوه احزاب ، براى نجات از مرگ و يا كشته شدن ، تصميم به فرار از جهاد گرفتند .

إن يريدون إلّا فرارًا . .. إن فررتم من الموت أو القتل

فرجام متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۱۲

۱۲ دوزخ ، جایگاه و فرجام نهایی منافقان متخلف از جهاد

مأويهم جهنم

فسق متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۳ - ۴

۴ متخلفان از جنگ ، فاسق و اعمالشان در نزد خداوند بی ارزش است .

إنكم كنتم قوماً فسقين

روی سخن در این بخش از آیات با منافقانی است که از شرکت در جنگ تبوک خودداری کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۶ - ۹

۹ منافقان و توانمندان متخلف از جهاد ، فاسق و محروم از رضایت خدایند .

يحلفون . .. لا يرضى عن القوم الفسقين

فضیلت جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۳ - ۳

۳ نبرد مجاهدان بدر در راه خدا و مورد ستایش او

فئه . .. تقاتل فى سبيل اللّه

از تأیید خداوند به اینکه جنگشان فی سبیل اللّه بوده، ستایش خداوند استفاده گردیده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۶۸ – ۱۳

۱۳ جهاد و شهادت در راه خدا ، حرکتی بی ارزش در دیدگاه منافقان

لو اطاعونا ما قتلوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۸۵ – ۳

۳ ارزشمندی تشویق مردم به جهاد در راه خدا

و حرّض المؤمنین . .. من یشفع شفاعه حسنه یکن له نصیب منها

چون تحریک مردم به جهاد، <شفاعه حسنه> نامیده شده است.

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۹۵ – ۱۲

۱۲ جهاد با مال و جان ، از برترین ارزش ها در نظام ارزشی اسلام

لایستوی القاعدون . .. و المجاهدون ... باموالهم و انفسهم فضّل اللّه المجاهدین بام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۶ – ۱۲

۱۲ – جهاد در راه خدا ، دارای اجری بزرگ و ارجمند

ستدعون إلی قوم أولی بأس شدید . .. فإن تطیعوا یؤتکم اللّه أجرًا حسنًا

فطریت جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۱ – ۵

۵– دفاع از ارزش ها و جهاد در راه خداوند ، مورد تأیید عقل و فطرت سلیم

طاعه و قول معروف

برداشت یاد شده بنابر این نکته است که <قول معروف> خبر برای مبتدای محذوف باشد; یعنی، دستور قتال که در آیات پیشین بیان شده، دستوری شناخته شده از نظر عقل و فطرت است که بشر را به دفاع از ارزش ها و طرد دشمنان مهاجم فرامی خواند.

فلسفه اعراض از متخلفان از جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۵ – ۱۰

۱۰ پلیدی شدید منافقان جهادگریز ، ملاک وجوب اعراض و روی گردانی از آنان

فأعرضوا عنهم إنهم رجس

<إنهم رجس> در مقام تعليل حكم به اعراض است.

فلسفه جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۱۰

۱۰ - رفع فتنه ، از هدف هاى جنگ و جهاد در اسلام است .

و اقتلوهم حيث ثقفتموهم و أخرجوهم من حيث أخرجوكم و الفتنه

أشد من القتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۳،۴

۳ - نبرد با کافران ، تا حاکمیت یافتن دین خدا در پهنه گیتی ، فرمان خداوند به اهل ایمان

و قتلوهم حتی لاتکون فتنه و یکون الدین للّه

۴ - هدف از تشریع جهاد و مبارزه در اسلام ، گسترش و جهانی شدن دین الهی و بر طرف شدن فتنه است .

و قتلوهم حتی لاتکون فتنه و یکون الدین للّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۶ - ۱۸

۱۸ پیکار در راه خداوند ، عزّت بخش و رهاکننده جامعه از قید تجاوز و اسارت

و ما لنا اَلّا نقاتل فی سبیل اللّه و قد اُخرجنا من دیارنا و ابنائنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۲۲،۲۰

۲۰ دفع فساد و تجاوزطلبی انسان ها به وسیله یکدیگر ، پرتویی از تفضّلِ جهانشمولِ الهی

و لو لا دفع اللّه . .. و لکنّ اللّه ذو فضل علی العالمین

۲۲ ترک مبارزه با حاکمان ستمگر تا هزیمت آنان ، زمینه ساز فسادگری در زمین

فهزموهم باذن اللّه و قتل داود جالوت . .. و لو لا دفع اللّه ... لفسدت الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۹

۹ جدا شدن صف مؤمنان واقعی از غیر آنان ، از فلسفه های پیکار میان حقّ و باطل

ان یمسسکم قرح . .. و تلک الایّام نداولها بین النّاس و لیعلم اللّه الّذین امنوا

در برداشت فوق،

کلمه <تلک>، به روزهای مبارزه و جنگ تفسیر شده است ; نه خصوص پیروزی و یا شکست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۲ - ۴،۶

۴ جهاد و پایداری در هنگامه های دشوار آن ، محکِ آزمونِ اهل ایمان

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه و لمّا یعلم اللّه الّذین جاهدوا منکم و یعلم الصّابرین

نصب <یعلم> به <اَن> مقدّر، دلالت می کند که <واو> در <و یعلم الصّابرین> واو جمع است. یعنی: محک آزمون اهل ایمان، جهادِ همراه صبر و پایداری است.

۶ جنگ ها و مبارزات ، وسیله امتحان مردم و عرصه جداکردن مؤمنان مجاهد و صابر از غیر ایشان

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه و لمّا یعلم اللّه الّذین جاهدوا منکم و یعلم الصّابرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۶ - ۶

۶ مشخّص شدن مؤمنان واقعی ، از اهداف رخصت خداوند در شکست نبرد احد و مصیبت های وارده در آن

و ما اصابکم . .. و لیعلم المؤمنین

جمله <و لیعلم . .. >، عطف بر جمله ای مقدّر است ; یعنی <و ما اصابکم ... لیکون کذا و کذا و لیعلم المؤمنین>. لذا در برداشت فوق، مشخص شدن مؤمنان، از اهداف شکست آنان در نبرد احد شمرده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۷ - ۱

۱ مشخص شدن منافقان ، از اهداف رخصت خداوند در شکست نبرد احد و مصیبت های وارده در آن

و ما اصابکم . .. و لیعلم الّذین نافقوا

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۱۵

۱۵ جهاد و نبرد در اسلام ، برای دفع دشمنان است ، نه سلطه بر آنان و یا تحمیل عقیده

فان اعتزلوکم . .. فما جعل اللّه لکم علیهم سبیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۸ - ۱

۱ پیاده شدن حق و نابودی باطل ، هدف از تشریع جهاد و مبارزه در اسلام

إذ یعدکم . .. یرید اللّه .. لیحق الحق ... و لو کره المجرمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۵

۵ جنگ های اسلام در صدد دفع شر کافران ، نه تحمیل عقیده بر آنان *

إن تنتهوا فهو خیر لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۹ - ۵

۵ گسترش و جهانگیر شدن دین الهی ، از اهداف جهاد و مبارزه در اسلام

و قتلوهم حتی . .. و یکون الدین کله للّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۱۰

۱۰ دستیابی مجاهدان به مواهب اخروی و منافع معنوی ، هدفی اساسی در تشریع جهاد

و اللّه یرید الأخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵ - ۱۰

۱۰ هدف و فلسفه اصلی جنگ و مبارزه با کفار و مشرکان ، گرایش دادن آنان به سوی اسلام است نه نابود کردن آنان .

فاقتلوا المشرکین . .. فإن تابوا ... فخلّوا سبیلهم

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۹

۹ هدف و فلسفه اصلی جنگ و مبارزه با کفار و مشرکان ، آوردن ایشان به دامن اسلام است و نه نابودی آنان .

فاقتلوا المشرکین . .. و إن أحد من المشرکین استجارک ... حتی یسمع کلم اللّه ثم أبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱ - ۱

۱ جنگ مسلمانان با مشرکان پیمان شکن صدر اسلام ، به منظور نجات آنان از آیین شرک و بازگشت به توحید و اسلام ، بود .

فإن تابوا و اقاموا الصلوه و ءاتوا الزکوه

برداشت فوق از تفریع جمله <إن تابوا . .. > بر الغای صلحنامه و اعلام جنگ با مشرکان پیمان شکن (کیف یکون للمشرکین عهد ...) استفاده می شود. قابل ذکر است که <توبه> (مصدر تابوا) به معنای بازگشتن است ; یعنی، اگر مشرکان به اسلام و توحید بازگردند و ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲ - ۱۱،۱۲

۱۱ نابودی عوامل اصلی کفر و شرک ، هدف عمده و اساسی پیکار اسلام با کافران و مشرکان

فقتلوا أئمه الکفر

۱۲ پیکار با سران شرک و کفر ، به منظور وادار کردن آنان به رعایت عهد و پیمان و بازداشتن ایشان از ضربه زدن به اسلام و مسلمانان است .

و إن نکثوا أیمنهم . .. فقتلوا أئمه الکفر ... لعلهم ینتهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۹ - ۴

۴ فرمان جهاد و

شرکت همگان در آن ، در جهت منافع مؤمنان و زیان تخلف از جهاد ، تنها متوجه خود آنان است ; نه خداوند .

إلا تنفروا یعذبکم عذاباً ألیماً . .. و لا تضروه شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۱ - ۷

۷ تأکید خداوند بر جهاد با مال و جان (در عین بی نیازی او از جهاد و تلاش مردم) ، به خاطر تأمین مصالح خود انسانهاست .

ما لکم إذا قیل لکم انفروا . .. إلا تنفروا یعذبکم ... انفروا خفافاً و ثقالا جهدوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱۴

۱۴ هدف نخستین از جهاد ، نابود ساختن دشمنان الهی است نه صرفاً دستیابی به بهشت .

یقتلون فی سبیل اللّه فیقتلون و یقتلون

برداشت فوق با توجه به تقدیم کشتن (فیَقتلون) بر کشته شدن (و یُقتلون) به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۹

۹ توجه به شمول حمایت و امداد الهی نسبت به متقین ، از عوامل روی آوردن مؤمنان به جهاد با کافران

قتلوا . .. و اعلموا أن اللّه مع المتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۱۰

۱۰ - حفاظت و پاسداری از معابد و مراکز دینی (صومعه ها ، کلیسا ها ، کنیسه ها و مساجد) فلسفه جهاد و دفاع

و لولا دفع اللّه . .. لهدّمت صومع و بیع ... و مسجد

<صوامع> جمع <صومعه> و

<بیع> جمع <بیعه> و <صلوات> جمع <صلاه یا صَلوْه> است. <صومعه> مرداف <دیر> جایی است که راهبان در آن به ریاضت می پردازند. <بیعه> به کلیسای نصارا گفته می شود. <صلاه یا صلوه> کنیسه یهودیان است; یعنی، اگر خدا برخی از مردم را به بعضی دیگر دفع نمی کرد، صومعه ها، کلیساها، کنیسه ها و مساجدی که در آن بسیار ذکر خدا می شود، تخریب می شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۱۱،۲۲

۱۱- هدف اسلام از جنگ با کافران ، دفع تجاوز ها و هجوم آنان است ; نه صرفاً کشتن ایشان . *

فضرب الرقاب حتّی إذا أثختنموهم فشدّوا الوثاق

عبارت <فشدّوا الوثاق> احتمالاًاین معنا را افاده کند که پس از زمین گیر شدن دشمن، دیگر کشتن آنان لازم نیست; زیرا هدف که دفع شر و تهاجم آنان بوده حاصل شده است.

۲۲- فرمان خداوند به جهاد ، در عین قدرت او بر نابودسازی کافران ، به منظور آزمایش آدمیان

و لو یشاء اللّه لانتصر منهم و لکن لیبلواْ بعضکم ببعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۱ - ۱۰

۱۰- فرمان های خدا و دستور او به جهاد ، در جهت منافع خود انسان ها است .

فإذا عزم الأمر فلو صدقوا اللّه لکان خیرًا لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۱ - ۲

۲- تکلیف جهاد ، وسیله آزمایش مؤمنان و تمایز مجاهدان و صابران از دیگران

و لنبلونّکم حتّی نعلم المجهدین منکم و الصبرین

با توجه به واژه <المجاهدین> معلوم

می شود که موضوع اصلی آزمایش <جهاد> است. به علاوه محور اصلی این آیات فرمان قتال با کافران و جهاد در راه خدا می باشد (إذا أنزلت سوره محكمه و ذكر فيها القتال ...).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۲۵ – ۲۰،۲۳

۲۰ – شناخته شدن یاران خدا و پیامبران و جدا گشتن صفوف آنان از دیگران ، حکمت تشریع جهاد از سوی خداوند

و أنزلنا الحديد . .. و ليعلم اللّه من ينصره و رسله

۲۳ – تشریع جهاد از سوی خداوند ، به معنای نیاز داشتن او به یاری دیگران نیست .

و أنزلنا الحديد . .. إنّ اللّه قوىّ عزيز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۱۱ – ۱۱

۱۱ – فریضه جهاد با مال و جان ، در جهت تأمین مصالح خود مجاهدان است .

و تجهدون . .. ذلكم خير لكم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عادیات – ۱۰۰ – ۶ – ۴،۹

۴ – ناسپاسی دشمنان اسلام در برابر ربوبیت خداوند ، دلیل هجوم مجاهدان به صفوف آنان است .

و العديت . .. إنّ الإنسن لربّه لكنود

۹ – جهاد در راه خدا ، شکر نعمت های او است .

و العديت . .. إنّ الإنسن لربّه لكنود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عادیات – ۱۰۰ – ۷ – ۴

۴ - انکار آگاهانه نعمت های خداوند ، از سوی دشمنان اسلام ، دلیل رویارویی سپاه مجاهدان با صفوف آنان است .

و العدیت . .. إنّ الإنسن لربّه لکنود . و إنّه

علی ذلک لشهید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۸ - ۲

۲ - افزایش مال دوستی در دشمنان دین ، زمینه رویارویی آنان با سپاه اسلام است .

و العدیت . .. و إنّه لحبّ الخیر لشدید

فلسفه جهاد دفاعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۹ - ۵

۵ - صدور اجازه پیکار به مسلمانان صدراسلام از سوی خداوند ، به منظور دفع تهاجم دشمن و رفع تجاوز آنان

أُذن للذین یقتلون بأنّهم ظلموا

قبول توبه متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۷

۷ باز بودن راه توبه برای متخلفان از جهاد ، با وجود مأموریت مؤمنان به نپذیرفتن عذرتراشی آنان *

لن نؤمن لکم . .. و سیری اللّه عملکم و رسوله

جمله <سیری اللّه . .. > می تواند بیانگر این جهت باشد که اگر چه مؤمنان نباید برای عذرخواهی متخلفان از جهاد وقعی بنهند، ولی این بدان معنا نیست که آنان راهی به سوی توبه نداشته باشند ; بلکه توبه آنان منوط به عملکرد آینده شان است که خدا و پیامبر(ص) بر آن ناظر خواهند بود.

قیاس تولیت مسجد با جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۹ - ۱

۱ سـرزنش خداونـد نسـبت به مسـلمانانی که شـغل آب دهی به حاجیان و سـرپرستی مسـجدالحرام را با جهاد در راه خدا برابر انگاشته و خویشتن را همطراز با مؤمنان اهل پیکار در راه خدا می پنداشتند .

أجعلتم سقایه الحاجّ

و عماره المسجدالحرام کمن ءامن باللّه و الیوم الأخر و جهد فی

قیاس سقایت حاجیان با جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۹ - ۱

۱ سرزنش خداوند نسبت به مسلمانانی که شغل آب دهی به حاجیان و سرپرستی مسجدالحرام را با جهاد در راه خدا برابر انگاشته و خویشتن را همطراز با مؤمنان اهل پیکار در راه خدا می پنداشتند .

أجعلتم سقایه الحاجّ و عماره المسجدالحرام کمن ءامن باللّه و الیوم الأخر و جهد فی

کافران در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۷ - ۴

۴ شرکت بی ایمان ها و سست باوران در جنگ و جهاد ، جز فساد و فتنه انگیزی و تأثیر منفی بر دیگران ، نتیجه ای ندارد .

لو خرجوا فیکم ما زادوکم إلا خبالا و لأوضعوا خللکم یبغونکم الفتنه

جمله <یبغونکم الفتنه> حال برای ضمیر فاعل <أوضعوا> است; یعنی، اگر منافقان برای جنگ بیرون می آمدند، مطمئناً در حق شما فتنه جویی می کردند.

کراهت از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۵

۵ مسلمانان ، مشتاق رویارویی با کاروان تجاری قریش و ناخشنود از درگیری با سپاه مسلح آنان

و تودون أن غیر ذات الشوکه تکون لکم

کری تارکان جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۳ – ۶

۶- بیماردلان گریزان از جهاد و فسادانگیز و قطع کننده رحم ، مردمی کر و کور در برابر حق

أولئك الذین . .. فأصمّهم و

أعمى أبصرهم

کوری تارکان جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۳ – ۶

۶- بیماردلان گریزان از جهاد و فسادانگیز و قطع کننده رحم ، مردمی کر و کور در برابر حق

أولئک الذین . .. فأصمّهم و أعمى أبصرهم

کیفر تخلف از جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۴۲ – ۱۰

۱۰ پیامد هلاکت بار سرباز زدن از فریضه جهاد در راه خدا ، دامنگیر خود متخلفان است .

لو استطعنا لخرجنا معکم یهلکون أنفسهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۳ – ۱

۱ گناه و کیفر تخلف از جهاد ، تنها متوجه کسانی است که علی رغم توانمندی ، از آن روی برگردانند .

إنما السبیل على الذین یستئذنونک و هم أغنیاء

کیفر ترک جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۴۳ – ۹

۹ مرگ زودرس ، جزا و فرجام گُریزندگان از پیکار در راه خداوند

الم تر الى الّذین . .. فقال لهم اللّه موتوا ... و قاتلوا فی سبیل اللّه

با توجّه به ارتباط این آیه و آیه بعد می توان گفت، ترک شهر و دیار از سوی یادشدگان، به خاطر گریز از میدان نبرد بوده است و خداوند با یادآوری آن واقعه، به مسلمانان هشدار می دهد که مبادا همانند آن فراریان، نبرد را ترک کنند و به مرگ زودرس <موتوا> گرفتار شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۵ - ۶

۶

بازدارندگان مردم از جهاد در راه خدا ، سهیم در کیفر ترک آن

و اذا جاءهم امر . .. اذاعوا به ... من یشفع شفاعه حسنه یکن له نصیب منها

به مقتضای ارتباط این آیه با آیات قبل، مصداق مورد نظر از <شفاعه سیّئه>، می تواند همان کارهایی باشد که موجب بازماندن مردم از جهاد در راه خداست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۶ – ۱۴

۱۴ – تخلّف از جنگ و جهاد ، دارای کیفری بس بزرگ و دردناک

و إن تتولّوا کما تولّیتم من قبل یعذّبکم عذابًا أليمًا

کیفر فرار از جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۱۶ – ۲،۴

۲ روی گردانان از جبهه نبرد جز برای اتخاذ تاکتیک های جدید مورد غضب الهی و مستحق جهنم

و من یولهم . .. فقد باء بغضب من اللّه و مأویه جهنم و بئس المصیر

کلمه <بوء> چنانچه با حرف <باء> متعدی شود می تواند به معنای متحمل شدن باشد. بنابراین <باء بغضب من اللّه> یعنی خشم خداوند را بر خود هموار ساخت.

۴ جهنم ، جایگاه فراریان از جبهه نبرد

و من یولهم . .. مأویه جهنم

کیفر متخلفان از جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۵۲ – ۸

۸ منافقان متخلف از جنگ ، مستحق و سزاوار مرگ

نحن نتربص بكم . .. بعذاب من عنده أو بأيدينا

گناه تخلف از جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۳ – ۱۸

گناه و کیفر تخلف از جهاد ، تنها متوجه کسانی است که علی رغم توانمندی ، از آن روی برگردانند .

إنما السبیل علی الذین یستئذنونک و هم أغنیاء

۸ گناه تخلف از وظیفه جهاد ، زمینه مهر شدن قلب انسان

رضوا بأن یکونوا مع الخوالف و طبع اللّه علی قلوبهم

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که طبع قلب (مهر شدن) معلول عملکرد خائنانه منافقان باشد نه علت آن.

گناه متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۹ - ۷

۷ متخلفان از جنگ ، به بهانه مصون ماندن از فتنه و گناه ، خود در منجلاب فتنه و گناه بودند .

ائذن لی و لاتفتنی ألا فی الفتنه سقطوا

لعن بر تارکان جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۱

۱- عناصر بیماردلِ روی گردان از جهاد و دستورات الهی ، مورد نفرین خداوند

رأیت الذین فی قلوبهم مرض . .. فهل عسیتم إن تولّیتم ... أولئک الذین لعنهم اللّه

برداشت یاد شده بنابر این نکته است که مشارالیه <أولئک>، کسانی باشند که <تولّیتم> خطاب به آنان است و <تولّی> به معنای روی گردانی از جهاد و یا مجموعه فرمان های حق باشد.

مانعان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۸ - ۲،۸،۱۰

۲ - تلاش شدید منافقان مدینه ، برای بازداشتن مسلمانان از جهاد در غزوه احزاب

و إذ قالت طائفه منهم . .. لامقام لکم فارجعوا ... قد یعلم اللّه المعوّقین منکم

تضعیف <عوّق> برای بیان شدت و غلظت بازدارندگی،

است.

۸ – منافقان مدینه ، علاوه بر بازداشتن دیگران از حضور در جبهه جهاد ، خود نیز در آن ، حضوری کم رنگ داشتند .

قد یعلم اللّه المعوّقین . .. و القائلین لإخونهم ... و لایأتون البأس إلاّ قلیلاً

بنابراین احتمال که جمله <و لایأتون البأس. ..> حال برای <المعوّقین> و <القائلین> باشد، نکته یاد شده به دست می آید.

۱۰ – خداوند ، بر بازدارندگان از جهاد و منافقان تلاش کننده در جذب مسلمان های ضعیف به سوی خود و کم حضوران در جهاد ، آگاه است .

قد یعلم اللّه المعوّقین . .. و لایأتون البأس إلاّ قلیلاً

متخلفان از جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۲ – ۴

۴ دور ماندن از مصائب جنگ ، نعمتی الهی در بینش سست عنصران متخلف از جهاد

فان اصابتکم مصیبه قال قد انعم اللّه علیّ اذ لم اکن معهم شهیداً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۳ – ۹

۹ متخلفان از جهاد ، بیگانه با جامعه ایمانی و پیوند های مودّت آمیز آن

و انّ منکم لمن لیبطّئنّ . .. کان لم تکن بینکم وبینه مودّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۶ – ۳

۳ جنگ های کافران ، در راه طاغوت است .

و الّذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطّاغوت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۹۵ – ۲،۱۴

۲ نابرابری درجه و مقام ناتوانان از شرکت در جهاد ، با آنان که علی رغم

توانمندی در جهاد شرکت نمی کنند .

لا یستوی القاعدون من المؤمنین غیر اولی الضرر و المجاهدون فی سبیل اللّه

اگر همه کسانی که در جهاد شرکت نمی کنند، چه ناتوان و چه توانا، در یک رتبه بودند، استثنا، یعنی <غیر اولی الضرر> بی معنا بود.

۱۴ مؤمنانی که بازماندنشان از جهاد موجب خسارتی به جبهه مؤمنان شود ، مشمول پاداش الهی نیستند .

لایستوی القاعدون من المؤمنین غیر اولی الضّرر . .. کلاّ وعد اللّه الحسنی

برداشت فوق بر این اساس است که <ضرر> به معنای زیان رسانی باشد; چنانچه در لسان العرب در معنای <لا ضرر> آمده است: ای لا یضر الرجل اخاه. و با توجه به اینکه <غیر> صفت <القاعدون> است، معنای جمله چنین می شود: بازماندگان از جنگ در صورتی که عدم حضورشان موجب ضرر به جبهه مسلمانان نگردد، از اجر و پاداش الهی بهره مند خواهند بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۰ - ۴

۴ مباهات و اظهار شادمانی منافقان به رأی صائب خویش مبنی بر ترک جهاد ، در صورت مواجه شدن مسلمانان با شکست و مشکلات جنگ

و إن تصبک مصیبه یقولوا قد أخذنا أمرنا من قبل و یتولوا و هم فرحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱۱

۱۱ گرمی هوا ، بهانه منافقان صدر اسلام برای تخلف از جنگ و دستاویزی برای تبلیغ و بازداشتن از شرکت دیگران در جهاد

و قالوا لاتنفروا فی الحر

متخلفان از جهاد در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه -

۹ - ۹۵ - ۱۲

۱۲ دوزخ ، جایگاه و فرجام نهایی منافقان متخلف از جهاد

مأویهم جهنم

متخلفان از جهاد و اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۰ - ۲

۲ بهانه جویان متخلف از جنگ ، آرزومند عدم موفقیت سپاه اسلام و نگران از پیروزی آنان .

إن تصبک حسنه تسؤهم

متخلفان از جهاد و اندوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۲ - ۴

۴ متخلفان از جهاد ، نباید از تخلف خویش مسرور گردند ; بلکه باید از پیامد ناگوار ترک این فریضه ، محزون و غمزده باشند .

فرح المخلفون . .. فلیضحکوا قلیلا و لیبکوا کثیراً

متخلفان از جهاد و سرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۲ - ۴

۴ متخلفان از جهاد ، نباید از تخلف خویش مسرور گردند ; بلکه باید از پیامد ناگوار ترک این فریضه ، محزون و غمزده باشند .

فرح المخلفون . .. فلیضحکوا قلیلا و لیبکوا کثیراً

متخلفان از مسافرت به حدیبیه و جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۱

۱ - اخبار خداوند ، از مواضع بعدی متخلّفان از سفر حدیبیه ، در قبال مسؤولیت های جهادی

سیقول المخلّفون

مجازات تخلف از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۱۳

۱۳ اشخاص معذور از جهاد ، در صورت خیرخواهی برای دین و رهبر جامعه اسلامی ، مصون از عذاب و

کیفر تخلف از جنگ

الذین کفروا منهم عذاب ألیم . .. ما علی المحسنین من سبیل

محدوده جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۵،۶

۵ - ضرورت باز پس گیری سرزمین های اسلامی از دست دشمنان دین و بیرون راندن ایشان از آن جا

و أخرجوهم من حیث أخرجوکم

۶ - ضرورت نبرد با کافرانی که سرزمین های اسلامی را به تصرف خویش در آورده اند .

و اقتلوهم . .. و أخرجوهم من حیث أخرجوکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۳

۳ - نبرد با کافران ، تا حاکمیت یافتن دین خدا در پهنه گیتی ، فرمان خداوند به اهل ایمان

و قتلوهم حتی لاتکون فتنه و یکون الدین للّه

محرومان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۱۰

۱۰ احساس رضایت و خوشحالی منافقان از شرکت نکردن در جنگ برای بار نخست ، مایه طرد همیشگی آنان از سوی خدا و پیامبر (ص) و محروم شدن دایمی از شرکت در جهاد

لن تخرجوا . .. و لن تقتلوا معی عدواً إنکم رضیتم بالقعود أول مرّه

برداشت فوق بر این اساس است که <لن تخرجوا> و <لن تقاتلوا> در مقام انشا و برای طرد منافقان باشد و جمله <إنکم رضیتم . ..> نیز برای تعلیل آن باشد.

محرومیت از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۶ - ۷

۷ امکانات مادی مردمِ محروم از ایمان ، تقوا و جهاد

، بی تأثیر در تأمین فلاح و رستگاری ایشان

اتقوا اللّه . .. لعلکم تفلحون. إنّ الذین کفروا لو أنَّ لهم ما فی الارض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۲ – ۷

۷ اندوه و گریه شدید مؤمنان تهیدست ، به خاطر ناتوانی از شرکت در جنگ تبوک و محروم شدن از فیض جهاد

و أعینهم تفیض من الدمع حزناً

محرومیت متخلفان از جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۳ – ۱۰

۱۰ حسرت و تأسف متخلفان از جهاد بر محرومیتشان از غنایم جنگی

و لئن اصابکم فضل من اللّه لیقولنّ . .. یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزاً عظیماً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۶ – ۹

۹ منافقان و توانمندان متخلف از جهاد ، فاسق و محروم از رضایت خدایند .

یحلفون . .. لا یرضی عن القوم الفسقین

محمد(ص) و متخلفان از جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۴ – ۶

۶ موضع گیری در برابر متخلفانِ از وظایف اجتماعی (چون جهاد و . . .) از وظایف پیامبر (ص) و رهبر جامعه اسلامی

یعتذرون إلیکم . .. قل لا تعتذروا

از اینکه نخست همه مؤمنان مورد خطاب قرار گرفته انـد، ولی وظیفه اعلام موضع تنها بر عهـده پیامبر(ص) قرار داده شـده، می توان برداشت فوق را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۶

۶ اجازه

خداوند به پیامبر (ص) در مورد گرفتن صدقه (زکات) از جهاد گریزانی که به گناه خویش معترف بودند .

و ءاخرون اعترفوا بذنوبهم . .. خذ من أمولهم صدقه

برداشت فوق با توجه به شأن نزول آیه است که برخی از متخلفان از جنگ تبوک، نادم شدند و در قبال خطای خویش، پیشنهاد کردند که تمام اموالشان را به عنوان صدقه بپردازند.

محمد(ص) و معذوران از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ < عن ابی جعفر (ع) فی قوله تعالی : < عفی اللّه عنک لم أذنت لهم حتی یتبین لک الذین صدقوا و تعلم الکاذبین > یقول : تعرف اهل العذر و الذین جلسوا بغیر عذر ;

از امام باقر (ع) درباره سخن خدا: <عفی اللّه . ..> روایت شده خداوند می فرماید: [چرا به آنان اذن دادی]می بایست برای تو روشن گردد، چه کسانی اهل عذر بودند و چه کسانی بدون عذر نشستند>.

مسلمانان در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۷

۷ یادآوری پایمردی و مقاومت خداپرستان پیشین ، از روش های قرآن برای ایجاد روحیّه مقاومت در مبارزه با دشمنان دین

و کایّن من نبیّ قاتل معه ربیّون کثیر . .. فی سبیل اللّه

مسلمانان صدر اسلام و جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۲

۲ گمان برخی از مسلمانان صدر اسلام به وجوب بسیج همه مردم برای شرکت در جنگ

ما کان

المؤمنون لینفروا کافه

آیه شریفه چنان که در برخی شأن نزولها آمده در مقام دفع ذهنیت اشخاصی است که می پنداشتند همه مسلمانان بی استثنا باید در جنگ شرکت کنند.

مسلمانان و جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۷ – ۲۳،۲۴،۲۵

۲۳ اعتراض برخی از مسلمانان به فرمان جهاد و درخواست تأخیر آن

و قالوا ربّنا لم کتبت علینا القتال لو لا اخّرتنا الی اجل قریب

۲۴ ترس ، منشأ اعتراض گروهی از مسلمانان صدر اسلام به حکم جهاد

یخشون النّاس . .. و قالوا ربّنا لم کتبت علینا القتال

۲۵ مسلمانان هراسناک از نبرد ، خواهان لغو حکم جهاد شدند .

و قالوا ربّنا لم کتبت علینا القتال لو لا اخّرتنا الی اجل قریب

برخی برآنند که مراد از <اجل قریب> زمان مرگ است. و تأخیر حکم جهاد تا زمان مرگ به معنای لغو آن است.

مسؤول تدارکات جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۲ – ۲

۲ تهیه تدارکات و ساز و برگ جنگ در صدر اسلام ، بر عهده خود مجاهدان بود .

قلت لا أجد ما أحملکم علیه

مسؤول جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۲ - ۴

۴ تصمیم گیری درباره جهاد ، مسؤولیت مهاجران و یاری رسانی به مهاجران ، وظیفه و مسؤولیت گروه انصار در صدر اسلام

و الذین ءاووا و نصروا

توصیف مهاجران به اینکه در راه خدا جهاد کنند، در مقابل انصار که به این امر توصیف نشده اند، با اینکه جهاد در راه خدا

یک وظیفه ایمانی است، می تواند به این نکته اشاره داشته باشد که در صدر اسلام جهاد و تصمیم گیری درباره آن بر عهده مهاجران بود و انصار باید آنان را در این امر یاری دهند، ولی تصمیم گیرنده نباشند.

مسؤولیت معذوران از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۷

۷ معاف شدگان از جنگ ، باید در پشت جبهه حمایتگر رزمندگان و خیرخواه خدا و رسولش باشند .

لیس علی الضعفاء . .. إذا نصحوا للّه و رسوله

مشروعیت جهاد ابتدایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۱

۱ مسلمانان صدر اسلام موظف به هجوم به کاروان تجاری مشرکان قریش و یا نبرد با سپاه مسلح آن بودند .

کما أخرجک ربک . .. إذ یعدکم اللّه إحدی الطائفتین ... و یرید اللّه أن یحق الحق بک

مصونیت معذوران از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۱۴

۱۴ معاف شدگان از جهاد ، در صورت داشتن حسن نیت و خیرخواه بودن ، باید از هر گونه تعرض در جامعه مصون باشند .

لیس علی الضعفاء . .. إذا نصحوا للّه و رسوله ما علی المحسنین من سبیل

معذور از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۵ - ۲،۱۱،۱۵

۲ نابرابری درجه و مقام ناتوانان از شرکت در جهاد ، با آنان که علی رغم توانمندی در جهاد شرکت نمی کنند .

لا یستوی القاعدون من المؤمنین غیر

اولی الضرر و المجاهدون فی سبیل اللّه

اگر همه کسانی که در جهاد شرکت نمی کنند، چه ناتوان و چه توانا، در یک رتبه بودند، استثنا، یعنی <غیر اولی الضرر> بی معنا بود.

۱۱ بازنشستگان از جهاد ، هنگامی از پاداش الهی برخوردارند که از روی بی ایمانی ، ترک جهاد نکرده باشند .

لایستوی القاعدون من المؤمنین . .. کلّا وعد اللّه الحسنی

چون <من المؤمنین> حال برای <القاعدون> است، می رساند که بازنشستگان از جنگ در صورتی قابل مقایسه با مجاهدان هستد که ایمانشان محفوظ باشد. یعنی بازماندنشان از جنگ در شرایطی نباشد که موجب سلب ایمان آنان گردد و یا ترک جهاد از روی بی ایمانی به فرامین خدا و رسول نباشد.

۱۵ خداوند ، مجاهدان را با اعطای مقامی بلند و پاداش بزرگ ، بر بازنشستگان از جهاد برتری داده است .

فضّل اللّه المجاهدین باموالهم و انفسهم علی القاعدین درجه . .. و فضّل اللّه المجا

<اجراً عظیماً>، مفعولٌ به برای <فضّل> است و در <فضّل>، معنای عطا کردن تضمین شده ست.

معذوران از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۱۶

۱۶ معاف بودن برخی از مردم (زنان ، کهنسالان ، معلولان و . . .) از شرکت در جنگ

فاقعدوامع الخلفین

مراد از <خالفین> می تواند کسانی باشند که به صورت مجاز و به دلیل عجز از شرکت در جنگ معاف شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۰ - ۱

۱ اذن خواستن گروهی از بادیه نشینان معذور برای مشارکت نکردن در جنگ

و

جاء المعذّرون من الأعراب ليؤذن لهم

<اعراب> اسم جمع و به معنای بادیه نشینان است. <معذّرون> می تواند اسم فاعل از <باب تفعیل> باشد; یعنی، کسانی که از شرکت در جهاد کوتاهی می کنند و به دروغ نشان می دهند که عذر دارند و می تواند اسم فاعل از <باب افتعال> باشد که در اصل <معتذرون> بوده و تای باب افتعال، به جهت قرب مخرج با ذال، قلب به ذال شده و در آن ادغام گشته است; یعنی، کسانی که دارای عذر موجهند. برداشت فوق بر پایه احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۱،۲۱

۱ افراد ضعیف و مریض و فاقد هزینه و امکانات جنگی ، از شرکت در جنگ معافند و گناهی بر آنان نیست .

لیس علی الضعفاء . .. حرج

۲۱ از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود : < . . . إن اللّه یحتج علی العباد بما آتاهم و عرّفهم . . . و ما امروا إلا بدون سعتهم . . . و کل شیئی لا یسعون له فهو موضوع عنهم . . . ثم تلا < لیس علی الضعفاء و لا علی المرضی و لا علی الذین لا یجدون ما ینفقون حرج > . . . ;

. .. به تحقیق خداوند بر بندگان احتجاج می کند به چیزی که به آنها عطا فرموده و شناختی که به آنها داده است ... و آنان مأمور نشده اند مگر به تکلیفی که پایین تر از سعه و توانشان باشد ... و هر تکلیفی که در وسع بندگان

نباشد، از آنها برداشته شده ... سپس امام آیه شریفه را تلاوت فرمود: <بر ضعیفان و بیماران و آنان که چیزی نمی یابند که (در راه جهاد) هزینه کنند، باکی نیست> ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۲ - ۱،۱۲

۱ مؤمنان تهیدست و ناتوان از تدارک ساز و برگ نبرد ، معذور و معاف از جنگند .

و لا علی الذین إذا ما أتوك لتحملهم

۱۲ حسن بصری گوید : رسول خدا (ص) فرمود : < لقد خلفتم بالمدینه اقواماً ما انفقتم من نفقه و لا قطعتم و ادیاً و لا نِلتم من عدوّ نیلا إلا و قد شركوكم فی الأجر ثم قرء < و لا علی الذین إذا ما أتوك . . . الآیه > ;

به تحقیق گروههایی را در مدینه بر جای گذاشتید که شما چیزی را هزینه [جنگ]نکرده اید و از هیچ وادیی عبور ننموده اید و هیچ آسیبی به دشمن نرسانده اید، مگر اینکه آن گروهها در اجر با شما شریك شدند. سپس آیه شریفه را تلاوت فرمود: و نیز باکی نیست برای کسانی که وقتی نزد تو آمدند تا آنان را سوار کنی [و به جهاد بفرستی] و تو گفتی مرکبی ندارم تا شما را سوار کنم، بازگشتند در حالی که از غصه اینکه چیزی را برای خرج [جنگ] نمی یابند، از چشمهای آنان سیلاب اشك جاری بود>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۱۱

۱۱ تحصیل کنندگان دانش دین ، معاف از شرکت در جنگ در

صورت نیاز جامعه به دانش آنان و عدم نیاز جدی به حضورشان در جنگ

ما کان المؤمنون لینفروا کافه فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیفقهوا فی الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۱

۱ - افراد نابینا ، لنگ و مریض ، معاف از شرکت در جنگ

لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج

معذوران از جهاد در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۱۰

۱۰ - افراد ناتوان از جهاد ، همانند مجاهدان ، برخوردار از بهشت در صورت داشتن روح اطاعت در برابر خدا و رسول او

لیس علی الأعمی حرج . .. و من یطع اللّه و رسوله جنّت

برداشت بالاـ بنا بر این نکته است که <من یطع. ..> جواب سؤال مقدر باشد، زیرا پس از رفع حکم جهاد از افراد ناتوان، ممکن است سؤال شود که: چرا این گروه از فیض جهاد محروم اند؟ خداوند در جواب می فرماید: آنان نیز اگر مطیع باشند، همانند مجاهدان، از پاداش الهی برخوردار خواهند بود.

معذوران از جهاد مالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۵

۵ افراد تهیدست ، معاف از جهاد مالی

و لا علی الذین لا یجدون ما ینفقون حرج

در آیات قبل، سخن از جهاد با مال و جان بود و در این آیه، ممکن است استثنای ضعیفان و مریضان از جهاد جانی و استثنای تهیدستان، از جهاد مالی باشد.

معرضان از جهاد

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۸ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، بر بازدارندگان از جهاد و منافقان تلاش کننده در جذب مسلمان های ضعیف به سوی خود و کم حضوران در جهاد ، آگاه است .

قد یعلم اللّه المعوّقین . .. و لایأتون البأس إلاّ قلیلاً

معلولان و جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۱۶

۱۶ معاف بودن برخی از مردم (زنان ، کهنسالان ، معلولان و . . .) از شرکت در جنگ

فاقعدوامع الخلفین

مراد از <خالفین> می تواند کسانی باشند که به صورت مجاز و به دلیل عجز از شرکت در جنگ معاف شده اند.

مغضوبیت معرضان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۴ - ۸

۸ - کسانی که شعار جهاد سر می دهند ولی در عرصه پیکار یا شرکت نمی کنند و یا در صورت شرکت کردن از خود سستی نشان می دهند و استقامت نمی کنند ، مورد خشم شدید خداوند هستند .

لِمَ تقولون . .. کبر مقتًا عند اللّه ... إنّ اللّه یحبّ ... کأنّهم بنین موصوص

آیات پیشین که در مقام سرزنش مدعیان بدون عمل بود تمهیدی برای بیان موضوع جهاد است; چرا که صحنه جنگ، محل لغزش قدم ها و آشکار شدن مدعیان از مؤمنان حقیقی است.

ملاک ارزش جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – حجرات – ۴۹ – ۱۵ – ۸

۸ – در راه خدا بودن ، ملاک ارزش هر جهاد و ایثار

و

جهدوا بأمولهم و أنفسهم فی سبیل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۰ - ۱۸،۱۷،۱۵

۱۵ - جهاد در راه خدا و شرکت در جنگ ، در شرایط سخت و پیش از نمایان شدن آثار پیروزی ، بسی ارزشمندتر از جهاد و جنگ ، پس از پیروزی و شرایط آسان دوران قدرتمندی است .

لایستوی منکم من أنفق . .. و قتل أُولئک أعظم درجه من الذین أنفقوا من بعد و قتل

۱۷ - نقش خلوص و نداشتن چشمداشت مادی ، در ازرشمندی و باروری جهاد و انفاق

لایستوی منکم من أنفق من قبل الفتح و قتل

تفاوت جهاد و انفاق پیش از فتح مکه و پس از آن، می تواند به این خاطر باشد که مسلمانان پیش از فتح، بدون چشمداشت مادی (به دست آوردن غنایم جنگی و. ..) و با خلوص به جهاد و انفاق روی آوردند؛ ولی کسانی که پس از فتح مکه چنین اقدامی کردند، شاید به غنایم و دیگر منافع مادی آن امید داشتند.

۱۸ - ارزش جهاد و انفاق در پیشگاه خداوند ، در گرو همراه بودن آن با ایمان است .

لایستوی منکم من أنفق من قبل الفتح و قتل

قید <منکم> بیانگر مطلب فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۱۶

۱۶ - ارزش هجرت و جهاد ، به انجام گرفتن آن در راه خدا و برای خشنودی او است .

إن کنتم خرجتم جهدًا فی سبیلی و ابتغاء مرضاتی

تعبیر <خرجتم>، چنانچه بیانگر هجرت مسلمانان از مکه به مدینه باشد، عنوان <جهاد> نیز بر آن انطباق می

یابد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۴ – ۶

۶ – ارزش جهاد به این است که در راه خدا و جلب رضای او باشد و نه دستیابی به منافع مادی .

الذین یقتلون فی سبیله

قید <فی سبیله> می رساند که انگیزه کسی که در جهاد شرکت می کند، تنها باید برای اعتلا بخشیدن به دین خدا بوده و از انگیزه های مادی (مانند غنیمت و. ..) مبرّا باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۱۱ – ۸

۸ – ارزش جهاد ، به این است که در راه خدا و برای جلب رضای او باشد .

تجهدون فی سبیل اللّه

قید <فی سبیل اللّه> بیانگر مطلب یاد شده است.

ملاکهای وجوب جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۳۸ – ۲

۲ ملاک وجوب شرکت مسلمانان در پیکار با دشمنان ، دفاع از اسلام و سرزمین آن است ، نه خصوصیات رهبری جامعه و صلاحیت و عدم صلاحیت وی برای فراخوانی به جنگ .

یأیها الذین ءامنوا ما لکم إذا قیل لکم انفروا فی سبیل اللّه

به کارگیری فعل مجهول (قیل) و عدم ذکر نام و خصوصیات کسی که فرمان جهاد را صادر می کند، مفید برداشت فوق است.

ممانعت از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۳

۳ ترساندن مؤمنان از دشمن و بازداشتن آنان از جهاد ، عملی است شیطانی .

انّ النّاس قد جمعوا لکم فاخشوهم . .. انّما ذلکم الشّیطان یخوّف

اولیاءه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۲ – ۲،۳

۲ برخی از مسلمانان عصر پیامبر (ص) ، دیگر مؤمنان را از شرکت در جهاد بازمی داشتند .

و انّ منکم لمن لیبطّئنّ

راغب در <مفردات>، <لیبطّئنّ> را فعل متعدی دانسته است.

۳ سرزنش خداوند نسبت به کسانی که از شرکت در نبرد سستی می کنند و یا دیگران را از آن بازمی دارند .

و انّ منکم لمن لیبطّئنّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۱۴ – ۷

۷ – جلوگیری مؤمنان از دین داری و انجام تکالیف دینی (همچون جهاد ، هجرت و . . .) ، دشمنی با آنان محسوب می شود .

عدوًّا لکم فاحذروهم

برداشت یاد شده، با توجه به تاریخ و شأن نزول این آیه است. امام باقر(ع) می فرماید <وقتی برخی از مردان می خواستند هجرت کنند، پسر و همسرش دامن او را می گرفتند و می گفتند: تو را به خدا سوگند که هجرت نکن...>، (برگرفته از نورالثقلین، ج ۵، ذیل آیه).

ممنوعیت فرار از جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۱ – ۱۱

۱۱ فرار از جنگ و جهاد ، ممنوع و زیانبار است .

و لاترتدوا علی ادبارکم فتنقلبوا خسرین

منافقان صدر اسلام و جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۴

۴ پیامبر (ص) مأمور افشای چهره منافقان و اعلام عدم حضور قطعی آنان با او در هیچ جنگی پس

از جنگ تبوک

فقل لن تخرجوا معی أبداً و لن تقتلوا معی

منافقان متخلف از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۲ - ۱

۱ خوشحالی و خنده منافقان متخلف از جهاد ، اندک و زودگذر در مقایسه با عذاب ها و گریه های اخروی آنان

فلیضحکوا قلیلا و لیبکوا کثیراً

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <فلیضحکوا> در مورد دنیا و <و لیبکوا> در مورد آخرت باشد.

منافقان مدینه و جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۸ - ۲۸

۲ - تلاش شدید منافقان مدینه ، برای بازداشتن مسلمانان از جهاد در غزوه احزاب

و إذ قالت طائفه منهم . .. لامقام لکم فارجعوا ... قد یعلم اللّه المعوّقین منکم

تضعیف <عوّق> برای بیان شدت و غلظت بازدارندگی، است.

۸ - منافقان مدینه ، علاوه بر بازداشتن دیگران از حضور در جبهه جهاد ، خود نیز در آن ، حضوری کم رنگ داشتند .

قد یعلم اللّه المعوّقین . .. و القائلین لإخونهم ... و لایأتون البأس إلاّ قلیلاً

بنابراین احتمال که جمله <و لایأتون البأس. ..> حال برای <المعوّقین> و <القائلین> باشد، نکته یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۹ - ۵

۵ - منافقان مدینه ، حضور در جبهه جهاد را ، مساوی با کشته شدن و از بین رفتن تلقی می کردند .

فإذا جاء الخوف رأيتهم ينظرون إليک تدور أعينهم كالذى يغشى عليه من الموت

این که آیه بیان می کند که آنان، با شنیدن خبر جنگ، به

حال احتضار درمی آمدنـد، حکایت از این نکته می کنـد که منافقان مـدینه وقوع جنگ و شـرکت در جبهه جهاد را مساوی با کشته شدن تلقی می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۰ - ۸

۸ - در صورت حضور منافقان مدینه ، در جبهه مسلمانان ، جز اندکی در جنگ و جهاد ، شرکت نمی کردند .

و لو کانوا فیکم ما قتلوا إلاّ قلیلاً

منافقان و جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۹ - ۵

۵ در بینش منافقان جهاد در راه خدا ، بلا و گرفتاری است .

ائذن لی و لاتفتنی

یکی از معانی <فتنه> در لغت بلا و گرفتاری است; یعنی، مرا در ماندن اذن بده وگرفتار بلا و مصیبت جنگ نساز.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۶

۶ کراهت و ناخرسندی منافقان از جهاد با مال و جان ، در راه خدا

و کرهوا أن یجهدوا بأمولهم و أنفسهم فی سبیل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۶ - ۸،۱۱،۱۲

۸ تمکن و ثروت ، زمینه عافیت طلبی منافقان و گریز آنان از جهاد

استئذنک أولوا الطول منهم

۱۱ ترجیح داشتن ترک پیکار (همنشینی با افراد عاجز و ناتوان) بر عزت جهاد و همراهی با پیامبر (ص) در نظر منافقان توانگر و ثروتمند

و قالوا ذرنا نکن مع القعدین

۱۲ تن دادن توانگران منافق به ذلت و خواری ، برای شرکت نکردن در

جهاد

و قالوا ذرنا نکن مع القعدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۷ - ۱،۷

۱ رضا و شادمانی منافقان از نرفتن به جهاد و ماندن در کنار ناتوانان و خانه نشینان

رضوا بأن یکونوا مع الخوالف

۷ ناتوانی منافقان از درک عمیق زشتی مواضع و عملکرد خویش و نیز ارزش جهاد در راه خدا

و طبع . .. فهم لایفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۹ - ۱،۲

۱ - منافقان ، از هر نوع کمکی به جهاد مسلمانان ، خودداری می کردند .

و لایأتون . .. أشحّه علیکم

<أشحّه> اگر چه در لغت، به معنای بخل آمده است، اما استعمال مجازی آن در منع از کمک و یاری و اعانت نیز آمده است. برداشت بالا، با عنایت به استعمال مجازی آن است.

۲ - کم شرکت کردن منافقان در جبهه جهاد مسلمانان ، به خاطر بخل آنان به مسلمانان بود .

لایأتون البأس . .. أشحّه علیکم

<أشحّه> جمع <شحیح> است. <شح> ریشه أشحّه در لغت، به معنای <بخل حریصانه> است (مفردات راغب). لازم به ذکر است که <أشحّه> حال برای ضمیر فاعلی فعل <یأتون > در آیه پیشین است.

منافقان و جهاد مالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۶

۶ کراهت و ناخرسندی منافقان از جهاد با مال و جان ، در راه خدا

و کرهوا أن یجهدوا بأمولهم و أنفسهم فی سبیل اللّه

منشأ تشریع جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷

۱۵ - جهاد ، فرمانی نازل شده از سوی خداوند

و أنزلنا الحدید

منشأ جهاد محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۵

۵ جهاد پیامبر (ص) و مؤمنان راستین ، نشأت یافته از درک صحیح و بینش عمیق آنان نسبت به ارزش جهاد

فهم لایفقهون. لکن الرسول و الذین ءامنوا معه جهدوا

با توجه به فراز پیش (رضوا . .. فهم لا-یفقهون) مقصود این است که منافقان چون نمی فهمند، از جهاد می گریزند و لکن مؤمنان، به برکت درک عمیقی که دارند، به سوی عرصه های کارزار پیش می تازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۶

۶ - جنگ های پیامبر (ص) با مشرکان و معارضان ، تحت تدبیر و هدایت خداوند

سیقول المخلّفون . .. قل لن تتّبعونا کذلکم قال اللّه من قبل ... قل للمخلّفین

در این مجموعه آیات، همواره خداوند از برنامه های آینده خبر داده است و بدین وسیله تکلیف مسلمانان را روشن ساخته و در هر مقطعی مسائل عمده آن را مشخص کرده است.

منشأ جهاد مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۵

۵ جهاد پیامبر (ص) و مؤمنان راستین ، نشأت یافته از درک صحیح و بینش عمیق آنان نسبت به ارزش جهاد

فهم لایفقهون. لکن الرسول و الذین ءامنوا معه جهدوا

با توجه به فراز پیش (رضوا . .. فهم لايفقهون) مقصود این است که منافقان چون نمی فهمند، از جهاد می گریزند

و لکن مؤمنان، به برکت درک عمیقی که دارند، به سوی عرصه های کارزار پیش می تازند.

موارد جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۴

۴ جنگ برای رهایی مستضعفان موحد ، از مصادیق جهاد در راه خداست .

و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل اللّه و المستضعفین

مراد از راه مستضعفین، رهایی آنان است. بنابراین <المستضعفین> عطف است بر <سبیل اللّه>; و این عطف، عطف خاص بر عام می باشد. زیرا آنچه به امر خدا انجام می گیرد، نمی تواند خارج از <سبیل اللّه> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۱۰

۱۰ جنگ با دوستان شیطان (کافران و طاغوت ها) مصداق بارز نبرد در راه خدا

الّذین امنوا یقاتلون فی سبیل اللّه . .. فقاتلوا اولیاء الشّیطان

موانع تخلف از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۴ - ۷

۷ تقوا ، مانع تخلف از جهاد با مال و جان

لایستئذنک الذین یؤمنون . .. أن یجهدوا ... و اللّه علیم بالمتقین

موانع جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۱

۱ شیطان با ایجاد ترس و وحشت ، دوستانش را از شرکت در جهاد بازمی دارد .

انّما ذلکم الشّیطان یخوّف اولیاءه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۴ - ۱

۱ دنیامداران و خودمحوران ، لیاقت و توانایی نبرد در راه خدا را ندارند

.

و انّ منکم لمن لیبطّئنّ . .. فلیقاتل فی سبیل اللّه الّذین

اینکه خداوند تنها از مسلمانان آخرت طلب خواسته در راه او جهاد کنند، با وجود اینکه جهاد بر تمامی مسلمانان واجب است، اشاره به این است که دنیاطلبان نه لیاقت جهاد در راه خدا را دارند و نه توان آن را. کلمه <فاء> در <فلیقاتل>، دلالت روشن بر این معنا دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۸ – ۳

۳ مرگ گریزی ، از موانع شرکت در جهاد

فلمّا کتب علیهم القتال . .. یخشون النّاس ... این ما تکونوا یدرککم الموت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۱ – ۱۱

۱۱ گرمی هوا ، بهانه منافقان صدر اسلام برای تخلف از جنگ و دستاویزی برای تبلیغ و بازداشتن از شرکت دیگران در جهاد

و قالوا لاتنفروا فی الحر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۱۴ – ۸

۸ – دوستی و پیوند خویشاوندی ، نباید مانع دینداری و انجام تکالیف شرعی (همچون جهاد ، هجرت و . . .) شود .

یأیّها الذین ءامنوا إنّ من أزوجکم و أولدکم عدوًّا لکم فاحذروهم

موحدان در جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۶ – ۱

۱ پیکار بسیاری از خداپرستان ، در رکاب پیامبران الهی و تسلیم ناپذیری و پایداری آنان

و کایّن من نبیّ قاتل معه ربّیّون کثیر فما وهنوا لما اصابهم

<ربّیّون> جمع <ربّی> است و به معنی کسی که خود را

مختص پروردگار کرده، یعنی جز پرستش خدا به کار دیگری نمی پردازد.

مؤمنان در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۹،۱۹،۲۴

۹ جدا شدن صف مؤمنان واقعی از غیر آنان ، از فلسفه های پیکار میان حقّ و باطل

ان یمسسکم قرح . .. و تلک الایّام نداولها بین النّاس و لیعلم اللّه الّذین امنوا

در برداشت فوق، کلمه <تلک>، به روزهای مبارزه و جنگ تفسیر شده است ; نه خصوص پیروزی و یا شکست.

۱۹ مؤمنان استوار در نبرد اُحُد و دیگر هنگامه های پیکار با کافران ، برگزیدگان خداوند برای گواهی بر اعمال مردم

و تلک الایّام . .. و لیعلم اللّه الّذین امنوا و یتّخذ منکم شهداء

ترک لام در <و یتّخذ>، اشاره به این معنا دارد که برگزیدن، در پی مشخّص شدن مؤمنان واقعی است. یعنی مؤمنان واقعی برای گواه بودن برگزیده می شوند. گفتنی است که در برداشت فوق، متعلق حذف شده <شهدآء>، اعمال مردم، گرفته شده است.

۲۴ پیروزی ظالمین در پیکار با مؤمنان ، دلیل محبوبیّت آنها نزد خداوند نیست .

و لاتهنوا . .. و لیعلم اللّه الّذین امنوا ... و اللّه لایحبّ الظّالمین

بنابر اینکه مراد از ظالمان، همان پیروزمندان جنگ احد باشد، خداوند به مؤمنان یادآور می شود که پیروزی مشرکان، حاکی از محبّت الهی به ایشان نخواهد بود.

مؤمنان فقیر و جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۲ - ۱

۱ مؤمنان تهیدست و ناتوان از تدارک ساز و برگ نبرد ، معذور و معاف از جنگند .

و لا

على الذين إذا ما أتوك لتحملهم

مؤمنان و جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۳ – ۹

۹ اشتياق مؤمنان به حضور در ميدان جهاد و شهادت ، پس از آگاهى از درجات شهداى بدر

و لقد كنتم تمنّون الموت من قبل

امـام باقر (ع) درباره آيه فوق فرمود: فانّ المؤمنين لمّا اخبرهم اللّه بالّذى فعل بشـهدائهم يوم بـدر و منازلهم من الجنّه رغبوا فى ذلك فقالوا اللهمّ ارنا القتال نستشهد فيه.

تفسير قمى، ج ۱، ص ۱۱۹ ; تفسير برهان، ج ۱، ص ۳۱۹، ح ۱.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – توبه – ۹ – ۴۴ – ۱

۱ مؤمنان به خدا و آخرت ، براى جهاد با مال و جان ، بهانه نياورده و از پيامبر (ص) خواهان اجازه ترك جهاد نبودند .

لايستئذنك الذين يؤمنون باللّه و اليوم الأخر أن يجهدوا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۱ – ۱،۲

۱– شأن مؤمنان به دور از ضعف و سستى در جهاد و سزاوار پذيرش فرمان جهاد و استقبال از آن

طاعه و قول معروف

<طاعه و قول معروف> مى تواند مبتدا براى خبر محذوف باشد; يعنى، <طاعه و. .. خير لهم>. از ارتباط اين آيه با آيه قبل، استفاده مى شود كه ترس و گريز از جهاد، شايسته مقام بندگان مطيع خداوند نيست.

۲– منفى بافى و يأس آفرينى در زمينه جهاد ، دور از ساحت مؤمنان واقعى

طاعه و قول معروف

بنابر این که <قول معروف> مبتدا برای خبر مقدّر باشد; از ارتباط این آیه با

آیه قبـل اسـتفاده می شود که سـست ایمـان هـا در پی هراس از شـرکت در جهـاد، به منفی بـافی و ایجـاد یأس در دیگران می پرداختنـد. خداونـد در این آیه فرموده است: اولاً اهل اطاعت باشـید و ثانیاً درباره جنگ و جهاد به نیکی سـخن گویید. و یأس نیافرینید.

مؤمنان و متخلفان از جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۴ – ۳

۳ خداوند ، خواهان اعتماد نکردن رهبر و مؤمنان بر عذرتراشی های توانمندان متخلف از جهاد

قل لا تعتذروا لن نؤمن لکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۵ – ۵

۵ انزوا و طرد اجتماعی منافقان و جهادگریزان صدر اسلام ، از سوی مؤمنان مجاهد کیفری غیر قابل تحمل برای آنان بود .

سیحلفون باللّه . .. لتعرضوا عنهم

اقدام منافقان متخلف در سوگند خوردن، برای چشم پوشی مؤمنان از تخلف آنها، نشانگر تنگ شدن عرصه بر آنان است.

ناپسندی فرار از جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۳ – ۱۵

۱۵ – فرار از جبهه جهاد ، امری مذموم و ناپسند است .

یقولون إنّ بیوتنا عوره و ما هی بعوره إن یریدون إلاّ فرارًا

نزدیکی کیفر متخلفان از جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۰ – ۱۰

۱۰ عذاب کیفر کافران و متخلفان از جنگ ، عذابی است قریب الوقوع و نه چندان دور .

سیصیب الذین کفروا منهم عذاب أليم

به کار گیری حرف <سین> به جای <سوف> می تواند بیانگر برداشت

فوق باشد.

نسخ در حکم جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۱،۳،۴

۱ لزوم پایداری اهل ایمان در برابر لشکری با نیرویی ده برابر ، حکمی که پس از گذشت مدتی تخفیف داده شد .

الئن خفف اللّه عنکم

۳ لزوم پایداری هر مؤمن در میدان نبرد با دو کافر ، نسخ کننده حکم پیشین (لزوم پایداری هر مؤمن در برابر ده کافر)

ان یکن منکم عشرون . .. الئن خفف اللّه عنکم

۴ بروز ضعف در جامعه ایمانی صدر اسلام ، موجب تخفیف حکم پایداری در برابر دشمنان شد .

الئن خفف اللّه عنکم و علم أن فیکم ضعفا

نظم در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۹ - ۱۰

۱۰ نقش بارز و سازنده نظم و انضباط در حرکت های رزمی و صحنه های نبرد *

أنی ممدکم بألف من الملئکه مردفین

نفاق متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۳ - ۲،۶

۲ متخلفان از جهاد ، دارای برخوردی دوگانه در برابر شکست و پیروزی مجاهدان

فان اصابتکم مصیبه قال قد انعم اللّه علیّ . .. و لئن اصابکم فضل من اللّه لیقولنّ

۶ متخلفـان از جهـاد ، پس از پیروزی به گونه ای سـخن می گوینـد که گویـا هیـچ ارتبـاطی بـا مجاهـدان نداشـته و اطلاعی از درگیری ها و جهاد نداشته اند .

و انّ منکم لمن لیبطّئنّ . .. و لئن اصابکم فضل من اللّه لیقولنّ کان لم تکن بینکم

نفرین بر تارکان جهاد

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۰ - ۱۴

۱۴- منافقان و افراد سست ایمانِ بیزار از جهاد ، مورد نفرین الهی و سزاوار مرگ

فأولی لهم

<أولی لهم> ممکن است در مقام انشا و نفرین باشد.

نقش آیات جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۰ - ۱۰

۱۰- آیات جهاد و تکالیف دشوار دین ، زمینه ساز شناسایی منافقان و سست ایمان ها

فإذا أنزلت سوره محکمه و ذکر فیها القتال رأیت الذین فی قلوبهم مرض ینظرون إلیک نظر

نگرانی معذوران از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۳

۳ - افراد مریض و ناتوان از شرکت در سفر حدیبیه ، نگران از عدم حضور خود و همراهی نکردن مسلمانان در آن سفر *

لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج

توبیخ شدید متخلّفان از سفر حدیبیه در آیات گذشته و استثنای معذوران در این آیه; بیانگر آن است که مؤمنان معذور، نگران آن بوده اند که مشمول توبیخ خداوندباشند. خداوند در این آیه، به رفع این نگرانی آنان پرداخته است.

وجوب اعراض از متخلفان جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۱۰

۱۰ پلیدی شدید منافقان جهادگریز ، ملاك وجوب اعراض و روی گردانی از آنان

فأعرضوا عنهم إنهم رجس

<إنهم رجس> در مقام تعلیل حکم به اعراض است.

وجوب جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۰ - ۱

- وجوب نبرد با کافران ، در صورتی که با مسلمانان سرجنگ داشته باشند .

و قتلوا فی سبیل اللّه الذین یقتلونکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۱،۲

۱ وجوب جهاد در راه خدا

و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل اللّه

۲ وجوب جنگ و مبارزه برای رهایی مستضعفان

و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل اللّه و المستضعفین

مراد از جنگ در راه مستضعفان به قرینه ادامه آیه جنگیدن برای رهایی آنان از چنگال ستمگران است. در برداشت فوق، <المستضعفین> عطف بر <اللّه> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۵ - ۱۳

۱۳ جهاد ، از واجبات کفایی

لایستوی القاعدون . .. کلاّ وعد اللّه الحسنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۶

۶ جهاد ، از واجبات کفایی

و ما کان المؤمنون لینفروا کافه

ویژگیهای آیات جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۰ – ۴

۴- سوره های دربردارنده فرمان جهاد ، سوره هایی محکم ، قاطع و خالی از تشابه

فإذا أنزلت سوره محکمه و ذکر فیها القتال

برداشت بالا- بنابراین نکته است که <ذکر فیها القتال> تفسیرکننده <محکمه> باشد; یعنی، سوره از آن جهت <محکم> نامیده می شود که در آن، حکم قاطع و روشن جهاد آمده باشد.

هشدار به بهانه جویان در جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۱ – ۱۵

۱۵ سوزنده تر بودن آتش

دوزخ از گرمی هوای دنیا ، هشداری شدید به تخلف کنندگان از جهاد به بهانه گرمی هوا

قل نار جهنم أشد حراً

هشدار به تارکان جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۲ - ۳

۳- هشدار خداوند به مؤمنان روی گردان از جهاد ، نسبت به سقوط در دام فساد و بریدن از خویشاوندان

فهل عسیتم إن تولّیتم أن تفسدوا فی الأرض و تقطّعوا أرحامکم

برداشت بالا بنابر این نکته است که مخاطب <إن تولّیتم>، بیماردلانی باشند که در برابر فرمان جهاد سستی کرده و خداوند با تذکر و هشدار، آنان را به تسلیم در برابر فرمان های خویش دعوت کرده است.

هشدار به متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱۵

۱۵ سوزنده تر بودن آتش دوزخ از گرمی هوای دنیا ، هشداری شدید به تخلف کنندگان از جهاد به بهانه گرمی هوا

قل نار جهنم أشد حراً

هلاکت متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۱۰

۱۰ پیامد هلاکت بار سرباز زدن از فریضه جهاد در راه خدا ، دامنگیر خود متخلفان است .

لو استطعنا لخرجنا معکم یهلکون أنفسهم

همگانی بودن جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۱ - ۱۲

۱۲ < عن جعفر بن محمد (ع) انه قال فی قوله تعالی : <انفروا خفافاً و ثقالا > قال : شباباً و شیوخاً ; ۳۲

از امام صادق (ع) درباره سخن خدا: <انفروا . .>

روایت شده است: [مقصود این است که به جهاد بروید]چه جوان و چه پیر>.

همنشینی با معذوران از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۳ - ۱۱

۱۱ ارزش گذاری غلط و ترجیح دادن همنشینی با عاجزان بر شرکت در جهاد ، معلول جهل و نابخردی

رضوا بأن یکونوا مع الخوالف و طبع اللّه علی قلوبهم فهم لا یعلمون

برداشت فوق بر این مبنا است که طبع قلب و عدم علم، عامل موضع گیریهای متخلفان از جهاد باشد.

جهان بینی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جهان بینی

{جهان بینی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶ - ۵

۵ عملکرد عوامل طبیعی به مشیّت الهی است .

هو الّذی یصورکم فی الارحام کیف یشاء

عوامل طبیعی در شکل گیری انسان دخالت دارد، و خداوند این شکل گیری را به مشیّت خویش نسبت داده است; بنابراین معلوم می شود عملکرد عوالم طبیعی به مشیّت اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۷ - ۴،۶

۴ پدید آمدن زنده از مرده و مرده از زنده ، به دست خداوند

و تخرج الحیّ من المیّت و تخرج المیّت من الحیّ

۶ پیدایش جریان حیات در میان موجودات مرده و بی جان

و تخرج الحیّ من المیّت

از تقدیم <تخرج الحیّ . .. > بر <تخرج المیّت ... > استفاده می شود که ابتداءً موجودات بی جان آفریده شدند و از بستر آنها زنده ها به وجود آمدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۰

- ۸،۹

۸ تحقق امور خارق العاده در نظام آفرینش ، متّکی به مشیّت خداست .

انّی یکون لی غلام . .. قال کذلک اللّه یفعل ما یشاء

۹ مشیّت الهی حاکم بر قوانین طبیعی

کذلک اللّه یفعل ما یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵ - ۱۷

۱۷ مبدأ انسان ها ، خداوند است و بازگشتشان تنها به سوی اوست .

ثمّ الیّ مرجعکم

با توجّه به معنای <رجوع> که بازگشت به جایی است که در سابق بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۱۲

۱۲ تضادّ و دوگانگی بینش اهل ایمان و کفرپیشگان ، در تفسیر عوامل حیات و مرگ

و قالوا . .. ما ماتوا و ما قتلوا ... و اللّه یحیی و یمیت

آثار جهان بینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۷ - ۴

۴ نقش جهانبینی در توجیه و تعیین زشتی و زیبایی عمل *

و کذلک زین لکثیر من المشرکین قتل أولدهم شرکاؤهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳ – ۵

۵ رفتار و اعمال آدمی ، برخاسته از جهانبینی اوست .

إنما المؤمنون . .. الذین یقیمون الصلوه و مما رزقنهم ینفقون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۹ – ۳

۳ عقیده و جهان بینی درست و نادرست انسان ها ، تأثیرگذار در مقدار مجازات گناهانشان در قیامت

یضعف له العذاب یوم القیمه

وضع مجازات دو چندان و

دائمی برای مشرکانی که مرتکب آدم کشی و زنا شوند و دایمی و دوچندان نبودن مجازات همین گناهان در صورتی که گناه کار مؤمن باشد، گویای این حقیقت است که ایمان و کفر و عقیده حق و باطل، در میزان مجازات بزه کاران مؤثر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۰ - ۳

۳ - تأثیر جهان بینی در رفتار و کردار و مواضع فردی و اجتماعی انسان

إنّهم ألفوا ءاباءهم ضالّین . فهم علی ءاثرهم یهرعون

اقسام جهان بینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۲ - ۳

۳ - انسان ها از نظر جهان بینی و باور های دینی یا کافراند و یا مؤمن .

فمنکم کافر و منکم مؤمن

اهمیت جهان بینی توحیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۶ - ۴

۴ لزوم تلاش برای پیراسته ساختن عقیده توحیدی از هر گونه شرک

و ما یؤمن أکثرهم بالله إلاّ و هم مشرکون

جهان بینی توحیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳ - ۳

۳ - محدود ندانستن هستی به محسوسات ، اساسی ترین اصل در جهان بینی ادیان الهی

الذین یؤمنون بالغیب

از نکته هایی که می تواند به کارگیری <الغیب> را به جای <اللّه> توجیه کند، این است که در گام نخست به انسانها یادآوری شود که هستی منحصر به محسوسات نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۹ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده همه موهبت

های موجود در زمین است .

هو الذی خلق لکم ما فی الأرض جمیعاً

کلمه <جمیعاً> به معنای کل است و بدل برای <ما> ی موصوله می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند بعد از آفرینش آسمان ها و مواهب زمین ، به خلقت انسان پرداخت ، تا او را به منصب خلافت برساند .

خلق لکم ما فی الأرض . .. و إذ قال ربّک للملئکه إنی جاعل فی الأرض خلیفه

با توجه به آیه ۳۴ از همین سوره و آیات دیگری که درباره خلقت آدم (ع) است، می توان گفت: سخن خداوند با فرشتگان درباره آدم، قبل از خلقت وی بوده است. بنابراین <إنی جاعل فی الأرض خلیفه> علاوه بر بیان خلافت آدم(ع) دلالت بر آفرینش او نیز دارد; یعنی: می خواهم]موجودی[بیافرینم و او را خلیفه قرار دهم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۳ - ۱۶

۱۶ - اعتقاد به یکتایی خدا و پرستش او ، مهمترین اصل در ادیان الهی و زیر بنای دیگر اصول و احکام دین

ما تعبدون من بعدی قالوا نعبد . .. إلهاً وحداً

روشن است که یعقوب(ع) از میان تمامی اصول و احکام دین، تنها پرستش خداوند را نجات بخش نمی دانست. بنابراین تنها از پرستش خدا یاد کردن (ماتعبدون) می تواند حاکی از آن باشد که: اولا، توحید عبادی از مهمترین اصلهاست و ثانیاً، انسان با پرستش خدا، به دیگر اصول و احکام دین گرایش پیدا کرده بدانها ملتزم خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۹ - ۷

۷ - مسلمانان ، خداوند را از داشتن شریک منزه دانسته و تنها او را پرستش می کنند .

و نحن له مخلصون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۳ - ۱

۱ - معبود حقیقی همه انسان ها ، معبودی است یگانه و یکتا

و إلهکم إله وحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۱۷

۱۷ - تقدیر امور به دست خداوند است .

ما کتب اللّه لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۲۲

۲۲ دنیا و آخرت ، دامنه تفکر در جهان بینی الهی

لعلّکم تتفکرون. فی الدنیا و الاخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۹ - ۱۱

۱۱ نگرش توحیدی و خدا محوری به تاریخ و تحلیل حوادث بر اساس آن ، دیدگاه اسلام در فلسفه تاریخ

و لقد نصرکم اللّه ببدر و انتم اذلّه . .. یمددکم ربّکم ... لیقطع طرفاً ... یغفر ل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۳۷ – ۳

۳ پیش بینی تحولات اجتماعی و واکنش های تاریخی ، بر اساس شناسایی قوانین و سنت های الهیِ حاکم بر آنها

قد خلت من قبلکم سنن فسیروا فی الارض

از آنجا که تحولات اجتماعی و تاریخی جوامع انسانی دارای قوانین ثابت هستند، با شناخت آن قوانین می توان تحولات اجتماعی آینده را پیش بینی کرد.

جلد – نام سوره – سوره

- آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۱۸،۲۰

۱۸ تدبیر تمامی امور جهان و پیروزی در نبرد ها ، در دست خداوند است .

قل انّ الامر کلّه للّه

۲۰ بینش خدامحوری ، بینشی حقّ ، توحیدی و عالمانه

یظنّون باللّه غیر الحقّ ظنّ الجاهلیّه . .. قل انّ الامر کلّه للّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۱۱

۱۱ مرگ و حیات در هر حال به دست خداست و مسافرت و یا حضور در میدان نبرد ، تغییردهنده مسیر مقدّر آن نیست .

قالوا . .. ما ماتوا و ما قتلوا ... و اللّه یحیی و یمیت

خداوند در جواب کسانی که جهاد و مسافرت را عامل تعیین کننده مرگ می پنداشتند، می فرماید <و اللّه یحیی و یمیت> یعنی عوامل مادّی، تعیین کننده نیستند ; هر چه هست به دست خداوند و به تقدیر اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۰ - ۷

۷ وجود حیات برزخی ، پس از مرگ تا قیامت *

بل احیآء عند ربهم یرزقون. فرحین بما اتیهم اللّه من فضله و یستبشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۱۹

۱۹ جهان بینی توحیدی و هدفداری جهان بدون اتکای بر وحی با عقل و منطق قابل درک است .

و یتفکّرون فی خلق السّموات و الارض ربّنا ما خلقت هذا باطلاً

زیرا صاحبان خرد ناب پس از اندیشه در جهان، بدون تکیه بر وحی، به توحید ربوبی

و هدفداری جهان رسیده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۹ - ۱۲

۱۲ تحولات تاریخی و اجتماعی نسل بشر ، تحت اراده و مشیت الهی است .

و اذکروا إذ جعلکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۷

۷ تحولات تاریخی و اجتماعی بشر در اختیار خدا و به دست اوست .

جعلکم خلفاء من بعد عاد و بوأکم فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۶

۶ منافع و امکانات مادی ، اموری عرضی و ناپایدار در بینش الهی

لو کان عرضاً قریباً

<عرض> به چیزهایی که در معرض زوال و نابودی قرار گرفته اند، گفته می شود. به کارگیری آن در مورد غنایم جنگ، مفید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۱ - ۵

۵ خدا ، سرپرست و صاحب اختیار انسانهاست .

هو مولینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۲ - ۷

۷ در بینش مؤمنان جریان همه امور ، تحت اراده و مشیت الهی است .

نحن نتربص بکم أن یصیبکم اللّه بعذاب من عنده أو بأیدینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳ - ۴،۱۶

۴ خدا ، آفریدگار آسمان ها و زمین است .

الذی خلق السموت و الأرض

۱۶ خدای خالق ، مدبر و فرمانروای جهان ، پروردگار حقیقی و مربی انسانهاست .

الذی خلق السموت و

الأرض . .. ثم استوى على العرش يدبر الأمر ... ذلكم اللّه ربكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۵ - ۱۱

۱۱ جهان آفرينش ، كتاب خداشناسى و پديده هاى آن ، جلوه گاه توحيد ربوبى است .

ما خلق اللّه ذلك إلا بالحق يفصل الأيت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۱۰ - ۱۰،۱۲،۱۳

۱۰ تنها خداوند ، سزاوار هر گونه حمد و ستايش است .

أن الحمد للّه

۱۲ خدا ، پروردگار بى همتاى همه هستى است .

أن الحمد للّه رب العلمين

۱۳ خدا ، سرچشمه و مبدأ همه نيكيهاست .

أن الحمد للّه رب العلمين

<حمد> ستايش در برابر نيكيهاى اختيارى است. <ال> در <الحمد> براى جنس و مفيد استغراق است ; يعنى، تمام ستايشها از آن خداست و مفهوم آن اين است كه: تمام نيكيها از آن خدا بوده و خدا مبدأ و سرچشمه همه آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۳۰ - ۷

۷ خدا ، مولا و مالك حقيقى انسانهاست .

و ردوا إلى اللّه موليهم الحق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۱ - ۱۵

۱۵ تدبیر امور جهان آفرینش ، تنها در دست خداست .

و من یدبر الأمر فسیقولون اللّه

<ال> در <الأمر> عوض از مضاف الیه محذوف است و به قرینه مقام که در بیان ربوبیت خدا بر جهان و انسانهاست تقدیر آن <و من یدبر أمر الخلق> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۳۵ – ۴،۵

۴ قدرت بر هدایت و رهبری به سوی حق ، در انحصار خداوند است .

قل هل من شركائكم . .. قل اللّه يهدى للحق

۵ تنها خدا ، سزاوار پرستش و پیروی است .

قل هل من شركائكم من يهدى إلى الحق قل اللّه يهدى للحق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۴ – ۵

۵ هیچ معبودی جز خدای یگانه نیست .

فاعلموا . .. أن لا إله إلاّ هو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۲۰ – ۳،۶

۳ حاکمیت مطلق خداوند بر سراسر هستی

أُولئك لم يكونوا معجزين فى الأرض

۶ تنها خداوند ، ولی و سرپرست انسانهاست .

و ما كان لهم من دون الله من أولياء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۳۳ – ۶

۶ هیچ کس و هیچ چیز ، بر خداوند حاکمیتی ندارد .

فأتنا بما تعدنا . .. قال إنما يأتيكم به الله إن شاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۰ - ۱۴

۱۴ خداوند ، تنها حقیقتی که شایسته و بایسته پرستش است .

اعبدوا الله ما لکم من إله غیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۶ - ۸

۸ همه موجودات زنده ، تحت فرمان و حاکمیت خداوند هستند .

ما من دابّه إلاّ هو ءاخذ بناصیتها

<ناصیه> به قسمت جلوی سر گفته می شود و گاهی به موهای جلوی سر نیز به اعتبار رستنگاهش

، اطلاق می گردد. گرفتن جلوی سر و یا موهای آن ، کنایه از تسلط و حاکمیت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۱۱،۱۲

۱۱ خداوند ، تنها حقیقتی که شایسته و بایسته پرستش است .

اعبدوا الله ما لکم من إله غیره

۱۲ تنها خداوند ، ایجاد کننده و آفریننده انسان است .

هو أنشأکم من الأرض

ترکیبهایی همانند <هو أنشأکم> و <أنا قمت> که مبتدا در معنا ، فاعل است و خبر آن فعل می باشد گاهی حاکی از تأکید است و گاهی دلالت بر حصر دارد. قرینه های موجود در کلام ، تعیین کننده آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۱۲،۱۳

۱۲ توحید عملی ، مبتنی بر توحید نظری است .

اعبدوا الله ما لکم من إله غیره

۱۳ خداوند ، تنها حقیقتی که شایسته و بایسته پرستش است .

اعبدوا الله ما لکم من إله غیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۷ - ۱۰

۱۰ حاکمیت خداوند بر هستی ، حاکمیتی مطلق و قدرت او بلامنازع است .

إن ربک فعال لما یرید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۹

۹ تنها خداوند ، یاور و سرپرست انسانهاست .

و ما لکم من دون الله من أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۳ - ۴

۴ جریان همه امور در اختیار خداوند است و تنها او منشأ همه آنهاست .

و إلیه

یرجع الأمر کله

مراد از <الأمر> همه فعل و انفعالات موجود در هستی است و از آن جا که اینها به فرمان تکوینی خدا تحقق می یابند ، کلمه <امر> بر آنها اطلاق شده است. بازگشت امور به خدا (إلیه یرجع الأمر) به این معناست که خداوند منشأ همه آنها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۱۳،۱۸

۱۳ حاکمیت بر تمام هستی و علل و اسباب ، از آنِ خداوند است و جملگی مقهور حکم و تقدیر اویند .

وادخلوا من أبوب متفرقه و ما أُغنی عنکم من الله من شیء إن الحکم إلاّ لله

۱۸ تنها خداوند شایسته اتکا و توکل کردن بر اوست .

و علیه فلیتوکل المتوکلون

مراد از <المتوکلون> اراده کنندگان توکل یا کسانی هستند که بر غیر خدا توکل کرده اند. بنابراین <و علیه فلیتوکل المتوکلون> ; یعنی، آنان که می خواهند توکل کنند، تنها باید بر خدا توکل داشته باشند. و یا کسانی که بر غیر خدا توکل کرده اند باید [از غیر او قطع امید کنند و] تنها بر خدا توکل داشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱۷

۱۷ لزوم وابسته دانستن تحقّق امور به مشیّت خداوند و اظهار آن در بیان تصمیمها

ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۲۸

۲۸ خداوند هر آنچه را بخواهد با لطافت تحقق می بخشد و بر هستی و عوامل و اسباب آن سیطره دارد .

إن ربی لطیف لما یشاء

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۰۸ – ۱۲

۱۲ خداوند از هر عیب و نقصی منزّه و از داشتن شریک مبرّاست .

و سبحن الله و ما أنا من المشرکین

<سبحان> به معنای تسبیح (منزّه دانستن از نقص و عیب) است. این کلمه مفعول مطلق برای فعل محذوف (اسبح و یا نسبح) می باشد ; یعنی: اسبح و یا نسبح الله تسبیحاً. از مصادیق مورد نظر برای عیب و نقص، شریک داشتن است. قابل ذکر است که جمله <سبحان الله> عطف بر <هذه سبیلی> است ; یعنی: <قل سبحان الله>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۲ – ۵

۵ عوامل طبیعی در اختیار خداوند است و تنها او حاکم بر آنهاست .

هو الذی یریکم البرق . .. و ینشیء السحاب الثقال

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۶ – ۸،۲۰،۲۱،۲۴

۸ تنها خداوند ولیّ و اختیاردار امور انسانهاست .

أفاتخذتم من دونه أولیاء

۲۰ خداوند در آفریدن موجودات هیچ شریکی ندارد .

أم جعلوا لله شرکاء خلقوا کخلقه

۲۱ غیر خدا هیچ آفرینش و آفریده ای ندارد .

أم جعلوا لله شرکاء خلقوا کخلقه

۲۴ خداوند خالق و آفریننده همه پدیده هاست .

قل الله خلق کل شیء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۰ – ۱۱

۱۱ تنها خداوند شایسته و بایسته پرستش است .

لا إله إلّا هو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۱ – ۵

۵ خداوند منشأ همه امور است و همه چیز به

دست او جاری و ساری است .

لله الأمر جميعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۳ - ۱،۲

۱ موجودیّت انسان ها و دستاوردهایشان و نیز تدبیر امور آنان به دست خداوند است .

أفمن هو قائم علی کل نفس بما کسبت

از معانی <قائم بودن بر کسی> در اختیار داشتن شؤون آن کس، تدبیر امور او و قوام بخشیدن به وی است. حرف <باء> در <بماکسبت> به معنای <مع> می باشد و مراد از <من هو...> خداوند متعال است. بنابراین مفاد <من هو قائم...> این است که: خداوند قوام بخش انسانها و هر آنچه به دست آورده اند می باشد و او شؤون ایشان را اداره و تدبیر می کند.

۲ هیچ کس و هیچ چیز (معبود های اهل شرک و . . .) هم پایه خداوند نبوده و به تدبیر امور انسان ها و قوام بخشیدن به آنان توانا نیست .

أفمن هو قائم علی کل نفس بما کسبت

<من> در <أفمن هو . ..> مبتداست و خبر آن شبه جمله ای همانند <کمن لیس کذلک> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۳ - ۱

۱- حیات و مرگ موجودات ، تنها به دست خداوند است .

و إنا لنحن نحی و نمیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۶ - ۱

۱- خداوند ، تنها آفریننده داناست .

إن ربّک هو الخلّق العلیم

معرفه آورده شدن مبتدا و خبر و نیز آمدن ضمیر فصل <هو> دلالت بر حصر می کند.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۲۲ – ۱

۱– تنها معبود واقعی انسان ها ، خدای یگانه است .

إلهكم إله وحد

با توجه به آیات سابق، که درباره صفات خداوند و نفی معبودهای مشرکان بود و از منحصر کردن اله و معبود در این آیه به یک فرد، روشن می شود که آن اله یگانه، همان خداوند است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۵۱ – ۲

۲– خداوند ، یگانه معبود و إله است .

إنما هو إله وحد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۵۲ – ۱

۱– مالکیت تمامی موجودات آسمان ها و زمین و حاکمیت بر آنها ، در انحصار خداوند است .

و له ما فی السموت و الأرض

لازمه مالکیت، حاکمیت است و <أفغير الله تتقون> (آیا از غیر خدا می ترسید) می تواند قرینه بر این باشد که: مراد از <له ما فی السماوات و. ..> حاکمیت نیز هست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۳ – ۲

۲– خداوند ، تنها روزی دهنده آدمیان و یگانه معبود شایسته پرستش است .

أفبالبطل يؤمنون . .. و يعبدون من دون الله ما لايملك لهم رزقًا

از ارتباط میان این آیه و آیه قبل استفاده می شود که خداوند رازقیت را در انحصار خود دانسته و رزق دهنده واقعی را شایسته

معبودیت معرفی کرده است و در این راستا هرگونه نقش بتها را در رازقیت، نفی کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ -

۳ - ۲۲

۳- لزوم عقیده به یگانگی در وجود و افعال خداوند

لاتجعل مع الله إلهًا ءاخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۲ - ۵

۵- خداوند ، تنها قدرت حاکم بر جهان آفرینش است .

قل . .. لَابتغوا إلی ذی العرش سبیلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۵ - ۱۰

۱۰- هیچ گونه قدرتی در مقابل اراده الهی ، وجود ندارد .

ثمّ لاتجد لک علینا نصیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۸ - ۴

۴- اللّه ، یگانه مالک و مدبّر انسان و جهان هستی است .

لکنّا هو اللّه ربّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۹ - ۴،۶

۴- تمام نیرو ها ، وابسته به خداوند است .

لاقوّه إلاّ باللّه

جمله <لاقوّه إلاّ باللّه> به دلیل <لا> ی نفی جنس و حرف <إلاّ> افاده حصر می کند; یعنی، هیچ توان و قدرتی، جز به

نیروی خداوند، نمی تواند عرضه وجود کند.

۶- هستی ، تحت مشیّت و مدیریت و نیروی خداوند یگانه است .

ما شاء اللّه لاقوّه إلاّ باللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۴ - ۲

۲- تنها ، خداوند ، قادر بر یاری رساندن در بحبوحه قطع همه اسباب ظاهری است .

هنالك الولیه للّه الحقّ

اهـل لغت، تفـاوتی را بین معنـای <وِلایـت> و <وَلایـت> ذکر کرده انـد و آن این که <وَلایت> به معنای نصـرت است و <وِلایت> به معنای سرپرستی و تدبیر. گرچه برخی مفسران

این تفـاوت را انکـار کرده انـد، (ر.ك: المیزان) ولی با توجه به موارد مشابه در آیات دیگر و نیز آیه قبل که سـخن از نصـرت است، به نظر می رسد این معنا در این مورد، اقرب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۱ - ۶

۶- خداوند ، در خلق و نیز تدبیر و مدیریت جهان ، یگانه است و شریکی ندارد .

أفتتّخذونه و ذرّیّته أولیاء من دونی . .. ما أشهدتّهم خلق السموت والأرض

بـا اسـتفاده از ارتبـاط دو آیه، تعبیر <أولیـاء من دونی> اشاره به توحیـد در تـدبیر و ولایت دارد و ضـمیر مفرد متکلم در <ما أشهدتّهم> توحید در آفرینش را تبیین می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۸ - ۱۶

۱۶- توجه به مبدأ و معاد دو اصل عمده در بینش توحیدی است .

ما مکّنّی فیه ربّی خیر . .. و کان وعد ربّی حقًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۵

۵- ولایت حق و اصیل ، ویژه خدا است .

أفحسب الذین کفروا أن یتّخذوا عبادی من دونی أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۱۰ - ۷

۷- هیچ معبودی برای آدمیان ، جز خدای یگانه وجود ندارد .

أنّما إلهکم إله وحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۳۶ – ۴

۴– خداوند ، تدبیرکننده و پرورش دهنده همه انسان ها است .

و إنّ اللّه ربّی و ربّکم

جلد – نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۰ - ۴،۵

۴- همه آدمیان به سوی خداوند بازگردانده خواهند شد .

و إلینا یرجعون

از مجهول بودن <یرجعون> استفاده می شود که انسان ها چه بخواهند و چه نخواهند به خداوند رجوع داده خواهند شد.

۵- بازگشت تمام مخلوقات زمینی به خداوند است .

و من علیها و إلینا یرجعون

مراد از <من علیها> می تواند همه موجودات روی زمین باشد و به کار بردن واژه <مَن> از باب تغلیب عاقلان بر غیر آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۵ - ۱۲،۱۳

۱۲- هیچ موجودی نظیر خداوند و شایسته هم نامی با او نیست .

ربّ السموت . .. هل تعلم له سمیًّا

<سمیّ> به معنای نظیری است که استحقاق هم نام شدن را داشته باشد (لسان العرب). جمله <هل تعلم ...> استفهام انکاری برای نفی معلوم است ; نه علم و گویای این است که: چیزی وجود ندارد که در اوصاف نظیر خداوند باشد تا هم نام او گردد.

۱۳- جز خداوند ، هیچ موجودی شایسته نام مقدس < ربّ و پروردگار جهان > نیست .

ربّ السموت والأرض . .. هل تعلم له سمیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸ - ۱

۱ - هیچ معبودی جز خداوند ، شایسته پرستش نیست .

اللّه لا إله إلّا هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۴ - ۴

۴ - هیچ معبودی جز خداوند حقیقت نداشته و شایسته پرستش نیست .

إنّنی أنا اللّه لا إله

إلاّ أنا

<إله> به معنای معبود است و در آیه، مراد معبود حق است، زیرا وجود خارجی معبودان باطل، قابل انکار نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۰ - ۳

۳ - آفریننده همه موجودات و هدایتگر آنها در مسیر خویش ، خداوند است .

أعطى كلّ شيء خلقه ثمّ هدى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۱ - ۵

۵- زنده کردن مردگان و برپایی قیامت ، تنها در توانایی خداوند است .

له من في السموت والأرض . .. أم اتّخذوا ءالهه من الأرض هم ينشرون

خداوند با اثبات مالکیت و قدرت مطلق خود بر جهان هستی (له من فی السماوات. ..) و نفی توانایی خدایان ادعایی بر احیای مردگان، در صدد بیان این نکته است که زنده کردن آنها، تنها در قلمرو قدرت خدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۲ - ۳،۴

۳- نظم و هماهنگی در جهان آفرینش ، دلیلی است بر وحدانیت خداوند .

لو كان فيهما ءالهه إلّاالله لفسدتا

برداشت یاد شده مبتنی براین است که <إلاّ> به معنای <غیر> باشد; یعنی، اگر غیر خداوند، خدایان دیگری در جهان بود، نظم کنونی جهان متلاشی می شد. مفهوم و پیام این سخن این است که نظم کنونی جهان، تنها به اراده خدا و دلیل بر وحدانیت او است.

۴- هیچ قدرتی جز خداوند ، قادر به اداره منظم و منسجم جهان نیست .

لو كان فيهما ءالهه إلّاالله لفسدتا

خداوند، وجود چند خدا را که در امور جهان دخالت داشته باشند نفی فرموده

و موجب فساد نظم جهان دانسته است. این فسادآوری ممکن است به خاطر این باشد که خدایان دیگر، قادر به اداره جهان و سامان بخشیدن به آن نباشند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۲۴ – ۲

۲- هیچ معبود و خدایی جز < اللّه > در جهان وجود ندارد .

أم اتّخذوا من دونه ءالهه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳۳ – ۱،۵

۱- تنها خداوند ، آفریننده شب و روز و خورشید و ماه است .

و هو الذی خلق الّیل والنهار والشمس والقمر

۵- آفرینش و تدبیر جهان از جانب خداوند ، دو اصل تفکیک ناپذیر در جهان بینی توحیدی است .

و ما خلقنا السماء . .. و جعلنا ... و هو الذی خلق ... کلّ فی فلک یسبحون

سیاق آیات در مقام ردّ اندیشه مشرکان است که برای خداوند مقام خالقیت، و برای خدایان خویش مقام تدبیر قائل بودند و خداوند در آیات پیشین مقام تدبیر و در این آیه مقام آفرینش را به خود نسبت داده و جدایی آن دو مقام را مردود دانسته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳۵ – ۵

۵- بازگشت تمامی انسان ها به سوی خدا است .

و إلینا ترجعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۵۶ – ۲

۲- انسان و جهان ، ربّ واحدی دارند .

بل ربّكم ربّ السموت والأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۷ - ۳

-۳

تنها خداوند یکتا ، شایسته عبادت و پرستش است .

أُفّ لکم و لماتعبدون من دون اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۲ - ۴

۴- تنها خداوند ، پروردگار شایسته پرستش است .

أنا ربّکم فاعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۳ - ۳

۳- بازگشت تمامی انسان ها به سوی خداوند است .

کلٌّ إلینا رجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۸ - ۳

۳- خدا و معبود حقیقی انسان ، تنها یکی است .

أنّما إلهکم إله وحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱ - ۲

۲- خدا ، پروردگار آدمیان است .

اتّقوا ربّکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۳

۳- خدا ، خالق و آفریدگار انسان ها است .

فإنّا خلقنكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶ - ۱

۱ - تنها خداوند ، حق و پروردگار شایسته پرستش است .

فإنّا خلقناکم . .. و تری الأرض هامده ... ذلک بأنّ اللّه هو الحقّ

<ذلک> در این جا به دو چیز اشاره دارد: ۱ به قدرت نمایی های خدا در آفرینش انسان از خاک بی جان و مراحل رشد او در رحم و خارج از آن (فإنّا خلقناکم من تراب. ..) ۲ به جلوه های قدرت خدا در رویش و رشد انواع گیاهان در زمین (و تری الأرض هامده...). <باء> در <بأنّ الله> سببیه است. <ال> در

<الحق> جنسیه و مفید حصر می باشد و روی سخن با مردمی است که گرفتار پندارهای شرک آمیز بودند و گمان می کردند که غیر از خدا، خدایان دیگری نیز در سرنوشت آنها تأثیر می گذارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۰ - ۲

۲ - خدا مالك انسان ها و همه آنان بندگان او

و أنّ اللّه لیس بظلّم للعبید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۲ - ۲

۲ - سود و زیان آدمیان ، تنها در دست خداوند است .

یدعوا من دون اللّه ما لایضرّه و ما لاینفعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۴ - ۶

۶ - خدا ، قادر مطلق است .

إنّ اللّه یفعل ما یرید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۵ - ۲

۲ - دنیا و آخرت ، تنها در اختیار خداوند

من کان یظنّ أن لن ینصره اللّه فی الدنیا و الأخره. .. هل یذهبنّ کیده ما یغیظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۹ - ۳

۳ - خدا ، پروردگار آدمیان است .

فی ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۶ - ۶

۶ - هیچ کس به جز خدا ، شایسته پرستش نیست .

أن لاتشرك بی شیئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۶

۶ - خدا ، پروردگار انسان ها

عند ربّه

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۱ - ۱

۱ - خدا ، پروردگاری بی شریک است .

حنفاء للّه غیر مشرکین به

<حنفاء> جمع <حنیف> و حال برای فاعل <فاجتنبوا>است. <حنف> نیز (مصدر <حنیف>) به معنای گرویدن است. <لام> در <للّه> به معنای <إلی> است. یعنی: <اجتنبوا التقرب من الأوثان حالکونکم مائلین منها إلی اللّه; از نزدیک شدن به بت ها پرهیز کنید، در حالی که گروندگان خالصی باشید از آنها به خدا>. به هر حال آیه فوق، بیانگر ربوبیت یگانه خدا، نفی ربوبیت غیر او، لزوم پرستش خدا، روی برتافتن از پرستش غیر او و بالاخره ارزش یکتاپرستی و مقام والای موحدان و زشتی بت پرستی و پیامدهای شوم آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۱۱

۱۱ - خدا ، تنها معبود شایسته پرستش

فإلهکم إله وحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۸

۸ - خدا ، پروردگار انسان ها

ربّنا اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۷ - ۷

۷ - خدا ، پروردگار آدمیان

و إنّ یومًا عند ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۸ - ۶

۶ - بازگشت تمامی انسان ها ، تنها به سوی خدا است .

و إلیّ المصیر

<مصیر> مصدر میمی و به معنای بازگشتن است. تقدیم <إلیّ> (خبر) بر <مصیر> (مبتدا) مفید حصر است; یعنی، <لیس الرجوع إلاّ إلیّ>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱

- حج - ۲۲ - ۵۴ - ۹

۹ - خدا ، پروردگار انسان ها

أنّه الحقّ من ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۲ - ۲

۲ - تنها خداوند ، معبود به حق و شایسته پرستش است .

ذلک بأنّ اللّه هو الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۴ - ۱،۳،۴

۱ - خدا ، مالک مطلق و بی رقیب جهان هستی است .

له ما فی السموت و ما فی الأرض

<له> متعلق به عامل مقدر و خبر برای <ما> است. بنابراین تقدیم آن بر مبتدا، مفید حصر می باشد. گفتنی است روی سخن با مردمی است که می پنداشتند در جهان، خدایان متعددی وجود دارند که سرنوشت انسان ها به دست آنها رقم می خورد. در جمله فوق، با توجه دادن به این حقیقت که سراسر هستی ملک خدا و تحت تصرف او است، اساساً وجود موجود دیگری که از ملک خدا بیرون باشد و در پدیده های دیگر، قدرت تصرف داشته باشد پنداری باطل و ساخته ذهن های جاهل خوانده شده است.

۳ - خدا ، پروردگار بی همتای سراسر هستی

له ما فی السموت و ما فی الأرض

۴ - خدا ، تنها وجود غنی ، بی نیاز ، حمید و ستوده در سراسر هستی

و إنّ اللّه لهو الغنیّ الحمید

<هو> ضمیر فصل و <الغنی> خبر اول <إنّ> و <الحمید> خبر دوم است و <ال> در آنها برای جنس و مفید حصر می باشد. گفتنی است که این قسمت، متضمن دلیل دیگری بر موهوم بودن اندیشه شرک است؛ زیرا با

توجه به این که سراسر هستی، ستایشگر خدا و تنها نیازمند به او است، دیگر جایی برای موجود دیگری که بی نیاز باشد و نیاز دیگران را بر آورده کند و بدین جهت مورد ستایش آنان واقع شود وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۷ - ۶

۶ - خدا ، پروردگار انسان ها

و ادع إلی ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۱ - ۵

۵ - خدا ، پروردگار بی همتا و مدبر یگانه سراسر هستی

و یعبدون من دون اللّه ما لم ینزّل به سلطنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۳ - ۸

۸ - خدا ، آفریدگار بی همتا و پروردگار یگانه سراسر هستی است .

إنّ الذین تدعون من دون اللّه لن یخلقوا ذبابًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۷ - ۴

۴ - خدا ، پروردگار انسان ها

یأیّها الذین ءامنوا . .. و اعبدوا ربّکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۳ - ۹

۹ – خدا ، تنها معبود سزاوار پرستش

ما لکم من إله غیره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۲۹ – ۴

۴ – خدا ، پروردگار انسان ها است .

و قل ربّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۳۲ – ۶

۶ – خدا ، تنها معبود سزاوار پرستش

ما لکم من إله

غیره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۵۲ – ۴

۴ – خدا ، پروردگار آدمیان

و أنا ربّکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۵۷ – ۳

۳ – خدا ، پروردگار انسان ها

إنّ الذین هم من خشیه ربّهم مشفقون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۵۸ – ۵

۵ – خدا ، پروردگار انسان ها است .

و الذین هم بأیت ربّهم یؤمنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۵۹ – ۲

۲ – خدا ، تنها مربی و پروردگار انسان ها است .

و الذین هم بربّهم لایشرکون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۶۰ – ۵

۵ – خدا ، پروردگار انسان ها است .

إلى ربّهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۷۶ – ۴

۴ – خدا ، پروردگار انسان ها

فما استکانوا لربّهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۸۰ – ۱

۱ – حیات و مرگ ، تنها در اختیار خداوند است .

و هو الذی یحی و یمیت

<الـذی> خبر مبتـدا و <ال> در آن، برای جنس است. بنابراین جمله <هو الـذی> مفید حصـر است معنا چنین می شود: او حیات می بخشد و می میراند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۸۸ – ۱،۲

۱ – سراسر هستی ، در سیطره حاکمیت و فرمان روایی یگانه

خداوند

قل من بیده ملکوت کلّ شیء

<ملکوت> مبالغه <مِلک> (فرمان روایی) است; مانند <رَحَمُوت> مبالغه <رحمه> و <رَهَبوت> مبالغه <رهبه>.

۲ - خدا ، تنها پناهگاه بی پناهان

و هو یجیر

<إجاره> (مصدر <یجیر>) به معنای پناه دادن است و <هو> فاعل معنوی و تقدیم آن مفید حصر می باشد. جمله <هو یجیر> عطف بر <بیده ملکوت کل شیء> و به تقدیر <و من هو یجیر...> است; یعنی، <و کیست آن که تنها او پناه می دهد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۱ - ۲،۵

۲ - خدا ، مبرّا از شریک و همتا

و ما کان معه من إله

۵ - جهان آفرینش ، جهانی واحد و دارای خدایی واحد

إذًا لذهب کلّ إله بما خلق

استدلال فوق بر پایه نفی آفرینش استوار شده است بدین صورت که: الوهیت متفرع بر خالقیت است. بنابراین اگر چند اله در جهان باشد، باید چند خلق نیز وجود داشته باشد; در حالی که مجموعه هستی، یک خلق بیش نیست. بنابراین جهان هستی، تنها یک خالق و یک اله دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۲ - ۴

۴ - ساحت خدای یگانه ، برتر از آنچه که با او شریک می گردانند .

فتعلی عمّا یشرکون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۹۴ – ۱

۱ – خدا ، پروردگار انسان ها است .

ربّ فلاتجعلنی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۹۷ – ۵

۵ – خدا ، پروردگار آدمیان است .

و قل ربّ

جلد –

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۹۸ – ۴

۴ – خدا ، پروردگار آدمیان است .

و أعوذ بک ربّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۹۹ – ۲

۲ – خدا ، پروردگار انسان ها است .

قال ربّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۰۶ – ۱

۱ – خدا ، پروردگار آدمیان است .

قالوا ربّنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۰۷ – ۱

۱ – خدا ، پرودگار انسان ها است .

ربّنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۰۹ – ۲

۲ – خدا ، پروردگار انسان ها است .

یقولون ربّنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۶ - ۲،۱۰

۲ - خدا ، فرمان روای یگانه و به حق جهان هستی

فتعلی اللّه الملک الحقّ

۱۰ - جهان ، تحت تدبیر و اداره خدای یگانه و بی همتا است .

فتعلی اللّه الملک الحقّ لا إله إلاّ هو ربّ العرش الکریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۷ - ۱

۱ - خدا ، وجودی یگانه و منزه از شریک و همتا

و من یدع مع اللّه إلهًا ءاخر . .. فإنّما حسابه عند ربّه

<دعاء> (مصدر <یدع>)، به معنای خواندن و <برهان> به معنای حجت و دلیل است. عبارت <لابرهان له به> قید توضیحی برای <إلهاً آخر> می باشد و قید احترازی نیست; زیرا خدای دیگری که

بتوان بر آن برهان اقامه کرد، وجود ندارد; بلکه برهان بر وحدت خدای یگانه و نفی تعدد خدایان استوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۸ - ۴

۴ - خدا ، پروردگار انسان ها است .

و قل ربّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۱۰

۱۰ - خدا ، تنها معبود به حق و شایسته الوهیت

أنّ اللّه هو الحقّ المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۱۸

۱۸ - خداوند ، مالک اصلی و حقیقی تمام اموال و ثروت ها است .

و ءاتوهم من مال اللّه الذی ءاتیکم

برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند، اموال موجود در دست مالکان را، <مال اللّه> (مال خدا) شمرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۳

۳ - خداوند ، هستی بخش جهان آفرینش است .

اللّه نور السموت و الأرض

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که مقصود از نور، معنای کنایی و مجازی آن باشد; یعنی، نور وجود; چرا که جهان بدون هستی بخشی خداوند، در ظلمت و تاریکی عدم محض خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۲ - ۱،۲،۴

۱ - فرمان روایی آسمان ها و زمین ، تنها از آنِ خداوند است .

و للّه ملک السموت و الأرض

تقدیم خبر (للّه) بر مبتدا (ملک السماوات. ..)، مفید حصر و اختصاص است.

۲ - جهان هستی ، تنها تحت قدرت

و تدبیر خداوند است .

و للّه ملک السموت و الأرض

لازمه فرمان روایی انحصاری خداوند بر جهان، این است که جهان، تنها تحت قدرت و تدبیر او باشد.

۴ - تنها خداوند ، مقصد و منت های حرکت تمامی موجودات جهان است .

و إلی اللّه المصیر

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: ۱ تقدم خبر (إلی اللّه) بر مبتدا (المصیر) مفید حصر می باشد. ۲ <مصیر> به معنای <مرجع> است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۴ - ۶

۶ - بازگشت انسان به سوی خدا است .

یوم یرجعون إلیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲ - ۱،۷،۱۱

۱ فرمان روایی جهان (آسمان ها و زمین) تنها از آن خدا است .

تبارک . .. الذی له ملک السموت و الأرض

۷ خداوند ، در فرمان روایی خویش بر جهان هستی ، هیچ شریک و همتایی ندارد .

و لم یکن له شریک فی الملک

۱۱ خداوند ، آفریننده همه پدید های جهان هستی است .

و خلق کلّ شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۱۰ – ۲

۲ خداوند ، ذاتی پاینده و حقیقتی جاودانه

تبارك الذی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۱ – ۲

۲ خداوند ، ذاتی پاینده و حقیقتی جاودانه

تبارك الذی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۹ – ۱

۱ – خداوند ، تنها قدرت قاهر شکست ناپذیر

و إنّ

ربّک لهو العزیز

<العزیز> مسند محلی به <ال> جنس و مفید حصر است. گفتنی است که اهل لغت در معنای <عزیز> گفته اند: <الغالب الذی لایغلب; پیروزمندی که شکست نمی خورد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۸ - ۲

۲ - پروردگار جهانیان ، پروردگار و مدبر شرق و غرب عالم و هر آنچه میان آن دو است .

قال ربّ المشرق و المغرب و ما بینهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۷ - ۳

۳ - تمامی جهان هستی ، تحت ربوبیت واحد خداوند

بربّ العلمین

<العالمین> جمع با الف و لام و مفید استغراق است. بنابراین <ربّ العالمین>; یعنی، پروردگار همه جهانیان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۸ - ۲

۲ - هیچ چیز ، قابل مقایسه و برابری با پروردگار جهانیان نیست .

إن کنّا لفی ضلل مبین . إذ نسوّیکم بربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۲ - ۸

۸ - مجموعه نظام هستی ، تحت تدبیر و ربوبیت یگانه خداوند

و إنّه لتنزیل ربّ العلمین

<العالمین> جمع همراه با <ال> و مفید عموم است. بنابراین <ربّ العالمین>; یعنی، پروردگار همه عالم ها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۶ - ۱،۲

۱ - خدا ، تنها معبود راستین و شایسته پرستش

ألاّیسجدوا للّه . .. اللّه لا إله إلاّ هو

۲ - خدا ، یگانه پروردگار و مدبر نظام آفرینش

ربّ العرش

<عرش> معادل تخت است و مقصود از آن در

این جا مرکز تدبیر امور عالم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۰ - ۱

۱ - خدا ، آفریدگار یگانه آسمان ها و زمین

أمّن خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۱ - ۳

۳ - خداوند ، یگانه مالک تمامی مظاهر هستی

و له کلّ شیء

تقدیم <له> بیانگر حصر است; یعنی، همه چیز، تنها مال او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۳

۳ - مجازات خطاکاران پیش از تبیین راه صواب و خطا برای ایشان ، امری نادرست و نکوهیده در بینش الهی

و لولا أن تصیبهم مصیبه . .. و نکون من المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۸ - ۱۰

۱۰ - ساحت خداوند از داشتن انباز در آفرینش و تدبیر خلق منزه و برتر است .

و ربّک یخلق . .. سبحن اللّه و تعلی عمّا یشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۰ - ۹،۲،۱

۱ – الوهیت و معبود بودن ، تنها شایسته ذات پاک خداوند

و هو اللّه

ضمیر <هو> در <هو اللّه> راجع به ذات پاک خداوند است و <ال> در <اللّه> برای تلمیح و اشاره به صفت الوهیت می باشد. بنابراین <هو اللّه> مرادف با <هو الاءله> است; یعنی، تنها آن ذات پاک و حقیقت محض است که سزاوار الوهیت است و نه غیر او. جمله بعد; یعنی، <و هو اللّه لا إله إلاّهو> تأکید برای

همین معنا است.

۲ – معبودی جز ذات پاک خداوند نیست .

لا إله إلّا هو

۹ – بازگشت همه انسان ها ، تنها به سوی خداوند است .

و إلیه ترجعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۱ – ۳،۷

۳ – خدا ، قدرت مطلق و بلامنازع جهان آفرینش است .

قل أرءیتم إن جعل اللّه علیکم الّیل سرمدًا إلی یوم القیمه من إله غیر اللّه

مفاد آیه بالا، این است که اگر خدا چیزی را بخواهد، در تمام هستی کسی نیست که بتواند اراده او را نقض کند و برخلاف خواست او کاری انجام دهد.

۷ – خدا ، تنها معبود شایسته پرستش

من إله غیر اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۲ – ۳،۶

۳ – خدا ، قدرت مطلق و بلامنازع جهان آفرینش است .

قل أرءیتم إن جعل اللّه علیکم النهار سرمدًا . .. من إله غیر اللّه ... أفلاتبصرون

مفاد آیه بالا این است که هرگاه خداوند کاری را اراده کند، هیچ کس نمی تواند اراده او را نقض کند و برخلاف خواسته او کاری انجام دهد.

۶ – خدا ، تنها معبود شایسته پرستش

من إله غیر اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۸ – ۴،۵،۱۲

۴ – وجود معبودی جز خدا ، حقیقت ندارد .

لا إله إلّا هو

۵ – خدا ، تنها معبود شایسته پرستش است .

لا إله إلّا هو

۱۲ – بازگشت همگان تنها به سوی خداوند است .

و إلیه ترجعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ –

۸ - ۱۰،۱۱

۱۰ - بازگشت همه انسان ها ، تنها ، به سوی خداوند است .

إلیّ مرجعکم

تقدیم خبر (إلیّ) بر مبتدا (مرجعکم)، افاده حصر می کند.

۱۱ - مبدأ و مرجع انسان ها ، خداوند است .

إلیّ مرجعکم

رجوع، به معنای <بازگشت به جایی است که آغاز، از آن جا بوده است. >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۷ - ۱۶

۱۶ - خداوند ، مبدأ و مقصد انسان هااست .

إلیه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۹ - ۲

۲ - خداوند ، پدیدآورنده عالم است .

یبدئ اللّه الخلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۱ - ۵

۵ - بازگشت همه انسان ها ، تنها ، به خداوند است .

و إلیه تقلبون

<قلب> (ریشه <تقلبون>) به معنای <بازگرداندن چیزی از جهتی به جهتی> است. با توجّه به معنای لغوی آن،

<تقلبون>، به معنای <ترجعون> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۷ - ۳

۳ - خداوند ، مبدأ و مرجع انسان ها است .

ثمّ إلینا ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۱ - ۷

۷ - خداوند ، مبدأ انسان ها و مرجع نهایی آنها است .

اللّه یبدؤا الخلق ثمّ یعیده ثمّ إلیه ترجعون

کلمه <ترجعون> از ریشه <رجوع> است و طبق گفته راغب، رجوع، بازگشت به جایی است که مبدأ و شروع بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰

۳ - خداوند ، تنها آفریننده انسان ها است .

اللّه الذی خلقکم

معرفه بودن مبتدا و خبر اختصاص و حصر را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۱ - ۳

۳ - همه عالم آفریده خداوند است و هیچ کس ، جز او در آن نقش نداشته است .

هذا خلق اللّه فأرونی ماذا خلق الذین من دونه

جمله <هذا خلق اللّه> اشاره به خلق آسمان ها و زمین و کوه ها و جنبدگان و آب و گیاهان که در آیه قبل، از آنها سخن رفته است و مجموعه آنها، عالم را تشکیل می دهند دارد. بنابراین، مراد از آن، آفرینش همه عالم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۵ - ۱۴

۱۴ - آغاز و بازگشت انسان ها ، خداوند است .

ثمّ إلیّ مرجعکم

<رجوع> در لغت، به معنای بازگشت به جایگاهی است که شروع از آن جا بوده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۴

۴ - خداوند ، تنها مبدأ و مرجع انسان ها است .

إلینا مرجعهم

از تقدیم خبر، حصر استفاده می شود. لازم به ذکر است که آیه، اگرچه درباره کافران است، اما کافران، در مورد بازگشت شان به خدا خصوصیتی ندارند و این بازگشت، برای همه انسان ها است. گفتنی است از واژه <مرجع> (بازگشتن) به دست

می آید که مبدأ نیز خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۵ -

۶ - تنها ، آفریدگارِ یک تا ، شایسته همه حمد ها و ستایش ها است .

و لئن سألتهم . .. لیقولنّ اللّه قل الحمد للّه

<ال> در <الحمد> برای استغراق و مفید نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۶ - ۹

۹ - هیچ کس در خالقیت و مالکیت ، و در نتیجه ، مدیریت خداوند بر عالم ، شریک او نیست . *

من خلق السموت و الأرض . .. للّه ما فی السموت و الأرض إنّ اللّه هو الغنیّ

بیان اعتراف مشرکان به توحید در خالقیت خداوند و سپس تبیین مالکیت انحصاری او برپدیده های عالم و اعلام بی نیازی مطلق او، می تواند بیان کننده این باشد که در تدبیر عالم نیز شریکی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۰ - ۱۰

۱۰ - تنها خداوند ، بسی برتر و والاتر از شریک داشتن است .

و أنّ اللّه هو العلیّ الکبیر

ضمیر فصل <هو> و <ال> جنس در <العلیّ> و <الکبیر> که هر دو خبر <أنّ> هستند دلالت بر حصر می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۴ - ۸

۸ - خلق و تدبیر جهان ، نشأت یافته از مبدأ واحد است .

اللّه الذی خلق . .. ثمّ استوی علی العرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۵ - ۱،۶،۷

۱ - مجموعه امور هستی (آسمان و زمین) ، تحت تدبیر خدای یکتا است .

یدبّر الأمر

من السماء إلى الأرض

<أمر> به معناى <فعل و شأن> است و <ال> در آن، براى جنس بوده و در نتيجه، دلالت بر همه امور و كارها مى كند.

۶ - بازگشت نهايى عالمِ هستى در پايان جهان ، به سوى خدا است .

ثمّ يعرج إليه فى يوم كان مقداره ألف سنه

۷ - خداوند ، مبدأ و منت هاى همه امور جهان است .

خلق اللّه السموت و الأرض . .. يدبّر الأمر ... ثمّ يعرج إليه فى يوم كان مقداره

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۱ - ۹،۱۰

۹ - بازگشت انسان به سوى پروردگار ، پس از مرگ و پايان حيات دنيوى ، قهرى است .

يتوفّيكم . .. ثمّ إلى ربّكم ترجعون

فعل مجهول <ترجعون> (بازگشت داده مى شويد) حكايت از بازگشت قهرى دارد.

۱۰ - پروردگار ، مبدأ و منت هاى حركت انسان ها است .

ثمّ إلى ربّكم ترجعون

<رجوع> در جايى اطلاق مى شود كه سابقه اى داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، مالك مطلق عالم است و خود به تنهايى امور آن را تدبير مى كند .

قل ادعوا الذين زعمتم من دون اللّه لايملكون مثقال ذرّه فى السموت و لا فى الأرض و

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۷ - ۶

۶ – خداوند ، یگانه و یکتا است و شریکی ندارد .

قل أرونی الذین ألحقتم به شرکاء کلاّ بل هو اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر –

۴۸ - ۳ - ۳۵

۴ - تنها خداوند ، خالق جهان و روزی دهنده انسان ها است .

هل من خلق غیر اللّه یرزقکم من السماء و الأرض

۸ - در جهان هستی معبودی جز اللّه ، حقیقتاً وجود ندارد .

لا إله إلّا هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۹ - ۱۰

۱۰ - نظم حاکم بر پدیده های طبیعت ، چون حرکت باد ها ، تشکیل ابر ها و نزول باران حیات آفرین ، دلیل بر قدرت خداوند و یکتایی او

و اللّه الذی أرسل الریح فتثیر سحابًا . .. فأحیینا به الأرض بعد موتها کذلک النشو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۱۵،۱۶

۱۵ - بازگشت انسان ها ، تنها به سوی خداوند است .

و إلی اللّه المصیر

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که آیه شریفه تنها ناظر به بازگشت انسان ها باشد. گفتنی است تقدیم خبر (إلی اللّه) بر مبتدا (المصیر)، مفید حصر می باشد.

۱۶ - تنها خداوند ، مقصد و منتهاالیه حرکت تمامی موجودات جهان است .

و إلی اللّه المصیر

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که آیه شریفه، ناظر به حرکت و بازگشت همه موجودات باشد. گفتنی است <مصیر> به معنای <مرجع> است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۰ - ۳

۳ - خداوند ، در آفرینش جهان (آسمان ها ، زمین و . . .) و تدبیر امور آن ، بی شریک است .

قل أرءیتم شرکاءکم الذین تدعون من دون اللّه

أرونی ماذا خلقوا من الأرض أم لهم شرک

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که امر <أرونی> تعجیزی است و مفاد آن چنین می باشد: شما مشرکان از آوردن نمونه ای از دخالت معبودهایتان در آفرینش ناتوانید. بنابراین خداوند در آفرینش و تدبیر جهان بی شریک می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۲ - ۶

۶ - بازگشت انسان ها به سوی خدا است .

و إلیه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۵ - ۶

۶ - خداوند ، پروردگار حقیقی انسان ها است .

ءامنت بربّکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۵

۵ - آفرینش ، مخصوص خدا است و او در آفرینش جهان هیچ شریکی ندارد .

أوَلم یروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

تأکید خداوند بر آفریدگاری خویش (أنّا خلقنا) و نیز جلوه قدرت خود دانستن پدیده های جهان (ممّا عملت أیدینا أنعاماً) گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۳ - ۵

۵ - بازگشت همگان ، به سوی خدا است .

و إلیه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴ - ۱

۱ - سراسر جهان هستی ، تنها از یک معبود حقیقی برخوردار است .

إنّ إلهكم لوحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵ - ۱

۱ - جهان طبیعت (آسمان ها ، زمین و

پدیده های میان آنها) ، تحت ربوبیت خدای یگانه است .

إنّ إلهكم لوحد . ربّ السموت و الأرض و ما بينهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۵ - ۵

۵ - اللّه ، تنها معبود حقیقی است .

لا إله إلّا اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۷ - ۴

۴ - خدا ، پروردگار جهانیان است .

بربّ العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۶ - ۲

۲ - خداوند ، ربّ و پروردگار همه انسان ها است .

اللّه ربّكم و ربّ ءابائكم الأوّلين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۵ - ۶،۷

۶ - هیچ معبود حقیقی ، جز اللّه در عالم وجود ندارد .

ما من إله إلّا اللّه الوحد القهّار

۷ - خداوند ، ذاتی واحد ، بی کثرت و بدون اجزا است .

ما من إله إلّا اللّه الوحد

جمله <ما من إله إلاّ اللّه> می تواند مربوط به یکتایی خدا در برابر شرك و اعتقاد به چند خدایی باشد. صفت <الواحد> نیز می تواند به وحدانیت ذات پروردگار در برابر اعتقاد به تجسّم و ترکیب ذات او اشاره داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۶ - ۲

۲ - جهان هستی ، در حال حرکت به سوی کمال است .

ربّ السموت و الأرض و ما بینهما

<ربّ> به معنای تربیت کردن است و تربیت ایجاد حالتی در شیء پس از حالت قبل است

تـا آن گـاه که به حـد تمـام و کمـال برسـد (مفردات راغب). این معنـا حکایت از حرکت تکاملی دارد. گفتنی است که کلمه <ربّ>، مشترک لفظی میان وصف و مصدر می باشد و در این آیه، معنای وصفی آن مراد است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۳ – ۱

۱ – تنها خداوند ، شایسته عبادت خالصانه و اطاعت بی چون و چرا است .

ألا للّه الدین الخالص

<الدین> مبتدا و مسندالیه و <للّه> خبر و مسند است. تقدیم مسند بر مسندالیه، مفید حصر و اختصاص است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۴ – ۹

۹ – خداوند ، یکتا و یگانه و چیره و پیروز است .

هو اللّه الوحد القهّار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۷ – ۱۴

۱۴ – خداوند ، مرجع و فرجام سیر انسان ها است .

ثمّ إلی ربّکم مرجعکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۴۴ – ۵،۶،۸

۵ – جهان آفرینش ، تحت فرمانروایی واحدی اداره می شود .

له ملک السموت و الأرض

۶ – فرمانروایی مطلق خداوند بر جهان هستی ، دلیل در اختیار داشـتن همه شفاعت ها در دست خدا و ناتوانی غیر او از هرگونه شفاعت خودسرانه

قل للّه الشفعه جميعًا له ملک السموت و الأرض

جمله <له ملک السماوات. ..> در مقام تعليل براى جمله پيش (للّه الشفاعه جمياً) است; يعنى، چون فرمانروايى جهان به دست خداوند است، پس شفاعت هم كه جزئى از فرمانروايى است

در اختیار او قرار خواهد داشت.

۸ - بازگشت همه انسان ها پس از مرگ تنها به سوی خدا است .

ثمّ إلیه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۲ - ۱،۲

۱ - خداوند ، آفریننده هر چیزی است .

اللّه خلق کلّ شیء

۲ - همه پدیده های جهان هستی ، جلوه های خالقیت و توحید ربوبی خداوند است .

اللّه خلق کلّ شیء

آیه شریفه به قرینه آیه ۶۴ که به منزله نتیجه این آیه بوده و در آن شرک محکوم گردیده است درصدد بیان نشانه های خالقیت خدا و اثبات توحید ربوبی او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۳ - ۱

۱ - کلید و سررشته تمامی امور جهان ، در اختیار خدا است .

له مقالید السموت و الأرض

<مقالید> در آیه شریفه یا مترادف <مفاتیح> (کلیدها) و یا به معنای <خزائن> (گنجینه ها) است (لسان العرب). در هر صورت این تعبیر کنایه از سلطه بر جهان و در اختیار داشتن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۴ - ۲

۲ - عبادت ، تنها شایسته خالق هستی و مدبر و صاحب اختیار جهان است .

قل أفغیر اللّه تأمرونّی أعبد

<فا> در <أفغير اللّه> يا براى تفريع اين آيه به آيات پيش است كه از خالقيت و تدبير خدا سخن گفته است و يا رابطه براى جواب شرط مقدر است كه تقدير آن چنين مى باشد: <إن كان اللّه خالق كلّ شىء فكيف تأمروننى أن أعبد غير اللّه>.

در هر صورت پیام آیه شریفه این است که با وجود خالق بودن خداوند، عبادت غیر او شایسته نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۶ - ۳،۷

۳ - تنها خداوند شایسته پرستش است .

أفغير اللّه تأمرونّى أعبد . .. بل اللّه فاعبد

۷ - تنها تلاش و عمل در سایه توحید و یکتاپرستی ، ثمربخش و سودآور است .

لئن أشركت ليحبطنّ عملك . .. بل اللّه فاعبد و كن من الشكرين

از مقابله میان شرک و توحید و تأثیر آن دو در رفتار آدمی و نتایج آن، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۷ - ۱۱

۱۱ - ساحت خداوند ، از داشتن هرگونه شریک منزّه و برتر است .

تعلى عمّا يشركون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳ - ۹،۱۱

۹ - هیچ معبود حقیقی ، جز اللّه در جهان هستی وجود ندارد .

لا إله إلاّ هو

<إله> به معنای معبود است.

۱۱-بازگشت همگان تنها به سوی خداوند است .

إليه المصير

<مصير> به معنای بازگشت است و تقدیم <إليه> مفید حصر می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۳ - ۴

۴ - اتمام حجت خداوند بر انسان ها ، از راه ارائه آیات و نشانه هایش بر حقانیت خود

هو الذی یریکم ءایته

یادآوری آیات و نشانه های ارائه شده از سوی خداوند به بشر پس از ذکر عذاب شدن کافران و منکران می تواند به منظور اتمام حجت باشد.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۶ - ۵

۵ - فرمان روایی جهان ، تنها از آنِ خداوند است .

لمن الملك اليوم للّه الوحد القهّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۲ - ۶

۶ - خدایی جز < اللّه > ، در جهانِ هستی وجود ندارد .

تدعونني لأكفر باللّه و أشرك به ما ليس لى به علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۳ - ۵

۵ - بازگشت همه انسان ها ، به سوی خدا است .

و أنّ مردّنا إلى اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۲ - ۱،۳،۴

۱ - خداوند ، حقیقتی متمایز ، شناخته شده و بی مانند در صفات و افعال

ذلكم اللّه ربّكم

<ذلکم> برای اشاره به شیء حاضر است که در این آیه، اسم جلاله (اللّه) می باشد. آمدن آن به جای ضمیر <هو>، می رساند که خداوند حقیقتی است بس معلوم و روشن که اگر افعال و صفاتش بازگو شود، چنان شناخته شده و از دیگر حقایق ممتاز می گردد که گویا حقیقتی قابل مشاهده و حاضر می باشد.

۳ - خداوند ، خالق همه چیز است .

خلق كلّ شىء

۴ – در جهان هستی معبودی جز اللّه ، حقیقتاً وجود ندارد .

لا إله إلّا هو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۶۴ – ۱۱،۱۶،۱۸

۱۱ – خداوند ، حقیقتی متمایز ، شناخته شده و بی مانند در صفات و افعال

ذلکم اللّه ربّکم

<ذلکم>

برای اشاره به شیء حاضر است که در این آیه، اسم جلاله (اللّه) می باشد. آمدن آن به جای ضمیر <هو> می تواند حاکی از این حقیقت باشد که خداوند، حقیقتی معلوم و روشن است که اگر افعال و صفات او بازگو شود، چنان شناخته شده و از دیگر حقایق ممتاز می گردد که گویا حقیقتی قابل مشاهده و حاضر می باشد.

۱۶ - خداوند ، ذاتی پاینده و حقیقتی جاودانه

فتبارك اللّه ربّ العلمین

۱۸ - تمامی موجودات جهان هستی ، تحت ربوبیت خداوند هستند .

اللّه ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۵ - ۱،۳،۱۲

۱ - تنها خداوند ، ذات دارای حیات حقیقی ، مستقل و جاوید است .

هو الحیّ

جمله < هو الحیّ > مفید حصر است. انحصار حیات برای خداوند با آن که موجودات بسیاری از حیات بر خورداراند گویای این حقیقت است که حیات خداوند، حیاتی است ذاتی، حقیقی و جاوید و حیات دیگر موجودات، حیاتی وابسته و رو به زوال است.

۳ - معبودی جز اللّه حقیقتاً وجود ندارد .

لا إله إلاّ هو

<إله> به معنای معبود است.

۱۲ - تنها خداوند ، شایسته و بایسته ستایش است .

الحمد للّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۱ - ۱،۲،۳

۱ – خداوند ، آیات و نشانه های قدرت و ربوبیت بی همتای خود را به انسان ها نشان داده و شناسانده است .

و یریکم ءایته

۲ – آفرینش دام ها و کشتی ها ، از نشانه ها و دلایل قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند

اللّه الذی جعل لکم الأنعم .

.. و عليها و على الفلك تحملون . و يريكم ءايته

از مصاديق مورد نظر آيه شريفه براى آيات الهى، دام ها و كشتى ها (موضوع بحث آيه قبل) مى باشد.

٣ - وجود دلايل و نشانه هاى متعدد و گوناگون ، بر اثبات قدرت و يكتايى خداوند در هستى

و يريكم ءايته فأىّ ءايت اللّه

برداشت ياد شده از جمع آمدن <آيات> استفاده مى شود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٦ - فصلت - ٤١ - ٩ - ١٤،١٠،٧

٧ - خداوند ، مبرّا از هر شريك و همانند

قل أئنّكم لتكفرون . .. تجعلون له أندادًا

از استفهام در <أئنّكم> مطلب بالا استفاده مى شود.

١٠ - تنها آفريننده زمين ، پروردگار و مدبر عالم هستى است .

لتكفرون بالذى خلق الأرض . .. ذلك ربّ العلمين $<ذلك> به قرينه مقام خبر مقدم و <ر

<ذلك> به قرينه مقام خبر مقدم و <ربّ العالمين> مبتداى مؤخر است و تقديم خبر بر مبتدا مفيد حصر است.

١٤ - داشتن شريك ، دور از ساحت بلند ربوبيت خدا است .

و تجعلون له أندادًا ذلك ربّ العلمين

تعبير <ذلك> كه اشاره به دور است مى تواند بيان كننده رفعت مقام ربوبى از داشتن شريك باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٦ - فصلت - ٤١ - ١٠ - ٧

٧ - كوه هاى استوار ، بركت سرشار زمين ، تغيير فصل ها و تأمين نيار هاى غذايى موجودات ، از نشانه هاى ربوبيت بى همتاى خدا

ذلک ربّ العلمین . و جعل فیها روسی من فوقها و برک فیها و قدّر فیها أقوتها فی أرب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶

- فصلت - ۴۱ - ۱۲ - ۱۷

۱۷ - سامان دادن آسمان های هفتگانه ، تدبیر امور آنها و آفرینش ستارگان و نگهبانی از آسمان ها ، جلوه ای از ربوبیت خدا و نشانه یکتایی او در تدبیر هستی است .

ذلک ربّ العلمین . .. فقضهنّ سبع سموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ - بازگشت انسان ها ، تنها به سوی خداوند است .

و إلیه ترجعون

تقدیم <إلیه> بر <ترجعون> می تواند برای افاده حصر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۰ - ۲

۲ - تنها خداوند ، پروردگار و مدبر امور انسان ها است .

إنّ الذین قالوا ربّنا اللّه

با توجه به حصر مستفاد از <ربّنا اللّه>، مطلب بالا قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۱۱

۱۱ - عبادت و پرستش ، تنها شایسته آفریدگار جهان است ; و نه در شأن مخلوقات او .

و اسجدوا للّه الذی خلقهنّ إن کنتم إیّاه تعبدون

تقدیم <إیّاه> بر <تعبدون> علاوه بر رعایت فاصله آیات، می تواند برای حصر نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۳۹ – ۱۲،۱۷

۱۲ – تمامی امور ، در حیطه قدرت مطلق و گسترده خداوند است .

إنّه علی کلّ شیء قدیر

۱۷ – حیات زمین در دنیا و رستاخیز مردگان در قیامت ، نمادی از قدرت بی بدیل خداوند است .

إنّ الذی أحیاها لمحی الموتی إنّه علی کلّ شیء قدیر

جلد – نام سوره –

سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴ - ۲

۲ - وحی و بعثت پیامبران ، مقتضای مالکیت و ربوبیت بی شریک خدا بر جهان و انسان

کذلک یوحی إلیک . .. له ما فی السموت و ما فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۶ - ۳

۳ - خداوند یگانه ، تنها معبود و شایسته پرستش در جهان هستی

و الذین اتّخذوا من دونه أولیاء

بنابراین که مراد از ولی مفرد اولیاء معبود باشد از سخن تهدیدآمیز آیه مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۹ - ۶

۶ - خداوند یگانه ، تنها معبود و شایسته پرستش در جهان هستی

فاللّه هو الولیّ

بنابراین که مراد از<الولیّ> معبود باشد مطلب فوق برداشت می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۰ - ۸

۸ - ولایت منحصر و بی همتا ، قدرت نامحدود و مرجعیت نهایی در تشریع و داوری ، از ویژگی های پروردگار جهان

فاللّه هو الولیّ . .. ذلکم اللّه ربّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۱ - ۱۲

۱۲ – خداوند ، ذاتی بی همتا و بی مانند

لیس کمثله شیء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۱۵ – ۲۲،۳۰

۲۲ – خداوند ، پروردگار یگانه همه انسان ها

اللّه ربّنا و ربّکم

۳۰ – بازگشت همه انسان ها به سوی خدا است .

و إلیه المصیر

جلد – نام سوره – سوره

- آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۳ - ۳،۸،۹

۳ - تمامی موجودات زمین و آسمان ، مملوک خداوند هستی اند .

له ما فی السموت و ما فی الأرض

۸ - بازگشت تمامی موجودات به سوی خداوند است .

ألا إلی اللّه تصیر الأُمور

۹ - همه امور در جهان هستی ، به سوی الهی شدن در حرکت است .

ألا إلی اللّه تصیر الأُمور

با توجه به ماده <صیرورت> برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۴ - ۴

۴ - خداوند ، منت های حرکت و سیر وجودی انسان است .

و إنّا إلی ربّنا لمنقلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۵ - ۷

۷ - بازگشت حتمی و قهری آدمیان ، به سوی فرمانروای هستی (خداوند)

و إلیه ترجعون

مجهول آمدن <تُرجعون>، قهری بودن معاد را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۰ - ۵

۵- تنها پروردگار جهان ، پناهگاه انسان ، در سختی ها و دشواری های زندگی است .

و إنّی عذت بربّی و ربّکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۴۲ – ۶

۶- قدرت مطلقه و رحمت گسترده ، در انحصار خداوند است .

إنّه هو العزیز الرحیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۱۰ – ۶

۶ – تنها خداوند ، سرپرست و یاور حقیقی انسان ها ، در دنیا و آخرت است .

ولا یغنی . .. ما

اتّخذوا من دون اللّه أولياء

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – جاثيه – ۴۵ – ۱۵ – ۸

۸ – بازگشت همه انسان ها (نيک کرداران و بدکاران) به سوی پروردگار

من عمل صلحًا . .. و من أساء ... ثمّ إلی ربّكم ترجعون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – جاثيه – ۴۵ – ۲۷ – ۱

۱ – خداوند ، يگانه فرمانروای آسمان ها و زمين

و للّه ملک السموت و الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – جاثيه – ۴۵ – ۳۶ – ۱،۴،۹

۱ – تنها خداوند ، شايسته حمد و ستايش بی پايان

فللّه الحمد

تقدم <للّه> بر <الحمد> مفيد حصر است.

۴ – خداوند ، يگانه پروردگار آسمان ها و زمين و تمامی جهانيان

ربّ السموت و ربّ الأرض ربّ العلمين

۹ – حاكميت تدبير و مديريت خداوند يكتا ، بر كل نظام هستی

فللّه الحمد ربّ السموت و ربّ الأرض ربّ العلمين

تكرار واژه <ربّ> در آيه شريفه، می تواند در راستای شرک زدايی و تثبيت باور به حاكميت مطلق ربوبيت خداوند باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۳۷ – ۳

۳ – ربوبیت یگانه خداوند در جهان هستی ، نمودی از عظمت و کبریایی او است .

ربّ السموت و ربّ الأرض . .. و له الکبریاء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۹ – ۴

۴– تنها خداوند ، شایسته پرستش است .

فاعلم أنّه لا إله إلاّ اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸

- ۴ - ۱۳

۱۳ - نیرو ها و قوای آسمان ها و زمین ، تنها از آن خداوند و در اختیار او است .

و للّه جنود السموت و الأرض

<لام> در <للّه> مفید اختصاص و ملکیت است و می رساند که قوای هستی، مسخّر خدا و در خدمت تحقق اهداف او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۴ - ۱

۱ - خداوند ، تنها مالك و فرمانروای آسمان ها و زمین

و للّه ملك السموت و الأرض

<ملك> به معنای پادشاهی و فرمانروایی و ملازم با مالکیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۳ - ۴

۴ - بازگشت و حرکت تمامی موجودات ، تنها به سوی خداوند است .

و إلینا المصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۸ - ۱،۷

۱ - خداوند ، یگانه روزی دهنده در نظام هستی

إنّ اللّه هو الرزّاق

ضمیر فصل <هو>، تأکید و اختصاص را افاده می کند.

۷ - تمام قدرت ها و واسطه های فیض در نظام هستی ، در مالکیت و سیطره یگانه خداوند

إنّ اللّه هو . .. ذوالقوّه المتين

تعبير <ذوالقوّه> به جاى <القوى> مى توانـد اشاره به اين حقيقت داشـته باشـد كه خداونـد، نه تنها قوى است; بلكه هر نوع توان و قدرتى كه در نظام وجود يافت شود، مملوك و مقهور او است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۶ - ۱

۱ - آفرينش آسمان ها و زمين ، مخصوص خداوند و غير او فاقد

کمترین تأثیر درآن

أم خلقوا السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۳ - ۲

۲ - خداوند ، یگانه معبود به حق هستی است .

أم لهم إله غیر اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۲ - ۱

۱ - سررشته تمامی امور ، تنها در اختیار خداوند است .

و أنّ إلی ربّک المنتهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۹ - ۱

۱ - تمامی قلمرو هستی ، در انحصار ربوبیت خداوند ، از زمین خاکی تا ستاره < شِعری >

و أنّه هو ربّ الشِعری

تصریح به <شعری>، می تواند از آن جهت باشد که این ستاره، در نقطه ای بس دور در فضا قرار دارد و یادکرد آن در حقیقت، برای بیان یگانگی ربوبیت خداوند بر تمام قلمرو گسترده هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۷ - ۱

۱ - تنها حقیقت باقی در نظام هستی ، ذات یگانه پروردگار است .

کلّ من علیها فان . و یبقی وجه ربّک

مفسران <وجه> را در آیه شریفه به معنای ذات گرفته اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۷۸ – ۴

۴ – خداوند ، ذاتی پاینده و جاودان

تبرک اسم ربّک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۵۹ – ۲

۲ – نقش منحصر به فرد خداوند ، در ایجاد و آفرینش انسان از منی در رحم

أفرءیتم ما تمنون .

.. أم نحن الخلقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۴ - ۳

۳ - نقش الهی در فرایند رشد دانه ها در زمین ، منحصر به فرد بوده و هیچ نیرویی توان چنین عملی را ندارد .

أم نحن الزرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲ - ۱،۴،۵

۱ - فرمانروایی آسمان ها و زمین ، تنها در اختیار خداوند است .

له ملك السموت و الأرض

تقدیم خبر (له) بر مبتدا (ملك) افاده حصر می کند و <ملك> به معنای سلطنت و فرمانروایی است.

۴ - مرگ و حیات ، در اختیار خداوند بوده و او است که می میراند و زنده می گرداند .

یحیی و یمیت

۵ - خداوند ، بر انجام دادن هر چیزی قادر و توانا است .

و هو علی کلّ شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۴ - ۵

۵ - تدبیر و اداره امور جهان در اختیار خداوند است .

خلق السموت . .. ثمّ استوی علی العرش

<عرش>، به معنای تخت است و مراد از آن تخت حکومت و اداره امور جهان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۵ - ۱،۳

۱ - فرمانروایی آسمان ها و زمین ، تنها در اختیار خداوند است .

له ملک السموت و الأرض

<ملک> به معنای سلطنت و فرمانروایی است و تقدیم خبر (له) بر مبتدا (ملک. ..) افاده حصر می کند.

۳ - بازگشت امور عالم ، تنها به سوی خداوند است .

و إلی اللّه ترجع الأُمور

برداشت

یاد شـده بـدان احتمال است که مراد از <الأمور>، کارهای مربوط به همه جهان باشـد. گفتنی است که تقـدیم جار و مجرور (إلی اللّه) بر <ترجع> بیانگر حصر است; یعنی، <و إلی اللّه لا إلی غیره ترجع اُمور العالم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱ - ۳

۳ - کمال ذات خدای یگانه هستی ، پیام یکایک موجودات جهان

سبّح للّه ما فی السموت و ما فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۲ - ۱،۲،۷

۱ - < اللّه > ، همان یگانه معبود بی همتا است .

هو اللّه الذی لا إله إلاّ هو

۲ - جز < اللّه > ، هیچ کس و هیچ چیز شایسته پرستش نیست .

هو اللّه الذی لا إله إلاّ هو

۷ - هر موجودی جز خدای یگانه ، فاقد علم و رحمت گسترده و شایستگی برای پرستش

هو اللّه الذی لا إله إلاّ هو علم الغیب و الشهده هو الرحمن الرحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۳ - ۱،۲،۱۸

۱ - یگانه معبود هستی ، فرمانروای مطلق نظام وجود است .

هو اللّه الذی . .. الملک القدّوس

۲ - یگانه مدبّر و فرمانروای جهان هستی ، شایسته مقام خداوندی و پرستش است .

هو اللّه الذی لا إله إلاّ هو الملک

وصف <الملك> برای جمله قبل، اشعار به علیت دارد.

۱۸ – فرمانروای مقتدر و شکست ناپذیر هستی ، منزّه از هر گونه شریک

سبحن اللّه عمّا یشرکون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۲۴

۴ – خدای یگانه ، صورت بخش و شکل دهنده به مظاهر وجود و نظام هستی

هو اللّه . .. المصوّر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ممتحنه – ۶۰ – ۴ – ۷،۳۰

۷ – عبادت و پرستش ، تنها شایسته خداوند یگانه

إأنّا برءؤا. .. و ممّا تعبدون من دون اللّه

۳۰ – حرکت همه مظاهر هستی ، به سوی خدای یگانه

و إلیک المصیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۱ – ۶

۶ – فرمان روایی عالم ، تنها در انحصار خداوند است .

له الملک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۳ – ۹،۱۰

۹ – بازگشت نهایی تمامی امور و همه چیز ها ، به سوی خداوند است .

و إلیه المصیر

۱۰ – جهان آفرینش ، در حال حرکت است و خدا منت ها الیه این حرکت می باشد .

و إلیه المصیر

<ال> در <المصیر> برای جنس است؛ یعنی، هر تحوّل و حرکتی در جهان هستی، تنها به سوی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۳ - ۱،۲

۱ - هیچ معبود حقیقی ، جز < اللّه > در عالم وجود ندارد .

اللّه لا إله إلاّ هو

۲ - معبودی جز < اللّه > شایستگی عبادت ندارد .

اللّه لا إله إلاّ هو

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که نفی در <لا إله إلاّ هو> نفی شایستگی باشد، نه نفی وجود; زیرا در عالم معبودهای ادعایی بسیاری وجود دارد، ولی آنها شایستگی معبودیت را ندارند.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱ - ۳،۴

۳ - فرمانروایی جهان ، تنها در دست خداوند است .

الذی بیده الملک

تقدیم مسند (بیده) بر مسندالیه (الملک)، افاده اختصاص می کند.

۴ - افاضه خیر ها و برکت ها از سوی خداوند ، برخاسته از فرمانروایی انحصاری او بر جهان است .

تبرک الذی بیده الملک

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <الذی بیده الملک> می تواند در مقام توضیح و تبیین <تبارک> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲ - ۱۳

۱۳ - آگاهی بشر از فلسفه و هدف زندگی خویش ، امری مهم و برخوردار از جایگاهی ویژه در جهان بینی الهی اسلامی

لیبلوکم أیّکم أحسن عملاً

یادکرد فلسفه و هدف خلقت انسان در آغاز سوره و قرار گرفتن آن در سلسله مباحث مربوط به خدا و جهان، بیانگر اهمیت و جایگاه ویژه این موضوع در میان موضوعات قرآنی و دینی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۱ - ۲

۲ - منابع رزق و روزی انسان ها ، تنها به دست خداوند است .

أمّن هذا الذی یرزقکم إن أمسک رزقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۹ - ۳

۳ – هیچ معبود حقیقی در جهان هستی جز < الّله > وجود ندارد و جز او کسی شایسته پرستش نیست .

لا إله إلّا هو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۶ – ۶

۶ – منزّه دانستن خداوند

از هر عیب و نقصی و اعتراف به این حقیقت ، امری مهم در سلسله معارف الهی

و سبّحه لیلاً طویلاً

توصیه خداوند به پیامبر(ص)، مبنی بر تسبیح او در بیشتر اوقات شب به عنوان برنامه ای دائمی بیانگر حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۳ - ۱

۱ - سودمندی آسمان ، شب ، روز ، زمین ، آب ، گیاه و کوه ها برای انسان و دام ، هدف خداوند از آفرینش و سامان بخشی آنها است .

متعًا لکم و لأنعمکم

<متاعاً> مفعول له است. این کلمه گرچه اسم است برای هر چیزی که سودمند باشد (لسان العرب)؛ ولی در این آیه جایگزین مصدر شده است؛ یعنی، <تمتیعاً لکم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۶ - ۴

۴ - ملاقات خداوند و حضور در پیشگاه او ، فرجام محتوم هر انسان و با هر نوع کردار است .

یأیّها الإنسن إنّک کادح . .. فملقیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۹ - ۱

۱ - حاکمیت و مالکیت بر آسمان ها و زمین ، مخصوص خداوند است .

له ملك السموت و الأرض

<مُلك> اسم مصدر و به معنای بر عهده داشتن سلطنت است (مصباح). هر جا کلمه <مُلك> به کار رود، مستلزم <مِلك> (مالکیت) نیز خواهد بود. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۱ – ۱۲،۱۳

۱۲ – خداوند ، خالق تمامی مخلوقات است .

الذی خلق

ذکر نشدن مفعولی خاص برای

فعل <خلق>، افاده عموم می کند و در این صورت آیه بعد، ذکر خاص بعد از عام خواهد بود. در این موارد می توان گفت: <خلق> گرچه متعدی است; ولی به جهت نظر نداشتن به مفعولی خاص، به منزله فعل لازم دانسته شده است. و ممکن است گفته شود: مفعول مقدّر آن، لفظی است که همه موجودات را شامل می شود. برخی گفته اند: به قرینه آیه بعد، مفعول محذوف این فعل نیز <الإنسان> است که در این صورت، آیه شریفه تنها به آفرینش انسان نظر خواهد داشت.

۱۳ - ربوبیت (مالکیت و تدبیر امور) ، ویژه خالق موجودات است .

ربّک الذی خلق

توصیف خداوند به <الذی خلق> پس از بیان ربوبیت او بیانگر این نکته است که خالقیت او، دلیل بر ربوبیت او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۲ - ۱

۱ - خداوند ، خالق انسان ها است .

خلق الإنسن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۸ - ۱،۵

۱ - بازگشت هر موجودی به خداوند است .

إنّ إلی ربّک الرجعی

۵ - بازگشت انسان ها به خداوند و به کیفر رسیدن طغیان گران ، جلوه های ربوبیت خداوند و در راستای تدبیر امور انسان ها است .

ربّک

ضمیر خطاب در <ربک>، ممکن است خطاب به هر کس باشد که سخن را می شنود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۱ - ۵،۸،۱۱،۱۲،۱۳

۵ – وحدانیت خداوند ، حقیقتی ثابت و واقعیتی انکارناپذیر است .

هو اللّه أحد

ترکیبی که بسیاری از

ادیان و مفسران برای آیه شریفه پذیرفته اند، این است که: <هو> ضمیر شأن و جمله <اللّه أحد> مفسر آن باشد که در حقیقت مرجع ضمیر خواهد بود. آوردن ضمیر شأن، بیانگر عظمت مطلب و تثبیت آن است; یعنی، حقیقت و واقعیت این است که خداوند یکتا است.

۸ - خداوند ، تنها معبود شایسته عبادت است .

اللّه أحد

برخی از اهل لغت اصل کلمه <اللّه> را <إله> می دانند. فعل <اَلَهَ>; یعنی، عبادت کرد، در این صورت <إله>، به معنای معبود خواهد بود (مفردات راغب). کلمه <اللّه> با آن که علم است، می تواند ناظر به معنای لغوی <إله> نیز باشد. در این صورت مراد از <وحدت معبود>، این است که سایر معبودها، دروغین و پنداری اند و شایسته عبادت نیستند.

۱۱ - خداوند ، با چیزی ترکیب نمی شود .

أحد

برگزیدن تعبیر <أحد> بر <واحد>،به این دلیل است که <واحد>، در شمارش قرار می گیرد و ممکن است چیزی به آن ضمیمه شود; ولی <أحد> چنین نیست. (مجمع البیان)

۱۲ - خداوند ، بسیط است و اجزا ، اعضا ، جنس و فصل ندارد .

أحد

برخی از اهل لغت گفته اند: احدیت خداوند، به این معنا است که او قابل تجزیه نیست. (تاج العروس)

۱۳ - تعدد درباره خداوند ، امکان پذیر نیست .

أحد

در فرق <أحد> و <واحد> گفته شده است که می توان برای <واحد> دومی قرار داد; ولی <أحد> چنین نیست; زیرا <أحد> تمام جنس خود را فرامی گیرد. (مجمع البیان)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۲ - ۹

۹ - خداوند ، از چیزی پدید نیامده و بی فرزند

و بی همتا است .

اللّه الصمد

دو آیه بعد (لم یلد و لم یولد . و لم یکن له کفواً أحد)، به دلیل قرار نگرفتن حرف عطف بین آنها و این آیه، می تواند مفسر کلمه <صمد> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۳ - ۳،۴

۳ - تجزیه شدن ذات خداوند و جدا شدن چیزی از او ، ممکن نیست .

لم یلد

تعبیر ولادت در این آیه، شامل صادر شدن از مبدأ دیگر و انفصال جزء از کلّ نیز می باشد.

۴ - خداوند ، از چیزی به وجود نیامده است .

و لم یولد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۴ - ۱

۱ - خداوند ، بی همتا است .

و لم یکن له کفوًا أحد

<کفو> و <کفؤ> به یک معنا است (قاموس). کفؤ; یعنی، نظیر و مساوی. (نهایه ابن اثیر)

جهان بینی ثنویت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۸ - ۹

۹ دو مبدأ برای جهان هستی و حوادث آن پنداشتن (ثنویت) ، اندیشه ای مردود و واهی

قل کلّ من عند اللّه

جهان بینی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۱۲

۱۲ تضادّ و دوگانگی بینش اهل ایمان و کفرپیشگان ، در تفسیر عوامل حیات و مرگ

و قالوا . .. ما ماتوا و ما قتلوا ... و اللّه یحیی و یمیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۱۲

۱۲

برخی مشرکان و کافران عنود، با نقش مشیت الهی در تأثیر اسباب آشنا بودند.

ما کانوا لیؤمنوا إلا أن یشاء الله و لکن أکثرهم یجهلون

جهان بینی مشرکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۱۱ – ۱۲

۱۲ برخی مشرکان و کافران عنود، با نقش مشیت الهی در تأثیر اسباب آشنا بودند.

ما کانوا لیؤمنوا إلا أن یشاء الله و لکن أکثرهم یجهلون

جهان بینی منافقان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹ – ۴

۴ – منافقان علم گسترده و همه جانبه خدا و آگاهی او را به اسرار و نهان انسان ها ، باور نداشته و بدان معتقد نیستند .

یخدعون اللّه

از اینکه منافقان با نفاق خویش در صدد نیرنگ زدن به خدا برآمده اند، معلوم می شود که آنان می پنداشتند، اگر امری را مخفی کنند، خداوند از آن آگاه نمی شود.

جهان بینی مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۵۶ – ۵

۵ – جهان بینی مؤمنان صابر (از خدا بودن و به سوی او بازگشتن) دلیل صبر و استقامت آنان در برابر دشواری های راه ایمان

الذین إذا أصبتهم مصیبه قالوا إنا للّه و إنا إلیه رجعون

<الذین . .. قالوا ...> علاوه بر بیان اوصاف و ویژگی صابران، حکایتگر دلیل و علت صبر آنان نیز هست.

جهان بینی و ایدئولوژی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – حمد – ۱ – ۵ – ۱۱، ۱۰، ۹، ۷، ۴، ۳

۳ – باور به ربوبیت خدا ، رحمت آفرینی و مالکیتش بر

روز جزا ، وادار کننده آدمی به پرستش او

رب العلمین. الرحمن الرحیم. ملک یوم الدین. إیاک نعبد

۴ – شناخت خدا و صفات او ، راه دستیابی به توحید عبادی است .

الحمد للّه رب العلمین . .. إیاک نعبد

۷ – ایمان به خدا و صفات او ، مایه باور به حضور همگان در پیشگاه اوست .

الحمد للّه رب العلمین . .. إیاک نعبد

تغییر اسلوب کلام در سوره حمد، یعنی التفات از غیبت به خطاب حاوی نکاتی است، از جمله اینکه آدمی پیش از آگاه شدن به صفات خدا مانند ربوبیت او بر هستی و . .. گویا احساس نمی کند که خداوند بر همه چیز حاضر و ناظر است; ولی پس از باور به ربوبیت او و سایر صفاتش، خود و دیگران را در محضر خدا می یابد و او را در همه شؤونات حاضر می بیند.

۹ – شایسته دانستن خدا برای عبادت و امید به رحمت های او ، از انگیزه های پرستش خداست .

الحمد للّه رب العلمین. الرحمن الرحیم ... إیاک نعبد

مطرح ساختن عبادت خدا پس از توصیف او به ربوبیت، رحمانیت، رحیمیت و مالکیت روز جزا، بیانگر انگیزه های پرستش است; یعنی، چون خدا رب است، شایسته پرستش است و چون مردم به رحمت او نیازمندند، باید عبادتش کنند وبدان جهت که از عذاب آخرت می هراسند، باید او را بپرستند.

۱۰ – ترس از عذاب های اخروی و امید به پاداش های جهان آخرت ، از انگیزه های آدمی برای عبادت خدا

ملک یوم الدین. اءیّاک نعبد

۱۱ – شناخت خدا و صفات او ، مایه نادیده انگاشتن خویش در پیشگاه خداوند است

.

الحمد للّه . .. إياك نعبد و إياك نستعين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۳ - ۶

۶ باور به خدادادى بودن امكانات و دارايى ها ، زمينه ساز پيدايش روحيه انفاق گرى در انسان

و مما رزقنهم ينفقون

از هدفهاى يادآورى اين حقيقت (خدادادى بودن داراييها)، در بيان لزوم انفاق، تسهيل امر انفاق و ايجاد روحيه انفاق گرى در انسانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۲۱ - ۶،۷

۶ - باور به خالقيت و ربوبيت خدا ، عامل گرايش انسان به بندگى اوست .

اعبدوا ربكم الذى خلقكم

۷ - جهان بينى انسان ، پايه و اساس اعمال و رفتارش است .

اعبدوا ربكم الذى خلقكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۲۲ - ۱۳

۱۳ توجه و باور به خدادادى بودن نعمت ها ، بر انگيزنده انسان ها به پرستش خداوند است .

اعبدوا ربكم الذى . .. أنزل من السماء ماء فأخرج به من الثمرت

از اينكه خداوند براى ايجاد روحيه پرستش در بندگان، آنان را متوجه نعمتهاى الهى مى كند، برداشت فوق بدست مى آيد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۳۷ - ۱۰

۱۰ - باور به توبه پذیری و رحیمیت خدا ، ترغیب کننده شخص گنهکار به توبه و طلب آمرزش از اوست .

فتاب علیه إنه هو التواب الرحیم

هدف از تأکید بر توبه پذیری خداوند - که از حرف تأکید <انّ> و ضمیر فصل <هو> و به کارگیری صیغه مبالغه <تواب> به دست می

آید – ترغیب گنهکاران به توبه و طلب آمرزش از خداوند است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۴۶ – ۴،۵

۴ – اقامه نماز برای باورداران به لقای خدا و بازگشت به او ، امری سهل و آسان است .

و إنها لکبیره إلا علی الخشعین. الذین یظنون أنهم ملقوا ربهم

۵ – گمان به لقای خدا و بازگشت به او ، در ایجاد روحیه خشوع و فروتنی کافی است .

الذین یظنون أنهم ملقوا ربهم و أنهم إلیه رجعون

به کارگیری <یظنون> (گمان دارند) در مسأله رجوع به خداوند – که هر مسلمانی باید اعتقاد جزمی به آن داشته باشد – اشاره به این دارد که: حتی گمان به قیامت و رجوع به خداوند نیز در زایل ساختن خود بزرگ بینی تأثیر بسزایی داشته و مایه فروتنی خواهد شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۷ – ۶

۶ – باور به علم مطلق الهی و آگاهی او به نهان و آشکار انسان ، بازدارنده وی از خطا ها و لغزشها

أو لایعلمون أن اللّه یعلم ما یسرون و ما یعلنون

جمله <أتحدثونهم . .. لیحاجوکم> در آیه قبل، رسای به این است که: پندار باطل یهود (محدود بودن علم خدا)، آنان را به لغزشها و گناهان پنهانی، بی پروا می کند. بنابراین، هدف از بیان علم مطلق الهی در رد آن پندار، این است که: انسانها بر اثر باور و توجه به آگاهی همه جانبه خدا از خطاها – چه در خفا و چه آشکار – از لغزشها باز ایستند.

جلد – نام سوره –

سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۳۲

۳۲ - توجه و باور به آگاهی خدا بر اعمال ، بازدارنده آدمی از گناهان و شکستن پیمان های اوست .

و ما اللّه بغفل عما تعملون

هدف از بیان آگاهی و نظارت خدا بر رفتار بندگان، این است که: آنان توجه به نظارت خدا داشته باشند تا از کردار ناروا پرهیز کنند. بنابراین توجه به آگاهی و نظارت خداوند چنین اقتضایی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۶،۱۷،۲۱

۱۶ - تمرد و سرپیچی قوم موسی از فرمان های تورات و دستورات موسی ، برخاسته از شوق آنان به گوساله پرستی بود .

و عصینا و أشربوا فی قلوبهم العجل

جمله <و أشربوا . ..> حال معلله است; یعنی، بیان می دارد که علت عصیان و نافرمانی یهود، عشقشان به گوساله پرستی بوده است.

۱۷ - اشتیاق قوم موسی به گوساله پرستی ، تعیین کننده موضعگیری های آنان در برابر فرمان های الهی بود .

و عصینا و أشربوا فی قلوبهم العجل

۲۱ - اعمال و رفتار انسان ها ، بیانگر افکار و عقاید آنان است .

بئسما یأمرکم به إیمنکم إن کنتم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۴ - ۱۵

۱۵ - کردار آدمیان و خواسته های آنان ، بیانگر اعتقاد و اندیشه آنان است .

فتمنوا الموت إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۰ - ۱۵

۱۵ - باور و توجه آدمی به نظارت خداوند بر اعمال نیک ، زمینه ساز

آن اعمال است .

إن اللّه بما تعملون بصير

ایجاد زمینه برای انجام کارهای نیک، از اهداف بیان نظارت خداوند بر اعمال انسانهاست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۳۱ – ۸

۸ – باور به ربوبیت خدا بر جهان آفرینش ، وادار کننده آدمی به تسلیم و اطاعت خدا

أسلمت لرب العلمين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۷ – ۸

۸ – شناخت خداوند و افعال او ، زداینده شک و تردید در احکام و ومعارف نازل شده از سوی اوست .

الحق من ربک فلاتکونن من الممترين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۸ – ۱۵

۱۵ – باور به قیامت و حضور انسان ها در آن ، زمینه ساز گرایش آدمی به انجام کار های نیک است .

فاستبقوا الخيرت أين ما تكونوا يأت بكم اللّه جميعاً

یادآوری قیامت پس از فرمان به انجام کارهای نیک، گویای این معناست که: انسان در صورت باور به قیامت و توجه به آن، در انجام کارهای خیر سستی نخواهد ورزید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۶۳ – ۵

۵ – باور به یگانگی خدا ونبود معبودی جز او ، بازدارنده آدمی از کتمان معارف الهی و حقایق کتاب های آسمانی است . *

إن الذين يكتمون ما أنزلنا . .. و إلهكم إله وحد لا إله إلا هو

برداشت فوق و نيز برداشتهای بعدی، بیانگر وجه ارتباط میان آیه مورد بحث و آیات پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۱ – ۸

۸ – باور و توجه به دانایی خداوند ، بازدارنده انسان از تغییر و تبدیل وصیت های میت

فمن بدله . .. إن اللّه سمیع علیم

هـدف از بیان علم و آگاهی خداوند پس از بیان حرمت تغییر وصـیت و گناه بودن آن، این است که: آدمی با توجه به آن، در اندیشه تغییر و تبدیل وصیت برنیاید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۶ – ۱۰

۱۰ – باور به نزدیک بودن خدا به بندگان و توان او بر اجابت درخواست ها ، گرایش دهنده آدمی به ایمان و اطاعت از اوست .

فإنی قرب أجیب دعوه الداع . .. فلیستجیبوا لی و لیؤمنوا بی

برداشت فوق از <فا>ی تفریع در <فلیستجیبوا> استفاده شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۲۳ – ۱۵

۱۵ توجه به حضور در دادگاه الهی و ملاقات وی ، زمینه ساز رعایت تقوا و حفظ حدود الهی

و اتّقوا اللّه و اعلموا انکم ملاقوه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۵۴ – ۱۰

۱۰ نحوه نگرش انسان به سرانجام جهان ، مؤثّر در جهت دادنِ وی به اعمال خویش

یا ایّها الّذین امنوا . .. من قبل ان یأتی یوم لا بیع فیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۰ - ۲۵

۲۵ توجّه به عزّت و حکمت الهی ، هموارکننده شناختِ چگونگیِ زنده شدن مردگان

و اعلم انّ اللّه عزیز حکیم

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲۸ – ۱

۱ با اعتقاد به قدرت مطلقه الهی ، مجالی برای پذیرش ولایت کافران از سوی مؤمنان نمی باشد .

قل اللّهم مالک الملک . .. لا یتّخذ المؤمنون الکافرین اولیاء

گویا آیه مورد بحث، نتیجه اعتقاد به مضمون آیه <قل اللّهم . .. > است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲۹ – ۵

۵ توجه به علم الهی نسبت به آشکار و نهان و قدرت مطلق او ، مانع سوء استفاده از تقیه

الاّ ان تتقوا منهم تقیه . .. قل ... و اللّه علی کل شیء قدیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۳۰ – ۱۲

۱۲ اعتقاد به حضور اعمال نیک و بد آدمی در قیامت ، عامل پرهیز از قهر خداوند

یوم تجد کلّ نفس . .. و یحذرکم اللّه نفسه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۷۵ – ۹،۱۱

۹ دیدگاه های متفاوت اهل کتاب درباره غیر همکیشان خود ، موجب حفظ امانت و یا خیانت در آن

و من اهل الکتاب . .. و منهم من ان تأمنه ... ذلک بانّهم قالوا لیس علینا فی الامّی

<ذلک>، اشاره به طایفه دوم است.

۱۱ پندار باطل برخی از اهل کتاب به جواز تصرّف در اموال دیگران و تضییع آنها ، عامل خیانتشان به حقوق غیر همکیشان خود

ذلك بانّهم قالوا ليس علينا فى الامّيّن سبيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل

عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۱۳،۱۶

۱۳ اعتقاد به مقدّر بودن مرگ ، از میان برنده هراس آدمی برای سفر و حضور در میدان نبرد (صحنه های دشوار زندگی)

قالوا . .. ما ماتوا و ما قتلوا ... و اللّه یحیی و یمیت

جمله <و اللّه یحیی و یمیت>، می تواند به منظور زدودن هراس از شرکت در پیکار ایراد شده باشد.

۱۶ توجّه به نظارت و بینایی خداوند به کردار آدمیان ، برانگیزنده آدمی به نبرد و پیکار در راه خدا (اعمال پسندیده)

انّ الّذین تولّوا منکم . .. و اللّه بما تعملون بصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۷ - ۱۱

۱۱ ایمان به مقدّر بودن مرگ و حیات ، و شناخت ارزش والای شهادت ، آسان کننده حرکت به سوی نبرد با دشمنان دین

و اللّه یحیی و یمیت . .. و لئن قتلتم فی سبیل الله او متّم لمغفره من اللّه و رحمه

خداوند با بیان دو نکته مؤمنان را به جهاد ترغیب می کند: ۱ مرگ و حیات به دست خداست و عوامل طبیعی تعیین کننده نیست. ۲ جان باختگان در راه خدا، آمرزیده و مشمول رحمت خاصّ خداوند هستند. بنابراین، مؤمنان با ایمان به این دو معنا، هرگز تردیدی برای شرکت در جهاد نخواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۸ - ۳

۳ ایمان به حشر و بقای آدمی پس از مرگ ، برانگیزنده وی برای حضور در میدان کارزار علیه دشمنان دین

و لئن مُتّم او

قُتلتم لالی اللّه تحشرون

خداوند با بیان این معنا که آدمی با مرگ و یا کشته شدن، چه در راه منافع دنیا و یا راه خدا، به سوی او محشور می شود، او را به جهاد ترغیب و انگیزه پیکار در راه خدا را در او تقویت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۶ - ۱۲

۱۲ شناخت سنن الهی و توجّه به تدبیر وی درباره مخالفان اسلام ، موجب رفع اندوه از عملکرد آنان

و لا یحزنک . .. یرید اللّه الّا یجعل لهم حظّا فی الاخره

جمله <یرید اللّه . .. >، دالّ بر سنّت الهی در محروم کردن کافران از بهره های اخروی است و خداوند با شناساندن این سنّت خویش، پیامبر (ص) را از غم و اندوه بازداشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۹ - ۲۳

۲۳ ایدئولوژی اسلام ، برخاسته از جهان بینی آن است .

اطیعوا اللّه و اطیعوا الرّسول . .. ان کنتم تؤمنون باللّه و الیوم الاخر

اطاعت از اوامر خداوند و رسول (ص)، که برنامه عملی اسلام است، مترتب بر ایمان به خدا و قیامت، که از عناصر جهان بینی اسلام است، شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۴ - ۶

۶ تخلف از جهاد ، نتیجه ارزیابی غلط از دنیا و آخرت

فلیقاتل فی سبیل اللّه الّذین یشرون الحیوه الدّنیا بالاخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۸ - ۲،۳

اندیشی و توجّه به قطعی بودن مرگ و اندک بودن متاع دنیا ، زمینه حضور در صحنه جهاد

فلمّا کتب علیهم القتال . .. قل متاع الدّنیا قلیل و الاخره خیر ... این ما تکونوا

۳ مرگ گریزی ، از موانع شرکت در جهاد

فلمّا کتب علیهم القتال . .. یخشون النّاس ... این ما تکونوا یدرککم الموت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۸۷ – ۱۰

۱۰ توجّه به الوهیت و کمال مطلق بودن خداوند ، موجب پذیرش خبر های او و اعتقاد به راستی آنها

و من اصدق من اللّه حدیثا

تکیه بر اسم جلاله <اللّه> با وجود اینکه می توانست با ضمیر از آن یاد شود، اشاره به این معناست که الوهیّت، ملازم حقانیّت تمامی اخبار اوست. یعنی چون <اللّه> است و کمال مطلق، اَخبار او با واقع مطابقت دایمی دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۳۰ – ۹

۹ اعتقاد به فضل و رحمت الهی ، زمینه ساز اقدام به طلاق ، برای رهایی از بن بست زندگی اصلاح ناپذیر

و إن یتفرقا یغن اللّه کلا من سعته

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۵۵ – ۱۷

۱۷ یهود ، مدعی جبر و قدرت بر ایمان *

و قولهم قلوبنا غلف بل طبع اللّه علیها بکفرهم

بدان احتمال که منظور یهود از <قلوبنا غلف> نسبت دادن حالت کفر خویش به عوامل غیر اختیاری باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۶۷ – ۵

۵ رفتار

های آدمی برخاسته از نگرش ها و باور های وی *

إنّ الذين كفروا و صدوا عن سبيل اللّه

برداشت فوق بر اين اساس است كه عطف <صدوا> بر <كفروا> از باب عطف سبب بر مسبب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۲۹

۲۹ توجه به نبود عظمت براى غير خدا ، مايه پروانكردن از مردم در اجراى احكام الهى

فلاتخشوا الناس و اخشون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۳ - ۱۱

۱۱ توجه به احاطه علمى خداوند، بازدارنده انسان از انحراف در اعمال و نيات

و يعلم سركم و جهركم و يعلم ما تكسبون

هدف از بيان آگاهى كامل خداوند بر سرّ و نهان آدمى و اعمال او، بازداشتن وى از خطا و لغزش است. لذا توجه به اين مطلب اثر بازدارنده از يكسو و برانگيزاننده از جهت ديگر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۲ - ۱۴

۱۴ توجه به نظارت الهى بر هستى عامل گرايش انسان به عبوديت براى خدا و پرهيز از شرك و نافرمانى

فاعبدوه و هو على كل شىء وكيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۳ - ۹

۹ نقش تعيين كننده اعتقاد به معاد و يا انكار آن در انتخاب چگونگى زندگى و تلقى آدمى از حيات خود

يوحى بعضهم إلى بعض . .. و لتصغى إليه أفئده الذين لايؤمنون بالأخره و ليرضوه و ليق

مجموعه اين چند آيه بيانگر خطوط اصلى اعتقادى و نقش آن است. يك

طرف پیامبر(ص) و طرف دیگر شیاطین و پیروان آنها قرار دارند. آنچه در این میان مرز گرایش به یکی از دو طرف دانسته شده، ایمان به آخرت و یا انکار آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۷ - ۴

۴ نقش جهانبینی در توجیه و تعیین زشتی و زیبایی عمل *

و کذلک زین لکثیر من المشرکین قتل أولدهم شرکاؤهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۲ - ۹،۱۰

۹ ایمان پیامبر(ص) به ربوبیت خدا بر تمام هستی، علت اخلاص کامل و همه جانبه او

إن صلاتی و نسکی . .. لله رب العلمین

توصیف <الله> به <رب العالمین> دلیل برداشت فوق است.

۱۰ باور به ربوبیت مطلق خداوند برانگیزنده انسان به اخلاص در عبادت و انجام همه امور برای او

إن صلاتی و نسکی . .. لله رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۵ - ۲

۲ شناخت ربوبیت الهی ، مستلزم روی آوری انسان به دعا به درگاه اوست .

إن ربکم اللّه الذی . .. ادعوا ربکم تضرعاً

بیان ضرورت دعا پس از بیان ربوبیت خداوند و تدبیر جهان هستی از سوی او می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۹ - ۱۰

۱۰ توحید عملی مبتنی بر توحید نظری است .

اعبدوا اللّه ما لکم من إله غیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۵ - ۱۲

۱۲

توحید عملی مبتنی بر توحید نظری است .

اعبدوا اللّه ما لکم من إله غیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۱۲

۱۲ توحید عملی مبتنی بر توحید نظری است .

اعبدوا اللّه ما لکم من إله غیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۱۲

۱۲ توحید عملی مبتنی بر توحید نظری است .

اعبدوا اللّه ما لکم من إله غیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۲۳

۲۳ توجه به ربوبیت خدا و علم همه جانبه او ، مستلزم توکل کردن بر وی و پایداری در برابر تهدید دشمنان

وسع ربنا کل شیء علماً علی اللّه توکلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۰ - ۳

۳ توجه و آگاهی به عظمت خداوند ، وادارکننده آدمی به پرستش او و اظهار عبودیت به درگاه وی

و ألقی السحره سجدین

مجهول آوردن فعل <ألقی> حکایت از آن دارد که ساحران با دیدن معجزه موسی(ع) پی به عظمت خداوند برده و بی اختیار به درگاه او به سجده افتادند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳ – ۳

۳ باور به خدادادی بودن امکانات ، هموار کننده انفاق و بخشیدن اموال در راه خدا

و مما رزقنهم ینفقون

هـدف از جمله <رزقنهم> علاوه بر بیان این حقیقت که داراییهای انسان عطای خداونـد است تسـهیل امر انفاق نیز می باشـد. یعنی داراییها را خداوند در اختیار

شما قرار داده است و بنابراین شایسته نیست از انفاق کردن آنها دریغ کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۴ - ۳،۶

۳ ایمان به خدا و اعتقاد به حیات اخروی ، زیر بنای اعتقادی جهاد با مال و جان

لایستئذنک الذین یؤمنون باللّه و الیوم الأخر

۶ توجه تقواپیشگان به آگاهی خداوند به احوالشان ، مایه دلگرمی آنان در جهاد

أن یجهدوا . .. و اللّه علیم بالمتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۱ - ۹،۱۰

۹ ایمان به خدا و سرپرستی او بر انسان ها ، مقتضی توکل بر او و روی بر تافتن از غیر اوست .

هو مولینا و علی اللّه فلیتوکل المؤمنون

۱۰ ایمان و اعتقاد به اینکه خوشی ها و ناخوشی ها ، و شکست ها و پیروزی ها بر اساس تقدیر خداست ، مقتضی توکل بر او و روی بر تافتن از دیگران

قل لن یصیبنا إلا ما کتب اللّه لنا . .. و علی اللّه فلیتوکل المؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۸ - ۳،۴

۳ غفلت و بی توجّهی منافقان به علم غیب و آگاهی گسترده خدا نسبت به اسرار و سخنان پنهانی ، عامل گرایش آنان به تخلف از وظایف خود در برابر خدا

بما أخلفوا اللّه ما وعدوه . .. ألم یعلموا أن اللّه یعلم ... و أن اللّه علّم الغی

۴ خداشناسی ناقص و غلط ، موجب عملکرد نادرست است .

أخلفوا اللّه ما وعدوه . .. ألم یعلموا أن اللّه یعلم

<ألم

يعلموا> می رساند که اگر منافقان به علم گسترده الهی آگاهی می داشتند، از وظایف خویش تخلف نمی کردند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۱ – ۱۶

۱۶ بی اعتقادی منافقان به قیامت و عدم درک آن نسبت به حوادث و حقایق آن ، مایه تخلف آنان از جهاد

لو کانوا یفقهون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۳ – ۱۰،۱۱

۱۰ سراسر گیتی در سیطره و اقتدار بی چون و چرای خداوند است .

الذی خلق السموت . .. ثم استوی علی العرش

<استواء> (مصدر استوی) به معنای استیلاست و <عرش> ; یعنی، تحت فرمانروایی. <استیلای خداوند بر تخت حکومت> کنایه از سیطره کامل و اقتدار مطلق او بر سراسر هستی است.

۱۱ تدبیر امور آسمان ها و زمین در دست خداوند است .

الذی خلق السموت و الأرض . .. یدبر الأمر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۴ – ۴،۵،۶

۴ خدا ، مبدأ پیدایش جهان آفرینش است .

إنه یبدؤا الخلق

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <الخلق> تمام پدیده های هستی باشد.

۵ خدا ، مبدأ پیدایش انسان است .

إنه یبدؤا الخلق

مصداق مورد نظر از <الخلق> به قرینه جمله <لیجزی الذین آمنوا . .. > انسان است.

۶ معاد (رستاخیز) سرنوشت حتمی تمامی انسانهاست .

إنه یبدؤا الخلق ثم یعیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴ - ۳

۳ باور و توجه انسان ها به اینکه < رجوعشان تنها

به سوی خداست > آنان را از پرستش غیر او ترسان و به یکتاپرستی وامی دارد .

فإنی أخاف علیکم عذاب یوم کبیر. إلی الله مرجعکم

جمله <إلی الله مرجعکم> به منزله تعلیلی است برای <و إن تولّوا فإنی أخاف . ..>; یعنی، علت نگرانی پیامبر برای مشرکان، این است که آنـان به خـدا بـاز می گردنـد و به خـاطر شـرکشان عـذاب می شونـد. بنابراین هر کس این حقیقت را بپـذیرد که بازگشت او تنها به خداست، هرگز به غیر او نمی گرود و به شرکْ روی نمی آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۲۱

۲۱ باور به انحصار خالقیت به خداوند ، وادار کننده انسان به پرسـتش او و پرهیز از شرک و دوری از گناه و استغفار از گناهان گذشته است .

هو أنشأکم من الأرض . .. فاستغفروه

برداشت فوق، از حرف <فاء> که جمله <استغفروه . ..> را بر <هو أنشأکم ...> تفریع کرده است به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۱۱

۱۱ ضرورت پرستش خداوند و باور به نبودن معبودی سزاوار پرستش جز او

اعبدوا الله ما لکم من إله غیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۷ - ۱۲

۱۲ باور و توجه به قدرت و حاکمیت مطلق خداوند ، موجب پذیرش ربوبیت او بر انسان و سایر هستی است .

إلّا ما شاء ربک إن ربک فعال لما یرید

برداشت فوق ، با توجه به کلمه <رب> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۲ - ۱۰،۱۷

۱۰ توجه به قضاوت و داوری خداوند در قیامت و باور به پاداش و مجازات در آن سرا ، آدمی را به استقامت در راه دین وامی دارد .

لقضی بینهم . .. إنّ کلاًّ لما لیوفینّهم أعملهم ... فاستقم کما أُمرت

۱۷ توجّه و باور به آگاهی و نظارت خداوند بر اعمال و رفتار انسانها ، موجب پایداری و استقامت در راه دین است .

فاستقم کما أُمرت و من تاب معک . .. إنه بما تعملون بصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۳ - ۱۴

۱۴ باور و توجه آدمی به آگاهی خداوند از کردارها ، زمینه ساز روی آوردن به پرستش او و سپردن امور خویش به اوست .

فاعبده و توکل علیه و ما ربک بغفل عما تعملون

از هدفهای یادآوری نظارت خدا بر اعمال انسانها ، پس از توصیه به عبادت و توکل ، ترغیب آنان به پرستش و توکل کردن بر اوست; یعنی ، آن گاه که آدمی به آگاهی خدا و عدم غفلت او باور کرد ، به توصیه های او روی می آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۱۷

۱۷ باور به حاکمیت انحصاری خدا بر هستی ، موجب توکل بر خدا و اتکا نکردن به غیر اوست .

إن الحکم إلاّ لله علیه توکلت و علیه فلیتوکل المتوکلون

تفریع <علیه فلیتوکل> به وسیله <فاء> بر <إن الحکم إلاّ لله> گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد

- ۱۳ - ۵ - ۸

۸ باور به ربوبیّت خدا بر انسان ها ، وادار کننده انسان به پذیرش قیامت و زنده شدن مردگان برای حضور در صحنه آخرت

أُولئك الذین كفروا بربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۰ - ۱۲،۱۵،۱۷

۱۲ باور و توجه به ربوبیت خدا وادار کننده آدمی به پرستش او

هو ربی لا إله إلّا هو

۱۵ باور به ربوبیّت خدا و یکتایی او ، گرایش دهنده آدمی به توحید در توکّل

هو ربی لا إله إلّا هو علیه توكلت

جمله <علیه توكلت> به منزله نتیجه ای است برای اعتقاد به ربوبیت خدا و یکتایی او که از <هو ربی> و <لا إله إلّا هو> استفاده می شود.

۱۷ اعتقاد به ربوبیت خدا و یکتایی او ، زمینه ساز باور آدمی به اینکه به سوی خدا در حرکت است و به او باز می گردد .

هو ربی . .. إلیه متاب

<إلیه متاب> نیز مانند <علیه توكلت> به منزله نتیجه ای است برای اعتقاد به ربوبیت خدا و یکتایی او.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۰

۱۰ منوط بودن هدایت مردم به مشیّت خدا ، از معارفی که اهل ایمان باید بدان باور داشته باشند .

أفلم یاْیئس الذین ءامنوا أن لو یشاء الله لهدی الناس جمیعًا

فعل <ییأس> متضمن معنای <یعلم> است و عبارت <أن لو یشاء الله . ..> مفعول برای آن فعل (یعلم) می باشد و متعلق <ییأس> محذوف است که به قرینه سیاق <من اهتدائهم> می باشد. بنابراین جمله <أفلم ییأس ...> چنین معنا می شود: پس آیا

اهل ایمان ندانسته اند که اگر خدا می خواست همه انسانها را هدایت می کرد، پس آیا مأیوس نشده اند از اینکه آن کفرپیشگان (آنان که با وجود قرآن ایمان نیاورده اند) هدایت شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۹ - ۳

۳- خداوند ، هر چه بخواهد ، وجود خواهد یافت .

ما شاء اللّه

<ما> در <ما شاء اللّه> موصول و مبتدا است و خبر آن <کائن> یا چیزی نظیر آن است. معنای جمله، چنین است: <آنچه را خدا خواسته است خواهد شد.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۳ - ۱۲

۱۲- انسان ها ، در قیامت دوباره زنده خواهند شد .

یوم أموت و یوم أُبعث حیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۵ - ۱

۱- خداوند ، پروردگار آسمان ها و زمین و موجودات میان آن دو است .

ربّ السموت والأرض و ما بینهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۷ - ۱

۱- خداوند ، آفریننده انسان و پدیدآورنده او در صحنه هستی

خلقنه من قبل و لم یک شیئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۳ - ۱

۱- تمامی موجودات شعورمند آسمان ها و زمین ، بندگان خدا و مملوک اویند .

أن یتّخذ ولدًا . إن کلّ من فی السموت ... ءاتی الرحمن عبدًا

<آتی> اسم فاعل است و زمان در آن ملحوظ نیست و مراد از <اتیان> معنای مجازی آن است. مقصود آیه این

است که موجودات هستی، دربرابر خداوند اظهار وجودی جز عبودیت ندارند; همگان مملوك اویند و از خود استقلالی ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۶ - ۴

۴- تأثیر اعتقاد به حاکمیت نهایی صالحان بر زمین ، در عبودیت و بندگی خدا

و لقد کتبنا فی الزبور . .. إنّ فی هذا لبلغًا لقوم عبدین

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <هذا> اشاره به مسأله حاکمیت صالحان داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۴ - ۲

۲ - ایمان به معاد و روز جزا ، از شاخصه های اندیشه اعتقادی ادیان آسمانی

و إنّ الذین لایؤمنون بالأخره عن الصرط لنکبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۲ - ۷

۷ - انسان ، موجودی جاودان در بینش ادیان الهی و پدیده ای فناپذیر در نگرش شرك پیشگان تاریخ

بل قالوا . .. قالوا أءذا متنا ... أءنّا لمبعوثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۱ - ۱۷

۱۷ - توجه و اعتقاد انسان ها به آگاهی همه جانبه خداوند از اعمال و رفتار تمامی موجودات ، بر انگیزنده آنان به اطاعت و فرمانبری از او

ألم تر أنّ اللّه یسبّح له من فی السموت . .. و اللّه علیم بما یفعلون

یادآوری علم همه جانبه خداوند برای انسان ها در پایان آیه شریفه، می تواند حاکی از برداشت یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۱۷ – ۶

۶

اسلام و عقیده به توحید ، تنها راه صحیح و عقیده درست برای ره پویان طریق حق و حقیقت

ءأنتم أضللتم عبادی هولاء أم هم ضلّوا السبیل

برداشت فوق از اطلاق واژه <السبیل> (راه) بر راه حق و درستی که مشرکان از آن دور شده و آن را گم کرده اند به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۴ - ۶

۶ اعتقاد به ربوبیت خداوند ، مقتضی شب زنده داری و عبادت و نماز برای او است .

و الذین یبیتون لربّهم سجّدًا و قیمًا

آمدن قید <لربّهم> و یاد ربوبیت خدا، به جای دیگر اوصاف او همچون رحمان، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۵ - ۲

۲ - خدای پدیدآورنده موجودات آسمان و زمین از کتم عدم ، شایسته پرستش است ، نه مخلوقات و مظاهر طبیعت .

یسجدون للشمس . ..ألّایسجدوا للّه الذی یخرج الخبء فی السموت و الأرض

<ال> در <الخبء> برای جنس و مفید استغراق است <خَبْء> به معنای مستور (مصدر به معنای مفعول) می باشد. بنابراین <یخرج الخبء>; یعنی، <یخرج جمیع الأشیاء المستوره تحت استار العدم منها إلی الوجود>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۵ - ۵

۵ - عقیده به یک تایی خدا در خالقیّت ، مستلزم منحصر دانستن تمامی ستایش ها به او است .

و لئن سألتهم من خلق . .. لیقولنّ اللّه قل الحمد للّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس -

۶ - ۴۷ - ۳۶

۶ - توجّه و اعتقاد به خدادادی بودن اموال و دارایی ها ، برانگیزاننده انسان به انفاق و دوری از بخل است .

و إذا قیل لهم أنفقوا ممّا رزقکم اللّه

برداشت یاد شده براساس این نکته است که آیه شریفه، درصدد ترغیب و تشویق به انفاق است. گفتنی است که تصریح به منشأ خدایی داشتنِ اموالِ انسان، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۶ - ۴

۴ - وجود حیات برزخی (زندگی میان دنیا و قیامت) برای انسان ها

النار یعرضون علیها غدوًّا و عشیًّا

جهان بینی هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۵ - ۱

۱ هود (ع) ، به مشرکان قومش اعلام کرد که تنها خداوند را مؤثر در جهان دانسته و تنها او را شایسته عبادت می داند .

أنی بریءٌ مما تشرکون. من دونه

ضمیر در <دونه> به <الله> در آیه قبل برمی گردد.

زمینه جهان بینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۶ - ۴

۴- مال و ثروت و سطح معیشت انسان ، از زمینه های شکل گیری اخلاق و جهان بینی او است .

أنا أکثر منک مالاً . .. و هو ظالم لنفسه قال ما أظنّ أن تبید هذه أبدًا . و ما أظن

از مرد ثروت منـد، دو گونه برخورد در آیات نقل گردیـده است: ۱ در مسائـل اخلاـقی، به تفاخر (أنا أكثر منك مالاً) پرداخته است. ۲ در مسائل اعتقادی درباره قیامت اظهار تردید

کرده است. بیان ورود مرد ثروت مند به باغ خویش و غرور و سرمستی او از دیدن آن همه نعمت، گویای نقش تموّل در پدیدار شدن آن عقاید و برخوردها است.

زمینه جهان بینی توحیدی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۳ – ۶

۶ – روحیه حق طلبی ، زمینه پیدایش جهان بینی الهی در انسان

لأیت للمؤمنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۵ – ۱۰

۱۰ – خردورزی ، زمینه دستیابی انسان به جهان بینی الهی و فهم و شناخت نشانه های خداوند در پهنه گیتی

ءایت لقوم یعقلون

ضعف جهان بینی مسیحیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۷ – ۲۰

۲۰ ادعای الوهیت برای مسیح (ع) ، نشانه ضعف شناخت مسیحیان از خدا و قدرت مطلق اوست .

الذین قالوا . .. و للّه ملک السموت

علم در جهان بینی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۴۲ – ۷

۷ – لزوم مبتنی بودن جهان بینی و اعتقادات دینی انسان ، بر علم و شناخت اطمینان بخش

تدعوننی لأکفر باللّه و أشرک به ما لیس لی به علم

عوامل جهان بینی غلط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۵ - ۶

۶ روی آوردن رفاه و آسایش بر کافران مبتلاـ به سختی ها و محنت ها ، در پی دارنده تحلیلهایی نادرست درباره پیدایش شداید و اسباب رفاه و آسایش

ثم بدلنا . .. حتی عفوا

و قالوا قد مس ءاباءنا الضراء و السراء

عوامل مؤثر در جهان بینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۰ - ۳

۳- مطالعه تاریخ و فرجام ملت ها ، دارای نقش در جهان بینی و گرایش به ایمان

أفلم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین من قبلهم

واژه <ینظروا> به معنای نگریستن برای بینش یافتن است; بینشی کلی در رابطه با هستی که جهان بینی انسان را تشکیل می دهد.

ملاک جهان بینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۲ - ۷

۷ - لزوم مبتنی بودن جهان بینی و اعتقادات دینی انسان ، بر علم و شناخت اطمینان بخش

تدعوننی لأکفر باللّه و أشرک به ما لیس لی به علم

منابع جهان بینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۰ - ۲۲

۲۲ - آگاهی عقلانی و وحی و کتاب آسمانی ، سه منبع معتبر در جهان بینی است .

یجدل فی اللّه بغیر علم و لا هدًی و لا کتب منیر

ذکر <علم> در کنار <هدًی> و. .. می تواند به آن دسته از آگاهی هایی اشاره داشته باشد که از طریق عقل به دست می آیند.

منشأ جهان بینی غلط

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۳۹ – ۵

۵- جهان بینی غلط و نگرش جاهلانه به هستی ، ریشه عملکرد نادرست و مجرمانه انسان در صحنه حیات

إنّهم کانوا مجرمین . .. و لکنّ أکثرهم لایعلمون

از ارتباط این آیه با عبارت <إنّهم کانوا مجرمین>، استفاده می

شود که ناآگاهی نسبت به حقانیت آفرینش، عامل گرایش امت های نابود شده به جرم پیشگی بوده است.

نقش جهان بینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۱ - ۷

۷ - جهان بینی انسان ، پایه و اساس اعمال و رفتارش است .

اعبدوا ربکم الذی خلقکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۱۰ - ۱۵

۱۵ - نحوه نگرش انسان به سرانجام خویش و جهان ، مؤثّر در جهت دادن وی به اَعمال خویش

و أنفقوا . .. فیقول ربّ لولا أخّرتنی

جهل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جهل

{جهل}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۷ - ۱۷

۱۷ ناآگاهی عالمان اهل کتاب (دین فروشان) از ارزش والای دین و تعهّد به پیمان های الهی

فنبذوه . .. و اشتروا به ثمناً قلیلا

آثار جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۲ - ۲۲

۲۲ پندار وجود همانند برای خدا ، برخاسته از جهل و نادانی است .

فلا تجعلوا للّه أنداداً و أنتم تعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۳۰ – ۲۱

۲۱ همه موجودات هستی دارای رمز و رازند و اعتراض به وجود هر یک از آنها نشانه جهل به حکمت وجودی آنهاست .

أتجعل فیها من یفسد . .. قال إنی أعلم ما لاتعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۷ – ۲۱،۲۲،۲۳،۲۴

۲۱ – لزوم استعاذه به خدا و

یاری جستن از او برای دور ماندن از کردار های جاهلانه و لغزش های برخاسته از جهل

قال أعوذ باللّه أن أکون من الجهلین

۲۲ - جهل و نادانی خطر آفرین و منشأی برای لغزشهاست .

أعوذ باللّه أن أکون من الجهلین

پناه بردن، که معنای عیاذ (مصدر أعوذ) است، به هنگامی است که آدمی از شر چیزی در هراس باشد.

۲۳ - استهزای مردم و به مسخره گرفتن ایشان ، برخاسته از جهل و نادانی است .

أتتخذنا هزواً قال أعوذ باللّه أن أکون من الجهلین

۲۴ - جهل و نادانی منشأ و دلیلی برای نسبت دادن حکم و امری دروغین به خداست .

أتتخذنا هزواً قال أعوذ باللّه أن أکون من الجهلین

موسی (ع) در پاسخ اتهام قومش، مبنی بر اینکه دستور ذبح گاو دستور خود اوست و او آن را به خدا نسبت می دهد، بیان داشت که: وی از امور جاهلانه به دور است; یعنی، چنین امری مقتضای جهل می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۳ - ۹

۹ - جهل انسان ها به ارزش برتر پاداش های الهی ، آنان را به منافع دنیوی دلبسته کرده و از ایمان و تقوا باز داشته است .

و لو أنهم ءامنوا و اتقوا . .. لو کانوا یعلمون

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <لو> در جمله فوق شرطیه باشد. بر این اساس احتمالاتی قابل تصور است و از آنهاست اینکه مفعول <یعلمون> برتری پاداش الهی گرفته شود و جواب شرط از جمله <و لو أنهم ءامنوا> استفاده گردد; یعنی: <لو کانوا یعلمون ان ثواب اللّه خیر لأمنوا و اتقوا; اگر می

دانستند که پاداش الهی از منافع دنیوی برتر است، همانا ایمان می آوردند و تقوا پیشه می شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۲

۱۲ - بی پایه و اساس خواندن ادیان الهی ، سخنی برخاسته از جهل است .

کذلک قال الذین لایعلمون مثل قولهم

توصیف مشرکان به بی دانشی، پس از بیان ادعای آنان (بی اساس بودن دین یهود و نصارا) اشاره به این حقیقت دارد که: بی پایه شمردن ادیان الهی، ریشه در جهل و نادانی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۴،۵،۷،۱۹

۴ - شرک برخاسته از جهل و مشرکان مردمی نادانند .

و قال الذین لایعلمون

مراد از <الذین لایعلمون>، مشرکان است. توصیف مشرکان به نادانان، اشاره به دو حقیقت دارد: اول اینکه ریشه شرک، جهل است و دوم اینکه، پیشنهاد آنان مبنی بر سخن گفتن با خدا با آنها و یا آمدن معجزه، نشانه نادانی ایشان است.

۵ - انتظار سخن گفتن خدا با مردم ، انتظاری برخاسته از جهل است .

و قال الذین لایعلمون لولا یکلمنا

۷ - جهل ، منشأ توقعات نا به جا و نامعقول

و قال الذین لایعلمون لولا یکلمنا اللّه

۱۹ - مشرکان بر اثر جهل و لجاجت ، آیات قرآن را نشانه ای بر حقانیت پیامبر نمی شمردند .

قال الذین لایعلمون لولا . .. تأتینا ءایه ... قد بیّنّا الأیت لقوم یوقنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۵ - ۲۲

۲۲ – نشناختن قدرت خدا و پندار قدرت برای غیر او ، از

عوامل شرک است .

و من الناس من يتخذ من دون اللّه أنداداً . .. أن القوه للّه جميعاً

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲ – بقره – ۲ – ۲۱۶ – ۱۶

۱۶ ناخشنودی انسان از احکام الهی ، برخاسته از جهل اوست .

کتب عليکم القتال و هو کره لکم و عسی ان تکرهوا . .. و انتم لا تعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲ – بقره – ۲ – ۲۴۷ – ۱۹،۲۰

۱۹ بينش محدود بنی اسرائيل نسبت به ملاک های حقيقی گزينش ، منشأ اعتراض آنان به برگزيدن طالوت

قالوا انی يکون له الملک علينا . .. و اللّه واسع عليم

جمله <و اللّه واسع عليم> تعريضی به بنی اسرائيل است که بينش شما محدود و در نتيجه مُعترض به گزينش طالوت شده ايد.

۲۰ بينش محدود آدمی ، منشأ اعتراض وی به افعال الهی

قالوا انی . .. و اللّه واسع عليم

جمله <و اللّه واسع عليم> تعريضی به مُعترضين است که شما بينشی محدود داريد و لذا اعتراض به گزينش طالوت (افعال الهی) می کنيد.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۳۵ – ۱۱

۱۱ جهل آدمی ، عذری بر گناهان او در پيشگاه خداوند

لم يصروا علی ما فعلوا و هم يعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۸۰ – ۹

۹ بخلورزی آدمی ، معلول شناخت نادرست وی از خیر و شرّ خویش

و لا یحسبنّ الّذین یبخلون . .. هو خیراً لهم بل هو شرّ لهم

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۳ - ۶

۶ ایمان نیاوردن به ربوبیّت خداوند ، پس از شنیدن ندای قرآن و دعوت پیامبر به آن ، نشانه بی خردی است .

ربّنا انّنا سمعنا . .. فامنّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۱ - ۲۸

۲۸ ناآگاهی از میزان سودمندی وارثان برای دنیا و آخرت آدمی ، دلیل ناتوانی وی برای تعیین صحیح سهام ارث

اباءُوکم و ابناؤکم لاتدرون ایّهم اقرب لکم نفعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۷ - ۳

۳ جهل ، منشأ ارتکاب گناه

یعملون السّوء بجهاله

در برداشت فوق کلمه <بجهاله> قید توضیحی گرفته شده است ; یعنی هر <سوء> و گناهی ناشی از نوعی جهل و نادانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۴ - ۴

۴ اطلاع ناقص از تعالیم الهی ، زمینه گمراهی

الم تر الی الذین اوتوا نصیباً من الکتب یشترون الضلاله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۷ - ۹

۹ جهل ، عامل اختلاف

و إنّ الذين اختلفوا فيه لفى شك منه ما لهم به من علم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۴ – نساء – ۴ – ۱۶۲ – ۸،۹

۸ خواسته هاى نابجا ، اعمال ناروا و رذايل اخلاقى يهود ، نشأت گرفته از جهل آنان و ناباورى ايشان نسبت به تعاليم دين

يسئلك أهل الكتب . .. لكن الرسخون فى العلم منهم و المؤمنون

توصيف

صالحـان یهود بـا عنوان عالمان ژرفنگر و مؤمنان واقعی، بیانگر این حقیقت است که جهل و ناباوری به تعالیم انبیا مایه گرایش عامه یهود به اعمال ناروا و رذایل اخلاقی بوده است.

۹ جهل ، سطحی نگری و روحیه ناباوری در اکثریت یهود ، مایه کفر آنان به قرآن و دیگر کتب آسمانی

لکن الرسخون فی العلم منهم و المؤمنون یؤمنون بما أنزل إلیک و ما أنزل من قبلک

در برداشت فوق کلمه <لکن> استدراک از جمله <فلایؤمنون الا قلیلا> (۱۵۵) گرفته شده است، یعنی اکثر یهودیان ایمان نمی آورند و لکن عالمـان ژرفنگر ایشـان و آنـانکه اهـل بـاور به حقیقت هستند به قرآن ایمـان خواهنـد آورد. بنـابراین جمله <لکن ...> می رساند که جهل و روحیه ناباوری در اکثریت یهود مانع ایمان آوردن آنان به قرآن شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۴،۱۷

۴ امتناع از پذیرش احکام الهی ، برخاسته از جهل و نادانی است .

فان تولوا . .. افحکم الجهلیه یبغون

۱۷ ناباوری به منزلت برتر احکام الهی بر سایر قوانین ، برخاسته از کوتاه فکری و ناتوانی اندیشه

و من احسن من اللّه حکماً لقوم یوقنون

ایقان، به معنای فهمیدن از روی تدبر و تحقیق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۹

۹ نابخردی ، ریشه تمسخر احکام و شعایر دین اسلام

اتخذوا دینکم هزواً . .. ذلک بانهم قوم لایعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۳ - ۹

۹ برخی از معتقدان به

تثلیث به خاطر ناآگاهی از شرک آمیز بودن آن ، نه کافرند و نه مشرک .

لیمسن الذین کفروا منهم عذاب الیم

ظاهراً ضمیر در <منهم> به معتقدان به تثلیث بازگشت می کند. بر این مبنا قائلان به تثلیث به دلیل کلمه <منهم> به دو دسته تقسیم می شوند: کافر و غیر کافر و می توان گفت منشأ این تفاوت علم و آگاهی آنان نسبت به معنای تثلیث و جهل به آن است ; یعنی آنانکه نمی دانند اعتقاد به تثلیث با توحید در الوهیت ناسازگار است، محکوم به کفر نیستند و به عذاب دردناک گرفتار نمی شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۶ - ۸

۸ شرک و پرستش غیر خدا ، برخاسته از ناآگاهی به مالک حقیقی سود و زیان و سرچشمه قدرت در هستی

اتعبدون من دون اللّه ما لایملک لکم ضراً و لانفعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۱۵

۱۵ جهل ، گردن فرازی و حق ناپذیری ، از ریشه های دشمنی و مخالفت با اسلام و اهل ایمان

اشد الناس عدوه للذین ءامنوا الیهود . .. و انهم لایستکبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۳ - ۱۴

۱۴ جهالت و نارسائی عقل و اندیشه ، عامل رواج بدعت ها و افترا ها در جامعه کفرپیشه عصر جاهلی

و لکن الذین کفروا یفترون علی اللّه الکذب و اکثرهم لایعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۶ - ۸

فاصله گرفتن از قرآن و پیامبر(ص) و مبارزه با آنها برخاسته از جهل است. *

و هم ينهون عنه و ينئون عنه و إن يهلكون إلا أنفسهم و ما يشعرون

<واو> در جمله <و ما يشعرون> می تواند حاليه و يا عاطفه باشد. در صورت عطف، جمله <ما يشعرون> بيان خصلتی دیگر از صفات کافرانی است که در صدد رویارویی با قرآن هستند. که همان نداشتن درک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۵ - ۱۶

۱۶ جهل، ریشه بسیاری از انحرافات و توقّعات نابجا از پیامبر(ص) بوده است.

و إن كان كبر عليك . .. فلا تكونن من الجهلين

در آیات گذشته موضوع درخواست برخی کافران در مورد نزول قرطاس و نزول ملك مطرح شده بود. این آیه گویا در مقام پاسخی دیگر به کسانی است که چنین خواسته هایی را مطرح و یا از آن پشتیبانی می کنند. در پایان آیه درخواست کنندگان معجزات ویژه از جاهلان قلمداد شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۷ - ۵

۵ تقاضای معجزات ویژه و دلخواه، برخاسته از نادانی است.

و لكن أكثرهم لايعلمون

نفی علم از درخواست کنندگان معجزات ویژه بیانگر این است که نادانی زمینه پیدایش این نوع تقاضاهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۹ - ۲

۲ درک نکردن و غوطهور بودن در تاریکی جهل و گمراهی، ریشه تکذیب آیات الهی است.

و الذين كذبوا بأيتنا صم و بكم فى الظلمت

<صم و بكم> (کری و لالی)، علاوه بر بیان حقیقت حال تکذیب

کنندگان، اشاره به ریشه تکذیب آیات نیز می تواند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۰ - ۱۵

۱۵ توقّعات بیجای مشرکان از پیامبر(ص)، برخاسته از نادانی

قل لا أقول لکم عندی خزائن اللّه و . .. قل هل یستوی الأعمی و البصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۴ - ۱۸،۲۳،۲۶

۱۸ ارتکاب گناه و اعمال ناروا ریشه در نادانی دارد. *

أنه من عمل منکم سوءاً بجهله

۲۳ جهالت، عذری قابل قبول برای اغماض و گذشت از خطاکاران

أنه من عمل منکم سوءاً بجهله ثم تاب

۲۶ مؤمنی که از سر جهل گناه کند، در صورت توبه و اصلاح حتماً مشمول مغفرت و رحمت خداوند قرار خواهد گرفت.

کتب ربکم علی نفسه الرحمه أنه من عمل منکم سوءاً بجهله ثم تاب من بعده و أصلح فأنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۱ - ۱۴

۱۴ شرک زاییده نادانی است.

فأی الفریقین أحق بالأمن إن کنتم تعلمون

تعلیق مضمون آیه بر جمله شرطیه <إن کنتم تعلمون> به این نکته اشاره دارد که مشرکان مردمی نادان و در نتیجه عقاید موهوم آنان نیز متکی بر نادانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۰ - ۶

۶ شریک پنداشتن برای خداوند و انتساب فرزند به او، پنداری باطل و از سر نادانی است.

و خرقوا له بنین و بنت بغیر علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۱۶

۱۶

جهل مایه لجاجت و مقاومت در برابر حق است.

ما کانوا لیؤمنوا . .. و لکن أکثرهم یجهلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۱۹ – ۱۴

۱۴ جهل و هوای نفس از عوامل اصلی گمراهی است.

و إن کثیرا لیضلون بأهوائهم بغیر علم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۱ – ۴،۹

۴ خداوند مردم جامعه ای را که از روی غفلت و ناآگاهی ستم کنند، به عذاب دنیوی نابود نمی کند.

ذلک أن لم یکن ربک مهلک القری بظلم و أهلها غفلون

برای جار و مجرور <بظلم> متعلقهای مختلفی می توان در نظر گرفت، از آن جمله اینکه متعلق به <مهلک> باشد. یعنی: <مهلک القری بسبب ظلم>. برداشت فوق بر این اساس است.

۹ خداوند، ستم و گناهی را که از سر غفلت و ناآگاهی باشد، کیفر نمی دهد.

أن لم یکن ربک مهلک القری بظلم و أهلها غفلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴۰ – ۲،۴

۲ قربانی کردن فرزندان، عملی برخاسته از سفاهت و جهل است.

قتلوا أولدهم سفها بغیر علم

۴ جهل و سفاهت، عامل انحراف و زیانکاری است.

قد خسر الذین قتلوا أولدهم سفها بغیر علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۶ - ۷۸

۷ وجود تورات و انجیل به سبب غفلت و ناآگاهی مشرکان از محتوای آنها نمی توانست اتمام حجت برای آنان باشد.

و إن كنا عن دراستهم لغفلين

۸ پیروی نکردن از کتب آسمانی در صورت دسترسی نداشتن به

محتوای آنها، عذری قابل پذیرش در پیشگاه خدا

و إن کنا عن دراستهم لغفلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۱ - ۵،۱۱

۵ تحلیل غلط و جاهلانه فرعونیان از ریشه یابی رخداد های خوشایند و ناخوشایند ، موجب بی تأثیری بلا ها و مصیبت ها در هدایت شدن و تذکر یافتن آنان شد .

و لقد أخذنا . .. یطیروا بموسی و من معه

جمله <فإذا جاءتهم . .. > با توجه به ترتب آن بر آیه قبل، در حقیقت پاسخ به این سؤال است که چرا ایجاد زمینه های هدایت (لقد أخذنا ... لعلهم یذّکّرون) در فرعونیان تأثیر نداشت. آیه مورد بحث در مقام پاسخ ، تحلیل غلط آنان را از موانع هدایت و تذکریابی، بیان می کند.

۱۱ تطیّر (بدشگون و نامبارک دانستن چیزی) ناشی از جهل است .

یطیروا . .. و لکن أکثرهم لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۸ - ۱۵

۱۵ بی توجهی قوم موسی به نعمت های خدا و گرایش آنان به پرستش غیر او ، برخاسته از جهالت دامنه دار آنان بود .

و جوزنا ببنی إسرءیل البحر . .. قالوا یموسی ... قال إنکم قوم تجهلون

چنانچه از آیه استفاده می شود، گرایش بنی اسرائیل به پرستش غیر خدا پس از عبورشان از دریا و تحقق این نعمت بزرگ الهی بوده است. بنابراین می توان گفت موسی این جهت را نیز در نظر داشته و آنان را جاهل خوانده است. یعنی این بی خردی است که انسان نعمتهای الهی را

ببیند و در عین حال به غیر او گرایش پیدا کند. فعل مضارع <تجهلون> بر دامنه داری این بی خردی دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۸ - ۱۲

۱۲ جهل ، زمینه ساز روی آوری زیان ها و مشکلات در زندگانی آدمی است .

لو کنت أعلم الغیب . .. ما مسنی السوء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۳ - ۱۱

۱۱ ارزش گذاری غلط و ترجیح دادن همنشینی با عاجزان بر شرکت در جهاد ، معلول جهل و نابخردی

رضوا بأن یکونوا مع الخوالف و طبع اللّه علی قلوبهم فهم لا یعلمون

برداشت فوق بر این مبنا است که طبع قلب و عدم علم، عامل موضع گیریهای متخلفان از جهاد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۱۲

۱۲ جهل و ناآگاهی ، عامل اصلی کفر و نفاق

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً و أجدر ألّا یعلموا

برداشت فوق با استفاده از ارتباط بین <أجدر ألّایعلموا> و <أشد کفراً و نفاقاً> به دست آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷ - ۵

۵ شرک و انکار ربوبیت خدا ، اعتقادی است برخاسته از جهل و غفلت .

و الذین هم عن ءایتنا غفلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۹ - ۱۴

۱۴ از علی (ع) روایت شده است : < قلت : أربعاً أنزل اللّه تعالی تصدیقی بها

فى كتابه . . . قلت : فمن جهل شيئاً عاداه ، فأنزل اللّه : < بل كذبوا بما لم يحيطوا بعلمه . . . ;

چهار مطلب گفتم كه خداوند تصديق مرا بر آن چهار مطلب، در كتاب خود نازل فرمود . . [يكى اينكه]گفتم: كسى كه جاهل به چيزى باشد با آن دشمنى مى كند ; پس خداوند اين مطلب را نازل فرمود: بلكه چيزى را تكذيب كردند كه به علم آن احاطه نداشتند>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۲۲

۲۲ جهل و نادانى مردم ، زمينه ساز پيدايش شرك و پرستش غير خدا

ما أنزل الله بها من سلطن . .. و لكنّ أكثر الناس لايعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۷

۷ ارتكاب گناهان و ستمكاريها ، برخاسته و نشأت گرفته از جهل است .

هل علمتم ما فعلتم بيوسف و أخيه إذ أنتم جهلون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - رعد - ۱۳ - ۵ - ۱۰

۱۰ انكار قيامت ، معلول جهل و نادانى و مانع ترقى و تعالى انسان است .

أُولئك الأغلل فى أعناقهم

<اَغلال> (جمع غل) به معناى بندها و زنجيرهاست. مراد از آن مى تواند معناى حقيقى آن باشد كه در اين صورت جمله <اُولئك الأغلال فى أعناقهم> بيانگر كيفر و مجازات منكران ربوبيت خدا و منكران قيامت است و نيز مى تواند مراد از آن معناى مجازى (بندها و زنجيرهاى جهل و نادانى، خرافات، سنتهاى غلط و ...) باشد كه بر اين مبنا جمله <اُولئك

...> بیانگر ریشه و علت اعتقاد نداشتن به معاد و ربوبیت خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۶ - ۷

۷ دل خوش کردن به حیات دنیا و نشناختن مقدار ارزش آن ، مایه کفرورزی است .

و فرحوا بالحیوه الدنیا و ما الحیوه الدنیا فی الأخره إلّا متع

چون مراد از ضمیر در <فرحوا> کفرپیشگان و مخالفان پیامبر(ص) است ، جمله <فرحوا بالحیوه الدنیا و . ..> در حقیقت بیانگر ریشه و عاملی از عوامل کفرورزی آنان است ; یعنی ، دل خوش بودنشان به زندگی دنیا ، آنان را به کفرورزی کشانده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱۰،۱۱،۱۲

۱۰- کسانی که قرآن را اسطوره می خواندند ، با استفاده از جهل مردم ، آنان را به قرآن بدبین کرده و گمراهشان می ساختند .

قالوا أسطر الأولین . لیحملوا ... و من أوزار الذین یضلّونهم بغیر علم

این برداشت بر این اساس است که <بغیر علم> حال برای ضمیر مفعولی <یضلّونهم> باشد.

۱۱- جهل و نادانی ، زمینه و بستری مناسب برای سوء استفاده دیگران

یضلّونهم بغیر علم

۱۲- ادعای اسطوره ای بودن قرآن ، جاهلانه و به دور از مبانی علمی است .

قالوا أسطر الأولین . .. یضلّونهم بغیر علم

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <بغیر> حال برای ضمیر فاعلی <یضلّون> باشد و از آن جایی که مایه اضلال، اسطوره خواندن قرآن بوده است، معلوم می شود که آن ادعا عالمانه نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۸

۱۱،۱۲ -

۱۱- انکار رستاخیز و معاد ، برخاسته از جهل و ناآگاهی است .

بلی وعدًا علیه حقًّا و لکنّ أکثر الناس لایعلمون

۱۲- جهل و نادانی ، عامل انکار حقایق

و أقسموا بالله . .. لایبعث الله من یموت بلی وعدًا علیه حقًّا و لکنّ أکثر الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۴ - ۶

۶- تشبیه خدا به سایر موجودات ، ناشی از ناآگاهی انسان به تمایز ذات و صفات خدا از غیر اوست .

فلاتضربوا لله الأمثال . .. أنتم لاتعلمون

با توجه به اینکه منظور از <أنتم لا‌تعلمون> نفی علم مطلق نیست; زیرا بدیهی است که انسانها در زمینه های مادی زندگی خود دانشهایی دارند; بلکه نفی علم مربوط می شود به همان زمینه ای که در آیه مطرح است; یعنی، قابل مقایسه نبودن ذات و صفات خدا با سایر مخلوقات، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۵ - ۱۸

۱۸- شرک ، معلول جهل و کوته فکری است .

بل أکثرهم لایعلمون

خداوند برای تفهیم قابل مقایسه نبودن خلق با خدا، از مثالی بدیهی استفاده کرده و می فرماید: با همه این روشنی باز هم اگر مشرکان ره شرک می روند، علتی جز جهل و نادانی آنان ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۱ - ۹

۹- جهل و ناآگاهی ، ریشه اصلی گرایش به کفر ، شرک و تکذیب پیامبر (ص)

قالوا إنما أنت مفتر بل أكثرهم لايعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه -

فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۹ - ۴،۵،۷

۴- بخشش خداوند از بدکاران ، در صورتی است که آنان گناه را از روی جهل و نادانی به حقایق انجام داده باشند نه از سر عمد و خوی عصیان گری

ثمّ إن ربّک للذین عملوا السوء بجهله

مقصود از <بجهاله> ممکن است جهل به احکام الهی، در برابر علم نباشد; چون در این صورت گناهی سر نزده است تا نیاز به توبه و یا آمرزش الهی باشد; بلکه مراد، جهل در برابر عمل آگاهانه و از روی عمد و خوی عصیان گری و نیز جهل به معارف بلند آسمانی است.

۵- جهل و ناآگاهی به حقایق ، ریشه هر گناه و بدکاری

للذین عملوا السوء بجهله

کلمه <بجهاله> بدکاران را به دو دسته تقسیم نمی کند; بلکه احتمالاً در مقام توضیح و تبیین ماهیت بدکاران است که هر بدکاری قطعاً جاهل و نابخرد است; چه اینکه اگر خرد می داشت، خود را به عواقب شوم گناه مبتلا نمی کرد.

۷- گناه حلال و حرام شمردن امور (بدعت گذاری) ، اگر از سر جهل و نقصان علم باشد در صورت توبه و اصلاح گذشته ها مورد غفران و بخشش الهی است .

لاتقولوا . .. هذا حلل و هذا حرام ... و علی الذین هادوا حرّمنا ... و لکن کانو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۷

۷- علم و آگاهی ، دارای نقشی مؤثر در پیدایش ایمان و جهل از موانع آن

إن الذین أُوتوا العلم من قبله یخرّون للأذقان سجّدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ -

اسراء - ۱۷ - ۱۰۸ - ۲

۲- عقیده به وجود نقص و کاستی در خداوند و شرک ، برخاسته از جهل و نادانی است .

إن الذین أُوتوا العلم . .. یقولون سبحن ربّنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵ - ۶،۱۰

۶- فقدان آگاهی و دانش ، زمینه ساز گرفتاری افراد و جوامع به تقلید های ناروا و کورکورانه

و قالوا اتخذ اللّه ولدًا . ما لهم به من علم و لا لأبائهم

کلمه <لأبائهم> اشاره به این نکته دارد که پندارهای مشرکان، از سر تقلید بوده است و جمله <ما لهم به من علم و. ..> بر این نکته دلالت دارد که مشرکان و پدران شان، در گزینش این اعتقاد پایه های علمی نداشته اند. مجموع این دو قضیه، گویای آن است که <جهل> در کشاندن افراد و جوامع به تقلید کورکورانه، نقشی مهم دارد.

۱۰- روی آوردن به عقاید بی اساس و دور از حقیقت و واقعیت ، پی آمد اتّکا به روش های غیرعالمانه است .

ما لهم به من علم و لا لأبائهم . .. إن یقولون إلاّ کذبًا

کلمه <لأبائهم> اشاره به این معنا دارد که تقلید از کسانی که عقیده شان از سوی علم و دانش نیست، یک روش غلط و ناروا در رسیدن به عقاید دینی است و ذیل آیه، پی آمد آن را، عقیده ای سخیف و دور از حقیقت، بیان کرده است. از این، می توان نتیجه گرفت که روش های غیرعالمانه، خطر دور شدن از حقیقت و واقعیت را در پی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ -

کهف - ۱۸ - ۶۸ - ۴

۴- ناشکیبایی و بی صبری انسان در برابر بسیاری از مسائل ، ناشی از جهل وی به اسرار و حقیقت امر است .

و کیف تصبر علی ما لم تحط به خبرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۵ - ۲

۲- توهم فرزند بودن عیسی (ع) برای خداوند ، برخاسته از تحلیل نادرست ماجرای تولد و سخن گفتن معجزنمای او بود .

ذلك عیسی ابن مریم . .. ما کان للّه أن یتّخذ من ولد

نفی فرزنـد از خداونـد پس از بیان قصه تولد عیسـی(ع) می تواند بیانگر این نکته باشد که گروهی این نوع امور معجزه آسا را دلیل فرزند خدابودن او قرار داده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۳ - ۱۳

۱۳- جهل زمینه ساز شرکورزی و بت پرستی است .

لِمَ تعبد ما لایسمع . .. یأبت إنّی قد جاءنی من العلم ما لم یأتك

حضرت ابراهیم(ع) به جهت رعایت ادب، آزر را به جهل متهم نکرد، بلکه خود را به علم منتسب ساخت و مفهوم کلامش آن است که آزر جاهل است و همین جهل وی موجب آن شده که به پرستش بت رو آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ - جهل و نسیان دو آفت عمده تدبیر و مدیریت است .

لایضلّ ربّی و لاینسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۴ - ۱۲،۱۳

۱۲- جهل و ناآگاهی ، عامل روی گردانی

اکثریت مشرکان از حق و روی آوردن آنان به شرک است .

بل أکثرهم لایعلمون الحقّ فهم معرضون

<فاء> در <فهم معرضون> عاطفه و برای ربط میان مسبب و سبب است; یعنی، به دلیل این که آنان جاهل اند، از حق اعراض می کنند.

۱۳- جهل و ناآگاهی ، عامل گریز بسیاری از انسان ها از حق و حقیقت است .

بل أکثرهم لایعلمون الحقّ فهم معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۴ - ۶

۶ - علم ، مایه سلامت قلب و جان و جهل ، موجب قساوت و بیماردلی

لیجعل . .. فتنه للذین فی قلوبهم مرض ...و لیعلم الذین أُوتوا العلم أنّه الحقّ من

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۴ - ۳

۳ - شرک ورزی ، پدیده ای برخاسته از غفلت و جهل انسان ، نسبت به تعلق و وابستگی همه جانبه او و پدیده های پیرامونش به خداوند

قل لمن الأرض . .. إن کنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۸ - ۵

۵ - شرک ورزی ، برخاسته از جهل انسان و عدم شناخت او نسبت به ماهیت سراسر نیاز جهان هستی به خداوند

قل من بیده . .. إن کنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۴ - ۳

۳ – دلبستگی انسان به دنیا ، معلول جهل او به ناچیز بودن عمرش

قل إن لبثتم إلّا قليلًا لو أنّكم كنتم تعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۳ – شعراء

- ۲۶ - ۲۰۴ - ۳

۳ - درخواست عذاب از روی ناباوری و کفر ، کاری جاهلانه و ندامت بار است .

فیقولوا هل نحن منظرون . أفبعذابنا یستعجلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۵ - ۵،۶

۵ - همجنس گرایی و لواط ، ناشی از بی فرهنگی و نادانی

لتأتون الرجال شهوه . .. بل أنتم قوم تجهلون

۶ - جهل و بی خردی جامعه ، عامل گسترش و فراگیری فساد

أئنّکم لتأتون الرجال . .. بل أنتم قوم تجهلون

تعبیر <بل أنتم. ..> بیانگر نوعی تعلیل و روان شناسی جامعه انسانی است. هم چنین تذکر می دهد که جهل، ریشه و علة العلل نفوذ و گسترش انحرافات اخلاقی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۶ - ۷

۷ - جهل و ناآگاهی ، ریشه بی اطّلاعی انسان از بازگشت خیر و منفعت اعمال دینی به خودش است .

اعبدوا اللّه و اتّقوه ذلکم خیر لکم إن کنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۱ - ۷،۸

۷ - دوست گیرندگانِ غیرخدا ، از سر جهل و نادانی ، چنین انتخابی کرده اند .

مثل الذین اتّخذوا من دون اللّه أولیاء کمثل العنکبوت. ..لو کانوا یعلمون

متعلّق <یعلمون> موهون بودن اتخاذ ولیّ غیرخدا است. بنابراین، نکته بالا، از آن استفاده می شود.

۸ – ولیّ و کارساز گیرندگانِ غیرخدا ، جاهلانه و از سر بی خبری ، انتخاب کرده اند .

مثل الذین اتّخذوا من دون اللّه أولیاء کمثل العنکبوت اتّخذت بیتًا . .. لو کانوا ی

جلد – نام سوره

– سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۶ – ۶

۶ – تردید در تحقق وعده های خداوند ، برخاسته از جهل و نادانی است .

لایخلف اللّه وعده و لکنّ أکثر الناس لایعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۵۹ – ۳

۳ – خداوند ، بر قلب کسانی که تصمیم به باقی ماندن در نادانی و جهل گرفته اند ، مهر می زند .

کذلک یطبع اللّه علی قلوب الذین لایعلمون

این که مراد از <الـذین لایعلمون> چه کسانی اند، دو احتمال وجود دارد: یکی، به قرینه آیه پیش، این است که مراد، کافران انـد. دیگر این که آیه، معنای عام دارد و شامل همه کسانی که خود می خواهنـد در جهل و نادانی باقی بماننـد، می شود. لازم به ذکر است که چون، قطعاً سـنت خداونـد، چنین نیست که بر قلب هر ناآگاه و نادانی مهر بزنـد، مراد از <الـذین لایعلمون> کسانی اند که خود اصرار بر باقی ماندن در جهل و نادانی دارند، چنان که مفسران نیز بر این معنا تصریح کرده اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۶ – ۶،۷

۶ – جهل ، عامل رویکرد کافران مکه به خرید داستان های بی اساس بود .

و من الناس من یشتری لهو الحدیث . .. بغیر علم

<بغیر علم> متعلق به فعل <یشتری> است.

۷ – جهل و نادانی ، عامل کشیده شدن انسان به ورطه لهو و بیهودگی است .

یشتری لهو الحدیث . .. بغیر علم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان

- ۳۱ - ۲۵ - ۱۵،۱۴،۱۲

۱۲ - گرایش به شرک ، معلول جهل و بی دانشی است .

و لئن سألتهم . .. بل أكثرهم لایعلمون

۱۴ - ستایش غیرخدا در عین عقیده به توحید ، ناشی از جهل و بی دانشی است .

قل الحمد للّه بل أكثرهم لایعلمون

متعلق <لایعلمون> حذف شده و به قرینه مقام می توان گفت، مراد این است که اکثر مشرکان، این حقیقت را نمی فهمند که <ستایش مخصوص خالق و آفریدگار جهان است. > و در اثر این نادانی، غیر خداوند خالق را ستایش می کنند.

۱۵ - جهل و بی خبری مشرکان ، باعث قبول نکردن دین الهی و روی آوردن آنان به آیین و سنت های بی پایه پدران خود است .

و إذا قيل لهم اتّبعوا ما أنزل اللّه قالوا بل نتّبع ما وجدنا عليه ءاباءنا . .. و

برداشت بالا، براساس این احتمال است که <لایعلمون> مفعولٌ به و متعلق نداشته باشد و درصدد نفی علم از مشرکان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۲ - ۹

۹ - ظلم و جهل آدمی ، سبب شد که امانت الهی را بپذیرد .

الأمانه . .. و حملها الإنسن إنّه كان ظلومًا جهولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۸ - ۷

۷ - بی پروایی و نترسیدن از خدا ، برخاسته از جهل و ناآگاهی نسبت به عظمت پروردگار است .

ألم تر أنّ اللّه أنزل من السماء ماء . .. إنّما يخشى اللّه من عباده العلمؤا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر

- ۳۹ - ۲۹ - ۲۰

۲۰ - شرک و کفر ، مولود جهل و ناآگاهی است .

بل أکثرهم لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۲ - ۲

۲ - ناآگاهی از مشیت و تقدیر خداوند در رزق و روزی انسان ها ، سبب انتساب نعمت ها و برخورداری ها به دانش بشری است .

قال إنّما أُوتیته علی علم . .. أوَلم یعلموا أنّ اللّه یبسط الرزق لمن یشاء و یقدر

آیه شریفه در مقام بیان نقش خداوند در برخورداری ها و نعمت های انسان ها است. این مسأله می تواند از چرایی منتسب کردن نعمت ها به دانش بشری از سوی انسان ها حکایت کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴ - ۶

۶ - جهل و جاهلیت ، ریشه روی گردانی بیشتر مردم از آیات روشن وحی

لقوم یعلمون . .. فأعرض أکثرهم

از تفریع <أعرض أکثرهم> بر آیه قبلی، استفاده می شود که علت اعراض بیشتر مردم از قرآن، نادانی ایشان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۹ - ۴

۴- بی دانشی نسبت به حقانیت هستی و اهداف ارزشی آفرینش ، عامل انکار معاد

إن هی إلّا موتتنا الأُولی . .. و لکنّ أکثرهم لایعلمون

از ارتباط میان <إنّ هؤلاء لیقولون> با <و لکنّ أکثرهم لایعلمون> استفاده می شود که انکار معاد، ریشه در جهل نسبت به حقانیت آفرینش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ - جهل و هواپرستی ،

منشأ و خاستگاه مخالفت با شریعت و آیین الهی

جعلنک علی شریعه . .. و لاتتّبع أهواء الذین لایعلمون

از تقابل میان <أهواء> با <شریعه> می توان استفاده کرد که هر آنچه مخالف با شریعت باشد، ریشه در هوا و هوس های جاهلانه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۶ - ۸

۸ - تردید در امکان و تحقق معاد ، ناشی از جهل آدمیان است ; نه معقول نبودن آن .

لاریب فیه و لکنّ أکثر الناس لایعلمون

جمله <و لکنّ أکثر الناس لایعلمون> می تواند جواب سؤال مقدر باشد; به این که اگر معاد، تردید را بر نمی تابد، پس انکار آن از چه رو است؟ قرآن پاسخ می دهد: بیشتر مردم جاهل اند و جهلشان آنان را به تمسک واداشته است; نه پیچیدگی مسأله معاد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۱۴

۱۴- جهل و استکبار ، ریشه بسیاری از انکار ها و حق ستیزی ها

و إذ لم یهتدوا به فسیقولون هذا إفک قدیم

تعبیر <و إذ لم یهتدوا. ..>، در حقیقت بیان نمونه ای از این حقیقت کلی است که تکذیب ها و انکارها در بسیاری از موارد متفرع بر زمینه نداشتن، جاهل بودن و برخورد مستکبرانه با حقایق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۳ - ۸

۸- کفر در برابر پیام انبیا ، ناشی از جهالتورزی است .

قالوا أجئتنا لتأفکنا عن ءالهتنا . .. و لکنّی أریکم قومًا تجهلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۹

جمعه - ۶۲ - ۹ - ۱۰

۱۰ - جهل و ناآگاهی ، مایه دلخوش شدن انسان به مظاهر زندگی دنیایی و بی توجهی به ذکر خدا و عبادت او و مصالح نهفته در آن

ذلکم خیر لکم إن کنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۳ - ۵

۵ - جهالت ، ریشه برترنمایی و مسابقه رقیبان در کسب مال و مقام

کلاّ سوف تعلمون

مفعول محذوف <تعلمون> چه عام (پوچی افتخارات مادی) باشد و چه خاص (پوچی افتخار به عدد افراد قبیله) بی ارزشی تکاثر را شامل می شود.

آثار جهل اکثریت مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۷ - ۲۱

۲۱ - جهل بیشتر مشرکان مکه به خاستگاه الهی امنیت و رفاه اقتصادی آن شهر ، عامل روی گردانی آنان از پذیرش هدایت الهی (اسلام) بود .

و قالوا إن نتّبع الهدی . .. و لکنّ أکثرهم لایعلمون

آثار جهل امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۴ - ۳

۳ - اختلافات دینی امت های پیشین ، ناشی از روح تجاوزگری بود ; نه از جهالت و نادانی

و ما تفرّقوا إلاّ من بعد ما جاءهم العلم بغیًا بینهم

آثار جهل اهل انطاکیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۱۶ – ۵

۵ – جهل و ناآگاهی مردم انطاکیه از فلسفه انتخاب رسولان از میان انسان ها ، سبب تکذیب کردن آنان شده بود .

قالوا ربّنا یعلم إنّا إلیکم لمرسلون

آثار جهل برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۵

۵ یوسف (ع) جهل و نادانی برادرانش را منشأ ستم آنان به وی و بنیامین دانست .

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جهلون

آثار جهل بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۸ - ۳

۳ - موسی (ع) ، جهالت مردم را پایه طغیان فرعون دانست .

یفقهوا قولی

تأکید موسی(ع) بر آگاه سازی اطرافیان فرعون در جهت مبارزه با طغیان گری او گویای این است که موسی(ع)، ریشه موفقیت فرعون را در ناآگاهی اطرافیانش می دانست.

آثار جهل به ارزش ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۸ - ۳

۳ جهل و عدم درک صحیح نسبت به مفاهیم دینی و ارزش های الهی ، عامل بد تفسیر کردن و ناروا شمردن آنها

و أجدر ألّا یعلموا حدود ما أنزل اللّه . .. یتخذ ما ینفق مغرماً

جمله <یتخذ ما ینفق مغرماً> می تواند نمونه ای باشد از آنچه در آیه قبل به طور کلی درباره جهل و نادانی بادیه نشینان گفته شده.

آثار جهل به پیشینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۹ - ۵

۵ - مشخص نبودن پیشنیه زندگی شخص ، مانع از پذیرش ادعای او در رابطه با نبوت و وحی

أم لم یعرفوا رسولهم فهم له منکرون

آثار جهل به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۵

انعام – ۶ – ۹۱ – ۱،۲

۱ کسانی که نزول وحی بر بشر و رسالت یافتن او را انکار می کنند، خداوند را، آن گونه که هست، نشناخته اند.

و ما قدروا الله حق قدره إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر

۲ انکار وحی و رسالت یافتن بشر، معلول نقصان معرفت آدمی به خداوند است.

و ما قدروا الله حق قدره إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۴۹ – ۶

۶ – انتساب عملی بدون رجحان و برتری به خداوند ، نسبتی نابه جا به او و نشانه نشناختن منزلت او است .

فاستفتهم ألربّك البنات و لهم البنون

آثار جهل به خدا شناسی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۶۷ – ۲

۲ – شرك و عبادت غیرخدا ، اندیشه ای برخاسته از عدم شناخت درست خدا است .

و ما قدروا اللّه حقّ قدره

آثار جهل به دنیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۴ – ۱۶

۱۶ دلبستگی به زندگی دنیوی ، نتیجه عدم شناخت صحیح دنیاست .

إنما مثل الحیوه الدنیا . .. و ظن أهلها أنهم قدرون علیها ... كذلك نفصل الأیت لقوم

آثار جهل به دین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۸ – ۳

۳ جهل و عدم درک صحیح نسبت به مفاهیم دینی و ارزش های الهی ، عامل بد تفسیر کردن و ناروا شمردن آنها

و أجدر ألّا یعلموا حدود ما أنزل اللّه

. .. يتخذ ما ينفق مغرماً

جمله <يتخذ ما ينفق مغرماً> مى تواند نمونه اى باشد از آنچه در آيه قبل به طور كلى درباره جهل و نادانى باديه نشينان گفته شده.

آثار جهل به ربوبيت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۷ - ۲

۲ - شرک و بت پرستى ، ناشى از درک نادرست از ربوبيت خدا بر جهان هستى است .

أئفكًا ءالهه دون اللّه تريدون . فما ظنّكم بربّ العلمين

آثار جهل به صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۹ - ۱۳

۱۳- برخى شبهه هاى عقيدتى انسان ، ناشى از عدم شناخت عميق صفات الهى است .

أو لم يروا أن الله الذى . .. قادر على أن يخلق مثلهم

از اينكه خداوند، براى رفع شبهه منكران معاد، آنان را به قدرت عظيم خويش توجه داده، نكته فوق قابل استفاده است.

آثار جهل به قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۹ - ۱۱

۱۱ - بى خبرى از قدرت خداوند ، مايه انكار معاد است .

أَوَلم يروا كيف يبدئ اللّه الخلق . .. إنّ ذلک على اللّه يسير

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۱ - ۷

۷ - تردید در رخداد قیامت ، نشانگر عدم شناخت قدرت کامل خداوند است .

و إنّه لعلم للساعه فلاتمترنّ بها

آفرینش شگرف عیسی(ع)، نشانه ای بر قدرت خداوند است و از آن جا که این آفرینش دلیل بر امکان معاد شمرده شده، می توان استفاده

کرد که تردید در مورد قیامت، ناشی از غفلت نسبت به قدرت بی همتای خداوند است.

آثار جهل به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۸ - ۳

۳ - مشخص نبودن زمان برپایی قیامت ، دستاویز کافران صدراسلام برای انکار آن

و یقولون متی هذا الوعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۲

۲ - روشن نبودن زمان برپایی قیامت ، دستاویز کافران برای انکار آن

و یقولون متی هذا الوعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۴ - ۴

۴ - آگاه نساختن مردم حتی پیامبر (ص) از زمان وقوع قیامت ، مؤثر در رشد و تربیت آنان

إلی ربّک منتهیها

واژه <ربّ>، گواه این است که هدف از مسکوت گذاشتن زمان قیامت، تربیت و رشد دادن است و چون پوشیده ماندن آن، تنها ویژه پیامبر(ص) نبوده است; می توان سودمندی آن را به همگان تعمیم داد.

آثار جهل به کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۷ - ۴

۴ نازل نشدن قرآن موجب اعتراض گمراهان و مشرکان در قیامت به سبب نداشتن کتاب آسمانی و دور ماندن از هدایتهای الهی

أو تقولوا لو أنا أنزل علينا الكتب لكنا أهدى منهم

آثار جهل به هدایتهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۷ - ۴

۴ - بی خبری از هدایت های الهی ، گمراهی است .

و وجدك ضالاً فهدی

ضلالت و هدایت، دارای

مراتب است و عدم آگاهی پیامبر(ص) پیش از بعثت، به معارفی که پس از بعثت بر آن حضرت نازل شد، در آیه شریفه نوعی ضلالت قلمداد شده است که با بعثت، به هدایت تبدیل شد.

آثار جهل قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۵ - ۲

۲ - استکبار و خودبرتربینی قوم عاد ، برخاسته از امور واهی و غیر منطقی

فأمّا عاد فاستکبروا فی الأرض بغیر الحقّ

باء در <بغیر الحق> سببیه است.

آثار جهل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۹ - ۴

۴- بی دقتی و جهل کافران به عظمت آفرینش آسمان ها و زمین ، زمینه ساز انکار حیات دوباره انسان از سوی آنان است .

أو لم یروا أن الله الذی خلق السموت و الأرض قادر علی أن یخلق مثلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۹ - ۳

۳- جهل کفار به سختی و شدت عذاب الهی ، عامل تعجیل آنان برای تحقق عذاب است .

و یقولون متی هذا الوعد . .. لویعلم الذین کفروا حین لایکفّون عن وجوههم النار ...

برداشت یاد شده بر این اساس است که جواب مقدر <لو> جمله <لمّا استعجلوا العذاب أو قیام الساعه> (در نزول عذاب و یا در برپایی قیامت عجله نمی کردند) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۷ - ۹

۹ – استبعاد معاد از سوی کافران ، ناشی از ناآگاهی آنان از قدرت مطلقه خداوند است .

خلق السموت . .. زعم

الذین کفروا أن لن یبعثوا قل بلی و ربّی لتبعثنّ ... و ذلک عل

آثار جهل کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۶ - ۷

۷ - تکذیب رسالت پیامبر اسلام از جانب کافران ، برخاسته از ناآگاهی و غفلت آنان ، از سرنوشت شوم تکذیب کنندگان بود .

فأذاقهم اللّه الخزی . .. لو کانوا یعلمون

آثار جهل مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۲ - ۴

۴ - نکوهش خداوند از قشر مرفه و ناسپاس ، به خاطر ناآگاهی آنان از مشیت و تقدیر الهی در رزق و روزی انسان ها

أوَلم یعلموا أنّ اللّه یبسط الرزق لمن یشاء و یقدر

استفهام در <أوَلم یعلموا. ..> از نوع استفهام انکاری توبیخی است.

آثار جهل مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۱۰

۱۰ جهل و ناآگاهی مشرکان ، فلسفه دستور خدا به پیامبر (ص) مبنی بر به حضور پذیرفتن آنان و ابلاغ پیام وحی به آنان

و إن أحد من المشرکین استجارک فأجره . .. ذلک بأنهم قوم لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۹ - ۷

۷ - زیر سؤال بردن وقوع قیامت از سوی مشرکان ، ناشی از جهل آنان بوده است .

و لکنّ أکثر الناس لایعلمون . و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

برداشت یاد شده بنابر عطف <یقولون> بر عبارت قبل، از باب عطف مسبب بر سبب است; یعنی، بیشتر مردم نمی دانند و

[به خاطر همین ندانستن]، معاد را زیر سؤال می برند.

آثار جهل مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۹ - ۱۹

۱۹ - گرایش مشرکان صدراسلام به شرک ، برخاسته از جهل و ناآگاهی اکثریت آنان بود .

بل أكثرهم لايعلمون

آثار جهل ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۲۰

۲۰ نـا آگـاهی فرشـتگان به ارزش هـای والای انسان ، موجب شـد تا فسادگری او برای فرشـتگان جلوه گر شود و به خلقت و خلافتش معترض باشند .

أتجعل فيها من يفسد فيها . .. قال إني أعلم ما لاتعلمون

آثار جهل منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶ - ۵

۵ - آگاه نبودن اهل نفاق به سود و زیان واقعی خویش ، عامل اختیار کردن ضلالت و از دست دادن هدایت

أولئك الذين اشتروا الضلله . .. و ما كانوا مهتدين

جمله <ما كانوا مهتـدين> عطف بر جمله <اشتروا الضـلاله بالهدى> است و به منزله علت برای آن می باشد; یعنی: چون به سود و زیان واقعی خویش راه نیافتند، به چنین تجارتی دست زدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱۶

۱۶ بی اعتقادی منافقان به قیامت و عدم درک آن نسبت به حوادث و حقایق آن ، مایه تخلف آنان از جهاد

لو کانوا یفقهون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – منافقون – ۶۳ – ۸ – ۱۴

۱۴ – توطئه منافقان علیه پیامبر (

ص) ، برخاسته از جهل و نادانی آنان بود .

ليخرجنّ الأعزّ منها الأذلّ . .. و لكنّ المنفقين لايعلمون

ادعای ابو جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۷ - ۱

۱ - نهی کننده پیامبر (ص) از نماز ، مدعی نفوذ کلام در بین هم نشینان خویش

فليدع ناديه

کلمه <نداء> تعبیری دیگر از مجالست است و مجلس را <نادی> و <مُنتدی> می گویند (مفردات راغب). و همانگونه که گاه مراد از <قریه>، اهل قریه است، در آیه شریفه نیز مراد، اهل مجلس است.

اعراض ابو جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۲ - ۳

۳ - ابوجهل ، دین اسلام را تکذیب و از پذیرش تعالیم آن امتناع کرد .

و لكن كذّب و تولّى

افشای جهل مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۳ - ۱۱

۱۱ - برملا شدن ضعف و ناتوانی معبود ها (اصنام) و جهل و نادانی پرستندگان آنها با ضرب المثل خداوند ، برای همگان

ضعف الطالب و المطلوب

<ضَعافه> (مصدر <ضعف>) به معنای ناتوان شدن است; یعنی، طالب و مطلوب هر دو ناتوان شدند. ظاهراً مقصود این است که با دلایل قاطع و غیرقابل انکاری که ارائه شد، نه تنها ضعف و ناتوانی بت ها; بلکه جهل و نادانی پرستندگان آنها نیز

بر همگان آشکار شد.

انبیا و جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۲

۲ امکان بی اطلاع بودن پیامبران از اندیشه و افکار

دیگران

إنا له لحفظون . .. فلما ذهبوا به و أجمعوا أن یجعلوه فی غیبت الجب

ترک نماز ابو جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۱ - ۶

۶ - ابوجهل ، نه دین اسلام را تصدیق کرد و نه نماز گزارد .

فلاصدّق و لاصلّی

براساس شأن نزول، این آیه تا آیه ۳۵ درباره ابوجهل است.

تفاخر ابو جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۳ - ۴

۴ - ابوجهل ، فردی مغرور و فخرفروش در میان کسان خویش

ثمّ ذهب إلی أهله یتمطّی

تکذیبگری ابو جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۱ - ۶

۶ - ابوجهل ، نه دین اسلام را تصدیق کرد و نه نماز گزارد .

فلاصدّق و لاصلّی

براساس شأن نزول، این آیه تا آیه ۳۵ درباره ابوجهل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۳۲ – ۳

۳ – ابوجهل ، دین اسلام را تکذیب و از پذیرش تعالیم آن امتناع کرد .

و لکن کذّب و تولّی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۱۳ – ۲

۲ – شخص بازدارنده پیامبر (ص) از نماز ، رهنمود های آن حضرت را دروغ پنداشته و از پذیرش آن روی گردان بود .

أرءیت الذی ینهی . .. أرءیت إن کذّب و تولّی

جمله <کذّب و تولّی>، مربوط به <الذی ینهی> و توصیف کسی است که پیامبر(ص) را از نماز نهی می کرد. بسیاری از مفسران، وی را ابوجهل

دانسته اند. متعلق <كذّب> به قرينه <كان على الهدى. أو أمر بالتّقوى> هدايت هاى ارائه شده از جانب پيامبر(ص) و فرمان هاى تقواساز او است.

تهديد ابو جهل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - قيامه - ۷۵ - ۳۵ - ۳

۳ - ابوجهل ، مورد نفرين و تهديد خداوند به عذاب

أولى لك فأولى ثمّ أولى لك فأولى

تهمت جهل به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲ - ۴

۴ - اتهام گمراهى و جهل به پيامبر (ص) از سوى مشركان

ما ضلّ صاحبكم و ما غوى

آيه شريفه در رد اين ديدگاه مشركان است كه پيامبر(ص) را متهم به گمراهى و جهل مى كردند.

تهمت جهل به مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۱۰

۱۰ پيروان پيامبر (ص) ، در پندار و بيان نكوهشگر و طعن آلود مشركان ، مردمانى نادان و دنباله رو فردى سحر زده

و قالوا . .. إن تتّبعون إلاّ رجلاً مسحورًا

از لحن آيه شريفه، استفاده مى شود كه كافران، اين سخن را از سر نكوهش و طعن مى گفتند و چون پيروى از فردى سحرزده، امرى غير منطقى است، در حقيقت پيروان آن حضرت را، مردمانى نادان مى پنداشتند.

جهل آزر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۶ - ۲

۲- آزر ، پیش از دعوت شدن به توحید از سوی ابراهیم (ع) ، از عقاید توحید آن حضرت بی خبر بود .

قال أراغب

أنت عن ءالهتی

اظهار شگفتی و ناباوری آزر از عقاید توحیدی ابراهیم(ع)، دال براین است که تا پیش از آن آزر او را در عقاید، همراه خود می دیده و به همین خاطر است که پس از اظهارات حضرت ابراهیم(ع)، وی دچار شگفتی و ناباوری می شود.

جهل اخروی مشرکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۶۶ – ۱،۶

۱ – بسته شدن همه راه های خبر بر مشرکان ، در روز قیامت

فعمیت علیهم الأنباء یومئذ

فعل <عمیت> متضمن معنای <خفیت> است. <الأنباء> (جمع <نبأ> (خبر)، همراه با <ال>) مفید استغراق است. بنابراین <عمیت علیهم الأنباء>; یعنی، <خفیت علیهم کلّ نبأ>.

۶ – پوشیده ماندن خبر ها بر مشرکان ، باعث اقدام نکردن آنان به پرسش از یکدیگر

فعمیت علیهم الأنباء یومئذ فهم لایتساءلون

برداشت یاد شده از تفریع جمله <فهم لایتساءلون> بر <عمیت. ..> استفاده می شود.

جهل اشراف قوم نوح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۲۹ – ۱۸،۱۹

۱۸ اشراف و سران کفرپیشه قوم نوح ، ناآگاه به مقام بلند مؤمنان و پیروان آن حضرت

و لکنی أریکم قومًا تجهلون

به قرینه <إنهم ملاقوا ربهم> می توان گفت که: مفعول <تجهلون> مقام والا و ارجمند مؤمنان به نوح(ع) است. براین اساس <أراکم ...>; یعنی ، می دانم که شما به مقام والای مؤمنان (لقای آنان با خدا) آگاهی ندارید.

۱۹ اشراف قوم نوح ، ناآگاه به مرتبه والای < لقاءالله > و تقرب به درگاه خدا

إنهم ملقوا ربهم و لكنی أريكم قومًا تجهلون

جهل اصحاب الجنه

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۹ –

قلم – ۶۸ – ۲۸ – ۸

۸ – باغداران یمنی ، گرفتار جهل و افراط و تفریط

قال أوسطهم ألم أقل لکم لولا تسبّحون

جهل اصحاب کهف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۰ – ۱۳

۱۳– اصحاب کهف ، از مدّت زمان خواب خویش ، کاملًا بی اطلاع بودند .

إنّهم إن یظهروا . .. و لن تفلحوا إذًا أبدًا

بدیهی است اگر اصحاب کهف، احتمال گذشت چندین قرن از زمان خوابیدن خویش را می دادند، هرگونه تغییر و تحوّلی را محتمل می دیدند و وضعیت سیاسی و اجتماعی جامعه را، همان وضعیت دوران خویش فرض نمی کردند.

جهل اضلالگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۶ – ۱۶

۱۶ – جهل و ناآگاهی گمراه سازان مردم ، مانع عذاب آنان نیست .

لیضلّ عن سبیل اللّه بغیر علم . .. لهم عذاب مهین

جهل اکثریت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۷ – ۲۲

۲۲ بیشتر مردم از بصیرتی که آنان را به حقانیت قرآن رهنمون شود ، محرومند .

أفمن کان علی بیّنه من ربه . .. و لکنّ أکثر الناس لایؤمنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۲۱ – ۲۴

۲۴ اکثریت مردم به جریان امور به تدبیر خدا و توان او بر انجام مشیّتهایش و ناتوانی همگان در برابر او ، ناآگاهند .

و الله غالب علی أمره و لکنّ أکثر الناس لایعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴۰

۱۹ اکثریت مردم (مشرکان) ، ناآگاه به استواری توحید و یگانه پرستی و اتکای آن بر برهان

ذلك الدین القیم و لکنّ أکثر الناس لایعلمون

در برداشت فوق ، <الناس> عموم مردم گرفته شده است. بر این اساس ، مقصود از <أکثر> مشرکان خواهد بود. مفعول <لایعلمون> به قرینه جمله های قبل ، استواری توحید بر برهان و دلیل برهانی نداشتن شرك است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۲۱

۲۱ بیشتر مردم به اسباب و علل چشم می دوزند و از حاکمیت اراده خدا و لزوم توکل بر او ، ناآگاهند .

و لکنّ أکثر الناس لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۸ - ۹،۱۳

۹- اکثریت انسان ها ، از قدرت خداوند در احیای مجدد انسان ها ناآگاهند .

بلی وعدًا علیه حقًّا و لکنّ أکثر الناس لایعلمون

ممکن است به قرینهء تناسب موضوع که انکار و اثبات معاد است متعلق <لایعلمون> قدرت خداوند بر احیای مجدد انسانها باشد.

۱۳- اکثریت انسان ها ، درباره حقیقت معاد چیزی نمی دانند .

و لکنّ أکثر الناس لایعلمون

احتمال دارد مفعول به <لایعلمون>، <شیئاً> محذوف باشد و بنابراین نکته یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۱ - ۸،۱۰

۸ - بیشتر مشرکان ، گرفتار جهل و بی دانشی اند .

بل أكثرهم لايعلمون

ضمیر <هم> به مشرکان بازمی گردد.

۱۰ – بیشتر انسان ها ، فاقد آگاهی نسبت به نقش خدای یگانه در ایجاد هماهنگی میان اجزای طبیعت

أمّن جعل الأرض قرارًا .

.. و جعل ... و جعل... أءله مع اللّه بل أكثرهم لايعلمون

ضمير <هم> در <أكثرهم> مى تواند به توده انسان ها بازگردد; بدين گونه كه خداوند نخست مظاهر ژرف هماهنگى نظام طبيعت را برمى شمرد و در پايان تذكر مى دهد كه فهم اين رموز و اسرار، براى بسيارى از مردم دشوار است و آنان به اين اسرار جاهلند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶ - ۴

۴ - اكثر مردم ، از دانش و آگاهى و شناخت حقايق بى بهره اند .

و لكنّ أكثر الناس لايعلمون

براى فعل <لايعلمون> مفعول خاصى آورده نشده است، اين احتمال وجود دارد كه مراد، نفى علم و آگاهى به صورت كلى باشد; يعنى، بيشتر مردم، اهل علم و دانش نيستند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۰ - ۱۸

۱۸ - اكثريت مردم ، به دين حقى كه فطرت انسان ها با آن هماهنگ است ، جاهل اند .

فطرت اللّه . .. و لكنّ أكثر الناس لايعلمون

متعلق <لايعلمون> در آيه نيامده است. احتمال دارد به قرينه ذكر دين فطرى (اسلام)، متعلق آن نكته اى باشد كه در بالا آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۸ - ۴

۴ - بشتر مردم ، از رسالت جهانى پيامبر (ص) بى خبراند .

و ما أرسلنك إلاّ كافّه للناس . .. و لكنّ أكثر الناس لايعلمون

متعلق <لايعلمون> تعيين نشده است; ولى به قرينه اين كه سخن از رسالت جهانى پيامبر(ص) مى باشد، متعلق <لايعلمون> مى تواند همان

رسالت جهانی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۶ - ۵

۵ - بیشتر مردم ، درباره منشأ قبض و بسط روزی بندگان ، آگاهی ندارند .

إنّ ربّی یبسط الرزق لمن یشاء و یقدر و لکنّ أکثر الناس لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۹ - ۱۶،۱۷

۱۶ - ناآگاهی بیشتر مردم ، از شایستگی انحصاری حمد و ستایش برای خداوند

الحمد للّه بل أکثرهم لایعلمون

برداشت یاد شده مبتنی بر این اساس است که متعلق جهل، مسأله حمد و اختصاص آن به خدا باشد; یعنی، <بل أکثرهم لایعلمون أنّ الحمد للّه>.

۱۷ - ناآگاهی بیشتر مردم از شایستگی انحصاری خداوند به عبادت و پرستش و ضرر و زیان شرک

ضرب اللّه مثلًا رجلًا . .. بل أکثرهم لایعلمون

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که متعلق جهل، مسأله برابر نبودن دو مثل مربوط به مؤمن و مشرک و سرنوشت ایمان و شرک باشد; یعنی،<بل أکثرهم لایعلمون أنّهما لایستویان>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۱۸،۱۹

۱۸ - جهل و بی خبری بیشتر انسان ها نسبت به آزمایش بودن نعمت ها و آسودگی ها برای انسان

بل هی فتنه و لکنّ أکثرهم لایعلمون

برداشت بالا مبتنی بر این احتمال است که متعلق علم در <لایعلمون>، فتنه بودن نعمت باشد.

۱۹ - بیشتر انسان ها از منشأ اصلی نعمت ها و آسودگی ها (خدایی بودن آنها) و مقدار تأثیر دانش بشری در پدید آمدن آنها

، بی خبر و ناآگاه اند .

قال إنّما أُوتيته على

علم بل هی فتنه و لکنّ أکثرهم لایعلمون

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که متعلق علم در <لایعلمون>، مطلبی باشد که از جمله <قال إنّما أُوتیته. ..> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۵

۵ - بیشتر مردم ، به عظمت آفرینش جهان و قدرت بی پایان خداوند و امکان حیات مجدد انسان ها در قیامت پی نبرده اند .

لخلق السموت و الأرض أکبر . .. و لکنّ أکثر الناس لایعلمون

برداشت بالا مبتنی بر این احتمال است که متعلق <لایعلمون> مطلبی باشد که در آغاز آیه آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۶ - ۶،۷

۶ - حتمی بودن وقوع قیامت ، به رغم جهل و ناآگاهی بیشتر مردم نسبت به آن

لاریب فیه و لکنّ أکثر الناس لایعلمون

۷ - معاد ، مورد جهل و تردید بیشتر مردم در طول تاریخ

و لکنّ أکثر الناس لایعلمون

از این که به جای ارجاع ضمیر به مشرکان مکه، واژه <الناس> به کار رفته که دارای مفهومی عام و گسترده است مطلب بالا استفاده می شود.

جهل اکثریت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۱۳

۱۳ اغلب درخواست کنندگان نزول معجزات از تأثیر نداشتن آن بر کافران آگاهی نداشتند.

ما کانوا لیؤمنوا إلا أن یشاء الله و لکن أکثرهم یجهلون

مرجع ضـمیر در <أکثرهم> می توانـد مؤمنانی باشـد که خواهان نزول آیات و اجابت درخواست مشـرکان بودند، چنانچه در آیات قبل نیز این احتمال یاد شد.

جهل

اکثریت اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۷ - ۲۰

۲۰ - بیشتر مردم مکه در عصر بعثت ، گرفتار جهل و ناآگاهی نسبت به تعلق اراده الهی بر تضمین امنیت آن مکان مقدس و تأمین روزی ساکنان آن بودند .

أوَلم نمکّن لهم حرمًا ءامنًا . .. و لکنّ أکثرهم لایعلمون

جهل اکثریت ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۷ - ۴

۴ - بیشتر ظالمان ، بی خبر از کیفر های دنیوی و اخروی خویش

و لکنّ أکثرهم لایعلمون

جهل اکثریت کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۶

۶ - بیشتر کافران و مشرکان ستیزه جو و مجادله گر در صدر اسلام ، مردمی غافل و بی خبر از معارف الهی (چون توحید و معاد) بودند .

و لکنّ أکثر الناس لایعلمون

ممکن است مقصود از <الناس> در آیه شریفه، مردم عصر نزول قرآن (چون اهل مکه) باشد. برداشت یادشده بر این احتمال مبتنی است.

جهل اکثریت مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۷ - ۶،۸

۶ ناآگاهی اغلب مشرکان از قدرت خداوند بر فرستادن هرگونه معجزه و نشانه

إن اللّه قادر علی أن ينزل ءايه و لكن أكثرهم لايعلمون

مفعول <لايعلمون>، به قرينه فراز قبل آن، قدرت الهی است، يعنی: <لايعلمون أن اللّه قادر . ..>

۸ ناآگاهی اغلب مشرکان به فلسفه عدم نزول معجزات درخواستی آنان

و قالوا لولا نزل عليه ءايه . .. و لكن أكثرهم لايعلمون

برداشت فوق

بر این اساس است که <لایعلمون> جمله ای مانند <حکمه عدم نزول الأیات> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۱۴،۱۵

۱۴ بسیاری از منکران معاند به تأثیر نداشتن هیچ آیه و معجزه ای در قلب خویش ناآگاه هستند.

و لکن أکثرهم یجهلون

متعلق <یجهلون> در کلام مذکور نیست. ، ولی به قرینه موضوعات مطرح شده در آیه متعلق آن می تواند چنین باشد: <یجهلون عدم إیمانهم>. مرجع ضمیر <أکثرهم> در این برداشت همان مشرکانی هستند که قسم یاد می کردند که در صورت نزول آیتی ایمان خواهند آورد.

۱۵ ناآگاهی اغلب مشرکان لجوج به تعیین کننده بودن مشیت الهی جهت متمایل ساختن آنان به ایمان

ما کانوا لیؤمنوا إلا أن یشاء الله و لکن أکثرهم یجهلون

متعلق <یجهلون> می تواند <مشیه الله> باشد، یعنی اکثر مشرکان به نقش مشیت الهی ناآگاه بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۲۳

۲۳ اکثر مشرکان ، ناآگاه به درستی و استواری توحید و سستی و نادرستی شرک

ما تعبدون من دونه . .. و لکنّ أکثر الناس لایعلمون

برداشت فوق، بر این اساس است که مراد از <الناس> مشرکان باشد. بنابراین <و لکنّ أکثر الناس لایعلمون> گویای این نکته است که: بیشتر مشرکان [حقیقت] را نمی دانند و برخی از آنان بدان آگاهند ; ولی به خاطر عناد یا خوف از دست دادن ریاست و مانند اینها، به توحید نمی گرایند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۰ - ۲۰

۲۰ - اکثر مشرکان ، مردمانی نادان

و جاهل اند .

و لكنّ أكثر الناس لايعلمون

احتمال دارد <ال> در <الناس> عهد بوده و مراد از آن، مشركان باشد كه در آيات پيش درباره آنها سخن گفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۸ - ۵،۶

۵ - موضع گيرى بيشتر مشركان عليه پيامبر (ص) ، به دليل ناآگاهانه بودن آن ، فاقد وجاهت و اعتبار است .

و ما أرسلنك إلاّ كافّه للناس . .. و لكنّ أكثر الناس لايعلمون

ذكر <و لكنّ أكثر الناس لايعلمون> پس از بيان قلمرو رسالت پيامبر(ص) و نقش آن حضرت، مى تواند به منظور دفع توهم باشد. آن توهم اين است كه اكثريت مشركان با رسالت پيامبر(ص) مخالف اند و چنين امرى تأثيرى منفى در رسالت آن حضرت دارد. خداوند جواب مى دهد كه نظر چنين اكثريتى بى فايده است.

۶ - بيشتر مشركان ، از آنچه پيامبر (ص) به آن بشارت مى دهد و يا هشدار مى دهد ، بى خبراند .

بشيرًا و نذيرًا و لكنّ أكثر الناس لايعلمون

متعلق <لايعلمون> محذوف است و احتمال دارد به قرينه ذكر بشارت و انذار در آيه، همين دو باشد. گفتنى است احتمال دارد <ال> در <الناس> عهد بوده و مراد از <الناس> مشركانى باشند كه از آغاز سوره تا اين جا از آنان سخن گفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۶ - ۹

۹ - بيشتر مشركان ، درباره منشأ كمى و زيادى مال و مكنت ، ناآگاه اند .

و قالوا نحن أكثر أمولاً . .. قل إنّ ربّى

يبسط الرزق ... و لكنّ أكثر الناس لايعل

<ال> در <الناس> به قرينه آيات پيشين كه درباره مشركان است مى تواند عهد بوده و به مشركان اشاره داشته باشد.

جهل اكثريت مشركان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۲۴ - ۱۱

۱۱- بيشتر مشركان صدراسلام ، ناآگاه و جاهل به حق بودند .

بل أكثرهم لايعلمون الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۶

۶ - بيشتر كافران و مشركان ستيزه جو و مجادله گر در صدر اسلام ، مردمى غافل و بى خبر از معارف الهى (چون توحيد و معاد) بودند .

و لكنّ أكثر الناس لايعلمون

ممكن است مقصود از <الناس> در آيه شريفه، مردم عصر نزول قرآن (چون اهل مكه) باشد. برداشت يادشده بر اين احتمال مبتنى است.

جهل اكثريت مشركان مكه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۸ - ۱۰

۱۰- اكثر مشركان مكه ، از قدرت خداوند بر احياى مجدد انسان ها بى خبر بودند .

بلى وعدًا عليه حقًّا و لكنّ أكثر الناس لايعلمون

برداشت فوق، بر اساس اين نكته است كه <ال> در <الناس> عهد ذكرى بوده و مراد از آن مشركانى باشند كه در آيات قبل از آنها سخن به ميان آمده است.

جهل انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۶ - ۱۹

۱۹ انسان بدون هدایت الهی ، در تشخیص مصالح و مفاسد خویش دچار اشتباه می شود .

کتب علیکم القتال و هو کره لکم

. .. و انتم لا تعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۳۲ – ۱۶

۱۶ جهلِ انسان به حکمت ها و آثار احکام الهی

فلا تعضلوهنّ . .. و اللّه یعلم و انتم لا تعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۴۷ – ۲۰

۲۰ بینش محدود آدمی ، منشأ اعتراض وی به افعال الهی

قالوا انی . .. و اللّه واسع علیم

جمله <و اللّه واسع علیم> تعریضی به مُعترضین است که شما بینشی محدود دارید و لذا اعتراض به گزینش طالوت (افعال الهی) می کنید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۱۱ – ۲۶،۲۸

۲۶ ناتوانی انسان از شناخت خویشانی که نفعشان به وی نزدیکتر و بیشتر است .

اباءُوکم و ابناؤکم لاتدرون ایّهم اقرب لکم نفعاً

ناتوانی انسان از مقایسه منافع پدر با منافع پسر خویش و تشخیص برترین آنها، نمونه گویای عجز او از شناخت میزان نفع رسانی خویشان است.

۲۸ ناآگاهی از میزان سودمندی وارثان برای دنیا و آخرت آدمی ، دلیل ناتوانی وی برای تعیین صحیح سهام ارث

اباءُوکم و ابناؤکم لاتدرون ایّهم اقرب لکم نفعاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۱۹ – ۱۶

۱۶ عدم آگاهی انسان به تمامی مصالح و مفاسد خویش

فعسی ان تکرهوا شیئاً و یجعل اللّه فیه خیراً کثیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۹ - ۳

۳ درک انتساب ناگواری ها به خداوند از یکسو و انتسابش

به انسان از سوی دیگر ، دور از فهم عموم مردم

قل کلّ من عند اللّه . .. ما اصابک من حسنه فمن اللّه و ما اصابک من سیّئه فمن نفسک

علی رغم اینکه بین رسول خدا و دیگران در قانون پیشامد مشکلات تفاوتی نیست، خطاب را متوجه پیامبر (ص) کرد تا به این نکته اشاره کند که فهم این حقیقت در خور درک عموم نیست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۱۶ – ۱۸

۱۸ انسان ها و حتی پیامبرانی همانند مسیح (ع) ناآگاه به آنچه خداوند در درون ذات خویش دارد .

تعلم ما فی نفسی و لا اعلم ما فی نفسک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۲۴ – ۸

۸ مدت زمان استقرار و سکونت آدمیان در زمین، نامعلوم برای آنان

و لکم فی الأرض مستقر و متع إلی حین

نکره آمدن کلمه <حین> بیانگر این است که مدت زمان سکونت انسانها در زمین نامعلوم است و بدان آگاهی نخواهند یافت.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۸۸ – ۸

۸ انسان ها ، حتی پیامبران ، آگاه به امور غیبی جهان نیستند .

و لو کنت أعلم الغیب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۴۱ – ۱۰

۱۰ ناآگاهی انسان ها ، نسبت به برخی مصالح و منافع واقعی خود

ذلکم خیر لکم إن کنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۵ - ۱۱

غفلت و جهل انسان نسبت به حقیقت اعمال خود در دنیا

فینبئکم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۷ - ۲

۲- وجود رخدادهایی نهانی در آسمان ها و زمین ، غیر قابل کشف برای آدمیان

و لله غیب السموت و الأرض

غیب دانستن برخی از امور و رخدادهای موجود در آسمانها، دلیل آن است که آنها از قلمرو دانش بشر بیرون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۱۶

۱۶ - ذات خداوند ، حقیقتی دست نایافتنی و غیر قابل شناخت برای بشر

اللّه نور السموت و الأرض مثل نوره کمشکوه . .. نور علی نور

برداشت یاد شده، بر اساس این دو نکته ای است که در <تشبیه نور خدا> وجود دارد: ۱- به جای تشبیه ذات خدا، یکی از اوصاف او که نور باشد مورد تشبیه قرار گرفت در حالی که آیه شریفه، در مقام معرفی خود خداوند است. ۲ نور خدا که امری نامحسوس است به چند چیز محسوس و قابل شناخت برای همگان تشبیه شده است. بنابراین ذات خدا، شناختنی نیست و آنچه قابل شناخت است، صفات او می باشد. این شناخت نیز در محدوده شناخت محسوسات میسر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۲ - ۸

۸ - انسان ، موجودی ظلم پیشه و بس نادان است .

و حملها الإنسن إنّه کان ظلومًا جهولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۶ - ۷

جهان ، دارای پدیده های جان داری است که چگونگی حاکمیت قانون زوجیت بر آنها ، برای بشر ناشناخته است .

سبحن الذی خلق الأزوج کلّها . .. و ممّا لایعلمون

متعلق علم در <لایعلمون> ذکر نشده است; ولی به تناسب این که آیه شریفه درصدد بیان حاکمیتِ قانونِ زوجیت بر پدیده های جان دار جهان است، می تواند حاکمیت همین قانون باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۰ - ۷۸

۷ - بشر ، ناتوان از صعود کامل به تمامی آسمان ها و دستیابی به همه حقایق عالم

فلیرتقوا فی الأسبب

<سبب> (مفرد <أسباب>) به معنای ریسمانی است که به وسیله آن فرد از درخت خرما و مانند آن بالا می رود و مقصود از آن می تواند وسیله صعود به آسمان ها باشد. برداشت یاد شده نیز مبتنی بر این احتمال است. گفتنی است: امر <لیرتقوا> در تعجیز به کار رفته است; یعنی، به دنبال وسیله های صعود بروید; ولی هرگز نمی توانید.

۸ - بشر ، ناتوان از دستیابی به حقایق مربوط به گزینش پیامبران و برگزیدن رسولان الهی به انتخاب خود

فلیرتقوا فی الأسبب

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که امر <فلیرتقوا> مربوط به انتخاب پیامبران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۸

۸ - علم و آگاهی انسان ها ، محدود بوده و همواره پاره ای از حقایق برای آنان ناشناخته خواهد بود .

علم الغیب و الشهده

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که نهان و غایب بودن بعضی از امور در مقایسه با

آگاهی انسان ها، سنجیده می شود; وگرنه همه حقایق برای خداوند مشهود و آشکار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۲ - ۱

۱ انسان در دنیا ، گرفتار غفلت و بی خبری نسبت به حقایق اخروی

لقد کنت فی غفله من هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۱ - ۵

۵ - ناتوانی و نادانی انسان ، در آغاز تولد

ذرنی و من خلقت وحیدًا

کلمه <وحیداً> می تواند حال برای مفعول محذوف باشد; یعنی، <خلقته منفرداً>. بر این اساس و به قرینه آیات بعد (و جعلت له مالاً ممدوداً ...)، مقصود از <خلقت وحیداً>، ناتوانی و ناداری انسان در آغاز تولد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۱ - ۹

۹ - ذات خداوند ، حیرت افزا و غیر قابل شناخت است .

اللّه

<اَلِهَ>; یعنی، متحیر ماند. برخی اهل لغت در کلمه <اللّه>، این معنا را مقصود می دانند. (مفردات)

جهل انسان به امانت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۲ - ۱۲

۱۲ - انسان ها ، به رغم پذیرش امانت الهی ، آگاهی همه جانبه از آن نداشتند .

و حملها الإنسن إنّه كان . .. جهولاً

جهل انسان ها

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۹ – ۷

۷ هيچ كس به پايه و زيربناى قوانينى كه ايجاب كننده وجود چيزى يا عامل نابودى آن است آگاهى ندارد .

و عنده أُمّ الكتب

از مصاديق <اُمّ الكتاب> به

قرینه فراز قبل قوانینی است که بر اساس آن محو و اثبات انجام می گیرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸ – ۵

۵- خداوند ، پیوسته موجوداتی را پدید می آورد که انسان ها به آنها آگاهی ندارند .

خلق السموت و الأرض . .. خلق الإنسن ... و الأنعم خلقها لکم ... و یخلق ما لاتعلم

از اینکه <خلق> را در فرازهای قبلی به صورت ماضی و در عبارت اخیر به صورت مضارع به کار برده است، مطلب فوق برداشت می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۸ – ۹،۱۳

۹- اکثریت انسان ها ، از قدرت خداوند در احیای مجدد انسان ها ناآگاهند .

بلی وعدًا علیه حقًّا و لکنّ أکثر الناس لایعلمون

ممکن است به قرینهء تناسب موضوع که انکار و اثبات معاد است متعلق <لایعلمون> قدرت خداوند بر احیای مجدد انسانها باشد.

۱۳- اکثریت انسان ها ، درباره حقیقت معاد چیزی نمی دانند .

و لکنّ أکثر الناس لایعلمون

احتمال دارد مفعول به <لایعلمون>، <شیئاً> محذوف باشد و بنابراین نکته یاد شده قابل استفاده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۸ – ۲،۳

۲- انسان به هنگام تولد از مادر ، فاقد هرگونه دانش و آگاهی است .

أخرجکم من بطون أمّهتکم لاتعلمون شیئًا

۳- عدم برخورداری فرزند انسان از علم و آگاهی از طریق ابزار شنوایی ، بینایی و قلب به هنگام تولد ، از نشانه های تدبیر و

حکمت الهی *

و الله أخرجکم من بطون أمّهتکم لاتعلمون شیئًا

این آیه در مقام

اثبات توحیـد و توجه دادن انسانهـا به آثار و نشانه های الهی است. بنابراین عالم نبودن فرزنـدان و عـدم توجه آنان به موقعیت خویش، در مراحل تولد و پس از آن، می تواند اشاره به حکمت الهی و اهمیت این موضوع در زندگی انسانها داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۹ - ۸،۹

۸ - علم و آگاهی خداوند به اسرار مردم و جهل آنان به اسرار یکدیگر

و اللّه یعلم و أنتم لاتعلمون

برداشت یـاد شـده براسـاس این احتمـال است که مفعول <یعلم> اسـرار مردم و علایق آنان باشـد; چنان که تعبیر <یحبّون> (دوست دارند)، تأیید کننده همین مطلب است.

۹ - انسان ها نسبت به پیامد و بازتاب شوم دنیوی و اخروی اشاعه فحشا در جامعه ، آگاهی درست و کاملی ندارند .

إنّ الذین یحبّون أن تشیع الفحشه . .. و اللّه یعلم و أنتم لاتعلمون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مفعول <لاتعلمون> نتیجه و بازتاب کار زشت اشاعه فحشا و فساد جنسـی در جامعه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۴ - ۵،۷

۵ - انسان ها ، از آینده خود و حتی دستاورد های فردای خویش ، ناآگاه اند .

و ما تدری نفس ماذا تکسب غدًا

۷ - انسان ها ، از جایگاه و مکان مرگ خویش ، بی اطلاع اند .

و ما تدری نفس بأیّ أرض تموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۰ - ۶

۶ - زمان وقوع قیامت ، برای هیچ کس روشن نیست .

يقولون

متی هذا الوعد . .. قل لکم میعاد یوم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند، به سؤال درباره زمان وقوع پاسخ نداده و تنها به حتمی بودن وقوع آن بسنده کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۵

۵ - بیشتر مردم ، به عظمت آفرینش جهان و قدرت بی پایان خداوند و امکان حیات مجدد انسان ها در قیامت پی نبرده اند .

لخلق السموت و الأرض أکبر . .. و لکنّ أکثر الناس لایعلمون

برداشت بالا مبتنی بر این احتمال است که متعلق <لایعلمون> مطلبی باشد که در آغاز آیه آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۱ - ۱۴

۱۴ - ناآگاهی انسان ها ، نسبت به بعضی از مصالح و منافع واقعی خود

ذلکم خیر لکم إن کنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۳ - ۱

۱ - آگاهی به زمان وقوع قیامت حتی برای پیامبر (ص) مقدور نیست .

فیم أنت من ذکریها

<ذکری> به معنای ذکر فراوان است. این کلمه نسبت به کلمه <ذکر>، مبالغه بیشتری دارد (مفردات راغب). مراد از استفهام انکاری در جمله <فیمَ أنت...> این است که ای پیامبر! تو منزلتی نیستی که بتوانی هرگونه اطلاعی را درباره قیامت، به آنان ارائه کنی.

جهل اهل انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۶ - ۴

۴ - جهل و ناآگاهی مردم انطاکیه ، از فلسفه بعثت پیامبران و حکمت گزینش

آنان از میان انسان ها

قالوا ربّنا یعلم إنّا إلیکم لمرسلون

یادآوری علم و دانایی خداوند، پس از تکذیب رسولان الهی به دلیل بشر بودن آنان، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جهل اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۷ - ۱۷

۱۷ ناآگاهی عالمان اهل کتاب (دین فروشان) از ارزش والای دین و تعهّد به پیمان های الهی

فنبذوه . .. و اشتروا به ثمناً قلیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۱۰

۱۰ اهل کتاب و دیگر کافران به دلیل استهزای دین اسلام و احکام و شعایر آن ، @مردمی نادان و بی خرد

اتخذوا دینکم هزواً . .. ذلک بانهم قوم لایعقلون

برداشت فوق بر این مبناست که <لایعقلون> فعلی لازم باشد، یعنی اهل کتاب و کافران، فاقد عقل و اندیشه کافی هستند. اسناد <لایعقلون> به <قوم> که حاکی از بافت خاص اجتماعی آنهاست، این معنی را تأیید می کند.

جهل بادیه نشینان جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۲

۲ بادیه نشینان جزیره العرب در عصر بعثت ، مردمی دور از فرهنگ دینی و جاهلتر از آن بودند که مرز احکام الهی را به درستی بشناسند .

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً و أجدر ألّا یعلموا حدود ما أنزل اللّه

جهل برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۹

۱۹ < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < لتنبئّنهم

بأمرهم هذا و هم لايشعرون > يقول : لايشعرون أنك أنت يوسف . . . ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <لتنبئنّهم. .. و هم لايشعرون> روایت شده که می فرمود: [یعنی]نمی دانند تو همان یوسفی...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۳

۱۳ جهل و ناآگاهی فرزندان یعقوب به حقایقی درباره خداوند

و أعلم من الله ما لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۶،۹،۱۲

۶ برادران یوسف هنگام افکندن او در چاه کنعان ، گرفتار جهل و بی خردی بودند .

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جهلون

۹ یوسف (ع) ضمن اعتراض به عملکرد ناصواب برادرانش ، عذر تقصیرشان (جهل و نادانی) را به آنان القا کرد .

إذ أنتم جهلون

یوسف(ع) با مقید کردن عملکرد ناصواب برادرانش به زمان جهل آنان (إذ أنتم جاهلون) اشاره به این معنا دارد که: من شما را معذور می شمرم چرا که در زمانی مرتکب خلاف شدید که نادان بودید.

۱۲ < عن أبی عبدالله (ع) : . . . کل ذنب عمله العبد و إن کان به عالماً فهو جاهل حین خاطر بنفسه فی معصیه ربه ، و قد قال فی ذلک تبارک و تعالی یحکی قول یوسف لإخوته : < هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جاهلون > فنسبهم إلی الجهل لمخاطرتهم بأنفسهم فی معصیه الله ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: . .. هر گناهی را که بنده انجام دهد اگر چه به گناه بودن آن

آگاه باشـد نادان است ; زیرا خود را به وسـیله معصـیت خدا به خطر انداخته است. خدای تبارک و تعالی در همین مورد، قول یوسـف را خطـاب بـه برادرانش حکـایت کرده کـه گفت: <هـل علمتم مـا فعلتم بیوسـف و أخیه إذ أنتم جـاهلون> [امـام(ع) فرمود:] یوسف به آنان نسبت نادانی داد ; چون خود را به وسیله معصیت خدا به خطر انداخته بودند>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۶ – ۱۵

۱۵ جهل و ناآگاهی فرزندان یعقوب به حقایقی درباره خداوند

ألم أقل لکم إنی أعلم من الله ما لاتعلمون

جهل بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۱ – ۱۷

۱۷ – قوم موسی به مصلحت خویش در انتخاب غذا ناآگاه بودند .

قال أتستبدلون الذی هو أدنی بالذی هو خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۷ – ۱۱،۱۶

۱۱ – موسی (ع) با جاهلانه خواندن استهزای مردم ، پندار قوم خویش را درباره خود ناروا دانست .

قال أعوذ باللّه أن أکون من الجهلین

۱۶ – قوم موسی فاقد معرفت لازم نسبت به مقام شامخ پیامبران (ع)

أتتخذنا هزواً قال أعوذ باللّه أن أکون من الجهلین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۴۷ – ۱۹

۱۹ بینش محدود بنی اسرائیل نسبت به ملاک های حقیقی گزینش ، منشأ اعتراض آنان به برگزیدن طالوت

قالوا انی یکون له الملک علینا . .. و اللّه واسع علیم

جمله <و اللّه واسع علیم> تعریضی به بنی

اسرائیل است که بینش شما محدود و در نتیجه مُعترض به گزینش طالوت شده اید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۳۸ – ۱۴،۱۵،۱۷

۱۴ قوم موسی مردمی جاهل و ناآگاه به ویژگی ها و صفات معبود راستین و شایسته پرستش

قالوا یموسی اجعل لنا إلهاً کما لهم ءالهه قال إنکم قوم تجهلون

۱۵ بی توجهی قوم موسی به نعمت های خدا و گرایش آنان به پرستش غیر او ، برخاسته از جهالت دامنه دار آنان بود .

و جوزنا ببنی إسرءیل البحر . .. قالوا یموسی ... قال إنکم قوم تجهلون

چنانچه از آیه استفاده می شود، گرایش بنی اسرائیل به پرستش غیر خدا پس از عبورشان از دریا و تحقق این نعمت بزرگ الهی بوده است. بنابراین می توان گفت موسی این جهت را نیز در نظر داشته و آنان را جاهل خوانده است. یعنی این بی خردی است که انسان نعمتهای الهی را ببیند و در عین حال به غیر او گرایش پیدا کند. فعل مضارع <تجهلون> بر دامنه داری این بی خردی دلالت می کند.

۱۷ باور به توانمندی بنده ای از بندگان (موسی) بر ساختن و تدارک دیدن معبود ، نشانه جهل و بی خردی بنی اسرائیل

اجعل لنا إلهاً . .. قال إنکم قوم تجهلون

جمله <اجعل لنا إلهاً> دلالت می کند که بنی اسرائیل از موسی که خود فردی از بشر است می خواستند برای آنان خدا و معبود تدارک ببینند. موسی نیز بدین جهت آنان را جاهل شمرد. یعنی این بسیار جاهلانه است که گمان کنید بنده ای از بندگان

خدا می تواند معبودی شایسته پرستش بسازد و تدارک ببیند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۳۹ – ۳

۳ موسی (ع) با تبیین فساد آیین بت پرستی ، بنی اسرائیل را که آرزومند آن آیین بودند ، بر جهلشان واقف ساخت .

قال إنکم قوم تجهلون. إن هؤلاء متبر ما هم فیه و بطل ما کانوا یعملون

جهل به آینده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۳۴ – ۵

۵ – انسان ها ، از آینده خود و حتی دستاورد های فردای خویش ، ناآگاه اند .

و ما تدری نفس ماذا تکسب غدًا

جهل به اجل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۳ – ۱۰

۱۰ انسان ، ناتوان از تشخیص زمان مرگ خویش و پایان زندگانی بشر در دنیا

یمتعکم متعًا حسنًا إلی أجل مسمًّی

نکره آمدن <أجل> اشاره به این دارد که: پایان زندگی انسانها، هر چند مشخص و معین است، ولی برای آنان ناشناخته می ماند و راهی برای آگاهی به آن ندارند. قابل ذکر است که مراد از <أجل> می تواند پایان زندگی هر فرد باشد و محتمل است مقصود از آن، پایان زندگانی مجموعه انسانها در دنیا باشد.

جهل به احکام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۷ – ۷

۷ جاهلان به حدود و احکام الهی همانند بیابان گردان دور از تمدنند ، هر چند که شهر نشین باشند .

الأعراب . .. أجدر ألّا یعلموا حدود ما أنزل اللّه

از

آیه تلازم میان بدوی بودن و ندانستن احکام الهی استفاده می شود.

جهل به احیای مردگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۸ - ۹،۱۰

۹-اکثریت انسان ها ، از قدرت خداوند در احیای مجدد انسان ها ناآگاهند .

بلی وعدًا علیه حقًّا و لکنّ أکثر الناس لایعلمون

ممکن است به قرینهء تناسب موضوع که انکار و اثبات معاد است متعلق <لایعلمون> قدرت خداوند بر احیای مجدد انسانها باشد.

۱۰-اکثر مشرکان مکه ، از قدرت خداوند بر احیای مجدد انسان ها بی خبر بودند .

بلی وعدًا علیه حقًّا و لکنّ أکثر الناس لایعلمون

برداشت فوق، بر اساس این نکته است که <ال> در <الناس> عهد ذکری بوده و مراد از آن مشرکانی باشند که در آیات قبل از آنها سخن به میان آمده است.

جهل به ارزش ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۳ - ۹

۹ - جهل انسان ها به ارزش برتر پاداش های الهی ، آنان را به منافع دنیوی دلبسته کرده و از ایمان و تقوا باز داشته است .

و لو أنهم ءامنوا و اتقوا . .. لو کانوا یعلمون

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <لو> در جمله فوق شرطیه باشد. بر این اساس احتمالاتی قابل تصور است و از آنهاست اینکه مفعول <یعلمون> برتری پاداش الهی گرفته شود و جواب شرط از جمله <و لو أنهم ءامنوا> استفاده گردد; یعنی: <لو کانوا یعلمون ان ثواب اللّه خیر لأمنوا و اتقوا; اگر می دانستند که پاداش الهی از منافع دنیوی برتر است، همانا ایمان

می آوردند و تقوا پیشه می شدند.

جهل به ارزشمندی آفرینش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۳۹ – ۴

۴- بی دانشی نسبت به حقانیت هستی و اهداف ارزشی آفرینش ، عامل انکار معاد

إن هی إلاّ موتتنا الأُولی . .. و لکنّ أکثرهم لایعلمون

از ارتباط میان <إنّ هؤلاء لیقولون> با <و لکنّ أکثرهم لایعلمون> استفاده می شود که انکار معاد، ریشه در جهل نسبت به حقانیت آفرینش دارد.

جهل به تعالیم تورات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۸ – ۳

۳ – عوام یهود ، ناآگاه به محتوای کتاب آسمانی خویش (تورات)

لایعلمون الکتب

جهل به تعالیم دین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۴۴ – ۴

۴ اطلاع ناقص از تعالیم الهی ، زمینه گمراهی

الم تر الی الذین اوتوا نصیباً من الکتب یشترون الضلاله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۸ – ۱۰

۱۰ نسبت دادن خوبی ها به خدا و بدی ها به پیامبر (ص) (ثنویت) ، نشانه دوری کامل از درک دقیق معارف الهی

فمال هؤلاء القوم لا یکادون یفقهون حدیثا

مراد از <حدیثا> به مناسبت مورد، معارف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۸ - ۱۰

۱۰ ناآگاهی از معارف دینی با وجود امکان یادگیری آن ، گناه و ستم بر خویشتن است .

ظالمی انفسهم . .. قالوا الم تکن ارض اللّه واسعه فتهاجروا فیها ..

الّا المستضعفين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۴ – نساء – ۴ – ۱۵۵ – ۱۶

۱۶ ناتوانى از درك معارف دين در نتيجه لجاج و كفر ، كافران را نزد خدا معذور نمى سازد .

بل طبع اللّه عليها بكفرهم

چنانچه مقصود از جمله <قلوبنا غلف> اين معنا باشد كه يهوديان واقعاً از درك تعاليم پيامبر اسلام و يا ديگر انبيا عاجز بودند و بر اين اساس خود را معذور مى پنداشتند، جمله <بل طبع اللّه> بيانگر اين نكته است كه ناتوانى يهود از درك سخنان پيامبر(ص) نمى تواند عذرى در پيشگاه خداوند محسوب شود چون كفرورزى آنان عامل چنين وضعيتى براى آنان شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۴ – نساء – ۴ – ۱۶۲ – ۸

۸ خواسته هاى نابجا ، اعمال ناروا و رذايل اخلاقى يهود ، نشأت گرفته از جهل آنان و ناباورى ايشان نسبت به تعاليم دين

يسئلك أهل الكتب . .. لكن الرسخون فى العلم منهم و المؤمنون

توصيف صالحان يهود با عنوان عالمان ژرفنگر و مؤمنان واقعى، بيانگر اين حقيقت است كه جهل و ناباورى به تعاليم انبيا مايه گرايش عامه يهود به اعمال ناروا و رذايل اخلاقى بوده است.

جهل به حدود خدا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – توبه – ۹ – ۹۷ – ۷

۷ جاهلان به حدود و احكام الهى همانند بيابان گردان دور از تمدنند ، هر چند كه شهر نشين باشند .

الأعراب . .. أجدر ألّا يعلموا حدود ما أنزل اللّه

از آيه تلازم ميان بدوى بودن و ندانستن احكام الهى استفاده مى شود.

جهل

به حقانیت آفرینش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۳۹ – ۴

۴- بی دانشی نسبت به حقانیت هستی و اهداف ارزشی آفرینش ، عامل انکار معاد

إن هی إلّا موتتنا الأُولی . .. و لکنّ أکثرهم لایعلمون

از ارتباط میان <إنّ هؤلاء لیقولون> با <و لکنّ أکثرهم لایعلمون> استفاده می شود که انکار معاد، ریشه در جهل نسبت به حقانیت آفرینش دارد.

جهل به حقایق آفرینش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۱۰ – ۷

۷ – بشر ، ناتوان از صعود کامل به تمامی آسمان ها و دستیابی به همه حقایق عالم

فلیرتقوا فی الأسبب

<سبب> (مفرد <أسباب>) به معنای ریسمانی است که به وسیله آن فرد از درخت خرما و مانند آن بالا می رود و مقصود از آن می تواند وسیله صعود به آسمان ها باشد. برداشت یاد شده نیز مبتنی بر این احتمال است. گفتنی است: امر <لیرتقوا> در تعجیز به کار رفته است؛ یعنی، به دنبال وسیله های صعود بروید؛ ولی هرگز نمی توانید.

جهل به عمل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۵ – ۱۱

۱۱ غفلت و جهل انسان نسبت به حقیقت اعمال خود در دنیا

فینبئکم بما کنتم تعملون

جهل به عوامل انحطاط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۲ - ۳

۳ سیر کنندگان راه سقوط ، ناآگاه به فریبندگی عوامل سقوط خویش

سنستدرجهم من حیث لایعلمون

جهل به غیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم -

۳ – ۴۷ – ۶۸

۳ – مشرکان ، ناآگاه از امور غیبی و ناتوان از ارتباط با عالم غیب

أم عندهم الغیب فهم یکتبون

جهل به قدرت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۶۵ – ۲۲

۲۲ – نشناختن قدرت خدا و پندار قدرت برای غیر او ، از عوامل شرك است .

و من الناس من یتخذ من دون اللّه أنداداً . .. أن القوه للّه جمیعاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۸ – ۹،۱۰

۹– اکثریت انسان ها ، از قدرت خداوند در احیای مجدد انسان ها ناآگاهند .

بلی وعدًا علیه حقًّا و لکنّ أکثر الناس لایعلمون

ممکن است به قرینهء تناسب موضوع که انکار و اثبات معاد است متعلق <لایعلمون> قدرت خداوند بر احیای مجدد انسانها باشد.

۱۰– اکثر مشرکان مکه ، از قدرت خداوند بر احیای مجدد انسان ها بی خبر بودند .

بلی وعدًا علیه حقًّا و لکنّ أکثر الناس لایعلمون

برداشت فوق، بر اساس این نکته است که <ال> در <الناس> عهد ذکری بوده و مراد از آن مشرکانی باشند که در آیات قبل از آنها سخن به میان آمده است.

جهل به قصه یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۰۲ – ۲،۵

۲ سرگذشت یوسف (ع) ، سرگذشتی مهم در تاریخ بشریّت و مخفی مانده بر مردمان تا پیش از بعثت پیامبر (ص)

ذلک من أنباء الغیب

<ذلك> اشاره به داستان یوسف(ع) و قضایای رخ داده در روزگار آن حضرت است ; یعنی: <ذلك النبأ من

أنباء الغیب>.

۵ پیامبر (ص) پیش از نزول قرآن ، از خصوصیات و حقایق داستان یوسف (ع) اطلاعی نداشت .

و ما کنت لدیهم إذ أجمعوا أمرهم

جمله <ما کنت لدیهم> (نزد آنان نبودی) کنایه از بی خبر بودن پیامبر(ص) از داستان یوسف(ع) است.

جهل به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۵ - ۶

۶ - آگاهی نداشتن غیرخدا به لحظه برپایی رستاخیز ، دلیل شایسته نبودن غیر او برای پرستش

و ما یشعرون أیّان یبعثون

با توجه به این که معبودهای دروغین مشرکان، از مصادیق مورد نظر در <ما یشعرون> هستند، از ارتباط آن با صدر آیه استفاده می شود که موجوداتی که زمان رستاخیز بر آنها مکشوف نباشد، اصولاً نمی توانند به عنوان معبود شناخته شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۱۲،۱۳

۱۲ - کافران ، از حقیقت روز قیامت و برانگیختگی مردگان در آن ، همواره ، در جهل و بی اطلاعی اند .

یقسم المجرمون . .. فهذا یوم البعث و لکنّکم کنتم لاتعلمون

۱۳ - کافران ، از وقوع قیامت بی اطلاع اند و برای حضور در آن ، آماده نیستند .

و یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه . .. و لکنّکم کنتم لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۶ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، موظف به اعلام بی اطلاعی خویش از زمان فرا رسیدن قیامت

قل إنّما العلم عند اللّه

پاسخ پیامبر(ص) (علم به زمان برپایی قیامت تنها در انحصار

خداوند است)، می رساند که خود آن حضرت نیز از آن آگاهی نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۶ - ۲

۲ - آگاه نبودن از زمان برپایی قیامت ، بهانه کافران برای انکار آن

یسئل أیّان یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۳ - ۱

۱ - آگاهی به زمان وقوع قیامت حتی برای پیامبر (ص) مقدور نیست .

فیم أنت من ذکریها

<ذکری> به معنای ذکر فراوان است. این کلمه نسبت به کلمه <ذکر>، مبالغه بیشتری دارد (مفردات راغب). مراد از استفهام انکاری در جمله <فیمَ أنت...> این است که ای پیامبر! تو منزلتی نیستی که بتوانی هرگونه اطلاعی را درباره قیامت، به آنان ارائه کنی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۴ - ۵

۵ - انحصار تصمیم گیری درباره قیامت به خداوند ، دلیل ناآگاهی پیامبر (ص) از زمان وقوع آن است .

فیم أنت من ذکریها . إلی ربّک منتهیها

جمله <إلی ربّک. ..>، به منزله تعلیل برای جمله قبل است.

جهل به کوتاهی زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۴ - ۳

۳ - دلبستگی انسان به دنیا ، معلول جهل او به ناچیز بودن عمرش

قل إن لبثتم إلّا قليلًا لو أنّكم كنتم تعلمون

جهل به مصالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۹ - ۱۶

۱۶ عدم آگاهی انسان به تمامی مصالح و مفاسد خویش

فعسی ان

تکرهوا شیئاً و یجعل اللّه فیه خیراً کثیراً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۴۱ – ۱۰

۱۰ ناآگاهی انسان ها ، نسبت به برخی مصالح و منافع واقعی خود

ذلکم خیر لکم إن کنتم تعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۷۱ – ۱۲

۱۲ – کافران حق ستیز ، فاقد بینش و درک لازم نسبت به مصالح و منافع خویش

بل أتینهم بذکرهم فهم عن ذکرهم معرضون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – حجرات – ۴۹ – ۷ – ۱۲

۱۲ – ناتوانی مردم از درک بعضی از مصالح اجتماعی خویش و نیاز آنان به رهبری الهی

لو یطیعکم فی کثیر من الأمر لعنتّم

تعبیر <لعنتّم> می رساند که مردم، تمایلاتی دارند که اگر بنا باشد رهبری جامعه از تمایلات آنان پیروی کند، خود مردم به مشقت می افتند و این نیست مگر از آن جهت که تمایلات و آرای آنان، در چنین مواردی، غیر واقع بینانه و مخالف مصالح واقعی است.

جهل به مفاسد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۱۹ – ۱۶

۱۶ عدم آگاهی انسان به تمامی مصالح و مفاسد خویش

فعسی ان تکرهوا شیئاً و یجعل اللّه فیه خیراً کثیراً

جهل به مقامات موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۱ - ۳

۳ - عدم معرفت همراهان نزدیک موسی (ع) به مقام وی و شکست ناپذیری طرح و برنامه الهی او

و أوحینا إلی موسی أن أسر بعبادی. ..

قال أصحب موسی إنّا لمدرکون

تعبیر <أصحاب موسی> به جای بنی اسرائیل، می تواند تعریضی باشد به این که نه تنها بنی اسرائیل بلکه حتی یاران نزدیک موسی(ع) نیز به موفقیت آمیز بودن طرح و برنامه وی اطمینان نداشتند; بلکه با مشاهده فرعون، شکست موسی(ع) و گرفتاری خود را قطعی می دانستند.

جهل به مقدرات انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۰ - ۳

۳ - محرومیت جن از شناخت مقدّرات الهی ، درباره اهل زمین پس از ممنوعیت آنان از استراق سمع آسمان

و أنّا لاندری أشرّ أُرید بمن فی الأرض أم أراد بهم ربّهم رشدًا

جهل به منشأ امور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۹ - ۷

۷ هیچ کس به پایه و زیربنای قوانینی که ایجاب کننده وجود چیزی یا عامل نابودی آن است آگاهی ندارد .

و عنده أُمّ الکتب

از مصادیق <اُمّ الکتاب> به قرینه فراز قبل قوانینی است که بر اساس آن محو و اثبات انجام می گیرد.

جهل به موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۶ - ۶

۶ - وجود پدیده هایی خارج از قلمرو دانش بشر در جهان

و ممّا لایعلمون

جهل به وقت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۴ - ۴

۴ زمان برپایی قیامت برای انسان ها مجهول است و همچنان مجهول خواهد ماند .

و ما نؤخّره إلّا لأجل معدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۱

۲- خدایانِ مشرکان ، هیچ اطلاعی از زمان وقوع قیامت و رستاخیز خود ندارند .

و ما یشعرون أیّان یبعثون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مرجع ضمیر فاعلی در <یشعرون> و <یبعثون> معبودهای باطل باشد که در آیه قبل از آنها سخن به میان آمده است.

۳- معبود های مشرکان ، بی اطلاع از زمان رستاخیز پرستش کنندگان خویش

و ما یشعرون أیّان یبعثون

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که مرجع ضمیر <یبعثون> پرستشگران اصنام باشد که همان ضمیر فاعلی <یدعون> است.

جهل تفاخرکنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۵ - ۲

۲ - کسانی که به امتیازات مادی ، دل بسته و به آن فخر میورزند ، از علم و یقین محروم و از دستیابی به آن ناتوان اند .

کلاّ لو تعلمون علم الیقین

مخاطبانی که در آغاز سوره، با جمله <ألهیکم التکاثر> توبیخ شدند؛ در این آیه به دلیل حرف <لو> که برای امتناع است محروم از <علم الیقین> معرفی شده اند. اضافه <علم>به <یقین>، اضافه بیانیه و نشانگر این است که علم مورد نظر، علمی است که از هر گونه شکّی به دور باشد.

جهل جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۵ - ۳

۳ - جن ، پیش از نزول قرآن ، از دروغ و ساختگی بودن شرک ، همسرگزینی و فرزندداری خداوند آگاه نبودند .

إنّا سمعنا قرءانًا عجبًا . .. و أنّا ظننّا أن لن تقول الإنس و الجنّ على اللّه كذ

جهل جهنميان

جلد - نام سوره - سوره - آيه -

فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳۸ – ۲۰

۲۰ دوزخیان، از شدت عذاب یکدیگر بی خبرند.

لکل ضعف و لکن لاتعلمون

جهل حق ناپدیران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۷۱ – ۱۲

۱۲ – کافران حق ستیز ، فاقد بینش و درک لازم نسبت به مصالح و منافع خویش

بل أتینهم بذکرهم فهم عن ذکرهم معرضون

جهل در بدعت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۱۹ – ۷

۷– گناه حلال و حرام شمردن امور (بدعت گذاری) ، اگر از سر جهل و نقصان علم باشد در صورت توبه و اصلاح گذشته ها مورد غفران و بخشش الهی است .

لاتقولوا . .. هذا حلل و هذا حرام ... و علی الذین هادوا حرّمنا ... و لکن کانو

جهل در پیری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۰ – ۷

۷– دوران کهنسالی همراه با نادانی ، از پست ترین مراحل زندگی انسان

و منکم من یردّ إلی أرذل العمر لکی لایعلم بعد علم شیئًا

جهل در جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۶۴ – ۱۳

۱۳ هواپرستی و رواج ضدارزش ها ، جهل و محرومیّت از تعالیم دین ، از جلوه های گمراهی مردم ، پیش از ظهور پیامبر (ص)

یزکّیهم و یعلّمهم الکتب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین

جهل دنیاطلبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکاثر – ۱۰۲ –

۲ - ۵

۲ - کسانی که به امتیازات مادی ، دل بسته و به آن فخر میورزند ، از علم و یقین محروم و از دستیابی به آن ناتوان اند .

کلّا لو تعلمون علم الیقین

مخاطبانی که در آغاز سوره، با جمله <ألهیکم التکاثر> توبیـخ شدند; در این آیه به دلیل حرف <لو> که برای امتناع است محروم از <علم الیقین> معرفی شده اند. اضافه <علم>به <یقین>، اضافه بیانیه و نشانگر این است که علم مورد نظر، علمی است که از هر گونه شکّی به دور باشد.

جهل رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۸،۱۹

۱۸ سران کفر و شرک و پیروان آنان، بی خبر از مضاعف بودن عذاب یکدیگر

لکل ضعف و لکن لاتعلمون

مفعول <لاتعلمون> به قرینه <لکل ضعف>، ان لکل ضعفا است.

۱۹ سران شرک و کفر و پیروانشان، بی خبر از مضاعف بودن عذاب خویش

لکل ضعف و لکن لاتعلمون

برداشت فوق مبتنی بر این است که سران شرک نیز، همچون پیروان آنان، مخاطب <لاتعلمون> باشند.

جهل رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۸،۱۹

۱۸ سران کفر و شرک و پیروان آنان، بی خبر از مضاعف بودن عذاب یکدیگر

لکل ضعف و لکن لاتعلمون

مفعول <لاتعلمون> به قرینه <لکل ضعف>، ان لکل ضعفا است.

۱۹ سران شرک و کفر و پیروانشان، بی خبر از مضاعف بودن عذاب خویش

لکل ضعف و لکن لاتعلمون

برداشت فوق مبتنی بر این است که سران شرک نیز، همچون پیروان آنان، مخاطب <لاتعلمون> باشند.

جهل ظالمان

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۱ - ۱۳

۱۳- ظالمان ، از ارزش و اجرت هجرت در راه خدا بی خبرند .

من بعد ما ظلموا . .. لو کانوا یعلمون

برداشت فوق بنابراین احتمال است که مرجع ضمیر <یعلمون> فاعل محذوف فعل <ظلموا> باشد.

جهل عوام یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۸ - ۳،۶

۳ - عوام یهود ، ناآگاه به محتوای کتاب آسمانی خویش (تورات)

لایعلمون الکتب

۶ - بی سوادی عوام یهود و آگاهی نداشتن آنان از تورات ، از دلایل نابجا بودن انتظار ایمان از آنها

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم . .. و منهم أمیون لایعلمون الکتب إلا امانی

جمله <منهم أمیون> عطف بر <قد کان فریق . ..> در آیه <۷۵> است. بنابراین آیه مورد بحث نیز بیانگر علت برای <أفتطمعون ...> می باشد.

جهل عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۶ - ۲۰

۲۰ دانایی خداوند به درون عیسی (ع) و بی خبری عیسی (ع) از درون خداوند ، دلیل نفی الوهیت عیسی (ع) و حصر آن به خداوند .

سبحنک . .. تعلم ما فی نفسی و لا اعلم ما فی نفسک انک انت علّم الغیوب

جمله <سبحنک ما یکون لی . .>، بیانگر یگانگی خداوند و نفی الوهیت از عیسی(ع) است و جمله <تعلم ما فی نفسی و لا

اعلم ...> که حاکی از محدودیت علمی عیسی(ع) و علم مطلق خداوند است، به منزله دلیل آن می باشد.

جهل فرعونیان

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۳۱ – ۷،۸،۱۰

۷ بیشتر فرعونیان ناآگاه به نقش اراده خداوند در ابتلای آنان به سختی ها و ناخوشایندیها

ألا إنما طئرهم عند اللّه و لکن أکثرهم لایعلمون

۸ اکثر فرعونیان زمان موسی مردمی جاهل و ناتوان از تحلیل صحیح رخداد های نیک و بد

و لکن أکثرهم لایعلمون

۱۰ اتهام شومی و نامبارکی به موسی (ع) و پیروانش از فرعونیان ، اتهامی ناروا و برخاسته از جهل آنان بود .

یطیروا بموسی و من معه . .. و لکن أکثرهم لایعلمون

جهل قابیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۷ – ۲۳

۲۳ قابیل ، انسانی ناآشنا به معارف الهی ، بی تقوا و حسود

قال لاقتلنک . .. قال انما یتقبل اللّه من المتقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۱ – ۳،۲۰

۳ قابیل ، ناآگاه از کیفیت دفن و پنهان سازی جثه هابیل

لیریه کیف یوری سوءه اخیه

۲۰ تأسف قابیل بر نادانی خویش و ناتوانی از برابری با حیوانی همچون کلاغ

قال یویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب

جهل قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۳ - ۶

۶- قوم عاد ، مردمی جهالت پیشه و روی گردان از حقایق

و لکنّی أریکم قومًا تجهلون

جهل قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۴ - ۱۲

۱۲ - قوم نوح ، پیش از رسالت آن حضرت ، مردمی بی بهره از

معرفت و دانش و ناآگاه نسبت به معارف و حقایق الهی بودند .

لو کنتم تعلمون

جهل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۳

۳ ناتوانی کافران از درک سود و زیان و سرنوشت شوم خویش

و لا یحسبنّ الّذین کفروا انّما نملی لهم خیر لانفسهم انّما نملی لهم لیزدادوا اثما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۱۰

۱۰ اهل کتاب و دیگر کافران به دلیل استهزای دین اسلام و احکام و شعایر آن ، @مردمی نادان و بی خرد

اتخذوا دینکم هزواً . .. ذلک بانهم قوم لایعقلون

برداشت فوق بر این مبناست که <لایعقلون> فعلی لازم باشد، یعنی اهل کتاب و کافران، فاقد عقل و اندیشه کافی هستند. اسناد <لایعقلون> به <قوم> که حاکی از بافت خاص اجتماعی آنهاست، این معنی را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸ - ۶

۶ ناآگاهی کافران از عواقب هلاکتبار درخواست نزول آشکار ملائکه

و لو أنزلنا ملکا لقضی الأمر ثم لا ینظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۳ - ۱۰

۱۰ انکار آیات الهی نشأت گرفته از روح سرکش و ستمگر کافران است، نه جهل و ناآگاهی آنان

فإنهم لا يكذبكونك و لكن الظلمين بأيت اللّه يجحدون

<جحد> به انكاری كه بر خلاف اعتقاد قلبی باشد گفته می شود. محتمل است ستمكار شمردن منكران در آيه به جهت مخالفت آگاهانه آنان با پيامبر(ص) باشد.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۴ – ۱۱

۱۱ اکثر کافران عصر بعثت ، ناآگاه به ضرورت تقوا برای متولیان مسجدالحرام

إن أولیاؤه إلا المتقون و لکن أکثرهم لایعلمون

مفعول <لایعلمون> حقایقی است که آیه مورد بحث بدان پرداخته است ; از جمله ضرورت تقوا برای والیان مسجدالحرام و نیز استحقاق عذاب برای سدکنندگان مسجدالحرام بر روی مؤمنان.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۹ – ۱۰

۱۰– بی اطلاعی کافران در دنیا ، از دروغ گویی خویش درباره رستاخیز

و أقسموا بالله . .. لایبعث الله من یموت بلی وعدًا علیه ... و لیعلم الذین کفروا أ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۷۹ – ۱۰

۱۰– خداوند ، مدعیان دستیابی به مال و فرزند با کفرورزی را ، در عذاب کفر و جهل خودشان نگاه می دارد .

و نمدّ له من العذاب مدًّا

محتمل است مراد از <العذاب> عذاب گمراهی و کفری باشد که کافر در آن گرفتار است. جمله <فلیمدد له الرحمان مدّاً> در آیات پیشین نیز که تداوم ضلالت گمراهان را بیان کرده از همین مقوله است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳۹ – ۴

۴– کافران ، در دنیا هرگز به سختی و شدت آتش دوزخ و به بی یاوری خود در قیامت پی نخواهند برد .

لو یعلم الذین کفروا حین لایکفّون عن وجوههم النار . .. و لا هم ینصرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <حین> مفعولٌ به برای <یعلم> باشد. در این صورت

پیام آیه چنین می شود: کاش آنان که کافر شدنـد، می دانسـتند و نمی داننـد زمانی را که نمی تواننـد آتش را از چهره ها و... باز بدارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۳ - ۳

۳ - قلب های کافران ، پوشیده در حجاب غفلت و ناآگاهی

بل قلوبهم فی غمره من هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۱۲

۱۲ - کافران حق ستیز ، فاقد بینش و درک لازم نسبت به مصالح و منافع خویش

بل أتینهم بذکرهم فهم عن ذکرهم معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۶ - ۱

۱ - دانش و معرفت درباره آخرت ، خارج از محدوده توان کافران

بل ادّرک علمهم فی الأخره

<تـدارُك> (مصـدر <إدارك>) عبـارت است از پیوسـتن اجزای شـیء به آن شـیء به گونه ای که از آن اجزا، چیزی باقی نمانـده باشـد. <ادّارك علمهم فی الأـخره>; یعنی، آنها (کافران) دانشـشان مصـروف جای دیگری شـده و چیزی از آن باقی نمانـده است تـا بتواننـد آن را دربـاره آخرت به کار برنـد. بنابراین آنان نه مجال آن را دارنـد که با دلایل علمی، آخرت را رد کنند و نه مجال آن را دارند که با برهان های یقینی آن را اثبات کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۱۲،۱۳

۱۲ - کافران ، از حقیقت روز قیامت و برانگیختگی مردگان در آن ، همواره ، در جهل و بی اطلاعی اند .

يقسم المجرمون

. .. فهذا یوم البعث و لکنّکم کنتم لاتعلمون

۱۳ - کافران ، از وقوع قیامت بی اطلاع اند و برای حضور در آن ، آماده نیستند .

و یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه . .. و لکنّکم کنتم لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۹ - ۶

۶ - کافران مجرم ، مردمانی جاهل و نادان به حقایق اند .

المجرمون. .. الذین کفروا... الذین لایعلمون

<لا یعلمون> می تواند صفت دیگری علاوه بر <المجرمون> برای <الذین کفروا> باشد که درباره آنان و موضع گیری هایشان در این آیات، بحث شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۶ - ۴

۴ - کافران ، افرادی فاقد علم و دانش اند .

قال الذین کفروا لاتأتینا الساعه . .. و یری الذین أُوتوا العلم الذی أُنزل إلیك

به قرینه مقابله با آیه <الذین سَعَوْ> که کافران بودند ذکر <أُوتوا العلم> نشان می دهد که آنان فاقد چنین صفتی اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۶ - ۲

۲ - آگاه نبودن از زمان برپایی قیامت ، بهانه کافران برای انکار آن

یسئل أیّان یوم القیمه

جهل کافران پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۹

۱۹ سران شرک و کفر و پیروانشان، بی خبر از مضاعف بودن عذاب خویش

لکل ضعف و لکن لاتعلمون

برداشت فوق مبتنی بر این است که سران شرک نیز، همچون پیروان آنان، مخاطب <لاتعلمون> باشند.

جهل کافران صدراسلام

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۱

۱ - کافران و مشرکان صدراسلام ، آیات الهی را از سر لجاج و ستیزه جویی ، انکار می کردند ; نه از روی جهل و ناآشنایی به آن .

کذلک یؤفک الذین کانوا بأیت اللّه یجحدون

<جحد> (مصدر <یجحدون>) به معنای انکار چیز معلوم و روشن است. آیه شریفه به منزله تعلیل برای مضمون آیه قبل است که در آن، از انکار آیات الهی و دور شدن از عبادت خداوند، اظهار شگفتی شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۱ - ۲

۲ - گروهی از کافران در عصر پیامبر (ص) ، بی خبر از موضع قاطع آن حضرت در برابر کفر و امیدوار به تنزل او در برابر شرک

قل یأیّها الکفرون

ادامه سوره، قرینه است بر این که مراد از <الکافرون>، همه کافران نیستند; بلکه تنها آن گروه مخاطب اند که امیدی به ایمان آنان نمی رفت. سخن گفتن با آنان در این باره که پیامبر(ص) اهل سازش نیست بیانگر آن است که آنان تسامح و تساهل را برای آن حضرت، امکان پذیر می پنداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۳ - ۷

۷ - کافران ، از معبود پیامبر (ص) ، شناخت نادرست و تصوری در حد معبود های خویش داشتند .

ما تعبدون . .. ما أعبد

کلمه <ما> در معنایی اعم از عاقل و غیر عاقل به کار می رود، به کار نبردن کلمه <من> که تصریح به

عاقل بودن است به جهت بیان این نکته است که مشرکان، معبود پیامبر(ص) را در سطح معبودان خویش می پنداشتند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – کافرون – ۱۰۹ – ۵ – ۷

۷ – کافرانِ عصر بعثت ، از خداوند شناختی ناقص و در حد شناخت خدایان خویش داشتند .

و لا أنتم عبدون ما أعبد

کلمه <ما>، بیانگر برداشت یاد شده است.

جهل کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۶ – ۶

۶ – جهل ، عامل رویکرد کافران مکه به خرید داستان های بی اساس بود .

و من الناس من یشتری لهو الحدیث . .. بغیر علم

<بغیر علم> متعلق به فعل <یشتری> است.

جهل گمراهان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳۰ – ۱۱

۱۱ بی خبری گمراهان از ضلالت خویش، نابود کننده زمینه های هدایت در آنان

فریقا حق علیهم الضلله إنهم اتخذوا . .. و یحسبون أنهم مهتدون

جهل گناهکار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۱۷ – ۴،۱۰

۴ گناهکار ، جاهل است .

یعملون السّوء بجهاله

با توجّه به توضیح فیش قبل.

۱۰ گناهکار ، جاهل و سبک مغز است ، اگر چه آگاه به گناه بودن عملش باشد .

انّما التّوبه علی اللّه للّذین یعملون السوء بجهاله

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: کلّ ذنب عمله العبد و ان کان به عالما فهو جاهل حین خاطر بنفسه فی معصیه ربّه . .. .

تفسیرعیاشی، ج ۱، ص ۲۲۸، ح ۶۲ ; تفسیر برهان، ج ۱،

ص ۳۵۴، ح ۶.

جهل گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۱۲

۱۲ < عن أبی عبدالله (ع) : . . . کل ذنب عمله العبد و إن کان به عالماً فهو جاهل حین خاطر بنفسه فی معصیه ربه ، و قد قال فی ذلک تبارک و تعالی یحکی قول یوسف لإخوته : < هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جاهلون > فنسبهم إلی الجهل لمخاطرتهم بأنفسهم فی معصیه الله ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: . .. هر گناهی را که بنده انجام دهد اگر چه به گناه بودن آن آگاه باشد نادان است ; زیرا خود را به وسیله معصیت خدا به خطر انداخته است. خدای تبارک و تعالی در همین مورد، قول یوسف را خطاب به برادرانش حکایت کرده که گفت: <هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جاهلون> [امام(ع) فرمود:] یوسف به آنان نسبت نادانی داد ; چون خود را به وسیله معصیت خدا به خطر انداخته بودند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱۳

۱۳- ارتکاب گناه کبیره هر چند جاهلانه ، تقلیدی و تحت تأثیر تبلیغات باشد ، کیفر دارد .

لیحملوا أوزارهم . .. و من أوزار الذین یضلّونهم بغیر علم

این برداشت، مبتنی بر این اساس است که <من> برای تبعیض و <بغیر> حال برای ضمیر مفعولی باشد. بنابراین معنای عبارت چنین می شود: آنان به دوش می کشند گناهان خود و بخشی از گناه گمراه شدگان به دست خود را،

هر چند اینها عالم نبوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۹ - ۶

۶ - کافران مجرم ، مردمانی جاهل و نادان به حقایق اند .

المجرمون. .. الذین کفروا... الذین لایعلمون

<لا‌یعلمون> می تواند صفت دیگری علاوه بر <المجرمون> برای <الذین کفروا> باشد که درباره آنان و موضع گیری هایشان در این آیات، بحث شده است.

جهل گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۹ - ۵

۵ - گوساله پرستان بنی اسرائیل ، مردمی جاهل و دور ازاندیشه و فکر

أفلایرون ألّایرجع إلیهم قولاً

جهل مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۷ - ۱۴

۱۴ عموم مردم نمی دانند که آگاهی به زمان قیامت در انحصار خداوند است .

و لکن أکثر الناس لایعلمون

مفعول <لایعلمون> معنایی است که از <انما علمها . .. > به دست می آید.

جهل مردم شمال سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۹۴ – ۱۰

۱۰– مردم منطقه شمال ، برخوردار از امکانات مادّی ، ولی فاقد شناخت های فنی بودند .

فهل نجعل لكَ خرجًا على أن تجعل بيننا و بينهم سدًّا

جهل مردم صدر اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۰ – ۹

۹ مردم عصر بعثت خداوند را به اسم و وصف < الرحمان > نمی شناختند و بدان کفر میورزیدند .

و هم یکفرون بالرحمن

بسیاری از مفسران برآنند که مراد از کفر مردم عصر بعثت

به <الرحمان> عـدم آشـنایی آنان با این اسم برای خداونـد است ; یعنی، خداونـد را با این اسم و وصف نمی شـناختند و آن گـاه که قرآن خداونـد را به اسم <الرحمـان> توصـیف کرد، انکـار کردنـد و گفتنـد <رحمان> دیگر کیست و چه خـدایی است؟

جهل مرفهان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۶ - ۳

۳ - ثروتمندان شرک پیشه و فریفته مال و فرزند در صدراسلام ، اشخاصی بی شعور و نادان بودند .

أیحسبون أنّما نمدّهم به من مال و بنین . .. بل لایشعرون

جهل مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۰

۱۰ - مشرکان ، مردمی جاهل هستند .

کذلک قال الذین لایعلمون

<لایعلمون> در جمله فوق، به منزله فعل لازم و بی نیاز از مفعول است. بنابراین <الذین لایعلمون>; یعنی، جاهلان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۴،۱۹

۴ - شرک برخاسته از جهل و مشرکان مردمی نادانند .

و قال الذین لایعلمون

مراد از <الـذین لاـیعلمون>، مشـرکان است. توصـیف مشـرکان به نادانان، اشاره به دو حقیقت دارد: اول اینکه ریشه شـرک، جهل است و دوم اینکه، پیشنهاد آنان مبنی بر سخن گفتن با خدا با آنها و یا آمدن معجزه، نشانه نادانی ایشان است.

۱۹ - مشرکان بر اثر جهل و لجاجت ، آیات قرآن را نشانه ای بر حقانیت پیامبر نمی شمردند .

قال الذين لايعلمون لولا . .. تأتينا ءايه ... قد بيّنّا الأيت لقوم يوقنون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵

- انعام - ۶ - ۵۰ - ۱۵

۱۵ توقّعات بیجای مشرکان از پیامبر(ص)، برخاسته از نادانی

قل لا أقول لکم عندی خزائن اللّه و . .. قل هل یستوی الأعمی و البصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۹ - ۲

۲ شرک پیشگان عرب جاهلی ، مردمانی ناآشنا به جهان آخرت و حقایق روز بازپسین

بل کذبوا بما لم یحیطوا بعلمه و لما یأتهم تأویله

مراد از <ما لم یحیطوا بعلمه> به قرینه جمله بعد (و لما یأتهم تأویله) می تواند قیامت باشد. در این صورت، جمله <لم یحیطوا ... > بیانگر این است که: موضوع قیامت برای مشرکان عرب جاهلی موضوعی بی سابقه و نوی بود و آنان در گذشته نسبت به آن در بی خبری محض به سر می بردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۵ - ۶

۶ بیشتر مشرکان ، نسبت به مالکیت مطلق خداوند بر جهان هستی و تحقق قطعی وعده های او ، جاهل و ناآگاهند .

ألا إن للّه ما فی السموت . .. ألا إن وعد اللّه حق و لکن أکثرهم لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۱۹

۱۹ اکثریت مردم (مشرکان) ، ناآگاه به استواری توحید و یگانه پرستی و اتکای آن بر برهان

ذلک الدین القیم و لکنّ أکثر الناس لایعلمون

در برداشت فوق ، <الناس> عموم مردم گرفته شده است. بر این اساس ، مقصود از <أکثر> مشرکان خواهد بود. مفعول <لایعلمون> به قرینه جمله های قبل ، استواری

توحید بر برهان و دلیل برهانی نداشتن شرک است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۳ – ۶

۶- پرستش عناصر بی تأثیر و ناتوان ، نشان کوتاه نظری و ناآگاهی مشرکان است .

و یعبدون من دون الله ما لایملک لهم رزقًا . .. و لایستطیعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۵ – ۱۷

۱۷- بیشتر مشرکان نسبت به حقیقت صفات خدا و قابل مقایسه نبودن مخلوقات با او ، ناآگاهند .

بل أکثرهم لایعلمون

برداشت فوق به خاطر این است که صدر آیه سخن از قابل مقایسه نبودن خلق با خدا بود و نفی علم (لایعلمون) نیز به همین زمینه نظر دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۵۴ – ۵

۵ – پیامبر (ص) ، مأمور وانهادن شرک پیشگان متعصب در غرقاب جهل و گمراهی شان

فذرهم فی غمرتهم حتّی حین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۶۱ – ۸،۹

۸ – بیشتر مشرکان ، گرفتار جهل و بی دانشی اند .

بل أکثرهم لایعلمون

ضمیر <هم> به مشرکان بازمی گردد.

۹ - پافشاری برخی از مشرکان بر شرک ، معلول تعصب یا اهداف خائنانه است ، نه ناشی از نادانی صرف .

بل أکثرهم لایعلمون

قید <أکثر> بیانگر این واقعیت است که در میان مشرکان، کسانی وجود دارند که علی رغم آگاهی به بطلان شرک، به خاطر اهداف نادرستی از آن حمایت می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۱

۹ - معبود گزینیِ مشرکان ، سخت بی بنیاد و جاهلانه است .

مثل الذین اتّخذوا من دون اللّه أولیاء کمثل العنکبوت اتّخذت بیتًا و إنّ أوهن البی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۴ - ۷

۷ - مشرکان ، از بازیچه بودن حیات دنیوی و حیات راستین بودن عالم آخرت ، بی خبرند .

و لئن سألتهم من . .. و ما هذه الحیوه الدنیا ... لو کانوا یعلمون

بنابراین که ضمیر فاعلی <یعلمون> به قرینه سیاق مشرکانی باشد که در آیات پیشین، از آنها سخن گفته شده است، نکته بالا، قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۵ - ۱۰،۱۵

۱۰ - مشرکان ، از اختصاص داشتن همه حمد و سپاس ها به درگاه خداوند ، بی خبرند .

قل الحمد للّه بل أکثرهم لایعلمون

بنابراین احتمال که متعلق و مفعولٌ به <لایعلمون> همین فرمانی باشد که خداوند به پیامبر(ص) فرموده است (لایعلمون أنّ الحمد للّه)، نکته بالا قابل استفاده است.

۱۵ - جهل و بی خبری مشرکان ، باعث قبول نکردن دین الهی و روی آوردن آنان به آیین و سنت های بی پایه پدران خود است .

و إذا قیل لهم اتّبعوا ما أنزل اللّه قالوا بل نتّبع ما وجدنا علیه ءاباءنا . .. و

برداشت بالا، براساس این احتمال است که <لایعلمون> مفعولٌ به و متعلق نداشته باشد و درصدد نفی علم از مشرکان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۳ - ۵،۶،۸،۹

۵ – مشرکان ، بدون این که

درباره قیامت و حشر آگاهی داشته باشند ، آن را انکار می کنند .

و قال الذین کفروا لاتأتینا الساعه . .. و یقذفون بالغیب

متعلق <یقذفون بالغیب> ذکر نشده و به قرینه مقام می تواند حشر، پیامبر(ص) و قرآن باشد. برداشت یاد شده بنابر احتمال اول است. گفتنی است که مراد از <یقذفون بالغیب> و براساس تخمین و ناآگاهانه اظهار نظر کردن است.

۶ - نسبت دادن ساختگی بودن قرآن از سوی مشرکان ، ناآگاهانه و به دور از علم بوده است .

قالوا ما هذا إلاّ سحر مبین . .. و قد کفروا به من قبل و یقذفون بالغیب

۸ - نسبت دادن شریک به خداوند از ناحیه مشرکان ، ناآگاهانه و از روی حدس و تخمین است .

و یوم یحشرهم . .. ثمّ یقول للملئکه أهؤلاء إیّاکم کانوا یعبدون ... و قد کفروا ب

۹ - حدس و تخمین مشرکان درباره حشر و قیامت ، بسیار دور از واقعیت بوده است .

و قد کفروا به من قبل و یقذفون بالغیب من مکان بعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۸ - ۵

۵ - مشرکان ، مدعی بی اطلاعی از سرنوشت خوب و بد مؤمنان و یکتاپرستان گذشته بودند .

لو أنّ عندنا ذکرًا من الأوّلین

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <ذکر> در آیه شریفه به معنای <علم> باشد و مقصود از <الأوّلین> موحدان و مؤمنان گذشته باشد. بر این اساس معنا و پیام آیه چنین می شود: اگر ما از سرنوشت مؤمنان و موحدان گذشته آگاه بودیم و از جایگاه خوب آنان مطلع می شدیم، همچون آنان توحید

الهی و بندگی خدای یکتا را می پذیرفتیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۸۰ - ۶

۶ - ناآگاهی مشرکان از منزلت و قدرت پروردگار جهان

سبحن ربّک ربّ العزّه عمّا یصفون

تنزیه و مبرا دانستن خداوند از توصیف های مشرکان، گویای این حقیقت است که آنان، معرفتی نسبت به خداوند جهان نداشتند و از قدر و منزلت او بی اطلاع بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۴ - ۳

۳ - مشرکان ، مردمی نادان اند .

أفغیر اللّه تأمرونّی أعبد أیّها الجهلون

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <جاهلون> لازم بوده و متعلقی نداشته باشد. در این صورت این واژه حاکی از سجیه و صفت دائمی مشرکان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۷ - ۱

۱ - مشرکان ، خدا را آن گونه که شایسته او است ، نشناخته و ارج ننهادند .

و ما قدروا اللّه حقّ قدره

بیشتر مفسران و اهل ادب جمله <و ما قدروا اللّه. ..> را به معنای <ما عرفوا اللّه> و <ما عظموا اللّه> معنا کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۷ - ۳

۳ - مشرکان ، ناآگاه از امور غیبی و ناتوان از ارتباط با عالم غیب

أم عندهم الغيب فهم يكتبون

جهل مشركان پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۸

۱۸ سران کفر و شرك و پیروان آنان، بی خبر از مضاعف

بودن عذاب یکدیگر

لکل ضعف و لکن لاتعلمون

مفعول <لاتعلمون> به قرینه <لکل ضعف>، ان لکل ضعفا است.

جهل مشرکان دوران جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۰ - ۶

۶ مشرکان عصر جاهلی به سفاهت خویش در فرزندکشی ناآگاه بودند.

قد خسر الذین قتلوا أولدهم سفها بغیر علم

<باء> در <بغیر علم> به معنای ملابسه و وصف برای <سفها> است. لذا معنی آیه چنین می شود: سفاهتی خالی از علم.

جهل مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۱۱

۱۱ مشرکان صدر اسلام ، مردمانی نادان و گرفتار جهل بودند .

ذلک بأنهم قوم لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۶ - ۳

۳ - ثروتمندان شرک پیشه و فریفته مال و فرزند در صدراسلام ، اشخاصی بی شعور و نادان بودند .

أیحسبون أنّما نمدّهم به من مال و بنین . .. بل لایشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۱

۱ - کافران و مشرکان صدراسلام ، آیات الهی را از سر لجاج و ستیزه جویی ، انکار می کردند ; نه از روی جهل و ناآشنایی به آن .

کذلک یؤفک الذین کانوا بأیت اللّه یجحدون

<جحد> (مصدر <یجحدون>) به معنای انکار چیز معلوم و روشن است. آیه شریفه به منزله تعلیل برای مضمون آیه قبل است که در آن، از انکار آیات الهی و دور شدن از عبادت خداوند، اظهار شگفتی شده بود.

جهل معبودان باطل

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۲۱ – ۲،۳

۲– خدایانِ مشرکان ، هیچ اطلاعی از زمان وقوع قیامت و رستاخیز خود ندارند .

و ما یشعرون أیّان یبعثون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مرجع ضمیر فاعلی در <یشعرون> و <یبعثون> معبودهای باطل باشد که در آیه قبل از آنها سخن به میان آمده است.

۳– معبود های مشرکان ، بی اطلاع از زمان رستاخیز پرستش کنندگان خویش

و ما یشعرون أیّان یبعثون

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که مرجع ضمیر <یبعثون> پرستشگران اصنام باشد که همان ضمیر فاعلی <یدعون> است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۵۶ – ۴

۴– معبود های مشرکان ، موجوداتی ناآگاه و بی خبر

و یجعلون لما لایعلمون نصیبًا

احتمال دارد مرجع ضمیر، <یعلمون>، <إلهه> باشد که از <ما> به دست می آید. بنابراین، جمله <لایعلمون> در بیان توصیف <ما> است.

جهل معترض به عبدالله بن ام مکتوم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۳ – ۵

۵ – اعتراض کننده به حضور ابن ام مکتوم در مجلس پیامبر (ص) ، فردی ناآشنا به صفات نفسانی او و ناتوان از شناخت صالحان

أن جاءه الأعمى . و مايدريك لعلّه يزّكّی

جهل معرضان از خدا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۳۷ – ۵

۵ – خداگريزان ، بر اثر نادانی و گمراهی ، خود را هدايت يافته و راه جسته می پندارند .

و يحسبون أنّهم مهتدون

جهل معرضان از دين

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۹۵ – ۱۱

۱۱– روی گردانان از تکالیف و تعهدات الهی ، مردمی ناآگاه و بی توجه به پاداش های برتر خداوندی اند .

و لاتشتروا بعهد الله . .. إنما عند الله هو خیر لکم إن کنتم تعلمون

جهل مکذبان آیات خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۰۰ – ۳

۳ کسانی که پیامبران الهی را تکذیب کنند و به آیات و نشانه های خدا ایمان نیاورند ، مردمی بی خرد و نادان هستند .

و یجعل الرجس علی الذین لایعقلون

مراد از <الذین لایعقلون> به قرینه مقابله با <ما کان لنفس أن تؤمن . ..> تکذیب کنندگان و کافران هستند. گفتنی است ذکر <لایعقلون> به جای <لایؤمنون> برداشت فوق را تأیید می کند.

جهل مکذبان انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۰۰ – ۳

۳ کسانی که پیامبران الهی را تکذیب کنند و به آیات و نشانه های خدا ایمان نیاورند ، مردمی بی خرد و نادان هستند .

و یجعل الرجس علی الذین لایعقلون

مراد از <الذین لایعقلون> به قرینه مقابله با <ما کان لنفس أن تؤمن . ..> تکذیب کنندگان و کافران هستند. گفتنی است ذکر <لایعقلون> به جای <لایؤمنون> برداشت فوق را تأیید می کند.

جهل مکذبان قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۹ – ۵

۵ آنان که الهی بودن قرآن و حقانیّت آن را باور ندارند ، کوردل و جاهلند .

أفمن يعلم أنما أُنزل إليك من

ربک الحق کمن هو أعمی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۰۱ – ۷

۷- بیشتر منکران و تکذیب کنندگان قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، به حقیقت نسخ و حکمت آن جاهل بودند .

و إذا بدّلنا ءایه . .. أکثرهم لایعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۴۴ – ۶

۶ – عوامل و زمینه های سقوط و هلاکت تکذیب گران ، ناشناخته برای خود آنان

سنستدرجهم من حیث لایعلمون

جهل مکذبان قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۱۱ – ۱

۱ – منکران روز جزا ، فرومانده در گرداب جهالت و گرفتار غفلت و بی خبری

الذین هم فی غمره ساهون

<غمره> به معنای فرو رفتن در جهل و نادانی و <ساهی> به معنای غافل و بی خبر است.

جهل مکذبان محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۰۱ – ۷

۷- بیشتر منکران و تکذیب کنندگان قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، به حقیقت نسخ و حکمت آن جاهل بودند .

و إذا بدّلنا ءایه . .. أکثرهم لایعلمون

جهل ملائکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۳۰ – ۱۹

۱۹ فرشتگان ، ناآگاه به زمینه های کمال و ارزش های والای انسان

إنی أعلم ما لاتعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۳۲ – ۱

۱ – فرشتگان ، ناآگاه به حقایق عرضه شده بر آنان و ناتوان

از بیان اسامی آنها

ثم عرضهم علی الملئکه . .. قالوا سبحنک لاعلم لنا إلا ما علمتنا

جهل منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹ - ۶

۶ - منافقان ، به خودفریبیِ خویش و نیرنگبازی با خود ، ناآگاه هستند .

و ما یخدعون إلا أنفسهم و ما یشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲ - ۴

۴ - منافقان ، بی خبر از فسادپیشگی و تبهکاری خویش

و لکن لایشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳ - ۹

۹ - منافقان ، بی خبر از سفاهت و بی خردی خویش

ألا إنهم هم السفهاء و لکن لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶ - ۴

۴ - منافقان ، به سود و زیان واقعی خویش آگاهی ندارند .

و ما کانوا مهتدین

متعلق <مهتدین> به دلیل جمله های قبل، سود و زیان واقعی است; یعنی: و ما کانوا مهتدین الی منافعهم و مضارهم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۰ - ۵

۵ - منافقان ، سزاوار محروم شدن از توانایی شناخت معارف الهی هستند .

و لو شاء اللّه لذهب بسمعهم و أبصرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱۹

۱۹ منافقان ، مردمانی محروم از درک حقایق اخروی

لو کانوا یفقهون

به کارگیری کلمه <لو> که برای تمنی است حکایت از آن دارد که منافقان از درک حقایق اخروی

ناتوانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۸ - ۱۲،۱۳

۱۲ - منافقان ، عناصری نادان و بی بهره از معارف بلند الهی

و للّه العزّه و لرسوله و للمؤمنین و لکنّ المنفقین لایعلمون

۱۳ - درک عزّتمندی خدا ، پیامبر (ص) و مؤمنان ، بیرون از توان ذهنی منافقان جاهل

و للّه العزّه . .. و لکنّ المنفقین لایعلمون

جهل موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۵ - ۶

۶ - آگاهی نداشتن غیرخدا به لحظه برپایی رستاخیز ، دلیل شایسته نبودن غیر او برای پرستش

و ما یشعرون أیّان یبعثون

با توجه به این که معبودهای دروغین مشرکان، از مصادیق مورد نظر در <ما یشعرون> هستند، از ارتباط آن با صدر آیه استفاده می شود که موجوداتی که زمان رستاخیز بر آنها مکشوف نباشد، اصولاً نمی توانند به عنوان معبود شناخته شوند.

جهل مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۱ - ۱۲

۱۲- مهاجران ، از فواید دنیوی و پاداش اخروی هجرت در راه خدا بی خبرند .

و الذین هاجروا . .. لأجر الأخره أکبر لو کانوا یعلمون

جهل همراهان موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۱ - ۳

۳ - عدم معرفت همراهان نزدیك موسی (ع) به مقام وی و شکست ناپذیری طرح و برنامه الهی او

و أوحینا إلی موسی أن أسر بعبادی. .. قال أصحب موسی إنّا لمدرکون

تعبیر <أصحاب موسی> به جای بنی اسرائیل، می تواند تعریضی باشد به این که

نه تنها بنی اسرائیل بلکه حتی یاران نزدیک موسی(ع) نیز به موفقیت آمیز بودن طرح و برنامه وی اطمینان نداشتند; بلکه با مشاهده فرعون، شکست موسی(ع) و گرفتاری خود را قطعی می دانستند.

جهل هواپرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۴ - ۱۰

۱۰ هواپرستان ، در شناخت راه آدمیت و سعادت و گام زدن در آن ، بسی ناتوان تر و گمراه تر از چهارپایان

إن هم إلّا کالأنعم بل هم أضلّ سبیلاً

جهل یوشع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۴ - ۳

۳- همسفر موسی ، با وجود ناآگاهی از علائم جایگاه ملاقات او با خضر ، همگام موسی (ع) وخواهان به مقصد رسیدن او بود .

ذلک ما کنّا نبغ

جهل یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۴۶

۴۶ - یهودیان ، ناآگاه به سودای زیانبار خویش (از دست دادن آخرت و دستیابی به منافع سحر)

لبئس ماشروا به أنفسهم لو کانوا یعلمون

مفعول <یعلمون> - به دلیل قبل - زیانباری فروختن مواهب آخرت در مقابل منافع دنیوی است; یعنی، ای کاش! می دانستند که این داد و ستد برای آنان زیانبار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۱ - ۵

۵ کوته فکری یهود در معارف الهی و صفات خداوند

لقد سمع اللّه قول الّذین قالوا انّ اللّه فقیر و نحن اغنیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴

۱۳ دل های یهودیان بر خلاف ادعایشان تهی از دانش و ناتوان از درک تعالیم پیامبر اسلام (ص)

قولهم قلوبنا غلف بل طبع اللّه علیها

برداشت فوق بر این اساس است که مقصود یهودیان از جمله <قلوبنا غلف> ادعای برخورداری از دانش وافر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۸،۹

۸ خواسته های نابجا ، اعمال ناروا و رذایل اخلاقی یهود ، نشأت گرفته از جهل آنان و ناباوری ایشان نسبت به تعالیم دین

یسئلك أهل الکتب . .. لکن الرسخون فی العلم منهم و المؤمنون

توصیف صالحان یهود با عنوان عالمان ژرفنگر و مؤمنان واقعی، بیانگر این حقیقت است که جهل و ناباوری به تعالیم انبیا مایه گرایش عامه یهود به اعمال ناروا و رذایل اخلاقی بوده است.

۹ جهل ، سطحی نگری و روحیه ناباوری در اکثریت یهود ، مایه کفر آنان به قرآن و دیگر کتب آسمانی

لکن الرسخون فی العلم منهم و المؤمنون یؤمنون بما أنزل إلیك و ما أنزل من قبلك

در برداشت فوق کلمه <لکن> استدراك از جمله <فلایؤمنون الا قلیلا> (۱۵۵) گرفته شده است، یعنی اکثر یهودیان ایمان نمی آورند و لکن عالمان ژرفنگر ایشان و آنانکه اهل باور به حقیقت هستند به قرآن ایمان خواهند آورد. بنابراین جمله <لکن ...> می رساند که جهل و روحیه ناباوری در اکثریت یهود مانع ایمان آوردن آنان به قرآن شده است.

جهل یهود صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۱۸

۱۸ تورات دربردارنده حقایق و

معارفی بود که نه یهود زمان پیامبر(ص) بر آن آگاهی داشتند و نه پدران آنها.

و علمتم ما لم تعلموا أنتم و لا ءاباؤكم

خدا و جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۲ - ۳

۳ - خداوند ، منزه از آن است که به اسرار و نهان موجودات آگاه نباشد .

أنبئونی بأسماء هؤلاء . .. قالوا سبحنک

در مقامی که سخن متکلم موجب توهم نقصی برای خدا شود، کلمه <سبحانک> و مانند آن به کار می رود. گویا فرشتگان چون در مقام پاسخگویی هستند، از سخنشان این توهم به وجود می آید که خداوند از پیش به پاسخ آنان آگاهی ندارد. هدف ایشان از گفتن <سبحانک> ابراز منزّه دانستن خداوند از چنین منقصتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱۵

۱۵ - آگاه نبودن خدا به اسرار نهانی انسان ها ، از باور ها و پندار های باطل یهود

أتحدثونهم بما فتح اللّه علیکم لیحاجوکم به عند ربکم

از جمله <أتحدثونهم . .. لیحاجوکم> چنین بر می آید که یهود آن گاه راه احتجاج علیه خویش را گشوده می دیدند که حقایق و دانسته های خویش را آشکار کنند; ولی اگر حقایق را آشکار نکنند علیه آنان احتجاج نمی شود و مؤاخذه نمی گردند. این پندار بیانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۷ - ۴

۴ - محدود پنداشتن علم خدا به امور آشکار و محسوس ، پنداری است باطل و معتقدان به آن سزاوار توبیخ و سرزنش هستند

.

أو لايعلمون أن اللّه يعلم ما يسرون و ما يعلنون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۸ - ۶

۶ راه نيافتن هيچگونه ضعف و كاستى، گزافه، جهل و اشتباه در حريم خداوند

و هو القاهر فوق عباده و هو الحكيم الخبير

از صفات <قاهر>، <حكيم> و <خبير>، كه براى خداوند بيان شده، برداشت فوق استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۱۸ - ۱۷

۱۷ از على (ع) روايت شده كه فرمود : < اما ما لا_ يعلمه اللّه ، فلا يعلم اللّه أن له شريكاً و لا وزيراً و لا صاحبه و لا ولداً و شرحه فى القرآن : < قل اتنبئون اللّه بما لا يعلم > . . . ;

. .. اما (مراد از) آنچه را خدا نمى داند، (يعنى) خدا (او را) براى خود شريك نمى داند و نه وزير و نه همسر و نه فرزند و شرح اين مطلب در قرآن اين است: آيا خدا را خبر مى دهيد به آنچه نمى داند؟> ...

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۵ - ۲

۲ ناآگاهى خداوند به سخنان و كار هاى پنهانى ، از پندار هاى نادرست مشركان عصر بعثت

ألا إنّهم يثنون صدورهم ليستخفوا منه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۲ - ۵،۸

۵ - اعمال آدميان ، در عين منزه بودن خداوند از جهل و فراموشى ، در كتابى بى كم وكاست (لوح محفوظ)

ثبت و ضبط می شود .

علمها عند ربّی فی کتب لایضلّ ربّی و لاینسی

جمله <لایضلّ. ..> ممکن است در مقام دفع این توهم باشد که اگر اعمال آدمیان نوشته و ثبت می گردد، به این جهت نیست که چیزی از پروردگار جهان مخفی باشد و یا نسیان در او راه پیدا کند; بلکه جهات دیگری دارد. نکره آوردن <کتاب> بر تفخیم آن از لحاظ احاله کامل بر جزئیات، دلالت می کند.

۸ - ربوبیت خداوند بر هستی ، به دور از هرگونه ناآگاهی و فراموشی است .

لایضلّ ربّی و لاینسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۲ - ۳

۳ - شرک ، مستلزم ناقص شمردن ذات کامل حق و نسبت دادن جهل و ناآگاهی به ساحت او

سبحن اللّه عمّا یصفون . علم الغیب و الشهده

دروغگویی ابو جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۶ - ۲

۲ - شخص بازدارنده پیامبر (ص) از نماز و تکذیب کننده او ، فردی دروغگو و خطاپیشه و گنه کار بود .

ناصیه کذبه خاطئه

دروغ گویی و خطاکاری، در حقیقت وصف صاحب <ناصیه> است و اتصاف <ناصیه> به آن، مجاز و بیانگر این نکته است که صاحب آن، به قدری به دروغ و گناه آلوده بوده، که گویا اجزای بدن او، دروغگو و خطاکارانـد و آثار این پلیدی ها، در چهره او نمایان است.

دلایل جهل به تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۰۹ – ۱۶

۱۶ تکذیب پیامبر (ص) به خاطر بشر

بودنش ، نشانه بی خردی و دلیل بی اطلاعی از تاریخ بشر ، پیامبران پیشین و سنّت الهی است .

و ما أرسلنا من قبلك إلاّ رجالاً نوحی إلیهم من أهل القری . .. أفلاتعقلون

لحن جمله <و ما أرسلنا . ..> گویای این است که آن جمله در پاسخ این توهّم ایراد شده که: فرستاده خدا نمی تواند فردی از افراد بشر باشد ; بلکه باید از فرشتگان و مانند آنها باشد.

دلایل جهل به سنتهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۹ - ۱۶

۱۶ تکذیب پیامبر (ص) به خاطر بشر بودنش ، نشانه بی خردی و دلیل بی اطلاعی از تاریخ بشر ، پیامبران پیشین و سنّت الهی است .

و ما أرسلنا من قبلك إلاّ رجالاً نوحی إلیهم من أهل القری . .. أفلاتعقلون

لحن جمله <و ما أرسلنا . ..> گویای این است که آن جمله در پاسخ این توهّم ایراد شده که: فرستاده خدا نمی تواند فردی از افراد بشر باشد ; بلکه باید از فرشتگان و مانند آنها باشد.

رذایل اخلاقی ابو جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۳ - ۴

۴ - ابوجهل ، فردی مغرور و فخرفروش در میان کسان خویش

ثمّ ذهب إلی أهله یتمطّی

روش مبارزه با جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۱۹

۱۹- ایجاد مصونیت و مقاومت روحی در مؤمنان ، شایسته ترین شیوه برای مقابله با هجوم کفر و جهل *

فى قلوبهم الحميّه . .. و ألزمهم كلمه

التقوی و کانوا أحقّ بها و أهلها

خداونـد، در قبـال خشـم و تعصـب جـاهلی مشـرکان، در مؤمنـان روح آرامش و مقـاومت را تقـویت کرده است. از این مطلب اسـتفاده می شود که در تعارض قوای کفر و ایمان، شایسته ترین و ممکن ترین راه، ایجاد مصونیت و مقاومت در جبهه مؤمنان است.

زمینه جهل به احکام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۷ – ۸

۸ بادیه نشینی و دوری از فرهنگ اجتماعی ، زمینه ناآگاهی نسبت به حدود و احکام الهی

الأعراب . .. و أجدر ألّا یعلموا حدود ما أنزل اللّه

زمینه جهل به حدود خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۷ – ۸

۸ بادیه نشینی و دوری از فرهنگ اجتماعی ، زمینه ناآگاهی نسبت به حدود و احکام الهی

الأعراب . .. و أجدر ألّا یعلموا حدود ما أنزل اللّه

سرزنش جهل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۷ – ۹

۹ دوری از تمدن و دانش ، امری نکوهیده در بینش اسلام

الأعراب أشد . .. و أجدر ألّا یعلموا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۴۶ – ۱۹

۱۹ جهل و نادانی ، صفتی ناپسند و نکوهیده در پیشگاه خداوند

إنی أعظك أن تكون من الجهلین

سرزنش جهل به علم خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۷ - ۱

۱ - جهل و تردید درباره احاطه علمی خداوند به اشیا ، مورد نکوهش و

سرزنش است .

ألم تر أنّ اللّه یعلم

استفهام در <ألم تر>، برای انکار توبیخی است. <ترَ> از <رأی> (دانستن) مشتق است; یعنی، <ألم تعلم أنّ اللّه...>.

ظلمت جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۹ - ۳

۳ درک نکردن و غوطهور شدن در تاریکیهای جهل و گمراهی، پیامد تکذیب آیات الهی است.

و الذین کذبوا بأیتنا صم و بکم فی الظلمت من یشإاللّه یضللّه

کری و لالی تکذیب کنندگان، کنایه از درک نکردن و سردرگمی آنان است. محتمل است این حالت کیفری از جانب خداوند برای آنان باشد; چنانچه جمله <من یشإاللّه> شاهد بر آن است.

عجب ابو جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۳ - ۴

۴ - ابوجهل ، فردی مغرور و فخرفروش در میان کسان خویش

ثمّ ذهب إلی أهله یتمطّی

عوامل جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۹ - ۳

۳ درک نکردن و غوطهور شدن در تاریکیهای جهل و گمراهی، پیامد تکذیب آیات الهی است.

و الذین کذبوا بأیتنا صم و بکم فی الظلمت من یشإاللّه یضللّه

کری و لالی تکذیب کنندگان، کنایه از درک نکردن و سردرگمی آنان است. محتمل است این حالت کیفری از جانب خداوند برای آنان باشد; چنانچه جمله <من یشإاللّه> شاهد بر آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۶ - ۷

۷ - ترتیب اثر دادن به خبر فاسق ، بدون تحقیق و بررسی ، عملی جاهلانه و ندامت بار است .

أن تصیبوا قومًا بجهله فتصبحوا

علی ما فعلتم ندمین

گناه ابو جهل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۱۶ – ۲

۲ – شخص بازدارنده پیامبر (ص) از نماز و تکذیب کننده او ، فردی دروغگو و خطاپیشه و گنه کار بود .

ناصیه کذبه خاطئه

دروغ گویی و خطاکاری، در حقیقت وصف صاحب <ناصیه> است و اتصاف <ناصیه> به آن، مجاز و بیانگر این نکته است که صاحب آن، به قدری به دروغ و گناه آلوده بوده، که گویا اجزای بدن او، دروغگو و خطاکارانند و آثار این پلیدی ها، در چهره او نمایان است.

گناه جهل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۹۸ – ۱۰

۱۰ ناآگاهی از معارف دینی با وجود امکان یادگیری آن ، گناه و ستم بر خویشتن است .

ظالمی انفسهم . .. قالوا الم تکن ارض اللّه واسعه فتهاجروا فیها .. الّا المستضعفین

مبارزه با جهل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۵۷ – ۲۰

۲۰ برداشتن تکالیف شاق ، گسستن زنجیر های جهل و خرافه و زدودن بدعت های دینی از وظایف پیامبر (ص) در انجام رسالت خویش

و یضع عنهم إصرهم و الأغلل التی کانت علیهم

<إصر> به معنای عهد و پیمان سنگین و نیز به هر چیز دشوار و طاقت شکن گفته می شود. در آیه شریفه بدین مناسبت که

در مقام بین تشـریع احکام از سوی پیامبر(ص) است، مراد از آن تکالیف مشـقتباری است که امتهای گذشـته بدانها پایبند بوده اند. غُلّ (مفرد اغلال) به معنای طوق

و زنجیری است که به گردن و یا دستها بسته می شود و مراد از آن جهل و خرافه و بدعت و مانند اینهاست.

متقین و جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۲ - ۳

۳- تقواپیشگان ، انسانهایی پاک و مبرّای از جهالت و فسق

المتّقین . الذین تتوفّهم الملئکه طیّبین

واژه <طیّب> وقتی به انسان نسبت داده شود، به معنای دور بودن او از آلودگی، جهل، فسق و کارهای زشت است.

محمد(ص) و جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲ - ۲

۲ - شهادت خداوند بر گمراه نبودن پیامبر (ص) و مبرّا بودن آن حضرت از جهل و رأی فاسد

و النجم . .. ما ضلّ صاحبکم و ما غوی

ملاک جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۲۲

۲۲ نه از طبقه اشراف بودن ملاک دانایی و ارزش است و نه از محرومان بودن نشانه جهل و بی مقداری

و ما أنا بطارد الذین ءامنوا . .. و لکنی أریکم قومًا تجهلون

ملاکهای جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۱

۱۱ – امت ها ، بدون داشتن کتاب آسمانی و تدین به ادیان الهی ، مردمی جاهلند .

کذلک قال الذین لایعلمون مثل قولهم

منشأ نجات از جهل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۵ – ۳،۴

۳ – خروج انسان از نادانی ، در گرو خواست خداوند و به دست او

است .

علّم الإنسن ما لم يعلم

۴ - ر ها ساختن انسان از جهل ، جلوه کرم والای خداوند است .

و ربّک الأکرم. الّذی ... علّم الإنسن ما لم یعلم

موارد جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۵۰

۵۰ - علم و ایمان به سرای آخرت ، بدون عمل به مقتضای آن ، به منزله جهل و بی ایمانی است .

لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الأخره من خلق . .. لو کانوا یعلمون

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <لو کانوا یعلمون> در ارتباط با <لقد علموا . ..> مطرح باشد. بر این مبنا مفعول <یعلمون> محرومیت ساحر از سرای آخرت است. بر اساس این معنا، خداوند از یکسو آنان را عالم می داند (لقد علموا)و از سوی دیگر آنها را جاهل می شمرد (لو کانوا یعلمون) تا به این حقیقت اشاره کند که: علم و ایمان بدون عمل به مقتضای آن، به منزله جهل و بی ایمانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۱۷

۱۷ دعا به درگاه خداوند و تقاضای امری که به حکیمانه بودنش اطمینان نیست ، کاری جاهلانه است .

فلاتسئلن ما لیس لک به علم إنی أعظک أن تکون من الجهلین

مؤمنان و جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۰ - ۷

۷ اهل ایمان ، از عقل و خرد برخوردار و از نادانی و سفاهت مبرّا هستند .

و ما كان لنفس أن تؤمن . .. و يجعل الرجس على

الذین لایعقلون

نبوت و جهل به مقدرات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۱۰

۱۰- عدم تنافی مقام نبوت با آگاهی نداشتن از مقدرات الهی نسبت به خویش

فظنّ أن لن نقدر علیه

نشانه های جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۰ - ۱۲

۱۲ گرایش به ناپاکی ها و زشتی ها ، نشانه بی خردی و نادانی

لایستوی الخبیث و الطیب . .. فاتقوا اللّه یاولی الالبب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۸ - ۱۳،۱۶،۱۷،۱۸

۱۳ باور به خدای محسوس و ملموس ، نشانه جهل آدمی است .

کما لهم ءالهه قال إنکم قوم تجهلون

موسی(ع)، بنی اسرائیل را در پی درخواست خدایی محسوس و ملموس، که از <کما لهم ءالهه> استفاده می شود، مردمی جاهل خواند.

۱۶ پرستش آنچه آدمی خود مالک آن است ، نشانه بی خردی اوست .

یعکفون علی أصنام لهم . .. قال إنکم قوم تجهلون

از نکاتی که موسی، بنی اسرائیل را به سبب آن جاهل شمرد، همان است که از <أصنام لهم> به دست می آید ; یعنی این جاهلانه است که شما می بینید بت پرستان چیزی را عبادت می کنند که خود مالک آن هستند و در عین حال تقاضا می کنید

معبودی مانند معبود آنان داشته باشید.

۱۷ باور به توانمندی بنده ای از بندگان (موسی) بر ساختن و تدارک دیدن معبود ، نشانه جهل و بی خردی بنی اسرائیل

اجعل لنا إلهاً . .. قال إنكم قوم تجهلون

جمله <اجعل لنا إلهاً>

دلالت می کند که بنی اسرائیل از موسی که خود فردی از بشر است می خواستند برای آنان خدا و معبود تدارک ببیند. موسی نیز بدین جهت آنان را جاهل شمرد. یعنی این بسیار جاهلانه است که گمان کنید بنده ای از بندگان خدا می تواند معبودی شایسته پرستش بسازد و تدارک ببیند.

۱۸ ناسپاسی در برابر نعمت های خدا با گرایش به معبودانی دروغین ، نشانه جهل آدمی است .

و جوزنا ببنی إسرءیل البحر . .. قال إنکم قوم تجهلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۹ - ۲

۲ تقلید از پیروان آیین فاسد و انجام دهندگان اعمال بی نتیجه نشانه جهل و نابخردی است .

إنکم قوم تجهلون. إن هؤلاء متبر ما هم فیه

جمله <إن هؤلاء> به منزله تعلیلی برای <إنکم قوم تجهلون> است. یعنی شما به این دلیل مردمی نابخرد هستید که خواهان پیروی از آیین فاسد می باشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۶

۶ کفرورزی و نفاق در برابر آیات عالمانه و حکیمانه خدا ، دلیل بی فرهنگی و جهل انسان ، هر چند در ظاهر متمدن باشد .

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً و أجدر ألّا یعلموا حدود ما أنزل اللّه علی رسوله و الل

گرچه آیه ظاهراً بادیه نشینان را دارای خصلت کفر و نفاق شدید معرفی کرده، ولی با این بیان، نوعی تلازم میان کفر و نفاق و بی فرهنگی را اثبات کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ -

۲ – ۹۸

۲ خسارت شمردن انفاق ، نشان جهل و بی فرهنگی انسان است .

و من الأعراب من یتخذ ما ینفق مغرماً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۲۹ – ۲۱

۲۱ شرک و کفر ، نشانه نادانی و بی خردی است .

و لکنی أریکم قومًا تجهلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۴ – ۱۲

۱۲ خارج پنداشتن تدبیر امور هستی از اختیار خداوند ، نشانه جهل و کور فکری است .

إن فی ذلک لأیت لقوم یعقلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۳ – ۶

۶– پرستش عناصر بی تأثیر و ناتوان ، نشان کوتاه نظری و ناآگاهی مشرکان است .

و یعبدون من دون الله ما لایملک لهم رزقًا . .. و لایستطیعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۹۵ – ۱۰

۱۰– سوداگری با دین و ترجیح دادن دنیا بر آخرت ، نشان جهل و نادانی است .

و لاتشتروا بعهد الله . .. إنما عند الله هو خیر لکم إن کنتم تعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۷۱ – ۶

۶ – بت پرستی ، نشانه نهایت جهل و نادانی است .

و ما لیس لهم به علم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۵۶ – ۲

۲ – فریفته شدن به مال و فرزند و ملاک ارزش قرار دادن آن ، نشانه جهل و نادانی است .

أیحسبون أنّما

نمدّهم . .. نسارع لهم فی الخیرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۸۶ – ۲

۲ – نادیده گرفتن اهمیت نقش شب و روز در زندگی انسان ، نمونه ای از تکذیب جاهلانه آیات الهی

أکذّبتم بایتی و لم تحیطوابها علمًا . .. ألم یروا أنّا جعلنا الّیل ... و النهار

<ألم یروا. ..> به اصطلاح ذکر خاص بعد از عام و یادآوری نمونه ای از آیات الهی است که از سوی کافران مورد تکذیب قرار گرفته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۵۵ – ۱۱

۱۱ – یاوه گویی ، نشانه جهل و نادانی انسان است .

و إذا سمعوا اللّغو . .. و قالوا ... لانبتغی الجهلین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۰ – ۱۱

۱۱ – دل باختگی به زخارف دنیا ، نشانه ضعف بینش نسبت به حقیقت آن و جهان آخرت

و قال الذین أُوتوا العلم ویلکم ثواب اللّه خیر لمن ءامن و عمل صلحًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۶۴ – ۴

۴ – شرک و عبادت غیر خدا ، نشانه جهل و نادانی نسبت به حقیقت الوهیت است .

اللّه خلق کلّ شیء . .. له مقالید السموت ... أفغیر اللّه تأمرونّی أعبد أیّها ال

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که <جاهلون> متعدی باشد و متعلق جهل، حقایقی باشد درباره خداوند که در آیات پیشین از آن یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۷

زخرف - ۴۳ - ۲۰ - ۶

۶ - تمسّك به < مشیت الهی > ، برای توجیه اعمال نادرست خود ، نشانه ناآگاهی و جهل انسان است .

و قالوا لو شاء الرحمن . .. ما لهم بذلك من علم

نشانه های جهل قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۳ - ۷

۷- درخواست عذاب به جای اندیشیدن در محتوای پیام وحی ، نشانه جهالت قوم عاد

فأتنا بما تعدنا . .. و لکنّی أریکم قومًا تجهلون

نشانه های جهل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۴ - ۴

۴ - چشمداشت خیر و برکت از نمود های کیفر و عذاب الهی ، نشان جهل عمیق کافران *

و إن یروا کسفًا . .. یقولوا سحاب مرکوم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <سحاب مرکوم>، اشاره به بُعد خیر آفرینی ابرها داشته باشد; یعنی، کورباطنی کافر به حدی است که پاره های عذاب را ابرهای رحمت می پندارد.

نشانه های جهل مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۸

۸ - ادعای مشرکان بر نبود آیه و معجزه ای برای رسالت پیامبر (ص) ، نشانه جهل آنان است .

و قال الذین لایعلمون لولا . .. أو تأتینا ءایه

نفرین بر ابو جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۵ - ۳

۳ - ابوجهل ، مورد نفرین و تهدید خداوند به عذاب

أولی لک فأولی ثمّ أولی لک فأولی

نقش جهل به وقت قیامت

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۲۴

۲۴- مشخص نبودن زمان وقوع قیامت و نزدیک شمردن آن ، دارای نقش تربیتی و هدایتی برای انسان

قل عسی أن یکون قریبًا

مشخص نکردن زمان دقیق وقوع قیامت از سویی و یادآوری قریب الوقوع بودن آن از سوی دیگر، می توانند برای توجه دادن انسانها به آن باشد تا آنان خود را همواره برای وقوع قیامت آماده کنند.

جهنم از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جهنم

{جهنم}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۲ - ۸

۸ جهنّم ، جایگاهی شوم

و تحشرون الی جهنّم و بئس المهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۶ - ۲

۲ تقوا پیشگان ، همواره خواستار بخشایش گناهان خویش از خدا و مصونیّت از عذاب دوزخند .

للّذین اتقوا . .. فاغفرلنا ذنوبنا و قنا عذاب النار

<الذین یقولون>، بیان ویژگیهای <الذین اتقوا> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۲ - ۱۲

۱۲ دوزخ ، جایگاه شوم ترک کنندگان جهاد ، خیانتکاران و آنانکه پیامبر (ص) را متّهم به خیانتکاری می کنند .

انّ الّذین تولّوا منکم . .. و ما کان لنبیّ ان یغلّ ... کمن بآء بسخط من اللّه و م

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۱۰

۱۰ دوزخ ، جزایی کامل برای اعمال ناپسند انسانها

و انّما توفّون . .. فمن زحزح عن النّار

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۲ - ۷

۷ گرفتاران به آتش دوزخ ، دارای پیشینه ستمکاری در دنیا

ربّنا انّک من تدخل النّار فقد اخزیته و ما للظّالمین من انصار

آب داغ جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۲۲

۲۲ نوشیدنی سوزان و عذاب دردناک قیامت در انتظار بازیچه قراردهندگان دین است.

أولئک الذین أبسلوا . .. لهم شراب من حمیم و عذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۹ - ۹

۹ فروریخته شدن آب داغ و جوشان بر فرق سر اهل شرک یکی دیگر از عذاب های آنان در دوزخ

یصبّ من فوق رءوسهم الحمیم

<صَبّ> مصدر مجهول <یُصبّ> به معنای ریخته شدن و <حمیم> به معنای آب داغ و جوشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۰ - ۱،۲

۱ - گداخته شدن پوست و امعا و احشای اهل دوزخ با آب داغ ، یکی دیگر از عذاب های مقرر برای آنان

یصهر به ما فی بطونهم و الجلود

<صَهَر> (مصدر مجهول <یُصهر>) به معنای گداخته شدن است. ضمیر <به> به <حمیم> بازمی گردد و <ما> در عبارت <ما فی بطونهم> کنایه از امعا و احشا است؛ یعنی، با آن آب داغ که بر سرشان ریخته می شود پوست و آنچه در میان شکم آنان است، گداخته خواهد شد.

۲ – نوشیدنی اهل دوزخ ، آبی است داغ و جوشان .

یصهر به ما فی بطونهم و الجلود

گداخته شدن امعا و احشای اهل دوزخ

با آب داغ، نشانگر آن است که نوشیدن آن آب جوشان، برای رفع تشنگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۷ - ۱

۱ - آمیزه ای از آب داغ ، نوشیدنی دوزخیان ستمگر پس از خوردن غذای زقّوم

ثمّ إنّ لهم علیها لشوبًا من حمیم

<شوب> مصدر سماعی از فعل <شابه> (آن را مخلوط کرد) است که گاهی بر اسم مفعول (مشوب) اطلاق می شود (مثل <خلق> و <مخلوق>). در آیه شریفه نیز به همین معنا آمده است. <حمیم> به معنای آب پرحرارت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۷ - ۱،۲

۱ - آب داغ و خونابه چرکین ، نوشابه و غذای طاغیان در دوزخ

إنّ للطغین . .. هذا فلیذوقوه حمیم و غسّاق

<حمیم> به معنای آب داغ و جوشان است و <غسّاق> در نظر برخی از اهل لغت، به معنای چرک و خون اهل دوزخ است (لسان العرب). در نگاه برخی دیگر مقصود از آن مایعی است که از پوست اهل دوزخ خارج می شود (مفردات راغب).

۲ - آب داغ و خونابه چرکین ، نوشابه و غذای دوزخیان

هذا فلیذوقوه حمیم و غسّاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۸ - ۱

۱ - انواع نوشیدنی ها و غذا های دیگری مشابه آب داغ و خونابه چرکین ، به طغیان گران خورانده می شود .

فلیذوقوه حمیم و غسّاق . و ءاخر من شکله أزوج

<شکل> به معنای مثل و مانند و <أزواج> به معنای انواع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۷۲ – ۱

۱ – کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در قیامت به آب داغ و پر حرارت افکنده خواهند شد .

یسحبون . فی الحمیم

یکی از معانی <حمیم>، آب داغ و پر حرارت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۴۸ – ۲

۲– ریخته شدن آب های جوشان ، بر سر گرفتاران در وسط دوزخ

ثمّ صبّوا فوق رأسه من عذاب الحمیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۵ – ۲۱

۲۱– آب جوشان و گدازنده درون ، نوشیدنی دوزخیان در آتش جاودان

کمن هو خلد فی النار و سقوا ماء حمیمًا فقطّع أمعاءهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۴۲ – ۴

۴ – اصحاب الشمال در دوزخ ، ناچار به استفاده از آب بسیار داغ برای رفع تشنگی

و حمیم

<حمیم>; یعنی، آب داغ و نکره بودن آن، دلالت بر شدت داغی آن دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۵۴ – ۲

۲ - نوشیدنی دوزخیان (اصحاب شمال) ، آبی است بسیار داغ و جوشان .

فشربون علیه من الحمیم

<حمیم> در <مفردات راغب> به آب شدید الحراره معنا شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۵ - ۱

۱ - دوزخیان (اصحاب شمال) ، آب داغ و جوشان دوزخ را همچون شتری تشنه ، با حرص و ولع خواهند نوشید .

فشربون شرب الهیم

<هیم> جمع <هیماء> است و <هیماء> به

شتر تشنه گفته می شود. تشبیه حالت دوزخیان به هنگام نوشیدن از آب داغ جهنم به شترِ تشنه، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۹۳ – ۱

۱ – آب داغ و جوشان ، نوشیدنی تکذیب گران گمراه در جهان آخرت

و أمّا إن کان من المکذّبین الضالّین . فنزل من حمیم

<حمیم>، به معنای آبی است که به شدت گرم باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۲۵ – ۱

۱ – تنها نوشیدنی موجود برای دوزخیان طغیان گر ، آب جوشان و زردابه چرکین و بد بوی زخم ها است .

إلاّ حمیمًا و غسّاقًا

<حمیم>; یعنی، آب داغ و <غسّـاق>، آب زردی است که از زخم جاری می شود. به مایع بدبو نیز <غسّـاق> گفته می شود. (قاموس)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۲۸ – ۷

۷ – نوشیدن آب جوشان و خونابه چرکین و بدبو در جهنم ، عقوبتی مناسب با گناه تکذیب آیات الهی

إلاّ حمیمًا و غسّاقًا . .. و کذّبوا بایتنا کذّابًا

ترتیب پنج آیه مورد بحث، به گونه ای است که آیه <جزاء وفاقاً>، دو عقوبت قبل از خود را کیفری مناسب، برای دو گناه بعد از خود قلمداد کرده است. عقوبت ها یکی منفی (لایـذوقون) و دیگری مثبت (إلاّ حمیماً و غساقاً) بود و گناهان نیز یکی منفی (لاـیرجون) و دیگری مثبت (کـذّبوا) است. آیه <جزاء وفاقاً> در میان آنها، گویای تناسب عقوبت منفی با گناه منفی و تناسب عقوبت مثبت با گناه مثبت است.

برداشت یاد شده بیانگر تناسب دو مثبت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۵ – ۱

۱ – کسانی که در قیامت حضوری ذلّت آمیز دارند ، به نوشیدن از چشمه ای جوشان وادار خواهند شد .

تسقی من عین ءانیه

فعل <تسقی> مجهول و بیانگر این است که آشامیدن از سوی فرد یا افرادی، بر دوزخیان تحمیل خواهد شد <أنی> (ریشه <آنیه>) در چندین معنا از جمله <رسیدن به چیزی> استعمال شده است (مقاییس اللغه) و به قرینه سیاق آیه که نوشیدنی اهل دوزخ را بیان می کند مراد رسیدن چشمه، به نقطه نهایی حرارت است.

آتش جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۲۴ – ۶،۷،۹

۶ – منکران دین بدون اتمام حجت با آنان ، به آتش دوزخ گرفتار نخواهند شد .

فإن لم تفعلوا و لن تفعلوا فاتقوا النار

جواب شرط <فان لم تفعلوا> محذوف است و جمله <فاتقوا . ..> جانشین آن شده است. جمله با تقدیر آن چنین است: فان لم تفعلوا تمت علیکم الحجه و ثبت لدیکم ان القرآن منزل من عنداللّه فاتقوا ...

۷ – رهایی از آتش دوزخ ، در گرو ایمان به قرآن و تصدیق رسالت پیامبر (ص) است .

فإن لم تفعلوا و لن تفعلوا فاتقوا النار

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل، به دست می آید.

۹ – آتش دوزخ هم اکنون مهیّا و موجود است .

أعدّت للکفرین

برداشت فوق با توجه به ماضی بودن فعل <أعدت>، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره

۱ - آتش دوزخ ، کیفر و سزای انکار کنندگان و تکذیب کنندگان آیات الهی است .

و الذین کفروا و کذبوا بأیتنا أولئک أصحب النار

<تکـذیب> (مصدر کذبوا) به معنای: نسبت دروغ دادن است. <آیاتنا> علاوه بر تعلقش به <کذبوا> متعلق به <کفروا> نیز می باشـد. جمله <الـذین کفروا ...> عطف بر جمله <من تبع ...> است و بیانگر گروهی است که هـدایتها و رهنمودهای الهی را پذیرا نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۱،۵،۱۶

۱ - گرفتار نشدن یهودیان گنهکار به آتش دوزخ - به جز چند روز محدود - از باور های دینی یهود

و قالوا لن تمسنا النار إلا أیاماً معدوده

<معـدوده> به معنای شـمرده شـده، کنایه از انـدک و ناچیز بودن است. روشن است که پندار مذکور درباره گنهکاران یهود است. آیه بعد (بلی من کسب ...) این معنا را تأیید می کند و لذا در برداشت کلمه گنهکار آورده شد.

۵ - یهودیان ، معتقد به قیامت و گرفتار شدن گنهکاران به آتش دوزخ

و قالوا لن تمسنا النار إلا أیاماً معدوده

۱۶ - مجرد انتساب به آیین الهی ، موجب مصونیت از آتش دوزخ نخواهد شد .

و قالوا لن تمسنا النار إلا أیاماً معدوده قل أتخذتم عند اللّه عهداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۱ - ۱،۳،۶،۷

۱ - گنهکاران یهود همانند دیگر گنهکاران ، به اندازه استحقاقشان ، در آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

لن تمسنا النار إلاّ أیاماً معدوده . .. بلی

<بلی> (چنین نیست) حرف جواب است و برای رد

سخن و ادعای مطرح شده به کار می رود. این کلمه در آیه شریفه رد ادعای یهود (لن تمسنا النار إلا أیاماً معدوده) است.

۳ - خداوند ، نه تنها اندک بودن عذاب یهود را تضمین نکرده ; بلکه در صورت احاطه داشتن گناه بر آنان ، ایشان را در آتش دوزخ ماندگار خواهد کرد .

أتخذتم عند اللّه عهداً . .. بلی من کسب سیئه ... هم فیها خلدون

۶ - کفر به پیامبر (ص) و اسلام ، موجب گرفتار شدن آدمی به آتش دوزخ و خلود در آن خواهد شد .

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم . .. من کسب سیئه ... هم فیها خلدون

آیه مورد بحث (من کسب . ..) قضیه کلی و کبرای آیات گذشته است و آیات پیشین تعیین کننده صغرای این قضیه کلی است. بنابراین کفر به پیامبر(ص) و اسلام - که از جمله <أفتطمعون أن یؤمنوا لکم> (آیه ۷۵) به دست می آید - از مصداقهای <سیئه> است و اصرار بر آن، مصداق <احاطه خطیئه> خواهد بود.

۷ - یهودیان ، در صورت انکار رسالت پیامبر (ص) ، برای همیشه به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم . .. من کسب سیئه ... هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۱۸،۱۹

۱۸ - آنان که به خدا و روز قیامت کافر شوند ، راهی جز ورود به آتش دوزخ نخواهند داشت .

و من کفر . .. ثم أضطره إلی عذاب النار

اضطرار; یعنی، مجبور ساختن کسی به انجام کاری. پس <ثم اضطره ...> چنین معنا می شود:

آن گاه که کافران حیات دنیا را سپری کردند، آنان را برای ورود به آتش دوزخ مجبور می کنم.

۱۹ - آتش دوزخ ، جایگاهی نامیمون و عاقبتی شوم است .

و بئس المصیر

<مصیر> جایگاهی است که حرکت بدان جا منتهی می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۱۳

۱۳ - مشرکان (سران آنان و پیروانشان) در قیامت به آتش دوزخ گرفتار شده و در آن ماندگار خواهند بود .

و ما هم بخرجین من النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۳،۴،۶

۳ - آتش دوزخ طاقت فرسا و غیر قابل تحمل است .

فما أصبر هم علی النار

۴ - پندار تحمل آتش دوزخ و بی باک بودن در برابر آن ، امری شگفت و نامعقول است .

فما أصبر هم علی النار

۶ - عالمان بی تعهد و وظیفه نشناس ، از مغفرت الهی محروم و به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

أولئک الذین اشتروا . .. العذاب بالمغفره فما أصبر هم علی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۶

۶ - حق ستیزی موجب گمراهی ، محرومیت از لطف و مغفرت خدا و گرفتار شدن به آتش دوزخ می باشد .

لایکلمهم اللّه یوم القیمه . .. ذلک بأن اللّه نزل الکتب بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلک> اشاره به عقوبتهای مطرح شده در آیات قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۱ - ۱۴

۱۴ مشرکان

، دعوت کنندگان به آتش جهنّم

اولئک یدعون الی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ آتش دوزخ ، از درون کافران زبانه می کشد .

اولئک هم وقود النار

با توجه به معنای لغوی <وقود>: هو الحطب المجعول للوُقود. یعنی وقود، هیزمی است برای روشن کردنِ آتش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۳ - ۲۴

۲۴ آتش دوزخ ، سرانجام تفرقه و دشمنی انسان ها نسبت به یکدیگر *

و کنتم علی شفا حفره من النار فانقذکم منها

محتمل است منظور از <النار>، آتش دوزخ باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۶ - ۱۰،۱۳

۱۰ کافران ، مُلازمان آتش دوزخ و جاودان در آن

انّ الّذین کفروا . .. و اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون

۱۳ آتش جاودانه دوزخ ، فرجام کفر پیشگانِ اهل کتاب

انّ الّذین کفروا . .. و اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون

با توجه به آیات قبل، مراد از <الذین>، کافران اهل کتاب هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۱ - ۱،۲،۳،۵،۶،۷

۱ ضرورت پرهیز از عوامل گرفتاری به آتش دوزخ

و اتّقوا النّار الّتی اعدّت للکافرین

۲ رباخواری ، از موجبات گرفتار شدن به آتش دوزخ

لا تاکلوا الرّبوآ . .. و اتّقوا النّار الّتی اعدّت للکافرین

۳ آتش دوزخ ، در انتظار کافران و رباخواران ، و آماده برای آنان

لا تاکلوا الرّبوآ . .. و اتّقوا النّار الّتی اعدّت للکافرین

۵ آتش دوزخ

، هم اکنون حاضر و آماده برای کافران

و اتّقوا النّار الّتی اعدّت للکافرین

کلمه <اعدّت> (مهیّا شده)، به صیغه ماضی، دلالت بر وجود بالفعل چنین آتشی دارد.

۶ آتش دوزخ ، در اصل برای کافران مهیّا شده است .

و اتّقوا النّار الّتی اعدّت للکافرین

بنابر اینکه <الّتی>، وصفِ توضیحی باشد نه احترازی.

۷ آتش دوزخ ، دارای انواع مختلف

و اتّقوا النّار الّتی اعدّت للکافرین

بنابر اینکه <الّتی>، که توصیفی برای کلمه <النّار> است، توصیف احترازی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۲ - ۳

۳ پیروی از خدا و رسول (ص) ، موجب مصون ماندن از آتش دوزخ

و اتّقوا النّار . .. و اطیعوا اللّه و الرّسول لعلّکم ترحمون

جمله <اطیعوا اللّه . .. >، پس از بیان عاقبت کفر (گرفتار آمدن به آتش)، برای راهنمایی انسان به خلاصی از چنین عاقبتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۱ - ۱۹،۲۰

۱۹ آتشِ دوزخ ، جایگاه و فرجام شوم کفرپیشگان مشرک

سنلقی فی قلوب الّذین کفروا الرعب . .. و ماویهم النّار و بئس مثوی الظّالمین

۲۰ آتش دوزخ ، جایگاه و فرجام شوم ستم پیشگان

و ماویهم النّار و بئس مثوی الظّالمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۱۵

۱۵ هر کس در چیزی خیانت کند ، در قیامت آنرا در جهنّم دیده و باید در آتش جهنّم رفته و آن را بیرون آورد .

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمه

امام باقر (ع) درباره آیه فوق

فرمود: . .. و من غلّ شیئا رآه یوم القیمه فی النّار ثمّ یکلّف ان یدخل الیه فیخرجه من النّار.

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۲۲ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۰۶، ح ۴۱۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۳۱،۳۲

۳۱ اعتقاد به معاد و درخواست رهایی از آتش دوزخ ، نشانه خردمندی

لایات لاولی الالباب . .. فقنا عذاب النّار

۳۲ همه انسان ها در خطر گرفتاری به آتش دوزخ

لایات لاولی الالباب . .. فقنا عذاب النّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۲ - ۱،۲،۳،۴،۸

۱ خداوند هر کس را در آتش بیفکند ، او را به ذلّت و خواری کشانده است .

ربّنا انّک من تدخل النّار فقد اخزیته

۲ خذلان و خواری گرفتاران به آتش دوزخ

ربّنا انّک من تدخل النّار فقد اخزیته و ما للظّالمین من انصار

۳ خداوند ، گرفتارکننده ستمکاران به آتش دوزخ و خوارکننده آنان

انّک من تدخل النّار فقد اخزیته و ما للظّالمین من انصار

۴ خردمندان ، رنج دوری از رحمت خداوند و خواری از سوی او را سخت تر از آتش دوزخ می دانند .

لاولی الالباب . .. ربّنا انّک من تدخل النّار فقد اخزیته

جمله شرطیه <من تدخل النّار فقد اخزیته>، علّت برای جمله <فقنا عذاب النّار> است، و بیانگر این معناست که آنچه به نظر

<اولی الالباب> دردآور است و قابل تحمّل نیست، خواری و خـذلان دوزخیان به دست خداونـد است ; نه سوختن در آتش جهنّم.

۸ ستمکاری ، موجب ورود آدمی به آتش دوزخ و

بی یاوری وی در قیامت

ربّنا انّک من تدخل النّار فقد اخزیته و ما للظّالمین من انصار

مراد از کلمه <للظّالمین> همان دوزخیان هستند. بنابراین به کارگیری اسم ظاهر به جای ضمیرِ <ما لهم> برای رساندن این معناست که ستمکاری علّت شده که خداوند آنان را به آتش کشاند و از یاری یاوران محروم باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰ - ۸

۸ جهنّم ، دارای آتش برافروخته و شعلهور

و سیصلون سعیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۰ - ۲،۱۰

۲ تصرف به ناحق در اموال دیگران از سر ظلم و تجاوز ، موجب گرفتاری به آتش دوزخ

و لا تقتلوا انفسکم . .. و من یفعل ذلک عدواناً و ظلماً فسوف نُصلیه ناراً

بنابر اینکه <ذلک> اشاره به <لا تاکلوا> و یا مجموع <لا تاکلوا . .. و لا تقتلوا> باشد.

۱۰ حضور جاودانه در آتش دوزخ ، پیامد و مجازات خودکشی

فسوف نُصلیه ناراً

امام صادق (ع): من قتل نفسه متعمداً فهو فی نار جهنّم خالداً فیها قال اللّه تعالی: <و لا تقتلوا انفسکم . .. فسوف نصلیه ناراً>.

من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۷۴، ح ۲۳، ب ۱۷۹ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۴، ح ۱۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۵ - ۶

۶ آتش سوزان جهنم ، کیفر آتش افروزان و اخلالگران علیه پیامبران

و کفی بجهنّم سعیراً

<سعیر>، به معنای آتش برافروخته و سوزان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء -

۴ - ۵۶ - ۱،۱۲

۱ آتش سوزانِ جهنّم ، کیفر کافرانِ به آیات الهی

انّ الذین کفروا بایاتنا سوف نُصلیهم ناراً

۱۲ وارد ساختن کافران به آتش و عذاب آنان در دوزخ ، بر اساس حکمت خداوند

انّ الذین کفروا بایاتنا سوف نصلیهم ناراً . .. انّ اللّه کان عزیزاً حکیماً

تذکّر به حکمت خداوند پس از بیان عذاب کافران، اشاره به حکیمانه بودن چنین عملی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۱۱

۱۱ آتش همواره دوزخ ، جزای ستمگران و کیفری مناسب برای آنان

فتکون من اصحب النار و ذلک جزؤا الظلمین

<جزاء> در لغت به معنی کیفر و پاداشی است که کافی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۲۰

۲۰ آتش دوزخ ، جایگاه مشرکان

انه من یشرک باللّه . .. مأویه النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۷ - ۱،۲،۳

۱ وضعیت هول انگیز و ذلتبار کافران به هنگام روبرو شدن با آتش جهنم و مشاهده آن

و لو تری إذ وفقوا علی النار

۲ کافران به هنگام روبرو شدن با آتش دوزخ در آرزوی بازگشت به دنیا، تکذیب نکردن آیات پروردگار و قرار گرفتن در

زمره مؤمنان هستند.

فقالوا يليتنا نرد و لا نكذب بأيت ربنا و نكون من المؤمنين

۳ وضعيت دهشتزا و غير قابل توصيف كافران به هنگام ورود به دوزخ و چشيدن آتش

و لو ترى إذ وفقوا على النار

<وقفوا على النار> مى تواند به معناى ورود به آتش و چشيدن عذاب آن باشد. (لسان

العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۶ - ۲،۳

۲ اعراض و امتناع از پذیرش آیات الهی بر اثر کبرورزی و خودبرتربینی، در پی دارنده آتش دوزخ است.

و الذین کذبوا بأیتنا و استکبروا عنها أولئك أصحب النار

استکبار به معنای کبرورزی و خودبرتربینی است، و چون این کلمه با حرف <عن> متعدی شده، متضمن معنای اعراض و امتناع است. بنابراین <استکبروا عنها> یعنی اعرضوا عنها متکبرین.

۳ آتش دوزخ ابدی است و تکذیب کنندگان آیات الهی در آن جاودان هستند.

أولئك أصحب النار هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۲،۱۵

۲ آتش دوزخ جایگاه اجتماع و به هم پیوستن جنیان و آدمیان کافر و مشرك است.

قال ادخلوا فی أمم قد خلت من قبلكم من الجن و الإنس فی النار

۱۵ کافران و مشرکان پیرو، همانند رهبرانشان، دارای عذابی مضاعف از آتش دوزخ

قال لکل ضعف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴۱ - ۱،۲،۴،۹

۱ مجرمان در احاطه آتش دوزخ، از زیر پا و فراز سر

لهم من جهنم مهاد و من فوقهم غواش

<مهاد> به معنای بستر گسترده است و <غواش> (جمع غاشیه) به معنی ساتر و روانداز، عطف بر <مهاد> است و <من فوقهم> حال برای آن. یعنی: لهم من جهنم غواش من فوقهم.

۲ تکـذیب کننـدگان و اعراض کننـدگان از آیـات الهی در بستری از آتش جهنم و توده هـایی آتشـین بر فراز خویش، گرفتار خواهند شد.

لهم من جهنم مهاد و من فوقهم غواش

۴ گرفتار شدن

ستمکاران به آتش دوزخ، سنت خداوند در کیفر آنان

و کذلک نجزی الظلمین

۹ عن رسول الله(ص): یکسی الکافر لوحین من نار و فی قبره فذلک قوله: <لهم من جهنم مهاد و من فوقهم غواش>.

از رسول خدا(ص) روایت شده است: دو لوح (زیر انداز و رواندار) از آتش بر کافر در قبرش پوشانده می شود و این است سخن خداوند: <برای کافران بستری از آتش جهنم و روی آنان پوششهایی از آن است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۴ - ۲،۳،۴

۲ آتش دوزخ کیفر تمامی کافران

و أن للکفرین عذاب النار

<ال> در <الکافرین> برای استغراق و شمول است. گفتنی است در وجه ترکیبی <أن للکفرین ... > نظرهای مختلفی ایراد شده است. بهترین وجه آن تقدیر گرفتن فعلی همانند <اعلموا> است. یعنی <و اعلموا أن للکفرین عذاب النار>.

۳ مشرکان حاضر در کارزار بدر ، مردمی کفرپیشه و مستحق عذاب با آتش دوزخ

و أن للکفرین عذاب النار

از مصادیق مورد نظر برای <للکفرین> مشرکان حاضر در کارزار بدر می باشد.

۴ آتش دوزخ کیفری بس سهمگینتر از عقوبت های الهی در دنیا

ذلکم فذوقوه و أن للکفرین عذاب النار

استفاده از کلمه ذوق (چشیدن) درباره عذاب دنیا، در مقابل عذاب دوزخ، بیانگر این است که عقوبتهای دنیوی تنها مضمضه ای از عقوبت و مقدمه ای برای عذاب اصلی و کامل که همان عذاب دوزخ است، می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۸ - ۷،۸

۷ آتش دوزخ ، فرجام پیروی نکردن از رسولان الهی است .

و لقد أرسلنا موسى . ..

إلى فرعون و ملإيه فاتبعوا أمر فرعون ... و بئس الورد المور

۸ آتش دوزخ ، بهره و نصیبی نامیمون و جایگاهی شوم

و بئس الورد المورود

کلمه <الورد> (نصیب و بهره) فاعل برای <بئس> است و <ال> در آن برای جنس می باشد و <المورد> (چیزی که بر آن وارد می شوند) مخصوص به ذم است و <ال> در آن عهد ذکری بوده و اشاره به آتش دوزخ دارد. بنابراین <بئس الورد المورود>; یعنی، بد نصیب و بهره ای است آن آتشی که بر آن وارد خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۵ - ۹

۹ آتش دوزخ فرجام کافران است .

و عقبی الکفرین النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۴ - ۱۰

۱۰- < عن النبی (ص) فی قوله < لکلّ باب منهم جزء مقسوم > قال : إن من أهل النار من تأخذه النار إلی کعبیه ، و إن منهم من تأخذه النار إلی حجزته ، و منهم من تأخذه إلی تراقیه منازل بأعمالهم ، فذلك قوله : < . . .لکلّ باب منهم جزء مقسوم > . . . ;

از رسول خدا(ص) در باره سخن خدا <لکلّ باب منهم جزء مقسوم> روایت شده است که فرمود: بعضی از اهل آتش کسانی اند که آتش تا غوزکهای آنان را فرا می گیرد و بعضی را تا کمر (جای کمربند) و بعضی را تا گلو. اینها منازل و مراتبی است که به اختلاف اعمال اهل آتش بستگی دارد و این است قول خدا: ... لکل باب منهم

جزء مقسوم...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹۸ – ۲

۲- آتش همواره شعلهور جهنّم ، کیفر کفر به آیات الهی و انکار روز رستاخیز

كلّما خبت زدنهم سعيرًا . ذلك جزاؤهم بأنهم كفروا بأيتنا و قالوا أءذا كنّا عظمً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵۳ – ۱

۱- مجرمان ، در صحنه قیامت ، ناظر شعله های آتش دوزخ اند .

و رءا المجرمون النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۵۱ – ۷

۷ – دوزخ ، دارای آتشی برافروخته و شعلهور

أولئك أصحب الجحيم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۷۲ – ۸

۸ – تهدید شدن مشرکان کینه توز به آتش دوزخ ، از سوی پیامبر (ص) و به دستور خداوند

قل أفأنبّئكم بشرّ من ذلكم النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۴۱ – ۶

۶ – آتش دوزخ و نعمت های بهشت ، تجسم عینی اعمال آدمیان است .

و جعلنهم أئمه يدعون إلى النار

آنچه مسلّم است این که پیشوایان کفر، مردم را به اعمال بد و ناشایست که اسباب ورود انسان به آتش است فرا می خوانند; نه به خود آتش. بنابراین تعبیر <یدعون إلى النار> به جای <یدعون إلى الضلال> می تواند اشاره به این باشد که اعمال بد در واقع خود آتش دوزخ است که در آخرت صورت حقیقت آن آشکار خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۱۸

۱۸ - جهنم ، یک پارچه آتش است .

عذاب السعیر

<سعر> مصدر <سعیر> به معنای <شعلهور بودن آتش> است. نام گذاری جهنم به <سعیر>، دلالت بر نکته بالا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۰ - ۱،۲

۱ - جایگاه فسق پیشگان ، آتش جهنم است .

و أمّا الذین فسقوا فمأویهم النار

۲ - فسق ، عامل گرفتار شدن به آتش است .

و أمّا الذین فسقوا فمأویهم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۴ - ۲

۲ - خداوند ، برای کافران ، آتشی شعلهور فراهم کرده است .

إنّ اللّه . .. و أعدّ لهم سعیرًا

<سعیر> از <سعر> و به معنای <شعلهوری آتش> است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۵ - ۱

۱ - کفرپیشگان ، همواره در آتش جهنم باقی خواهند ماند .

الکفرین و أعدّ لهم سعیرًا . خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۶ - ۱،۲،۴

۱ - در روز بی یار و یاوری کافران ، صورت های آنان ، در آتش از این رو به آن رو ، چرخانده می شود ، تا خوب بسوزد .

لایجدون ولیًّا . .. یوم تقلّب وجوههم فی النار

بنابراین که <یوم> ظرف برای <لایجدون>باشد، نکته یاد شده به دست می آید.

۲ - در روز قیامت ، صورت های کافران ، در آتش ، بر اثر شدت حرارت ، منقلب شده ، به رنگ های

گوناگون در می آید .

یوم تقلّب وجوههم

احتمال دارد که <تقلّب> به معنای <از این رو به آن رو شدن> باشد و احتمال دارد که به معنای < تحوّل و تغییر حالت کیفی> باشد که گاهی سیاه و گاهی زرد و . .. می شود. برداشت بالا، بنابر احتمال دوم است.

۴ - لازم است که روزی را که در آن ، کافران با آتش جهنم ، به سختی عذاب و سوزانده می شوند ، به خاطر داشت .

یوم تقلّب وجوههم فی النار

برداشت بنابراین احتمال است که نصب <یوم> به جهت مفعولٌ به بودن اش باشد. که باید فعل <اُذکر> در تقدیر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۴ - ۴

۴ - آتش ، مهم ترین خصوصیت دوزخ و اصلی ترین عذاب دوزخیان است .

جهنّم یصلونها . .. إنّهم صالوا النار ... فزده عذابًا ضعفًا فی النار ... تخاصم أه

از تعبیرهای به کار رفته درباره دوزخ; مانند ورود به آتش (صالوا النار) و عذاب دوچندان آتش (عذاباً ضعفاً فی النار) و اهل آتش، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۲۲

۲۲ - آتش ، از وسایل عذاب دوزخیان

إنّک من أصحب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۶ - ۷۸

۷ - بیم دادن خداوند به بندگانش ، درباره پیامد شوم کفر و شرک و گرفتار شدن به آتش دوزخ

لهم من فوقهم ظلل من النار . .. ذلک یخوّف اللّه به عباده

۸ - یادآوری دوزخ

و عذاب آتش آن ، بهترین و مؤثرترین وسیله اخطار دادن به بندگان و بازداشتن آنان از هرگونه عصیان و نافرمانی پروردگار

لهم من فوقهم ظلل من النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷ - ۲۳،۲۴

۲۳ - دوزخ ، دارای آتشی شعلهور و فروزان

عذاب الجحیم

<جحیم> اسم مکان از <جحمه> (شعله و افروزندگی شدید آتش) و به معنای محل آتش شعلهور و افروخته است.

۲۴ - جحیم ، از نام های دوزخ

عذاب الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۲،۳

۲ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در انبوهی از آتش دوزخ سوزانده خواهند شد .

ثمّ فی النار یسجرون

<سجر> در اصل به معنای پر کردن تنور از آتش گیره برای بر افروختن و تقویت آتش آن است. اسناد فعل <یُسجرون> به اشخاص، اسناد مجازی است. مقصود از آن فراگرفتن آتش زیاد بر تمامی وجود دوزخیان می باشد.

۳ - عذاب شدن کافران حق ستیز و ستیزه جو به آتش دوزخ ، پس از کیفر شدنشان با آب داغ و پر حرارت خواهد بود .

فی الحمیم ثمّ فی النار یسجرون

برداشت یاد شده از آمدن <ثمّ> که نوعاً برای تراخی زمانی است، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۰ - ۳

۳ – آتش ، وسیله عذاب الهی در دوزخ

أُولئک أصحب النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۵ – ۱۳

۱۳ – آتشِ فروزان ، کیفر شیاطین در قیامت

و أعتدنا لهم عذاب السعیر

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۶ - ۱

۱ - آتش جهنم ، کیفر منکران ربوبیت خداوند

و للذین کفروا بربّهم عذاب جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۱ - ۴

۴ - آتش دوزخ ، عذابی سخت تر از غل و زنجیر شدن

خذوه فغلّوه . ثمّ الجحیم صلّوه

<ثمّ> حرف عطف و مفید تراخی رتبی است. این کلمه در آیه شریفه، می رساند که معطوف (عذاب با آتش دوزخ)، شدیدتر از معطوف علیه (عذاب با دستگیری و غل و زنجیر کردن) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۲ - ۲

۲ - به بند کشیده شدن با زنجیر های بلند ، عذابی سخت تر از آتش دوزخ

ثمّ الجحیم صلّوه . ثمّ فی سلسله ذرعها سبعون ذراعًا فاسلکوه

مطلب یاد شده از <ثمّ> در <ثمّ فی سلسله> که برای تراخی رتبی است استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۳ - ۶

۶ - نافرمانی از خدا و رسول او ، موجب ابتلا به آتش دوزخ

و من یعص اللّه و رسوله فإنّ له نار جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۲۶ – ۲

۲ – استکبار در برابر حقایق الهی و افترا بر دین ، موجب گرفتاری به آتش دوزخ است .

و استکبر . فقال إن هذا إلّا سحر ... سأُصليه سقر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – قارعه – ۱۰۱

۱ - ۱۱ -

۱ - جهنم ، یک پارچه آتش و دارای حرارتی بس شدید است .

نار حامیه

<هاویه>، اسم مکان است و آتش خواندن آن، مبالغه در بیان گستردگی آتش است; به گونه ای که گویا آن مکان چیزی جز آتش نیست. <حَمِیَتِ النار>; یعنی، حرارت آن شدت یافت (قاموس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۴

۴ - پرسش و حسابرسی از نعمت ها ، زمینه ساز گرفتاری برتری جویان و تفاخر کنندگان به آتش دوزخ

لترونّ الجحیم . .. ثمّ لتسئلنّ یومئذ عن النعیم

نشان دادن جهنم به اهل تکاثر پیش از بازخواست نعمت ها بیانگر آن است که اهل تکاثر، باید پس از طی مراحل بازخواست و حسابرسی، جهنم را جایگاه خویش بدانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۶ - ۶

۶ - وجود مأمورانی الهی ، برای برافروختن آتش جهنم

الموقده

<موقده> اسم مفعول و حاکی از وجود فاعلی است که آتش را شعلهور ساخته است.

آتش جهنم و مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۲ - ۲

۲ آتش جهنم به هنگام دیدن تکذیب کنندگان قیامت از راه دور ، به جوش و خروش آمده و فریاد خشمگینانه سرخواهد داد .

إذا رأتهم من مکان بعید سمعوا لها تغیّظًا و زفیرًا

آتشگیره جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۲۴ – ۱۰،۱۲

۱۰ – منکران قرآن و سنگ های دوزخ ، هیزم و آتشگیره های آتش جهنمند .

فاتقوا النار

وقودها الناس و الحجاره

<وقود> به هیزم و نیز به چیزی که با آن آتش روشن می کنند، گفته می شود.

۱۲ - انس می گوید : < تلا رسول اللّه (ص) هذه الایه < وقود ها الناس و الحجاره > فقال : اوقد علی ها ألف عام حتی إحمرت و ألف عام حتی إبیضت و ألف عام حتی اسودت فهی سوداء مظلمه لایطفأ لهب ها ;

رسول خدا (ص) به دنبال قرائت این آیه <وقود الناس و الحجاره> فرمود: آتش]جهنم[را هزار سال شعلهور کردند تا سرخ گشت. و هزار سال شعلهور نمودند تا سفید گشت و هزار سال شعلهور کردند تا سیاه گشت پس آن آتش سیاه و ظلمانی است و شعله آن خاموش نمی شود>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰ - ۹

۹ هشدار الهی به کافران در مورد عاقبت بد آنان

انّ الذین کفروا . .. و اولئک هم وقود النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۱ - ۳

۳ فرعونیان و پیشینیانشان که تکذیب کننده آیات خدا بودند ، آتشگیره های دوزخند .

اولئک هم وقود النار. کدأب ال فرعون و الذین من قبلهم کذبوا بایاتنا

<کدأب ال>، یا تشبیه کافران عصر بعثت است به فرعونیان و پیشینیانشان و یا نمونه و مثالی است برای کافرانی که خود را بی نیاز از خدا پنداشتند و آتشگیره دوزخ شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۸ - ۱،۲

۱- کافران و معبود های دروغینشان ، آتش

گیره جهنم اند .

إنّكم و ماتعبدون من دون اللّه حصب جهنّم

<حصب>; یعنی، هر آنچه در آتش افکنند و معنای غالبی آن هیزم است (لسان العرب).

۲- بدن دوزخیان ، ماده آتش زای آتش جهنم است .

إنّكم و ماتعبدون من دون اللّه حصب جهنّم

از این که خود کافران و معبودهایشان هیزم و آتش گیره جهنم اند، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۹

۹ - دوزخیان و سنگ های دوزخ ، سوخت آتش جهنم است .

نارًا وقودها الناس و الحجاره

<وقود> به معنای چیزی است که به آن آتش روشن می کنند; یعنی، ماده سوختی و قابل اشتعال.

آثار آب داغ جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۲۲

۲۲- متلاشی شدن درون دوزخیان ، با نوشیدن آب های گدازنده

و سقوا ماء حميمًا فقطّع أمعاءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۵ - ۲

۲ - نوشیدن آب داغ در دوزخ ، هر چند زیاد باشد از دوزخیان (اصحاب الشمال) رفع تشنگی نمی کند .

فشربون شرب الهيم

برخی <هیم> (جمع <هیماء>) را به معنای ریگ گرفته اند; زیرا در زمین ریگ زار هر چه آب ریخته شود، بلعیده می شود و هرگز از آب پر نمی گردد. تشبیه دوزخیانِ تشنه به ریگ زار، حاکی از سیری ناپذیری از آن آب می باشد.

آثار آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۴ - ۲

۲ - جمع شدن

پوست لب ها و صورت دوزخیان ، با رسیدن حرارت آتش دوزخ

تلفح وجوههم النار و هم فیها کلحون

<کالح> (مفرد <کالحون>) به کسی گفته می شود که لب هایش از هم فاصله داشته و دندان هایش آشکار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۷ - ۲

۲ - آتش دوزخ ، تنها عامل تسلیم گمراهان لجوج در برابر حق

قالوا و هم فیها یختصمون . تاللّه إن کنّا لفی ضلل مبین

برداشت یاد شده از آن جا است که اعتراف حق ستیزان، تنها در جهان آخرت و آن هم در داخل دوزخ صورت می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۹ - ۱

۱ - آتش دوزخ ، پوست های بدن دوزخیان را به شدت دگرگون می سازد .

لوّاحه للبشر

<لوّاحه> صیغه مبالغه و از ماده <لوح> (تغییر و دگرگونی) است و <بشر>، جمع <بشره> به معنای ظاهر پوست بدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۶ - ۳

۳ - خداوند ، مالك و صاحب اختیار آتشی است که در قیامت ، زراندوزان غیبت کننده و عیب جو را درهم می شکند .

و ما أدریک ما الحطمه . نار اللّه

<نار اللّه>، خبر است برای ضمیر محذوف که به <الحطمه> برمی گردد.

آثار ترس از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۳

۳ - هراس از جهنم و عذاب طاقت فرسای آن ، مایه تحکیم ایمان در قلب ساحران فرعون

إنّا ءامنّا بربّنا . .. إنّه

من يأت ربّه مجرمًا فإنّ له جهنّم

جمله <إنّه من يأت. ..> تعليل براى محتواى آيه قبل است.

آثار ذكر آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۸۲ - ۷

۷ توجه به شدت حرارت آتش دوزخ ، عامل خشنودى اندك انسان و گريه طولانى وى در دنيا و بيم او بر فرجام خويش

قل نار جهنم أشد حراً . .. فليضحكوا قليلا و ليبكوا كثيراً

آثار ذكر جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۶ - ۸

۸ - يادآورى دوزخ و عذاب آتش آن ، بهترين و مؤثرترين وسيله اخطار دادن به بندگان و بازداشتن آنان از هرگونه عصيان و نافرمانى پروردگار

لهم من فوقهم ظلل من النار

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۵ - ۳

۳ - توجه به سختى هاى دوزخ و حيرت و ناآرامى مداوم دوزخيان ، بازدارنده خلق از كفر و تكذيب

يطوفون بينها و بين حميم ءان . فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

برداشت ياد شده از آن جا است كه خداوند در آيه قبل، سختى هاى دوزخ را به خلق يادآور شده و در اين آيه، حيثيت ربوبيت و رشد دهى خويش را مطرح ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۲۲

۲۲ – یادآوری دوزخ و مسائل آن ، مایه پند و بیداری

و ما هی إلاّ ذکری للبشر

مفسران، درباره مرجع ضمیر <هی> چند احتمال مطرح کرده اند که مهم ترین آنها، <سقر> است.

آثار رؤیت آتش جهنم

جلد –

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۲۴ – ۳

۳ – عذرخواهی دشمنان خدا و درخواست عفو در قیامت ، پس از مشاهده دوزخ ، مورد پذیرش نخواهدبود .

حتّی إذا ما جاءوها . .. و إن یستعتبوا فما هم من المعتبین

<إعتاب> (مصدر <معتبین>) به معنای رضایت دادن است. بنابراین واژه <المعتبین> (اسم مفعول <اعتاب>) به کسانی گفته می شود که مورد رضایت قرار گرفته و بخشوده می شوند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکاثر – ۱۰۲ – ۷ – ۴

۴ – مشاهده جهنم و آتش سوزان آن و پیدایش علم حضوری برای گرفتاران به آن در قیامت ، تهدیدی الهی و هشداری تردیدناپذیر ، برای دل بستگان به امتیازات دروغین

ألهیکم التکاثر . .. ثمّ لترونّها عین الیقین

آثار رؤیت جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکاثر – ۱۰۲ – ۷ – ۴

۴ – مشاهده جهنم و آتش سوزان آن و پیدایش علم حضوری برای گرفتاران به آن در قیامت ، تهدیدی الهی و هشداری تردیدناپذیر ، برای دل بستگان به امتیازات دروغین

ألهیکم التکاثر . .. ثمّ لترونّها عین الیقین

آثار شومی جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۶ – ۲

۲ بد و ناگوار بودن جهنم برای انسان ، موجب هراسناکی و دست به دعا برداشتن بندگان خالص خدا به درگاه الهی برای

رهایی از آن

ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم . .. إنّها ساءت مستقرًّا و مقامًا

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که جمله <إنّها ساءت. ..> تعلیل

برای جمله <و الـذین یقولون ربّنـا اصـرف...> است; یعنی، چون جهنم جایگاه بـدی است، بنـدگان خـدا برای نجات خود از آن، دست به دعا برمی دارند.

آثار عقیده به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۶ - ۱۳

۱۳ - اعتقاد به قیامت و عذاب دوزخ ، سبب ترس از خدا و تقواپیشگی

لهم من فوقهم ظلل من النار . .. ذلک یخوّف اللّه به عباده یعباد فاتّقون

آثار نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۷ - ۴

۴- سعادت واقعی ، تنها در پرتو رهایی از دوزخ و ره یابی به بهشت میسّر است .

و وقهم عذاب الجحیم . .. ذلک هو الفوز العظیم

آثار ورود به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۷ - ۱

۱ - منکران قیامت ، تنها با ورود به جهنم ، آن را باور خواهند کرد .

ثمّ یقال هذا الذی کنتم به تکذّبون

آثار یقین به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۹ - ۵

۵- اعتقاد به قیامت و آگاهی از آتش دوزخ ، بازدارنده آدمی از گناه و حق ستیزی

متی هذا الوعد . .. لو یعلم الذین

از این که خداونـد فرمود: اگر کـافران می دانسـتند که آتش دوزخ و. .. بـا آنان چه می کنـد، در نزول عـذاب و برپایی قیامت عجله نمی کردند، به دست می آید که ایمان به قیامت و آگاهی از احوال آن، آدمی را از کفر و حق

ستیزی و هرگونه گناه بازمی دارد.

آرزوی نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۷ - ۳

۳ - دوزخیان ، آرزومند رهایی از دوزخ و متعهد به صلاح و ایمان ، در صورت بازگشت به دنیا

ربّنا أخرجنا منها فإن عدنا فإنّا ظلمون

آسایش در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۵

۵ - محرومیت کافران از هرگونه راحتی و آسودگی در دوزخ

لهم نار جهنّم لایقضی علیهم فیموتوا و لایخفف عنهم من عذابها

از این که کافران دوزخی، هرگز نمی میرند تا درد و رنج عذاب را درک نکنند و نیز از عذاب آنان کاسته نمی شود، می توان مطلب یاد شده را استفاده کرد.

آشامیدنیهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۲۲

۲۲ نوشیدنی سوزان و عذاب دردناک قیامت در انتظار بازیچه قراردهندگان دین است.

أولئک الذین أبسلوا . .. لهم شراب من حمیم و عذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۶ - ۲،۳،۴

۲- به جبّاران منحرف ، در جهنّم ، آبی چرکین و متعفن نوشانده می شود .

من ورائه جهنّم و یسقی من ماء صدید

<صدیـد> به معنای چرکی است که بین گوشت و پوست به وجود می آیـد. این واژه در نوشـیدنیهای جهنّمیان اسـتعمال می گردد.

۳- < عن أبی عبدالله (ع) [فی قوله تعالی : < و یسقی من ماء صدید >] و یسقی ممّا یسیل من الدم و القیح من

فروج الزوانی فی النار ;

از امام صادق(ع)[درباره سخن خدا: <و یسقی من ماء صدید>] روایت شده است که فرمود: به آنان در جهنّم، چرک و خون جاری از زنان زناکار نوشانده می شود.

۴- < قال أمیرالمؤمنین (ع) : إن أهل النار لمّا غلی الزقوم و الضریع فی بطونهم کغلی الحمیم سألوا الشراب فأتوا بشراب . . . صدید . . . ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است که فرمود: آن گاه که زقوم و ضریع در شکم جهنّمیان، همانند آب جوشان به جوش می آید، درخواست نوشیدنی می کنند; به آنان نوشیدنی ای از . .. چرک و خون داده می شود...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۷ - ۱،۲،۷،۱۰

۱- جبّاران منحرف ، آب چرکین جهنّم را جرعه جرعه با کراهت تمام خواهند نوشید .

یسقی من ماء صدید. یتجرّعه و لایکاد یسیغه

<إساغه> به معنای ریختن شراب در حلق است. بنابراین مراد از <لایکاد یسیغه> این است که آنان نمی خواهند به چنین نوشیدنی نزدیک شوند.

۲- تشنگی شدید جبّاران منحرف در جهنّم به حدی است که علی رغم کراهت و بی میلی شدید ، از آب چرکین خواهند نوشید .

یسقی من ماء صدید . یتجرّعه و لایکاد یسیغه

۷- برای کافران جبّار ، در جهنّم ، فراتر از نوشیدن اجباری آب چرکین و عذاب های مختلف مرگبار ، عذابی خشن و غیرقابل تصور نیز وجود دارد .

و من ورائه عذاب غلیظ

مرجع ضمیر <ورائه> احتمال دارد <عذاب> باشد که از عبارت قبلی به دست می آید. در این صورت، با توجه به مفهوم بودن و سخت بودن عذابهای

یاد شده، <عذاب غلیظ> باید عذابی بسیار سخت و غیر قابل تصور باشد.

۱۰- < عن النبی (ع) فی قوله : < و یسقی من ماء صدید > قال : یقرّب إلیه فیکرهه فإذا أدنی منه شوی وجهه و وقعت فروه رأسه فإذا شرب قطع أمعاؤه حتی یخرج من دبره ;

از رسول خدا(ص) در باره سخن خدا <و یسقی من ماء صدید> روایت شده است که فرمود: [ماء صدید نوشیدنی ای است] که جهنّمی وقتی به آن نزدیک می شود، سخت ناراحت می گردد. پس وقتی نزدیک تر می شود، صورت او را برشته و پوست از سر او کنده می شود و آن گاه که آن را نوشید، امعا و احشای او متلاشی و از مقعد او خارج می شود>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۷

۱۷- آب های غلیظ و گداخته ، بسان گدازه مس ، پاسخی برای استغاثه و آب طلبی کافران در دوزخ است .

و إن یستغیثوا یغاثوا بماء کالمهل

<مهل> به معنای <درده روغن> و نیز <مس گداخته> است (مقاییس اللغه) و نیز به <خونابه ای که از لاشه مردار بیرون آید> گفته می شود. (قاموس) وصف آنان با عبارت <یشوی الوجوه> با معنای <مس گداخته> سازگارتر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۰ - ۲

۲ - نوشیدنی اهل دوزخ ، آبی است داغ و جوشان .

یصهر به ما فی بطونهم و الجلود

گداخته شدن امعا و احشای اهل دوزخ با آب داغ، نشانگر آن است که نوشیدن آن آب جوشان، برای

رفع تشنگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۷ - ۱

۱ - آمیزه ای از آب داغ ، نوشیدنی دوزخیان ستمگر پس از خوردن غذای زقّوم

ثمّ إنّ لهم علیها لشوبًا من حمیم

<شوب> مصدر سماعی از فعل <شابه> (آن را مخلوط کرد) است که گاهی بر اسم مفعول (مشوب) اطلاق می شود (مثل <خلق> و <مخلوق>). در آیه شریفه نیز به همین معنا آمده است. <حمیم> به معنای آب پرحرارت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۸ - ۱

۱ - دوزخیان ستمگر پس از هر بار خوردن < زقّوم > و نوشیدن آب داغ مجدداً به دوزخ بازمی گردند .

ثمّ إنّ مرجعهم لإلی الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۷ - ۱،۲

۱ - آب داغ و خونابه چرکین ، نوشابه و غذای طاغیان در دوزخ

إنّ للطغین . .. هذا فلیذوقوه حمیم و غسّاق

<حمیم> به معنای آب داغ و جوشان است و <غسّاق> در نظر برخی از اهل لغت، به معنای چرک و خون اهل دوزخ است (لسان العرب). در نگاه برخی دیگر مقصود از آن مایعی است که از پوست اهل دوزخ خارج می شود (مفردات راغب).

۲ - آب داغ و خونابه چرکین ، نوشابه و غذای دوزخیان

هذا فلیذوقوه حمیم و غسّاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۸ - ۱

۱ – انواع نوشیدنی ها و غذا های دیگری مشابه آب داغ و خونابه چرکین ، به طغیان گران خورانده می

شود .

فلیذوقوه حمیم و غسّاق . و ءاخر من شکله أزوج

<شکل> به معنای مثل و مانند و <أزواج> به معنای انواع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۲۱

۲۱- آب جوشان و گدازنده درون ، نوشیدنی دوزخیان در آتش جاودان

کمن هو خلد فی النار و سقوا ماء حمیمًا فقطّع أمعاءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۴ - ۲

۲ - نوشیدنی دوزخیان (اصحاب شمال) ، آبی است بسیار داغ و جوشان .

فشربون علیه من الحمیم

<حمیم> در <مفردات راغب> به آب شدید الحراره معنا شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۵ - ۱

۱ - دوزخیان (اصحاب شمال) ، آب داغ و جوشان دوزخ را همچون شتری تشنه ، با حرص و ولع خواهند نوشید .

فشربون شرب الهیم

<هیم> جمع <هیماء> است و <هیماء> به شتر تشنه گفته می شود. تشبیه حالت دوزخیان به هنگام نوشیدن از آب داغ جهنم به شترِ تشنه، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۶ - ۳

۳ - عذاب دوزخ ، خوردنی و آشامیدنی آن (میوه زقّوم و آب داغ) جزای دوزخیان (اصحاب شمال)

هذا نزلهم یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۵ - ۱

۱ - تنها نوشیدنی موجود برای دوزخیان طغیان گر ، آب جوشان و زردابه چرکین و بد بوی زخم ها است

.

إلاّ حميمًا و غسّاقًا

<حميم>; يعنی، آب داغ و <غسّـاق>، آب زردی است كه از زخم جـاری می شود. به مـايع بـدبو نيز <غسّـاق> گفته می شود. (قاموس)

آل فرعون در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۶ - ۶،۷

۶ - به دوزخ افتادن خاندان فرعون در قيامت با فرمان الهی

و يوم تقوم الساعه أدخلوا ءال فرعون أشدّ العذاب

۷ - خاندان فرعون ، مبتلا به سخت ترين عذاب و كيفر الهی در دوزخ

أشدّ العذاب

با توجه به اين كه <أشدّ العذاب> می تواند بيانگر اين معنا باشد كه عذاب دوزخ، شدت و ضـعف دارد و فرعونيان در درجه شديـدتر آن قرار داده خواهنـد شـد. هم چنين می توانـد بـدين معنـا باشـد كه عـذاب دوزخ در مقـايسه بـا هر عـذاب ديگری، شديـدترين عـذاب هـا است. در اين صورت <أشـدّ العـذاب> به جای دوزخ آمـده و حكايت از شـدت بی حساب آتش آن دارد.

آمادگی آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۱ - ۶

۶ آتش جهنم ، هم اكنون (پيش از برپايی قيامت) برای تكذيب كنندگان قيامت ، آماده و مهيّا است .

و أعتدنا لمن كذّب بالساعه سعيرًا

آمدن فعل <أعتدنا> (آماده كرديم) به صورت فعل ماضی، می تواند گويای برداشت ياد شده باشد.

آمادگی جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۰

۱۰- دوزخ ، از هم اکنون برای ظالمان آماده و مهیا است . *

إنّا أعتدنا للظلمین نارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰

- کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۸،۱۰

۸- دوزخ ، منزل گاهی مهیّا شده ، برای کافران است .

إنّا أعتدنا جهنّم للکفرین نزلاً

<أعتدنا> از ماده <عتد> با <أعددنا> از ماده <عدد> به یک معنا است و در این که <آیا یکی اصل دیگری است یا هر کدام لغت مستقلی است؟>، اختلاف است. کلمه <نزل> در معانی <منزل>، <وسائل پذیرایی> و <مأوی دادن> استعمال شده است. در برداشت یاد شده معنای نخست لحاظ شده است.

۱۰- جهنم ، هم اکنون موجود و مهیا است .

إنّا أعتدنا جهنّم للکفرین نزلاً

ظاهر فعل <أعتدنا> آن است که جهنم، هم اکنون آماده است، نه این که بعد از این فراهم خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۳

۳- آتش جهنم ، مهیای پذیرش کافران در رستاخیز *

و یوم یعرض الذین کفروا علی النار

از واژه <یعرض>، نوعی تقاضا و آمادگی، از طرف مقابل استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۱۳

۱۳ - جهنم ، مهیا شده از سوی خداوند برای منافقان و مشرکان

و أعدّ لهم جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۳ - ۱،۵

۱ - شعله های گدازنده آتش ، مهیا برای کافران به خدا و رسول او

و من لم يؤمن . .. فإنّا أعتدنا للكفرين سعيرًا

۵ – نقش عوامل الهی ، در مهيّا شدن دوزخ برای كافران *

فإنّا أعتدنا للكفرين سعيرًا

ضمير متكلم مع الغير، در <إنّا> و <أعتدنا> را می توان بيانگر نقش عوامل و كارگزاران الهی در تحقّق

اراده او دانست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۱۵ – ۳

۳ – دوزخ و ابزار عذاب آن ، هم اکنون موجود و آماده است .

أعدّ اللّه لهم عذابًا شدیدًا

تعبیر <أعدّ> (مهیا کرده است) به صورت ماضی، می تواند حاکی از مطلب یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۲۱ – ۳

۳ – جهنم ، از دیرباز آفریده و مهیّا شده است .

إنّ جهنّم کانت مرصادًا

فعل ماضی <کانت>، ممکن است بر حتمی بودن حوادث آینده دلالت کند. هم چنین می تواند بر زمان گذشته و مهیّا بودن جهنم در آن دلالت داشته باشد. برداشت یاد شده بر مبنای دوم است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۱۳ – ۴

۴ – آماده سازی بهشت و جهنم برای ورود اهل آن ، هم زمان با برپایی قیامت

و إذا الجحیم سعّرت . و إذا الجنّه أُزلفت

آهن جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۲۱ – ۳

۳ – وجود آهن در دوزخ و کاربرد آن در عذاب دوزخیان

و لهم مقمع من حدید

ابزار درک جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ –قارعه – ۱۰۱ – ۱۰ – ۱،۳

۱ – ابزار شناخت زوایای جهنم و اعماق هولناك آن ، در اختیار همگان نیست .

و ما أدریک ماهیه

کلمه <هیه> ترکیبی از ضمیر <هی> و هاء <سَکْت> است.

۳ – پیامبر (ص) ، در شناخت < هاویه > ، نیازمند تعلیم الهی

است .

و ما أدریک ماهیه

ابزار عذاب در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۱ - ۲

۲ - شرک پیشگان منکر ربوبیت خدا ، سزاوار گرز های آهنین در دوزخ

و لهم مقمع من حدید

<مقمعه> (مفرد <مقامع>) به معنای گرز است. پس <مقامع من حدید>; یعنی، گرزهای آهنین.

ابزار نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۶

۶- امکانات پاکیزه و ارزشمند زندگی دنیا ، وسیله راه یابی به درجات عالی و رهایی از دوزخ

أذهبتم طیّبتکم فی حیاتکم الدنیا

مفاد آیه این است که پس از عرضه کردن کافران به آتش، به آنان گفته می شود که امکانات ارزنده را نابود ساختید; در حالی که اگر از آن پاکی ها به درستی بهره می جستید، اکنون دوزخی نبودید.

ابلیس در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۸ - ۳،۵

۳ تکبر، تمرد و اغواگری ابلیس، موجب گرفتاری او به آتش دوزخ

ما منعک ألا تسجد . .. لأملأن جهنم منکم أجمعین

۵ جهنم مملو از ابلیس و همه پیروانی که در زمره ابلیسیان درآمده باشند.

لمن تبعک منهم لأملأن جهنم منکم أجمعین

خطاب در <منکم> می تواند بیانگر این نکته باشد که آدمی به مجرد پیروی از ابلیس جایگاهی همانند او در جهنم نخواهد داشت، بلکه آن گونه پیروی چنین اقتضایی را دارد که آدمی را همسنخ ابلیس سازد ; به گونه ای که بتوان ابلیس و پیروی کننده وی را با یک ضمیر مورد خطاب قرار داد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۵ - ۵

۵ - تکبر و خودبرتربینی ابلیس و تصمیم وی بر اغوا کردن انسان ها ، موجب گرفتار شدن او به آتش دوزخ

قال فبعزّتک لأُغوینّهم . .. قال فالحقّ ... لأملأنّ جهنّم منک

ابو لهب در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۱ - ۵

۵ - ابولهب ، با آتش جهنم ملازم خواهد بود .

أبی لهب

نام عموی پیامبر(ص)، <عبدالعزّی> بوده است. استفاده از کنیه او که یادآور کلمه لهیب (شعله آتش) است می تواند گرفتاری همیشگی او را به لهیب دوزخ مطرح سازد.

احاطه آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۷ - ۵

۵ احاطه آتش دوزخ بر تار و پود کافران ، دلیل بی ثمر ماندن تلاش آنان برای رهایی از آن

یریدون ان یخرجوا من النار و ما هم بخرجین منها

جمله <و ما هم بخرجین منها> به این معناست که کافران با آتش عجین شده اند و هیچگاه از آتش خارج نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۹ - ۹

۹ احاطه همه جانبه آتش دوزخ بر کافران

و إن جهنم لمحيطه بالكفرين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۳۹ - ۱

۱- كافران ، در روز رستاخيز در احاطه آتشى فراگير بوده و از دفع آن از چهره و قفاى خود ناتوان خواهند بود .

لو يعلم الذين كفروا حين لايكفّون عن وجوههم النار و لا

عن ظهورهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۸ - ۳

۳- آتش جهنم ، فراگیر تمامی وجود کافران دوزخی بوده و بدنشان یک جا به آتش تبدیل خواهد شد .

إنّکم و ماتعبدون من دون اللّه حصب جهنّم

برداشت یاد شده از هیزم شدن کافران برای دوزخ استفاده می شود; زیرا هر وقت آتش به هیزمی برسد، تمامی هیزم به آتش تبدیل می شود. بنابراین بدن کافران هم یک جا به آتش تبدیل شده و تمامی وجودشان خواهد سوخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۵ - ۴

۴ - دوزخ ، مجازات منکران قیامت

أءنّا لمدینون . .. فاطّلع فرءاه فی سواء الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۶ - ۱

۱ - مشرکان و کافران در دوزخ ، از هر سو در محاصره آتش قرار خواهند داشت .

لهم من فوقهم ظلل من النار و من تحتهم ظلل

مقصود از سایبان هایی از آتش بر فراز کافران و زیر آنان، آتش فراگیر است که از هر سو آنها را محاصره کرده است; چنان که در سوره دیگری از این حقیقت به صراحت یاد شده است: <یوم یخشاهم العذاب من فوقهم و من تحت أرجلهم. ..>، (سوره عنکبوت (۲۹) آیه ۵۵).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۴

۴ - آتش دوزخ ، دوزخیان را فراگرفته و از هر سو آنان را احاطه خواهد کرد .

لهم فیها دار الخلد

مطلب بالا از کلمه <فیها> که ظرفیت را افاده

کرده و نوعی احاطه را می رساند و نیز از کلمه <دار> قابل برداشت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۲۸ – ۱،۲

۱ – آتش دوزخ ، آتشی است فراگیر و اثرگذار بر تمامی وجود انسان .

لاتبقی و لاتذر

مقصود از <لاـتبقی> (باقی نمی گذارد) می توانـد تمام اجزای بـدن و ابعاد وجود انسان و یا فراگیر بودن آن نسـبت به همه دوزخیان باشد. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

۲ – آتش دوزخ ، فراگیر همه دوزخیان است و هیچ کس راه گریزی از آن ندارد .

لاتبقی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – همزه – ۱۰۴ – ۷ – ۱،۴

۱ – آتش جهنم ، بر قلب ها احاطه یافته ، آن را خواهد سوزاند .

الّتی تطّلع علی الأفئده

برخی از اهـل لغت، اطّلاـع را به معنـای بلوغ دانسـته انـد (لسـان العرب). براین اسـاس، مفاد آیه این است که آتش، به قلب ها رسیده، آن را خواهد سوزاند. حرف <علی> بر احاطه کامل آتش دلالت دارد.

۴ – احاطه آتش دوزخ بر قلب عیب جویان ، کیفری مناسب برای گناه افکار ناروای آنان درباره مردم

لمزه . .. الّتی تطّلع علی الأفئده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – همزه – ۱۰۴ – ۸ – ۳

۳ – غیبت ، عیب جویی و انباشتن ثروت ، زمینه محبوس ماندن در آتشی مسلّط و فراگیر در جهنم

إنّها علیهم مؤصده

حرف <علی> در <علیهم>، بر احاطه و سلطه دلالت دارد.

احاطه جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ -

۱۴- آتش قیامت ، همانند سراپرده ای فراگیر ، راه گریز را بر کافران خواهد بست .

نارًا أحاط بهم سرادقها

<سرادق> معرب <سراطاق> و به معنای خیمه و پرده سرا است.

احاطه جهنم بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۴ - ۵

۵ - جهنم ، بر کافران ، احاطه کامل دارد .

و إنّ جهنّم لمحیطه بالکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۵ - ۱

۱ - عذاب جهنم ، چنان بر کافران احاطه خواهد داشت که از بالا و پایین پا ، آنهارا فرا خواهد گرفت .

یوم یغشیهم العذاب من فوقهم و من تحت أرجلهم

احاطه دود آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۰ - ۳

۳ - احاطه همه جانبه دود برخاسته از آتش ، بر تکذیب گران روز جزا و نبودن هیچ راه گریزی از آن

انطلقوا إلی ظلّ ذی ثلث شعب

تعبیر <ثلاث شعب> به گفته مفسران می توانـد اشاره به فراگیر و همه جانبه بودن دود برخاسته از آتش و گریزناپذیر بودن آن باشد.

احاطه عذاب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۰ - ۴

۴ - پیامبر (ص) کافران و مشرکان معاند را به عذاب فراگیر و دائمی دوزخ تهدید کرد .

و یحلّ علیه عذاب مقیم

<علی> برای استیلا و تمکن است و می رساند که عذاب الهی دشمنان رسول خدا، فراگیر و گسترده است.

احاطه عذابهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۴۸ – ۴

۴- گنه کاران دوزخی ، از درون و بیرون و از هر سو مبتلا به عذاب و شکنجه خواهند بود .

إنّ شجرت الزّقوم . .. کالمهل یغلی فی البطون ... خذوه ... ثمّ صبّوا فوق رأسه من ع

احتجاج در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۴۷ – ۱،۲

۱ – وجود اختلاف میان مستضعفان و مستکبران ، در آتش دوزخ و اقدام آنان به احتجاج و دلیل آوردن

و إذ یتحاجّون فی النار فیقول الضعفؤا للذین استکبروا

۲ – پدیدآمدن اختلاف میان مستضعفان و مستکبران ، در آتش دوزخ و احتجاج و دلیل آوردن هر یک از آنان ، حادثه ای شایسته یاد و یادآوری

و إذ یتحاجّون فی النار فیقول الضعفؤا للذین استکبروا

<إذ> متعلق به فعل محذوف (أذکر) می باشد.

ادراک آتش جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۱۲ – ۳

۳ آتش جهنم ، دارای نوعی ادراک و احساس

إذا رأتهم من مکان بعید سمعوا لها تغیّظًا و زفیرًا

ادراک جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۰ – ۵

۵ – جهنم ، دارای نوعی ادراک در عالم قیامت *

یوم نقول لجهنّم هل امتلأت و تقول هل من مزید

برداشت بالا بدان احتمال است که گفتوگوی مطرح در آیه شریفه، گفتوگویی واقعی باشد و نه در مقام بیان نمادین حقیقت.

ازدیاد حرارت جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۱۲ – ۴

۴ – حرارت

جهنم قابل افزایش و تحت تأثیر وسیله ای برافروزنده در قیامت

و إذا الجحیم سعّرت

آوردن فعل متعدی مجهول <سُعِّرت>، برای افروخته شدن جهنم، حکایت از آن دارد که انجام کار مستند به خصوصیات ذاتی جهنم نیست و عوامل بیرونی در شعلهور شدن آن دخیلند.

استبعاد نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۸ - ۱

۱ - راه خروج از آتش جهنم ، بر دوزخیان بسته خواهد بود .

إنّها علیهم مؤصده

<وصیده> به اتاقی گفته می شود که برای نگه داری اموال، در کوه ایجاد می کنند. فعل <آصدته>; یعنی، درب آن را بستم و محکم ساختم (مفردات)؛ بنابراین <مؤصده>، به معنای مکان بسته و غیر قابل خروج است.

استحاله فرار از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۱ - ۲

۲ - جهنمیان در قیامت ، راه گریزی نخواهند داشت .

إنّ جهنّم کانت مرصادًا

<مرصاد> بودن جهنم، بیانگر این است که گرفتاری جهنمیان به دام آن حتمی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۲ - ۲

۲ - گریز از جهنم ، برای طغیان گران امکان پذیر نیست .

إنّ جهنّم کانت مرصادًا . للطّغین

<للطـاغین> ممکن است به <مآب> تعلق داشـته باشـد و نیز می توانـد متعلق به <مرصاداً> باشـد. در صورت دوم مفاد آیه شریفـه چنین می شـود: جهنم برای طغیـان گران مثـل کمین است که رهـایی از آن ممکن نیست. در این صـورت <مآبـاً> نیز متعلقی نظیر <للطاغین> داشته که به دلیل وجود قرینه، ذکر آن ضرورت نداشت.

استمداد از مالک

جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۷۷ – ۱۲

۱۲ – < قال سید بن طاوس ، اقول فی الحدیث . إنّ أهل النار إذا دخلوها و رأوا أنکالها . . . فیومّلون . . . لیخفّ عنهم بعض العذاب . . . فإذا یئسوا من خزنه جهنم رجعوا إلی مالک مقدّم الخُزّان و أمّلوا أن یخلّصهم من ذلک الهوان کما قال جلّ جلاله < و نادوا یا مالک لیقض علینا ربّک > قال : فیحبس عنهم الجواب أربعین سنه ثمّ یجیبهم کما قال اللّه فی کتابه المکنون . < إنّکم ماکثون > . . . ;

سیدبن طاووس گوید: در حدیث است که دوزخیان زمانی که داخل آتش شده و عذاب های آن جا را می بینند . .. آرزو می کنند ... تا مقداری از عذاب از آنان برداشته شود و وقتی از مأموران جهنم مأیوس شدند، سراغ مالک دوزخ که [رتبه] او بر همه مأموران مقدم است، رفته و آرزو می کنند که او آنها را از این ذلت رهایی دهد; همان طور که خداوند می فرماید: <و نادوا یا مالک لیقض علینا ربّک>. جواب آنان چهل سال داده نمی شود; سپس همان گونه که خدا در کتاب محفوظ خود فرموده چنین جواب می دهد: إنّکم ماکثون>... .

استمداد از نگهبانان جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۷۷ – ۱۲

۱۲ – < قال سید بن طاوس ، اقول فی الحدیث . إنّ أهل النار إذا دخلوها و رأوا أنکالها . . . فیومّلون . . .

ليخفّ عنهم بعض العـذاب . . . فإذا يئسوا من خزنه جهنم رجعوا إلى مالك مقـدّم الخُزّان و أمّلوا أن يخلّصـهم من ذلك الهوان كما قال جلّ جلاله < و نادوا يا مالك ليقض علينا ربّک > قال : فيحبس عنهم الجواب أربعين سـنه ثمّ يجيبهم كما قال اللّه في كتابه المكنون . < إنّكم ماكثون > . . . ;

سيـدبن طاووس گويد: در حديث است كه دوزخيان زمانى كه داخل آتش شده و عذاب هاى آن جا را مى بينند . .. آرزو مى كننـد ... تا مقـدارى از عذاب از آنان برداشـته شود و وقتى از مأموران جهنم مأيوس شدند، سـراغ مالك دوزخ كه [رتبه] او بر همه مأموران مقـدم است، رفته و آرزو مى كننـد كه او آنها را از اين ذلت رهايى دهد; همان طور كه خداوند مى فرمايد: <و نـادوا يـا مالك ليقض علينا ربّك>. جواب آنان چهل سال داده نمى شود; سـپس همان گونه كه خـدا در كتاب محفوظ خود فرموده چنين جواب مى دهد: إنّكم ماكثون>... .

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۵

۱۵- كافران در خيمه آتشين دوزخ ، با استغاثه و اظهار تشنگى ، از مأموران عذاب ، يارى مى طلبند .

و إن يستغيثوا يغاثوا بماء

<غـوث> يعنى: <يـارى كردن> و <غيث> يعنى: <بـاران>. مراد از <اسـتغاثه> مى توانـد طلب يـارى و يـا طلب بـاران (آب) باشـد. پاسـخى كه به اسـتغاثه دوزخيـان داده مى شود، گويـاى آن است كه يارى خواسـتن دوزخيان، همان آب خواهى آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ -

غافر - ۴۰ - ۵۰ - ۷

۷ - پاسخ منفی و یأس آور نگهبانان جهنم ، به استمداد دوزخیان مبنی بر درخواست تخفیف در عذاب آنان از خداوند

قال ادعوا ربّکم یخفّف عنّا . .. قالوا فادعوا و ما دعؤا الکفرین إلاّ فی ضلل

استهزاگران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۴ - ۳

۳ - عیب جویان ، غیبت کنندگان ، سخن چینان ، بدگویان ، تمسخرکنندگان مردم و زراندوزان ، در آتش جهنم افکنده خواهند شد .

لینبذنّ فی الحطمه

آیات بعد، بیانگر آن است که مراد از <حطمه>، آتش جهنم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۸ - ۲

۲ - آتش جهنم ، جاودان و گرفتاری زراندوزان استهزاگر در آن ، همیشگی است .

إنّها علیهم مؤصده

اصحاب شمال در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۲ - ۴

۴ - اصحاب الشمال در دوزخ ، ناچار به استفاده از آب بسیار داغ برای رفع تشنگی

و حمیم

<حمیم>; یعنی، آب داغ و نکره بودن آن، دلالت بر شدت داغی آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۴ - ۲

۲ - پناه بردن اصحاب الشمال از گرمای دوزخ به سایه ، بی تأثیر برای آنان

فی سموم . .. و ظلّ ... لابارد و لاکریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۵ - ۳

۳ - سرمستی ، خوش گذرانی و فرو رفتن در ناز و نعمت

، از عوامل مهم دوزخی شدن < اصحاب شمال >

و أصحب الشمال . .. إنّهم کانوا قبل ذلک مترفین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۳ - ۱

۱ - دوزخیان از فرط گرسنگی به پر کردن شکم خود از میوه < زقّوم > می پردازند .

فمالون منها البطون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۴ - ۱،۲

۱ - عارض شدن تشنگی بسیار شدید بر دوزخیان (اصحاب شمال) ، به محض فارغ شدن از خوردن میوه < زقّوم >

لأکلون من شجر من زقّوم . .. فشربون علیه من الحمیم

به کارگیری <فا> در <فشاربون> و نیز قید <علیه>، می رساند که نوشیدن آب بعد از خوردن از <زقّوم>، بی درنگ و بلافاصله انجام خواهد گرفت و این حکایت از تشنگی شدید دوزخیان دارد که با خوردن <زقّوم> بر ایشان عارض خواهد شد.

۲ - نوشیدنی دوزخیان (اصحاب شمال) ، آبی است بسیار داغ و جوشان .

فشربون علیه من الحمیم

<حمیم> در <مفردات راغب> به آب شدید الحراره معنا شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۵ - ۱،۲

۱ - دوزخیان (اصحاب شمال) ، آب داغ و جوشان دوزخ را همچون شتری تشنه ، با حرص و ولع خواهند نوشید .

فشربون شرب الهیم

<هیم> جمع <هیماء> است و <هیماء> به شتر تشنه گفته می شود. تشبیه حالت دوزخیان به هنگام نوشیدن از آب داغ

جهنم به شترِ تشنه، بیانگر مطلب یاد شده است.

۲ - نوشیدن آب داغ در دوزخ ،

هر چند زیاد باشد از دوزخیان (اصحاب الشمال) رفع تشنگی نمی کند .

فشربون شرب الهیم

برخی <هیم> (جمع <هیماء>) را به معنای ریگ گرفته اند; زیرا در زمین ریگ زار هر چه آب ریخته شود، بلعیده می شود و هرگز از آب پر نمی گردد. تشبیه دوزخیانِ تشنه به ریگ زار، حاکی از سیری ناپذیری از آن آب می باشد.

اضلالگران در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۳۰ – ۸

۸- دوزخ ، سرانجام تلاش برای ترویج آیین شرک و گمراه کردن مردم از مسیر خدا و یگانه پرستی

و جعلوا لله أندادًا لیضلّوا عن سبیله . .. فإن مصیرکم إلی النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۶۳ – ۲

۲ – پیشوایان شرک و گمراه کنندگان خلق ، مصداق های بارز و قطعی دوزخیان

قال الذین حقّ علیهم القول

خداوند در آغاز آفرینش آدم، در پاسخ ابلیس که گفته بود: <ربّ بما أغویتنی لأُغوینهم أجمعین> فرمود: <لأملئنّ جهنّم منک و ممّن تبعک منهم أجمعین>. کلمه <القول> اشاره به همین سخن خداوند دارد. بنابراین <الذین حقّ علیهم القول>; یعنی، آنان که آن سخن خدا درباره ایشان مصداق و قطعیت یافته است.

اطاعت نگهبانان جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۶ – ۱۲،۱۳

۱۲ – فرشتگان نگهبان دوزخ ، تسلیم محض خدا هستند و هرگز از فرمان او سرپیچی نمی کنند و از چارچوب آن خارج نمی شوند .

لایعصون اللّه ما أمرهم

۱۳ - برخورد خشن و سختگیرانه نگهبانان دوزخ ، به فرمان الهی

بوده و هرگز از آن نمی کاهند و یا متوقف نمی شوند .

علیها ملئکه غلاظ شداد لایعصون اللّه ما أمرهم و یفعلون ما یؤمرون

یادآوری عصمت و فرمانبری فرشتگان پس از ذکر برخورد خشن و سختگیرانه آنان با دوزخیان می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

افکندن جهنمیان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۴ - ۴

۴ - سوگند خداوند ، در تأکید برافکنده شدن دوزخیان در آتشِ جهنم

لینبذنّ

حرف <لام> در <لینبذنّ>، نشانگر قسم محذوف است.

اقسام عذابهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۷ - ۷

۷- برای کافران جبّار ، در جهنّم ، فراتر از نوشیدن اجباری آب چرکین و عذاب های مختلف مرگبار ، عذابی خشن و غیرقابل تصور نیز وجود دارد .

و من ورائه عذاب غلیظ

مرجع ضمیر <ورائه> احتمال دارد <عذاب> باشد که از عبارت قبلی به دست می آید. در این صورت، با توجه به مفهوم بودن و سخت بودن عذابهای یاد شده، <عذاب غلیظ> باید عذابی بسیار سخت و غیر قابل تصور باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۴ - ۵

۵ جهنم ، دارای انواع عذاب هلاکت بار برای تکذیب کنندگان قیامت

لاتدعوا اليوم ثبورًا وحدًا و ادعوا ثبورًا كثيرًا

التجا به نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۷ - ۱

۱ - التجای دوزخیان به نگهبانان دوزخ ، برای وساطت میان ایشان و پروردگار

و نادوا یملک لیقض علینا ربّك

القای

بدکاران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۰ - ۱

۱ - سرنگون شدن و به روی افتادن در آتش دوزخ ، کیفر و فرجام بدکاران

و من جاء بالسّیّئه فکبّت وجوههم فی النّار

<کَبَّ> (مصدر مجهول <کُبّت>) به معنای سرنگون شدن است. بنابراین <فکبّت وجوههم فی النار>; یعنی، آنان با صورت [توسط مأموران الهی] در آتش سرنگون خواهند شد.

امت ها در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۵۸

۵ هر امتی پس از ورود به جهنم، امت هم مسلک خویش را لعنت می کند و بر او نفرین می فرستد.

کلما دخلت أمه لعنت أختها

۸ ورود دوزخیان به جهنم، تدریجی و گروه گروه خواهد بود.

کلما دخلت أمه لعنت أختها

انتقال جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۵

۵ - قابلیت جهنم برای نقل و انتقال

و جاْیء یومئذ بجهنّم

انذار از آتش جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۱۴ – ۲

۲ – خداوند ، انسان ها را از آتش عظیم و شعلهور آخرت ، بیم داده و برحذر داشته است .

فأنذرتکم نارًا تلظّی

نکره بودن <ناراً>، بر عظمت آن دلالت دارد.

انذار از جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰ – ۴

۴- تهدید کافران به عذاب دوزخ ، بشارتی به مؤمنان است .

و یبشّر المؤمنین . .. و أن الذین لایؤمنون بالأخره أعتدنا لهم عذابًا ألیمًا

جمله <و أن الذین

لا يؤمنون بالأخره> عطف بر جمله <أن لهم أجراً كبيراً> است; يعنى، خدا دو بشارت به مؤمنان مى دهد: ۱- اجر بزرگ براى آنان، ۲- آماده كردن عذاب براى كافران.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۸

۸ - تهديد شدن مشركان كينه توز به آتش دوزخ ، از سوى پيامبر (ص) و به دستور خداوند

قل أفأنبّئكم بشرّ من ذلكم النار

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۶ - ۱

۱ - دوزخ ، از مهم ترين انذار ها و اخطار هاى الهى براى بشر

نذيرًا للبشر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - مطففين - ۸۳ - ۱۷ - ۳

۳ - خطر گرفتارى به جهنم ، به تمام دوزخيان گوشزد شده و به آنان هشدار كافى داده شده است .

ثمّ يقال هذا الذى كنتم به تكذّبون

انذار مكذبان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۰ - ۱۲

۱۲ - خداوند ، به منكران آتش دوزخ ، هشدار داده است .

ذوقوا عذاب النار الذى كنتم به تكذّبون

انسان ها در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۷۹ – ۱

۱ جهنم ، فرجام بسیاری از انسان ها و جنیان

و لقد ذرأنا لجهنم کثیراً من الجن و الإنس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱۹ – ۱۰،۸،۷

۷ خداوند ، دوزخ را از جنیان و انسان ها پر خواهد کرد .

لأملأنّ جهنم من

الجنه والناس أجمعين

۸ پر کردن جهنم از انسان ها و جنیان ، حقیقتی که خداوند از پیش بیان داشته بود .

تمت کلمه ربک لأملأنّ جهنم من الجنه والناس

<تمت>; یعنی، به طور کامل و بدون هیچ نقصی تحقق یافت. مفسران برآنند که مقصود از <کلمه ربک> که با جمله <لأملأنّ ...> تفسیر شده است همان سخنی است که خداوند در داستان آدم و ابلیس فرمود: <فالحق والحق أقول. لأملأنّ جهنم منک و ممن تبعک منهم أجمعین>; حق این است و من جز حق نمی گویم که جهنم را از تو و از همه کسانی که از تو پیروی می کنند پر خواهم کرد. سوره ص، آیه ۸۴ و ۸۵>.

۱۰ دوزخی شدن جن و انس به سبب اختلاف در دین ، گواه راستی و درستی سخن خداوند (جهنم را از جن و انس پر خواهم کرد) است .

و لایزالون مختلفین . .. و تمت کلمه ربک لأملأنّ جهنم

سخن از تحقق یافتن فرموده خداوند (تمت کلمه ربک . ..) پس از بیان اختلافهای مردم و پوشیده شدن حق بر آنان، گویای این نکته است که: همان اختلافها که مخفی ماندن حق را در پی داشت موجب دوزخی شدن انسانها و جنیان شده و حقانیت کلمه خدا (لأملأنّ ...) را به طور کامل محقق ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۳ - ۶

۶ - سوگند خداوند به انباشتن جهنم از مجرمان جنّی و انسی

و لکن حقّ القول منّی لأملأنّ جهنّم من الجِنّه و الناس

لام در <لأملأنّ> برای قسم است و حکایت ازآن

دارد که <القول> در فراز قبلی، سوگند است.

اهل تکاثر در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۷ - ۱

۱ - طالبـان امتیـازات مادی ، در قیامت دوزخ را در مرحله ای فراتر از < علم الیقین > مشاهـده کرده ، به حقیقت یقین دسـت خواهند یافت .

ثمّ لترونّها عین الیقین

<عین الیقین> که در اصل <رؤیهً عینَ الیقین> (دیـدنی که نفس یقین است) بوده مفعول مطلق است و حرف <ثمّ> که بر تراخی رتبی دلالت دارد آن را مرحله ای فراتر از <علم الیقین> معرفی کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۴

۴ - پرسش و حسابرسی از نعمت ها ، زمینه ساز گرفتاری برتری جویان و تفاخر کنندگان به آتش دوزخ

لترونّ الجحیم . .. ثمّ لتسئلنّ یومئذ عن النعیم

نشان دادن جهنم به اهل تکاثر پیش از بازخواست نعمت ها بیانگر آن است که اهل تکاثر، باید پس از طی مراحل بازخواسـت و حسابرسی، جهنم را جایگاه خویش بدانند.

اهل یقین و آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۶ - ۶

۶ - دوزخ و آتش سوزان آن در دنیا برای اهل یقین ، مشهود و غفلت ناپذیر است .

لو تعلمون علم الیقین . .. لترونّ الجحیم

جمله <لترونّ الجحیم>، می توانـد جواب <لو> باشـد; در این صورت آیه شـریفه درباره مشاهده دوزخ در دنیا خواهد بود.

از آن جا که حرف <لو> (در آیه قبل) برای امتناع بود; این مشاهده

بر مخاطبان <لو تعلمون> که اهل تکاثراند محال و برای صاحبان یقین به دلیل نون تأکید در <لترونّ> قطعی است. فعل مضارع <لترونّ> با دلالت بر استمرار بیانگر آن است که دوزخ، همواره مد نظر اهل یقین است.

اهل یقین و جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۶ - ۶

۶ - دوزخ و آتش سوزان آن در دنیا برای اهل یقین ، مشهود و غفلت ناپذیر است .

لو تعلمون علم الیقین . .. لترونّ الجحیم

جمله <لترونّ الجحیم>، می تواند جواب <لو> باشد; در این صورت آیه شریفه درباره مشاهده دوزخ در دنیا خواهد بود. از آن جا که حرف <لو> (در آیه قبل) برای امتناع بود; این مشاهده بر مخاطبان <لو تعلمون> که اهل تکاثراند محال و برای صاحبان یقین به دلیل نون تأکید در <لترونّ> قطعی است. فعل مضارع <لترونّ> با دلالت بر استمرار بیانگر آن است که دوزخ، همواره مد نظر اهل یقین است.

اهمیت نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۸ - ۶

۶ برنامه ها و قوانینی رشید و بالنده اند که مایه سعادت اخروی آدمیان و باعث نجات آنان از آتش دوزخ باشند .

و ما أمر فرعون برشید. یقدم قومه یوم القیمه فأوردهم النار

بادهای داغ جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۷ - ۶،۷،۸

۶ - وجود باد های داغ و سوزان در دوزخ

و وقینا عذاب السموم

<سموم> به باد داغ

و سوزانی گفته می شود که همچون <سمّ> در اجزای بدن تأثیر می گذارد. (مفردات راغب)

۷ – سپاس گزاری متقین از خداوند ، به خاطر رهایی شان از عذاب باد های سوزان و کشنده دوزخ

فمنّ اللّه علینا و وقینا عذاب السموم

۸ – < عن النبی (ص) قال : لو فتح اللّه من عذاب السموم علی أهل الأرض مثل الأنمله أحرقت الأرض و من علیها ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: اگر خداوند از عذاب سموم [روزنه ای] به اندازه یک سرانگشت به روی اهل زمین باز کند، زمین و هر کس روی زمین است می سوزد>.

بازگشت به جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۶۸ – ۱

۱ – دوزخیان ستمگر پس از هر بار خوردن < زقّوم > و نوشیدن آب داغ مجدداً به دوزخ بازمی گردند .

ثمّ إنّ مرجعهم لإلی الجحیم

بانیان مسجد ضرار در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۹ – ۱۵

۱۵ بناکنندگان مسجد ضرار ، از ظالمان و سقوط کنندگان در آتش دوزخند .

و الذین اتخذوا مسجداً ضراراً . .. فانهار به فی نار جهنم

بت ها در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۸ – ۶

۶– < جاء فی الحدیث إنّ قوماً أتوا رسول اللّه (ص) فقالوا له : . . . أخبرنا عن قوله : < إنّکم و ماتعبدون من دون اللّه حصب جهنم أنتم لها واردون > إذا کان معبودهم معهم فی النار فقد عبدوا

المسیح (ع) أفتقول : إنّه فی النار ؟ فقال لهم رسول اللّه (ص) : . . . قال اللّه : < إنّکم و ما تعبدون > یرید الإصنام التی عبدوها و هی لاتعقل و المسیح (ع) لایدخل فی جملت ها لأنّه یعقل و لو قال : إنّکم و من تعبدون لدخل المسیح (ع) فی الجمله فقال القوم : صدقت یا رسول اللّه (ص) ;

در حدیث آمده که گروهی نزد رسول خدا(ص) آمده و به آن حضرت گفتند: .. ما را از گفتار خدا <إنّکم و ماتعبدون من دون اللّه حصب جهنم...> با خبرساز چنانچه معبودشان در آتش باشد، پس [این که] گروهی مسیح را عبادت کردند; آیا تو می گویی او در آتش است. رسول خدا به آنان فرمود:... خدا فرموده <إنّکم و ماتعبدون> و بت هایی را که آنان می پرستیدند اراده کرده و بت ها غیر عاقل هستند و مسیح داخل در آنها نیست; زیرا او صاحب عقل است و اگر فرموده بود <إنّکم و من تعبدون> مسیح نیز داخل در آن جمله بود. آن گروه گفتند: راست گفتی ای رسول خدا>.

بداخلاقی نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۱۱

۱۱ - فرشتگانِ نگهبان و گماشته بر دوزخ ، درشتخوی و سختگیراند .

علیها ملئکه غلاظ شداد

بدبویی آشامیدنیهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۸ - ۷

۷ - نوشیدن آب جوشان و خونابه چرکین و بدبو در جهنم ، عقوبتی مناسب با

گناه تکذیب آیات الهی

إلّا حمیمًا و غسّاقًا . .. و کذّبوا بایتنا کذّابًا

ترتیب پنج آیه مورد بحث، به گونه ای است که آیه <جزاء وفاقاً>، دو عقوبت قبل از خود را کیفری مناسب، برای دو گناه بعد از خود قلمداد کرده است. عقوبت ها یکی منفی (لایذوقون) و دیگری مثبت (إلّا حمیماً و غساقاً) بود و گناهان نیز یکی منفی (لایرجون) و دیگری مثبت (کذّبوا) است. آیه <جزاء وفاقاً> در میان آنها، گویای تناسب عقوبت منفی با گناه منفی و تناسب عقوبت مثبت با گناه مثبت است. برداشت یاد شده بیانگر تناسب دو مثبت است.

بدگویان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۴ - ۳

۳ - عیب جویان ، غیبت کنندگان ، سخن چینان ، بدگویان ، تمسخرکنندگان مردم و زراندوزان ، در آتش جهنم افکنده خواهند شد .

لینبذنّ فی الحطمه

آیات بعد، بیانگر آن است که مراد از <حطمه>، آتش جهنم است.

بی ایمانان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۰ - ۸

۸ - مردم بی ایمان در قیامت ، نامه عمل خویش را از پشت سر دریافت کرده و به آتش جهنم گرفتار خواهند شد .

أمّا من أُوتی کتبه وراء ظهره . .. و یصلی سعیرًا ... فما لهم لایؤمنون

ارتباط مجموع آیات این سوره، اقتضا می کند که مراد از ضمیر <هم> و تعبیر <الذین کفروا> (در آیات بعد) همان کسانی باشند که در آیه دهم، با تعبیر <من أُوتی کتابه وراء ظهره> از آنان یاد گردید. همان طور که مراد از <الذین آمنوا>

(در آیات بعد)، همان <من اُوتی کتابه بیمینه> در آیات پیشین خواهد بود.

بی تأثیری سایه های جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۴ - ۲

۲ - پناه بردن اصحاب الشمال از گرمای دوزخ به سایه ، بی تأثیر برای آنان

فی سموم . .. و ظلّ ... لابارد و لاکریم

بی سایبانی دود آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۱ - ۱

۱ - دود سایه مانند دوزخ ، فاقد سایبان حقیقی (خنکک کنندگی) است و مانع از شعله های سوزان آتش نیست .

لاظلیل و لایغنی من اللّهب

<لاظلیل> صفت برای <ظلّ> در آیه پیش است و <ظلّ ظلیل> به معنای سایه دائم و مستمر است (صحاح اللغه). بر این اساس <ظلّ... لاظلیل> کنایه از نبودن سایه قابل استفاده و <لهب> به معنای شعله خالص و بدون دود است.

بی صبری در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۶ - ۲

۲ - قرار و بی قراری تکذیب گران در آتش دوزخ ، بی تأثیر در تغییر کیفر آنان

فاصبروا أو لاتصبروا سواء علیکم

بی نظیری آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۶ - ۴

۴ - آتش جهنم ، آتشی بی نظیر و شدیدتر از هر آتش دیگری است .

نار اللّه

توصیف خداوند به خالق و مالک آتش جهنم، بیانگر تفاوت آن، با دیگر آتش ها است.

بی نظیری جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ -

مدثر - ۷۴ - ۳۵ - ۲

۲ - دوزخ ، پدیده ای بی نظیر در میان پدیده های بزرگ جهان

إنّها لإحدى الكبر

برخی از مفسران، بر آنند که مقصود از <لإحدى الکبر> این است که در میان پدیده های بزرگ، دوزخ در عظمت و شگفتی، یگانه و بی نظیر است.

پر شدن جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۹ - ۷،۸،۱۰

۷ خداوند ، دوزخ را از جنیان و انسان ها پر خواهد کرد .

لأملأنّ جهنم من الجنه والناس أجمعين

۸ پر کردن جهنم از انسان ها و جنیان ، حقیقتی که خداوند از پیش بیان داشته بود .

تمت کلمه ربک لأملأنّ جهنم من الجنه والناس

<تمت>; یعنی، به طور کامل و بدون هیچ نقصی تحقق یافت. مفسران برآنند که مقصود از <کلمه ربک> که با جمله <لأملأنّ ...> تفسیر شده است همان سخنی است که خداوند در داستان آدم و ابلیس فرمود: <فالحق والحق أقول. لأملأنّ جهنم منك و ممن تبعك منهم أجمعين>; حق این است و من جز حق نمی گویم که جهنم را از تو و از همه کسانی که از تو پیروی می کنند پر خواهم کرد. سوره ص، آیه ۸۴ و ۸۵>.

۱۰ دوزخی شدن جن و انس به سبب اختلاف در دین ، گواه راستی و درستی سخن خداوند (جهنم را از جن و انس پر خواهم کرد) است .

و لایزالون مختلفين . .. و تمت کلمه ربک لأملأنّ جهنم

سخن از تحقق یافتن فرموده خداوند (تمت کلمه ربک . ..) پس از بیان اختلافهای مردم و پوشیده شدن حق

بر آنان، گویای این نکته است که: همان اختلافها که مخفی ماندن حق را در پی داشت موجب دوزخی شدن انسانها و جنیان شده و حقانیت کلمه خدا (لأملأنّ ...) را به طور کامل محقق ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۵ - ۲،۳

۲ - پر شدن دوزخ از شیطان ها و پیروان آنان ، سخنی حق و تحقق یافتنی است .

فالحقّ و الحقّ أقول . لأملأنّ جهنّم منک و ... منهم أجمعین

برداشت یاد شده بر این دیدگاه است که جمله <لأملأنّ جهنّم. ..> با تقدیر <قسمی>، مقسم علیه برای فالحقّ باشد. هم چنین جمله <و الحقّ أقول> جمله معترضه باشد; یعنی، فالحقّ قسمی لأملأنّ جهنّم...>.

۳ - پر شدن جهنم از شیطان ها و پیروان آنان ، سوگند مؤکد خداوند

لأملأنّ جهنّم منک و ممّن تبعک منهم أجمعین

پرسش از تعداد نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۱

۱۱ - ذکر تعداد فرشتگان نگهبان دوزخ در قرآن ، مورد پرسش انکارآمیز کافران و گروه بیماردل و مغرض قرار گرفت .

و لیقول الذین فی قلوبهم مرض و الکفرون ماذا أراد اللّه بهذا مثلاً

پرسش نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۰ - ۱

۱ - پرسش نگهبانان جهنم از دوزخیان ، درباره آمدن فرستادگان الهی همراه با دلایل و برهان های روشن برای ایشان

قالوا أَوَ لم تک تأتیکم رسلکم بالبیّنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - پرسش سرزنش آمیز نگهبانان دوزخ از کافران دوزخی ، درباره آمدن پیامبر و اخطار دهنده الهی برای آنان

سألهم خزنتها ألم يأتكم نذير

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که استفهام در <ألم يأتكم. ..> توبیخی و تقریعی باشد.

پرسشهای نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۹

۹ - پرسش ملامت آمیز نگهبانان و دربانان دوزخ از کافران ، درباره آمدن پیامبران تلاوت کننده آیات الهی و انذارگران

و قال لهم خزنتها ألم يأتكم رسل منكم يتلون عليكم ءايت ربّكم و ينذرونكم لقاء يومك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۲ - ۱

۱ - کافران ، پس از توقّفی چند در آستانه در های دوزخ برای پاسخ به پرسش های دربانان ، به ورود در آن فرمان خواهند یافت .

قال لهم خزنتها ألم يأتكم رسل . .. قالوا بلى ... قيل ادخلوا أبوب جهنّم

پلیدان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۶

۶ خداوند در پی جداسازی ناپاکان از پاکان ، آنان را در قیامت انباشته می کند و یکجا در جهنم فرومی افکند .

و يجعل الخبيث بعضه على بعض فيركمه جميعا فيجعله فى جهنم

رکم (مصدر یرکم) به معنای جمع کردن چیزی و انباشته ساختن آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۵ – ۱۴

۱۴ دوزخ ، جایگاه و فرجام نهایی آنان که مظهر پلیدی اند .

إنهم رجس و مأویهم جهنم

پلیدی

آشامیدنیهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۲۰،۲۲

۲۰- آبِ مشروب دوزخیان ، مایعی ناگوار و پلید است .

یغاثوا بماء . .. بئس الشراب

۲۲- رفاه مندانِ هواپرست ، در قیامت ، گرفتار آتشی فراگیر و آشامیدنی هایی ناگوارند .

و لاتطع من أغفلنا قلبه . .. بئس الشراب و ساءت مرتفقًا

نکته یاد شده از ارتباط دو آیه استفاده شده است.

پیروان ابلیس در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۸ - ۵

۵ جهنم مملو از ابلیس و همه پیروانی که در زمره ابلیسیان درآمده باشند.

لمن تبعک منهم لأملأن جهنم منکم أجمعین

خطاب در <منکم> می توانـد بیانگر این نکته باشـد که آدمی به مجرد پیروی از ابلیس جایگاهی همانند او در جهنم نخواهد داشت، بلکه آن گـونه پیروی چنین اقتضـایی را دارد که آدمی را همسـنخ ابلیس سـازد ; به گـونه ای که بتوان ابلیس و پیروی کننده وی را با یک ضمیر مورد خطاب قرار داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۳ - ۱

۱- جهنّم ، وعده گاه همه پیروان گمراه ابلیس

و إن جهنّم لموعدهم أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۹۵ – ۱

۱ – افکنده شدن همه سپاهیان ابلیس در دوزخ ، به همراه گمراهان مشرک و معبود های باطلشان

فكبكبوا فيها . .. و جنود إبليس أجمعون

پیروان شیاطین در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۸۵ –

١ – جهنم ، مملو از شیطان ها و پیروان آنان خواهد شد .

لأملأنّ جهنّم منك و ممّن تبعک منهم أجمعين

بیشتر مفسران گفته اند: مقصود از <منک> <من جنسک> است; زیرا منطقی نیست که جهنم با آن عظمت، تنها با داخل شدن یک فرد (ابلیس) پر شود. پس مقصود، پر شدن دوزخ از مجموعه شیاطین (ابلیس و فرزندانش) و انسان ها خواهد بود.

٢ – پر شدن دوزخ از شیطان ها و پیروان آنان ، سخنی حق و تحقق یافتنی است .

فالحقّ و الحقّ أقول . لأملأنّ جهنّم منک و ... منهم أجمعين

برداشت یاد شده بر این دیدگاه است که جمله <لأملأنّ جهنّم. ..> با تقدیر <قسمی>، مقسم علیه برای فالحقّ باشد. هم چنین جمله <و الحقّ أقول> جمله معترضه باشد; یعنی، فالحقّ قسمی لأملأنّ جهنّم...>.

پیروان طغیانگران در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

١٥ – ص – ٣٨ – ٥٩ – ٣،۴،۵

٣ – طغیان گران ، از ورود پیروانشان به دوزخ ناراحت شده و آنان را مورد نکوهش و بدگویی قرار می دهند .

هذا فوج مقتحم معکم لامرحبًا بهم

<مرحباً> کلمه ای است که به هنگام خوش آمد گفتن به میهمان گفته می شود و <لا ـ مرحباً> ضد آن است; یعنی، این کلمه در جای نکوهش و بدگویی و از سر ناراحتی گفته می شود.

۴ – سوختن پیروان طاغیان در آتش دوزخ

إنّهم صالوا النار

۵ – سوختن پیروان طاغیان در آتش دوزخ ، سبب نکوهش شدن آنان از سوی طغیان گران می شود .

لامرحبًا بهم إنّهم صالوا النار

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که جمله <إنّهم صالوا النار> که تعلیل

برای <لا مرحباً بهم> است سخن طاغیان باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶۰ – ۳

۳ – پیروان طاغیان ، آنان را عامل دوزخی شدن خود معرفی می کنند .

أنتم قدّمتموه لنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶۱ – ۲،۳

۲ – اعتراف و توجه پیروان طاغیان در دوزخ ، به ربوبیت پروردگار در هنگام درخواست از او

قالوا ربّنا

۳ – طغیان گران ، مورد نفرین پیروانشان در دوزخ

قالوا ربّنا من قدّم لنا هذا فزده عذابًا ضعفًا فی النار

پیشتازان جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۹۸ – ۱

۱ فرعون در روز قیامت ، پیشاپیش پیروانش به سوی دوزخ روانه خواهد شد .

یقدم قومه یوم القیمه فأوردهم النار

قدوم (مصدر یقدم) به معنای سبقت گرفتن و در پیشاپیش حرکت کردن است.

پیشگامان جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۶۲ – ۱۳

۱۳- مشرکان ، پیشگام در وارد شدن به آتش جهنّم

لاجرم أن لهم النار و أنهم مفرطون

<مفرط> (از مصدر فرط) به معنای مقدم شدن، جلو افتادن، شتاب و سبقت گرفتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴ - ۵

۵ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < فالسابقات سبقاً > یعنی أرواح المؤمنین تسبق أرواحهم إلی الجنّه . . . و أرواح الکافرین إلی النار ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <فالسابقات سبقاً> روایت شده است، مراد ارواح مؤمنان است

که به سوی بهشت [بر یکدیگر]سبقت می گیرند. .. و [نیز]ارواح کافران که به سوی آتش [سبقت می گیرند]>.

پیشینه جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۱ - ۳

۳ - جهنم ، از دیرباز آفریده و مهیّا شده است .

إنّ جهنّم کانت مرصادًا

فعل ماضی <کانت>، ممکن است بر حتمی بودن حوادث آینده دلالت کند. هم چنین می تواند بر زمان گذشته و مهیّا بودن جهنم در آن دلالت داشته باشد. برداشت یاد شده بر مبنای دوم است.

پیوستگی آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۳ - ۲

۲ - شراره های آتش دوزخ ، بسیار انبوه ، به هم پیوسته و پرجنبش است .

کأنّه جملت صفر

برداشت یاد شده، از تشبیه شراره های آتش به انبوه شتران، استفاده می شود.

تجزیه بدن در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۴ - ۱۰

۱۰ - درهم شکسته شدن در آتش جهنم ، کیفری مناسب برای درهم شکستن شخصیت مردم

همزه لمزه . .. لینبذنّ فی الحطمه

تجمع اطراف جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۰ - ۱

۱ - محشور شدن و گردآمدن دشمنان خدا ، در کناره دوزخ

و یوم یحشر أعداء اللّه إلی النار . .. حتّی إذا ما جاءوها

تداوم آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۸ - ۳

۳ - آتش دوزخ ، پیوسته و بی انقطاع است .

و لاتذر

مقصود

از <لاتذر> (رها نمی سازد)، دوام و استمرار آتش دوزخ است که هرگز قطع نمی شود.

تداوم تشنگی در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۵ - ۲

۲ - نوشیدن آب داغ در دوزخ ، هر چند زیاد باشد از دوزخیان (اصحاب الشمال) رفع تشنگی نمی کند .

فشربون شرب الهیم

برخی <هیم> (جمع <هیماء>) را به معنای ریگ گرفته اند; زیرا در زمین ریگ زار هر چه آب ریخته شود، بلعیده می شود و هرگز از آب پر نمی گردد. تشبیه دوزخیانِ تشنه به ریگ زار، حاکی از سیری ناپذیری از آن آب می باشد.

تداوم عذاب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۰ - ۴

۴ - پیامبر (ص) کافران و مشرکان معاند را به عذاب فراگیر و دائمی دوزخ تهدید کرد .

و یحلّ علیه عذاب مقیم

<علی> برای استیلا و تمکن است و می رساند که عذاب الهی دشمنان رسول خدا، فراگیر و گسترده است.

تداوم عذاب در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۷ - ۵

۵- کافران جبّار گرفتار در جهنّم ، با وجود ابتلا به انواع عـذاب های مرگبار ، هیچ گاه نمی میرند و از عذاب رهایی نمی یابند .

یأتیه الموت من کلّ مکان و ما هو بمیت

تراکم آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۶ - ۲

۲ - جهنّم ، مکانی بس داغ و سوزان و دارای آتشی برافروخته و متراکم

و

برّزت الجحيم لمن يرى

<جحيم> به مکانی گفته می شود که حرارت شدیدی دارد. این کلمه بر آتش متراکم و پرزبانه نیز اطلاق می گردد. (قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۶ - ۳

۳ - دوزخ ، مکانی سوزان و دارای آتشی شعلهور و متراکم

لترونّ الجحیم

<جحیم>، به معنای آتشی است که سخت شعلهور بوده و زبانه کشد. هم چنین بر هر آتش متراکم و یا افروخته در گودال های عمیق و هر مکان پرحرارت اطلاق می گردد. (قاموس)

ترس از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۱ - ۱

۱ ضرورت پرهیز از عوامل گرفتاری به آتش دوزخ

و اتّقوا النّار الّتی اعدّت للکافرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۵ - ۴،۵

۴ پیوستگی و گریزناپذیری عذاب جهنم ، موجب هراسناکی و اضطراب شدید بندگان خالص خدا از سرنوشت اخروی شان

إنّ عذابها کان غرامًا

درخواست رهایی از عذاب و تعلیل آن به این که آن عذاب دائمی و گریزناپذیر است، برداشت فوق را می رساند.

۵ پیوستگی و گریزناپذیری عذاب جهنم ، مقتضی ترس ، اضطراب ، تضرع و دعا کردن به درگاه الهی برای رهایی از آن

ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم إنّ عذابها کان غرامًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۶ - ۳

۳ سرنوشت بد و اقامتگاه ناگوار انسان در جهنم ، مقتضی هراسان بودن ، اضطراب ، تضرع و دعا کردن به درگاه الهی است .

ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم

. .. إنّها ساءت مستقرًّا و مقامًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۵ – ۷

۷ – نگاه ترس آلود و مضطرب ستمکاران به جهنم ، در کناره آتش دوزخ

ینظرون من طرف خفیّ

نگاه زیر چشمی به جهنم ، کنایه از ترس و وحشت است .

ترسناکی آتش جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰۲ – ۲

۲– آتش دوزخ ، دارای صدای وحشتناک است .

لایسمعون حسیسها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۲۰ – ۹

۹ – آتش جهنم ، آتشی سخت و هولناک و ترس آور است .

فمأویهم النار . .. ذوقوا عذاب النار

آوردن اسم ظاهر <النار> به جای ضمیر با توجه به این که جای استعمال ضمیر است می تواند برای تهدید بیشتر و بیان عظمت و بزرگی آتش باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۳۲ – ۲

۲ – آتش دوزخ ، دارای منظره ای بس هولناک

إنّها ترمی بشرر کالقصر

برداشت بالا، از تشبیه شراره های آتش به قصر، استفاده می شود.

ترسناکی جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۷ - ۱

۱ - دوزخ ، حقیقتی بس سهمگین و عظیم

و ما أدریک ما سقر

از تعبیر <و ما أدراك ما سقر> (و چه چیز مطلع ساخت تو را که سقر چیست) استفاده می شود که دوزخ، حقیقتی بس بزرگ و سهمگین است که کسی از آن به درستی و شایستگی، آگاهی ندارد

و تنها در پرتو وحی الهی، قابل شناخت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – قارعه – ۱۰۱ – ۱۰ – ۱،۲

۱ – ابزار شناخت زوایای جهنم و اعماق هولناک آن ، در اختیار همگان نیست .

و ما أدریک ماهیه

کلمه <هیه> ترکیبی از ضمیر <هی> و هاء <سَکْت> است.

۲ – عظمت جهنم و توصیف اعماق هولناک آن ، فراتر از حد تصوّر و بیان است .

و ما أدریک ماهیه

تشبیه آب داغ جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۹ – ۱۷

۱۷– آب های غلیظ و گداخته ، بسان گدازه مس ، پاسخی برای استغاثه و آب طلبی کافران در دوزخ است .

و إن یستغیثوا یغاثوا بماء کالمهل

<مهل> به معنای <درده روغن> و نیز <مس گداخته> است (مقاییس اللغه) و نیز به <خونابه ای که از لاشه مردار بیرون آید> گفته می شود. (قاموس) وصف آنان با عبارت <یشوی الوجوه> با معنای <مس گداخته> سازگارتر است.

تشبیه خوردنیهای جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۶ – ۴

۴ – < قال رسول اللّه (ص) : الضریع شئ یکون فی النار یشبه الشَّوْکَ أمرّ من الصَّبِر و أنتن من الجیفه و أشدّ حرّاً من النار ;

رسول خدا(ص) فرمود: ضریع چیزی است در آتش [جهنم] که به بوته خاردار شباهت دارد و تلخ تر از صَبِر (عصاره گیاهی تلخ) و متعفّن تر از مردار و داغ تر از آتش است>.

تشبیه شعله آتش جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات

۱ - ۳۳ - ۷۷ -

۱ - شراره های برخاسته از آتش دوزخ ، همانند شتران زرد رنگ است .

کأنّه جملت صفر

<جملات> جمع <جِماله> است. <جماله> یا جمع <جمل> (شتر) و یا اسم جمع است.

تعجب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۰ - ۴

۴ - جهنم ، در شگفت از کثرت و انبوهی کافران و دوزخیان *

و تقول هل من مزید

برداشت یاد شده بدان احتمال است که سؤال <هل من مزید> از روی انکار و اعجاب باشد; یعنی، آن قدر کافران را در خود جای داده که به شگفتی آمده و می پرسد: آیا به راستی هنوز هم کافرانی افزون تر وجود دارند؟!

تعداد درهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۴ - ۱

۱- جهنّم ، دارای هفت در است .

لها سبعه أبوب لکلّ باب منهم جزء مقسوم

تعداد ملائکه جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۷،۸،۱۰

۷ - بیان تعداد نگهبانان دوزخ در قرآن ، موجب افزایش و تقویت ایمان اهل کتاب تا مرز یقین

لیستیقن الذین أَوتوا الکتب

۸ – تعداد فرشتگان نگهبان دوزخ ، از حقایق بازگو شده در کتاب های آسمانی پیشین

لیستیقن الذین أُوتوا الکتب

مفسّران درباره چگونگی یقین پیدا کردن اهل کتاب از تعداد ذکر شده در قرآن برای نگهبانان دوزخ، گفته اند: چون این عدد در کتاب های آسمانی اهل کتاب نیز ذکر شده است، آنان به حقانیت و درستی قرآن پی برده اند و بر ایمانشان افزوده شده است.

۱۰ – ذکر تعداد

نگهبانان دوزخ در قرآن ، زداینده هرگونه شک و تردید ، از دل اهل کتاب و مؤمنان نسبت به حقانیت و درستی قرآن

و لايرتاب الذين أُوتوا الكتب و المؤمنون

تعداد نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۰ - ۱

۱ - دوزخ ، داراى نوزده نگهبان

عليها تسعه عشر

تميز <تسعه عشر> حذف شده است. برخى آن را به تقدير <تسعه عشر ملكاً> و برخى <تسعه عشر صنفاً> گرفته اند. برداشت ياد شده بر پايه تقدير اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۷،۸،۹،۱۰

۷ - بيان تعداد نگهبانان دوزخ در قرآن ، موجب افزايش و تقويت ايمان اهل كتاب تا مرز يقين

ليستيقن الذين أُوتوا الكتب

۸ - تعداد فرشتگان نگهبان دوزخ ، از حقايق بازگو شده در كتاب هاى آسمانى پيشين

ليستيقن الذين أُوتوا الكتب

مفسّران درباره چگونگى يقين پيدا كردن اهل كتاب از تعداد ذكر شده در قرآن براى نگهبانان دوزخ، گفته اند: چون اين عدد در كتاب هاى آسمانى اهل كتاب نيز ذكر شده است، آنان به حقانيت و درستى قرآن پى برده اند و بر ايمانشان افزوده شده است.

۹ - ذكر تعداد نگهبانان دوزخ در قرآن ، موجب افزايش و تقويت ايمان مؤمنان گرديد .

و يزداد الذين ءامنوا إيمنًا

مفسّران گفته اند: افزايش ايمان مؤمنان، بر اثر شنيدن تعداد نگهبانان دوزخ در قرآن، ممكن است به اين جهت باشد كه اهل

کتاب، به حقیقت یاد شده اذعان داشته و به آن یقین کرده اند.

۱۰ - ذکر تعداد نگهبانان دوزخ در قرآن ، زداینده هرگونه شک و تردید ،

از دل اهل کتاب و مؤمنان نسبت به حقانیت و درستی قرآن

و لایرتاب الذین أُوتوا الکتب و المؤمنون

تعدد دربهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۶

۶ - دوزخ ، دارای درب های متعدد

فتحت أبوبها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۲ - ۲،۳

۲ - ورود کافران به دوزخ ، از درب های گوناگون خواهد بود .

قیل ادخلوا أبوب جهنّم

۳ - جهنم ، دارای درب های متعدد و گوناگون

أبوب جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۶ - ۱

۱ - کافران حق ناپذیر و لجوج ، از درب های گوناگون وارد جهنم خواهند شد .

ادخلوا أبوب جهنّم

تعدد درهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۹ - ۳،۴

۳- کافران ، از در های مختلفی وارد جهنّم می شوند .

الکفرین . .. فادخلوا أبوب جهنّم

۴- جهنّم ، دارای در های گوناگون و متعدد

أبوب جهنّم

تعدد نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۷

۷ - دوزخ ، دارای نگهبان و دربانان متعدد است .

و قال لهم خزنتها

<خازن> (مفرد <خزنه>) در اصل به کسی گویند که حافظ اشیایی باشد که در مکانی قرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۹ - ۵

۵ - جهنم ، دارای نگهبانان و دربانان متعدد است .

لخزنه جهنّم

<خزنه> جمع <خازن> است و <خازن> به کسی گویند که

حافظ اشیایی باشد که در مکانی قرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۸ - ۵

۵ - دوزخ ، دارای نگهبانان متعدد

خزنتها

تعفن خوردنیهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۶ - ۲،۴

۲ - تنها خوراک موجود برای برخی از دوزخیان ، گیاه خاردار و بی ارزش و بدبوی جهنم است .

لیس لهم طعام إلّا من ضریع

<ضریع> (از ریشه <مضارعه> به معنای <مشابهه>) خاری است که شتر آن را، از خارهای مشابه تشخیص نمی دهد و خوردن آن به او صدمه می زند و سودی نمی رساند (مجمع البیان). برخی آن را خار ساقه و تنه درخت خرما و برخی دیگر، گیاه بدبویی دانسته اند که بر اثر موج دریا بیرون می افتد. این کلمه به معنای پوشش نازک روی استخوان نیز استعمال شده است. (قاموس)

۴ - < قال رسول اللّه (ص) : الضریع شئ یکون فی النار یشبه الشَّوْکَ أمرّ من الصَّبِر و أنتن من الجیفه و أشدّ حرّاً من النار ;

رسول خدا(ص) فرمود: ضریع چیزی است در آتش [جهنم] که به بوته خاردار شباهت دارد و تلخ تر از صَبِر (عصاره گیاهی تلخ) و متعفّن تر از مردار و داغ تر از آتش است>.

تفاخرکنندگان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۴

۴ - پرسش و حسابرسی از نعمت ها ، زمینه ساز گرفتاری برتری جویان و تفاخر کنندگان به آتش دوزخ

لترونّ الجحيم . .. ثمّ لتسئلنّ يومئذ عن النعيم

نشان دادن جهنم

به اهـل تکـاثر پیش از بـازخواست نعمت هـا بیـانگر آن است که اهل تکاثر، بایـد پس از طی مراحل بازخواست و حسابرسـی، جهنم را جایگاه خویش بدانند.

تفاوت عذابهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۶ - ۳

۳ - جهنم ، دارای عذاب های متفاوت و درکات گوناگون (طبقات زیرین) ، برای گروه های مختلف دوزخیان

ادخلوا أبوب جهنّم

جمع آمدن <ابواب> می تواند به اعتبار طبقات متعدد دوزخ باشد; بدین معنا که هر طبقه ای از آن دارای دربی باشد. گفتنی است که در اصطلاح به طبقات دوزخ، <درکات> گفته می شود.

تقرب نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۹ - ۷

۷ - مقرب بودن نگهبانان دوزخ و منزلت داشتن آنان به پیشگاه خداوند ، در نظر دوزخیان

و قال الذین فی النار لخزنه جهنّم ادعوا ربّکم یخفّف عنّا یومًا من العذاب

تکذیب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶ - ۷

۷ - از امام صادق (ع) روایت شده که فرمودند : < الکفر فی کتاب اللّه علی خمسه أوجه . . . فمن ها کفر الجحود و الجحود علی وجهین . . . فأمـا کفر الجحود فهو الجحود بـالربوبیه و هو قول من یقول لا ـرب و لا ـجنه و لانار . . . قال اللّه عز و جل : . . . إن الذین کفروا سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون . . . ;

کفر در کتاب خدابه پنج معنا آمده است

. .. یکی از آنهـا کفر جحود است که دو وجه دارد: یک وجه آن، انکار ربوبیت است و آن قول کسـی است که می گویـد: نه خدایی هست نه بهشتی و نه جهنمی ... خداوند فرمود: إن الذین کفروا سواء علیهم ...>.

تکلم در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۶۶ – ۵

۵ – سخن گفتن در جهنم ، برای جهنمیان ، امری ممکن است .

یوم تقلّب وجوههم فی النار یقولون

تلخی خوردنیهای جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۶ – ۴

۴ – < قال رسول اللّه (ص) : الضریع شئ یکون فی النار یشبه الشَّوْکَ أمرّ من الصَّبِر و أنتن من الجیفه و أشدّ حرّاً من النار ;

رسول خـدا(ص) فرمود: ضـریع چیزی است در آتش [جهنم] که به بوته خاردار شـباهت دارد و تلـخ تر از صَبِر (عصاره گیاهی تلخ) و متعفّن تر از مردار و داغ تر از آتش است>.

تنوع آتش جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۱۹ – ۷

۷ وجود آتش های متنوع و متفاوت در دوزخ

قطّعت لهم ثیاب من نار

تنوع آشامیدنیهای جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۵۸ – ۲

۲ – غذا و نوشابه ناگوار و مشمئز کننده دوزخیان ، متنوع و گوناگون است .

فلیذوقوه حمیم و غسّاق . و ءاخر من شکله أزوج

تنوع خوردنیهای جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص –

۲ - ۵۸ - ۳۸

۲ - غذا و نوشابه ناگوار و مشمئز کننده دوزخیان ، متنوع و گوناگون است .

فلیذوقوه حمیم و غسّاق . و ءاخر من شکله أزوج

تنوع دربهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۶ - ۲

۲ - جهنم ، دارای درب های متعدد و گوناگون

أبوب جهنّم

تنوع عذابهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۷ - ۸

۸- عذاب های جهنّم دارای تنوع و مراتب است .

یسقی من ماء صدید . .. یأتیه الموت من کلّ مکان ... و من ورائه عذاب غلیظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۴ - ۵

۵- جهنّم ، دارای درکات و عذاب های متفاوت و شدید و ضعیف

لها سبعه أبوب لکلّ باب منهم جزء مقسوم

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مقصود از <سبعه> در آیه، کنایه از کثرت و حاکی از شدت و ضعف و تفاوت عذابهای جهنّم باشد نه بیان عدد مشخص.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۹ - ۵

۵- در جهنّم ، عذاب های مختلفی وجود دارد .

فادخلوا أبوب جهنّم

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <أبواب> طبقات عـذاب باشد. <خالدین فیها> هم می تواند قرینه بر این احتمال باشـد. توضـیح اینکه مرجع ضـمیر <فیهـا> أبواب است و چون جـاودانگی در أبواب معنـا نـدارد، أبواب می توانـد به معنـای طبقات باشد. در این صورت، طبقات، حاکی از وجود عذابهای گوناگون می کند.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۳

۳ - عذاب دوزخ ، دارای انواع گوناگون است .

فأولئک لهم عذاب مهین

<إهانه> (مصدر <مهین>) به معنای خوار و ذلیل کردن است. توصیف عذاب کافران و تکذیب کنندکان آیات الهی به <خوار کننده>، بیانگر این حقیقت است که عذاب های دوزخ، دارای انواع مختلف و متفاوت است. گفتنی است، برداشت یاد شده بر این اساس است که <مهین> صفت تخصیصی باشد نه توضیحی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۴

۴ - جهنم ، دارای عذاب هایی متفاوت است . *

فلهم عذاب جهنّم و لهم عذاب الحریق

چنانچه جمله <و لهم عذاب الحریق> تأکید جمله قبل باشد، نظیر ذکر خاص بعد از عام خواهد بود. در این صورت از بین عذاب های موجود در جهنم، به شدیدترین آن تصریح نشده است.

تهدید به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱۴

۱۴ منافقان متخلف از جنگ ، مورد تهدید خداوند به آتش سوزان دوزخ

قل نار جهنم أشد حراً لو کانوا یفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷ - ۱۱

۱۱ - تهدید کافران به آتش دوزخ از سوی خداوند

فویل للذین کفروا من النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۱۶ – ۷

۷ – بیم دادن خداوند به بندگانش ، درباره پیامد شوم کفر و شرک و گرفتار شدن به آتش دوزخ

لهم من فوقهم ظلل من النار . .. ذلک

یخوّف اللّه به عباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۶ - ۱

۱ - تهدید ولیدبن مغیره ، به عذاب دوزخ از سوی خداوند

سأُصلیه سقر

تهدید به عذاب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۱ - ۴

۴ - طعن زنندگان به مردم با سخن یا اشاره ، مورد نفرین خداوند و تهدید به عذاب جهنّم

ویل لکلّ همزه لمزه

برخی از مفسران، کلمه <ویل> را نفرین دانسته و گفته اند: نفرین در این موارد، همان تهدید به عقاب است. برداشت یاد شده، علاوه بر بیان این نظر، گویای تفاوتی است که برخی از اهل لغت، درباره <همزه> و <لمزه> بیان داشته و گفته اند: <همزه>; یعنی، کسی که همنشین خود را با الفاظ بد، بیازارد و <لمزه>; یعنی، کسی که با چشم یا سر، به همنشین خود اشاره کند. (مجمع البیان)

ثروت اندوزان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۵ - ۲،۳،۴،۵

۲ گنجینه های ثروت اندوزان را ، جهت نقره داغ کردن آنان ، با آتش دوزخ خواهند گداخت .

یوم یحمی علیها فی نار جهنم فتکوی بها جباههم

<احماء> مصدر <یحمی> یعنی چیزی را به شدت حرارت دادن و ضمیر مؤنث <علیها> به <الذهب> و <الفضه> برمی گردد البته به اعتبار دنانیر و دراهم و <یکوی> از ماده <کیّ> و کیّ به معنای چسباندن چیزی داغ به عضو بدن است.

۳ پیشانی ، پهلو و پشت کنزاندوزان را در دوزخ با طلا ها و نقره های گداخته ، داغ خواهند

كرد .

فى نار جهنم فتكوى بها جباههم و جنوبهم و ظهورهم

۴ سرزنش خداوند از زراندوزان در دوزخ ، همراه با شكنجه كردن آنان به وسيله اندوخته هايشان

هذا ما كنزتم لأنفسكم فذوقوا ما كنتم تكنزون

۵ طلا ها و نقره هاى گداخته شده در آتش دوزخ ، تجسمى از گنجينه شدن آنها در دنيا توسط كنزاندوزان

الذين يكنزون الذهب و الفضه . .. يوم يحمى عليها ... هذا ما كنزتم لأنفسكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۴ - ۳

۳ - عيب جويان ، غيبت كنندگان ، سخن چينان ، بدگويان ، تمسخركنندگان مردم و زراندوزان ، در آتش جهنم افكنده خواهند شد .

لينبذنّ فى الحطمه

آيات بعد، بيانگر آن است كه مراد از <حطمه>، آتش جهنم است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۶ - ۳

۳ - خداوند ، مالك و صاحب اختيار آتشى است كه در قيامت ، زراندوزان غيبت كننده و عيب جو را درهم مى شكند .

و ما أدريك ما الحطمه . نار اللّه

<نار اللّه>، خبر است براى ضمير محذوف كه به <الحطمه> برمى گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۸ - ۲

۲ - آتش جهنم ، جاودان و گرفتارى زراندوزان استهزاگر در آن ، هميشگى است .

إنّها عليهم مؤصده

ثروتمندان كافر در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۸ - ۳

۳ - آتش دوزخ ، كيفر زراندوزان كافر

و جمع فأوعى

جاودانان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۱ – ۱۰

۱۰ – ابن ابی عمیر می گوید ، از امام کاظم (ع) شنیدم که می فرمود : < لایخلّد اللّه فی النار إلا أهل الکفر و الجحود و أهل الضلال و الشرک ;

خداوند غیر از کافران، معاندان، گمراهان و مشرکان، هیچ کس را مخلّد در آتش نمی گرداند>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۶۷ – ۱۶۴

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۷ – ۱۰

۱۰ مشرکان ، اهل دوزخ بوده و در آتش آن جاودانه خواهند ماند .

ما کان للمشرکین . .. و فی النار هم خلدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۳ – ۵

۵ منافقان ، مخلد در آتش دوزخند .

من یحادد اللّه و رسوله فان له نار جهنم خلداً فیها

با توجه به اینکه آیات قبل و آیه بعد بیانگر خصلتهای منافقان است، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۸ – ۱

۱ خلود در آتش دوزخ ، وعده خداوند به زنان و مردان منافق و عموم کفرپیشگان

وعد اللّه المنفقین و المنفقت و الکفار نار جهنم خلدین فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۸ – ۱

۱ دوزخ ، جایگاه ابدی مشرکان و منکران رستاخیز

إن الذین لایرجون لقاءنا . .. و الذین هم عن ءایتنا غفلون. أولئک مأویهم النار

جلد – نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۷ – ۹

۹ زشت کرداران ، اهل دوزخ هستند و در آن جاودانه خواهند ماند .

و الذین کسبوا السیئات . .. أولئک أصحب النار هم فیها خلدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۱۷ – ۵

۵- کافران جبّار گرفتار در جهنّم ، با وجود ابتلا به انواع عـذاب های مرگبار ، هیچ گاه نمی میرند و از عذاب رهایی نمی یابند .

یأتیه الموت من کلّ مکان و ما هو بمیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۲۹ – ۶

۶- کافران ، همواره در جهنّم خواهند ماند .

فادخلوا أبوب جهنّم خلدین فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۴۰ – ۸

۸- خلود کافران در عذاب اخروی

و لا هم ینظرون

برداشت یـاد شـده بر این اساس است که مراد از <لا هم ینظرون> نفی تعلق رحمت و عنایت خداونـد به کافران باشـد. لازمه چنین نفی مطلقی، رهایی نیافتن کافران از عذاب و جاودانگی آنان در آتش است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۹ – ۴

۴- خلود مشرکان و معبودهایشان در آتش دوزخ

و کلٌّ فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۲ - ۲

۲ - دوزخیان هر وقت بر اثر التهاب و غلیان آتش ، از قعر دوزخ بالاـ آورده شوند ، با گرز های آهنین دوباره به قعر آن بازگردانده خواهند شد .

و

لهم مقمع من حدید . کلّما أرادوا أن یخرجوا منها من غمّ أعیدوا فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۱ - ۵

۵ - خلود در جهنم ، کیفر مقابله کنندگان با آیات الهی (قرآن)

و الذین سعوا فی ءایتنا معجزین أولئک أصحب الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۳ - ۴

۴ - جاودانگی در عذاب دوزخ ، فرجام زیان کاران فاقد عمل صالح و گران وزن

و من خفّت موزینه . .. فی جهنّم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۵ - ۵

۵ - عذاب ابدی دوزخ دامنگیر کافران ، پس از اتمام حجت های الهی بر آنان

ألم تکن ءایتی تتلی علیکم فکنتم بها تکذّبون

آیه یاد شده، بیانگر این حقیقت است که خداوند، کافران را بی دلیل محکوم به عذاب ابدی دوزخ نکرده; بلکه ابتدا با بیان آیات خود، حجت را بر آنان تمام نموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۴ - ۲

۲ درخواست تکذیب کنندگان قیامت برای مرگ و هلاکت خویش ، بی نتیجه بوده و آنان برای همیشه در آتش خشمگین جهنم خواهند سوخت .

بل کذّبوا بالساعه . .. لاتدعوا الیوم ثبورًا وحدًا و ادعوا ثبورًا کثیرًا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مقصود از <و ادعوا ثبوراً کثیراً> کنایه از این باشد که چون درخواست کافران برای

مرگ و یا نجات، پذیرفته نمی شود و باید تا ابد در آتش بسوزند. از این رو

از روی استهزا به آنان گفته می شود: بسیار درخواست هلاکت[و یا نجات] کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۴ - ۶

۶ - مجرمان و منکران قیامت ، به عذاب ابدی و پایان ناپذیر گرفتار خواهند شد .

و لو تری إذ المجرمون . .. و ذوقوا عذاب الخلد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۳

۳ - کافران دوزخی ، برای همیشه زنده مانده و نمی میرند .

لهم نار جهنّم لایقضی علیهم فیموتوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۹،۱۰،۱۱

۹ - جهنم ، جایگاه همیشگی کافران

ألیس فی جهنّم مثوًی للکفرین

<مثوًی> اسم مکان از ماده <ثواء> به معنای اقامت توأم با استمرار است; یعنی، جایگاه همیشگی و دائمی.

۱۰ - جهنم ، جایگاه همیشگی ستمکارترین انسان ها است .

فمن أظلم ممّن کذب علی اللّه . .. ألیس فی جهنّم مثوًی للکفرین

<ال> در <الکافرین> برای جنس و مفید استغراق است که شامل همه افراد کافران می شود; ولی می توان گفت مصداق بارز و اصلی کفرپیشگان، همان افرادی است که در صدر آیه از آنان به ستمکارترین انسان ها یاد شده است.

۱۱ - جهنم ، جایگاه همیشگی و مجازات افترازنندگان بر خدا و تکذیب کنندگان قرآن و دین حق

فمن أظلم ممّن کذب علی اللّه و کذّب بالصدق . .. ألیس فی جهنّم مثوًی للکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۰ - ۵

۵ - جهنم ، جایگاه همیشگی متکبران

ألیس فی

جهنّم مثوًى للمتكبّرين

<مثوًى> (اسم مكان از ماده <ثواء>) به معنای اقامت توأم با استمرار است; یعنی، جایگاه همیشگی و دائمی.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۷۲ – ۴۸

۴ – کافران ، در دوزخ جاودانه خواهند بود .

خلدین فیها

۸ – جهنم ، جایگاه همیشگی متکبران

فبئس مثوًی المتکبّرین

<مثوًى> (اسم مکان از ماده <ثواء>) به معنای اقامت توأم با استمرار است; یعنی، جایگاه همیشگی و دائمی.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۷۶ – ۴

۴ – کافران حق ناپذیر و لجوج ، برای همیشه در جهنم خواهند ماند .

ادخلوا أبوب جهنّم خلدین فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۲۸ – ۳

۳ – آتش دوزخ همیشگی است و دشمنان خدا در آن جاودانه اند .

ذلک جزاء أعداء اللّه النار لهم فیها دار الخلد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۵ – ۲۰

۲۰ – ستم پیشگان ، در عذاب جاودان جهنم ، خواهند ماند .

ألا إنّ الظلمين فی عذاب مقيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۶ - ۲

۲ - جاودانگی ظالمان و گمراهان ، در دوزخ ، نتيجه محروميت آنان از ولايت خدا و تكيه بر ولايت غير او است .

إنّ الظلمين فی عذاب مقيم . و ما كان لهم من أولياء

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۴ - ۱

۱ - گناهكاران ، در عذاب جهنم ماندگاراند .

إنّ

المجرمين فى عذاب جهنّم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۵ - ۱

۱ - عذاب دوزخ ، عذابى هميشگى و تخفيف ناپذير ، براى مجرمان

لايفتّر عنهم و هم فيه مبلسون

<تفتير> (مصدر <يفتّر>) به معناى تخفيف و تقليل است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۶ - ۱

۱ - جاودانگى مجرمان در دوزخ ، نتيجه ظلم آنان به خودشان

و ما ظلمنهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - جاثيه - ۴۵ - ۳۵ - ۵

۵ - محكوميت ابدى كافران مستكبر به عذاب هميشگى دوزخ ، نتيجه حق ستيزى ودنيا محورى آنان

اتّخذتم ءايت اللّه هزوًا و غرّتكم الحيوه الدنيا فاليوم لايخرجون منها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حديد - ۵۷ - ۱۵ - ۳

۳ - آتش دوزخ ، اقامتگاه دائمى كافران و منافقان

مأويكم النار

<مأوى> به معناى مسكن مى باشد. جمله اسميه بيانگر دوام و ثبات است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۱۲

۱۲ - دوزخ ، جایگاه ابدی کافران و تکذیب گران بوده و آنان هرگز از آن رهایی نخواهند یافت .

أُولئک أصحب الجحیم

<صاحب> (مفرد <أصحاب>) به معنای یار و ملازم است. بنابراین <أصحاب الجحیم>; یعنی، کسانی که با دوزخ یار و ملازم بوده و هرگز از آن جدا نخواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۷ - ۶

۶ - منافقان ، در آتش دوزخ جاودان خواهند ماند .

هم فیها خلدون

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۱۷ – ۱،۳،۵

۱ – شیطان و پیروان کافر او ، دارای فرجامی همگون و هر دو مخلد در آتش

فکان عقبتهما أنّهما فی النار خلدَین فیها

۳ – کافران و منافقان همراز ایشان ، دارای فرجامی همگون در آتش دوزخ

فکان عقبتهما أنّهما فی النار خلدَین فیها

از تشبیه کافران و منافقان به شیطان و پیراون او در آیه قبل، برداشت یاد شده از این آیه استفاده می شود.

۵ – خلود در آتش ، جزای ستمکاران و ظالمان

أنّهما فی النار خلدَین فیها و ذلک جزؤا الظلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۱۰ – ۴

۴ – کافران تکذیب گر آیات الهی ، به صورت دائمی و جاودانه در دوزخ جای دارند .

و الذین کفروا . .. أصحب النار خلدین فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۲۳ – ۷

۷ – عذاب آتش برای عصیان گران خدا و رسول او ، دائمی و ابدی است .

و من یعص اللّه و رسوله فإنّ له نار جهنّم خلدین فیها أبدًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۲۲ – ۲

۲ – گریز از جهنم ، برای طغیان گران امکان پذیر نیست .

إنّ جهنّم كانت مرصادًا . للطّغين

<للطـاغين> ممكن است به <مآب> تعلق داشـته باشـد و نيز مى توانـد متعلق به <مرصاداً> باشـد. در صورت دوم مفاد آيه شريفه چنين مى شود: جهنم براى طغيان گران مثل كمين است كه رهايى از آن ممكن نيست. در اين صورت

<مآباً> نیز متعلقی نظیر <للطاغین> داشته که به دلیل وجود قرینه، ذکر آن ضرورت نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۴ - ۵

۵ - گرفتاری فاسقان کافر در آتش دوزخ ، همیشگی است .

و إنّ الفجّار لفی جحیم

جمله اسمیه، بر ثبوت دلالت دارد و در این آیه ممکن است به قرینه مقابله با <إنّ الأبرار لفی نعیم> که استقرار مجازی در آن حاکی از خلود بود بر خلود نیز دلالت کند. مراد از <فجّار> به قرینه <بل تکذّبون بالدین> فاسقانی است که منکر معاد و کافرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۳ - ۴،۵

۴ - باقی ماندن جهنمیان ، در حالتی که نه مرگ است و نه زندگی نامیده می شود ، از سوختن در آتش برای آنان دشوارتر است .

ثمّ لایموت فیها و لایحیی

حرف <ثمّ>، برای تراخی رتبی است و بیان می کند که آنچه بعد از آن آمده، در مقایسه با قبل از آن قابل توجّه تر است.

۵ - آتش دوزخ ، عذابی جاودانه است و اهل شقاوت در آن مخلّداند .

ثمّ لایموت فیها و لایحیی

مراد از <لا یحیی>، نفی حیات مطلوب است که نجات از آتش، مصداق بارز آن می باشد. در این صورت قید <فیها>، اختصاص به <لایموت> خواهد داشت. بنابراین دوزخیان، نه در آتش می میرند و نه از آن بیرون می آیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۴ - ۲

۲ - خلود دوزخیان در آتش جهنم

تصلی نارًا

فعل <تصلی> از

ریشه <صَلاه> به معنای ملازم و همراه بودن است. (لسان العرب به نقل از زجاج)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۵ - ۴

۴ - امکان خلودِ همه شقاوتمندان در آتش جهنم *

لایصلیها إلّا الأشقی

تقابل <أشقی> و <أتقی> می تواند، قرینه بر حصر اضافی باشد; یعنی، اگر گفته می شود که تنها <شقی ترین مردم> در آتش جاودان است، مراد نفی خلود از دیگر شقاوتمندان نیست; بلکه تنها از فرد <أتقی> نفی خلود شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۶ - ۲

۲ - تکذیب کنندگان هدایت ها و انذار های الهی و اعراض کنندگان از آن ، در آتش جهنم مخلداند .

فأنذرتکم نارًا تلظّی . لایصلیها إلّا ... الذی کذّب و تولّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۶ - ۶

۶ - عذاب جهنم برای کافران ، جاودانه و پایان ناپذیر است .

فی نار جهنّم خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۸ - ۲

۲ - آتش جهنم ، جاودان و گرفتاری زراندوزان استهزاگر در آن ، همیشگی است .

إنّها علیهم مؤصده

جاودانگی آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۹ - ۳

۳ - دوزخ و آتش آن دائمی و همیشگی است .

هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۷ - ۲

۲ جهنم و آتش آن ، همیشگی و پایدار است

.

خلدين فيها مادامت السموت و الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – رعد – ۱۳ – ۵ – ۱۳

۱۳ سرای آخرت ، پايان ناپذير است و دوزخ و آتش آن جاويدان است .

هم فيها خلدون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹۷ – ۱۱

۱۱– آتش دوزخ ، آتشی خاموش نشدنی و دارای نوسان و همواره فروزان است .

كلّما خبت زدنهم سعيرًا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۲۸ – ۳

۳ – آتش دوزخ هميشگی است و دشمنان خدا در آن جاودانه اند .

ذلک جزاء أعداء اللّه النار لهم فيها دار الخلد

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۱۶ – ۳

۳ – عذاب و آتش دوزخ ، جاودانه است .

و ما هم عنها بغائبين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – اعلی – ۸۷ – ۱۳ – ۵

۵ - آتش دوزخ ، عذابی جاودانه است و اهل شقاوت در آن مخلّداند .

ثمّ لایموت فیها و لایحیی

مراد از <لا-یحیی>، نفی حیات مطلوب است که نجات از آتش، مصداق بارز آن می باشد. در این صورت قید <فیها>، اختصاص به <لایموت> خواهد داشت. بنابراین دوزخیان، نه در آتش می میرند و نه از آن بیرون می آیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۴ - ۱

۱ - آتش جهنم ، همواره شعلهور است و زبانه می کشد .

نارًا تلظّی

<تلظّی> (که در اصل <تتلظّی> بوده است)؛ یعنی، زبانه کشیده و

برافروخته می شود. مضارع در صورتی که حال قرار گیرد، بر تکرار دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۶ - ۵

۵ - آتش جهنم ، همواره برافروخته شده و شعله های تازه پیدا می کند .

الموقده

<ایقاد> (مصدر <موقده>) یا از <وَقَدْ> (آتش و بر افروخته شدن آن) و یا از <وَقود> (هیزم ویژه آتش)، گرفته شده است. توصیف آتش جهنم به <موقده> با آن که آتش از افروخته شدن و افروزنده انفکاک ندارد اشاره به حدوث پیاپی این وصف دارد؛ به گونه ای که نه تنها هرگز خاموش نمی شود؛ بلکه همواره شعله های جدید دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۸ - ۲

۲ - آتش جهنم ، جاودان و گرفتاری زراندوزان استهزاگر در آن ، همیشگی است .

إنّها علیهم مؤصده

جاودانگی ابو لهب در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۳ - ۱

۱ - ابولهب در آخرت ، به آتش گرفتار شده و در آن باقی خواهد ماند .

سیصلی نارًا

<صلی النار>؛ یعنی، به سختی گرفتار حرارت آتش شد (قاموس). <صلاه> (ریشه <یصلی> در نظر زجّاج) در اصل بر ملازمت دلالت دارد (لسان العرب). بنابراین <یصلی النار>، بیانگر خلود است.

جاودانگی جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۹ - ۳

۳ - دوزخ و آتش آن دائمی و همیشگی است .

هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲

۹ - ۸۱ -

۹ - دوزخ جایگاهی است ابدی و همیشگی .

هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۹ - ۸،۹

۸ جهنم ، ابدی و همیشگی است .

الا طریق جهنم خلدین فیها ابداً

۹ جاودانه ساختن دوزخ و دوزخیان ، امری سهل و آسان برای خداوند

الا طریق جهنم خلدین فیها ابداً و کان ذلک علی اللّه یسیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۶ - ۳

۳ آتش دوزخ ابدی است و تکذیب کنندگان آیات الهی در آن جاودان هستند.

أولئک أصحب النار هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۷،۸

۷ عذاب جاودان جهنم ، مجازاتی بس سنگین و کافی برای منافقان و کافران

نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

۸ عذاب جاودان جهنم تنها مجازات کافی برای منافقان و کافران و برابر با گناه کفر و نفاق آنان

وعد اللّه المنفقین . .. و الکفار نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۷ - ۲

۲ جهنم و آتش آن ، همیشگی و پایدار است .

خلدین فیها مادامت السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۵ - ۱۳

۱۳ سرای آخرت ، پایان ناپذیر است و دوزخ و آتش آن جاویدان است .

هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۹ - ۷

۷- جهنّم ،

جایگاهی ابدی و جاودانه

جهنّم خلدین فیها

وقتی که جهنّمیان به عنوان مظروف همواره در جهنّم می مانند، مستلزم آن است که خود جهنّم به عنوان ظرف ابدی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۵ - ۳

۳ - جهنم ، جاودانه است .

سعیرًا . خلدین فیها

چون <سعیراً> ظرف برای <الکافرین> خواهد بود و کافران، در آن مخلّد خواهند بود، به دست می آید که خود <سعیر> هم جاودانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۲۳

۲۳ - بهره های دنیایی تحت لوای کفر و ناسپاسی خدا ، در مقایسه با عذاب دایمی دوزخ بسی اندک و ناپایدار است .

قل تمتّع بکفرک قلیلًا إنّک من أصحب النار

جمله <إنّک من أصحاب النار> برای تعلیل و بیان چرایی ناچیز بودن و ناپایداری بهره دنیایی شرک و ناسپاسی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۷ - ۱۰

۱۰ - مرگ و فنا ، در دوزخ راه ندارد .

لیقض علینا ربّک . .. إنّکم مکثون

جاودانگی در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۹ - ۲

۲ - کفر پیشگان و تکذیب کنندگان آیات الهی ، برای همیشه در دوزخ خواهند بود .

أولئك أصحب النار هم فيها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۱۳

۱۳ - مشرکان (سران آنان و پیروانشان) در قیامت به آتش دوزخ گرفتار شده و در آن ماندگار خواهند بود .

و

ما هم بخرجین من النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۱۷ – ۳۲،۳۳

۳۲ کسی که مُرتدّ بمیرد ، همیشه در عذاب دوزخ است .

و من یرتدد منکم عن دینه فیمت . .. و اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون

۳۳ کفر و ارتداد ، موجب خُلود در جهنّم و حَبط عمل در دنیا و آخرت

و من یرتدد منکم عن دینه فیمت و هو کافر فاولئک حبطت اعمالهم . .. و اولئک اصحاب ال

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۵۸ – ۸

۸ نمرود ، نمونه ای از منحرفان راه رشد ، محرومان از ولایت الهی ، روندگان از نور به ظلمت و جاودان در آتش

قد تبیّن الرّشد . .. اللّه ولیّ الّذین ... الم تر الی الّذی حاجّ ابرهیم

خداوند پس از بیان ایمان و کفر (ولایت <اللّه> و <طاغوت> در آیات پیشین) برای نشان دادن نمونه خارجی، داستان ابراهیم (ع) و نمرود را بیان کرده که ابراهیم (ع) نمونه ای از ایمان و نمرود، نمونه ای از کفر است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۷۵ – ۱۶،۱۷

۱۶ بازگشت به رباخواری پس از آگاهی از حرمت آن ، موجب جاودانگی در آتش

فمن جاءه موعظه . .. و من عاد فاولئک اصحاب النّار هم فیها خالدون

جمله <فمن جاءه موعظه> به این معناست که حکم الهی به او ابلاغ شود; یعنی پس از بیان حکم، به آن آگاهی یابد. گفتنی است جمله <و من عاد> در برداشت فوق، بازگشت

به رباخواری تفسیر شده است.

۱۷ اعتقاد به همگونی بیع و ربا پس از بیان ربا و حکم آن ، موجب جاودانگی در آتش

قالوا انّما البیع . .. و من عاد فاولئک اصحاب النّار هم فیها خالدون

در برداشت فوق متعلق <عاد>، پندار غلط همسانی بیع و ربا گرفته شده است، بنابراین جمله <و من عاد . .. > به این معناست: اگر کسی پس از بیان حکم الهی درباره ربا، همچنان بر این پندار باشد که بیع همانند رباست در آتش مخلّد خواهد بود. چون وی در حقیقت کافر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۴ - ۳،۹

۳ احساس مصونیّت از خلود در آتش دوزخ ، عامل فریب و گمراهی اهل کتاب

ثمّ یتولّی فریق . .. ذلک بانّهم قالوا لن تمسّنا النار ... و غرّهم

۹ اعتقاد به مصونیّت از خلود در عذاب ، دروغی که اهل کتاب ، آن را ساخته و خود را فریب دادند .

و غرّهم فی دینهم ما کانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۶ - ۱۰،۱۱

۱۰ کافران ، مُلازمان آتش دوزخ و جاودان در آن

انّ الّذین کفروا . .. و اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون

۱۱ کفر ، موجب جاودانگی در آتش دوزخ

انّ الّذین کفروا . .. و اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۴ - ۱،۴،۶،۱۰

۱ نافرمانی خدا و رسول (ص) و تجاوز از حدود الهی ، عامل

دخول و جاودانگی در آتش جهنّم

و من یعص اللّه و رسوله و یتعدّ حدوده یدخله ناراً

۴ عمل نکردن به احکام ارث ، نافرمانی خدا و رسول (ص) و موجب جاودانگی در آتش جهنّم است .

تلک حدود اللّه . .. و من یعص اللّه و رسوله و یتعدّ حدوده یدخله ناراً خالداً فیها

۶ نافرمانی مستمر و تجاوز دایمی از حدود الهی ، موجب جاودانگی در آتش

و من یعص اللّه . .. و یتعدّ حدوده یدخله ناراً خالداً فیها

۱۰ نافرمانی خدا و رسول (ص) و تجاوز از حدود ، آنگاه که از روی سرکشی باشد ، موجب خلود در آتش است . *

و من یعص اللّه و رسوله . .. و له عذاب مهین

کلمه <مهین> به معنای خوارکننده است و چون عذابهای الهی متناسب با گناه آدمی است، بنابراین مراد از عصیان، نافرمانی از سر طغیان و سرکشی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۰ - ۱۰

۱۰ حضور جاودانه در آتش دوزخ ، پیامد و مجازات خودکشی

فسوف نُصلیه ناراً

امام صادق (ع): من قتل نفسه متعمداً فهو فی نار جهنّم خالداً فیها قال اللّه تعالی: <و لا تقتلوا انفسکم . .. فسوف نصلیه ناراً>.

من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۷۴، ح ۲۳، ب ۱۷۹ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۴، ح ۱۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۳ - ۱

۱ خلود در جهنّم ، غضب و لعنت الهی ، کیفر کشتن مؤمن از روی عمد

و من يقتل مؤمنا

متعمّداً فجزاؤه جهنّم خالداً فيها و غضب اللّه عليه و لعنه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۱ - ۵

۵ هيچ راه نجات و گريزى از جهنم ، پس از ورود به آن نيست .

أولئک ماويهم جهنم و لايجدون عنها محيصاً

جمله <لايجدون . ..> مى تواند بيان و توصيف اهل جهنم پس از ورود به آن باشد. كلمه <محيص>، اسم مكان و به معناى گريزگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۹ - ۵،۶،۷

۵ كفر و ظلم گروهى از اهل كتاب ، موجب خلود آنها در جهنم

إنّ الذين كفروا و ظلموا . .. و لاليهديهم طريقاً. الا طريق جهنم خلدين فيها

با توجه به آيات قبل مصداق مورد نظر از آيه كافران اهل كتاب مى باشند.

۶ كفر به قرآن و انكار رسالت پيامبر (ص) و بازدارى مردمان از پيوستن به اسلام ، مايه خلود در جهنم

إنّ الذين كفروا و ظلموا . .. خلدين فيها ابداً

۷ جاودانگى در جهنم ، كيفر كافران ستمگر

إنّ الذين كفروا و ظلموا . .. خلدين فيها ابداً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۲۰

۲۰ جايگاه ابدى جنيان اغواگر (شيطانها) و انسانهاى پيرو ايشان آتش دوزخ است.

قال النار مثويكم خلدين فيها

<مثوی> اسم مکان و به معنی جایگاه و محل استقرار است. (راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۶ - ۳

۳ آتش دوزخ ابدی است و تکذیب کنندگان آیات الهی

در آن جاودان هستند.

أولئک أصحب النار هم فیها خلدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۳ – ۹

۹ رسوایی بزرگ و ذلت واقعی ، در مخلد شدن انسان در آتش دوزخ است .

فان له نار جهنم خلداً فیها ذلک الخزی العظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۸ – ۱،۱۳

۱ خلود در آتش دوزخ ، وعده خداوند به زنان و مردان منافق و عموم کفرپیشگان

وعد اللّه المنفقین و المنفقت و الکفار نار جهنم خلدین فیها

۱۳ خلود در آتش جهنم ، موجب عادت کردن دوزخیان یا کاسته شدن از رنج و عذاب نیست . *

نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم . .. و لهم عذاب مقیم

تکرار <و لهم عذاب مقیم> پس از <نار جهنم> ممکن است در جهت دفع این توهّم باشد که دوزخیان در اثر خلود، بدان انس می گیرند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۰۷ – ۱،۵،۱۱

۱ آتش دوزخ ، جایگاه ابدی تیره بختان صحنه قیامت است .

خلدین فیها مادامت السموت و الأرض

عبارت <مادامت السماوات و الأرض> (تا آن زمان که آسمانها و زمین وجود دارد) کنایه از دوام و همیشگی است و تأکید برای خلودی می باشد که از <خالدین> استفاده می شود.

۵ خلود و عدم خلود جهنمیان در دوزخ ، بسته به مشیت الهی است .

خلدين فيها . .. إلاّ ما شاء ربك

۱۱ اخبار خداوند به خلود جهنميان در دوزخ ، نمی تواند مانع او بر موقت قرار دادن آن باشد .

خلدين فيها .

.. إلّا ما شاء ربک إن ربک فعال لما يريد

جمله <إن ربک . ..> تعليل برای حقايقی است که از آيه مورد بحث استفاده می شود; يعنی، چون حاکميت او مطلق است و چيزی نمی تواند مانع نفوذ اراده او شود; اگر خواست دوزخيان برای هميشه در آتش بمانند، چنين خواهد شد و اگر خواست همه و يا برخی از آنان را نجات دهد، چنين خواهد کرد و حتی اگر وعده و وعيدی را که بر خلود داده، بخواهد عمل نکند، چيزی مانع و رادع او نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۱۷

۱۷ < عن أبی عبدالله (ع) [فی قوله تعالی] < و لاترکنوا إلی الذين ظلموا فتمسکم النار > قال : أما انه لم يجعلها خلوداً و لکن تمسکم النار فلاترکنوا إليهم ;

از امام صادق(ع) [درباره سخن خداوند]<ولاترکنوا. ..> روايت شده است که فرمود: آگاه باشيد خداوند[سزای تمايل و اطمينان به ستمگران]را آتش دائمی قرار نداد، ولی آتش به شما می رسد. بنابراين از تمايل و اطمينان به ظالمان پرهيز کنيد>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۹ - ۸

۸- کفر ، عامل گرفتار شدن به عذاب ابدی جهنّم

الکفرين . .. فادخلوا أبوب جهنّم خلدين فيها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۳۹ - ۱۴

۱۴- < عن رسول اللّه (ص) : إذا دخل أهل الجنّه الجنّه و أهل النار النار . . . يقال : يا أهل الجنّه

خلود فلاموت و یا أهل النار خلود فلاموت ثمّ قرأ رسول اللّه (ص) : < و أنذرهم یوم الحسره إذ قضی الأمر و هم فی غفله > و أشار بیده و قال : أهل الدنیا فی غفله ;

از رسول خدا(ص) روایت شده: آن گاه که بهشتیان به بهشت و جهنمیان به جهنم درآیند . .. گفته می شود: ای اهل بهشت! (این جا) جاودانگی است و مرگ نیست و ای اهل آتش! (این جا) جاودانگی است و مرگ نیست، سپس رسول خدا(ص) این آیه را خواند <و أنذرهم یوم الحسره إذ قضی الأمر و هم فی غفله> (آن گاه حضرت) با دست خود اشاره کرد و فرمود: اهل دنیا در غفلت اند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۱۰

۱۰ - جاودانگی عذاب جهنم و نبود مرگ در آن ، دلیل پاینده تر بودن عذاب کافران از شکنجه و آزاری است که آنان بر مؤمنان روا می داشتند .

واللّه خیر و أبقی . إنّه من یأت ... لایموت فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۹ - ۵

۵- شرک ، گناهی بزرگ و مستوجب خلود در آتش جهنم است .

إنّکم و ما تعبدون من دون اللّه حصب جهنّم . .. و کلٌّ فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۲ - ۱

۱ - اهل دوزخ ، هرگز از آن خارج نخواهند شد .

کلّما أرادوا أن یخرجوا منها من غمّ أُعیدوا فیها

<إراده> (مصدر <أرادوا>) در این جا کنایه

از نزدیک شدن است. ضمیرهای <منها> و <فیها> به <نار> بازمی گردد. <غم> نیز مصدر و به معنای ستر و پوشیدن است که مضاف الیه آن حذف شده و تقدیرش <غمها> می باشد. <من غمها> نیز در این جا بدل اشتمال از ضمیر <منها> است; یعنی، دوزخیان هر وقت که بخواهند از پوشش آتش خارج شوند، به آن بازگردانده خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۰ - ۶

۶ - عذاب فاسقان ، پایان ناپذیر و غیرقابل گریز است .

کلّما أرادوا أن یخرجوا منها أُعیدوا فیها

عبارت <کلّما أرادوا أن یخرجوا منها> می تواند کنایه از پایان ناپذیری و خلود در آتش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۵ - ۱

۱ - کفرپیشگان ، همواره در آتش جهنم باقی خواهند ماند .

الکفرین و أعدّ لهم سعیرًا . خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۶،۷

۶ - عذاب دائمی و بی تخفیف ، کیفر تمامی کافران حق ناپذیر

کذلک نجزی کلّ کفور

<کفور> صیغه مبالغه از ماده <کفر> و یا <کفران> می باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

۷ - عذاب دائمی و بی تخفیف ، کیفر ناسپاسان نعمت های الهی

کذلک نجزی کلّ کفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۴ - ۲

۲ - دوزخیان ، هرگز از آتش دوزخ جدا نشده و پیوسته در آن خواهند سوخت .

اصلوها الیوم

<صلا> در اصل به معنای لزوم است. ازاین رو <اصلوها> به

معنای <الزموها> (باید ملازم و هم راه عذاب دوزخ باشید) خواهد بود (لسان العرب و مجمع البیان).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۵۹ – ۴

۴ – < عن أبی جعفر (ع) قـال : إذا دخل أهل الجنّه الجنّه و أهل النار النار . . . یقال : خلود فلا موت أبـداً . فیقول أهل الجنّه : < أفما نحن بمیّتین . إلاّ موتتنا الأُولی . . . > ;

از امام باقر(ع) روایت شـده که فرمود: هنگامی که بهشتیان به بهشت و دوزخیان به دوزخ وارد می شوند. .. گفته می شود: این جا جاودانگی است و هرگز مرگی نیست پس اهل بهشت می گویند: <أفما نحن بمیّتین...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۴۰ – ۵

۵ – کفر و حق ستیزی ، موجب عذاب ذلت بار دنیایی و عذاب فراگیر و دائمی دوزخ

من یأتیه عذاب یخزیه و یحلّ علیه عذاب مقیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۴۷ – ۳

۳ – دوزخیان ، در عین سوختن دائمی در آتش ، حیات داشته و بر تکلم کردن تواناهستند .

و إذ یتحاجّون فی النار فیقول الضعفؤا للذین استکبروا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۵ – ۲۳

۲۳– فانی نشدن کالبد دوزخیان و نمردن آنان ، با وجود شکنجه ها و قطعه قطعه شدن

خلد فی النار . .. فقطّع أمعاءهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰

- ۱۶ - ۳

۳ - دوزخیان ، در عین سوختن و جدا شدن اندامشان ، هرگز نمی میرند .

نزّاعه للشوی

تصریح به این که اندام ها و یا پوست سرها سوخته و جدا می شود; می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۶ - ۵

۵ - خلود دوزخیان در جهنّم

لصالوا الجحیم

<صَلی>; یعنی، ملازم و همراه شد. (لسان العرب به نقل از زجاج)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲ - ۴

۴ - خلود دوزخیان در آتش جهنم

تصلی نارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۵ - ۳

۳ - خلود در آتش جهنم ، ویژه کسانی است که در بالاترین مرحله شقاوت اند .

لایصلیها إلّا الأشقی

<صَلِی>; یعنی، ملازم و همراه شد (لسان العرب، از قول زجاج) و ملازمت با آتش به جاودانگی در آن است. حصر موجود در آیه مربوط به ملازمت است; یعنی، جاودانگی در آتش، مخصوص کسانی است که در آیه بعد اهل تکذیب و اعراض معرفی شده اند و در بدترین نوع شقاوت به سر می برند.

جاودانگی شقاوتمندان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۳ - ۵

۵ - آتش دوزخ ، عذابی جاودانه است و اهل شقاوت در آن مخلّداند .

ثمّ لایموت فیها و لایحیی

مراد از <لا یحیی>، نفی حیات مطلوب است که نجات از آتش، مصداق بارز آن می باشد. در این صورت قید <فیها>، اختصاص به <لایموت> خواهد داشت. بنابراین دوزخیان، نه

در آتش می میرند و نه از آن بیرون می آیند.

جاودانگی عذاب جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۴ – ۸

۸ – عذاب دوزخ جاودان است و کافران در آن مخلد خواهد بود .

لایموت فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۵ – ۲۱

۲۱ – عذاب دوزخ ، همیشگی و دائمی است .

عذاب مقیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۱۶ – ۳

۳ – عذاب و آتش دوزخ ، جاودانه است .

و ما هم عنها بغائبین

جاودانگی عذابهای جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۵ – ۲،۳،۴،۵

۲ عذاب جهنم ، پیوسته و گریزناپذیر است .

إنّ عذابها کان غرامًا

<غرام> به معنای عذاب، شرّ دائم و بلای گریزناپذیر است (لسان العرب).

۳ پیوستگی و گریزناپذیری عذاب جهنم ، سبب دست به دعا برداشتن و تضرع بندگان خالص خدا برای رهایی از آن عذاب

و الذین یقولون ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم إنّ عذابهاکان غرمًا

جمله <إنّ عـذابها. ..> در مقام تعلیل برای جمله قبل است; یعنی، به این سـبب بنـدگان خـدا از پروردگار خواسـتار رهایی از عذاب دوزخ اند که چون آن عذاب دائمی و گریزناپذیر است.

۴ پیوستگی و گریزناپذیری عذاب جهنم ، موجب هراسناکی و اضطراب شدید بندگان خالص خدا از سرنوشت اخروی شان

إنّ عذابهاکان غرامًا

درخواست رهایی از عذاب و تعلیل آن به این که آن عذاب دائمی و گریزناپذیر است، برداشت فوق را می رساند.

۵ پیوستگی و گریزناپذیری عذاب

جهنم ، مقتضی ترس ، اضطراب ، تضرع و دعا کردن به درگاه الهی برای رهایی از آن

ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم إنّ عذابهاکان غرامًا

جاودانگی کافران در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۴ – ۸

۸ – عذاب دوزخ جاودان است و کافران در آن مخلد خواهد بود .

لایموت فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۳۵ – ۵

۵ – محکومیت ابدی کافران مستکبر به عذاب همیشگی دوزخ ، نتیجه حق ستیزی ودنیا محوری آنان

اتّخذتم ءایت اللّه هزوًا و غرّتکم الحیوه الدنیا فالیوم لایخرجون منها

جایگاه جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکاثر – ۱۰۲ – ۶ – ۳

۳ – دوزخ ، مکانی سوزان و دارای آتشی شعلهور و متراکم

لترونّ الجحیم

<جحیم>، به معنای آتشی است که سخت شعلهور بوده و زبانه کشد. هم چنین بر هر آتش متراکم و یا افروخته در گودال های عمیق و هر مکان پرحرارت اطلاق می گردد. (قاموس)

جایگاه سعیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹۷ – ۱۳

۱۳- < علی بن الحسین (ع) قال : إن فی جهنّم وادیاً یقال له : سعیر ، إذا خبت جهنّم فتح سعیرها و هو قوله : < کلّما خبت زدناهم سعیراً > ;

امام سجاد فرمود: همانا در جهنّم وادیی وجود دارد که به آن <سعیر> گفته می شود و آن گاه که آتش جهنّم فروکش کند، سعیر جهنّم گشوده گردد و آن سخن خداوند است که می فرماید: کلّما

خبت زدناهم سعيراً>.

جایگاه نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۷ - ۲

۲ - جایگاه دوزخیان ، دور از محل استقرار نگهبانان دوزخ

و نادوا

کاربرد واژه <ندا> به جای <قول>، می تواند اشاره به این نکته باشد که دوزخیان با فاصله بسیار تقاضای وساطت مالک دوزخ را دارند.

جحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۱ - ۳

۳ - جحیم ، از نام های دوزخ

و برّزت الجحیم للغاوین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۳ - ۷

۷ - جحیم ، از نام های دوزخ

صرط الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۵ - ۵

۵ - عذاب دوزخ از هر سوی منکران قیامت را فرا خواهد گرفت .

فرءاه فى سواء الجحيم

برداشت یاد شده از قرار داشتن کافران در وسط دوزخ و نه در حاشیه آن به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۴ - ۳

۳ - < جحیم > ، از نام های جهنم

الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۸ - ۵

۵ - < جحیم > از نام های جهنم

الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۲۴

۲۴ - < عن أمیرالمؤمنین (ع) إنّ جهنم لها سبعه أبواب ، أطباق بعضها فوق بعض . . . و وضع النیران بعضها

فوق بعض فأسفلها جهنّم ، و فوقها لظی و فوقها الحطمه فوقها سقر ، و فوقها الجحیم و فوقها السعیر و فوقها الهاویه ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است: جهنم هفت در ورودی دارد که آنها به صورت طبقاتی بر یکدیگر قرار گرفته اند. .. و آتش ها بعضی بر بالای بعضی دیگر قرار دارد که طبقه زیرین آن جهنم است و طبقات بالاتر آن [به ترتیب] لظی، حطمه، سقر، جحیم، سعیر و هاویه می باشد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۸ - ۸

۸ - < جحیم > ، از نام های دوزخ

و وقیهم ربّهم عذاب الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۴ - ۴

۴ - < جحیم > از نام های دوزخ

و تصلیه جحیم

برخی از مفسران، <جحیم> را عَلَم برای دوزخ دانسته اند. برداشت بالا مبتنی بر این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۱۳

۱۳ - < جحیم > ، از نام های دوزخ

أُولئک أصحب الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۱ - ۳

۳ - < جحیم > ، از نام های دوزخ

ثمّ الجحیم

جسمانی بودن جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۷ - ۴

۴- جهنّم ، جسمانی است و جهات مختلف دارد .

و یأتیه الموت من کلّ مکان

جسمانیت عذاب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۵

۲ - حضور جهنميان در جهنم ، جسمانی است .

يغشيهم العذاب من فوقهم و من تحت أرجلهم

جنيان حق ناپذير در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۵ - ۴

۴ - ظالمان و حق ناپذيران جن ، همچون انسان ها ، به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد .

و أمّا القسطون فكانوا لجهنّم حطبًا

جنيان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۳ - ۵،۶،۱۴

۵ - وعده خداوند به انباشتن دوزخ از مجرمان جِنّى و اِنْسى ، وعده اى حق و تخلف ناپذير است .

و لكن حقّ القول منّى لأملأنّ جهنّم من الجِنّه و الناس أجمعين

۶ - سوگند خداوند به انباشتن جهنم از مجرمان جنّى و انسى

و لكن حقّ القول منّى لأملأنّ جهنّم من الجِنّه و الناس

لام در <لأملأنّ> براى قسم است و حكايت ازآن دارد كه <القول> در فراز قبلى، سوگند است.

۱۴ - همه مجرمان جنّى و انسى ، در جهنم گرد مى آيند .

لأملأنّ جهنّم من الجِنّه و الناس أجمعين

قيد <أجمعين> به قرينه اين كه كسانى وجود دارند كه به جهنم نخواهد رفت، عموم افرادى نيست، بلكه مفيد عموم در نوع است. لازم به ذكر است كه <ال> در <الجِنّه> و <الناس> عهد بوده و اشاره به افرادى خاص كه همانا مجرمان اند دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۱

۱ جهنم ، فرجام بسیاری از انسان ها و جنیان

و لقد ذرأنا لجهنم کثیراً من الجن و الإنس

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۹ - ۷،۸،۱۰

۷ خداوند ، دوزخ را از جنیان و انسان ها پر خواهد کرد .

لأملأنّ جهنم من الجنه والناس أجمعین

۸ پر کردن جهنم از انسان ها و جنیان ، حقیقتی که خداوند از پیش بیان داشته بود .

تمت کلمه ربک لأملأنّ جهنم من الجنه والناس

<تمت>; یعنی، به طور کامل و بدون هیچ نقصی تحقق یافت. مفسران برآنند که مقصود از <کلمه ربک> که با جمله <لأملأنّ ...> تفسیر شده است همان سخنی است که خداوند در داستان آدم و ابلیس فرمود: <فالحق والحق أقول. لأملأنّ جهنم منک و ممن تبعک منهم أجمعین>; حق این است و من جز حق نمی گویم که جهنم را از تو و از همه کسانی که از تو پیروی می کنند پر خواهم کرد. سوره ص، آیه ۸۴ و ۸۵>.

۱۰ دوزخی شدن جن و انس به سبب اختلاف در دین ، گواه راستی و درستی سخن خداوند (جهنم را از جن و انس پر خواهم کرد) است .

و لایزالون مختلفین . .. و تمت کلمه ربک لأملأنّ جهنم

سخن از تحقق یافتن فرموده خداوند (تمت کلمه ربک . ..) پس از بیان اختلافهای مردم و پوشیده شدن حق بر آنان، گویای این نکته است که: همان اختلافها که مخفی ماندن حق را در پی داشت موجب دوزخی شدن انسانها و جنیان شده و حقانیت کلمه خدا (لأملأنّ ...) را به طور کامل محقق ساخت.

جنیان ظالم در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ -

۴ - ۱۵

۴ - ظالمان و حق ناپذیران جن ، همچون انسان ها ، به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد .

و أمّا القسطون فکانوا لجهنّم حطبًا

جنیان کافر در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۹ - ۶

۶ انسانهایی که به خدا و پیامبرانش کافر شوند و نیز جنیان کفرپیشه ، به آتش دوزخ درخواهند افتاد .

لأملأنّ جهنم من الجنه والناس أجمعین

چون بحث در آیات گذشته درباره فساد و صلاح امتها بود و مصداق بارز و مورد نظر برای صلاح و فساد به قرینه آیات پیشین و نیز آیه ۱۲۱ توحید، شرک، ایمان و کفر است، مقصود از <الجنه> و <الناس> کافران و مشرکان جنی و انسی است. بر این اساس کلمه <أجمعین> تأکید بر عمومی است که از کلمه <الجنه> و <الناس> فهمیده می شود.

چرکابه جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۷ - ۱،۲

۱ - آب داغ و خونابه چرکین ، نوشابه و غذای طاغیان در دوزخ

إنّ للطغین . .. هذا فلیذوقوه حمیم و غسّاق

<حمیم> به معنای آب داغ و جوشان است و <غسّاق> در نظر برخی از اهل لغت، به معنای چرک و خون اهل دوزخ است (لسان العرب). در نگاه برخی دیگر مقصود از آن مایعی است که از پوست اهل دوزخ خارج می شود (مفردات راغب).

۲ - آب داغ و خونابه چرکین ، نوشابه و غذای دوزخیان

هذا فلیذوقوه حمیم و غسّاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۵۸ – ۱

۱ – انواع

نوشیدنی ها و غذا های دیگری مشابه آب داغ و خونابه چرکین ، به طغیان گران خورانده می شود .

فلیذوقوه حمیم و غسّاق . و ءاخر من شکله أزوج

<شکل> به معنای مثل و مانند و <أزواج> به معنای انواع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۶ - ۱،۲،۳

۱ - < غسلین > (خونابه و چرک) ، تنها غذای کافران صاحب زر و زور (اصحاب الشمال) در قیامت

و لا طعام إلّا من غسلین

<غسلین> به گفته اهل لغت و مفسران به معنای آبی که از بدن های دوزخیان خارج می شود و ممکن است مقصود خونابه و چرک باشد.

۲ - ایمان نیاوردن به خدا و تغذیه نکردن بینوایان ، موجب عذاب شدن انسان به وسیله غذا های بسیار ناگوار و نفرت آور در قیامت

إنّه کان لایؤمن باللّه العظیم . .. و لا طعام إلّا من غسلین

۳ - تغذیه از < غسلین > (خونابه و چرک) ، از عذاب های الهی در قیامت

و لا طعام إلّا من غسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۷ - ۱

۱ - < غسلین > (خونابه و چرک) ، غذای مخصوص خطاپیشگان در قیامت

غسلین . لایأکله إلّا الخطون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۵ - ۱

۱ - تنها نوشیدنی موجود برای دوزخیان طغیان گر ، آب جوشان و زردابه چرکین و بد بوی زخم ها است .

إلاّ حمیمًا و غسّاقًا

<حمیم>; یعنی، آب داغ و <غسّاق>، آب

زردی است که از زخم جاری می شود. به مایع بدبو نیز <غسّاق> گفته می شود. (قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۸ - ۷

۷ - نوشیدن آب جوشان و خونابه چرکین و بدبو در جهنم ، عقوبتی مناسب با گناه تکذیب آیات الهی

إلّا حمیمًا و غسّاقًا . .. و کذّبوا بایتنا کذّابًا

ترتیب پنج آیه مورد بحث، به گونه ای است که آیه <جزاء وفاقاً>، دو عقوبت قبل از خود را کیفری مناسب، برای دو گناه بعد از خود قلمداد کرده است. عقوبت ها یکی منفی (لایذوقون) و دیگری مثبت (إلّا حمیماً و غساقاً) بود و گناهان نیز یکی منفی (لایرجون) و دیگری مثبت (کذّبوا) است. آیه <جزاء وفاقاً> در میان آنها، گویای تناسب عقوبت منفی با گناه منفی و تناسب عقوبت مثبت با گناه مثبت است. برداشت یاد شده بیانگر تناسب دو مثبت است.

چشمه جوشان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۵ - ۱،۴

۱ - کسانی که در قیامت حضوری ذلّت آمیز دارند ، به نوشیدن از چشمه ای جوشان وادار خواهند شد .

تسقی من عین ءانیه

فعل <تسقی> مجهول و بیانگر این است که آشامیدن از سوی فرد یا افرادی، بر دوزخیان تحمیل خواهد شد <أنی> (ریشه <آنیه>) در چندین معنا از جمله <رسیدن به چیزی> استعمال شده است (مقاییس اللغه) و به قرینه سیاق آیه که نوشیدنی اهل دوزخ را بیان می کند مراد رسیدن چشمه، به نقطه نهایی حرارت است.

۴ - وجود چشمه جوشان در جهنم

تصلی نارًا حامیه . تسقی من

عین ءانیه

چشمه های داغ جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۴ - ۱،۲،۳

۱ - حرکت مجرمان دوزخی ، در مداری بسته میان جهنم و چشمه های سوزان آن

یطوفون بینها و بین حمیم ءان

۲ - وجود چشمه هایی بسیار داغ و سوزان در دوزخ

یطوفون بینها و بین حمیم ءان

<حمیم> به آب داغ گفته می شود و <آنی> چیزی است که حرارت آن به نهایت رسیده باشد.

۳ - امکان خروج دوزخیان از جهنم ، تا چشمه های جوشان ; و نه فراتر از آن

یطوفون بینها و بین حمیم ءان

در صورتی که چشمه های آب داغ در نقطه ای خارج از جهنم باشد، واژه <یطوفون> می رساند که آنان، قادر به انتخاب مسیر و راه دیگری نیستند. از این رو حرکتشان در مداری بسته است.

حاکم آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۶ - ۲

۲ - دوزخیان در قیامت ، به حاکمیت اراده خداوند بر آتش جهنم ، به روشنی پی خواهند برد .

نار اللّه

استناد <نار> به <اللّه>، بیانگر آن است که، استناد آتش جهنم به خداوند، بر کسی پوشیده نخواهد ماند، گرچه درباره آتش های دنیا، این حقیقت مخفی مانده و استناد آن به اسباب و علل مادی، انسان را از آن غافل ساخته باشد.

حبس در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۸ - ۴

۴ - < عن أبی هریره قال : قال رسول اللّه (ص) . . . یقال لأهل الجنّه و من دخلها

من الجهنّميين إطلعوا إلى أهل النار فيطّلعون إليهم فيرى الرجل أباه و يرى أخاه و يرى جاره و يرى صديقه و يرى العبد مولاه ثمّ إنّ اللّه عزّوجلّ يبعث إليهم ملائكه بأطْباق من نار و مسامير من نار و عمد من نار فيطبق عليهم بتلك الاطباق و تُسَمَّر بتلك المسامير و تُمَدُّ بتلك العمد . . .فذلك قوله < إنّ ها عليهم مؤصده . في عمد ممدّده > يقول : مُطْبَقَه ;

ابوهريره گويد: رسول خدا(ص) فرمود: به اهل بهشت و هر كس از جهنميان كه [نجات يافته] و وارد بهشت شده است، گفته می شود: به اهل جهنم نگاه كنيد; آنان به اهل جهنم نگاه می كنند. پس هر مردی پدر و برادر خود و همسايه و دوست خود را در جهنم می بيند و برده، مولای خود را [در آتش]می نگرد، سپس خدای عزّوجلّ فرشتگانی را با سرپوش هايی از آتش و ميخ ها و ستون هايی از آتش، به سوی آنان می فرستد. با آن سرپوش ها، جهنم بر آنان در بسته خواهد شد سرپوش ها و با آن ميخ ها، ميخكوب شده و با آن ستون ها، كشيده [و افراشته]می گردد ... و اين است قول خدا <إنّها عليهم مؤصده . في عمد ممدّده> می فرمايد: [جهنم] در بسته خواهد بود>.

حتميت جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۳ - ۳،۴

۳ - قيامت ، نزديك و گرفتاری ثروتمندان مخالف دين به آتش دوزخ ، حتمی است .

سيصلى

حرف <سين> در <سيصلى> در تهديد به كار رفته و بر حتمی بودن دلالت دارد

(کشاف). در تفاوت <سین> و <سوف> گفته شده است: <سین> بر استقبال نزدیک دلالت دارد.

۴ - ثروت و مقام ، مانع گرفتاری به شعله های آتش جهنم نیست .

ما أغنی عنه ماله و ما کسب . سیصلی نارًا ذات لهب

حتمیت رؤیت جهنم در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۶ - ۲

۲ - سوگند خداوند برای تأکید بر حتمی بودن مشاهده جهنم در قیامت

لترونّ الجحیم

جمله <لترونّ. ..> یا جواب <لو> است و یا جواب قسم محذوف. برداشت یاد شده ناظر به احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۷ - ۲

۲ - سوگند مکرّر خداوند ، بر حتمی بودن مشاهده جهنم در قیامت و پیدایش یقین برای ناظران آن

ثمّ لترونّها عین الیقین

حتمیت عذابهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۵ - ۳،۴

۳ پیوستگی و گریزناپذیری عذاب جهنم ، سبب دست به دعا برداشتن و تضرع بندگان خالص خدا برای رهایی از آن عذاب

و الذین یقولون ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم إنّ عذابهاکان غرمًا

جمله <إنّ عذابها. ..> در مقام تعلیل برای جمله قبل است؛ یعنی، به این سبب بندگان خدا از پروردگار خواستار رهایی از عذاب دوزخ اند که چون آن عذاب دائمی و گریزناپذیر است.

۴ پیوستگی و گریزناپذیری عذاب جهنم ، موجب هراساکی و اضطراب شدید بندگان خالص خدا از سرنوشت اخروی شان

إنّ عذابها کان غرامًا

درخواست رهایی از عذاب و تعلیل آن به این که آن عذاب دائمی و گریزناپذیر است، برداشت فوق را

می رساند.

حتمیت ورود به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۱ - ۲،۷

۲- ورود همه افراد بشر به جهنم ، قضا و حکم قطعی خداوند است .

کان علی ربّک حتمًا مقضیًّا

<ختم> بودن چیزی بر خداونـد (علی ربّک)، به معنای واجب بودن آن است و توصـیف آن به <مقضـیّاً>، گویای این نکته است که چون قضـا و حکم خداونـد چنین بوده، بر او حتم و لازم شـمرده شـده است; زیرا خداونـد در قضـای خویش تخلّفی ندارد.

۷- < عن جابربن عبـداللّه قال : . . . سـمعت رسول اللّه (ص) یقول : لایبقی برّ و لافاجر إلاّ یدخلها فتکون علی المؤمن برداً و سلاماً کما کانت علی إبراهیم (ع) ;

از جابربن عبـداللّه روایت شـده که گفت:. .. شـنیدم که رسول خدا(ص) می فرمود: هیچ انسان نیکوکار یا زشت کاری نیست مگر این که داخل جهنم می شود; پس آتش برای مؤمن سرد و سلامت می گردد; همان گونه که برای ابراهیم(ع) شد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۴ - ۸

۸ - امتناع دوزخیان از ورود به جهنم ، امکان پذیر نیست .

لینبذنّ

مجهول بودن <لینبذنّ>، بیانگر آن است که ورود دوزخیان به جهنم، به اختیار آنان نبوده و آنها مقهور مأموران الهی اند.

حتمیت ورود شیاطین در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۵ - ۲

۲ – پر شدن دوزخ از شیطان ها و پیروان آنان ، سخنی حق و تحقق یافتنی است .

فالحقّ و الحقّ

أقول . لأملأنّ جهنّم منک و ... منهم أجمعين

برداشت یاد شده بر این دیدگاه است که جمله <لأملأنّ جهنّم. ..> با تقدیر <قسمی>، مقسم علیه برای فالحقّ باشد. هم چنین جمله <و الحقّ أقول> جمله معترضه باشد; یعنی، فالحقّ قسمی لأملأنّ جهنّم...>.

حتمیت ورود مشرکان به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۸ - ۴

۴- ورود همه مشرکان و معبودهایشان به جهنم ، حتمی است .

إنّكم و ماتعبدون من دون اللّه حصب جهنّم أنتم لها وردون

جمله <أنتم لها واردون> تأکید برای جمله <إنّكم و ماتعبدون. ..> است.

حتمیت ورود معبودان باطل به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۸ - ۴

۴- ورود همه مشرکان و معبودهایشان به جهنم ، حتمی است .

إنّكم و ماتعبدون من دون اللّه حصب جهنّم أنتم لها وردون

جمله <أنتم لها واردون> تأکید برای جمله <إنّكم و ماتعبدون. ..> است.

حتمیت ورود همسر ابو لهب در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۴ - ۸

۸ - همسر ابولهب ، در حالی که خود هیمه آتش جهنم را بر دوش می کشد ، به دوزخ خواهد افتاد .

حمّاله الحطب

چنانچه <حمّاله الحطب> حال و هم زمان با <سیصلی> باشد; ناظر به حالت ام جمیل هنگام ورود به دوزخ خواهد بود.

حرارت آتش جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۵۵ – ۶

۶ – < جحیم > از نام های جهنم

الجحیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵

- صافات - ۳۷ - ۶۴ - ۴

۴ - آتش دوزخ ، آتشی است پرحرارت و پرشعله .

الجحیم

<جحیم> (از ماده <جحم>) به معنای شدت شعله و حرارت آتش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۸ - ۶

۶ - آتش دوزخ ، آتشی است پرحرارت و پرشعله .

الجحیم

<جحیم> (از ماده <جحم>) به معنای شدت شعله و حرارت آتش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۲ - ۳

۳ - آتش دوزخ ، سخت گرم و سوزان

فی سموم

برخی از مفسران <سموم> را به معنای حرارت سوزان آتش معنا کرده اند. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است; زیرا در این صورت مراد، حرارت آتش دوزخ خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۴ - ۳

۳ - آتش دوزخ ، به شدت برافرخته و ملتهب است .

و تصلیه جحیم

<جحیم> مشتق از <جحمه> است. <جحمه> به شدتِ اشتعال و برافروختگی آتش گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۱۴

۱۴ - آتش دوزخ ، به شدت برافروخته و ملتهب است .

أُولئک أصحب الجحیم

<جحمه> (مبدأ اشتقاق <جحیم>) به شدت التهاب و برافروختگی آتش گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۸ - ۱

۱ - حرارت آتش دوزخ و صدای ناخوشایند برخاسته از آن ، در نهایت شدّت و حدّت است .

تکاد تمیّز من الغیظ

تعبیر<تکاد تمیّز من الغیظ> (چیزی نمانده است که از

شدّت غیظ پاره پاره شود) درباره دوزخ، تعبیری است تمثیلی و کنایی و بیانگر شدّت و حدّت آتش دوزخ و صدای آن است.

حرارت جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۴ - ۲

۲ - پناه بردن اصحاب الشمال از گرمای دوزخ به سایه ، بی تأثیر برای آنان

فی سموم . .. و ظلّ ... لابارد و لاکریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۶ - ۲

۲ - جهنّم ، مکانی بس داغ و سوزان و دارای آتشی برافروخته و متراکم

و برّزت الجحیم لمن یری

<جحیم> به مکانی گفته می شود که حرارت شدیدی دارد. این کلمه بر آتش متراکم و پرزبانه نیز اطلاق می گردد. (قاموس)

حرارت سایه های جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۴ - ۱

۱ - سایه در دوزخ ، نه خنک است و نه گوارا

و ظل من یحموم. لابارد و لاکریم

<لابارد. ..> صفت برای <ظلّ> است.

حرارت وسط جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۴۷ – ۴

۴- منطقه مرکزی دوزخ ، دارای حرارتی فزون تر و شکنجه ای شدیدتر

فاعتلوه إلی سواء الجحیم

امر به کشیدن گنه کاران به <سواء الجحیم>، در صورتی دارای تأثیر است که کناره های دوزخ، با نقطه مرکزی آن از نظر شدّت حرارت و عذاب متفاوت باشد.

حرکت بسوی جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۲۹ – ۱

۱ – حرکت تکذیب گران روز جزا به

سوی دوزخ ، به فرمان الهی

انطلقوا إلی ما کنتم به تکذّبون

طبق گفته مفسران، مقصود از تکـذیب در این آیه، تکذیب دوزخ است. گفتنی است که در روز قیامت، به کافران فرمان داده می شود که به سوی آن حرکت کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۰ - ۱

۱ - فرمان حرکت به تکذیب کنندگان روز جزا ، به سوی ستون های دود برخاسته از آتش دوزخ

انطلقوا إلی ظلّ

بنا به گفته مفسران، مقصود از <ظلّ>(سایه)، دود غلیظ برخاسته از آتش دوزخ است که به صورت سایه نمایان می شود; مانند: <و ظلّ من یحموم; و سایه ای از دودی سخت سیاه>. (واقعه، آیه ۴۳)

حرکت گناهکاران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۴ - ۱

۱ - حرکت مجرمان دوزخی ، در مداری بسته میان جهنم و چشمه های سوزان آن

یطوفون بینها و بین حمیم ءان

حطمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۲۴

۲۴ - < عن أمیرالمؤمنین (ع) إنّ جهنم لها سبعه أبواب ، أطباق بعضها فوق بعض . . . و وضع النیران بعضها فوق بعض فأسفلها جهنّم ، و فوقها لظی و فوقها الحطمه فوقها سقر ، و فوقها الجحیم و فوقها السعیر و فوقها الهاویه ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است: جهنم هفت در ورودی دارد که آنها به صورت طبقاتی بر یکدیگر قرار گرفته اند. .. و

آتش ها بعضی بر بالای بعضی دیگر قرار دارد که طبقه زیرین آن جهنم است

و طبقات بالاتر آن [به ترتیب] لظی، حطمه، سقر، جحیم، سعیر و هاویه می باشد>.

حق ستیزان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۶

۶ - حق ستیزی موجب گمراهی ، محرومیت از لطف و مغفرت خدا و گرفتار شدن به آتش دوزخ می باشد .

لایکلمهم اللّه یوم القیمه . .. ذلک بأن اللّه نزل الکتب بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلک> اشاره به عقوبتهای مطرح شده در آیات قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۳ - ۶

۶ - اسراف گران و افراط کنندگان در گناه و حق ستیزی ، اهل دوزخ اند .

و أنّ المسرفین هم أصحب النار

<اسراف> به معنای افراط است و مقصود از <مسرفین> در آیه شریفه، کسانی اند که در گناه و حق ستیزی افراط می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۱،۲،۳

۱ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در قیامت به آب داغ و پر حرارت افکنده خواهند شد .

یسحبون . فی الحمیم

یکی از معانی <حمیم>، آب داغ و پر حرارت است.

۲ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در انبوهی از آتش دوزخ سوزانده خواهند شد .

ثمّ فی النار یسجرون

<سجر> در اصل به معنای پر کردن تنور از آتش گیره برای بر افروختن و تقویت آتش آن است. اسناد فعل <یُسجرون> به

اشخاص، اسناد مجازی است. مقصود از آن فراگرفتن آتش زیاد بر تمامی وجود دوزخیان می باشد.

۳ – عذاب شدن کافران

حق ستیز و ستیزه جو به آتش دوزخ ، پس از کیفر شدنشان با آب داغ و پر حرارت خواهد بود .

فی الحمیم ثمّ فی النار یسجرون

برداشت یاد شده از آمدن <ثمّ> که نوعاً برای تراخی زمانی است، استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۲۴ – ۳

۳ دوزخ ، فرجام هر کفرپیشه معاند حق ستیز

ألقیا فی جهنّم کلّ کفّار عنید

حق ناپذیران در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۰۲ – ۹

۹- خداوند ، از کافران حق ناپذیر ، به وسیله شراره های دوزخ ، پذیرایی می کند .

إنّا أعتدنا جهنّم للکفرین نزلاً

کلمه <نُزُل> می تواند اسم باشد برای چیزی که به هنگام ورود میهمان برای پذیرایی او می آورند. این نوع سخن، <تهّکم> بوده و برای استهزا به کار می رود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۷۶ – ۱،۴

۱ – کافران حق ناپذیر و لجوج ، از درب های گونا گون وارد جهنم خواهند شد .

ادخلوا أبوب جهنّم

۴ – کافران حق ناپذیر و لجوج ، برای همیشه در جهنم خواهند ماند .

ادخلوا أبوب جهنّم خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۷ - ۲

۲ - آتش دوزخ ، کیفر حق گریزان

تدعوا من أدبر و تولّی

حقانیت جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۸ - ۱۰

۱۰- ترسیم های قرآن از بهشت و دوزخ ، نمودی از حقایق سهولت یافته

وحی برای بیداری خلق

فإنّما یسّرنه بلسانک لعلّهم یتذکّرون

تعبیر <فإنّما یسّرناه. ..> پس از مجموعه آیاتی آمده است که ترسیم کننده تفصیلی بهشت و دوزخ و فرجام بهشتیان و دوزخیان است، بنابراین آن آیات نمونه ای بارز برای اثبات آسان بودن قرآن است.

حقانیت ورود شیاطین به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۵ - ۲

۲ - پر شدن دوزخ از شیطان ها و پیروان آنان ، سخنی حق و تحقق یافتنی است .

فالحقّ و الحقّ أقول . لأملأنّ جهنّم منک و ... منهم أجمعین

برداشت یاد شده بر این دیدگاه است که جمله <لأملأنّ جهنّم. ..> با تقدیر <قسمی>، مقسم علیه برای فالحقّ باشد. هم چنین جمله <و الحقّ أقول> جمله معترضه باشد; یعنی، فالحقّ قسمی لأملأنّ جهنّم...>.

حقیت دود آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۱ - ۱

۱ - دود سایه مانند دوزخ ، فاقد سایبان حقیقی (خنک کنندگی) است و مانع از شعله های سوزان آتش نیست .

لاظلیل و لایغنی من اللّهب

<لاظلیل> صفت برای <ظلّ> در آیه پیش است و <ظلّ ظلیل> به معنای سایه دائم و مستمر است (صحاح اللغه). بر این اساس <ظلّ... لاظلیل> کنایه از نبودن سایه قابل استفاده و <لهب> به معنای شعله خالص و بدون دود است.

حقیقت آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۵ - ۲

۲ - ابزار شناخت حقیقت آتش جهنم ، در اختیار همگان نیست .

و ما أدریک ما الحطمه

حقیقت جهنم

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴ - ۷

۷- دوزخ ، جایگاهی به غایت گرم و دارای آتشی به شدت برافروخته و شعلهور است .

إلی عذاب السعیر

<سعیر> به معنای گرم و نیز آتش افروخته و ملتهب است. دخول <ال> کمالیه بر <سعیر>، بیانگر گرمای بی اندازه دوزخ و التهاب و برافروختگی بی حد آتش آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۸ - ۱۱

۱۱- حقیقت بهشت و دوزخ ، فراتر از سطح درک بشر

فإنّما یسّرنه بلسانک لعلّهم یتذکّرون

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین که در ترسیم دوزخ و بهشت بود استفاده می شود که آنچه در آن آیات آمده، شکل آسان شده و تنزل یافته مطلب است; نه ماهیت عالی آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۶ - ۴

۴ - < عن سعیدبن المسیب قال : قال علی بن أبی طالب (رضی اللّه عنه) لرجل من الیهود أین جهنّم ؟ قال : هی البحر ، فقال علی : ما أراه إلاّ صادقاً و قرأ و البحر المسجور . . . و إذا البحار سجّرت ;

سعیدبن مسیب می گوید: حضرت علی(ع) از مردی یهودی سؤال نمود: جهنم کجا است؟ او گفت: دریا است. حضرت فرمود: نمی یابم او را مگر راستگو و این دو آیه را قرائت فرمود: <و البحر المسجور...> و <و إذا البحار سجّرت>».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۷ - ۱،۲،۳

۱ - دوزخ ،

حقیقتی بس سهمگین و عظیم

و ما أدریک ما سقر

از تعبیر <و ما أدراك ما سقر> (و چه چیز مطلع ساخت تو را که سقر چیست) استفاده می شود که دوزخ، حقیقتی بس بزرگ و سهمگین است که کسی از آن به درستی و شایستگی، آگاهی ندارد و تنها در پرتو وحی الهی، قابل شناخت است.

۲ - شناخت حقیقت دوزخ ، بس دشوار و دست نیافتنی برای بشر

و ما أدریک ما سقر

۳ - حقیقت دوزخ و ژرفای عظمت آن ، تنها از راه وحی قابل شناخت و دست یابی است .

و ما أدریک ما سقر

از آیات ۲۷ تا ۳۱ که در جهت تبیین بخشی از حقایق دوزخ است می توان استفاده کرد که حقایق عمیق قیامت، از طریق خود وحی برای انسان قابل شناخت است.

حیات در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۷،۱۱

۷ - دوزخیان در دوزخ نخواهند مرد تا عذاب را درک نکنند و نه مانند زندگان خواهند بود .

فإنّ له جهنّم لایموت فیها و لایحیی

مراد از <حیاه> در <لایحیی> به قرینه <لایموت فیها> حیاتی است که بر مرگ ترجیح داشته باشد و حیات اهل دوزخ، چون مایه افزایش عذاب است، از مرگ که پایان دهنده عذاب است ناگوارتر و منفورتر می باشد.

۱۱ - < عن أبی سعید الخدری : إنّ رسول اللّه (ص) خطب فأتی علی هذه آیه < إنّه من یأت ربّه مجرماً فإنّ له جهنّم لایموت فیها و لایحیی > فقال رسول اللّه (ص) : أمّا أهلها الذین هم أهلها

، فإنّهم لايموتون فيها و لايحيون ، و أمّا الذين ليسوا بأهلها فإنّ النار تميتهم إماته ثمّ يقوم الشفعاء فيشفعون ;

از ابوسعيد خدرى روايت شده كه رسول خدا(ص) خطبه خواند، تا به اين آيه رسيد <إنّه من يأت ربّه مجرماً فإنّ له جهنّم لايموت فيها و لايحيى>. پس آن حضرت فرمود: ساكنان جهنم كه سزاوار آن هستند در آن جا نه مى ميرند و نه زندگى دارند. اما كسانى كه سزاوار جهنم نيستند پس آتش، آنان را يک بار مى ميراند، آن گاه شفيعان به پاخاسته و آنان را شفاعت مى كنند>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۶ - ۳

۳ - دوزخيان ، در عين سوختن و جدا شدن اندامشان ، هرگز نمى ميرند .

نزّاعه للشوى

تصريح به اين كه اندام ها و يا پوست سرها سوخته و جدا مى شود; مى تواند گوياى مطلب ياد شده باشد.

خروج از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۰ - ۳،۴،۵

۳ - تصميم به خروج از آتش جهنم و اقدام به آن ، امكان دارد .

كلّما أرادوا أن يخرجوا منها أُعيدوا فيها

۴ - فاسقان ، براى خروج از آتش تلاش مى كنند .

كلّما أرادوا أن يخرجوا منها أُعيدوا فيها

در صورتى كه <كلّما أرادوا أن يخرجوا. ..> معناى حقيقى داشته باشد، دلالت مى كند بر اين كه فاسقان در صدد برمى آيند كه از آتش، بيرون بروند.

۵ - بازگردانده شدن قهرى فاسقان به دوزخ ، در پى تلاش براى گريز و رهايى از آن

كلّما أرادوا أن يخرجوا منها أُعيدوا

فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۴ - ۳

۳ - امکان خروج دوزخیان از جهنم ، تا چشمه های جوشان ; و نه فراتر از آن

یطوفون بینها و بین حمیم ءان

در صورتی که چشمه های آب داغ در نقطه ای خارج از جهنم باشد، واژه <یطوفون> می رساند که آنان، قادر به انتخاب مسیر و راه دیگری نیستند. از این رو حرکتشان در مداری بسته است.

خطاکاران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۹ - ۲

۲ - اعماق جهنم ، تنها پناهگاهی است که خطاپیشگان را پس از سنجش اعمال آنان در آغوش خواهد گرفت .

فأُمّه هاویه

تعبیر <اُمّ>، کنایه از احاطه جهنم بر خطاپیشگان است; بسان مادری که طفل خود را در آغوش گرفته است.

خلقت جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۶ - ۴

۴ - جهنم ، پیش از ظهور در صحنه قیامت ، آفریده شده و موجود است .

و برّزت الجحیم

تعبیر <ظاهر شدن> و نه آفریده شدن حاکی از وجود سابق جهنم است.

خواسته های جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۰ - ۲

۲ - جهنم ، تقاضامند دریافت مجرمان هر چه بیشتر

و تقول هل من مزید

خوردنیهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۲ - ۵

۵ - درخت زقّوم ، وسیله پذیرایی و خوراک دوزخیان

أم شجره الزقّوم

<زقّوم> نوعی از گیاه زهرداری است که در

بادیه ها می روید (قاموس المحیط)، ولی برخی از مفسـران ویژگی های دیگری برای این درخت برشـمرده و گفته اند: درختی با برگِ ریز و بدبو است و شیره ای از آن می تراود که بدن به محض تماس با آن آماس می کند. این درخت در سرزمین های خشک می روید (روح المعانی (آلوسی)، ذیل آیه شریفه).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۶ - ۱،۲،۴

۱ - درخت زقّوم ، غذا و خوراک دوزخیان ستمگر است .

شجره الزقّوم . .. للظلمین ... فإنّهم لأکلون منها

۲ - دوزخیان ستمگر ، شکم های خود را از درخت زقّوم پرخواهند کرد .

فمالئون منها البطون

۴ - خورد و خوراک دوزخیان ستمگر ، خود وسیله عذاب آنان است .

فإنّهم لأکلون منها فمالئون منها البطون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۸ - ۱

۱ - دوزخیان ستمگر پس از هر بار خوردن < زقّوم > و نوشیدن آب داغ مجدداً به دوزخ بازمی گردند .

ثمّ إنّ مرجعهم لإلی الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۸ - ۱

۱ - انواع نوشیدنی ها و غذا های دیگری مشابه آب داغ و خونابه چرکین ، به طغیان گران خورانده می شود .

فلیذوقوه حمیم و غسّاق . و ءاخر من شکله أزوج

<شکل> به معنای مثل و مانند و <أزواج> به معنای انواع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۵۶ – ۳

۳ – عذاب دوزخ ، خوردنی و آشامیدنی آن (

میوه زقّوم و آب داغ) جزای دوزخیان (اصحاب شمال)

هذا نزلهم یوم الدین

خورشید در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱ - ۶

۶ - < عن أبی مریم انّ النبی (ص) قال : فی قوله < إذا الشمس کوّرت > قال : کوّرت فی جهنّم ;

از ابی مریم روایت شده که پیامبر(ص) درباره سخن خداوند <إذا الشمس کوّرت> فرمود: خورشید در جهنم در هم پیچیده خواهد شد>.

دادخواهی در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۱،۱۲

۱۱ دوزخیان پیرو پس از اجتماعشان در جهنم با سران کفر و شرک، علیه آنان اقامه دعوا خواهند کرد.

حتی إذا ادارکوا فیها جمیعا قالت أخریهم لأولیهم ربنا هؤلاء أضلونا

<حتی إذا ادارکوا . ..> یعنی تا آنگاه که امتها بر یکدیگر ملحق و مجتمع گردند. <ادارکوا> در اصل تدارکوا بوده و پس از ساکن کردن تاء و ادغام آن در دال، همزه وصل به آن اضافه شده است.

۱۲ اغواگری سران کفر و شرک و واداشتن دیگران به ضلالت، ادعای دوزخیان پیرو علیه رهبران خویش در پیشگاه خداوند

قالت أخریهم لأولیهم ربنا هؤلاء أضلونا

داغی آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱۴،۱۵

۱۴ منافقان متخلف از جنگ ، مورد تهدید خداوند به آتش سوزان دوزخ

قل نار جهنم أشد حراً لو كانوا يفقهون

۱۵ سوزنده تر بودن آتش دوزخ از گرمی هوای دنیا ، هشداری شدید به تخلف کنندگان از جهاد به بهانه گرمی هوا

قل

نار جهنم أشد حراً

دربهای جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۷۱ – ۵،۲۴

۵ – درب های دوزخ ، پیش از آمدن کافران بسته است .

حتّی إذا جاءوها فتحت أبوبها

۲۴ – < عن أميرالمؤمنين (ع) إنّ جهنم لها سبعه أبواب ، أطباق بعضها فوق بعض . . . و وضع النيران بعضها فوق بعض فأسفلها جهنّم ، و فوقها لظى و فوقها الحطمه فوقها سقر ، و فوقها الجحيم و فوقها السعير و فوقها الهاويه ;

از اميرالمؤمنين(ع) روايت شده است: جهنم هفت در ورودی دارد که آنها به صورت طبقاتی بر یکدیگر قرار گرفته اند. .. و آتش ها بعضی بر بالای بعضی دیگر قرار دارد که طبقه زیرین آن جهنم است و طبقات بالاتر آن [به ترتیب] لظی، حطمه، سقر، جحیم، سعیر و هاویه می باشد>.

درختان جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۶۴ – ۱

۱ – < زقّوم > درختی است که از قعر دوزخ می روید .

أم شجره الزقّوم . .. إنّها شجره تخرج فی أصل الجحيم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۴۳ – ۱

۱– وجود درختی به نام زقّوم در دوزخ

إن شجرت الزقّوم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۵۲ – ۱

۱ – وجود درختی به نام < زقّوم > در دوزخ

لأكلون من شجر من زقّوم

<من> در <من زقّوم> بیان جنس <شجر> است; یعنی، درختی که از جنس زقوم می باشد.

درخواست مصونیت از

جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۷ – ۱۹

۱۹ – درخواست مصونیت از عذاب دوزخ از سوی فرشتگان عرش ، برای مؤمنان تائب و پیرو راه خدا

و قهم عذاب الجحیم

درخواست نجات از جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۱۴ – ۱

۱ استغاثه و درخواست تکذیب کنندگان قیامت برای رهایی از آتش جهنم نتیجه بخش نبوده و عذابشان ادامه خواهد یافت .

لاتدعوا الیوم ثبورًا وحدًا و ادعوا ثبورًا کثیرًا

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که مقصود از درخواست هلاکت، در حقیقت کنایه از نجات از وضع بسیار سخت دوزخ است; نه مرگ و نابودی واقعی.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۵ – ۱،۳

۱ بندگان خالص خدا ، پیوسته از پروردگارشان خواستار رهایی از عذاب دوزخ اند .

و عباد الرحمن . .. و الذین یقولون ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم

فعل مضارع <یقولون> مفید استمرار است.

۳ پیوستگی و گریزناپذیری عذاب جهنم ، سبب دست به دعا برداشتن و تضرع بندگان خالص خدا برای رهایی از آن عذاب

و الذین یقولون ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم إنّ عذابهاکان غرمًا

جمله <إنّ عذابها. ..> در مقام تعلیل برای جمله قبل است; یعنی، به این سبب بندگان خدا از پروردگار خواستار رهایی از عذاب دوزخ اند که چون آن عذاب دائمی و گریزناپذیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۶ - ۲،۴

۲ بد و ناگوار بودن جهنم برای انسان ،

موجب هراسناکی و دست به دعا برداشتن بندگان خالص خدا به درگاه الهی برای رهایی از آن

ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم . .. إنّها ساءت مستقرًّا و مقامًا

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که جمله <إنّها ساءت. ..> تعلیل برای جمله <و الذین یقولون ربّنا اصرف...> است; یعنی، چون جهنم جایگاه بدی است، بندگان خدا برای نجات خود از آن، دست به دعا برمی دارند.

۴ جمله < ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم إنّ عذابهاکان غراماً . إنّ ها ساءت مستقرّاً و مقاماً > ، متن دعا و تضرع بندگان خالص خدا به درگاه الهی

و الذین یقولون ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم . ..إنّها ساءت مستقرًّا و مقامًا

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که جمله <إنّ عذابها تا مستقراًو مقاماً> نیز مانند جمله <ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم> جزء دعا و تضرع عبادالرحمان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۱

۱ - فریاد و استغاثه کافران ، برای خروج از دوزخ به منظور تصحیح رفتار خود و انجام اعمال نیک

و هم یصطرخون فیها ربّنا أخرجنا نعمل صلحًا غیر الذی کنّا نعمل

<استراخ> (مصدر <یسترخون>) به معنای فریاد شدید است که غالباً در مورد کمک طلبی به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۸ - ۷

۷ - درخواست نجات از سوی دوزخیان ، به منظور انجام اعمال صالح ، صادقانه نبوده و آنان باز به رفتار زشت خود ادامه خواهند داد .

فما للظلمین من نصیر . إنّ اللّه علم غیب السموت و

الأرض إنّه عليم بذات الصدور

یادآوری علم همه جانبه خداونـد پس از نفی وجود یاور برای کافران می توانـد پاسـخی به این سؤال باشد که چرا و کجا آنان بی ناصـراند؟ پاسـخ این است که: چون خداوند به راز دل ها آشـنا است، می داند که آنان هرگز ایمان نمی آورند و در نتیجه از نصرت و یاری کسی بهره مند نخواهند شد.

دردناکی آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۳ - ۴

۴ آتش دوزخ برای منکران قیامت ، بسیار زجرآور و طاقت فرسا خواهد بود .

دعوا هنالك ثبورًا

درخواست هلاکت و مرگ در آتش دوزخ، حاکی از شدت دردناکی و طاقت سوزی آن آتش است.

دردناکی عذاب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۸ - ۳

۳ - عذاب دوزخ ، عذابی است دردناک .

إنّکم لذائقوا العذاب الألیم

مقصود از <عذاب> در آیه شریفه، عذاب دوزخ است.

درک آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۵ - ۲،۳

۲ - ابزار شناخت حقیقت آتش جهنم ، در اختیار همگان نیست .

و ما أدریک ما الحطمه

۳ - پیامبر (ص) ، در شناخت ویژگی های آتش جهنم ، نیازمند تعلیم الهی است .

و ما أدریک ما الحطمه

درکات جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۵ - ۱،۳

۱ جایگاه منافقان ، در پایین ترین و پست ترین طبقات آتش جهنم است .

إنّ المنفقین فی الدرک الاسفل من النار

۳

جهنم ، دارای طبقات ، و عذابش ، دارای شدت و ضعف است .

إنّ المنفقین فی الدرک الاسفل من النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ عن النبی(ص) إنه تلا هذه الآیه ثم قال: هی طبقات من فوقه و طبقات من تحته لایدری ما فوقه اکثر او ما تحته، غیر أنه ترفعه الطبقات السفلی و تضعه الطبقات العلیا و یضیق فیما بینهما . .. .

از رسول خدا(ص) روایت شده است که پس از تلاوت آیه <لهم من جهنم . ..> فرمود: جهنم کافران، دارای طبقاتی از بالا و طبقاتی از پایین است که معلوم نیست آیا طبقات بالا بیشتر است یا طبقات زیرین، ولی طبقات پایین، کافر را بالا می برد و طبقات بالا او را پایین می آورد و او بین طبقات بالا و پایین در فشار قرار دارد ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۴ - ۳،۵،۸

۳- جهنّم ، دارای هفت درکه (طبقات زیرین) است و هر گروهی از گمراهان در درکه مخصوص و طبقه مشخصی جای دارند .

لها سبعه أبوب لکلّ باب منهم جزء مقسوم

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مقصود از <أبواب> معنای کنایی آن باشد؛ زیرا هر دری، نوعاً به سوی مکانی خاص گشوده می شود و به جایی مستقل منتهی خواهد شد و مؤید این معنا، عبارت بعدی است که هر بابی، برای گروهی از گمراهان تعیین شده است.

۵- جهنّم ، دارای درکات و عذاب های متفاوت و شدید و ضعیف

لها سبعه أبوب لکلّ

باب منهم جزء مقسوم

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مقصود از <سبعه> در آیه، کنایه از کثرت و حاکی از شدت و ضعف و تفاوت عذابهای جهنّم باشد نه بیان عدد مشخص.

۸- < عن أمیرالمؤمنین (ع) : إن جهنّم لها سبعه أبواب أطباق بعضها فوق بعض [و وضع إحدی یدیه علی الأُخری] فقال : هکذا و إن الله . . . وضع النیران بعضها فوق بعض فأسفلها جهنّم و فوقها لظّی و فوقها الحطمه و فوقها سقر و فوقها الجحیم و فوقها السعیر و فوقها الهاویه ; ۸۱

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است: جهنّم دارای هفت در و طبقه است که هر کدام بالای دیگری قرار دارد. امام[برای نشان دادن چگونگی طبقات] یکی از دستها را بالای دیگری قرار داد و فرمود: این چنین و افزود همانا خدا ... آتشها را بعضی بالای بعضی دیگر قرار داده است. طبقه زیرین آنها <جهنّم> و بالای آن <لظّی> و بالای آن <حطمه> و بالای آن <سقر> و بالای آن <جحیم> و بالای آن <سعیر> و بالای آن <هاویه> است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۷ - ۱۳

۱۳- < علی بن الحسین (ع) قال : إن فی حهنّم وادیاً یقال له : سعیر ، إذا خبت حهنّم فتح سعیرها و هو قوله : < کلّما خبت زدناهم سعیراً > ;

امام سجاد فرمود: همانا در حهنّم وادیی وجود دارد که به آن <سعیر> گفته می شود و آن گاه که آتش حهنّم فروکش کند، سعیر حهنّم گشوده گردد و آن سخن خداوند است

که می فرماید: کلّما خبت زدناهم سعیراً>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۵۹ – ۱۵

-۱۵ < عن النبی (ص) قال : الغیّ واد فی جهنم ;

از پیامبر(ص) روایت شده که فرمود: <غیّ> یک وادی در جهنم است>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۱۳ – ۵

۵ تکذیب کنندگان قیامت ، در اعماق دوزخ و در دورترین مکان آتشین جای دارند .

دعوا هنالک ثبورًا

برداشت یاد شده، از اسم اشاره <هنالک> که برای اشاره به مکان دور وضع شده است استفاده گردید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۶۸ – ۱۱

۱۱ – جهنم ، بخش ها و جا های مختلفی دارد .

ألیس فی جهنّم مثوًی للکفرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۶۸ – ۲

۲ – جهنم ، دارای جایگاه های گوناگون و درکات مختلف برای دوزخیان است .

ثمّ إنّ مرجعهم لإلی الجحیم

تعبیر رجوع و بازگشت به دوزخ، پس از نوشیدن آب جوشان و تغذیه از غذای <زقّوم> که در قعر جهنم قرار دارد می رساند که جهنم دارای جایگاه های متعدد و دوزخیان دارای درکات گوناگونند; زیرا دوزخیان در هر صورت در دوزخ قرار دارند; ولی آنان برای تغذیه به جایی که <زقّوم> و آب جوشان قرار دارد، برده می شوند و مجدداً به جایگاه اصلی خود

بازمی گردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۶ - ۲

- جهنم ، دارای طبقات و درکات گوناگون

لهم من فوقهم ظلل من النار و من تحتهم ظلل

برخی از مفسران بر این عقیده اند که مقصود از آیه شریفه، طبقات و درکاتی است که همگی از آتش است و کافران در هر طبقه ای که قرار گیرند، در بالا و پایین آنان طبقه ای آتشین وجود خواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۰ - ۹

۹ - < عن الصادق (ع) قال : إنّ فی جهنّم لوادیاً للمتکبّرین یقال له سقر ، شکی إلی اللّه شدّه حرّه [و] سأله أن یتنفّس فأذن له فتنفّس فأحرق جهنّم ;

از امام صادق(ع) روایت شده در جهنم وادی است برای متکبران به نام <سقر> که از شدت حرارتش به خدا شکایت کرد و از او خواست تا نفسی بکشد، و خدا به او اجازه تنفس داده، پس نفس کشید که در پی آن جهنم سوزان گردید>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۲،۳،۲۴

۲ - کفر ، دارای مراتب گوناگون است و کافران ، در درکات مختلف دوزخ جای دارند .

و سیق الذین کفروا إلی جهنّم زمرًا حتّی إذا جاءوها فتحت أبوبها

تقسیم شدن کافران به چند دسته و گروه و نیز ورود آنان از درب های گوناگون جهنم ، می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد.

۳ - وجود فاصله میان موقف کافران ، در محشر و دوزخ

و سیق الذین کفروا إلی جهنّم زمرًا

<سوق> (مصدر <سیق>) به معنای راندن و تحریک کردن به رفتن است. آمدن این واژه

با حرف <إلى>، نشانگر وجود مسیری برای سوق دادن و راندن دوزخیان به سوی مقصدی است.

۲۴ - < عن أميرالمؤمنين (ع) إنّ جهنم لها سبعه أبواب ، أطباق بعضها فوق بعض . . . و وضع النيران بعضها فوق بعض فأسفلها جهنّم ، و فوقها لظی و فوقها الحطمه فوقها سقر ، و فوقها الجحيم و فوقها السعير و فوقها الهاويه ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است: جهنم هفت در ورودی دارد که آنها به صورت طبقاتی بر یکدیگر قرار گرفته اند. .. و آتش ها بعضی بر بالای بعضی دیگر قرار دارد که طبقه زیرین آن جهنم است و طبقات بالاتر آن [به ترتیب] لظی، حطمه، سقر، جحیم، سعیر و هاویه می باشد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۶ - ۳

۳ - جهنم ، دارای عذاب های متفاوت و درکات گوناگون (طبقات زیرین) ، برای گروه های مختلف دوزخیان

ادخلوا أبوب جهنّم

جمع آمدن <ابواب> می تواند به اعتبار طبقات متعدد دوزخ باشد; بدین معنا که هر طبقه ای از آن دارای دربی باشد. گفتنی است که در اصطلاح به طبقات دوزخ، <درکات> گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۹ - ۷

۷ - وجود طبقات مختلف برای دوزخیان

ليكونا من الأسفلين

برداشت یاد شده بر این پایه است که مراد از <أسفلین> افراد درکات پایین تر دوزخ باشد; نه این که صرفاً به تحقیر و ذلیل شدن اغواگران اشاره داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ -

۵ - ۴۷

۵- مکان های مختلف دوزخ ، دارای شرایط متفاوت از نظر شدّت و ضعف و حرارت و سختی

فاعتلوه إلی سواء الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۹ - ۱،۲

۱ - صاحبان اعمال بیوزن و ارزش ، در قیامت گرفتار جهنم و سقوط کننده در پرتگاه عمیق آن

فأُمّه هاویه

<هاویه> که در این آیه بر <جهنم> تطبیق یافته است به معنای هر درّه و یا حفره ای است که عمق آن معلوم نباشد. (لسان العرب)

۲ - اعماق جهنم ، تنها پناهگاهی است که خطاپیشگان را پس از سنجش اعمال آنان در آغوش خواهد گرفت .

فأُمّه هاویه

تعبیر <اُمّ>، کنایه از احاطه جهنم بر خطاپیشگان است; بسان مادری که طفل خود را در آغوش گرفته است.

دروغگویان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۸ - ۴

۴ - دروغ گویان و گنه کاران ، در آخرت با برخورد شدید مأموران الهی مواجه شده و به سوی جهنم رانده خواهند شد .

ناصیه کذبه خاطئه . .. سندع الزبانیه

دره های جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۴ - ۵

۵ – < قال رسول اللّه (ص) الصلاه عماد الدين . . . من ترک أوقاتها يدخل الويل و الويل واد فى جهنّم كما قال اللّه تعالى . . . < فويل للمصلّين . الذين هم عن صلاتهم ساهون . . . > ;

رسول خدا(ص) فرمود: نماز ستون دین است . .. هر کس وقت های نماز را [اعتنا

نکرده و نماز را در آنها] ترک کند، داخل ویل می گردد و <ویل> درّه ای است در جهنم. همان طوری که خداوند تعالی فرموده: فویل للمصلّین . الذین هم عن صلاتهم ساهون>.

درهای جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۴۴ – ۲۸،۹

۲– برای ورود هر دسته از گمراهان به جهنّم ، دری مخصوص وجود دارد .

من الغاوین . و إن جهنّم لموعدهم ... لها سبعه أبوب لکلّ باب منهم جزء مقسوم

۸– < عن أمیرالمؤمنین (ع) : إن جهنّم لها سبعه أبواب أطباق بعضها فوق بعض [و وضع إحدی یدیه علی الأُخری] فقال : هکذا و إن الله . . . وضع النیران بعضها فوق بعض فأسفلها جهنّم و فوقها لظّی و فوقها الحطمه و فوقها سقر و فوقها الجحیم و فوقها السعیر و فوقها الهاویه ; ۸۱

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است: جهنّم دارای هفت در و طبقه است که هر کدام بالای دیگری قرار دارد. امام[برای نشان دادن چگونگی طبقات] یکی از دستها را بالای دیگری قرار داد و فرمود: این چنین و افزود همانا خدا ... آتشها را بعضی بالای بعضی دیگر قرار داده است. طبقه زیرین آنها <جهنّم> و بالای آن <لظّی> و بالای آن <حطمه> و بالای آن <سقر> و بالای آن <جحیم> و بالای آن <سعیر> و بالای آن <هاویه> است>.

۹– < عن أبی عبدالله (ع) عن أبیه ، عن جدّه (ع) قال : للنار . . . باب یدخل منه فرعون و هامان و قارون و باب یدخل منه المشرکون و

الكفار . . . و باب يدخل منه بنواُميّه . . . و باب يدخل منه مبغضونا و محاربونا و خاذلونا و انه لأعظم الأبواب و أشدها حرّاً ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است که فرمود: برای آتش . .. دری است که فرعون، هامان و قارون از آن داخل می شوند و دری است که مشرکان و کافران از آن داخل می شوند ... و دری است که بنی امیّه از آن داخل می شوند ... و دری است که از آن داخل می شوند کسانی که بغض ما را در دل دارند و با ما در ستیزند و ما را یاری نمی کنند و این بزرگ ترین و سوزنده ترین آن درهاست...>.

دشمنان خدا در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۹ - ۱

۱ - دشمنان خدا در روز قیامت ، گردآوری شده ، دسته جمعی به سوی دوزخ روانه خواهند شد .

و یوم یحشر أعداء اللّه إلی النّار

<حشر> (مصدر <یحشر>) به معنای جمع آوری است و چون در آیه با <إلی> متعدی شده، معنای سوق دادن و روانه ساختن در آن اشراب شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۴ - ۱

۱ - دوزخ ، جایگاه و محل استقرار دشمنان خدا است .

یوم یحشر أعداء اللّه إلی النار . .. فالنار مثویً لهم

کلمه <مثوًی> اسم مکان و به معنای منزل و جایگاه اقامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۱۰

۱۰ - دوزخ ،

پایان و فرجام شوم دشمنان خدا

و حقّ علیهم القول

الف و لام در <القول> برای عهد ذهنی است و اشاره به سخنی دارد که در آن، وعده عذاب دوزخ داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۱،۳

۱ - آتش دوزخ ، کیفر و سزای دشمنان خدا است .

ذلک جزاء أعداء اللّه النار

۳ - آتش دوزخ همیشگی است و دشمنان خدا در آن جاودانه اند .

ذلک جزاء أعداء اللّه النار لهم فیها دار الخلد

دشمنان محمد(ص) در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۴ - ۱

۱ کافران معاند با پیامبر (ص) ، در قیامت به روافتان به سوی جهنم برده شده و به آن افکنده خواهند شد .

الذین کفروا . .. الذین یحشرون علی وجوههم إلی جهنّم

دعوت آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۷ - ۱

۱ - آتش دوزخ ، مجرمان و حق گریزان را به سوی خود فرامی خواند .

تدعوا من أدبر و تولّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۸ - ۱

۱ - آتش دوزخ ، مجرمان و ثروت اندوزان را به سوی خود فرامی خواند .

تدعوا من . .. و جمع فأوعی

<وعاء> (ماده <أوعی>) به معنای ظرف است و مقصود از <جمع فأوعی> اندوختن و ذخیره کردن مال و ثروت است.

دعوت به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۱ - ۴،۹

۴

- فرعون و دارودسته وی ، از نوع پیشوایان دعوت کننده به دوزخ

و جعلنهم أئمه یدعون إلی النار

۹ - < عن أبی عبدالله (ع) قال : . . . قال الله تبارک و تعالی . . . < و جعلناهم أئمه یدعون إلی النار > یقدمون أمرهم قبل أمر الله و حکمهم قبل حکم الله و یأخذون بأهوائهم خلاف ما فی کتاب الله عزّوجلّ ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: . .. خدای تبارک و تعالی فرموده است: ... <و جعلناهم أئمه یدعون إلی النار> آنان فرمان خود را بر فرمان خدا مقدم می دارند و حکم خود را نیز بر حکم خدا مقدم می دارند و براساس هواهای نفسانی، برخلاف آنچه در کتاب خدا است عمل می کنند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۱۷

۱۷ - شیطان ، فراخوان حق ناپذیران به دوزخ

کان الشیطن یدعوهم إلی عذاب السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۱ - ۲

۲ - اظهار شگفتی مؤمن آل فرعون از فراخواندن قوم خود ، به نجات و رستگاری و دعوت آنان از او به سرنوشت هلاکت بار دوزخ

و یقوم مالی أدعوکم إلی النجوه و تدعوننی إلی النار

استفهام در <مالی> برای تعجب است.

دعوت کنندگان به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۱ - ۲

۲ - پیشوایان و رهبران جوامع در بینش الهی دو دسته اند : دعوت کنندگان به آتش دوزخ و فراخوانان به نعمت های بهشت .

و جعلنهم أئمه

یدعون إلی النار

دلایل حقانیت جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ - آفرینش آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها ، نشانه تحقّق وعده های خداوند به برپایی قیامت و وجود بهشت و جهنّم است .

أعدّ اللّه لهم عذابًا شدیدًا . .. جنّت تجری من تحتها الأنهر ... اللّه الذی خلق

یادآوری خلقت آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها پس از ذکر دو گروه دوزخیان و بهشتیان در آیات گذشته می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

دود آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۰ - ۱

۱ - فرمان حرکت به تکذیب کنندگان روز جزا ، به سوی ستون های دود برخاسته از آتش دوزخ

انطلقوا إلی ظلّ

بنا به گفته مفسران، مقصود از <ظلّ>(سایه)، دود غلیظ برخاسته از آتش دوزخ است که به صورت سایه نمایان می شود; مانند: <و ظلّ من یحموم; و سایه ای از دودی سخت سیاه>. (واقعه، آیه ۴۳)

دود سیاه جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۳ - ۲

۲ - فضای دوزخ ، آکنده از دود سیاه

و ظلّ من یحموم

آیات این بخش، ترسیم کننده محل زندگی <اصحاب الشمال> در جهان آخرت است.

دوری بهشتیان از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۲ - ۱

۱- بهشتیان ، در جایگاهی به دور از شنیدن صدای آهسته برخاسته از آتش دوزخ خواهند بود .

لایسمعون حسیسها

<حسیس> به معنای صدای آهسته

است و مقصود از آن در آیه شریفه، صدایی است که از حرکت آتش دوزخ برمی خیزد.

دوری مؤمنان از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۱ - ۴

۴- مؤمنان راستین ، با فضیلت و مقرب الهی ، در قیامت در مکانی به دور از آتش دوزخ قرار خواهند گرفت .

إنّ الذين سبقت لهم منّا الحسنى أولئك عنها مبعدون

دین ستیزان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۲ - ۲

۲ - تکذیب گران دین ستیز ، به آتش برافروخته در قیامت گرفتار خواهند بود .

و جحيمًا

دین فروشان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۲

۲ - دین فروشان و کتمان کنندگان حقایق کتاب های آسمانی ، از مغفرت الهی محروم و به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

أولئك الذين اشتروا . .. العذاب بالمغفره

ذلت در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۳ - ۹

۹ رسوایی بزرگ و ذلت واقعی ، در مخلد شدن انسان در آتش دوزخ است .

فان له نار جهنم خلداً فیها ذلک الخزی العظیم

روش برخورد نگهبانان جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۶ – ۱۱،۱۳

۱۱ – فرشتگانِ نگهبان و گماشته بر دوزخ ، درشتخوی و سختگیراند .

علیها ملئکه غلاظ شداد

۱۳ – برخورد خشن و سختگیرانه نگهبانان دوزخ ، به فرمان الهی بوده و هرگز از آن نمی کاهند و یا

متوقف نمی شوند .

علیها ملئکه غلاظ شداد لایعصون اللّه ما أمرهم و یفعلون ما یؤمرون

یادآوری عصمت و فرمانبری فرشتگان پس از ذکر برخورد خشن و سختگیرانه آنان با دوزخیان می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

رؤیت آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۶

۶ - ستمکاران در قیامت ، تاب مشاهده مستقیم آتش دوزخ را ندارند .

ینظرون من طرف خفیّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۵ - ۲

۲ - تکذیب کنندگان قیامت ، ناتوان از توجیه تکذیب گری های خود به هنگام مشاهده آتش دوزخ

أفسحر هذا أم أنتم لاتبصرون

رؤیت آتش جهنم در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۷ - ۴

۴ - کافران ، در قیامت ، با مشاهده آتش جهنم ، به ربوبیت خداوند اعتراف می کنند .

یوم تقلّب وجوههم فی النار . .. و قالوا ربّنا

ماضی آوردن عبارت <قالوا ربّنا> در مقابل <یقولون یالیتنا> احتمال دارد که مربوط به زمانی باشد که هنوز در عذاب واقع نشده اند و تنها، آن را مشاهده کرده اند.

رؤیت اخروی جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۷ - ۱

۱ - طالبـان امتیـازات مادی ، در قیامت دوزخ را در مرحله ای فراتر از < علم الیقین > مشاهـده کرده ، به حقیقت یقین دست خواهند یافت .

ثمّ لترونّها عین الیقین

<عین الیقین> که در اصل <رؤیةً عینَ الیقین> (دیدنی که نفس یقین است)

بـوده مفعول مطلق است و حرف <ثمّ> که بر تراخی رتـبی دلالـت دارد آن را مرحله ای فراتر از <علم الیقین> معرفی کرده است.

رؤیت جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۱۰

۱۰ - کوبیـده و نرم شـدن زمین ، احساس حضور در پیشـگاه خداونـد و صـفوف فرشـتگان و مشاهـده جهنم ، برطرف سازنده غفلت های انسان و احیاگر حس پندپذیری در او است .

إذا دکّت الأرض . .. یومئذ یتذکّر الإنسن

<یومئذ>، بدل برای <إذا> در <إذا دکّت الأرض. ..> و جمله <یتذکّر الإنسان> جزا برای آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۷

۷ - حسابرسی از نعمت ها ، مرحله ای پس از مشاهده دوزخ و یقین به آن است .

ثمّ لترونّها . .. ثمّ لتسئلنّ

رؤیت جهنم در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۳ - ۱

۱ - جهنم ، در روز رستاخیز از نزدیک به کافران و مجرمان نشان داده خواهد شد .

هذه جهنّم الّتی کنتم توعدون

<هـذه> که به شـیء نزدیـک اشـاره دارد می رسانـد که جهنم در نزدیکی کـافران و مجرمان قرار داشـته و به آنان نشان داده خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۲،۳،۶

۲ - جهنم ، قابل مشاهده برای تمام اهل محشر

و جاْیء یومئذ بجهنّم

۳ - حاضران در صحنه قیامت ، در آغاز برپایی آن جهنم را مشاهده نمی کنند . *

و

جاْیء یومئذ بجهنّم

۶ - خطاکاران در قیامت با مشاهده جهنم ، فرصت های از دست رفته را به یاد آورده و متوجّه آثار و پیامد های کردار خویش می گردند .

یومئذ یتذکّر الإنسن

<ال> در الإنسان>، ممکن است عهد ذکری و اشاره به انسانی باشد که در آیات پیشین، فریفته نعمت ها و شِکوه گزار تنگدستی ها معرفی شده است. هم چنین می تواند برای استغراق باشد و تذکر یافتن را به همه انسان ها تعمیم دهد. آیات بعد، احتمال نخست را تقویت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۳ - ۱

۱- مجرمان ، در صحنه قیامت ، ناظر شعله های آتش دوزخ اند .

و رءا المجرمون النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۰ - ۳

۳- مشاهده دوزخ ، برای مردم حاضر در صحنه قیامت ، امکان پذیر است .

و عرضنا جهنّم یومئذ للکفرین عرضًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۱ - ۸

۸- چشم های نابینا در برابر حق ، در قیامت ، شعله های آتش دوزخ را خواهد دید .

و عرضنا جهنّم یومئذ للکفرین عرضًا . الذین کانت أعینهم فی غطاء عن ذکری

عرضه شدن جهنم بر کافران در قیامت و رویت آن، عقوبتی متناسب با بهره نبردن آنان از بینایی برای شناخت خداوند است، همانگونه که گوش ناشنوای آنان نیز صدای جهنم را درخواهد یافت، زیرا، عرضه جهنم، محدود به عرضه بصری نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ -

۱ - ۳۶

۱ - جهنّم در قیامت ، بر همگان آشکار بوده و در معرض دید تمام بینندگان قرار داده خواهد شد .

و برّزت الجحیم لمن یری

مراد از <من یری> (شخصی که می بیند)، هر کسی است که توان دیدن داشته باشد. مفاد چنین تعبیری، شدّت ظهور است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۷ - ۱

۱ - طغیان گران با حضور در صحنه قیامت ، کردار خویش را به یاد آورده و جهنم را حاضر خواهند یافت .

یوم یتذکّر . .. و برّزت الجحیم لمن یری . فأمّا من طغی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۸ - ۱

۱ - آنان که زندگانی دنیا را برگزیده و آن را بر آخرت ترجیح دادند ، کردار خویش را در قیامت به یاد آورده ، جهنم را حاضر خواهند یافت .

یوم یتذکّر . ... و برّزت الجحیم ... و ءاثر الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۳ - ۵

۵ - بهشت و جهنم ، برای مردم در قیامت قابل مشاهده است . *

و إذا الجحیم سعّرت . و إذا الجنّه أُزلفت

هدف از شعلهور کردن جهنم و نزدیک نمودن بهشت ممکن است این باشد که همگان آنها را مشاهده کرده و به فرجام نیکان و بدان آگاه شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۶ - ۱،۵

۱ – مشاهده دوزخ در قیامت و گرفتاری به عذاب آن ، تهدیدی الهی و هشداری تردیدناپذیر

برای دلبستگان به امتیازات دروغین

لتروّن الجحیم

چنانچه <لتروّن الجحیم> جمله مستقلی باشد; بیانگر قطعی بودن رؤیت جهنم برای مخاطبان <ألهیکم التکاثر> خواهد بود سیاق آیه که بر تهدید اهل تکاثر دلالت دارد، نشانگر آن است که مراد از دیدن جهنم، گرفتاری به آن است; بنابر این حرف <ثمّ> در آیه آخر (ثمّ لتسئلنّ . ..)، بر تراخی رتبی دلالت دارد; زیرا حسابرسی، پیش از گرفتاری به عذاب جهنّم است.

۵ - مشاهده جهنم در قیامت ، موجب آگاهی از نادرست بودن تفاخر و زیاده نمایی و سود نبخشیدن امتیازات مادی است .

سوف تعلمون . .. لتروّن الجحیم

رؤیت دنیوی آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۶ - ۶

۶ - دوزخ و آتش سوزان آن در دنیا برای اهل یقین ، مشهود و غفلت ناپذیر است .

لو تعلمون علم الیقین . .. لتروّن الجحیم

جمله <لتروّن الجحیم>، می تواند جواب <لو> باشد; در این صورت آیه شریفه درباره مشاهده دوزخ در دنیا خواهد بود. از آن جا که حرف <لو> (در آیه قبل) برای امتناع بود; این مشاهده بر مخاطبان <لو تعلمون> که اهل تکاثراند محال و برای صاحبان یقین به دلیل نون تأکید در <لتروّن> قطعی است. فعل مضارع <لتروّن> با دلالت بر استمرار بیانگر آن است که دوزخ، همواره مد نظر اهل یقین است.

رؤیت دنیوی جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۶ - ۶

۶ - دوزخ و آتش سوزان آن در دنیا برای اهل یقین ، مشهود و غفلت ناپذیر است

.

لو تعلمون علم الیقین . .. لترونّ الجحیم

جمله <لترونّ الجحیم>، می توانـد جواب <لو> باشـد; در این صورت آیه شـریفه درباره مشاهده دوزخ در دنیا خواهد بود. از آن جـا که حرف <لو> (در آیه قبـل) برای امتنـاع بود; این مشاهـده بر مخاطبـان <لو تعلمون> که اهل تکاثرانـد محال و برای صاحبان یقین به دلیل نون تأکیـد در <لترونّ> قطعی است. فعل مضارع <لترونّ> با دلالت بر اسـتمرار بیانگر آن اسـت که دوزخ، همواره مد نظر اهل یقین است.

رؤیت ظالمان در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۵ – ۱۱

۱۱ – عرضه گمراهان و ستمکاران بر دوزخ ، در برابر دید اهل ایمان و قابل مشاهده برای آنان

و تریهم یعرضون علیها . .. و قال الذین ءامنوا إنّ الخسرین

رؤیت قلبی جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکاثر – ۱۰۲ – ۶ – ۷

۷ – جهنم و آتش سوزان آن ، هم اکنون وجود دارد و قابل مشاهده است .

لترونّ الجحیم

رؤیت گمراهان در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۵ – ۱۱

۱۱ – عرضه گمراهان و ستمکاران بر دوزخ ، در برابر دید اهل ایمان و قابل مشاهده برای آنان

و تریهم یعرضون علیها . .. و قال الذین ءامنوا إنّ الخسرین

رهبران اغواگر در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳۸ – ۹

۹ ورود رهبران اغواگر در دوزخ، قبل از پیروانشان

کلما دخلت أمه .

.. قالت أخريهم لأوليهم ربنا هؤلاء أضلونا

مراد از <أمت أخرى> به دليل سخن آنان (ربنا هؤلاء أضلونا) گروه پيرو هستند. در نتيجه مراد از <اولى> سران شرك و كفر خواهد بود. و تعبير از آن دو طايفه به <اولى> و <أخرى> مى تواند به لحاظ تقديم و تأخير آنان در ورود به جهنم باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۲۹ - ۱

۱- جهنّم ، جايگاه رهبران ناسپاس و سردمداران فاسد و اغواگر

ألم تر إلى الذين . .. أحلّوا قومهم دار البوار . جهنّم يصلونها

رهبران شرك در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۱

۱۱ دوزخيان پيرو پس از اجتماعشان در جهنم با سران كفر و شرك، عليه آنان اقامه دعوا خواهند كرد.

حتى إذا اداركوا فيها جميعا قالت أخريهم لأوليهم ربنا هؤلاء أضلونا

<حتى إذا اداركوا . ..> يعنى تا آنگاه كه امتها بر يكديگر ملحق و مجتمع گردند. <اداركوا> در اصل تداركوا بوده و پس از ساكن كردن تاء و ادغام آن در دال، همزه وصل به آن اضافه شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۱

۱ سران كفر و شرك و پيروانشان پس از ورود به جهنم به مجادله و كشمكش خواهند پرداخت.

قالت أخريهم لأوليهم . .. و قالت أليهم لأخريهم فما كان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۳ - ۲

۲ – پیشوایان شرک و گمراه کنندگان خلق ، مصداق های بارز و

قطعی دوزخیان

قال الذین حقّ علیهم القول

خداونـد در آغـاز آفرینش آدم، در پاسـخ ابلیس که گفته بود: <ربّ بمـا أغویتنی لأُغوینهم أجمعین> فرمود: <لأملئنّ جهنّم منک و ممّن تبعک منهم أجمعین>. کلمه <القول> اشاره به همین سخن خداوند دارد. بنابراین <الذین حقّ علیهم القول>; یعنی، آنان که آن سخن خدا درباره ایشان مصداق و قطعیت یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۱ - ۶

۶ - چشیدن عذاب دوزخ برای مشرکان و سران آنان ، وعده حتمی و تخلف ناپذیر خداوند

فحقّ علینا قول ربّنا إنّا لذائقون

برداشت یاد شـده از آن جا است که <حَقَّ> به معنای <ثَبَتَ> و <لَزَمَ> است و ثابت و لازم بودن عـذاب، حاکی از حتمی و تخلف ناپذیر بودن آن است.

رهبران فاسد در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۹ - ۱

۱- جهنّم ، جایگاه رهبران ناسپاس و سردمداران فاسد و اغواگر

ألم تر إلی الذین . .. أحلّوا قومهم دار البوار . جهنّم یصلونها

رهبران کفر در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۱

۱۱ دوزخیان پیرو پس از اجتماعشان در جهنم با سران کفر و شرک، علیه آنان اقامه دعوا خواهند کرد.

حتی إذا ادارکوا فیها جمیعا قالت أخریهم لأولیهم ربنا هؤلاء أضلونا

<حتی إذا ادارکوا . ..> یعنی تا آنگاه که امتها بر یکدیگر ملحق و مجتمع گردند. <ادارکوا> در اصل تدارکوا بوده و پس از ساکن کردن تاء و ادغام آن در دال، همزه وصل به آن اضافه شده است.

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳۹ – ۱

۱ سران کفر و شرک و پیروانشان پس از ورود به جهنم به مجادله و کشمکش خواهند پرداخت.

قالت أخريهم لأوليهم . .. و قالت أليهم لأخريهم فما كان

رهبران مشرکان در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۶۷ – ۱۳

۱۳ – مشرکان (سران آنان و پیروانشان) در قیامت به آتش دوزخ گرفتار شده و در آن ماندگار خواهند بود .

و ما هم بخرجين من النار

رهبران ناسپاس در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۹ – ۱

۱– جهنّم ، جایگاه رهبران ناسپاس و سردمداران فاسد و اغواگر

ألم تر إلى الذين . .. أحلّوا قومهم دار البوار . جهنّم يصلونها

زمینه ایمان به جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۱۷ – ۱

۱ – منکران قیامت ، تنها با ورود به جهنم ، آن را باور خواهند کرد .

ثمّ يقال هذا الذى كنتم به تكذّبون

زمینه جاودانگی در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۸ - ۳

۳ - غیبت ، عیب جویی و انباشتن ثروت ، زمینه محبوس ماندن در آتشی مسلّط و فراگیر در جهنم

إنّها علیهم مؤصده

حرف <علی> در <علیهم>، بر احاطه و سلطه دلالت دارد.

زمینه جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۷ - ۵

۵ - انسان ها ، بدون لطف و

رحمت خداوند ، در معرض ابتلا به عذاب دوزخ اند .

فمنّ اللّه علینا و وقینا عذاب السموم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۴ - ۳

۳ - بخل و ثروت اندوزیِ حاصل از آن و تکذیب وعده های خداوند ، زمینه ساز گرفتاری به آتش برافروخته دوزخ

و أمّا من بخل و استغنی . و کذّب ... فأنذرتکم نارًا تلظّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۵ - ۱

۱ - شقاوت زمینه ساز گرفتاری به حرارت طاقت فرسای آتش جهنم است .

لایصلیهاإلّا الأشقی

<صلی النار>; یعنی، با رنج و مشقت حرارت آن را تحمل کرد و <شقاوه>; یعنی، شدّت و دشواری (قاموس). این واژه نقطه مقابل سعادت است. (مفردات راغب)

زمینه ذکر آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۳ - ۴

۴ - آتش دنیا ، وسیله ای برای یادآوری آتش جهنم و هشداردهنده ای برای انسان ها

نحن جعلنها تذکره

در صورتی که ضمیر <جعلناها> به <نار> بازگردد، برداشت بالا استفاده می شود.

زمینه نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۶

۶- ایمان به خدا و اجابت دعوت او ، باعث غفران خطا ها و لغزش ها و رهایی از عذاب دوزخ

و ءامنوا به یغفر لکم من ذنوبکم و یجرکم من عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۸ - ۱

۱ - دعا و نیایش به درگاه خداوند ، زمینه ساز راهیابی

انسان به بهشت و رهایی از دوزخ

فمنّ اللّه علینا و وقینا عذاب السموم . إنّا کنّا من قبل ندعوه

زنان منافق در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۱

۱ خلود در آتش دوزخ ، وعده خداوند به زنان و مردان منافق و عموم کفرپیشگان

وعد اللّه المنفقین و المنفقت و الکفار نار جهنم خلدین فیها

زندان بودن جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸ - ۱۰

۱۰- جهنّم ، زندانی برای کافران است و هیچ راه گریزی از آن وجود ندارد .

و جعلنا جهنّم للکفرین حصیرًا

<الحصر> در اصل به معنای تنگ گرفتن و حبس کردن آمده و در این آیه کنایه از زندانی کردن است.

زیاده طلبی جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۰ - ۱،۲،۳،۶

۱ - جهنم ، در برگیرنده انبوه مجرمان و دارای اشتهایی سیری ناپذیر

یوم نقول لجهنّم هل امتلأت و تقول هل من مزید

۲ - جهنم ، تقاضامند دریافت مجرمان هر چه بیشتر

و تقول هل من مزید

۳ - گنجایش و سیری ناپذیری دوزخ ، تهدیدی برای کافران با همه انبوهی و کثرت آنان

یوم نقول لجهنّم هل امتلأت و تقول هل من مزید

از این که خداوند، اشتهای سیری ناپذیر دوزخ را تذکر داده است; استفاده می شود که نباید کافران، کثرت وانبوهی خویش را مانعی در راه اجرای احکام و کیفرهای الهی بدانند; بلکه جهنم بیش از آنچه آنان تصور کنند، گنجایش و پذیرش دارد.

۶ - طبع دوزخ ، همچون طبع دنیاطلبان ، فزون طلب

و زیاده خواه *

یوم نقول . .. و تقول هل من مزید

بـا توجه به این که دوزخ و بهشت، مقـام ظهور و تجلّی حقایقی است که آدمی در عالم <ناسوت> تـدارک دیـده است، آیه می تواند کنایه از فزون طلبی دنیاداران دوزخی باشد.

زیان جاودانگی در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۲۴

۲۴ - گرفتار شدن به آتش و عذاب ابدی ، خسران واقعی است .

إنّ الخسرین الذین . .. فی عذاب مقیم

زیانکاران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۴ - ۱

۱ - صورت زیان کاران دوزخی ، مواجه با هجوم مداوم شعله های آتش دوزخ

تلفح وجوههم النار

<لَفْح> (مصـدر <تلفـح>) به معنـای سوزانـدن است; یعنی، <آتش، چهره های آنها را می سوزانـد>. گفتنی است که به کارگیری فعل مضارع (تلفح)، بیانگر هجوم پی در پی شعله های آتش دوزخ می باشد.

ساختار جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۱۸

۱۸ - جهنم ، یک پارچه آتش است .

عذاب السعیر

<سعر> مصدر <سعیر> به معنای <شعلهور بودن آتش> است. نام گذاری جهنم به <سعیر>، دلالت بر نکته بالا می کند.

سایه های جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۳ - ۱

۱ - زندگی در سایه ای از دود سیاه ، فرجام اخروی اصحاب الشمال

و ظلّ من یحموم

مفسران <یحموم> را به دود سیاه معنا کرده اند.

ستارگان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۲ – ۴

۴ – < عن أبی مریم انّ النبی (ص) قال : فی قوله < و إذا النجوم انکدرت > قال : انکدرت فی جهنم ;

از ابی مریم روایت شده که پیامبر(ص) درباره سخن خداوند <و إذا النجوم انکدرت> فرمود: ستارگان در جهنم بی فروغ و تاریک خواهند شد>.

ستون های آتش جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – همزه – ۱۰۴ – ۹ – ۱،۲،۳

۱ – احاطه ستون هایی امتداد یافته و بسیار بر آتش جهنم ، راه فرار را بر جهنّمیان می بندد .

فی عمد ممدّده

<عَمَد>، (جمع <عمود> (ستون) است. در صورتی که <فی عمد> متعلق به <مؤصده> باشد; مفاد آیه این خواهد بود که: آتش جهنم، در مجموعه ای از ستون های سر به فلک کشیده، قرار گرفته است و گریز از آن ستون ها، امکان پذیر نیست.

۲ – زبانه های آتش جهنم ، به شکل ستون هایی بلند ، دوزخیان را در خود جای خواهد داد .

إنّها . .. فی عمد ممدّده

تعبیر <فی عمد>، ممکن است خبر دوم برای ضمیر <إنّها> باشد. مفاد آیه در این صورت، ترسیم آتش جهنم به شکل شعله هایی زبانه کشیده و بلند است.

۳ – جهنمیان ، در عمودهایی بلند به بند کشیده شده ، راه فراری نخواهند داشت . *

فی عمد ممدّده

مراد از <عمد>، ممکن است عمودهایی باشد که نظیر <غلّ>، برای بستن جهنمیان به کار خواهد رفت.

سختگیری نگهبانان جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۶ – ۱۳،۱۱

۱۱ – فرشتگانِ نگهبان و

گماشته بر دوزخ ، درشتخوی و سختگیراند .

علیها ملئکه غلاظ شداد

۱۳ - برخورد خشن و سختگیرانه نگهبانان دوزخ ، به فرمان الهی بوده و هرگز از آن نمی کاهند و یا متوقف نمی شوند .

علیها ملئکه غلاظ شداد لایعصون اللّه ما أمرهم و یفعلون ما یؤمرون

یادآوری عصمت و فرمانبری فرشتگان پس از ذکر برخورد خشن و سختگیرانه آنان با دوزخیان می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

سختی آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۶ - ۸

۸ - سختی و سوزش آتش جهنم ، کافران را از عملکرد دنیوی شان پشیمان می کند .

یوم تقلّب وجوههم فی النار یقولون یلیتنا أطعنا اللّه

سختی عذاب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۹

۹ - عذاب جهنم ، عذابی سخت و غیر قابل تحمل است .

فإنّ له جهنّم لایموت فیها و لایحیی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۲۳

۲۳ - بهره های دنیایی تحت لوای کفر و ناسپاسی خدا ، در مقایسه با عذاب دایمی دوزخ بسی اندک و ناپایدار است .

قل تمتّع بکفرک قلیلاً إنّک من أصحب النار

جمله <إنّک من أصحاب النار> برای تعلیل و بیان چرایی ناچیز بودن و ناپایداری بهره دنیایی شرک و ناسپاسی است.

سختی عذابهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۸ - ۵

۵- عذاب و مجازات دوزخ ، سخت ، سوزان و رنج آور

من عذاب الحمیم

اضافه <عذاب> به <الحمیم>،

از قبیل اضافه بیانیه است.

سخن چینان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۴ - ۳

۳ - عیب جویـان ، غیبت کننـدگان ، سـخن چینـان ، بـدگویان ، تمسـخرکنندگان مردم و زرانـدوزان ، در آتش جهنم افکنـده خواهند شد .

لینبذنّ فی الحطمه

آیات بعد، بیانگر آن است که مراد از <حطمه>، آتش جهنم است.

سرزنش در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۶

۶ سران شرک و کفر با دعوت پیروانشان به چشیدن از عذاب مضاعف دوزخ، آنان را سرزنش و ملامت می کنند.

ربنا هؤلاء أضلونا . .. فذوقوا العذاب بما کنتم تکسبون

<ال> در کلمه <العذاب> عهد ذکری است و اشاره به همان عذاب مضاعف دارد که از <لکل ضعف> استفاده می شود.

سرزنشهای نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۸،۹

۸ - کافران به هنگام رسیدن به درب های دوزخ ، مورد سرزنش نگهبانان و دربانان قرار خواهند گرفت .

و قال لهم خزنتها ألم یأتکم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که همزه در <ألم یأتکم> برای استفهام توبیخی می باشد.

۹ - پرسش ملامت آمیز نگهبانان و دربانان دوزخ از کافران ، درباره آمدن پیامبران تلاوت کننده آیات الهی و انذارگران

و قال لهم خزنتها ألم يأتكم رسل منكم يتلون عليكم ءايت ربّكم و ينذرونكم لقاء يومك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۸ - ۳،۴

۳ - پرسش سرزنش آمیز نگهبانان دوزخ از کافران

دوزخی ، درباره آمدن پیامبر و اخطار دهنده الهی برای آنان

سألهم خزنتها ألم یأتکم نذیر

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که استفهام در <ألم یأتکم. ..> توبیخی و تقریعی باشد.

۴ - سرزنشِ نگهبانان دوزخ ، شکنجه و عذاب روحی برای کافران دوزخی است .

سألهم خزنتها ألم یأتکم نذیر

سرزنش نگهبانان دوزخ از کسانی که خود در آتش دوزخ می سوزند و شکنجه می شوند، می توانند شکنجه دیگری برای آنان از جهت روحی باشد.

سعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۴ - ۳

۳ - < سعیر > ، از نام های جهنم است .

و أعدّ لهم سعیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۶ - ۱۱

۱۱ - سعیر ، از نام های دوزخ

أصحب السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۲۴

۲۴ - < عن أمیرالمؤمنین (ع) إنّ جهنم لها سبعه أبواب ، أطباق بعضها فوق بعض . . . و وضع النیران بعضها فوق بعض فأسفلها جهنّم ، و فوقها لظی و فوقها الحطمه فوقها سقر ، و فوقها الجحیم و فوقها السعیر و فوقها الهاویه ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است: جهنم هفت در ورودی دارد که آنها به صورت طبقاتی بر یکدیگر قرار گرفته اند. .. و

آتش ها بعضی بر بالای بعضی دیگر قرار دارد که طبقه زیرین آن جهنم است و طبقات بالاتر آن [به ترتیب] لظی، حطمه، سقر، جحیم، سعیر و هاویه می باشد>.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۷ – ۲۶

۲۶ – < سعیر > از نام های دوزخ

و فریق فی السعیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۵ – ۱۵

۱۵ – < سعیر > ، از نام های دوزخ

عذاب السعیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۱۰ – ۸

۸ – < سعیر > ، از نام های دوزخ

ما کنّا فی أصحب السعیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۱۱ – ۴

۴ – < سعیر > ، از نام های دوزخ

لأصحب السعیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۱۲ – ۲

۲ – < سعیر > ، از نام های جهنم است .

سعیرًا

سقر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۲۴

۲۴ - < عن أمیرالمؤمنین (ع) إنّ جهنم لها سبعه أبواب ، أطباق بعضها فوق بعض . . . و وضع النیران بعضها فوق بعض فأسفلها جهنّم ، و فوقها لظی و فوقها الحطمه فوقها سقر ، و فوقها الجحیم و فوقها السعیر و فوقها الهاویه ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است: جهنم هفت در ورودی دارد که آنها به صورت طبقاتی بر یکدیگر قرار گرفته اند. .. و آتش ها بعضی بر بالای بعضی دیگر قرار دارد که طبقه زیرین آن جهنم است و طبقات بالاتر آن [به ترتیب] لظی، حطمه، سقر، جحیم، سعیر و هاویه می باشد>.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۶ - ۳

۳ - < سقر > ، از نام های دوزخ

سأُصلیه سقر

<سقر>، اسم عَلَم برای جهنم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۷ - ۴

۴ - < سقر > ، از نام های دوزخ

و ما أدریک ما سقر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۲ - ۴

۴ - < سقر > ، از نام های دوزخ

سقر

<سقر>، اسم علم برای دوزخ است.

سقوط جمعی در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۶

۶ خداوند در پی جداسازی ناپاکان از پاکان ، آنان را در قیامت انباشته می کند و یکجا در جهنم فرومی افکند .

و یجعل الخبیث بعضه علی بعض فیرکمه جمیعا فیجعله فی جهنم

رکم (مصدر یرکم) به معنای جمع کردن چیزی و انباشته ساختن آن است.

سگهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۸ - ۶

۶ - < قال رسول اللّه (ص) . . . لاتجالسوا مع شارب الخمر . . . فإنّهم کلاب أهل النار کما قال اللّه : < اخسئوا فیها و لاتکلّمون > ;

رسول خدا(ص) فرمود:. .. با شراب خوار همنشینی نکنید... زیرا آنان سگ های جهنم اند; همان طور که خداوند فرموده است: اخسئوا فیها و لاتکلّمون>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲ - ۷

۷ - < عن معاذبن جبل قال :

قال رسول اللّه (صلی اللّه علیه و آله) . . . قال اللّه < و الناشطات نشطاً > أتدری ما هو ؟ قلت : یا نبی اللّه ما هو ؟ قال : کلاب فی النار تنشط العظم و اللحم . . . ;

از معاذبن جبل روایت شده که گفت: رسول خدا(ص) فرمود: . .. خداوند فرموده: <و الناشطات نشطاً>، آیا می دانی مقصود چیست؟ گفتم: ای پیامبر خدا! مقصود چیست؟ فرمود: مقصود سگ هایی اند که در آتش جهنم می باشند و استخوان و گوشت را [از بدن انسان]می کنند>.

سنگهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - منکران قرآن و سنگ های دوزخ ، هیزم و آتشگیره های آتش جهنمند .

فاتقوا النار وقودها الناس و الحجاره

<وقود> به هیزم و نیز به چیزی که با آن آتش روشن می کنند، گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۹،۱۶

۹ - دوزخیان و سنگ های دوزخ ، سوخت آتش جهنم است .

نارًا وقودها الناس و الحجاره

<وقود> به معنای چیزی است که به آن آتش روشن می کنند; یعنی، ماده سوختی و قابل اشتعال.

۱۶ - < عن رسول اللّه (ص) : . . .إنّما تلک الحجاره الکبریت ;

از رسول خدا [درباره <حجاره> در آیه <ناراً وقودها النّاس و الحجاره>] روایت شده: آن سنگ [که آتش افروز جهنّم است]همان گوگرد است>.

سوختن کافران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - ۶۶

۱۱ - کافران ، در حال سوختن در آتش جهنم ، بر عملکرد گذشته خود در دنیا ، حسرت می خورند .

یوم تقلّب وجوههم فی النار یقولون یلیتنا أطعنا اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۷ - ۱

۱ - کافران ، در حال سوختن در آتش جهنم ، اعلام می کنند که مطیع بزرگان و رؤسای گمراه سازشان بودند .

إنّ اللّه لعن الکفرین . .. یوم تقلّب ... و قالوا ربّنا إنّا أطعنا سادتنا ... فأ

سوزندگی آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۲ - ۲

۲ - آتش آخرت ، بسی دامنه دارتر و سوزاننده تر از آتش دنیا است .

النار الکبری

مراد از <النار الکبری> ممکن است تمام آتش های آخرت باشد. در این صورت سنجش آن با آتش دنیا، مورد نظر خواهد بود.

سیمای کافران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۹

۹ - چهره های کفرپیشگان در دوزخ ، بسیار گرفته و درهم کشیده خواهد بود .

قل أفأنبّئکم بشرّ من ذلکم النار

شاخه های دود آتش جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۳۰ – ۲

۲ – دود برخاسته از آتش دوزخ ، دارای سه شعبه و قرار گرفته در سه جهت

ظلّ ذی ثلث شعب

شدت آتش جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳۹ – ۴

۴– کافران ، در دنیا هرگز به سختی و

شدت آتش دوزخ و به بی یاوری خود در قیامت پی نخواهند برد .

لو یعلم الذین کفروا حین لایکفّون عن وجوههم النار . .. و لا هم ینصرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <حین> مفعولٌ به برای <یعلم> باشد. در این صورت پیام آیه چنین می شود: کاش آنان که کافر شدند، می دانستند و نمی دانند زمانی را که نمی توانند آتش را از چهره ها و... باز بدارند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۴ – ۷

۷- دوزخ ، جایگاهی به غایت گرم و دارای آتشی به شدت برافروخته و شعلهور است .

إلی عذاب السعیر

<سعیر> به معنای گرم و نیز آتش افروخته و ملتهب است. دخول <ال> کمالیه بر <سعیر>، بیانگر گرمای بی اندازه دوزخ و التهاب و برافروختگی بی حد آتش آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۱۶ – ۳

۳ – شدت و فراوانی آتش جهنم ، در اطراف مشرکان و کافران

لهم من فوقهم ظلل من النار و من تحتهم ظلل

مقصود از آیه شریفه هر چه باشد، این نکته را نیز می رساند که آتش دوزخ بسیار شدید و زیاد است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۴۶ – ۸

۸ – آتش دوزخ ، سخت ترین و شدیدترین عذاب و کیفر الهی

أشدّ العذاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۱۶ – ۲

۲ - جهنم ، دارای آتشی که به شدت برافروخته و شعلهور است

.

لصالوا الجحیم

بـه آتشـی که شـعله هـای آن، سـخت زبـانه کشـد و نیز به آتش عظیمی که در گـودال برافروخته گردد و به مکـانی که دارای حرارت شدید باشد، <جهیم> گفته می شود. (قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۵ - ۱

۱ - ویژگی های آتش جهنم و شدّت آن ، فراتر از حد تصور و بیان است .

و ما أدریک ما الحطمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۶ - ۴

۴ - آتش جهنم ، آتشی بی نظیر و شدیدتر از هر آتش دیگری است .

نار اللّه

توصیف خداوند به خالق و مالك آتش جهنم، بیانگر تفاوت آن، با دیگر آتش ها است.

شدت حرارت آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۳ - ۶

۶ - دوزخ ، دارای آتشی پرحرارت

صرط الجحیم

<جحیم> (از ماده <جحمه>) به معنای شعله و حرارت آتش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۷ – ۲۴

۲۴ – جهنم ، دارای آتشی ملتهب و پر شراره

و فریق فی السعیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۴ – ۳

۳ – آتش دوزخ ، بسیار سوزان و دارای حرارتی شدید است .

نارًا حامیه

<حامیه>; یعنی، دارای حرارت و چون آتش همواره دارای حرارت است، تصریح به این وصف، بیانگر غیر متعارف بودن آن حرارت است.

شدت حرارت جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۳۱

- ۱،۲

۱ - کافران صاحب زر و زور در قیامت ، به وسیله آتش پرحرارت و شعلهور سوازنده خواهند شد .

ثمّ الجحیم صلّوه

<جحیم> (از ماده <جحمه>) به معنای آتش شعلهور و پرحرارت است.

۲ - دوزخ ، محل آتش پرحرارت و شعلهور

ثمّ الجحیم صلّوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۱۱ - ۱،۲

۱ - جهنم ، یک پارچه آتش و دارای حرارتی بس شدید است .

نار حامیه

<هاویه>، اسم مکان است و آتش خواندن آن، مبالغه در بیان گستردگی آتش است; به گونه ای که گویا آن مکان چیزی جز آتش نیست. <حَمِیَتِ النار>; یعنی، حرارت آن شدت یافت (قاموس).

۲ - حرارت آتش جهنم ، غیرقابل قیاس با حرارت دیگر آتش ها است .

نار حامیه

وصف <حامیه> با هر آتشی همراه است; بنابراین تأکید بر آن در توصیف آتشِ جهنم، بیانگر این است که گویا در مقابل حرارت آن، آتش های دیگر حرارتی ندارد.

شدت سوزندگی آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۴ - ۳

۳ - آتش دوزخ ، بسیار سوزان و دارای حرارتی شدید است .

نارًا حامیه

<حامیه>; یعنی، دارای حرارت و چون آتش همواره دارای حرارت است، تصریح به این وصف، بیانگر غیر متعارف بودن آن حرارت است.

شدت عذاب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۷ - ۱۳

۱۳- عذاب جهنم ، عذابی بسیار سخت و ناگوار است .

ثمّ یردّ إلی ربّه فیعذّبه عذابًا نکرًا

<عذاباً> مفعول مطلقِ تأکیدی برای <یعذبه> است که دالِ بر شدّت عذاب الهی است <نکراً> نیز

که صفت برای <عذاباً> است، تأکیدی فزون تر بر ناگواری عذاب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۸ - ۱

۱ - حرارت آتش دوزخ و صدای ناخوشایند برخاسته از آن ، در نهایت شدّت و حدّت است .

تکاد تميّز من الغيظ

تعبیر<تکاد تميّز من الغيظ> (چیزی نمانده است که از شدّت غیظ پاره پاره شود) درباره دوزخ، تعبیری است تمثیلی و کنایی و بیانگر شدّت و حدّت آتش دوزخ و صدای آن است.

شدت عذابهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۷ - ۷

۷- برای کافران جبّار ، در جهنّم ، فراتر از نوشیدن اجباری آب چرکین و عذاب های مختلف مرگبار ، عذابی خشن و غیرقابل تصور نیز وجود دارد .

و من ورائه عذاب غليظ

مرجع ضمیر <ورائه> احتمال دارد <عذاب> باشد که از عبارت قبلی به دست می آید. در این صورت، با توجه به مفهوم بودن و سخت بودن عذابهای یاد شده، <عذاب غلیظ> باید عذابی بسیار سخت و غیر قابل تصور باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۹ - ۵

۵- مراتب شدید و هلاکت بار عذاب دوزخ ، متوجه گناه پیشگان مغرور و پیشوایان کفر و نه همه گنه کاران *

طعام الأثيم كالمهل . .. ثمّ صبّوا فوق رأسه ... ذق إنّك أنت العزيزالكريم

از مبالغه نهفته در <الأثیم> و نیز وصف <العزیز الکریم>، این احتمال شکل می گیرد که عذاب های شدید مطرح شده در این آیات، برای هر گنه کاری نیست; بلکه مخصوص دارندگان اوصاف

یاد شده است.

شدت گرمای آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۱۴

۱۴ - دوزخ ، دارای آتشی است در اوج حرارت و سوزانندگی .

عذاب الحریق

برداشت فوق، بر این اساس است که <ال> در <الحریق> <ال> کمالیه باشد. بنابراین <الحریق>; یعنی، در اوج سوزانندگی.

شدت گرمای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴ - ۷

۷- دوزخ ، جایگاهی به غایت گرم و دارای آتشی به شدت برافروخته و شعلهور است .

إلی عذاب السعیر

<سعیر> به معنای گرم و نیز آتش افروخته و ملتهب است. دخول <ال> کمالیه بر <سعیر>، بیانگر گرمای بی اندازه دوزخ و التهاب و برافروختگی بی حد آتش آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۲ - ۶

۶ - آتش دوزخ ، عنصری است بسیار گرم و سوزاننده .

ذوقوا عذاب الحریق

<حریق> به معنای سوزاننده است. به کارگیری آتش در وزن <فعیل> که برای مبالغه است بیانگر گرمای بسیار زیاد آتش دوزخ و سوزانندگی شدید آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۵ - ۱۶

۱۶ - دوزخ ، جایگاهی به غایت گرم و دارای آتشی به شدت برافروخته و شعلهور است .

عذاب السعیر

<سعیر>، به معنای گرم و نیز آتش افروخته و ملتهب است. دخول <ال> کمالیه بر <سعیر>، بیانگر گرمای بی اندازه دوزخ و التهاب و برافروختگی شدید آتش آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷

- ۱۰ - ۹

۹ - دوزخ ، جایگاهی به غایت گرم و دارای آتشی به شدت برافروخته و شعلهور است .

أصحب السعیر

<سعیر>، به معنای گرم و نیز آتش افروخته و ملتهب است. دخول <ال> کمالیه بر <سعیر>، بیانگر گرمای بی اندازه دوزخ و التهاب و برافروختگی شدید آتش آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۱۱ - ۵

۵ - دوزخ ، جایگاهی به غایت گرم و دارای آتشی برافروخته و شعلهور است .

لأصحب السعیر

<سعیر>، به معنای گرم و نیز آتش افروخته و ملتهب است. دخول <ال> کمالیه بر <سعیر>، بیانگر گرمای بی اندازه دوزخ و التهاب و برافروختگی شدید آتش آن است.

شرابخوار در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۸ - ۶

۶ - < قال رسول اللّه (ص) . . . لاتجالسوا مع شارب الخمر . . . فإنّهم کلاب أهل النار کما قال اللّه : < اخسئوا فیها و لاتکلّمون > ;

رسول خدا(ص) فرمود:. .. با شراب خوار همنشینی نکنید... زیرا آنان سگ های جهنم اند; همان طور که خداوند فرموده است: اخسئوا فیها و لاتکلّمون>.

شرایط نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۱۷،۱۸

۱۷ – اصحاب اخدود ، چنانچه از گناه سوزاندن مؤمنان توبه می کردند ، از عذاب جهنم رهایی می یافتند .

ثمّ لم یتوبوا فلهم عذاب جهنّم

۱۸ – رهایی اصحاب اخدود از آتش جهنم ، تنها در صورتی امکان پذیر است که از کفر خویش توبه کرده باشند

.

ثمّ لم يتوبوا

سیاق آیه شریفه، گرچه قرینه است بر این که متعلق <لم يتوبوا> فتنه گری و سوزاندن مؤمنان است; ولی آیه بعد، می تواند قرینه باشد که مراد از توبه، روی آوردن به ایمان و عمل صالح است و نیز توبه از شکنجه مؤمنان، زمانی توبه به درگاه خداوند است که شخص منکر او نباشد.

شعله آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۱۲

۱۲ - انس می گوید : < تلا رسول اللّه (ص) هذه الایه < وقود ها الناس و الحجاره > فقال : اوقد على ها ألف عام حتى إحمرت و ألف عام حتى إبيضت و ألف عام حتى اسودت فهى سوداء مظلمه لايطفأ لهب ها ;

رسول خدا (ص) به دنبال قرائت این آیه <وقود الناس و الحجاره> فرمود: آتش]جهنم[را هزار سال شعلهور کردند تا سرخ گشت. و هزار سال شعلهور نمودند تا سفید گشت و هزار سال شعلهور کردند تا سیاه گشت پس آن آتش سیاه و ظلمانی است و شعله آن خاموش نمی شود>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۵ - ۶

۶ - < جحیم > از نام های جهنم

الجحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۴ - ۴

۴ - آتش دوزخ ، آتشی است پرحرارت و پرشعله .

الجحيم

<جحیم> (از ماده <جحم>) به معنای شدت شعله و حرارت آتش است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۶۸ – ۶

۶ –

آتش دوزخ ، آتشی است پرحرارت و پرشعله .

الجحیم

<جحیم> (از ماده <جحم>) به معنای شدت شعله و حرارت آتش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۸ - ۹

۹ - آتش دوزخ ، سخت برافروخته و ملتهب

عذاب الجحیم

<جحمه> (مبدأ اشتقاق <جحیم>) به شدت افروختگی و التهاب آتش اطلاق می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۴ - ۳

۳ - آتش دوزخ ، به شدت برافرخته و ملتهب است .

و تصلیه جحیم

<جحیم> مشتق از <جحمه> است. <جحمه> به شدتِ اشتعال و برافروختگی آتش گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۱۴

۱۴ - آتش دوزخ ، به شدت برافروخته و ملتهب است .

أُولئک أصحب الجحیم

<جحمه> (مبدأ اشتقاق <جحیم>) به شدت التهاب و برافروختگی آتش گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۵ - ۱۶

۱۶ - دوزخ ، جایگاهی به غایت گرم و دارای آتشی به شدت برافروخته و شعلهور است .

عذاب السعیر

<سعیر>، به معنای گرم و نیز آتش افروخته و ملتهب است. دخول <ال> کمالیه بر <سعیر>، بیانگر گرمای بی اندازه دوزخ و التهاب و برافروختگی شدید آتش آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۰ - ۹

۹ - دوزخ ، جایگاهی به غایت گرم و دارای آتشی به شدت برافروخته و شعلهور است .

أصحب السعیر

<سعیر>، به معنای گرم و نیز آتش افروخته و ملتهب است. دخول <ال> کمالیه

بر <سعیر>، بیانگر گرمای بی اندازه دوزخ و التهاب و برافروختگی شدید آتش آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۱ - ۵

۵ - دوزخ ، جایگاهی به غایت گرم و دارای آتشی برافروخته و شعلهور است .

لأصحب السعیر

<سعیر>، به معنای گرم و نیز آتش افروخته و ملتهب است. دخول <ال> کمالیه بر <سعیر>، بیانگر گرمای بی اندازه دوزخ و التهاب و برافروختگی شدید آتش آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۱ - ۱،۲

۱ - کافران صاحب زر و زور در قیامت ، به وسیله آتش پرحرارت و شعلهور سوازنده خواهند شد .

ثمّ الجحیم صلّوه

<جحیم> (از ماده <جحمه>) به معنای آتش شعلهور و پرحرارت است.

۲ - دوزخ ، محل آتش پرحرارت و شعلهور

ثمّ الجحیم صلّوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۱ - ۱

۱ - دود سایه مانند دوزخ ، فاقد سایبان حقیقی (خنک کنند گی) است و مانع از شعله های سوزان آتش نیست .

لاظلیل و لایغنی من اللّهب

<لاظلیل> صفت برای <ظلّ> در آیه پیش است و <ظلّ ظلیل> به معنای سایه دائم و مستمر است (صحاح اللغه). بر این اساس <ظلّ... لاظلیل> کنایه از نبودن سایه قابل استفاده و <لهب> به معنای شعله خالص و بدون دود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۳۲ – ۱

۱ – شراره افکنی آتش دوزخ ، به بلندی کاخ ها

إنّها ترمی بشرر کالقصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۳ - ۲

۲ - شراره های آتش دوزخ ، بسیار انبوه ، به هم پیوسته و پرجنبش است .

کأنّه جملت صفر

برداشت یاد شده، از تشبیه شراره های آتش به انبوه شتران، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۲ - ۱

۱ - قیامت ، روز شعلهور شدن شدید جهنم

و إذا الجحیم سعّرت

<جحیم> (که بر اثر استعمال مکرر درباره جهنم، نام دیگری برای آن شده است، در اصل) آتشی است که به شدت افروخته شده باشد و به آتش عظیمی که در حفره ای عمیق افروخته شود <جحیم> گفته می شود. سعرالنار و سعّرها[به یک معنا است]; یعنی، آتش را شعلهور ساخت و تشدید[در باب تفعیل] برای مبالغه است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۴ - ۲

۲ - جهنّم ، دارای آتشی که به شدّت برافروخته و شعلهور است .

لفی جحیم

به آتشی که شعله های آن، سخت زبانه کشد و نیز به آتش عظیمی که در گودال برافروخته گردد و به مکانی که دارای حرارت شدید باشد، <جحیم> گفته می شود (قاموس). مراد از <جحیم> به قرینه آیه بعد جهنم یا آتش آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۶ - ۲

۲ - جهنم ، دارای آتشی که به شدت برافروخته و شعلهور است .

لصالوا الجحيم

به آتشی که شعله های آن، سخت زبانه کشد و نیز به آتش عظیمی که در گودال برافروخته گردد و

به مکانی که دارای حرارت شدید باشد، <جهیم> گفته می شود. (قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۲ - ۴

۴ - جهنم ، دارای آتشی برافروخته و شعلهور

سعیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۴ - ۱

۱ - آتش جهنم ، همواره شعلهور است و زبانه می کشد .

نارًا تلظّی

<تلظّی> (که در اصل <تتلظّی> بوده است)؛ یعنی، زبانه کشیده و برافروخته می شود. مضارع در صورتی که حال قرار گیرد، بر تکرار دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۶ - ۳

۳ - دوزخ ، مکانی سوزان و دارای آتشی شعلهور و متراکم

لترونّ الجحیم

<جحیم>، به معنای آتشی است که سخت شعلهور بوده و زبانه کشد. هم چنین بر هر آتش متراکم و یا افروخته در گودال های عمیق و هر مکان پرحرارت اطلاق می گردد. (قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۶ - ۱،۵

۱ - پیدایش آتش جهنم و برافروخته شدن آن ، وابسته به خداوند و خواست مستقیم او است .

نار اللّه

استناد آتش جهنم به خداوند با آن که هر آتش دیگری نیز مخلوق او است نشانگر ظهور وابستگی آن به خداوند است; به گونه ای که تنها، به فرمان او برمی افروزد و می سوزاند.

۵ – آتش جهنم ، همواره برافروخته شده و شعله های تازه پیدا می کند .

الموقده

<ایقاد> (مصدر <موقده>) یا از <وَقَدْ> (آتش و بر افروخته شدن آن) و یا از <وَقود>

(هیزم ویژه آتش)، گرفته شده است. توصیف آتش جهنم به <موقده> با آن که آتش از افروخته شدن و افروزنده انفکاک ندارد اشاره به حدوث پیاپی این وصف دارد; به گونه ای که نه تنها هرگز خاموش نمی شود; بلکه همواره شعله های جدید دارد.

شعله های آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۳ - ۱

۱ - شعله های گدازنده آتش ، مهیا برای کافران به خدا و رسول او

و من لم یؤمن . .. فإنّا أعتدنا للکفرین سعیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۹ - ۲

۲ - زبانه های آتش جهنم ، به شکل ستون هایی بلند ، دوزخیان را در خود جای خواهد داد .

إنّها . .. فی عمد ممدّده

تعبیر <فی عمد>، ممکن است خبر دوم برای ضمیر <إنّها> باشد. مفاد آیه در این صورت، ترسیم آتش جهنم به شکل شعله هایی زبانه کشیده و بلند است.

شعور آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۲ - ۳

۳ آتش جهنم ، دارای نوعی ادراک و احساس

إذا رأتهم من مکان بعید سمعوا لها تغیّظًا و زفیرًا

شفاعت نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۹ - ۱،۲

۱ - درخواست دوزخیان از نگهبانان جهنم ، مبنی بر شفاعت کردن نزد خداوند جهت تخفیف اندکی از عذابشان حتّی به مقدار یک روز

و قال الذین فی النار لخزنه جهنّم ادعوا ربّکم یخفّف عنّا یومًا من العذاب

۲ -

امید و انتظار دوزخیان ، به شفاعت نگهبانان جهنم به درگاه خداوند برای تخفیف اندکی از عذاب آنان

و قال الذین فی النار لخزنه جهنّم ادعوا ربّکم یخفّف عنّا یومًا من العذاب

شقاوتمندان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۶ - ۱

۱ تیره بختان صحنه قیامت (مشرکان و کافران به رسالت انبیا) روانه آتش دوزخ خواهند شد .

فأما الذین شقوا ففی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۷ - ۱

۱ آتش دوزخ ، جایگاه ابدی تیره بختان صحنه قیامت است .

خلدین فیها مادامت السموت و الأرض

عبارت <مادامت السماوات و الأرض> (تا آن زمان که آسمانها و زمین وجود دارد) کنایه از دوام و همیشگی است و تأکید برای خلودی می باشد که از <خالدین> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۲ - ۳

۳ - فرجام شقاوتمندان ، گرفتاری به آتش دوزخ است .

و یتجنّبها الأشقی . الذی یصلی النار الکبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۵ - ۳،۴

۳ - خلود در آتش جهنم ، ویژه کسانی است که در بالاترین مرحله شقاوت اند .

لایصلیها إلّا الأشقی

<صَلِی>؛ یعنی، ملازم و همراه شد (لسان العرب، از قول زجاج) و ملازمت با آتش به جاودانگی در آن است. حصر موجود در آیه مربوط به ملازمت است؛ یعنی، جاودانگی در آتش، مخصوص کسانی است که در آیه بعد اهل تکذیب و اعراض معرفی شده اند و در بدترین نوع

شقاوت به سر می برند.

۴ - امکان خلودِ همه شقاوتمندان در آتش جهنم *

لایصلیها إلّا الأشقی

تقابل <أشقی> و <أتقی> می تواند، قرینه بر حصر اضافی باشد; یعنی، اگر گفته می شود که تنها <شقی ترین مردم> در آتش جاودان است، مراد نفی خلود از دیگر شقاوتمندان نیست; بلکه تنها از فرد <أتقی> نفی خلود شده است.

شک به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۰ - ۱

۱- غوطهوران در گناه ، گرفتار تردید در وقوع قیامت و وجود دوزخ

إنّ هذا ما کنتم به تمترون

شکاکان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۵ - ۱

۱ سدکنندگان راه ارزش ها و تجاوزگران و شکّاکان در حق ، محکوم به آتش دوزخ

ألقیا فی جهنّم کلّ . .. منّاع للخیر معتد مریب

شومی آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۲۱

۲۱- آتش دوزخ ، تکیگاهی ناپسند و شوم برای دوزخیان است .

یغاثوا بماء کالمهل . .. و ساءت مرتفقًا

<مرتفق> به مکانی گفته می شود که آدمی، در آن، مرفق و آرنـج خود را بر زمین نهـد و با ساق دست خود اهرمی بسازد و سر بر آن گذارده، استراحت کند. یاد کردن از جایگاه دوزخیان با این تعبیر، به منظور ریش خند کردن آن ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۵ - ۸

۸ - آتش دوزخ ، جایگاهی بس شوم و نامبارک

و بئس المصیر

شومی جهنم

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۱۹

۱۹ - آتش دوزخ ، جایگاهی نامیمون و عاقبتی شوم است .

و بئس المصیر

<مصیر> جایگاهی است که حرکت بدان جا منتهی می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۷ - ۵

۵ جهنّم ، بستر و خوابگاه شوم و ناپسند

و بئس المهاد

<مهاد>، به معنای فراش (بستر خواب و استراحت) است. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۷ - ۱۷

۱۷ جهنّم ، جایگاهی بد و سرانجامی شوم است .

مأویهم جهنّم و ساءت مصیرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۵ - ۱۷

۱۷ جهنم ، فرجامی بد و جایگاهی نامیمون است .

و نصله جهنم و ساءت مصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۶ - ۳

۳ جهنم ، جایگاهی بد و فرجامی شوم

و بئس المصیر

مخصوص به ذم، کلمه جهنم است که به قرینه فراز قبل حذف شده است، یعنی <و بئس المصیر جهنم>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۸ - ۸

۸ آتش دوزخ ، بهره و نصیبی نامیمون و جایگاهی شوم

و بئس الورد المورود

کلمه <الورد> (نصیب و بهره) فاعل برای <بئس> است و <ال> در آن برای جنس می باشد و <المورد> (چیزی که بر آن وارد می شوند) مخصوص به ذم است و <ال> در آن عهد ذکری بوده و اشاره به آتش دوزخ دارد.

بنابراین <بئس الورد المورود>; یعنی، بد نصیب و بهره ای است آن آتشی که بر آن وارد خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۸ - ۱۱

۱۱ دوزخ بستری بد و ناگوار است .

مأویهم جهنم و بئس المهاد

<مهاد> به معنای بستر گسترده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۵ - ۱۰

۱۰ دوزخ ، سرایی شوم و فرجامی ناگوار برای دوزخیان

و لهم سوء الدار

مقصود از سرای شوم دنیا (سوء الدار) به قرینه مقابله آن با <عقبی الدار. جنات عدن> در آیه ۲۲ و ۲۳ دوزخ، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۹ - ۲،۵

۲- جهنّم ، سرای هلاکت و نابودی

دار البوار . جهنّم یصلونها

<بوار> به معنای هلاکت است.

۵- جهنّم ، قرارگاهی بد و شوم

جهنّم یصلونها و بئس القرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۱۲

۱۲ - دوزخ ، جایگاهی بد برای دوزخیان

و بئس المصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۴ - ۴

۴ کسانی که در قیامت به روافتان به سوی جهنم سوق داده می شوند ، دارای شوم ترین جایگاه و بی راهه ترین مسیراند .

الذین یحشرون علی وجوههم إلی جهنّم أُولئک شرّ مکانًا و أضلّ سبیلاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <الذین> مبتدا و <أُولئک> خبر آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۶ - ۱،۳

۱

جهنم ، قرارگاه و اقامتگاهی بس بد و آزاردهنده

عذاب جهنّم . .. إنّها ساءت مستقرًّا و مقامًا

<مستقراً> تمیز برای ضمیر مستتر در <ساءت> و به معنای محل استقرار است. <مقام> نیز اسم مکان و به معنای اقامتگاه می باشد.

۳ سرنوشت بد و اقامتگاه ناگوار انسان در جهنم ، مقتضی هراسان بودن ، اضطراب ، تضرع و دعا کردن به درگاه الهی است .

ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم . .. إنّها ساءت مستقرًّا و مقامًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۶ - ۱،۳

۱ - جهنم ، فرجامی بد و ناگوار

إنّ للطغین لشرّ مئاب . جهنّم

برداشت یاد شده از آن جا است که <جهنّم> عطف بیان برای <لشرّ مئاب> است؛ یعنی، فرجامی بد و ناگوار که عبارت است از جهنم.

۳ - دوزخ ، بستر و جایگاهی بد و ناگوار

جهنّم یصلونها فبئس المهاد

<مهاد> به معنای بستر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۰ - ۸

۸ - دوزخ ، قرارگاهی بد و ناگوار

فبئس القرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۲ - ۹

۹ - جهنم ، جایگاهی بد و ناگوار

فبئس مثوًی المتکبّرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۲ - ۸

۸ - ستمگران ، دارای سرایی بد (دوزخ) در قیامت

و لهم سوء الدار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۶ - ۵

۵ - جهنم ، جایگاه بد و ناگوار

جهنّم فبئس مثوَی

<مثوی> (اسم مکان

از ماده <ثواء> به معنای اقامت توأم با استمرار است; یعنی، جایگاه همیشگی و دائمی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۱۴

۱۴ - دوزخ ، فرجامی بس شوم و ناگوار

و ساءت مصیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۸ - ۱۴

۱۴ - عذاب جهنم ، فرجامی بس بد و ناگوار است .

فبئس المصیر

<مصیر>، به عاقبت و فرجام امر گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۱۰

۱۰ - دوزخ ، جایگاهی نامیمون و عاقبتی شوم

و مأویهم جهنّم و بئس المصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۶ - ۳

۳ - دوزخ ، جایگاهی نامیمون و سرانجامی شوم برای کافران

و بئس المصیر

<مصیر>، جایگاهی است که حرکت بدان جا منتهی می شود.

شیاطین اطراف جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۸ - ۷،۸،۹

۷- خداوند ، شیاطین و منکران معاد را در قیامت ، خوار و ذلیل ، بر زانونشسته و به صورت نیم خیز در اطراف جهنم احضار خواهد کرد .

ثمّ لنحضرنّهم حول جهنّم جثيًّا

<جثیا> (جمع <جاثی>) حال است و <جاثی> به کسی گفته می شود که برای مخاصمه و محاکمه بر زانو نشسته است (لسان العرب). احضار منکران معاد و شیاطین، در حالی که بر زانوان خود راه می روند و یا بر زانو گرداگرد جهنم نشسته اند، برای اهانت و تحقیر آنان است. برخی <جثیّ> را جمع <جثوه> دانسته

اند که به معنای انبوه خاک و سنگ است. بر حسب این معنا مراد احضار هر فرقه و گروه به صورت متراکم است.

۸- کافران و شیاطین ، در اطراف جهنم و در گروه هایی فشرده و متراکم ، احضار خواهند شد .

ثمّ لنحضرنّهم حول جهنّم جثيًّا

<جثىّ> ممکن است از <جثوه> به معنای سنگ و خاک متراکم و مجتمع باشد.

۹- گردآوردن خفّت بار کافران و شیاطین در اطراف جهنم ، مرحله ای پس از حشر است .

لنحشرنّهم . .. ثمّ لنحضرنّهم حول جهنّم جثيًّا

شیاطین در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۵ - ۱،۳

۱ - جهنم ، مملو از شیطان ها و پیروان آنان خواهد شد .

لأملأنّ جهنّم منک و ممّن تبعک منهم أجمعین

بیشتر مفسران گفته اند: مقصود از <منک> <من جنسک> است; زیرا منطقی نیست که جهنم با آن عظمت، تنها با داخل شدن یک فرد (ابلیس) پر شود. پس مقصود، پر شدن دوزخ از مجموعه شیاطین (ابلیس و فرزندانش) و انسان ها خواهد بود.

۳ - پر شدن جهنم از شیطان ها و پیروان آنان ، سوگند مؤکد خداوند

لأملأنّ جهنّم منک و ممّن تبعک منهم أجمعین

شیطان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۷ - ۱

۱ - شیطان و پیروان کافر او ، دارای فرجامی همگون و هر دو مخلد در آتش

فکان عقبتهما أنّهما فی النار خلدَین فیها

صبر در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۶ - ۲،۳

۲ - قرار و بی قراری تکذیب گران

در آتش دوزخ ، بی تأثیر در تغییر کیفر آنان

فاصبروا أو لاتصبروا سواء علیکم

۳ - صبر در طریق تقوا و آزمون های زندگی دنیوی ، دارای اثر است و نه صبر در آتش دوزخ . *

فاصبروا أو لاتصبروا سواء علیکم

احتمال دارد که یادآوری صبر در چنین آیه ای، اشاره داشته باشد به این که به جای صبر بر آتش دوزخ که تأثیری ندارد شایسته است که آدمیان، صبر را در همین دنیا و در طریق تقوا، به کار گیرند که منشأ آثار فراوان است.

صدای آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۲ - ۱،۲

۱- بهشتیان ، در جایگاهی به دور از شنیدن صدای آهسته برخاسته از آتش دوزخ خواهند بود .

لایسمعون حسیسها

<حسیس> به معنای صدای آهسته است و مقصود از آن در آیه شریفه، صدایی است که از حرکت آتش دوزخ برمی خیزد.

۲- آتش دوزخ ، دارای صدای وحشتناک است .

لایسمعون حسیسها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۲ - ۱،۲،۶

۱ تکذیب کنندگان قیامت ، آوای خشمگین و جوش و خروش آتش جهنم را از دور در قیامت خواهند شنید .

إذا رأتهم من مکان بعید سمعوا لها تغیّظًا و زفیرًا

<تغیظ>، به معنای شدت غضب و خشم و <زفیر> به معنای گرفتن سینه از شدت غم و به جوش و خروش افتادن است (برگرفته از لسان العرب و مفردات راغب).

۲ آتش جهنم به هنگام دیدن تکذیب کنندگان قیامت از راه دور ، به جوش و خروش آمده و فریاد خشمگینانه سرخواهد داد .

إذا رأتهم

من مکان بعید سمعوا لها تغیّظًا و زفیرًا

۶ < فی مجمع البیان < إذا رأتهم من مکان بعید > . . . قال أبوعبداللّه (ع) من مسیره سنه ;

در مجمع البیان [پس از ذکر آیه] <إذا رأتهم من مکان بعید> آمده است که امام صادق(ع) فرمود: مکان بعید یعنی، از فاصله یک سال راه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۷ - ۱،۲

۱ - کافران ، از هنگام افکنده شدنشان در دوزخ ، با ناخوشایندترین صدا ها روبه رو خواهد شد .

إذا أُلقوا فیها سمعوا لها شهیقًا

<شهیق>، به معنای زشت ترین و ناخوشایندترین صداها است(لسان العرب).

۲ - آتش دوزخ ، دارای ناخوشایندترین صدا های مخصوص به خود

لها شهیقًا

مطلب یاد شده، از <لام> اختصاص در <لها> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۸ - ۱

۱ - حرارت آتش دوزخ و صدای ناخوشایند برخاسته از آن ، در نهایت شدّت و حدّت است .

تکاد تمیّز من الغیظ

تعبیر<تکاد تمیّز من الغیظ> (چیزی نمانده است که از شدّت غیظ پاره پاره شود) درباره دوزخ، تعبیری است تمثیلی و کنایی و بیانگر شدّت و حدّت آتش دوزخ و صدای آن است.

صفات آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۲ - ۲

۲- آتش دوزخ ، دارای صدای وحشتناک است .

لایسمعون حسیسها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۷ – ۲،۴

۲ – آتش دوزخ ، دارای ناخوشایندترین صدا های مخصوص به خود

لها

شهيقًا

مطلب ياد شده، از <لام> اختصاص در <لها> استفاده شده است.

۴ - آتش دوزخ ، داراى فوران و جوشش

و هى تفور

صفات جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۶ - ۱۳

۱۳ جهنّم ، بَد جايگاهى است .

فحسبه جهنّم و لبئس المهاد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۴۱ - ۳

۳ دوزخ، محيطى بسته و خفقان زا براى مجرمان

لهم من جهنم مهاد و من فوقهم غواش

جمع آوردن كلمه <غواش> و مقيد كردن آن به <من فوقهم> حكايت از برداشت فوق دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۷ - ۲

۲ جهنم ، داراى منظره اى بس هول انگيز

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحب النار قالوا ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۱۷ - ۴

۴- جهنّم ، جسمانی است و جهات مختلف دارد .

و یأتیه الموت من کلّ مکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۹ - ۴

۴- دوزخ ، چاهی است عمیق .

جهنّم یصلونها

<جهنّم> معرب <جهنام> و به معنای چاهی عمیق است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸ - ۱۰

۱۰- جهنّم ، زندانی برای کافران است و هیچ راه گریزی از آن وجود ندارد .

و جعلنا جهنّم للکفرین حصیرًا

<الحصر> در اصل به معنای تنگ گرفتن و حبس کردن آمده و در این آیه کنایه از زندانی کردن است.

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۷ – ۲۳

۲۳ – دوزخ ، دارای آتشی شعلهور و فروزان

عذاب الجحیم

<جحیم> اسم مکان از <جحمه> (شعله و افروزندگی شدید آتش) و به معنای محل آتش شعلهور و افروخته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۷ – ۲۴

۲۴ – جهنم ، دارای آتشی ملتهب و پر شراره

و فریق فی السعیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۴۷ – ۴،۵

۴– منطقه مرکزی دوزخ ، دارای حرارتی فزون تر و شکنجه ای شدیدتر

فاعتلوه إلی سواء الجحیم

امر به کشیدن گنه کاران به <سواء الجحیم>، در صورتی دارای تأثیر است که کناره های دوزخ، با نقطه مرکزی آن از نظر شدّت حرارت و عذاب متفاوت باشد.

۵– مکان های مختلف دوزخ ، دارای شرایط متفاوت از نظر شدّت و ضعف و حرارت و سختی

فاعتلوه إلی سواء الجحیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۰ – ۶

۶ – طبع دوزخ ، همچون طبع دنیاطلبان ، فزون طلب و زیاده خواه *

یوم نقول . .. و تقول هل من مزید

بـا توجه به این که دوزخ و بهشت، مقـام ظهور و تجلّی حقایقی است که آدمی در عالم <ناسوت> تـدارک دیـده است، آیه می تواند کنایه از فزون طلبی دنیاداران دوزخی باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۵ – ۱۶

۱۶ – دوزخ ، جایگاهی به غایت گرم و دارای آتشی به شدت برافروخته و شعلهور است .

عذاب

السعیر

<سعیر>، به معنای گرم و نیز آتش افروخته و ملتهب است. دخول <ال> کمالیه بر <سعیر>، بیانگر گرمای بی اندازه دوزخ و التهاب و برافروختگی شدید آتش آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۱۰ - ۹

۹ - دوزخ ، جایگاهی به غایت گرم و دارای آتشی به شدت برافروخته و شعلهور است .

أصحب السعیر

<سعیر>، به معنای گرم و نیز آتش افروخته و ملتهب است. دخول <ال> کمالیه بر <سعیر>، بیانگر گرمای بی اندازه دوزخ و التهاب و برافروختگی شدید آتش آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۱۱ - ۵

۵ - دوزخ ، جایگاهی به غایت گرم و دارای آتشی برافروخته و شعلهور است .

لأصحب السعیر

<سعیر>، به معنای گرم و نیز آتش افروخته و ملتهب است. دخول <ال> کمالیه بر <سعیر>، بیانگر گرمای بی اندازه دوزخ و التهاب و برافروختگی شدید آتش آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۵

۵ - < حریق > از اوصاف جهنم *

و لهم عذاب الحریق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۱۰ - ۲

۲ – عظمت جهنم و توصیف اعماق هولناک آن ، فراتر از حد تصوّر و بیان است .

و ما أدریک ماهیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – قارعه – ۱۰۱ – ۱۱ – ۱

۱ – جهنم ، یک پارچه آتش و دارای حرارتی بس شدید است .

نار حامیه

<هاویه>، اسم مکان است و آتش خواندن

آن، مبالغه در بیان گستردگی آتش است; به گونه ای که گویا آن مکان چیزی جز آتش نیست. <حَمِیَتِ النار>; یعنی، حرارت آن شدت یافت (قاموس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۶ - ۳

۳ - دوزخ ، مکانی سوزان و دارای آتشی شعلهور و متراکم

لترونّ الجحیم

<جحیم>، به معنای آتشی است که سخت شعلهور بوده و زبانه کشد. هم چنین بر هر آتش متراکم و یا افروخته در گودال های عمیق و هر مکان پرحرارت اطلاق می گردد. (قاموس)

صفات دود آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۱ - ۱

۱ - دود سایه مانند دوزخ ، فاقد سایبان حقیقی (خنک کنندگی) است و مانع از شعله های سوزان آتش نیست .

لاظلیل و لایغنی من اللّهب

<لاظلیل> صفت برای <ظلّ> در آیه پیش است و <ظلّ ظلیل> به معنای سایه دائم و مستمر است (صحاح اللغه). بر این اساس <ظلّ... لاظلیل> کنایه از نبودن سایه قابل استفاده و <لهب> به معنای شعله خالص و بدون دود است.

طغیانگران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۶ - ۲،۴

۲ - طغیان گران ، از دوزخیان هستند .

إنّ للطغین . .. جهنّم یصلونها

<یصلون> به معنای <یدخلون> (داخل می شوند) است.

۴ – آتش دوزخ ، بستر و آرامگاه طغیان گران

إنّ للطغین . .. جهنّم یصلونها فبئس المهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۵۷ – ۱

۱ – آب داغ و خونابه چرکین ،

نوشابه و غذای طاغیان در دوزخ

إنّ للطغین . .. هذا فلیذوقوه حمیم و غسّاق

<حمیم> به معنای آب داغ و جوشان است و <غسّاق> در نظر برخی از اهل لغت، به معنای چرک و خون اهل دوزخ است (لسان العرب). در نگاه برخی دیگر مقصود از آن مایعی است که از پوست اهل دوزخ خارج می شود (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۰ - ۴،۷

۴ - بحث و جدل طاغیان با پیروانشان در جهنم ، درباره چرایی و سبب دوزخی شدن آنان

لامرحبًا بهم . .. قالوا بل أنتم لامرحبًا بکم أنتم قدّمتموه لنا فبئس القرار

۷ - دوزخ ، قرارگاه طغیان گران

للطغین لشرّ مئاب . .. فبئس القرار

<قرار> اسم مکان به معنای قرارگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۱ - ۳

۳ - طغیان گران ، مورد نفرین پیروانشان در دوزخ

قالوا ربّنا من قدّم لنا هذا فزده عذابًا ضعفًا فی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۲ - ۶

۶ - پی بردن طغیان گران در دوزخ ، به نادرستی پندار خود نسبت به مؤمنان در دنیا

و قالوا ما لنا لانری رجالاً کنّا نعدّهم من الأشرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۲۲ – ۲،۳

۲ – گريز از جهنم ، براى طغيان گران امكان پذير نيست .

إنّ جهنّم كانت مرصادًا . للطّغين

<للطاغين> ممكن است به <مآب> تعلق داشته باشد و نيز مى تواند متعلق به <مرصاداً> باشد. در صورت دوم مفاد

آیه شریفه چنین می شود: جهنم برای طغیان گران مثل کمین است که رهایی از آن ممکن نیست. در این صورت <مآباً> نیز متعلقی نظیر <للطاغین> داشته که به دلیل وجود قرینه، ذکر آن ضرورت نداشت.

۳ - پرهیزکنندگان از طغیان ، گرچه بر جهنم و کمین کنندگان در آن عبور خواهند کرد ; ولی گرفتار آن نخواهند شد . *

إنّ جهنّم كانت مرصادًا . للطّغين مابًا

چنانچه <للطاغین> متعلق به <مآباً> باشد، <مرصاداً> مطلق خواهد بود; در این صورت مفاد دو آیه این است که جهنم برای همگان <مرصاد> است; ولی <مآب> و بازگشتگاه همه نبوده و تنها طغیان گران گرفتار آن خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۴ - ۱،۲،۳

۱ - طغیان گران در دوزخ ، از هر گونه احساس خنکی و تخفیف حرارت سوزان جهنم ، محروم خواهند بود .

لايذوقون فيها بردًا

<ذوق>; یعنی، درک مزه (مصباح)، این واژه در رابطه با اجسام به طور حقیقت و در مورد معنویات، به طور مجاز استعمال می شود. در آیه شریفه بین معنای حقیقی و مجازی آن جمع شده است; زیرا تعبیر چشیدن برای احساس سردی مجاز است. مراد از <بَرْد> به قرینه تقابل آن با نوشیدنی هر گونه احساس سردی است; هر چند با سایه و امثال آن باشد.

۲ - دوزخیان طغیان گر ، از تسکین عطش خود و حتی از چشیدن طعم آب ، محروم خواهند بود .

لايذوقون فيها . .. و لا شرابًا

۳ - محرومیت طغیان گران از مایعات و کاهش و حرارت در جهنم ، سالیانی فراوان ادامه خواهد یافت .

لبثين

فیها أحقابًا . لایذوقون فیها بردًا و لا شرابًا

چنانچه جمله <لایذوقون. ..> حال برای ضمیر <لابثین> باشد، می توان به دست آورد که درنگ دوزخیان، همراه با حالت محرومیت از سرما و آب، دائمی نیست; زیرا ممکن است کلمه <أحقاباً> در آیه قبل، به سال های محرومیت آنان نظر داشته باشد; گرچه پس از گذشت آن دوران، بقای آنان در دوزخ به شکل دیگری ادامه خواهد یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۵ - ۲

۲ - طغیان گران در دوزخ ، گرفتار عطش شدید و طاقت فرسا خواهند بود .

إلّا حمیمًا و غسّاقًا

<إلّا> برای استثنای <حمیم> و <غساق> از <شراباً> است; بنابراین دوزخیان این دو مایع را خواهند آشامید. تن دادن به این نوشیدنی ها، نشانه شدّت تشنگی آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند با فرمانی تحقیرآمیز ، طغیان گران را به تحمل عذاب جهنم ملزم می سازد .

للطّغین . .. فذوقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۹ - ۱

۱ - طغیان گران دنیاطلب ، در قیامت ، جز آتش سوزان دوزخ ، جایگاهی نخواهند داشت .

فأمّا من طغی . .. فإنّ الجحیم هی المأوی

<مأوی>; یعنی، منزل و مکان (لسان العرب). جمله <فإنّ الجحیم هی المأوی> به دلیل وجود <ال> جنس در خبر، مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۱۲ – ۴

۴ – طغیان گران و گناه کاران ، در قیامت

به جهنم و عذاب الهی گرفتار خواهند شد .

ویل یومئذ للمکذّبین . .. و ما یکذّب به إلّاکلّ معتد أثیم

ظالمان در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۲ – ۳،۷

۳ خداوند ، گرفتارکننده ستمکاران به آتش دوزخ و خوارکننده آنان

انّک من تدخل النّار فقد اخزیته و ما للظّالمین من انصار

۷ گرفتاران به آتش دوزخ ، دارای پیشینه ستمکاری در دنیا

ربّنا انّک من تدخل النّار فقد اخزیته و ما للظّالمین من انصار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۰ – ۸

۸ وارد نمودن تجاوزکاران و ستمگران به دوزخ و بریان کردن آنان ، کاری آسان برای خداوند

و من یفعل ذلک عدواناً و ظلماً . .. و کان ذلک علی اللّه یسیراً

<صلی> از مصدر <صَلْی>، و به معنای بریان کردن است. (القاموس المحیط).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۲ – ۲۲

۲۲ ستمکاران هیچ یاوری برای نجات از آتش دوزخ ندارند .

و ما للظلمین من انصار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱۳ – ۳

۳ ستم پیشگان ، به آتش دوزخ درخواهند افتاد .

فتمسکم النار

جمله <فتمسکم النار> بیان می کند که اتکای بر ستمگران، درپی دارنده آتش است. این معنا می رساند که خود ستمگران نیز به آتش درخواهند افتاد. تعبیر <فتمسکم> می تواند اشاره به این نکته باشد که: ستمگران آتش هستند و با اعتماد و تکیه به آنان، آتش با شما تماس پیدا خواهد کرد.

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۱۶ – ۱،۲

۱– جبّاران منحرف ، علاوه بر هلاکت دنیوی ، در آخرت نیز گرفتار جهنّم می شوند .

و خاب کلّ جبّار عنید . من ورائه جهنّم

۲– به جبّاران منحرف ، در جهنّم ، آبی چرکین و متعفن نوشانده می شود .

من ورائه جهنّم و یسقی من ماء صدید

<صدید> به معنای چرکی است که بین گوشت و پوست به وجود می آید. این واژه در نوشیدنیهای جهنّمیان استعمال می گردد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۱۷ – ۱،۲،۵،۷

۱– جبّاران منحرف ، آب چرکین جهنّم را جرعه جرعه با کراهت تمام خواهند نوشید .

یسقی من ماء صدید. یتجرّعه و لایکاد یسیغه

<إساغه> به معنای ریختن شراب در حلق است. بنابراین مراد از <لایکاد یسیغه> این است که آنان نمی خواهند به چنین نوشیدنی نزدیک شوند.

۲– تشنگی شدید جبّاران منحرف در جهنّم به حدی است که علی رغم کراهت و بی میلی شدید ، از آب چرکین خواهند نوشید .

یسقی من ماء صدید . یتجرّعه و لایکاد یسیغه

۵– کافران جبّار گرفتار در جهنّم ، با وجود ابتلا به انواع عذاب های مرگبار ، هیچ گاه نمی میرند و از عذاب رهایی نمی یابند .

یأتیه الموت من کلّ مکان و ما هو بمیت

۷– برای کافران جبّار ، در جهنّم ، فراتر از نوشیدن اجباری آب چرکین و عذاب های مختلف مرگبار ، عذابی خشن و غیرقابل تصور نیز وجود دارد .

و من ورائه عذاب غليظ

مرجع ضمیر <ورائه> احتمال دارد <عذاب> باشد که از عبارت قبلی به دست

می آید. در این صورت، با توجه به مفهوم بودن و سخت بودن عذابهای یاد شده، <عذاب غلیظ> باید عذابی بسیار سخت و غیر قابل تصور باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۹ – ۱۰

۱۰– دوزخ ، از هم اکنون برای ظالمان آماده و مهیا است . *

إنّا أعتدنا للظلمین نارًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۷۲ – ۴

۴– ستم کاران در حضیض ذلت و زبونی ، گرفتار دوزخ خواهند شد .

و نذر الظلمین فیها جثیًّا

کاربرد فعل <نذر> در مواردی است که چیزی را به جهت بی اهمیتی و فرومایگی آن رها کنند. این مفهوم و نیز حالت نیم خیزبودن ظالمان، جملگی حکایت از ذلت، زبونی و سرگردانی آنان در دوزخ دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۲۹ – ۷

۷– جهنم ، کیفر تمامی ستمگران است .

نجزیه جهنّم کذلک نجزی الظلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۴۲ – ۴

۴ – عذاب شدن ظالمان با آتش در روز قیامت ، به فرمان خداوند

نقول . .. ذوقوا عذاب النار الّتی کنتم بها تکذبون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۶۶ – ۱،۲،۳،۴

۱ – درخت زقّوم ، غذا و خوراک دوزخیان ستمگر است .

شجره الزقّوم . .. للظلمین ... فإنّهم لأکلون منها

۲ – دوزخیان ستمگر ، شکم های خود را از درخت زقّوم پرخواهند کرد .

فمالئون منها البطون

۳ – دوزخیان ستمگر ، در حال

گرسنگی شدید به سر خواهند برد .

فمالئون منها البطون

پر کردن شکم از خوراکی های بسیار ناگوار، نشانه شدت گرسنگی است.

۴ - خورد و خوراک دوزخیان ستمگر ، خود وسیله عذاب آنان است .

فإنّهم لأكلون منها فمالئون منها البطون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۷ - ۱،۲

۱ - آمیزه ای از آب داغ ، نوشیدنی دوزخیان ستمگر پس از خوردن غذای زقّوم

ثمّ إنّ لهم علیها لشوبًا من حمیم

<شوب> مصدر سماعی از فعل <شابه> (آن را مخلوط کرد) است که گاهی بر اسم مفعول (مشوب) اطلاق می شود (مثل <خلق> و <مخلوق>). در آیه شریفه نیز به همین معنا آمده است. <حمیم> به معنای آب پرحرارت است.

۲ - دوزخیان ستمگر ، بر اثر خوردن غذای < زقّوم > به تشنگی شدید دچار خواهند گشت .

شجره الزقّوم . .. فمالئون منها البطون . ثمّ إنّ لهم علیها لشوبًا من حمیم

برداشت یاد شده از تعبیر <علیها> (به معنای <بعدها>)، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - جهنم ، جایگاه همیشگی ستمکارترین انسان ها است .

فمن أظلم ممّن كذب علی اللّه . .. ألیس فی جهنّم مثوًی للكفرین

<ال> در <الكافرین> برای جنس و مفید استغراق است كه شامل همه افراد كافران می شود; ولی می توان گفت مصداق بارز و اصلی كفرپیشگان، همان افرادی است كه در صدر آیه از آنان به ستمكارترین انسان ها یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۲ - ۸

۸ - ستمگران

، دارای سرایی بد (دوزخ) در قیامت

و لهم سوء الدار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱۲

۱۲ - دوزخ ، سرنوشت نهایی ستم پیشگان

فریق فی السعیر . .. و الظلمون ما لهم من ولیّ و لانصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۶،۷،۲۰

۶ - ستمکاران در قیامت ، تاب مشاهده مستقیم آتش دوزخ را ندارند .

ینظرون من طرف خفیّ

۷ - نگاه ترس آلود و مضطرب ستمکاران به جهنم ، در کناره آتش دوزخ

ینظرون من طرف خفیّ

نگاه زیر چشمی به جهنم ، کنایه از ترس و وحشت است .

۲۰ - ستم پیشگان ، در عذاب جاودان جهنم ، خواهند ماند .

ألا إنّ الظلمین فی عذاب مقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۶ - ۲

۲ - جاودانگی ظالمان و گمراهان ، در دوزخ ، نتیجه محرومیت آنان از ولایت خدا و تکیه بر ولایت غیر او است .

إنّ الظلمین فی عذاب مقیم . و ما کان لهم من أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۱۷ – ۵

۵ – خلود در آتش ، جزای ستمکاران و ظالمان

أنّهما فی النار خلدَین فیها و ذلک جزؤا الظلمین

عبور از جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۲۲ – ۳

۳ – پرهیزکنندگان از طغیان ، گرچه بر جهنم و کمین کنندگان در آن عبور خواهند کرد ؛ ولی گرفتار آن نخواهند شد .

*

إنّ جهنّم كانت مرصادًا . للطّغين مابًا

چنانچه <للطاغين> متعلق به <مآباً> باشد، <مرصاداً> مطلق خواهد بود; در این صورت مفاد دو آیه این است که جهنم برای همگان <مرصاد> است; ولی <مآب> و بازگشتگاه همه نبوده و تنها طغیان گران گرفتار آن خواهند شد.

عبور متقین از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۲ - ۹

۹- دوزخ ، گذرگاهی برای تقواپیشگان و اقامت گاهی برای ستم کاران است .

ثمّ ننجّی الذین اتقوا و نذر الظلمین فیها

عذاب با آب داغ جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۶ - ۳

۳ - عذاب دوزخ ، خوردنی و آشامیدنی آن (میوه زقّوم و آب داغ) جزای دوزخیان (اصحاب شمال)

هذا نزلهم یوم الدین

عذاب با آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۴

۴ - ستیزه جویی و تکذیب لجوجانه کتاب های آسمانی و فرستادگان الهی ، موجب انواع گوناگون عذاب (در غل و زنجیر شدن ، سوخته شدن به آب داغ و آتش دوزخ)

الذین یجدلون . .. الذین کذّبوا بالکتب ... إذ الأغلل فی أعنقهم ... ثمّ فی الن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۱ - ۱

۱ - کافران صاحب زر و زور در قیامت ، به وسیله آتش پرحرارت و شعلهور سوازنده خواهند شد .

ثمّ الجحیم صلّوه

<جحیم> (از ماده <جحمه>) به معنای آتش شعلهور و پرحرارت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۲۰ – اعلی – ۸۷ – ۱۳ – ۵

۵ – آتش دوزخ ، عذابی جاودانه است و اهل شقاوت در آن مخلّداند .

ثمّ لایموت فیها و لایحیی

مراد از <لایحیی>، نفی حیات مطلوب است که نجات از آتش، مصداق بارز آن می باشد. در این صورت قید <فیها>، اختصاص به <لایموت> خواهد داشت. بنابراین دوزخیان، نه در آتش می میرند و نه از آن بیرون می آیند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – همزه – ۱۰۴ – ۷ – ۵

۵ – باطن و روح انسان نیز در قیامت ، از آتش جهنم در عذاب خواهد بود .

الّتی تطّلع علی الأفئده

ممکن است در دنیا بدن کسی بسوزد; ولی روح او رنج نبیند و از شکنجه در راه عقیده شادمان باشد; اما این آیه، آتش جهنم را برای جان انسان که قلب کنایه از آن است نیز سوزاننده معرفی کرده است.

عذاب جسمی در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مسد – ۱۱۱ – ۵ – ۴

۴ – جهنم ، دارای عذاب جسمی و شکنجه روحی

سیصلی نارًا . .. و امرأته ... فی جیدها حبل من مسد

آتش، عذاب جسمی و تحقیر با بستن ریسمان به گردن، عذاب روحی است.

عذاب جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۰۶ – ۱۲،۱۱،۱۰

۱۰ نفاق ، فساد در زمین و نصیحت ناپذیری در برابر دعوت به تقوا ، گناه و موجب عذاب جهنّم

و من الناس من یعجبک . .. فحسبه جهنّم

۱۱ هیچ کیفری جز عذاب جهنّم ، نمی تواند حاکمان

مفسد ، سرسخت ، متکبّر و مغرور را رام کند .

و اذا تولی سعی . .. فحسبه جهنم

۱۲ جهنّم ، کیفر حاکمان مفسد ، سرسخت و حق ناپذیر

و اذا تولی سعی . .. فحسبه جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۸،۹

۸ عذاب دوزخیان ، هرگز ستمی از سوی خداوند بر آنها نیست .

ذوقوا عذاب الحریق . .. و انّ اللّه لیس بظلّام للعبید

بنابر اینکه <انّ اللّه . .. >، خبر برای مبتدایی محذوف باشد (الأمر و الشّأن انّ اللّه لیس ...)، بر این مبنا، مراد از ستم نکردن خداوند به قرینه <ذلک بما قدّمت ایدیکم> این است که خداوند در کیفر دادن ستم نمی کند.

۹ عذاب دوزخیان ، هرگز فزونتر از اقتضای عملکرد آنان نخواهد بود .

ذوقوا عذاب الحریق. ذلک بما قدّمت ایدیکم و انّ اللّه لیس بظلّام للعبید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۳۴

۳۴ دعا برای نجات یافتن از عذاب دوزخ ، وسیله ای برای رهایی یافتن از آن

فقنا عذاب النّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۲ - ۹

۹ هیچکس دوزخیان را از عذاب الهی نجات نخواهد داد .

ربّنا انّک من تدخل النّار فقد اخزیته و ما للظّالمین من انصار

مراد از <انصار> به قرینه <من تدخل النّار>، یاری در جهت رهاسازی از عذاب دوزخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۰ - ۱،۶

۱

قتل و آدمکشی از سر ظلم و تجاوز ، موجب گرفتاری به عذاب دوزخ

و لا تقتلوا انفسکم . .. و من یفعل ذلک عدواناً و ظلماً فسوف نُصلیه ناراً

در برداشت فوق <ذلک> اشاره به <قتل نفس> گرفته شده است.

۶ خودکشی ، تجاوز و ستمگری است و موجب گرفتاری به عذاب دوزخ . *

و لا تقتلوا انفسکم . .. و من یفعل ذلک ... فسوف نُصلیه ناراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۱ - ۴

۴ گناهی که وعده عذاب دوزخ در پی داشته باشد ، کبیره است . *

سوف نصلیه ناراً . .. ان تجتنبوا کبائر

مؤیّد برداشت فوق فرمایش امام صادق (ع) است که درباره آیه فوق فرمود: الکبائر، التی اوجب اللّه عزّ و جل علیها النار.

کافی، ج ۲، ص ۲۷۶، ح ۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۳، ح ۲۰۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۶ - ۴،۵،۹

۴ رویش پوست جدید بر بدن ، پس از بریان شدن و سوختن آن در آتش جهنّم

کلّما نضجت جلودهم بدّلنا هم جلوداً غیرها

۵ پوست ، واسطه عذاب آدمی در جهنّم

کلّما نضجت جلودهم بدّلناهم جلوداً غیرها لیذقوا العذاب

با توجه به اینکه <لیذوقوا> متعلق به <بدلناهم> است، برداشت فوق استفاده شده است.

۹ رویش مجدد پوست ، وسیله تداوم چشاندن عذاب به دوزخیان

كلّما نضجت جلودهم بدّلناهم جلوداً غيرها ليذقوا العذاب

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۳ – نساء – ۴ – ۹۸ – ۱

۱ مستضعفانی که توان هجرت و راهی برای خلاصی از

استضعاف ندارند ، گرفتار عذاب جهنّم نخواهند شد .

فاولئک مأويهم جهنّم . .. الا المستضعفين ... لا يستطيعون حيله و لا يهتدون سبيلا

در برداشت فوق <الّا المستعضفين>، استثناى متصل و <فاولئک> مستثنى منه گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۵ - ۱،۱۶،۲۰

۱ دشمنى و مخالفت با رسول خدا (ص) ، موجب عذاب جهنم

و من يشاقق الرسول . .. نوله ما تولى و نصله جهنم و ساءت مصيراً

<يشاقق> از ماده <شقق>، به معناى مخالفت كردن و دشمنى نمودن است. (مجمع البيان).

۱۶ تفرقه افكنى در صفوف جامعه ايمانى ، موجب عذاب جهنم

و من . .. يتبع غير سبيل المؤمنين نوله ما تولى و نصله جهنم

۲۰ مخالفت با رهبرى كسى كه با انتخاب مشروع برگزيده شده باشد ، موجب عذاب جهنم است .

و من يشاقق الرسول . .. و يتبع غير سبيل المؤمنين نوله ما تولى

اميرالمومنين(ع) فرمود: . .. فان اجتمعوا على رجل و سموه اماماً كان ذلک لله رضى فان خرج عن امرهم خارج بطعن او بدعه ردوه الى ما خرج منه فان ابى قاتلوه على اتباعه غير سبيل المؤمنين و ولاه اللّه ما تولى ...

نهج البلاغه، نامه ۶; نورالثقلين، ج ۱، ص ۵۵۱، ح ۵۶۶.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۶ - ۸

۸ مشركان و گناهكارانى كه آمرزيده نشوند ، به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد .

نصله جهنم . .. إنّ اللّه لا يغفر ان يشرك به

بنابر اینکه جمله <ان اللّه . ..> بیانگر علت <نصله جهنم>باشد، معلوم می شود

که نجات از جهنم یا سقوط در آن، در گرو آمرزش و عدم آمرزش گناهان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۵ – ۳

۳ جهنم ، دارای طبقات ، و عذابش ، دارای شدت و ضعف است .

إنّ المنفقین فی الدرک الاسفل من النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۲ – ۳۰،۳۱

۳۰ شدیدترین عذاب جهنم ، کیفر قتل به ناحق انسان

انه من قتل نفساً بغیر نفس . .. فکانما قتل الناس جمیعاً

امام باقر(ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: یوضع فی موضع من جهنم الیه ینتهی شده عذاب اهلها . .. .

کافی، ج ۷، ص ۲۷۱، ح ۱; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۹، ح ۱۵۰.

۳۱ جایگاه قاتل یک انسان در جهنم ، همان جایگاه قاتل همه انسانهاست ، اگر چه عذابشان متفاوت است .

من قتل نفساً بغیر نفس او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جمیعاً

امام باقر(ع) در پاسخ سؤال از معنای آیه فوق فرمود: یوضع فی موضع من جهنم . .. لو قتل الناس جمیعا انما کان یدخل ذلک المکان قلت: فانه قتل آخر؟ قال: یضاعف علیه.

کافی، ج ۷، ص ۲۷۱، ح ۱; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۹، ح ۱۵۰.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۶ – ۲

۲ کفرپیشگان ، راهی برای نجات از عذاب دوزخ ندارند .

إنّ الذین کفروا . .. و لهم عذاب الیم

جمله <لو ان . ..> کنایه از نبود راه نجات از عذاب دوزخ است.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۷ - ۳

۳ عذاب دوزخ ، همواره دردناک و ناخوشایند برای دوزخیان

یریدون ان یخرجوا من النار و ما هم بخرجین منها

تصمیم مستمر برای خروج، که از فعل مضارع <یریدون ان یخرجوا> به دست می آید، نشانه رنج دیدن دایمی دوزخیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۶

۶ سران شرک و کفر با دعوت پیروانشان به چشیدن از عذاب مضاعف دوزخ، آنان را سرزنش و ملامت می کنند.

ربنا هؤلاء أضلونا . .. فذوقوا العذاب بما کنتم تکسبون

<ال> در کلمه <العذاب> عهد ذکری است و اشاره به همان عذاب مضاعف دارد که از <لکل ضعف> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۵ - ۷

۷ شکنجه دوزخیان با طلا و نقره گداخته ، از عذاب های دردناک جهنم است .

و الذین یکنزون الذهب . .. فبشرهم بعذاب ألیم. یوم یحمی علیها فی نار جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۶ - ۳

۳ - وجود عذاب روحی علاوه بر شکنجه جسمی برای دوزخیان

و هم فیها یختصمون

فعل مضارع (یختصمون) دلالت بر استمرار منازعه دوزخیان دارد که می تواند نوعی عذاب روحی برای آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۵ - ۱،۴،۵،۶

۱ - عذاب جهنم ، چنان بر کافران احاطه خواهد داشت که از بالا و پایین پا ، آنهارا فرا خواهد گرفت .

یوم یغشیهم العذاب

من فوقهم و من تحت أرجلهم

۴ - عذاب فراگیر دوزخ ، سزای اعمال ناروای خود کافران است .

ذوقوا ما کنتم تعملون

برداشت بالا، بنابر تقدیر <جزا> به عنوان معنای <ما>ی موصول است.

۵ - عذاب جهنم ، تجسم کردار های خود بدکاران است .

ذوقوا ما کنتم تعملون

۶ - تداوم بر اَعمال ناروا ، در پی دارنده عذاب فراگیر جهنم است .

ذوقوا ما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۳

۳ - وجود عذابِ سوزانی شدیدتر از عذاب جهنم در قیامت

فلهم عذاب جهنّم و لهم عذاب الحریق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۶ - ۱

۱ - مشاهده دوزخ در قیامت و گرفتاری به عذاب آن ، تهدیدی الهی و هشداری تردیدناپذیر برای دلبستگان به امتیازات دروغین

لترونّ الجحیم

چنانچه <لترونّ الجحیم> جمله مستقلی باشد; بیانگر قطعی بودن رؤیت جهنم برای مخاطبان <ألهیکم التکاثر> خواهد بود سیاق آیه که بر تهدید اهل تکاثر دلالت دارد، نشانگر آن است که مراد از دیدن جهنم، گرفتاری به آن است; بنابر این حرف <ثمّ> در آیه آخر (ثمّ لتسئلنّ . ..)، بر تراخی رتبی دلالت دارد; زیرا حسابرسی، پیش از گرفتاری به عذاب جهنّم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۶ - ۲

۲ تقوا پیشگان ، همواره خواستار بخشایش گناهان خویش از خدا و مصونیّت از عذاب دوزخند .

للّذین اتقوا . .. فاغفرلنا ذنوبنا و قنا عذاب النار

<الذین یقولون>، بیان ویژگیهای <الذین اتقوا> است.

عذاب روحی در جهنم

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۵ - ۴

۴ - جهنم ، دارای عذاب جسمی و شکنجه روحی

سیصلی نارًا . .. و امرأته ... فی جیدها حبل من مسد

آتش، عذاب جسمی و تحقیر با بستن ریسمان به گردن، عذاب روحی است.

عذابهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲ - ۶

۶- عذاب جهنّم ، دارای مراتب و شدت و ضعف است .

عذاب شدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۹ - ۸

۸- کفر ، عامل گرفتار شدن به عذاب ابدی جهنّم

الکفرین . .. فادخلوا أبوب جهنّم خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۱۳

۱۳- مشرکان در حهنّم ، به عذاب جسمی و روحی مبتلا خواهند بود .

فتلقی فی جهنّم ملومًا مدحورًا

<القا در حهنّم> دلالت بر جسمانی بودن عذاب می کند و <ملوماً> و <مدحوراً> که به معنای طرد و سرزنش است دلالت بر عذاب روحی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۹ - ۸،۹

۸ جامه های آتشین در دوزخ ، جامه هایی است بسیار آزار دهنده و سخت سوزاننده .

قطّعت لهم ثیاب من نار

تنکیر <نار> علاوه بر این که بیانگر نوعی خاص از آتش است نشاندهنده شدت سوزانندگی و آسیب رسانی آن نیز می تواند باشد.

۹ فروریخته شدن آب داغ و جوشان بر فرق سر اهل شرک یکی دیگر از عذاب های آنان در دوزخ

یصبّ من فوق رءوسهم الحمیم

<صَبّ> مصدر مجهول

<یُصبّ> به معنای ریخته شدن و <حمیم> به معنای آب داغ و جوشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۰ - ۱

۱ - گداخته شدن پوست و امعا و احشای اهل دوزخ با آب داغ ، یکی دیگر از عذاب های مقرر برای آنان

یصهر به ما فی بطونهم و الجلود

<صَهر> (مصدر مجهول <یُصهر>) به معنای گداخته شدن است. ضمیر <به> به <حمیم> بازمی گردد و <ما> در عبارت <ما فی بطونهم> کنایه از امعا و احشا است; یعنی، با آن آب داغ که بر سرشان ریخته می شود پوست و آنچه در میان شکم آنان است، گداخته خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۱ - ۱،۳

۱ - گرز های آهنین ، یکی دیگر از ابزار شکنجه اهل دوزخ

و لهم مقمع من حدید

۳ - وجود آهن در دوزخ و کاربرد آن در عذاب دوزخیان

و لهم مقمع من حدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۷ - ۳

۳ - عذاب دوزخ ، عذابی است بسیار سخت و دردناک .

حتّی إذا فتحنا علیهم بابًا ذا عذاب شدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۴ - ۱

۱ - صورت زیان کاران دوزخی ، مواجه با هجوم مداوم شعله های آتش دوزخ

تلفح وجوههم النار

<لَفْح> (مصدر <تلفح>) به معنای سوزاندن است؛ یعنی، <آتش، چهره های آنها را می سوزاند>. گفتنی است که به کارگیری فعل مضارع (تلفح)، بیانگر هجوم پی در پی شعله های

آتش دوزخ می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۱۳ – ۱،۳

۱ تکذیب کنندگان قیامت در حالی که به غل و زنجیر بسته شده اند ، به جایگاهی تنگ در دوزخ افکنده خواهند شد .

و إذا أُلقوا منها مكانًا ضيّقًا مقرّنين

<قرن> (ریشه <مقرنین>) در اصل به معنای ریسمانی است که چند شتر را به هم ببندند; ولی به قرینه آیه ۴۹ سوره ابراهیم (ترى المجرمين يومئذ مقرّنين في الأصفاد) می توان گفت: مقصود غل و زنجیری است که به وسیله آن، منکران معاد را به هم می بندند. غل و زنجیر است.

۳ تکذیب کنندگان قیامت ، به هنگام گرفتاری در تنگنای آتشین دوزخ ، مرگ و نابودی خویش را خواهند خواست .

و إذا أُلقوا منها مكانًا ضيّقًا مقرّنين دعوا هنالك ثبورًا

<ثبوراً> به معنای هلاکت است و <دعا> (ریشه <دعوا>) به معنای خواندن با صدای بلند است و مقصود از <دعوا> این است که تکذیب کنندگان قیامت، فریاد می کشند و مرگ را آرزو و طلب می کنند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۶ – ۱

۱ جهنم ، قرارگاه و اقامتگاهی بس بد و آزاردهنده

عذاب جهنّم . .. إنّها ساءت مستقرًّا و مقامًا

<مستقراً> تمیز برای ضمیر مستتر در <ساءت> و به معنای محل استقرار است. <مقام> نیز اسم مکان و به معنای اقامتگاه می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۶۶ – ۴

۴ – خورد و خوراک دوزخیان ستمگر ، خود وسیله عذاب آنان است .

فإنّهم

لأكلون منها فمالئون منها البطون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۸ – ۲۲

۲۲ – آتش ، از وسایل عذاب دوزخیان

إنّک من أصحب النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۴۸ – ۲

۲– ریخته شدن آب های جوشان ، بر سر گرفتاران در وسط دوزخ

ثمّ صبّوا فوق رأسه من عذاب الحميم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۳ – ۴

۴ – آتش ، وسیله عذاب در دوزخ

يوم يدعّون إلى نار جهنّم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۶ – ۱

۱ – فرمان ملامت بار خداوند به تکذیب کنندگان قیامت ، برای چشیدن حرارت دوزخ و تحمّل رنج آن

اصلوها

<صَلْیُ النار>; یعنی، چشیدن حرارت آتش و تحمل رنج آن. عبارت <اصلوها> (نظیر آیه قبل) می تواند کلام خداوند و یا سخن مأموران الهی باشد. در برداشت بالا، احتمال اول مورد نظر است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۲۷ – ۶

۶ – وجود باد های داغ و سوزان در دوزخ

و وقینا عذاب السموم

<سموم> به باد داغ و سوزانی گفته می شود که همچون <سمّ> در اجزای بدن تأثیر می گذارد. (مفردات راغب)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۴۵ – ۲

۲ – گذراندن زندگی دنیا همراه با بی پروایی ، سرمست شدن به ثروت و مکنت و بی رحمی و آدم کشی ، درپی دارنده قطعی عذاب هولناك دوزخ

فی

سموم و حمیم . .. إنّهم کانوا قبل ذلک مترفین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۵۶ – ۳

۳ – عذاب دوزخ ، خوردنی و آشامیدنی آن (میوه زقّوم و آب داغ) جزای دوزخیان (اصحاب شمال)

هذا نزلهم یوم الدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۳۱ – ۴

۴ – آتش دوزخ ، عذابی سخت تر از غل و زنجیر شدن

خذوه فغلّوه . ثمّ الجحیم صلّوه

<ثمّ> حرف عطف و مفید تراخی رتبی است. این کلمه در آیه شریفه، می رساند که معطوف (عذاب با آتش دوزخ)، شدیدتر از معطوف علیه (عذاب با دستگیری و غل و زنجیر کردن) است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۳۲ – ۴

۴ – < عن أبی عبداللّه (ع) قال : لو أنّ حلقه واحده من السلسله التی طولها سبعون ذراعاً وضعت علی الدنیا لذابت الدنیا من حرّها . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: اگر یک حلقه از آن زنجیری که در ازای آن به هفتاد ذراع می رسد بر دنیا نهاده شود، دنیا از شدت حرارت آن ذوب می گردد. ..>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۳۶ – ۲

۲ – ایمان نیاوردن به خدا و تغذیه نکردن بینوایان ، موجب عذاب شدن انسان به وسیله غذا های بسیار ناگوار و نفرت آور در قیامت

إنّه كان لايؤمن باللّه العظيم . .. و لا طعام إلاّ من غسلين

عرضه

جهنم در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۱،۴،۱۳

۱ - روز قیامت ، زمان عرضه جهنم بر حاضران

و جاْیء یومئذ بجهنّم

مراد از <آوردن جهنم به صحنه قیامت>، ممکن است انتقال آن به محشر و یا اظهار آن برای اهل محشر باشد. گفتنی است که در سوره های دیگر از نوع دوم سخن به میان آمده است.

۴ - جهنم ، مقهور کارگزاران صحنه قیامت و عرضه آن بر اهل محشر بر عهده آنان است .

و جاْیء

مجهول آوردن فعل <جیء>، بر وجود مأمور برای آوردن جهنم دلالت دارد.

۱۳ - < [عن رسول اللّه فی قوله تعالی < و جیء یومئذ بجهنم > انّه] قال : یجیء بها سبعون ألف ملك یقودونها بسبعین ألف زمام ;

[از رسول خدا(ص) درباره قول خدای تعالی <و جیء یومئذ بجهنم> روایت شده که]فرمود: هفتاد هزار فرشته، جهنم را با هفتاد هزار بند می کشند و می آورند>.

عصیانگران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۰ - ۱

۱- گردن فرازان و عصیان گران در برابر خداوند رحمان ، سزاوار سوختن در آتش دوزخ اند .

حول جهنّم . .. ثمّ لنحن أعلم ... بها صلیًّا

<صلیّاً> (از صَلِیَ یَصلی) تمیز برای <أولی> و به معنای سوختن و چشیدن حرارت آتش است (لسان العرب). بنابراین مفاد عبارت <أعلم... صلیّاً> این است که: ما بهتر می دانیم چه کسی برای جهنم سزاوارتر است، از نظر چشیدن آتش و بریان شدن در آن. <أولویت> برای برخی نشانه آن است که بقیه نیز استحقاق دارند;

گرچه ممکن است اولویت نداشته باشند.

عظمت آتش جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۶ – ۵

۵ < عن أميرالمؤمنين (ع) انه قرأ < . . .أُولئك الـذين ليس لهم فى الأخره إلاّ النار . . . > ثم قال : كيف أستطيع الصبر على نار لو قذفت بشرره إلى الأرض لأحرقت نبتها ؟ . . . ;

از اميرالمؤمنين(ع) روايت شـده است كه اين آيه را قراءت كرد: <. .. أُولئك الـذين ليس لهم فى الأخره إلاّ النار ...>، سپس فرمود: من چگونه مى توانم صبر كنم بر آتشى كه اگر جرقّه اى بر زمين افكند، روييدنيهاى آن را مى سوزاند؟ ...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۵ – ۱۱

۱۱ < قال أبوعبدالله (ع) : إن ناركم هذه جزؤ من سبعين جزءاً من نار جهنم وقد أطفئت سبعين مرّه بالماء ثم التهبت . . . ;

از امـام صـادق(ع) روايت شـده است كه فرمود: همانـا اين آتش شـما [در دنيا] جزئى از هفتاد جزء آتش جهنم است كه هفتاد مرتبه با آب خاموش شده ، سپس شعلهور گرديده است>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – قارعه – ۱۰۱ – ۱۱ – ۲

۲ – حرارت آتش جهنم ، غیرقابل قیاس با حرارت دیگر آتش ها است .

نار حامیه

وصف <حاميه> با هر آتشـى همراه است; بنابراين تأكيـد بر آن در توصـيف آتشِ جهنم، بيانگر اين است كه گويا در مقابل حرارت آن، آتش هاى ديگر حرارتى ندارد.

عظمت جهنم

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۸ - ۱۱

۱۱- حقیقت بهشت و دوزخ ، فراتر از سطح درک بشر

فإنّما یسّرنه بلسانک لعلّهم یتذکّرون

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین که در ترسیم دوزخ و بهشت بود استفاده می شود که آنچه در آن آیات آمده، شکل آسان شده و تنزل یافته مطلب است; نه ماهیت عالی آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۷ - ۱،۳

۱ - دوزخ ، حقیقتی بس سهمگین و عظیم

و ما أدریک ما سقر

از تعبیر <و ما أدراك ما سقر> (و چه چیز مطلع ساخت تو را که سقر چیست) استفاده می شود که دوزخ، حقیقتی بس بزرگ و سهمگین است که کسی از آن به درستی و شایستگی، آگاهی ندارد و تنها در پرتو وحی الهی، قابل شناخت است.

۳ - حقیقت دوزخ و ژرفای عظمت آن ، تنها از راه وحی قابل شناخت و دست یابی است .

و ما أدریک ما سقر

از آیات ۲۷ تا ۳۱ که در جهت تبیین بخشی از حقایق دوزخ است می توان استفاده کرد که حقایق عمیق قیامت، از طریق خود وحی برای انسان قابل شناخت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۵ - ۱

۱ - دوزخ ، یکی از بزرگ ترین پدیده های جهان هستی است .

إنّها لإحدی الکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – قارعه – ۱۰۱ – ۱۰ – ۲

۲ – عظمت جهنم و توصیف اعماق هولناک آن ، فراتر

از حد تصوّر و بیان است .

و ما أدریک ماهیه

عظمت شعله آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۳ - ۲

۲ - آتش دوزخ ، دارای شعله ای عظیم و زبانه ای هولناک است .

نارًا ذات لهب

<لهب>; یعنی، زبانه آتش و یا شعله ور شدن آن هر گاه از دود خالی باشد (قاموس). نکره بودن <لهب>، بر عظمت و هولناکی آن دلالت دارد.

عقیده یهود به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۵

۵ - یهودیان ، معتقد به قیامت و گرفتار شدن گنهکاران به آتش دوزخ

و قالوا لن تمسنا النار إلا أیاماً معدوده

علم حضوری به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۷ - ۴

۴ - مشاهده جهنم و آتش سوزان آن و پیدایش علم حضوری برای گرفتاران به آن در قیامت ، تهدیدی الهی و هشداری تردیدناپذیر ، برای دل بستگان به امتیازات دروغین

ألهیکم التکاثر . .. ثمّ لترونّها عین الیقین

علمای بی عمل در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۶

۶ - عالمان بی تعهد و وظیفه نشناس ، از مغفرت الهی محروم و به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

أولئک الذین اشتروا . .. العذاب بالمغفره فما أصبر هم علی النار

عوامل جاودانگی در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۱ - ۳،۴،۶،۷،۸

۳ - خداوند ، نه تنها اندک بودن عذاب یهود

را تضمین نکرده ; بلکه در صورت احاطه داشتن گناه بر آنان ، ایشان را در آتش دوزخ ماندگار خواهد کرد .

أتخذتم عند اللّه عهداً . .. بلی من کسب سیئه ... هم فیها خلدون

۴ - گنهکارانی که گناهانشان سراسر وجود آنان را فرا گیرد ، در آتش دوزخ برای همیشه گرفتار خواهند شد .

من کسب سیئه و أحطت به خطیئته فأولئک أصحب النار هم فیها خلدون

<سیئه> و <خطیئه> هر دو به معنای بدی و گناه است.

۶ - کفر به پیامبر (ص) و اسلام ، موجب گرفتار شدن آدمی به آتش دوزخ و خلود در آن خواهد شد .

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم . .. من کسب سیئه ... هم فیها خلدون

آیه مورد بحث (من کسب . ..) قضیه کلی و کبرای آیات گذشته است و آیات پیشین تعیین کننده صغرای این قضیه کلی است. بنابراین کفر به پیامبر(ص) و اسلام - که از جمله <أفتطمعون أن یؤمنوا لکم> (آیه ۷۵) به دست می آید - از مصداقهای <سیئه> است و اصرار بر آن، مصداق <احاطه خطیئه> خواهد بود.

۷ - یهودیان ، در صورت انکار رسالت پیامبر (ص) ، برای همیشه به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم . .. من کسب سیئه ... هم فیها خلدون

۸ - بدعتگذاری و دین سازی از سیئاتی است که در صورت توبه نکردن از آن ، عذاب همیشگی دوزخ را در پی خواهد داشت .

فویل للذین یکتبون الکتب . .. من کسب سیئه ... هم فیها خلدون

از مصادیق مورد نظر برای <سیئه> به دلیل <فویل للذین . ..> بدعتگذاری است که اصرار

بر آن موجب احاطه خطیئه بر بدعتگذار خواهد شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۰۵ – ۴

۴ – اصرار بر کفر و تکذیب آیات الهی ، در پی دارنده عذاب ابدی دوزخ

فی جهنّم خلدون . .. ألم تکن ءایتی تتلی علیکم فکنتم بها تکذّبون

جمله <کنتم بها تکذّبون> ماضی استمراری و بیانگر پافشاری کافران بر کفر و تکذیب است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۹ – ۷

۷ گناه شرک ، آدم کشی و زنا ، در پی دارنده عذاب طولانی و خوارکننده در قیامت

و یخلد فیه مهانًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۷ – ۲

۲ – عذاب دائمی دوزخ ، کیفر رفتار ناشایست انسان ها است .

نعمل صلحًا غیر الذی کنّا نعمل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۷۲ – ۷

۷ – کفر و انکار مغرورانه آیات الهی ، عامل جاودانگی در دوزخ

قیل ادخلوا أبوب جهنّم خلدین فیها فبئس مثوًی المتکبّرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۷۶ – ۷

۷ – تکبر ، غرور و سرمستی ، عامل جای گرفتن دائمی در دوزخ

جهنّم خلدین فیها فبئس مثوَی المتکبّرین

توصیف کافران دوزخی به <متکبران>، بیانگر این حقیقت است که آنچه موجب دوزخی شدن آنان می شود، وجود صفت تکبر، غرور و سر مستی آنان در زندگی دنیایی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۲۸ –

۵ - انکار آیات الهی ، از سر عناد و حق ستیزی ، در پی دارنده آتش همیشگی دوزخ

لهم فیها دار الخلد بما کانوا بأیتنا یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۴ - ۲

۲ - گناه پیشگی ، عامل ورود به جهنم و جاودانگی در عذاب

إنّ المجرمین فی عذاب جهنّم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۷ - ۱۱

۱۱ - خلود و جاودانگی در جهنم ، نتیجه ظلم و ستم پیشگی است .

کانوا هم الظلمین . .. إنّکم مکثون

با توجه به واژه <ماکثون> و ارتباط این آیه با آیات قبل، استفاده می شود که خلود، نتیجه ظلم مجرمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۵ - ۵

۵ - محکومیت ابدی کافران مستکبر به عذاب همیشگی دوزخ ، نتیجه حق ستیزی ودنیا محوری آنان

اتّخذتم ءایت اللّه هزوًا و غرّتکم الحیوه الدنیا فالیوم لایخرجون منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۷ - ۷

۷ - نفاق ، عامل خلود در آتش دوزخ

هم فیها خلدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۱۷ – ۴

۴ – کفرورزی و نیز دعوت به آن ، موجب خلود در آتش

قال للإنسن اکفر فلمّا کفر . .. فکان عقبتهما أنّهما فی النار خلدَین فیها

عوامل فراموشی جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۵۱ – ۹

۹ فریفته شدن به زندگانی دنیا

و سرگرم شدن به آن ، عامل فراموشی روز قیامت و آتش دوزخ است .

و غرتهم الحیوه الدنیا فالیوم ننسیهم کما نسوا لقاء یومهم هذا

<کما نسوا . .. > می رساند که از علل بی اعتنایی خداوند به دوزخیان این است که آنان روز قیامت را فراموش کردند و چون جمله <الیوم ننسیهم ... > به وسیله فاء بر <غرتهم الحیوه الدنیا> تفریع شده، معلوم می شود که از ریشه های فراموشی قیامت، فریفته شدن به زندگانی دنیاست.

عوامل مصونیت از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷ - ۲۰،۲۲

۲۰ - توبه و پیمودن راه خدا (عمل به تعالیم الهی) ، دو عنصر لازم برای نجات انسان از دوزخ است .

فاغفر للذین تابوا و اتّبعوا سبیلک و قهم عذاب الجحیم

۲۲ - نقش مؤثر دعا و مناجات ، در پذیرش توبه و آمرزش گناهان و مصونیت از عذاب دوزخ

فاغفر للذین تابوا . .. و قهم عذاب الجحیم

عوامل نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۲ - ۲،۱۱

۲- تقوا ، مایه نجات یافتن آدمی ، از دوزخ

ثمّ ننجّی الذین اتقوا

۱۱- تقوا ، موجب نجات از جهنم و پایداری بر ظلم ، موجب بقای در آن

ثمّ ننجّی الذین اتقوا و نذر الظلمین فیها

<اتقوا> فعل و نشان دهنده حدوث است; ولی <ظالمین> اسم و دال کننده بر ثبوت است بنابرگفته برخی از مفسران، این تفاوت به جهت بیان رحمت گسترده الهی است که اگر کسی فعل تقوا به او منتسب گردد، نجات می یابد; ولی تا کسی

به وصف ظلم متصف نگردد و عنوان <ظالم> بر او صدق نکند، در دوزخ ماندگار نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۶

۶ - انجام اعمال صالح ، شرط نجات از دوزخ و آسودگی در آخرت است .

ربّنا أخرجنا نعمل صلحًا غیر الذی کنّا نعمل أوَلم نعمّرکم ما یتذکّر فیه من تذکّر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۴ - ۲

۲ - تحمل صبورانه عذاب و یا پشیمانی و عذرخواهی دشمنان خدا در قیامت ، بی تأثیر در رهایی آنان از دوزخ

فإن یصبروا فالنار مثوًی لهم و إن یستعتبوا فما هم من المعتبین

<إستعتاب> (مصدر <یستعتبوا>) به معنای درخواست رضایت است که لازمه عذرخواهی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۸ - ۶

۶ - پذیرش پیام حق رسولان الهی ، مایه سعادت انسان و رهایی از عذاب دوزخ است ; نه التجا به فرشتگان در قیامت .

و نادوا یملک لیقض علینا ربّک قال إنّکم مکثون . لقد جئنکم بالحقّ

این آیه شریفه در حقیقت مکمل آیه قبل و بیانگر فلسفه عدم پذیرش التجای مجرمان به فرشتگان خازن دوزخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۸ - ۱۰

۱۰ - تقواپیشگان ، مورد حفاظت خداوند از گرفتاری به جهنم ، در قبال تلاش آنان برای حفظ ارزش های الهی در دنیا

إنّ المتّقین . .. و وقیهم ربّهم عذاب الجحیم

با توجه به این که ریشه <متقین> و <وقاهم> از یک ماده می

باشد، ممکن است تعبیر <وقاهم> اشاره به مطلب بالا داشته باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۱۷ – ۱

۱ – کسانی که از همه باتقواتر و دارای مراقبت بیشتراند ، از آتش دوزخ دور گردانده خواهند شد .

و سیجنّبها الأتقی

<جَنَبْتُ>; یعنی، دور ساختم (مفردات) و باب تفعیل آن، برای مبالغه است. بنابراین <یُجنّب>; یعنی، به طور کامل دور نگه داشته می شود.

عهدشکنان در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲۵ – ۱۱

۱۱ سرای شوم (دوزخ) از آنِ کسانی است که پیمان های الهی را نقض کنند و پیوندهایی که خداوند به برقراری آنها فرمان داده ، نادیده انگارند .

والذین ینقضون عهد الله . .. و یقطعون ما أمرالله ... لهم سوء الدار

عیب جویان در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – همزه – ۱۰۴ – ۱ – ۲

۲ – جهنم ، جایگاه عیب جویان و غیبت کنندگان است .

ویل لکلّ . .. لمزه

<لَمْز> (مصدر <لمزه>)، به معنای غیبت کردن و تلاش برای کشف عیوب دیگران است (مفردات). <ویل> کلمه ای است که برای تهدید به عذاب به کار می رود. و نیز نام وادی یا چاه خاصی در جهنم و یا نام یکی از درهای آن می باشد. (قاموس)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – همزه – ۱۰۴ – ۴ – ۳

۳ – عیب جویان ، غیبت کنندگان ، سخن چینان ، بدگویان ، تمسخرکنندگان مردم و زراندوزان ، در آتش جهنم افکنده خواهند شد

.

لینبذنّ فی الحطمه

آیات بعد، بیانگر آن است که مراد از <حطمه>، آتش جهنم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۶ - ۳

۳ - خداوند ، مالك و صاحب اختیار آتشی است که در قیامت ، زراندوزان غیبت کننده و عیب جو را درهم می شکند .

و ما أدریک ما الحطمه . نار اللّه

<نار اللّه>، خبر است برای ضمیر محذوف که به <الحطمه> برمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۷ - ۴

۴ - احاطه آتش دوزخ بر قلب عیب جویان ، کیفری مناسب برای گناه افکار ناروای آنان درباره مردم

لمزه . .. الّتی تطّلع علی الأفئده

غضب آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۲ - ۱،۲

۱ تکذیب کنندگان قیامت ، آوای خشمگین و جوش و خروش آتش جهنم را از دور در قیامت خواهند شنید .

إذا رأتهم من مکان بعید سمعوا لها تغیّظًا و زفیرًا

<تغیظ>، به معنای شدت غضب و خشم و <زفیر> به معنای گرفتن سینه از شدت غم و به جوش و خروش افتادن است (برگرفته از لسان العرب و مفردات راغب).

۲ آتش جهنم به هنگام دیدن تکذیب کنندگان قیامت از راه دور ، به جوش و خروش آمده و فریاد خشمگینانه سرخواهد داد .

إذا رأتهم من مكان بعيد سمعوا لها تغيّظًا و زفيرًا

غضب کارگزاران جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۲۲ – ۴

۴ – مأموران دورخ ، آکنده از خشم و نفرت

نسبت به دوزخیان

کلّما أرادوا . .. و ذوقوا عذاب الحریق

غیبت کنندگان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۱ - ۲

۲ - جهنم ، جایگاه عیب جویان و غیبت کنندگان است .

ویل لکلّ . .. لمزه

<لَمْز> (مصدر <لمزه>)، به معنای غیبت کردن و تلاش برای کشف عیوب دیگران است (مفردات). <ویل> کلمه ای است که برای تهدید به عذاب به کار می رود. و نیز نام وادی یا چاه خاصی در جهنم و یا نام یکی از درهای آن می باشد. (قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۴ - ۳

۳ - عیب جویان ، غیبت کنندگان ، سخن چینان ، بدگویان ، تمسخرکنندگان مردم و زراندوزان ، در آتش جهنم افکنده خواهند شد .

لینبذنّ فی الحطمه

آیات بعد، بیانگر آن است که مراد از <حطمه>، آتش جهنم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۶ - ۳

۳ - خداوند ، مالك و صاحب اختیار آتشی است که در قیامت ، زراندوزان غیبت کننده و عیب جو را درهم می شکند .

و ما أدریک ما الحطمه . نار اللّه

<نار اللّه>، خبر است برای ضمیر محذوف که به <الحطمه> برمی گردد.

فاسقان در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۲۰ – ۱،۴،۵

۱ – جایگاه فسق پیشگان ، آتش جهنم است .

و أمّا الذین فسقوا فمأویهم النار

۴ – فاسقان ، برای خروج از آتش تلاش می کنند .

کلّما أرادوا أن یخرجوا منها أُعیدوا

فیها

در صورتی که <کلّما أرادوا أن یخرجوا. ..> معنای حقیقی داشته باشد، دلالت می کند بر این که فاسقان در صدد برمی آیند که از آتش، بیرون بروند.

۵ - بازگردانده شدن قهری فاسقان به دوزخ ، در پی تلاش برای گریز و رهایی از آن

کلّما أرادوا أن یخرجوا منها أُعیدوا فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۴ - ۱،۵

۱ - آتش دوزخ ، جایگاه فاسقان و گنه پیشگان و کیفر کردار آنان است .

و إنّ الفجّار لفی جحیم

<فجور>; یعنی، دریدن پرده دیانت (مفردات راغب). از معانی دیگر <فجور>، فسق و عصیان است. (قاموس)

۵ - گرفتاری فاسقان کافر در آتش دوزخ ، همیشگی است .

و إنّ الفجّار لفی جحیم

جمله اسمیه، بر ثبوت دلالت دارد و در این آیه ممکن است به قرینه مقابله با <إنّ الأبرار لفی نعیم> که استقرار مجازی در آن حاکی از خلود بود بر خلود نیز دلالت کند. مراد از <فجّار> به قرینه <بل تکذّبون بالدین> فاسقانی است که منکر معاد و کافرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۵ - ۱،۴

۱ - قیامت ، روز گرفتاری طاقت فرسای فاسقان در آتش جهنم

یصلونها یوم الدین

<یصلونها>; یعنی، با رنج و مشقّت، حرارت آن را می چشند. (برگرفته از قاموس)

۴ - گرفتاری فاسقان به آتش جهنم ، کیفر فسق آنان است .

يصلونها يوم الدين

تصريح به <روز جزا> بودن قيامت، در بيان عذاب فاسقان، بيانگر آن است كه عذاب قيامت جزاى فسق آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ -

انفطار - ۸۲ - ۱۶ - ۱

۱ - پنهان داشتن خویش از آتش جهنم ، برای فاسقان امکان پذیر نیست .

و ما هم عنها بغائبین

<غاب عنه>; یعنی، از او مخفی شد. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۹ - ۹

۹ - گرفتاری فاسقان به آتش جهنم ، فرمان خداوند در قیامت

و إنّ الفجّار لفی جحیم . .. و الأمر یومئذ للّه

فاسقان و تکذیب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۰ - ۸

۸ - فاسقان ، عذابی را که همواره تکذیب می کردند ، می چشند .

ذوقوا عذاب النار الذی کنتم به تکذّبون

فاصله بهشت و جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۰ - ۲

۲ بهشت در مکانی بالاتر از دوزخ و با فاصله ای زیاد از آن

و نادی اصحب النار اصحب الجنه أن أفیضوا علینا

کلمه <افاضه> که به معنای ریزش است، حکایت از این دارد که بهشت در مکانی بالاتر از دوزخ قرار گرفته است. به کارگیری ندا (خواندن با صدای بلند)، اشاره به دوری بهشت و دوزخ از یکدیگر دارد.

فرجام اخروی مکذبان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۳ - ۳

۳ - آتش دوزخ ، فرجام تکذیب کنندگان آن

فويل . .. للمكذّبين ... يوم يدعّون إلى نار جهنّم دعًّا

فرجام جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۱ - ۲

۲ دوزخ ، فرجام پذیرندگان ولایت

شیطان

و من یتخذ الشیطن ولیاً . .. أولئک ماویهم جهنم و لایجدون عنها محیصاً

فرجام شوم جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۱۰ – ۵

۵ – دوزخ ، جایگاهی نامیمون و عاقبتی شوم

أصحب النار . .. و بئس المصیر

فرعون در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۹۸ – ۱

۱ فرعون در روز قیامت ، پیشاپیش پیروانش به سوی دوزخ روانه خواهد شد .

یقدم قومه یوم القیمه فأوردهم النار

قدوم (مصدر یقدم) به معنای سبقت گرفتن و در پیشاپیش حرکت کردن است.

فرعونیان در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۹۸ – ۱،۲،۳

۱ فرعون در روز قیامت ، پیشاپیش پیروانش به سوی دوزخ روانه خواهد شد .

یقدم قومه یوم القیمه فأوردهم النار

قدوم (مصدر یقدم) به معنای سبقت گرفتن و در پیشاپیش حرکت کردن است.

۲ فرعون ، در روز قیامت پیروانش را به آتش دوزخ خواهد برد .

فأوردهم النار

ماضی آوردن فعل <أورد> با اینکه گزارشی از آینده است اشاره به حتمی بودن ورود آنان به آتش جهنم دارد.

۳ حرکت فرعونیان به سوی دوزخ به رهبری و پیشاهنگی فرعون ، نمود برنامه های ناصواب او در دنیاست .

و ما أمر فرعون برشید. یقدم قومه یوم القیمه فأوردهم النار

جمله <یقدم قومه . ..> بیانگر فرجام پیروی از فرعون است و به منزله تفسیری برای <و ما أمر فرعون برشید> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۳ - ۸

۸ - فرعونیان

، محکوم به دوزخ

و أنّ المسرفين هم أصحب النار

فشار جهنم بر مکذبان قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۳ - ۶

۶ < إن رسول اللّه (ص) سئل عن قول اللّه < و إذا أُلقوا منها مکاناً ضيّقاً مقرّنين > قال : و الذى نفسى بيده انّهم ليستکرهون فى النار کما يستکره الوتد فى الحائط .

از رسول خدا(ص) در باره قول خدا <إذا أُلقوا منها مکاناً ضيّقاً. ..> سؤال شد؟ فرمود: قسم به کسى که جانم در دست او است آنان با اکراه و فشار در جهنم جاى داده مى شوند; همان گونه که ميخ با فشار در ديوار کوبيده مى شود.

فضايل نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۹ - ۷

۷ - مقرب بودن نگهبانان دوزخ و منزلت داشتن آنان به پيشگاه خداوند ، در نظر دوزخيان

و قال الذين فى النار لخزنه جهنّم ادعوا ربّکم يخفّف عنّا يومًا من العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۷ - ۷

۷ - دوزخيان ، آگاه به مقام ويژه موکّل دوزخ در پيشگاه خداوند

و نادوا يملک ليقض علينا ربّک

از درخواست وساطت جهنميان از فرشته موکّل دوزخ و نيز به کار بردن عبارت <ربّک>، مطلب بالا استفاده مى شود.

فعليت آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۶ - ۷

۷ - جهنم و آتش سوزان آن ، هم اکنون وجود دارد و قابل مشاهده است .

لترونّ الجحیم

فعلیت جهنم

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۹

۹ - آتش دوزخ هم اکنون مهیّا و موجود است .

أعدّت للکفرین

برداشت فوق با توجه به ماضی بودن فعل <أعدت>، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۱ - ۴

۴ جهنم و عذاب الهی ، هم اکنون برای کافران آماده و مهیاست .

و أعتدنا للکفرین عذاباً مهیناً

چنانچه مراد از <عذاباً مهیناً> عذاب دوزخ باشد، فعل <اعتدنا>، به صیغه ماضی حکایت از وجود هم اکنون دوزخ دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۲۰

۲۰ مهیا بودن جهنم در حال حاضر

و أعتدنا للکفرین منهم عذاباً أليماً

فعل ماضی <اعتدنا> دلالت بر وجود هم اکنون دوزخ دارد. گفتنی است که برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <عذاباً اليماً> عذاب قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۹ - ۱۰،۱۱

۱۰ کافران در همین دنیا ، به گونه ای در احاطه آتش دوزخند .

و إن جهنم لمحیطه بالکفرین

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <احاطه> در <محیطه>، احاطه فعلی باشد.

۱۱ دوزخ ، هم اکنون موجود است .

و إن جهنم لمحیطه بالکفرین

برداشت فوق مبتنی بر این است که مقصود از احاطه جهنم، احاطه فعلی باشد; بنابراین لازمه آن وجود فعلی جهنم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۰

۱۰- دوزخ ، از هم اکنون برای ظالمان آماده و

مهیا است . *

إنّا أعتدنا للظلمین نارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۱۰

۱۰- جهنم ، هم اکنون موجود و مهیا است .

إنّا أعتدنا جهنّم للکفرین نزلاً

ظاهر فعل <أعتدنا> آن است که جهنم، هم اکنون آماده است، نه این که بعد از این فراهم خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۳ - ۴

۴ - آتش دوزخ ، هم اکنون موجود و مهیا برای کافران *

فإنّا أعتدنا للکفرین سعیرًا

ماضی آمدن فعل <أعتدنا>، ممکن است ناظر به معنای حقیقی آن (زمان گذشته) باشد; نه این که مضارع محقق الوقوع را بیان کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۵ - ۳

۳ - دوزخ و ابزار عذاب آن ، هم اکنون موجود و آماده است .

أعدّ اللّه لهم عذابًا شدیدًا

تعبیر <أعدّ> (مهیا کرده است) به صورت ماضی، می تواند حاکی از مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۱ - ۳

۳ – جهنم ، از دیرباز آفریده و مهیّا شده است .

إنّ جهنّم کانت مرصادًا

فعل ماضی <کانت>، ممکن است بر حتمی بودن حوادث آینده دلالت کند. هم چنین می تواند بر زمان گذشته و مهیّا بودن جهنم در آن دلالت داشته باشد. برداشت یاد شده بر مبنای دوم است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۳۶ – ۴

۴ – جهنم ، پیش از ظهور در صحنه قیامت ، آفریده شده و

موجود است .

و برّزت الجحيم

تعبير <ظاهر شدن> و نه آفريده شدن حاكى از وجود سابق جهنم است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - تكوير - ۸۱ - ۱۲ - ۳

۳ - وجود جهنم ، پيش از حسابرسى كردار ها در قيامت

و إذا الجحيم سعّرت

برافروختن جهنم در قيامت، حاكى از وجود اصل آن پيش از قيامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - تكاثر - ۱۰۲ - ۶ - ۷

۷ - جهنم و آتش سوزان آن ، هم اكنون وجود دارد و قابل مشاهده است .

لترونّ الجحيم

فعليت عذاب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳۱ - ۱۱

۱۱ - عذاب دردناك دوزخ ، هم اكنون مهيا و آماده است .

أعدّ لهم عذابًا أليمًا

با توجه به ماضى بودن فعل <أعدّ>، برداشت ياد شده استفاده شده است.

فلسفه ذكر تعداد نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۳۱ – ۴

۴ – ذکر تعداد فرشتگان نگهبان دوزخ (۱۹ عدد) ، به منظور آزمایش کافران است .

علیها تسعه عشر . .. و ما جعلنا عدّتهم إلاّ فتنه للذین کفروا

فلق از درهای جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فلق – ۱۱۳ – ۱ – ۱۲

۱۲ – < عُقْبه بن عامر قال : قال لی رسول اللّه (ص) اقرء < قل أعوذ بربّ الفلق > هل تـدری ما الفلق ؟ باب فی النار إذا فتح سعّرت جهنم ;

عُقْبه بن عامر گوید: رسول خدا(ص) به

من فرمـود: [سوره] <قـل أعوذ بربّ الفلق> را بخوان، می دانی فلق چیست؟ [آن]دری است در آتش جهنم، هرگـاه بـاز شود جهنم شعلهور می گردد>.

فوران آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۷ - ۴

۴ - آتش دوزخ ، دارای فوران و جوشش

و هی تفور

قاطعیت نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۷ - ۱

۱- مأموران دوزخ ، موظف به برخوردی قاطع ، سخت و قهرآمیز با گناه پیشگان

خذوه فاعتلوه

<العتل> (مصدر <فاعتلوه>) به معنای کشاندن با زور و خشونت است.

قانونمندی عذابهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۰ - ۷

۷- عذاب دوزخ ، دارای نظامی حساب شده و دقیق

لنحن أعلم بالذین هم أولی بها صلیًّا

قوم ابراهیم در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۲۵ – ۱۶

۱۶ – جایگاه قوم مشرک ابراهیم ، آتش جهنم است .

و مأویکم النار

قیاس بهشت و جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۶۲ – ۱

۱ – زندگی انسان های بهشتی با انواع نعمت ها (همچون نهر ها ، تخت ها ، شراب و همسران زیبا) قابل مقایسه با زندگی پردرد و رنج دوزخیان نیست .

أذلک خیر نزلاً أم شجره الزقّوم

خوب بودن زندگی بهشتیان و بدی زندگی دوزخیان امری روشن و آشکار است. بر این اساس سؤال از بهتر بودن زندگی بهشتیان نسبت به دوزخیان می تواند برای بیان

شدت تفاوت این دو زندگی و قابل قیاس نبودن آنها می باشد.

کارگزاران جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۲ - ۳

۳ - وجود مأمورانی با گرز های آهنین در دوزخ

و لهم مقمع من حدید . کلّما أرادوا... أُعیدوا فیها

<اعیدوا> فعل مجهول و فاعل آن محذوف است و تقدیر آن با توجه به آیه پیش (لهم مقامع من حدید) چنین می شود: <کلّما أرادوا أن یرجوا. .. اعادتهم الخزنه بالمقامع فیها; اهل دوزخ هر وقت خواستند از دوزخ بیرون آیند مأموران دوزخ با گرزهای آهنین، آنان را به داخل دوزخ بازمی گردانند>.

کافران اطراف جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۸ - ۷،۸،۹

۷- خداوند ، شیاطین و منکران معاد را در قیامت ، خوار و ذلیل ، بر زانونشسته و به صورت نیم خیز در اطراف جهنم احضار خواهد کرد .

ثمّ لنحضرنّهم حول جهنّم جثیًّا

<جثیا> (جمع <جاثی>) حال است و <جاثی> به کسی گفته می شود که برای مخاصمه و محاکمه بر زانو نشسته است (لسان العرب). احضار منکران معاد و شیاطین، در حالی که بر زانوان خود راه می روند و یا بر زانو گرداگرد جهنم نشسته اند، برای اهانت و تحقیر آنان است. برخی <جثیّ> را جمع <جثوه> دانسته اند که به معنای انبوه خاک و سنگ است. بر حسب این معنا مراد احضار هر فرقه و گروه به صورت متراکم است.

۸- کافران و شیاطین ، در اطراف جهنم و در گروه هایی فشرده و متراکم ، احضار خواهند شد .

ثمّ لنحضرنّهم حول جهنّم جثیًّا

<جثیّ>

ممکن است از <جثوه> به معنای سنگ و خاک متراکم و مجتمع باشد.

۹- گردآوردن خفّت بار کافران و شیاطین در اطراف جهنم ، مرحله ای پس از حشر است .

لنحشرنّهم . .. ثمّ لنحضرنّهم حول جهنّم جثيًّا

کافران پیرو در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۵

۱۵ کافران و مشرکان پیرو، همانند رهبرانشان، دارای عذابی مضاعف از آتش دوزخ

قال لکل ضعف

کافران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۶ - ۱۰

۱۰ کافران ، مُلازمان آتش دوزخ و جاودان در آن

انّ الّذین کفروا . .. و اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۸

۸ - آتش دوزخ ، مهیّا شده برای کفرپیشگان

أعدّت للکفرین

اعداد (مصدر اعدت) به معنای حاضر کردن و مهیّا ساختن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۹ - ۹

۹ – دوزخ ، فرجام کافران به رسالت پیامبر و سرپیچی کنندگان از احکام اسلام

إنا أرسلنك بالحق . .. و لاتسئل عن أصحب الجحیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲۶ – ۱۸

۱۸ – آنان که به خدا و روز قیامت کافر شوند ، راهی جز ورود به آتش دوزخ نخواهند داشت .

و من کفر . .. ثم أضطره إلی عذاب النار

اضطرار; یعنی، مجبور ساختن کسی به انجام کاری. پس <ثم اضطره ...> چنین معنا می شود: آن گاه که

کافران حیات دنیا را سپری کردند، آنان را برای ورود به آتش دوزخ مجبور می کنم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۷ - ۴

۴ جهنّم ، جایگاه کافران قدرتمند و بهره مند از مواهب مادّی

ثمّ ماویهم جهنّم

<مأوی> به معنای منزل است. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۶ - ۱۳

۱۳ هیچ نیرویی قادر به جلوگیری از عذاب کافران در دوزخ نخواهد بود .

سوف نصلیهم ناراً . .. انّ اللّه کان عزیزاً حکیماً

تذکر به شکست ناپذیری خداوند پس از بیان اینکه کافران را به دوزخ خواهد برد، اشاره به این معنا دارد که مبادا توهّم شود آنان می توانند علی رغم خواست خداوند بر او غلبه کنند و خود را از آتش برهانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۱۴،۱۵

۱۴ خداوند ، گردآورنده همه منافقان و کافران ، در جهنم

إنّ اللّه جامع المنفقین و الکفرین فی جهنم جمیعاً

۱۵ جهنم ، جایگاه و مجمع تمامی منافقان و کافران

إنّ اللّه جامع المنفقین و الکفرین فی جهنم جمیعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۹ - ۱،۷

۱ خداوند در قیامت کافران ظالم را جز به راه جهنم هدایت نخواهد کرد .

و لالیهدیهم طریقاً. الا طریق جهنم

در برداشت فوق ظرف و زمان هـدایت در جمله <و لالیهـدیهم . ..> روز قیامت گرفته شـده است ; یعنی خداوند در آن روز کافران را تنها به سوی جهنم رهنمون

خواهد ساخت.

۷ جاودانگی در جهنم ، کیفر کافران ستمگر

إنّ الذین کفروا و ظلموا . .. خلدین فیها ابداً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۷ – ۴،۵

۴ نافرجامی تلاش کافران برای رهانیدن خویش از آتش دوزخ

و ما هم بخرجین منها

۵ احاطه آتش دوزخ بر تار و پود کافران ، دلیل بی ثمر ماندن تلاش آنان برای رهایی از آن

یریدون ان یخرجوا من النار و ما هم بخرجین منها

جمله <و ما هم بخرجین منها> به این معناست که کافران با آتش عجین شده اند و هیچگاه از آتش خارج نیستند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۸۶ – ۱

۱ دوزخ جایگاه کفرپیشگان و تکذیب کنندگان آیات خداوند

و الذین کفروا و کذبوا بایتنا أولئک اصحب الجحیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۲۷ – ۱،۲،۳

۱ وضعیت هول انگیز و ذلتبار کافران به هنگام روبرو شدن با آتش جهنم و مشاهده آن

و لو تری إذ وقفوا علی النار

۲ کافران به هنگام روبرو شدن با آتش دوزخ در آرزوی بازگشت به دنیا، تکذیب نکردن آیات پروردگار و قرار گرفتن در زمره مؤمنان هستند.

فقالوا يليتنا نرد و لا نكذب بأيت ربنا و نكون من المؤمنين

۳ وضعيت دهشتزا و غير قابل توصيف كافران به هنگام ورود به دوزخ و چشيدن آتش

و لو ترى إذ وقفوا على النار

<وقفوا على النار> مى تواند به معناى ورود به آتش و چشيدن عذاب آن باشد. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آيه

– فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۴۱ – ۱۰

۱۰ عن النبی(ص) إنه تلاـ هـذه الآـیه ثم قـال: هی طبقـات من فوقه و طبقـات من تحته لایـدری ما فوقه اکثر او ما تحته، غیر أنه ترفعه الطبقات السفلی و تضعه الطبقات العلیا و یضیق فیما بینهما . .. .

از رسول خدا(ص) روایت شده است که پس از تلاوت آیه <لهم من جهنم . ..> فرمود: جهنم کافران، دارای طبقاتی از بالا و طبقـاتی از پـایین است که معلوم نیست آیـا طبقـات بالاـ بیشتر است یـا طبقـات زیرین، ولی طبقات پایین، کافر را بالا می برد و طبقات بالا او را پایین می آورد و او بین طبقات بالا و پایین در فشار قرار دارد ... .

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۶ – ۹،۱۲

۹ جهنم ، سزای کافران حق ستیز

و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون

۱۲ کفرپیشگان مکه در قیامت گردآوری و به سوی جهنم رانده خواهند شد .

و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۷ – ۱

۱ خداوند در پرتو گسیل کافران به سوی دوزخ ، ناپاکان را از پاکان جدا خواهد کرد .

إلی جهنم یحشرون. لیمیز اللّه الخبیث من الطیب

برداشت فوق مبتنی بر این است که <لیمیز اللّه> متعلق به <یحشرون> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۴۹ – ۹،۱۰

۹ احاطه همه جانبه آتش دوزخ بر کافران

و إن جهنم لمحيطه بالكفرين

۱۰ کافران در همین دنیا ، به

گونه ای در احاطه آتش دوزخند .

و إن جهنم لمحیطه بالکفرین

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <احاطه> در <محیطه>، احاطه فعلی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۱

۱ خلود در آتش دوزخ ، وعده خداوند به زنان و مردان منافق و عموم کفرپیشگان

وعد اللّه المنفقین و المنفقت و الکفار نار جهنم خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۳ - ۵

۵ جهنم ، جایگاه کافران و منافقان و فرجامی سخت و دردناک برای آنان

و مأویهم جهنم و بئس المصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۸ - ۲۰

۲۰ عذاب دردناک جهنم ، کیفر کافران است .

فلایؤمنوا حتی یروا العذاب الألیم

ممکن است الف و لام <العذاب> که برای عهد ذهنی است اشاره به عذاب دنیوی (استیصال) باشد و ممکن است اشاره به عذاب برزخی و یا عذاب اخروی باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۶ - ۱

۱ کافران دنیاطلب و دلبسته به جلوه های آن ، در آخرت بهره ای جز آتش دوزخ نخواهند داشت .

من كان يريد الحيوه الدنيا و زينتها . .. أَولئك الذين ليس لهم فى الأخره إلاّ ال

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۷ – ۱۳

۱۳ كافران به قرآن از هرگروه و طايفه (مشركان ، يهوديان ، نصارا و .

. .) به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

و من يكفر به من الأحزاب فالنار موعده

<ال> در <الأحزاب> مى تواند عهديه باشد كه در اين صورت اشاره به مشركان ، يهود و نصاراست و مى تواند <ال> در آن براى استغراق باشد كه در اين صورت ، مصداقهاى بارز و موردنظر آن ، گروههاى نامبرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۹ - ۶

۶ انسانهايى كه به خدا و پيامبرانش كافر شوند و نيز جنيان كفرپيشه ، به آتش دوزخ درخواهند افتاد .

لأملأنّ جهنم من الجنه والناس أجمعين

چون بحث در آيات گذشته درباره فساد و صلاح امتها بود و مصداق بارز و مورد نظر براى صلاح و فساد به قرينه آيات پيشين و نيز آيه ۱۲۱ توحيد، شرک، ايمان و كفر است، مقصود از <الجنه> و <الناس> كافران و مشركان جنى و انسى است. بر اين اساس كلمه <أجمعين> تأكيد بر عمومى است كه از كلمه <الجنه> و <الناس> فهميده مى شود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۱۷ - ۵،۷

۵- كافران جبّار گرفتار در جهنّم ، با وجود ابتلا به انواع عذاب هاى مرگبار ، هيچ گاه نمى ميرند و از عذاب رهايى نمى يابند .

يأتيه الموت من كلّ مكان و ما هو بميت

۷- براى كافران جبّار ، در جهنّم ، فراتر از نوشيدن اجبارى آب چركين و عذاب هاى مختلف مرگبار ، عذابى خشن و غيرقابل تصور نيز وجود دارد .

و من ورائه عذاب غليظ

مرجع ضمير <ورائه> احتمال دارد <عذاب> باشد كه از

عبارت قبلی به دست می آید. در این صورت، با توجه به مفهوم بودن و سخت بودن عذابهای یاد شده، <عذاب غلیظ> باید عذابی بسیار سخت و غیر قابل تصور باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۲۹ – ۶

۶- کافران ، همواره در جهنّم خواهند ماند .

فادخلوا أبوب جهنّم خلدين فيها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸ – ۱۰

۱۰- جهنّم ، زندانی برای کافران است و هیچ راه گریزی از آن وجود ندارد .

و جعلنا جهنّم للكفرين حصيرًا

<الحصر> در اصل به معنای تنگ گرفتن و حبس کردن آمده و در این آیه کنایه از زندانی کردن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۹ – ۱۲،۱۴،۱۵،۱۷،۱۸

۱۲- کافرانِ به حقایق نازل شده از سوی خداوند ، ظالم ، و سزاوار آتش اند .

الحقّ من ربّكم . .. و من شاء فليكفر إنّا أعتدنا للظلمين نارًا

۱۴- آتش قیامت ، همانند سراپرده ای فراگیر ، راه گریز را بر کافران خواهد بست .

نارًا أحاط بهم سرادقها

<سرادق> معرب <سراطاق> و به معنای خیمه و پرده سرا است.

۱۵- کافران در خیمه آتشین دوزخ ، با استغاثه و اظهار تشنگی ، از مأموران عذاب ، یاری می طلبند .

و إن يستغيثوا يغاثوا بماء

<غوث> یعنی: <یاری کردن> و <غیث> یعنی: <باران>. مراد از <استغاثه> می تواند طلب یاری و یا طلب باران (آب) باشد. پاسخی که به استغاثه دوزخیان داده می شود، گویای آن است که یاری خواستن دوزخیان، همان آب خواهی آنان است.

۱۷- آب های

غلیظ و گداخته ، بسان گدازه مس ، پاسخی برای استغاثه و آب طلبی کافران در دوزخ است .

و إن یستغیثوا یغاثوا بماء کالمهل

<مهل> به معنای <درده روغن> و نیز <مس گداخته> است (مقاییس اللغه) و نیز به <خونابه ای که از لاشه مردار بیرون آید> گفته می شود. (قاموس) وصف آنان با عبارت <یشوی الوجوه> با معنای <مس گداخته> سازگارتر است.

۱۸- آب های دوزخی ، چهره کافران را سوزانده و بریان می سازد .

یغاثوا بماء کالمهل یشوی الوجوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۱ - ۳

۳- دوزخ ، فرجام کافرانی است که طاقت شنیدن آیات الهی را ندارند .

و عرضنا جهنّم یومئذ للکفرین . .. و کانوا لایستطیعون سمعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۸،۹

۸- دوزخ ، منزل گاهی مهیّا شده ، برای کافران است .

إنّا أعتدنا جهنّم للکفرین نزلاً

<أعتدنا> از ماده <عتد> با <أعددنا> از ماده <عدد> به یک معنا است و در این که <آیا یکی اصل دیگری است یا هر کدام لغت مستقلی است؟>، اختلاف است. کلمه <نزل> در معانی <منزل>، <وسائل پذیرایی> و <مأوی دادن> استعمال شده است. در برداشت یاد شده معنای نخست لحاظ شده است.

۹- خداوند ، از کافران حق ناپذیر ، به وسیله شراره های دوزخ ، پذیرایی می کند .

إنّا أعتدنا جهنّم للکفرین نزلاً

کلمه <نُزُل> می تواند اسم باشد برای چیزی که به هنگام ورود میهمان برای پذیرایی او می آورند. این نوع سخن، <تهّکم> بوده و برای استهزا به کار می رود.

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۱۰

۱۰ - جاودانگی عذاب جهنم و نبود مرگ در آن ، دلیل پاینده تر بودن عذاب کافران از شکنجه و آزاری است که آنان بر مؤمنان روا می داشتند .

واللّه خیر و أبقی . إنّه من یأت ... لایموت فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۹ - ۱

۱- کافران ، در روز رستاخیز در احاطه آتشی فراگیر بوده و از دفع آن از چهره و قفای خود ناتوان خواهند بود .

لو یعلم الذین کفروا حین لایکفّون عن وجوههم النار و لا عن ظهورهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۰ - ۳

۳- کافران دوزخی ، از دفع و برگردانیدن عذاب الهی ، کاملاً ناتوان اند .

فلایستطیعون ردّها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۸ - ۱،۳

۱- کافران و معبود های دروغینشان ، آتش گیره جهنم اند .

إنّکم و ماتعبدون من دون اللّه حصب جهنّم

<حصب>; یعنی، هر آنچه در آتش افکنند و معنای غالبی آن هیزم است (لسان العرب).

۳- آتش جهنم ، فراگیر تمامی وجود کافران دوزخی بوده و بدنشان یک جا به آتش تبدیل خواهد شد .

إنّکم و ماتعبدون من دون اللّه حصب جهنّم

برداشت یاد شـده از هیزم شدن کافران برای دوزخ اسـتفاده می شود; زیرا هر وقت آتش به هیزمی برسد، تمامی هیزم به آتش تبدیل می شود. بنابراین بدن کافران هم یک جا به آتش تبدیل شده و تمامی وجودشان خواهد سوخت.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۱۳

۱۳ - آتش سوزان ، کیفر کفرپیشگان و تمام کسانی که در راستای منحرف ساختن مردم از راه خدا و دین او تلاش می کنند .

و من الناس من یجدل . .. و نذیقه یوم القیمه عذاب الحریق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۱۰،۱۱

۱۰ - آتش دوزخ ، وعده الهی به کافران و سرانجام شوم آنان

النار وعدها اللّه الذین کفروا

۱۱ - دوزخ ، بازگشتگاه و سرانجام کافران

و بئس المصیر

<مصیر> به معنای عاقبت کار و نیز به معنای مرجع و محل بازگشت می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۵ - ۵

۵ - عذاب ابدی دوزخ دامنگیر کافران ، پس از اتمام حجت های الهی بر آنان

ألم تکن ءایتی تتلی علیکم فکنتم بها تکذّبون

آیه یاد شده، بیانگر این حقیقت است که خداوند، کافران را بی دلیل محکوم به عذاب ابدی دوزخ نکرده; بلکه ابتدا با بیان آیات خود، حجت را بر آنان تمام نموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۶ - ۶

۶ - خودشناسی و خداشناسی کافران در تنگنای عذاب جهنم

فی جهنّم خلدون . .. قالوا ربّنا غلبت علینا شقوتنا... ضالّین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۸ - ۲

۲ - حقارت و ذلت شدید کافران در دوزخ

قال اخسئوا فیها

<إخسأ> کلمه ای است که برای دور کردن سگ به کار می رود.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۷ - ۵

۵ - جایگاه کافران ، آتش است .

الذین کفروا . .. مأویهم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۴ - ۱

۱ کافران معاند با پیامبر (ص) ، در قیامت به روافتان به سوی جهنم برده شده و به آن افکنده خواهند شد .

الذین کفروا . .. الذین یحشرون علی وجوههم إلی جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۴ - ۶

۶ - عذابِ کافران منکر آیات خدا ، در جهنم قطعی است .

یستعجلونک بالعذاب و إنّ جهنّم لمحیطه بالکفرین

جمله اسمیه "إنّ جهنّم" و تأکید "إنّ" بر حتمیت عذاب، دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۸ - ۸

۸ - کافران ، جایگاه خاصی در جهنم دارند .

ألیس فی جهنّم مثوًی للکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۶ - ۲

۲ - ورود و ماندگاری کافران و تکذیب گران آیات خدا و لقاء اللّه ، به عذاب ، به صورت جبری است .

و أمّا الذين كفروا . .. فی العذاب محضرون

به صورت مفعولی آورده شدن احضار افراد یاد شده به جهنم و یا حاضـر بودن شان در آن، می تواند اشاره به نکته فوق داشـته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۵ - ۱،۲

۱ - کفرپیشگان ، همواره در آتش جهنم باقی خواهند ماند .

الكفرين و أعدّ

لهم سعيرًا . خلدين فيها

۲ - کافران ، در آتش جهنم ، هیچ یار و یاوری نخواهند داشت .

الکفرین . .. خلدین فیها أبدًا لایجدون ولیًّا و لانصیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۶ - ۱،۲،۴،۶،۸،۱۱

۱ - در روز بی یار و یاوری کافران ، صورت های آنان ، در آتش از این رو به آن رو ، چرخانده می شود ، تا خوب بسوزد .

لایجدون ولیًّا . .. یوم تقلّب وجوههم فی النار

بنابراین که <یوم> ظرف برای <لایجدون>باشد، نکته یاد شده به دست می آید.

۲ - در روز قیامت ، صورت های کافران ، در آتش ، بر اثر شدت حرارت ، منقلب شده ، به رنگ های گوناگون در می آید .

یوم تقلّب وجوههم

احتمال دارد که <تقلّب> به معنای <از این رو به آن رو شدن> باشد و احتمال دارد که به معنای < تحوّل و تغییر حالت کیفی> باشد که گاهی سیاه و گاهی زرد و . .. می شود. برداشت بالا، بنابر احتمال دوم است.

۴ - لازم است که روزی را که در آن ، کافران با آتش جهنم ، به سختی عذاب و سوزانده می شوند ، به خاطر داشت .

یوم تقلّب وجوههم فی النار

برداشت بنابراین احتمال است که نصب <یوم> به جهت مفعولٌ به بودن اش باشد. که باید فعل <اُذکر> در تقدیر باشد.

۶ - کافران ، در جهنم بر نیندوختن توشه ای برای آخرت خود ، حسرت می خورند .

الکفرین . .. یوم تقلّب وجوههم فی النار یقولون یلیتنا أطعنا اللّه و أطعنا الرسو

۸ - سختی و سوزش آتش

جهنم ، کافران را از عملکرد دنیوی شان پشیمان می کند .

یوم تقلّب وجوههم فی النار یقولون یلیتنا أطعنا اللّه

۱۱ - کافران ، در حال سوختن در آتش جهنم ، بر عملکرد گذشته خود در دنیا ، حسرت می خورند .

یوم تقلّب وجوههم فی النار یقولون یلیتنا أطعنا اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۳،۴،۵

۳ - کافران دوزخی ، برای همیشه زنده مانده و نمی میرند .

لهم نار جهنّم لایقضی علیهم فیموتوا

۴ - از عذاب کافران دوزخی ، هرگز کاسته نشده و به آنان تخفیف داده نمی شود .

لهم نار جهنّم . .. لایخفف عنهم من عذابها

۵ - محرومیت کافران از هرگونه راحتی و آسودگی در دوزخ

لهم نار جهنّم لایقضی علیهم فیموتوا و لایخفف عنهم من عذابها

از این که کافران دوزخی، هرگز نمی میرند تا درد و رنج عذاب را درک نکنند و نیز از عذاب آنان کاسته نمی شود، می توان مطلب یاد شده را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۸،۹

۸ - سرزنش شدید کافران از سوی خداوند در دوزخ ، به خاطر استفاده نکردن از فرصت مناسب عمر برای ایمان و دین داری

أوَلم نعمّرکم ما یتذکّر فیه من تذکّر

۹ - استغاثه و فریادخواهی کافران ، در دوزخ بی نتیجه است .

ربّنا أخرجنا نعمل صلحًا . .. أوَلم نعمّرکم ما یتذکّر فیه من تذکّر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - کافران ، در ناگوارترین وضعیت و محکوم به

آتش دوزخ در روز رستاخیز

فویل للذین کفروا من النار

کلمه <ویل> دلالت بر شدت بدی احوال می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۶ - ۱،۳

۱ - مشرکان و کافران در دوزخ ، از هر سو در محاصره آتش قرار خواهند داشت .

لهم من فوقهم ظلل من النار و من تحتهم ظلل

مقصود از سایبان هایی از آتش بر فراز کافران و زیر آنان، آتش فراگیر است که از هر سو آنها را محاصره کرده است; چنان که در سوره دیگری از این حقیقت به صراحت یاد شده است: <یوم یخشاهم العذاب من فوقهم و من تحت أرجلهم. ..>، (سوره عنکبوت (۲۹) آیه ۵۵).

۳ - شدت و فراوانی آتش جهنم ، در اطراف مشرکان و کافران

لهم من فوقهم ظلل من النار و من تحتهم ظلل

مقصود از آیه شریفه هر چه باشد، این نکته را نیز می رساند که آتش دوزخ بسیار شدید و زیاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۹

۹ - جهنم ، جایگاه همیشگی کافران

ألیس فی جهنّم مثوًی للکفرین

<مثوًی> اسم مکان از ماده <ثواء> به معنای اقامت توأم با استمرار است; یعنی، جایگاه همیشگی و دائمی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۱،۲،۳

۱ - کافران پس از حسابرسی اعمالشان ، دسته دسته و گروه گروه به دوزخ رانده خواهند شد .

و وضع الكتب . .. و وفّيت كلّ نفس ما عملت ... و سيق الذين كفروا إلى جهنّم زمرًا

<زمره> (مفرد <زمر>) به معنای

گروه و دسته است که به دنبال گروه و دسته ای دیگر باشند. بنابراین پیام آیه شریفه این می شود که کافران به چند دسته تقسیم شده; آن گاه دسته دسته به دنبال هم وارد دوزخ خواهند شد.

۲ - کفر ، دارای مراتب گوناگون است و کافران ، در درکات مختلف دوزخ جای دارند .

و سیق الذین کفروا إلی جهنّم زمرًا حتّی إذا جاءوها فتحت أبوبها

تقسیم شدن کافران به چند دسته و گروه و نیز ورود آنان از درب های گوناگون جهنم ، می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد.

۳ - وجود فاصله میان موقف کافران ، در محشر و دوزخ

و سیق الذین کفروا إلی جهنّم زمرًا

<سوق> (مصدر <سیق>) به معنای راندن و تحریک کردن به رفتن است. آمدن این واژه با حرف <إلی>، نشانگر وجود مسیری برای سوق دادن و راندن دوزخیان به سوی مقصدی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۲ - ۴

۴ - کافران ، در دوزخ جاودانه خواهند بود .

خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۱،۲،۳

۱ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در قیامت به آب داغ و پر حرارت افکنده خواهند شد .

یسحبون . فی الحمیم

یکی از معانی <حمیم>، آب داغ و پر حرارت است.

۲ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در انبوهی از آتش دوزخ سوزانده خواهند شد .

ثمّ فی النار یسجرون

<سجر> در اصل به معنای پر کردن تنور از آتش گیره برای بر افروختن و تقویت آتش آن است. اسناد فعل <یُسجرون>

به اشخاص، اسناد مجازی است. مقصود از آن فراگرفتن آتش زیاد بر تمامی وجود دوزخیان می باشد.

۳ – عذاب شدن کافران حق ستیز و ستیزه جو به آتش دوزخ ، پس از کیفر شدنشان با آب داغ و پر حرارت خواهد بود .

فی الحمیم ثمّ فی النار یسجرون

برداشت یاد شده از آمدن <ثمّ> که نوعاً برای تراخی زمانی است، استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۷۶ – ۱،۴

۱ – کافران حق ناپذیر و لجوج ، از درب های گوناگون وارد جهنم خواهند شد .

ادخلوا أبوب جهنّم

۴ – کافران حق ناپذیر و لجوج ، برای همیشه در جهنم خواهند ماند .

ادخلوا أبوب جهنّم خلدین فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۳۴ – ۶

۶ – آتش ، تنها پناهگاه و گریزگاه کافران در قیامت

و مأویکم النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۲۰ – ۱

۱– قرار گرفتن کافران ، در معرض آتش دوزخ در قیامت

و یوم یعرض الذین کفروا علی النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۳۴ – ۲،۳

۲- روز قیامت ، روز عرضه شدن کافران بر آتش دوزخ

و یوم یعرض الذین کفروا علی النار

۳- آتش جهنم ، مهیای پذیرش کافران در رستاخیز *

و یوم یعرض الذین کفروا علی النار

از واژه <یعرض>، نوعی تقاضا و آمادگی، از طرف مقابل استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۸

۸- آتش

دوزخ ، جایگاه کافران لذّت طلب و شکمباره

یتمتّعون و یأکلون . .. و النار مثوًی لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۳ - ۵

۵ - نقش عوامل الهی ، در مهیّا شدن دوزخ برای کافران *

فإنّا أعتدنا للکفرین سعیرًا

ضمیر متکلم مع الغیر، در <إنّا> و <أعتدنا> را می توان بیانگر نقش عوامل و کارگزاران الهی در تحقّق اراده او دانست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۴ - ۳

۳ دوزخ ، فرجام هر کفرپیشه معاند حق ستیز

ألقیا فی جهنّم کلّ کفّار عنید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۲ - ۱

۱ - وعده بهشت به متقین ، همپای تهدید کافران به جهنم

یوم نقول لجهنّم . .. و أُزلفت الجنّه للمتّقین ... هذا ما توعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۳ - ۱

۱ - قیامت ، روز گداخته شدن کافران در آتش دوزخ

یوم هم علی النار یفتنون

<فتنه> در اصل به عمل گداختن طلا و نقره در آتش برای خالص شدن خوب از بد گفته می شود. در این جا مقصود بیان

شدت عذاب کافران است و این که آنان چونان طلا و نقره در آتش دوزخ گداخته خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۸ - ۳

۳ - شکنجه روحی کافران در دوزخ ، علاوه بر شکنجه جسمی آنان

یسحبون . .. ذوقوا مسّ سقر

امر در <ذوقوا> برای تهکم و استهزا است. به استهزا

گرفته شدن دوزخیان از سوی مأموران الهی در مقایسه با عذاب جسمی آنان شکنجه روحی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۵ - ۳،۶،۷

۳ - آتش دوزخ ، اقامتگاه دائمی کافران و منافقان

مأویکم النار

<مأوی> به معنای مسکن می باشد. جمله اسمیه بیانگر دوام و ثبات است.

۶ - آتش دوزخ ، تنها یاور کافران و منافقان

هی مولیکم

۷ - دوزخ ، جایگاه نهایی کافران و منافقان

فالیوم لایؤخذ منکم فدیه و لا من الذین کفروا. .. و بئس المصیر

<مصیر> (معادل <مرجع>) و به جایگاهی گفته می شود که حرکت به آن جا منتهی می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۱۱،۱۲

۱۱ - کافران و تکذیب گران آیات الهی ، اهل دوزخ اند .

و الذین کفروا و کذّبوا بایتنا أُولئک أصحب الجحیم

۱۲ - دوزخ ، جایگاه ابدی کافران و تکذیب گران بوده و آنان هرگز از آن رهایی نخواهند یافت .

أُولئک أصحب الجحیم

<صاحب> (مفرد <أصحاب>) به معنای یار و ملازم است. بنابراین <أصحاب الجحیم>; یعنی، کسانی که با دوزخ یار و ملازم بوده و هرگز از آن جدا نخواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۱۷ – ۱،۳

۱ – شیطان و پیروان کافر او ، دارای فرجامی همگون و هر دو مخلد در آتش

فکان عقبتهما أنّهما فی النار خلدَین فیها

۳ – کافران و منافقان همراز ایشان ، دارای فرجامی همگون در آتش دوزخ

فکان عقبتهما أنّهما فی النار خلدَین فیها

از تشبیه کافران و منافقان به شیطان و پیراون

او در آیه قبل، برداشت یاد شده از این آیه استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۷ - ۱،۴

۱ - اعلام پذیرفته نشدن هیچ عذری از کافران دوزخی در قیامت

یأیّها الذین کفروا لاتعتذروا الیوم

۴ - دوزخی شدن کافران ، جزای کردار خود آنان است .

إنّما تجزون ما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۸،۹

۸ - دوزخ ، جایگاه و مأوای کافران و منافقان است .

و مأویهم جهنّم

۹ - جایگاه و سرنوشت منافقان و کافران ، در قیامت یکسان است .

و مأویهم جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - همسران نوح و لوط ، همانند کافران از دوزخیان اند .

و قیل ادخلا النار مع الدخلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۷ - ۱

۱ - کافران ، از هنگام افکنده شدنشان در دوزخ ، با ناخوشایندترین صدا ها روبه رو خواهد شد .

إذا أَلقوا فيها سمعوا لها شهيقًا

<شهيق>، به معنای زشت ترین و ناخوشایندترین صداها است(لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۸ - ۴

۴ - سرزنشِ نگهبانان دوزخ ، شکنجه و عذاب روحی برای کافران دوزخی است .

سألهم خزنتها ألم یأتکم نذیر

سرزنش نگهبانان دوزخ از کسانی که خود در آتش دوزخ می سوزند و شکنجه می شوند، می توانند شکنجه دیگری برای آنان از جهت روحی باشد.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۹ – ۱،۴،۶

۱ – اعتراف کافران در دوزخ ، به آمدن پیامبران انذار کننده برای آنان

ألم یأتکم نذیر . قالوا بلی قد جاءنا نذیر

۴ – اعتراف کافران در دوزخ ، به تکذیب عمدی و آگاهانه خویش ، نسبت به پیامبران و ادیان الهی

قالوا بلی قد جاءنا نذیر فکذّبنا و قلنا ما نزّل اللّه من شیء

۶ – پیامبران ، متهم به گمراهی شدید از سوی کافران محکوم به دوزخ

إن أنتم إلّا فی ضلل کبیر

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که جمله <إن أنتم. ..> دنباله اعتراف های کافران باشد. گفتنی است که صفت <کبیر> (برای <ضلال>) اشاره به شدّت و نهایت گمراهی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۱۰ – ۲

۲ – گوش دل نسپردن به سخنان پیامبران و تعقّل نکردن درباره آنها ، عامل دوزخی شدن کافران

و قالوا لو کنّا نسمع أو نعقل ما کنّا فی أصحب السعیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۱۱ – ۱

۱ – اعتراف کافران در دوزخ به گناه و تقصیر خویش درباره دین

فاعترفوا بذنبهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۱۵ – ۱

۱ - ظالمان و منحرفان از حق ، هیزم جهنم اند .

و أمّا القسطون فکانوا لجهنّم حطبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۳ - ۴

۴ - < عن عقیل الخُزاعیّ ، أنّ أمیرالمؤمنین (ع) . . . یقول : تعاهَدوا الصّلاةَ

و حافظوا عليها و استكثروا منها و تقرَّبوا بها فإنّها كانت على المؤمنين كتاباً موقوتاً و قد علم ذلك الكفّارُ حين سُئِلوا ما سلككم فى سقر ؟ قالوا : لم نک من المصلّين ;

از عقيل خزاعى روايت شده كه اميرالمؤمنين(ع) فرمود: . ..مواظب نماز باشيد و بر آن محافظت نماييد و انجام آن را افزون كنيد و با نماز به [خدا] تقرّب جوييد. چون نماز، وظيفه ثابت و معينى براى مؤمنان است; اين را كافران نيز مى دانند; آن زمان كه از آنان سؤال شود: <چه چيز شما را به دوزخ وارد ساخت>؟ گويند: ما از نمازگزاران نبوديم...>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۴ - ۴

۴ - كافران ، از هر گونه راحتى و آسايش در دوزخ محروم اند .

إنّا أعتدنا للكفرين سلسلاْ و أغللاً و سعيرًا

از كيفيت عذاب شدن كافران ناسپاس (غل و زنجير شدن آنان در دوزخ)، مطلب ياد شده به دست مى آيد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴ - ۵

۵ - < عن أبى جعفر (ع) فى قوله < فالسابقات سبقاً > يعنى أرواح المؤمنين تسبق أرواحهم إلى الجنّه . . . و أرواح الكافرين إلى النار ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <فالسابقات سبقاً> روايت شده است، مراد ارواح مؤمنان است كه به سوى بهشت [بر يكديگر]سبقت مى گيرند. .. و [نيز]ارواح كافران كه به سوى آتش [سبقت مى گيرند]>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۲ - ۵

- ۵

نامه عمل کافر ، از پشت سر به او داده شده و آتش دوزخ فرجام او خواهد بود .

و أمّا من أوتی کتبه وراء ظهره . .. و یصلی سعیرًا ... بل الذین کفروا

ارتباط مجموع آیات سوره با یکدیگر، اقتضا می کند که دو دسته آخر سوره (الذین کفروا) و (الذین آمنوا)، همان دو دسته قبل باشند که با عنوان <من اُوتی کتابه بیمینه> و <من اُوتی کتابه وراء ظهره> از آنان یاد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۶ - ۱،۶

۱ - کافران به اسلام چه اهل کتاب باشند و چه مشرک به آتش جهنم ، گرفتار خواهند شد .

إنّ الذین کفروا من أهل الکتب و المشرکین فی نار جهنّم

۶ - عذاب جهنم برای کافران ، جاودانه و پایان ناپذیر است .

فی نار جهنّم خلدین فیها

کافران هنگام ورود به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۴،۵،۸،۲۳

۴ - باز شدن درب های دوزخ ، هنگام نزدیک شدن کافران به آن

حتّی إذا جاءوها فتحت أبوبها

۵ - درب های دوزخ ، پیش از آمدن کافران بسته است .

حتّی إذا جاءوها فتحت أبوبها

۸ - کافران به هنگام رسیدن به درب های دوزخ ، مورد سرزنش نگهبانان و دربانان قرار خواهند گرفت .

و قال لهم خزنتها ألم یأتکم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که همزه در <ألم یأتکم> برای استفهام توبیخی می باشد.

۲۳ – اعتراف کافران به کفر خویش و سزاوار عذاب بودن خود ، در آستانه ورود به دوزخ

قالوا بلی و لکن

حقّت کلمه العذاب علی الکفرین

برداشت یاد شده بر این اساس مبتنی است که جمله <لکن حقّت کلمه العذاب علی الکافرین> ادامه کلام کافران دوزخی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۲ - ۱،۲

۱ - کافران ، پس از توقّفی چند در آستانه در های دوزخ برای پاسخ به پرسش های دربانان ، به ورود در آن فرمان خواهند یافت .

قال لهم خزنتها ألم یأتکم رسل . .. قالوا بلی ... قیل ادخلوا أبوب جهنّم

۲ - ورود کافران به دوزخ ، از درب های گوناگون خواهد بود .

قیل ادخلوا أبوب جهنّم

کافران هنگام ورود در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۴

۴- اقرار گرفتن خداوند از کافران ، هنگام مواجهه آنان با آتش دوزخ ، درباره حقانیت تهدید های وحی

و یوم یعرض . .. ألیس هذا بالحقّ

به قرینه صدر آیه <هذا> اشاره به آتشی است که کافران در معرض آن قرار گرفته اند.

کم فروشان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱ - ۲

۲ - جهنم ، جایگاه کم فروشان است .

ویل للمطفّفین

<ویل> را برخی به معنای دره ای خاص در جهنم، یا یکی از درهای آن دانسته اند. (لسان العرب).

کوههای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۹ - ۱۳

۱۳- < عن أبی الحسن موسی بن جعفر (ع) : . . . قال عزّوجلّ : < . . .فسوف یلقون غیّاً > و هو

جبل من صفر یدور فی وسط جهنم ;

از امام موسی بن جعفر(ع) روایت شده که.. خداوند عزّوجلّ فرمود: " ... فسوف یلقون غیّاً" و آن [غیّ]کوهی است از مس زرد که در وسط جهنم می چرخد".

۱ . تأویل الأیات الظاهره، ص ۲۹۸;

تفسیربرهان، ج ۳، ص ۱۸، ح ۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۷ - ۳

۳ - < عن النبیّ (ص) قال : الصَّعود جبلٌ فی النّار یَصْعَدُ فیه الکافرُ سبعین خَریفاً ثمّ یَهْوی و هو کذلک فیه أبداً ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: <صعود>، کوهی است در آتش جهنم که کافر به مدت هفتاد پاییز (در زمانی به مدت هفتاد سال) بر آن بالا می رود. سپس از آن بالا سقوط می کند و او در جهنم همیشه و تا ابد کارش همین است>.

کیفر تکذیب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ - تکذیب همواره قیامت و جهنم ، موجب عذابی سخت است .

ذوقوا عذاب النار الذی کنتم به تکذّبون

کیفر مکذبان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۷ - ۴

۴ - عذاب جهنم ، کیفر تکذیب کنندگان آن

ثمّ یقال هذا الذی کنتم به تکذّبون

کیفیت القای کافران در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۲۴ – ۱

۱ دو فرشته موکّل بر کافران معاند ، مأمور افکندن آنان به دوزخ

ألقیا فی جهنّم کلّ کفّار عنید

دو فرشته ای که مخاطب

<ألقيا> قرار می گیرند; یا <رقیب> و <عتید>ند که در دنیا همراه انسان بودند و یا <سائق> و <شهید>اند که در صحنه قیامت آدمی را همراهی خواهند کرد.

کیفیت ورود به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۷،۸،۹

۷ جهنمیان به صورت امتهایی مجزا از یکدیگر وارد دوزخ می شوند.

کلما دخلت أمه لعنت أختها

۸ ورود دوزخیان به جهنم، تدریجی و گروه گروه خواهد بود.

کلما دخلت أمه لعنت أختها

۹ ورود رهبران اغواگر در دوزخ، قبل از پیروانشان

کلما دخلت أمه . .. قالت أخریهم لأولیهم ربنا هؤلاء أضلونا

مراد از <أمت أخری> به دلیل سخن آنان (ربنا هؤلاء أضلونا) گروه پیرو هستند. در نتیجه مراد از <اولی> سران شرک و کفر خواهد بود. و تعبیر از آن دو طایفه به <اولی> و <أخری> می تواند به لحاظ تقدیم و تأخیر آنان در ورود به جهنم باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۴ - ۱

۱ کافران معاند با پیامبر (ص) ، در قیامت به روافتان به سوی جهنم برده شده و به آن افکنده خواهند شد .

الذین کفروا . .. الذین یحشرون علی وجوههم إلی جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۱

۱ - کافران پس از حسابرسی اعمالشان ، دسته دسته و گروه گروه به دوزخ رانده خواهند شد .

و وضع الكتب . .. و وفّيت كلّ نفس ما عملت ... و سيق الذين كفروا إلى جهنّم زمرًا

<زمره> (مفرد <زمر>) به معنای گروه

و دسته است که به دنبال گروه و دسته ای دیگر باشند. بنابراین پیام آیه شریفه این می شود که کافران به چند دسته تقسیم شده; آن گاه دسته دسته به دنبال هم وارد دوزخ خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۶ - ۱

۱ - کافران حق ناپذیر و لجوج ، از درب های گوناگون وارد جهنم خواهند شد .

ادخلوا أبوب جهنّم

کیفیت ورود ظالمان به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۲ - ۳

۳- خداوند ، ستم پیشگان را در جهنم ، به صورت زانو بر زمین زده ، ر ها خواهد ساخت .

و نذر الظلمین فیها جثیًّا

<جثیّ>; یعنی، بر زانونشستگان، این گونه نشستن، نمودی از دلهره و حقارت و ناتوانی است.

کیفیت ورود کافران به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۸ - ۲

۲ - کافران ، فوج فوج و دسته دسته به دوزخ افکنده خواهند شد .

کلّما أُلقی فیها فوج سألهم خزنتها

کیفیت ورود کافران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۲،۱۱

۲- سوق داده شدن کافران به سوی دوزخ ، به تدریج و همراه با سرزنش و توبیخ

و یوم یعرض الذین کفروا علی النار أذهبتم طیّبتکم

از این که کافران نخست بر آتش عرضه می شوند و همراه با آن زشت کاری گذشته شان به رخ آنان کشیده می شود، مطلب بالا استفاده می شود.

۱۱- عرضه کافران بر آتش ، همراه با سرزنش

و توبیخ ، گوشه ای از عذاب ذلّت بار آنان *

یوم یعرض . .. أذهبتم طیّبتکم فی الحیاتکم الدنیا و استمتعتم بها فالیوم تجزون عذا

برداشت بالا بدان احتمال است که نفس عرضه کافران بر آتش و توبیخ آنان، خود جزئی از عذاب خفّت بار آنان باشد.

کیفیت ورود گناهکاران به جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۸۶ – ۲

۲– زبونی و خواری مجرمان در قیامت ، به هنگام رانده شدن به طرف دوزخ

و نسوق المجرمین إلی جهنّم وردًا

<نسوق> و < ورداً> در این آیه، در مقابل <نحشر> و <وفداً> در آیه پیشین است. تعبیرات یاد شده در آن آیه حکایت از احترام و تجلیل داشت و در این آیه (به قرینه مقابله و بیان حالت تشنگی مجرمان و نیز تعبیر <نسوق>) حکایت از ذلت و زبونی آنها در صحنه قیامت دارد.

کیفیت ورود گناهکاران در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۴۸ – ۱،۲

۱ – قیامت ، روز کشانده شدن مجرمان بر صورت هاشان در آتش دوزخ

یوم یسحبون فی النار علی وجوههم

<سحب> (مصدر مجهول <یسحبون>) به معنای کشانده شدن است.

۲ – کشیده شدن مجرمان ، با صورت در آتش به منظور چشیدن هرچه بیشتر طعم عذاب

یوم یسحبون فی النار علی وجوههم ذوقوا مسّ سقر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۴۱ – ۴

۴ – پا ها و مو های جلوی سر مجرمان ، در چنگ مأموران قیامت (برای افکندن در دوزخ)

فیوخذ بالنوصی و الأقدام

کیفیت ورود مشرکان

به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۶ - ۱،۳

۱- مجرمان شرک پیشه ، در قیامت لب تشنه و عطشان به سوی جهنم رانده خواهند شد .

و نسوق المجرمین إلی جهنّم وردًا

از جمله معانی بیان شده برای <وِرد> عطش است (لسان العرب). < ورداً> در این آیه با تأویل به مشتق حال برای <المجرمین> است؛ یعنی، مجرمان را در حالی که تشنه اند، به جهنم می رانیم. برخی از اهل لغت و تفسیر <وِرد> را به معنای گروهی که بر لب آب می روند، گرفته و آن را کنایه از تشنه کامی آنان دانسته اند.

۳- رانده شدن ذلیلانه مشرکان به سوی دوزخ ، نمودی از بی ثمر بودن شرک و ضدیت معبودهایشان با آنهاست .

و یکونون علیهم ضدًّا . .. یوم نحشر ... و نسوق المجرمین

در آیات پیشین، سخن از بی ثمر بودن پرستش های شرک آلود مشرکان و تأثیر منفی آن بر فرجام اخروی آنان بود؛ در این آیه نیز می تواند بیان مصداقی از همان معنا باشد؛ خصوصاً اگر <یوم> در <یوم نحشر> متعلق به <یکونون> باشد.

گرزهای آهنین جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۱ - ۱،۲

۱ - گرز های آهنین ، یکی دیگر از ابزار شکنجه اهل دوزخ

و لهم مقمع من حدید

۲ - شرک پیشگان منکر ربوبیت خدا ، سزاوار گرز های آهنین در دوزخ

و لهم مقمع من حدید

<مقمعه> (مفرد <مقامع>) به معنای گرز است. پس <مقامع من حدید>؛ یعنی، گرزهای آهنین.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١١ - حج

- ۲۲ - ۲۲ - ۲،۳

۲ - دوزخیـان هر وقـت بر اثر التهـاب و غلیـان آتش ، از قعر دوزخ بالاـ آورده شونـد ، بـا گرز هـای آهنیـن دوبـاره بـه قعر آن بازگردانده خواهند شد .

و لهم مقمع من حدید . کلّما أرادوا أن یخرجوا منها من غمّ أُعیدوا فیها

۳ - وجود مأمورانی با گرز های آهنین در دوزخ

و لهم مقمع من حدید . کلّما أرادوا... أُعیدوا فیها

<اعیـدوا> فعـل مجهول و فاعـل آن محـذوف است و تقـدیر آن بـا توجه به آیه پیش (لهم مقامع من حدیـد) چنین می شود: <کلّمـا أرادوا أن یرجوا. .. اعـادتهم الخزنه بالمقامع فیها; اهل دوزخ هر وقت خواسـتند از دوزخ بیرون آینـد مأموران دوزخ با گرزهای آهنین، آنان را به داخل دوزخ بازمی گردانند>.

گرسنگی در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۲ - ۳

۳ - اهل دوزخ (اصحاب شمال) ، برای رفع گرسنگی ناچار به تغذیه از درخت زقوم خواهند بود .

لأکلون من شجر من زقّوم

آوردن <لاـم> تأکیـد، بیـانگر آن است که تغـدیه اهـل دوزخ از <زقّوم> تردیدناپـذیر است; زیرا آنان برای رفع گرسـنگی چاره ای جز آن ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۳ - ۱

۱ - دوزخیان از فرط گرسنگی به پر کردن شکم خود از میوه < زقّوم > می پردازند .

فمالون منها البطون

گشودن دربهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۴

۴ - باز شدن درب های دوزخ ، هنگام نزدیک شدن کافران

به آن

حتّی إذا جاءوها فتحت أبوبها

گمراهان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۱ - ۱،۶

۱ دوزخ ، جایگاه و فرجام گمراهان و فریب خوردگان از شیطان

أولئک ماویهم جهنم و لایجدون عنها محیصاً

۶ ورود گمراهان و فریب خوردگانِ از شیطان به جهنم ، حتمی است .

و ما یعدهم الشیطن الا غروراً. أولئک ماویهم جهنم و لایجدون عنها محیصاً

بنابر اینکه جمله <لایجدون . ..> بیان و تأکید حقیقتی باشد که جمله <ماویهم جهنم> آن را افاده می کند. یعنی آنان که دارای صفات ذکر شده هستند، راهی جز ورود به جهنم ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۴ - ۳

۳- جهنّم ، دارای هفت درکه (طبقات زیرین) است و هر گروهی از گمراهان در درکه مخصوص و طبقه مشخصی جای دارند .

لها سبعه أبوب لکلّ باب منهم جزء مقسوم

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مقصود از <أبواب> معنای کنایی آن باشد; زیرا هر دری، نوعاً به سوی مکانی خاص گشوده می شود و به جایی مستقل منتهی خواهد شد و مؤید این معنا، عبارت بعدی است که هر بابی، برای گروهی از گمراهان تعیین شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۷ - ۱۰

۱۰- مأوا و جایگاه گمراهان حق ناپذیر ، دوزخ است .

مأوهم جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۱ - ۱،۵

۱ - قیامت روز نمودار شدن دوزخ برای گمراهان

و برّزت الجحیم للغاوین

۵

- دوزخ ، جایگاه گمراهان

و برّزت الجحیم للغاوین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۵ - ۱

۱ - افکنده شدن همه سپاهیان ابلیس در دوزخ ، به همراه گمراهان مشرک و معبود های باطلشان

فکبکبوا فیها . .. و جنود إبلیس أجمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۶ - ۱

۱ - مشاجره و دشمنی ، گمراهان (مشرکان) با یکدیگر در دوزخ

قالوا و هم فیها یختصمون

ضمیر فاعلی در <قالوا> و نیز ضمیر <هم>، به <غاوون> بازمی گردد. جمله <و هم فیها یختصمون> حال از ضمیر در <قالوا> و <اختصام> (مصدر <یختصمون>) به معنای جدال و ستیزه کردن است; یعنی، شرک پیشگان گمراه، در حالی که در دوزخ باهم ستیزه می کنند، به معبودهایشان خواهند گفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۷ - ۲

۲ - آتش دوزخ ، تنها عامل تسلیم گمراهان لجوج در برابر حق

قالوا و هم فیها یختصمون . تاللّه إن کنّا لفی ضلل مبین

برداشت یاد شده از آن جا است که اعتراف حق ستیزان، تنها در جهان آخرت و آن هم در داخل دوزخ صورت می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۶ - ۲

۲ - جاودانگی ظالمان و گمراهان ، در دوزخ ، نتیجه محرومیت آنان از ولایت خدا و تکیه بر ولایت غیر او است .

إنّ الظلمين فى عذاب مقيم . و ما كان لهم من أولياء

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸

- واقعه - ۵۶ - ۹۴ - ۱

۱ - چشیدن عذاب آتش دوزخ ، فرجام نهایی تکذیب گران گمراه

و أمّا إن کان من المکذّبین الضالّین . .. و تصلیه جحیم

<صَلْی> (مبدأ اشتقاق <تصلیه>) در معانی چشیدن، بریان شدن و افتادن به کار می رود. بنابراین <تصلیه جحیم> می تواند به معنای چشیدن آتش دوزخ، بریان شدن به وسیله آن و یا افتادن در آن باشد. برداشت بالاـ ناظر به معنای اول <تصلیه> است.

گناهکاران در آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۵ - ۲

۲ - آتش شعلهور و خالص ، عذاب و کیفر مجرمان در آخرت

إنّها لظی

واژه <لظی> هم در معنای آتش شعلهور و خالص به کار می رود و هم می تواند عَلَم و اسم برای دوزخ باشد. برداشت یاد شده، براساس کاربرد نخست است.

گناهکاران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۵

۱۵ - گنهکاران در قیامت ، علاوه بر آتش دوزخ به عذاب های روحی نیز گرفتار خواهند شد .

و لایکلمهم اللّه یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۷ - ۹

۹ زشت کرداران ، اهل دوزخ هستند و در آن جاودانه خواهند ماند .

و الذین کسبوا السیئات . .. أولئک أصحب النار هم فیها خلدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۱۳ – ۵،۶،۱۴

۵ – وعده خداوند به انباشتن دوزخ از مجرمان جِنّی و اِنْسی ، وعده ای حق و تخلف ناپذیر

است .

و لكن حقّ القول منّى لأملأنّ جهنّم من الجِنّه و الناس أجمعين

۶ - سوگند خداوند به انباشتن جهنم از مجرمان جنّى و انسى

و لكن حقّ القول منّى لأملأنّ جهنّم من الجِنّه و الناس

لام در <لأملأنّ> براى قسم است و حكايت ازآن دارد كه <القول> در فراز قبلى، سوگند است.

۱۴ - همه مجرمان جنّى و انسى ، در جهنم گرد مى آيند .

لأملأنّ جهنّم من الجِنّه و الناس أجمعين

قيد <أجمعين> به قرينه اين كه كسانى وجود دارند كه به جهنم نخواهد رفت، عموم افرادى نيست، بلكه مفيد عموم در نوع است. لازم به ذكر است كه <ال> در <الجِنّه> و <الناس> عهد بوده و اشاره به افرادى خاص كه همانا مجرمان اند دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۳ - ۶

۶ - اسراف گران و افراط كنندگان در گناه و حق ستيزى ، اهل دوزخ اند .

و أنّ المسرفين هم أصحب النار

<اسراف> به معناى افراط است و مقصود از <مسرفين> در آيه شريفه، كسانى اند كه در گناه و حق ستيزى افراط مى كنند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۴ - ۱

۱ - گناهكاران ، در عذاب جهنم ماندگاراند .

إنّ المجرمين فى عذاب جهنّم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۷ - ۳

۳- کشانده شدن اجباری گنه کاران با خفّت و خواری به سوی مرکز دوزخ

خذوه فاعتلوه إلی سواء الجحیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۴۸ –

۱- مأموران دوزخ ، موظف به شکنجه گناه پیشگان در وسط دوزخ

ثمّ صبّوا

۴- گنه کاران دوزخی ، از درون و بیرون و از هر سو مبتلا به عذاب و شکنجه خواهند بود .

إنّ شجرت الزقّوم . .. کالمهل یغلی فی البطون ... خذوه ... ثمّ صبّوا فوق رأسه من ع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۴۷ – ۱۰۵

۱ – مجرمان ، در روز قیامت دچار سردرگمی و حیرت و گرفتار عذاب آتش برافروخته دوزخ

إنّ المجرمین فی ضلل و سعر

آیه شریفه به دلیل ارتباط با قبل و بعد که در زمینه قیامت است نظر به وخامت حال مجرمان در آن روز دارد. گفتنی است که در برداشت بالا <سعر>، جمع <سعیر> (آتش ملتهب) گرفته شده است.

۵ – مجرمان ، گمراهان از راه حق در دنیا و مبتلا به شعله های آتش در قیامت *

إنّ المجرمین فی ضلل و سعر

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <فی ضلال>، نظر به گمراهی دنیوی و <سعر> نظر به عذاب اخروی داشته باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۴۲ – ۱۰۲

۱ – پرسوجوی اصحاب الیمین ، از عوامل دوزخی شدن مجرمان

یتساءلون . عن المجرمین . ما سلککم فی سقر

۲ – دوزخ ، جایگاه جرم پیشگان

عن المجرمین . ما سلککم فی سقر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۴ - ۱

۱ - آتش دوزخ ، جایگاه فاسقان و گنه پیشگان و کیفر کردار آنان است .

و إنّ الفجّار لفی جحیم

<فجور>; یعنی، دریدن پرده

دیانت (مفردات راغب). از معانی دیگر <فجور>، فسق و عصیان است. (قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۲ - ۴

۴ - طغیان گران و گناه کاران ، در قیامت به جهنم و عذاب الهی گرفتار خواهند شد .

ویل یومئذ للمکذّبین . .. و ما یکذّب به إلّاکلّ معتد أثیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۶ - ۱

۱ - تکذیب کنندگان قرآن و قیامت و گناه کارانِ متجاوز ، به حرارت شدید جهنّم گرفتار شده و در آن خواهند سوخت .

ثمّ إنّهم لصالوا الجحیم

<صالوا> که قبل از اضافه به <جهیم>، <صالون> (جمع <صال) بوده است ; یعنی، کسانی که با رنج و مشقت حرارت آتش را می چشند و در آن می سوزند. در لسان العرب آمده است: صَلِی بالنار و صَلِیَها صَلْیاً قاسی حرّها (حرارت آتش را با رنج و مشقت چشید) و صَلِیَ فلانٌ بالنار یَصْلی صُلِیّاً احترق (سوخت).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۸ - ۴

۴ - دروغ گویان و گنه کاران ، در آخرت با برخورد شدید مأموران الهی مواجه شده و به سوی جهنم رانده خواهند شد .

ناصیه کذبه خاطئه . .. سندع الزبانیه

گناهکاران و جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۳ - ۱

۱ - معرفی دوزخ به مجرمان دوزخی ، از روی استهزا و تمسخر

یعرف المجرمون بسیمهم . .. هذه جهنّم

گواهی نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۷۱ – ۱۰

۱۰ – اعتراف کافران در حضور نگهبانان و دربانان دوزخ ، به آمدن پیامبران تلاوت گر آیات خداوند و انذارگران الهی برای هدایت آنان

ألم یأتکم رسل منکم یتلون علیکم ءایت ربّکم و ینذرونکم لقاء یومکم هذا

گیاه خاردار جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۶ – ۲

۲ – تنها خوراک موجود برای برخی از دوزخیان ، گیاه خاردار و بی ارزش و بدبوی جهنم است .

لیس لهم طعام إلاّ من ضریع

<ضریع> (از ریشه <مضارعه> به معنای <مشابهه>) خاری است که شتر آن را، از خارهای مشابه تشخیص نمی دهد و خوردن آن به او صدمه می زند و سودی نمی رساند (مجمع البیان). برخی آن را خار ساقه و تنه درخت خرما و برخی دیگر، گیاه بدبویی دانسته اند که بر اثر موج دریا بیرون می افتد. این کلمه به معنای پوشش نازک روی استخوان نیز استعمال شده است. (قاموس)

لجاجت مکذبان جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۴ – ۲

۲ – پافشاری مستمر تکذیب گران در دنیا ، بر انکار قیامت و عذاب دوزخ

هذه النار الّتی کنتم بها تکذّبون

جمله <کنتم بها تکذّبون> ماضی استمراری و بیانگر آن است که کافران تکذیب گر; هرگز حاضر نشده اند حقایق مربوط به جهان آخرت را بپذیرند; بلکه مصرانه آن را انکار می کنند.

لظی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۲۴

۲۴ - < عن أميرالمؤمنين (ع) إنّ جهنم لها

سبعه أبواب ، أطباق بعضـها فوق بعض . . . و وضع النيران بعضـها فوق بعض فأسـفلها جهنّم ، و فوقها لظی و فوقها الحطمه فوقها سقر ، و فوقها الجحیم و فوقها السعیر و فوقها الهاویه ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شـده است: جهنم هفت در ورودی دارد که آنهـا به صورت طبقاتی بر یکـدیگر قرار گرفته انـد. .. و آتش هـا بعضـی بر بالای بعضـی دیگر قرار دارد کـه طبقه زیرین آن جهنم است و طبقـات بالاـتر آن [به ترتیب] لظی، حطمه، سقر، جحیم، سعیر و هاویه می باشد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۵ - ۳

۳ - < لظی > (آتش شعلهور و خالص) ، از نام های دوزخ

إنّها لظی

لعن در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۵

۵ هر امتی پس از ورود به جهنم، امت هم مسلک خویش را لعنت می کند و بر او نفرین می فرستد.

کلما دخلت أمه لعنت أختها

مالک آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۶ - ۳

۳ - خداوند ، مالک و صاحب اختیار آتشی است که در قیامت ، زراندوزان غیبت کننده و عیب جو را درهم می شکند .

و ما أدریک ما الحطمه . نار اللّه

<نار اللّه>، خبر است برای ضمیر محذوف که به <الحطمه> برمی گردد.

مانعان خیر در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۵ - ۱

۱ سدکنندگان راه ارزش ها

و تجاوزگران و شکّاکان در حق ، محکوم به آتش دوزخ

ألقیا فی جهنّم کلّ . .. منّاع للخیر معتد مریب

مبدأ آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۷ - ۶

۶ - سوختن انسان در آتش جهنم ، از درون او آغاز خواهد شد .

الّتی تطّلع علی الأفئده

ریشه <اطلاع> (طاء و لام و عین)، بر ظهور و بروز دلالت دارد (مقاییس اللغه). ظاهر شدن آتش جهنم بر قلب، حاکی از نقطه شروع آن است.

متجاوزان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۰ - ۸

۸ وارد نمودن تجاوزکاران و ستمگران به دوزخ و بریان کردن آنان ، کاری آسان برای خداوند

و من یفعل ذلک عدواناً و ظلماً . .. و کان ذلک علی اللّه یسیراً

<صلی> از مصدر <صَلْی>، و به معنای بریان کردن است. (القاموس المحیط).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۵ - ۱

۱ سدکنندگان راه ارزش ها و تجاوزگران و شکّاکان در حق ، محکوم به آتش دوزخ

ألقیا فی جهنّم کلّ . .. منّاع للخیر معتد مریب

متخلفان از جهاد در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۱۲

۱۲ دوزخ ، جایگاه و فرجام نهایی منافقان متخلف از جهاد

مأويهم جهنم

متکبران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۶ - ۱۴

۱۴ جهنّم ، اقامتگاه شومی برای متکبران و مفسدان

اخذته العزّه بالاثم فحسبه جهنّم و لبئس

المهاد

مجرمان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴۱ - ۱،۳

۱ مجرمان در احاطه آتش دوزخ، از زیر پا و فراز سر

لهم من جهنم مهاد و من فوقهم غواش

<مهاد> به معنای بستر گسترده است و <غواش> (جمع غاشیه) به معنی ساتر و رواندار، عطف بر <مهاد> است و <من فوقهم> حال برای آن. یعنی: لهم من جهنم غواش من فوقهم.

۳ دوزخ، محیطی بسته و خفقان زا برای مجرمان

لهم من جهنم مهاد و من فوقهم غواش

جمع آوردن کلمه <غواش> و مقید کردن آن به <من فوقهم> حکایت از برداشت فوق دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۵ - ۲

۲ - اندوه سنگین و یأس آلود مجرمان در جهنم

لایفتّر عنهم و هم فیه مبلسون

<إبلاس> (مصدر <مبلسون>) به معنای اندوه ناشی از یأس است. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۶ - ۱

۱ - جاودانگی مجرمان در دوزخ ، نتیجه ظلم آنان به خودشان

و ما ظلمنهم

محدوده حرکت در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۴ - ۴

۴ - دوزخیان ، دارای توان و اختیاری محدود برای حرکت و جابه جایی در دوزخ *

یطوفون بینها و بین حمیم ءان

محرومان از تخفیف گرمای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۴ - ۱

۱ - طغیان گران در دوزخ ، از هر گونه احساس خنکی و تخفیف حرارت سوزان جهنم ،

محروم خواهند بود .

لایذوقون فیها بردًا

<ذوق>; یعنی، درک مزه (مصباح)، این واژه در رابطه با اجسام به طور حقیقت و در مورد معنویات، به طور مجاز استعمال می شود. در آیه شریفه بین معنای حقیقی و مجازی آن جمع شده است; زیرا تعبیر چشیدن برای احساس سردی مجاز است. مراد از <بَرْد> به قرینه تقابل آن با نوشیدنی هر گونه احساس سردی است; هر چند با سایه و امثال آن باشد.

محیط جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴۱ - ۳

۳ دوزخ، محیطی بسته و خفقان زا برای مجرمان

لهم من جهنم مهاد و من فوقهم غواش

جمع آوردن کلمه <غواش> و مقید کردن آن به <من فوقهم> حکایت از برداشت فوق دارد.

مخالفان دین در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۸ - ۱

۱ - خداوند ، دارای مأمورانی سرسخت برای خنثی ساختن تلاش مخالفان دین و راندن آنها به سوی جهنم

سندع الزبانیه

<زِبْنِیَه> (مفرد <زبانیه> از ریشه <زَبْن> به معنای <دفع>); به معنای <شدید> و <پلیس> (یاور سلطان) است (قاموس). اطلاق <زبانیه> بر مأموران الهی، به این جهت است که آنها اهل آتش را به سوی آن سوق می دهند. (مصباح)

مدت توقف در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۳ - ۴،۵

۴ – < قـال رسول اللّه : لا-يخرج من النـار من دخـل ها حتّى يَمْكَثَ فيها أحقاباً و الحقب بضع و سـتون سـنه و السـنه ثلاثمائه و ستون يوماً كل يوم كألف سنه ممّا

تعدون فلايتكّلنّ أحد أن يخرج من النار ;

رسول خـدا(ص) فرمود: کسـی که داخل آتش جهنم شود از آن خارج نمی گردد; مگر این که چند <حُقب> در آن توقف کند. مراد از <حُقب> شصت و اندی سال می باشد. و سال ۳۶۰ روز است. هر روزی مثل هزار سالی است که شما آن را می شمارید. بنابراین کسی دل خوش نکند که [در نهایت] از آتش خارج خواهد شد>.

۵ - < عن أبی عبداللّه (ع) فی قول اللّه عزّوجلّ < لابثین فیها أحقاباً > قال : الأحقاب ثمانیه أحقاب و الحُقبُ ثمانون سـنه و السنه ثلاثمائه و ستون یوماً و الیوم کألف سنه ممّا تعدّون ;

از امـام صـادق(ع) دربـاره سـخن خداونـد عزّوجـلّ <لابثین فیها أحقاباً> روایت شـده است: احقاب هشت حُقب است و یک <حُقب> ۸۰ سال و سال ۳۶۰ روز و روز [آخرت]، مثل هزار سالی است که شما می شمارید>.

مدت توقف طغیانگران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۳ - ۱

۱ - درنگ طغیان گران در جهنم ، دارای دوره هایی پیاپی و زمانی طولانی است .

لبثین فیها أحقابًا

<أحقاب>، جمع <حقب> بر وزن <فعل> است. برای <حقب> چنـدین معنا ذکر شده است; از قبیل: <دهر> و <یک سـال> و <دو سـال> و <هشـتاد سـال> (لسـان العرب). مراد از <أحقـاب> لزوماً زمان محـدود نیست; بلکه با آمـدن هر <حُقب> در پی دیگری تا بی نهایت نیز سازگار است که در آن صورت با خلود در آتش تنافی ندارد.

مراتب آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ -

اسراء - ۱۷ - ۹۷ - ۱۱

۱۱- آتش دوزخ ، آتشی خاموش نشدنی و دارای نوسان و همواره فروزان است .

کلّما خبت زدنهم سعیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۹

۹- آتش سهم گین و فراگیر ، عذاب حاضر و آماده برای کافران ، از جانب خداوند است .

إنّا أعتدنا للظلمین نارًا

نکره آوردن <ناراً> برای دلالت بر شدّت و عظمت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۴ - ۳

۳ - آتش دوزخ ، بسیار سوزان و دارای حرارتی شدید است .

نارًا حامیه

<حامیه>; یعنی، دارای حرارت و چون آتش همواره دارای حرارت است، تصریح به این وصف، بیانگر غیر متعارف بودن آن حرارت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۵ - ۶

۶ - تفاوتِ درجات آتش در جهنم

نارًا تلظّی . لایصلیها إلاّ الأشقی

حصر در این آیه، ممکن است ناظر به نوع آتشی باشد که در آیه قبل مطرح شد. بر این اساس، نکره بودن <ناراً> برای تنویع است; یعنی، نوع خاصی از آتش است که به شقی ترین افراد، اختصاص می یابد و باقی اشقیا در انواع دیگر آن معذب اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۷ - ۳

۳ - درجات آتش جهنم در قیامت ، براساس باور ها و نیت های انسان شکل می یابد .

الّتی تطّلع علی الأفئده

<إطّلع علی الشیء>; یعنی، آن را دانست (لسان العرب). مفاد آیه شریفه براساس این معنا آگاهی آتش جهنم

از محتوای قلب ها است. این آگاهی، ممکن است کنایه از تفاوت وضع دوزخیان با یکدیگر باشد که آتش جهنم با هر کس، متناسب با محتوای قلب او رفتار خواهد کرد.

مراتب عذاب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۴ - ۵

۵ جهنم ، دارای انواع عذاب هلاکت بار برای تکذیب کنندگان قیامت

لاتدعوا الیوم ثبورًا وحدًا و ادعوا ثبورًا کثیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۶ - ۹

۹ - عذاب دوزخ ، دارای مراتب گوناگون و شدت و ضعف است .

أشدّ العذاب

مراتب عذابهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۷ - ۸

۸- عذاب های جهنّم دارای تنوع و مراتب است .

یسقی من ماء صدید . .. یأتیه الموت من کلّ مکان ... و من ورائه عذاب غلیظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۴ - ۵

۵- جهنّم ، دارای درکات و عذاب های متفاوت و شدید و ضعیف

لها سبعه أبوب لکلّ باب منهم جزء مقسوم

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مقصود از <سبعه> در آیه، کنایه از کثرت و حاکی از شدت و ضعف و تفاوت عذابهای جهنّم باشد نه بیان عدد مشخص.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۸ - ۳

۳ - عذاب طغیان گران در دوزخ ، بسیار شدید است .

و ءاخر من شکله أزوج

برداشت یاد شده از تنوع نوشابه و غذاهای ناگوار در دوزخ به دست

می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۴۹ – ۵

۵- مراتب شدید و هلاکت بار عذاب دوزخ ، متوجه گناه پیشگان مغرور و پیشوایان کفر و نه همه گنه کاران *

طعام الأثیم کالمهل . .. ثمّ صبّوا فوق رأسه ... ذق إنّک أنت العزیزالکریم

از مبالغه نهفته در <الأثیم> و نیز وصف <العزیز الکریم>، این احتمال شکل می گیرد که عذاب های شدید مطرح شده در این آیات، برای هر گنه کاری نیست; بلکه مخصوص دارندگان اوصاف یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۸ – ۱

۱ – حرارت آتش دوزخ و صدای ناخوشایند برخاسته از آن ، در نهایت شدّت و حدّت است .

تکاد تمیّز من الغیظ

تعبیر<تکاد تمیّز من الغیظ> (چیزی نمانده است که از شدّت غیظ پاره پاره شود) درباره دوزخ، تعبیری است تمثیلی و کنایی و بیانگر شدّت و حدّت آتش دوزخ و صدای آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مسد – ۱۱۱ – ۵ – ۴

۴ – جهنم ، دارای عذاب جسمی و شکنجه روحی

سیصلی نارًا . .. و امرأته ... فی جیدها حبل من مسد

آتش، عذاب جسمی و تحقیر با بستن ریسمان به گردن، عذاب روحی است.

مرتد در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۱۵ – ۱۸

۱۸ جهنم ، جایگاه مرتدان

و من يشاقق الرسول من بعد ما تبيّن له الهدی . .. نصله جهنم

جمله <من بعد ما تبين له الهدى>، با توجه به شأن نزول

آیه که درباره برخی از مسلمانان است، می تواند ناظر به ارتداد باشد.

مرفهان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۲۲

۲۲- رفاه مندانِ هواپرست ، در قیامت ، گرفتار آتشی فراگیر و آشامیدنی هایی ناگوارند .

و لاتطع من أغفلنا قلبه . .. بئس الشراب و ساءت مرتفقًا

نکته یاد شده از ارتباط دو آیه استفاده شده است.

مرگ در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۷،۱۱

۷ - دوزخیان در دوزخ نخواهند مرد تا عذاب را درک نکنند و نه مانند زندگان خواهند بود .

فإنّ له جهنّم لایموت فیها و لایحیی

مراد از <حیاه> در <لایحیی> به قرینه <لایموت فیها> حیاتی است که بر مرگ ترجیح داشته باشد و حیات اهل دوزخ، چون مایه افزایش عذاب است، از مرگ که پایان دهنده عذاب است ناگوارتر و منفورتر می باشد.

۱۱ - < عن أبی سعید الخدری : إنّ رسول اللّه (ص) خطب فأتی علی هذه آیه < إنّه من یأت ربّه مجرماً فإنّ له جهنّم لایموت فیها و لایحیی > فقال رسول اللّه (ص) : أمّا أهلها الذین هم أهلها ، فإنّهم لایموتون فیها و لایحیون ، و أمّا الذین لیسوا بأهلها فإنّ النار تمیتهم إماته ثمّ یقوم الشفعاء فیشفعون ;

از ابوسعید خدری روایت شده که رسول خدا(ص) خطبه خواند، تا به این آیه رسید <إنّه من یأت ربّه مجرماً فإنّ له جهنّم لایموت فیها و لایحیی>. پس آن حضرت فرمود: ساکنان جهنم که سزاوار آن هستند

در آن جا نه می میرنـد و نه زندگی دارند. اما کسانی که سـزاوار جهنم نیسـتند پس آتش، آنان را یک بار می میراند، آن گاه شفیعان به پاخاسته و آنان را شفاعت می کنند>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۷۷ – ۱۰

۱۰ – مرگ و فنا ، در دوزخ راه ندارد .

لیقض علینا ربّک . .. إنّکم مکثون

مستضعفان در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۹۷ – ۱۸

۱۸ جهنّم ، جایگاه مستضعفانی که با داشتن توانایی هجرت در محیط کفر بمانند .

فاولئک مأویهم جهنّم

بنابر اینکه سرزنش به جهت ترک هجرت باشد که خود از واجبات است، نه خصوص عمل نکردن به احکام دین.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۴۷ – ۱

۱ – وجود اختلاف میان مستضعفان و مستکبران ، در آتش دوزخ و اقدام آنان به احتجاج و دلیل آوردن

و إذ یتحاجّون فی النار فیقول الضعفؤا للذین استکبروا

مستکبران در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۷۰ – ۱

۱– گردن فرازان و عصیان گران در برابر خداوند رحمان ، سزاوار سوختن در آتش دوزخ اند .

حول جهنّم . .. ثمّ لنحن أعلم ... بها صليًّا

<صلیّاً> (از صَلِیَ یَصلی) تمیز برای <أولی> و به معنای سوختن و چشیدن حرارت آتش است (لسان العرب). بنابراین مفاد عبارت <أعلم... صلیّاً> این است که: ما بهتر می دانیم چه کسی برای جهنم سزاوارتر است، از نظر چشیدن آتش و

بریـان شـدن در آن. <أولویت> برای برخی نشـانه آن است که بقیه نیز اسـتحقاق دارنـد; گرچه ممکن است اولویت نداشـته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۷ - ۱

۱ - وجود اختلاف میان مستضعفان و مستکبران ، در آتش دوزخ و اقدام آنان به احتجاج و دلیل آوردن

و إذ یتحاجّون فی النار فیقول الضعفؤا للذین استکبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۸ - ۲

۲ - اظهار ناتوانی کردن مستکبران در دوزخ ، از برآوردن درخواست مستضعفان پیرو خود ، مبنی بر کاستن از عذاب آنان

فهل أنتم مغنون عنّا نصیبًا من النار . قال الذین استکبروا إنّا کلّ فیها

این که مسـتکبران می گویند: <ما و شـما گرفتار عذابیم>، در واقع پاسخ منفی آنان به درخواست مستضعفان و اظهار ناتوانی کردن است; زیرا کسـی که خود در آتش می سوزد، نمی توانـد نجـات دهنـده دیگران از آن باشـد و گرنه خود را نجات می داد.

مسرفان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۳ - ۶

۶ - اسراف گران و افراط کنندگان در گناه و حق ستیزی ، اهل دوزخ اند .

و أنّ المسرفین هم أصحب النار

<اسراف> به معنای افراط است و مقصود از <مسرفین> در آیه شریفه، کسانی اند که در گناه و حق ستیزی افراط می کنند.

مسؤولیت نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۴۷ – ۱

۱– مأموران دوزخ ، موظف به برخوردی قاطع ، سخت و قهرآمیز

با گناه پیشگان

خذوه فاعتلوه

<العتل> (مصدر <فاعتلوه>) به معنای کشاندن با زور و خشونت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۸ - ۱

۱- مأموران دوزخ ، موظف به شکنجه گناه پیشگان در وسط دوزخ

ثمّ صبّوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۵

۵ - عذاب کردن دوزخیان ، تنها وظیفه فرشتگان گماشته شده بر دوزخ

علیها تسعه عشر . .. و ما جعلنا عدّتهم إلّا فتنه للذین کفروا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که <عدّه> به معنای جماعت (قاموس المحیط) و <فتنه> به معنای عذاب باشد; یعنی، <و ما جلعنا جماعتهم إلّا عذاباً للذین کفروا>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۵ - ۵

۵ - مأموران الهی در جهنّم ، عهده دار عذاب دوزخیان *

تسقی

مجهول بودن <تسقی>، بیانگر وجود یک یا چند مأمور عذاب در دوزخ است.

مسیحیان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۳

۱۳ کافران به قرآن از هرگروه و طایفه (مشرکان ، یهودیان ، نصارا و . . .) به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

و من یکفر به من الأحزاب فالنار موعده

<ال> در <الأحزاب> می تواند عهدیه باشد که در این صورت اشاره به مشرکان ، یهود و نصاراست و می تواند <ال> در آن برای استغراق باشد که در این صورت ، مصداقهای بارز و موردنظر آن ، گروههای نامبرده اند.

مشرکان پیرو در جهنم

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۱۳

۱۳ - مشرکان (سران آنان و پیروانشان) در قیامت به آتش دوزخ گرفتار شده و در آن ماندگار خواهند بود .

و ما هم بخرجین من النار

مشرکان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۱ - ۱۵،۲۴

۱۵ ازدواج با مشرک ، زمینه ساز انحراف و دخول در جهنّم است .

و لا تنکحوا . .. اولئك یدعون الی النار

۲۴ لزوم پرهیز از معاشرتهایی که خطر کفر و انحراف دارد و مایه درآمدن به جهنّم است .

و لا تنکحوا . .. و لا تنکحوا ... اولئك یدعون الی النار

با توجّه به عمومیّت تعلیل: اولئك یدعون الی النار، و شمول آن نسبت به موارد غیر ازدواج.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۲۰

۲۰ آتش دوزخ ، جایگاه مشرکان

انه من یشرك باللّه . .. مأویه النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۶ - ۳

۳ دوزخ جایگاه مشرکان و یهودیان مستکبر و حق ناپذیر

و الذین کفروا و کذبوا بایتنا أولئك اصحب الجحیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۷ – ۱۰

۱۰ مشرکان ، اهل دوزخ بوده و در آتش آن جاودانه خواهند ماند .

ما کان للمشرکین . .. و فی النار هم خلدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۳ – ۵

۵ دوزخی بودن مشرکان ، امری قطعی

و غیر قابل تغییر

للمشرکین . .. من بعد ما تبین لهم أنهم أصحب الجحیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۸ – ۱

۱ دوزخ ، جایگاه ابدی مشرکان و منکران رستاخیز

إن الذین لایرجون لقاءنا . .. و الذین هم عن ءایتنا غفلون. أولئک مأویهم النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۷ – ۱۳

۱۳ کافران به قرآن از هرگروه و طایفه (مشرکان ، یهودیان ، نصارا و . . .) به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

و من یکفر به من الأحزاب فالنار موعده

<ال> در <الأحزاب> می تواند عهدیه باشد که در این صورت اشاره به مشرکان ، یهود و نصاراست و می تواند <ال> در آن برای استغراق باشد که در این صورت ، مصداقهای بارز و موردنظر آن ، گروههای نامبرده اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۰۶ – ۱

۱ تیره بختان صحنه قیامت (مشرکان و کافران به رسالت انبیا) روانه آتش دوزخ خواهند شد .

فأما الذین شقوا ففی النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۶۲ – ۱۳،۱۴

۱۳– مشرکان ، پیشگام در وارد شدن به آتش جهنّم

لاجرم أن لهم النار و أنهم مفرطون

<مفرط> (از مصدر فرط) به معنای مقدم شدن، جلو افتادن، شتاب و سبقت گرفتن است.

۱۴- مشرکان مفتری ، در جهنّم به حال خود ر ها شده و مورد فراموشی قرار می گیرند .

لاجرم أن لهم النار و أنهم مفرطون

<فرط> در لغت به

معنای ترک آمده و برداشت فوق بر اساس معنای یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۹ – ۱۱،۱۲،۱۳

۱۱- آتش دوزخ ، فرجام حتمی مشرکان است .

و لاتجعل مع الله إلهًا ءاخر فتلقی فی جهنّم

۱۲- افکنده شدن مشرکان در دوزخ ، همراه با ملامت ، طرد و اهانت است .

فتلقی فی جهنّم ملومًا مدحورًا

<مدحوراً> به معنای <مطرود> است که در آن معنای اهانت و استخفاف اشراب شده است.

۱۳- مشرکان در حهنّم ، به عذاب جسمی و روحی مبتلا خواهند بود .

فتلقی فی جهنّم ملومًا مدحورًا

<القا در حهنّم> دلالت بر جسمانی بودن عذاب می کند و <ملوماً> و <مدحوراً> که به معنای طرد و سرزنش است دلالت بر عذاب روحی دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۹ – ۴

۴- خلود مشرکان و معبودهایشان در آتش دوزخ

و کلٌّ فیها خلدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰۰ – ۱،۲،۳

۱- فریاد دردناك و زجرآلود مشرکان در جهنم

لهم فیها زفیر

<زفیر> به معنـای پر شـدن سـینه از غم و انـدوه است و نیز به معنـای صـدای نخست خران است (لسـان العرب). در این جا به معنای فریاد دردناک و اندوهگین می باشد.

۲- عذاب و شکنجه مشرکان و معبودهایشان در جهنم شدید خواهد بود .

لهم فیها زفیر و هم فیها لایسمعون برداشت یاد شده بنابر این نکته است که ضمیر <لهم>

۳- محرومیت مشرکان از شنوایی در جهنم

و هم فیها لایسمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج -

۲۲ - ۱۹ - ۶

۶ - برای شرک پیشگان منکر ربوبیت خدا ، در دوزخ جامه هایی از آتشی ویژه می برند و بر آنان می پوشانند .

فالذین کفروا قطّعت لهم ثیاب من نار

تنکیر <نار> نشانگر این نکته است که جامه هایی که برای اهل شرک خواهند برید از جنس آتشی به خصوص خواهد بود نه از هر آتشی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۱ - ۲

۲ - شرک پیشگان منکر ربوبیت خدا ، سزاوار گرز های آهنین در دوزخ

و لهم مقمع من حدید

<مقمعه> (مفرد <مقامع>) به معنای گرز است. پس <مقامع من حدید>; یعنی، گرزهای آهنین.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۶ - ۲

۲ - اقرار ذلیلانه مشرکان در تنگنای دوزخ ، به ربوبیت و پروردگاری خداوند

قالوا ربّنا غلبت . .. قومًا ضالّین

<غلبه> (مصدر <غلبت>) به معنای چیره شدن است. <شقوه> معادل <شقاوه> و در مقابل سعادت است. در این جا مراد از شقاوت، عوامل و اسباب آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۲ - ۳

۳ - ناتوانی معبود های مشرکان از نجات گمراهان ، از دوزخ و دفاع از آنان در برابر عذاب

و برّزت الجحیم للغاوین . و قیل لهم أین ما کنتم تعبدون

پرسش از مکان معبودها به قرینه آیه قبل که سخن از رخ نمودن دوزخ برای گمراهان است پرسش از موقعیت آنها برای نجات

گمراهان از دوزخ و هرگونه دفاع از آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۹۴ – ۱،۳

۱ – نگون سار گشتن شرك پیشگان و معبودهایشان در دوزخ ، در پی اثبات پوچی هر معبودی جز خدا

هل ینصرونکم أو ینتصرون . فکبکبوا فیها هم و الغاون

<کبکبه> (مصدر مجهول <کبکبوا>) به معنای نگون سار گشتن و نیز افکنده شدن است. ضمیر <هم> نیز به معبودها بازمی گردد. بنابراین <فکبکبوا فیها هم...>; یعنی، گمراهان و معبودهایشان به صورت سرنگون در دوزخ افکنده خواهند شد.

۳ – معبود های دروغین ، جلودار مشرکان در سقوط به ورطه دوزخ

فکبکبوا فیها هم و الغاون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ضمیر <هم> که به معبودهای باطل بازمی گردد مقدم بر <الغاوون> آمده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۹۵ – ۱

۱ – افکنده شدن همه سپاهیان ابلیس در دوزخ ، به همراه گمراهان مشرك و معبود های باطلشان

فکبکبوا فیها . .. و جنود إبلیس أجمعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۹۶ – ۱،۲

۱ – مشاجره و دشمنی ، گمراهان (مشرکان) با یکدیگر در دوزخ

قالوا و هم فیها یختصمون

ضمیر فاعلی در <قالوا> و نیز ضمیر <هم>، به <غاوون> بازمی گردد. جمله <و هم فیها یختصمون> حال از ضمیر در <قالوا> و <اختصام> (مصدر <یختصمون>) به معنای جدال و ستیزه کردن است; یعنی، شرك پیشگان گمراه، در حالی که در دوزخ باهم ستیزه می کنند، به معبودهایشان خواهند گفت.

۲ - امکان سخن گفتن دوزخیان با معبودهایشان در دوزخ

قالوا و هم فیها یختصمون

مخاطب <قالوا> به قرینه آیه <إذ

نسوّيكم بربّ العالمين>، معبودهای مشرکان است و ضمیر <فیها> به <جحیم> بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۱ - ۶

۶ - چشیدن عذاب دوزخ برای مشرکان و سران آنان ، وعده حتمی و تخلف ناپذیر خداوند

فحقّ علينا قول ربّنا إنّا لذائقون

برداشت یاد شده از آن جا است که <حَقَّ> به معنای <ثَبَتَ> و <لَزَمَ> است و ثابت و لازم بودن عذاب، حاکی از حتمی و تخلف ناپذیر بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۳ - ۴

۴ - مشرکان و معبودهایشان و پیروان گمراه آنان ، دوزخی اند .

إلاّ من هو صال الجحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۶ - ۱،۳

۱ - مشرکان و کافران در دوزخ ، از هر سو در محاصره آتش قرار خواهند داشت .

لهم من فوقهم ظلل من النار و من تحتهم ظلل

مقصود از سایبان هایی از آتش بر فراز کافران و زیر آنان، آتش فراگیر است که از هر سو آنها را محاصره کرده است; چنان که در سوره دیگری از این حقیقت به صراحت یاد شده است: <یوم یخشاهم العذاب من فوقهم و من تحت أرجلهم. ..>، (سوره عنکبوت (۲۹) آیه ۵۵).

۳ - شدت و فراوانی آتش جهنم ، در اطراف مشرکان و کافران

لهم من فوقهم ظلل من النار و من تحتهم ظلل

مقصود از آیه شریفه هر چه باشد، این نکته را نیز می رساند که آتش دوزخ بسیار شدید و زیاد است.

- فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۰ - ۴

۴ - منحرفان از راه توحید ، گرفتار آتش دوزخ خواهند بود .

إنّ الذین یلحدون . .. أفمن یلقی فی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۵

۵ - معبود های دروغین مشرکان ، فاقد کارایی و تأثیر در نجات آنان از دوزخ

من ورائهم جهنّم و لایغنی . .. و لا ما اتّخذوا من دون اللّه أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۱۳

۱۳ - جهنم ، مهیا شده از سوی خداوند برای منافقان و مشرکان

و أعدّ لهم جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۶ - ۱

۱ مشرکان و عبادت کنندگان غیر خدا ، محکوم به آتش دوزخ

ألقیا فی جهنّم . .. الذی جعل مع اللّه إلهًا ءاخر

مصونیت از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۱۶

۱۶ - مجرد انتساب به آیین الهی ، موجب مصونیت از آتش دوزخ نخواهد شد .

و قالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدوده قل أتخذتم عند اللّه عهداً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۵۶ – ۵

۵- دور ماندن بهشتیان از ناگواری های جهنم ، در پرتو لطف و حمایت خداوند

و وقهم عذاب الجحیم

معبودان باطل در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۸ – ۱،۶،۷

۱- کافران و معبود های دروغینشان ، آتش

گیره جهنم اند .

إنّكم و ماتعبدون من دون اللّه حصب جهنّم

<حصب>; یعنی، هر آنچه در آتش افکنند و معنای غالبی آن هیزم است (لسان العرب).

۶- < جاء فی الحدیث إنّ قوماً أتوا رسول اللّه (ص) فقالوا له : . . . أخبرنا عن قوله : < إنّكم و ماتعبدون من دون اللّه حصب جهنم أنتم لها واردون > إذا كان معبودهم معهم فی النار فقد عبدوا المسیح (ع) أفتقول : إنّه فی النار ؟ فقال لهم رسول اللّه (ص) : . . . قال اللّه : < إنّكم و ما تعبدون > یرید الإصنام التی عبدوها و هی لاتعقل و المسیح (ع) لایدخل فی جملت ها لأنّه یعقل و لو قال : إنّكم و من تعبدون لدخل المسیح (ع) فی الجمله فقال القوم : صدقت یا رسول اللّه (ص) ;

در حدیث آمده که گروهی نزد رسول خدا(ص) آمده و به آن حضرت گفتند: .. ما را از گفتار خدا <إنّكم و ماتعبدون من دون اللّه حصب جهنم...> با خبرساز چنانچه معبودشان در آتش باشد، پس [این که] گروهی مسیح را عبادت کردند; آیا تو می گویی او در آتش است. رسول خدا به آنان فرمود:... خدا فرموده <إنّكم و ماتعبدون> و بت هایی را که آنان می پرستیدند اراده کرده و بت ها غیر عاقل هستند و مسیح داخل در آنها نیست; زیرا او صاحب عقل است و اگر فرموده بود <إنّكم و من تعبدون> مسیح نیز داخل در آن جمله بود. آن گروه گفتند: راست گفتی ای رسول خدا>.

۷- < عن

أبی جعفر (ع) قـال : لمّـا نزلت هـذه آیه . . . قال ابن الزبعری : . . . یامحمـد أرأیت آیه التی قرأت آنفاً أفینا و فی آلهتنا أم فی الأـمم الماضـیه و آلهتهم ؟ قـال (ص) : بـل فیکم و فی آلهتکم و فی الأمم الماضـیه إلاّ من اسـتثنی اللّه فقال ابن الزبعری : . . . ألست تثنی علی عیسـی خیراً و قد عرفت أنّ النصاری یعبدون عیسـی و أمّه و أنّ طائفه من الناس یعبدون الملائکه أفلیس هؤلاء مـع آلهه فی النـار ؟ فقـال رسـول اللّه (ص) : < لاـ . . . أمـا قلت : إلاّـ من اسـتثنی اللّه و هـو قوله > إنّ الـذین سـبقت لهم منّا الحسنی أُولئک عن ها مبعدون > ;

از امام باقر(ع) روایت شـده که فرمود: آن گاه که این آیه نازل شد . .. ابن زبعری گفت: ... ای محمد! بگو بدانم آیه ای که به تاز گی قرائت کردی در باره ما و معبودها ما است یا در مورد امت های گذشـته و معبودهای آنها است فرمود: هم در باره شـما و معبودهای شـما و هم در باره امت های گذشـته است; مگر کسی که خدا استثنا فرموده است. ابن زبعری گفت: آیا تو عیسی را به خوبی نمی سـتایی و حـال آن که می دانی نصارا عیسـی و مادرش را عبادت می کننـد و گروهی از مردم نیز فرشـتگان را عبادت می کننـد آیا آنان و معبودهای خود در آتش نیسـتند؟ پس رسول خـدا(ص) فرمود: نه ... آیا نگفتم مگر آنان که خـدا استثنا فرموده است؟ و

آن استثنا همان سخن خدا است که: <إنّ الذین سبقت لهم منّا الحسنی أُولئك عنها مبعدون>».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۹ - ۱،۴

۱- عجز و ناتوانی معبود های مشرکان در گریز از جهنم ، دلیل عدم الوهیت آنان است .

ماتعبدون من دون اللّه حصب جهنّم . .. لو کان هؤلاء ءالهه ما وردوها

۴- خلود مشرکان و معبودهایشان در آتش دوزخ

و کلٌّ فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۰ - ۲

۲- عذاب و شکنجه مشرکان و معبودهایشان در جهنم شدید خواهد بود .

لهم فیها زفیر و هم فیها لایسمعون برداشت یاد شده بنابر این نکته است که ضمیر <لهم>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۴ - ۱،۳

۱ - نگون سار گشتن شرك پیشگان و معبودهایشان در دوزخ ، در پی اثبات پوچی هر معبودی جز خدا

هل ینصرونکم أو ینتصرون . فکبکبوا فیها هم و الغاون

<کبکبه> (مصدر مجهول <کبکبوا>) به معنای نگون سار گشتن و نیز افکنده شدن است. ضمیر <هم> نیز به معبودها بازمی گردد. بنابراین <فکبکبوا فیها هم...>; یعنی، گمراهان و معبودهایشان به صورت سرنگون در دوزخ افکنده خواهند شد.

۳ - معبود های دروغین ، جلودار مشرکان در سقوط به ورطه دوزخ

فکبکبوا فیها هم و الغاون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ضمیر <هم> که به معبودهای باطل بازمی گردد مقدم بر <الغاوون> آمده

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۵ -

۱ – افکنده شدن همه سپاهیان ابلیس در دوزخ ، به همراه گمراهان مشرک و معبود های باطلشان

فکبکبوا فیها . .. و جنود إبلیس أجمعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۹۶ – ۲

۲ – امکان سخن گفتن دوزخیان با معبودهایشان در دوزخ

قالوا و هم فیها یختصمون

مخاطب <قالوا> به قرینه آیه <إذ نسوّیکم بربّ العالمین>، معبودهای مشرکان است و ضمیر <فیها> به <جحیم> بازمی گردد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۶۳ – ۴

۴ – مشرکان و معبودهایشان و پیروان گمراه آنان ، دوزخی اند .

إلاّ من هو صال الجحیم

معرضان از انذارهای خدا در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۱۶ – ۲

۲ – تکذیب کنندگان هدایت ها و انذار های الهی و اعراض کنندگان از آن ، در آتش جهنم مخلداند .

فأنذرتکم نارًا تلظّی . لایصلیها إلاّ ... الذی کذّب و تولّی

معرضان از خدا در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۸ – ۱۰

۱۰ دوزخ جایگاه روی گردانان از دعوت خداوند است .

أُولئک . .. مأویهم جهنم

معرضان از هدایتهای خدا در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۱۶ – ۲

۲ – تکذیب کنندگان هدایت ها و انذار های الهی و اعراض کنندگان از آن ، در آتش جهنم مخلداند .

فأنذرتکم نارًا تلظّی . لایصلیها إلاّ ... الذی کذّب و تولّی

مغضوبان کارگزاران جهنم

جلد – نام سوره – سوره

- آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۲ - ۴

۴ - مأموران دورخ ، آکنده از خشم و نفرت نسبت به دوزخیان

كلّما أرادوا . .. و ذوقوا عذاب الحريق

مفتریان به خدا در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۲ - ۱۴

۱۴- مشرکان مفتری ، در جهنّم به حال خود ر ها شده و مورد فراموشی قرار می گیرند .

لاجرم أن لهم النار و أنهم مفرطون

<فرط> در لغت به معنای ترک آمده و برداشت فوق بر اساس معنای یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۸ - ۹

۹ - افترازنندگان به خدا و تکذیب کنندگان حق ، کافرند و جایشان در جهنم است .

و من أظلم ممّن افترى على اللّه . .. أو كذّب بالحقّ... أليس فى جهنّم مثوًى للكفر

<ال> در <الکافرین> برای عهد بوده و اشاره به همین افرادی دارد که در آیه، مورد بحث قرار گرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۱۱

۱۱ - جهنم ، جایگاه همیشگی و مجازات افترازنندگان بر خدا و تکذیب کنندگان قرآن و دین حق

فمن أظلم ممّن كذب على اللّه و كذّب بالصدق . .. أليس فى جهنّم مثوًى للكفرين

مفسدان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۶ - ۱۴

۱۴ جهنّم ، اقامتگاه شومی برای متکبّران و مفسدان

اخذته العزّه بالاثم فحسبه جهنّم و لبئس المهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ -

رعد - ۱۳ - ۲۵ - ۱۲

۱۲ آنان که در زمین فساد می کنند ، به سرایی شوم (دوزخ) گرفتار خواهند شد .

و الذین . .. یفسدون فی الأرض ... لهم سوء الدار

مکان آب داغ جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۸ - ۳

۳- قسمت های درونی تر و مرکزی دوزخ ، مکان جوشش و جریان آب های داغ

فاعتلوه إلی سواء الجحیم . ثمّ صبّوا فوق رأسه من عذاب الحمیم

از ارتباط با آیه قبل که پس از کشانده شدن دوزخیان به قسمت های داخلی تر، فرمان ریختن آب های جوشان مطرح شده است استفاده می شود که رسیدن آنان به وسط جهنم ریختن آب جوشان را میسر می سازد.

مکان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۰ - ۲

۲ بهشت در مکانی بالاتر از دوزخ و با فاصله ای زیاد از آن

و نادی اصحب النار اصحب الجنه أن أفیضوا علینا

کلمه <افاضه> که به معنای ریزش است، حکایت از این دارد که بهشت در مکانی بالاتر از دوزخ قرار گرفته است. به کارگیری ندا (خواندن با صدای بلند)، اشاره به دوری بهشت و دوزخ از یکدیگر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۳ - ۲

۲ - دوزخ ، در جایگاهی به دور از صحنه قیامت

فاهدوهم إلی صرط الجحیم

فرمان خدا مبنی بر راندن مشرکان به راهی که به دوزخ می انجامد (پس از محاکمه آنان) گویای مطلب یاد شده است.

مکذبان آیات خدا در

جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۹ - ۲

۲ - کفر پیشگان و تکذیب کنندگان آیات الهی ، برای همیشه در دوزخ خواهند بود .

أولئک أصحب النار هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۴ - ۶

۶ - عذابِ کافران منکر آیات خدا ، در جهنم قطعی است .

یستعجلونک بالعذاب و إنّ جهنّم لمحیطه بالکفرین

جمله اسمیه "إنّ جهنّم" و تأکید "إنّ" بر حتمیت عذاب، دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۶ - ۲

۲ - ورود و ماندگاری کافران و تکذیب گران آیات خدا و لقاء اللّه ، به عذاب ، به صورت جبری است .

و أمّا الذین کفروا . .. فی العذاب محضرون

به صورت مفعولی آورده شدن احضار افراد یاد شده به جهنم و یا حاضر بودن شان در آن، می تواند اشاره به نکته فوق داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۱۱،۱۲

۱۱ - کافران و تکذیب گران آیات الهی ، اهل دوزخ اند .

و الذین کفروا و کذّبوا بایتنا أُولئک أصحب الجحیم

۱۲ - دوزخ ، جایگاه ابدی کافران و تکذیب گران بوده و آنان هرگز از آن رهایی نخواهند یافت .

أُولئک أصحب الجحیم

<صاحب> (مفرد <أصحاب>) به معنای یار و ملازم است. بنابراین <أصحاب الجحیم>; یعنی، کسانی که با دوزخ یار و ملازم بوده و هرگز از آن جدا نخواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳

۲ - ۱۰ -

۲ - گرفتاری به جهنم و عذاب الهی ، سرنوشت تکذیب کنندگان آیات الهی است .

ویل یومئذ للمکذّبین

به قرینه <إذا تتلی علیه آیاتنا. ..> در آیات بعد، عنوان <مکذّبین>، تکذیب کنندگان آیات خداوند را در برمی گیرد.

مکذبان اسلام در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۶ - ۱

۱ - کافران به اسلام چه اهل کتاب باشند و چه مشرک به آتش جهنم ، گرفتار خواهند شد .

إنّ الذین کفروا من أهل الکتب و المشرکین فی نار جهنّم

مکذبان انبیا در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۶ - ۱

۱ تیره بختان صحنه قیامت (مشرکان و کافران به رسالت انبیا) روانه آتش دوزخ خواهند شد .

فأما الذین شقوا ففی النار

مکذبان انذارهای خدا در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۶ - ۲

۲ - تکذیب کنندگان هدایت ها و انذار های الهی و اعراض کنندگان از آن ، در آتش جهنم مخلداند .

فأنذرتکم نارًا تلظّی . لایصلیها إلاّ ... الذی کذّب و تولّی

مکذبان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۳ - ۲

۲- تردید و ناباوری مشرکان صدراسلام نسبت به دوزخ و وجود درختی به نام زقّوم در آن

إنّ شجرت الزقّوم

تأکید با <إنّ> و جمله اسـمیه از تردید یا نکار مخاطبان نسبت به مضمون آن می کند آیه ۵۰ <إن هذا ما کنتم به تمترون> مؤید برداشت می باشد.

مکذبان حق در

جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۸ - ۹

۹ - افترازنندگان به خدا و تکذیب کنندگان حق ، کافرند و جایشان در جهنم است .

و من أظلم ممّن افترى على اللّه . .. أو كذّب بالحقّ... أليس فى جهنّم مثوًى للكفر

<ال> در <الكافرين> برای عهد بوده و اشاره به همین افرادی دارد که در آیه، مورد بحث قرار گرفته اند.

مکذبان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۶ - ۱

۱ دوزخ جایگاه کفرپیشگان و تکذیب کنندگان آیات خداوند

و الذين كفروا و كذبوا بايتنا أولئك اصحب الجحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۳ - ۱،۳

۱ - قیامت روز رانده شدن تکذیب گران ، با شدت و خشونت به سوی آتش دوزخ

يوم يدعّون إلى نار جهنّم دعًّا

<دعّ> (مصدر مجهول <يدعّون>) به معنای رانده شدن همراه با تندی و خشونت است و ضمیر <يدعّون> به <مكذّبين> بازمی گردد.

۳ - آتش دوزخ ، فرجام تکذیب کنندگان آن

فويل . .. للمكذّبين ... يوم يدعّون إلى نار جهنّم دعًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۴ – ۳

۳ – سخن ملامت بار و استهزاآمیز مأموران الهی نسبت به تکذیب گران ، به هنگام روبه رو شدن آنان با آتش دوزخ

هذه النار الّتی کنتم بها تکذّبون

جمله <هـذه النار. ..>، می توانـد گفتار الهی و یا سـخن مأموران خداوند (همانان که تکذیب گران را به عنف و قهر به سوی دوزخ رانده اند) باشد. برداشت بالا

بر پایه احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۴ - ۱

۱ - چشیدن عذاب آتش دوزخ ، فرجام نهایی تکذیب گران گمراه

و أمّا إن کان من المکذّبین الضالّین . .. و تصلیه جحیم

<صَلْی> (مبدأ اشتقاق <تصلیه>) در معانی چشیدن، بریان شدن و افتادن به کار می رود. بنابراین <تصلیه جحیم> می تواند به معنای چشیدن آتش دوزخ، بریان شدن به وسیله آن و یا افتادن در آن باشد. برداشت بالاـ ناظر به معنای اول <تصلیه> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۲ - ۲

۲ - تکذیب گران دین ستیز ، به آتش برافروخته در قیامت گرفتار خواهند بود .

و جحیمًا

مکذبان دین در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۱۱

۱۱ - جهنم ، جایگاه همیشگی و مجازات افترازنندگان بر خدا و تکذیب کنندگان قرآن و دین حق

فمن أظلم ممّن کذب علی اللّه و کذّب بالصدق . .. أليس فی جهنّم مثوًی للکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۵ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذّبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۱۹ – ۲

۲ – دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذّبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود

(لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۴ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذّبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۸ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذّبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۴ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذّبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۷ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذّبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۴۰ – ۲

۲ – دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذّبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۴۵ – ۲

۲ – دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذّبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد –

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۴۷ – ۲

۲ – دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذّبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۴۹ – ۲

۲ – دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذّبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

مکذبان ربوبیت خدا در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۱۹ – ۶

۶ – برای شرک پیشگان منکر ربوبیت خدا ، در دوزخ جامه هایی از آتشی ویژه می برند و بر آنان می پوشانند .

فالذین کفروا قطّعت لهم ثیاب من نار

تنکیر <نار> نشانگر این نکته است که جامه هایی که برای اهل شرک خواهند برید از جنس آتشی به خصوص خواهد بود نه از هر آتشی.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۲۱ – ۲

۲ – شرک پیشگان منکر ربوبیت خدا ، سزاوار گرز های آهنین در دوزخ

و لهم مقمع من حدید

<مقمعه> (مفرد <مقامع>) به معنای گرز است. پس <مقامع من حدید>; یعنی، گرزهای آهنین.

مکذبان عذاب کم فروشان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۰ - ۵

۵ - کسانی که عذاب کم فروشان را تکذیب کنند ، در قیامت به عذاب جهنم گرفتار خواهند شد .

ویل للمطفّفین . .. ویل یومئذ للمکذّبین

مراد از

<مکذّبین> به قرینه آیه بعد تکذیب گران روز قیامت و رخدادهای آن اند و از مصادیق بارز رخدادهای قیامت، عذابی است که آیه <ویل للمطفّفین> بیان داشته است.

مکذبان قرآن در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - منکران قرآن و سنگ های دوزخ ، هیزم و آتشگیره های آتش جهنمند .

فاتقوا النار وقودها الناس و الحجاره

<وقود> به هیزم و نیز به چیزی که با آن آتش روشن می کنند، گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۱۱

۱۱ - جهنم ، جایگاه همیشگی و مجازات افترازنندگان بر خدا و تکذیب کنندگان قرآن و دین حق

فمن أظلم ممّن کذب علی اللّه و کذّب بالصدق . .. ألیس فی جهنّم مثوًی للکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۲

۲ - منکران حقانیت قرآن ، گرفتار آتش دوزخ در قیامت

إنّ الذین کفروا بالذّکر

برداشت یاد شده بر این اساس است که خبر <إنّ> در <إنّ الذین کفروا> به قرینه آیه قبل جمله <یلقی فی النار> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۶ - ۱

۱ - تکذیب کنندگان قرآن و قیامت و گناه کارانِ متجاوز ، به حرارت شدید جهنّم گرفتار شده و در آن خواهند سوخت .

ثمّ إنّهم لصالوا الجحيم

<صـالوا> که قبل از اضافه به <جهيم>، <صالون> (جمع <صال) بوده است ; يعنى، كسانى كه با رنـج و مشـقت حرارت آتش

را می چشند و در آن می سوزند. در لسان العرب آمده است: صَـلِی بالنار و صَلِیَها صَلْیاً قاسی حرّها (حرارت آتش را با رنج و مشقت چشید) و صَلِیَ فلانٌ بالنار یَصْلی صُلِیّاً احترق (سوخت).

مکذبان قیامت در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸ - ۱

۱ دوزخ ، جایگاه ابدی مشرکان و منکران رستاخیز

إن الذین لایرجون لقاءنا . .. و الذین هم عن ءایتنا غفلون. أولئک مأویهم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۳ - ۱،۲،۴،۵

۱ تکذیب کنندگان قیامت در حالی که به غل و زنجیر بسته شده اند ، به جایگاهی تنگ در دوزخ افکنده خواهند شد .

و إذا أُلقوا منها مکانًا ضیّقًا مقرّنین

<قرن> (ریشه <مقرنین>) در اصل به معنای ریسمانی است که چند شتر را به هم ببندند; ولی به قرینه آیه ۴۹ سوره ابراهیم (تری المجرمین یومئذ مقرّنین فی الأصفاد) می توان گفت: مقصود غل و زنجیری است که به وسیله آن، منکران معاد را به هم می بندند. غل و زنجیر است.

۲ افکنده شدن منکران قیامت به جهنم ، همراه با تحقیر و اجبار است .

و إذا أُلقوا منها

واژه <أُلقوا> (به صیغه مجهول) به جای <ادخلوا>، حاکی از اجباری و تحقیرآمیز بودن ورود به جهنم است.

۴ آتش دوزخ برای منکران قیامت ، بسیار زجرآور و طاقت فرسا خواهد بود .

دعوا هنالک ثبورًا

درخواست هلاکت و مرگ در آتش دوزخ، حاکی از شدت دردناکی و طاقت سوزی آن آتش است.

۵ تکذیب کنندگان قیامت ، در اعماق دوزخ و

در دورترین مکان آتشین جای دارند .

دعوا هنالک ثبورًا

برداشت یاد شده، از اسم اشاره <هنالک> که برای اشاره به مکان دور وضع شده است استفاده گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۴ - ۱،۴،۵

۱ استغاثه و درخواست تکذیب کنندگان قیامت برای رهایی از آتش جهنم نتیجه بخش نبوده و عذابشان ادامه خواهد یافت .

لاتدعوا الیوم ثبورًا وحدًا و ادعوا ثبورًا کثیرًا

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که مقصود از درخواست هلاکت، در حقیقت کنایه از نجات از وضع بسیار سخت دوزخ است; نه مرگ و نابودی واقعی.

۴ تکذیب کنند قیامت ، در آتش دوزخ همواره در حال مرگ و زندگی بوده و به دفعات بی شمار می میرند و زنده می شوند .

لاتدعوا الیوم ثبورًا وحدًا و ادعوا ثبورًا کثیرًا

از دیدگاه مفسران، این که به کافران گفته می شود: <درخواست هلاکت بار خود را بسیار تکرار کنند> یا به خاطر این است که آنان به دفعات زنده می شوند، و باز می میرند. پس باید برای هر بار زنده شدن و عذاب شدن، درخواست مرگ کنند و یا به این سبب است که عذاب الهی کافران متعدد و گوناگون است. پس باید آنان برای هر یک از آنها، درخواست مرگ کنند. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه اول است.

۵ جهنم ، دارای انواع عذاب هلاکت بار برای تکذیب کنندگان قیامت

لاتدعوا الیوم ثبورًا وحدًا و ادعوا ثبورًا کثیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۵ - ۲،۴

۲ - بهشتیان ، هم نشینان

کافر دنیایی خود را ، در وسط دوزخ مشاهده خواهند کرد .

فرءاه فی سواء الجحیم

<سواء> به معنای وسط است.

۴ - دوزخ ، مجازات منکران قیامت

أءنّا لمدینون . .. فاطّلع فرءاه فی سواء الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۴ - ۵

۵ - یادآوری مواضع انکارآمیز تکذیب کنندگان قیامت از سوی مأموران الهی ، به هنگام مواجهه آنان با آتش دوزخ

هذه النار الّتی کنتم بها تکذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۵ - ۲

۲ - تکذیب کنندگان قیامت ، ناتوان از توجیه تکذیب گری های خود به هنگام مشاهده آتش دوزخ

أفسحر هذا أم أنتم لاتبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۶ - ۱

۱ - فرمان ملامت بار خداوند به تکذیب کنندگان قیامت ، برای چشیدن حرارت دوزخ و تحمّل رنج آن

اصلوها

<صَلْیُ النار>; یعنی، چشیدن حرارت آتش و تحمل رنج آن. عبارت <اصلوها> (نظیر آیه قبل) می تواند کلام خداوند و یا سخن مأموران الهی باشد. در برداشت بالا، احتمال اول مورد نظر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۲۹ – ۱

۱ – حرکت تکذیب گران روز جزا به سوی دوزخ ، به فرمان الهی

انطلقوا إلی ما کنتم به تکذّبون

طبق گفته مفسران، مقصود از تکـذیب در این آیه، تکذیب دوزخ است. گفتنی است که در روز قیامت، به کافران فرمان داده می شود که به سوی آن حرکت کنند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات –

۳ - ۳۰ - ۷۷

۳ - احاطه همه جانبه دود برخاسته از آتش ، بر تکذیب گران روز جزا و نبودن هیچ راه گریزی از آن

انطلقوا إلى ظلّ ذی ثلث شعب

تعبیر <ثلاث شعب> به گفته مفسران می تواند اشاره به فراگیر و همه جانبه بودن دود برخاسته از آتش و گریزناپذیر بودن آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۰ - ۱

۱ - تکذیب کنندگان قیامت در آن روز ، گرفتار جهنم و عذاب الهی خواهند بود .

ویل یومئذ للمکذّبین

<ویل> به معنای عذاب و هلاکت است (لسان العرب). برخی آن را نام یکی از درب ها، یا درّه ای از جهنم می دانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۶ - ۱

۱ - تکذیب کنندگان قرآن و قیامت و گناه کارانِ متجاوز ، به حرارت شدید جهنّم گرفتار شده و در آن خواهند سوخت .

ثمّ إنّهم لصالوا الجحیم

<صالوا> که قبل از اضافه به <جهیم>، <صالون> (جمع <صال) بوده است ; یعنی، کسانی که با رنج و مشقت حرارت آتش را می چشند و در آن می سوزند. در لسان العرب آمده است: صَلِی بالنار و صَلِیَها صَلْیاً قاسی حرّها (حرارت آتش را با رنج و مشقت چشید) و صَلِیَ فلانٌ بالنار یَصْلی صُلِیّاً احترق (سوخت).

مکذبان معاد اطراف جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۸ - ۷

۷- خداوند ، شیاطین و منکران معاد را در قیامت ، خوار و ذلیل ، بر زانونشسته و به صورت نیم

خیز در اطراف جهنم احضار خواهد کرد .

ثمّ لنحضرنّهم حول جهنّم جثيًّا

<جثيا> (جمع <جاثی>) حال است و <جاثی> به کسی گفته می شود که برای مخاصمه و محاکمه بر زانو نشسته است (لسان العرب). احضار منکران معاد و شیاطین، در حالی که بر زانوان خود راه می روند و یا بر زانو گرداگرد جهنم نشسته اند، برای اهانت و تحقیر آنان است. برخی <جثیّ> را جمع <جثوه> دانسته اند که به معنای انبوه خاک و سنگ است. بر حسب این معنا مراد احضار هر فرقه و گروه به صورت متراکم است.

مکذبان معاد در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۵ - ۱۲

۱۲ منکران قیامت ، به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

أُولئک أصحب النار هم فیها خلدون

مکذبان هدایتهای خدا در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۶ - ۲

۲ - تکذیب کنندگان هدایت ها و انذار های الهی و اعراض کنندگان از آن ، در آتش جهنم مخلداند .

فأنذرتکم نارًا تلظّی . لایصلیها إلاّ ... الذی کذّب و تولّی

ملائکه جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۵ - ۳

۳ - ملائکه موکّل ، با تهکّم تحقیرآمیز ، به کافران ، برای ورود به جهنم ، فرمان می دهند .

یغشیهم العذاب . .. و یقول ذوقوا ما کنتم تعملون

ضمیر فاعلی <یقول> احتمال دارد به خداوند برگردد و احتمال دارد، منظور ملائکه باشد. برداشت بالا ـ بنابر احتمال دوم است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹

- تحریم - ۶۶ - ۶ - ۱۰

۱۰ - دوزخ ، دارای نگهبانان و گماشتگانی از فرشتگان است .

علیها ملئکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱،۵

۱ - نگهبانان دوزخ ، از فرشتگان اند .

علیها تسعه عشر . و ما جعلنا أصحب النار إلاّ ملئکه

۵ - عذاب کردن دوزخیان ، تنها وظیفه فرشتگان گماشته شده بر دوزخ

علیها تسعه عشر . .. و ما جعلنا عدّتهم إلاّ فتنه للذین کفروا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که <عدّه> به معنای جماعت (قاموس المحیط) و <فتنه> به معنای عذاب باشد; یعنی، <و ما جلعنا جماعتهم إلاّ عذاباً للذین کفروا>.

ملائکه حاملان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۱۳

۱۳ - < [عن رسول اللّه فی قوله تعالی < و جیء یومئذ بجهنم > انّه] قال : یجیء بها سبعون ألف ملك یقودونها بسبعین ألف زمام ;

[از رسول خدا(ص) درباره قول خدای تعالی <و جیء یومئذ بجهنم> روایت شده که]فرمود: هفتاد هزار فرشته، جهنم را با هفتاد هزار بند می کشند و می آورند>.

منازعه در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۰،۱۱

۱۰ جهنم، جایگاهی آکنده از جدال و ستیز دوزخیان با یکدیگر

کلما دخلت . .. قالت أخریهم لأولیهم ربنا

۱۱ دوزخیان پیرو پس از اجتماعشان در جهنم با سران کفر و شرک، علیه آنان اقامه دعوا خواهند کرد.

حتی إذا ادارکوا فیها جمیعا قالت أخریهم لأولیهم ربنا هؤلاء أضلونا

<حتی إذا ادارکوا .

..> یعنی تا آنگاه که امتها بر یکدیگر ملحق و مجتمع گردند. <ادارکوا> در اصل تدارکوا بوده و پس از ساکن کردن تاء و ادغام آن در دال، همزه وصل به آن اضافه شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۱

۱ سران کفر و شرک و پیروانشان پس از ورود به جهنم به مجادله و کشمکش خواهند پرداخت.

قالت أخریهم لأولیهم . .. و قالت أليهم لأخریهم فما کان

منافقان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۱۴،۱۵

۱۴ خداوند ، گردآورنده همه منافقان و کافران ، در جهنم

إنّ اللّه جامع المنفقین و الکفرین فی جهنم جمیعاً

۱۵ جهنم ، جایگاه و مجمع تمامی منافقان و کافران

إنّ اللّه جامع المنفقین و الکفرین فی جهنم جمیعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۵ - ۱

۱ جایگاه منافقان ، در پایین ترین و پست ترین طبقات آتش جهنم است .

إنّ المنفقین فی الدرک الاسفل من النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۹ - ۱۳

۱۳ منافقان ، اهل دوزخند .

ألا فی الفتنه سقطوا و إن جهنم لمحیطه بالکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۳ - ۵

۵ منافقان ، مخلد در آتش دوزخند .

من یحادد اللّه و رسوله فان له نار جهنم خلداً فیها

با توجه به اینکه آیات قبل و آیه بعد بیانگر خصلتهای منافقان است، برداشت فوق

استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۸ – ۱

۱ خلود در آتش دوزخ ، وعده خداوند به زنان و مردان منافق و عموم کفرپیشگان

وعد اللّه المنفقین و المنفقت و الکفار نار جهنم خلدین فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۳ – ۵

۵ جهنم ، جایگاه کافران و منافقان و فرجامی سخت و دردناک برای آنان

و مأویهم جهنم و بئس المصیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۲ – ۳

۳ گریه های طولانی منافقان در آتش سوزان دوزخ

قل نار جهنم أشد . .. و لیبکوا کثیراً

برداشت فوق با توجه به این است که <فلیضحکوا قلیلا و لیبکوا کثیراً> متفرع بر <قل نار جهنم أشد حراً> در آیه قبل باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۵ – ۱۲،۱۳

۱۲ دوزخ ، جایگاه و فرجام نهایی منافقان متخلف از جهاد

مأویهم جهنم

۱۳ پلیدی منافقان و دوزخی بودن آنان ، نتیجه اعمال ناشایست و مستمر خود آنان است .

إنهم رجس و مأویهم جهنم جزاء بما کانوا یکسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۹ - ۱۰،۱۳

۱۰ سقوط در آتش دوزخ ، فرجام منافقان کفرپیشه

و الذین اتخذوا مسجداً ضراراً . .. فانهار به فی نار جهنم

۱۳ منافقان ، زیان زننده به جامعه اسلامی ، مروج کفر ، تفرقه افکن میان مؤمنان ، ظالم و دوزخی اند .

اتخذوا مسجداً ضراراً و

كفراً و تفريقاً . .. و إرصاداً ... فانهار به فى نار جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۱۳

۱۳ - جهنم ، مهيا شده از سوی خداوند برای منافقان و مشركان

و أعدّ لهم جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حديد - ۵۷ - ۱۵ - ۳،۶،۷

۳ - آتش دوزخ ، اقامتگاه دائمی كافران و منافقان

مأويكم النار

<مأوی> به معنای مسكن می باشد. جمله اسميه بيانگر دوام و ثبات است.

۶ - آتش دوزخ ، تنها ياور كافران و منافقان

هی موليكم

۷ - دوزخ ، جايگاه نهايی كافران و منافقان

فاليوم لايؤخذ منكم فديه و لا من الذين كفروا. .. و بئس المصير

<مصير> (معادل <مرجع>) و به جايگاهی گفته می شود كه حركت به آن جا منتهی می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۷ - ۵،۶

۵ - منافقان ، اهل آتش دوزخ اند .

أُولئك أصحب النار

۶ - منافقان ، در آتش دوزخ جاودان خواهند ماند .

هم فيها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۷ - ۳

۳ - کافران و منافقان همراز ایشان ، دارای فرجامی همگون در آتش دوزخ

فكان عقبتهما أنّهما فى النار خلدَين فيها

از تشبیه کافران و منافقان به شیطان و پیراون او در آیه قبل، برداشت یاد شده از این آیه استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۸،۹

۸ - دوزخ ، جایگاه و مأوای کافران و منافقان است .

و مأويهم

جهنّم

۹ - جایگاه و سرنوشت منافقان و کافران ، در قیامت یکسان است .

و مأویهم جهنّم

منحرفان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۶ - ۱،۲

۱- جبّاران منحرف ، علاوه بر هلاکت دنیوی ، در آخرت نیز گرفتار جهنّم می شوند .

و خاب کلّ جبّار عنید . من ورائه جهنّم

۲- به جبّاران منحرف ، در جهنّم ، آبی چرکین و متعفن نوشانده می شود .

من ورائه جهنّم و یسقی من ماء صدید

<صدید> به معنای چرکی است که بین گوشت و پوست به وجود می آید. این واژه در نوشیدنیهای جهنّمیان استعمال می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۷ - ۱،۲

۱- جبّاران منحرف ، آب چرکین جهنّم را جرعه جرعه با کراهت تمام خواهند نوشید .

یسقی من ماء صدید. یتجرّعه و لایکاد یسیغه

<إساغه> به معنای ریختن شراب در حلق است. بنابراین مراد از <لایکاد یسیغه> این است که آنان نمی خواهند به چنین نوشیدنی نزدیک شوند.

۲- تشنگی شدید جبّاران منحرف در جهنّم به حدی است که علی رغم کراهت و بی میلی شدید ، از آب چرکین خواهند نوشید .

یسقی من ماء صدید . یتجرّعه و لایکاد یسیغه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۴۰ – ۴

۴ – منحرفان از راه توحید ، گرفتار آتش دوزخ خواهند بود .

إنّ الذين يلحدون . .. أفمن يلقى فى النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۱۵ – ۱

۱ – ظالمان و منحرفان

از حق ، هیزم جهنم اند .

و أمّا القسطون فکانوا لجهنّم حطبًا

منشأ آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۶ - ۱

۱ - پیدایش آتش جهنم و برافروخته شدن آن ، وابسته به خداوند و خواست مستقیم او است .

نار اللّه

استناد آتش جهنم به خداوند با آن که هر آتش دیگری نیز مخلوق او است نشانگر ظهور وابستگی آن به خداوند است; به گونه ای که تنها، به فرمان او برمی افروزد و می سوزاند.

منشأ دوری از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۱ - ۳

۳- دوری عده ای از آتش جهنم ، براساس وعده نیک الهی به ایشان در دنیا است .

إنّ الذین سبقت . .. مبعدون

برداشت یاد شده مبتنی براین است که <الحسنی> صفت برای موصوفی محذوف چون <الوعده> باشد.

منشأ نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۸ - ۱۱

۱۱ - اعتراف متقین به نقش اصلی ربوبیت خداوند ، در هدایت آنان به بهشت و نجات از دروخ

فکهین بما ءاتیهم ربّهم و وقیهم ربّهم عذاب الجحیم

قیـد <بماآتـاهم. ..> می رسانـد که پارسایان بهشتی، در عین برخورداری از نعمت ها، گرفتار غفلت نشـده و مغرور به تقوای خود نمی باشـند; بلکه توجه دارنـد که به هر نعمتی رسـیده انـد و از هر بلایی که رهیـده انـد جز در پرتو امـداد و رهنمودهای رشد آفرین خداوند و الطاف او نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور

۱ - ۲۷ - ۵۲ -

۱ - اذعان متقین در بهشت ، به نقش لطف الهی در رهایی آنان از عذاب دوزخ و ورود ایشان به بهشت

فمنّ اللّه علینا و وقینا عذاب السموم

منظره جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۷ - ۲،۵

۲ جهنم ، دارای منظره ای بس هول انگیز

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحب النار قالوا ربنا

۵ راهیان بهشت پس از مشاهده وضعیت نابهنجار دوزخیان و منظره هولناک دوزخ ، به دعا خواهند پرداخت

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحب النار قالوا ربنا

مواد آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۴ - ۹

۹ - گناهان همسر ابولهب ، در قیامت باری سنگین بر دوش او و برافروزاننده آتش جهنم خواهد بود .

حمّاله الحطب

مراد از <حطب>، می تواند گناهان باشد که مانند هیزم آتش را شعلهور می سازد.

موانع جاودانگی در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۷ - ۳

۳ - مؤمنان نیک کردار ، گرفتار عذاب ابدی جهنم نخواهند شد .

إنّ الذين كفروا . .. فى نار جهنّم ... إنّ الذين ءامنوا و عملوا الصلحت أَولئك

موانع جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۷

۷ - رهایی از آتش دوزخ ، در گرو ایمان به قرآن و تصدیق رسالت پیامبر (ص) است .

فإن لم تفعلوا و لن تفعلوا فاتقوا النار

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل، به دست می آید.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۱۳

۱۳ خوف از خداوند و یا معاد ، مانع ظلم و گناه و گرفتار آمدن به عذاب دوزخ

انی اخاف اللّه رب العلمین. انی ارید ان تبوا باثمی ... فتکون من اصحب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۱۴

۱۴ - توبه ، مانع عذاب جهنم است .

ثمّ لم یتوبوا فلهم عذاب جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۵ - ۸

۸ - ذکر نام خدا و روی آوردن به نماز ، نشانه پندپذیری از قرآن ، ترس از خداوند و مایه دوری از آتش دوزخ است .

سیذّکّر من یخشی . و یتجنّبها الأشقی . الذی یصلی النار ... قد أفلح من ... فصلّی

موانع نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۲۲

۲۲ ستمکاران هیچ یاوری برای نجات از آتش دوزخ ندارند .

و ما للظلمین من انصار

موجبات جاودانگی در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۳ - ۱

۱ جبهه گیری در برابر خدا و رسول (ص) و خصومت با آنان ، مستلزم خلود در آتش دوزخ است .

من یحادد اللّه و رسوله فان له نار جهنم خلداً فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۲۲

۲۲ - ظلم و ستمگری ، موجب جاودانگی انسان در آتش دوزخ

است .

ألا إنّ الظلمين فى عذاب مقيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۸ - ۳

۳ - اعراض و روی گردانی از پیام حق ، موجب جاودانگی در آتش جهنم

إنّكم مكثون . .. أكثركم للحقّ كرهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۲۰

۲۰- بی تقوایی و هواپرستی ، منتهی به خلود در آتش دوزخ

زيّن له سوء عمله و اتّبعوا أهواءهم . .. هو خلد فى النار

موجبات جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۸

۸ - آتش دوزخ ، مهیّا شده برای کفرپیشگان

أعدّت للكفرين

اعداد (مصدر اعدت) به معنای حاضر کردن و مهیّا ساختن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۱ - ۶

۶ - کفر به پیامبر (ص) و اسلام ، موجب گرفتار شدن آدمی به آتش دوزخ و خلود در آن خواهد شد .

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم . .. من كسب سيئه ... هم فيها خلدون

آیه مورد بحث (من کسب . ..) قضیه کلی و کبرای آیات گذشته است و آیات پیشین تعیین کننده صغرای این قضیه کلی است. بنابراین کفر به پیامبر(ص) و اسلام - که از جمله <أفتطمعون أن یؤمنوا لکم> (آیه ۷۵) به دست می آید - از مصداقهای <سیئه> است و اصرار بر آن، مصداق <احاطه خطیئه> خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۱۸

۱۸ - آنان که به خدا و

روز قیامت کافر شوند ، راهی جز ورود به آتش دوزخ نخواهند داشت .

و من کفر . .. ثم أضطره إلی عذاب النار

اضطرار; یعنی، مجبور ساختن کسی به انجام کاری. پس <ثم اضطره ...> چنین معنا می شود: آن گاه که کافران حیات دنیا را سپری کردند، آنان را برای ورود به آتش دوزخ مجبور می کنم.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۶ – ۶

۶ – حق ستیزی موجب گمراهی ، محرومیت از لطف و مغفرت خدا و گرفتار شدن به آتش دوزخ می باشد .

لایکلمهم اللّه یوم القیمه . .. ذلک بأن اللّه نزل الکتب بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلک> اشاره به عقوبتهای مطرح شده در آیات قبل باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۲۱ – ۱۵

۱۵ ازدواج با مشرک ، زمینه ساز انحراف و دخول در جهنّم است .

و لا تنکحوا . .. اولئک یدعون الی النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۱۴ – ۱،۶

۱ نافرمانی خدا و رسول (ص) و تجاوز از حدود الهی ، عامل دخول و جاودانگی در آتش جهنّم

و من یعص اللّه و رسوله و یتعدّ حدوده یدخله ناراً

۶ نافرمانی مستمر و تجاوز دایمی از حدود الهی ، موجب جاودانگی در آتش

و من یعص اللّه . .. و یتعدّ حدوده یدخله ناراً خالداً فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۰ – ۱،۲،۶

۱ قتل و

آدمکشی از سر ظلم و تجاوز ، موجب گرفتاری به عذاب دوزخ

و لا تقتلوا انفسکم . .. و من یفعل ذلک عدواناً و ظلماً فسوف نُصلیه ناراً

در برداشت فوق <ذلک> اشاره به <قتل نفس> گرفته شده است.

۲ تصرف به ناحق در اموال دیگران از سر ظلم و تجاوز ، موجب گرفتاری به آتش دوزخ

و لا تقتلوا انفسکم . .. و من یفعل ذلک عدواناً و ظلماً فسوف نُصلیه ناراً

بنابر اینکه <ذلک> اشاره به <لا تاکلوا> و یا مجموع <لا تاکلوا . .. و لا تقتلوا> باشد.

۶ خودکشی ، تجاوز و ستمگری است و موجب گرفتاری به عذاب دوزخ . *

و لا تقتلوا انفسکم . .. و من یفعل ذلک ... فسوف نُصلیه ناراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۸ - ۱۴

۱۴ شرک ، از گناهان کبیره و موجب گرفتاری به آتش دوزخ

انّ اللّه لا یغفر ان یشرک به

امام صادق (ع) در معرّفی و شمارش گناهان کبیره فرمود: . .. و هنّ ممّا اوجب اللّه عز و جل علیهن النّار قال اللّه عزّ و جل: <انّ اللّه لا یغفر ان یشرک به ... >.

عقاب الاعمال "مترجم"، ص ۵۲۵، ح ۱، باب عقاب من اتی الکبائر ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۸۸، ح ۲۹۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۱ - ۴،۶

۴ آرزو های شیطانی ، تحریم حلال های الهی و تغییر در آفرینش طبیعی و اولیه موجودات ، از عوامل ورود به جهنم

لامنینهم و الامرنهم فلیبتکن ءإذان الانعم . .. أولئک ماویهم جهنم

ورود گمراهان و فریب خوردگانِ از شیطان به جهنم ، حتمی است .

و ما یعدهم الشیطن الا غروراً. أولئک ماویهم جهنم و لایجدون عنها محیصاً

بنابر اینکه جمله <لایجدون . ..> بیان و تأکید حقیقتی باشد که جمله <ماویهم جهنم> آن را افاده می کند. یعنی آنان که دارای صفات ذکر شده هستند، راهی جز ورود به جهنم ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۹ - ۲،۵،۶

۲ کفر ، گرایش به ادیان باطل و انجام کردار های ناروا ، راهی است به سوی دوزخ .

و لالیهدیهم طریقاً. الا طریق جهنم

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از ظرف و زمان هدایت در جمله <و لالیهدیهم . ..> حیات دنیا باشد ; بر این مبنا مقصود از هدایت کافران به راه جهنم، فراهم سازی زمینه های کفرپیشگی و اعمال ناروا برای آنان است که سرانجام آن دوزخ خواهد بود.

۵ کفر و ظلم گروهی از اهل کتاب ، موجب خلود آنها در جهنم

إنّ الذین کفروا و ظلموا . .. و لالیهدیهم طریقاً. الا طریق جهنم خلدین فیها

با توجه به آیات قبل مصداق مورد نظر از آیه کافران اهل کتاب می باشند.

۶ کفر به قرآن و انکار رسالت پیامبر (ص) و بازداری مردمان از پیوستن به اسلام ، مایه خلود در جهنم

إنّ الذین کفروا و ظلموا . .. خلدین فیها ابداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰ - ۲

۲ کفر و تکذیب آیات الهی ، موجب گرفتاری به آتش برافروخته دوزخ

و الذین کفروا و

كذبوا بايتنا أولئك اصحب الجحيم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۴ – مائده – ۵ – ۲۹ – ۱۲

۱۲ قتل و برادر كشى ، ظلم و موجب ورود به آتش دوزخ

قال لاقتلنك قال . .. و ذلك جزؤا الظلمين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۴ – مائده – ۵ – ۷۲ – ۲۱،۲۷

۲۱ معتقدان به الوهيت مسيح (ع) محروم از بهشت و گرفتار به آتش دوزخ

قالوا إنّ اللّه هو المسيح . .. فقد حرم اللّه عليه الجنه مأويه النار

۲۷ شرك ، بزرگترين گناه كبيره و موجب گرفتارى به عذاب دوزخ

انه من يشرك باللّه فقد حرم اللّه عليه الجنه مأويه النار

از امام صادق(ع) روايت شده: . .. اكبر الكبائر، الشرك باللّه يقول اللّه عزوجل: < انه من يشرك باللّه فقد حرم اللّه عليه الجنه مأويه النار ... . >

عيون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۸۵، ح ۳۳، ب ۲۸; بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۶، ح ۷.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ – اعراف – ۷ – ۱۸ – ۳

۳ تكبر، تمرد و اغواگرى ابليس، موجب گرفتارى او به آتش دوزخ

ما منعك ألا تسجد . .. لأملأن جهنم منكم أجمعين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۶ - ۲

۲ اعراض و امتناع از پذیرش آیات الهی بر اثر کبرورزی و خودبرتربینی، در پی دارنده آتش دوزخ است.

و الذین کذبوا بأیتنا و استکبروا عنها أولئك أصحب النار

استکبار به معنای کبرورزی و خودبرتربینی است، و چون این کلمه با حرف <عن> متعدی شده، متضمن

معنای اعراض و امتناع است. بنابراین <استکبروا عنها> یعنی اعرضوا عنها متکبّرین.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۹،۱۰،۱۱

۹ گرفتار شدن به دوزخ نمود زیانکاری تکذیب کنندگان آیات الهی است .

فأولئک هم الخسرون. و لقد ذرأنا لجهنم کثیراً من الجن و الإنس

آیه مورد بحث می تواند توضیح زیانی باشد که در ذیل آیه قبل برای گمراهان بیان شده است.

۱۰ عالمان دینی دنیادوست و هواپرست و تکذیب کنندگان آیات الهی ، اهل دوزخند .

لکنه أخلد إلی الأرض و اتبع هوه . .. و لقد ذرأنا لجهنم کثیراً

برداشت فوق مقتضای ارتباط آیه مورد بحث با آیات پیشین است.

۱۱ جهنم فرجام انسان ها و جنیانی است که خود را از درک معارف و حقایق دین محروم ساخته اند .

و لقد ذرأنا لجهنم . .. لهم قلوب لایفقهون بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۲ - ۱

۱ خداوند تکذیب کنندگان آیاتش را بتدریج به ورطه های سقوط می کشاند تا شایسته دوزخ شوند .

و الذین کذبوا بایتنا سنستدرجهم من حیث لایعلمون

<استدرجه إلی کذا> یعنی او را بتدریج و گام به گام به چیزی نزدیک کرد. متعلق <سنستدرجهم>، به دلیل آیه ۱۷۹، جهنم است ; یعنی تکذیب کنندگان را بتدریج به جهنم نزدیک می کنیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۶ - ۲،۴،۵

۲ روی گردانان از جبهه نبرد جز برای اتخاذ تاکتیک های جدید مورد غضب الهی و مستحق جهنم

و من يولهم . .. فقد

باء بغضب من اللّه و مأويه جهنم و بئس المصير

کلمه <بوء> چنانچه با حرف <باء> متعدی شود می تواند به معنای متحمل شدن باشد. بنابراین <باء بغضب من اللّه> یعنی خشم خداوند را بر خود هموار ساخت.

۴ جهنم ، جایگاه فراریان از جبهه نبرد

و من یولهم . .. مأویه جهنم

۵ جهنم ، جایگاه مغضوبین درگاه خداوند

فقد باء بغضب من اللّه و مأويه جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۳ - ۶

۶ کفر و نفاق ، عامل دوزخی شدن انسان

جهد الکفار و المنفقین . .. و مأویهم جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۲ - ۸

۸ استمرار بر گناه ، مسلتزم عذاب دوزخ و رنج طولانی

قل نار جهنم أشد . .. جزاء بما کانوا یکسبون

<کانوا یکسبون> مفید استمرار است. زیرا فعل مضارع آن گاه که با <کان> و نظایر آن استعمال شود، بر استمرار دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۹ - ۱۴

۱۴ قرار دادن پایگاه و امکانات در اختیار دشمن خدا و دین ، ظلم و موجب سقوط در آتش است .

و إرصاداً لمن حارب اللّه . .. فانهار به فی نار جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۱۴

۱۴ استمرار و پافشاری بر کفر ، موجب گرفتار شدن به عذاب دردناك دوزخ است .

و الذین کفروا لهم . .. عذاب أليم بما كانوا يكفرون

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸ - ۳

۳ بزهکاری و زشت کرداری ، عامل گرفتار شدن به آتش دوزخ

أولئک مأویهم النار بما کانوا یکسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۶

۱۶ شک و شبهه در راستی و درستی قرآن ، مایه گرفتار شدن به آتش دوزخ است .

فالنار موعده فلاتک فی مریه منه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۸ - ۷

۷ آتش دوزخ ، فرجام پیروی نکردن از رسولان الهی است .

و لقد أرسلنا موسی . .. إلی فرعون و ملإیه فاتبعوا أمر فرعون ... و بئس الورد المور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۲،۴،۱۵

۲ تمایل به ستمگران و اتکای بر آنان ، موجب گرفتار شدن به آتش دوزخ است .

و لاترکنوا إلی الذین ظلموا فتمسکم النار

۴ شرک و پرستش غیر خدا ، ظلم و درپی دارنده آتش دوزخ است .

و لاترکنوا إلی الذین ظلموا فتمسکم النار

از مصداقهای مورد نظر برای ظلم به قرینه آیات پیشین شرکورزی و پرستش غیرخداست.

۱۵ < عن رسول الله (ص) : . . . من مدح سلطاناً جائراً و تخفّف و تضعضع له طمعاً فیه کان قرینه إلی النار . . . قال الله

عزوجل : < و لاتركنوا إلى الذين ظلموا فتمسكم النار . . . ;

از رسول خدا(ص) روايت شده است: . .. كسى كه سلطان ستمگرى را به خاطر طمع داشتن به او، ستايش كند و در برابر

او کوچکی و تواضع نماید در آتش همنشین او گردد ... خداوند عزوجل فرمود: و لاترکنوا ...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱۹ – ۱۰

۱۰ دوزخی شدن جن و انس به سبب اختلاف در دین ، گواه راستی و درستی سخن خداوند (جهنم را از جن و انس پر خواهم کرد) است .

و لایزالون مختلفین . .. و تمت کلمه ربک لأملأنّ جهنم

سخن از تحقق یافتن فرموده خداوند (تمت کلمه ربک . ..) پس از بیان اختلافهای مردم و پوشیده شدن حق بر آنان، گویای این نکته است که: همان اختلافها که مخفی ماندن حق را در پی داشت موجب دوزخی شدن انسانها و جنیان شده و حقانیت کلمه خدا (لأملأنّ ...) را به طور کامل محقق ساخت.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲۵ – ۱۲

۱۲ آنان که در زمین فساد می کنند ، به سرایی شوم (دوزخ) گرفتار خواهند شد .

و الذین . .. یفسدون فی الأرض ... لهم سوء الدار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۹ – ۳

۳- سردمداران کفر و شرک عامل اصلی دوزخی کردن قوم خویشند .

أحلّوا قومهم دار البوار . جهنّم یصلونها

برداشت فوق مبتنی بر این است که <جهنّم یصلونها> بدل از <دار البوار> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۴۳ – ۳

۳- پیروی از ابلیس و گمراه شدن ، از عامل های گرفتار شدن به جهنّم

إلاّ من

اتبعک . .. و إن جهنّم لموعدهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۲۹ – ۸

۸- کفر ، عامل گرفتار شدن به عذاب ابدی جهنّم

الکفرین . .. فادخلوا أبوب جهنّم خلدین فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۶۲ – ۱۱،۱۲

۱۱- بی شک کیفر مشرکان افترا زننده بر خدا ، آتش است .

لاجرم أن لهم النار

۱۲- افترا زدن به خداوند و دادن نسبت های ناروا به او ، در پی دارنده آتش جهنّم است .

عمّا کنتم تفترون . و یجعلون لله البنت ... و یجعلون لله ما یکرهون ... لاجرم أن ل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸ – ۱۱

۱۱- ذلّت و شکست ، مجازات دنیوی فسادانگیزان و عذاب حهنّم ، کیفر اخروی آنان است .

لتفسدنّ فی الأرض . .. و إن عدتم عدنا و جعلنا جهنّم للکفرین حصیرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۸ – ۱

۱- دنیاطلبی ، عامل گرفتاری انسان به آتش دوزخ است .

من کان یرید العاجله . .. جعلنا له جهنّم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹۸ – ۲

۲- آتش همواره شعلهور جهنّم ، کیفر کفر به آیات الهی و انکار روز رستاخیز

كلّما خبت زدنهم سعيرًا . ذلك جزاؤهم بأنهم كفروا بأيتنا و قالوا أءذا كنّا عظمً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵۳ – ۴

۴- شرک ، جرم و

گناه است و آتش دوزخ را در پی دارد .

نادوا شرکاءی . .. و رءا المجرمون النار فظنّوا أنّهم مواقعوها

مصداق بارز جرم، در اینِ آیه، به قرینه آیه قبل، شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۰ - ۴

۴- کفر ، زمینه ساز گرفتاری به دوزخ است .

و عرضنا جهنّم یومئذ للکفرین عرضًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۱۱

۱۱- پذیرش ولایت غیر خدا ، کفر و در پی دارنده عذاب دوزخ است .

أن یتّخذوا عبادی من دونی أولیاء إنّا أعتدنا جهنّم للکفرین نزلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۶ - ۱،۴

۱- دوزخ ، جزای کافرانِ به آیات الهی و منکران معاد است .

ذلک جزاؤهم جهنّم بما کفروا

مراد از کفر، به قرینه آیه قبل، کفر به آیات خدا و معاد است.

۴- استهزای آیات و پیامبران الهی ، شیوه کافران و عامل دوزخی شدن و حبط عمل آنان است .

جزاؤهم جهنّم بما کفروا واتخذوا ءایتی و رسلی هزوًا

<هزواً> و <هزءاً> به یک معنا است و مصدری است که حمل آن بر <آیات> و <رسل> برای مبالغه است. راغب، آن را <شوخی ناآشکار> و دیگران، آن را <تمسخر> معنا کرده اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۷۲ – ۸،۱۱

۸- ظلم ، موجب استحقاق دوزخ است .

و نذر الظلمین فیها جثیًّا

تکیه بر عنوان <ظلم> برای باقی ماندگان در دوزخ، از نقش ظلم در استحقاق آن کیفر حکایت دارد.

۱۱- تقوا ، موجب

نجات از جهنم و پایداری بر ظلم ، موجب بقای در آن

ثمّ ننجّی الذین اتقوا و نذر الظلمین فیها

<اتقوا> فعل و نشان دهنده حدوث است; ولی <ظالمین> اسم و دال کننده بر ثبوت است بنابرگفته برخی از مفسران، این تفاوت به جهت بیان رحمت گسترده الهی است که اگر کسی فعل تقوا به او منتسب گردد، نجات می یابد; ولی تا کسی به وصف ظلم متصف نگردد و عنوان <ظالم> بر او صدق نکند، در دوزخ ماندگار نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۶ - ۶

۶- شرکورزی و پرستش معبود های باطل ، گناهی بزرگ و موجب دوزخی شدن است .

و نسوق المجرمین إلی جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۲

۲ - کفر ، جرم و گناه است و کافران مجرم و دوزخی اند .

إنّه من یأت ربّه مجرمًا فإنّ له جهنّم

لام در <له جهنّم> بر استحقاق دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۹ - ۱،۴،۷

۱- اگر فرشتگان ادعای الوهیت کنند ، به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد .

و من یقل منهم إنّی إله من دونه فذلک نجزیه جهنّم

۴- جهنم ، کیفر مدعیان دروغین الوهیت است .

و من یقل منهم إنّی إله من دونه فذلک نجزیه جهنّم

۷- جهنم ، کیفر تمامی ستمگران است .

نجزیه جهنّم کذلک نجزی الظلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۴۰ – ۹

۹- کفر ، موجب دخول ناگهانی در آتش فراگیر

و مستمر دوزخ

الذين كفروا . .. وجوههم النار ... تأتيهم بغته ... و لا هم ينظرون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۱ – انبياء – ۲۱ – ۹۸ – ۵

۵- پرستش غير خدا ، كفر و مستوجب جهنم است .

الذين كفروا . .. إنّكم و ماتعبدون من دون اللّه حصب جهنّم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۱ – انبياء – ۲۱ – ۹۹ – ۵

۵- شرک ، گناهی بزرگ و مستوجب خلود در آتش جهنم است .

إنّكم و ما تعبدون من دون اللّه حصب جهنّم . .. و كلٌّ فيها خلدون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۴ – ۲،۳،۵

۲- شيطان ، عنصری است گمراهگر و دوزخی پرور .

كلّ شيطن مريد . كتب عليه... فانه يضلّه ويهديه إلى عذاب السعير.

۳- گمراه سازی و دوزخی پروری ، خميره و سرشت تغييرناپذير شيطان است .

كتب عليه. .. فإنّه يضلّه ويهديه إلى عذاب السعير

جمله <كتب عليه> (بر او نوشته شد) بيانگر اين نكته است كه شيطان، مخلوقی است كه سرشت او با گمراه گری و كشاندن مردم به سوی دوزخ، آميخته شده و غير قابل تغيير است.

۵- گرفتار شدن به عذاب دوزخ ، سرنوشت محتوم و فرجام شوم كسی است كه خود را در قلمرو ولايت شيطان قرار دهد و از او پيروی كند .

كتب عليه أنّه من تولّاه. .. ويهديه إلى عذاب السعير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۰ - ۱

۱ - دوزخ و عذاب سخت آن ، دستاورد خود انسان ها است .

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۹ - ۵

۵ - شرك و انكار ربوبيت خدا ، گناهی نابخشودنی و گرفتار كننده به آتش دورخ است .

فالذين كفروا قطّعت لهم ثياب من نار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱،۱۵

۱ - كفر به خدا و سرپیچی از عبادت او ، گناهی نابخشودنی و در پی دارنده عذاب دردناك دوزخ است .

إنّ الذين كفروا و يصدّون عن سبيل اللّه

مراد از <الطيب من القول> همان طور که در آیه پیش گفته شد کلمه توحید و <صراط حمید> عبادت خدای یگانه است. بنابراین با توجه به ارتباط این آیه با آیه پیش، می توان گفت: <کفروا> در <إنّ الذین کفروا>به تقدیر <کفروا بالطیب من القول> است و مراد از <سبیل اللّه> در <یصدون عن سبیل اللّه>، عبادت و پرستش خدای یگانه می باشد. قابل ذکر است که <الذین> اسم <إنّ> و خبر آن محذوف است و تقدیر آن به قرینه ذیل آیه چنین می شود: <إنّ الذین کفروا... نذیقهم من عذاب ألیم>.

۱۵ - عذاب دردناك دوزخ ، كيفر هر نوع انحراف از حق و تجاوز به حقوق دیگران در محیط مسجد الحرام

و من يرد فيه بإلحاد بظلم نذقه من عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۲،۸

۲ - عذاب دوزخ ، عقوبت كفر به خدا و تكذيب آيات او (قرآن)

و الذين كفروا و كذّبوا بَايتنا فأولئك لهم عذاب مهين

۸ - استكبار در برابر خدا و آيات

او ، درپی دارنده عذاب ذلت بخش و خوار کننده دوزخ

و الذین کفروا و کذّبوا بَایتنا . .. عذاب مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۷ - ۵

۵ - گرفتار شدن در تنگنای عذاب دوزخ ، فرجام ظلم و تجاوز

ربّنا أخرجنا منها فإن عدنا فإنّا ظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۵ - ۳

۳ - بینش غلط نسبت به هدف آفرینش (بازگشت به سوی خدا) ، ریشه انحرافات بشر و عامل دوزخی شدن وی

قالوا ربّنا غلبت علینا شقوتنا . .. أفحسبتم أنّما ... لاترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۱ - ۳

۳ آتش بر افروخته و پرالتهاب دوزخ ، کیفر تکذیب قیامت

و أعتدنا لمن کذّب بالساعه سعیرًا

<سعیر>، به معنای آتش پرالتهاب و برافروخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۰ - ۲،۵،۸

۲ - به همراه بردن گناهان تا صحنه قیامت ، عامل دوزخی شدن انسان

و من جاء بالسیّئه فکبّت وجوههم فی النّار

به کارگیری واژه <جاء> ممکن است اشاره به این داشته باشد که کردار بد، در صورتی زیان بخش است که انسان از آن

توبه نکند و با سنگینی بار گناه در عرصه قیامت حاضر شود.

۵ – کیفر های اخروی و آتش دوزخ ، ظهور و بروز کردار بد خود آدمی

هل تجزون إلاّ ما کنتم تعملون

جزا دیدن انسان با نفس عمل خود (ما کنتم تعملون) بیانگر این معنا است که ماهیت عمل زشت، خود آتش است

که در قیامت برای انسان آشکار می شود.

۸ - اصرار بر گناهان و بدی ها ، عامل اصلی چشیدن آتش دوزخ

هل تجزون إلّا ما کنتم تعملون

تعبیر <کنتم تعملون> ماضی استمراری و بیانگر عمل مستمر است، نه عمل مقطعی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۱ - ۵

۵ - هلاکت دنیوی و آتش دوزخ ، پی آمد حکومت های مستکبر ، ستمگر و فاسد (چونان فرعونیان)

إنّهم کانوا قومًا فسقین . .. إنّه لایفلح الظلمون ... و استکبر هو ... و جعلنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۴ - ۶

۶ - مجرمان و منکران قیامت ، به عذاب ابدی و پایان ناپذیر گرفتار خواهند شد .

و لو تری إذ المجرمون . .. و ذوقوا عذاب الخلد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۰ - ۲

۲ - فسق ، عامل گرفتار شدن به آتش است .

و أمّا الذین فسقوا فمأویهم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۶ - ۶،۱۰

۶ - دوزخ ، پی آمد پاسخ دادن به ندای شیطان و حرف شنوی از او است .

إنّما یدعوا حزبه لیکونوا من أصحب السعیر

۱۰ - گرفتار شدن به آتش برافروخته و پرالتهاب دوزخ ، سرنوشت و کیفر پیروان حزب شیطان

إنّما یدعوا حزبه لیکونوا من أصحب السعیر

<سعیر> به معنای آتش افروخته و ملتهب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۳ - ۵

۵ - عبادت نکردن خدای

یکتا و پیروی از شیطان ، موجب دوزخی شدن است .

ألم أعهد إلیکم ینبی ءادم أن لاتعبدوا الشیطن . .. و أن اعبدونی ... و لقد أضلّ م

برداشت یاد شده از ارتباط میان این آیه و آیات پیشین به دست می آید; یعنی، آیه شریفه بیانگر نتیجه و پی آمد عمل نکردن به توصیه های الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۴ - ۳

۳ - کفر مستمر ، سبب دوزخی شدن است .

اصلوها الیوم بما کنتم تکفرون

<باء> در <بما> برای سببیت و فعل مضارع <تکفرون> به ویژه با آمدن فعل <کنتم> بیانگر استمرار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۳ - ۳

۳ - شرک و هم نشینی و هم فکری با مشرکان ستم پیشه ، عامل دخول در دوزخ

احشروا الذین . .. یعبدون . من دون اللّه فاهدوهم إلی صرط الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۱ - ۱،۲

۱ - روح طغیان گری و حق ناپذیری مشرکان ، موجب مستحق بودن آنان به عذاب الهی (دوزخ) در نظر سران شرک

بل کنتم قومًا طغین . فحقّ علینا قول ربّنا إنّا لذائقون

۲ - روح طغیان و حق ناپذیری ، عامل دوزخی شدن و استحقاق کیفر الهی

بل کنتم قومًا طغین . فحقّ علینا قول ربّنا إنّا لذائقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۳۵ – ۱

۱ – عذاب دوزخ ، کیفر شرک و استکبار ، در مقابل کلمه

توحید

إنّهم کانوا إذا قیل لهم لا إله إلّاالّله یستکبرون

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <إنهم کانوا إذا. ..> تعلیل برای جملات پیشین است که در آنها از دوزخی بودن کافران و مشرکان سخن به میان آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۶ - ۴

۴ - انکار رسالت پیامبراسلام (ص) ، موجب عذاب دوزخ

فإنّهم یومئذ فی العذاب . .. و یقولون ... لشاعر مجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۹ - ۲

۲ - عذاب دردناک دوزخ ، کیفری عادلانه و متناسب با رفتار شرک آلود و استکبار در برابر حق

العذاب الألیم . و ما تجزون إلّا ما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۵ - ۳

۳ - منکران قیامت ، در وسط دوزخ جای خواهند داشت .

فرءاه فی سواء الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۹ - ۳

۳ - تقلید کورکورانه دوزخیان ستمگر در عقاید دینی و مبانی فکری از پدران خود ، موجب دوزخی شدن آنان گردید .

ثمّ إنّ مرجعهم لإلی الجحیم . إنّهم ألفوا ءاباءهم ضالّین

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <إنهم ألفوا. ..> تعلیل برای جملات پیشین (عذاب شدن و دوزخی گشتن کافران) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۰ - ۴

۴ - دنباله روی کورکورانه دوزخیان در رفتار و کردار و مواضع فردی و اجتماعی خود از

پدران خویش ، موجب دوزخی شدن آنان گردید .

ثمّ إنّ مرجعهم لإلی الجحیم . إنّهم ألفوا ... فهم علی ءاثرهم یهرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۳ - ۳

۳ - نقش اختیار و انتخاب انسان ، در بدفرجامی و دوزخی شدن خود

إلاّ من هو صال الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۰ - ۳،۵

۳ - پیروان طاغیان ، آنان را عامل دوزخی شدن خود معرفی می کنند .

أنتم قدّمتموه لنا

۵ - طاغیان و پیروانشان ، درصدد تبرئه خود و مقصر دانستن دیگری در دوزخی شدن آنان هستند .

قالوا بل أنتم لامرحبًا بکم أنتم قدّمتموه لنا فبئس القرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۱ - ۴

۴ - طاغیان ، به اعتقاد پیروانشان ، عامل دوزخی شدن آنان هستند .

قالوا ربّنا من قدّم لنا هذا فزده عذابًا ضعفًا فی النار

درخواست عذاب دوچندان برای طاغیان از سوی پیروان آنان، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۵ - ۵،۶

۵ - تکبر و خودبرتربینی ابلیس و تصمیم وی بر اغوا کردن انسان ها ، موجب گرفتار شدن او به آتش دوزخ

قال فبعزّتک لأغوینّهم . .. قال فالحقّ ... لأملأنّ جهنّم منك

۶ – پیروی از ابلیس ، موجب استحقاق عذاب دوزخ

لأملأنّ جهنّم منک و ممّن تبعک منهم أجمعین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۸ – ۲۱

۲۱ – شرک و ناسپاسی

خدا ، موجب گرفتاری به آتش جهنم

قل تمتّع بکفرک قلیلاً إنّک من أصحب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۶ - ۴

۴ - خسارت و از دست دادن سرمایه عمر و خانواده ، موجب آتش شدید و فراگیر دوزخ

الذین خسروا . .. لهم من فوقهم ظلل من النار و من تحتهم ظلل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۰ - ۷

۷ - تکبر ، عامل روسیاهی اخروی و استحقاق جهنم

ألیس فی جهنّم مثوًی للمتکبّرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۲۱

۲۱ - کفر به خدا و انکار روز رستاخیز ، موجب دوزخی شدن انسان ها است .

و لکن حقّت کلمه العذاب علی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶ - ۳

۳ - تکذیب پیامبران و ستیزه جویی با آیات الهی ، موجب دوزخی شدن انسان ها

و کذلک حقّت کلمت ربّک علی الذین کفروا أنّهم أصحب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۲ - ۲

۲ – کفر به خدا و شریک قرار دادن برای او ، عامل دوزخی شدن انسان

تدعوننی إلی النار . تدعوننی لأکفر باللّه و أشرک به

جمله <تدعوننی لأکفر باللّه. ..> بیان برای جمله <تدعوننی إلی النار> در آیه پیش است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۴۳ – ۹

۹ – اسراف و زیاده روی در گناه و حق ستیزی ،

موجب دوزخی شدن انسان ها است .

و أنّ المسرفین هم أصحب النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۴۷ – ۶،۷

۶ – پیروی کورکورانه از مستکبران و منحرفان ، موجب گرفتاری به آتش دوزخ است .

و إذ یتحاجّون فی النار فیقول الضعفؤا للذین استکبروا إنّا کنّا لکم تبعًا

۷ – استکبار و به استضعاف کشیدن جامعه ، موجب گرفتاری در آتش دوزخ است .

و إذ یتحاجّون فی النار فیقول الضعفؤا للذین استکبروا إنّا کنّا لکم تبعًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵۰ – ۵

۵ – مخالفت عمدی و ستیزه جویانه کافران با پیامبران ، موجب دوزخی شدن و محرومیت آنان از تخفیف در عذاب الهی

قالوا أَوَ لم تک تأتیکم رسلکم بالبیّنت قالوا بلی قالوا فادعوا و ما دعؤا الکفر

اعتراف کافران دوزخی به این که به پیامبران و دلایل روشن آنان دست یافته بودند، نشان می دهد که مخالفت آنان با تعالیم آسمانی، از روی عمد و ستیزه جویانه بوده است و همین موجب دوزخی شدن و محرومیت آنان از تخفیف در عذاب گردید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵۲ – ۹

۹ – ستم پیشگی ، موجب پذیرفته نشدن عذر آدمی از گناه ، محرومیت از رحمت خدا و جای گرفتن در سرای بد

یوم لاینفع الظلمین معذرتهم و لهم اللعنه و لهم سوء الدار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۶۰ – ۹،۶،۵،۴

۴ – آنان که از سر کبر و خودخواهی به عبادت

خدا نمی پردازند ، محکوم به دوزخ اند .

إنّ الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنّم

۵ - خودداری از عبادت خدا از سر تکبر و بزرگ منشی ، موجب دوزخی شدن است .

إنّ الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنّم داخرین

۶ - کسانی که از عبادت خداوند کبر میورزند ، با خواری و ذلت به دوزخ وارد خواهند شد .

إنّ الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنّم داخرین

<داخرین> (از ماده <دَخَرَ>) مرادف <صغر و ذلّ> (کوچک و ذلیل شد) بوده و حال برای ضمیر <سیدخلون> است.

۹ - < فی الصحیفه السجّادیّه : و قلت : < ادعونی أستجب لکم إنّ الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنّم داخرین > فسمّیت دعاءک عباده و ترکه استکباراً و توعّدت علی ترکه دخول جهنّم داخرین . . . ;

در صحیفه سجادیه آمده است: [خدایا] تو فرمودی مرا بخوانید تا شما اجابت کنم[و فرمودی] کسانی که از روی کبر از عبادت من روی برمی گردانند، به زودی با ذلت وارد دوزخ خواهند شد. پس خواندن خودت را عبادت نامیدی و ترک آن را استکبار خواندی و بر ترک آن وعده دخول ذلیلانه به جهنم را دادی>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۹ - ۶

۶ - شرکورزی و تکذیب پیامبران الهی ، درپی دارنده آتش دوزخ است .

و یوم یحشر أعداء اللّه إلی النار

از ارتباط این آیه با آیات پیشین که در مورد تکذیب پیامبران بود مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۳

۳ - کفر به قرآن و

وحی ، پس از مواجهه با آن [و درک حقانیت آن] مستلزم دوزخی شدن انسان است .

إنّ الذین کفروا بالذّکر لمّا جاءهم

تعبیر <لمّا جائهم> بیانگر این است که که اساساً کفر و انکار زمانی تحقق می یابد که انسان با کلام وحی روبه رو شده و آن را فهم کرده باشد. سپس به انکار آن پرداخته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۵

۵ - تقسیم انسان ها به بهشتی و دوزخی ، نتیجه برخورداری آنان از اختیار و حق انتخاب

فریق فی الجنّه و فریق فی السعیر . و لو شاء اللّه لجعلهم أُمّه وحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۶ - ۲

۲ - جاودانگی ظالمان و گمراهان ، در دوزخ ، نتیجه محرومیت آنان از ولایت خدا و تکیه بر ولایت غیر او است .

إنّ الظلمین فی عذاب مقیم . و ما کان لهم من أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۴ - ۲

۲ - گناه پیشگی ، عامل ورود به جهنم و جاودانگی در عذاب

إنّ المجرمین فی عذاب جهنّم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۶ - ۳،۴

۳ - انسان ، خود باعث دوزخی شدن خویش است ; نه خداوند .

و ما ظلمنهم و لکن کانوا هم الظلمین

۴ – گناه پیشگی و ظلم مستمر ، باعث دوزخی شدن انسان

إنّ المجرمین فی عذاب جهنّم . .. و لکن کانوا هم الظلمین

جلد – نام سوره –

سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۱

۱ - دوزخ ، پایانی خفّت بار برای دروغ پردازی ها ، استهزاگری ها و گناه پیشگی کافران

ویل لکلّ أفّاک أثیم . .. اتّخذها هزوًا ... عذاب مهین . من ورائهم جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۴ - ۴

۴ حق پوشان لجوج و معاند ، مستحق آتش دوزخ ; و نه ناآگاهان ره نیافته به حق *

ألقیا فی جهنّم کلّ کفّار عنید

وصف <کفّار> و <عنید> مشعر به علیت است; یعنی، آنچه آدمی را به سوی دوزخ می کشاند، انکار لجوجانه و حق ستیزانه است و نه صرف انکار ناشی از جهل و نرسیدن به حق; گرچه ظاهراً به چنین فردی نیز <کافر> اطلاق می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۳ - ۳

۳ - تفتیدن بر آتش دوزخ ، جزای کفر ، دروغ پردازی و یاوه سرایی علیه دین

قتل الخرّصون . .. یوم هم علی النار یفتنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۴ - ۲

۲ - عذاب آتش دوزخ ، دستاورد خود کافران و منکران معاد

ذوقوا فتنتکم

اضافه <فتنه> به <کم>، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۶ – ۵،۶،۷،۸

۵ – کیفر دوزخ برای تکذیب کنندگان دین ، بازتاب قهری عملکرد مستمر خود آنان

إنّما تجزون ما کنتم تعملون

۶ – آتش دوزخ ، تجسّم و عینیت اعمال ناروای خود کافران برای ایشان

*

إنّما تجزون ما كنتم تعملون

تعبیر <تجزون مـا> به جـای <تجزون بما> بیانگر این معنا است که خود عمل، جزا واقع می شود و این در صورتی است که عمل ناروا تجسّم پیدا کند.

۷ – عذاب دوزخ ، ستمی از سوی کافران به خویش و نه از جانب خداوند

إنّما تجزون ما كنتم تعملون

۸ – اصرار و مداومت بر کفر و حق ناپذیری ، درپی دارنده عذاب آتش دوزخ

إنّما تجزون ما كنتم تعملون

فعل <كنتم تعملون>، ماضی استمراری و بیانگر اصرار و مداومت شخص، بر عمل است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۴۳ – ۴

۴ – تکذیب قیامت و کیفر آن ، از عوامل دوزخی شدن

هذه جهنّم الّتى يكذّب بها المجرمون

از این که دوزخ به تکذیب گران آن معرفی می شود، مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۴۵ – ۲،۳

۲ – گذرانـدن زنـدگی دنیـا همراه بـا بی پروایی ، سـرمست شـدن به ثروت و مکنت و بی رحمی و آدم کشـی ، درپی دارنـده قطعی عذاب هولناک دوزخ

فی سموم و حمیم . .. إنّهم كانوا قبل ذلك مترفين

۳ – سرمستی ، خوش گذرانی و فرو رفتن در ناز و نعمت ، از عوامل مهم دوزخی شدن < اصحاب شمال >

و أصحب الشمال . .. إنّهم كانوا قبل ذلك مترفين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۴۶ – ۲،۳،۴

۲ – اصرار و پافشاری > اصحاب الشمال < بر پیمان شکنی ، عامل دوزخی شدن آنها

و

كانوا يصرّون على الحنث العظيم

۳ - پافشاری و تداوم بخشی بر گناهان بزرگ ، در پی دارنده قطعی دوزخ

و كانوا يصرّون على الحنث العظيم

۴ - شرکورزی ، گناهی بزرگ و نابخشودنی و باعث دوزخی شدن انسان

و كانوا يصرّون على الحنث العظيم

برخی از مفسران برآنند که مراد از <حنث> در آیه شریفه، شکستن پیمان توحید است (پیمانی که خداوند فطرتاً و در عالم ذر از انسان ها گرفته است). بر این مبنا، مفاد آیه چنین می شود: اصحاب شمال به خاطر شکستن پیمان توحید و روی آوردن به شرک و اصرار بر آن، گرفتار عذاب دوزخ خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۱،۲

۱ - توصیه خداوند ، به مؤمنان ، مبنی بر خودسازی و صیانت خویش از عوامل و موجبات بدبختی و دوزخی شدن

يأيّها الذين ءامنوا قوا أنفسكم . .. نارًا

بنا به گفته مفسران، مقصود از محافظت خود از آتش، صیانت خویش از موجبات و عواملی است که منجر به آتش دوزخ می شود; مانند ترک واجبات و یا انجام محرمات.

۲ - توصیه خداوند به مؤمنان ، مبنی بر مراقبت از اعضای خانواده خود در برابر عوامل و موجبات بدبختی و دوزخی شدن آنان

يأيّها الذين ءامنوا قوا . .. أهليكم نارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۶ - ۲

۲ - انکار صفت ربوبیت خداوند ، مساوی با کفر و موجب دوزخی شدن است .

و للذين كفروا بربّهم عذاب جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - کافران دوزخی ، از کسانی اند که پس از اتمام حجت و از روی عمد ، راه کفر و انکار را در پیش گرفته و به تکذیب دین پرداختند .

قالوا بلی قد جاءنا نذیر فکذّبنا

۵ - تکذیب عمدی دین ، عامل دوزخی شدن است .

قد جاءنا نذیر فکذّبنا و قلنا ما نزّل اللّه من شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۰ - ۲

۲ - گوش دل نسپردن به سخنان پیامبران و تعقّل نکردن درباره آنها ، عامل دوزخی شدن کافران

و قالوا لو کنّا نسمع أو نعقل ما کنّا فی أصحب السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۷ - ۴

۴ - حق گریزی ، از موجبات دوزخی شدن

تدعوا من أدبر و تولّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۸ - ۴

۴ - زراندوزی ، از موجبات دوزخی شدن

و جمع فأوعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۵ - ۳

۳ – ظلم و انحراف از مسیر حق ، از موجبات دوزخی شدن

و أمّا القسطون فکانوا لجهنّم حطبًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۲۳ – ۶

۶ – نافرمانی از خدا و رسول او ، موجب ابتلا به آتش دوزخ

و من یعص اللّه و رسوله فإنّ له نار جهنّم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۲۶ – ۲

۲ – استکبار در برابر حقایق الهی و افترا

بر دین ، موجب گرفتاری به آتش دوزخ است .

و استکبر . فقال إن هذا إلّا سحر ... سأُصلیه سقر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۳۸ – ۴

۴ – دوزخ ، نتیجه و پیامد رفتار و کردار خود دوزخیان است .

سأصلیه سقر . .. کلّ نفس بما کسبت رهینه

با توجه به ارتباط میان این آیه و آیات قبل و بعد که درباره دوزخ است مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۴۲ – ۳

۳ – جرم ، از موجبات دوزخی شدن انسان ها است .

عن المجرمین . ما سلککم فی سقر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۴۳ – ۱،۴

۱ – ترک نماز ، از عوامل دوزخی شدن است .

ما سلککم فی سقر . قالوا لم نک من المصلّین

۴ – < عن عقیل الخُزاعیّ ، أنّ أمیرالمؤمنین (ع) . . . یقول : تعاهَدوا الصّلاةَ و حافظوا علیها و استکثروا منها و تقرَّبوا بها فإنّها کانت علی المؤمنین کتاباً موقوتاً و قد علم ذلک الکفّارُ حین سُئِلوا ما سلککم فی سقر ؟ قالوا : لم نک من المصلّین ;

از عقیل خزاعی روایت شده که امیرالمؤمنین(ع) فرمود: . ..مواظب نماز باشید و بر آن محافظت نمایید و انجام آن را افزون کنید و با نماز به [خدا] تقرّب جویید. چون نماز، وظیفه ثابت و معینی برای مؤمنان است; این را کافران نیز می دانند; آن زمان که از آنان سؤال شود:

<چه چیز شما را به دوزخ وارد ساخت>؟ گویند: ما از نمازگزاران نبودیم...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۴ - ۱

۱ - اطعام نکردن به مساکین و بینوایان ، از عوامل دوزخی شدن

ما سلککم فی سقر . .. و لم نک نطعم المسکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۵ - ۱

۱ - به بطالت گذراندن عمر ، از عوامل دوزخی شدن

ما سلککم فی سقر . .. و کنّا نخوض مع الخائضین

<خوض> (مصدر <نخوض>)، در اصل به معنای حرکت در آب است (لسان العرب). در این آیه مقصود، اشتغال فراوان به کار باطل است. (قاموس المحیط)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۶ - ۱

۱ - تکذیب روز جزا ، از عوامل دوزخی شدن

ما سلککم فی سقر . .. و کنّا نکذّب بیوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۵ - ۳

۳ - تکذیب برپایی قیامت ، موجب عذاب دوزخ و هلاکت ابدی

ویل یومئذ للمکذّبین

از آن جا که آیه شریفه، در میان آیات مربوط به قیامت قرار دارد، استفاده می شود که مقصود از تکذیب در آن، تکذیب روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۹ - ۳

۳ - تکذیب برپایی قیامت ، موجب عذاب دوزخ و هلاکت ابدی

ویل یومئذ للمکذّبین

از آن جا که آیه شریفه، در میان آیات مربوط به قیامت قرار دارد، استفاده می شود که مقصود از تکذیب

در آن، تکذیب روز قیامت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۲۴ – ۳

۳ – تکذیب برپایی قیامت ، موجب عذاب دوزخ و هلاکت ابدی

ویل یومئذ للمکذّبین

از آن جا که آیه شریفه، در میان آیات مربوط به قیامت قرار دارد، استفاده می شود که مقصود از تکذیب در آن، تکذیب روز قیامت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۲۸ – ۳

۳ – تکذیب برپایی قیامت ، موجب عذاب دوزخ و هلاکت ابدی

ویل یومئذ للمکذّبین

از آن جا که آیه شریفه، در میان آیات مربوط به قیامت قرار دارد، استفاده می شود که مقصود از تکذیب در آن، تکذیب روز قیامت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۲۹ – ۲

۲ – تکذیب روز جزا ، موجب گرفتاری به آتش دوزخ

انطلقوا إلی ما کنتم به تکذّبون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۳۴ – ۳

۳ – تکذیب برپایی قیامت ، موجب عذاب دوزخ و هلاکت ابدی

ویل یومئذ للمکذّبین

از آن جا که آیه شریفه، در میان آیات مربوط به قیامت قرار دارد، استفاده می شود که مقصود از تکذیب در آن، تکذیب روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۷ - ۳

۳ - تکذیب برپایی قیامت ، موجب عذاب دوزخ و هلاکت ابدی

ویل یومئذ للمکذّبین

از آن جا که آیه شریفه، در میان آیات مربوط به قیامت قرار دارد، استفاده می شود که مقصود از

تکذیب در آن، تکذیب روز قیامت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۴۰ – ۳

۳ – تکذیب برپایی قیامت ، موجب عذاب دوزخ و هلاکت ابدی

ویل یومئذ للمکذّبین

از آن جا که آیه شریفه، در میان آیات مربوط به قیامت قرار دارد، استفاده می شود که مقصود از تکذیب در آن، تکذیب روز قیامت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۴۵ – ۳

۳ – تکذیب برپایی قیامت ، موجب عذاب دوزخ و هلاکت ابدی

ویل یومئذ للمکذّبین

از آن جا که آیه شریفه، در میان آیات مربوط به قیامت قرار دارد، استفاده می شود که مقصود از تکذیب در آن، تکذیب روز قیامت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۴۷ – ۳

۳ – تکذیب برپایی قیامت ، موجب عذاب دوزخ و هلاکت ابدی

ویل یومئذ للمکذّبین

از آن جا که آیه شریفه، در میان آیات مربوط به قیامت قرار دارد، استفاده می شود که مقصود از تکذیب در آن، تکذیب روز قیامت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۴۹ – ۳

۳ - تکذیب برپایی قیامت ، موجب عذاب دوزخ و هلاکت ابدی

ویل یومئذ للمکذّبین

از آن جا که آیه شریفه، در میان آیات مربوط به قیامت قرار دارد، استفاده می شود که مقصود از تکذیب در آن، تکذیب روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۷ - ۵

۵ - انکار معاد و حسابرسی قیامت ،

عامل طغیان گری و مایه گرفتاری به عذاب جهنم است .

للطّغین . .. إنّهم کانوا لایرجون حسابًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۸ - ۶

۶ - تکذیب آیات الهی ، مایه گرفتاری به عذاب جهنم و محرومیت از لذّت برودت و آشامیدن آب در آخرت

إنّ جهنّم . .. لایذوقون ... و کذّبوا بایتنا کذّابًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۰ - ۲

۲ - عذاب جهنم و افزایش آن ، نتیجه انکار معاد و تکذیب آیات الهی و عقوبتی متناسب با آن گناهان است .

فذوقوا فلن نزیدکم

<فاء> در <فذوقوا> و <فلن نزیدکم> دلالت می کند که چشیدن عذاب فزاینده پیامدی مناسب برای گناهان بیان شده در آیات پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۹ - ۲،۳

۲ - نادیده گرفتن مقام ربوبیت خداوند و زیاده روی در هواپرستی ، فرجامی جز آتش دوزخ ندارد .

فأمّا من طغی . .. فإنّ الجحیم هی المأوی

از آن جا که مراد از طغیان در <من طغی> به قرینه <من خاف مقام ربّه و نهی النفس عن الهوی> (در آیات بعد) بی اعتنایی به پروردگار و پیروی از هوای نفس است، تهدید به جحیم نیز، درباره کسانی است که این گونه باشند.

۳ - ترجیح دنیا بر آخرت ، مایه گرفتاری به آتش دوزخ

و ءاثر الحیوه الدنیا . فإنّ الجحیم هی المأوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۱۴ – ۶

۶ – ورود هر انسان

به بهشت یا جهنم ، سزای کردار او است .

و إذا الجحیم سعّرت . و إذا الجنّه أُزلفت . علمت نفس ما أحضرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۱۵ – ۴

۴ – گرفتاری فاسقان به آتش جهنم ، کیفر فسق آنان است .

یصلونها یوم الدین

تصریح به <روز جزا> بودن قیامت، در بیان عذاب فاسقان، بیانگر آن است که عذاب قیامت جزای فسق آنان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۱۱ – ۲

۲ – تکذیب قیامت و کیفر و پاداش الهی ، مایه گرفتاری به عذاب جهنم است .

ویل یومئذ للمکذّبین . الذین یکذّبون بیوم الدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۱۷ – ۴

۴ – عذاب جهنم ، کیفر تکذیب کنندگان آن

ثمّ یقال هذا الذی کنتم به تکذّبون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۱۴ – ۵

۵ – اعطای نامه عمل از پشت سر ، فریاد هلاکت خواهی در قیامت و گرفتاری به آتش جهنم ، برخاسته از استبعاد معاد است .

و أمّا من أُوتی . .. إنّه ظنّ أن لن یحور

این آیه، می تواند بیانگر علت برای مطالب قبل باشد که از جمله آنها <أُوتی کتابه وراء ظهره> بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ - کسانی که در قیامت نامه عمل را از پشت سر دریافت کرده و به دوزخ گرفتار می شوند ، خود عامل پیدایش چنین

سرنوشتی اند .

أمّا من أُوتی کتبه . .. و یصلی سعیرًا ... بلی إنّ ربّه کان به بصیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۱

۱ - شکنجه گران و سوزانندگان مردمِ با ایمان ، به عذاب جهنم گرفتار خواهند شد .

إنّ الذین فتنوا المؤمنین و المؤمنت ثمّ لم یتوبوا فلهم عذاب جهنّم

<فتن> (مصدر <فتنوا>) در اصل به معنای داخل کردن طلا در آتش است; ولی در مورد داخل کردن انسان در آتش نیز استعمال دارد (مفردات راغب). <فتنه> در قرآن، گاهی به معنای تعذیب (شکنجه دادن) آمده است. (بصائر فیروزآبادی)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۶ - ۳

۳ - برتر دیدن زندگانی دنیا از آخرت ، دیدگاهی ناروا و مایه شقاوت و روی گردانی از تذکّرات قرآن و گرفتاری به آتش دوزخ است .

و یتجنّبها الأشقی . الذی یصلی النار ... بل تؤثرون الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۹ - ۳

۳ - گرفتاری به جهنم ، کیفر کردار های بی ارزش است .

و أمّا من خفّت موزینه . فأُمّه هاویه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۴،۵

۴ - پرسش و حسابرسی از نعمت ها ، زمینه ساز گرفتاری برتری جویان و تفاخر کنندگان به آتش دوزخ

لترونّ الجحیم . .. ثمّ لتسئلنّ یومئذ عن النعیم

نشان دادن جهنم به اهل تکاثر پیش از بازخواست نعمت ها بیانگر آن است که اهل تکاثر، باید پس از

طی مراحل بازخواست و حسابرسی، جهنم را جایگاه خویش بدانند.

۵ - افتخار بر دیگران در امتیازات مادی ، کفران نعمت و زمینه ساز گرفتاری به دوزخ پس از حسابرسی است .

ألهیکم التکاثر . .. ثمّ لتسئلنّ یومئذ عن النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۴ - ۳

۳ - نمازخواندن تکذیب کنندگان کیفر های الهی ، بی ثمر بوده و مایه استحقاق عذاب جهنم است .

أرءیت الذی یکذّب بالدّین . .. فویل للمصلّین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۶ - ۵

۵ - خواندن نماز ، برای خودنمایی نزد مردم ، نکوهیده و مایه گرفتاری به عذاب جهنم است .

فویل للمصلّین . .. الذین هم یراءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۷ - ۱

۱ - کسانی که از عاریه دادن لوازم منزل ، دریغ ورزیده ، احتیاجات مردم را نادیده می گیرند ، گرفتار نفرین خدایند و عذاب جهنم ، فرجام آنان است .

فویل . .. و یمنعون الماعون

<ماعون>، عنوان عامی برای اثاثیه منزل، از قبیل دیگ، تبر، و کاسه است (مصباح). این کلمه به معنای کار خیر و باران و آب و هر چیز نافع نیز می آید (قاموس). ریشه آن <مَعْن> (چیزی که کم و آسان باشد) است و برخی اصل آن را <معونه> (ابزار کمک دهنده) دانسته اند. (صحاح اللغه)

موجبات جهنم منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۰ - ۲

۲ شک و تردید ، پرتگاهی که

منافقان بنای شخصیت خویش را بر آن پی افکنده و از آن جا به دوزخ سقوط می کنند .

أسس بنینه علی شفا جرف هار . .. لا یزال بنینهم الذی بنوا ریبه فی قلوبهم

موجبات نجات از جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۶۶ – ۷

۷ – اطاعت از خداوند و رسول او ، نجات بخش آدمی از آتش جهنم است .

یوم تقلّب وجوههم فی النار یقولون یلیتنا أطعنا اللّه و أطعنا الرسولا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – اعلی – ۸۷ – ۱۲ – ۴

۴ – پذیرش تذکرات قرآن و خشیت و هراس در برابر خداوند ، مایه رهایی از آتش دوزخ

سیذّکّر من یخشی . و یتجنّبها الأشقی . الذی یصلی النار الکبری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۱۹ – ۲

۲ – بذل مال بدون چشمداشت ، از عوامل دور ماندن از آتش جهنم است .

سیجنّبها . .. یؤتی ماله ... و ما لأحد عنده من نعمه تجزی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۲۰ – ۲

۲ – بذل مال در صورتی نشانه برترین تقوا و مایه تزکیه نفس و نجات از آتش است که تنها به نیت دستیابی به لطف خداوند باشد .

الأتقی . الذی یؤتی ماله ... إلّا ابتغاء وجه ربّه

موجودیّت جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۱۸ – ۷

۷ جهنّم ، بالفعل موجود است . *

اولئک اعتدنا لهم عذاباً الیماً

با

توجّه به ماضی آوردن کلمه <اعتدنا> (مهیا کرده ایم).

مؤمنان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۱ - ۷

۷- < عن جابربن عبدالله قال : . . . سمعت رسول الله (ص) یقول : لایبقی برّ و لافاجر إلاّ یدخلها فتکون علی المؤمن برداً و سلاماً کما کانت علی إبراهیم (ع) ;

از جابربن عبدالله روایت شده که گفت:. .. شنیدم که رسول خدا(ص) می فرمود: هیچ انسان نیکوکار یا زشت کاری نیست مگر این که داخل جهنم می شود; پس آتش برای مؤمن سرد و سلامت می گردد; همان گونه که برای ابراهیم(ع) شد>.

ناگهانی بودن جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۰ - ۱

۱- کافران ، در روز رستاخیز به طور ناگهانی با آتش فراگیر روبه رو خواهند شد .

لایکفّون عن وجوههم النار . .. بل تأتیهم بغته

<بغت> به معنای امر ناگهانی و به دور از محاسبه و پیش بینی است.

نامهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰ - ۵

۵ جحیم ، از نام های دوزخ

اصحب الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴ - ۶

۶- سعیر ، از نام های دوزخ است .

إلی عذاب السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۱ - ۶

۶ - جحیم ، از نام های دوزخ

أولئك أصحب الجحیم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که برخی

نوشته اند: <جحیم> یکی از نام های آتش است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۹۱ – ۳

۳ – جحیم ، از نام های دوزخ

و برّزت الجحیم للغاوین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۶۴ – ۳

۳ – < سعیر > ، از نام های جهنم است .

و أعدّ لهم سعیرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۶ – ۱۱

۱۱ – سعیر ، از نام های دوزخ

أصحب السعیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۲۳ – ۷

۷ – جحیم ، از نام های دوزخ

صرط الجحیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۵۵ – ۵

۵ – عذاب دوزخ از هر سوی منکران قیامت را فرا خواهد گرفت .

فرءاه فی سواء الجحیم

برداشت یاد شده از قرار داشتن کافران در وسط دوزخ و نه در حاشیه آن به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۶۴ – ۳

۳ – < جحیم > ، از نام های جهنم

الجحیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۶۸ – ۵

۵ – < جحیم > از نام های جهنم

الجحیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۷ – ۲۴

۲۴ – جحیم ، از نام های دوزخ

عذاب الجحیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶

– شوری – ۴۲ – ۷ – ۲۶

۲۶ – < سعیر > از نام های دوزخ

و فریق فی السعیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۸ – ۸

۸ – < جحیم > ، از نام های دوزخ

و وقیهم ربّهم عذاب الجحیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۹۴ – ۴

۴ – < جحیم > از نام های دوزخ

و تصلیه جحیم

برخی از مفسران، <جحیم> را عَلَم برای دوزخ دانسته اند. برداشت بالا مبتنی بر این احتمال است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۹ – ۱۳

۱۳ – < جحیم > ، از نام های دوزخ

أُولئک أصحب الجحیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۵ – ۱۵

۱۵ – < سعیر > ، از نام های دوزخ

عذاب السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۰ - ۸

۸ - < سعیر > ، از نام های دوزخ

ما کنّا فی أصحب السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۱ - ۴

۴ - < سعیر > ، از نام های دوزخ

لأصحب السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۱ - ۳

۳ - < جحیم > ، از نام های دوزخ

ثمّ الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۵ - ۳

۳ - < لظی > (آتش شعلهور

و خالص) ، از نام های دوزخ

إنّها لظی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۶ - ۳

۳ - < سقر > ، از نام های دوزخ

سأُصلیه سقر

<سقر>، اسم عَلَم برای جهنم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۷ - ۴

۴ - < سقر > ، از نام های دوزخ

و ما أدریک ما سقر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۲ - ۴

۴ - < سقر > ، از نام های دوزخ

سقر

<سقر>، اسم علم برای دوزخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۶ - ۳

۳ - < جحیم > ، از نام های جهنم

و برّزت الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۲ - ۲

۲ - < جحیم > ، از نام های جهنم است .

و إذا الجحیم سعّرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۶ - ۳

۳ - < جحیم > ، از نام های جهنّم است . *

ثمّ إنّهم لصالوا الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۲ - ۲

۲ - < سعیر > ، از نام های جهنم است .

سعیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۹ - ۵

۵ - < هاویه > از اسامی جهنم

فأُمّه هاویه

<هاویه> گرچه منصرف است و نمی تواند علم باشد، ولی

می تواند وصفی باشد که بر جهنم اطلاق شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکاثر – ۱۰۲ – ۶ – ۴

۴ – < جحیم > ، از نام های دوزخ

لترونّ الجحیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – همزه – ۱۰۴ – ۴ – ۶

۶ – < حطمه > ، از نام های جهنم

الحطمه

نجات از جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۲۳ – ۱

۱ پندار باطل گروهی از اهل کتاب و برخی از مسلمانان در مورد نجات از جهنم و ورود به بهشت ، به صرف انتساب به ادیان الهی

لیس بامانیکم و لا امانی أهل الکتب

مراد از اسم <لیس> با توجه به آیات گذشته، رهایی از جهنم و ورود به بهشت است یعنی لیس الجنه و المحیص عن النار . .. .

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۶ – ۱

۱ منافقان در صورت توبه ، اصلاح گذشته ، تمسک به خدا و اطاعت خالصانه ، به آتش دوزخ گرفتار نخواهند شد .

إنّ المنفقین . .. الا الذین تابوا و أصلحوا و اعتصموا باللّه و أخلصوا دینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۶ - ۶

۶ نجات از عذاب دردناک دوزخ ، فلاح و رستگاری است .

لعلکم تفلحون. إنّ الذین کفروا ... لهم عذاب الیم

بیان عذاب دردناک کافران در قیامت پس از راهنمایی مؤمنان به فلاح و رستگاری، حاکی از این است که رها شدن از عذاب،

رستگاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۲۲

۲۲ سزاواران خلود در جهنم ممکن است با مشیت خداوند از آن رهایی یابند.

خلدین فیها إلا ما شاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۷ - ۷

۷ رهایی جهنمیان از آتش دوزخ ، امری ممکن و محتمل است و به مشیت خداوند بستگی دارد .

خلدین فیها . .. إلّا ما شاء ربک

منظور از <ما> ی موصوله در <إلّا ما شاء ربک> می تواند زمان و مدت باشد. در این صورت <مستثنی منه> مدت زمانی است که به خلود و دوام توصیف شد. بر این اساس حاصل معنای <خالدین فیها ...> چنین می شود: دوزخیان در آتش برای همیشه ماندگارند، مگر آنکه خداوند همیشه بودن را ملغی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۴

۱۴- آتش قیامت ، همانند سراپرده ای فراگیر ، راه گریز را بر کافران خواهد بست .

نارًا أحاط بهم سرادقها

<سرادق> معرب <سراطاق> و به معنای خیمه و پرده سرا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۳ - ۳،۵،۶

۳- مجرمان ، در قیامت ، به دوزخی بودن خود و نداشتن راه گریزی از آن ، پی خواهند برد .

فظنّوا انّهم مواقعوها و لم یجدوا عنها مصرفًا

بیان دیدگاه مشرکان در مورد ورود به جهنم با فعل <ظنّ>، حکایت از آن دارد که آنان، در آن شرایط، خود را دوزخی می بینند، ولی هنوز امیدهایی هر چند

واهی به نجات دارند. ولی به زودی درمی یابند که گریزگاهی برای آنان نیست. <مصرفاً> اسم مکان به معنای مکانی است که به آن روی آورند. جمله <لم یجدوا...> یعنی جایی را که بتوانند با پناه بردن به آن، از آتش رها شوند، نمی یابند.

۵- مشرکان ، در قیامت ، در پی یافتن راهی برای نجات خویش از آتش دوزخ اند .

فدعوهم فلم یستجیبوا لهم . .. و لم یجدوا عنها مصرفًا

در آیه قبل، بیان شد که مشرکان، با خواندن معبودان پنداری شان، در صدد نجات خود برخواهند آمد و این آیه، خبر از نافرجامی تلاش آنان داده است.

۶- مشرکان ، در قیامت ، راهی برای نجات خود از آتش نخواهند یافت .

فظنّوا أنّهم مواقعوها و لم یجدوا عنها مصرفًا

<مواقعه> در مورد جنگ به کار می رود (مفردات راغب) و مفاد آیه، این است که مشرکان، برای دور ساختن آتش از خود و چیره شدن بر آن، تلاش می کنند ولی راه گریزی نخواهند یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۲ - ۱،۱۳

۱- خداوند ، درپی ورود همگان به دوزخ ، تقواپیشگان را از آن نجات می دهد .

و إن منکم إلّا واردها . .. ثمّ ننجّی الذین اتقوا

۱۳- < عن رسول اللّه (ص) قال : یردّ الناس النار ثمّ یصدرون بأعمالهم فأولهم کلمع البرق ، ثمّ کمرّ الریح ، ثمّ کحضر الفرس ، ثمّ کالراکب ، ثمّ کشد الرجل ، ثمّ کمشیه ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: مردم وارد آتش می شوند، آن گاه به میزان اعمالشان از آن خارج

می گردنـد، پس اولین گروه به سـرعت تابش برق و گروه بعـدی به سـرعت وزش باد و گروه بعـد ماننـد دویدن اسب و گروه دیگر مانند سواره و گروهی مانند دویدن مرد و دسته ای مانند راه رفتن مرد [از آتش خارج می شوند]>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۴۰ – ۳

۳– کافران دوزخی ، از دفع و برگردانیدن عذاب الهی ، کاملاً ناتوان اند .

فلایستطیعون ردّها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۲۲ – ۷

۷ – < عن أبی بصیر عن أبی عبدالله (ع) . . . و ان أهل جهنّم إذا دخلوها هووا فیما مسیره سبعین عاماً فإذا بلغوا أعلاها قمعوا بمقامع الحدید و اُعیدوا فی درکها هذه حالهم و هو قول اللّه عزّوجلّ < کلما أرادوا أن یخرجوا منها . . . ;

ابی بصیر از امام صادق(ع) روایت کرده است: . ..اهـل جهنم وقتی که داخل آن می شونـد، به انـدازه سیر هفتاد ساله در آن سقوط می کنند پس زمانی که به بالای آن بیایند، با گرزهای آتشین بر سر آنها کوبیده می شود و به ته جهنم برگردانده می شوند و این حال و وضعیت آنها است و این همان سخن خدا است که فرمود: <کلّما أرادوا أن یخرجوا منها...>».

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۷۷ – ۲

۲ – یأس کافران از نجات و رهایی ، پس از قرار گرفتن در تنگنای عذاب جهنم

عذاب شدید إذا هم فیه مبلسون

جلد – نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۱۵ – ۱۱

۱۱ تلاش برای سوق دادن انسان ها به بهشت و نجات آنان از ابتلای به آتش جهنم ، از هدف های پیامبران الهی

قل أذلک خیر أم جنّه الخلد التی وعد المتّقون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵۰ – ۹

۹ – راه نجات از عذاب جهنم ، به روی تمامی کافران ستیزه جو بسته است .

و ما دعؤا الکفرین إلاّ فی ضلل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۷۷ – ۶

۶ – مشرکان و کافران حق ستیز ، چون از بازگشت به سوی خدا و گرفتار شدن به عذاب جهنم راه فراری ندارند ، مهلت دادن خداوند به آنان نگران کننده نیست .

فإمّا نرینّک بعض الذی نعدهم أو نتوفّینّک فإلینا یرجعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۶ – ۵

۵ – راه نجات از عذاب جهنم ، بر روی ستمکاران و گمراه شدگان از سوی خدا ، مسدود است .

و من یضلل اللّه فما له من سبیل

برداشت یاد شده بر این اساس است که آیه شریفه، ناظر به وضعیت گمراه شدگان در قیامت باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۲۷ – ۷

۷ – سپاس گزاری متقین از خداوند ، به خاطر رهایی شان از عذاب باد های سوزان و کشنده دوزخ

فمنّ اللّه علینا و وقینا عذاب السموم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ –

نبأ - ۷۸ - ۲۲ - ۳

۳ - پرهیزکنندگان از طغیان ، گرچه بر جهنم و کمین کنندگان در آن عبور خواهند کرد ; ولی گرفتار آن نخواهند شد . *

إنّ جهنّم کانت مرصادًا . للطّغین مابًا

چنـانچه <للطـاغین> متعلق به <مآباً> باشـد، <مرصاداً> مطلق خواهـد بود; در این صورت مفاد دو آیه این است که جهنم برای همگان <مرصاد> است; ولی <مآب> و بازگشتگاه همه نبوده و تنها طغیان گران گرفتار آن خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۳ - ۴

۴ - < قـال رسول اللّه : لا-یخرج من النـار من دخـل ها حتّی یَمْکُثَ فیها أحقاباً و الحقب بضع و سـتون سـنه و السـنه ثلاثمائه و ستون یوماً کل یوم کألف سنه ممّا تعدون فلایتکّلنّ أحد أن یخرج من النار ;

رسول خـدا(ص) فرمود: کسـی که داخل آتش جهنم شود از آن خارج نمی گردد; مگر این که چند <حُقب> در آن توقف کند. مراد از <حُقب> شصت و اندی سال می باشد. و سال ۳۶۰ روز است. هر روزی مثل هزار سالی است که شما آن را می شمارید. بنابراین کسی دل خوش نکند که [در نهایت] از آتش خارج خواهد شد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۷ - ۲

۲ - امداد های ویژه الهی ، مایه دور ماندن اهل تقوا از آتش دوزخ است .

و سیجنّبها

فعل <یُجنّب> گرچه مجهول است، ولی به قرینه <إلّا ابتغاء وجه ربّه> در آیات بعـد، این موهبت را خداونـد در اختیار آنان می گذارد.

نعمت نجات از جهنم

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۸ – ۶،۷

۶ – رهایی از عذاب دوزخ در پرتو ربوبیت خداوند ، خود نعمتی بزرگ برای تقواپیشگان

و وقیهم ربّهم عذاب الجحیم

۷ – بهشتیان ، مسرور و شادمان از لطف پروردگار خویش ، به خاطر رهایی از دوزخ

فکهین بما ءاتیهم ربّهم و وقیهم ربّهم عذاب الجحیم

نقش آب داغ جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۲۶ – ۲

۲ – نوشاندن آب جوشان و خونابه زخم به دوزخیانِ طغیان گر ، کیفری هم طراز با طغیان گری آنان است .

إلّا حمیمًا و غسّاقًا . جزاء وفاقًا

چنانچه کلمه <جزاء> حال برای <حمیماً و غسّاقاً> باشد، نکته بالا قابل استفاده است.

نقش آتش جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵۳ – ۲

۲– مکان هلاکت باری که بین مشرکان و معبودان پنداری آنها فاصله می شود ، آتش دوزخ است .

و جعلنا بینهم موبقًا . و رءا المجرمون النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۱۶ – ۵

۵ – آتش ، وسیله اصلی عذاب و کیفر زیانکاران در قیامت

لهم من فوقهم ظلل من النار و من تحتهم ظلل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۳ – ۴

۴ – آتش ، وسیله عذاب در دوزخ

یوم یدعّون إلی نار جهنّم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۵ – ۴،۶

۴ – آتش ، ابزار عذاب الهی در

دوزخ

مأویکم النار

۶ – آتش دوزخ ، تنها یاور کافران و منافقان

هی مولیکم

نقش جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۲ – ۱۶

۱۶– بهشت ، پایان رنج و تلاش مؤمنان و دوزخ فرجام لذّت جویی و فساد کافران

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جنّت . .. و الذین کفروا... النارمثوًی لهم

در این آیات، میان زندگی، اهداف و فرجام مؤمنان و کافران، مقایسه صورت گرفته است. مؤمنان اهل جهاد و عمل صالح اند و در پی دشواری های آن، از بهشت برخوردار خواهند شد. اما کافران اهل رفاه و لذت جویی اند و در پی آن گرفتار آتش خواهند بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۸ – ۱۳

۱۳ – < جهنم > ، نام محل عذاب در آخرت

حسبهم جهنّم یصلونها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۲۱ – ۱

۱ – جهنم ، جای کمین مأموران عذاب است .

إنّ جهنّم کانت مرصادًا

<مرصاد>، به معنای مکان نگاهبانان و کمین گاه مراقبان است (لسان العرب). برخی از مفسران، آن را مبالغه در <راصد>

می دانند. در این صورت مفاد آیه شریفه این است که جهنم خود در کمین مردم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۲ - ۱

۱ - جهنم ، فرجام طغیان گران فرو رفته در گناه است .

إنّ جهنّم کانت . .. للطّغین مابًا

<طغیان>; یعنی، بی اندازه در معصیت پیش رفتن (مفردات راغب). <مآب> اسم مکان و از <أوْب> به معنای رجوع گرفته شده

است و فرجام هر کس را از آن جهت مآب و مرجع گویند که خود، از پیش آن را فراهم ساخته است.

نقش چرکابه جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۶ - ۲

۲ - نوشاندن آب جوشان و خونابه زخم به دوزخیانِ طغیان گر ، کیفری هم طراز با طغیان گری آنان است .

إلاّ حمیمًا و غسّاقًا . جزاء وفاقًا

چنانچه کلمه <جزاء> حال برای <حمیماً و غسّاقاً> باشد، نکته بالا قابل استفاده است.

نقش نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۹ - ۶

۶ - برای عرض حاجت دوزخیان ، کسی جز نگهبانان دوزخ وجود ندارد .

و قال الذین فی النار لخزنه جهنّم ادعوا ربّکم یخفّف عنّا یومًا من العذاب

از این که دوزخیان حاجت خود را تنها برای نگهبانان جهنم مطرح می کنند، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۷ - ۵

۵ - جهنم ، دارای نگهبان و سرپرستی معین و مشخص

و نادوا یملک لیقض علینا ربّک

خطاب <یا مالک> از سوی جهنمیان، بیانگر این است که جهنم دارای نگهبان مشخصی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۴۷ – ۲

۲– جهنم ، دارای مأموران و محافظان

خذوه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۴۱ – ۴

۴ – پا ها و مو های جلوی سر مجرمان ، در چنگ مأموران قیامت (برای افکندن

در دوزخ)

فیوخذ بالنوصی و الأقدام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۶ – ۱۰

۱۰ – دوزخ ، دارای نگهبانان و گماشتگانی از فرشتگان است .

علیها ملئکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۳۰ – ۲

۲ – نگهبانان دوزخ ، متشکل از نوزده گروه

علیها تسعه عشر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۳۱ – ۱

۱ – نگهبانان دوزخ ، از فرشتگان اند .

علیها تسعه عشر . و ما جعلنا أصحب النار إلّا ملئکه

نگهبانان جهنم در کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۳۱ – ۸

۸ – تعداد فرشتگان نگهبان دوزخ ، از حقایق باز گو شده در کتاب های آسمانی پیشین

لیستیقن الذین أُوتوا الکتب

مفسّران درباره چگونگی یقین پیدا کردن اهل کتاب از تعداد ذکر شده در قرآن برای نگهبانان دوزخ، گفته اند: چون این

عـدد در کتاب های آسـمانی اهل کتاب نیز ذکر شـده است، آنان به حقانیت و درستی قرآن پی برده انـد و بر ایمانشان افزوده شده است.

نگهبانان دائمی جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۲

۲ - دوزخ ، دارای نگهبانانی دائمی

أصحب النار

<صاحب> مفرد (<أصحاب>) به معنای ملازم است.

نهرهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۹ - ۱۴

۱۴- < عن أبی أمامه قال : . . . قلت : [لرسول اللّه (ص)] و ما

غيّ و أثام ؟ قال : نهران فى أسفل جهنم يسيل فيهما صديد أهل النار و هما اللّتان ذكر اللّه فى كتابه < فسوف يلقون غيّاً > و < من يفعل ذلک يلق أثاماً > . . . ;

از ابى امامه نقل شده كه گفت:. .. به رسول خدا(ص) عرض كردم: غيّ و اثام چيست؟ فرمود: دو نهر در پايين ترين مكان جهنم است كه چرك و خون بدن جهنميان در آنها جارى است و اين دو، همان است كه خداوند در قرآن فرموده است: <فسوف يلقون غيّاً> و <من يفعل ذلک يلق أثاماً>...>.

نياز به آب در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - غاشيه - ۸۸ - ۵ - ۲

۲ - دوزخيان ، گرفتار تشنگى و نيازمند نوشيدنى خواهند شد .

تسقى من عين ءانيه

ورود با صورت در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۸ - ۱

۱ - قيامت ، روز كشانده شدن مجرمان بر صورت هاشان در آتش دوزخ

يوم يسحبون فى النار على وجوههم

<سحب> (مصدر مجهول <يسحبون>) به معناى كشانده شدن است.

ورود به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۱ - ۳،۵،۶

۳ ورود به جهنم ، زيانى آشكار است .

فقد خسر خسراناً مبيناً . .. أولئک ماويهم جهنم

جمله <أولئك . ..> می تواند بیان خسارتی باشد که در جمله <فقد خسر ...> به آن تصریح شده است.

۵ هیچ راه نجات و گریزی از جهنم ، پس از ورود به آن نیست .

أولئک ماویهم جهنم و لایجدون عنها

محیصاً

جمله <لایجدون . ..> می تواند بیان و توصیف اهل جهنم پس از ورود به آن باشد. کلمه <محیص>، اسم مکان و به معنای گریزگاه است.

۶ ورود گمراهان و فریب خوردگانِ از شیطان به جهنم ، حتمی است .

و ما یعدهم الشیطن الا غروراً. أولئک ماویهم جهنم و لایجدون عنها محیصاً

بنابر اینکه جمله <لایجدون . ..> بیان و تأکید حقیقتی باشد که جمله <ماویهم جهنم> آن را افاده می کند. یعنی آنان که دارای صفات ذکر شده هستند، راهی جز ورود به جهنم ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۱ - ۱،۴،۶

۱- تمامی آدمیان بدون استثنا ، در روز قیامت به دوزخ وارد خواهند شد .

و إن منکم إلّا واردها

استثنا در سیاق نفی، افاده حصر می کند. از این رو مفاد <إن منکم...> آن است که هیچ کس از ورود به جهنم معاف نخواهد بود. آیه بعد که نجات تقواپیشگان از جهنم و باقی ماندن ظالمان در آن را بیان کرده است قرینه بر این است. ضمیر در <منکم>، خطاب به همه انسان ها است; نه فقط طیف ظالمان.

۴- ورود همه آدمیان به جهنم ، مقتضای ربوبیت خداوند است .

کان علی ربّک حتمًا مقضیًّا

۶- < عن أبی عبداللّه (ع) فی قوله : < و إن منکم إلّا واردها > قال : أما تسمع الرجل یقول وردنا ماء بنی فلان فهو الورود و لم یدخله ;

از امام صادق(ع) روایت شده که در باره (معنای ورود) در سخن خدا <و إن منکم إلّا واردها> فرمود: آیا نشنیده ای که شخص می

گوید: بر آب فلان طائفه وارد شدیم؟ در این جا ورود انجام شده; در حالی که در آب داخل نشده است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۲ - ۱۳

۱۳- < عن رسول اللّه (ص) قال : یردّ الناس النار ثمّ یصدرون بأعمالهم فأولهم کلمع البرق ، ثمّ کمرّ الریح ، ثمّ کحضر الفرس ، ثمّ کالراکب ، ثمّ کشد الرجل ، ثمّ کمشیه ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: مردم وارد آتش می شوند، آن گاه به میزان اعمالشان از آن خارج می گردند، پس اولین گروه به سرعت تابش برق و گروه بعدی به سرعت وزش باد و گروه بعد مانند دویدن اسب و گروه دیگر مانند سواره و گروهی مانند دویدن مرد و دسته ای مانند راه رفتن مرد [از آتش خارج می شوند]>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۴ - ۵

۵ - < عن أبی بصیر قال : سمعت أباعبداللّه (ع) یقول : . . . < و تصلیه جحیم > فی الأخره ;

ابی بصیر گوید: از امام صادق(ع) شنیدم که می فرمود: . ..<تصلیه جحیم> در آخرت است>.

ورود ظالمان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱،۱۱

۱ - ستم پیشگان متجاوز به حقوق مردم ، عرضه شونده به دوزخ و نزدیک شونده به آن بدون هیچ اختیار

و تریهم یعرضون علیها خشعین من الذلّ ینظرون من طرف خفیّ

تعبیر <یعرضون علیها> به صیغه مجهول، ناگزیری و بی اختیاری

ظالمان در عرصه قیامت را می رساند.

۱۱ – عرضه گمراهان و ستمکاران بر دوزخ ، در برابر دید اهل ایمان و قابل مشاهده برای آنان

و تریهم یعرضون علیها . .. و قال الذین ءامنوا إنّ الخسرین

ورود کافران به جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳۸ – ۱

۱ خداوند در روز قیامت کافران را فرمان می دهد تا در آتش درآیند و به جمع دوزخیان بپیوندند.

قال ادخلوا فی أمم . .. فی النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۲۹ – ۱،۲،۳

۱– فرمان خداوند به کافران ، برای وارد شدن به جهنّم پس از مرگ آنان

الکفرین . الذین تتوفّهم الملئکه ... فادخلوا أبوب جهنّم

<فا> در <فادخلوا> عاطفه است و مسبب را بر سبب (توفی) عطف داده است.

۲– آگاهی خداوند از اعمال زشت کافران ، عامل فرمان او به آنها برای ورود به جهنّم

الکفرین . .. إن الله علیم بما کنتم تعملون. فادخلوا أبوب جهنّم

<فا> در <فادخلوا> عاطفه است و مسبب را بر سبب (علم خدا) عطف کرده است. بنابراین معنای آیه چنین می شود: حال که خداوند چنین آگاهی از کردار شما دارد، پس وارد جهنم شوید.

۳– کافران ، از در های مختلفی وارد جهنّم می شوند .

الکفرین . .. فادخلوا أبوب جهنّم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۴ - ۱

۱ - فرمان تحقیرآمیز خداوند در قیامت به مجرمان و کافران برای رفتن به دوزخ

هذه جهنّم . .. اصلوها الیوم

امر <اصلوها> برای تحقیر و اهانت است.

ورود گمراهان

در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۵ – ۱۱

۱۱ – عرضه گمراهان و ستمکاران بر دوزخ ، در برابر دید اهل ایمان و قابل مشاهده برای آنان

و تریهم یعرضون علیها . .. و قال الذین ءامنوا إنّ الخسرین

ورود متجاوزان در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۵ – ۱

۱ – ستم پیشگان متجاوز به حقوق مردم ، عرضه شونده به دوزخ و نزدیک شونده به آن بدون هیچ اختیار

و تریهم یعرضون علیها خشعین من الذلّ ینظرون من طرف خفیّ

تعبیر <یعرضون علیها> به صیغه مجهول، ناگزیری و بی اختیاری ظالمان در عرصه قیامت را می رساند.

ورود مجرمان به جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۶۴ – ۱

۱ – فرمان تحقیرآمیز خداوند در قیامت به مجرمان و کافران برای رفتن به دوزخ

هذه جهنّم . .. اصلوها الیوم

امر <اصلوها> برای تحقیر و اهانت است.

ورود مشرکان به جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۲۳ – ۸

۸ - فرمان رفتن مشرکان به دوزخ پس از گرد آمدن آنان ، با سرعت و بدون درنگ صادر خواهد شد .

فاهدوهم إلی صرط الجحیم

برداشت یاد شده از <فاء> در <فاهدوهم. ..> که برای تفریع این جمله بر جمله <احشروا...> می باشد به دست می آید.

ورود مکذبان قیامت به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۰ - ۱

۱ - فرمان حرکت به

تکذیب کنندگان روز جزا ، به سوی ستون های دود برخاسته از آتش دوزخ

انطلقوا إلی ظلّ

بنـا به گفته مفسـران، مقصود از <ظـلّ>(سـایه)، دود غلیظ برخاسـته از آتش دوزخ است که به صورت سایه نمایان می شود; مانند: <و ظلّ من یحموم; و سایه ای از دودی سخت سیاه>. (واقعه، آیه ۴۳)

وسط جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۵ - ۲

۲ - بهشتیان ، هم نشینان کافر دنیایی خود را ، در وسط دوزخ مشاهده خواهند کرد .

فرءاه فی سواء الجحیم

<سواء> به معنای وسط است.

وسعت آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۲ - ۲

۲ - آتش آخرت ، بسی دامنه دارتر و سوزاننده تر از آتش دنیا است .

النار الکبری

مراد از <النار الکبری> ممکن است تمام آتش های آخرت باشـد. در این صورت سـنجش آن با آتش دنیا، مورد نظر خواهد بود.

وسعت جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۰ - ۳

۳ - گنجایش و سیری ناپذیری دوزخ ، تهدیدی برای کافران با همه انبوهی و کثرت آنان

یوم نقول لجهنّم هل امتلأت و تقول هل من مزید

از این که خداوند، اشتهای سیری ناپذیر دوزخ را تذکر داده است; استفاده می شود که نباید کافران، کثرت وانبوهی خویش را مانعی در راه اجرای احکام و کیفرهای الهی بدانند; بلکه جهنم بیش از آنچه آنان تصور کنند، گنجایش و پذیرش دارد.

وعده نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴

۱۴- رهبران مستکبر در جواب استمداد پیروانشان برای رهایی از عذاب ، به آنان وعده می دهند که در صورت نجات یافتن خود ، آنان را هم نجات خواهند داد .

قالوا لو هدینا الله لهدینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۱ - ۱

۱- خداوند ، به کسانی که منزلت نیکو و خصلت پسندیده دارند (مؤمنان راستین) ، وعده دوری و نجات از آتش دوزخ داده است .

إنّ الذین سبقت لهم منّا الحسنی أولئک عنها مبعدون

<الحسنی> مؤنث <أحسن> و صفت برای موصوف محذوفی چون <المنزله> و <الخصله> است و به قرینه مقابله با آیه قبل که در باره کافران و مشرکان بود آیه شریفه در باره مؤمنان راستین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۷ - ۳

۳ - وعده رهایی تقواپیشگان از آتش دوزخ ، حتمی و تخلّف ناپذیر است .

سیجنّبها الأتقی

حرف <سین> برای تأکید بر وعده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۸ - ۵

۵ - دوری از آتش دوزخ ، وعده خداوند به اهل زکات و انفاق

و سیجنّبها الأتقی . الذی یؤتی ماله یتزکّی

ویژگی عذابهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۴

۴ - عذاب دوزخ ، عذابی خوار کننده و ذلت آور است .

لهم عذاب مهین

برداشت فوق، بر این اساس است که <مهین> وصف توضیحی برای عذاب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ -

دخان - ۴۴ - ۴۸ - ۵

۵- عذاب و مجازات دوزخ ، سخت ، سوزان و رنج آور

من عذاب الحميم

اضافه <عذاب> به <الحميم>، از قبيل اضافه بيانيه است.

ويژگيهاى آب داغ جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۸

۱۸- آب هاى دوزخى ، چهره كافران را سوزانده و بريان مى سازد .

يغاثوا بماء كالمهل يشوى الوجوه

ويژگيهاى آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۶ - ۲

۲ جهنميان ، از شدت آتش همواره صدايشان به ناله و نعره بلند است .

لهم فيها زفير و شهيق

<زفير> و <شهيق> به صداهايى كه از اشخاص محزون و غمگين برمى خيزد گفته مى شود; با اين تفاوت كه شهيق ، بلندتر و طولانى تر است و لذا در برداشت <زفير> به ناله و <شهيق> به نعره تفسير و تعبير گرديد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۷ - ۲

۲ جهنم و آتش آن ، هميشگى و پايدار است .

خلدين فيها مادامت السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۴

۱۴- آتش قیامت ، همانند سراپرده ای فراگیر ، راه گریز را بر کافران خواهد بست .

نارًا أحاط بهم سرادقها

<سرادق> معرب <سراطاق> و به معنای خیمه و پرده سرا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۱۴

۱۴ - دوزخ ، دارای آتشی است در اوج حرارت و سوزانندگی .

عذاب الحریق

برداشت فوق، بر

این اساس است که <ال> در <الحریق> <ال> کمالیه باشد. بنابراین <الحریق>; یعنی، در اوج سوزانندگی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۲ - ۶

۶ - آتش دوزخ ، عنصری است بسیار گرم و سوزاننده .

ذوقوا عذاب الحریق

<حریق> به معنای سوزاننده است. به کارگیری آتش در وزن <فعیل> که برای مبالغه است بیانگر گرمای بسیار زیاد آتش دوزخ و سوزانندگی شدید آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۱ - ۳

۳ آتش بر افروخته و پرالتهاب دوزخ ، کیفر تکذیب قیامت

و أعتدنا لمن کذّب بالساعه سعیرًا

<سعیر>، به معنای آتش پرالتهاب و برافروخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۲ - ۳

۳ آتش جهنم ، دارای نوعی ادراک و احساس

إذا رأتهم من مکان بعید سمعوا لها تغیّظًا و زفیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۱ - ۴

۴ - دوزخ ، دارای آتشی برافروخته و ملتهب

و برّزت الجحیم

<جحیم> به آتش افروخته ای گفته می شود که سخت در التهاب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۳ - ۶

۶ - دوزخ ، دارای آتشی پرحرارت

صرط الجحیم

<جحیم> (از ماده <جحمه>) به معنای شعله و حرارت آتش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۵ - ۶

۶ - < جحیم > از نام های جهنم

الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵

- صافات - ۳۷ - ۶۴ - ۴

۴ - آتش دوزخ ، آتشی است پرحرارت و پرشعله .

الجحیم

<جحیم> (از ماده <جحم>) به معنای شدت شعله و حرارت آتش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۸ - ۶

۶ - آتش دوزخ ، آتشی است پرحرارت و پرشعله .

الجحیم

<جحیم> (از ماده <جحم>) به معنای شدت شعله و حرارت آتش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۳،۴

۳ - آتش دوزخ همیشگی است و دشمنان خدا در آن جاودانه اند .

ذلک جزاء أعداء اللّه النار لهم فیها دار الخلد

۴ - آتش دوزخ ، دوزخیان را فراگرفته و از هر سو آنان را احاطه خواهد کرد .

لهم فیها دار الخلد

مطلب بالا از کلمه <فیها> که ظرفیت را افاده کرده و نوعی احاطه را می رساند و نیز از کلمه <دار> قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۸ - ۹

۹ - آتش دوزخ ، سخت برافروخته و ملتهب

عذاب الجحیم

<جحمه> (مبدأ اشتقاق <جحیم>) به شدت افروختگی و التهاب آتش اطلاق می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۲ - ۳

۳ - آتش دوزخ ، سخت گرم و سوزان

فی سموم

برخی از مفسران <سموم> را به معنای حرارت سوزان آتش معنا کرده اند. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است; زیرا در این صورت مراد، حرارت آتش دوزخ خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷

- ۱۹ - ۱۴

۱۴ - آتش دوزخ ، به شدت برافروخته و ملتهب است .

أُولئک أصحب الجحیم

<جحمه> (مبدأ اشتقاق <جحیم>) به شدت التهاب و برافروختگی آتش گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۶ - ۱،۲

۱ - آتش دوزخ ، به شدت اندام دوزخیان را جدا کرده و پوست سر آنان را برمی کند .

نزّاعه للشوی

<نزّاعه> به چیزی می گویند که پی درپی جدا و قطع می کند. <شوی> در معنای دست ها، پاها، اطراف و هر عضوی از بدن که قطع آن موجب مرگ نشود، استعمال می شود و ممکن است جمع <شواه> (پوست سر) باشد.

۲ - اندام مجرمان ، در آتش دوزخ به شدّت جدا و پوست سر آنان برکنده می شود .

نزّاعه للشوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۷ - ۱

۱ - آتش دوزخ ، مجرمان و حق گریزان را به سوی خود فرامی خواند .

تدعوا من أدبر و تولّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۸ - ۱

۱ - آتش دوزخ ، مجرمان و ثروت اندوزان را به سوی خود فرامی خواند .

تدعوا من . .. و جمع فأوعی

<وعاء> (ماده <أوعی>) به معنای ظرف است و مقصود از <جمع فأوعی> اندوختن و ذخیره کردن مال و ثروت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۸ - ۱،۲

۱ - آتش دوزخ ، آتشی است فراگیر و اثرگذار بر تمامی وجود انسان .

لاتبقی و لاتذر

مقصود از <لاتبقی> (باقی

نمی گـذارد) می توانـد تمـام اجزای بـدن و ابعاد وجود انسان و یا فراگیر بودن آن نسـبت به همه دوزخیان باشـد. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

۲ – آتش دوزخ ، فراگیر همه دوزخیان است و هیچ کس راه گریزی از آن ندارد .

لاتبقی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۳۲ – ۱،۲

۱ – شراره افکنی آتش دوزخ ، به بلندی کاخ ها

إنّها ترمی بشرر کالقصر

۲ – آتش دوزخ ، دارای منظره ای بس هولناک

إنّها ترمی بشرر کالقصر

برداشت بالا، از تشبیه شراره های آتش به قصر، استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۳۳ – ۲

۲ – شراره های آتش دوزخ ، بسیار انبوه ، به هم پیوسته و پرجنبش است .

کأنّه جملت صفر

برداشت یاد شده، از تشبیه شراره های آتش به انبوه شتران، استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – اعلی – ۸۷ – ۱۲ – ۲

۲ – آتش آخرت ، بسی دامنه دارتر و سوزاننده تر از آتش دنیا است .

النار الکبری

مراد از <النار الکبری> ممکن است تمام آتش های آخرت باشد. در این صورت سنجش آن با آتش دنیا، مورد نظر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۴ - ۵

۵ - آتش جهنم ، دوزخیان را در هم شکسته ، آنان را به شدّت خرد خواهد کرد .

الحطمه

<حَطْم> (ریشه <حطمه>)، به معنای شکستن چیزی مانند هیزم است. این کلمه با گذشت زمان در مورد

ریز ریز کردن کامل استعمال شده است (مفردات). وزن <فُعَلَه>، برای مبالغه به کار می رود و دلالت دارد که کار، به صورت عادت در آمده است. (مجمع البیان)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۵ - ۱،۳

۱ - ویژگی های آتش جهنم و شدّت آن ، فراتر از حد تصور و بیان است .

و ما أدریک ما الحطمه

۳ - پیامبر (ص) ، در شناخت ویژگی های آتش جهنم ، نیازمند تعلیم الهی است .

و ما أدریک ما الحطمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۶ - ۴

۴ - آتش جهنم ، آتشی بی نظیر و شدیدتر از هر آتش دیگری است .

نار اللّه

توصیف خداوند به خالق و مالک آتش جهنم، بیانگر تفاوت آن، با دیگر آتش ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۷ - ۱،۳،۴،۵،۶

۱ - آتش جهنم ، بر قلب ها احاطه یافته ، آن را خواهد سوزاند .

الّتی تطّلع علی الأفئده

برخی از اهل لغت، اطّلاع را به معنای بلوغ دانسته اند (لسان العرب). براین اساس، مفاد آیه این است که آتش، به قلب ها رسیده، آن را خواهد سوزاند. حرف <علی> بر احاطه کامل آتش دلالت دارد.

۳ - درجات آتش جهنم در قیامت ، براساس باور ها و نیت های انسان شکل می یابد .

الّتی تطّلع علی الأفئده

<إطّلع علی الشـیء>; یعنی، آن را دانست (لسـان العرب). مفـاد آیه شـریفه براسـاس این معنـا آگاهی آتش جهنم از محتوای قلب ها است. این آگاهی،

ممکن است کنایه از تفاوت وضع دوزخیان با یکدیگر باشد که آتش جهنم با هر کس، متناسب با محتوای قلب او رفتار خواهد کرد.

۴ - احاطه آتش دوزخ بر قلب عیب جویان ، کیفری مناسب برای گناه افکار ناروای آنان درباره مردم

لمزه . .. الّتی تطّلع علی الأفئده

۵ - باطن و روح انسان نیز در قیامت ، از آتش جهنم در عذاب خواهد بود .

الّتی تطّلع علی الأفئده

ممکن است در دنیا بدن کسی بسوزد; ولی روح او رنج نبیند و از شکنجه در راه عقیده شادمان باشد; اما این آیه، آتش جهنم را برای جان انسان که قلب کنایه از آن است نیز سوزاننده معرفی کرده است.

۶ - سوختن انسان در آتش جهنم ، از درون او آغاز خواهد شد .

الّتی تطّلع علی الأفئده

ریشه <اطلاع> (طاء و لام و عین)، بر ظهور و بروز دلالت دارد (مقاییس اللغه). ظاهر شدن آتش جهنم بر قلب، حاکی از نقطه شروع آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۸ - ۳

۳ - غیبت ، عیب جویی و انباشتن ثروت ، زمینه محبوس ماندن در آتشی مسلّط و فراگیر در جهنم

إنّها علیهم مؤصده

حرف <علی> در <علیهم>، بر احاطه و سلطه دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۹ - ۲

۲ - زبانه های آتش جهنم ، به شکل ستون هایی بلند ، دوزخیان را در خود جای خواهد داد .

إنّها . .. فی عمد ممدّده

تعبیر <فی عمد>، ممکن است خبر دوم برای ضمیر <إنّها> باشد. مفاد آیه در این

صورت، ترسیم آتش جهنم به شکل شعله هایی زبانه کشیده و بلند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۳ - ۲

۲ - آتش دوزخ ، دارای شعله ای عظیم و زبانه ای هولناک است .

نارًا ذات لهب

<لهب>; یعنی، زبانه آتش و یا شعله ور شدن آن هر گاه از دود خالی باشد (قاموس). نکره بودن <لهب>، بر عظمت و هولناکی آن دلالت دارد.

ویژگیهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۳،۴

۳ - آتش دوزخ طاقت فرسا و غیر قابل تحمل است .

فما أصبر هم علی النار

۴ - پندار تحمل آتش دوزخ و بی باک بودن در برابر آن ، امری شگفت و نامعقول است .

فما أصبر هم علی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۷ - ۲

۲ جهنم و آتش آن ، همیشگی و پایدار است .

خلدین فیها مادامت السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۱ - ۷

۷ - دوزخ ، دارای آتشی برافروخته و شعلهور

أولئک أصحب الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۹ - ۲

۲ - دوزخ ، مکانی بس ناگوار و سخت

هذا فوج مقتحم معکم

برداشت یاد شده با توجه به معنای <مقتحم> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۶،۷

۶ - دوزخ ، دارای درب های متعدد

فتحت أبوبها

۷ - دوزخ ، دارای نگهبان و

دربانان متعدد است .

و قال لهم خزنتها

<خازن> (مفرد <خزنه>) در اصل به کسی گویند که حافظ اشیایی باشد که در مکانی قرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۶ - ۳

۳ - جهنم ، دارای عذاب های متفاوت و درکات گوناگون (طبقات زیرین) ، برای گروه های مختلف دوزخیان

ادخلوا أبوب جهنّم

جمع آمدن <ابواب> می تواند به اعتبار طبقات متعدد دوزخ باشد; بدین معنا که هر طبقه ای از آن دارای دربی باشد. گفتنی است که در اصطلاح به طبقات دوزخ، <درکات> گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۷ - ۱۰

۱۰ - مرگ و فنا ، در دوزخ راه ندارد .

لیقض علینا ربّک . .. إنّکم مکثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۷ - ۲

۲- جهنم ، دارای مأموران و محافظان

خذوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۶ - ۴

۴ جهنّم ، دربردارنده شکنجه های سخت برای مشرکان

ألقيا فی جهنّم . .. فألقياه فی العذاب الشديد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۰ - ۱،۲،۵

۱ - جهنم ، در برگيرنده انبوه مجرمان و داراى اشتهايى سيرى ناپذير

يوم نقول لجهنّم هل امتلأت و تقول هل من مزيد

۲ - جهنم ، تقاضامند دريافت مجرمان هر چه بيشتر

و تقول هل من مزيد

۵ - جهنم ، داراى نوعى ادراک در عالم قيامت *

يوم نقول لجهنّم هل امتلأت و تقول هل من مزيد

برداشت بالا

بدان احتمال است که گفتوگوی مطرح در آیه شریفه، گفتوگویی واقعی باشد و نه در مقام بیان نمادین حقیقت.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۲۷ – ۶

۶ – وجود باد های داغ و سوزان در دوزخ

و وقینا عذاب السموم

<سموم> به باد داغ و سوزانی گفته می شود که همچون <سمّ> در اجزای بدن تأثیر می گذارد. (مفردات راغب)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۴۴ – ۲

۲ – وجود چشمه هایی بسیار داغ و سوزان در دوزخ

یطوفون بینها و بین حمیم ءان

<حمیم> به آب داغ گفته می شود و <آنی> چیزی است که حرارت آن به نهایت رسیده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۲۲ – ۲

۲ – گریز از جهنم ، برای طغیان گران امکان پذیر نیست .

إنّ جهنّم کانت مرصادًا . للطّغین

<للطاغین> ممکن است به <مآب> تعلق داشته باشد و نیز می تواند متعلق به <مرصاداً> باشد. در صورت دوم مفاد آیه شریفه چنین می شود: جهنم برای طغیان گران مثل کمین است که رهایی از آن ممکن نیست. در این صورت <مآباً> نیز متعلقی نظیر <للطاغین> داشته که به دلیل وجود قرینه، ذکر آن ضرورت نداشت.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۳۶ – ۲

۲ – جهنّم ، مکانی بس داغ و سوزان و دارای آتشی برافروخته و متراکم

و برّزت الجحيم لمن يرى

<جحیم> به مکانی گفته می شود که حرارت شدیدی دارد. این کلمه بر آتش متراکم و

پرزبانه نیز اطلاق می گردد. (قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۶ - ۲

۲ - جهنم ، دارای آتشی که به شدت برافروخته و شعلهور است .

لصالوا الجحیم

به آتشی که شعله های آن، سخت زبانه کشد و نیز به آتش عظیمی که در گودال برافروخته گردد و به مکانی که دارای حرارت شدید باشد، <جهیم> گفته می شود. (قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۵ - ۴

۴ - وجود چشمه جوشان در جهنم

تصلی نارًا حامیه . تسقی من عین ءانیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۶ - ۲،۳

۲ - تنها خوراک موجود برای برخی از دوزخیان ، گیاه خاردار و بی ارزش و بدبوی جهنم است .

لیس لهم طعام إلّا من ضریع

<ضریع> (از ریشه <مضارعه> به معنای <مشابهه>) خاری است که شتر آن را، از خارهای مشابه تشخیص نمی دهد و خوردن آن به او صدمه می زند و سودی نمی رساند (مجمع البیان). برخی آن را خار ساقه و تنه درخت خرما و برخی دیگر، گیاه بدبویی دانسته اند که بر اثر موج دریا بیرون می افتد. این کلمه به معنای پوشش نازک روی استخوان نیز استعمال شده است. (قاموس)

۳ - بی غذایی و تن در دادن دوزخیان به خوردن خار بی ارزش و صدمه زننده ، از شکنجه ها و عذاب های جهنّم است .

لیس لهم طعام إلّا من ضریع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۲۳ –

۵ – قابلیت جهنم برای نقل و انتقال

و جاْیء یومئذ بجهنّم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – همزه – ۱۰۴ – ۹ – ۱

۱ – احاطه ستون هایی امتداد یافته و بسیار بر آتش جهنم ، راه فرار را بر جهنّمیان می بندد .

فی عمد ممدّده

<عَمَد>، (جمع <عمود> (ستون) است. در صورتی که <فی عمد> متعلق به <مؤصده> باشد؛ مفاد آیه این خواهد بود که: آتش جهنم، در مجموعه ای از ستون های سر به فلک کشیده، قرار گرفته است و گریز از آن ستون ها، امکان پذیر نیست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مسد – ۱۱۱ – ۵ – ۴

۴ – جهنم ، دارای عذاب جسمی و شکنجه روحی

سیصلی نارًا . .. و امرأته ... فی جیدها حبل من مسد

آتش، عذاب جسمی و تحقیر با بستن ریسمان به گردن، عذاب روحی است.

ویژگیهای خوردنیهای جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۶ – ۴

۴ – < قال رسول اللّه (ص) : الضریع شئ یکون فی النار یشبه الشَّوْکَ أمرّ من الصَّبِر و أنتن من الجیفه و أشدّ حرّاً من النار ؛

رسول خدا(ص) فرمود: ضریع چیزی است در آتش [جهنم] که به بوته خاردار شباهت دارد و تلخ تر از صَبِر (عصاره گیاهی تلخ) و متعفّن تر از مردار و داغ تر از آتش است>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۷ - ۲

۲ - گیاه خوراکی دوزخیان ، فاقد انرژی است و از لاغری آنان نمی کاهد

.

لایسمن

<سِمَن>، نقطه مقابل لاغری است. (مفردات راغب)

ویژگیهای دود آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۰ - ۲

۲ - دود برخاسته از آتش دوزخ ، دارای سه شعبه و قرار گرفته در سه جهت

ظلّ ذی ثلث شعب

ویژگیهای سایه های جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۴ - ۱

۱ - سایه در دوزخ ، نه خنک است و نه گوارا

و ظل من یحموم. لابارد و لاکریم

<لابارد. ..> صفت برای <ظلّ> است.

ویژگیهای شکنجه های جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۲۳

۲۳- فانی نشدن کالبد دوزخیان و نمردن آنان ، با وجود شکنجه ها و قطعه قطعه شدن

خلد فی النار . .. فقطّع أمعاءهم

ویژگیهای عذاب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۱۳

۱۳ خلود در آتش جهنم ، موجب عادت کردن دوزخیان یا کاسته شدن از رنج و عذاب نیست . *

نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم . .. و لهم عذاب مقیم

تکرار <و لهم عـذاب مقیم> پس از <نار جهنم> ممکن است در جهت دفع این توهّم باشـد که دوزخیان در اثر خلود، بدان انس می گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۵ - ۲

۲ عذاب جهنم ، پیوسته و گریزناپذیر است .

إنّ عذابها کان غرامًا

<غرام> به معنای عذاب، شرّ دائم و بلای گریزناپذیر است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۳۸ – ۳

۳ – عذاب دوزخ ، عذابی است دردناک .

إنّکم لذائقوا العذاب الألیم

مقصود از <عذاب> در آیه شریفه، عذاب دوزخ است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۴۰ – ۴

۴ – پیامبر (ص) کافران و مشرکان معاند را به عذاب فراگیر و دائمی دوزخ تهدید کرد .

و یحلّ علیه عذاب مقیم

<علی> برای استیلا و تمکن است و می رساند که عذاب الهی دشمنان رسول خدا، فراگیر و گسترده است.

ویژگیهای ورود همسر ابو لهب به جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مسد – ۱۱۱ – ۴ – ۸

۸ – همسر ابولهب ، در حالی که خود هیمه آتش جهنم را بر دوش می کشد ، به دوزخ خواهد افتاد .

حمّاله الحطب

چنانچه <حمّاله الحطب> حال و هم زمان با <سیصلی> باشد; ناظر به حالت ام جمیل هنگام ورود به دوزخ خواهد بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مسد – ۱۱۱ – ۵ – ۱

۱ – در افتادن همسر ابولهب به آتش جهنم ، در حالتی خواهد بود که ریسمانی از الیاف به هم بافته در گردن دارد .

فی جیدها حبل من مسد

<جید> به معنای گردن یا محل گردنبند (قاموس) و <مسد> به معنای لیف ملایمی است که از درخت خرما گرفته می شود (العین). این آیه از آن جا که حال برای <امرأته> و هم زمان با عامل خود (سیصلی) است، حالت ورود ام جمیل به جهنم را که به گردن او زنجیری از رشته های

به هم بافته، بسته شده است ترسیم می کند.

ویژگیهای وسط جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۴۸ – ۳

۳- قسمت های درونی تر و مرکزی دوزخ ، مکان جوشش و جریان آب های داغ

فاعتلوه إلی سواء الجحیم . ثمّ صبّوا فوق رأسه من عذاب الحمیم

از ارتباط با آیه قبل که پس از کشانده شدن دوزخیان به قسمت های داخلی تر، فرمان ریختن آب های جوشان مطرح شده است استفاده می شود که رسیدن آنان به وسط جهنم ریختن آب جوشان را میسر می سازد.

ویل جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۹ – ۱۷

۱۷ – از رسول خدا (ص) درباره < فویل لهم مما کتبت أیدیهم > روایت شده که فرموده اند : < الویل جبل فی النار و هو الذی انزل فی الیهود لانهم حرفوا التوراه زادوا فی ها ما احبوا و محوا من ها ما یکرهون و محوا إسم محمد (ص) من التوراه ;

<ویل کوهی است در جهنم که]در آیات قرآن[در مورد یهود نازل گشته است; زیرا آنان تورات را با افزودن آنچه دوست داشتند و از بین بردن آنچه ناخوشایند داشتند، تحریف کردند و نام حضرت محمد(ص) را از تورات محو نمودند>.

هاویه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۷۱ – ۲۴

۲۴ – < عن أمیرالمؤمنین (ع) إنّ جهنم لها سبعه أبواب ، أطباق بعضها فوق بعض . . . و وضع النیران بعضها

فوق بعض فأسفلها جهنّم ، و فوقها لظی و فوقها الحطمه فوقها سقر ، و فوقها الجحيم و فوقها السعير و فوقها الهاويه ;

از اميرالمؤمنين(ع) روايت شده است: جهنم هفت در ورودی دارد كه آنها به صورت طبقاتی بر يكديگر قرار گرفته اند. .. و آتش ها بعضی بر بالای بعضی ديگر قرار دارد كه طبقه زيرين آن جهنم است و طبقات بالاتر آن [به ترتيب] لظی، حطمه، سقر، جحيم، سعير و هاويه می باشد>.

همسر ابو لهب در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۴ - ۴،۹

۴ - سوختن در آتش ابدی دوزخ ، فرجام همسر ابولهب

و امرأته

۹ - گناهان همسر ابولهب ، در قيامت باری سنگين بر دوش او و برافروزاننده آتش جهنم خواهد بود .

حمّاله الحطب

مراد از <حطب>، می تواند گناهان باشد كه مانند هيزم آتش را شعلهور می سازد.

همسر لوط(ع) در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - تحريم - ۶۶ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - همسران نوح و لوط ، همانند كافران از دوزخيان اند .

و قيل ادخلا النار مع الدخلين

همسر نوح(ع) در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - تحريم - ۶۶ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - همسران نوح و لوط ، همانند كافران از دوزخيان اند .

و قيل ادخلا النار مع الدخلين

همنشينان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - تكوير - ۸۱ - ۷ - ۳

۳ - < عن نعمان بن بشير سمعت رسول اللّه (ص) يقول : < و إذا النفوس

زوّجت > قال : هما الرجلان يعملان العمل ، يدخلان الجنّه و النار ;

از نعمان بن بشير روايت شده كه گفت: از رسول خدا(ص) شنيدم كه اين آيه را قرائت مى فرمود: <و إذا النفوس زوّجت> و فرمود: آنان دو مردى هستند كه هر دو يك عمل را انجام مى دهند و همراه هم داخل بهشت يا جهنم مى شوند>.

هواپرستان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۹ - ۲۲

۲۲- رفاه مندانِ هواپرست ، در قيامت ، گرفتار آتشى فراگير و آشاميدنى هايى ناگوارند .

و لاتطع من أغفلنا قلبه . .. بئس الشراب و ساءت مرتفقًا

نكته ياد شده از ارتباط دو آيه استفاده شده است.

هولناكى آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۳ - ۲

۲ - آتش دوزخ ، داراى شعله اى عظيم و زبانه اى هولناك است .

نارًا ذات لهب

<لهب>; يعنى، زبانه آتش و يا شعله ور شدن آن هر گاه از دود خالى باشد (قاموس). نكره بودن <لهب>، بر عظمت و هولناكى آن دلالت دارد.

هولناكى جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۷ - ۲،۳

۲ جهنم ، داراى منظره اى بس هول انگيز

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحب النار قالوا ربنا

۳ راهیان بهشت در صحنه قیامت منظره شوم و هول انگیز دوزخیان را مشاهده خواهند کرد .

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحب النار قالوا ربنا

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر <ابصرهم> و <قالوا> به <اصحب الجنه> در آیه قبل برگردانده

شود.

هیزم جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۱۵ – ۱

۱ – ظالمان و منحرفان از حق ، هیزم جهنم اند .

و أمّا القسطون فکانوا لجهنّم حطبًا

یقین به جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکاثر – ۱۰۲ – ۸ – ۷

۷ – حسابرسی از نعمت ها ، مرحله ای پس از مشاهده دوزخ و یقین به آن است .

ثمّ لترونّها . .. ثمّ لتسئلنّ

یقین به رؤیت جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکاثر – ۱۰۲ – ۷ – ۲

۲ – سوگند مکرّر خداوند ، بر حتمی بودن مشاهده جهنم در قیامت و پیدایش یقین برای ناظران آن

ثمّ لترونّها عین الیقین

یهود در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۸۶ – ۳

۳ دوزخ جایگاه مشرکان و یهودیان مستکبر و حق ناپذیر

و الذین کفروا و کذبوا بایتنا أولئک اصحب الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۳

۱۳ کافران به قرآن از هرگروه و طایفه (مشرکان ، یهودیان ، نصارا و . . .) به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

و من یکفر به من الأحزاب فالنار موعده

<ال> در <الأحزاب> می تواند عهدیه باشد که در این صورت اشاره به مشرکان ، یهود و نصاراست و می تواند <ال> در آن برای استغراق باشد که در این صورت ، مصداقهای بارز و موردنظر آن ، گروههای نامبرده اند.

جهنمیان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جهنمیان

{جهنمیان}

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۲۴ – ۸،۱۰

۸ – آتش دوزخ ، مهیّا شده برای کفرپیشگان

أعدّت للکفرین

اعداد (مصدر اعدت) به معنای حاضر کردن و مهیّا ساختن است.

۱۰ – منکران قرآن و سنگ های دوزخ ، هیزم و آتشگیره های آتش جهنمند .

فاتقوا النار وقودها الناس و الحجاره

<وقود> به هیزم و نیز به چیزی که با آن آتش روشن می کنند، گفته می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۳۹ – ۲

۲ – کفر پیشگان و تکذیب کنندگان آیات الهی ، برای همیشه در دوزخ خواهند بود .

أولئک أصحب النار هم فیها خلدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱۹ – ۹

۹ – دوزخ ، فرجام کافران به رسالت پیامبر و سرپیچی کنندگان از احکام اسلام

إنا أرسلنک بالحق . .. و لاتسئل عن أصحب الجحیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲۶ – ۱۸

۱۸ – آنان که به خدا و روز قیامت کافر شوند ، راهی جز ورود به آتش دوزخ نخواهند داشت .

و من کفر . .. ثم أضطره إلی عذاب النار

اضطرار؛ یعنی، مجبور ساختن کسی به انجام کاری. پس <ثم اضطره ...> چنین معنا می شود: آن گاه که کافران حیات دنیا را سپری کردند، آنان را برای ورود به آتش دوزخ مجبور می کنم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۱۳،۱۶

۱۳ - مشرکان (سران آنان و پیروانشان) در قیامت به آتش

دوزخ گرفتار شده و در آن ماندگار خواهند بود .

و ما هم بخرجین من النار

۱۶ - منصور حازم می گوید : از امام صادق (ع) از آیه < و ما هم بخرجین من النار > سؤال کردم ، فرمود : < اعداء علی (ع) هم المخلدون فی النار أبدالأبدین و دهر الداهرین ;

دشمنان علی(ع) هستند که تا پایان روزگار و تا ابدیت در جهنم جاودانه هستند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۵

۱۵ - گنهکاران در قیامت ، علاوه بر آتش دوزخ به عذاب های روحی نیز گرفتار خواهند شد .

و لایکلمهم اللّه یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۲،۶،۹

۲ - دین فروشان و کتمان کنندگان حقایق کتاب های آسمانی ، از مغفرت الهی محروم و به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

أولئک الذین اشتروا . .. العذاب بالمغفره

۶ - عالمان بی تعهد و وظیفه نشناس ، از مغفرت الهی محروم و به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

أولئک الذین اشتروا . .. العذاب بالمغفره فما أصبر هم علی النار

۹ - ضلالت پیشگان و گنهکاران به عذاب طاقت فرسای قیامت گرفتار خواهند شد .

أولئک الذین اشتروا الضلله بالهدی . .. فما أصبر هم علی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۶

۶ - حق ستیزی موجب گمراهی ، محرومیت از لطف و مغفرت خدا و گرفتار شدن به آتش دوزخ می باشد .

لايكلمهم اللّه يوم القيمه . .. ذلك

بأن اللّه نزل الكتب بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلک> اشاره به عقوبتهای مطرح شده در آیات قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۶ - ۱۰

۱۰ کافران ، مُلازمان آتش دوزخ و جاودان در آن

انّ الّذین کفروا . .. و اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۱ - ۲،۶

۲ دوزخ ، فرجام پذیرندگان ولایت شیطان

و من یتخذ الشیطن ولیاً . .. أولئک ماویهم جهنم و لایجدون عنها محیصاً

۶ ورود گمراهان و فریب خوردگانِ از شیطان به جهنم ، حتمی است .

و ما یعدهم الشیطن الا غروراً. أولئک ماویهم جهنم و لایجدون عنها محیصاً

بنابر اینکه جمله <لایجدون . ..> بیان و تأکید حقیقتی باشد که جمله <ماویهم جهنم> آن را افاده می کند. یعنی آنان که دارای صفات ذکر شده هستند، راهی جز ورود به جهنم ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰ - ۱

۱ کافران و تکذیب کنندگان آیات الهی ، اصحاب دوزخ هستند .

و الذین کفروا و کذبوا . .. أولئک اصحب الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۳۱

۳۱ جایگاه قاتل یک انسان در جهنم ، همان جایگاه قاتل همه انسانهاست ، اگر چه عذابشان متفاوت است .

من قتل نفساً بغیر نفس او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جمیعاً

امام باقر(ع) در پاسخ سؤال از معنای آیه فوق فرمود: یوضع فی موضع

من جهنم . .. لو قتل الناس جميعا انما كان يدخل ذلك المكان قلت: فانه قتل آخر؟ قال: يضاعف عليه.

كافى، ج ۷، ص ۲۷۱، ح ۱; نورالثقلين، ج ۱، ص ۶۱۹، ح ۱۵۰.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۲۰

۲۰ جايگاه ابدى جنيان اغواگر (شيطانها) و انسانهاى پيرو ايشان آتش دوزخ است.

قال النار مثويكم خلدين فيها

<مثوى> اسم مكان و به معنى جايگاه و محل استقرار است. (راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۸ - ۲،۳،۵

۲ دوزخ، جايگاه حتمى ابليس و پيروان او

لمن تبعك منهم لأملأن جهنم منكم أجمعين

۳ تكبّر، تمرد و اغواگرى ابليس، موجب گرفتارى او به آتش دوزخ

ما منعك ألا تسجد . .. لأملأن جهنم منكم أجمعين

۵ جهنم مملو از ابليس و همه پيروانى كه در زمره ابليسيان درآمده باشند.

لمن تبعك منهم لأملأن جهنم منكم أجمعين

خطاب در <منكم> مى تواند بيانگر اين نكته باشد كه آدمى به مجرد پيروى از ابليس جايگاهى همانند او در جهنم نخواهد داشت، بلكه آن گونه پيروى چنين اقتضايى را دارد كه آدمى را همسنخ ابليس سازد ; به گونه اى كه بتوان ابليس و پيروى كننده وى را با يك ضمير مورد خطاب قرار داد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۶ - ۱،۳

۱ گرفتاری به آتش دوزخ فرجام منکران رسالت انبیا و تکذیب کنندگان آیات الهی (احکام و معارف نازل شده بر پیامبران)

و الذین کذبوا . .. هم فیها خلدون

۳ آتش دوزخ ابدی است

و تکذیب کنندگان آیات الهی در آن جاودان هستند.

أولئک أصحب النار هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱،۲،۹،۱۵

۱ خداوند در روز قیامت کافران را فرمان می دهد تا در آتش درآیند و به جمع دوزخیان بپیوندند.

قال ادخلوا فی أمم . .. فی النار

۲ آتش دوزخ جایگاه اجتماع و به هم پیوستن جنیان و آدمیان کافر و مشرک است.

قال ادخلوا فی أمم قد خلت من قبلکم من الجن و الإنس فی النار

۹ ورود رهبران اغواگر در دوزخ، قبل از پیروانشان

کلما دخلت أمه . .. قالت أخریهم لأولیهم ربنا هؤلاء أضلونا

مراد از <أمت أخری> به دلیل سخن آنان (ربنا هؤلاء أضلونا) گروه پیرو هستند. در نتیجه مراد از <اولی> سران شرک و کفر خواهد بود. و تعبیر از آن دو طایفه به <اولی> و <أخری> می تواند به لحاظ تقدیم و تأخیر آنان در ورود به جهنم باشد.

۱۵ کافران و مشرکان پیرو، همانند رهبرانشان، دارای عذابی مضاعف از آتش دوزخ

قال لکل ضعف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴۱ - ۲،۴

۲ تکذیب کنندگان و اعراض کنندگان از آیات الهی در بستری از آتش جهنم و توده هایی آتشین بر فراز خویش، گرفتار خواهند شد.

لهم من جهنم مهاد و من فوقهم غواش

۴ گرفتار شدن ستمکاران به آتش دوزخ، سنت خداوند در کیفر آنان

و کذلک نجزی الظلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۷ – ۹

۹ گرفتار شدن به آتش دوزخ ، سرنوشت

اقوام و ملت های ستمگر است .

إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحب النار قالوا ربنا لاتجعلنا مع القوم الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۱،۹،۱۰،۱۱

۱ جهنم ، فرجام بسیاری از انسان ها و جنیان

و لقد ذرأنا لجهنم کثیراً من الجن و الإنس

۹ گرفتار شدن به دوزخ نمود زیانکاری تکذیب کنندگان آیات الهی است .

فأولئک هم الخسرون. و لقد ذرأنا لجهنم کثیراً من الجن و الإنس

آیه مورد بحث می تواند توضیح زیانی باشد که در ذیل آیه قبل برای گمراهان بیان شده است.

۱۰ عالمان دینی دنیادوست و هواپرست و تکذیب کنندگان آیات الهی ، اهل دوزخند .

لکنه أخلد إلی الأرض و اتبع هوه . .. و لقد ذرأنا لجهنم کثیراً

برداشت فوق مقتضای ارتباط آیه مورد بحث با آیات پیشین است.

۱۱ جهنم فرجام انسان ها و جنیانی است که خود را از درک معارف و حقایق دین محروم ساخته اند .

و لقد ذرأنا لجهنم . .. لهم قلوب لایفقهون بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۶ - ۴،۵

۴ جهنم ، جایگاه فراریان از جبهه نبرد

و من یولهم . .. مأویه جهنم

۵ جهنم ، جایگاه مغضوبین درگاه خداوند

فقد باء بغضب من اللّه و مأویه جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ آن گروه از کافران قریش که پس از شکست همچنان به کفرورزی خویش ادامه دادند ، از دوزخیان هستند .

و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون

تکرار <الذین کفروا> پس از <ثم

یغلبون> اشاره به این دارد که گروهی از کفار قریش پس از شکست و غلبه مسلمانان به کفر باقی خواهند ماند، آنان سزایشان جهنم است و گروهی اسلام را خواهند پذیرفت و اهل نجات خواهند بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۳۴ – ۱۴

۱۴ زراندوزان ، اهل جهنمند .

فبشرهم بعذاب ألیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۴۹ – ۹،۱۳

۹ احاطه همه جانبه آتش دوزخ بر کافران

و إن جهنم لمحیطه بالکفرین

۱۳ منافقان ، اهل دوزخند .

ألا فی الفتنه سقطوا و إن جهنم لمحیطه بالکفرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۳ – ۵

۵ منافقان ، مخلد در آتش دوزخند .

من یحادد اللّه و رسوله فان له نار جهنم خلداً فیها

با توجه به اینکه آیات قبل و آیه بعد بیانگر خصلتهای منافقان است، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۸ – ۱

۱ خلود در آتش دوزخ ، وعده خداوند به زنان و مردان منافق و عموم کفرپیشگان

وعد اللّه المنفقين و المنفقت و الكفار نار جهنم خلدين فيها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۳ – ۵

۵ جهنم ، جايگاه کافران و منافقان و فرجامی سخت و دردناک برای آنان

و مأويهم جهنم و بئس المصير

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۵ – ۱۲،۱۴

۱۲ دوزخ ،

جایگاه و فرجام نهایی منافقان متخلف از جهاد

مأویهم جهنم

۱۴ دوزخ ، جایگاه و فرجام نهایی آنان که مظهر پلیدی اند .

إنهم رجس و مأویهم جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۹ – ۱۵،۱۳،۱۰

۱۰ سقوط در آتش دوزخ ، فرجام منافقان کفرپیشه

و الذین اتخذوا مسجداً ضراراً . .. فانهار به فی نار جهنم

۱۳ منافقان ، زیان زننده به جامعه اسلامی ، مروج کفر ، تفرقه افکن میان مؤمنان ، ظالم و دوزخی اند .

اتخذوا مسجداً ضراراً و کفراً و تفریقاً . .. و إرصاداً ... فانهار به فی نار جهنم

۱۵ بناکنندگان مسجد ضرار ، از ظالمان و سقوط کنندگان در آتش دوزخند .

و الذین اتخذوا مسجداً ضراراً . .. فانهار به فی نار جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۳ – ۵

۵ دوزخی بودن مشرکان ، امری قطعی و غیر قابل تغییر

للمشرکین . .. من بعد ما تبین لهم أنهم أصحب الجحیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۸ – ۱

۱ دوزخ ، جایگاه ابدی مشرکان و منکران رستاخیز

إن الذین لایرجون لقاءنا . .. و الذین هم عن ءایتنا غفلون. أولئک مأویهم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۷ - ۹

۹ زشت کرداران ، اهل دوزخ هستند و در آن جاودانه خواهند ماند .

و الذين كسبوا السيئات . .. أولئك أصحب النار هم فيها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸

- هود - ۱۱ - ۱۶ - ۱

۱ کافران دنیاطلب و دلبسته به جلوه های آن ، در آخرت بهره ای جز آتش دوزخ نخواهند داشت .

من کان یرید الحیوه الدنیا و زینتها . .. أُولئك الذین لیس لهم فی الأخره إلّا ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۳

۱۳ کافران به قرآن از هرگروه و طایفه (مشرکان ، یهودیان ، نصارا و . . .) به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

و من یکفر به من الأحزاب فالنار موعده

<ال> در <الأحزاب> می تواند عهدیه باشد که در این صورت اشاره به مشرکان ، یهود و نصاراست و می تواند <ال> در آن برای استغراق باشد که در این صورت ، مصداقهای بارز و موردنظر آن ، گروههای نامبرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۸ - ۱،۲،۳

۱ فرعون در روز قیامت ، پیشاپیش پیروانش به سوی دوزخ روانه خواهد شد .

یقدم قومه یوم القیمه فأوردهم النار

قدوم (مصدر یقدم) به معنای سبقت گرفتن و در پیشاپیش حرکت کردن است.

۲ فرعون ، در روز قیامت پیروانش را به آتش دوزخ خواهد برد .

فأوردهم النار

ماضی آوردن فعل <أورد> با اینکه گزارشی از آینده است اشاره به حتمی بودن ورود آنان به آتش جهنم دارد.

۳ حرکت فرعونیان به سوی دوزخ به رهبری و پیشاهنگی فرعون ، نمود برنامه های ناصواب او در دنیاست .

و ما أمر فرعون برشید. یقدم قومه یوم القیمه فأوردهم النار

جمله <یقدم قومه . ..> بیانگر فرجام پیروی از فرعون است و

به منزله تفسیری برای <و ما أمر فرعون برشید> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۶ - ۱

۱ تیره بختان صحنه قیامت (مشرکان و کافران به رسالت انبیا) روانه آتش دوزخ خواهند شد .

فأما الذین شقوا ففی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۷ - ۱

۱ آتش دوزخ ، جایگاه ابدی تیره بختان صحنه قیامت است .

خلدین فیها مادامت السموت و الأرض

عبارت <مادامت السماوات و الأرض> (تا آن زمان که آسمانها و زمین وجود دارد) کنایه از دوام و همیشگی است و تأکید برای خلودی می باشد که از <خالدین> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۳

۳ ستم پیشگان ، به آتش دوزخ درخواهند افتاد .

فتمسکم النار

جمله <فتمسکم النار> بیان می کند که اتکای بر ستمگران، درپی دارنده آتش است. این معنا می رساند که خود ستمگران نیز به آتش درخواهند افتاد. تعبیر <فتمسکم> می تواند اشاره به این نکته باشد که: ستمگران آتش هستند و با اعتماد و تکیه به آنان، آتش با شما تماس پیدا خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۹ - ۶،۷،۸

۶ انسانهایی که به خدا و پیامبرانش کافر شوند و نیز جنیان کفرپیشه ، به آتش دوزخ درخواهند افتاد .

لأملأنّ جهنم من الجنه والناس أجمعين

چون بحث در آیات گذشته درباره فساد و صلاح امتها بود و مصداق بارز و مورد نظر برای صلاح و فساد

به قرینه آیات پیشین و نیز آیه ۱۲۱ توحید، شرک، ایمان و کفر است، مقصود از <الجنه> و <الناس> کافران و مشرکان جنی و انسی است. بر این اساس کلمه <أجمعین> تأکید بر عمومی است که از کلمه <الجنه> و <الناس> فهمیده می شود.

۷ خداوند ، دوزخ را از جنیان و انسان ها پر خواهد کرد .

لأملأنّ جهنم من الجنه والناس أجمعین

۸ پر کردن جهنم از انسان ها و جنیان ، حقیقتی که خداوند از پیش بیان داشته بود .

تمت کلمه ربک لأملأنّ جهنم من الجنه والناس

<تمت>; یعنی، به طور کامل و بدون هیچ نقصی تحقق یافت. مفسران برآنند که مقصود از <کلمه ربک> که با جمله <لأملأنّ ...> تفسیر شده است همان سخنی است که خداوند در داستان آدم و ابلیس فرمود: <فالحق والحق أقول. لأملأنّ جهنم منک و ممن تبعک منهم أجمعین>; حق این است و من جز حق نمی گویم که جهنم را از تو و از همه کسانی که از تو پیروی می کنند پر خواهم کرد. سوره ص، آیه ۸۴ و ۸۵>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۵ - ۱۲

۱۲ منکران قیامت ، به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

أُولئک أصحب النار هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۸ - ۱۰

۱۰ دوزخ جایگاه روی گردانان از دعوت خداوند است .

أُولئک . .. مأویهم جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۵ - ۱۱،۱۲

۱۱ سرای شوم (دوزخ

) از آنِ کسانی است که پیمان های الهی را نقض کنند و پیوندهایی که خداوند به برقراری آنها فرمان داده ، نادیده انگارند .

والذین ینقضون عهد الله . .. و یقطعون ما أمرالله ... لهم سوء الدار

۱۲ آنان که در زمین فساد می کنند ، به سرایی شوم (دوزخ) گرفتار خواهند شد .

و الذین . .. یفسدون فی الأرض ... لهم سوء الدار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۵ – ۹

۹ آتش دوزخ فرجام کافران است .

و عقبی الکفرین النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۱۶ – ۱

۱– جبّاران منحرف ، علاوه بر هلاکت دنیوی ، در آخرت نیز گرفتار جهنّم می شوند .

و خاب کلّ جبّار عنید . من ورائه جهنّم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۹ – ۱

۱– جهنّم ، جایگاه رهبران ناسپاس و سردمداران فاسد و اغواگر

ألم تر إلی الذین . .. أحلّوا قومهم دار البوار . جهنّم یصلونها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۳۰ – ۸

۸– دوزخ ، سرانجام تلاش برای ترویج آیین شرک و گمراه کردن مردم از مسیر خدا و یگانه پرستی

و جعلوا لله أندادًا لیضلّوا عن سبیله . .. فإن مصیرکم إلی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۳ - ۱

۱- جهنّم ، وعده گاه همه پیروان گمراه ابلیس

و إن جهنّم لموعدهم أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۹ - ۹

۹- جایگاه متکبران ، جهنّم است .

فادخلوا . .. جهنّم ... فلبئس مثوی المتکبّرین

<بئس> فعل ذم است و مخصوص به ذم - که کلمه جهنّم باشد - محذوف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۱۱،۱۳

۱۱- آتش دوزخ ، فرجام حتمی مشرکان است .

و لاتجعل مع الله إلهًا ءاخر فتلقی فی جهنّم

۱۳- مشرکان در حهنّم ، به عذاب جسمی و روحی مبتلا خواهند بود .

فتلقی فی جهنّم ملومًا مدحورًا

<القا در حهنّم> دلالت بر جسمانی بودن عذاب می کند و <ملوماً> و <مدحوراً> که به معنای طرد و سرزنش است دلالت بر عذاب روحی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۳ - ۵،۹

۵- دوزخ ، کیفر قطعی ابلیس و پیروان وی

فمن تبعک منهم فإن جهنّم جزاؤکم

۹- دوزخ ، کیفری کامل و بی کم و کاست برای شیطان و پیروان او

فإن جهنّم جزاؤکم جزاءً موفورًا

<موفور> از ریشه <وفر> به معنای تام و بی نقص است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۷ - ۱۰

۱۰- مأوا و جایگاه گمراهان حق ناپذیر ، دوزخ است .

مأوهم جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۰،۱۲

۱۰- دوزخ ، از هم اکنون برای ظالمان آماده و مهیا است . *

إنّا أعتدنا للظلمین نارًا

۱۲- کافرانِ به حقایق نازل شده از سوی خداوند ، ظالم ، و سزاوار آتش اند .

الحقّ من ربّکم .

.. و من شاء فليكفر إنّا أعتدنا للظلمين نارًا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – كهف – ۱۸ – ۵۳ – ۳

۳- مجرمان ، در قيامت ، به دوزخى بودن خود و نداشتن راه گريزى از آن ، پى خواهند برد .

فظنّوا انّهم مواقعوها و لم يجدوا عنها مصرفًا

بيان ديدگاه مشركان در مورد ورود به جهنم با فعل <ظنّ>، حكايت از آن دارد كه آنان، در آن شرايط، خود را دوزخى مى بينند، ولى هنوز اميدهايى هر چند واهى به نجات دارند. ولى به زودى درمى يابند كه گريزگاهى براى آنان نيست. <مصرفاً> اسم مكان به معناى مكانى است كه به آن روى آورند. جمله <لم يجدوا...> يعنى جايى را كه بتوانند با پناه بردن به آن، از آتش رها شوند، نمى يابند.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – كهف – ۱۸ – ۱۰۰ – ۱

۱- خداوند ، جهنم را در صحنه قيامت بر كافران عرضه خواهد كرد .

و عرضنا جهنّم يومئذ للكفرين عرضًا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – كهف – ۱۸ – ۱۰۱ – ۳

۳- دوزخ ، فرجام كافرانى است كه طاقت شنيدن آيات الهى را ندارند .

و عرضنا جهنّم يومئذ للكفرين . .. و كانوا لايستطيعون سمعًا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – كهف – ۱۸ – ۱۰۲ – ۸،۹

۸- دوزخ ، منزل گاهى مهيّا شده ، براى كافران است .

إنّا أعتدنا جهنّم للكفرين نزلاً

<أعتدنا> از ماده <عتد> با <أعددنا> از ماده <عدد> به یک معنا است و در این که <آیا یکی اصل

دیگری است یا هر کدام لغت مستقلی است؟>، اختلاف است. کلمه <نزل> در معانی <منزل>، <وسائل پذیرایی> و <مأوی دادن> استعمال شده است. در برداشت یاد شده معنای نخست لحاظ شده است.

۹- خداوند ، از کافران حق ناپذیر ، به وسیله شراره های دوزخ ، پذیرایی می کند .

إنّا أعتدنا جهنّم للکفرین نزلاً

کلمه <نُزُل> می تواند اسم باشد برای چیزی که به هنگام ورود میهمان برای پذیرایی او می آورند. این نوع سخن، <تهّکم> بوده و برای استهزا به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۶ - ۳

۳- دوزخ ، جزای آنانی است که در صحنه قیامت ، بی توشه و تهیدست اند .

فلانقیم لهم یوم القیمه وزنًا . ذلک جزاؤهم جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۰ - ۱

۱- گردن فرازان و عصیان گران در برابر خداوند رحمان ، سزاوار سوختن در آتش دوزخ اند .

حول جهنّم . .. ثمّ لنحن أعلم ... بها صليًّا

<صليّاً> (از صَلِيَ يَصلی) تمیز برای <أولی> و به معنای سوختن و چشیدن حرارت آتش است (لسان العرب). بنابراین مفاد عبارت <أعلم... صلیّاً> این است که: ما بهتر می دانیم چه کسی برای جهنم سزاوارتر است، از نظر چشیدن آتش و بریان شدن در آن. <أولویت> برای برخی نشانه آن است که بقیه نیز استحقاق دارند; گرچه ممکن است اولویت نداشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۲ - ۴،۹

۴- ستم کاران در حضیض ذلت و زبونی ، گرفتار دوزخ خواهند

شد .

و نذر الظلمين فيها جثيًّا

کاربرد فعل <نذر> در مواردی است که چیزی را به جهت بی اهمیتی و فرومایگی آن رها کنند. این مفهوم و نیز حالت نیم خیزبودن ظالمان، جملگی حکایت از ذلت، زبونی و سرگردانی آنان در دوزخ دارد.

۹- دوزخ ، گذرگاهی برای تقواپیشگان و اقامت گاهی برای ستم کاران است .

ثمّ ننجّی الذین اتقوا و نذر الظلمین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۱،۲

۱ - آنان که با کفر به پروردگار خویش ، در قیامت حاضر شوند ، بی تردید اهل دوزخ خواهند بود .

إنّه من یأت ربّه مجرمًا فإنّ له جهنّم

<جرم> در این آیه به قرینه آیه بعد به معنای کفر است؛ زیرا در آیه بعد آمده است: <و من یأته مؤمن اً> . ..>.

۲ - کفر ، جرم و گناه است و کافران مجرم و دوزخی اند .

إنّه من یأت ربّه مجرمًا فإنّ له جهنّم

لام در <له جهنّم> بر استحقاق دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۷ - ۵

۵ - جایگاه کافران ، آتش است .

الذین کفروا . .. مأویهم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۴ - ۲،۳

۲ - دوزخ ، فرجام مشترک گمراهان و معبودهایشان

فکبکبوا فیها هم و الغاون

۳ - معبود های دروغین ، جلودار مشرکان در سقوط به ورطه دوزخ

فکبکبوا فیها هم و الغاون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ضمیر <هم> که به معبودهای باطل بازمی گردد

مقدم بر <الغاوون> آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۵ - ۱

۱ - افکنده شدن همه سپاهیان ابلیس در دوزخ ، به همراه گمراهان مشرک و معبود های باطلشان

فکبکبوا فیها . .. و جنود إبلیس أجمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۳ - ۲

۲ - پیشوایان شرک و گمراه کنندگان خلق ، مصداق های بارز و قطعی دوزخیان

قال الذین حقّ علیهم القول

خداونـد در آغـاز آفرینش آدم، در پاسـخ ابلیس که گفته بود: <ربّ بمـا أغویتنی لأُغوینهم أجمعین> فرمود: <لأملئنّ جهنّم منک و ممّن تبعک منهم أجمعین>. کلمه <القول> اشاره به همین سخن خداوند دارد. بنابراین <الذین حقّ علیهم القول>; یعنی، آنان که آن سخن خدا درباره ایشان مصداق و قطعیت یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۳ - ۵،۶،۱۴

۵ - وعده خداوند به انباشتن دوزخ از مجرمان جِنّی و اِنْسی ، وعده ای حق و تخلف ناپذیر است .

و لکن حقّ القول منّی لأملأنّ جهنّم من الجِنّه و الناس أجمعین

۶ - سوگند خداوند به انباشتن جهنم از مجرمان جنّی و انسی

و لکن حقّ القول منّی لأملأنّ جهنّم من الجِنّه و الناس

لام در <لأملأنّ> برای قسم است و حکایت ازآن دارد که <القول> در فراز قبلی، سوگند است.

۱۴ - همه مجرمان جنّی و انسی ، در جهنم گرد می آیند .

لأملأنّ جهنّم من الجِنّه و الناس أجمعین

قید <أجمعین> به قرینه این که کسانی وجود دارند که به جهنم نخواهد رفت، عموم افرادی نیست، بلکه مفید عموم در

نوع است. لازم به ذکر است که <ال> در <الجِنّه> و <النـاس> عهـد بوده و اشـاره به افرادی خـاص که همانا مجرمان اند دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۴ - ۶

۶ - مجرمان و منکران قیامت ، به عذاب ابدی و پایان ناپذیر گرفتار خواهند شد .

و لو تری إذ المجرمون . .. و ذوقوا عذاب الخلد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۰ - ۱

۱ - جایگاه فسق پیشگان ، آتش جهنم است .

و أمّا الذین فسقوا فمأویهم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۶ - ۵

۵ - سخن گفتن در جهنم ، برای جهنمیان ، امری ممکن است .

یوم تقلّب وجوههم فی النار یقولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۲

۲ - کافران ، محکوم به دوزخ اند .

و الذین کفروا لهم نار جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۳ - ۱

۱ - فرمان خداوند در قیامت ، مبنی بر راندن مشرکان ستم پیشه و هم فکران و معبود های آنان به راه دوزخ

احشروا الذین . .. یعبدون . من دون اللّه فاهدوهم إلی صرط الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۵ - ۲

۲ - بهشتیان ، هم نشینان کافر دنیایی خود را ، در وسط دوزخ مشاهده خواهند کرد .

فرءاه فی سواء الجحیم

<سواء> به معنای

وسط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۳ - ۴

۴ - مشرکان و معبودهایشان و پیروان گمراه آنان ، دوزخی اند .

إلاّ من هو صال الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - کافران ، در ناگوارترین وضعیت و محکوم به آتش دوزخ در روز رستاخیز

فویل للذین کفروا من النار

کلمه <ویل> دلالت بر شدت بدی احوال می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۶ - ۲

۲ - طغیان گران ، از دوزخیان هستند .

إنّ للطغین . .. جهنّم یصلونها

<یصلون> به معنای <یدخلون> (داخل می شوند) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۹ - ۴

۴ - سوختن پیروان طاغیان در آتش دوزخ

إنّهم صالوا النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶۰ – ۷

۷ – دوزخ ، قرارگاه طغیان گران

للطغين لشرّ مئاب . .. فبئس القرار

<قرار> اسم مكان به معناى قرارگاه است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۸۵ – ۱،۴

۱ – جهنم ، مملو از شيطان ها و پيروان آنان خواهد شد .

لأملأنّ جهنّم منك و ممّن تبعك منهم أجمعين

بيشتر مفسران گفته اند: مقصود از <منك> <من جنسك> است; زيرا منطقى نيست كه جهنم با آن عظمت، تنها با داخل شدن يك فرد (ابليس) پر شود. پس مقصود، پر شدن دوزخ از مجموعه شياطين (ابليس و فرزندانش) و انسان ها خواهد بود.

۴

- دوزخ ، سرنوشت مشترک شیطان ها و انسان های پیرو آنان

لأملأنّ جهنّم منک و ممّن تبعک منهم أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۶ - ۱

۱ - مشرکان و کافران در دوزخ ، از هر سو در محاصره آتش قرار خواهند داشت .

لهم من فوقهم ظلل من النار و من تحتهم ظلل

مقصود از سایبان هایی از آتش بر فراز کافران و زیر آنان، آتش فراگیر است که از هر سو آنها را محاصره کرده است؛ چنان که در سوره دیگری از این حقیقت به صراحت یاد شده است: <یوم یخشاهم العذاب من فوقهم و من تحت أرجلهم. ..>، (سوره عنکبوت (۲۹) آیه ۵۵).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۰ - ۵

۵ - جهنم ، جایگاه همیشگی متکبران

ألیس فی جهنّم مثوًی للمتکبّرین

<مثوًی> (اسم مکان از ماده <ثواء>) به معنای اقامت توأم با استمرار است؛ یعنی، جایگاه همیشگی و دائمی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۱،۲

۱ - کافران پس از حسابرسی اعمالشان ، دسته دسته و گروه گروه به دوزخ رانده خواهند شد .

و وضع الکتب . .. و وفّیت کلّ نفس ما عملت ... و سیق الذین کفروا إلی جهنّم زمرًا

<زمره> (مفرد <زمر>) به معنای گروه و دسته است که به دنبال گروه و دسته ای دیگر باشند. بنابراین پیام آیه شریفه این می شود که کافران به چند دسته تقسیم شده؛ آن گاه دسته دسته به دنبال هم وارد دوزخ خواهند شد.

۲ - کفر ،

دارای مراتب گوناگون است و کافران ، در درکات مختلف دوزخ جای دارند .

و سیق الذین کفروا إلی جهنّم زمرًا حتّی إذا جاءوها فتحت أبوبها

تقسیم شدن کافران به چند دسته و گروه و نیز ورود آنان از درب های گوناگون جهنم ، می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۲ - ۸

۸ - جهنم ، جایگاه همیشگی متکبران

فبئس مثوًی المتکبّرین

<مثوًی> (اسم مکان از ماده <ثواء>) به معنای اقامت توأم با استمرار است; یعنی، جایگاه همیشگی و دائمی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۳ - ۶،۸

۶ - اسراف گران و افراط کنندگان در گناه و حق ستیزی ، اهل دوزخ اند .

و أنّ المسرفین هم أصحب النار

<اسراف> به معنای افراط است و مقصود از <مسرفین> در آیه شریفه، کسانی اند که در گناه و حق ستیزی افراط می کنند.

۸ - فرعونیان ، محکوم به دوزخ

و أنّ المسرفین هم أصحب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۶ - ۶

۶ - به دوزخ افتادن خاندان فرعون در قیامت با فرمان الهی

و یوم تقوم الساعه أدخلوا ءال فرعون أشدّ العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۸ - ۷

۷ - اشتراک مستضعفان پیرو و رهبران مستکبر آنان ، در عذاب شدن با آتش دوزخ

إنّا كلّ فيها إنّ اللّه قد حكم بين العباد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۰ -

۴ - آنان که از سر کبر و خودخواهی به عبادت خدا نمی پردازند ، محکوم به دوزخ اند .

إنّ الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۹ - ۱

۱ - دشمنان خدا در روز قیامت ، گردآوری شده ، دسته جمعی به سوی دوزخ روانه خواهند شد .

و یوم یحشر أعداء اللّه إلی النّار

<حشر> (مصدر <یحشر>) به معنای جمع آوری است و چون در آیه با <إلی> متعدی شده، معنای سوق دادن و روانه ساختن در آن اشراب شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۴ - ۱

۱ - دوزخ ، جایگاه و محل استقرار دشمنان خدا است .

یوم یحشر أعداء اللّه إلی النار . .. فالنار مثویً لهم

کلمه <مثوًی> اسم مکان و به معنای منزل و جایگاه اقامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۱۰

۱۰ - دوزخ ، پایان و فرجام شوم دشمنان خدا

و حقّ علیهم القول

الف و لام در <القول> برای عهد ذهنی است و اشاره به سخنی دارد که در آن، وعده عذاب دوزخ داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۲۸ – ۱

۱ – آتش دوزخ ، کیفر و سزای دشمنان خدا است .

ذلك جزاء أعداء اللّه النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۴۰ – ۴

۴ – منحرفان از راه توحید ، گرفتار آتش دوزخ خواهند بود .

إنّ

الذين يلحدون . .. أفمن يلقى فى النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۴۱ – ۲

۲ – منکران حقانیت قرآن ، گرفتار آتش دوزخ در قیامت

إنّ الذين كفروا بالذّكر

برداشت یاد شده بر این اساس است که خبر <إنّ> در <إنّ الذين كفروا> به قرینه آیه قبل جمله <يلقى فى النار> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۷ – ۲۲،۲۳

۲۲ – تقسیم انسان ها در قیامت ، به دو گروه بهشتی و دوزخی

فريق فى الجنّه و فريق فى السعير

۲۳ – در قیامت جز ورود به جهنم و یا بهشت ، سرنوشت دیگری در انتظار انسان نخواهد بود .

فريق فى الجنّه و فريق فى السعير

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۸ – ۱۲

۱۲ – دوزخ ، سرنوشت نهایی ستم پیشگان

فريق فى السعير . .. و الظلمون ما لهم من وليّ و لانصير

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۵ – ۱،۷

۱ – ستم پیشگان متجاوز به حقوق مردم ، عرضه شونده به دوزخ و نزدیک شونده به آن بدون هیچ اختیار

و تريهم يعرضون عليها خشعين من الذلّ ينظرون من طرف خفيّ

تعبیر <یعرضون علیها> به صیغه مجهول، ناگزیری و بی اختیاری ظالمان در عرصه قیامت را می رساند.

۷ - نگاه ترس آلود و مضطرب ستمکاران به جهنم ، در کناره آتش دوزخ

ینظرون من طرف خفیّ

نگاه زیر چشمی به جهنم ، کنایه از ترس و وحشت است .

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۶ - ۲

۲ - جاودانگی ظالمان و گمراهان ، در دوزخ ، نتیجه محرومیت آنان از ولایت خدا و تکیه بر ولایت غیر او است .

إنّ الظلمین فی عذاب مقیم . و ما کان لهم من أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۴ - ۱

۱ - گناهکاران ، در عذاب جهنم ماندگاراند .

إنّ المجرمین فی عذاب جهنّم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۱

۱- قرار گرفتن کافران ، در معرض آتش دوزخ در قیامت

و یوم یعرض الذین کفروا علی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۴ - ۴

۴ حق پوشان لجوج و معاند ، مستحق آتش دوزخ ; و نه ناآگاهان ره نیافته به حق *

ألقیا فی جهنّم کلّ کفّار عنید

وصف <کفّار> و <عنید> مشعر به علیت است; یعنی، آنچه آدمی را به سوی دوزخ می کشاند، انکار لجوجانه و حق ستیزانه است و نه صرف انکار ناشی از جهل و نرسیدن به حق; گرچه ظاهراً به چنین فردی نیز <کافر> اطلاق می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۵ - ۱

۱ سدکنندگان راه ارزش ها و تجاوزگران و شکّاکان در حق ، محکوم به آتش دوزخ

أَلقيا فى جهنّم كلّ . .. منّاع للخير معتد مريب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۶ - ۱

۱ مشرکان و عبادت کنندگان

غیر خدا ، محکوم به آتش دوزخ

ألقیا فی جهنّم . .. الذی جعل مع اللّه إلهًا ءاخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۳ - ۳

۳ - آتش دوزخ ، فرجام تکذیب کنندگان آن

فویل . .. للمکذّبین ... یوم یدعّون إلی نار جهنّم دعًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۷ - ۵

۵ - مجرمان ، گمراهان از راه حق در دنیا و مبتلا به شعله های آتش در قیامت *

إنّ المجرمین فی ضلل و سعر

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <فی ضلال>، نظر به گمراهی دنیوی و <سعر> نظر به عذاب اخروی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳ - ۴

۴ - < عن الزهری قال : سمعت علی بن الحسین (ع) یقول : . . . < إذا وقعت الواقعه > یعنی القیامه لیس لوقعتها کاذبه . < خافضه > خفضت و اللّه بأعداء اللّه إلی النار < رافعه > رفعت و اللّه أولیاء اللّه إلی الجنّه . . . ;

زهری گوید: از امام سجاد(ع) شنیدم که با استناد به آیه <إذا وقعت الواقعه> می فرمود: . ..یعنی، هرگاه قیامت واقع شود، که در وقوع آن دروغ راه ندارد. [قیامت] <خافضه> است; به خداوند سوگند! دشمنان خدا را به زیر می کشد و به سوی جهنم [روانه می کند] و <رافعه> است; به خدا سوگند اولیای خدا را بالا می برد و به سوی بهشت [هدایت می کند]...>.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۵ – ۷

۷ – دوزخ ، جایگاه نهایی کافران و منافقان

فالیوم لایؤخذ منکم فدیه و لا من الذین کفروا. .. و بئس المصیر

<مصیر> (معادل <مرجع>) و به جایگاهی گفته می شود که حرکت به آن جا منتهی می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۹ – ۱۱

۱۱ – کافران و تکذیب گران آیات الهی ، اهل دوزخ اند .

و الذین کفروا و کذّبوا بایتنا أُولئک أصحب الجحیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۱۷ – ۵

۵ – منافقان ، اهل آتش دوزخ اند .

أُولئک أصحب النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۱۰ – ۱

۱ – کسانی که به کفر و تکذیب آیات الهی بپردازند ، اهل دوزخ اند .

و الذین کفروا و کذّبوا بایتنا أُولئک أصحب النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۷ – ۱،۲

۱ – اعلام پذیرفته نشدن هیچ عذری از کافران دوزخی در قیامت

يأيّها الذين كفروا لاتعتذروا اليوم

۲ - کافران دوزخی ، هیچ عذر موجه و قابل قبولی برای گزینش راه کفر خویش ندارند .

يأيّها الذين كفروا لاتعتذروا اليوم

برخی از مفسران نوشته اند: این که به کافران اعلان می شود که عذر نیاورید، به این سبب است که آنان هیچ عذر قابل قبول و منطقی ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۸

۸ - دوزخ ، جایگاه و مأوای کافران

و منافقان است .

و مأويهم جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - تحريم - ۶۶ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - همسران نوح و لوط ، همانند كافران از دوزخيان اند .

و قيل ادخلا النار مع الدخلين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۹ - ۶

۶ - پيامبران ، متهم به گمراهى شديد از سوى كافران محكوم به دوزخ

إن أنتم إلاّ فى ضلل كبير

برداشت ياد شده، مبتنى بر اين احتمال است كه جمله <إن أنتم. ..> دنباله اعتراف هاى كافران باشد. گفتنى است كه صفت <كبير> (براى <ضلال>) اشاره به شدّت و نهايت گمراهى است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۲ - ۲

۲ - تكذيب گران دين ستيز ، به آتش برافروخته در قيامت گرفتار خواهند بود .

و جحيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۲ - ۲

۲ - دوزخ ، جايگاه جرم پيشگان

عن المجرمين . ما سلككم فى سقر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۱۵ – ۲

۲ – دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذّبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۱۹ – ۲

۲ – دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذّبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد – نام سوره

– سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۲۴ – ۲

۲ – دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذّبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۲۸ – ۲

۲ – دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذّبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۳۴ – ۲

۲ – دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذّبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۳۷ – ۲

۲ – دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذّبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۴۰ – ۲

۲ – دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذّبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۴۵ – ۲

۲ – دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذّبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۴۷ – ۲

۲ – دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذّبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۴۹ – ۲

۲ – دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذّبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۱۶ – ۴

۴ – کسانی که در قیامت از رحمت خداوند و درک ربوبیت او محروم باشند ، سرنوشتی جز دوزخ نخواهند داشت .

عن ربّهم یومئذ لمحجوبون . ثمّ إنّهم لصالوا الجحیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۱۲ – ۱

۱ – کسانی که نامه عمل خود را از پشت سر دریافت می کنند ، به آتش برافروخته جهنم گرفتار شده و در آن خواهند سوخت .

و یصلی سعیرًا

<صَلی>; یعنی، حرارت را چشید (مصباح). در لسان العرب آمده است: صَلِیَ فلان بالنار یَصْلی صُلِیّاً احترق (سوخت). راغب می گوید: <صَلِیَ بالنار>; یعنی، به آتش مبتلا شد و از برخی اهل لغت نقل می کند که: <صلی النار>: دَخَلَ فیها (درون

آتش رفت). <سعیر> (بر وزن فعیل) به معنای مفعول است; یعنی، داغ و برافروخته. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۰ - ۸

۸ - مردم بی ایمان در قیامت ، نامه عمل خویش را از

پشت سر دریافت کرده و به آتش جهنم گرفتار خواهند شد .

أمّا من أُوتی کتبه وراء ظهره . .. و یصلی سعیرًا ... فما لهم لایؤمنون

ارتباط مجموع آیات این سوره، اقتضا می کند که مراد از ضمیر <هم> و تعبیر <الذین کفروا> (در آیات بعد) همان کسانی باشند که در آیه دهم، با تعبیر <من اُوتی کتابه وراء ظهره> از آنان یاد گردید. همان طور که مراد از <الذین آمنوا> (در آیات بعد)، همان <من اُوتی کتابه بیمینه> در آیات پیشین خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۱،۲

۱ - شکنجه گران و سوزانندگان مردمِ با ایمان ، به عذاب جهنم گرفتار خواهند شد .

إنّ الذین فتنوا المؤمنین و المؤمنت ثمّ لم یتوبوا فلهم عذاب جهنّم

<فتن> (مصدر <فتنوا>) در اصل به معنای داخل کردن طلا در آتش است; ولی در مورد داخل کردن انسان در آتش نیز استعمال دارد (مفردات راغب). <فتنه> در قرآن، گاهی به معنای تعذیب (شکنجه دادن) آمده است. (بصائر فیروزآبادی)

۲ - شکنجه گران و سوزانندگان مؤمنان ، علاوه بر عذاب جهنم ، به عذاب سوزانی سخت تر از آن ، گرفتار خواهند شد .

فلهم عذاب جهنّم و لهم عذاب الحریق

جمله <و لهم عذاب الحریق> چنانچه تأکید قبل نباشد، بر وجود عذابی دیگر علاوه بر عذاب جهنم دلالت دارد. برخی آن را بر عذاب دوران برزخ و قیامت تطبیق داده اند. وصف حریق بودن، بیانگر شدّت سوزندگی آن است; در حدی که اوصاف دیگر آن را تحت الشعاع قرار می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۲۰ – اعلی – ۸۷ – ۱۲ – ۳

۳ – فرجام شقاوتمندان ، گرفتاری به آتش دوزخ است .

و یتجنّبها الأشقی . الذی یصلی النار الکبری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۱۶ – ۲

۲ – تکذیب کنندگان هدایت ها و انذار های الهی و اعراض کنندگان از آن ، در آتش جهنم مخلداند .

فأنذرتکم نارًا تلظّی . لایصلیها إلاّ ... الذی کذّب و تولّی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – قارعه – ۱۰۱ – ۹ – ۱

۱ – صاحبان اعمال بیوزن و ارزش ، در قیامت گرفتار جهنم و سقوط کننده در پرتگاه عمیق آن

فأُمّه هاویه

<هاویه> که در این آیه بر <جهنم> تطبیق یافته است به معنای هر درّه و یا حفره ای است که عمق آن معلوم نباشد. (لسان العرب)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – همزه – ۱۰۴ – ۴ – ۳

۳ – عیب جویان ، غیبت کنندگان ، سخن چینان ، بدگویان ، تمسخرکنندگان مردم و زراندوزان ، در آتش جهنم افکنده خواهند شد .

لینبذنّ فی الحطمه

آیات بعد، بیانگر آن است که مراد از <حطمه>، آتش جهنم است.

آثار استمداد جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۹

۱۹- کمک خواهی دوزخیان ، افزایش دهنده عذاب و زمینه تحقیر افزون تر ایشان است .

و إن یستغیثوا یغاثوا بماء کالمهل یشوی الوجوه

فعل <یغاثوا> (فریادرسی می شوند) استهزای دوزخیان است و <یشوی الوجوه> از سوزاندن و عذابی اضافه بر عذاب موجود خبر می دهد.

آثار استهزاهای

جهنميان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۰ - ۱،۲

۱ - سرزنش دوزخيان از سوى خدا ، به خاطر استهزاى آنان نسبت به بندگان مؤمن در دنيا

فاتّخذتموهم سخريًّا . .. و كنتم منهم تضحكون

<إتخاذ> (مصدر <اتّخذتم>) به معناى گرفتن و <سخرى> به معناى استهزا و ريشخند است. <إنساء> (مصدر <أنسوا>) نيز به معناى فراموشاندن و از خاطر بردن است. ضميرهاى خطاب مربوط به كافران و ضميرهاى غيبت مربوط به مؤمنان مى باشد.

۲ - ردّ درخواست هاى دوزخيان از سوى خدا ، بازتاب استهزاى آنان نسبت به مؤمنان در دنيا

قال اخسئوا فيها . .. إنّه كان فريق من عبادى ... فاتّخذتموهم سخريًّا

آثار ذكر حيرت جهنميان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۵ - ۳

۳ - توجه به سختى هاى دوزخ و حيرت و ناآرامى مداوم دوزخيان ، بازدارنده خلق از كفر و تكذيب

يطوفون بينها و بين حميم ءان . فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

برداشت ياد شده از آن جا است كه خداوند در آيه قبل، سختى هاى دوزخ را به خلق يادآور شده و در اين آيه، حيثيت ربوبيت و رشد دهى خويش را مطرح ساخته است.

آثار فرياد جهنميان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۱۰۰ - ۴

۴- شدت عذاب ها و طنين فرياد ، مانع شنيدن مشركان در جهنم خواهد شد .

لهم فیها زفیر و هم فیها لایسمعون برداشت یاد شده بنابراین احتمال است که <لهم فیها

آرزوهای جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون

- ۲۳ - ۱۰۷ - ۳

۳ - دوزخیان ، آرزومند رهایی از دوزخ و متعهد به صلاح و ایمان ، در صورت بازگشت به دنیا

ربّنا أخرجنا منها فإن عدنا فإنّا ظلمون

آرزوی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۷ - ۲

۲ دوزخیان ، همواره در پی خروج از آتش و در آرزوی رهایی از آن

یریدون ان یخرجوا من النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۲ - ۱

۱ - دوزخیان ، آرزومند بازگشت به دنیا ، حتی برای یک بار و قرار گرفتن در صف مؤمنان

فلو أنّ لنا کرّه فنکون من المؤمنین

حرف <لو> برای <تمنّی> به کار می رود و <کرّه> به معنای (یک بار بازگشتن) است. بنابراین <لو أنّ لنا کرّه>; یعنی، ای کاش! برای ما هرچند برای یک بار هم که شده، فرصت بازگشتی می بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۷ - ۳،۴،۹،۱۲

۳ - دوزخیان ، عاجزانه در تمنای مرگ و نابودی ، برای رهایی یافتن از عذاب

کانوا هم الظلمین . و نادوا یملک لیقض علینا ربّک

۴ - استقبال مجرمان از مرگ در جهنم ، نمایانگر شدت عذاب اخروی ایشان است .

و نادوا یملک لیقض علینا ربّک

۹ – تمنای دوزخیان برای رهایی از عذاب ، تمنایی بی جا و غیر قابل پذیرش

و نادوا . .. إنّکم مکثون

۱۲ – < قال سید بن طاوس ، اقول فی الحدیث . إنّ أهل النار إذا دخلوها و رأوا أنکالها . . . فیومّلون . . . لیخفّ عنهم

بعض العـذاب . . . فإذا يئسوا من خزنه جهنم رجعوا إلى مالك مقـدّم الخُزّان و أمّلوا أن يخلّصـهم من ذلك الهوان كما قال جلّ جلالـه < و نـادوا يـا مالـك ليقض علينـا ربّـك > قـال : فيحبس عنهم الجواب أربعين سـنه ثمّ يجيبهم كمـا قـال اللّه فى كتـابه المكنون . < إنّكم ماكثون > . . . ;

سيـدبن طاووس گويد: در حديث است كه دوزخيان زمانى كه داخل آتش شده و عذاب هاى آن جا را مى بينند . .. آرزو مى كننـد ... تا مقـدارى از عذاب از آنان برداشـته شود و وقتى از مأموران جهنم مأيوس شدند، سـراغ مالك دوزخ كه [رتبه] او بر همه مأموران مقـدم است، رفته و آرزو مى كننـد كه او آنها را از اين ذلت رهايى دهد; همان طور كه خداوند مى فرمايد: <و نـادوا يـا مالك ليقض علينا ربّك>. جواب آنان چهل سال داده نمى شود; سـپس همان گونه كه خـدا در كتاب محفوظ خود فرموده چنين جواب مى دهد: إنّكم ماكثون>... .

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۳ - ۱

۱ - جهنميان ، كه در آرزوى هلاكت ناله سـر مى دهنـد ، روزگارى در كنار خويشاونـدان خود ، دنيايى شاد و زندگى خرّمى داشتند .

يدعوا ثبورًا . .. إنّه كان فى أهله مسرورًا

آرزوى مرگ جهنميان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - اعلى - ۸۷ - ۱۳ - ۲

۲ - براى اهل دوزخ ، مرگ مطلوب تر از وضع موجود آنان است .

ثمّ لايموت فيها

آشاميدنى جهنميان

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۵ - ۳

۳ - نوشیدن اجباری مایع جوشان ، یکی از عذاب های دوزخیان است .

تسقی من عین ءانیه

آشامیدنیهای اخروی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۵ - ۱

۱ - کسانی که در قیامت حضوری ذلّت آمیز دارند ، به نوشیدن از چشمه ای جوشان وادار خواهند شد .

تسقی من عین ءانیه

فعل <تسقی> مجهول و بیانگر این است که آشامیدن از سوی فرد یا افرادی، بر دوزخیان تحمیل خواهد شد <أنی> (ریشه <آنیه>) در چندین معنا از جمله <رسیدن به چیزی> استعمال شده است (مقاییس اللغه) و به قرینه سیاق آیه که نوشیدنی اهل دوزخ را بیان می کند مراد رسیدن چشمه، به نقطه نهایی حرارت است.

آینده جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۰ - ۵

۵ - عذاب دوزخ جاودانه است و جهنمیان ، آینده جز افزایش عذاب ندارند . *

فلن نزیدکم إلاّ عذابًا

ابزار عذاب جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۱ - ۱

۱ - گرز های آهنین ، یکی دیگر از ابزار شکنجه اهل دوزخ

و لهم مقمع من حدید

اتمام حجت بر جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۳ - ۴

۴ - خداوند ، حجتش را بر دوزخیان در دنیا تمام کرده است .

هذه جهنّم الّتی کنتم توعدون

احتجاج جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ -

۲۲ - ۳۸

۲۲ عن أبی جعفر(ع) (فی حدیث طویل): . .. <قالت أخریهم لأولیهم ربنا هؤلاء اضلونا ...> و قوله: <کلما دخلت امه لعنت أختها ...> برء بعضهم من بعض و لعن بعضهم بعضا یرید بعضهم ان یحج بعضا رجاء الفلج فیفلتوا من عظیم ما نزل بهم ... .

از امام باقر(ع) روایت شده که پس از تلاوت آیه <قالت أخریهم . ..> فرمود: گروهی از آنان (جهنمیان)، از گروه دیگر بیزاری جسته و به آنان نفرین می کنند، شاید بر گروه دیگر در احتجاج پیروز شوند و از عذاب بزرگی که به آن گرفتار شده اند رهایی یابند ....

احساس جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۰ - ۲

۲- شهود حسی دوزخیان در قیامت ، نسبت به حقایق مورد تشکیک خود در دنیا

إنّ هذا ما کنتم به تمترون

ادعای جهنمیان علیه رهبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۲

۱۲ اغواگری سران کفر و شرک و واداشتن دیگران به ضلالت، ادعای دوزخیان پیرو علیه رهبران خویش در پیشگاه خداوند

قالت أخریهم لأولیهم ربنا هؤلاء أضلونا

اراده جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۰ - ۷

۷ - نوعی اراده و توان محدود ، برای دوزخیان وجود دارد .

کلّما أرادوا أن یخرجوا منها أُعیدوا فیها

ازدیاد عذاب جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۸ – ۷

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ –

۳۰ - ۳،۵

۳ - افزایش مداوم عذاب ، هشدار خداوند به جهنمیان

فلن نزیدکم إلّا عذابًا

۵ - عذاب دوزخ جاودانه است و جهنمیان ، آینده جز افزایش عذاب ندارند . *

فلن نزیدکم إلّا عذابًا

استغاثه جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۱

۱ - فریاد و استغاثه کافران ، برای خروج از دوزخ به منظور تصحیح رفتار خود و انجام اعمال نیک

و هم یصطرخون فیها ربّنا أخرجنا نعمل صلحًا غیر الذی کنّا نعمل

<استراخ> (مصدر <یسترخون>) به معنای فریاد شدید است که غالباً در مورد کمک طلبی به کار می رود.

استغفار برای جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۳ - ۶

۶ شرک و دوزخی بودن ، مانع تأثیر استغفار مؤمنان برای مشرکان و دوزخیان

ما کان للنبی و الذین ءامنوا أن یستغفروا للمشرکین . .. أنهم أصحب الجحیم

استمداد جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۵

۱۵- کافران در خیمه آتشین دوزخ ، با استغاثه و اظهار تشنگی ، از مأموران عذاب ، یاری می طلبند .

و إن يستغيثوا يغاثوا بماء

<غوث> يعنی: <یاری کردن> و <غیث> یعنی: <باران>. مراد از <استغاثه> می تواند طلب یاری و یا طلب باران (آب) باشد. پاسخی که به استغاثه دوزخیان داده می شود، گویای آن است که یاری خواستن دوزخیان، همان آب خواهی آنان است.

استمهال جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۷ - ۲،۳،۴

۲ - التجای دوزخیان به ربوبیت الهی ،

برای اعطای فرصتی دوباره به آنان

ربّنا أخرجنا منها

<إخراج> (مصدر <أخرجنا>) به معنای بیرون بردن و <عود> (مصدر <عدنا>) به معنای بازگشتن است.

۳ - دوزخیان ، آرزومند رهایی از دوزخ و متعهد به صلاح و ایمان ، در صورت بازگشت به دنیا

ربّنا أخرجنا منها فإن عدنا فإنّا ظلمون

۴ - دوزخیان ، خواستار مجازات خویش در صورت بازگشت دوباره به گناه و عصیان ، بعد از فرصت داده شده

ربّنا أخرجنا منها فإن عدنا فإنّا ظلمون

استهزای جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۳ - ۱

۱ - معرفی دوزخ به مجرمان دوزخی ، از روی استهزا و تمسخر

یعرف المجرمون بسیمهم . .. هذه جهنّم

اشرافیگری جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۹ - ۲

۲- زورمداری ، برتری جویی و اشرافی گری در دنیا ، از ویژگی های عمده گنه کاران دوزخی

ذق إنّک أنت العزیز الکریم

تحقیر، تمسخر و توبیخ شدن دوزخیان، با تعابیر <العزیز> و <الکریم>، اشعار به این نکته دارد که تحقیرشوندگان، از جمله کسانی اند که در دنیا برای خویش عزت و جایگاهی رفیع قائل بودند.

اصحاب اعراف و جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۷ - ۱۱،۱۲،۱۳

۱۱ اعرافیان با نگاهی ناخواسته منظره ناخوشایند دوزخیان را مشاهده خواهند کرد .

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحب النار

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از ضمیر <ابصرهم> و <قالوا> اصحاب اعراف باشد.

۱۲ مشاهده منظره ناهنجار دوزخیان ، برانگیزنده اعرافیان به دعا به درگاه خداوند برای دور ماندن از ابتلا

به سرنوشت آنها

إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحب النار قالوا ربنا لاتجعلنا مع القوم الظلمين

۱۳ دوزخیان ستمگر ، انسانهایی منفور در نظر اعرافیان

ربنا لاتجعلنا مع القوم الظلمین

افکندن جهنمیان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۴ - ۴

۴ - سوگند خداوند ، در تأکید برافکنده شدن دوزخیان در آتشِ جهنم

لینبذنّ

حرف <لام> در <لینبذنّ>، نشانگر قسم محذوف است.

اقرار جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۴ - ۴

۴ اعتراف دوزخیان در برابر بهشتیان ، به تحقق تهدید های الهی درباره ایشان

فهل وجدتم ما وعد ربکم حقاً قالوا نعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۶ - ۲،۳

۲ - اقرار ذلیلانه مشرکان در تنگنای دوزخ ، به ربوبیت و پروردگاری خداوند

قالوا ربّنا غلبت . .. قومًا ضالّین

<غلبه> (مصدر <غلبت>) به معنای چیره شدن است. <شقوه> معادل <شقاوه> و در مقابل سعادت است. در این جا مراد

از شقاوت، عوامل و اسباب آن است.

۳ - اعتراف دوزخیان به استیلای شقاوت و گمراهی ، بر سراسر زندگی دنیوی آنان

قالوا ربّنا غلبت علینا شقوتنا و کنّا قومًا ضالّین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۳ - ۱

۱ - اعتراف دوزخیان به کوتاه بودن مدت حیات دنیوی خویش در مقایسه با حیات اخروی

قالوا لبثنا أو بعض یوم

برداشت فوق با توجه به این نکته است که مراد از <فی الأرض> در آیه قبل، زندگی دنیوی باشد. در این صورت تعبیر <یوماً أو بعض یوم> بدان جهت

است که دوزخیان زندگی چند دهه ای دنیا را، در مقایسه با حیات طولانی اخروی، بسیار ناچیز می بینند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۷ - ۱

۱ - سوگند به خدا و اعتراف حسرت بار دوزخیان در میان شراره های آتش ، به گمراهی آشکار خویش در دنیا

تاللّه إن کنّا لفی ضلل مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۱ - ۴

۴ - پیشوایان شرک در عرصه قیامت ، به دوزخی بودن خویش و این که مستحق کیفر الهی اند ، اعتراف خواهند کرد .

فحقّ علینا قول ربّنا إنّا لذائقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۷ - ۵

۵ - اعتراف مستضعفان در آتش دورخ ، به پیروی کامل خویش از مستکبران در دنیا

فیقول الضعفؤا للذین استکبروا إنّا کنّا لکم تبعًا

آمدن <تبعاً> (به صورت مصدر) مفید مبالغه است; یعنی، تابعیت محض و پیروی کامل.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۰ - ۲

۲ - اعتراف دوزخیان ، به گسیل شدن رسولان الهی همراه با دلایل و برهان های روشن به سوی آنان

قالوا أَوَلم تک تأتیکم رسلکم بالبیّنت قالوا بلی

اقسام جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۴۴ – ۱۰،۱۱

۱۰- < عن النبى (ص) فى قوله < لكلّ باب منهم جزء مقسوم > قال : إن من أهل النار من تأخذه النار إلى كعبيه ، و إن منهم من تأخذه النار إلى

حجزته ، و منهم من تأخذه إلى تراقيه منازل بأعمالهم ، فذلك قوله : < . . .لكلّ باب منهم جزء مقسوم > . . . ;

از رسول خدا(ص) در باره سخن خدا <لكلّ باب منهم جزء مقسوم> روايت شده است كه فرمود: بعضى از اهل آتش كسانى اند كه آتش تا غوزكهاى آنان را فرا مى گيرد و بعضى را تا كمر (جاى كمربند) و بعضى را تا گلو. اينها منازل و مراتبى است كه به اختلاف اعمال اهل آتش بستگى دارد و اين است قول خدا: ... لكل باب منهم جزء مقسوم...>.

١١- < قال رسول الله (ص) فى قوله تعالى : < لكلّ باب منهم جزء مقسوم > : جزء أشركوا بالله ، و جزء شكّوا فى الله و جزء غفلوا عن الله ;

رسول خدا(ص) درباره سخن خداوند متعال <لكلّ باب منهم جزء مقسوم> فرمود: گروهى به خدا شرك ورزيده و گروهى در خدا شك آورده و گروهى از خدا غافل بوده اند [اينان گروههاى تقسيم شده براى درهاى جهنّم ند].

التجاى جهنميان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٢ - مؤمنون - ٢٣ - ١٠٧ - ٢

٢ - التجاى دوزخيان به ربوبيت الهى ، براى اعطاى فرصتى دوباره به آنان

ربّنا أخرجنا منها

<إخراج> (مصدر <أخرجنا>) به معناى بيرون بردن و <عود> (مصدر <عدنا>) به معناى بازگشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٧ - زخرف - ٤٣ - ٧٧ - ١

١ - التجاى دوزخيان به نگهبانان دوزخ ، براى وساطت ميان ايشان و پروردگار

و نادوا يملك ليقض علينا ربّك

اميدوارى جهنميان

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۴۹ – ۲

۲ – امید و انتظار دوزخیان ، به شفاعت نگهبانان جهنم به درگاه خداوند برای تخفیف اندکی از عذاب آنان

و قال الذین فی النار لخزنه جهنّم ادعوا ربّکم یخفّف عنّا یومًا من العذاب

انذار جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۷ – ۱۰

۱۰ – آمدن نذیر و هشدار دهنده از جانب خداوند در دنیا ، برای کافران محکوم به دوزخ

و جاءکم النذیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۱۷ – ۳

۳ – خطر گرفتاری به جهنم ، به تمام دوزخیان گوشزد شده و به آنان هشدار کافی داده شده است .

ثمّ یقال هذا الذی کنتم به تکذّبون

بدن جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۵ – ۲۳

۲۳– فانی نشدن کالبد دوزخیان و نمردن آنان ، با وجود شکنجه ها و قطعه قطعه شدن

خلد فی النار . .. فقطّع أمعاءهم

برتری طلبی جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۴۹ – ۲

۲– زورمداری ، برتری جویی و اشرافی گری در دنیا ، از ویژگی های عمده گنه کاران دوزخی

ذق إنّک أنت العزیز الکریم

تحقیر، تمسخر و توبیخ شدن دوزخیان، با تعابیر <العزیز> و <الکریم>، اشعار به این نکته دارد که تحقیرشوندگان، از جمله کسانی اند که در دنیا برای خویش عزت و جایگاهی رفیع قائل بودند.

بریانی جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ –

۲ - بریان شدن گوشت بدن دوزخیان در آتش دوزخ

و تصلیه جحیم

بریانی صورت جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۸

۱۸- آب های دوزخی ، چهره کافران را سوزانده و بریان می سازد .

یغاثوا بماء کالمهل یشوی الوجوه

بوی پیراهن جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۰ - ۶

۶- < عن أبی عبدالله (ع) : . . . إن جبرئیل جاء إلی رسول الله (ص) . . . قال : . . .لو أن سربالاً من سرابیل أهل النار علّق بین السّماء و الأرض لمات أهل الأرض من ریحه و وهجه ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که جبرئیل نزد رسول خدا(ص) آمد . .. و گفت: ... اگر پیراهنی از پیراهنهای اهل آتش بین آسمان و زمین آویزان شود، اهل زمین از بوی بد و شعله آن می میرند>.

بهشتیان و جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۴ - ۱،۲،۳

۱ بهشتیان پس از ورود به بهشت با فریادی رسا دوزخیان را مخاطب قرار داده و با آنان سخن می گویند .

و نادی اصحب الجنه اصحب النار

<نداء> به معنای فریاد زدن و کسی را با صدایی بلند خواندن است.

۲ اعلان تحقق وعده های الهی (بهشت و مواهب آن) ، به اهل ایمان گزارشی از سوی بهشتیان به گرفتاران در آتش دوزخ

و نادی . .. أن قد وجدنا ما وعدنا ربنا حقاً

۳ بهشتیان برای ملامت و

سرزنش دوزخیان ، از آنان جویای تحقق وعید های الهی برای منکران آیات خداوند خواهند شد .

و نادی . .. فهل وجدتم ما وعد ربکم حقاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۷ – ۳،۴،۵،۸

۳ راهیان بهشت در صحنه قیامت منظره شوم و هول انگیز دوزخیان را مشاهده خواهند کرد .

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحب النار قالوا ربنا

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر <ابصرهم> و <قالوا> به <اصحب الجنه> در آیه قبل برگردانده شود.

۴ مشاهده دوزخیان از سوی بهشتیان ، مشاهده ای ناخواسته و بدون اختیار

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحب النار

مجهول آوردن فعل <صرفت> حکایت از برداشت فوق دارد.

۵ راهیان بهشت پس از مشاهده وضعیت نابهنجار دوزخیان و منظره هولناك دوزخ ، به دعا خواهند پرداخت

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحب النار قالوا ربنا

۸ دوزخیان ستمگر ، انسانهایی منفور در دیدگاه بهشتیان

ربنا لاتجعلنا مع القوم الظلمین

راهیان بهشت خواسته خویش مبنی بر گرفتار نشدن به آتش دوزخ را با درخواست دوری از ستمکاران بیان داشتند و این می رساند که بهشتیان در روز قیامت از ستمکاران نیز متنفر هستند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۵۰ – ۷

۷ تحریم روزی های بهشت بر اهل دوزخ ، دلیل خودداری بهشتیان از اهدای آب و دیگر مواهب درخواستی دوزخیان به ایشان

أن أفیضوا علینا . .. قالوا إن اللّه حرمهما علی الکفرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۹ – ۱۶

۱۶ – < عن أبی عبداللّه

(ع) قال : . . .يوم التغابن ، يوم يَغبُن أهلُ الجنّه أهلَ النّار . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: . ..<یوم التغابن> روزی است که بهشتیان، جهنمیان را مغبون می سازند...>.

بی ارزشی تلاش جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۳ - ۱،۳

۱ - گرفتاران پستی و خواری در قیامت ، برای رهایی خود تلاش کرده ، خویش را به سختی و زحمت خواهند انداخت .

عامله ناصبه

مراد از <عمل> در قیامت به قرینه آیه قبل تلاش دوزخیان برای رهایی از مخمصه ای است که آنان را به خشوع و ذلت افکنده است. <نَصَب> به معنای تعب است. (مفردات راغب)، بنابراین <ناصبه> به معنای کسانی است که خود را به رنج و سختی می اندازند. به قرینه <یومئذ> در آیه قبل می توان گفت که این دو وصف مربوط به آخرت است.

۳ - اهل دوزخ ، تلاش های پرمشقّت خود در دنیا را بی نتیجه دیده و برای رهایی از پستی و ذلّت در قیامت ، از آن بهره ای نخواهند برد .

وجوه یومئذ خشعه . عامله ناصبه

چنانچه دو وصف <عامله> و <ناصبه>، مربوط به تلاش و رنج در دنیا باشد; مراد این خواهد بود که صاحبان <وجوه خاشعه> تا زمانی که در دنیا بودند، کارهای پرزحمت انجام می دادند; ولی اکنون در قیامت از آن بی بهره اند. گفتنی است که جمله <لسعیها راضیه> (در آیات بعد) که در وصف گروه مقابل این افراد است با این احتمال سازگارتر است.

بی ارزشی جهنمیان

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۶ - ۱

۱ - دوزخیان (اصحاب شمال) ، موجوداتی بی ارزش در پیشگاه الهی

هذا نزلهم

<نزل> چیزی است که میزبان برای پذیرایی مهمان آماده می کند و معمولاً بهترین خوردنی و نوشیدنی است که میزبان در خانه دارد. این تعبیر در مورد غذا و آب دوزخیان، تعبیری استهزاآمیز و بیانگر بی ارزش بودن آنان در پیشگاه خداوند است.

بی تأثیری استغاثه جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۹

۹ - استغاثه و فریادخواهی کافران ، در دوزخ بی نتیجه است .

ربّنا أخرجنا نعمل صلحًا . .. أوَلم نعمّركم ما يتذكّر فيه من تذكّر

بی تأثیری استمداد جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۷ - ۸

۸ - استمداد بی ثمر مستضعفان از رهبران مستکبر خود در دوزخ ، برای کاستن بخشی از عذاب آنان (آتش) به پاس پیروی شان از آنها در دنیا

إنّا كنّا لكم تبعًا فهل أنتم مغنون عنّا نصيبًا من النار

بی تأثیری خوردنیهای جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۷ - ۲

۲ - گیاه خوراکی دوزخیان ، فاقد انرژی است و از لاغری آنان نمی کاهد .

لایسمن

<سِمَن>، نقطه مقابل لاغری است. (مفردات راغب)

بی تأثیری دعای جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۰ - ۸

۸ - بی اثر بودن دعا ها و درخواست های کافران در دوزخ

و ما دعؤا الكفرين إلّا

فی ضلل

<ضلال> (مرادف <ضیاع>) به معنای تباهی است و مقصود از آن در آیه شریفه، بی ثمر بودن دعای کافران می باشد.

بی ثمری جزع جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۲۴

۲۴- < النبی (ص) . . . فی قوله : < سواء علینـا أجزعنـا أم صبرنـا ما لنا من محیص > قال : یقول أهل النار : هلّموا ، فلنصبر ، فیصبرون خمسمائه عام فلمّا رأوا ذلک لاینفعهم قالوا : هلّموا فلنجزع . . . فیبکون خمسمائه عام فلمّا رأوا ذلک لاینفعهم قالوا < سواء علینا أجزعنا أم صبرنا ما لنا من محیص > ;

از رسول خدا(ص) در باره سخن خدا <سواء علینا أجزعنا. ..> روایت شده است که فرمود: اهل آتش [به یکدیگر] می گویند: بیایید صبر کنیم; پس پانصد سال صبر می کنند. آن گاه که دیدند این صبر سودی برایشان نداشت، گویند: بیایید بی تابی کنیم ... پس پانصد سال می گریند. آن گاه که دیدند این گریه [هم] سودی نبخشید، می گویند: سواء علینا أجزعنا أم صبرنا ما لنا من محیص>.

بی ثمری صبر جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۲۴

۲۴- < النبی (ص) . . . فی قوله : < سواء علینـا أجزعنـا أم صبرنـا ما لنا من محیص > قال : یقول أهل النار : هلّموا ، فلنصبر ، فیصبرون خمسمائه عام فلمّا رأوا ذلک لاینفعهم قالوا : هلّموا فلنجزع . . . فیبکون خمسمائه عام فلمّا رأوا ذلک لاینفعهم قالوا <

سواء علینا أجزعنا أم صبرنا ما لنا من محیص > ;

از رسول خدا(ص) در باره سخن خدا <سواء علینا أجزعنا. ..> روایت شده است که فرمود: اهل آتش [به یکدیگر] می گویند: بیایید صبر کنیم; پس پانصد سال صبر می کنند. آن گاه که دیدند این صبر سودی برایشان نداشت، گویند: بیایید بی تابی کنیم ... پس پانصد سال می گریند. آن گاه که دیدند این گریه [هم] سودی نبخشید، می گویند: سواء علینا أجزعنا أم صبرنا ما لنا من محیص>.

بی یاروی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۴ - ۷

۷ - محکومان به آتش دوزخ ، محروم از یار و مددکار در قیامت

و مأویکم النار و ما لکم من نصرین

بی یاوری جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۱۳

۱۳ گرفتاران به آتش دوزخ ، نجات دهنده ای نخواهند داشت و از طرف هیچ کس یاری نخواهند شد .

ثم لاتنصرون

بینش جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۴ - ۱،۲

۱ - اهل دوزخ در دنیا ، می پنداشتند زندگی شاداب آنان دگرگون نشده و الفت های خانوادگی شان هرگز از هم نخواهد گسست .

إنّه ظنّ أن لن یحور

<حَور>، رجوع از چیزی و به چیزی می باشد. اصل معنای آن بازگشت به کم بود است و با ضمّه <حاء> به معنای هلاکت خواهد بود (لسان العرب). فعل <یحور> از هر کدام مشتق باشد، برداشت یاد شده قابل استفاده است.

۲ - دوزخیان ، در دنیا در این

گمان به سر می برند که هرگز پس از مرگ ، حیات دوباره نخواهند یافت .

إنّه ظنّ أن لن یحور

<حَـِوْر>، تعبیری دیگر از <حشر> است و به هلاکت یا نقص و انحطاطی نظر دارد که در آخرت، نصیب منکران معاد خواهد شد.

پاسخ استغاثه جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۷

۱۷- آب های غلیظ و گداخته ، بسان گدازه مس ، پاسخی برای استغاثه و آب طلبی کافران در دوزخ است .

و إن یستغیثوا یغاثوا بماء کالمهل

<مهل> به معنای <درده روغن> و نیز <مس گداخته> است (مقاییس اللغه) و نیز به <خونابه ای که از لاشه مردار بیرون آید> گفته می شود. (قاموس) وصف آنان با عبارت <یشوی الوجوه> با معنای <مس گداخته> سازگارتر است.

پذیرایی از جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۲ - ۵

۵ - درخت زقّوم ، وسیله پذیرایی و خوراک دوزخیان

أم شجره الزقّوم

<زقّوم> نوعی از گیاه زهرداری است که در بادیه ها می روید (قاموس المحیط)، ولی برخی از مفسران ویژگی های دیگری برای این درخت برشمرده و گفته اند: درختی با برگِ ریز و بدبو است و شیره ای از آن می تراود که بدن به محض تماس با آن آماس می کند. این درخت در سرزمین های خشک می روید (روح المعانی (آلوسی)، ذیل آیه شریفه).

پرسش از جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۱۲ – ۱،۳،۴

۱ – پرسش خداوند از دوزخیان ، نسبت به مدت زندگی آنان در دنیا

قل

کم لبثتم فی الأرض عدد سنین

ضمیر فاعل در <قال> با توجه به آیات قبل، به خداوند باز می گردد. <کم> برای استفهام از مقدار و <لبث> (مصدر <لبثم>) به معنای درنگ کردن است.

۳ - پرسش خداوند از دوزخیان ، پیرامون درنگ آنان در عالم برزخ

قل کم لبثتم فی الأرض عدد سنین

با توجه به پاسخ سؤال یاد شده در آیه بعد <لبثنا یومًا أو بعض یوم. ..، یک روز یا پاره ای از یک روز> می توان گفت که مراد، درنگ آنها در عالم برزخ است.

۴ - < قال رسول اللّه (ص) إنّ اللّه إذا أدخل أهل الجنّه الجنّه و أهل النار النار قال لأهل الجنه : < کم لبثتم فی الأرض عدد سنین ؟ قالوا : لبثنا یوماً أو بعض یوم قال لنعم ما اتجرتم فی یوم أو بعض یوم رحمتی و رضوانی و جنتی اُسکنوا فی ها خالدین مخلدین ثمّ یقول : یا أهل النار < کم لبثتم فی الأرض عدد سنین قالوا لبثنا یوماً أو بعض یوم > فیقول : بئس ما اتجرتم فی یوم أو بعض یوم ناری و سخطی اُمکثوا فیها خالدین ;

رسول خدا(ص) فرمود: همانا خدا وقتی که اهل بهشت را در بهشت و اهل آتش را در آتش داخل می کند، به بهشتیان می گوید <کم لبثتم فی الأرض عدد سنین؟> و آنان جواب می هند: <لبثنا یوماً أو بعض یوم>. خدا می فرماید: چه خوب تجارتی کردید در یک روز یا قسمتی از آن! اینک [این] رحمت، رضوان و بهشت من است، در آن ساکن شوید همیشه و جاویدان. سپس می فرماید: ای اهل آتش <کم

لبثتم فی الأرض عـدد سـنین؟> و آنان جواب می هند: <لبثنا یوماً أو بعض یوم>. پس خدا می فرماید: چه بد تجارتی کردید در یک روز یا قسمتی از یک روز. اینک، [این] آتش و خشم من است، در آن همیشه بمانید>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۰ - ۱

۱ - پرسش نگهبانان جهنم از دوزخیان ، درباره آمدن فرستادگان الهی همراه با دلایل و برهان های روشن برای ایشان

قالوا أَوَ لم تک تأتیکم رسلکم بالبیّنت

پشیمانی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۳

۳ - پشیمانی دوزخیان از کرده های ناشایست خویش و حسرت شدید آنان برای انجام اعمال صالح

ربّنا أخرجنا نعمل صلحًا غیر الذی کنّا نعمل

آهنـگ سـخن دوزخیان، به گونه ای است که نشانگر نـدامت شدیـد آنان بر گذشـته های خود و حسـرتشان برای انجام اعمال نیک است.

پوست جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۴ - ۲،۳

۲ - جمع شدن پوست لب ها و صورت دوزخیان ، با رسیدن حرارت آتش دوزخ

تلفح وجوههم النار و هم فیها کلحون

<کالح> (مفرد <کالحون>) به کسی گفته می شود که لب هایش از هم فاصله داشته و دندان هایش آشکار باشد.

۳ - بدمنظری دوزخیان ، در نتیجه جمع شدن پوست صورت و لب های آنها و آشکار ماندن دندان هایشان

تلفح وجوههم النار و هم فیها کلحون

<کالح> ظاهراً کنایه از زشت رویی و بدمنظری دوزخیان است.

تباهی عمر جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ -

مدثر - ۷۴ - ۴۷ - ۱

۱ - دوزخیان ، در سراسر عمرشان ، هرگز به تکلیف نماز و اطعام مساکین نپرداخته اند و عمر خود را به بطالت و تکذیب روز جزا گذرانده اند .

قالوا لم نک من المصلّین . .. و کنّا نکذّب بیوم الدین . حتّی أتینا الیقین

مقصود از<یقین> مرگ است که حقیقتی یقینی و تردیدناپذیر برای تمامی انسان ها است. آمدن فعل های <لم نک>، <نخوض> و <نکذّب> به صورت فعل مضارع اشعار دارد که این اعمال از سوی دوزخیان، امری مستمر و مکرر بوده است.

تبری از جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۳ - ۱۱

۱۱ لزوم پرهیز محبت و دلسوزی نسبت به مشرکانی که دوزخی بودنشان حتمی است .

ما کان للنبی . .. أن یستغفروا للمشرکین ... أنهم أصحب الجحیم

تبرّی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۲۲

۲۲ عن أبی جعفر(ع) (فی حدیث طویل): . .. <قالت أخریهم لأولیهم ربنا هؤلاء اضلونا ...> و قوله: <کلما دخلت امه لعنت أختها ...> برء بعضهم من بعض و لعن بعضهم بعضا یرید بعضهم ان یحج بعضا رجاء الفلج فیفلتوا من عظیم ما نزل بهم ... .

از امام باقر(ع) روایت شده که پس از تلاوت آیه <قالت أخریهم . ..> فرمود: گروهی از آنان (جهنمیان)، از گروه دیگر بیزاری جسته و به آنان نفرین می کنند، شاید بر گروه دیگر در احتجاج پیروز شوند و از عذاب بزرگی که به آن گرفتار شده اند رهایی یابند ....

تجزیه

بدن جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۶ - ۱،۲،۳

۱ - آتش دوزخ ، به شدت اندام دوزخیان را جدا کرده و پوست سر آنان را برمی کند .

نزّاعه للشوی

<نزّاعه> به چیزی می گویند که پی درپی جدا و قطع می کند. <شوی> در معنای دست ها، پاها، اطراف و هر عضوی از بدن که قطع آن موجب مرگ نشود، استعمال می شود و ممکن است جمع <شواه> (پوست سر) باشد.

۲ - اندام مجرمان ، در آتش دوزخ به شدّت جدا و پوست سر آنان برکنده می شود .

نزّاعه للشوی

۳ - دوزخیان ، در عین سوختن و جدا شدن اندامشان ، هرگز نمی میرند .

نزّاعه للشوی

تصریح به این که اندام ها و یا پوست سرها سوخته و جدا می شود; می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۴ - ۵

۵ - آتش جهنم ، دوزخیان را در هم شکسته ، آنان را به شدّت خرد خواهد کرد .

الحطمه

<حَطْم> (ریشه <حطمه>)، به معنای شکستن چیزی مانند هیزم است. این کلمه با گذشت زمان در مورد ریز ریز کردن کامل استعمال شده است (مفردات). وزن <فُعَلَه>، برای مبالغه به کار می رود و دلالت دارد که کار، به صورت عادت در آمده است. (مجمع البیان)

تحریم آب بر جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۰ - ۶

۶ خداوند آب و دیگر مواهب بهشت را بر دوزخیان تحریم کرده است .

إن اللّه حرمهما

علی الکفرین

تحقیر جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۷ - ۶

۶ - < و فی الحدیث أنّ أهل النار إذا دخلوها . . . < فقالوا ربّنا غلبت علینا شقوتنا و کنّا قومًا ضالّین ، ربّنا أخرجنا منها فإن عدنا فإنّا ظالمون > فیقفون أربعین سنه ذلّ الهوان لایجابون . . . ، ثم یجیبهم اللّه جلّ جلاله < اخسئوا فیها و لاتکلّمون > قال : فعند ذالک ییأسون من کلّ فرج و راحه و یغلق أبواب جهنّم علیهم . . . ;

در حدیث آمده است که جهنمیان آن گاه که وارد آتش می شوند [می گویند:]. ..<فقالوا ربّنا غلبت علینا شقوتنا و کنّا قومًا ضالّین...> پس چهل سال با ذلت و خواری توقف می کنند، در حالی که پاسخ داده نمی شوند... سپس خداوند جلّ جلاله جواب آنان را چنین می دهد: <اخسئوا فیها و لاتکلّمون>. امام(ع) فرمود: در این هنگام است که آنان از هر گونه گشایش و راحتی، مأیوس می گردند و درب های جهنم به روی آنها بسته می شود...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۸ - ۲

۲ - حقارت و ذلت شدید کافران در دوزخ

قال اخسئوا فیها

<إخسأ> کلمه ای است که برای دور کردن سگ به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۵ - ۳

۳ - ملائکه موکّل ، با تهکّم تحقیرآمیز ، به کافران ، برای ورود به جهنم ، فرمان می دهند .

یغشیهم العذاب .

.. و یقول ذوقوا ما کنتم تعملون

ضمیر فاعلی <یقول> احتمال دارد به خداوند برگردد و احتمال دارد، منظور ملائکه باشد. برداشت بالا ـ بنابر احتمال دوم است.

تداوم تشنگی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۵ - ۲

۲ - نوشیدن آب داغ در دوزخ ، هر چند زیاد باشد از دوزخیان (اصحاب الشمال) رفع تشنگی نمی کند .

فشربون شرب الهیم

برخی <هیم> (جمع <هیماء>) را به معنای ریگ گرفته اند; زیرا در زمین ریگ زار هر چه آب ریخته شود، بلعیده می شود و هرگز از آب پر نمی گردد. تشبیه دوزخیانِ تشنه به ریگ زار، حاکی از سیری ناپذیری از آن آب می باشد.

ترک نماز جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۷ - ۱

۱ - دوزخیان ، در سراسر عمرشان ، هرگز به تکلیف نماز و اطعام مساکین نپرداخته اند و عمر خود را به بطالت و تکذیب روز جزا گذرانده اند .

قالوا لم نک من المصلّین . .. و کنّا نکذّب بیوم الدین . حتّی أتینا الیقین

مقصود از<یقین> مرگ است که حقیقتی یقینی و تردیدناپذیر برای تمامی انسان ها است. آمدن فعل های <لم نک>، <نخوض> و <نکذّب> به صورت فعل مضارع اشعار دارد که این اعمال از سوی دوزخیان، امری مستمر و مکرر بوده است.

تشبیه جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۵ - ۱

۱ - دوزخیان (اصحاب شمال) ، آب داغ و جوشان دوزخ را همچون شتری تشنه ،

با حرص و ولع خواهند نوشید .

فشربون شرب الهیم

<هیم> جمع <هیماء> است و <هیماء> به شتر تشنه گفته می شود. تشبیه حالت دوزخیان به هنگام نوشیدن از آب داغ جهنم به شترِ تشنه، بیانگر مطلب یاد شده است.

تشنگی جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۱۷ – ۲

۲– تشنگی شدید جبّاران منحرف در جهنّم به حدی است که علی رغم کراهت و بی میلی شدید ، از آب چرکین خواهند نوشید .

یسقی من ماء صدید . یتجرّعه و لایکاد یسیغه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۹ – ۱۵

۱۵– کافران در خیمه آتشین دوزخ ، با استغاثه و اظهار تشنگی ، از مأموران عذاب ، یاری می طلبند .

و إن یستغیثوا یغاثوا بماء

<غوث> یعنی: <یاری کردن> و <غیث> یعنی: <باران>. مراد از <استغاثه> می تواند طلب یاری و یا طلب باران (آب) باشد. پاسخی که به استغاثه دوزخیان داده می شود، گویای آن است که یاری خواستن دوزخیان، همان آب خواهی آنان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۶۷ – ۲

۲ – دوزخیان ستمگر ، بر اثر خوردن غذای < زقّوم > به تشنگی شدید دچار خواهند گشت .

شجره الزقّوم . .. فمالئون منها البطون . ثمّ إنّ لهم علیها لشوبًا من حمیم

برداشت یاد شده از تعبیر <علیها> (به معنای <بعدها>)، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۷ - ۳

۳ - اهل دوزخ ، گرفتار تشنگی شدید

هذا فلیذوقوه

حمیم و غسّاق

نوشیدن آب داغ و یا خونابه چرکین، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۵ - ۲

۲ - دوزخیان ، گرفتار تشنگی و نیازمند نوشیدنی خواهند شد .

تسقی من عین ءانیه

تعجب جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۲ - ۲

۲ - اظهار تعجب و حسرت طاغیان و دوزخیان ، از ناتوانی شان در دیدن مؤمنان و جایگاه آنان

و قالوا ما لنا لانری رجالاً کنّا نعدّهم من الأشرار

استفهام در <ما لنا. ..> برای تعجب و تحسر است.

تقلید جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۹ - ۲

۲ - تقلید دوزخیان ستمگر از پدران خود در عقاید دینی و مبانی فکری ، تقلیدی کورکورانه بود .

إنّهم ألفوا ءاباءهم ضالّین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۰ - ۱

۱ - دوزخیان ستمگر ، بدون تعقّل و بی اختیار از رفتار و کردار پدران خود ، تقلید کرده و پیروی می کردند .

فهم علی ءاثرهم یهرعون

مقصود از <آثار> رفتار و کردار و <اهراع> (ماده <یهرعون>) به معنای با سرعت دویدن است. این کنایه از بی تأمل اقدام کردن و بی اختیار عمل کردن است.

تکذیبگری جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۷ - ۱

۱ - دوزخیان ، در سراسر عمرشان ، هرگز به تکلیف نماز و اطعام مساکین نپرداخته اند و عمر خود را به بطالت و

تکذیب روز جزا گذرانده اند .

قالوا لم نک من المصلّین . .. و کنّا نکذّب بیوم الدین . حتّی أتینا الیقین

مقصود از<یقین> مرگ است که حقیقتی یقینی و تردیدناپـذیر برای تمـامی انسـان هـا است. آمـدن فعـل هـای <لم نک>، <نخوض> و <نکذّب> به صورت فعل مضارع اشعار دارد که این اعمال از سوی دوزخیان، امری مستمر و مکرر بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۲۷ – ۲

۲ – طغیان گران دوزخی ، حسابرسی قیامت را انکار کرده و احتمال حقانیت آن را نیز مردود می دانستند .

إنّهم کانوا لایرجون حسابًا

نفی <امیـد>، بیانگر این است که انکار قیامت از سوی دوزخیان، به حـدی شدید بود که آنان احتمال آن را نیز نمی دادند و حتی اندک امیدی به آن نداشتند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۲۸ – ۱

۱ – طغیان گران دوزخی ، آیات الهی را دروغ شمرده و بر تکذیب آن اصرار میورزیدند .

و کذّبوا بایتنا کذّابًا

<کذّاباً> (مصدر باب <تفعیل>)، مفعول مطلقی است که بر تأکید دلالت دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۱۷ – ۲

۲ – مأموران الهی ، با به رخ کشیـدن تکذیب گری ها و ناباوری های جهنمیان ، آنان را بر آن موضع گیری ، سرزنش خواهند کرد .

ثمّ یقال هذا الذی کنتم به تکذّبون

تکلم جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۴۷ – ۳

۳ – دوزخیان ، در عین سوختن دائمی

در آتش ، حیات داشته و بر تکلم کردن تواناهستند .

و إذ یتحاجّون فی النار فیقول الضعفؤا للذین استکبروا

تلاش جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۹ - ۳

۳ - تلاش دوزخیان برای انداختن بارِ گناه خویش بر دوش دیگران

و ما أضلّنا إلاّ المجرمون

تلاش دنیوی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۳ - ۵

۵ - اهل دوزخ ، از تلاش های خویش در دنیا ، جز رنج و تعب در آخرت سودی نخواهند برد .

عامله ناصبه

جمله <لسعیها راضیه> (در آیات بعد) که ناظر به گروه مقابل اهل دوزخ است از سعی آنها در دنیا و رضایتشان در آخرت سخن گفته است. در نتیجه این آیه، ناظر به عمل دوزخیان در دنیا و <نَصَبْ> (تعب) آنان در آخرت خواهد بود.

تلاشی روده های جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۲۲

۲۲- متلاشی شدن درون دوزخیان ، با نوشیدن آب های گدازنده

و سقوا ماء حمیمًا فقطّع أمعاءهم

ثروت اندوزی جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۱۸ – ۲

۲ – زراندوزی ، از ویژگی های مجرمان دوزخی

و جمع فأوعی

جاودانان جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۲۲ – ۱

۱ – اهل دوزخ ، هرگز از آن خارج نخواهند شد .

کلّما أرادوا أن یخرجوا منها من غمّ أُعیدوا فیها

<إراده> (مصدر <أرادوا>) در این جا کنایه از نزدیک شدن است. ضمیرهای

<منها> و <فيها> به <نار> بازمی گردد. <غم> نیز مصدر و به معنای ستر و پوشیدن است که مضاف الیه آن حذف شده و تقدیرش <غمها> می باشد. <من غمها> نیز در این جا بدل اشتمال از ضمیر <منها> است; یعنی، دوزخیان هر وقت که بخواهند از پوشش آتش خارج شوند، به آن بازگردانده خواهند شد.

جاودانگی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۷ - ۱۵

۱۵ کافران ، اهل آتش و ماندگار در آن برای همیشه

اولئک اصحاب النّار هم فیها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۲ - ۹

۹ هیچکس دوزخیان را از عذاب الهی نجات نخواهد داد .

ربّنا انّک من تدخل النّار فقد اخزیته و ما للظّالمین من انصار

مراد از <انصار> به قرینه <من تدخل النّار>، یاری در جهت رهاسازی از عذاب دوزخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۹ - ۹

۹ جاودانه ساختن دوزخ و دوزخیان ، امری سهل و آسان برای خداوند

الا طریق جهنم خلدین فیها ابداً و کان ذلک علی اللّه یسیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۱۱

۱۱ آتش همواره دوزخ ، جزای ستمگران و کیفری مناسب برای آنان

فتکون من اصحب النار و ذلک جزؤا الظلمین

<جزاء> در لغت به معنی کیفر و پاداشی است که کافی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۲۱،۲۲

۲۱ خلود و عدم

خلود دوزخیان وابسته به مشیت خداوند است.

خلدین فیها إلا ما شاء الله

۲۲ سزاواران خلود در جهنم ممکن است با مشیت خداوند از آن رهایی یابند.

خلدین فیها إلا ما شاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۳ - ۸

۸ جاودانگی حیات انسان حتی دوزخیان ، در جهان آخرت

نار جهنم خلداً فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۶

۶ جاودانگی حیات انسان ، حتی دوزخیان در آخرت

نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۷ - ۶

۶- اهل جهنّم دچار مرگ و میر نمی شوند .

یأتیه الموت من کلّ مکان و ما هو بمیت

اگرچه مورد آیه کافران جبّار است، اما با توجه به آیات دیگر، که عذاب جهنّم و جهنّمیان را جاودانی می داند، می توان حکم آیه را عام و شامل گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۵ - ۵

۵ - خلود دوزخیان در جهنم

یصلونها

فعل <یصلون> در نظر زجّاج از ریشه <صلاه> (ملازم شدن) است. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۲ - ۳

۳ - خلود دوزخیان در جهنم

و یصلی سعیرًا

<صلاه> (ریشه <یصلی> در نظر زجاج) در اصل بر ملازمت دلالت دارد (لسان العرب). بنابراین فعل <یصلی>، بر جاودانگی دلالت خواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۳ - ۱

۱ - گرفتاران آتش دوزخ

، هرگز نخواهند مرد .

ثمّ لایموت فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲ - ۴

۴ - خلود دوزخیان در آتش جهنم

تصلی نارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۴ - ۲

۲ - خلود دوزخیان در آتش جهنم

تصلی نارًا

فعل <تصلی> از ریشه <صَلاه> به معنای ملازم و همراه بودن است. (لسان العرب به نقل از زجاج)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۸ - ۱

۱ - راه خروج از آتش جهنم ، بر دوزخیان بسته خواهد بود .

إنّها علیهم مؤصده

<وصیده> به اتاقی گفته می شود که برای نگه داری اموال، در کوه ایجاد می کنند. فعل <آصدته>; یعنی، درب آن را بستم و محکم ساختم (مفردات)؛ بنابراین <مؤصده>، به معنای مکان بسته و غیر قابل خروج است.

جاودانگی عذاب جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۰ - ۵

۵ - عذاب دوزخ جاودانه است و جهنمیان ، آینده جز افزایش عذاب ندارند . *

فلن نزیدکم إلّا عذابًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۳ - ۳،۴

۳ - اهل دوزخ ، هرگز لذت زندگی را نخواهند چشید .

و لایحیی

مراد از نفی حیات به قرینه <لایموت> نفی حیات مطلوب است.

۴ - باقی مانـدن جهنمیان ، در حالتی که نه مرگ است و نه زنـدگی نامیـده می شود ، از سوختن در آتش برای آنان دشوارتر است .

ثمّ لایموت فیها و لایحیی

حرف <ثمّ>، برای تراخی رتبی

است و بیان می کند که آنچه بعد از آن آمده، در مقایسه با قبل از آن قابل توجّه تر است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۴ – ۱

۱ – چشیدن آتش سوزان و گرفتاری به رنج و مشقت آن ، فرجام کسانی است که حضورشان در صحنه قیامت ، همراه با خفّت و خواری است .

وجوه یومئذ خشعه . .. تصلی نارًا حامیه

<صلی النار>؛ یعنی، حرارت آتش را به سختی چشید (قاموس).

جاودانگی گرسنگی جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۷ – ۳

۳ – خوردن گیاه < ضریع > ، دوزخیان را از گرسنگی نجات نخواهد داد .

و لایغنی من جوع

جاودانگی لاغری جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۷ – ۲

۲ – گیاه خوراکی دوزخیان ، فاقد انرژی است و از لاغری آنان نمی کاهد .

لایسمن

<سِمَن>، نقطه مقابل لاغری است. (مفردات راغب)

جایگاه جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۷ - ۲

۲ - جایگاه دوزخیان ، دور از محل استقرار نگهبانان دوزخ

و نادوا

کاربرد واژه <ندا> به جای <قول>، می تواند اشاره به این نکته باشد که دوزخیان با فاصله بسیار تقاضای وساطت مالک دوزخ را دارند.

جدایی پوست سر جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۶ - ۱،۲

۱ - آتش دوزخ ، به شدت اندام دوزخیان را جدا کرده و پوست سر آنان را برمی کند .

نزّاعه للشوی

<نزّاعه>

به چیزی می گویند که پی درپی جدا و قطع می کند. <شوی> در معنای دست ها، پاها، اطراف و هر عضوی از بدن که قطع آن موجب مرگ نشود، استعمال می شود و ممکن است جمع <شواه> (پوست سر) باشد.

۲ – اندام مجرمان ، در آتش دوزخ به شدّت جدا و پوست سر آنان برکنده می شود .

نزّاعه للشوی

جهل جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳۸ – ۲۰

۲۰ دوزخیان، از شدت عذاب یکدیگر بی خبرند.

لکل ضعف و لکن لاتعلمون

جهنمیان در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۷ – ۱

۱ دوزخیان در صحنه قیامت دارای موقعیتی بسیار شوم و دشوار

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحب النار قالوا ربنا

هدف از بیان ناخوشایندی بهشتیان از مشاهده دوزخیان و بیان دعای آنان پس از مشاهده ناخواسته ترسیم موقعیت دشوار و شوم دوزخیان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۱ – ۱۳

۱۳– جهنّم یان در آخرت یکدیگر را شناخته و حوادث دنیا را به خاطر خواهند آورد .

و برزوا لله جمیعًا فقال الضعفؤا للذین استکبروا إنّا کنّا لکم تبعًا فهل أنتم مغن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۱۳ – ۴

۴ – دوزخیان در قیامت ، به اشتباه خود در دل بستن به زندگی محدود دنیا پی خواهند برد .

قالوا لبثنا یومًا أو بعض یوم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۴۴

۲ -

۲- وجود نیاز های جسمانی برای دوزخیان در قیامت *

إنّ شجرت الزقّوم . طعام الأثیم

برداشت بالا بدان احتمال است که تعبیر <طعام>، حاکی از نیاز دوزخیان به غذا باشد; نه خوراندن اجباری به آنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۳ - ۱،۳

۱ - گرفتاران پستی و خواری در قیامت ، برای رهایی خود تلاش کرده ، خویش را به سختی و زحمت خواهند انداخت .

عامله ناصبه

مراد از <عمل> در قیامت به قرینه آیه قبل تلاش دوزخیان برای رهایی از مخمصه ای است که آنان را به خشوع و ذلت افکنده است. <نَصَب> به معنای تعب است. (مفردات راغب)، بنابراین <ناصبه> به معنای کسانی است که خود را به رنج و سختی می اندازند. به قرینه <یومئذ> در آیه قبل می توان گفت که این دو وصف مربوط به آخرت است.

۳ - اهل دوزخ ، تلاش های پرمشقّت خود در دنیا را بی نتیجه دیده و برای رهایی از پستی و ذلّت در قیامت ، از آن بهره ای نخواهند برد .

وجوه یومئذ خشعه . عامله ناصبه

چنانچه دو وصف <عامله> و <ناصبه>، مربوط به تلاش و رنج در دنیا باشد; مراد این خواهد بود که صاحبان <وجوه خاشعه> تا زمانی که در دنیا بودند، کارهای پرزحمت انجام می دادند; ولی اکنون در قیامت از آن بی بهره اند. گفتنی است که جمله <لسعیها راضیه> (در آیات بعد) که در وصف گروه مقابل این افراد است با این احتمال سازگارتر است.

جهنمیان ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ -

اعراف - ۷ - ۴۷ - ۶،۸

۶ قرار نگرفتن در کنار دوزخیان ستمگر ، دعای رهروان بهشت به درگاه خداوند

و إذا صرفت . .. قالوا ربنا لاتجعلنا مع القوم الظلمین

۸ دوزخیان ستمگر ، انسانهایی منفور در دیدگاه بهشتیان

ربنا لاتجعلنا مع القوم الظلمین

راهیان بهشت خواسته خویش مبنی بر گرفتار نشدن به آتش دوزخ را با درخواست دوری از ستمکاران بیان داشتند و این می رساند که بهشتیان در روز قیامت از ستمکاران نیز متنفر هستند.

جهنمیان و بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۴ - ۴

۴ اعتراف دوزخیان در برابر بهشتیان ، به تحقق تهدید های الهی درباره ایشان

فهل وجدتم ما وعد ربکم حقاً قالوا نعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۰ - ۱،۵

۱ دوزخیان با فریادی بلند از بهشتیان تقاضا می کنند که از آب های بهشت یا دیگر مواهب آن بر ایشان فروریزند .

و نادی اصحب النار . .. أن أفیضوا علینا من الماء او مما زرقکم اللّه

۵ دوزخیان با خودداری بهشتیان از پذیرش درخواستشان ، از دستیابی به آب و دیگر مواهب بهشت ناکام خواهند شد .

أن أفیضوا علینا . .. قالوا إن اللّه حرمهما علی الکفرین

جهنمیان و درخواست آب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۰ - ۱،۵

۱ دوزخیان با فریادی بلند از بهشتیان تقاضا می کنند که از آب های بهشت یا دیگر مواهب آن بر ایشان فروریزند .

و نادی اصحب النار . .. أن أفیضوا علینا من

الماء او مما زرقكم اللّه

۵ دوزخیان با خودداری بهشتیان از پذیرش درخواستشان ، از دستیابی به آب و دیگر مواهب بهشت ناکام خواهند شد .

أن أفیضوا علینا . .. قالوا إن اللّه حرمهما علی الکفرین

جهنمیان و مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۷ - ۶

۶- اهل جهنّم دچار مرگ و میر نمی شوند .

یأتیه الموت من کلّ مکان و ما هو بمیت

اگرچه مورد آیه کافران جبّار است، اما با توجه به آیات دیگر، که عذاب جهنّم و جهنّمیان را جاودانی می داند، می توان حکم آیه را عام و شامل گرفت.

جهنمیان و نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۰ - ۶،۷

۶ خداوند آب و دیگر مواهب بهشت را بر دوزخیان تحریم کرده است .

إن اللّه حرمهما علی الکفرین

۷ تحریم روزی های بهشت بر اهل دوزخ ، دلیل خودداری بهشتیان از اهدای آب و دیگر مواهب درخواستی دوزخیان به ایشان

أن أفیضوا علینا . .. قالوا إن اللّه حرمهما علی الکفرین

حالات جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۲ - ۲

۲ – دوزخیان هر وقت بر اثر التهاب و غلیان آتش ، از قعر دوزخ بالا ـ آورده شوند ، با گرز های آهنین دوباره به قعر آن بازگردانده خواهند شد .

و لهم مقمع من حدید . کلّما أرادوا أن یخرجوا منها من غمّ أُعیدوا فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶۷ – ۲

۲ – قیامت

و احوال خوبان و بدان و بهشتیان و دوزخیان ، خبری پرفایده و بزرگ

قل هو نبؤا عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۳ - ۲،۴

۲ - برای اهل دوزخ ، مرگ مطلوب تر از وضع موجود آنان است .

ثمّ لایموت فیها

۴ - باقی مانـدن جهنمیان ، در حالتی که نه مرگ است و نه زنـدگی نامیـده می شود ، از سوختن در آتش برای آنان دشوارتر است .

ثمّ لایموت فیها و لایحیی

حرف <ثمّ>، برای تراخی رتبی است و بیان می کند که آنچه بعد از آن آمده، در مقایسه با قبل از آن قابل توجّه تر است.

حتمیت دشمنی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۴ - ۱،۲

۱ - تخاصم و ستیزه جویی طاغیان در دوزخ ، امری حتمی و واقع شدنی

إنّ ذلک لحقّ تخاصم أهل النار

<حقّ> در مقابل باطل و غیر واقع به معنای راست و واقعیت دار است و مقصود از آن حتمی بودن وقوع و تحقق چنین امری در قیامت است؛ مثل آیه شریفه <إنّ الدین لواقع، حساب و جزا حتماً واقع می شود>، (الذاریات (۵۱) ۶۱).

۲ - تأکید خداوند ، بر وقوع تخاصم و ستیزه جویی میان طغیان گران در دوزخ

إنّ ذلک لحقّ تخاصم أهل النار

حتمیت ذلت جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۳ – ۳

۳ – اهل دوزخ ، تلاش های پرمشقّت خود در دنیا را بی نتیجه دیده و برای رهایی از پستی و ذلّت در قیامت ، از

آن بهره ای نخواهند برد .

وجوه یومئذ خشعه . عامله ناصبه

چنانچه دو وصف <عامله> و <ناصبه>، مربوط به تلاش و رنج در دنیا باشد; مراد این خواهد بود که صاحبان <وجوه خاشعه> تا زمانی که در دنیا بودند، کارهای پرزحمت انجام می دادند; ولی اکنون در قیامت از آن بی بهره اند. گفتنی است که جمله <لسعیها راضیه> (در آیات بعد) که در وصف گروه مقابل این افراد است با این احتمال سازگارتر است.

حتمیت عذاب جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۳

۳ - دوزخیان ، هیچ راه نجاتی از عذاب و آتش دوزخ ندارند .

علیها تسعه عشر . و ما جعلنا أصحب النار إلاّ ملئکه

از این که دوزخ، دارای نگهبانانی است که به طور دائم حضور دارند، می توان مطلب یاد شده را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۰ - ۵

۵ - عذاب دوزخ جاودانه است و جهنمیان ، آینده جز افزایش عذاب ندارند . *

فلن نزیدکم إلاّ عذابًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۳ - ۱،۳

۱ - گرفتاران پستی و خواری در قیامت ، برای رهایی خود تلاش کرده ، خویش را به سختی و زحمت خواهند انداخت .

عامله ناصبه

مراد از <عمل> در قیامت به قرینه آیه قبل تلاش دوزخیان برای رهایی از مخمصه ای است که آنان را به خشوع و ذلت افکنده است. <نَصَب> به معنای تعب است. (مفردات راغب)، بنابراین <ناصبه> به معنای کسانی است

که خود را به رنج و سختی می اندازند. به قرینه <یومئذ> در آیه قبل می توان گفت که این دو وصف مربوط به آخرت است.

۳ - اهل دوزخ ، تلاش های پرمشقّت خود در دنیا را بی نتیجه دیده و برای رهایی از پستی و ذلّت در قیامت ، از آن بهره ای نخواهند برد .

وجوه یومئذ خشعه . عامله ناصبه

چنانچه دو وصف <عامله> و <ناصبه>، مربوط به تلاش و رنج در دنیا باشد; مراد این خواهد بود که صاحبان <وجوه خاشعه> تا زمانی که در دنیا بودند، کارهای پرزحمت انجام می دادند; ولی اکنون در قیامت از آن بی بهره اند. گفتنی است که جمله <لسعیها راضیه> (در آیات بعد) که در وصف گروه مقابل این افراد است با این احتمال سازگارتر است.

حتمیت منازعه جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۴ - ۱،۲

۱ - تخاصم و ستیزه جویی طاغیان در دوزخ ، امری حتمی و واقع شدنی

إنّ ذلک لحقّ تخاصم أهل النار

<حقّ> در مقابل باطل و غیر واقع به معنای راست و واقعیت دار است و مقصود از آن حتمی بودن وقوع و تحقق چنین امری در قیامت است; مثل آیه شریفه <إنّ الدین لواقع، حساب و جزا حتماً واقع می شود>، (الذاریات (۵۱) ۶۱).

۲ - تأکید خداوند ، بر وقوع تخاصم و ستیزه جویی میان طغیان گران در دوزخ

إنّ ذلک لحقّ تخاصم أهل النار

حجاب بهشتیان و جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۶ - ۱،۲

۱ وجود حجاب

و فاصله میان بهشتیان و دوزخیان

و بینهما حجاب

۲ مردانی بلند مرتبه (أصحاب اعراف) ، بر بلندای حجاب حایل بین دوزخیان و بهشتیان حضور خواهند داشت .

و بینهما حجاب و علی الاعراف رجال

<عرف> به قسمتهای بالاـ و رویین هر چیز بلند و مرتفع گفته می شود و جمع آن <اعراف> است. (لسان العرب). ال در <الاعراف> جانشین مضاف إلیه است، یعنی: و علی اعراف الحجاب رجال.

حسرت جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۱ – ۱۷

۱۷ عن النبی(ص) فی قوله: <یا حسرتنا> قال: یری أهل النار منازلهم من الجنه فیقولون: <یا حسرتنا>.

رسول خدا(ص) درباره قول خداوند <یا حسرتنا> فرمود: جهنمیان جایگاه خودشان را در بهشت می بینند آنگاه می گویند: <ای افسوس>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۹۷ – ۱

۱ – سوگند به خدا و اعتراف حسرت بار دوزخیان در میان شراره های آتش ، به گمراهی آشکار خویش در دنیا

تاللّه إن کنّا لفی ضلل مبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۷ – ۳

۳ – پشیمانی دوزخیان از کرده های ناشایست خویش و حسرت شدید آنان برای انجام اعمال صالح

ربّنا أخرجنا نعمل صلحًا غیر الذی کنّا نعمل

آهنگ سخن دوزخیان، به گونه ای است که نشانگر ندامت شدید آنان بر گذشته های خود و حسرتشان برای انجام اعمال

نیک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۲ - ۲

۲ - اظهار تعجب و حسرت طاغیان و دوزخیان ،

از ناتوانی شان در دیدن مؤمنان و جایگاه آنان

و قالوا ما لنا لانری رجالاً کنّا نعدّهم من الأشرار

استفهام در <ما لنا. ..> برای تعجب و تحسر است.

حق ناپذیری جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۵ - ۱

۱ - سرزنش دوزخیان از سوی خداوند ، به خاطر حق ناپذیری های گذشته آنان

ألم تكن ءایتی تتلی علیکم . .. تکذّبون

استفهام در آیه فوق، استفهام توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۰ - ۴

۴ - کافران دوزخی ، مردمی لجوج و حق گریزاند .

و قالوا لو کنّا نسمع أو نعقل ما کنّا فی أصحب السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۷ - ۳

۳ - حق گریزی ، از ویژگی های مجرمان دوزخی

یودّ المجرم . .. تدعوا من أدبر و تولّی

حیات جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۷ - ۳

۳ – دوزخیان ، در عین سوختن دائمی در آتش ، حیات داشته و بر تکلم کردن تواناهستند .

و إذ یتحاجّون فی النار فیقول الضعفؤا للذین استکبروا

خواسته های جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۵۰ – ۱،۷

۱ دوزخیان با فریادی بلند از بهشتیان تقاضا می کنند که از آب های بهشت یا دیگر مواهب آن بر ایشان فروریزند .

و نادی اصحب النار . .. أن أفیضوا علینا من الماء او مما زرقکم اللّه

۷ تحریم روزی های بهشت بر اهل

دوزخ ، دلیل خودداری بهشتیان از اهدای آب و دیگر مواهب درخواستی دوزخیان به ایشان

أن أفیضوا علینا . .. قالوا إن اللّه حرمهما علی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۷

۱۷- آب های غلیظ و گداخته ، بسان گدازه مس ، پاسخی برای استغاثه و آب طلبی کافران در دوزخ است .

و إن یستغیثوا یغاثوا بماء کالمهل

<مهل> به معنای <درده روغن> و نیز <مس گداخته> است (مقاییس اللغه) و نیز به <خونابه ای که از لاشه مردار بیرون آید> گفته می شود. (قاموس) وصف آنان با عبارت <یشوی الوجوه> با معنای <مس گداخته> سازگارتر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۷ - ۴،۶

۴ - دوزخیان ، خواستار مجازات خویش در صورت بازگشت دوباره به گناه و عصیان ، بعد از فرصت داده شده

ربّنا أخرجنا منها فإن عدنا فإنّا ظلمون

۶ - < و فی الحدیث أنّ أهل النار إذا دخلوها . . . < فقالوا ربّنا غلبت علینا شقوتنا و کنّا قومًا ضالّین ، ربّنا أخرجنا منها فإن عدنا فإنّا ظالمون > فیقفون أربعین سنه ذلّ الهوان لایجابون . . . ، ثم یجیبهم اللّه جلّ جلاله < اخسئوا فیها و لاتکلّمون > قال : فعند ذالک ییأسون من کلّ فرج و راحه و یغلق أبواب جهنّم علیهم . . . ;

در حدیث آمده است که جهنمیان آن گاه که وارد آتش می شوند [می گویند:]. ..<فقالوا ربّنا غلبت علینا شقوتنا و کنّا قومًا ضالّین...> پس چهل سال با ذلت و خواری توقف می کنند،

در حالی که پاسخ داده نمی شوند... سپس خداوند جلّ جلاله جواب آنان را چنین می دهد: <اخسئوا فیها و لاتکلّمون>. امام(ع) فرمود: در این هنگام است که آنان از هر گونه گشایش و راحتی، مأیوس می گردند و درب های جهنم به روی آنها بسته می شود...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۱۳ – ۳

۳ تکذیب کنندگان قیامت ، به هنگام گرفتاری در تنگنای آتشین دوزخ ، مرگ و نابودی خویش را خواهند خواست .

و إذا أُلقوا منها مکانًا ضیّقًا مقرّنین دعوا هنالك ثبورًا

<ثبوراً> به معنای هلاکت است و <دعا> (ریشه <دعوا>) به معنای خواندن با صدای بلند است و مقصود از <دعوا> این است که تکذیب کنندگان قیامت، فریاد می کشند و مرگ را آرزو و طلب می کنند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۸ – ۷

۷ – درخواست نجات از سوی دوزخیان ، به منظور انجام اعمال صالح ، صادقانه نبوده و آنان باز به رفتار زشت خود ادامه خواهند داد .

فما للظلمین من نصیر . إنّ اللّه علم غیب السموت و الأرض إنّه علیم بذات الصدور

یادآوری علم همه جانبه خداوند پس از نفی وجود یاور برای کافران می تواند پاسخی به این سؤال باشد که چرا و کجا آنان بی ناصراند؟ پاسخ این است که: چون خداوند به راز دل ها آشنا است، می داند که آنان هرگز ایمان نمی آورند و در نتیجه از نصرت و یاری کسی بهره مند نخواهند شد.

جلد – نام سوره – سوره

– آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۳۲ – ۷

۷ – < عن أبی عبدالله (ع) قال : . . . < یوم التناد > یوم ینادی أهل النار أهل الجنّه أن أفیضوا علینا من الماء أو ممّا رزقکم الله . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده فرمود: <یوم التناد> روزی است که دوزخیان بهشتیان را صدامی زنند که از فیض آب ها یا آنچه را خدا به شما عطافرموده ما را مستفیض کنید. ..>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۴۹ – ۱

۱ – درخواست دوزخیان از نگهبانان جهنم ، مبنی بر شفاعت کردن نزد خداوند جهت تخفیف اندکی از عذابشان حتّی به مقدار یک روز

و قال الذین فی النار لخزنه جهنّم ادعوا ربّکم یخفّف عنّا یومًا من العذاب

خوردنیهای جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۵۸ – ۱

۱ – انواع نوشیدنی ها و غذا های دیگری مشابه آب داغ و خونابه چرکین ، به طغیان گران خورانده می شود .

فلیذوقوه حمیم و غسّاق . و ءاخر من شکله أزوج

<شکل> به معنای مثل و مانند و <أزواج> به معنای انواع است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۶ – ۲،۳

۲ – تنها خوراک موجود برای برخی از دوزخیان ، گیاه خاردار و بی ارزش و بدبوی جهنم است .

لیس لهم طعام إلّا من ضریع

<ضـریع> (از ریشه <مضـارعه> به معنـای <مشابهه>) خاری است که شتر آن را، از خارهای مشابه تشـخیص نمی دهـد و خوردن

آن به او صدمه می زند و سودی نمی رساند (مجمع البیان). برخی آن را خار ساقه و تنه درخت خرما و برخی دیگر، گیاه بدبویی دانسته اند که بر اثر موج دریا بیرون می افتد. این کلمه به معنای پوشش نازک روی استخوان نیز استعمال شده است. (قاموس)

۳ - بی غذایی و تن در دادن دوزخیان به خوردن خار بی ارزش و صدمه زننده ، از شکنجه ها و عذاب های جهنّم است .

لیس لهم طعام إلّا من ضریع

درخواست جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۳

۱۳ دوزخیان پیرو، به دلیل اغواگری سرانشان، از خداوند تقاضای عذابی مضاعف برای آنان خواهند کرد.

ربنا هؤلاء أضلونا فاتهم عذابا ضعفا

دروغگویی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۸ - ۷

۷ - درخواست نجات از سوی دوزخیان ، به منظور انجام اعمال صالح ، صادقانه نبوده و آنان باز به رفتار زشت خود ادامه خواهند داد .

فما للظلمین من نصیر . إنّ اللّه علم غیب السموت و الأرض إنّه علیم بذات الصدور

یادآوری علم همه جانبه خداوند پس از نفی وجود یاور برای کافران می تواند پاسخی به این سؤال باشد که چرا و کجا آنان بی ناصراند؟ پاسخ این است که: چون خداوند به راز دل ها آشنا است، می داند که آنان هرگز ایمان نمی آورند و در نتیجه از نصرت و یاری کسی بهره مند نخواهند شد.

دشمنی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ -

۱۳ دوزخیان پیرو، به دلیل اغواگری سرانشان، از خداوند تقاضای عذابی مضاعف برای آنان خواهند کرد.

ربنا هؤلاء أضلونا فاتهم عذابا ضعفا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۵

۵ کینه توزی و دشمنی دوزخیان نسبت به یکدیگر

فأتهم عذابا ضعفا من النار . .. فما کان لکم علینا من فضل

دگرگونی پوست جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۹ - ۱

۱ - آتش دوزخ ، پوست های بدن دوزخیان را به شدت دگرگون می سازد .

لوّاحه للبشر

<لوّاحه> صیغه مبالغه و از ماده <لوح> (تغییر و دگرگونی) است و <بشر>، جمع <بشره> به معنای ظاهر پوست بدن است.

دندانهای جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۴ - ۳

۳ - بدمنظری دوزخیان ، در نتیجه جمع شدن پوست صورت و لب های آنها و آشکار ماندن دندان هایشان

تلفح وجوههم النار و هم فیها کلحون

<کالح> ظاهراً کنایه از زشت رویی و بدمنظری دوزخیان است.

دنیا طلبی جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۱۳ – ۴

۴ – دوزخیان در قیامت ، به اشتباه خود در دل بستن به زندگی محدود دنیا پی خواهند برد .

قالوا لبثنا یومًا أو بعض یوم

ذکر اختلاف جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۴۷ – ۲

۲ – پدیدآمدن اختلاف میان مستضعفان و مستکبران ، در آتش دوزخ و احتجاج و دلیل آوردن هر یک از آنان

، حادثه ای شایسته یاد و یادآوری

و إذ یتحاجّون فی النار فیقول الضعفؤا للذین استکبروا

<إذ> متعلق به فعل محذوف (أذکر) می باشد.

ذلت جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۲ - ۱،۲

۱ خداوند هر کس را در آتش بیفکند ، او را به ذلّت و خواری کشانده است .

ربّنا انّک من تدخل النّار فقد اخزیته

۲ خذلان و خواری گرفتاران به آتش دوزخ

ربّنا انّک من تدخل النّار فقد اخزیته و ما للظّالمین من انصار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۴ - ۸

۸ همنشینی و مؤانست بهشتیان در بهشت و تنهایی جهنّمیان در جهنّم *

خالدین فیها . .. خالداً فیها

جمع آوردن <خالدین> برای بهشتیان و مفرد بودن <خالداً> برای جهنّمیان، می تواند گویای مطلب فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۶ - ۲

۲ - اقرار ذلیلانه مشرکان در تنگنای دوزخ ، به ربوبیت و پروردگاری خداوند

قالوا ربّنا غلبت . .. قومًا ضالّین

<غلبه> (مصدر <غلبت>) به معنای چیره شدن است. <شقوه> معادل <شقاوه> و در مقابل سعادت است. در این جا مراد

از شقاوت، عوامل و اسباب آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۸ - ۲

۲ - حقارت و ذلت شدید کافران در دوزخ

قال اخسئوا فیها

<إخسأ> کلمه ای است که برای دور کردن سگ به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۳ - ۱

۱ -

گرفتاران پستی و خواری در قیامت ، برای رهایی خود تلاش کرده ، خویش را به سختی و زحمت خواهند انداخت .

عامله ناصبه

مراد از <عمل> در قیامت به قرینه آیه قبل تلاش دوزخیان برای رهایی از مخمصه ای است که آنان را به خشوع و ذلت افکنده است. <نَصَب> به معنای تعب است. (مفردات راغب)، بنابراین <ناصبه> به معنای کسانی است که خود را به رنج و سختی می اندازند. به قرینه <یومئذ> در آیه قبل می توان گفت که این دو وصف مربوط به آخرت است.

ذوب پوست جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۰ - ۱

۱ - گداخته شدن پوست و امعا و احشای اهل دوزخ با آب داغ ، یکی دیگر از عذاب های مقرر برای آنان

یصهر به ما فی بطونهم و الجلود

<صَهْر> (مصدر مجهول <یُصهر>) به معنای گداخته شدن است. ضمیر <به> به <حمیم> بازمی گردد و <ما> در عبارت <ما فی بطونهم> کنایه از امعا و احشا است؛ یعنی، با آن آب داغ که بر سرشان ریخته می شود پوست و آنچه در میان شکم آنان است، گداخته خواهد شد.

ذوب دل و روده جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۰ - ۱

۱ - گداخته شدن پوست و امعا و احشای اهل دوزخ با آب داغ ، یکی دیگر از عذاب های مقرر برای آنان

یصهر به ما فی بطونهم و الجلود

<صَهَر> (مصدر مجهول <یُصهر>) به معنای گداخته شدن است. ضمیر <به> به <حمیم> بازمی گردد و <ما> در

عبارت <ما فی بطونهم> کنایه از امعا و احشا است; یعنی، با آن آب داغ که بر سرشان ریخته می شود پوست و آنچه در میان شکم آنان است، گداخته خواهد شد.

ردّ استغاثه جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۱۴ – ۱

۱ استغاثه و درخواست تکذیب کنندگان قیامت برای رهایی از آتش جهنم نتیجه بخش نبوده و عذابشان ادامه خواهد یافت .

لاتدعوا الیوم ثبورًا وحدًا و ادعوا ثبورًا کثیرًا

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که مقصود از درخواست هلاـکت، در حقیقت کنایه از نجات از وضع بسیار سخت دوزخ است; نه مرگ و نابودی واقعی.

رد استمداد جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵۰ – ۷

۷ – پاسخ منفی و یأس آور نگهبانان جهنم ، به استمداد دوزخیان مبنی بر درخواست تخفیف در عذاب آنان از خداوند

قال ادعوا ربّکم یخفّف عنّا . .. قالوا فادعوا و ما دعؤا الکفرین إلاّ فی ضلل

رد استمهال جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۰۸ – ۱

۱ – پاسخ منفی خداوند به فرصت خواهی دوزخیان

ربّنا أخرجنا منها . .. قال اخسئوا فیها

<خَسْأ> (مصدر <اخسئوا>) به معنای طرد کردن است. <اخسئوا> معادل بروید، گم شوید و... می باشد. ضمیر <فیها> به دوزخ باز می گردد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۰۹ – ۱

۱ – یادآوری برخورد های مستکبرانه کافران با مؤمنان در دنیا ، در پی نجات خواهی

آنان از دوزخ و ردّ آن از سوی خداوند

ربّنا أخرجنا منها . .. قال اخسئوا ... إنّه کان فریق من عبادی

رنج اخروی جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۳ – ۵

۵ – اهل دوزخ ، از تلاش های خویش در دنیا ، جز رنج و تعب در آخرت سودی نخواهند برد .

عامله ناصبه

جمله <لسعیها راضیه> (در آیات بعد) که ناظر به گروه مقابل اهل دوزخ است از سعی آنها در دنیا و رضایتشان در آخرت سخن گفته است. در نتیجه این آیه، ناظر به عمل دوزخیان در دنیا و <نَصَبْ> (تعب) آنان در آخرت خواهد بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۴ – ۱

۱ – چشیدن آتش سوزان و گرفتاری به رنج و مشقت آن ، فرجام کسانی است که حضورشان در صحنه قیامت ، همراه با خفّت و خواری است .

وجوه یومئذ خشعه . .. تصلی نارًا حامیه

<صلی النار>; یعنی، حرارت آتش را به سختی چشید (قاموس).

روابط جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳۸ – ۱۰

۱۰ جهنم، جایگاهی آکنده از جدال و ستیز دوزخیان با یکدیگر

کلما دخلت . .. قالت أخریهم لأولیهم ربنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۵

۵ کینه توزی و دشمنی دوزخیان نسبت به یکدیگر

فأتهم عذابا ضعفا من النار . .. فما کان لکم علینا من فضل

رؤیت جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵

- صافات - ۳۷ - ۵۶ - ۱،۲

۱ - سخن گفتن بهشتیان با هم نشینان کافر دنیایی خویش ، به وقت مشاهده آنان در دوزخ

فرءاه فی سواء الجحیم . قال تاللّه إن کدتّ

۲ - امکان برقراری ارتباط و سخن گفتن بهشتیان با دوزخیان ، به وقت مشاهده آنان در دوزخ

فرءاه فی سواء الجحیم . قال تاللّه إن کدتّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۱

۱۱ - عرضه گمراهان و ستمکاران بر دوزخ ، در برابر دید اهل ایمان و قابل مشاهده برای آنان

و تریهم یعرضون علیها . .. و قال الذین ءامنوا إنّ الخسرین

رؤیت جهنمیان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۷ - ۳،۴،۵

۳ راهیان بهشت در صحنه قیامت منظره شوم و هول انگیز دوزخیان را مشاهده خواهند کرد .

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحب النار قالوا ربنا

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر <ابصرهم> و <قالوا> به <اصحب الجنه> در آیه قبل برگردانده شود.

۴ مشاهده دوزخیان از سوی بهشتیان ، مشاهده ای ناخواسته و بدون اختیار

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحب النار

مجهول آوردن فعل <صرفت> حکایت از برداشت فوق دارد.

۵ راهیان بهشت پس از مشاهده وضعیت نابهنجار دوزخیان و منظره هولناک دوزخ ، به دعا خواهند پرداخت

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحب النار قالوا ربنا

زشتی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۴ - ۳

۳ - بدمنظری دوزخیان ، در نتیجه جمع شدن پوست صورت و لب های آنها و

آشکار ماندن دندان هایشان

تلفح وجوههم النار و هم فیها کلحون

<کالح> ظاهراً کنایه از زشت رویی و بدمنظری دوزخیان است.

زمینه تحقیر جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۹

۱۹- کمک خواهی دوزخیان ، افزایش دهنده عذاب و زمینه تحقیر افزون تر ایشان است .

و إن یستغیثوا یغاثوا بماء کالمهل یشوی الوجوه

فعل <یغاثوا> (فریادرسی می شوند) استهزای دوزخیان است و <یشوی الوجوه> از سوزاندن و عذابی اضافه بر عذاب موجود خبر می دهد.

زمینه گمراهی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۳ - ۱

۱ - گمراه گری مشرکان و معبودهایشان ، تنها در کسانی مؤثر خواهد بود که راه دوزخ را برگزینند .

ما أنتم علیه بفتنین . إلّا من هو صال الجحیم

<صال> اسم فاعل و به معنای <لازم> است (اصل آن <صالی> می باشد)؛ یعنی، کسی که ملازم و هم راه دوزخ است و دست از این راه دوزخی برنمی دارد. گفتنی است: صیغه اسم فاعل هرگاه درمورد موجود عاقل به کار رود، به مفهوم انجام کاری از روی اختیار و انتخاب است.

زندگی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۴ - ۴

۴ تکذیب کنند قیامت ، در آتش دوزخ همواره در حال مرگ و زندگی بوده و به دفعات بی شمار می میرند و زنده می شوند .

لاتدعوا الیوم ثبورًا وحدًا و ادعوا ثبورًا کثیرًا

از دیدگاه مفسران، این که به کافران گفته می شود: <درخواست هلاکت بار خود را بسیار تکرار کنند> یا به خاطر این

است که آنان به دفعات زنده می شوند، و باز می میرند. پس باید برای هر بار زنده شدن و عذاب شدن، درخواست مرگ کنند و یا به این سبب است که عذاب الهی کافران متعدد و گوناگون است. پس باید آنان برای هر یک از آنها، درخواست مرگ کنند. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه اول است.

زندگی دنیوی جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۱۳ – ۲

۲ – ناتوانی دوزخیان از برآورد دقیق مدت زندگی دنیوی خود ، در مقایسه با حیات اخروی

قالوا لبثنا یومًا أو بعض یوم فسئل العادّین

<عَدّ و تعداد> (مصدر <عادّین>) به معنای حساب نمودن و شماره کردن است.

زیانکاری جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۷ – ۸

۸ زیان حقیقی انسان به دوزخی شدن اوست .

فیجعله فی جهنم أولئک هم الخسرون

سختی جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – اعلی – ۸۷ – ۱۳ – ۴

۴ – باقی ماندن جهنمیان ، در حالتی که نه مرگ است و نه زندگی نامیده می شود ، از سوختن در آتش برای آنان دشوارتر است .

ثمّ لایموت فیها و لایحیی

حرف <ثمّ>، برای تراخی رتبی است و بیان می کند که آنچه بعد از آن آمده، در مقایسه با قبل از آن قابل توجّه تر است.

سختی زندگی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۲ - ۱

۱ - زندگی انسان های بهشتی با انواع نعمت ها (همچون نهر ها ،

تخت ها ، شراب و همسران زیبا) قابل مقایسه با زندگی پردرد و رنج دوزخیان نیست .

أذلک خیر نزلاً أم شجره الزقّوم

خوب بودن زندگی بهشتیان و بدی زندگی دوزخیان امری روشن و آشکار است. بر این اساس سؤال از بهتر بودن زندگی بهشتیان نسبت به دوزخیان می تواند برای بیان شدت تفاوت این دو زندگی و قابل قیاس نبودن آنها می باشد.

سرزنش جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۴ - ۳

۳ بهشتیان برای ملامت و سرزنش دوزخیان ، از آنان جویای تحقق وعید های الهی برای منکران آیات خداوند خواهند شد .

و نادی . .. فهل وجدتم ما وعد ربکم حقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۳

۳- پس از اتمام حسابرسی اعمال اهل جهنّم ، شیطان آنان را سرزنش می کند و گمراهی آنان را معلول اندیشه و عمل خود آنان معرفی خواهد کرد .

و قال الشیطن لمّا قضی الأمر إنّ الله وعدکم وعد الحق و وعدتکم

مفسّران، از جمله احتمالاتی که برای <قضی الأمر> برشمرده اند این است که وقتی به حسابهای اهل قیامت رسیدگی شد، شیطان به اهل جهنّم چنین خطابی خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۵ - ۱

۱ - سرزنش دوزخیان از سوی خداوند ، به خاطر حق ناپذیری های گذشته آنان

ألم تکن ءایتی تتلی علیکم . .. تکذّبون

استفهام در آیه فوق، استفهام توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ -

۲ – ۷۳

۲ – وجود عذاب های روحی (چون سرزنش) ، برای دوزخیان

ثمّ قیل لهم أین ما کنتم تشرکون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۱۷ – ۲

۲ – مأموران الهی ، با به رخ کشیدن تکذیب گری ها و ناباوری های جهنمیان ، آنان را بر آن موضع گیری ، سرزنش خواهند کرد .

ثمّ یقال هذا الذی کنتم به تکذّبون

سرور دنیوی جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۱۳ – ۱

۱ – جهنمیان ، که در آرزوی هلاکت ناله سر می دهند ، روزگاری در کنار خویشاوندان خود ، دنیایی شاد و زندگی خرّمی داشتند .

یدعوا ثبورًا . .. إنّه کان فی أهله مسرورًا

سوگند جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۹۷ – ۱

۱ – سوگند به خدا و اعتراف حسرت بار دوزخیان در میان شراره های آتش ، به گمراهی آشکار خویش در دنیا

تاللّه إن کنّا لفی ضلل مبین

شدت ضعف جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۷ – ۱

۱ – دوزخیان ، همواره ضعیف و لاغر مانده و در شدت گرسنگی به سر خواهند برد .

لایسمن و لایغنی من جوع

کلمه <جوع>، نکره است و چون کلام منفی است، بر عموم دلالت دارد. بنابراین هر گونه گرسنگی که به تصور می آید، درباره دوزخیان مصداق خواهد داشت.

شدت گرسنگی جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۷ –

١ - دوزخیان ، همواره ضعیف و لاغر مانده و در شدت گرسنگی به سر خواهند برد .

لایسمن و لایغنی من جوع

کلمه <جوع>، نکره است و چون کلام منفی است، بر عموم دلالت دارد. بنابراین هر گونه گرسنگی که به تصور می آید، درباره دوزخیان مصداق خواهد داشت.

شدت لاغری جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٢٠ - غاشیه - ٨٨ - ٧ - ١

١ - دوزخیان ، همواره ضعیف و لاغر مانده و در شدت گرسنگی به سر خواهند برد .

لایسمن و لایغنی من جوع

کلمه <جوع>، نکره است و چون کلام منفی است، بر عموم دلالت دارد. بنابراین هر گونه گرسنگی که به تصور می آید، درباره دوزخیان مصداق خواهد داشت.

شرک جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٧ - ق - ٥٠ - ٢۶ - ٢

٢ شرک ، سرآمد پلیدی ها و بارزترین جرم دوزخیان *

ألقیا فی جهنّم . .. الذی جعل مع اللّه إلهًا ءاخر

تعبیر <الذی جعل. ..> در پی اوصاف متعدد دوزخیان می نماید که همه آن اوصاف، در شرک نهفته است و جدا آمدن <الذی جعل...>، می تواند اشاره به اهمیت آن داشته باشد.

شقاوت جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۸۵ – ۱۴

۱۴ شقاوت و تیره بختیِ ساکنان دوزخ

فمن زحزح عن النّار و ادخل الجنّه فقد فاز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۰۶ – ۳

۳ – اعتراف دوزخیان به استیلای شقاوت و گمراهی ، بر سراسر زندگی دنیوی آنان

قالوا ربّنا غلبت

علینا شقوتنا و کنّا قومًا ضالّین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۰۷ – ۶

۶ – < و فی الحدیث أنّ أهل النار إذا دخلوها . . . < فقالوا ربّنا غلبت علینا شقوتنا و کنّا قومًا ضالّین ، ربّنا أخرجنا منها فإن عدنا فإنّا ظالمون > فیقفون أربعین سنه ذلّ الهوان لایجابون . . . ، ثم یجیبهم اللّه جلّ جلاله < اخسئوا فیها و لاتکلّمون > قال : فعند ذالک ییأسون من کلّ فرج و راحه و یغلق أبواب جهنّم علیهم . . . ;

در حدیث آمده است که جهنمیان آن گاه که وارد آتش می شوند [می گویند:]. ..<فقالوا ربّنا غلبت علینا شقوتنا و کنّا قومًا ضالّین...> پس چهل سال با ذلت و خواری توقف می کنند، در حالی که پاسخ داده نمی شوند... سپس خداوند جلّ جلاله جواب آنان را چنین می دهد: <اخسئوا فیها و لاتکلّمون>. امام(ع) فرمود: در این هنگام است که آنان از هر گونه گشایش و راحتی، مأیوس می گردند و درب های جهنم به روی آنها بسته می شود...>.

شکنجه جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۳۵ – ۷

۷ شکنجه دوزخیان با طلا و نقره گداخته ، از عذاب های دردناک جهنم است .

و الذین یکنزون الذهب . .. فبشرهم بعذاب ألیم. یوم یحمی علیها فی نار جهنم

شکنجه های روحی جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۴۹ – ۱

۱– وجود شکنجه روحی برای دوزخیان ،

افزون بر عذاب های شدید جسمی

ثمّ صبّوا فوق رأسه . .. ذق إنّک أنت العزیز

تعبیر <ذق إنّک. ..>، بیانگر اوج تحقیر و تمسخر آنان است که این خود نوعی شکنجه روحی می باشد.

شومی تکیه گاه جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۹ – ۲۱

۲۱– آتش دوزخ ، تکیگاهی ناپسند و شوم برای دوزخیان است .

یغاثوا بماء کالمهل . .. و ساءت مرتفقًا

<مرتفق> به مکانی گفته می شود که آدمی، در آن، مرفق و آرنـج خود را بر زمین نهـد و با ساق دست خود اهرمی بسازد و سر بر آن گذارده، استراحت کند. یاد کردن از جایگاه دوزخیان با این تعبیر، به منظور ریش خند کردن آن ها است.

صدای جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۷ – ۳

۳ – از اهل دوزخ ، ناخوشایندترین صدا ها برمی خیزد .

لها شهیقًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این مطلب است که صدای برخاسته از دوزخ، به اعتبار اهل آن باشد، نه از خود آتش; چنان که در آیه ۱۰۶ سوره <هود> بدان تصریح شده است.

صفات جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۷ – ۱۰

۱۰ ستمگری ، ویژگی مشترک همه دوزخیان است .

إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحب النار قالوا ربنا لاتجعلنا مع القوم الظلمين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۱۰ – ۴

۴ – کافران دوزخی ، مردمی لجوج و حق گریزاند .

و قالوا لو کنّا نسمع أو نعقل ما

کنّا فی أصحب السعیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۱۷ – ۳

۳ – حق گریزی ، از ویژگی های مجرمان دوزخی

یودّ المجرم . .. تدعوا من أدبر و تولّی

صورت جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۰۴ – ۱،۲

۱ – صورت زیان کاران دوزخی ، مواجه با هجوم مداوم شعله های آتش دوزخ

تلفح وجوههم النار

<لَفْح> (مصدر <تلفح>) به معنای سوزاندن است; یعنی، <آتش، چهره های آنها را می سوزاند>. گفتنی است که به کارگیری فعل مضارع (تلفح)، بیانگر هجوم پی در پی شعله های آتش دوزخ می باشد.

۲ – جمع شدن پوست لب ها و صورت دوزخیان ، با رسیدن حرارت آتش دوزخ

تلفح وجوههم النار و هم فیها کلحون

<کالح> (مفرد <کالحون>) به کسی گفته می شود که لب هایش از هم فاصله داشته و دندان هایش آشکار باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۰۸ – ۷

۷ – < عن حذیفه ان النبی قال : إنّ اللّه إذا قال لأهل النار < اخسئوا فیها و لاتکلّمون < عادت وجوههم قطعه لحم لیس فیها أفواه ولامناخیر تردّد النفس فی أجوافهم ;

حذیفه از رسول خدا(ص) روایت کرده [که آن حضرت فرمود:] آن گاه که خداوند به اهل آتش می گوید: <اخسئوا فیها و لا‌تکلّمون>. صورت های آنان به قطعه گوشتی تبدیل می شود که در آن دهان و بینی نیست و نفس در درون آنان تردد می

کند>.

ظلم جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل

عمران – ۳ – ۱۹۲ – ۷

۷ گرفتاران به آتش دوزخ ، دارای پیشینه ستمکاری در دنیا

ربّنا انّک من تدخل النّار فقد اخزیته و ما للظّالمین من انصار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۷ – ۱۰

۱۰ ستمگری ، ویژگی مشترک همه دوزخیان است .

إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحب النار قالوا ربنا لاتجعلنا مع القوم الظلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۲۳ – ۴

۴ – ظلم ، مهم ترین مشخصه دوزخیان

احشروا الذین ظلموا. .. فاهدوهم إلی صرط الجحیم

توصیف مشرکان دوزخی به ستم پیشگان، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۴۹ – ۲

۲– زورمداری ، برتری جویی و اشرافی گری در دنیا ، از ویژگی های عمده گنه کاران دوزخی

ذق إنّک أنت العزیز الکریم

تحقیر، تمسخر و توبیخ شدن دوزخیان، با تعابیر <العزیز> و <الکریم>، اشعار به این نکته دارد که تحقیرشوندگان، از جمله کسانی اند که در دنیا برای خویش عزت و جایگاهی رفیع قائل بودند.

عجز جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۱۳ – ۲

۲ – ناتوانی دوزخیان از برآورد دقیق مدت زندگی دنیوی خود ، در مقایسه با حیات اخروی

قالوا لبثنا یومًا أو بعض یوم فسئل العادّین

<عَدّ و تعداد> (مصدر <عادّین>) به معنای حساب نمودن و شماره کردن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶۲ – ۱

۱ – طاغیان و دوزخیان ،

در جهنم از دیدن بهشتیان ناتوان خواهند بود .

و قالوا ما لنا لانری رجالاً کنّا نعدّهم من الأشرار

مقصود از <رجال> در آیه شریفه، مؤمنان و تقواپیشگان اند که در بهشت جای دارند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶۳ – ۲

۲ – طاغیان در دوزخ ، خود را از دیدن بهشتیان و مؤمنان ناتوان خواهند دید .

أم زاغت عنهم الأبصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۲۴ – ۱

۱ – کافران و مشرکان دوزخی ، ناتوان از دفاع از خود در برابر عذاب الهی

أفمن یتّقی بوجهه سوء العذاب یوم القیمه

<إتّقاء> (مصدر <یتّقی>) به معنای سپر گرفتن جهت حفظ و دفاع از خود در برابر گزند است. دفاع از خود در برابر عذاب الهی به وسیله صورت در حالی که اصولاً انسان ها برای دفاع از خود از دست و پا استفاده می کنند تا گزندی به صورتشان نرسد بیانگر اوج ناتوانی دوزخیان از دفع عذاب از خویش است.

عدم تساوی جهنمیان با بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۲۰ – ۱

۱ – نابرابری ، فرجام اخروی دوزخیان و بهشتیان

لایستوی أصحب النار و أصحب الجنّه

عذاب جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۶ – ۸

۸ رنج و عذاب دائمی دوزخیان

کلّما نضجت جلودهم بدّلناهم جلوداً غیرها لیذقوا العذاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۷ – ۳

۳ عذاب دوزخ ، همواره

دردناک و ناخوشایند برای دوزخیان

یریدون ان یخرجوا من النار و ما هم بخرجین منها

تصمیم مستمر برای خروج، که از فعل مضارع <یریدون ان یخرجوا> به دست می آید، نشانه رنج دیدن دایمی دوزخیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۲۰،۲۲

۲۰ دوزخیان، از شدت عذاب یکدیگر بی خبرند.

لکل ضعف و لکن لاتعلمون

۲۲ عن أبی جعفر(ع) (فی حدیث طویل): . .. <قالت أخریهم لأولیهم ربنا هؤلاء اضلونا ...> و قوله: <کلما دخلت امه لعنت أختها ...> برء بعضهم من بعض و لعن بعضهم بعضا یرید بعضهم ان یحج بعضا رجاء الفلج فیفلتوا من عظیم ما نزل بهم ... .

از امام باقر(ع) روایت شده که پس از تلاوت آیه <قالت أخریهم . ..> فرمود: گروهی از آنان (جهنمیان)، از گروه دیگر بیزاری جسته و به آنان نفرین می کنند، شاید بر گروه دیگر در احتجاج پیروز شوند و از عذاب بزرگی که به آن گرفتار شده اند رهایی یابند ....

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۱۳

۱۳ خلود در آتش جهنم ، موجب عادت کردن دوزخیان یا کاسته شدن از رنج و عذاب نیست . *

نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم . .. و لهم عذاب مقیم

تکرار <و لهم عذاب مقیم> پس از <نار جهنم> ممکن است در جهت دفع این توهّم باشد که دوزخیان در اثر خلود، بدان انس می گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۵ - ۲

۲ - وجود عذاب روحی برای

دوزخیان ، افزون بر عذاب های جسمی

تلفح وجوههم النار . .. کلحون . ألم تکن ءایتی تتلی علیکم

سرزنش اهل دوزخ از سوی خداوند، به خاطر حق ناپذیری های گذشته شان، خود نوعی عذاب روحی برای آنان به شمار می رود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۰۸ – ۷

۷ – < عن حذیفه ان النبی قال : إنّ اللّه إذا قال لأهل النار < اخسئوا فیها و لاتکلّمون < عادت وجوههم قطعه لحم لیس فیها أفواه ولامناخیر تردّد النفس فی أجوافهم ;

حذیفه از رسول خدا(ص) روایت کرده [که آن حضرت فرمود:] آن گاه که خداوند به اهل آتش می گوید: <اخسئوا فیها و لاـتکلّمون>. صورت های آنان به قطعه گوشتی تبدیل می شود که در آن دهان و بینی نیست و نفس در درون آنان تردد می کند>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۵۲ – ۲

۲ – درخت زقّوم ، منبع تغذیه اهل دوزخ (اصحاب شمال)

لأکلون من شجر من زقّوم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۵۶ – ۳

۳ – عذاب دوزخ ، خوردنی و آشامیدنی آن (میوه زقّوم و آب داغ) جزای دوزخیان (اصحاب شمال)

هذا نزلهم یوم الدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۳۱ – ۵

۵ – عذاب کردن دوزخیان ، تنها وظیفه فرشتگان گماشته شده بر دوزخ

علیها تسعه عشر . .. و ما جعلنا عدّتهم إلاّ فتنه للذین کفروا

برداشت یاد شده، مبتنی بر

این احتمال است که <عدّه> به معنای جماعت (قاموس المحیط) و <فتنه> به معنای عذاب باشد; یعنی، <و ما جلعنا جماعتهم إلاّ عذاباً للذین کفروا>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۵ - ۱۲

۱۲ - عذاب دوزخیان و اعطای نامه عمل به آنان از پشت سرشان ، نظام جزایی آگاهانه و مدبرانه خداوند است .

و أمّا من أُوتی کتبه . .. و یصلی سعیرًا ... بلی إنّ ربّه کان به بصیرًا

حرف <بلی> ممکن است به تمام مشخصات دسته دوم (و أمّا من اُوتی . ..) ارتباط داشته باشد. در این صورت پندار رجوع نکردن را، پنداری باطل و حوادث پیش آمده (اُوتی کتابه وراء ظهره ... یصلی سعیراً) را، رخدادی ثابت معرفی می کند. جمله <إنّه ...> بیانگر این است که آن حادثه ها، برخاسته از ربوبیت و بصیرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۵ - ۳،۵

۳ - نوشیدن اجباری مایع جوشان ، یکی از عذاب های دوزخیان است .

تسقی من عین ءانیه

۵ - مأموران الهی در جهنّم ، عهده دار عذاب دوزخیان *

تسقی

مجهول بودن <تسقی>، بیانگر وجود یک یا چند مأمور عذاب در دوزخ است.

عذاب روحی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۵ - ۲

۲ - وجود عذاب روحی برای دوزخیان ، افزون بر عذاب های جسمی

تلفح وجوههم النار . .. کلحون . ألم تکن ءایتی تتلی علیکم

سرزنش اهل دوزخ از سوی خداوند، به خاطر حق ناپذیری های گذشته شان، خود نوعی عذاب روحی برای

آنان به شمار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۶ - ۳

۳ - وجود عذاب روحی علاوه بر شکنجه جسمی برای دوزخیان

و هم فیها یختصمون

فعل مضارع (یختصمون) دلالت بر استمرار منازعه دوزخیان دارد که می تواند نوعی عذاب روحی برای آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۳ - ۲

۲ - وجود عذاب های روحی (چون سرزنش) ، برای دوزخیان

ثمّ قیل لهم أین ما کنتم تشرکون

عذابهای جسمی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۹ - ۱

۱- وجود شکنجه روحی برای دوزخیان ، افزون بر عذاب های شدید جسمی

ثمّ صبّوا فوق رأسه . .. ذق إنّک أنت العزیز

تعبیر <ذق إنّک. ..>، بیانگر اوج تحقیر و تمسخر آنان است که این خود نوعی شکنجه روحی می باشد.

عذابهای جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۴ - ۲

۲ - دوزخیان ، هرگز از آتش دوزخ جدا نشده و پیوسته در آن خواهند سوخت .

اصلوها الیوم

<صـلا> در اصل به معنای لزوم است. ازاین رو <اصـلوها> به معنای <الزموها> (باید ملازم و هم راه عذاب دوزخ باشید) خواهد بود (لسان العرب و مجمع البیان).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶۴ – ۴

۴ – آتش ، مهم ترین خصوصیت دوزخ و اصلی ترین عذاب دوزخیان است .

جهنّم یصلونها . .. إنّهم صالوا النار ... فزده عذابًا ضعفًا فی النار ... تخاصم أه

از

تعبیرهـای به کار رفته درباره دوزخ;ماننـد ورود به آتش (صالوا النار) و عـذاب دوچنـدان آتش (عـذاباً ضـعفاً فی النار) و اهل آتش، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۶ – ۳

۳ – بی غذایی و تن در دادن دوزخیان به خوردن خار بی ارزش و صدمه زننده ، از شکنجه ها و عذاب های جهنّم است .

لیس لهم طعام إلاّ من ضریع

عصیان جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۲۱ – ۵

۵ – بی باکی در برابر خدا و سرکشی در مقابل وحی ، ویژگی دوزخیان

لایستوی أصحب النار و . .. لو أنزلنا هذا القرءان علی جبل لرأیته خشعًا

با استفاده از ارتباط این آیه و آیه قبل، و تعریضـی که این آیه نسبت به تأثیرناپذیران از آیات وحی دارد، برداشت یاد شده به دست می آید.

عطش جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۲۵ – ۲

۲ – طغیان گران در دوزخ ، گرفتار عطش شدید و طاقت فرسا خواهند بود .

إلاّ حمیمًا و غسّاقًا

<إلاّ> برای استثنای <حمیم> و <غساق> از <شراباً> است; بنابراین دوزخیان این دو مایع را خواهند آشامید. تن دادن به این نوشیدنی ها، نشانه شدّت تشنگی آنان است.

عقیده جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۲۱

۲۱ ربوبیت خداوند مورد پذیرش و اذعان دوزخیان قرار خواهد گرفت.

قالت . .. ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۸

۸ عذاب آخرت، بازتاب عمل انسان، حتی در باور دوزخیان

قالت . .. فذوقوا العذاب بما کنتم تکسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۷ - ۸

۸ - گستره قدرت الهی در جهان واپسین ، مورد باور تمامی انسان ها حتی دوزخیان

و نادوا یملک لیقض علینا ربّک

از این که جهنمیان نجات خود را به دست خداوند می دیدند و فرشتگان را به شفاعت می طلبیدند، استفاده می شود که حتی دوزخیان نیز در قیامت به قدرت الهی باور دارند.

علایق جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۲ - ۴

۴ - طاغیان و دوزخیان ، مشتاق دیدن مؤمنان و مطلع گشتن از سرنوشت آنان هستند .

و قالوا ما لنا لانری رجالاً

علم اخروی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۶ - ۲

۲ - دوزخیان در قیامت ، به حاکمیت اراده خداوند بر آتش جهنم ، به روشنی پی خواهند برد .

نار اللّه

استناد <نار> به <اللّه>، بيانگر آن است كه، استناد آتش جهنم به خداوند، بر كسى پوشيده نخواهد ماند، گرچه درباره آتش هاى دنيا، اين حقيقت مخفى مانده و استناد آن به اسباب و علل مادى، انسان را از آن غافل ساخته باشد.

علم جهنميان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۰ - ۳

۳ - تمامى دوزخيان از هر ملتى در همه اعصار از فرستادگان الهى برخوردار بوده و به دلايل

و برهان های آنان آگاه شدند .

قالوا أَوَ لم تک تأتیکم رسلکم بالبیّنت قالوا بلی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۷۷ – ۷

۷ – دوزخیان ، آگاه به مقام ویژه موکّل دوزخ در پیشگاه خداوند

و نادوا یملک لیقض علینا ربّک

از درخواست وساطت جهنمیان از فرشته موکّل دوزخ و نیز به کار بردن عبارت <ربّک>، مطلب بالا استفاده می شود.

عوامل ازدیاد عذاب جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۹ – ۱۹

۱۹– کمک خواهی دوزخیان ، افزایش دهنده عذاب و زمینه تحقیر افزون تر ایشان است .

و إن یستغیثوا یغاثوا بماء کالمهل یشوی الوجوه

فعل <یغاثوا> (فریادرسی می شوند) استهزای دوزخیان است و <یشوی الوجوه> از سوزاندن و عذابی اضافه بر عذاب موجود خبر می دهد.

عوامل رد استمهال جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۱۰ – ۲

۲ – ردّ درخواست های دوزخیان از سوی خدا ، بازتاب استهزای آنان نسبت به مؤمنان در دنیا

قال اخسئوا فیها . .. إنّه کان فریق من عبادی ... فاتّخذتموهم سخریًّا

عوامل سرزنش جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۰ - ۱

۱ - سرزنش دوزخیان از سوی خدا ، به خاطر استهزای آنان نسبت به بندگان مؤمن در دنیا

فاتّخذتموهم سخريًّا . .. و كنتم منهم تضحكون

<إتخاذ> (مصدر <اتّخذتم>) به معنای گرفتن و <سخری> به معنای استهزا و ریشخند است. <إنساء> (مصدر <أنسوا>) نیز به معنای فراموشاندن و از خاطر بردن است. ضمیرهای خطاب مربوط به

کافران و ضمیرهای غیبت مربوط به مؤمنان می باشد.

عوامل شدت تشنگی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۴ - ۱

۱ - عارض شدن تشنگی بسیار شدید بر دوزخیان (اصحاب شمال) ، به محض فارغ شدن از خوردن میوه < زقّوم >

لأکلون من شجر من زقّوم . .. فشربون علیه من الحمیم

به کارگیری <فا> در <فشاربون> و نیز قید <علیه>، می رساند که نوشیدن آب بعد از خوردن از <زقّوم>، بی درنگ و بلافاصله انجام خواهد گرفت و این حکایت از تشنگی شدید دوزخیان دارد که با خوردن <زقّوم> بر ایشان عارض خواهد شد.

عوامل گمراهی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۳

۳- پس از اتمام حسابرسی اعمال اهل جهنّم ، شیطان آنان را سرزنش می کند و گمراهی آنان را معلول اندیشه و عمل خود آنان معرفی خواهد کرد .

و قال الشیطن لمّا قضی الأمر إنّ الله وعدکم وعد الحق و وعدتکم

مفسّران، از جمله احتمالاتی که برای <قضی الأمر> برشمرده اند این است که وقتی به حسابهای اهل قیامت رسیدگی شد، شیطان به اهل جهنّم چنین خطابی خواهد کرد.

غذای جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۲ - ۲،۳

۲ - درخت زقّوم ، منبع تغذیه اهل دوزخ (اصحاب شمال)

لأكلون من شجر من زقّوم

۳ - اهل دوزخ (اصحاب شمال) ، برای رفع گرسنگی ناچار به تغذیه از درخت زقوم خواهند بود .

لأكلون من شجر من زقّوم

آوردن <لام> تأكيد، بيانگر آن

است که تغذیه اهل دوزخ از <زقّوم> تردیدناپذیر است; زیرا آنان برای رفع گرسنگی چاره ای جز آن ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۳ - ۱

۱ - دوزخیان از فرط گرسنگی به پر کردن شکم خود از میوه < زقّوم > می پردازند .

فمالون منها البطون

غضب بر جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۲ - ۴

۴ - مأموران دورخ ، آکنده از خشم و نفرت نسبت به دوزخیان

کلّما أرادوا . .. و ذوقوا عذاب الحریق

فرجام اخروی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۰ - ۱

۱ - نابرابری ، فرجام اخروی دوزخیان و بهشتیان

لایستوی أصحب النار و أصحب الجنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۴ - ۱

۱ - چشیدن آتش سوزان و گرفتاری به رنج و مشقت آن ، فرجام کسانی است که حضورشان در صحنه قیامت ، همراه با خفّت و خواری است .

وجوه یومئذ خشعه . .. تصلی نارًا حامیه

<صلی النار>; یعنی، حرارت آتش را به سختی چشید (قاموس).

فرجام جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۳ - ۱۰

۱۰ هیچ کس حتی پیامبر (ص) قادر به تغییر سرنوشت شوم (دوزخی بودن) مشرکان نیست .

ما کان للنبی . .. من بعد ما تبین لهم أنهم أصحب الجحیم

از اینکه نام پیامبر (ص) به خصوص ذکر شده است، استفاده می شود که نه تنها

دعای سایر مؤمنان در حق مشرکان بی نتیجه است بلکه حتی پیامبر(ص) هم نمی تواند سرنوشت آنان را با استغفار تغییر دهد.

فرجام شوم جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۱۲

۱۲ - دوزخ ، جایگاهی بد برای دوزخیان

و بئس المصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۱۹

۱۹- فرجام نیک متقین بهشتی ، غیرقابل قیاس با فرجام سخت دوزخیان

مثل الجنّه الّتی وعد المتّقون . .. کمن هو خلد فی النار

فلسفه عجز جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۲ - ۳

۳ - طاغیان و دوزخیان ، در جستوجوی علل و چرایی ناتوانی شان از دیدن مؤمنان و جایگاه آنان

و قالوا ما لنا لانری رجالاً

لام در <لنا> متضمن معنای علت است و <ما لنا. ..>; یعنی، به چه علت ما نمی توانیم مؤمنان را ببینیم؟ به سخن دیگر مقصود آیه شریفه، این نکته است که دوزخیان از علل و چرایی ناتوانی شان از دید بهشتیان پرسش می کنند; نه از خود دیدن.

قبض روح جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۲۲

۲۲- < عن أميرالمؤمنين (ع) : . . . انه ليس أحـد من الناس تفارق روحه جسـده حتى يعلم إلى أيّ المنزلين يصـير ، إلى الجنه أم النار . . . إن كان عدواً لله فتحت له أبواب النار . . . و نظر إلى ما أعدّ الله له فيها . . . كلّ

هذایکون عند الموت . . . قال الله تعالی . . . < الذین تتوفّاهم الملائکه ظالمی أنفسهم . . .فادخلوا أبواب جهنّم . . . > . . . ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است:. .. روح از بدن هیچ یک از مردم جدا نمی شود تا اینکه بدانند به سوی کدام یک از دو جایگاه می رود: بهشت یا آتش ...؟ اگر دشمن خدا باشد، درهای آتش برای او باز می شود ... و به آنچه خدا در آن جا برایش آماده کرده است، نگاه می کند ... این همه هنگام مرگ خواهد بود ... خدای تعالی فرمود: الذین تتوفّاهم الملائکه ظالمی أنفسهم ... فادخلوا أبواب جهنّم ...>.

قدرت جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۰ - ۷

۷ - نوعی اراده و توان محدود ، برای دوزخیان وجود دارد .

کلّما أرادوا أن یخرجوا منها أُعیدوا فیها

کثرت جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۰ - ۴

۴ - جهنم ، در شگفت از کثرت و انبوهی کافران و دوزخیان *

و تقول هل من مزید

برداشت یاد شده بدان احتمال است که سؤال <هل من مزید> از روی انکار و اعجاب باشد; یعنی، آن قدر کافران را در خود جای داده که به شگفتی آمده و می پرسد: آیا به راستی هنوز هم کافرانی افزون تر وجود دارند؟!

کفر جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۸ - ۵

۵ انحراف و کفر انسان های دوزخی ، ناشی از سوء اختیار خود

آنان است ; نه معلول عوامل جبری .

و قد قدّمت إليكم بالوعيد

تعبير <قد قدّمت إليكم بالوعيد> بدان معنا است كه بر گمراهان، قبلاً اتمام حجت شده است و ديگر مجالی برای جدال و تخاصم نيست. لازمه اتمام حجت و مجرم بودن فرد، اين است كه او مجبور نبوده و به سوء اختيار خود، عليه حجت الهی اقدام كرده است.

كيفر جهنميان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۸،۹

۸ عذاب دوزخيان ، هرگز ستمی از سوی خداوند بر آنها نيست .

ذوقوا عذاب الحريق . .. و انّ اللّه ليس بظلّام للعبيد

بنابر اينكه <انّ اللّه . .. >، خبر برای مبتدايی محذوف باشد (الأمر و الشّأن انّ اللّه ليس ...)، بر اين مبنا، مراد از ستم نكردن خداوند به قرينه <ذلك بما قدّمت ايديكم> اين است كه خداوند در كيفر دادن ستم نمی كند.

۹ عذاب دوزخيان ، هرگز فزونتر از اقتضای عملكرد آنان نخواهد بود .

ذوقوا عذاب الحريق. ذلك بما قدّمت ايديكم و انّ اللّه ليس بظلّام للعبيد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۳۵

۳۵ آتش ، وسيله ای برای عذاب دوزخيان

فقنا عذاب النّار

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۵۶ - ۴،۵،۸،۹،۱۴

۴ رويش پوست جديد بر بدن ، پس از بريان شدن و سوختن آن در آتش جهنّم

كلّما نضجت جلودهم بدّلنا هم جلوداً غيرها

۵ پوست ، واسطه عذاب آدمی در جهنّم

كلّما نضجت جلودهم بدّلناهم جلوداً غيرها ليذقوا العذاب

با

توجه به اینکه <لیذوقوا> متعلق به <بدلناهم> است، برداشت فوق استفاده شده است.

۸ رنج و عذاب دائمی دوزخیان

کلّما نضجت جلودهم بدّلناهم جلوداً غیرها لیذقوا العذاب

۹ رویش مجدد پوست ، وسیله تداوم چشاندن عذاب به دوزخیان

کلّما نضجت جلودهم بدّلناهم جلوداً غیرها لیذقوا العذاب

۱۴ عزت و حکمت الهی ، مقتضی عذاب مستمر دوزخیان کفرپیشه *

انّ الذین کفروا . .. انّ اللّه کان عزیزاً حکیماً

بنابر اینکه جمله <انّ اللّه . .. >، بیان علتی برای <سوف نصلیهم ناراً> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۹ – ۱۱

۱۱ آتش همواره دوزخ ، جزای ستمگران و کیفری مناسب برای آنان

فتکون من اصحب النار و ذلک جزؤا الظلمین

<جزاء> در لغت به معنی کیفر و پاداشی است که کافی باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۰۷ – ۴

۴ – دوزخیان ، خواستار مجازات خویش در صورت بازگشت دوباره به گناه و عصیان ، بعد از فرصت داده شده

ربّنا أخرجنا منها فإن عدنا فإنّا ظلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۴۶ – ۱

۱– جوشش زقّوم ، در درون دوزخیان ، چونان جوشش آب های داغ

كغلى الحميم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۲۶ – ۱

۱ – جهنميان به ميزان كردار خويش ، كيفر خواهند شد .

جزاء وفاقًا

<جزاء> مصدر است و نصب آن، يا براساس مفعول مطلق بودن آن است; يعنى، <يجزون جزاءً> و يا با تأويل به مشتق رفتن، حال براى <حميم> و <غسّاق>

است. در صورت اول، مراد این است که کیفر آنـان، کیفری مناسب و به میزان گناه آنان خواهـد بود و در صورت دوم، همان <حمیم> و <غسّاق> کیفر منـاسب آنـان است. هر یـک از دو احتمال، می توانـد مبنای برداشت یاد شـده باشـد. <وفاقاً> گرچه مصدر است; ولی چون صفت می باشد، به معنای <موافقاً> خواهد بود.

کیفیت آشامیدن جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۷ - ۱

۱- جبّاران منحرف ، آب چرکین جهنّم را جرعه جرعه با کراهت تمام خواهند نوشید .

یسقی من ماء صدید. یتجرّعه و لایکاد یسیغه

<إساغه> به معنـای ریختن شـراب در حلق است. بنابراین مراد از <لایکاد یسیغه> این است که آنان نمی خواهنـد به چنین نوشیدنی نزدیک شوند.

کیفیت عذاب جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۴ - ۵

۵ - < عن النبی (ص) قال : < إنّ جهنّم لمّا سیق إلیها أهلها تلقتهم بعَنَق > ، فلفحتهم لفحه فلم تدع لحماً علی عظم إلاّ ألقته علی العرقوب ;

از پیـامبراکرم(ص) روایت شـده است که فرمود: آن هنگام که اهل جهنم را به سوی آن سوق دهنـد، آتش جهنم با سـرعت با آنان روبه رو خواهد شد. پس آنان را به گونه ای خواهند سوزاند که گوشتی بر استخوانی باقی نخواهد گذاشت; مگر این که بر پاشنه پاهایشان می ریزد>.

کیفیت ورود جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۴ - ۹

۹- < عن أبی عبدالله (ع) عن أبیه ، عن

جدّه (ع) قال : للنار . . . باب يـدخل منه فرعون و هامان و قارون و باب يدخل منه المشـركون و الكفار . . . و باب يدخل منه بنواُميّه . . . و باب يدخل منه مبغضونا و محاربونا و خاذلونا و انه لأعظم الأبواب و أشدها حرّاً ;

از امـام سـجاد(ع) روايت شـده است كه فرمود: براى آتش . .. درى است كه فرعون، هامـان و قارون از آن داخل مى شونـد و درى است كه مشـركان و كافران از آن داخل مى شونـد ... و درى است كه بنى اميّه از آن داخل مى شوند ... و درى است كه از آن داخـل مى شونـد كسـانى كه بغض مـا را در دل دارنـد و بـا مـا در ستيزنـد و مـا را يارى نمى كننـد و اين بزرگ ترين و سوزنده ترين آن درهاست...>.

كينه جهنميان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۵

۵ كينه توزى و دشمنى دوزخيان نسبت به يكديگر

فأتهم عذابا ضعفا من النار . .. فما كان لكم علينا من فضل

گرسنگى جهنميان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۶ - ۳

۳ - دوزخيان ستمگر ، در حال گرسنگى شديد به سر خواهند برد .

فمالئون منها البطون

پر كردن شكم از خوراكى هاى بسيار ناگوار، نشانه شدت گرسنگى است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - غاشيه - ۸۸ - ۶ - ۱،۳

۱ - دوزخيان ، گرفتار گرسنگى و نيازمند غذا خواهند شد .

ليس لهم طعام

غذایی و تن در دادن دوزخیان به خوردن خار بی ارزش و صدمه زننده ، از شکنجه ها و عذاب های جهنّم است .

لیس لهم طعام إلاّ من ضریع

گروههای جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۷،۸

۷ جهنمیان به صورت امتهایی مجزا از یکدیگر وارد دوزخ می شوند.

کلما دخلت أمه لعنت أختها

۸ ورود دوزخیان به جهنم، تدریجی و گروه گروه خواهد بود.

کلما دخلت أمه لعنت أختها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۱

۱ - کافران پس از حسابرسی اعمالشان ، دسته دسته و گروه گروه به دوزخ رانده خواهند شد .

و وضع الکتب . .. و وفّیت کلّ نفس ما عملت ... و سیق الذین کفروا إلی جهنّم زمرًا

<زمره> (مفرد <زمر>) به معنای گروه و دسته است که به دنبال گروه و دسته ای دیگر باشند. بنابراین پیام آیه شریفه این می شود که کافران به چند دسته تقسیم شده; آن گاه دسته دسته به دنبال هم وارد دوزخ خواهند شد.

گفتگوی بهشتیان با جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۰ - ۴

۴ دوزخیان ، از داخل جهنم ، توانا بر گفتگو با بهشتیان و بهشتیان نیز قادر بر سخن گفتن با دوزخیان هستند .

و نادی اصحب النار اصحب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۶ - ۱،۲

۱ - سخن گفتن بهشتیان با هم نشینان کافر دنیایی خویش ، به وقت مشاهده آنان

در دوزخ

فرءاه فی سواء الجحیم . قال تاللّه إن کدتّ

۲ - امکان برقراری ارتباط و سخن گفتن بهشتیان با دوزخیان ، به وقت مشاهده آنان در دوزخ

فرءاه فی سواء الجحیم . قال تاللّه إن کدتّ

گفتگوی جهنمیان با بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۰ - ۴

۴ دوزخیان ، از داخل جهنم ، توانا بر گفتگو با بهشتیان و بهشتیان نیز قادر بر سخن گفتن با دوزخیان هستند .

و نادی اصحب النار اصحب الجنه

گفتگوی خدا با جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۰ - ۶

۶ - سخن گفتن خداوند ، با جهنمیان در آخرت

فذوقوا فلن نزیدکم إلاّ عذابًا

خطاب <فذوقوا> ممکن است در آخرت صادر شود و این آیه حاکی از آن باشد و نیز ممکن است در همین دنیا و با مفروض گرفتن مخاطبانی حاضر، القا شده باشد که شیوه ای مبالغه آمیز در تهدید است. برداشت یاد شده براساس اولین احتمال است.

گلایه جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۹ - ۱

۱ - شِکوه دوزخیان از نقش اصلی پیشوایان مجرم خویش در گمراهی آنان

و ما أضلّنا إلاّ المجرمون

گمراهی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۶ - ۳

۳ - اعتراف دوزخیان به استیلای شقاوت و گمراهی ، بر سراسر زندگی دنیوی آنان

قالوا ربّنا غلبت علینا شقوتنا و کنّا قومًا ضالّین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۷ -

۶ - < و فی الحدیث أنّ أهل النار إذا دخلوها . . . < فقالوا ربّنا غلبت علینا شقوتنا و کنّا قومًا ضالّین ، ربّنا أخرجنا منها فإن عدنا فإنّا ظالمون > فیقفون أربعین سنه ذلّ الهوان لایجابون . . . ، ثم یجیبهم اللّه جلّ جلاله < اخسئوا فیها و لاتکلّمون > قال : فعند ذالک ییأسون من کلّ فرج و راحه و یغلق أبواب جهنّم علیهم . . . ;

در حدیث آمده است که جهنمیان آن گاه که وارد آتش می شوند [می گویند:]. ..<فقالوا ربّنا غلبت علینا شقوتنا و کنّا قومًا ضالّین...> پس چهل سال با ذلت و خواری توقف می کنند، در حالی که پاسخ داده نمی شوند... سپس خداوند جلّ جلاله جواب آنان را چنین می دهد: <اخسئوا فیها و لاتکلّمون>. امام(ع) فرمود: در این هنگام است که آنان از هر گونه گشایش و راحتی، مأیوس می گردند و درب های جهنم به روی آنها بسته می شود...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۴ - ۴

۴ کسانی که در قیامت به روافتان به سوی جهنم سوق داده می شوند ، دارای شوم ترین جایگاه و بی راهه ترین مسیراند .

الذین یحشرون علی وجوههم إلی جهنّم أُولئک شرّ مکانًا و أضلّ سبیلًا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <الذین> مبتدا و <أُولئک> خبر آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۷ - ۱

۱ - سوگند به خدا و اعتراف حسرت بار دوزخیان در میان شراره های آتش ،

به گمراهی آشکار خویش در دنیا

تاللّه إن کنّا لفی ضلل مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۸ - ۵

۵ انحراف و کفر انسان های دوزخی ، ناشی از سوء اختیار خود آنان است ; نه معلول عوامل جبری .

و قد قدّمت إلیکم بالوعید

تعبیر <قد قدّمت إلیکم بالوعید> بدان معنا است که بر گمراهان، قبلًا اتمام حجت شده است و دیگر مجالی برای جدال و تخاصم نیست. لازمه اتمام حجت و مجرم بودن فرد، این است که او مجبور نبوده و به سوء اختیار خود، علیه حجت الهی اقدام کرده است.

گناه جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۵ - ۳

۳ - دروغ شمردن آیات الهی ، اساسی ترین جرم دوزخیان

ألم تکن ءایتی تتلی . .. بها تکذّبون

لباس جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۹ - ۶۸

۶ - برای شرک پیشگان منکر ربوبیت خدا ، در دوزخ جامه هایی از آتشی ویژه می برند و بر آنان می پوشانند .

فالذین کفروا قطّعت لهم ثیاب من نار

تنکیر <نار> نشانگر این نکته است که جامه هایی که برای اهل شرک خواهند برید از جنس آتشی به خصوص خواهد بود نه از هر آتشی.

۸ جامه های آتشین در دوزخ ، جامه هایی است بسیار آزار دهنده و سخت سوزاننده .

قطّعت لهم ثیاب من نار

تنکیر <نار> علاوه بر این که بیانگر نوعی خاص از آتش است نشاندهنده شدت سوزانندگی و آسیب رسانی آن نیز می تواند باشد.

لبهای جهنمیان

جلد – نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۰۴ – ۲،۳

۲ – جمع شدن پوست لب ها و صورت دوزخیان ، با رسیدن حرارت آتش دوزخ

تلفح وجوههم النار و هم فیها کلحون

<کالح> (مفرد <کالحون>) به کسی گفته می شود که لب هایش از هم فاصله داشته و دندان هایش آشکار باشد.

۳ – بدمنظری دوزخیان ، در نتیجه جمع شدن پوست صورت و لب های آنها و آشکار ماندن دندان هایشان

تلفح وجوههم النار و هم فیها کلحون

<کالح> ظاهراً کنایه از زشت رویی و بدمنظری دوزخیان است.

لجاجت جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۱۰ – ۴

۴ – کافران دوزخی ، مردمی لجوج و حق گریزاند .

و قالوا لو کنّا نسمع أو نعقل ما کنّا فی أصحب السعیر

محرمات جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۵۰ – ۷

۷ تحریم روزی های بهشت بر اهل دوزخ ، دلیل خودداری بهشتیان از اهدای آب و دیگر مواهب درخواستی دوزخیان به ایشان

أن أفیضوا علینا . .. قالوا إن اللّه حرمهما علی الکفرین

محرومیت جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۰ - ۶

۶- کافران دوزخی ، از هر گونه لطف و رحمت خداوند محروم اند .

و لا هم ینظرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <ینظرون> فعل مضارع مجهول از ثلاثی مجرد و از ماده <نظره> باشد که به معنای رحمت است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ -

۶ – ۷۷

۶ – دوزخیان ، محروم از گفتوگوی مستقیم با خداوند *

و نادوا یملک لیقض علینا

از این که جهنمیان برای رفع عذاب از خود، نگهبانان جهنم را واسطه قرار می دهند، مطلب بالا قابل برداشت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۳۴ – ۷

۷ – محکومان به آتش دوزخ ، محروم از یار و مددکار در قیامت

و مأویکم النار و ما لکم من نصرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۱۱ – ۳

۳ – کافران دوزخی ، مورد نفرین خدا و محروم از رحمت و لطف او هستند .

فسحقًا لأصحب السعیر

<سحق> به معنای <بُعد> است و در این آیه، به جای لعن و نفرین به کار رفته است و مراد از آن، دوری از رحمت و لطف الهی می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۲۳ – ۳

۳ – درنگ دوزخیان در جهنم ، همراه با بی نوایی و محرومیت از خواسته ها است .

لبثین فیها أحقابًا

تمام مشتقات <حقب>، به یک اصل و ریشه برمی گردد که به معنای حبس است. درباره سالی که باران در آن بند آمده باشد، گفته می شود: <حقب العام> (مقاییس اللغه). <أحقاب> چنان که زمخشری گفته ممکن است جمع <حَقِب> باشد; یعنی، کسی که به کمیابی خیرات و رزق گرفتار شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۲۷ – ۴

۴ – محرومیت دوزخیان از هوای مطبوع و آب ، عقوبتی مناسب

با انکار معاد

لایذوقون فیها بردًا و لا شرابًا . .. إنّهم کانوا لایرجون حسابًا

کیفر دوزخیان در آیات پیشین، به دو صورت نفی و اثبات بیان شده است؛ آنان از هوای سرد و نوشیدنی، محروم اند(نفی) و به نوشیدن <حمیم> و <غسّاق> مجبور خواهند بود(اثبات). <جزاء وفاقاً> آن را کیفری مناسب با کردار آنان که آن هم به صورت نفی و اثبات بوده بیان کرده است؛ آنها معاد را باور نداشتند(نفی) و آیات خدا را تکذیب می کردند(اثبات). آیه <جزاء وفاقاً> دلالت دارد که محرومیت، کیفری مناسب با بی اعتقادی است و نوشیدن مایع داغ و چرکین، کیفر مناسب تکذیب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۴ - ۴

۴ - آرمیدن متقین در سایه بوستان ها و می گساری آنان ، در برابر محرومیت جهنمیان از خنکی و نوشیدنی ، انعکاسی از تقابل آثار طغیان گری و تقوا است .

لایذوقون فیها بردًا و لا شرابًا . .. حدائق و أعنبًا ... و کأسًا دهاقًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۳ - ۲

۲ - دوزخیان در آخرت ، از حضور شادمانه نزد خویشاوندان خود محروم خواهند بود .

إنّه کان فی أهله مسرورًا

مقایسه دو تعبیر <ینقلب إلی أهله> (در آیات پیشین) و <کان فی أهله>، گویای این است که گرفتاران دوزخ، از لذت همنشینی با خویشاوندان خود بهره ای نمی برند.

مدت زندگی دنیوی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۲ - ۴

۴ - < قال رسول اللّه (

ص) إنّ اللّه إذا أدخل أهل الجنّه الجنّه و أهل النار النار قال لأهل الجنه : < كم لبثتم فی الأرض عدد سنین ؟ قالوا : لبثنا یوماً أو بعض یوم قال لنعم ما اتجرتم فی یوم أو بعض یوم رحمتی و رضوانی و جنتی اُسکنوا فی ها خالدین مخلدین ثمّ یقول : یا أهل النار < کم لبثتم فی الأرض عدد سنین قالوا لبثنا یوماً أو بعض یوم > فیقول : بئس ما اتجرتم فی یوم أو بعض یوم ناری و سخطی اُمکثوا فیها خالدین ;

رسول خدا(ص) فرمود: همانا خدا وقتی که اهل بهشت را در بهشت و اهل آتش را در آتش داخل می کند، به بهشتیان می گوید <کم لبثتم فی الأرض عدد سنین؟> و آنان جواب می هند: <لبثنا یوماً أو بعض یوم>. خدا می فرماید: چه خوب تجارتی کردید در یک روز یا قسمتی از آن! اینک [این] رحمت، رضوان و بهشت من است، در آن ساکن شوید همیشه و جاویدان. سپس می فرماید: ای اهل آتش <کم لبثتم فی الأرض عدد سنین؟> و آنان جواب می هند: <لبثنا یوماً أو بعض یوم>. پس خدا می فرماید: چه بد تجارتی کردید در یک روز یا قسمتی از یک روز. اینک، [این] آتش و خشم من است، در آن همیشه بمانید>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۳ - ۳

۳ - دوزخیان تعیین دقیق مدت درنگ در دنیا را ، به فرشتگان حسابگر ارجاع خواهند داد .

قالوا لبثنا . .. فسئل العادّین

مراتب جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۰ - ۲،۵

۲- تفاوت مراتب مستکبران و عصیان گران در استحقاق آتش دوزخ

علی الرحمن عتيًّا . ثمّ لنحن أعلم بالذين هم أولی بها صليًّا

۵- خداوند از هرکسی ، به مرتبه و میزان استحقاق دوزخ برای هر یک از مستکبران و عصیان گران داناتر است .

ثمّ لنحن أعلم بالذين هم أولی بها صليًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۹ - ۷

۷ - وجود طبقات مختلف برای دوزخیان

ليكونا من الأسفلين

برداشت یاد شده بر این پایه است که مراد از <أسفلین> افراد درکات پایین تر دوزخ باشد؛ نه این که صرفاً به تحقیر و ذلیل شدن اغواگران اشاره داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۹ - ۲

۲- وجود تفاوت درجات ، در بهشت برای مؤمنان و در دوزخ برای کافران *

و لكلّ درجت ممّا عملوا

برداشت بالا- بنابراین است که <لکلّ> به معنای هر یک از مؤمنان و هر یک از کافران باشد که در آیات پیشین به عنوان <مسلم> و <منکر معاد> از آنان یاد شد.

مرگ جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۴ - ۴

۴ تکذیب کنند قیامت ، در آتش دوزخ همواره در حال مرگ و زندگی بوده و به دفعات بی شمار می میرند و زنده می شوند .

لاتدعوا الیوم ثبورًا وحدًا و ادعوا ثبورًا کثیرًا

از دیدگاه مفسران، این که به کافران گفته می شود: <درخواست هلاکت بار خود را بسیار تکرار کنند> یا به خاطر این است که آنان

به دفعات زنـده می شونـد، و باز می میرنـد. پس بایـد برای هر بار زنده شدن و عذاب شدن، درخواست مرگ کنند و یا به این سبب است که عـذاب الهی کـافران متعـدد و گونـاگون است. پس بایـد آنـان برای هر یـک از آنهـا، درخواست مرگ کننـد. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه اول است.

مسؤولیت گریزی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۹ - ۳

۳ - تلاش دوزخیان برای انداختن بارِ گناه خویش بر دوش دیگران

و ما أضلّنا إلاّ المجرمون

مشکلات اخروی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۷ - ۱

۱ دوزخیان در صحنه قیامت دارای موقعیتی بسیار شوم و دشوار

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحب النار قالوا ربنا

هـدف از بیان ناخوشاینـدی بهشتیان از مشاهـده دوزخیان و بیان دعای آنان پس از مشاهده ناخواسـته ترسـیم موقعیت دشوار و شوم دوزخیان است.

مشکلات جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۷ - ۱۲،۱۱،۵

۵ راهیان بهشت پس از مشاهده وضعیت نابهنجار دوزخیان و منظره هولناک دوزخ ، به دعا خواهند پرداخت

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحب النار قالوا ربنا

۱۱ اعرافیان با نگاهی ناخواسته منظره ناخوشایند دوزخیان را مشاهده خواهند کرد .

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحب النار

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از ضمیر <ابصرهم> و <قالوا> اصحاب اعراف باشد.

۱۲ مشاهده منظره ناهنجار دوزخیان ، برانگیزنده اعرافیان به دعا به درگاه خداوند برای دور ماندن از ابتلا به سرنوشت آنها

إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحب

النار قالوا ربنا لاتجعلنا مع القوم الظلمين

معارفه جهنميان

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – ابراهيم – ۱۴ – ۲۱ – ۱۳

۱۳– جهنّم يان در آخرت يكديگر را شناخته و حوادث دنيا را به خاطر خواهند آورد .

و برزوا لله جميعًا فقال الضعفؤا للذين استكبروا إنّا كنّا لكم تبعًا فهل أنتم مغن

ممنوعيت استغفار براى جهنميان

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۳ – ۷

۷ استغفار براى آنان كه دوزخى بودنشان قطعى است ، ممنوع مى باشد .

ما كان . .. أن يستغفروا ... من بعد ما تبين لهم أنهم أصحب الجحيم

منازعه جهنميان

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ – اعراف – ۷ – ۳۸ – ۱۰

۱۰ جهنم، جايگاهى آكنده از جدال و ستيز دوزخيان با يكديگر

كلما دخلت . .. قالت أخريهم لأوليهم ربنا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۳ – ۲

۲ زندگى بهشتيان آكنده از صلح و سلامت و به دور از كشمكشهايى مانند جدال دوزخيان است .

و نزعنا ما فى صدورهم من غل

هـدف از بیـان پـاکیزگی دل های بهشتیان از کینه و عـداوت پس از گوشـزد کردن نزاع دوزخیان، مقایسه دو جایگاه از جهت صفا و صمیمیت و عداوت و کینه توزی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶۰ – ۵

۵ – طاغیان و پیروانشان ، درصدد تبرئه خود و مقصر دانستن دیگری در دوزخی شدن آنان هستند .

قالوا بل أنتم لامرحبًا بكم أنتم قدّمتموه لنا

فبئس القرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۴ - ۳

۳ - اهل دوزخ ، به عذاب تخاصم و ستیزه جویی گرفتار خواهند شد .

إنّ ذلک لحقّ تخاصم أهل النار

منشأ عذاب جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۰ - ۶

۶- علم خداوند ، ضامن و پشتوانه تعیین دقیق میزان و مرتبه استحقاق هر کس برای دوزخ

لنحن أعلم بالذین هم أولی بها

بیان داناتربودن خداوند نسبت به اولویت ها، صرفاً به منظور نشان دادن برتری آگاهی خداوند نیست; بلکه به نظر می رسد مقصود، بیان اجرا و سازمان یافتن عذاب ها، براساسِ اولویت ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۷ - ۴

۴ - عذاب کافران در دوزخ ، به اراده خدا و تحت فرمان او است .

حتّی إذا فتحنا علیهم بابًا ذا عذاب شدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۰ - ۴

۴ - عذاب دوزخیان در قیامت ، در اختیار خداوند و به دست او است .

فلن نزیدکم

موانع شنوایی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۰ - ۴

۴- شدت عذاب ها و طنین فریاد ، مانع شنیدن مشرکان در جهنم خواهد شد .

لهم فیها زفیر و هم فیها لایسمعون برداشت یاد شده بنابراین احتمال است که <لهم فیها

موانع فرار جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۹ - ۱،۳

۱ - احاطه

ستون هایی امتداد یافته و بسیار بر آتش جهنم ، راه فرار را بر جهنّمیان می بندد .

فی عمد ممدّده

<عَمَد>، (جمع <عمود> (ستون) است. در صورتی که <فی عمد> متعلق به <مؤصده> باشد; مفاد آیه این خواهد بود که: آتش جهنم، در مجموعه ای از ستون های سر به فلک کشیده، قرار گرفته است و گریز از آن ستون ها، امکان پذیر نیست.

۳ - جهنمیان ، در عمودهایی بلند به بند کشیده شده ، راه فراری نخواهند داشت . *

فی عمد ممدّده

مراد از <عمد>، ممکن است عمودهایی باشد که نظیر <غلّ>، برای بستن جهنمیان به کار خواهد رفت.

مهمترین گناه جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۸ - ۳

۳ - شرک ، عمده ترین گناه دوزخیان و ریشه همه تباهی ها

إن کنّا لفی ضلل مبین . إذ نسوّیکم بربّ العلمین

از این که دوزخیان گمراه، از میان همه تبه کاری های خود، تنها به گناه شرکشان پرداخته اند; احتمالاً بدین منظور باشد که شرک را بزرگ ترین خطای خود شمرده و یا منشأ سایر خطاها دانسته اند.

ناله جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۶ - ۲

۲ جهنمیان ، از شدت آتش همواره صدایشان به ناله و نعره بلند است .

لهم فیها زفیر و شهیق

<زفیر> و <شهیق> به صداهایی که از اشخاص محزون و غمگین برمی خیزد گفته می شود; با این تفاوت که شهیق ، بلندتر و طولانی تر است و لذا در برداشت <زفیر> به ناله و <شهیق> به نعره تفسیر و تعبیر گردید.

سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۱۳ – ۱

۱ – جهنمیان ، که در آرزوی هلاکت ناله سر می دهند ، روزگاری در کنار خویشاوندان خود ، دنیایی شاد و زندگی خرّمی داشتند .

یدعوا ثبورًا . .. إنّه کان فی أهله مسرورًا

نامه عمل جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۲۵ – ۲

۲ – نامه اعمال کافران دوزخی در قیامت ، به دست چپ آنان داده می شود .

و أمّا من أُوتی کتبه بشماله

از اوصاف یاد شده برای این گروه در آیات بعدی، استفاده می شود که آنان کافران دوزخی و از همان گروهی اند که در آیه ۴۱ سوره <واقعه> از آنان به <أصحاب الشمال> یاد شده است.

نجات جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۲۸ – ۲۲

۲۲ سزاواران خلود در جهنم ممکن است با مشیت خداوند از آن رهایی یابند.

خلدین فیها إلا ما شاء الله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۰۷ – ۷،۸

۷ رهایی جهنمیان از آتش دوزخ ، امری ممکن و محتمل است و به مشیت خداوند بستگی دارد .

خلدین فیها . .. إلاّ ما شاء ربک

منظور از <ما> ی موصوله در <إلاّ ما شاء ربک> می تواند زمان و مدت باشد. در این صورت <مستثنی منه> مدت زمانی است که به خلود و دوام توصیف شد. بر این اساس حاصل معنای <خالدین فیها ...> چنین می شود: دوزخیان در آتش برای همیشه ماندگارند، مگر آنکه خداوند همیشه

بودن را ملغی کند.

۸ خداوند ، برخی از دوزخیان را از آتش دوزخ رهایی می بخشد و از عذاب نجات می دهد .

خلدین فیها . .. إلاّ ما شاء ربک

برداشت فوق، بر این اساس است که مراد از <ما> در <إلاّ ما شاء ربک> افراد و اشخاص باشد. بر این مبنا <مستثنی منه> ضمیر مستتر در <خالدین> می باشد و حاصل معنای <خالدین فیها ...> چنین خواهد بود: دوزخیان در آتش مخلد هستند، مگر افرادی را که خداوند بخواهد که در آن جا خالد نباشند. وصف <فعال لما یرید> به این نکته اشاره دارد که خداوند با اعمال مشیت خویش، برخی دوزخیان را رهایی خواهد بخشید.

نشانه های جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۶ – ۵

۵ امت ها و گروه های موجود در صحنه قیامت ، چه بهشتی و چه دوزخی ، هر کدام دارای علایمی مخصوص به خویش

و علی الاعراف رجال یعرفون کلاًّ بسیمهم

کلمه <سیما> به معنای علامت و نشانه است.

نعره جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۰۶ – ۲

۲ جهنمیان ، از شدت آتش همواره صدایشان به ناله و نعره بلند است .

لهم فیها زفیر و شهیق

<زفیر> و <شهیق> به صداهایی که از اشخاص محزون و غمگین برمی خیزد گفته می شود; با این تفاوت که شهیق ، بلندتر و طولانی تر است و لذا در برداشت <زفیر> به ناله و <شهیق> به نعره تفسیر و تعبیر گردید.

نفرت از استماع سخن جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲

– مؤمنون – ۲۳ – ۱۰۸ – ۳

۳ – خداوند ، بیزار و خشمگین از سخن گفتن دوزخیان با او

ربّنا أخرجنا منها . .. قال اخسئوا فیها و لاتکلّمون

نفرت از جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۷ – ۸،۱۴

۸ دوزخیان ستمگر ، انسانهایی منفور در دیدگاه بهشتیان

ربنا لاتجعلنا مع القوم الظلمین

راهیان بهشت خواسته خویش مبنی بر گرفتار نشدن به آتش دوزخ را با درخواست دوری از ستمکاران بیان داشتند و این می رساند که بهشتیان در روز قیامت از ستمکاران نیز متنفر هستند.

نقش جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۸ – ۲

۲– بدن دوزخیان ، ماده آتش زای آتش جهنم است .

إنّکم و ماتعبدون من دون اللّه حصب جهنّم

از این که خود کافران و معبودهایشان هیزم و آتش گیره جهنم اند، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۶ – ۹

۹ – دوزخیان و سنگ های دوزخ ، سوخت آتش جهنم است .

نارًا وقودها الناس و الحجاره

<وقود> به معنای چیزی است که به آن آتش روشن می کنند; یعنی، ماده سوختنی و قابل اشتعال.

نیازهای جسمانی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۴ - ۲

۲- وجود نیاز های جسمانی برای دوزخیان در قیامت *

إنّ شجرت الزقّوم . طعام الأثیم

برداشت بالا بدان احتمال است که تعبیر <طعام>، حاکی از نیاز دوزخیان به غذا باشد; نه خوراندن اجباری به آنان.

نیازهای جهنمیان

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۵۰ – ۳

۳ آب ، بالاترین نیاز و مهمترین تقاضای دوزخیان

أن أفیضوا علینا من الماء او مما رزقکم اللّه

ذکر به خصوص آب و نیز تقدیم آن بر دیگر مواهب، حاکی از برداشت فوق است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۶۸ – ۳

۳ – نیاز دوزخیان به تغذیه و نوشیدن

فإنّهم لأکلون منها . .. علیها لشوبًا من حمیم . ثمّ إنّ مرجعهم لإلی الجحیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۴۹ – ۶

۶ – برای عرض حاجت دوزخیان ، کسی جز نگهبانان دوزخ وجود ندارد .

و قال الذین فی النار لخزنه جهنّم ادعوا ربّکم یخفّف عنّا یومًا من العذاب

از این که دوزخیان حاجت خود را تنها برای نگهبانان جهنم مطرح می کنند، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

ویژگیهای جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۲۳ – ۴

۴ – ظلم ، مهم ترین مشخصه دوزخیان

احشروا الذین ظلموا. .. فاهدوهم إلی صرط الجحیم

توصیف مشرکان دوزخی به ستم پیشگان، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۹ - ۱

۱ - تقلید از پدران و اجداد در عقاید دینی باطل و مبانی فکری غلط ، از ویژگی های دوزخیان ستمگر

إنّهم ألفوا ءاباءهم ضالّين

مفسران برآنند که در این جا ظاهر آیه شریفه (کافران پداران شان را گمراه یافتند) مراد نیست; بلکه این خداوند

است که آنان را گمراه خوانده است و کافران تنها پدران خود را بر آیینی یافتند و بی تأمل و اندیشه از آنان تقلید کردند. مفاد این آیه، مانند مفاد آیه ۲۳ سوره زخرف است که می فرماید: <إنّا وجدنا ءاباءنا علی امّه و إنّا علی ءاثارهم مقتدون>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۹ - ۲

۲- زورمداری ، برتری جویی و اشرافی گری در دنیا ، از ویژگی های عمده گنه کاران دوزخی

ذق إنّک أنت العزیز الکریم

تحقیر، تمسخر و توبیخ شدن دوزخیان، با تعابیر <العزیز> و <الکریم>، اشعار به این نکته دارد که تحقیرشوندگان، از جمله کسانی اند که در دنیا برای خویش عزت و جایگاهی رفیع قائل بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۱ - ۵

۵ - بی باکی در برابر خدا و سرکشی در مقابل وحی ، ویژگی دوزخیان

لایستوی أصحب النار و . .. لو أنزلنا هذا القرءان علی جبل لرأیته خشعًا

با استفاده از ارتباط این آیه و آیه قبل، و تعریضی که این آیه نسبت به تأثیرناپذیران از آیات وحی دارد، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۸ - ۲

۲ - زراندوزی ، از ویژگی های مجرمان دوزخی

و جمع فأوعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۷ - ۱

۱ - دوزخیان ، در سراسر عمرشان ، هرگز به تکلیف نماز و اطعام مساکین نپرداخته اند و عمر خود را به بطالت

و تکذیب روز جزا گذرانده اند .

قالوا لم نک من المصلّین . .. و کنّا نکذّب بیوم الدین . حتّی أتینا الیقین

مقصود از<یقین> مرگ است که حقیقتی یقینی و تردیدناپـذیر برای تمـامی انسـان هـا است. آمـدن فعـل هـای <لم نک>، <نخوض> و <نکذّب> به صورت فعل مضارع اشعار دارد که این اعمال از سوی دوزخیان، امری مستمر و مکرر بوده است.

ویژگیهای خوردنیهای جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۷ - ۳

۳ - خوردن گیاه < ضریع > ، دوزخیان را از گرسنگی نجات نخواهد داد .

و لایغنی من جوع

هشدار به جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۰ - ۳

۳ - افزایش مداوم عذاب ، هشدار خداوند به جهنمیان

فلن نزیدکم إلاّ عذابًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۴ - ۴

۴ - تعهّد خداوند به هدایت انسان ها ، دلیل هشدار های او به آنان درباره خطر گرفتاری به آتش جهنم است .

إنّ علینا للهدی . .. فأنذرتکم نارًا تلظّی

حرف <فـاء> در <فأنـذرتکم>، آن را بر <إنّ علینـا للهـدی> تفریع کرده است; یعنی، حال که هـدایت بر عهـده ما است، پس انذار کرده و بیم می دهیم.

همنشین جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۷ – ۴

۴ – < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < و إذا النفوس زوّجت > قـال : أمّـا أهـل الجنّه فزوّجوا الخیرات و الحسان و أمّا أهل النار فمع

كلّ إنسان منهم شيطان ;

از امام باقر(ع) در تفسير قول خداوند <و إذا النفوس زوّجت> روايت شده كه فرمود: اهل بهشت با زنان زيبا و نيكو خلق ازدواج مى كنند و اما اهل آتش، با هر انسانى از آنان شيطانى[قرين] است>.

هولناكى جهنميان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۷ - ۵

۵ راهيان بهشت پس از مشاهده وضعيت نابهنجار دوزخيان و منظره هولناك دوزخ ، به دعا خواهند پرداخت

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحب النار قالوا ربنا

يأس جهنميان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۷ - ۲

۲ - يأس كافران از نجات و رهايى ، پس از قرار گرفتن در تنگناى عذاب جهنم

عذاب شديد إذا هم فيه مبلسون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۹ - ۳

۳ - نااميدى دوزخيان از نجات كامل خود از عذاب جهنم و يا تخفيف و بخشش عمده آن

ادعوا ربّكم يخفّف عنّا يومًا من العذاب

دوزخيان، از نگهبانان جهنم درخواست تخفيف تنها يك روز و اندكى از عذاب خود را دارند. از اين نكته مى توان برداشت ياد شده را به دست آورد.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آيا كسانى كه مى‌دانند و كسانى كه نمى‌دانند يكسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
اصفهان
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹